



www.
www.
www.
www.

Ghaemiyeh

.com
.org
.net
.ir



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ترجمه قرآن کریم - انصاریان

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	ترجمه قرآن کریم استاد انصاریان
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	جزء ۱
۱۲	سوره الفاتحه
۱۳	سوره البقره
۳۶	جزء ۲
۳۶	ادامه سوره البقره
۵۷	جزء ۳
۵۷	ادامه سوره البقره
۶۵	سوره آل عمران
۸۰	جزء ۴
۸۰	ادامه سوره آل عمران
۹۷	سوره النساء
۱۰۲	جزء ۵
۱۰۲	ادامه سوره النساء
۱۲۴	جزء ۶
۱۲۴	ادامه سوره النساء
۱۲۹	سوره المائدہ
۱۴۵	جزء ۷
۱۴۵	ادامه سوره المائدہ
۱۵۲	سوره الأنعام
۱۷۰	جزء ۸
۱۷۰	ادامه سوره الأنعام

١٩٣	جزء ٩	ادامه سورة الأعراف
٢١٢	سورة الأنفال	
٢١٨	جزء ١٠	
٢١٨	ادامه سورة الأنفال	
٢٢٤	سورة التوبه	
٢٣٩	جزء ١١	
٢٣٩	ادامه سورة التوبه	
٢٤٦	سورة يونس	
٢٦٢	سورة هود	
٢٦٣	جزء ١٢	
٢٦٣	ادامه سورة هود	
٢٨١	سورة يوسف	
٢٨٨	جزء ١٣	
٢٨٨	ادامه سورة يوسف	
٢٩٧	سورة الرعد	
٣٠٥	سورة ابراهيم	
٣١٣	جزء ١٤	
٣١٣	سورة الحجر	
٣٢٣	سورة النحل	
٣٤٢	جزء ١٥	
٣٤٢	سورة الإسراء	
٣٥٨	سورة الكهف	
٣٦٩	جزء ١٦	
٣٦٩	ادامه سورة الكهف	

٣٧٤	سورة مريم
٣٨٦	سورة طه
٤٠٢	جزء ١٧
٤٠٢	سورة الأنبياء
٤١٦	سورة الحج
٤٢٨	جزء ١٨
٤٢٨	سورة المؤمنون
٤٤٢	سورة النور
٤٥٣	سورة الفرقان
٤٥٦	جزء ١٩
٤٥٦	ادامه سورة الفرقان
٤٦٣	سورة الشعرا
٤٨٧	سورة النمل
٤٩٤	جزء ٢٠
٤٩٤	ادامه سورة النمل
٤٩٩	سورة القصص
٥١٣	سورة العنكبوت
٥١٩	جزء ٢١
٥١٩	ادامه سورة العنكبوت
٥٢٣	سورة الروم
٥٣١	سورة لقمان
٥٣٦	سورة السجدة
٥٤٠	سورة الأحزاب
٥٤٥	جزء ٢٢
٥٤٥	ادامه سورة الأحزاب
٥٥٢	سورة سباء

٥٦٠	سورة فاطر
٥٦٧	سورة يس
٥٧٠	٢٣ جزء
٥٧١	ادامه سورة يس
٥٧٧	سورة الصافات
٥٩٦	سورة ص
٦٠٧	سورة الزمر
٦١٢	٢٤ جزء
٦١٢	ادامه سورة الزمر
٦١٨	سورة غافر
٦٣٠	سورة فصلت
٦٣٧	٢٥ جزء
٦٣٧	ادامه سورة فصلت
٦٣٨	سورة الشورى
٦٤٦	سورة الزخرف
٦٥٧	سورة الدخان
٦٦٤	سورة الجاثية
٦٦٩	٢٦ جزء
٦٦٩	سورة الأحقاف
٦٧٤	سورة محمد
٦٨٠	سورة الفتح
٦٨٥	سورة الحجرات
٦٨٨	سورة ق
٦٩٣	سورة الذاريات
٦٩٧	٢٧ جزء
٦٩٧	ادامه سورة الذاريات

٧٠٠	سورة الطور
٧٠٦	سورة النجم
٧١٢	سورة القمر
٧١٩	سورة الرحمن
٧٢٧	سورة الواقعة
٧٣٧	سورة الحديد
٧٤٢	٢٨ جزء
٧٤٢	سورة المجادلة
٧٤٦	سورة الحشر
٧٤٩	سورة الممتحنة
٧٥٢	سورة الصاف
٧٥٤	سورة الجمعة
٧٥٦	سورة المنافقون
٧٥٧	سورة التغابن
٧٦٠	سورة الطلاق
٧٦٢	سورة التحرير
٧٦٤	٢٩ جزء
٧٦٥	سورة الملك
٧٦٨	سورة القلم
٧٧٤	سورة الحاقة
٧٨٠	سورة المعارج
٧٨٤	سورة نوح
٧٨٧	سورة الجن
٧٩١	سورة المزمل
٧٩٣	سورة المدثر
٧٩٩	سورة القيامة

٨٠٣	سورة الانسان
٨٠٧	سورة المرسلات
٨١٢	٣٠ جزء
٨١٢	سورة النبأ
٨١٦	سورة النازعات
٨٢١	سورة عبس
٨٢٥	سورة التكوير
٨٢٨	سورة الإنطمار
٨٣٠	سورة المطففين
٨٣٤	سورة الإنشقاق
٨٣٧	سورة البروج
٨٣٩	سورة الطارق
٨٤١	سورة الأعلى
٨٤٣	سورة الغاشية
٨٤٦	سورة الفجر
٨٤٩	سورة البلد
٨٥١	سورة الشمس
٨٥٣	سورة الليل
٨٥٥	سورة الضحى
٨٥٦	سورة الشرح
٨٥٧	سورة التين
٨٥٨	سورة العلق
٨٥٩	سورة القدر
٨٦٠	سورة البينة
٨٦١	سورة الزلزلة
٨٦٢	سورة العاديات

٨٦٤	سورة القارعة
٨٦٥	سورة التكاثر
٨٦٦	سورة العصر
٨٦٧	سورة الهمزة
٨٦٨	سورة الفيل
٨٦٩	سورة قريش
٨٧٠	سورة الماعون
٨٧١	سورة الكوثر
٨٧٢	سورة الكافرون
٨٧٣	سورة النصر
٨٧٤	سورة المسد
٨٧٥	سورة الإخلاص
٨٧٦	سورة الفلق
٨٧٧	سورة الناس
٨٧٨	درباره مركز

ترجمه قرآن کریم استاد انصاریان

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی : قرآن، فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : قرآن کریم / خط سید عبدالمهدی حسن زاده؛ مترجم حسین انصاریان.

مشخصات نشر : تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهري : ۶۱۶ ص..مس ۹/۵×۱۹

شابک : ۹۷۸-۰-۶۰۰-۵۵۶۲-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : قرآن -- ترجمه ها

شناسه افزوده : انصاریان، حسین، مترجم

شناسه افزوده : حسن زاده، سید عبدالمهدی، ۱۳۳۱ - ، خوشنویس

رده بندی کنگره : BP59/66 الف ۱۳۹۳ ث

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۳۷۳۰۶

ص: ۱

جزء ۱

سوره الفاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی. (۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

همه ستایش‌ها، ویژه خدا، مالک و مربی جهانیان است. (۲)

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۴)

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۵)

مالک و فرمانروای روز پاداش و کیفر است. (۶)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۷)

[پروردگار!] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم. (۸)

اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۹)

ما را به راه راست راهنمایی کن. (۱۰)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۱۱)

راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر لیاقت‌شان] به آنان نعمت [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسن] عطا کردی، هم آنان که نه مورد خشم تواند و نه گمراه اند. (۱۲)

ص: ۱

سورة البقرة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَ (۱۳)

الْم (۱۴)

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبٌ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ (۱۵)

در [وحی بودن و حقائیت] این کتاب [با عظمت] هیچ شکی نیست؛ سراسر ش برای پرهیز کاران هدایت است. (۱۶)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْعِيْنِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۱۷)

آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را برابر پا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، اتفاق می کنند. (۱۸)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (٤)

و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده، مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند. (۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آناند که از سوی پروردگارشان بر [راه] هدایت اند و آناند که رستگارند. (۵)

ص: ۲

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَنَذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶)

بی تردید برای کسانی که [به خدا و آیاتش] کافرند مساوی است چه [از عذاب] بیمیشان دهی یا بیمیشان ندهی، ایمان نمی آورند. (۶)

خَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاؤهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷)

خدا [به کیفر کفرشان] بر دل ها و گوش هایشان مهرب [تیره بختی] نهاده، و بر چشم هایشان پرده ای [از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی بینند]، و برای آنان عذابی بزرگ است. (۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۸)

و گروهی از مردم [که اهل نفاق اند] می گویند: ما به خدا و روز قیامت ایمان آوردهیم، در حالی که آنان مؤمن نیستند. (۸)

يُحَادِّعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَحْدَدُونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۹)

[به گمان باطلشان] می خواهند خدا و اهل ایمان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند، ولی [این حقیقت را] درک نمی کنند. (۹)

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْنِيُونَ (۱۰)

در دل آنان بیماری [سختی از نفاق] است، پس خدا به کیفر نفاقشان بر بیماریشان افزود، و برای آنان در برابر آنچه همواره دروغ می گفتند، عذابی دردناک است. (۱۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)

چون به آنان گویند: در زمین فساد نکنید، می گویند: فقط ما اصلاح گریم! (۱۱)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنَ لَا يَشْعُرُونَ (١٢)

آگاه باشد! یقیناً خود آنان فساد گردند، ولی در ک نمی کنند. (۱۲)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَئُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

چون به آنان گویند: ایمان آورید چنان که دیگر مردم ایمان آوردن می گویند: آیا ما هم مانند سبک مغزان ایمان آوریم؟ آگاه باشد! قطعاً اینان خود سبک مغزانند، ولی [از شدت کوردلی به این حقیقت] آگاه نیستند. (۱۳)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ (۱۴)

و هنگامی که با اهل ایمان دیدار کنند، گویند: ما ایمان آوردیم و چون با شیطان هایشان [که سران شرک و کفرند] خلوت گزینند، گویند: بدون شک ما با شماییم، جز این نیست که ما [با تظاهر به ایمان] آنان را مسخره می کنیم. (۱۴)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَمُهُونَ (۱۵)

خدا آنان را [به کیفر این کار منافقانه در دنیا و آخرت] عذاب خواهد کرد، و آنان را در سرکشی و تجاوزشان مهلت می دهد [تا در گمراهی شان] سرگردان و حیران بمانند. (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحُتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۶)

آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت خریدند، پس تجارتشان سود نکرد و از راه یافتگان [به سوی حق] نبودند. (۱۶)

ص: ۳

مَثُلُهُمْ كَمَثْلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَصَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمَاتٍ لَا يُبَصِّرُونَ (۱۷)

سرگذشت آنان مانند کسانی است که [در شب بسیار تاریک بیابان] آتشی افروختند [تا در پرتو آن خود را از خطر نجات دهند]، چون آتش پیرامونشان را روشن ساخت، خدا [به وسیله توفانی سهمگین] نورشان را خاموش کرد و آنان را در تاریکی هایی که مطلقاً نمی دیدند واگذاشت. (۱۷)

صُمُّ بُكْمُ عُمُّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸)

کر و لال و کورند، به این سبب آنان [از گمراهی و ضلالت به سوی هدایت و حقیقت] بازنمی گردند. (۱۸)

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمِاءِ فِيهِ ظُلْمَاتٌ وَرَعِيدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَيْبَعَهُمْ فِي آذِنِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حِذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹)

یا [سر گذشت آنان] سر گذشت [دچار شد گان به] رگباری شدید از آسمان است که در آن تاریکی ها و رعد و برقی است، [آنان] انگشتانشان را از [صدای هولناک] صاعقه ها به خاطر بیم مرگ در گوش هایشان می گذارند [در حالی که راه گریزی از مرگ برای آنان نیست] و خدا به کافران احاطه [همه جانبه] دارد. (۱۹)

يَكَادُ الْبِرْقُ يَخْطُفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَصَاءَ لَهُمْ مَشْوِأَ فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسِعْمَهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

نژدیک است که آن برق [بسیار رخشندۀ، روشنی] چشم های آنان را برباید؛ زمانی که آنان را روشنی دهد، در آن روشنی راه می روند و چون محیط را بر آنان تاریک کند، می ایستند و اگر خدا می خواست [شناوی] گوش و [بینای] چشم آنان را نابود می کرد؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست. (۲۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱)

ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده است، بپرستید تا [با پرستیدن او] پروا پیشه شوید. (۲۱)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بَيْسَاءَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مِاءً فَأَحْرَجَ بِهِ مِنَ الشَّمَراتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لَهُ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

آن پروردگاری که زمین را برای شما بستره گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان، آبی [مانند برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه های گوناگون، رزق و روزی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا شریکان و همتایانی قرار ندهید در حالی که می دانید [برای خدا در آفریدن و روزی دادن، شریک و همتایی وجود ندارد]. (۲۲)

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مُّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۳)

و اگر در آنچه ما بر بنده خود [محمد (صلی الله علیه وآلہ)] نازل کرده ایم، شک دارید [که وحی الهی است یا ساخته بشر] پس سوره ای مانند آن را بیاورید، و [برای این کار] غیر از خدا، شاهدان و گواهان خود را [از فصحا و بلغای بزرگ عرب به یاری] فرا خوانید، اگر [در گفتار خود که این قرآن ساخته بشر است نه وحی الهی] [راستگویید]. (۲۳)

فَإِنْ لَمْ تَفْعُلُوا وَلَنْ تَفْعُلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتُ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)

و اگر این کار را انجام ندادید که هرگز نمی توانید انجام دهید بنابراین از آتشی که هیزمش مردم و سنگ هایند، بپرهیزید؛ آتشی که برای کافران آماده شده است. (۲۴)

مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)

و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته [چون عبادت حق و خدمت به خلق] انجام داده اند، مژده ده که بهشت هایی ویژه آنان است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است؛ هرگاه از آن بهشت ها میوه ای آماده به آنان دهنده، گویند: این همان است که از پیش روزی ما نمودند، و از میوه های گوناگون که [در طعم و گوارایی و زیبایی] شبیه هم است، نزد آنان آورند؛ در آنجا برای ایشان همسرانی پاکیزه [از هر آلدگی] است؛ و در آن بهشت ها جاودانه اند. (۲۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعْوضَهُ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحُقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضَلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (۲۶)

بی تردید خدا [برای فهماندن مطلبی به مردم] از اینکه به پشه و فراتر از آن [در کوچکی] مثل بزنده، شرم نمی کند؛ اما اهل ایمان آگاهند که آن مثل از سوی پروردگارشان درست و حق است و اما کافران می گویند: خدا از این مثل چه اراده کرده است؟! خدا بسیاری را به آن مثل [به خاطر عدم دقت و مطالعه] گمراه می کند، و بسیاری را به آن مثل [به سبب درک صحیح] هدایت می نماید؛ و جز فاسقان را به آن گمراه نمی کند. (۲۶)

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيَاثِيقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمْرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۲۷)

آنان کسانی هستند که پیمان خدا را [که توحید و وحی و نبوت است] پس از استواری اش [با دلایل عقلی و علمی و براهین منطقی با عدم وفای به آن] می شکنند و آنچه را خدا پیوند خوردن به آن را فرمان داده است [مانند پیوند با پیامبران و کتابهای آسمانی و اهل بیت طاهرین و خویشان] قطع می نمایند و در زمین تباہی و فساد بر پا می کنند، آناند که زیانکارند. (۲۷)

كَيْفَ تَكُفُّرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمْتَكِّنُكُمْ ثُمَّ يُحْيِكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸)

چگونه به خدا کفر می ورزید در حالی که [پیش از دمیده شدن روح به کالبدتان ترکیبی از عناصر] مرده بودید، پس شما را حیات بخشید، سپس شما را می میراند، آن گاه دوباره زنده می کند، سپس به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَاهُنَّ سَبَعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹)

اوست که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید، سپس آفرینش آسمان را [که به صورت ماده ای دود مانند بود] اراده کرد و آن را به شکل هفت آسمان [همراه با نظامی استوار] درست و نیکو قرار داد؛ و او [به قوانین و محاسبات] همه چیز داناست. (۲۹)

ص: ۵

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيْهَا وَيَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَنَحْنُ نَسْبَحُ بِحَمْدِكَ وَنُنَقَّدُسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)

و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می دهی که در آن به فساد و تباہی برخیزد و به ناحق خون ریزی کند و حال آن که ما تو را همواره با ستایش تسبیح می گوییم و تقدیس می کنیم. [پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین اسراری] می دانم که شما نمی دانید. (۳۰)

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۱)

و خدا همه نام ها [ی موجودات] را به آدم آموخت؛ سپس [هویت و حقایق ذات موجودات را] به فرشتگان ارائه کرد و گفت: مرا از نام های ایشان خبر دهید، اگر [در ادعای سزاوار بودن تان به جانشینی] راستگویید. (۳۱)

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۳۲)

گفتند: تو از هر عیب و نقصی متزهی، ما را دانشی جز آنچه خودت به ما آموخته ای نیست، یقیناً تویی که بسیار دانا و حکیمی. (۳۲)

قالَ يَا آدُمْ أَنِبِّهُمْ بِأَسْيَمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَاهُمْ بِأَسْيَمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقْلُ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبَيِّدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۳۳)

[خدا] فرمود: ای آدم! فرشتگان را از نام های آنان خبر ده. پس هنگامی که نام هایشان را به فرشتگان خبر داد [خدا] فرمود: آیا به شما نگفتم که من یقیناً نهان آسمان ها و زمین را می دانم، و به آنچه شما آشکار می کنید و به آنچه پنهان می دارید، دانایم؟ (۳۳)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۳۴)

و [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، [پس] سجده کردند مگر ابليس که سر پیچید و تکبر ورزید و از کافران شد. (۳۴)

وَقُلْنَا يَا آدُمْ اشْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۳۵)

و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید و از هر جای آنکه خواستید فراوان و گوارا بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید که [اگر نزدیک شوید] از ستمکاران خواهد شد. (۳۵)

فَأَرَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقْرٌ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۳۶)

پس شیطان، هر دو را از [طریق] آن درخت لغزانید و آنان را از آنچه در آن بودند [چه مقام و مرتبه معنوی، و چه منزلت و جایگاه ظاهری] بیرون کرد. و ما گفتیم: [ای آدم و حوا و ای ابليس!] در حالی که دشمن یکدیگرید [و تا ابد، بین شما آدمیان

و ابليسیان صلح و صفائی نخواهد بود، از این جایگاه] فرود آید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدتی معین، وسیله بهرهوری اندکی خواهد بود. (۳۶)

فَتَلَقَّى آدُمْ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ (۳۷)

پس آدم کلماتی را] مانند کلمه استغفار و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) که مایه توبه و بازگشت بود] از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگار [توبه اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۳۷)

ص: ۶

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِنَكُمْ مُّنِيْهِ دَهْدَى فَمَنْ تَبَعَ هُدَى فَلَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرَنُونَ (۳۸)

گفتیم: همگی از آن [مرتبه و مقام] فرود آید؛ چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، پس کسانی که از هدایتم پیروی کنند نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۹)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتشند و در آن جاودانه اند. (۳۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأُوفُوا بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّاهُ فَارْهَبُونِ (۴۰)

ای بنی اسرائیل! نعمت های مرا که به شما عطا کردم، یاد کنید و به پیمانم [که سفارش به عبادت و ایمان به همه انبیا به ویژه پیامبر اسلام است] وفا کنید تا من هم به پیمان شما [که توقع ثواب و پاداش در برابر عبادت و ایمان است] وفا کنم، و [نسبت به پیمان شکنی] فقط از من بترسید. (۴۰)

وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرِيهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّاهُ فَاتَّقُونِ (۴۱)

وبه آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ام که تصدیق کننده [تورات و انجیلی] است که با شماست، ایمان آورید و نخستین کافر به آن نباشید [که نسل به نسل پس از شما به پیروی از شما به آن کافر شوند] و آیاتم را [در تورات که او صاف محمد و قرآن در آن است، با تغییر دادن و تحریف کردن] به بهایی ناقیز نفوروشید، و فقط از من پروا کنید. (۴۱)

وَلَا تَلِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۲)

و حق را با باطل مخلوط نکنید [تا تشخیص دادنشان بر مردم جویای حق دشوار نشود]، وحق را [که قرآن و پیامبر است] در حالی که می دانید [و می شناسید، از مردم] پنهان نکنید. (۴۲)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاهَ وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّاعِيْنَ (۴۳)

و نماز را برابر دارید، و زکات پردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید [که نماز خواندن با جماعت محبوب خداست].

(۴۳)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسُؤُنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَثْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴)

آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را [در ارتباط با نیکی] فراموش می‌کنید؟ در حالی که کتاب [تورات را که باشدت به نیکی دعوتتان کرده] می‌خوانید. آیا [به وضع زیان بار و خطرناک خود] نمی‌اندیشید؟ (۴۴)

وَاسْتَعِنُوا بِالصَّابِرِ وَالصَّلَاهِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاصِيَّةِ (۴۵)

از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی‌ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهید و بی تردید این کار جز بر کسانی که در برابر حق قلبی فروتن دارند دشوار و گران است. (۴۵)

الَّذِينَ يَظْنُنُونَ أَنَّهُمْ مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۴۶)

[دارندگان قلب فروتن] کسانی هستند که یقین دارند دیدار کننده [قيامت و پاداش] پروردگارشان می‌باشد و قطعاً به سوی او باز می‌گردند. (۴۶)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا بِغَمْتَى الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۷)

ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید، (۴۷)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُنْ يُنْصَرُونَ (۴۸)

و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می‌کند، و نه از کسی شفاعتی می‌پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیه و عوضی می‌گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می‌شوند. (۴۸)

صفحه ۷

وَإِذْ تَجَنَّبَنَا كُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسْوُمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيِيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۴۹)

و [یاد کنید] آن گاه که شما را از [سیطره حکومت ظالمانه] فرعونیان نجات دادیم؛ آنان که همواره شما را به سخت ترین صورت شکنجه می‌کردند، پسран شما را سر می‌بریدند و زنان شما را [برای بیگاری و کنیزی] زنده می‌گذاشتند. و در این سختی‌ها و مشکلات آزمایشی بزرگ از سوی پروردگار تان بود. (۴۹)

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَانْجَنَبَنَا كُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۰)

و [یاد کنید] هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم، پس شما را نجات دادیم و فرعونیان را در حالی که می‌دیدید، غرق

کردیم. (۵۰)

وَإِذْ وَاعْدَنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (۵۱)

و [یاد کنید] زمانی که [برای نازل کردن تورات] چهل شب با موسی و عده گذاشتیم، سپس شما بعد از [غایب شدن] او گوواله را معبد خود گرفتید، در حالی که [به سبب این کار بسیار زشت] ستمکار بودید. (۵۱)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۲)

سپس بعد از آن [کار زشت] از [گناه] شما در گذاشتیم، تا سپاس گزاری کنید. (۵۲)

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۵۳)

و [یاد کنید] هنگامی که به موسی، کتاب و میزان جدا کننده [حق از باطل] عطا کردیم تا هدایت یابید. (۵۳)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتْخَادِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ (۵۴)

و [یاد کنید] زمانی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! قطعاً شما به سبب معبد گرفتن گوواله به خودتان ستم ورزیدید، پس به سوی آفریننده خود باز گردید، و [افرادی از] خودتان را [که گوواله را به پرستش گرفتند] بکشید که این [عمل] برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است. پس خدا [به دنبال اجرا کردن دستورش] توبه شما را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۵۴)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرًا فَأَخَذَتُكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۵)

و [یاد کنید] آن گاه که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا [با چشم خود] بیینیم. پس صاعقه مرگبار شما را گرفت، در حالی که می دیدید. (۵۵)

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۶)

سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا سپاس گزاری کنید. (۵۶)

وَظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيَّاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۵۷)

و [در صحرای سوزان سینا] ابر را بر سر شما سایبان قرار دادیم؛ و بر شما گزانگیین و بلدرچین نازل کردیم؛ [و گفتیم:] از خوراکی های پاک و پاکیزه ای که روزی شما قرار داده ایم بخورید. و آنان [در تجاوز و طغیانشان و ناسپاسی و کفرانشان] بر ما ستم نکردند، بلکه همواره بر خود ستم می ورزیدند. (۵۷)

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقُرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغْدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطْهُ نَعْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَيَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

و [یاد کنید] هنگامی را که گفتیم: به این شهر [بیت المقدس] وارد شوید، و از نعمت‌های آن هر چه خواستید، فراوان و گوارا بخورید و از دروازه [شهر یا در معبد] فروتنانه و سجده کنان درآید و بگویید: [خدایا! خواسته ما] ریزش گناهان ماست، تا گناهاتنان را بیامزیم و به زودی [پاداش] نیکوکاران را بیفزایم. (۵۸)

فَبَدَلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا عَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِبْعًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُدُونَ (۵۹)

ولی ستمکاران، سخنی را که [بیرون دروازه شهر] به آنان گفته شده بود [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر تبدیل کردند [به جای درخواست ریزش گناهان، درخواست امور مادی کردند]. ما هم بر ستمکاران به سبب آنکه همواره نافرمانی می‌کردند، عذابی از آسمان فرود آوردیم. (۵۹)

وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اصْرِبْ بَعْصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أَنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرُبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۶۰)

و [یاد کنید] آن گاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، پس گفتیم: عصایت را به این سنگ بزن. پس دوازده چشمۀ از آن جوشید به طوری که هر گروهی [از دوازده گروه بنی اسرائیل] چشمۀ ویژه خود را شناخت. [و گفتیم]: از روزی خدا بخورید و بیاشامید و تبهکارانه در زمین فتنه و آشوب بر پا نکنید. (۶۰)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصِيرَ عَلَى طَعَامِ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلَهَا وَقَثَائِهَا وَفُوْمَهَا وَعَدَسَهَا وَبَصَصَهَا لِهَا قَالَ أَتَسْتَبِدُلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرِهَا إِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَلُ وَالْمَسَى كَهْ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النِّسَاءَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۶۱)

و [یاد کنید] هنگامی که گفتیم: ای موسی! ما هرگز بر یک نوع غذا صبر نمی‌کنیم، پس از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می‌رویاند از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیازش را برای ما آماده کن. [موسی] گفت: آیا شما به جای غذای بهتر، غذای پست تر را می‌خواهید؟! [اکنون که چنین درخواست ناروایی دارید] به شهری فرود آید که آنچه خواستید، برای شما آماده است. و [DAG] خواری و بیچارگی و نیاز بر آنان زده شد و سزاوار خشم خدا شدند؛ این [خواری و خشم] به سبب آن بود که آنان همواره به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتد؛ این [کفرورزی و کشتن پیامبران] به علت آن بود که [از فرمان من] سرپیچی نمودند و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می‌کردند. (۶۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَيَّادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِرِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْمَآخِرِ وَعَمِّلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا حَوْفٌ

مسلمان کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردن، و یهودی ها و نصرانی ها و صابئی ها هر کدامشان [از روی حقیقت] به خدا و روز قیامت ایمان آورند و کار شایسته انجام دهنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (٦٢)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَإِذْ كُرُوا مَا فِيهِ لَعْلَكُمْ تَتَّقُونَ (٦٣)

و [یاد کنید] هنگامی که از شما [بر پیروی از حق] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم، [و گفتیم:] آنچه را [از آیات کتاب آسمانی] به شما داده ایم، با قدرت و قوت دریافت کنید، و آنچه را در آن است [برای اجرا کردن] به یاد داشته باشید تا پرهیز کار شوید. (٦٣)

ثُمَّ تَوَلَّتُمُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٦٤)

آن گاه بعد از [پیمان گرفتن، از وفاکردن به آن] سرپیچی کردید، و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، قطعاً از زیانکاران بودید. (٦٤)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اغْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبَبِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِرِينَ (٦٥)

بی تردید شما [سرگذشت] کسانی از هم مسلکان خود را که در روز شنبه [از فرمان خدا که صید ماهی را حرام کرده بود] عصیان ورزیدند دانستید که [به کیفر عصیانشان] به آنان نهیب زدیم که به صورت بوزینگانی خوار و رانده شده درآید. (٦٥)

فَاجْعَلْنَاهَا نَكَالًا لَمَا بَيْنَ يَدِيهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (٦٦)

در نتیجه، آن [مجازات] را عبرتی برای کسانی که شاهد حادثه بودند، و کسانی که بعد از آنان می آیند، و پندی برای پرواپیشگان قرار دادیم. (٦٦)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَخِذُنَا هُزُوًّا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (٦٧)

و [یاد کنید] زمانی که موسی به قومش گفت: خدا به شما فرمان می دهد گاوی را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را مسخره می کنی؟! گفت: به خدا پناه می برم از اینکه از نادانان باشم. (٦٧)

قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَاقْعُلُوا مَا تُؤْمِرُونَ (٦٨)

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما بیان کند که آن گاو چگونه گاوی باشد؟ گفت: او می فرماید که آن گاوی است نه پیر از کارمنده، نه جوان نارسیده، [بلکه] گاوی میان این دو نوع گاو است. پس آنچه را به آن فرمان داده اند، انجام دهید. (٦٨)

قالُوا اذْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُ النَّاظِرِينَ (۶۹)

گفتند: از پروردگارت بخواه که برای ما توضیح دهد رنگش چگونه باشد؟ گفت: خدا می گوید: گاوی است زرد و رنگش روشن که بینندگان را شاد و مسرور می کند. (۶۹)

ص: ۱۰

قالُوا اذْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَيْنَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (۷۰)

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما بیان کند که [نهایتاً آن گاو] چه گاوی است؟ زیرا این گاو بر ما مُبهم و مُشتبه شده، و اگر خدا بخواهد [به شناخت آن] هدایت خواهیم شد. (۷۰)

قالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَهُ لَأَذْلُولُ تُشِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْيِقِي الْحَرْثَ مُسْلَمَهُ لَا شِيهَ فِيهَا قَالُوا الْأَنَّ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (۷۱)

گفت: او می گوید: گاوی است که نه رام است تا زمین را شخم زند و نه زراعت را آبیاری نماید، [از هر عیب و نقصی] سالم است، و رنگی مخالف رنگ اصلی در آن نیست، گفتند: اکنون حق را برای ما آوردي. پس آن را ذبح کردند، در حالی که نزدیک بود فرمان خدا را اجرا نکنند!! (۷۱)

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَارْأَتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُتُبْتُمْ تَكْنُمُونَ (۷۲)

و [یاد کنید] هنگامی که کسی را کشتید و درباره [قاتل] او به نزاع و ستیز برخاستید؛ و خدا آشکار کننده چیزی است که پنهان می داشتید. (۷۲)

فَقُلْنَا اسْرِبُوهُ بِعِضِهَا كَذَلِكَ يُحِيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۷۳)

پس گفتیم: پاره ای از آن [گاو ذبح شده] را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتل را معرفی کند]. خدا مردگان را این گونه زنده می کند و نشانه های [قدرت و ربویت] خود را به شما نشان می دهد، تا بیندیشید. (۷۳)

ثُمَّ قَسْتُ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهَىَ كَالْحِجَارَهُ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَهُ وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَهِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشِيهِ اللَّهُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۷۴)

سپس دل های شما بعد از آن [معجزه شگفت انگیز] سخت شد، مانند سنگ یا سخت تر؛ زیرا پاره ای از سنگ هاست که از آنها نهرها می جوشد، و پاره ای از آنها می شکافد و آب از آن بیرون می آید، و پاره ای از آنها از ترس خدا [از بلندی] سقوط می کند؛ و خدا از آنچه انجام می دهد بی خبر نیست. (۷۴)

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵)

آیا [شما مردم مؤمن] امید دارید که [آن سخت دلان] به [دین] شما ایمان بیاورند؟ در حالی که گروهی از آنان کلام خدا را همواره می شنیدند، سپس بعد از آنکه [معنا و مفهومش را] درک می کردند، [به سبب دنیاطلبی و امور مادی] به دلخواه خود تغییرش می دادند، در صورتی که می دانستند [به کلام خدا و به مردم جویای حق خیانت می کنند]. (۷۵)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَا وَإِذَا حَلَّا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتَحْمِدُ ثُوَّنَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لَيْحَاجُو كُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۷۶)

و هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند، می گویند: ما ایمان آوردیم. و چون با هم خلوت می کنند [از روی اعتراض و ایراد] به یکدیگر می گویند: چرا حقایقی را که خدا [در تورات درباره پیامبر اسلام] برای شما بیان کرده به مؤمنان می گویید تا [روز قیامت با این حقایق] در پیشگاه پروردگار تان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا تعقل نمی کنید [که نباید زمینه استدلال بر ضد خود را در اختیار مؤمنان گذارید؟!] (۷۶)

ص: ۱۱

أَوْلَى يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۷)

آیا [آن سخت دلان] نمی دانند که خدا آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند، می داند؟! (۷۷)

وَمِنْهُمْ أُمَّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانَىٰ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظْهُرُونَ (۷۸)

و گروهی از یهود، که جاهل و بی سوادند [غیر از تورات فعلی] که جز بافته های دروغین [عالمان خائن آنان نیست] نمی دانند، و حال آن که [در امر دین به سبب عدم تحقیق و دنبال نکردن علم و دانش] فقط در مسیر گمان و خیال واهی قدم بر می دارند. (۷۸)

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَيْدَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيَسْتُرُوا بِهِ ثَمَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُمْ مَمَّا كَتَبْتُ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مَمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹)

پس وای بر کسانی که با دست هاشان نوشته ای را می نویسند، سپس می گویند: این [نوشته] از سوی خداست. تا با این [کار رشت و خائنه] بهایی ناچیز به دست آورند؛ پس وای بر آنان از آنچه دست هاشان نوشتم، و وای بر آنان از آنچه به دست می آورند. (۷۹)

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةٍ قُلْ أَتَتَحَذَّرُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۰)

و گفتند: آتش [دو ZX] جز چند روزی به ما نمی رسد. بگو: آیا [بر این عقیده خود] از نزد خدا پیمانی گرفته اید؟ که هر گز خدا از آن پیمان تخلّف نخواهد کرد، یا جاهلانه چیزی را به خدا نسبت می دهید؟ (۸۰)

بَلِّي مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٨١)

[نه چنین است که می گویید] بلکه کسانی که مرتكب گناه شدند و آثار گناه، سراسر وجودشان را فرا گرفت، آنان اهل آتشند و در آن جاودانه اند. (٨١)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٨٢)

و کسانی که ایمان آوردن و کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند. (٨٢)

وَإِذْ أَخَمَدْنَا مِيقَاتَ يَبْنِ إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبِدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنَا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّتِمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُغْرِضُونَ (٨٣)

و [یاد کنید] زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان ویتیمان و مستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش زبانی سخن گویید، و نماز را برابر پا دارید، و زکات بپردازید، سپس همه شما جز اندکی [از پیمان خدا] روی گردانید؛ و شما [به طور عادت] روی گردان هستید. (٨٣)

ص: ١٢

وَإِذْ أَحَدَنَا مِيقَاتَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشَهَّدُونَ (٨٤)

و [یاد کنید] هنگامی که از شما پیمان گرفتیم که خون همدیگر را نریزید، و یکدیگر را از خانه های خود آواره نکنید، سپس [به پیمانات] اقرار کردید و بر آن هم گواهی می دهید. (٨٤)

ثُمَّ أَتْتُمْ هُؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهِرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْأِثْمِ وَالْعِدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَكْتُوْرِمُونَ بِعَضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِعَضٍ فَمِمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خَزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٨٥)

باز این شما هستید که یکدیگر را می کشید، و گروهی از خودتان را از خانه هایشان آواره می کنید، و از روی گناه و تجاوز یکدیگر را بر ضد آنان [که آواره کرده اید] باری و کمک می دهید، و اگر آنان در حال اسارت نزد شما آیند، برای آزاد شدنشان فدیه می دهید، در صورتی که آواره کردنشان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از کتاب [آسمانی] ایمان می آورید و به بخشی دیگر کفر می ورزید؟ [حرام بودن جنگ و آواره کردن را مردود می شمارید، و وجوب آزاد کردن هم کیشان را از اسارت قبول می کنید!] پس کیفر کسانی از شما که چنین تبعیضی را [در آیات خدا] روا می دارند، جز خواری و رسوایی در زندگی دنیا نیست، و روز قیامت به سوی سخت ترین عذاب باز گردانیده می شوند، و خدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (٨٥)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْأَخْرَهِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (٨٦)

اینان کسانی اند که زندگی [زودگذر] دنیا را به جای آخرت خریدند؛ پس نه عذاب از آنان سبک شود و نه یاری شوند.

(۸۶)

وَلَقْدَ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَ كُمْ رَسُولٌ بِمَا لَأَتَهُوَى أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبِرُتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبُتُمْ وَفَرِيقًا تَفْتَلُونَ (۸۷)

و یقیناً ما به موسی کتاب دادیم و پس از او پیامبرانی به دنبال هم فرستادیم، و به عیسی بن مریم دلایل روشن و آشکار عطا نمودیم، و او را به وسیله روح القدس توانایی بخشدیدیم؛ پس چرا هرگاه پیامبری آیین و احکامی که مطابق هوا و هوستان نبود برای شما آورد، سرکشی کردید؟ پس [نبوت] گروهی را تکذیب نمودید و گروهی را می کشتید. (۸۷)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنْهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و گفتند: دل های ما در غلاف و پوشش است [به این علث کلام تو را نمی فهمیم، ولی چنین نیست که می گویند] بلکه خدا به سبب کفرشان آنان را از رحمتش دور کرده [در نتیجه از پذیرفتن اسلام خودداری می کنند] پس اند کی ایمان می آورند. (۸۸)

ص: ۱۳

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلٍ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۹)

و هنگامی که برای آنان از سوی خدا کتابی [چون قرآن] آمد که تصدیق کننده توراتی است که با آنان است، و همواره پیش از نزولش به خودشان [در سایه ایمان به آن] مژده پیروزی بر کافران می دادند، پس [با این وصف] زمانی که قرآن [که پیش از نزولش آن را با پیشگویی تورات می شناختند] نزد آنان آمد، به آن کافر شدند؛ پس لعنت خدا بر کافران باد. (۸۹)

بِئْسِهِمَا اشْتَرَوَا بِهِ أَنفُسِهِمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعْدِيَا أَن يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِعَصَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹۰)

بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند که کفر ورزیدن از روی حсадت به کتابی است که خدا نازل کرده [معترضانه می گویند]: چرا خدا از فضل و احسانش به هر که از بندگانش بخواهد [کتاب آسمانی] نازل می کند، پس آنان به خشمی بر روی خشمی سزاوار شدند. و برای کافران عذابی خوار کننده است. (۹۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ فُلْ قَلْمَ تَقْتُلُونَ أَنْيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلٍ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱)

هنگامی که به آنان گویند: به آنچه که خدا [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ایمان آورید، گویند: به توراتی که بر خود ما یهودیان

نازل شده ایمان می آوریم و به غیر آن در حالی که حق است و تصدیق کننده توراتی است که با آنان است، کفر می ورزند.
بگو: اگر شما [از روی درستی و راستی به تورات] مؤمن بودید، پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می کشید؟ (۹۱)

وَلَقْدْ جَاءَكُمْ مُّوسَىٰ بِالْيَنَاتِ ثُمَّ أَتَخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (۹۲)

و قطعاً موسی برای شما معجزات و دلایلی روشن آورد، سپس شما پس از [رفتن] او [به کوه طور] گوساله را معبود خود گرفتید، در حالی که [به خود و دلایل آشکار و روشن حق] ستمکار بودید. (۹۲)

وَإِذَا أَخَذْنَا مِثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الْطُورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ فُلْ بِسَمَّا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۳)

و [یاد کنید] زمانی که از شما [برای پیروی از موسی] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم [و گفتیم]: آنچه را [چون تورات] به شما دادیم با قدرت و قوت دریافت کنید [و دستورهای ما و پیامبرتان را بشنوید، به ظاهر] گفتن: شنیدیم و [در باطن گفتن]: نافرمانی کردیم. و به سبب کفرشان دوستی گوساله با دل هایشان در آمیخت. بگو: اگر شما مؤمن هستید [و ایمانتان شما را به این همه ظلم و جنایت و فساد فرمان می دهد] پس بد چیزی است آنچه ایمانتان به آن فرمان می دهد. (۹۳)

ص: ۱۴

قُلْ إِنَّ كَائِنَ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةٌ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَّوْا الْمُؤْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۹۴)

بگو: اگر [آن گونه که می پنداشد] سرای آخرت [با همه نعمت هایش] نزد خدا ویژه شماست نه مردم دیگر، پس چنانچه راستگویید مرگ را آرزو کنید. (۹۴)

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيهِمْ وَالَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۹۵)

و آنان هرگز مرگ را به سبب گناهانی که مرتكب شده اند، آرزو نمی کنند؛ و خدا به ستمکاران داناست. (۹۵)

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوْمًادَاحْدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَخرِحٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۹۶)

و یقیناً آنان را حریص ترین مردم به زندگی [دراز مدت] خواهی یافت و [حتی حریص تر] از مشرکان. هر یک از آنان آرزومند است که ای کاش هزار سال عمرش دهنده، ولی آن عمر طولانی دور کننده او از عذاب نیست؛ و خدا به آنچه انجام می دهد، بیناست. (۹۶)

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّهُ اللَّهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقاً لِمَا يَبَيَّنَ يَدِيهِ وَهُدَى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷)

[آنان می گویند: چون جبرئیل، وحی را برای تو می آورد ما با او دشمنیم؛ بنابراین به تو ایمان نمی آوریم] بگو: هر که دشمن

جیرئیل است [دشمن خداست] زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، در حالی که تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و هدایت ویشارت برای مؤمنان است. (۹۷)

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوُّ لِلْكَافِرِينَ (۹۸)

هر که با خدا و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد [کافر است]، و بی تردید خدا دشمن کافران است. (۹۸)

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹)

و یقیناً به سوی تو آیاتی روشن نازل کردیم، و به آنها جز فاسقان کافر نمی شوند. (۹۹)

أَوْ كُلُّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا تَبَذَّهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثُرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۰)

آیا چنین نیست که هرگاه یهود پیمانی [با خدا و رسولانش] بستند، گروهی از آنان، آن را شکستند؟ [آنان نه فقط عهد شکنند] بلکه بیشترشان ایمان نمی آورند. (۱۰۰)

وَلَمَّا حَيَاءُهُمْ رَسُولُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَيْدٌ قُلْمِي مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱)

و زمانی که فرستاده ای از سوی خدا به سویشان آمد که تصدیق کننده کتابی است که با آنان است، گروهی از آنان که [دانش] کتاب به آنان داده شده بود [با کمال گستاخی] کتاب خدا را پشت سر انداختند [و با آن به مخالفت برخاستند]، گویی نمی دانند [که کلام خداست]. (۱۰۱)

ص: ۱۵

وَاتَّبَعُوا مَا تَشْتُلُ الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلَّمُونَ النَّاسَ السُّحْرَ وَمَا أُنْزَلَ عَلَى الْمَلَكِينَ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعْلَمُانِ مِنْ أَحَيْدِ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا تَحْنُ فِتْنَةً فَلَا تَكْفُرُ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمُرْءَ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَيْدِ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اسْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۲)

و [یهودیان] از آنجه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می خواندند] پیروی کردند. و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می آموختند، کافر شدند. و [نیز یهودیان] از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند]، و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ کس نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم [و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می دهیم]، پس [با به کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است] کافر مشو. اما آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند؛ در حالی که آنان به وسیله آن سحر جز به اذن خدا قدرت

آسیب رساندن به کسی را نداشتند؛ و همواره چیزی را می آموختند که به آنان آسیب می رسانید و سودی نمی بخشد؛ و یقیناً [یهود] می دانستند که هر کس خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهره ای ندارد. و همانا بدچیزی است آنچه خود را به آن فروختند اگر معرفت می داشتند. (۱۰۲)

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقُوا لَمْ تُوبَهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ حَيْثُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۳)

و اگر آنان [از روی حقیقت] ایمان می آورند و [از سحر و جادو] پرهیز می کردند، قطعاً پاداشی که از جانب خداست [برای آنان] بهتر بود، اگر می دانستند. (۱۰۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَأَيْنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلَّكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! [هنگام سخن گفتن با پیامبر] مگویید: راعنا [یعنی: در ارائه احکام، امیال و هوس های ما را رعایت کن] و بگویید: انظرنا [یعنی: مصلحت دنیا و آخرت ما را ملاحظه کن] و [فرمان های خدا و پیامبرش را] بشنوید. و برای کافران عذابی دردناک است. (۱۰۴)

مَا يَوْدُدُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَمَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَحْتَصُرُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفُضْلِ الْعَظِيمِ (۱۰۵)

نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، در حالی که خدا هر که را بخواهد به رحمت خود اختصاص می دهد؛ و خدا دارای فضل بزرگی است. (۱۰۵)

ص: ۱۶

مَا نَسْخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۶)

هر آیه ای را که [محتوی حکم یا احکامی است وقتی بر پایه مصلحت یا اقتضای زمان] از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانندش را می آوریم. آیا ندانسته ای که خدا بر هر کاری تواناست؟! (۱۰۶)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۰۷)

آیا ندانسته ای که فرمانروایی و حکومت آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست و شما را جز خدا هیچ سرپرست و یاوری نیست؟ (۱۰۷)

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلٍ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّلِيلِ (۱۰۸)

بلکه می خواهید از پیامبرتان [کارهای نامعقول و بیهوده] درخواست کنید، همان گونه که پیش از این از موسی درخواست شد؟ و کسی که کفر را به جای ایمان اختیار کند، تحقیقاً راه راست را گم کرده است. (۱۰۸)

وَدَكَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُرِدُونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاغْفُوا وَاصْبِرُوا
حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برای آنان روشن شد به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر باز گردانند. هم اکنون [از ستیز و جدال با آنان] درگذرید، و [از آنان] روی بگردانید، تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند؛ یعنی خدا بر هر کاری تواناست. (۱۰۹)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ حَيْرٍ تَجْدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۰)

و نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید، و آنچه از کار نیک برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت. مسلماً خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۱۰)

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَّا إِنْهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۱۱)

و گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی شود مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد، این دروغ ها و اباطیل آنان است؛ بگو: اگر راستگویید دلیل و برهان خود را بیاورید. (۱۱۱)

بَلِّي مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرٌ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَعْزَزُونَ (۱۱۲)

آری، کسانی که همه وجود خود را تسليم خدا کنند در حالی که نیکو کارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگی می شوند. (۱۱۲)

ص: ۱۷

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيَسِتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيَسِتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۱۳)

و یهودیان گفتند: نصرانی ها بر آیین و روش درستی نیستند و نصرانی ها گفتند: یهودیان بر آیین و روش درستی نیستند، در حالی که همه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند [که هر دو آیین در زمان مخصوص به خود درست و بر حق بوده] کسانی که نادانند [هم چون مشرکان] سخنی مانند سخن آنان [درباره آیین مسلمانان] گفتند؛ پس خدا روز قیامت در میان آنان درباره آنچه با هم اختلاف می کردند، داوری می کند. (۱۱۳)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُدْكَرْ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا
خَرْزٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱۴)

و چه کسانی ستمکارتر از کسانی می باشند که از بردن نام خدا در مساجد خدا جلوگیری کردند، و در خرابی آنها کوشیدند؟

آنان را شایسته نیست که در آن [مراکز عبادت] درآیند، جز در حال ترس [از عدالت و انتقام خدا]. برای آنان در دنیا خواری و زبونی است و در آخرت عذابی بزرگ است. (۱۱۴)

وَلِلَّهِ الْمَسْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَإِنَّمَا تُولُوا فَشَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيهِمْ (۱۱۵)

مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست؛ پس به هر کجا رو کنید آنجا روی خداست. یقیناً خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۱۱۵)

وَقَالُوا أَتَخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّهُ لَهُ قَاتِلُونَ (۱۱۶)

و [یهود و نصاری] گفتند: خدا [برای خود] فرزندی گرفته، متنه است او [از اوصاف دروغ و باطلی که به حضرتش نسبت می دهند]، بلکه آنچه در آسمان ها و زمین است مخلوق و مملوک اویند [نه فرزند او؛ زیرا فرزند، هم جنس پدر و مادر است و چیزی در جهان هم جنس خدا نیست تا فرزند خدا باشد] و همه در برابر او مطیع و فرمانبردارند. (۱۱۶)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَصَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۱۱۷)

[بی سابقه ماده، مدت و نقشه] پدید آورنده آسمان ها و زمین است. و هنگامی که فرمان به وجود آمدن چیزی را صادر کند فقط به آن می گوید: «باش». پس بی درنگ می باشد. (۱۱۷)

وَقَالَ الَّذِينَ لَمَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يَكْلُمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذِيلَكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مُّثْلُ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيِّنَاهُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُؤْفِقُونَ (۱۱۸)

و کسانی که نادان و ناآگاهند، گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی گوید یا نشانه و معجزه ای برای ما نمی آید؟ گذشتگان آنان نیز مانند گفته ایشان را گفتند؛ دل هایشان [در تعصب، لجاجت، عناد و نادانی] شبیه هم است. تحقیقاً ما [به اندازه لازم] نشانه ها را برای اهل باور بیان کرده ایم. (۱۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسَأَلُ عَنِ الْأَصْحَابِ الْجَحِيمِ (۱۱۹)

قطعاً ما تو را به درستی و راستی، بشارت دهنده و بیم رسان فرستادیم، و تو [بعد از ابلاغ پیام حق] مسؤول [ایمان نیاوردن و وضع و حال] دوزخیان نیستی. (۱۱۹)

ص: ۱۸

وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَمَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبَعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنْ اتَّبَعُتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الدِّيْنِ بَجَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۲۰)

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو: مسلمان هدایت خدا فقط هدایت [واقعی]

است. و اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یاوری برای تو نخواهد بود. (۱۲۰)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاقُتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرُ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۲۱)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کرده ایم، آن را به طوری که شایسته آن است قرائت می کنند [و آن قرائت نمودن با تدبر و به قصد عمل است] اهل ایمان به آن [کتاب] هستند و کسانی که به آن کفر می ورزند فقط آنان زیانکارند. (۱۲۱)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنَّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۲۲)

ای بنی اسرائیل! نعمت های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید. (۱۲۲)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْبِرِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبِلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْعَمُ شَفَاعَةً وَلَا هُنْ يُصَرُّونَ (۱۲۳)

و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می کند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیه و عوضی می گیرند، و نه کسی را شفاعتی سود دهد، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می شوند. (۱۲۳)

وَإِذْ أَبْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَالَّذِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴)

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی و لیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی رسد. (۱۲۴)

وَإِذْ جَعَلْنَا الْجَيْشَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّحَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَيَّلَى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَرَا بَيْتَيِ لِلطَّائِفَيْنَ وَالْعَاكِفِيْنَ وَالرُّكُعَ السُّجُود (۱۲۵)

و [یاد کنید] هنگامی که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم محل گرد همایی و جای امن و امان قرار دادیم، و [فرمان دادیم]: از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید. و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجده گذاران [از هر آلدگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید. (۱۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعِيلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الشَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتَعَهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرْهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِسْنَ الْمَصِيرُ (۱۲۶)

و [یاد کنید] آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این [مکان] را شهری امن قرار ده و اهلش را آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند از هر نوع میوه و محصول روزی بخش. خدا فرمود: [دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم، ولی] هر که کفر

ورزد بهره اندکی به او خواهم داد، سپس او را به عذاب آتش می کشانم و آن بد بازگشت گاهی است. (۱۲۶)

ص: ۱۹

وَإِذْ يَرَقُّ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلُ مِنَ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۷)

و [یاد کنید] زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه کعبه را بالا می بردند [و به پیشگاه حق می گفتد:] پروردگارا! [این عمل را] از ما پذیر که تو شنو و دانایی، (۱۲۷)

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرَيْتَنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ (۱۲۸)

پروردگارا! ما را [با همه وجود] تسليم خود قرار ده، و نیز از دودمان ما امتی که تسليم تو باشد پدید آر، و راه و رسم عبادتمان را به ما نشان ده، و توبه ما را پذیر، که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی، (۱۲۸)

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَنْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۲۹)

پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان بخواند، و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، و [از آلدگی های ظاهری و باطنی] پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی. (۱۲۹)

وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مَلَهِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفَهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَهِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۳۰)

و کیست که از آین ابراهیم روی گردان شود، جز کسی که [خود را خوار و بی ارزش کند و] خویش را به نادانی و سبک مغزی زند؟ یقیناً ما ابراهیم را در دنیا [به امامت و رسالت] برگزیدیم، و قطعاً در آخرت از شایستگان است. (۱۳۰)

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۳۱)

[و یاد کنید] هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسليم باش. گفت: به پروردگار جهانیان تسليم شدم. (۱۳۱)

وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۳۲)

و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به آین اسلام سفارش کردند که ای پسران من! یقیناً خدا این دین را برای شما برگزیده، پس شما باید جز در حالی که مسلمان باشید، نمیرید. (۱۳۲)

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمُؤْتُ إِذْ قَالَ لِبْنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۳)

آیا شما [یهودیان] که ادعا می کنید یعقوب پسرانش را به آین شما سفارش کرد] هنگامی که یعقوب را مرگ در رسید [کنار بستر او] حاضر بودید؟ [یقیناً حاضر نبودید] آن گاه که به پسران خود گفت: پس از من چه چیزی را می پرسید؟ گفتد:

خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که خدای یگانه است می پرستیم، و ما تسلیم اوییم. (۱۳۳)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ حَلَتْ لَهَا مَا كَسَبْتُ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُشَأْلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۴)

آنان گروهی بودند که در گذشتند، آنچه [از طاعت و معصیت] به دست آورده بخوبیت به خود آنان است، و آنچه شما به دست آورده بخوبیت به خود شماست؛ و شما در برابر آنچه آنان انجام می دادند، مسؤول نیستید. (۱۳۴)

ص: ۲۰

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّهُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۳۵)

و [اهل کتاب به مردم مؤمن] گفتند: یهودی یا نصرانی باشد تا هدایت یابید. بگو: بلکه از آیین ابراهیم یکتاپرست و حق گرا [پیروی می کنیم نه از آیین تحریف شده شما که عین گمراهی است] و او هرگز از مشرکان نبود. (۱۳۵)

قُولُوا آمَّنَ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْمَاعِيلَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَشْيَاقَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۶)

[شما مردم مؤمن از روی حقیقت اقرار کنید و] بگویید: ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت] آنان فرود آمدند، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده ایمان آورده‌یم؛ میان هیچ یک از آنان [در اینکه از سوی خدا برای هدایت مردم مبعوث شده اند] فرقی نمی گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم. (۱۳۶)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلُّوا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳۷)

پس اگر آنان هم به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، ایمان آورند [که ایمان به قرآن و به پیامبر است] مسلمًا هدایت یافته اند، و اگر روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی اند؛ پس به زودی خدا شر آنان را [به کشته شدن یا آوارگی از خانه و کاشانه] دفع خواهد کرد؛ و او شنو و داناست. (۱۳۷)

صِبَغَةُ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ صِبَغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (۱۳۸)

[به یهود و نصاری بگویید]: رنگ خدای را [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش کنندگان اوییم. (۱۳۸)

قُلْ أَتَحَاجُجُونَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (۱۳۹)

بگو: آیا با ما در باره خدا گفتگوی بی منطق و احتجاج نادرست می کنید؟! در حالی که او پروردگار ما و شماست [و همه کارهایش بر وفق حکمت و مصلحت است، و جای گفتگوی بی منطق و احتجاج نادرست نیست]؛ و اعمال ما مربوط به خود

ما و اعمال شما مربوط به خود شماست، و ما [در ایمان، اعتقاد، طاعت و عبادت] برای او اخلاص می ورزیم. (۱۳۹)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَشْيَابَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَنَّتُمْ أَعْلَمُ أَمِ الَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَنْتُمْ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۰)

آیا می گویید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت] آنان یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: شما داناترید یا خدا؟ [شما به یقین می دانید که آنان یهودی و نصرانی بودند، پس چرا واقعیت را پنهان می دارید؟!] و ستمکارتر از کسی که شهادتی را که از خدا نزد اوست پنهان کند، کیست؟ و خدا از آنچه انجام می دهد، بی خبر نیست. (۱۴۰)

تِلْكَ أُمَّهٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۱)

آنان گروهی بودند که در گذشتند؛ آنچه [طاعت و معصیت] به دست آورده مربوط به خود آنان است و آنچه شما به دست آوردید مربوط به خود شماست؛ و شما در برابر آنچه آنان انجام می دادند، مسؤول نیستید. (۱۴۱)

ص: ۲۱

جزء ۲

ادامه سوره البقره

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَاهُمْ عَنِ قِبَلِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لَلَّهِ الْمَسْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَيْ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (۱۴۲)

به زودی مردم سبک مغر می گویند: چه چیزی مسلمانان را از قبله ای که بر آن بودند [یعنی بیت المقدس، به سوی کعبه] گردانید؟ بگو: مالکیت مشرق و غرب فقط ویژه خداست، هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند. (۱۴۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّهَ وَسِطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِتَعْلَمَ مَنْ يَتَّسِعُ الرَّسُولُ مِمَّنْ يَنْقِلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الدِّينِ هِيَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۴۳)

و همان گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم] شما را امتنانه [ومعتدل و پیراسته از افراط و تفریط] قرار دادیم تا [در ایمان، عمل، درستی و راستی] بر مردم گواه باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد. و ما قبله ای را که بر آن بودی فقط به خاطر این قرار دادیم تا کسانی که از پیامبر پیروی می کنند از کسانی که از اسلام و اطاعت پیامبر برمی گردند [و متعصبانه به قبله پیش از کعبه می مانند] معلوم و مشخص کنیم؛ گرچه این حکم جز بر کسانی که خدا هدایتشان کرده گران و دشوار بود. و خدا بر آن نیست که ایمان شما را تباہ کند؛ زیرا خدا به همه مردم رؤوف و مهربان است. (۱۴۳)

قَدْ نَرَى تَقْلِبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّنَّكَ قِبَلَهُ تَرْضَاهَا فَوَلٌ وَجْهَكَ شَطْرُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحِيتُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُوا وُجُوهُكُمْ شَطْرُهُ

وَإِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۴۴)

ما گردانیدن رویت را در [جهت] آسمان [چون کسی که به انتظار مطلبی باشد] می بینیم؛ پس یقیناً تو را به سوی قبله ای که آن را بپسندی بر می گردانیم؛ پس رویت را به سوی مسجد الحرام گردان؛ و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشد، روی خود را به سوی آن بر گردانید. و مسلماً اهل کتاب می دانند که این تغییر قبله [از بیت المقدس به کعبه] از سوی پروردگارشان [کاری] درست و حق است؛ [زیرا در تورات و انجیل شان خوانده اند که پیامبر اسلام به دو قبله نماز خواهد خواند] و خدا از آنچه [بر ضد پیامبر و مؤمنان] انجام می دهند، بی خبر نیست. (۱۴۴)

وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبْعُدُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مَنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمْنَ الظَّالِمِينَ (۱۴۵)

به خدا سوگند اگر برای اهل کتاب هر نشانه و دلیلی بیاوری، از قبله تو پیروی نمی کنند، و تو هم از قبله آنان پیروی نخواهی کرد و [نیز] برخی از آنان [که یهودی اند] از قبله دیگران [که نصرانی اند] پیروی نخواهند کرد. اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس های آنان پیروی کنی، مسلماً در آن صورت از ستمکاران خواهی بود. (۱۴۵)

ص: ۲۲

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكُتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴۶)

اهل کتاب، پیامبر اسلام را [بر اساس او صافش که در تورات و انجیل خوانده اند] می شناسند، به گونه ای که پسران خود را می شناسند؛ و مسلماً گروهی از آنان حق را در حالی که می دانند، پنهان می دارند. (۱۴۶)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۴۷)

[ای امت این] حق [که تغییر قبله است] از سوی پروردگار توست؛ بنابراین از تردید کنندگان نسبت به حق مباش. (۱۴۷)

وَلَكُلُّ وِجْهٌ هُوَ مُولِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَا أَيُّتِ بِكُمُ اللَّهُ كَجِيمًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۴۸)

برای هر گروهی قبله ای است که خدا گردانده روی آن گروه به آن قبله است؛ پس [درباره قبله، نزاع و کشمکش نکنید و به جای بحث و گفتگو] به جانب نیکی ها و کارهای خیر پیشی جویید. خدا همه شما را هر جا که باشد [به صحرای محشر] می آورد؛ مسلماً خدا بر هر کاری تواناست. (۱۴۸)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلَّ وِجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۹)

از هر جا [برای سفر یا کار دیگر] بیرون شدی، رویت را [در حال اقامه نماز] به سوی مسجد الحرام بگردان. بدون تردید این فرمان از نزد پروردگار مت درست و حق است و خدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۱۴۹)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْيَدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُتُبْ فَوَلَّوْا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّهٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشُوْهُمْ وَاللَّاتِيْنَ نَعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۰)

[آری] و از هرجا بیرون شدی، رویت را [در حال اقامه نماز] به سوی مسجدالحرام بگردان؛ و [شما ای مؤمنان!] هر جا که باشید، رویتان را [در حال اقامه نماز] به سوی آن بگردانید، تا مردم را جز ستمکاران [لジョج، متکبر و یاوه گو] بر ضد شما دلیل و برهانی نباشد. [مسر کان نگویند: اگر آین ابراهیم را ادعا دارد چرا به قبله او که کعبه است رو نمی کند؟ و اهل کتاب نگویند: پیامبری که تورات و انجیل و عده داده، قبله اش مسجدالحرام است، پس این شخص که به قبله ما نماز می خواند، پیامبر موعود نیست؛] بنابراین از آنان نترسید و از من بترسید، و [تغییر قبله] برای آن است که نعمتم را بر شما کامل کنم تا [به احکام و سنن الهی] هدایت شوید. (۱۵۰)

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيْكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَنْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُرِكِيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۱۵۱)

همان گونه که [تغییر قبله، کامل کردن نعمت است، این حقیقت هم کامل کردن نعمت است که] در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که همواره آیات ما را بر شما می خواند، و شما را [از هر نوع آلودگی ظاهري و باطنی] پاک و پاکیزه می کند، و کتاب و حکمت به شما می آموزد، و آنچه را نمی دانستید به شما تعلیم می دهد. (۱۵۱)

فَإِذْ كُرُونَى أَذْكُرْ كُمْ وَأَشْكُرْوا لِى وَلَا تَكُفُرُونِ (۱۵۲)

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس گزارید و کفران نعمت نکنید. (۱۵۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوْ بِالصَّابِرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳)

ای اهل ایمان از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهد زیرا خدا با صابران است. (۱۵۳)

ص: ۲۳

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَيِّلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَ لَّا تَشْعُرُونَ (۱۵۴)

و به آنان که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید، بلکه [در عالم بزرخ] دارای حیات اند، ولی شما [کیفیت آن حیات را] در ک ک نمی کنید. (۱۵۴)

وَلَيَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشَّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵)

و بی تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات [نباتی یا ثمرات باع زندگی از زن و فرزند] آزمایش می کنیم. و صبر کنندگان را بشارت ده. (۱۵۵)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶)

همان کسانی که چون بلا و آسیبی به آنان رسید گویند: ما مملوک خدایم و یقیناً به سوی او بازمی گردیم. (۱۵۶)

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهَتَّدونَ (۱۵۷)

آنانند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان بر آنان است و آنانند که هدایت یافته اند. (۱۵۷)

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَيَّجَ الْمُبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَمَّا جُمِعَ عَنْهُ أَنْ يَطْوَفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلَيْهِمْ (۱۵۸)

بی تردید صفا و مروه از نشانه های خداست؛ پس کسی که حج خانه کعبه کند، یا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که بر آن دو طواف کند. و کسی که [به خواست خودش افزون بر واجبات] کار نیکی [چون طواف و سعی مستحب] انجام دهد، بدون تردید خدا [در برابر عمل او] پاداش دهنده و [به کار و حال او] داناست. (۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ الَّلَّا عِنْوَنَ (۱۵۹)

یقیناً کسانی که آنچه را ما از دلایل آشکار و [وسیله] هدایت نازل کردیم، پس از آنکه همه آن را در کتاب [تورات و انجیل] برای مردم روشن ساختیم، پنهان می کنند [تا مردم به فرقان و پیامبر ایمان نیاورند] خدا لعنتشان می کند، و لعنت کنندگان هم لعنتشان می کنند. (۱۵۹)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيْتُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَابُ الرَّحِيمُ (۱۶۰)

مگر کسانی که توبه کردند، و [مfasad خود را] اصلاح نمودند، و [آنچه را پنهان کرده بودند] برای مردم روشن ساختند، پس توبه آنان را می پذیرم؛ زیرا من بسیار توبه پذیر و مهربانم. (۱۶۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَا تُوَا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَهُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَهُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۶۱)

قطعاً کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان است. (۱۶۱)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنَظَّرُونَ (۱۶۲)

در آن لعنت جاودانه اند، نه عذاب از آنان سبک شود و نه مهلتshan دهنند [تا عذر خواهی کنند]. (۱۶۲)

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهٌ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱۶۳)

و خدای شما خدای یگانه است، جز او خدایی نیست، رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۱۶۳)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْخَلْقِ الْلَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابٍ وَتَصْرِيفِ الرِّياحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَاتِي لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۶۴)

بی تردید در آفرینش آسمان ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی هایی که در دریاهای [با جابجا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده ای پراکنده کرده و گردانندن بادها و ابر مسخر میان آسمان و زمین، نشانه هایی است [از توحید، ربویت و قدرت خدا] برای گروهی که می اندیشنند. (۱۶۴)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنَدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (۱۶۵)

و برخی از مردم به جای خدا معبدهایی انتخاب می کنند که آنها را آن گونه که سزاوار است خدا را دوست داشته باشند، دوست می دارند؛ ولی آنان که ایمان آورده اند، محبت و عشقشان به خدا بیشتر و قوی تر است. و اگر کسانی که [با انتخاب معبدهای باطل] ستم روا داشتنند، هنگامی که عذاب را بینند، بی تردید بفهمند که همه قدرت ویژه خدادست [و معبدهای باطل، هیچ و پوچ اند] و خدا سخت کیفر است. (۱۶۵)

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأُوا الْعَذَابَ وَتَقْطَعَتْ بِهِمُ الْآسِيَابُ (۱۶۶)

در آن هنگام پیشوایان [شرک و کفر] از پیروانشان بیزاری جویند، و عذاب را مشاهده کنند، و همه دست آویزها و پیوندها از آنان بریده شود. (۱۶۶)

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّهَةًا فَنَتَبَرَّأُ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَنَا كَمَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِنَ مِنَ النَّارِ (۱۶۷)

و آنان که [به جای خدا از پیشوایان شرک و کفر] پیروی کردند، گویند: کاش برای ما بازگشته [به دنیا] بود تا ما هم از آنان بیزاری می جستیم، همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند. خدا این گونه اعمالشان را که برای آنان مایه اندوه و دریغ است، به آنان نشان می دهد و اینان هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند. (۱۶۷)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَبَرَّأُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۶۸)

ای مردم! از آنچه [از انواع میوه ها و خوردنی ها] در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (۱۶۸)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (١٦٩)

فقط شما را به بدی و زشتی فرمان می دهد، و اینکه جاهلانه اموری را [به عنوان حلال و حرام] به خدا نسبت دهید. (۱۶۹)

ص: ۲۵

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بْلَ نَتَّسْعُ مَا أَفْيَنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ آباؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰)

و هنگامی که به آنان [که مشرک و کافرند] گویند: از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می گویند: نه، بلکه از آینی که پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی فهمیدند و راه [حق را به سبب کوردلی] نمی یافتد [باز هم کورکرانه از آنان پیروی خواهند کرد!؟] (۱۷۰)

وَمَثْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثْلِ الَّذِي يَعْقِلُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمُ عُمُّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۷۱)

داستان [دعوت کننده] کافران [به ایمان]، مانند کسی است که به حیوانی [برای رهاندن از خطر] بانگ می زند، ولی آن حیوان جز آوا و صدا [آن هم آوا و صدایی که مفهومش را درک نمی کند] نمی شنود. [کافران، در حقیقت] کر و لال و کورند، به همین سبب [درباره حقایق] اندیشه نمی کنند. (۱۷۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيَّابَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنْتُمْ إِيمَانًا تَعْبُدُونَ (۱۷۲)

ای اهل ایمان! از انواع میوه ها و خوردنی های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم، بخورید و خدا را سپاس گزارید، اگر فقط او را می پرستید. (۱۷۲)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمِنْ اضْطُرَّ عَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمٌ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۷۳)

جز این نیست که خدا [برای مصون ماندن شما از زیان های جسمی و روحی] مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام کرده. پس کسی که [برای نجات جانش از خطر] به خوردن آنها ناچار شود، در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند، گناهی بر او نیست؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۷۳)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَسْتَرُونَ بِهِ شَمَانًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۴)

قطعًا کسانی که آنچه را خدا از کتاب [تورات و انجیل به عنوان حلال و حرام] نازل کرده [به سود خود، از بی سوادان یهود و نصاری] پنهان می کنند، و در برابر این پنهان کاری بهای اندکی به دست می آورند، جز آتش به شکم های خود نمی ریزند. و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید، و [از گناهان و زشتی ها] پاکشان نمی کند، و برای آنان عذابی دردناک است.

أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرُوا الصَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمُغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرُوهُمْ عَلَى النَّارِ (۱۷۵)

اینانند که گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را به عوض آمرزش خریده اند، شگفت! چه شکیبایند بر آتش. (۱۷۵)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۱۷۶)

آن عذاب به خاطر این است که خدا کتاب آسمانی را به درستی و راستی نازل کرد [ولی اینان، آن را واگذاشتند و در تکذیش کوشیدند و آن را مایه اختلاف قرار دادند] و یقیناً آنان که در [مفهوم و محتوای] کتاب اختلاف کردند [تا حقایق از مردم پنهان بماند] در دشمنی دور و درازی قرار دارند. (۱۷۶)

۲۶ ص:

لَيْسَ الْبَرَّ أَنْ تُؤْلُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبَرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسِيَّاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاهَ وَالْمُوْفُونَ بِعُهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْأَبْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبُأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۱۷۷)

نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و غرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردهگان می دهنند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می دارند، و زکات می پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در تنگدستی و تهییدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که [در دین داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیز کارند. (۱۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقُتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرُّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخْيِهِ شَنِيءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدْعِ إِلَيْهِ يَٰٰسِحَّانِ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۸)

ای اهل ایمان! در مورد کشته شدگان بر شما قصاص مقرر و لازم شده: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن. پس کسی که [مرتکب قتل شده چنانچه] از سوی برادر [دینی] اش [که ولی مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که به جای قصاص، دیه و خون بها پرداخت شود] پس پیروی از روش شایسته و پسندیده [نسبت به وضع مادی قاتل بر عهده عفو کننده است]، و پرداخت دیه و خون بها با نیکویی و خوش رویی [بر عهده قاتل است]. این [حکم] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارستان؛ پس هر که بعد از عفو، تجاوز کند [و به قصاص قاتل برخیزد] برای او عذابی دردناک است. (۱۷۸)

وَلَكُمْ فِي الْقِصاصِ حَيَاةٌ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۹)

ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص مایه زندگی است، باشد که [از ریختن خون مردم بدون دلیل شرعی] بپرهیزید. (۱۷۹)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا لِّوَالِدَيْهِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۸۰)

بر شما مقرر و لازم شده چون یکی از شما را مرگ در رسید، اگر مالی از خود به جا گذاشته است، برای پدر و مادر و خویشان به طور شایسته و پسندیده وصیت کند. این حقی است بر عهده پرهیز کاران. (۱۸۰)

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۸۱)

پس کسانی که بعد از شنیدن وصیت، آن را تغییر دهنده، گناهش فقط بر عهده آنانی است که تغییرش می دهد؛ یقیناً خدا شناو و داناست. (۱۸۱)

ص: ۲۷

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصِّنِ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمٌ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸۲)

پس کسی که از انحراف وصیت کننده [در مورد حقوق ورثه] یا از گناه او [که به کار نامشروع و ناحقی وصیت کند] بترسد، و میان ورثه [با تغییر دادن وصیت بر اساس احکام دین] اصلاح دهد، گناهی بر او نیست؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۸۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرر و لازم شده، همان گونه که بر پیشینیان شما مقرر و لازم شد، تا پرهیز کار شوید. (۱۸۳)

أَيَّامًا مَعْيُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَيْفِ رَفِعَةَ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٌ مِسْكِينٌ فَمَنْ تَطَوعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۴)

[در] روزهایی چند [روزه بگیرید]؛ پس هر که از شما بیمار یا در سفر باشد [به تعداد روزه های فوت شده] از روزهای دیگر [را روزه بگیرد]؛ و بر آنان که روزه گرفتن طاقت فراس است، طعام دادن به یک نیازمند [به جای هر روز] کفاره آن است. و هر که به خواست خودش افزون بر کفاره واجب، بر طعام نیازمند بیفزاید، برایش بهتر است و روزه گرفتن [هر چند دشوار و سخت باشد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است. (۱۸۴)

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلِيَصُدِّمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَيْفِ رَفِعَةَ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَمَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكَمِّلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هِيَ أَكْمَ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۸۵)

[این است] ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسرشن هدایتگر مردم است و دارای دلایلی روشن و آشکار از

هدایت می باشد، و مایه جدایی [حق از باطل] است. پس کسی که در این ماه [در وطنش] حاضر باشد باید آن را روزه بدارد، و آنکه بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای غیر ماه رمضان را [به تعداد روزه شده، روزه بدارد]. خدا آسانی و راحت شما را می خواهد نه دشواری و مشقت شما را. و [قضای روزه] برای این است: شما روزه هایی را [که به خاطر عذر شرعی افطار کرده اید] کامل کنید، و خدا را بر اینکه شما را هدایت فرموده بزرگ شمارید، و نیز برای این که سپاس گزاری کنید. (۱۸۵)

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيْسَتِجِيئُوا لِي وَلَيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۱۸۶)

هنگامی که بندگانم از تو درباره من پرسند، [بگو]: یقیناً من نزدیکم، دعا کننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می کنم؛ پس باید دعوت را پذیرند و به من ایمان آورند، تا [به حق و حقیقت] راه یابند [و به مقصد اعلی برسند]. (۱۸۶)

ص: ۲۸

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا
عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرُبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا
الصَّيَامَ إِلَى الظَّلَيلِ وَلَمَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَيَّاكُفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تُلْكَ حُمُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَّقُونَ (۱۸۷)

در شب روزهایی که روزه دار هستید، آمیزش با زنانタン برای شما حلال شد. آنان برای شما لباسند و شما برای آنان لباسید. خدا می دانست که شما [پیش از حلول شدن این کار] به خود خیانت می کردید، پس تویه شما را پذیرفت و از شما در گذشت. اکنون [آزاد هستید که] با آنان آمیزش کنید و آنچه را خدا [در این کار] برای شما مقرر داشته [از فضیلت، ثواب، پاکدامنی از حرام و فرزند شایسته] طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود؛ سپس روزه را تا شب به پایان ببرید. و در حالی که در مساجد معتکف هستید با زنان آمیزش نکنید. اینها حدود خدادست، به آنها نزدیک نشوید. خدا این گونه آیاتش را برای مردم بیان می کند تا [از مخالفت اوامر و نواهی او] پرهیزند. (۱۸۷)

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَمِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۸)

و اموالتان را در میان خود به باطل و ناحق مخورید. و آن را به عنوان رشوه به سوی حاکمان و قاضیان سرازیر نکید تا بخشی از اموال مردم را [با تکیه بر حکم ظالمانه آنان] به گناه و معصیت بخورید، در حالی که [زشتی کارتان را] می دانید. (۱۸۸)

يَسَأَلُونَكَ عَنِ الْعَاهِلِهِ قُلْ هَيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحِجَّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبَيْوَتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنْ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبَيْوَتَ مِنْ
أَبْوَابِهَا وَأَتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۸۹)

از تو درباره هلال های ماه می پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات [برای امور دنیایی و نظام زندگی] مردم و [تعیین زمان مراسم] حج است. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آنها وارد شوید، [چنان که اعراب جاهلی در حال احرام حج از

پشت دیوار خانه خود وارد می شدند نه از در ورودی بلکه نیکی [روش و منش] کسی است که [از هر گناه و معصیتی] می پرهیزد. و به خانه ها از درهای آنها وارد شوید؛ و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (۱۸۹)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِلِينَ (۱۹۰)

و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از حدود الهی] تجاوز نکنید، که خدا تجاوز کاران را دوست ندارد. (۱۹۰)

ص: ۲۹

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُنَّ تَقْفِتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَشَدُّ مِنَ القَتْلِ وَلَمَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْيِيجِ الدِّحْرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱)

و آنان را [که از شرک و کفر و هیچ ستمی بازنمی ایستند] هر کجا یافیید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید و فته [که شرک، بت پرستی، بیرون کردن مردم از خانه و کاشانه و وطنشان باشد] از قتل و کشtar بدتر است. و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما جنگیدند، آنان را به قتل برسانید که پاداش و کیفر کافران همین است. (۱۹۱)

فَإِنِ انتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۲)

اگر از فته گری و جنگ بازایستند، یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۹۲)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَهُ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهُوا فَلَا عُذْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۳)

و با آنان بجنگید تا فته ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست. (۱۹۳)

السَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ يِمْثُلُ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴)

ماه حرام در برابر ماه حرام است [اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و با شما در آن جنگید، شما هم برای حفظ کیان خود در همان ماه با او بجنگید]. و همه حرمت ها دارای قصاص اند. پس هر که بر شما تعدى کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدى کنید، و از خدا پروا نمایید، و بدانید که خدا با پروا پیشگان است. (۱۹۴)

وَأَنْقِقوْا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقِوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلِكَهِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۹۵)

و در راه خدا انفاق کنید و [با ترک این کار پسندیده، یا هزینه کردن مال در راه نامشروع] خود را به هلاکت نیندازید، و نیکی

کنید که یقیناً خدا نیکو کاران را دوست دارد. (۱۹۵)

وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِّهِ رُتُمْ فَمَا اسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذْيَ مِنْ رَأْسِهِ فَفِدِيهُ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صِيَادَقَهُ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمْتُمْ فَمَنْ تَمَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحِجَّ فَمَا اسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحِجَّ وَسَيَبْعَهُ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةً كَامِلَهُ ذَلِكَ لِمَنْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۹۶)

حج و عمره را برای خدا به پایان برید، و اگر [به علتی] از انجام آن ممنوع شدید، آنچه را از قربانی برای شما میسر است [قربانی کنید و از احرام در آید]؛ و سر خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد؛ و از شما اگر کسی بیمار بود یا در سرش ناراحتی و آسیب داشت [و ناچار بود سر بتراشد، جایز است سر بتراشد و] کفاره ای چون روزه، یا صدقه یا قربانی بر عهدہ اوست. و هنگامی که [از علل ممنوعیت] در امان بودید، پس هر که با پایان بردن عمره تمتع به سوی حج تمتع رود، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]. و کسی که قربانی نیابد، سه روز روزه، در همان سفر حج و هفت روز روزه، هنگامی که بازگشتید بر عهدہ اوست؛ این ده روز کامل است [و قابل کم و زیاد شدن نیست]. این وظیفه کسی است که [خدود و] خانواده اش ساکن و مقیم [منطقه] مسجد الحرام نباشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا سخت کیفر است. (۱۹۶)

ص: ۳۰

الْحُجَّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحُجَّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَرَوَدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَأَتَقْوُنِ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ (۱۹۷)

حج در ماه های معین و معلومی است [شوال، ذو القعده، ذو الحجه] پس کسی که در این ماه ها حج را [با احرام بستن و تلبیه] بر خود واجب کرد، [بداند که] در حج، آمیزش با زنان و گناه و جدال [جایز] نیست. و آنچه از کار خیر انجام دهید خدا می داند. و به نفع خود توشه برگیرید که بهترین توشه، پرهیز کاری است و ای صاحبان خرد! از من پروا کنید. (۱۹۷)

لَيَسْ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضَلْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَيَّدَ أَكُمْ وَإِنْ كُتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لِمَنِ الظَّالِمُونَ (۱۹۸)

بر شما گناهی نیست که [در ایام حج] از پروردگار تان [به وسیله تجارت و داد و ستد] فضل و روزی و منافع مادی بطلبید. و هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید. [آری] او را یاد همان گونه که شما را هدایت کرد. و همانا شما پیش از این از گمراهان بودید. (۱۹۸)

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۹)

سپس از همان جایی که مردم روانه می شوند [به سوی منی،] روانه شوید، و از خدا آمرزش بخواهید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۹۹)

فَإِذَا قَضَيْتُم مَنَاسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فِيمَنِ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (۲۰۰)

پس هنگامی که مناسک [حجّتان] را انجام دادید، پس خدا را آن گونه که پدرانتان را یاد می کنید یا بهتر و بیشتر از آن یاد کنید. پس گروهی از مردم [کوتاه فکر] می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا [کالای زندگی] عطا کن. و آنان را در آخرت هیچ بهره ای نیست. (۲۰۰)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱)

و گروهی از آنان می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگاه دار. (۲۰۱)

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۰۲)

ایناند که از آنچه به دست آورده اند، نصیب و بهره فراوانی دارند، و خدا حسابرسی سریع است. (۲۰۲)

ص: ۳۱

وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمٌ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمٌ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۰۳)

و خدا را در روزهای معلوم و معینی [که یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذو الحجه ایام وقوف در منی است] یاد کنید. پس هر که در دو روز [واجبات منی را انجام دهد و به کوچ کردن از آن] شتاب ورزد، گناهی بر او نیست، و هر که [تا روز سوم] تأخیر کند، بر او هم گناهی نیست، [اختیار کردن وقوف در منی چه در دو روز، چه در سه روز] برای کسی است که [از محرمات احرام] پرهیز کرده است. و از خدا پروا کنید و بدانید که یقیناً همه شما به سوی او محشور خواهید شد. (۲۰۳)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشَهِّدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَّا يَخْصَمِ (۲۰۴)

و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی دنیا تو را خوش آید، و [برای اینکه چنین وانمود کند که زبانش با دلش یکی است] خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می گیرد، در حالی که سرسرخ ترین دشمنان است. (۲۰۴)

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (۲۰۵)

و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می کوشد که در زمین فساد و تباہی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباہی را دوست ندارد. (۲۰۵)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ أَتَقَ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسِبَهُ جَهَنَّمُ وَلِبْسَ الْمِهَادِ (۲۰۶)

و چون به او گویند: از خدا پروا کن، غرور و سرسختی و تعصّب و لجاجت، او را به گناه وا می دارد؛ پس دوزخ او را بس است، و یقیناً بد جایگاهی است. (۲۰۶)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۷)

و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می فروشد [مانند امیرالمؤمنین (علیه السلام)] و خدا به بندگان مهربان است. (۲۰۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَبَعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۰۸)

ای اهل ایمان! همگی در عرصه تسليم و فرمان بری [از خدا] در آید، و از گام های شیطان پیروی نکنید، که او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (۲۰۸)

فَإِنْ زَلَّتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۰۹)

پس اگر بعد از آنکه دلایل و نشانه های روشن برای شما آمد، لغزیدید [و به شرک و کفر روی کردید] نهايتاً بدانيد که خدا [در انتقام از شما] توانای شکست ناپذير و حكيم است. (۲۰۹)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيهِمُ اللَّهُ فِي ظُلْلٍ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَهُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۱۰)

آیا [اهل لغش و پیروان شیطان] جز این را انتظار دارند که [عذاب] خدا و فرشتگان [مأمور عذاب] در سایبان هایی از ابر به سوی آنان آیند و کار نابودی آنان تمام شود؟ و همه کارها به سوی خدا بازگردانده می شود. (۲۱۰)

ص: ۳۲

سَلْ تَبَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَهٖ بَيِّنَهُ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۱۱)

از بنی اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه های روشن به آنان عطا کردیم، و هر کس نعمت [هدایت] خدا را پس از آنکه به او رسید، تبدیل [به کفر] کند، [بداند] که یقیناً خدا سخت کیفر است. (۲۱۱)

زِينَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ آتَوْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۱۲)

زندگی [زودگذر] دنیا برای کافران آراسته شده، و [به این سبب] مؤمنان را مسخره می کنند، در حالی که پروا پیشگان در روز قیامت [از هر جهت] برتر از آنان هستند، و خدا هر که را بخواهد، بی حساب روزی می دهد. (۲۱۲)

كَانَ النَّاسُ أُمَّهٌ وَاحِدَةٌ فَبَعَثَ اللَّهُ الْبَيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحَكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَعْدًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَأْذِنُهُ وَاللَّهُ يَهْدِي

مردم [در ابتدای تشکیل اجتماع] گروهی واحد و یک دست بودند [و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند]، پس [از پدید آمدن اختلاف و تضاد] خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. [آن گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد] و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، [این اختلاف] بعد از دلایل و برهان‌های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، [و سبب آن] برتری جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا اهل ایمان را به توفیق خود، به حقی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد. و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند. (٢١٣)

أَمْ حَسِّبُهُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتُكُمْ مَّثُلُ الَّذِينَ حَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَّسْتَهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (٢١٤)

آیا پنداشته اید در حالی که هنوز حادثه هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می شوید؟! به آنان سختی ها و آسیب هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند [در مقام دعا و درخواست یاری] می گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم]: آگاه باشید! یقیناً یاری خدا نزدیک است. (٢١٤)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الْتَّدِينُ وَالْأَقْرَبُينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَعْلَمُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ عَلِيهِمْ (٢١٥)

از تو می پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و مایه سودمندی که انفاق می کنید باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و در راه مانده گان باشد، و هر کار نیکی انجام دهید، خدا به آن داناست. (٢١٥)

ص: ٣٣

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرُهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٢١٦)

جنگ [با دشمن] بر شما مقرر و لازم شده، و حال آنکه برایتان ناخوشایند است. و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است؛ و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می داند و شما نمی دانید. (٢١٦)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَتَالٍ فِيهِ قُلْ قَتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَيْدٌ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفُرٌ بِهِ وَالْمُسِيءُ جِدُ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبُرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَهُ أَكْبُرُ مِنَ القُتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُوكُمْ عَنِ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبَطْتُ أَعْمَالَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَهِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٢١٧)

از تو درباره جنگ در ماه حرام می پرسند. بگو: هر جنگی در آن [گناهی] بزرگ است، ولی هر نوع بازداشت [مردم] از راه

خدا و کفروزی به او و [بازداشت مردم از] مسجد الحرام و بیرون راندن اهلش از آن، نزد خدا بزرگ تر [از جنگ در ماه حرام] است؛ و فتنه [شرک و بت پرستی] از کشتار بزرگ تر است. و مشرکان همواره با شما می جنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند. و از شما کسانی که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند، همه اعمال خوبشان در دنیا و آخرت تباہ و بی اثر می شود، و آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۲۱۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۱۸)

یقیناً کسانی که ایمان آورده، و آنان که هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند، به رحمت خدا امید دارند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۱۸)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرٌ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنِفِّقُونَ قُلِ الْعَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۱۹)

درباره شراب و قمار از تو می پرسند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، و گناه هر دو از سودشان بیشتر است. و از تو می پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از آنچه افزون بر نیاز است. خدا این گونه آیاتش را برای شما بیان می کند تا بیندیشید. (۲۱۹)

ص: ۳۴

فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْيَا مَاحِ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْبِلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۰)

[آری، تا] درباره [آنچه به صلاح] دنیا و آخرت [است] بیندیشید. و از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح امور آنان بهتر است، و اگر با آنان معاشرت کنید و امورتان را با امورشان بیامیزید [کاری خداپسندانه است] آنان برادر دینی شما هستند، و خدا افسادگر [در امور یتیم] را از اصلاح گر بازمی شناسد. و اگر خدا می خواست شما را [در تکلیف و مسؤولیت نسبت به مال و جان یتیم] به زحمت می انداخت؛ مسلمًا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۲۰)

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُسْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَأَمَّهُ مُؤْمِنَهُ خَيْرٌ مِنْ مُسْرِكَهِ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُسْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُو وَلَعَبْدُ مُؤْمِنُ خَيْرٌ مِنْ مُسْرِكِهِ وَلَا أَعْجَبْكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ يَإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۲۱)

و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا زمانی که ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان از زن آزاد مشرک بهتر است، هر چند [زیبایی، مال و موقعیت او] شما را خوش آید. و زنان با ایمان را به ازدواج مردان مشرک در نیاورید تا زمانی که ایمان بیاورند. مسلمًا برده با ایمان از مرد آزاد مشرک بهتر است، هر چند [جمال، مال و منال او] شما را خوش آید. اینان [که مشرکند، نه تنها مردم، بلکه بی رحمانه زن و فرزند خود را] به سوی آتش می خوانند، و خدا به توفیق خود به سوی بهشت و آمرزش دعوت می کند، و آیاتش را برای مردم بیان می فرماید تا متذکر شوند. (۲۲۱)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطْهَرْنَ فَأَتُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمْرَكُمْ
اللَّهُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (۲۲۲)

از تو درباره حیض می پرسند، بگو: حیض، حالت ناملا-یم و زیان باری است؛ پس در زمان حیض از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید، و با آنان نزدیکی ننمایید تا پاک شوند؛ و هنگامی که پاک شدند از جایی که خدا به شما فرمان داده با آنان آمیزش کنید. یقیناً خدا کسانی را که بسیار توبه می کنند، و کسانی را که خود را [با پذیرش انواع پاکی ها از همه آلودگی ها] پاکیزه می کنند. دوست دارد. (۲۲۲)

نِسَاؤْكُمْ حَرُثٌ لَكُمْ فَأَتُوْرَحُنَّكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدْمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۲۲۳)

زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و هر کجا که خواستید به کشتزار خود در آید. و [با رعایت حقوق یکدیگر، و حفظ عفت و پاکی، در سایه زناشویی و تولید نسلی پاک و شایسته و صالح، خیر و ثوابی] برای خودتان بیش فرستید، و از خدا پروا کنید، و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را بشارت ده. (۲۲۳)

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَهُ لَأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبُرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۴)

و خدا را در معرض سوگندهایی که می خورید قرار ندهید، [به اینکه سوگند بخورید] که نیکی نکنید، و تقوا پیشه نسازید، و میان مردم آشتی ندهید [خدا رضایت ندارد که نامش وسیله خودداری از کارهایی شود که خودش به انجام آنها فرمان داده است] و خدا [نسبت به همه گفته های شما] شنوا، [و نسبت به تمام کارهای شما] داناست. (۲۲۴)

ص: ۳۵

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلِكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۲۵)

خدا شما را به خاطر سوگندهای لغوتان [که جدی و حقیقی نیست و عادتاً بدون قصد قلبی بر زبان جاری می شود] مؤاخذه نمی کند، ولی شما را به خاطر آنچه دل هایتان [از سوگند جدی و حقیقی] مرتكب شده ممؤاخذه می کند؛ و خدا بسیار آمرزنه و بربدار است. (۲۲۵)

لَلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ سَائِهِمْ تَرْبُصُ أَرْبَعَهُ أَشْهُرٍ إِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲۶)

برای کسانی که سوگند یاد می کنند [که از آمیزش] با زنان خود دوری گزینند، [شرعاً] چهار ماه مهلت است، چنانچه [در این مدت به آنچه مقتضای زناشویی است] بازگشتند [گناهی بر آنان نیست]؛ زیرا خدا بسیار آمرزنه و مهربان است. (۲۲۶)

وَإِنْ عَزَّمُوا الطَّلاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۷)

و اگر [برای پایان یافتن مشکلات] تصمیم به طلاق گرفتند، [در صورت رعایت شرایط مانعی ندارد] مسلمًا خدا [به گفتار و

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصُنَ بِأَنفُسِهِنَ ثَلَاثَةٌ قُرُونٌ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْخَى مِهْنَ إِن كُنَّ يُؤْمِنَ بِهِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَبَعْدِهِنَ أَحَقُّ بِرَدَهِنَ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْدِرَاحًا وَلَهُنَ مِثْلُ الدِّي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرَّجِحِ الْأَلِ عَلَيْهِنَ دَرَجَهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

(۲۲۸)

زنان طلاق داده شده باید به سر آمدن سه پاکی [از حیض را] انتظار بربند [و پیش از به سر رسیدن آن، از شوهر کردن خودداری ورزند]. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند [به خاطر رعایت شرایط ایام عده] باید آنچه را خدا در رحم هایشان [از حیض یا جنین] آفریده، پنهان دارند. و شوهرانشان در این مدت چنانچه خواهان صلح و سازش اند، به بازگرداندن آنان [به زندگی دوباره] سزاوارترند. و برای زنان، حقوق شایسته ای بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنان است، و مردان را بر آنان [به خاطر کارگزاری، و تدبیر امور زندگی در امر میراث و دیه، گواهی در دادگاه و غیر این امور حقوقی] افرون تراست؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۲۸)

الظَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيْحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْنَاهُنَ شَيْئًا إِلَّا أَن يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ
فَإِنْ خِفْتُمُ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَمَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَيَدْتُ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُم
الظَّالِمُونَ (۲۲۹)

طلاق [رجعي که برای شوهر در آن حق رجوع و بازگشت به همسر است] دوبار است. [شوهر در هر مرتبه از رجوع] باید [همسرش را] به طور شایسته و متعارف نگه دارد، یا [با ترک رجوع، او را] به نیکی و خوشی رها کند. و برای شما حلال نیست از آنچه [به عنوان مهریه] به آنان پرداخته اید چیزی را بازستانید، مگر آنکه هر دو بترسند که حدود و مقررات خدا را [در روش همسرداری] برپا ندارند. پس شما [حاکمان شرع] اگر بترسید که آن دو نفر حدود خدا را برپا ندارند در آنچه زن برای رهایی خود [ឧوض طلاق] فدیه پردازد، گناهی بر آنان نیست. اینها حدود خداست؛ پس از آنها تجاوز نکنید و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، آنان بی تردید ستمکارند. (۲۲۹)

فَإِنْ طَلَقَهَا فَلَمَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنِكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يَتَرَاجِعَا إِنْ ظَنَّا أَن يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ
حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۳۰)

پس اگر [بعد از دو طلاق و رجوع، بار سوم] او را طلاق داد، آن زن بر وی حلال نخواهد بود، مگر آنکه با همسری غیر از او ازدواج کند. و اگر [همسر دوم] او را طلاق داد بر وی و شوهر اول گناهی نیست که به یکدیگر باز گردند، در صورتی که امیدوار باشند حدود الهی را [در روش همسرداری] رعایت می کنند. و اینها حدود خداست که آن را برای گروهی که دانایند بیان می کند. (۲۳۰)

ص: ۳۶

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمَّا بَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَيِّرُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُنْسِهِنَ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَن يَفْعُلْ ذَلِكَ فَقَدْ

ظَلَّمُمْ نَفْسِهِ وَلَمَا تَنَحَّدُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوا وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۳۱)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود نزدیک شدند، آنان را [با رجوع کردن] به طور شایسته و متعارف، نگه دارید یا [با ترک رجوع] به نیکی و خوشی رها کنید. و آنان را برای آزار رساندن و زیان زدن نگه ندارید تا بر آنان تعدی و ستم کنید. و هر که چنین کند قطعاً به خود ستم کرده است. و آیات خدا را به مسخره نگیرید و نعمت خدا را بر خود و آنچه از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده که شما را به آن پند می دهد، به یاد آرید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا به همه چیز داناست. (۲۳۱)

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَعْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَمَّا تَعْضُلُوهُنَّ أَنَّ يَنْكِحُنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۳۲)

و زمانی که زنان را طلاق دادید، و به پایان عده خود رسیدند، آنان را از ازدواج با شوهران سابق خود در صورتی که میان خودشان به روشنی شایسته و متعارف توافق کنند باز مدارید. با این [حکم،] کسانی از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، پند داده می شوند. این برای شما سودمندتر و پاکیزه تر است؛ و خدا [مصالح شما را در همه امور] می داند و شما نمی دانید. (۲۳۲)

وَالْوَالِدَاتُ يُرِضِّهُنَّ أُولَمَادُهُنَّ حَوَّلَنِ كَامِلَفِنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتَمَ الرَّضَا عَاهَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسَ إِلَّا وُسِّعَهَا لَمَا تُضَارَّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودُ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاؤِرٌ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرِضُهُوَا أُولَمَادُكُمْ فَلَمَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَيَّلَمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۳)

و مادران باید فرزندانشان را دو سال کامل شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که می خواهد دوران شیرخوارگی [کودک] را تکمیل کند. تأمین خوراک و پوشак مادران شیردهنده به طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی شود. باید مادری به خاطر فرزندش زیان بیند، و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود [بر پدر است که مخارج مادر و کودک را در حد متعارف پردازد، و بر مادر است که بیش از طاقت مالی شوهر از شوهر طلب خوراک و پوشاك نکند]. و [چنانچه پدر کودک از دنیا برود] هزینه مادر و کودک به اندازه متعارف [از میراث به جا مانده] بر عهده وارث است. و اگر پدر و مادر بر اساس توافق و مشورتshan بخواهند کودک را [قبل از دو سال] از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست. و اگر بخواهید برای فرزندانشان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، در صورتی که مزدی را که باید بدھید، به طور شایسته و متعارف پردازید. و از خدا پروا کنید و بدانید یقیناً خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲۳۳)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَلْدُرُونَ أَزْوَاجِهِنَّ أَرْبَعَهُ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَنَ أَجَلَهُنَّ فَلَمَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي

أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۳۴)

و کسانی از شما که می میرند و همسرانی باقی می گذارند، باید همسران چهار ماه و ده روز انتظار برند [و از شوهر کردن خودداری ورزند]؛ پس چون به پایان مدت شان رسیدند، در آنچه درباره خودشان به طور شایسته و متعارف [نسبت به ازدواج یا ترک آن] انجام دهند بر شما [حاکمان، وارثان متوفی و اقوام زنان] گناهی نیست؛ و خدا از آنچه انجام می دهید، آگاه است.

(۲۳۴)

وَلَا جِنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ السَّاءِ أَوْ أَكْنَتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنَ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَلْعَلُ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاخْيِذُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۳۵)

در سخنایی که هنگام خواستگاری زن ها [بی که در عده وفات اند] بدون صراحة و وضوح گویید [مانند اینکه من «خوش معاشرتم» و «زن دوستم» و به زنی که دارای چنین صفاتی باشد علاقه مندم] یا قصد ازدواج با آنان را در دل پنهان دارید، گناهی بر شما نیست. خدا می داند که شما به زودی آنان را [بر اساس میل فطری و خواسته طبیعی] یاد خواهید کرد؛ ولی با آنان در پنهانی و خلوت قرار ازدواج نگذارید، جز آنکه گفتاری پسندیده [و بدون صراحة و وضوح] بگویید. و هرگز تصمیم بستن عقد ازدواج نگیرید تا عده وفات به پایان رسد، و بدانید که خدا آنچه در دل دارید می داند؛ بنابراین از [مخالفت با] او بپرهیزید، و بدانید که خدا بسیار آمرزنده و بربار است. (۲۳۵)

لَا جِنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوْهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوهُنَّ لَهُنَّ فَرِيضَةٌ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا
بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (۲۳۶)

اگر زنان را پیش از آمیزش جنسی یا تعیین مهریه طلاق دادید [در این طلاق] بر شما گناهی نیست؛ و [در چنین موقعیتی بر شما واجب است] آنان را [از مال خود] بهره ای شایسته و متعارف دهید؛ توانگر به اندازه خویش، و تنگدست به اندازه خویش که این حقی لازم بر عهده نیکو کاران است. (۲۳۶)

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوْهُنَّ وَقَدْ فَرِضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصْفُ مَا فَرِضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُو الَّذِي يُبَدِّهُ عُقْدَهُ النِّكَاحِ وَأَنْ
تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۷)

و اگر آنان را پیش از آمیزش جنسی طلاق دهید، در حالی که برای آنان مهری تعیین کرده اید، پس [بر شما واجب است] نصف آنچه تعیین کرده اید [به آنان بپردازید]، مگر آنکه خود آنان یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست [مانند ولی یا وکیل] آن را ببخشند. و گذشت و بخشش شما [که تمام مهریه را به زن بپردازید]، به پرهیز کاری نزدیک تر است. و فرون بخشی و نیکو کاری را در میان خودتان فراموش نکنید که خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲۳۷)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸)

بر همه نمازها و به ویژه نماز میانه [که بر اساس پاره ای از روایات، نماز ظهر است] محافظت کنید، و [هنگام عبادت] فروتنانه برای خدا قیام کنید. (۲۳۸)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَمْكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲۳۹)

پس اگر [از دشمن یا حیوانات درنده یا خطر دیگر] ترس داشتید، [نماز را] پیاده یا سواره بخوانید و هنگامی که امنیت یافتید، خدا را [با خواندن نماز] یاد کنید، نمازی که آن را در ضمن سایر برنامه های دینی که دانای به آنها نبودید، به شما آموخت. (۲۳۹)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَدْرُوْنَ أَرْوَاحَهَا وَصِيهَّةٌ لَأَرْوَاحِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرْجَنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۴۰)

و کسانی از شما که مرگشان نزدیک می شود، و همسرانی به جا می گذارند، باید برای همسرانشان وصیت کنند که آنان را تا یک سال بدون بیرون کردن از خانه از هزینه زندگی بهره مند سازند. پس اگر [به اختیار خود] بیرون رفتند، در آنچه نسبت به خود [از ازدواج یا انتخاب شغل] به طور شایسته و متعارف انجام دهند، بر شما [وارثان میت به سبب نپرداختن هزینه زندگی آنان] گناهی نیست؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۴۰)

وَلِلْمَطَّلَقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۲۴۱)

و [سزاوار است از سوی شوهران] به طور شایسته و متعارف، کالا و وسائل زندگی به زنان طلاق داده شده پرداخت شود که این حقیقتی لازم بر عهده پرهیز کاران است. (۲۴۱)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲۴۲)

این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند، باشد که بیندیشید. (۲۴۲)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ حَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حِذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيِاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۲۴۳)

آیا به کسانی که از ترس مرگ از خانه های خود در حالی که هزاران نفر بودند، بیرون آمدند [با دیده عبرت] ننگریستی؟ پس خدا به آنان فرمود: بمیرید [و آنان بدون فاصله مردند،] سپس آنان را زنده کرد [تا بدانند رهایی از چنگ مرگ ممکن نیست]. خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است، ولی بیشتر مردم سپاس نمی گزارند. (۲۴۳)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۴۴)

و در راه خدا پیکار کنید و بدانید که یقیناً خدا شنو و داناست. (۲۴۴)

مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيَصَاغِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَئِسِطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۴۵)

کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می گیرد و وسعت می دهد؛ و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او باز گردانده می شوید. (۲۴۵)

ص: ۳۹

أَلَمْ تَرِ إِلَى الْمَلِئَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمْ أَبْعَثْتَ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسِيَّتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَا تَقْتَلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَا نُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَى قَلِيلًا مُنْهَمْ وَاللَّهُ عَلِيهِمْ بِالظَّالِمِينَ (۲۴۶)

آیا [با دیده عبرت] آن گروه از سران و اشراف بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی که به پیامبرشان گفتند: برای ما زمامدار و فرمانروایی برانگیز تا در راه خدا جنگ کنیم؟ گفت: آیا احتمال نمی دهید، اگر جنگ بر شما مقرر و لازم شود، جنگ نکنید و سر به نافرمانی بزنید؟ گفتند: ما را چه هدف و مرادی است که در راه خدا جنگ نکنیم، در حالی که از میان خانه ها و فرزندانمان بیرون رانده شده ایم؟ پس چون جنگ بر آنان مقرر و لازم شد، همه جز اندکی از آنان روی گرداندند؛ و خدا به ستمکاران داناست. (۲۴۶)

وَقَالَ لَهُمْ نَسِيْهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَيْعَهُ مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَهُ فِي الْعِلْمِ وَالْجِنْسِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۴۷)

و پیامبرشان به آنان گفت: بی تردید خدا طالوت را برای شما به زمامداری برانگیخت. گفتند: [شگفتا!] چگونه او را بر ما حکومت باشد و حال آنکه ما به فرمانروایی از او سزاوارتیم، و به او وسعت و فراخی مالی داده نشده [پس ما کجا و زمامداری انسانی تهیdst کجا؟!] [پیامبرشان] گفت: خدا او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده؛ و خدا زمامداریش را به هر کس که بخواهد عطا می کنند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۴۷)

وَقَالَ لَهُمْ نَسِيْهُمْ إِنَّ آيَهُ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَهُ مِنْ رَبِّكُمْ وَبِقِيَهُ مَمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَهُ إِنِّي ذَلِكَ لَآيَهُ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۴۸)

و پیامبرشان به آنان گفت: یقیناً نشانه فرمانروایی او این است که آن صندوق [که موسی را در آن گذاشتند و به دریا انداختند] نزد شما خواهد آمد، در آن آرامشی از سوی پروردگار تان است، و باقی مانده ای از آنچه خاندان موسی و هارون به جا گذاشته اند [چون الواح تورات، عصای موسی و عمامه هارون] و فرشتگان آن را حمل می کنند، البته در آن نشانه ای برای شماست اگر مؤمن باشید. (۲۴۸)

ص: ۴۰

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرَبَ مِنْهُ فَلَيَسْ مِنْ وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ عُرْوَةَ يَيَّدِهِ
فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا حَيَ أَوْزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظْنُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ
كَمْ مِنْ فِتَنَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِتَنَةً كَثِيرَةً يَإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (٢٤٩)

پس زمانی که طالوت با سپاهیان [برای جنگ با دشمن از شهر] بیرون رفت، گفت: بی تردید خدا شما را به وسیله نهر آبی آزمایش می کند؛ پس هر که [به هنگام تشنجی] از آن [سیر] بنوشد، از من نیست و هر که از آن نخورد، از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب بر گیرد [که او نه از من است و نه مردود از سپاه]. پس جز اندکی از آنان همگی از آن نوشیدند. و زمانی که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند از نهر گذشتند، [گروهی از آنان] گفتند: ما را امروز قدرت مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست. ولی کسانی که یقین داشتند که دیدار کننده خدایند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا باشکیایان است. (٢٤٩)

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرُغْ عَيْنَنَا صَبِرًا وَبَتْ أَفْدَأْمَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (٢٥٠)

و چون [طالوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهیانش ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیایی فرو ریز، و گام هایمان را استوار ساز، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. (٢٥٠)

فَهَزَ مُؤْهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودْ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعَ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِعَضِ لَفْسِهِ مَدِتِ
الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (٢٥١)

پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند. و داود [جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود] جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می خواست به او آموخت. و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است. (٢٥١)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (٢٥٢)

این [داستان ها و حادثه های واقعی] نشانه های [توحید، ربویت و قدرت] خدادست که به حق و راستی بر تو می خوانیم و یقیناً
تو از فرستادگانی. (٢٥٢)

ص: ٤١

جزء ۳

ادامه سوره البقره

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَلْنَاهُمْ عَلَى بَعْضِ مِنْهُمْ مَنْ كَلَمَ اللَّهَ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ
الْقَدِيسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مَنْ بَعْدِهِمْ مَا جَاءَ تُهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنَّ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ

اللَّهُ مَا أَفْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعُلُ مَا يُرِيدُ (۲۵۳)

از آن فرستاد گان برخی را بربخی برتری بخشیدیم. از آنان کسی است که خدا با او سخن گفت، و برخی از آنان را درجات و مراتبی بالا برد. و عیسی بن مریم را دلایل و نشانه های روشن دادیم، و او را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدیم. و اگر خدا می خواست کسانی که بعد از آنان [در طول قرون و اعصار] آمدند، پس از آنکه دلایل و براهین روشن به آنان رسید، با هم نمی جنگیدند، ولی [درباره ایمان و کفر با هم] اختلاف کردند، پس برخی از آنان ایمان آورند و برخی کفر ورزیدند، قطعاً خدا اگر می خواست نمی جنگیدند، ولی خدا آنچه را می خواهد [از روی حکمت و مصلحت] انجام می دهد. (۲۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبْعَثُ فِيهِ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۵۴)

ای اهل ایمان! از آنچه به شما روزی کرده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و تنها کافران ستمکارند. (۲۵۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقَيُومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۲۵۵)

خدای یکتا که جز او هیچ معبدی نیست، زنده و قائم به ذات [و مدبّر و برپا دارنده و نگه دارنده همه مخلوقات] است، هیچ گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمی گیرد، آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست. کیست آنکه جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه را پیش روی مردم است [که نزد ایشان حاضر و مشهود است] و آنچه را پشت سر آنان است [که نسبت به آنان دور و پنهان است] می داند. و آنان به چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر به آنچه او بخواهد. تخت [حکومت، قدرت و سلطنت] ش آسمان ها و زمین را فرا گرفته و نگهداری آنان بر او گران و مشقت آور نیست؛ و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۵۵)

لَمَّا إِكْرَاهٌ فِي الدِّينِ قَدِ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرُ بِالظَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعَزْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۵۶)

در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار و ادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کار گیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را پذیرد]. مسلمان راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گستاخ نیست، چنگ زده است؛ و خدا شناو و داناست. (۲۵۶)

ص: ۴۲

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ

خدا سربرست و یار کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنان را از تاریکی ها [ی جهل، شرک، فسق و فجور] به سوی نور [ایمان، اخلاق حسن و تقوا] بیرون می برد. و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیان گراند که آنان را از نور به سوی تاریکی ها بیرون می برند؛ آنان اهل آتش اند و قطعاً در آنجا جاودانه اند. (٢٥٧)

أَللَّهُمَّ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّي الَّذِي يُعْلِمُنِي وَيَعْلَمُنِي قَالَ أَنَا أَعْلَمُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأَتَ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبَهَتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٢٥٨)

آیا [با دیده عبرت] ننگریستی به کسی که چون خدا او را پادشاهی داده بود [از روی کبر و غرور] با ابراهیم درباره پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارم کسی است که زنده می کند و می میراند [او] گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم. [و برای مشتبه کردن کار بر مردم، دستور داد دو زندانی محکوم را حاضر کردند، یکی را آزاد و دیگری را کشت.] ابراهیم [برای بستن راه مغالطه و تزویر به روی دشمن] گفت: مسلماً خدا خورشید را از مشرق بیرون می آورد، تو آن را از مغرب برآور! پس آنکه کافر شده بود، متحر و مبهوت شد. و خدا گروه ستم گر را [به خاطر تجاوز، ستم، پافشاری بر عناد و لجاجشان] هدایت نمی کند. (٢٥٨)

أَوْ كَالَّذِي مَرَ عَلَى قَرْبَهِ وَهِيَ خَاوِيَّهُ عَلَى عُرُوشَهَا قَالَ أَنَّى يُعْلِمُنِي هَيْذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كُمْ لِبْسَتَ قَالَ لِبْسُتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلِ لِبْسَتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَمَّهُ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلُكَ آئِيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوْهَا لَحْمًا فَلَمَا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢٥٩)

يا چون آن کسی که به دهکده ای گذر کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف هایش فرو ریخته بود [و اجساد ساکانش پوسیده و متلاشی به نظر می آمد] گفت: خدا چگونه اینان را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس خدا او را صد سال میراند، سپس وی را برانگیخت، به او فرمود: چه مقدار [در این منطقه] درنگ کرده ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کرده ام. [خدا] فرمود: بلکه صد سال درنگ کرده ای! به خوراکی و نوشیدنی خود بنگر که [پس از گذشت صد سال و رفت و آمد فصول چهارگانه] تغییری نکرده، و به دراز گوش خود نظر کن [که جسمش متلاشی شده، ما تو را زنده کردیم تا به پاسخ پرسشت برسی و به واقع شدن این حقیقت مطمئن شوی]، و تا تو را نشانه ای [از قدرت و ربویت خود] برای مردم [در مورد زنده شدن مردگان] قرار دهیم، اکنون به استخوان ها [ی دراز گوش] بنگر که چگونه آنها را برمی داریم و به هم پیوند می دهیم، سپس بر آنها گوشت می پوشانیم. چون [کیفیت زنده شدن مردگان] بر او روشن شد، گفت: اکنون می دانم که یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (٢٥٩)

ص: ٤٣

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمُوَتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلِي وَلَكِنْ لَيْطَمِئِنَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةَ مِنَ الطَّيْرِ فَصُرِّهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَكَ سَعْيًا وَاعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢٦٠)

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می کنی؟ [خدا] فرمود: آیا [به قدر تم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیاورده ای؟! گفت: چرا، ولی [مشاهده این حقیقت را خواستم] تا قلبم آرامش یابد. [خدا] فرمود: پس چهار پرنده بگیر و آنها را [برای دقت در آفرینش هر یک] به خود نزدیک کن، و [بعد از کشتن، ریز ریز کردن و مخلوط کردن شان به هم] بر هر کوهی [در این منطقه] بخشی از آنها را قرار ده، سپس آنها را بخوان که شتابان به سویت می آیند؛ و بدان که یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۶۰)

مَثْلُ الدِّينِ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثْلٍ حَيَّهِ أَبْتَثْ سَيِّعَ سَيِّنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُّلِهِ مَائِهُ حَيَّهِ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۱)

مَثَلُ آنانِ که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ای است که هفت خوش برویاند، در هر خوش صد دانه باشد؛ و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۶۲)

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَمَا يُنْتَهُوا مِنَ أَنْفَقُوا مَنًا وَلَمَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَمَا حَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرَنُونَ (۲۶۲)

کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، سپس منت و آزاری به دنبال انفاقشان نمی آورند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۶۲)

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَهٖ يَتَبَعُهَا أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (۲۶۳)

گفتاری پسندیده [در برابر تهیستان] و عفو [ای کریمانه نسبت به خشم و بد زبانی مستمندان] بهتر از بخششی است که دنبالش آزاری باشد، و خدا بی نیاز و بربدار است. (۲۶۳)

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتُكُمْ بِالْمُنْ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَيْفُوَنِ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَأَبْلَ فَتَرَ كُهْ صَلْدَا لَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مَمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهِدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲۶۴)

ای اهل ایمان! صدقه هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، که وصفش مانند سنگ سخت و خارابی است که بر آن [پوششی نازک از] خاک قرار دارد و رگباری تن و درشت به آن برسد و آن سنگ را صاف [و بدون خاک] واگذارد [صدقه ریایی مانند آن خاک است و این ریاکاران] به چیزی از آنچه کسب کرده اند، دست نمی یابند و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند. (۲۶۴)

ص: ۴۴

وَمَثَلُ الدِّينِ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَبْيَنًا مِنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّهِ بِرَبْوَهِ أَصَابَهَا وَأَبْلَ فَاتَّ أُكُلُّهَا ضِعَفَيْنِ إِنَّ لَمْ يُصِبَهَا وَأَبْلَ فَطَلُّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۶۵)

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان [بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاقی] اتفاق می‌کنند، مانند بوسنانی است در جایی بلند که بارانی تنده آن برسد، در نتیجه میوه اش را دو چندان بددهد، و اگر باران تنده به آن نرسد باران ملایمی می‌رسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

(۲۶۵)

أَيُّوْدُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ حَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الشَّمَراتِ وَأَصَابَهُ الْكِبِيرُ وَلَهُ ذُرَيْهُ ضُحَّ عَفَاءٌ
فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۶۶)

آیا یکی از شما دوست دارد که او را بوسنانی از درختان خرما و انگور باشد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و برای وی در آن بستان از هر گونه میوه و محصولی باشد، در حالی که پیری به او رسیده و دارای فرزندان ناتوان [و خردسال] است، پس گرددبادی که در آن آتش سوزانی است به آن بستان برسد و یک پارچه بسوزد؟ [ریا و منت و آزار به همین صورت اتفاق را نابود می‌کند] این گونه خدا آیاتش را برای شما توضیح می‌دهد تا بیندیشید. (۲۶۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيَّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْحَنِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ
تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِّيٌّ حَمِيدٌ (۲۶۷)

ای اهل ایمان! از پاکیزه های آنچه [از راه داد و ستد] به دست آورده اید، و آنچه [از گیاهان و معادن] برای شما از زمین بیرون آورده ایم، اتفاق کنید و برای اتفاق کردن دنبال مال ناپاک و بی ارزش و معیوب نروید، در حالی که اگر آن را به عنوان حق شما به خود شما می دادند، جز [با] چشم پوشی [و دلسربی] نمی گرفتید و بدانید که خدا، بی نیاز و ستوده است.

(۲۶۷)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸)

شیطان، شما را [به هنگام اتفاق مال با ارزش] از تهیستی و فقر می ترساند، و شما را به کار رشت [چون بخل و خودداری از زکات و صدقات] امر می کند، و خدا شما را از سوی خود و عده آمرزش و فزونی رزق می دهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۶۸)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ حَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكِرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۶۹)

حکمت را به هر کس بخواهد می دهد، و آنکه به او حکمت داده شود، بی تردید او را خیر فراوانی داده اند، و جز صاحبان خرد، کسی متذکر نمی شود. (۲۶۹)

ص: ۴۵

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَهِ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۲۷۰)

و هر نفقه ای که انفاق کردید و هر نذری را که بر عهده گرفتید، یقیناً خدا آن را می داند، [در نتیجه فرمانبر را پاداش می دهد و ستمکار به آیات خدا و حقوق مردم را عذاب می کند] و برای ستمکاران در قیامت یاوری نیست. (۲۷۰)

إِنْ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مَنْ سَيِّئَتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ (۲۷۱)

اگر صدقه ها را آشکار کنید، کاری نیکوست، و اگر آنها را پنهان دارید و به تهییدستان دهید برای شما بهتر است؛ و خدا [به این سبب] بخشی از گناهاتتان را محو می کند؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۲۷۱)

لَيَسْ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأُنْفِسِهِ كُمْ وَمَا يُنْفِقُونَ إِلَّا اِيْنَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۲۷۲)

[ای پیامبر!] هدایت آنان [به سوی اخلاص در انفاق و ترك منت و آزار] بر عهده تو نیست، [وظیفه تو ابلاغ پیام و اتمام حجت است] بلکه خداست که هر کس را بخواهد هدایت می کند. [ای اهل ایمان!] و هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست، و این در صورتی است که انفاق نکنید جز برای طلب خشنودی خدا. و آنچه از مال [بالارزش و بی عیب] انفاق کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهد گرفت. (۲۷۲)

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُخْصِصَ رُوَا فِي سَيِّلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيُونَ ضَرَبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْيَيَاءَ مِنَ التَّعْفُفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلَحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۷۳)

[صدقات] حق نیازمندانی است که در راه خدا [به سبب جنگ یا طلب دانش یا بیماری یا عوامل دیگر] در مضیقه و تنگنا افتاده اند [و برای فراهم کردن هزینه زندگی] نمی توانند در زمین سفر کنند؛ فرد نا آگاه آنان را از شدت پارسايی و عفتی که دارند توانگر و بی نیاز می پندارد. [تو ای رسول من!] آنان را از سیمايشان می شناسی. [آنان] از مردم به اصرار چیزی نمی خواهند. و شما ای اهل ایمان! آنچه از مال [با ارزش و بی عیب] انفاق کنید، یقیناً خدا به آن داناست. (۲۷۳)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرَنُونَ (۲۷۴)

کسانی که [چون علی بن أبي طالب (علیه السلام)] اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۷۴)

ص: ۴۶

الَّذِينَ يَا كُلُونَ الرَّبِّيَا لَهَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمُسْكَنِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرَّبِّيَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِدَةً مِنْ رَبِّهِ فَأَنْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷۵)

کسانی که ربا می خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته] است، این بدان سبب است که آنان

گفتند: خرید و فروش هم مانند ربات است. در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسید و [از کار زشت خود] بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم آن] به دست آورده، مال خود اوست، و کارش [از جهت آثار گناه و کیفر آخرتی] با خداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان اهل آتشند، و در آن جاودانه اند. (۲۷۵)

يَمْحُقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِبِّي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶)

خدا ربا را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد؛ و خدا هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد. (۲۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الرَّكَاهَ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا حُوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۷)

مسلمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را به پا داشتند، و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی [شایسته و مناسب] است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۲۷۸)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. (۲۷۸)

فَإِنْ لَمْ تَفْعِلُوا فَأَذْنُوا بِحِزْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْقِمُ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

واگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می کنید و نه مورد ستم قرار می گیرید. (۲۷۹)

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَهٖ فَنَظِرْهُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُنْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۸۰)

و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید؛ و بخشیدن همه وام [و چشم پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است. (۲۸۰)

وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُنْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۸۱)

و پروا کنید از روزی که در آن به سوی خدا بازگردانده می شوید، سپس به هر کس آنچه انجام داده، به طور کامل داده می شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند [زیرا هر چه را دریافت می کنند، تجسم عینی اعمال خودشان است]. (۲۸۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَائِنْتُمْ بِمَا يُنَهِّي إِلَى أَجْلٍ مُّسَيَّمٍ فَاكْتُبُوهُ وَلْيُكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعِدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلِمَهُ

اللَّهُ فَلِيَكُتُبْ وَلِيَمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلِيُتَقَدِّمَ اللَّهُ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنَّ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَيِّفِيهَا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِعُ أَنْ يُمْلَلَ هُوَ فَلِيَمْلِلْ وَلِيَهُ بِالْعِدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنَّ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرَضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضَلَّ إِحْدَاهُمَا فَتَذَكَّرْ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَيْغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجْلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسِطُ عِنَّدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَذْنَى أَلَا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَه حَاضِرَه تُدِيرُونَهَا يَئِنْكُمْ فَلَيَسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَيَّنُتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلَّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲)

ای اهل ایمان! چنانچه وامی به یکدیگر تا سر آمد معینی، دادید، لازم است آن را بنویسید. و باید نویسنده ای [سنداش را] در میان خودتان به عدالت بنویسد. و باید هیچ نویسنده ای از نوشتن سند همان گونه که خدا [بر اساس قوانین شرعی] به او آموخته است، دریغ ورزد. او باید بنویسد، و کسی که حق به عهده اوست باید [کلامش را جهت تنظیم سند برای نویسنده] املا کند، و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را نکاهد. و اگر کسی که حق به عهده اوست، سفیه یا ناتوان باشد، یا [به علتی] نتواند املا کند، ولی و سرپرست او به عدالت املا کند. و دو شاهد از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن را از میان شاهدانی که می پسندید، شاهد بگیرید تا اگر یکی از آن دو زن [واقعیت را] فراموش کرد، آن دیگری او را یادآوری کند. و شاهدان هنگامی که [برای ادای شهادت] دعوت شوند [از پاسخ دعوت] امتناع نورزنند، و از نوشتن [سنده وام] تا سرآمد معینش، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید، این [کار] نزد خدا عادلانه تر و برای اقامه شهادت پابرجاتر، و به اینکه [در جنس وام، اندازه آن و زمان پرداختش] شک نکنید [و ستیز و نزاعی پیش نیاید،] نزدیک تر است. مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود دست به دست می کنید، در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و هر گاه داد و ستد کنید، شاهد بگیرید. و باید به نویسنده و شاهد زیان برسد و اگر زیان برسانید، خروج از اطاعت خداست که گریبانگیر شما شده است و از خدا پروا کنید و خدا [احکامش را] به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست. (۲۸۲)

ص: ۴۸

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَيِّرِ وَلَمْ تَجِدُوا كَائِنًا فِي هِيَانَ مَقْبُوضَهْ فِي إِنْ أَمِنَ أَمَانَتُهُ وَلْيَتَقَدِّمَ اللَّهُ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَه وَمَنْ يَكْتُمُهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸۳)

و اگر در سفر بودید و نویسنده ای [برای ثبت سند] نیافتید، وثیقه های دریافت شده [جایگزین سند و شاهد] است. و اگر یکدیگر را امین دانستید [وثیقه لازم نیست] پس باید کسی که امینش دانسته اند، امانتش را ادا کند. و از خدا پروردگار خود، پروا نماید و [شما ای شاهدان!] شهادت را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند، یقیناً دلش گناهکار است؛ و خدا به آنچه انجام می دهید داناست. (۲۸۳)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدِّلُوا مَا فِي أَنْفُسِهِ كُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيُغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَعِذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۸۴)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و اگر آنچه [از نیت های فاسد و

افکار باطل] در دل دارید آشکار کنید یا پنهان سازید، خدا شما را به آن محاسبه می کند؛ پس هر که را بخواهد می آمرزد، و هر که را بخواهد عذاب می کند؛ و خدا بر هر کاری توانست. (۲۸۴)

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
غُفرانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمُصِيرُ (۲۸۵)

پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده، ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش، ایمان آورده‌اند [و بر اساس ایمان استوارشان گفتند]: ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگار! آمرزشت را خواهانیم و بازگشت [همه] به سوی توست. (۲۸۵)

لَا يُكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسِّعَهَا لَهَا مَا كَسِّبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنَّ نَسِيَّنَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتُهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
(۲۸۶)

خدا هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی‌کند. هر کس عمل شایسته‌ای انجام داده، به سود اوست، و هر کس مرتکب کار زشتی شده، به زیان اوست. [مؤمنان گویند]: پروردگار! اگر فراموش کردیم یا مرتکب اشتباه شدیم، ما را مؤاخذه ممکن. پروردگار! تکالیف سنگینی بر عهده ما مگذار، چنان که بر عهده کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگار! و آنچه را به آن تاب و توان نداریم بر ما تحمیل ممکن؛ و از ما در گذر؛ و ما را بیامز؛ و بر ما رحم کن؛ تو سرپرست مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز فرما. (۲۸۶)

ص: ۴۹

سوره آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَ (۱)

الْمَ (۱)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقَيُومُ (۲)

خدای یکتا که جز او هیچ معبدی نیست، زنده و قائم به ذات [و مدبر و بربا دارنده و نگه دارنده همه مخلوقات] است. (۲)

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَاهُ وَالْإِنْجِيلَ (۳)

این کتاب را تدریجاً به حق و راستی بر تو نازل کرد که تصدیق کننده کتاب‌های پیش از خود است؛ و تورات و انجیل را (۳)

مِنْ قَبْلُ هُدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتقامٍ (۴)

پیش از این برای هدایت مردم فرستاد، و فرقان را [که مایه جدایی حق از باطل است] نازل کرد. مسلمًا کسانی که به آیات خدا کافر شدند، برای آنان [به کیفرِ کفرشان] عذابی سخت است؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۵)

یقیناً چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نیست. (۵)

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُ كُمْ فِي الْأَرْضِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶)

اوست که شما را در رحم ها [ی مادران] به هر گونه که می خواهد تصویر می کند. جز او هیچ معبدی نیست؛ توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُّحَكَّمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَآخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَنْغٌ فَيَتَبَعَّوْنَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ أَيْنَعَاءُ الْفِتْنَةِ وَأَيْنَعَاءُ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَدْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۷)

اوست که این کتاب را برابر تو نازل کرد که بخشی از آن کتاب، آیات محکم است [که دارای کلماتی صریح و مفاهیمی روشن است] آنها اصل و اساس کتاب اند، و بخشی دیگر آیات متشابه است [که کلماتش غیر صریح و معانی اش مختلف و گوناگون است و جز به وسیله آیات محکم و روایات استوار تفسیر نمی شود] ولی کسانی که در قلوبشان انحراف [از هدایت الهی] است برای فتنه انگیزی و طلب تفسیر [نادرست و به تردید انداختن مردم و گمراه کردن آنان] از آیات متشابهش پیروی می کنند، و حال آنکه تفسیر واقعی و حقیقی آنها را جز خدا نمی داند. و استواران در دانش [و چیره دستان در بینش] می گویند: ما به آن ایمان آوردهیم، همه [چه محکم، چه متشابه] از سوی پروردگار ماست. و [این حقیقت را] جز صاحبان خرد متذکر نمی شوند. (۷)

رَبَّنَا لَا تُزْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۸)

[و می گویند:] پروردگار! دل هایمان را پس از آنکه هدایتمان فرمودی منحرف مکن، و از سوی خود رحمتی برمابخش؛ زیرا تو بسیار بخشنده ای. (۸)

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمَ لَرِيَبٍ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹)

پروردگار! قطعاً تو در روزی که هیچ شکی در آن نیست، گردآورنده همه مردمی؛ مسلمًا خدا خلف و عده نمی کند. (۹)

ص: ۵۰

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُوْدُ النَّارِ (۱۰)

یقیناً اموال و فرزندان کافران هرگز چیزی از [عذاب] خدا را از آنان برطرف نمی کند؛ و ایناند که آتشگیره آتش اند. (۱۰)

كَدَأْبٌ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۱)

[روش آنان] مانند روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند که آیات ما را تکذیب کردند، پس خدا هم آنان را به گناهانشان مؤاخذه کرد؛ و خدا سخت کیفر است. (۱۱)

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُعْلَمُونَ وَتُخَسَّرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۲)

به کافران بگو: به زودی شکست می خورید و به سوی دوزخ محشور می شوید، و آن بد آرامگاهی است. (۱۲)

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَهٌ فِي فِتْنَتِنَا فِتْنَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَيِّلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَهُ يَرْوَنَهُمْ مُثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بَنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعْبَرَةً لَأُولَئِكَ الْأَبْصَارِ (۱۳)

تحقیقاً برای شما در دو گروهی که [در جنگ بدر] با هم رو به رو شدند، نشانه ای [از قدرت خدا و حقایقت نبوت پیامبر] بود، گروهی در راه خدا می جنگیدند، و گروه دیگر کافر بودند، که اهل ایمان را به چشم خویش دو برابر می دیدند [به همین خاطر شکست خوردن] و خدا هر که را بخواهد با یاری خود تأیید می کند؛ مسلماً در این [واقعیت] برای دارندگان بصیرت است. (۱۳)

زِينَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنَّطَرِهِ مِنَ الدَّهَبِ وَالْفِضَّهِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (۱۴)

محبت و عشق به خواستنی ها [که عبارت است] از زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسباب نشاندار و چهارپایان و کشت و زراعت، برای مردم آراسته شده است؛ اینها کالای زندگی [زودگذر] دنیاست؛ و خداست که بازگشت نیکو نزد اوست. (۱۴)

قُلْ أَوْتَبِّعُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَاحٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَاءُ خَالِتِهِنَّ فِيهَا وَأَرْوَاجُ مُطَهَّرَهُ وَرِضْوَانٌ مِنْ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۱۵)

بگو: آیا شما را به بهتر از این [امور] خبر دهم؟ برای آنان که [در همه شؤون زندگی] پرهیز کاری پیشه کرده اند، در نزد پروردگارشان بهشت هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند و [نیز برای آنان] همسرانی پاکیزه و خشنودی و رضایتی از سوی خداست؛ و خدا به بندگان بیناست. (۱۵)

ص: ۵۱

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۶)

آنان که می گویند: پروردگار! قطعاً ما ایمان آور دیم، پس گناهانمان را بیامرز و ما را از عذاب آتش نگاه دار. (۱۶)

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷)

آنان که صبر کنند گان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنند گان و استغفار کنند گان در سحرهایند؛ (۱۷)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

خدا در حالی که برپا دارنده عدل است [با منطق وحی، با نظام مُتقن آفرینش و با زبان همه موجودات] گواهی می دهد که هیچ معبدی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می دهنده که هیچ معبدی جز او نیست؛ معبدی که توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۸)

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءُهُمُ الْعِلْمُ بَعْدًا يَبْيَنُهُمْ وَمَنْ يَكُفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹)

مسلمان دین [واقعی که همه پیامبران مبلغ آن بودند] نزد خدا، اسلام است. و اهل کتاب [درباره آن] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را [نسبت به حقایق آن] آگاهی و دانش آمد، این اختلاف به خاطر حسد و تجاوز میان خودشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا حسابرسی، سریع است. (۱۹)

فَإِنْ حَاجُوكَ فَقُلْ أَسْلِمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمَّيَّنَ أَسْلِمْتُمُّمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلُّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۲۰)

پس اگر با توجیه و گفتگوی خصومت آمیز کردند، [فقط در پاسخشان] بگو: من و همه پیروانم وجود خود را تسليم خدا کرده ایم. و به اهل کتاب و به بی سوادان [مشترک] بگو: آیا شما هم تسليم شده اید؟ پس اگر تسليم شوند، قطعاً هدایت یافته اند، و اگر روی گردانند [برتو دشوار و سخت نیاید] که آنچه بر عهده توست فقط ابلاغ [پیام خدا] است؛ و خدا به بندگان بیناست. (۲۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرُهُمْ بِعَذَابِ أَلِيمٍ (۲۱)

کسانی که پیوسته به آیات خدا کفر می ورزند، و همواره پیامبران را به ناحق می کشند، و از مردم کسانی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۱)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبَطُتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۲)

آنان کسانی اند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباہ و بی اثر شده، و برای آنان هیچ یاوری نخواهد بود. (۲۲)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ أَتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيُحَكَّمْ بِيَنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّ فِرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۲۳)

آیا به کسانی که بهره ای اندک از کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی که به سوی کتاب خدا خوانده می شوند تا در میان آنان [درباره احکام الهی و نبوت پیامبر اسلام] داوری کنند؟ سپس گروهی از آنان در حالی که اعراض کننده [از حق و حقیقت] اند، روی می گردانند. (۲۳)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)

این روی گردانی به خاطر آن است که گفتند: هر گز آتش [دوخ در روز قیامت] جز چند روزی به ما نمی رسد و آنچه همواره افترا و دروغ [به خدا] می بستند، آنان را در دینشان مغور کرده است. (۲۴)

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبٌ فِيهِ وَوُفِيتُ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُنَّ لَا يُظْلَمُونَ (۲۵)

پس چه خواهند کرد، هنگامی که آنان را برای روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم، و به هر کس آنچه [از نیک و بد] به دست آورده، به طور کامل داده شود، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۲۵)

قُلِ اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزَعُ الْمُلْكُ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَنْدِكُ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ
شَئِ فَقِيرٌ (۲۶)

بگو: خدایا! ای مالک همه موجودات! به هر که خواهی حکومت می دهی و از هر که خواهی حکومت را می ستانی، و هر که را خواهی عزت می بخشد و هر که را خواهی خوار و بی مقدار می کنی، هر خیری به دست توست، یقیناً تو بر هر کاری توانایی. (۲۶)

تُولِجُ اللَّيلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۷)

شب را در روز در می آوری و روز را در شب در می آوری، و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری؛ و هر که را بخواهی بی حساب روزی می دهی. (۲۷)

لَا يَتَبَعَّدُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلَيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيَسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَقَوَّلُهُمْ تُقَاهُ وَيُحِيِّذُهُمْ
اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۲۸)

مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید به سبب دفع خطری که متوجه شماست از آنان تقیه کنید؛ خدا شما را از [عذاب] خود بر حذر می دارد، و بازگشت [همه] به سوی خدادست. (۲۸)

قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبَدُّوْهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَئِ فَقِيرٌ (۲۹)

بگو: اگر آنچه [از نیت های فاسد و افکار باطل] در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خدا آن را می داند. و نیز آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، می داند و خدا بر هر چیز تواناست. (۲۹)

ص: ۵۳

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَهٌ رَا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمْدَادًا بَعِيدًا وَيُحِبِّذُرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۳۰)

روزی که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده و آنچه را از کار زشت مرتكب شده حاضر شده می یابد، و آرزو می کند که ای کاش میان او و کارهای زشتی زمان دور و درازی فاصله بود. و خدا شما را از [عذاب] خود بر حذر می دارد؛ و خدا به بندگان مهربان است. (۳۰)

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبِّكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۱)

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد، و گناهانتان را بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۱)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۳۲)

بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدند [بدانند که] یقیناً خدا کافران را دوست ندارد. (۳۲)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۳)

بی تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به خاطر شایستگی های ویژه ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید. (۳۳)

ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳۴)

فرزندانی [را برگزید] که [از نظر پاکی، تقو، درستی و راستی] برخی از [آنان از نسل] برخی دیگرند؛ و خدا شنوا و داناست. (۳۴)

إِذْ قَالَتِ امْرَأُتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحرَرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۵)

[یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کردم که آنچه را در شکم خود دارم [برای خدمت خانه تو از ولایت و سرپرستی من] آزاد باشد، بنابراین از من بپذیر؛ یقیناً تو شنوا و دانایی. (۳۵)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْشَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الدَّكَرُ كَالْمَائِنَى وَإِنِّي سَيَّمَتْهَا مَوْرِيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ

زمانی که او را زاید، گفت: پروردگارا! من او را دختر زایدم. و خدا به آنچه او زاید داناتر بود؛ و آن پسر [که زاییدن او را آرزو داشت، در کرامت، عظمت، ارزش و شخصیت] مانند این دختر نیست؛ [پس در مقام نام گذاریش گفت:] البته من نامش را «مریم» نهادم، و او فرزندانش را از خطرات مهلك و وسوسه های بنیان برانداز شیطان رانده شده به پناه تو می آورم. (۳۶)

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَبْتَهَا نَبَاتًا حَسِينًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَا كُلُّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَا الْمُحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷)

پس پروردگارش او را به صورت نیکویی پذیرفت، و به طرز نیکویی نشو و نما داد، و زکریا را کفیل [رشد و تربیت معنوی] او قرار داد. هر زمان که زکریا در محراب [عبادت] بر او وارد می شد، رزق ویژه ای نزدش می یافت. [روزی در کمال شگفتی] گفت: ای مریم! این رزق ویژه برای تو از کجاست؟! گفت: از سوی خداست، یقیناً خدا هر کس را بخواهد، رزق بی حساب می دهد. (۳۷)

ص: ۵۴

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرْرِيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۸)

در آنجا بود که زکریا [با دیدن کرامت و عظمت مریم] پروردگار خود را خوانده، گفت: پروردگارا! مرا از سوی خود فرزندی پاک و پاکیزه عطا کن، یقیناً تو شنوازی دعاوی. (۳۸)

فَنَيَادَتْهُ الْمَلَائِكَهُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَيِّلُ فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَيِ مُصَيِّدًا بِكَلِمَهٖ مِنَ اللَّهِ وَسِيَّدًا وَحَصُورًا وَنِيَّا مِنَ الصَّالِحِينَ (۳۹)

پس فرشتگان، او را در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ندا دادند که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد که تصدیق کننده کلمه ای از سوی خدا [یعنی مسیح] است و سرور و پیشوای، و [از روی زهد و حیا] نگاهدار خود از مشتهیات نفسانی، و پیامبری از شایستگان است. (۳۹)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يُكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبْرُ وَأَمْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعُلُ مَا يَشَاءُ (۴۰)

گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که پیری به من رسیده و همسرم نازاست؟ خدا فرمود: چنین است [که می گویی، ولی کار خدا مُقید به علل و اسباب نیست] خدا هر چه را بخواهد [با مشیت مطلقه خود] انجام می دهد. (۴۰)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَهَ قَالَ آيَتُكَ أَلَا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَهُ أَيَامٍ إِلَّا رَمْزًا وَأَذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِّ وَالْإِبْكَارِ (۴۱)

گفت: پروردگار! برای من نشانه ای [جهت الهی بودن این بشارت] قرار ده. گفت: نشانه تو این است که سه روز نتوانی با مردم جز با رمز و اشاره سخن گویی، و پروردگارت را بسیار یاد کن و [او را] شام گاه و بامداد تسبیح گوی. (۴۱)

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمٍ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۴۲)

و [یاد کنید] هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! قطعاً خدا تو را برگزیده و [از همه آلدگی های ظاهری و باطنی] پاک ساخته، و بر زنان جهانیان برتری داده است. (۴۲)

یا مَرْيَمُ اقْتَيْتِ لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

ای مریم! فروتنانه برای پروردگارت به طاعت برخیز و سجده به جای آور و با رکوع کنندگان رکوع کن. (۴۳)

ذَلِكَ مِنْ أَئْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَنِيمِ إِذْ يُلْقَوْنَ أَقْلَامَهُمْ أَعْيُهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَنِيمِ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۴۴)

این [حقایق] از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم. و تو هنگامی که آنان قلم های خود را [به عنوان قرعه زدن در آب] می انداختند که کدامیک از آنان سرپرستی مریم را عهده دار شود، و نیز زمانی که [برای کفالت او] با یکدیگر جدال و ستیز می کردند، نزد آنان نبودی. (۴۴)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمٍ إِنَّ اللَّهَ يُشَرِّكِ بِكَلِمَتِهِ مِنْهُ اسْمُهُ الْمُسِيْحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيْهَا فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۵)

[یاد کنید] زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! یقیناً خدا تو را به کلمه ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می دهد که در دنیا و آخرت دارای مقبولیت و آبرومندی و از مقربان است. (۴۵)

ص: ۵۵

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ (۴۶)

و با مردم در گهواره [به صورت کاری خارق العاده] و در میان سالی [با زبان وحی] سخن می گوید و از شایستگان است. (۴۶)

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسِسْنِي بَشْرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۴۷)

[مریم] گفت: پروردگار! چگونه برای من فرزندی خواهد بود، در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته؟! [خدا] فرمود: چنین است که می گویی [ولی کار خدا مقتید به علل و اسباب نیست،] خدا هر چه را بخواهد [با مشیت مطلقه خود] می آفریند، چون چیزی را اراده کند جز این نیست که به آن می گوید: «باش» پس بی درنگ می باشد؛ (۴۷)

وَيَعْلَمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْتَّوْرَاهَ وَالْإِنْجِيلَ (۴۸)

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد. (۴۸)

وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ الطِّينِ كَهْيَهُ الطَّيْرُ فَأَنْفُسُكُمْ فِيهِ فَيُكَوِّنُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرُئُ الْمَأْكُمَةَ وَالْمَأْبُرَصَ وَأَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْيَكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي يُوْتُكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۴۹)

و به رسالت و پیامبری به سوی بنی اسرائیل می فرستد که [به آنان گوید: من از سوی پروردگار تان برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت] آورده ام؛ من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می سازم و در آن می دم که به اراده و مشیت خدا پرنده ای [زنده و قادر به پرواز] می شود؛ و کور مادرزاد و مبتلای به پیسی را بهبود می بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم؛ و شما را از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم؛ مسلماً اگر مؤمن باشید این [معجزات] برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت من] است؛ (۴۹)

وَمُصَدِّقًا لِّمَا يَبَيِّنَ يَدَى مِنَ التُّورَاهِ وَلِأَحَلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۵۰)

و آنچه را از تورات پیش از من بوده، تصدیق دارم و [آمده ام] تا برخی از چیزهایی را که [در گذشته به سزای ستمکاری و گناهاتان] بر شما حرام شده حلال کنم، و برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت] از سوی پروردگار تان آورده ام؛ پس [ای بنی اسرائیل!] از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید؛ (۵۰)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۵۱)

یقیناً خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را بپرستید، این است راه راست. (۵۱)

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۵۲)

زمانی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: [برای اقامه دین و سلوک و حرکت] کیانند یاران من به سوی خدا؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم، به خدا ایمان آوردیم؛ و گواه باش که ما در برابر خدا [و فرمانها و احکام او] تسليم هستیم. (۵۲)

ص: ۵۶

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۵۳)

پروردگار!! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر پیروی کردیم؛ پس ما را در زمرة گواهان [که پیامبران تواند] بنویس. (۵۳)

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاِكِرِينَ (۵۴)

و [کافران از بنی اسرائیل درباره عیسی و آینش] نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد؛ و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زنندگان است. (۵۴)

إِذْ قَاتَ اللَّهُ يَعْلَمُ عِيسَى إِنِّي مُتَوَفِّيَكَ وَرَافِعٌ إِلَيْكَ إِلَيْ وَمُطَهَّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاءُكُمْ أَتَبْعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَيْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَخْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَحْتَلِفُونَ (۵۵)

[یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی! من تو را [از روی زمین و از میان مردم] بر می گیرم، و به سوی خود بالا می برم، و از بودن در میان اجتماع آلوده کافران پاک می کنم، و آنان را که از تو پیروی کردند تا روز قیامت برتر از کسانی که کافر شدند قرار می دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است، و در میان شما در آنچه با هم اختلاف داشتید [به حق و عدالت] داوری می کنم؛ (۵۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرٍ (۵۶)

اما کسانی که کافر شدند، آنان را در دنیا و آخرت به عذابی سخت شکنجه می کنم و برای آنان هیچ یاوری نخواهد بود؛ (۵۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفَّفَهُمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۵۷)

و اما کسانی که ایمان آوردن و کارهای شایسته انجام دادند، خدا پاداششان را به طور کامل می دهد؛ و خدا ستمکاران را [که به دین کافر شدند، یا از دین فقط به اسم آن قناعت کردند] دوست ندارد. (۵۷)

ذَلِكَ نَثُولُهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذُّكْرِ الْحَكِيمِ (۵۸)

این داستان هایی که بر تو می خوانیم از آیات [الهی] و پندهای حکیمانه است. (۵۸)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۵۹)

قطعاً داستان عیسی نزد خدا [از نظر چگونگی آفرینش] مانند داستان آدم است که [پیکر] او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: [موجود زنده] باش؛ پس بی درنگ [موجود زنده] شد. (۵۹)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۶۰)

حق از [ناحیه] پروردگار توتست؛ بنابراین از تردید کنندگان مباش. (۶۰)

فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۶۱)

پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱)

ص: ۵۷

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ (۶۲)

یقیناً این [واقعیاتی که بیان شد،] همان داستان راست و درست [مسیح] است؛ [و الوهیت او یا فرزند خدا بودنش از پندرهای واهی و ادعاهای باطل نصاری است] و هیچ معبدی جز خدا نیست؛ و یقیناً خداست که توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۲)

فَإِنْ تَوَلُّوا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (۶۳)

چنانچه [با این همه دلایل روشن از اعتراف به توحید و پذیرفتن اسلام] روی گردانندن، [بدانند که] یقیناً خدا به [وضع و حال] مفسدان آگاه است. (۶۳)

فُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَتِهِ سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَيَئِنَّكُمْ أَلَا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُهُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُّوا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۶۴)

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد. پس اگر [از دعوت به این حقایق] روی گردانندن [تو و پیروان] بگویید: گواه باشید که ما [در برابر خدا و فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۶۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَاهُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم مجادله و ستیز می کنید [شما قوم یهود، او را یهودی می دانید، و شما گروه نصاری، او را نصرانی می شمارید] در حالی که تورات و انجلیل بعد از او نازل شد؛ آیا نمی اندیشید؟! (۶۵)

هَا أَنْتُمْ هُؤُلَاءِ حَاجِجُتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۶۶)

آگاه باشید! شما کسانی هستید که درباره آنچه به آن آگاهی داشتید مجادله و ستیز کردید، [ستیز شما یهودیان با نصاری این بود که مسیح، فرزند خدا نیست، و ستیز شما نصاری با یهودیان این بود که عیسی دارای مقام نبوت است و ایمان به او واجب است،] پس چرا درباره آنچه به آن آگاهی ندارید [و آن آیین ابراهیم است] مجادله و ستیز می کنید؟! و خدا می داند و شما نمی دانید. (۶۶)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٦٧)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه یکتاپرست و حق گرایی تسلیم بود، و از مشرکان نبود. (٦٧)

إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَذِلِّيَّةً اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّيْرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (٦٨)

مسلمان نزدیک ترین مردم به ابراهیم [از جهت پیوند و انتساب معنوی] کسانی اند که [از روی حقیقت] از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که [به او] ایمان آورده اند [از همه به او نزدیک ترند] و خدا یاور و سرپرست مؤمنان است. (٦٨)

وَدَّتِ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضْلُلُنَّكُمْ وَمَا يُضْلِلُنَّ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (٦٩)

گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که کاش شما را [از راه خدا] گمراه کنند، در حالی که جز خودشان را گمراه نمی کنند، و [این واقعیت را] درک نمی کنند. (٦٩)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَسْهَدُونَ (٧٠)

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا [در تورات و انجیل درباره اوصاف پیامبر اسلام] کفر می ورزید در حالی که خودتان گواهی می دهید [که این آیات از سوی خدا نازل شده است؟!] (٧٠)

ص: ٥٨

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٧١)

ای اهل کتاب! چرا در حالی که [به حقایق و واقعیات] آگاهید، حق را به باطل مشتبه می کنید، و حق را پنهان می دارید [تا مردم گمراه بمانند؟!] (٧١)

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَأَكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (٧٢)

و گروهی از [عالمان] اهل کتاب [به پیروان خود] گفتند: اول روز به آنچه [از آیات قرآن] بر مؤمنان نازل شده [به مکر و حیله] ایمان آورید، و در پایان روز کفر ورزید، شاید [مؤمنان با این ایمان و انکار شما به تردید افتد و] از دینشان باز گردد!! (٧٢)

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبَعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مُّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُ جُوْكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٧٣)

و [نیز گفتند: در توضیح حقایق] جز به کسی که از دینتان پیروی می کند، اطمینان نورزید [تا دیگران هدایت نیابند]. بگو: یقیناً هدایت، هدایت خدادست. سپس گفتند: گمان نکنید آنچه به شما اهل کتاب [از نبوت، معجزه، قبله مستقل و آیات

آسمانی] داده شده به کسی [از عرب و غیر عرب] داده شود، یا اینکه مؤمنان می توانند نزد پروردگارشان با شما مجاجه و گفتگو کنند. [در پاسخ یاوه های آنان] بگو: فضل و رحمت [که از جلوه هایش نبوت، کتاب، معجزه و قبله است،] به دست خداست، به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۷۳)

يَحْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۷۴)

هر که را بخواهد، به رحمت خود اختصاص می دهد و خدا دارای فضل بزرگ است. (۷۴)

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمُنُهُ بِقِنْطَارٍ يُؤْدِهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمُنُهُ بِجِينَارٍ لَا يُؤْدِهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمَمِّيَّنَ سَيِّلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵)

و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شماری، آن را به تو بازمی گرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را به یک دینار امین شماری، آن را به تو بازنمی گرداند، مگر آنکه همواره بالای سرش بایستی [و مال خود را با سخت گیری از او بستانی]. این به خاطر آن است که آنان گفتند: [چون ما اهل کتابیم] رعایت کردن حقوق غیر اهل کتاب بر عهده ما نیست، [و در ضایع کردن حقوق دیگران گناه و عقوبته نداریم] و اینان [در حالی که باطل بودن گفتار خود را] می دانند بر خدا دروغ می بندند. (۷۵)

بَلِّي مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷۶)

آری، هر که به پیمان خود [در تعهد به اجرای احکام دین] وفا کرد، و [در همه امور زندگی] تقوا پیشه ساخت، [بداند که] یقیناً خدا تقوا پیشگان را دوست دارد. (۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَمَا خَلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۷)

قطعاً کسانی که پیمان خدا و سوگندها یشان را [برای رسیدن به مقاصد دنیاگی] به بهای اندکی می فروشنند، برای آنان در آخرت بهره ای نیست؛ و خدا با آنان سخن نمی گوید، و در قیامت به آنان نظر [لطف و رحمت] نمی نماید، و [از گناه و آسودگی] پاکشان نمی کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود. (۷۷)

ص: ۵۹

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتُحْسِبَهُوْ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۸)

و از یهود گروهی هستند که هنگام [خواندن] دست نوشته ها [ی دروغ و بر باfte های خود] زبان [و صدایشان] را چنان پیچ و خم می دهند تا شما گمان کنید که [آنچه می خوانند] از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب [آسمانی] نیست؛ و [با

بی شرمی] می گویند: آنچه می خوانیم از سوی خدادست. در حالی که از سوی خدا نیست؛ و با آنکه می دانند [از سوی خدا نیست] به خدا دروغ می بندند. (۷۸)

مَيَا كَانَ لِبِشَرٍ أَنْ يُؤْتِيهِ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالْبِيَوَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِّي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّاً لِّيَنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (۷۹)

هیچ انسانی را نسزد که خدا او را کتاب و حکمت و نبوت دهد، سپس به مردم بگوید: به جای خدا بندگان من باشید بلکه [تکلیف الهی و انسانی او اقتضا می کند به مردم بگوید:] به خاطر آنکه کتاب خدا را تعلیم می دادید، و به سبب آنکه آن را می خواندید، دانشمندان «الهی مسلک» [و کاملان در دین] باشید. (۷۹)

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَخَذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّنَ أَرْبَابًا أَيْأَمْرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۸۰)

و نیز نسزد که به شما فرمان دهد که فرشتگان و پیامبران را خدایان خود گیرید. آیا [چنین انسان والایی که دارای نبوت و حکمت است] شما را پس از آنکه تسليم [خدا و فرمان ها و احکام او] شده اید، امر به کفر می کند؟ (۸۰)

وَإِذْ أَحَمَّ اللَّهُ مِيشَاقَ النَّبِيِّنَ لَمَّا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتَؤْمِنَّ بِهِ وَلَتَنْصِيرُنَّهُ قَالَ أَفَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَأَشَهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۸۱)

و [یاد کنید] هنگامی که خدا از همه پیامبران [و امت هایشان] پیمان گرفت که هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم، سپس [در آینده] پیامبری برای شما آمد که آنچه را [از کتاب های آسمانی] نزد شماست تصدیق کرد، قطعاً باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. [آن گاه خدا] فرمود: آیا اقرار کردید و بر این [حقیقت] پیمان محکم مرا [به صورتی که به آن وفا کنید] دریافت نمودید؟ گفتند: اقرار کردیم. فرمود: پس [بر این پیمان] گواه باشید و من هم با شما از گواهانم. (۸۱)

فَمَنْ تَوَلَّ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۸۲)

پس کسانی که بعد از این [پیمان محکم و استوار از آن] روی بر تافتند فقط آنان هستند که از دایره انسانیت بیرون شده اند. (۸۲)

أَفَغَيَرِ دِينِ اللَّهِ يَعْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۸۳)

آیا [اهل کتاب پس از این همه دلایل روشن] غیر دین خدا را خواستارند؟ در حالی که هر که در آسمان ها و زمین است از روی رغبت یا کراحت در برابر او [و اراده و فرمانش] تسليم است، و همه به سوی او بازگردانده می شوند. (۸۳)

رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴)

[ای پیامبر! از جانب خود و پیروانت به همه] بگو: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت‌شان] فرود آمد، و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آورده‌یم، و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم، و ما در برابر او [و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۸۴)

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵)

و هر که جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است. (۸۵)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهَدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الطَّالِمِينَ (۸۶)

چگونه خدا گروهی را هدایت کند که بعد از آنکه ایمان آوردن، و به حقایقت رسول اسلام شهادت دادند، و دلایل روشن و آشکار برای آنان آمد، کافر شدند؟ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۸۶)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۸۷)

اینان کیفرشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان است. (۸۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنَظَّرُونَ (۸۸)

در آن لعنت جاودانه اند؛ نه عذاب از آنان سبک شود، و نه مهلتشان دهنند. (۸۸)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۸۹)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کردند و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفُرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ (۹۰)

مسلمان کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، سپس بر کفر [خود] افزودند، هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و اینانند که گمراهنند. (۹۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَا تُوْلَوْهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ مُلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَيَدَ بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عِذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۹۱)

قطعاً کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، هرگز از هیچ یک از آنان [برای رهایی از عذاب] هر چند به اندازه آکنده‌گی زمین از طلا فدیه و عوض دهد، پذیرفته نمی‌شود؛ برای آنان عذابی در دنای خواهد بود، و هیچ یاوری نخواهد داشت. (۹۱)

لَن تَتَالُوا الْبَرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (٩٢)

هرگز به [حقیقت] نیکی [به طور کامل] نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید اتفاق کنید؛ و آنچه از هر چیزی اتفاق می‌کنید [خوب یا بد، کم یا زیاد، به اخلاص یا ریا] یقیناً خدا به آن داناست. (٩٢)

جزء ٤

ادامه سوره آل عمران

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَّا لِبْنَى إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَاهُ قُلْ فَأُتُوا بِالْتَّوْرَاهِ فَاتَّلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٩٣)

همه خوراکی‌ها بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل [یعنی حضرت یعقوب] پیش از آنکه تورات نازل شود [به علتی] بر خود حرام کرد؛ [بنابراین آنچه از خوراکی‌ها در تورات حرام شده به کیفر گناهان بنی اسرائیل است نه آنکه از آیین ابراهیم به جا مانده باشد] بگو: اگر راستگویید [و حقیقت غیر از این است] تورات را [که از نظرها پنهان کرده اید] بیاورید و آن را بخوانید، [و اگر از آوردن تورات و خواندنش خودداری ورزید، اعتراف کنید که به تورات دروغ می‌بندید]. (٩٣)

فَمَنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٩٤)

پس کسانی که بعد از این [دلایل روشن] بر خدا دروغ بندند، [و بگویند: آنچه از خوراکی‌ها در تورات حرام شده از شریعت ابراهیم باقی مانده و نسخ آن محال است،] اینانند که یقیناً ستمکارند. (٩٤)

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبَعُوا مِلَّهُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُسْرِكِينَ (٩٥)

بگو: خدا راست گفت [که خوراکی‌ها در آیین ابراهیم حرام نبوده]. بنابراین از آیین ابراهیم که یکتاپرست و حق گرا بود و از مشرکان نبود، پیروی کنید. (٩٥)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي يِبَكَّهُ مُبَارَّكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ (٩٦)

یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است. (٩٦)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجْجُ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (٩٧)

در آن نشانه‌هایی روشن [از ربویت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است؛ و هر که وارد آن شود در امان است؛ و

خدا را حقیقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه بپرسند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند، به خود زیان زده]؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است. (۹۷)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ (۹۸)

بگو: ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟ در حالی که خدا بر آنچه انجام می دهد، گواه است. (۹۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۹)

بگو: ای اهل کتاب! چرا کسانی را که ایمان آورده اند از راه خدا در حالی که خواهان کج نشان دادن آن هستید بازمی دارید؟ با اینکه شما [به مستقیم بودن و حقایقیت] گواهید، و خدا از آنچه انجام می دهد بی خبر نیست. (۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوْكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (۱۰۰)

ای اهل ایمان! اگر از گروهی از کسانی که به آنان کتاب داده شده اطاعت کنید، شما را پس از ایمانتان به کفر بازمی گرداند. (۱۰۰)

ص: ۶۲

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتَلَّى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيْكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (۱۰۱)

و چگونه کفر می ورزید در حالی که آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیامبر او در میان شماست؟! و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است. (۱۰۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۲)

ای اهل ایمان! از خدا آن گونه که شایسته پروای از اوست، پروا کنید، و نمیرید مگر در حالی که [در برابر او و فرمانها و احکامش] تسلیم باشد. (۱۰۲)

وَاعْتَصِمْ مُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَنْقُضُوا وَإِذْ كُنْتُمْ أَعْيَادَهُ فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبِحُتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَهٖ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذِلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)] چنگ زنید، و پراکنده و گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید. (۱۰۳)

وَلْتَكُن مِّنْكُمْ أَمَةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده و ادارنده، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که یقیناً رستگارند. (۱۰۴)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاحْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

و [شما ای اهل ایمان!] مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و [در دین] اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است؛ (۱۰۵)

يَوْمَ يَنْبَيِضُ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌ فَآمَّا الَّذِينَ اسْوَدَتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرُتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۱۰۶)

در روزی که چهره هایی سپید و چهره هایی سیاه شود، اما آنان که چهره هایشان سیاه شده [به آنان گویند]: آیا پس از ایمانتان کافر شدید؟ پس به کیفر آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید. (۱۰۶)

وَآمَّا الَّذِينَ ابْيَضُتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (۱۰۷)

و اما آنان که چهره هایشان سپید گشته، همواره در رحمت خدایند، و در آن جاودانه اند. (۱۰۷)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۸)

اینها [که سرگذشت اهل کتاب، مژده ها، بیم ها و امور مربوط به آخرت است] آیات خداست که آن را به درستی و راستی بر تو می خوانیم؛ و خدا هیچ ستم و بیدادی بر جهانیان نمی خواهد. (۱۰۸)

ص: ۶۳

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۱۰۹)

و آنچه در آسمان و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و همه امور به سوی او بازگردانده می شود. (۱۰۹)

كُنْتُمْ خَيْرٍ أُمَّهٍ أُخْرِجْتُ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند و زشت بازمی دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان فاسقدند. (۱۱۰)

لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذْيَ وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلَّوْكُمُ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (۱۱۱)

هر گز به شما جز آزاری اندک نمی رسانند، و اگر با شما بجنگند [شکست می خورند و] به شما پشت کرده [فرار می کنند]
آن گاه [از جانب دیگران] یاری نمی شوند. (۱۱۱)

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْذِلَّةُ أَيْنَ مَا تُقْفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحْبَلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْيَكَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَكَانُوا يَعْنَدُونَ (۱۱۲)

هر زمان و هر کجا یافت شوند، [داغ] خواری و ذلت بر آنان زده شده، مگر [آنکه] به ریسمانی از جانب خدا [که ایمان به قرآن و نبوت پیامبر است] و یا ریسمانی از سوی مردم [مؤمن که پذیرش ذمه و شرایط آن است، چنگ زند] و به خشمی از سوی خدا سزاوار شده اند و [داغ] بینایی و بدبوختی بر آنان زده شد. این بدان سبب است که آنان همواره به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتن، و این [کفورو زی و کشتن پیامبران] به سبب این است که [خدا را] نافرمانی نمودند و همواره [از حدود الهی] تجاوز می کردند. (۱۱۲)

لَيَسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّهُ قَائِمَهُ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (۱۱۳)

[همه اهل کتاب] یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی درستکار [و رعایت کننده حق خدا و مردم] هستند، آیات خدا را در ساعاتی از شب می خوانند و [به پیشگاه حق از روی تواضع و فروتنی] سجده می کنند. (۱۱۳)

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۴)

[در سایه قرآن و نبوت پیامبر] به خدا و روز قیامت ایمان می آورند و به کار شایسته و پسندیده فرمان می دهند، و از کار ناپسند و زشت بازمی دارند و در کارهای خیر می شتابند؛ و اینان از شایستگانند. (۱۱۴)

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكَفِّرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۱۱۵)

و هر کار خیری انجام دهنده، هر گز درباره آن مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت؛ و خدا به تقوای پیشگان داناست. (۱۱۵)

ص: ۶۴

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱۶)

قطعاً کسانی که کافر شدند، هر گز اموال و اولادشان چیزی از [عذاب] خدا را از آنان دفع نخواهد کرد؛ و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه اند. (۱۱۶)

مَثُلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرْرٌ أَصَابَتْ حَرَثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمُهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۷)

داستان آنچه [کافران] در این زندگی دنیا انفاق می کنند، مانند بادی آمیخته با سرمایی سخت است که [به عنوان مجازات] به کشتزار قومی که بر خود ستم کرده اند برسد و آن را نابود کند؛ و خدا به آنان ستم نکرده است، ولی آنان به خویشتن ستم می ورزند. (۱۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَحَذَّلُوا بِطَانَةً مَّنْ دُونُكُمْ لَا يَأْلُو نَكْمَ حَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ يَدَتِ الْبَعْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُحْفِي صُدُورُهُمْ
أَكْبَرُ قَدْ يَبَيَّنَ لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸)

ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و فسادی درباره شما کوتاهی نمی کنند؛ شدت گرفتاری و رنج و زیان شما را دوست دارند؛ تحقیقاً دشمنی [با اسلام و مسلمانان] از لابای سخنانشان پدیدار است و آنچه سینه هایشان [از کینه و نفرت] پنهان می دارد بزرگ تر است. ما نشانه ها [ی دشمنی و کینه آنان] را اگر می اندیشید برای شما روشن ساختیم. (۱۱۸)

هَا أَنْتُمُ أُولَئِءِ تُحِبُّوهُمْ وَلَمَا يُحِبُّو نَكْمَ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصُوا عَلَيْكُمُ الْأَنَاءِ مِنَ الْعَيْنِظِ قُلْ
مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹)

آگاه باشید! این شمایید که آنان را دوست دارید، و آنان شما را دوست ندارند. و شما به همه کتاب ها [ی آسمانی] ایمان دارید [ولی آنان ایمان ندارند]. و چون با شما دیدار کنند، می گویند: ایمان آوردیم. و زمانی که با یکدیگر خلوت نمایند از شدت خشمی که بر شما دارند، سرانگشتان خود را می گردند. بگو: به خشمتان بمیرید. یقیناً خدا به آنچه در سینه هاست، داناست. (۱۱۹)

إِنْ تَمَسَّسْتِ كُمْ حَسِنَةً تَسْوُهُمْ وَإِنْ تُصِّهِ بِكُمْ سَيِّئَةً يَفْرُحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ
(۱۲۰)

اگر به شما خیر و خوشی [و پیروزی و غنیمت] رسد، آنان را بدحال [و دلتگ] می کند، و اگر بدی و ناخوشی [و حادثه تلخی] رسد به سبب آن خوشحال می شوند؛ و اگر شکیبایی ورزید و پرهیز کاری کنید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی رساند؛ مسلماً خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (۱۲۰)

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَرُّ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلِّقَاتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۲۱)

و [یاد کن] زمانی را که صبحگاهان [برای جنگ احمد] از میان خانواده ات بیرون آمدی تا مؤمنان را برای جنگیدن در سنگرهای نظامی جای دهی؛ و خدا شنوا [ی به گفته ها] و دانا [ی بهیت ها] ست. (۱۲۱)

[یاد کنید که] در آن هنگام دو گروه از شما بر آن شدند که سستی و ناتوانی نشان دهنده [و از جنگ منصرف شده، برگردند]، در حالی که خدا یار و یاورشان بود [لذا از این قصد شیطانی بازشان داشت] و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند. (۱۲۲)

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِيَدِهِ وَأَنْتُمْ أَذْلَلُهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳)

و بی تردید خدا در [جنگ] بدر شما را یاری داد، در حالی که [از نظر ساز و برگ جنگی و شمار نفرات نسبت به دشمن] ناتوان بودید؛ بنابراین از خدا پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمایید. (۱۲۴)

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَّا يَكْفِيْكُمْ أَنْ يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلائِكَةِ مُنْزَلِينَ (۱۲۴)

آن هنگام که به مؤمنان می گفتی: آیا شما را بس نیست که پروردگارتان به سه هزار فرشته نازل شده شما را یاری دهد؟ (۱۲۴)

بَلِّي إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَا تُوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلائِكَةِ مُسَوَّمِينَ (۱۲۵)

آری، اگر شکیبایی ورزید و پرهیز کاری کنید و دشمنان در همین لحظه، جوشان و خروشان بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان دار یاری می دهد. (۱۲۵)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۲۶)

و خدا [و عده یاری و پیروزی] را جز بشارتی برای شما و برای آنکه دل هایتان به آن آرامش یابد، قرار نداد؛ و یاری و نصرت جز از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم نیست. (۱۲۶)

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُهُمْ فَيَنْقَبُوا حَائِنِينَ (۱۲۷)

تا برخی از کافران را [از ریشه و بن] نابود کند، یا آنان را خوار و ذلیل سازد، تا نومید باز گردد. (۱۲۷)

لَيَسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَنْوَبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (۱۲۸)

زمام چیزی از امور [مشرکان و مؤمنان فراری از جنگ] در اختیار تو نیست، یا توبه آنان را [به شرط آنکه توبه کنند] می پذیرد یا عذابشان می کند؛ زیرا آنان ستمکارند. (۱۲۸)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَعْذِبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲۹)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست. هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَّاً أَضْعَافًا مُضَاعِفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۳۰)

ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (۱۳۰)

وَأَنْقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۱۳۱)

و از آتشی که برای کافران آماده شده است پرهیزید. (۱۳۱)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۳۲)

و از خدا و پیامبر فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۱۳۲)

ص: ۶۶

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّهِ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۳)

و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنايش [به وسعت] آسمان ها و زمین است بشتابید؛ بهشتی که برای پرهیز کاران آماده شده است؟ (۱۳۳)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴)

آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می کنند، و خشم خود را فرو می برنند، و از [خطاهای] مردم در می گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۳۴)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذَنْبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصْحِّهِ رُؤْوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵)

و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده اند، پاشاری نمی کنند؛ (۱۳۵)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَهْجِرِي مِنْ تَهْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۱۳۶)

پاداش آسان آمرزشی است از سوی پروردگارشان، و بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه اند؛ و پاداش عمل کنندگان، نیکوست. (۱۳۶)

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنُنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبُهُ الْمُكَذِّبِينَ (۱۳۷)

قطعاً پیش از شما روش هایی [در میان ملل و جوامع بوده که از میان رفته است]، پس در زمین گردش کنید و با دقت و تأمل بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان [حقایق] چگونه بود. (۱۳۷)

هَذَا يَبْيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸)

این [قرآن] برای مردم، بیانگر [حوادث و واقعیات] و برای پرهیز کاران، سراسر هدایت و اندرز است. (۱۳۸)

وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزُنُوا وَأَنْتُمُ الْأَغْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۳۹)

و [در انجام فرمان های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدتها و حوادث و سختی هایی که به شما می رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. (۱۳۹)

إِنْ يَمْسِسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَ الْقَوْمَ قَرْحٌ مُّنْلُهٌ وَتُلْكَ الْأَيَامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الدِّينَ آمُنُوا وَيَتَحَمَّدُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)

اگر [در جنگ احد] به شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز [در جنگ بدر] آسیب و جراحتی مانند آن رسید. و ما این روزها [ی پیروزی و ناکامی] را [به عنوان امتحان] در میان مردم می گردانیم [تا عترت گیرند] و خدا کسانی را که [از روی حقیقت و خلوص] ایمان آورده اند، مشخص کند و از میان شما گواهانی [نسبت به پیروزی ها که نتیجه طاعت و تقواست، و شکست ها که محصول نافرمانی و بی تقوایی است] بگیرد؛ و خدا ستمکاران را [که با سستی و بی تقوایی بر خود ستم می کنند] دوست ندارد. (۱۴۰)

ص: ۶۷

وَلِيَمْحَصَ اللَّهُ الدِّينَ آمُنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (۱۴۱)

و [نیز این پیروزی ها و ناکامی ها] برای آن است که کسانی را که [از روی حقیقت] ایمان آورده اند [از عیوب و آلودگی ها] تصفیه و پاک کند، و کافران را نابود نماید. (۱۴۱)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمَ اللَّهُ الدِّينَ بَجَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ (۱۴۲)

آیا پنداشته اید [با ایمان بدون عمل] وارد بهشت می شوید، در حالی که هنوز خدا کسانی از شما را که در راه خدا جهاد کرده اند و شکیابیان را [از دیگران] مشخص و معلوم نکرده است؟! (۱۴۲)

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۱۴۳)

و یقیناً شما [پس از آگاهی از درجات شهادای بدر] مرگ [در میدان جنگ] را پیش از رویارویی با آن سخت آرزو می کردید، و هنگامی که با آن رو برو شدید [به هراس افتادید و بدون هیچ اقدامی] به تماشی آن پرداختید!! (۱۴۳)

وَمَّا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقِلِبْ عَلَى عَقِيبِهِ فَلَنْ يُضْرِبَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

و محمد جز فرستاده ای از سوی خدا که پیش از او هم فرستاد گانی [آمده و] گذشته اند، نیست. پس آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، [ایمان و عمل صالح را ترک می کنید و] به روش گذشتگان و نیاکان خود بر می گردید؟! و هر کس به روش گذشتگان خود بر گردد، هیچ زیانی به خدا نمی رساند؛ و یقیناً خدا سپاس گزاران را پاداش می دهد. (۱۴۴)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدُ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَيَنْجُزِ
الشَّاكِرِينَ (۱۴۵)

و هیچ کس جز به مشیت و فرمان خدا نمی میرد. سرنوشتی است مقرر شده و هر که پاداش دنیا را بخواهد [اند کی از آن] به او می دهیم، و هر که خواستار پاداش آخرت باشد، او را از آن می بخشیم؛ و یقیناً سپاس گزاران را پاداش خواهیم داد. (۱۴۵)

وَكَائِنٌ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶)

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردن؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد. (۱۴۶)

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا أَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَبَثْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۴۷)

و سخن آنان [در گرم و سختی جنگ] جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی در کارمان را بر ما ببخش و قدم هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده. (۱۴۷)

فَأَتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۴۸)

پس خدا پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا فرمود؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۴۸)

ص: ۶۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّو كُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقِلُو خَاسِرِينَ (۱۴۹)

ای اهل ایمان! اگر از کافران فرمان برید، شما را به [عقاید و روش های کافرانه] گذشتگان تان بازمی گردانند، در نتیجه زیانکار خواهید شد. (۱۴۹)

بِلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ (۱۵۰)

[آنان نه سرپرست شما و نه شایسته اطاعت هستند] بلکه خدا یار و سرپرست شماست؛ و او بهترین یاری دهنده گان است. (۱۵۰)

سُلْطَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّغْبَ بِمَا أَشَرَّ كُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا وَاهِمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (۱۵۱)

به زودی در دل های کافران ترس می اندازیم؛ زیرا چیزی را که خدا بر [حقایقیت] آن دلیلی نازل نکرده، شریک خدا قرار داده اند، و جایگاهشان آتش است؛ و بد است جایگاه ستمکاران. (۱۵۱)

وَلَقْدْ صَدَقُكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحْسُونَهُمْ يَأْذِنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشَّلْتُمْ وَتَنَازَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفْتُمْ عَنْهُمْ لِيَتَابِيْكُمْ وَلَقْدْ عَفَّا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۱۵۲)

و یقیناً خدا وعده اش را [در جنگ احد] برای شما تحقق داد، آن گاه که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه کن شدنشان می کشтиند، تا زمانی که سست شدید و در کار [جنگ و غنیمت و حفظ سنگری که محل رخنه دشمن بود] به نزاع و سرزی برخاستند، و پس از آنکه [در شروع جنگ] آنچه را از پیروزی و غنیمت دوست داشتند، به شما نشان داد [از فرمان پیامبر در رابطه با حفظ سنگر] سر پیچی کردید، برخی از شما دنیا را می خواست و برخی از شما خواهان آخرت بود، سپس برای آنکه شما را امتحان کند از [پیروزی بر] آنان بازداشت و از شما در گذشت؛ و خدا بر مؤمنان دارای فضل است. (۱۵۲)

إِذْ تُصِيرُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاجِكُمْ فَأَثَابُكُمْ غَمَّا بَعْدَمْ لَكُمْ لَكِيلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۵۳)

[یاد کنید] زمانی که [از میدان جنگ احد] تا مرز پنهان شدن از دیده ها دور می شدید و به هیچ کس توجه نمی کردید، در صورتی که پیامبر [که اجابت دعوتش واجب است] شما را از پشت سرتان فرا می خواند، پس خدا شما را به اندوهی روی اندوهی مجازات کرد تا بر آنچه [از پیروزی و غنیمت] از دستان رفته و به آنچه [از آسیب و مصیبت] به شما رسیده، اندوهگین نشوید؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۵۳)

ص: ۶۹

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمَّ أَمْنَةً نُعَاسًا يَعْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَطَائِفَةً قَدْ أَهَمَّتُهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظْنُونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبَدِّلُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بَيْوَتِكُمْ لَبَرَزَ الدِّينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلَيَتَتَّلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلَيُمَحْصَّنَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۵۴)

سپس بعد از آن اندوه و غم، خواب آرام بخشی بر شما فرود آمد که گروهی از شما را [که بر اثر پشیمانی، دست از فرار برداشته به سوی پیامبر آمدید] فرا گرفت، و گروهی که فکر حفظ جانشان آنان را [در آن میدان پر حادثه] پریشان خاطر و غمگین کرده بود، و درباره خدا گمان ناچق و ناروا هم چون گمان های [زمان] جاهلیت می برندند [که چون خدا وعده پیروزی داده پس پیروزی بدون هر قید و شرطی حق مسلم آنان است! اما وقتی شکست خوردن درباره وعده خدا دچار تردید شدند و] گفتند: آیا ما را در این امر [پیروزی] اختیاری هست؟ بگو: یقیناً اختیار همه امور به دست خداست. [این نیست که چون خدا وعده پیروزی به شما داده بدون قید و شرط برای شما حاصل شود، پیروزی وعده داده شده، محصول صبر و تقوا، و شکست معلوم سستی و نافرمانی است]. آنان در دل هایشان چیزی را پنهان می کنند که برای تو آشکار نمی سازند، می

گویند: اگر ما را در این امر [پیروزی] اختیاری بود [و وعده خدا و پیامبر حقیقت داشت] در اینجا کشته نمی شدیم. بگو: اگر شما در خانه های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان لازم و مقرر شده بود، یقیناً به سوی خوابگاه های خود [در معرکه جهاد و جنگ] بیرون می آمدند. و [تحقیق دادن این برنامه ها] به سبب این است که خدا آنچه را [از نیت ها] در سینه های شماست [در مقام عمل] بیازماید، و آنچه را [از عیوب و آلودگی ها] در دل های شماست، خالص و پاک گرداند؛ و خدا به آنچه در سینه هاست، داناست. (۱۵۴)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلُّوا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَّقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَرَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ بِعَضٍ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۵۵)

قطعاً کسانی از شما روزی که [در نبرد احمد] که دو گروه [مؤمن و مشرک] با هم رویاروی شدند، به دشمن پشت کردند، جز این نیست که شیطان آنان را به سبب برخی از گناهانی که مرتکب شده بودند لغزانید، و یقیناً خدا از آنان در گذشت؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و بردار است. (۱۵۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْرَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزْيَ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتْلُوا لِيُجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحِبُّ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۵۶)

ای اهل ایمان! مانند کسانی نباشد که کفر ورزیدند و درباره برادرانشان هنگامی که آنان به سفر رفتند [و در سفر مردند] و یا جهاد گر بودند [و شهید شدند]، گفتند: اگر نزد ما مانده بودند نمی مردند و شهید نمی شدند. [شما به کافران اعتماد نکنید] تا خدا این [اعتقاد و گفتار] را حسرتی در دل هایشان قرار دهد. و خداست که زنده می کند و می میراند؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۵۶)

وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ أَوْ مُتُمِّمْ لَمَغْفِرَهُ مِنَ اللهِ وَرَحْمَهُ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۱۵۷)

و اگر در راه خدا شهید شوید یا بمیرید، یقیناً آمرزش و رحمتی از سوی خدا، بهتر است از آنچه [آنان از مال و منال دنیا] جمع می کنند. (۱۵۷)

ص: ۷۰

وَلَئِنْ مُتُمِّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللهِ تُخْشَرُونَ (۱۵۸)

و اگر بمیرید یا شهید شوید، به سوی خدا محسور خواهد شد. (۱۵۸)

فِيمَا رَحْمَهِ مِنَ اللهِ لِنَتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظًا لِلْقُلْبِ لَمَانَفُضُوا مِنْ حَوْلَتِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاءُرِزْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَّمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹)

[ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم

گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کتنده‌گان را دوست دارد. (۱۵۹)

إِن يَصْرُكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبٌ لَكُمْ وَإِن يَحْذِلُكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلَيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۶۰)

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره و غالب نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند. (۱۶۰)

وَمَا كَانَ لِنِبِيٍّ أَن يَعْلَمَ مَنْ يَغْلِلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُنْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۱)

هیچ پیامبری را نیستزد که [در اموال، غنایم، سایر امور به امت خود] خیانت ورزد و هر که خیانت کند، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ سپس به هر کس آنچه را مرتکب شده به طور کامل می‌دهند، و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند. (۱۶۱)

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخْطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۶۲)

پس آیا کسی که [با طاعت و عبادت] از خشنودی خدا پیروی کرده، همانند کسی است که [بر اثر گناه] به خشمی از سوی خدا سزاوار شده؟ و جایگاه او دوزخ است و آن بد بازگشت گاهی است. (۱۶۲)

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۶۳)

همه آنان را [چه مؤمن، چه کافر] نزد خدا درجات و متزلت هایی [متفاوت] است، و خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. (۱۶۳)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَنْتَلِو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۶۴)

یقیناً خدا بر مؤمنان متنهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و [از آلدگی های فکری و روحی] پاکشان می‌کند، و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (۱۶۴)

أَوَلَمَا أَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مُّثْنَيْهَا فُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدَ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۶۵)

آیا زمانی که [در جنگ احمد] آسیبی به شما رسید که بی تردید دو برابرش را [در جنگ بدر به دشمن] رساندید، [از روی بی صبری، جزع، ناراحتی و اضطراب] می‌گویید: این آسیب چگونه و از کجاست؟ بگو: از ناحیه خود شماست [که بر اثر سستی در جنگ، نافرمانی از پیامبر، نزاع و اختلاف، به شما رسید]. یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۱۶۵)

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقْيَى الْجَمْعَانِ فَيَأْذِنَ اللَّهُ وَلِيَعْلَمُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۶۶)

و آنچه [در جنگ احمد] روزی که دو گروه [مؤمن و مشرک] با هم رویاروی شدند به شما رسید به اذن خدا بود، [تا شما را امتحان کند] و مؤمنان را معلوم و مشخص نماید. (۱۶۶)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتالًا لَّا تَبَعَنَا كُمْ هُمْ لِلْكُفُرِ يَوْمَيْنِ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (۱۶۷)

و نیز کسانی را که نفاق و درزی و رزی دند، معلوم و مشخص کند. و به آنان گفته شد: بیایید در راه خدا بجنگید یا [از مدینه و کیان جامعه] دفاع کنید. گفتند: اگر جنگیدن می دانستیم، قطعاً از شما پیروی می کردیم. آنان در آن روز به کفر نزدیک تر بودند تا ایمان. به زبانشان چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست؛ و خدا به آنچه پنهان می کنند، داناتر است. (۱۶۷)

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْرَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرُءُوا عَنْ أَنفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۶۸)

همان کسانی که [از جنگ کناره گرفتند]، و در خانه های خود نشستند، و درباره برادرانشان گفتند: اگر از ما فرمان می بردن کشته نمی شدند. بگو: [چنانچه اختیار مرگ در دست شماست] پس مرگ را از خود دفع کنید، اگر راستگویید. (۱۶۸)

وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)

و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (۱۶۹)

فَرِحِينَ بِمَا آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبِشُرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يُلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرَنُونَ (۱۷۰)

در حالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می شوند] شادی می کنند، که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۱۷۰)

يَسْتَبِشُرُونَ بِنِعْمَهٖ مِنْ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُنِصِّعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)

[شهیدان] به نعمت و فضلی از سوی خدا و اینکه خدا پاداش مؤمنان را تباہ نمی کند، شادمان و مسرورند. (۱۷۱)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْفَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرًا عَظِيمًا (۱۷۲)

برای نیکوکاران و تقوایشگان از کسانی که خدا و رسول را پس از آنکه زخم و جراحت به آنان رسیده بود [برای جنگی دیگر بعد از جنگ احمد] اجابت کردند، پاداشی بزرگ است. (۱۷۲)

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشُوْهُمْ فَرَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (۱۷۳)

همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد آمده اند، از آنان بترسید. ولی [این تهدید] بر ایمانشان افزود، و گفتند: خدا ما را بس است، و او نیکو و کیل و [نیکو کارگزاری] است. (۱۷۳)

ص: ۷۲

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (۱۷۴)

پس با نعمت و بخششی از سوی خدا [از میدان جنگ] باز گشتند، در حالی که هیچ گزند و آسیبی به آنان نرسیده بود، و از خشنودی خدا پیروی کردند؛ و خدا دارای فضلی بزرگ است. (۱۷۴)

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أُولَيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷۵)

در حقیقت این شیطان است که دوستانش را [با شایعه پراکنی و گفتار وحشت زا، از رفتن به جهاد] می ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید. (۱۷۵)

وَلَا يَخْرُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يُفْرُرُوا اللَّهُ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۷۶)

و مبادا آنان که در کفر می شتابند، تو را اندوهگین کنند، آنان هرگز به خدا هیچ زیانی نمی رسانند، خدا می خواهد [به سزای کفرشان] هیچ بهره ای در آخرت برای آنان قرار ندهد، و برای آنان عذابی بزرگ است. (۱۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يُفْرُرُوا اللَّهُ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۷)

مسلمان کسانی که کفر را به بهای از دست دادن ایمان خریدند، هرگز به خدا هیچ زیانی نمی رسانند، و برای آنان عذابی در دنیاک است. (۱۷۷)

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ حَيْرٌ لَا نَفْسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِنَّمَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۷۸)

و کسانی که کافر شدند، گمان نکنند مهلتی که به آنان می دهیم به سودشان خواهد بود، جز این نیست که مهلتشان می دهیم تا بر گناه خود بیفزایند، و برای آنان عذابی خوار کننده است. (۱۷۸)

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْجِبِيلَ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَطْلَعَكُمْ عَلَىٰ الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَنِي مِنْ رُّسْلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمْنُوا بِاللَّهِ وَرَسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَنَعَّمُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۹)

خدا بر آن نیست که مؤمنان را بر این [وضعی] که شما بر آن قرار دارید [که منافق از مؤمن، و خوب از بد مشخص و معلوم نیست] واگذارد، [بر آن است] تا پلید را از پاک [به سبب آزمایش های مختلف] جدا سازد. و خدا بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه کند. ولی خدا از میان فرستاد گانش هر کس را بخواهد [برای آگاه کردن به غیب] برمی گزینند، پس به خدا و

فرستاد گانش ایمان آورید. و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۷۹)

وَلَمَّا يَحْسِنَ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا أَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ شَرُّ لَهُمْ بِإِلْهٰمٍ هُوَ شَرُّ لَهُمْ سَيِّطَرُوْقُونَ مَا بَخْلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ (۱۸۰)

و کسانی که خدا به آنچه از فضلاش به آنان داده بخل می ورزند، گمان نکنند که آن بخل به سود آنان است، بلکه آن بخل به زیانشان خواهد بود. به زودی آنچه به آن بخل ورزیدند در روز قیامت طوق گردنشان می شود. و میراث آسمان ها و زمین فقط در سیطره مالکیت خداست، و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۸۰)

ص: ۷۳

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُؤْقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۱۸۱)

محققاً خدا سخن کسانی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما بی نیازیم»، شنید. بی تردید آنچه را گفتند، و [نیز] کشتن پیامبران را از روی ستم [در پرونده اعمالشان] می نویسیم، و [روز قیامت] می گوییم: عذاب سوزان را بچشید. (۱۸۱)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ (۱۸۲)

این [عذاب] به خاطر فسق و فجور و گناهانی است که خود پیش فرستادید، و گرنه خدا به بند گان ستمکار نیست. (۱۸۲)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَا نُؤْمِنَ لِرَسُولِنَا حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ فُلٌّ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِإِلَذِي قُلْتُمُ فَلِئِمْ قَتْلُتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳)

کسانی که گفتند: خدا به ما سفارش کرده است که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما [به نشانه صدق نبوتش] یک قربانی بیاورد که آن را آتش [غیبی] بسوزاند، بگو: پیش از من پیامبرانی دلایل روشن و آنچه گفتید برای شما آوردند؛ اگر راستگویید، پس چرا آنان را کشتید؟ (۱۸۳)

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالرُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴)

اگر [این یهودیان بهانه جو] تو را تکذیب کردند، [غمگین مباش] مسلمان را تکذیب کردند، که پیش از تو دلایل روشن، و نوشته ها [ی مشتمل بر پند و موعظه] و کتاب روشنگر آورده بودند، تکذیب شدند؟ (۱۸۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَاقَهُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُخِّرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ (۱۸۵)

هر کسی مرگ را می چشد؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود. پس هر که را از آتش دور دارند و به بھشت درآورند مسلمان کامیاب شده است؛ و زندگی این دنیا جز کالای فریبند نیست. (۱۸۵)

لَيَكْبُلُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْتَعْنُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذْنِيَّا كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶)

یقیناً در اموال و جان هایتان امتحان خواهید شد، و مسلمان از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده و [نیز] از کسانی که شرک آوردند، سخنان رنج آور بسیاری خواهید شنید، و اگر [در برابر آزار اینان] شکیایی ورزید و [از تجاوز از حدود الهی] پرهیزید [سزاوارتر است]. این اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است. (۱۸۶)

ص: ۷۴

وَإِذَا أَخْمَدَ اللَّهُ مِيشَاقَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ لَتَبَيَّنَنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَمَا تَكْتُمُوهُ فَتَبَيَّنُ ذُنُوبُهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسٌ مِّا يَسْتَرُونَ (۱۸۷)

و [یاد کنید] هنگامی که خدا از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید [احکام و حقایق] آن را برای مردم بیان کنید و پنهانش ننمایید. پس آن [عهد و کتاب] را ترک کردند و به آن اعتنایی ننمودند، و در برابر ترک آن اندک بهایی به دست آوردند؛ و بد چیزی است آنچه به دست می آورند. (۱۸۷)

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيَحْبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسِبَنَّهُمْ بِمَفَازِهِ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸۸)

البته مپنداز کسانی که به آنچه [از پنهان داشتن حقایق و باز داشتن مردم از اسلام] انجام دادند، شادمانی می کنند، و دوست دارند به آنچه انجام نداده اند ستایش شوند [از عذاب خدا در امانند]، پس گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است، [بلکه] برای آنان عذابی دردناک خواهد بود. (۱۸۸)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۸۹)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، و خدا بر هر کاری تواناست. (۱۸۹)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لَّأُولَى الْأَلْبَابِ (۱۹۰)

یقیناً در آفرینش آسمان ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه هایی [بر توحید، روایت و قدرت خدا] برای خردمندان است. (۱۹۰)

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاءَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا حَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقَنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)

آنان که همواره خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند، و پیوسته در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشنند، [و از عمق قلب همراه با زبان می گویند:] پروردگار! این [جهان با عظمت] را بیهوده نیافریدی، تو از هر عیب و نقصی متزه و

پاکی؛ پس ما را از عذاب آتش نگاهدار. (۱۹۱)

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۱۹۲)

پروردگار! بی تردید هر که را تو در آتش در آوری، قطعاً خوار و رسواش کرده ای، و برای ستمکاران هیچ یاری وجود ندارد. (۱۹۲)

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيَا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفْرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَأَنْوَافَنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (۱۹۳)

پروردگار! بی تردید ما [صدای] ندا دهنده ای را شنیدیم [که مردم را] به ایمان فرا می خواند که به پروردگارستان ایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم. پروردگار! گناهان ما را بیامرز، و بدی هایمان را از ما محو کن، و ما را در زمره نیکوکاران بمیران. (۱۹۳)

رَبَّنَا وَآتَنَا مَا وَعَدْنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۱۹۴)

پروردگار! آنچه را که به وسیله فرستاد گانت به ما وعده داده ای به ما عطا فرما و روز قیامت، ما را رسوا و خوار مکن؛ زیرا تو خلف وعده نمی کنی؟ (۱۹۴)

ص: ۷۵

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنَّى لَمَا أُضْرِيَعُ عَمَلَ عَامِلٍ مَنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُهُ كُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هِيَاجِرُوا وَأَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَهُمْ كُفُرٌ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَمَأْذِنَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدُهُ حُسْنُ الشَّوَابِ (۱۹۵)

پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [که] یقیناً من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند تباہ نمی کنم؛ پس کسانی که [برای خدا] هجرت کردند، و از خانه هایشان رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگیدند و کشته شدند، قطعاً بدی هایشان را محو خواهم کرد و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، وارد می کنم [که] پاداشی است از سوی خدا و خدادست که پاداش نیکو نزد اوست. (۱۹۵)

لَا يَعْرِئَنَّكَ تَقْلُبُ الدِّينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ (۱۹۶)

رفت و آمد کافران در شهرها [با وسایل و ابزار فراوان و شوکت ظاهری] تو را به طمع نیندازد. (۱۹۶)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَرِئَسَ الْمِهَادُ (۱۹۷)

[این] برخورداری اندک [و ناچیزی از زندگی زود گذر دنیا] است؛ سپس جایگاهشان دوزخ است، و آن بد آرامگاهی است. (۱۹۷)

لَكِنَ الَّذِينَ اتَّقُوا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَنْبَارِ (۱۹۸)

کسانی که از پروردگارشان پروا کردند [و فریفته زرق و برق زندگی مادی نشدن] برای آنان بهشت هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند. [این به عنوان آغاز] پذیرایی از سوی خداست، و آنچه [غیر از بهشت و نعمت هایش] نزد خداست، برای نیکوکاران بهتر است. (۱۹۸)

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِهِ اللَّهُ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاصَّةً عِنْ لِلَّهِ لَمَا يَشْرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹۹)

بی تردید از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و آنچه به سوی شما نازل شده و آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان می آورند، در حالی که در برابر خدا فروتن و خاکسار بوده، آیات خدا را به بهای اندک نمی فروشنند. برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است؛ یقیناً خدا حسابرسی سریع است. (۱۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید. (۲۰۰)

ص: ۷۶

سوره النساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحْمَدِهِ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱)

ای مردم! از [مخالفت با فرمان های] پروردگارتان بپرهیزید، آنکه شما را از یک تن آفرید و جفتsh را [نیز] از [جنس] او پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را پراکنده و منتشر ساخت. و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید، پروا کنید و از [قطع رابطه با] خویشاوندان بپرهیزید. یقیناً خدا همواره بر شما حافظ و نگهبان است. (۱)

وَأَتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْثَ بِالظَّيْبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُبُّاً كَبِيرًا (۲)

اموال یتیمان را [پس از رشدشان] به آنان بدھید، و [اموال] پست و بی ارزش [خود] را با [اموال] مرغوب و با ارزش [آنان] عوض نکنید؛ و اموالشان را با ضمیمه کردن به اموال خود نخورید؛ زیرا آن گناهی بزرگ است. (۲)

وَإِنْ خَفْتُمْ أَلَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوهَا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتَّنِي وَثُلَاثَ وَرْبَاعَ فَإِنْ خَفْتُمْ أَلَا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذَنَى أَلَا تَعُولُوا (۳)

واگر می ترسید که نتوانید در مورد دختران یتیم [در صورت ازدواج با آنان] عدالت ورزید، بنابراین از [دیگر] زنانی که شما را خوش آید دو دو و سه و چهار چهار به همسری بگیرید. پس اگر می ترسید که با آنان به عدالت رفتار نکنید، به یک زن یا به کنیزانی که مالک شده اید [اکتفا کنید؛ این [اکتفا به یک همسر عقدی] به اینکه ستم نورزید و از راه عدالت منحرف نشود، نزدیک تر است. (۳)

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدْقَاتِهِنَّ بِنِحْلَةٍ فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِئًا مَّرِيئًا (۴)

ومهریه زنان را به عنوان هدیه ای الهی با میل و رغبت [و بدون چشم داشت و منت گذاری] به خودشان بدھید؛ واگر چیزی از آن را با میل و رضایت خود به شما بیخشند، آن را حلال و گوارا بخورید. (۴)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَأَكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۵)

و اموالتان را که خدا مایه قوام و برپایی [زنده‌گی] شما گردانیده به سبک مغازان ندهید، ولی آنان را از درآمد آن بخورانید و لباس پوشانید و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده سخن گویید. (۵)

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آتَيْتُمْ مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفُعوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تُأْكِلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبُرُوا وَمَنْ كَانَ عَنِيَّا فَلِيُسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلِيُأْكِلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

و یتیمان را [نسبت به امور زندگی] بیازماید تا زمانی که به حد ازدواج برسند، پس اگر در آنان رشد لازم را یافتید اموالشان را به خودشان بدھید و آن را از [ترس] آنکه مبادا به سن رشد رساند [و از شما بگیرند] به اسراف و شتاب مخورید. و [از سرپرستان ایتم] آنکه توانگر است باید [از تصرف در مال یتیم به عنوان حق الزرحمه] خودداری کند؛ و هر که تهیdest است به اندازه متعارف مصرف نماید؛ و هنگامی که خواستید اموالشان را به خودشان بدھید [برای آنکه در آینده اختلاف و نزاعی پیش نیاید] بر آنان گواه بگیرید؛ و خدا برای محاسبه کافی است. (۶)

ص: ۷۷

لَلْرَجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّعْرُوضًا (۷)

برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [پس از مرگ خود] به جای می گذارند سهمی است؛ و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای می گذارند سهمی است، اندک باشد یا بسیار، سهمی است لازم و واجب. (۷)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۸)

چون هنگام تقسیم کردن ارث، خویشاوندان و یتیمان و مستمندان حاضر شدند، چیزی از آن را به ایشان بدھید، و با آنان سخنی شایسته و پسندیده گویید. (۸)

وَلِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرْرِيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلَيَتَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹)

و کسانی که اگر فرزندانی ناتوان پس از خود به جای می گذارند، بر آنان [از ضایع شدن حقوقشان] بیم دارند، باید [از اینکه حقوق یتیمان دیگران را ضایع کنند] بترسند. پس لازم است [نسبت به شأن یتیمان] از خدا پروا کنند، و [درباره آنان] سخن درست و استوار گویند. (۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا (۱۰)

بی تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، فقط در شکم های خود آتش می خورند، و به زودی در آتش فروزان در آیند. (۱۰)

يُوصِّيْكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذَّكِرِ مِثْلُ حِظِّ الْأُنْثَيْنِ إِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثًا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْيَفُ وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدَيْ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوهُهُ فَلِأَمْمَهِ الْثُلُثُ إِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأَمْمَهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِّيَّهِ يُوصِّيَ بِهَا أَوْ دَيْنَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَمَّا تَدْرُوْنَ أَيْهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيْضَهُ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْمًا حَكِيمًا (۱۱)

خدا شما را درباره [ارت] فرزندانتان سفارش می کند که سهم پسر مانند سهم دو دختر است. و اگر [میراث بران میت] دختر ند و بیش از دو دختر باشند، سهم آنان دو سوم میراث است؛ و اگر یک دختر باشد، نصف میراث سهم اوست. و برای هر یک از پدر و مادر میت چنانچه میت فرزندی داشته باشد، یک ششم میراث است؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و [تنها] پدر و مادرش ارت می برنند، برای مادرش یک سوم است [و باقی مانده میراث سهم پدر اوست] و اگر میت برادرانی داشته باشد، سهم مادرش یک ششم است. [همه این سهام] پس از وصیتی است که [نسبت به مال خود] می کند، یا [پس از] دینی است [که باید از اصل مال پرداخت شود]. شما نمی دانید پدران و فرزندانتان کدام یک برای شما سودمندترند [بنابراین اختلاف سهم ها، شما را نگران نکند و موجب اعتراض نشود]. [این تقسیم بندي] فریضه ای از سوی خدادست؛ زیرا خدا همواره دانا و حکیم است. (۱۱)

ص: ۷۸

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِّيَّهِ يُوصِّيَ بِهَا أَوْ دَيْنِ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ النُّمُنْ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِّيَّهِ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنَ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فِلَكُلٌّ وَاحِدٌ مِنْهُمَا السُّدُسُ إِنْ كَانُوا أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءٌ فِي الْثُلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِّيَّهِ يُوصِّيَ بِهَا أَوْ دَيْنَ غَيْرِ مُضَارٍ وَصِّيَّهُ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲)

نصف میراثی که همسرانتان به جای می گذارند، اگر فرزندی نداشته باشند برای شماست، و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم میراث حق شماست، پس از وصیتی که نسبت به مال خود می کنند یا [پس از] دینی [که باید از اصل مال پرداخت شود]. و برای زنانタン چنانچه فرزندی نداشته باشید یک چهارم میراثی است که از شما به جای می ماند، و اگر فرزندی داشته

باشید یک هشتم میراث حق آنان است، پس از وصیتی که کرده اید یا [پس از] دینی [که باید از اصل مال پرداخت شود]. و اگر مرد یا زنی که از او ارث می بردند، کلاله [یعنی بی اولاد و بدون پدر و مادر] باشد و دارای برادر و خواهری است، پس برای هر یک از آن دو نفر یک ششم میراث است؛ و اگر بیش از این باشند در یک سوم میراث شریک اند، پس از وصیتی که [نسبت به مال] شده یا پس از دینی [که باید از اصل مال پرداخت شود]. [همه اینها در صورتی است که با وصیت و اقرار به دین] در وصیتش به وارثان زیان نزند. این سفارشی است از سوی خدا، و خدا دانا و بردباز است. (۱۲)

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)

اینها حدود خداست، و هر که از خدا و رسولش اطاعت کند، خدا او را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درآورد؛ در آن جاودانه اند، و آن است کامیابی بزرگ. (۱۴)

وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَعَدَ حُدُودَهُ يُدْخِلُهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۵)

و هر که از خدا و رسولش نافرمانی کند و از حدود او تجاوز نماید، خدا او را در آتشی درآورد که در آن جاودانه است و برای او عذابی خوارکننده است. (۱۶)

ص: ۷۹

وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَاءِنَكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَهُ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبَيْوَتِ حَتَّى يَنْوَفُاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَيِّلًا (۱۷)

و از زنان شما [امت اسلام] کسانی که مرتکب زنا می شوند، چهار نفر مرد از خودتان را بر آنان به گواهی بخواهید؛ پس اگر [به ارتکاب آن] گواهی دادند، آن زشت کاران را در خانه ها [به عنوان حبس ابد] نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد، یا خدا [برای نجات] آنان راهی قرار دهد. (۱۸)

وَاللَّذَانِ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَأَذْوَهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَابًا رَّحِيمًا (۱۹)

و از شما [مسلمانان] آن مرد و زنی که مرتکب آن [کار زشت] می شوند [در صورتی که بدون همسر باشند] آنان را [با اجرای حدود خدا] بیازارید؛ و اگر توبه کنند و [مفاسد خود را] اصلاح نمایند از آنان دست بردارید؛ زیرا خدا همواره بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۲۰)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَاهِهِ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيَّمَا حَكِيمًا (۲۱)

بی تردید توبه نزد خدا فقط برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب کار زشت می شوند، سپس به زودی توبه می کنند؛ ایناند که خدا توبه آنان را می پذیرد، و خدا همواره دانا و حکیم است. (۲۲)

وَلَيَسِتِ التَّوْبَهُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَيْدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْهِنَّ وَلَمَّا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أَوْ لِئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۸)

و برای کسانی که پیوسته کارهای رشت مرتكب می شوند، تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد [و در آن لحظه که تمام فرصت ها از دست رفته] گوید: اکنون توبه کردم. و نیز برای آنان که در حال کفر از دنیا می روند، توبه نیست. اینانند که عذابی دردنگ ک برای آنان آماده کرده ایم. (۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَا يَحْلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهِيَا وَلَمَا تَعْضُّ لَوْهُنَّ لِتَيْذَهَبُوا بِعَصْمٍ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَصَاحِشٍ مُّبِينٍ وَعَاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرُهُوْا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۱۹)

ای اهل ایمان! برای شما ارث بردن از زنان در حالی که خوشایند شما نیستند [و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان با آنان زندگی می کنید] حلال نیست. و آنان را در تنگنا و فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را [به عنوان مهریه] به آنان داده اید پس بگیرید، مگر آنکه کار رشت آشکاری مرتكب شوند. و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید. و اگر [به علتی] از آنان نفرت داشتید [باز هم با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید] چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می دهد. (۱۹)

ص: ۸۰

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوهُ مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنْمَا مُمِينًا (۲۰)

و اگر خواستید همسری دیگر به جای همسر پیشین جایگزین کنید و به همسر پیشین مال فراوانی [به عنوان مهریه] پرداخته اید، چیزی از آن را پس مگیرید. آیا آن را با تکیه به تهمت و گناهی آشکار پس می گیرید؟! (۲۰)

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْصَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مَيْنَاقًا غَلِيلًا (۲۱)

و چگونه آن را پس می گیرید در حالی که [با آمیزش جسمی، تماس روحی و معاشرت] به یکدیگر رسیده اید، و آنان از شما [به وسیله قرارداد ازدواج] پیمانی محکم گرفته اند. (۲۱)

وَلَا تَنِكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاجِحَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَيِّلًا (۲۲)

و با زنانی که پدرانتان با آنان ازدواج کرده اند ازدواج نکنید، مگر آنچه [پیش از اعلام این حکم] انجام گرفته باشد. یقیناً این عمل، عملی بسیار رشت و منفور و بد راهی است. (۲۲)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأَمَّهَاتُكُمُ الْلَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ مِّنَ الرَّضَّاعِ وَأُمَّهَاتُ نِسَاءِ أَئِكُمْ وَرَبِّاتِكُمُ الْلَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِسَاءِ أَئِكُمُ الْلَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنَّ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَلَحَلَّلِلْ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَّحِيمًا (۲۳)

[ازدواج با این زنان] بر شما حرام شده است: مادراتان، و دختراتان، و خواهراتان، و عمه هایتان، و خاله هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسراتان، و دختران همسراتان که در دامان شمایند [و تحت سرپرستی شما پرورش یافته اند، البته] از آن همسرانی که با آنان آمیزش داشته اید، و اگر آمیزش نداشته اید، بر شما گناهی نیست [که مادرشان را رها کرده با آنان ازدواج کنید]، و [تیز] همسران پسراتان که از نسل شما هستند [بر شما حرام شده است]. و هم چنین جمع میان دو خواهر [در یک زمان ممنوع است]، جز آنچه [پیش از اعلام این حکم] انجام گرفته باشد؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۳)

ص: ۸۱

جزء ۵

ادامه سوره النساء

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكُتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَأَتِ ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَيْأَفِحِينَ فَمَمَا أَسْيَأْتُمْ تَعْذِيمٌ بِمِنْهُنَّ فَمَا تُوهُنَ أُجْوَرَهُنَ فَرِيقَةٌ وَلَمَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاصَ يُقْسِمُ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيقَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْمًا حَكِيمًا (۲۴)

و [ازدواج با] زنان شوهردار [بر شما حرام شده است] مگر زنانی که [به سبب جنگ با شوهران کافرشان از راه اسارت] مالک شده اید؛ [این احکام] مقرر شده خدا بر شماست. و زنان دیگر غیر از این [زنانی که حرمت ازدواج با آنان بیان شد] برای شما حلال است، که آنان را با [هزینه کردن] اموالتان [به عنوان ازدواج] بخواهید در حالی که [قصد دارید با آن ازدواج] پاکدامن باشید نه زناکار. و از هر کدام از زنان بهره مند شدید، مهریه او را به عنوان واجب مالی پردازید، و در آنچه پس از تعیین مهریه [نسبت به مدت عقد یا کم یا زیاد کردن مهریه] با یکدیگر توافق کردید بر شما گناهی نیست؛ یقیناً خدا همواره دانا و حکیم است. (۲۴)

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمَنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِنِّكُمْ حُوْنَ يَإِذْنِ أَهْلِهِنَ وَآتُوهُنَ أُجْوَرَهُنَ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَخْصَنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَاهِدْنَ نِصْفًا مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعِذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنْتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۵)

و از شما کسی که به سبب تنگدستی نتواند با زنان آزاد مؤمن ازدواج کند، با کنیزان جوان با ایمانتان [ازدواج کید و اظهار ایمان از سوی کنیزان در جواز ازدواج با آنان کافی است]. و خدا به ایمان شما [که کدام ظاهری و کدام حقیقی و واقعی است] داناتر است. [آزاد و کنیز در اصل و نسب و در رابطه ایمانی] از یکدیگر، [و اعضای یک پیکرید]، پس با کنیزان با اجازه صاحبانشان ازدواج کنید، و مهریه آنان را به طور شایسته و پسندیده به خودشان پردازید. [جواز این ازدواج مشروط به آن است که کنیزان] پاکدامن باشند نه زناکار و نه گیرندگان دوست پنهانی. پس هنگامی که به ازدواج درآمدند، اگر مرتكب کار زشت شوند، بر آنان نصف مجازاتی است که بر زنان آزاد است. این [جواز ازدواج با کنیز] برای کسی از

شماست که از مشقت [غیریزه جنسی و دچار شدن به زنا] بترسد، و شکیبایی کردن برای شما بهتر است؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۵)

يُرِيدُ اللَّهُ لِيَسِينَ لَكُمْ وَيَهْدِيْكُمْ سُنَّ الدِّيَنَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶)

خدا می خواهد [احکام و مقرراتش را] برای شما بیان کند و شما را به روش های [پاک و صحیح] کسانی که پیش از شما بودند، راهنمایی نماید و رحمت و مغفرتش را بر شما فرو ریزد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۲۶)

ص: ۸۲

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الدِّيَنَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِثْلًا عَظِيمًا (۲۷)

و خدا می خواهد با رحمت و لطفش به شما توجه کند؛ و آنان که از شهوت پیروی می کنند می خواهند شما [در روابط جنسی از حدود و مقررات حق] به انحراف بزرگی دچار شوید. (۲۷)

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْفِفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (۲۸)

خدا می خواهد [با تشریع ازدواج با زنان مؤمن، و ازدواج با کنیزان مؤمن، و ازدواج موقت، بار مشکلات زندگی و مشقت های روابط نامشروع جنسی را] بر شما سبک کند؛ و انسان [در برابر مشکلات و شهوت جنسی] ناتوان آفریده شده است. (۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَهَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِيَنَّكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِحْيَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹)

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است. (۲۹)

وَمَنْ يَفْعُلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

و هر که خوردن مال به باطل و قتل نفس را از روی تجاوز [از حدود خدا] و ستم [بر خود و دیگران] مرتکب شود، به زودی او را در آتشی [آزار دهنده و سوزان] درآوریم؛ و این کار بر خدا آسان است. (۳۰)

إِنْ تَجْتَبِيُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتُكُمْ وَنُذْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا (۳۱)

اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی می شوید دوری کنید، گناهان کوچکتان را از شما محو می کنیم، و شما را به جایگاهی ارزشمند و نیکو وارد می کنیم. (۳۱)

وَلَا تَتَمَنُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَ كُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ مَمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيْبٌ مَمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَئِءٍ عَلِيمًا (۳۲)

و نعمت ها و مال و ثروتی که خدا به سبب آن برخی از شما را بر برخی برتری داده آرزو مکنید [که آرزویش مایه حسد و فساد است. این تفاوت ها و برتری ها لازمه زندگی دنیا و بر اساس محاسبات حکیمانه است، اما در عین حال] برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است، و برای زنان هم از آنچه کسب کرده اند بهره ای است. و [با کمک تقوا و عمل صالح] از بخشش خدا بخواهید، یقیناً خدا همواره به همه چیز داناست. (۳۲)

وَلِكُلِّ جَعْلَنَا مَوَالِيٍ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَاللَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَاتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَئِءٍ شَهِيدًا (۳۳)

و برای هر کسی از آنچه به جای گذاشته وارثانی قرار داده ایم، که از میراث پدر و مادر و خویشاوندان ارث ببرند و کسانی که با آنان پیمان [ازدواج یا پیمان های شرعی و عرفی] بسته اید؛ پس سهم ارث آنان را بدھید؛ یقیناً خدا بر همه چیز گواه است. (۳۳)

ص: ۸۳

الرَّحِيْلُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَاتِلَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعُظُوْهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَّاجِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنُكُمْ فَلَمَّا تَبَعُوا عَلَيْهِنَّ سَيِّلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْهَا كَيْرًا (۳۴)

مردان، کارگزاران و تدبیر کنندگان [زنده] زنانند، به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقی واجب] می پردازند؛ پس زنان شایسته و درست کار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شوهر] ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان بر عهده شوهرانشان] نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می کنند. و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان بیم دارید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] در خوابگاه ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشید] آنان را [به گونه ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی معجوبید؛ یقیناً خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (۳۴)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعُثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوْقِنُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (۳۵)

و [شما ای حاکمان شرع و عقلا و بزرگان خانواده!] اگر از جدایی و ناسازگاری میان زن و شوهر بیم داشتید، پس داوری از خانواده مرد، و داوری از خانواده زن [برای رفع اختلاف] برانگیزید که اگر هر دو داور قصد اصلاح داشته باشند، خدا میان دو داور توافق و سازگاری ایجاد می کند [تا به صلاح زن و شوهر حکم کنند]؛ یقیناً خدا [به بیات و اعمال شما] دانا و آگاه است. (۳۵)

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ
بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (٣٦)

و خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و برداشان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد. (۳۶)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْنَدُنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (٣٧)

کسانی که [از انفاق اموالشان در راه خدا] بخل می ورزند، و مردم را به بخل فرمان می دهند، و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده پنهان می کنند، [کافرنده] و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده ایم. (۳۷)

ص: ۸۴

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنْ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (٣٨)

و آنان که اموالشان را از روی ریا و خودنمایی به مردم انفاق می کنند، و به خدا و روز قیامت ایمان ندارند [شیطان همدم آنان است]. و هر کس شیطان همدم او باشد بی تردید بد همدمی است. (۳۸)

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (٣٩)

و بر آنان چه زیانی بود اگر به خدا و روز قیامت ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان داده انفاق می کردند؟ و خدا همواره به آنان داناست. (۳۹)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِنْتَقَالَ ذَرَرٍ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةٌ يُضَاعِفُهَا وَيُؤْتَ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (٤٠)

یقیناً خدا به اندازه وزن ذره ای [به آحدی] ستم نمی کند، و اگر [هم وزن آن ذره] کار نیکی باشد، آن را دو چندان می کند، و از نزد خود پاداشی بزرگ می دهد. (۴۰)

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هُؤُلَاءِ شَهِيدًا (٤١)

پس چگونه است [حال مردم] هنگامی که از هر امتی گواهی [که پیامبر آنان است بر اعمالشان] بیاوریم، و تو را بر آنان گواه آوریم؟! (۴۱)

يَوْمَئِذٍ يَوْدُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسْوَى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (٤٢)

در آن روز کسانی که کفر ورزیده اند و از رسول نافرمانی کرده اند، آرزو می کنند که ای کاش با زمین یکسان می شدند. و

از خدا هیچ سخنی را [که در دنیا درباره قرآن و پیامبر به باطل و ناروا می گفتند] نمی توانند بپوشانند. (۴۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سِكَارَى حَتَّىٰ تَعْلَمُوْا مَا تَقُولُوْنَ وَلَا جُبْنًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَعْتَسِلُوْا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَيْفِرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسَتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاءً فَتَيَمَّمُوْا صَيْعِيدًا طَبِيبًا فَامْسِحُوْا بِعُجُوجِهِمْ كُمْ وَأَيْدِيْكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا عَفُورًا (۴۳)

ای اهل ایمان! در حالی که مستید به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که [مستی شما برطرف شود و از روی هوشیاری] بدانید [که در حال نماز] چه می گویید. و در حال جنابت هم به نماز نزدیک نشوید تا غسل کنید مگر در حال سفر [که آب نیاید، پس با تیم نماز بخوانید]. و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما از قضای حاجت [دستشویی] آمد، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتدید، به خاکی پاک، تیم کنید و بخشی از صورت و دست هایتان را [با آن] مسح نماید؛ یقیناً خدا همواره گذشت کننده و بسیار آمرزنده است. (۴۳)

أَلَمْ تَرِإِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَسْتَهْوِنُونَ الضَّالَّةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضَلُّوْا السَّبِيلَ (۴۴)

آیا به کسانی که بهره ای اندک از علم کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی [که با پنهان داشتن حقایق کتاب و تحریف آیاتش] گمراهی را می خرند، و [از روی حسادت و دشمنی] می خواهند شما هم از راه مستقیم گمراه شوید؟! (۴۴)

ص: ۸۵

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيَا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا (۴۵)

و خدا به دشمنان شما داناتر است. و بس است که خدا سرپرست شما باشد، و کافی است که خدا یاور شما باشد. (۴۵)

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُوْنَ سِيمِعْنَا وَعَصِيَّنَا وَاسِيمَعْ غَيْرِ مُسِيمَعْ وَرَاعِنَا لَيَا بِالْسِتِّتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطْعَنْنَا وَأَسْمَعْنَا وَانْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ إِلَّا قَلِيلًا (۴۶)

برخی از کسانی که یهودی اند، حقایق [کتاب آسمانی] را [با تفسیرهای نابجا و تحلیل های غلط و ناصواب] از جایگاه های اصلی و معانی حقیقی اش تغییر می دهند، و [به زبان ظاهر به پیامبر] می گویند: [دعوت را] شنیدیم و [به باطن می گویند]: نافرمانی کردیم و [از روی توهین به پیامبر بر ضد او فریاد می زند: سخنان ما را] بشنو که [ای کاش] ناشنوا شوی. و با پیچ و خم دادن زبان و آوازشان و به نیت عیب جویی از دین [به آهنگی، کلمه] راعنا [را که در عربی به معنای «ما را رعایت کن» است، تلفظ می کنند که برای شنونده، راعنا که مفهومی خارج از ادب دارد، تداعی می شود]. و اگر آنان [به جای این همه اهانت از روی صدق و حقیقت] می گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و [سخنان ما را] بشنو و ما را مهلت ده [تا معارف اسلام را درک کنیم] قطعاً برای آنان بهتر و درست تر بود، ولی خدا آنان را به سبب کفرشان لعنت کرده، پس جز عده اندکی ایمان نمی آورند. (۴۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمِا نَزَّلْنَا مُصَيْدًا لَمِّا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرَدَهَا عَلَىٰ أَذْبَارِهَا أَوْ تَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا

أَصْحَابَ السَّبَّتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (٤٧)

ای کسانی که به شما کتاب آسمانی داده شده! به آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کردیم که تصدیق کننده تورات و انجیلی است که با شمامت ایمان آورید، پیش از آنکه چهره هایی را [از شکل و شخصیت انسانی] محو کنیم، و [به کیفر تکبر در برابر پیامبر اسلام و قرآن] به کفر و گمراهی بازگردانیم، یا چنان که اصحاب سبت را لعنت کردیم، لعنت کنیم؛ و فرمان خدا همواره شدنی است. (۴۷)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرِكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (٤٨)

مسلمان خدا اینکه به او شرک ورزیده شود نمی آمرزد، و غیر آن را برای هر کس که بخواهد می آمرزد. و هر که به خدا شرک بیاورد، مسلمان گناه بزرگی را مرتکب شده است. (۴۸)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ يُزَكِّونَ أَنفُسَهُمْ بِإِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتَيَّلَا (٤٩)

آیا به کسانی که خود را به پاکی می ستایند، ننگریستی؟ [این خودستایی هیچ ارزشی و اعتباری ندارد] بلکه خداست که هر که را بخواهد [بر اساس ملاک های تعیین شده از سوی خود] می ستاید، و [گروهی که به ناحق، خود را می ستایند در کیفر و مجازات] به اندازه رشته میان هسته خرم مورد ستم قرار نمی گیرند. (۴۹)

انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا (٥٠)

با تأمل بنگر چگونه [قوم یهود با ادعای پاکی خویش در پیشگاه حق] بر خدا دروغ می بندند، و همین گناه آشکار [برای خواری و عذاب آنان] کافی است. (۵۰)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحةً يَبْلُغُونَ بِهِ الْجِبْرِ وَالظَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُؤُلَاءِ أَهْيَدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَيِّلًا (٥١)

آیا به کسانی که بهره ای اندک از [دانش] کتاب [تورات و انجلیل] به آنان داده شده ننگریستی که به هر معبدی غیر خدا، و هر طغیان گری ایمان می آورند؟! و درباره کسانی که کافر شده اند، می گویند: آنان از کسانی که ایمان [به قرآن و پیامبر] آورده اند، راه یافته ترند. (۵۱)

ص: ۸۶

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهَ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيبًا (٥٢)

ایناند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند، هرگز برای او یاوری نخواهی یافت. (۵۲)

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (٥٣)

آیا آنان را بهره ای از حکومت است [که بخواهند چیزی به مردم دهند و کارساز دنیا و آخرتشان باشند، اگر هم بهره ای باشد] در این صورت به اندازه گودی پشت هسته خرما به مردم نمی پردازند. (۵۳)

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (۵۴)

بلکه آنان به مردم [که در حقیقت پیامبر و اهل بیت اویند] به خاطر آنچه خدا از فصلش به آنان عطا کرده، حسد می ورزند. تحقیقاً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم. (۵۴)

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (۵۵)

پس برخی از آنان [که اهل کتاب اند] به او [که پیامبر اسلام و والاترین فرد از خاندان ابراهیم است] ایمان آوردند، و گروهی از او روی گردانیده اند، و دوزخ که آتشی سوزان و برافروخته است، برای آنان کافی است. (۵۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْبِلِيهِمْ نَارًا كُلُّمَا نَضَّهُجْتُ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لَيْذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (۵۶)

یقیناً کسانی که به آیات ما کافر شدند به زودی آنان را به آتشی [شکنجه آور و سوزان] درآوریم، هرگاه پوستشان بریان شود، پوست های دیگری جایگزین آن می کنیم تا عذاب را بچشند؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۵۶)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيُنْدَخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَيْدِيًّا لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلَّاً ظَلِيلًا (۵۷)

و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی آنان را در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، وارد کنیم، در آنجا جاودانه اند؛ آنان را در آنجا همسرانی پاکیزه است، و آنان را در زیر سایه ای پایدار [و دلپذیر، آرام بخش و خنک] درآوریم. (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤْتُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعُدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعْظُمُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (۵۸)

خدا قاطعانه به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. یقیناً [فرمان بازگرداندن امانت و عدالت در داوری] نیکو چیزی است که خدا شما را به آن موقعه می کند؛ بی تردید خدا همواره شنو و بیناست. (۵۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمْ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ الْأَعْلَمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و حکومت و جانشینی پس از پیامبر] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است. (۵۹)

ص: ۸۷

أَلَمْ تَرِإِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَمَّلُوكُمْ إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (۶۰)

آیا به کسانی که گمان می کنند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان آورده اند، نتگریستی، که می خواهند [در موارد نزاع و اختلافشان] داوری و محاکمه نزد طاغوت برنند؟ [همان حاکمان ستمکار و قاضیان رشو خواری که جز به باطل حکم نمی رانند،] در حالی که فرمان یافته اند به طاغوت کفر ورزند، و شیطان [با سوق دادنشان به محاکم طاغوت] می خواهد آنان را به گمراهی دوری [که هرگز به رحمت خدا دست نیابند] دچار کند. (۶۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أُنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا (۶۱)

چون به آنان گویند: [برای داوری و محاکمه] به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر آید، منافقان را می بینی که از تو به شدت روی می گردانند! (۶۱)

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتُ أَيْنِدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوهُ كَيْخُلْفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (۶۲)

پس [وضع و حالشان] چگونه خواهد بود هنگامی که به سبب آنچه مرتکب شده اند، حادثه ناگواری به آنان برسد، آن گاه در حالی که به خدا سوگند می خورند، نزد تو می آیند که ما [از داوری بردن نزد طاغوت] نیتی جز نیکی و برقراری صلح و سازش [میان طرفین نزاع] نداشتیم. (۶۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَغْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظَّهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بِلِيغًا (۶۳)

اینان کسانی هستند که خدا آنچه را که [از نیات شوم، کینه و نفاق] در دل های آنان است می داند؛ بنابراین از آنان روی برتاب، و پندشان ده، و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگوی. (۶۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيَطَّاعَ يَإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوهُ كَفَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَّحِيمًا (۶۴)

و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق خدا از او اطاعت شود. و اگر آنان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند، و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه

پذیر و مهربان می یافتد. (۶۴)

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مَّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۶۵)

به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن حقیقی نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده ای در وجودشان هیچ دل تنگی و ناخشنودی احساس نکنند، و به طور کامل تسليم شوند.

(۶۵)

ص: ۸۸

وَلَوْ أَنَّا كَتَبَيْا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنفُسِكُمْ أَوِ احْرُجُوا مِن دِيَارِكُم مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَشْيِتاً (۶۶)

و اگر بر آنان مقرر می کردیم که خودکشی کنید، یا از دیار و کاشانه خود بیرون روید، جز اندکی از آنان انجام نمی دادند. و اگر آنچه را که به آن پند داده می شوند عمل می کردند، مسلمًا برای آنان بهتر و در [جهت تثیت ایمان و] استواری قدم، مؤثرتر و قوی تر بود. (۶۶)

وَإِذَا لَآتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَعْجَرًا عَظِيمًا (۶۷)

و ما نیز در آن صورت آنان را به طور یقین پاداشی بزرگ می دادیم. (۶۷)

وَلَهَدَيْنَاهُم صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۶۸)

و بی تردید آنان را به راهی راست راهنمایی می کردیم. (۶۸)

وَمَن يُطِعَ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشَّهِداءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (۶۹)

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمرة کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (۶۹)

ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا (۷۰)

این [رفاقت با آنان] بخشش و فضلى از سوی خدادست، و [در استحقاق این کرامت و فضل] کافی است که خدا [به نیات و اعمال مطیعان] داناست. (۷۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انفِرُوا جَمِيعًا (۷۱)

ای اهل ایمان! [در برابر دشمن مهیا و آماده باشید و] سلاح ها و ساز و برگ جنگی خود را برگیرید، پس گروه گروه یا دسته

جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید. (۷۱)

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيَطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابْتُكُمْ مُّصِيبَةً قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَىٰ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا (۷۲)

یقیناً از شما کسی است که [از رفتن به سوی جنگ] درنگ و کندی می کند، پس اگر به شما [رزمندگانی که به جنگ رفته اید] آسیبی رسد، گوید: خدا بر من محبت و لطف داشت که با آنان [در میدان جنگ] حاضر نبودم. (۷۲)

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيَتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفْوَزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۷۳)

واگر بخشش و فضلی از سوی خدا به شما رسید چنان که گویی میان شما و او هرگز دوستی و موذتی نبوده، [و از جنگ شما با دشمن آگاهی نداشت، و برای اینکه از پیروزی و غنیمت سهمی نبرده، آه سردی می کشد و] می گوید: ای کاش من هم با آنان بودم، پس به کامیابی بزرگی دست می یافتم. (۷۳)

فَلِيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَهِ وَمَنْ يُقااتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَعْلَمْ فَسْوَفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۷۴)

باید کسانی که زندگی زودگذر دنیا را با سرای جاویدان آخرت مبادله می کنند، در راه خدا بجنگند. و هر که در راه خدا بجنگد و کشته شود، یا بر دشمن پیروز گردد، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۷۴)

ص: ۸۹

وَمَنِ اَلَّمْ لَمَّا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اَخْرِجْنَا مِنْ هَيْنَهُ الْقَوْيِهِ الظَّالِمِ
أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (۷۵)

شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی] که ستمکاران هر گونه راه چاره را بر آنان بسته اند] نمی جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می گویند: پروردگار! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون بیر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یاوری قرار ده. (۷۵)

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (۷۶)

آنان که ایمان آورده اند، در راه خدا می جنگند؛ و کسانی که کافر شده اند، در راه طاغوت می جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید، که یقیناً نیرنگ و توطن شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی پایه است. (۷۶)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُوا أَيْدِيْكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاهَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشُونَ النَّاسَ كَخَشْيَهِ
الَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَهِ وَقَالُوا رَبَّنَا لَمْ كَيْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخْرَتَنَا إِلَى أَجْلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَهُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا
تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۷۷)

آیا ندیدی کسانی را که [پیش از اعلام حکم جهاد] به آنان گفته شد: [چون زمینه جنگ فراهم نیست] دست از جنگ بازدارید و [در این شرایط] نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید. ولی هنگامی که جنگ بر آنان لازم و مقرر شد، ناگاه گروهی از آنان مانند ترس از [عقوبت] خدا یا ترسی سخت تر از آن از مردم [مشرک] ترسیدند و گفتند: پروردگار! چرا جنگ را بر ما لازم و مقرر کردی؟ و چرا ما را تا زمانی نزدیک [که زمان مرگ طبیعی است] مهلت ندادی؟ بگو: متاع دنیا اندک، و آخرت برای آنان که تقوا ورزیده اند بهتر است؛ و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (۷۷)

أَيْمَنَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَهِ وَإِنْ تُصِّبُهُمْ حَسَنَهُ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِّبُهُمْ سَيِّئَهُ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ كَقْلٌ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لِهُؤُلَاءِ النَّفَوْمَ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (۷۸)

هر کجا باشید هر چند در قلعه های مرتفع و استوار، مرگ شما را درمی یابد. و اگر خیری [چون پیروزی و غنیمت] به آنان [که سست ایمان و منافق اند] برسد، می گویند: این از سوی خدادست. و اگر سختی و حادثه ای [چون بیماری، تنگدستی، شکست و ناکامی] به آنان رسد [به پیامبر اسلام] می گویند: از ناحیه توست. بگو: همه اینها از سوی خدادست. این گروه را چه شده که نمی خواهند [معارف الهیه و حقایق را] بفهمند؟! (۷۸)

مَا أَصَابَكُمْ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۷۹)

[ای انسان!] آنچه از نیکی به تو رسید، از سوی خدادست و آنچه از بدی به تو رسید، از سوی خود توست. و [ای پیامبر! از نیکی هایی که از سوی ماست اینکه] تو را برای مردم به پیامبری فرستادیم، و گواه بودن خدا [بر پیامبری تو] کافی است. (۷۹)

ص: ۹۰

مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا (۸۰)

هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست]. ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم. (۸۰)

وَيَقُولُونَ طَاعَهُ فَإِذَا بَرُزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيْتَ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۸۱)

و [آنان در محضر تو] می گویند: ما مطیع و فرمانبرداریم، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، گروهی از آنان در شب نشینی های مخفیانه خود بر خلاف آنچه تو می گویی، [و غیر آنچه در حضورت می گفتند] تدبیر می کنند. خدا آنچه را که در شب نشینی های مخفیانه تدبیر می کنند [در پرونده اعمالشان] می نویسد. بنابراین از آنان روی برتاب، و بر خدا توکل کن؛ و کارساز بودن خدا [نسبت به امور بندگان] کافی است. (۸۱)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (۸۲)

آیا به قرآن [عمیقاً] نمی‌اندیشند؟ چنانچه از سوی غیر خدا بود، همانا در آن اختلاف و ناهمگونی بسیاری می‌یافتد. (۸۲)

وَإِذَا حَيَاءُهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمَّنِ أَوِ الْخُوفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُوا إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَئِكَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعِلَّهُمْ لَعِلَّهُمْ يَسْتَبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَأَبْعَثْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (۸۳)

و هنگامی که خبری از اینمی و ترس [چون پیروزی و شکست] به آنان [که مردمی سست ایمان اند] رسید، [بدون بررسی در درستی و نادرستی اش] آن را منتشر می‌کنند، و [در صورتی که] اگر آن خبر را به پیامبر و اولیای امورشان [که به سبب بینش و بصیرت دارای قدرت تشخیص و اهل تحقیق اند] ارجاع می‌دادند، درستی و نادرستی اش را در می‌یافتد؛ [چنانچه به مصلحت جامعه بود، انتشارش را اجازه می‌دادند و اگر نبود، از انتشارش منع می‌کردند] و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، یقیناً همه شما جز اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید. (۸۳)

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمَا تُكَلَّفْ إِلَّا نَفْسَكَ وَحْرِضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَن يَكْفَ بِأَسَأَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنَكِيلًا (۸۴)

پس در راه خدا به جنگ برخیز. تو فقط به [وظایف و اعمال] خودت مکلف می‌باشی، و مؤمنان را [هم به جنگ با دشمن برانگیز و] تشویق کن؛ امید است خدا آسیب و گزند کافران را [از تو و مؤمنان] بازدارد؛ و خداست که صولت و قدرتش شدیدتر، وعداب و کیفرش سخت تر است. (۸۴)

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَهُ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَهُ يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا (۸۵)

هر کس وساطت پسندیده ای کند، [تا کار خیری چون جهاد، احسان به مردم و حل مشکلات جامعه انجام گیرد] بهره ای از آن برای او خواهد بود، و هر کس وساطت ناپسندی کند [تا شری و باطلی به وجود آید و زیانی به مردم رسید] سهمی از [گناه و وبال] آن برای او خواهد بود؛ و خدا همواره نگهبان بر هر چیزی است. (۸۵)

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحْيَيِهِ فَحَيُوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (۸۶)

و هنگامی که به شما درود گویند، شما درودی نیکوتر از آن، یا همانندش را پاسخ دهید؛ یقیناً خدا همواره بر همه چیز حسابرس است. (۸۶)

ص: ۹۱

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (۸۷)

خداست که هیچ معبدی جز او نیست. مسلمًا شما را [از گورهایتان] به سوی [دادگاه حسابرسی] روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست گرد می‌آورد؛ و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟ (۸۷)

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَتِنَ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مِنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۸۸)

شما را چه شده که درباره منافقین دو گروه شده اید؟ [گروهی شفیع و طرفدار، و گروهی مخالف و دشمن آنان] در صورتی که خدا آنان را به کیفر اعمال ناپسندی که مرتكب شده اند [در چاه کفر و گمراهی] نگونسار کرده است. آیا می خواهید کسانی را که خدا [به خاطر اعمال ناپسندشان] گمراه کرده هدایت کنید؟ [ای پیامبر!] در حالی که خدا هر که را گمراه کند هر گز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت. (۸۸)

وَدُّدُوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَحَذَّدُوا مِنْهُمْ أُولَيَاءَ حَتَّىٰ يُهَا جُرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ تَوَلُوا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَخَذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۸۹)

آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شده اند، شما هم کافر شوید، تا [در کفر و ضلالت] با هم برابر و یکسان باشید. بنابراین از آنان دوستانی انتخاب نکنید تا آنکه در راه خدا [برای پذیرش دین] هجرت کنند؛ پس اگر [از هجرت] روی بر تافتند [و به خیانت و جنایتشان بر ضد شما ادامه دادند] آنان را هر کجا یافتید بگیرید و بکشید، و از آنان یار و یاوری نگیرید. (۸۹)

إِلَّا الَّذِينَ يَصِّهِ لَوْنَ إِلَى قَوْمٍ يَنِنُكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيَاثِقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصَّةَ رَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتُوكُمْ فَإِنِ اعْتَرَلَوْكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوَا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سِيلًا (۹۰)

مگر آنان که به گروهی که میان شما و ایشان پیمانی [چون پیمان مtar که جنگ یا پیمان های دیگر] است بپیوندند، یا در حالی که سینه هایشان از جنگیدن با شما یا قوم خودشان به تنگ آمده باشد به نزد شما آیند. و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر شما مسلط می کرد، در آن صورت به طور یقین با شما می جنگیدند. پس اگر از شما کناره گرفتند، و با شما به جنگ برخاستند، و پیشنهاد صلح و آشتی دادند، [به آنان تعذر نکنید که] خدا در این صورت برای تجاوز به آنان راهی برای شما قرار نداده است. (۹۰)

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمُنُوكُمْ وَيَأْمُنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُوا إِلَى الْفِتْنَهِ أَرْكَسُوا فِيهَا إِنْ لَمْ يَعْتَرِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيُكْفُرُوا أَيْدِيهِمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقْتُمُوهُمْ وَأَوْلَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (۹۱)

به زودی گروهی دیگر را می یابید که می خواهند [با پیمان مtar که جنگ] از ناحیه شما و قوم [مشرک] خود ایمن و آسوده باشند، [ولی اینان به خاطر خباثت باطنشان نسبت به پیمان هایشان مورد اطمینان نیستند، به همین سبب] هر بار به فتنه [و جنگ با مسلمانان] دعوت شدند، با سر در آن فرو می افتدند. پس اگر [از جنگ با شما] کناره نگرفتند، و پیشنهاد صلح و آشتی نکردند، و بر ضد شما دست [از فتنه و آشوب] برنداشتند، آنان را هر جا یافتید بگیرید و بکشید؛ آنانند که ما برای شما نسبت به [گرفتن و کشتن] آنان دلیلی روشن و آشکار قرار دادیم. (۹۱)

وَمَنْ كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَا وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا فَتَحْرِيرُ رَقَبِهِ مُؤْمِنَهُ وَدِيَهُ مُسَلَّمَهُ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدِّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَيْدُوا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبِهِ مُؤْمِنَهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَهُ مُسَلَّمَهُ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبِهِ مُؤْمِنَهُ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ شَهْرٍ يُنْهَا مُتَابِعِينَ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيْمًا حَكِيمًا (۹۲)

هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آنکه این عمل از روی خطأ و اشتباه اتفاق افتاد. و کسی که مؤمنی را از روی خطأ و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند، و خون بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید؛ مگر آنکه آنان خون بها را ببخشنند. و اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شمایند و خود او مؤمن است، فقط آزاد کردن یک برده مؤمن بر عهده قاتل است. و اگر مقتول مؤمن، از گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است، باید خون بهایش را به وارثان او پرداخت کند، و نیز یک برده مؤمن آزاد نماید. و کسی که برده نیافت، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد. [این حکم] به سبب [پذیرش] توبه [قاتل] از سوی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (۹۲)

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَعَذَابٌ عَظِيمًا (۹۳)

و هر کس مؤمنی را از روی عمد بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن جاودانه خواهد بود، و خدا بر او خشم گیرد، و وی را لعنت کند و عذابی بزرگ برایش آماده سازد. (۹۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَتَّغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنَّدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرٌ كَذَلِكَ كُتُمٌ مِنْ قَبْلِ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۹۴)

ای اهل ایمان! هنگامی که در راه خدا [برای نبرد با دشمن] سفر می کنید [در مسیر سفر نسبت به شناخت مؤمن از کافر] تحقیق و تفحص کامل کنید. و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می کند، نگویید: مؤمن نیستی. [تا] برای به دست آوردن کالای بی ارزش و ناپایدار زندگی دنیا [او را بکشید، اگر خواهان غنیمت هستید] پس [برای شما] نزد خدا غنایم فراوانی است. شما هم پیش از این ایمان‌تان ایمانی ظاهری بود؛ خدا بر شما منت نهاد [تا به ایمان استوار و محکم رسیدید]. پس باید تحقیق و تفحص کامل کنید [تا به دست شما کاری خلاف اوامر خدا انجام نگیرد] یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۹۴)

ص: ۹۳

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الصَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَهٌ وَكُلًا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۹۵)

آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی]، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و [در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان هایشان جهاد می کنند به مقام و مرتبه ای بزرگ بر خانه نشینان برتری بخشیده است. و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] و عده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه نشینان [بی عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است. (۹۵)

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۹۶)

به درجات و رتبه هایی، و آمرزش و رحمتی ویژه از سوی خود؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۶)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّفُهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمٌ أَنفُسِهِمْ قَالُوا فَيْمَا كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتَهَا جِرُوا فِيهَا فَأُولَئِنَّكُمْ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷)

قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که] فرشتگان آنان را قبض روح می کنند، به آنان می گویند: [از نظر دین داری و زندگی] در چه حالی بودید؟ می گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان می گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید؟! پس جایگاهشان دوزخ است و آن بد بازگشت گاهی است. (۹۷)

إِلَّا الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۹۸)

مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که [برای نجات خود از محیط کفر و شرک] هیچ چاره ای ندارند، و راهی [برای هجرت] نمی یابند. (۹۸)

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَغْفُرَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا (۹۹)

پس اینانند که امید است خدا از آنان در گذرد؛ و خدا همواره گذشت کننده و بسیار آمرزنده است. (۹۹)

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَيِّعَهُ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۰۰)

و هر کس در راه خدا هجرت کند، اقامت گاه های فراوان و فراخی معیشت خواهد یافت. و کسی که از خانه خود به قصد مهاجرت به سوی خدا و پیامبر شیرون رود، سپس مرگ او را دریابد، مسلمان پاداشش بر خدادست؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۰۰)

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَإِيَّسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاهِ إِنْ خِفْتُمْ أَن يَقْتِنُكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (۱۰۱)

و هنگامی که در روی زمین سفر می کنید، اگر بترسید که کافران به شما آسیب و آزار رسانند، بر شما گناهی نیست که از نمازها [ی چهار رکعتی خود، دو رکعت] بکاهید؛ زیرا کافران همواره برای شما دشمنی آشکارند. (۱۰۱)

ص: ۹۴

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقْمِتَ لَهُمُ الصَّلَاهَ فَلَتَقْمِ طَائِفَهُ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلَيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَيَجِدُوا فَلَيُكُوُنُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلَتَأْتِ طَائِفَهُ

أَخْرَى لَمْ يُصِيهِ لَوْ مَعَكَ وَلْيَاخْذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتْهُمْ وَدَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْبَعْتُكُمْ فِيمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَعِلَّهٖ وَاحِدَةٌ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذْى مِنْ مَطْرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتِكُمْ وَخُذُّذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعْدَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (١٠٢)

و هنگامی که در [عرصه نبرد و خطر] میان آنان باشی، و برای آنان [به جماعت] اقامه نماز کنی، پس باید گروهی از رزمندگان در حالی که لازم است سلاحشان را برگیرند، همراهت به نماز ایستند، و چون سجده کردند [و رکعت دوم را بدون اتصال به جماعت به پایان بردن] باید [برای حفاظت از شما] پشت سرتان قرار گیرند. و آن گروه دیگر که [به خاطر مشغول بودن به حفاظت] نماز نخوانده اند بیایند و با تو نماز گزارند. و آنان باید [در حال نماز] از هوشیاری و احتیاط [نسبت به دشمن] غافل نباشند، و سلاحشان را با خود برگیرند؛ چون کافران دوست دارند شما از سلاح ها و ساز و برگ جنگی خود غفلت ورزید، تا یک باره به شما هجوم کنند. و اگر از باران در زحمت و مشقت هستید، یا بیمارید، بر شما گناهی نیست که سلاحتان بر زمین گذارید، ولی باید هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنید؛ یقیناً خدا برای کافران عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (١٠٢)

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَإِذْ كُرِّوا اللَّهَ قِيَاماً وَقُعُوداً وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (١٠٣)

پس هنگامی که نماز را [در میدان جنگ] به پایان برده، خدا را در حال ایستاده و نشسته و خوابیده یاد کنید. و همین که [از فتنه و آشوب دشمن] مطمئن شدید، نماز را [به صورت معمولش] اقامه کنید. مسلمًا نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین وظیفه ای مقرر و لازم بر مؤمنان است. (١٠٣)

وَلَا تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَائِلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيًّا حَكِيمًا (١٠٤)

و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید. اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می بینند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (١٠٤)

إِنَّا أَنَزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ حَصِيمًا (١٠٥)

یقیناً این کتاب را به درستی و راستی بر تو نازل کردیم؛ تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی، و حمایت گر خائنان مباش. (١٠٥)

ص: ٩٥

وَاسْتَغْفِرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (١٠٦)

و از خدا آمرزش بخواه؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (١٠٦)

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا (١٠٧)

واز کسانی که به خود خیانت می کنند دفاع مکن؛ زیرا خدا هر کس را که خیانت پیشه و گناه کار است دوست ندارد.

(۱۰۷)

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (١٠٨)

[خیانت پیشگان خیانت خود را] از مردم پنهان می دارند، و [نمی توانند] از خدا پنهان نمایند، و خدا با آنان بود آن گاه که در جلسه مخفی شبانه، درباره طرح و نقشه و سخنی که خدا به آن رضایت نداشت، چاره اندیشی می کردند و خدا همواره به آنچه انجام می دهنده، احاطه دارد. (۱۰۸)

هَا أَنْتُمْ هُؤُلَاءِ جَادِلُتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (١٠٩)

این شما [قبیله و عشیره خائنین] هستید که در زندگی دنیا از آنان دفاع کردید، ولی چه کسی است که در روز قیامت در برابر خدا از آنان دفاع کند؟ یا چه کسی است که [برای رهایی آنان از عذاب] کارسازشان باشد؟ (۱۰۹)

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (١١٠)

و هر کس کار زشتی کند یا بر خود ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را بسیار آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

(۱۱۰)

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (١١١)

و هر کس مرتکب گناهی شود، فقط به زیان خود مرتکب می شود؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (۱۱۱)

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (١١٢)

و هر کس مرتکب خطا یا گناهی شود، سپس آن را به بی گناهی نسبت دهد، بی تردید بهتان و گناهی آشکار بر دوش گرفته است. (۱۱۲)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضْلِلُوكَ وَمَا يُضِلُّ لُونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنَّزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلِمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (١١٣)

و اگر فضل و رحمت خدا بر تو نبود، گروهی از عشیره و قبیله خائنان تصمیم داشتند تو را [از داوری عادلانه] منحرف کنند، [این سبک مغازه خیالباف] جز خودشان را منحرف نمی کنند، و هیچ زیانی به تو نمی رسانند. و خدا کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد، و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت؛ و همواره فضل خدا بر تو بزرگ است. (۱۱۳)

لَا حَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مِنْ أَمْرٍ بِصَدِيقٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْبَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَقْعِيلُ ذَلِكَ اِتْتَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسُوقَ تُؤْتَيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۱۴)

در بسیاری از رازگویی های آنان خیری نیست، جز کسی که [از این طریق] به صدقه، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم فرمان دهد؛ و هر که برای طلب خشنودی خدا چنین کند، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۱۱۴)

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبَعُ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ تُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵)

و هر کس بعد از آنکه [راه] هدایت برایش روشن و آشکار شد، با پیامبر مخالفت و دشمنی کند و از راه مؤمنان پیروی نماید، او را به همان سو که رو کرده واگذاریم، و به دوزخ درآوریم؛ و آن بد بازگشت گاهی است. (۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْفُرُ أَن يُشْرِكَ بِهِ وَيَعْفُرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۱۶)

مسلمان خدا این را که به او شرک آورده شود نمی آمرزد، و فروتر از آن را برای هر که بخواهد می آمرزد. و هر که به خدا شرک ورزد، یقیناً به گمراهی بسیار دوری دچار شده است. (۱۱۶)

إِن يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَّا ثَوَّابُهُمْ مَرِيدًا (۱۱۷)

مشرکان به جای خدا جز جماداتی را [که هیچ اثری ندارند، و همیشه محکوم تأثیر عوامل دیگرند] نمی پرستند، و در حقیقت جز شیطان سرکش گمراه را اطاعت نمی کنند. (۱۱۷)

لَعْنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَتَّخَذَنَ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (۱۱۸)

خدا شیطان را از رحمتش دور کرد؛ و [او] گفت: سوگند می خورم که از میان بندگان سهمی معین [برای پیروی از فرهنگ ویرانگرم] برخواهم گرفت. (۱۱۸)

وَلَا ظِلَّنَهُمْ وَلَا مُمَيَّنَهُمْ وَلَا مُرَنَّهُمْ فَلَيَتَتَكَبَّرُوا أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مُرَنَّهُمْ فَلَيَعْيِرُونَ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسَرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (۱۱۹)

و یقیناً آنان را گمراه می کنم، و دچار آرزوهای دور و دراز [و واهی و پوچ] می سازم، و آنان را وادر می کنم که گوش های چهارپایان را [به نشانه حرام بودن بهره گیری از آنان] بشکافند، و فرمانشان می دهم که آفرینش خدایی را تغییر دهند [به این صورت که جنسیت مرد را به زن و زن را به مرد برگردانند، و فطرت پاکشان را به شرک بیالایند، و زیبایی های طبیعی، روحی، جسمی خود را به زشتی ها تبدیل کنند]. و هر کس شیطان را به جای خدا سرپرست ویار خود گیرد، مسلمان به زیان آشکاری دچار شده است. (۱۱۹)

يَعِدُهُمْ وَيُمْنِئُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (١٢٠)

شیطان به آنان وعده [دروغ] می دهد، و در آرزوها [ای سرابوار] می اندازد، و جز وعده فرینده به آنان نمی دهد. (۱۲۰)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (١٢١)

اینان [که پیروان شیطان اند] جایگاهشان دوزخ است، و از آن هیچ راه فراری نیابند. (۱۲۱)

ص: ۹۷

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيُنْدَخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (۱۲۲)

و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی آنان را در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درآوریم، در آن جاودانه اند. وعده خدا حق است، و راستگو تر از خدا در گفتار کیست؟ (۱۲۲)

لَيْسَ بِأَمَانٍ كُمْ وَلَا أَمَانٍ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَى بِهِ وَلَا يَجِدُ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۲۳)

[کیفر و پاداش] نه بر وفق آرزوهای [واهی] برخی از شما [مسلمانان] است، و نه بر وفق آرزوهای [پوچ] اهل کتاب. هر کس مرتكب کار زشتی شود، به آن کیفر داده می شود؛ و جز خدا سرپرست و یاوری برای خود نخواهد یافت. (۱۲۳)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنَثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (۱۲۴)

و کسانی از مردان یا زنان که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهنند، در حالی که مؤمن باشند، پس اینان وارد بهشت می شوند، و به اندازه گودی پشت هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (۱۲۴)

وَمَنْ أَحْسَنْ دِيَنًا مَمْنُ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَهَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (۱۲۵)

و دین چه کسی بهتر است از آنکه همه وجودش را تسلیم خدا کرده و نیکو کار است، و از آینه ابراهیم یکتاپرست حق گرا پیروی کرده است؟ و خدا ابراهیم را [برای حق گرایی، خلوص، پاکی اخلاق و اعمالش] دوست خود گرفت. (۱۲۵)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (۱۲۶)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست؛ و خدا همواره بر هر چیزی احاطه دارد. (۱۲۶)

وَيَسِّرْ تَقْتُونَكَ فِي النَّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتَيِكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ الَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرَغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعِفَينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ حَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (۱۲۷)

درباره [حقوق ازدواج و نیز ارث] زنان از تو فتوا می خواهند. بگو: فقط خدا درباره آنان [مطابق با آیاتی که در اوایل همین سوره گذشت] به شما فتوا می دهد، و درباره دختران یتیمی که حقوق لازم و مقرر آنان را نمی پردازید، و [به قصد خوردن اموالشان] میلی به ازدواج با آنان دارید، برابر احکامی که در این کتاب بر شما خوانده می شود به شما فتوا می دهد. و [نیز درباره] کودکان مستضعف [ی] که حقوق مالی و انسانی آنان را پایمال می کنید، مطابق احکامی که در قرآن بر شما تلاوت می شود به شما فتوا می دهد. و [نیز سفارش می کند] که با یتیمان به عدالت رفتار کنید؛ و آنچه را [درباره زنان، دختران یتیم و کودکان مستضعف] از هر خیری انجام می دهید، یقیناً خدا همواره به آن داناست. (۱۲۷)

ص: ۹۸

وَإِنِ امْرَأٌ حَافَّ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُضْعِلْهَا بَيْنَهُمَا صِلْحًا وَالصِّلْحُ حَيْرٌ وَأَحْسَنَهُ رِتَّ الْأَنْفُسُ الشُّحُّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَقْوَى فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ حَبِيرًا (۱۲۸)

و اگر زنی از ناسازگاری شوهرش، یا روی گردانی اش [از حقوق همسرداری] بترسد، بر آن دو گناهی نیست که با یکدیگر به طور شایسته و پسندیده آشتبایی کنند، [گرچه به چشم پوشی بخشی از حقوقشان باشد]. و [در حقیقت] صلح و آشتی بهتر است. و بخل، نزد نفووس [آدمیان] حاضر است [به این خاطر هر یک از دو زوج در عفو و گذشت و سازش و ادای حقوق بخل می ورزند]. و اگر [شما شوهران] نیکی کنید و [از سرکشی و ناسازگاری نسبت به زنان] پرهیزید [از ثواب و پاداش حق بهره مند می شوید]؛ یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۲۸)

وَلَنْ تَسْتَطِعُوا أَنْ تَغْيِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمُئِلِ فَتَيَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضْلِلُوهَا وَتَتَقْوَى فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۲۹)

و شما هر چند حریص [بر عدالت] باشید، هر گز نمی توانید [از نظر علاقه و میل قلبی] میان زن ها [یی که در عقد خود دارید] عدالت ورزید، پس تمایل خود را به طور کامل متوجه یک طرف ننمایید تا دیگری را به صورت زنی سرگردان و بلا تکلیف رها کنید. و اگر توافق و سازش نمایید و تقوا را [در محیط خانواده] رعایت کنید [مورد آمرزش قرار می گیرید]؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲۹)

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (۱۳۰)

و اگر [زن و شوهر راهی برای صلح و سازش نیافتند و] از یکدیگر جدا شوند، خدا هر یک را از توانگری خود بی نیاز می کند؛ و خدا همواره بسیار عطا کننده و حکیم است. (۱۳۰)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَكَذْ وَصَنَّا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّا كُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكُفُّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَيْرًا حَمِيدًا (۱۳۱)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست. و البته ما کسانی را که پیش از شما

کتاب آسمانی به آنان داده شده است، و نیز شما را سفارش کردیم که [در همه امورتان] از خدا پروا کنید. و [هشدار دادیم] اگر کفر ورزید [زیانی به او نمی رسانید؛ زیرا آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خدا همواره بی نیاز و سوده است. (۱۳۱)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۱۳۲)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خدا نسبت به کارسازی [همه امور جهان آفرینش] کافی است. (۱۳۲)

إِن يَشَاءُ يُدْبِهُنَّكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيُأْتِيَنَّ بِآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ قَدِيرًا (۱۳۳)

ای مردم! اگر خدا بخواهد همه شما را از میان بر می دارد، و گروه دیگری را [به جای شما] می آورد؛ و خدا همواره بر این کار تواناست. (۱۳۳)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۱۳۴)

کسی که فقط پاداش دنیا را بخواهد [چهار اشتباه و کوتاه بینی شده است؛ زیرا] پاداش دنیا و آخرت که [محصول ایمان و تقواست] نزد خداست؛ و خدا همواره شنا و بیناست. (۱۳۴)

ص: ۹۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَيْرًا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلُوْوا أَوْ تُغْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ حَسِيرًا (۱۳۵)

ای اهل ایمان! [همواره در همه امور زندگی] قیام کنده به عدل، و گواهی دهنده برای خدا باشد، هر چند به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشانتان باشد. اگر [یکی از دو طرف نزاع] توانگر یا فقیر باشد [با لحاظ کردن وضع آنان، بر خلاف خدا گواهی ندهید؛ زیرا] خدا به حمایت از آنان و رعایت حالشان سزاوارتر است. پس [در هنگام گواهی دادن] از هوای نفس پیروی نکنید تا از حق منحرف شوید. و اگر زبانتان را [به سوی گواهی ناحق و دروغ] بپیچانید، یا از گواهی دادن روی برتابید؛ یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۳۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ فِيْلٍ وَمَنْ يَكُفِرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُبِّيْهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيْدًا (۱۳۶)

ای اهل ایمان! به خدا و پیامبر و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و به کتابی که پیش از این فرستاده [از روی صدق و حقیقت] ایمان بیاورید. و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب های آسمانی و پیامبران او و روز قیامت کافر شود، یقیناً به گمراهی دور و درازی دچار شده است. (۱۳۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيغْفِرُ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ سَيِّلًا (١٣٧)

کسانی که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، باز ایمان آوردند، و بار دیگر کافر شدند، آن گاه بر کفر خود افزودند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامزد، و به راهی هدایت کند. (۱۳۷)

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (١٣٨)

منافقان را بشارت ده که عذابی دردنگی برای آنان است. (۱۳۸)

الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أُولَئِكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَنَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (١٣٩)

همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می‌گیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست. (۱۳۹)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سِمعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزِءُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مُّثْلِهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (١٤٠)

البته خدا [این فرمان را] در قرآن بر شما نازل کرده است که چون بشنوید گروهی آیات خدا را مورد انکار و استهزا قرار می‌دهند، با آنان ننشینید تا در سخنی دیگر درآیند، [اگر بشنینید] شما هم [در به دوش کشیدن بار گناه انکار و استهزا] مانند آنان خواهید بود؛ یقیناً خدا همه منافقان و کافران را در دوزخ گرد خواهد آورد. (۱۴۰)

ص: ۱۰۰

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعُكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَيِّلًا (١٤١)

آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می‌برند، اگر از سوی خدا برایتان فتح و پیروزی رسد، می‌گویند: مگر ما با شما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنایم جنگی بپردازید]. و اگر برای کافران بهره ای اندک [از غله و پیروزی] باشد، به آنان می‌گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلط نبودیم؟ [ولی دیدید که از ضربه زدن به شما خودداری کردیم] و شما را [از آسیب و زیان مؤمنان] مانع می‌شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدھید]. خدا روز قیامت میان شما داوری می‌کند؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است. (۱۴۱)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَاتُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاوِعُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (١٤٢)

منافقان همواره با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است. و هنگامی که به نماز می‌ایستند، با کسالت می‌ایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی به یاد نمی‌آورند. (۱۴۲)

مُذَبِّنْ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هُؤُلَاءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهَ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۱۴۳)

منافقان میان کفر و ایمان متختیر و سرگردانند، نه [با تمام وجود] با مؤمناند و نا با کافران. و هر که را خدا [به کیفر اعمال رشتئش] گمراه کند، هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت. (۱۴۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتَرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۴۴)

ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید. آیا می خواهید برای خدا بر ضد خودتان دلیلی آشکار [نسبت به عذابتان در دنیا و آخرت] قرار دهید؟! (۱۴۴)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (۱۴۵)

بی تردید منافقان در پایین ترین طبقه از آتش اند، و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت. (۱۴۵)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۴۶)

مگر کسانی که [از گناه بزرگ نفاق] توبه کردند، و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند، و به خدا تمسک جستند، و عبادتشان را برای خدا خالص ساختند؛ پس آنان در زمرة مؤمنان اند، و خدا به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد. (۱۴۶)

مَا يَفْعُلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (۱۴۷)

اگر شما سپاس گزار [نعمت های بی شمار حق] باشید و ایمان آورید، خدا را با عذاب شما چه کار؟ خدا همواره پاداش دهنده و داناست. (۱۴۷)

ص: ۱۰۱

جزء ۶

ادامه سوره النساء

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرُ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (۱۴۸)

خدا افسای بدی های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است [که بر ستمدیده برای دفع ستم، افسای بدی های ستمکار جایز است]؛ و خدا شنوا و داناست. (۱۴۸)

إِنْ تُبَدُّوا حَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَغْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوفًا قَدِيرًا (۱۴۹)

اگر کار خیری را آشکار کنید، یا آن را پنهان دارید، یا از بدی [دیگران] گذشت کنید، [کاری مورد پسند خدا انجام داده

اید؛ یقیناً خدا [با قدرت داشتن بر انتقام] همواره گذشت کننده و تواناست. (۱۴۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِعَضٍ وَنَكْفُرُ بِعَضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَخَذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَيِّلًا (۱۵۰)

بی تردید کسانی که به خدا و پیامبرانش کافر می شوند و می خواهند میان خدا و پیامبرانش [با ایمان آوردن به خدا و کفرورزی به پیامبران] جدایی اندازند، و می گویند: به بعضی ایمان می آوریم و به برخی کافر می شویم و می خواهند میان کفر و ایمان راهی [خاص] بر گزینند، [سبک مغز و بی شعورند]. (۱۵۰)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۱۵۱)

اینان در حقیقت کافرنده؛ و ما برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده ایم. (۱۵۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتَيْهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۵۲)

وکسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورند و میان هیچ یک از آنان جدایی نینداختند، خدا پاداششان را می دهد؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۵۲)

يَسَأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ بَجْهَهُ فَأَخَذَنَهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ أَتَخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۵۳)

اهل کتاب [بنا به خواست نامعقولشان] از تو می خواهند که از آسمان، کتابی برای آنان نازل کنی، البته [این بازیگران زشت باطن] از موسی بزرگ تراز آن را خواستند، و گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده. پس آنان را به کیفر ستمشان صاعقه فرو گرفت. باز پس از آنکه [بر وحدائیت حق و ضرورت خداپرستی] دلایل روشن برای آنان آمد، گوساله را به عنوان معبد گرفتند، و ما از این [گناه بزرگ و زشت هم] گذشتم و به موسی برهانی روشن و قدرتی آشکار دادیم. (۱۵۳)

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِنَاقِبِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبَّتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِنَاقَةً غَلِيلًا (۱۵۴)

و کوه طور را به سبب پیمانشان [به پذیرفتن تورات، عمل به آن و ایمان به موسی] بر فرازشان برافراشتم، و به آنان گفتیم: با تواضع و فروتنی و سجده کنان، از دروازه [شهر یا در معبد] درآید. و [نیز] به آنان گفتیم: روز شنبه [از حکم حرمت صید ماهی] تجاوز نکنید. و از آنان [برای اجرای احکام تورات و فرمان های موسی] پیمانی محکم و استوار گرفتیم. (۱۵۴)

ص: ۱۰۲

فِيمَا نَقْضِيهِمْ مِنَاقَبِهِمْ وَكُفُرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبِنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفُرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵۵)

پس به کیفر پیمان شکنی آنان و کفرشان به آیات خدا، و به ناحق کشتن پیامبران، و گفتار [بی پایه و باطل] شان که دل های ما در پوشش و حجاب است [از این رو سخن حق را درک نمی کنیم، لعنتشان کردیم؛] بلکه به سبب کفرشان بر دل هایشان مُهر [محرومیت از فهم معارف] زدیم؛ به همین سبب جز اندکی ایمان نمی آورند. (۱۵۵)

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بِهَتَّانًا عَظِيمًا (۱۵۶)

و [نیز] به سبب کفرشان [به نبوت عیسی] و گفتارشان بر مریم [پاکدامن و آراسته به عفت] که افترا و بهتان بزرگی بود [لعنتشان کردیم]. (۱۵۶)

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّوْهُ وَلَكِنْ شُبَّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مُّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعُ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (۱۵۷)

و به سبب گفتار [سراسر دروغ] شان که ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتم. در صورتی که او رانکشند و به دار نیاویختند، بلکه بر آنان مُشتبه شد [به این خاطر شخصی را به گمان اینکه عیسی است به دار آویختند و کشند؛] و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع و حال او در شک هستند، و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند، و یقیناً او را نکشند. (۱۵۷)

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۵۸)

بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۵۸)

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (۱۵۹)

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش [که لحظه روشن شدن حقایق است] به مسیح ایمان می آورد [که او فرستاده خدا، بنده او و مژده دهنده به ظهور پیامبر اسلام است، ولی ایمان در آن لحظه سودبخش نیست] و مسیح روز قیامت بر [عقاید و اعمال] آنان گواه است. (۱۵۹)

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمَنَا عَلَيْهِمْ طَيَّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدَّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (۱۶۰)

پس به کیفر ستمی که یهودیان [به آیات خدا و بر خود و دیگران] روا داشتند، و به سزای آنکه بسیاری از مردم را از راه خدا بازداشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود [مانند صید ماهی و خوردن چربی و شیر و گوشت حیوانات] حرام کردیم. (۱۶۰)

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶۱)

و [نیز به سبب] ربا گرفتشان با آنکه از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم به باطل و نامشروع [پاکیزه های حلال شده

را بر آنان حرام کردیم] و ما برای کافران عذابی در دنک آماده کرده ایم. (۱۶۱)

لَكِن الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزَلَ مِنْ قِبَلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُوتِهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۶۲)

ولی از میان آنان، ثابت قدمان در دانش، مؤمنان [به موسی و تورات] بر پادارندگان نماز، پرداخت کنندگان زکات، مؤمنان به خدا و روز قیامت، به آنچه بر تو و [بر پیامبران] پیش از تو نازل شده ایمان واقعی می آورند آنان هستند که یقیناً پاداش بزرگی به ایشان عطا خواهیم کرد. (۱۶۲)

ص: ۱۰۳

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَشْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاؤُودَ زَبُورًا (۱۶۳)

ما به تو وحی کردیم، همان گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوتشان] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان نیز وحی نمودیم؛ و به داود، زبور دادیم. (۱۶۳)

وَرَسُّلًا قَدْ فَصَّلْنَا هُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلٍ وَرَسُّلًا لَمْ نَفْصُلْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَمُ اللَّهِ مُوسَى تَكْلِيمًا (۱۶۴)

و به پیامبرانی [وحی کردیم] که سرگذشت آنان را پیش از این برای تو گفتیم، و پیامبرانی [را برانگیخته ایم] که سرگذشتان را برای تو حکایت نکرده ایم. و خدا با موسی به صورتی ویژه و بیواسطه سخن گفت. (۱۶۴)

رَسُّلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵)

پیامبرانی که مژده رسان و بیم دهنده بودند تا مردم را [در دنیا و آخرت در برابر خدا] پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نباشد؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۶۵)

لَكِنَّ اللَّهَ يَسْهُدُ بِمَا أُنزَلَ إِلَيْكَ أَنَّزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَهُ يَسْهُدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۱۶۶)

ولی [در برابر کبرورزی و لجاجت اهل کتاب، که به حقائیق قرآن و رسالت تو گواهی نمی دهند] خدا به وسیله آنچه بر تو نازل کرده گواهی می دهد که آن را به علم و دانش خود نازل کرده، و [نیز] فرشتگان هم گواهی می دهند، گرچه گواهی خدا کافی است. (۱۶۶)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۶۷)

مسلمانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، یقیناً به گمراهی دور و درازی دچار شده اند. (۱۶۷)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيهِمْ طَرِيقًا (١٦٨)

بی تردید کسانی که کافر شدند و [به آیات الهی، به خود و به دیگران] ستم ورزیدند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامزد و به راهی [مستقیم و استوار] هدایت کند. (۱۶۸)

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (١٦٩)

مگر به راه دوزخ که در آن جاودانه اند؛ و این کار بر خدا آسان است. (۱۶۹)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِنْ تَكُفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيًّا حَكِيمًا (۱۷۰)

ای مردم! البته پیامبری از سوی پروردگارتن به درستی و راستی به سوی شما آمد؛ پس به او ایمان آورید که به خیر شماست. و اگر کفر ورزید [بدانید که خدا از شما و ایمانتان بی نیاز است] زیرا آنچه در آسمان‌ها و زمین است، در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست، و خدا همواره دانا و حکیم است. (۱۷۰)

ص: ۱۰۴

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَعْلُوْا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ إِنَّمَا الْمُسْتَيْحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ الْفَاجِهَةُ إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحُ مُنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةُ أَنَّهُمْ خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَرِكِيلًا (۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود غلوّ [و افراط] نورزید، [و از چهارچوب آیات نازل شده از سوی خدا و آنچه پیامبران به شما آموخته اند، خارج نشوید] و نسبت به خدا جز حق مگویید. جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلمه اوست که به مریم القا کرد و [این بنده پاک و خالص] روحی از سوی اوست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید، و مگویید: [خدای] ترکیبی از سه حقیقت [آب، این و روح القدس] است. [از این عقیده باطل] خودداری کنید که به خیر شماست. جز این نیست که خدا معبدی یگانه است. منزه و پاک است از اینکه فرزندی برای او باشد. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و خدا از نظر کارسازی [همه امور آفرینش] کافی است. (۱۷۱)

لَنْ يَسْتَنِكِفَ الْمُسِيْحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَهُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنِكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكِبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲)

مسیح از اینکه بنده خدا باشد، هر گز امتناع ندارد، و فرشتگان مقرب هم امتناع ندارند؛ و کسانی که از بندگی او امتناع کنند و تکبیر ورزند، به زودی همه آنان را [برای حسابرسی] به سوی خود گردآوری خواهد کرد. (۱۷۲)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيَوْمَ فِيهِمْ أُجْوَرُهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مَنْ فَضَلَّهُ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَكْفُوا وَأَسْتَكْبَرُوا فَيَعْذَبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مَنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۷۳)

اما کسانی که ایمان آوردن و کارهای شایسته انجام دادند، پاداششان را به طور کامل می دهد، و از فضل و احسانش بر آنان می افراید؛ و اما کسانی که [از ایمان و عمل شایسته] امتناع کردند و تکبیر ورزیدند، به عذاب دردناکی عذاب می کند؛ و برای خود جز خدا سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (۱۷۳)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَأَنَّزَنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (۱۷۴)

ای مردم! یقیناً از سوی پورده‌گاران برای شما برهان [و دلیلی چون پیامبر و معجزاتش] آمد؛ و نور روشنگری [مانند قرآن] به سوی شما نازل کردیم. (۱۷۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخَلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۱۷۵)

اما کسانی که به خدا ایمان آوردن و به او تمسک جستند، به زودی آنان را در رحمت و فضلی از سوی خود درآورد، و به راهی راست به سوی خود راهنمایی می کند. (۱۷۵)

ص: ۱۰۵

يَسِّيْرَتْعُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتَكِّمُ فِي الْكَلَامِ إِنِّي أَمْرُؤٌ هَلِكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أَخْتُ فَلَهَا نِصْفٌ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرْثُهَا إِنِّي لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اشْتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنَّ تَضَطَّلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۷۶)

از تو درباره کلاله [یعنی میراث برادران و خواهران] فتوا می خواهد، بگو: خدا درباره کلاله به شما فتوا می دهد: اگر مردی که فرزند ندارد، از دنیا برود و برای او خواهی باشد، نصف میراثی را که از او به جا مانده خواهر به ارث می برد، و اگر خواهی از دنیا برود و وارثش فقط یک برادر باشد، همه میراث به جا مانده خواهر را برادرش به ارث می برد، و اگر خواهان میت دو نفر باشند، دو سوم میراث به جا مانده را ارث می بردند، و اگر خواهان و برادران متعدد باشند، سهم ارث برای مرد مانند دو زن است. خدا [احکامش را] برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید؛ و خدا به همه چیز داناست. (۱۷۶)

سوره المائدہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُهُودِ أَحِلْتُ لَكُمْ بِهِمَهُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرُ مُحِلٍّ الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (۱)

ای اهل ایمان! به همه قراردادها [ی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید. [گوشت] چهارپایان جز آنچه [در آیات بعد، حُرمتش] بر شما خوانده می شود برایتان حلال است، [و توجه داشته باشید که] باید شکار را در حالی که مُحرم [به احرام حج و عمره] هستید، حلال بشمارید؛ یقیناً خدا آنچه را بخواهد [بر پایه علم و حکمتش و بر اساس رعایت مصلحت شما] حکم می کند. (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَمَا الشَّهْرُ الْحَرَامُ وَلَمَا الْهَدْيَ وَلَمَا الْقَلَائِدَ وَلَمَا آمِنَ الْجَمِيعُ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَصَلَّا مِنْ رَبِّهِمْ وَرَضُوْا نَّا إِذَا حَلَّتُمْ فَاصْطِهِ طَادُوا وَلَا يَجِرْ مَنْكُمْ شَنَانُ قَوْمٍ أَنْ صَدُوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْنَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبَرِّ وَالْتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعَدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٢)

ای اهل ایمان! [هتکِ حرمت] شعایر خدا [مانند مناسک حج] و ماه های حرام [رجب، ذوالقعده، ذوالحجه و محرم] و قربانی بی نشان، و قربانی نشان دار و قاصدان [و راهیان به سوی] بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگارشان را می طلبند، حلال مشمارید. و چون از احرام بیرون آمدید [اگر مایل باشد، می توانید] شکار کنید. و کینه توژی و دشمنی گروهی که شما را از [ورود به] مسجد الحرام بازداشتند و ادارتان نکند که [به آنان] تعدی و تجاوز کنید. و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیز کاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید؛ و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است. (۲)

ص: ۱۰۶

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَهُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنْتِرِيْرِ وَمَا أَهِلَّ لِعَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخِقَهُ وَالْمُوْقُوذَهُ وَالْمُتَرَدِّيَهُ وَالنَّطِيْحَهُ وَمَا أَكَلَ السَّيْئَعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا يَا ذِيْجَ عَلَى النُّصْبِ وَأَنْ تَسْقَسِّهُ مُوا بِالْأَزْلَامَ ذَلِكُمْ فِسْقُ الْيَوْمِ يَئِسَ الدَّيْنَ كَفَرُوا مِنْ دِيْنِكُمْ فَلَمَا تَخْشُوهُمْ وَأَخْشُونَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنِكُمْ وَأَتَمْمَتْ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيْنًا فَمِنْ اضْطَرَ فِي مَحْمَصَيِهِ غَيْرَ مُتَحَاجِيْفِ لِإِلَمِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳)

[خوردن مواد ناپاک که تناسبی با جسم و روح شما ندارند] بر شما حرام شده است [مانند] گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته اند و حیوان خفه شده و آنچه به ضرب چوب و سنگ مرده و آنچه به سبب پرت شدن از بلندی جان داده و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر از بین رفته و حیوانی که درنده ای آن را کشته و از آن خورده، مگر آنچه را که در آستانه مرگ، قابل تذکیه بوده و شما به دستور شرع تذکیه کرده اید، و نیز آنچه برای بت ها قربانی شده، و آنچه به وسیله تیرهای قمار سهم بنده می کنید بر شما حرام گشته است. [همه] این [امور] فسق و نافرمانی [از احکام خدا] است. امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دیتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم. پس هر که در حال گرسنگی شدید بی آنکه مایل به گناه باشد [به خوردن محترمات بیان شده] ناچار شود، [می تواند به اندازه ضرورت از آنها بهره گیرد]؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳)

يَسْأَلُونَكَ مَا إِذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلِمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلِمْتُمُ اللَّهُ فَكُلُّوا مِمَّا أَمْسَيْتُكُنَّ عَلَيْكُمْ وَأَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴)

از تو می پرسند: چه چیزی بر آنان حلال شده؟ بگو: همه پاکیزه ها و شکاری که حیوانات شکاری که به آنها شکار کردن را تعلیم داده اید، در حالی که از احکام تذکیه ای که خدا به شما آموخته به آنها می آموزید، بر شما حلال شده است؛ بنابراین از آنچه آنان برای شما [گرفته اند و] نگاه داشته اند بخورید، و نام خدا را [هنگام فرستادن حیوان شکاری] بر آن بخوانید، و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا حسابرسی سریع است. (۴)

الْيَوْمَ أَحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ وَالْمُحْصَنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتِ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَلِيلٍ كُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُّمْحَصَّ بَيْنَ عَيْرِ مُسَافِرِيهِنَّ وَلَا مُنْتَهَى نَبْدِي أَخْدَانِ وَمَنْ يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۵)

امروز همه پاکیزه ها [ی از رزق خدا] برای شما حلال شد، و طعام اهل کتاب [که مخلوط با مواد حرام و نجس نیست] بر شما حلال و طعام شما هم بر آنان حلال است. و زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن از اهل کتاب [از طریق ازدواج شرعی] در صورتی که مهریه آنان را بپردازید بر شما حلال است، در حالی که مایل باشید پاکدامن بمانید نه زناکار، و نه انتخاب کننده معشوقه نامشروع در خلوت و پنهان. و هر کس در ایمان [به خدا و پیامبران و قیامت] کفر ورزد، قطعاً عملش تباش شده و فقط او در آخرت از زیانکاران است. (۵)

ص: ۱۰۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُتْسِمْ جُبْنًا فَاطَّهِرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَيْفِرٍ أَوْ جَاءَ أَخْدُدْ مَنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجْدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَيْعِيدًا طَيَّبًا فَامْسِحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيَطْهَرَكُمْ وَلَيَسْتَمِعَ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۶)

ای اهل ایمان! هنگامی که به [قصد] نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشویید و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر جنب بودید، غسل کنید و اگر بیمار هستید یا در سفر می باشید یا یکی از شما از قضای حاجت [دستشویی] آمده، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاک، تیم کنید و از آن بخشی از صورت و دست هایتان را مسح نمایید. خدا نمی خواهد [با احکامش] بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می خواهد شما را [از آلودگی ها] پاک کنند و نعمتش را بر شما تمام نمایند، تا سپاس گزارید. (۶)

وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِثَاقَهُ الَّذِي وَاثَّقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

و نعمت خدا را بر خود و پیمانش را که [در لزوم اطاعت از او و پیامبرش] با شما محکم و استوار کرد، یاد کنید، هنگامی که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم. و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه در سینه هاست، داناست. (۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ حَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۸)

ای اهل ایمان! همواره [در همه امور] قیام کننده برای خدا و گواهان به عدل و داد باشید. و نباید دشمنی با گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید؛ عدالت کنید که آن به پرهیز کاری نزدیک تر است. و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۸)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۹)

خدا به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده است که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۹)

ص: ۱۰۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۰)

وکسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل دوزخ اند. (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيهِمْ فَكَفَّ أَيْدِيهِمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلِتَّقَوْكِلُ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

ای اهل ایمان! نعمت خدا را بر خود یاد کنید زمانی که گروهی قصد کردند که [برای نابودی تان] به شما شبیخون زند، ولی خدا توطئه آنان را از شما بازداشت. و از خدا پروا کنید و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند. (۱۱)

وَلَقَدْ أَخَدَ اللَّهُ مِيقَاتَ يَبْنِ إِسْرَائِيلَ وَبَعَثَنَا مِنْهُمْ أُشْنُى عَشَرَ نَقِيَّاً وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقْمَتُمُ الصَّلَاهَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاهَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّزْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قِرْضًا حَسِنًا لَا كَفَرُوا عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دُخْلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۲)

خدا از بنی اسرائیل [بر لزوم اطاعت از آیینش و پیروی از موسی] پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست برانیگختیم [تا هر یک عهده دار امور قبیله ای از قبایل بنی اسرائیل باشد]، و خدا به آنان فرمود: یقیناً من با شما میم، اگر نماز را بربا دارید، و زکات پردازید، و به پیامبرانم ایمان آورید، و آنان را تقویت و یاری کنید و به خدا وامی نیکو دهید، مسلماً گناهانتان را محرومی کنم، و شما را در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در می آورم؛ پس هر که از شما بعد از این کافرشود، یقیناً راه راست را گم کرده است. (۱۲)

فِيمَا نَقْضَيْهِمْ مُّشَاقَّهُمْ لَعَنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَّهُ يُعَرِّفُونَ الْكَلِمَ عنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسْوَا حَظًّا مِمَّا ذُكِرُوا بِهِ وَلَا تَرَالْ تَطَلُّعَ عَلَى خَائِنِهِ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفُحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳)

پس آنان را به سبب پیمان شکستنشان لعنت کردیم، و دل هایشان را بسیار سخت گردانیدیم، [تا جایی که] کلمات خدا را از جایگاه اصلی اش و معنای حقیقی اش تغییر می دهنده، و بخشی از آنچه را [از معارف و احکام تورات واقعی] که به وسیله آن پند داده شدند، از یاد بردنده [و نادیده گرفتند]، و همواره از اعمال خائنانه آنان جز اندکی از ایشان [که وفادار به پیمان خدایند] آگاه می شوی؛ پس [تا نزول حکم جهاد] از آنان در گذر و [از مجازاتشان] روی گردان؛ زیرا خدا نیکو کاران را دوست دارد. (۱۳)

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخْهَدْنَا مِيقَاتَهُمْ فَنَسُوا حَظًا مَمَّا ذَكَرُوا بِهِ فَأَعْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِيَادَةَ وَالْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُبَيَّنُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴)

و از کسانی که گفتند: ما نصرانی هستیم، [بر لزوم اطاعت از خود و پیروی از عیسی] پیمان گرفتیم، پس بخشی از آنچه را [از معارف و احکام انجیل واقعی] که به وسیله آن پند داده شدند، از یاد بردنده [و نادیده گرفتند]، بر این اساس میان آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی اندختیم، و خدا آنان را از آنچه همواره انجام می دادند، آگاه می کند. (۱۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفَونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵)

ای اهل کتاب! یقیناً پیامبر ما به سوی شما آمد که بسیاری از آنچه را که شما از کتاب [تورات و انجیل درباره نشانه های او و قرآن] همواره پنهان می داشتید برای شما بیان می کند، و از بسیاری [از پنهان کاری های ناروای شما هم] درمی گذرد. بی تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است. (۱۵)

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبْلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يَأْذِنُهُ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (۱۶)

خدا به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه های سلامت راهنمایی می کند، و آنان را به توفیق خود از تاریکی ها [ای جهل، کفر، شرک و نفاق] به سوی روشنایی [معرفت، ایمان و عمل صالح] بیرون می آورد، و به جانب راه راست هدایت می کند. (۱۶)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأَمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلَلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

مسلمانآنان که گفتند: خدا همان مسیح، فرزند مریم است. یقیناً کافر شده اند. بگو: اگر خدا بخواهد، مسیح و مادرش و تمام کسانی که در روی زمین اند، هلاک کند، چه کسی می تواند در برابر اراده و قدرت او باشد؟ و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط در سیطره خدادست، هر چه را بخواهد می آفریند، و خدا بر هر کاری تواناست. (۱۷)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَعْفُرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلَلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و یهود و نصاری گفتند: ما پسران خدا و دوستان اوییم. بگو: [اگر گفتار شما درست است] پس چرا خدا شما را به گناهاتان

عذاب می کند؟ بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقاتی که خدا آفریده است. هر که را بخواهد می آمرزد، و هر که را بخواهد عذاب می کند. و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط در سیطره خداست، و بازگشت به سوی اوست. (۱۸)

یا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَهِ مِنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۹)

ای اهل کتاب! بی تردید رسول ما پس از روزگار فترت و خلا پیامبران به سوی شما آمد [و آنچه را مورد نیاز دنیا و آخرت شماست] برای شما بیان می کند که [روز قیامت در پیشگاه خدا] نگویید: برای ما هیچ مژده دهنده و بیم رسانی نیامد، یقیناً مژده دهنده و بیم رسان به سویتان آمد؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۱۹)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيْكُمْ أَنِيَّاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوْكًا وَآتَكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (۲۰)

و [یاد کنید] هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را حاکمان و فرمانروایان ساخت، و به شما نعمت های ویژه ای داد که به هیچ یک از جهانیان نداد. (۲۰)

يَا قَوْمِ اذْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُوا عَلَىٰ أَذْبَارِكُمْ فَتَنَقَّلُوْا خَاسِرِينَ (۲۱)

ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خدا برایتان مقرر فرموده در آید و [به گناه، عصیان، سرپیچی از فرمان ها و احکام حق] بازنگرید که زیانکار می شوید. (۲۱)

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۲۲)

گفتند: ای موسی! مسلمان در آنجا مردمی زورگو و ستم گر قرار دارند، و ما هرگز وارد آنجا نمی شویم تا آنان از آنجا بیرون روند، پس اگر از آنجا بیرون روند البته ما وارد خواهیم شد. (۲۲)

قَالَ رَجُلٌ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا اذْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۳)

دو مرد از کسانی که [از خدا] می ترسیدند و خدا به هر دو نعمت [معرفت، ایمان و شهامت] داده بود، گفتند: از این دروازه به آنان یورش برید، چون به آنجا در آید یقیناً پیروزید؛ و اگر مؤمن هستید بر خدا توکل کنید. (۲۳)

گفتند: ای موسی! تا آنان در آنجایند، ما هرگز وارد آنجا نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین جا نشسته ایم. (۲۴)

قالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ يَيْتَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۵)

[موسی] گفت: پروردگار! من جز بر خود و برادرم تسلطی ندارم، پس میان ما و این گروه نافرمان و بدکار جدایی انداز. (۲۵)

قالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتَبَاهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۶)

[خدا] فرمود: این سرزمین مقدس [به کیفر نافرمانی از خواسته های حق] تا چهل سال بر آنان حرام شد، همواره در طول این مدت در زمین [سینا] سرگردان خواهند بود، پس بر این گروه نافرمان و بدکار غمگین باش. (۲۶)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَيَّأً ابْنَيَ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَبَا قُربَانًا فَتَعَبَّلَ مِنْ أَحْيَدِهِمَا وَلَمْ يَتَبَعَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۲۷)

و داستان دو پسر آدم را [که سراسر پند و عبرت است] به درستی و راستی بر آنان بخوان، هنگامی که هر دو نفر با انجام کار نیکی به پروردگار تقریب جستند، پس از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد. [برادری که عملش پذیرفته نشد از روی حسد و خودخواهی به برادرش] گفت: بی تردید تو را می کشم. [او] گفت: خدا فقط از پرهیز کاران می پذیرد. (۲۷)

لَئِنْ بَسَطَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتَلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۲۸)

مسلمًا اگر تو برای کشتن من دست را دراز کنی، من برای کشتن تو دستم را دراز نمی کنم؛ زیرا از خدا پروردگار جهانیان می ترسم. (۲۸)

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۲۹)

من می خواهم به گناه کشتن من و گناه خودت [که سبب مردود شدن کار نیکت بود، به پیشگاه خدا] بازگردی و در نتیجه از دوزخیان باشی؛ و این است پاداش ستمکاران. (۲۹)

فَطَوَّعْتُ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۳۰)

نفس [طغیان گرش]، کشتن برادرش را در نظرش سهل و آسان جلوه داد، پس او را کشت و از زیانکاران شد. (۳۰)

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَائِيَا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِئِرِيْهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتِي أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأَوْارِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِيِّينَ (۳۱)

پس [در کنار جسد برادرش سرگردان بود که] خدا کلااغی را برانگیخت که زمین را می کاوید تا به او نشان دهد که چگونه

جسد برادرش را پنهان کند. [با دیدن حرکات کلاع] فریاد زد: وای بر من! آیا ناتوان و عاجز بودم از اینکه مانند این کلاع باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم؟! نهایتاً از پشیمانان شد. (۳۱)

ص: ۱۱۲

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَانَمَا قَتْلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲)

به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فسادی در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است. و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردنده، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به [تجاوز از حدود حق و فساد و] زیاده روی برخاستند. (۳۲)

إِنَّمَا جَزَاءُ الدِّينَ يُحِيطُ بِرِبُّونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَيَسِّعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسِادًا أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصْلَبُوا أَوْ تُقْطَعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلَافٍ أَوْ يُنْقُوا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خَرْزٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳)

کیفر آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند، و در زمین به فساد و تباہی می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دارشان آویزند، یا دست راست و پای چیشان بریده شود، یا از وطن خود تبعیدشان کنند. این برای آنان رسوایی و خواری در دنیاست، و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ است. (۳۳)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۴)

مگر کسانی که پیش از دست یافتستان بر آنان توبه کنند؛ پس بدایید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آتُقُوَّا اللَّهَ وَابْتُغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۵)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست آویز و وسیله ای [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان در گاهش] برای تقرب به سوی او بجویید؛ و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید. (۳۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيُفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۳۶)

قطعاً کسانی که کافر شدند اگر همه آنچه در زمین است و همانند آن را نیز با آن همراه خود داشته باشند، تا آن را براي نجاتشان از عذاب روز قیامت فدیه و عوض دهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و برای آنان عذابی دردناک است. (۳۶)

ص: ۱۱۳

يُرِيدُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجٍ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۳۷)

همواره می خواهد از آتش بیرون آیند، ولی از آن بیرون شدنی نیستند؛ و برای آنان عذابی دائم و پایدار است. (۳۷)

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيهِمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبُوا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸)

و دست مرد وزن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده اند به عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید؛ و خدا توانای شکست ناپذیر است. (۳۸)

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۹)

پس کسی که بعد از ستم کردنش توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید، یقیناً خدا توبه اش را می پذیرد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۹)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۰)

آیا ندانسته ای که فمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره خدادست، هر کس را بخواهد عذاب می کند، و هر کس را بخواهد می آمرزد؛ و خدا بر هر کاری تواناست؟ (۴۰)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَمَّا يَعْرِنَكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَيِّمَاءُونَ لِلْكَذِبِ سَيِّمَاءُونَ لِتَقْوِيمِ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُعَرِّفُونَ الْكَلْمَمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنَّ أُوْتِيْتُمْ هَذَا فَخَنْدُوهُ وَإِنَّ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَأَخْذِرُوهُ وَمَمِّنْ يُرِدُ اللَّهُ فِتْنَتِهِ فَلَنْ تَمْلِكَكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يُظَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْنٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۴۱)

ای پیامبر! کسانی که در کفر می شتابند تو را غمگین نسازند، چه آنان که به زبانشان گفتند: ایمان آوردم و دل هایشان ایمان نیاورده، و چه آنان که یهودی اند که به شدت شنونده دروغند [با آنکه می دانند دروغ است] و به شدت گوش به فرمان گروهی دیگرند که [از روی حسد و کبر] نزد تو نیامده اند. [آن گروهی که] کلمات [خدا] را پس از استواری در جایگاه هایش تحریف می کنند، [و معنای حقیقی اش را تغییر می دهند و به مقلدان و مطیعان بی سواد خود] می گویند: اگر [از طرف پیامبر اسلام] احکام [و فرمان هایی مطابق میل ما] به شما ابلاغ کردند پذیرید، و اگر آن را [مطابق میل ما] ابلاغ نکردند [از آن] پرهیزید. و کسانی که خدا عذاب [و رسایی و ذلت] شان را بخواهد، تو هر گز نمی توانی چیزی از عذاب خدا را از آنان برطرف کنی. اینانند کسانی که خدا نخواسته دل هایشان را [از آلدگی] پاک کند؛ برای آنان در دنیا خواری و رسایی، و در آخرت عذابی بزرگ است. (۴۱)

ص: ۱۱۴

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّجْنِتِ إِنَّ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضْرُوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۴۲)

آنان فوق العاده شِنواي دروغ اند [با آنكه می دانند دروغ است و] بسيار خورنده مال حرام؛ پس اگر نزد تو آمدند ميان آنان در آنچه تو را داور قرار دادند] داوری کن، يا [اگر نخواستی داوری کنی] از آنان روی برتاب. و اگر روی برتابی هرگز هیچ زيانی به تو نمي رسانند. و اگر ميانشان داوری کردي به عدالت داوری کن؛ زيرا خدا عدالت پيشگان را دوست دارد. (۴۲)

وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاهُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّونَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۳)

چگونه تو را داور قرار می دهنند در حالی که تورات که در آن حکم خدادست نزد آنان است؟ سپس بعد از آنكه ميانشان با حکمی که مطابق حکم تورات است داوری کردي روی برمی تابند، و [این روی برتابتن نشانه اين است که] آنان [به تورات هم] ايمان ندارند. (۴۳)

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاهَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّابِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ بِمَا اسْتُخْفَطُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشُو النَّاسَ وَاحْشُونَ وَلَا تَسْتَرُوا بِآيَاتِي ثُمَّنَا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۴۴)

بي تردید ما تورات را که در آن هدایت و نور است نازل کردیم. پیامبراني که [تا زمان عيسی] تسلیم تورات بودند بر اساس آن برای یهودیان داوری می کردند، و [نیز] دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] و عالمان یهود به سبب آنكه حفظ و حراست کتاب خدا از آنان خواسته شده بود و بر [درستی و راستی] آن گواه بودند به وسیله آن داوری می کردند. پس [ای دانشمندان یهود!] از مردم نترسید و از من بترسید، و آیاتم را به بهایی اندک مفروشید. و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم ايناند که کافرند. (۴۴)

وَكَيْنَى عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَاللِّذْنَ بِاللِّذْنِ وَاللِّسْنَ بِاللِّسْنِ وَالْجُرْوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَمَّمَ دَقَّ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴۵)

و ما در تورات بر بنی اسرائیل لازم و مقرر داشتیم که [در قانون قصاص] جان در برابر جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی به عوض بینی، و گوش به جای گوش، و دندان در برابر دندان، و زخم ها را قصاصی است. و هر که از آن قصاص گذشت کند، پس آن گذشت کفاره ای برای [خطاها و معاصی] اوست. و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم ايناند که ستمکارند. (۴۵)

ص: ۱۱۵

وَقَفَّيْنَا عَلَى آَشَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَيْدِقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاهِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَيْدِقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاهِ وَهُدًى وَمَوْعِظَهُ لِلْمُتَّقِينَ (۴۶)

و به دنبال پیامبران گذشته، عیسی بن مریم را درآوردهیم در حالی که تصدیق کننده تورات پیش از خود بود، و انجیل را که در آن هدایت و نور است به او عطا کردیم و آن هم تصدیق کننده تورات پیش از خود، و برای پرهیز کاران هدایت و موعظه بود. (۴۶)

وَلِيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٤٧)

و باید اهل انجیل بر طبق آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند، و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم اینانند که فاسق اند. (۴۷)

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَمِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعْلَنَا مِنْكُمْ شِرْءَةً وَمِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لَيَّبْلُوكُمْ فِي مَا آتَكُمْ فَاسِيَّتَقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيَبْيَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَحْتَلِفُونَ (٤٨)

و ما این کتاب [قرآن] را به درستی و راستی به سوی تو نازل کردیم در حالی که تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و نگهبان و گواه بر [حقانیت همه] آنان است؛ پس میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و [به هنگام داوری] سرپیچی از حقی که به سوی تو آمده از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم. و اگر خدا می خواست همه شما را امت واحدی قرار می داد، ولی می خواهد شما را در آنچه به شما داده امتحان کند؛ پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همه شما به سوی خدادست؛ پس شما را به آنچه همواره درباره آن اختلاف می کردید، آگاه می کند. (۴۸)

وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاجْعِلْرُهُمْ أَنَّ يَفْتَنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِعَضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (٤٩)

و میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن، و از آنان برحدار باش که مبادا تو را از بخشی از آنچه خدا به سویت نازل کرده است، منحرف کنند. پس اگر [از داوری حکیمانه ات] روی گردانند، بدان که خدا می خواهد آنان را به سبب پاره ای از گناهانشان مجازات کند؛ و مسلمًا بسیاری از مردم فاسق اند. (۴۹)

أَفَحُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (٥٠)

پس آیا [با وجود مشعل نبوت و آیات روشن قرآن در میانشان] داوری جاهلیت را می طلبند؟! و برای قومی که یقین دارند، چه کسی در داوری بهتر از خدا است؟ (۵۰)

ص: ۱۱۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَا تَنَحَّمُذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَّارَى أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ هُمْ أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ هُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱)

ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمرة آنان است؛ بی تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی کند. (۵۱)

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِّهِ بَيْنَا دَائِرَةً فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِي بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيَصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِيْمِينَ (٥٢)

کسانی که در دل هایشان بیماری [دورویی] است، می بینی که در دوستی با یهود و نصاری شتاب می ورزند و [بر پایه خیال باطلشان که مبادا اسلام و مسلمانان تکیه گاه استواری نباشد] می گویند: می ترسیم آسیب و گزند ناگواری به ما برسد [به این سبب باید برای دوستی به سوی یهود و نصاری بستایم]. امید است خدا از سوی خود پیروزی یا واقعیت دیگری [به نفع مسلمانان] پیش آرد تا این بیماردلان بر آنچه در دل هایشان پنهان می داشتند، پشیمان شوند. (٥٢)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهُؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حِيطَنْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (٥٣)

و کسانی که ایمان آورده اند [به مؤمنان دیگر] می گویند: آیا این بیماردلان آناند که به سخت ترین سوگند هایشان به خدا سوگند می خورند که با شما مؤمنانند؟! [ولی روشن شد که دروغ می گفتند. آنان یهود و نصاری را به سرپرستی و دوستی گرفتند و به این سبب] اعمالشان تباء و بی اثر شد، در نتیجه زیانکار شدند. (٥٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ فَسَيَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُجْهِمُهُمْ وَيُحْجُّوْنَهُ أَذْلِهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْزَهِ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَيِّلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْمٌ (٥٤)

ای اهل ایمان! هر کس از شما از دینش برگردد [زیانی به خدا نمی رساند] خدا به زودی گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (٥٤)

إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقْيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (٥٥)

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیستان] زکات می دهنند. (٥٥)

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (٥٦)

و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب] را به سرپرستی و دوستی پذیرند [حزب خدایند،] و یقیناً حزب خدا [در هر زمان و همه جا] پیروزند. (٥٦)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَّا تَنَحَّمُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوا وَلَعِيْا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارُ أُولَيَاءُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٥٧)

ای مؤمنان! کسانی که دین شما را مسخره و بازیچه گرفته اند، چه از اهل کتاب و چه از کافران، سرپرستان و دوستان خود

مگیرید؛ و اگر مؤمن هستید از خدا پروا کنید. (۵۷)

ص: ۱۱۷

و إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّالَاهِ أَتَخْدُوهَا هُزُوا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (۵۸)

و چون برای نماز ندا در می دهید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ این کار زشتان به سبب این است که آنان گروهی هستند که [در حقایق و معارف] اندیشه نمی کنند. (۵۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنِقِّمُونَ مِنَا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِ وَأَنَّ أَكْثَرَ كُمْ فَاسِقُونَ (۵۹)

بگو: ای اهل کتاب! آیا جز این را بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و آنچه از سوی او بر ما نازل شده و آنچه پیش از ما [بر پیامبران] فرود آمده ایمان آورده ایم؟! و این [عیب جویی شما به سبب این است] که بیشتر شما فاسق هستید. (۵۹)

قُلْ هَلْ أَبْئَكُمْ بِشَرًّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقَرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (۶۰)

بگو: آیا شما را از کسانی که کیفرشان [از مؤمنانی که به خیال خود از آنان عیب می گیرید و آنان را سزاوار عذاب می دانید] نزد خدا بدتر است، خبر دهم؟ [آنان] کسانی [از گذشتگان خود شما] هستند که خدا لعنتشان کرده، و بر آنان خشم گرفته، و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک درآورده، و [نیز آنان که] طاغوت را پرستیدند؛ اینانند که جایگاه و منزلتشان بدتر و از راه راست گمراه ترند. (۶۰)

و إِذَا بَجَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (۶۱)

و هنگامی که نزد شما آیند، گویند: ایمان آوردیم. در حالی که با کفر وارد می شوند، و با کفر بیرون می روند؛ و خدا به کفر و نفاقی که همواره پنهان می کنند، داناتر است. (۶۱)

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِلَهِمْ وَالْعُدُوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْنَ لَبِسْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۲)

و بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تجاوز [از حدود خدا] و حرام خوری خود می شتابند؛ همانا بد است اعمالی که همواره انجام می دادند. (۶۲)

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّاَتُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِلَهُمْ وَأَكْلِهِمُ السُّحْنَ لَبِسْ مَا كَانُوا يَصْسَعُونَ (۶۳)

چرا دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] و عالمان یهود، آنان را از گفتار گناه آلود و حرام خواری بازنمی دارند؟ بسیار زشت است سکوتی که همواره پیش می گرفتند. (۶۳)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلْتُ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوْطَاتٍ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيْزِيَّدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُعْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْفَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَادَوَهُ وَالْبُغْضَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهُ كُلَّمَا أُوقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسِّيَّعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (٦٤)

و یهود گفتند: دست [قدرت] خدا [نسبت به تصرف در امور آفرینش، تشریع قوانین و عطا کردن روزی] بسته است. دست هاشان بسته باد و به کیفر گفتار باطلشان بر آنان لعنت باد؛ بلکه هر دو دست خدا همواره گشوده و باز است [به هر چیز و به هر کس] هر گونه بخواهد، روزی می دهد. و مسلماً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می افزاید. و ما میان [یهود، نصاری و گروه های دیگر] آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم. هر زمان آتشی را برای جنگ [با اهل ایمان] افروختند خدا آن را خاموش کرد، و همواره در زمین برای فساد می کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد. (٦٤)

ص: ١١٨

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقُوا لَكَفَرُوا لَكَفَرُوا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخْلَنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (٦٥)

و اگر اهل کتاب [به آیین اسلام] ایمان می آوردن و پرهیز کاری می کردند، یقیناً گناهانشان را محو می کردیم، و آنان را در بهشت های پر نعمت در می آوردیم. (٦٥)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاهُ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِّنْ رَبِّهِمْ لَأَكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمَنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أَمَّهُ مُفْتَصِّدَهُ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (٦٦)

و اگر آنان تورات و انجیل [واقعی] و آنچه را که از سوی پروردگارشان به آنان نازل شده برپا می داشتند، بی تردید از برکات آسمان و زمین بهره مند می شدند. از آنان گروهی میانه رو و معتدل اند، و بسیاری از آنان بد است آنچه را انجام می دهند. (٦٦)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلْغُ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعِلْ فَمِا بَلَغَتِ رِسَالَتُهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُكَكِّ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَمَا يَبْهِدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٦٧)

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ولایت و رهبری علی بن أبي طالب امیرالمؤمنین (علیه السلام)] بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای. و خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم نگه می دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. (٦٧)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَشِئْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقْيِمُوا التَّوْرَاهُ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيَّدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُعْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (٦٨)

بگو: ای اهل کتاب! شما بر مسلک صحیح و درستی نیستید تا زمانی که تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارتان به

سوی شما نازل شده بر پا دارید، و بی تردید آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می افزاید، پس بر گروه کافران غمگین مباش. (۶۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَيَّادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصِيرَةِ ارَى مَنْ آمَنَ بِعَالَلِهِ وَالْيَوْمِ الْمَآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَمَا حَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَعْلَمُونَ
(۶۹)

یقیناً کسانی که [از روی ظاهر] به اسلام گرویده اند و یهودی ها و صابئان و نصاری [با متصف بودن به عنوان اسلام یا یهودیت یا صابئیت یا نصرانیت، اهل سعادت و نجات نیستند،] هر کدام [از این گروه ها در زمان هر پیامبری از روی یقین و اخلاق] به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته انجام داده باشد، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

(۶۹)

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَمْ تَهْوَى أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۷۰)

البته ما از بنی اسرائیل [بر اطاعت از خدا و پیروی از موسی] پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی ایشان فرستادیم؛ هر گاه پیامبری احکام و قوانینی که دلخواهشان نبود برای آنان می آورد، گروهی را تکذیب کرده و گروهی را می کشتند!! (۷۰)

ص: ۱۱۹

وَحَسِبُوا أَلَا تَكُونُ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۷۱)

و پنداشتند که عذاب و مجازاتی وجود ندارد؛ بنابراین [از دیدن واقعیات] کور و [از شنیدن حقایق و معارف] کر شدند، سپس [بعد از آگاهی و توبه کردن] خدا توبه آنان را پذیرفت. باز بسیاری از آنان کور و کر شدند! و خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۷۱)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارِ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۷۲)

آنان که گفتند: خدا همان مسیح، فرزند مریم است، بی تردید کافر شدند؛ و حال آنکه مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خدای یکتا را که پروردگار من و پروردگار شماست پرسنید، مسلمان هر کس به خدا شرک ورزد، بی تردید خدا بهشت را بر او حرام کند، و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران هیچ یاوری نیست. (۷۲)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّ لَمَّا يَتَهْوَى عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمْسَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عِذَابٌ أَلِيمٌ
(۷۳)

آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبدی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند بازنایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناک

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٧٤)

آیا به سوی خدا بازنمی گردند، و از او درخواست آمرزش نمی کنند؟ و حال آنکه خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۷۴)

مَا الْمُسَيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَ يَاْكَانِ الطَّعَامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى
يَرَفَعُونَ (٧٥)

مسیح، فرزند مریم جز فرستاده‌ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی گذشته‌اند. و مادرش زن بسیار راستگو و درست کاری] بود. هر دو [مانند انسان‌های دیگر] غذا می‌خوردند. با تأمل بنگر چگونه نشانه‌ها را برای آنان بیان می‌کنیم [تا بدانند متولد شدگان و نیازمندان به خوراک، خدا نیستند؟ سپس با تأمل بنگر که آنان چگونه [از حق به باطل] منحرف می‌شوند؟] (۷۵)

أَقْلِ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ صَرَّاً وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٧٦)

بگو: آیا به جای خدا چیزی را می پرستید که برای شما قدرت دفع هیچ زیان و جلب هیچ سودی را ندارد؟! و خداست که شنوا [ی همه گفتارها] و دانا [ی همه اسرار و رازها] است. (۷۶)

ص: ۱۲۰

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُو فِي دِينِكُمْ غَيْرُ الْحَقِّ وَلَا تَتَبَعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوْا مِنْ قَبْلٍ وَأَضْلَلُوْا كَثِيرًا وَضَلُّوْا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (٧٧)

بگو: ای اهل کتاب! به ناحق در دینستان غلو نکنید، و از امیال و هوس های گروهی که یقیناً پیش از این گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست دور شدند، پیروی مکنید. (۷۷)

لِعْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاؤُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمْ ذَلِكَ بِمَا عَصَوَا وَكَانُوا يَعْدِلُونَ (٧٨)

از بنی اسرائیل آنان که کافر شدند به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند. لعنت شدنشان برای این بود که [نسبت به فرمان
های خدا و انبیا] سرپیچی داشتند و همواره [از حدود الهی] تجاوز می کردند. (۷۸)

كَانُوا لَا يَتَّهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِسٌ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٧٩)

آنان یکدیگر را از کارهای زشتی که مرتکب می شدند بازنمی داشتند. مسلمًاً بد بود آنچه را انجام می دادند. (۷۹)

كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبَسْ مَا قَدَّمْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سُخْطَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَفِي العَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (٨٠)

بسیاری از آنان را می‌بینی که با کسانی که کفر ورزیدند، همواره دوستی می‌کنند. قطعاً بد است آنچه نفوس [طغیان گرشان

برای قیامت] آنان پیش فرستاده است؛ [و نتیجه آن این است] که خدا بر آنان خشم گرفت و در عذاب جاودانه اند. (۸۰)

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أُولَيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (۸۱)

اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می آوردن، [از برکت آن ایمان] کفار و مشرکان را سرپرست و دوست خود نمی گرفتند؛ ولی بسیاری از آنان فاسق اند. (۸۱)

جزء ۷

ادامه سوره المائدہ

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاؤَهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۸۲)

یقیناً سرسخت ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت. و البته نزدیک تربیشان را در دوستی با مؤمنان، کسانی می یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این واقعیت برای آن است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترس اند، و آنان [در پیروی از حق] تکبر نمی کنند. (۸۲)

ص: ۱۲۱

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيَ الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۸۳)

و چون آنچه را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند، دیدگانشان را می بینی به سبب آنچه از حق شناخته اند، لبریز از اشک می شود، می گویند: پروردگار! ایمان آوردهیم، پس ما را در زمرة گواهان [به حقانیت پیامبر و قرآن] بنویس. (۸۳)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطَمْعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (۸۴)

و بر پایه چه عذر و بهانه ای به خدا و آنچه از حق برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ و حال آنکه امید داریم که پروردگارمان ما را در زمرة شایستگان درآورد. (۸۴)

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَعْجِرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۸۵)

پس خدا به پاس این سخنان [و عقاید صادقانه] به آنان بهشت هایی پاداش داد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه اند؛ و این است پاداش نیکوکاران. (۸۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۸۶)

و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتش اند. (۸۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْنَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُ الْمُعْتَدِلِينَ (٨٧)

ای اهل ایمان! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده بر خود حرام نکنید، و [از حدود خدا] تجاوز ننمایید؛ یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد. (٨٧)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقْتُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (٨٨)

و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خدا روزی شما فرموده، بخورید؛ و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید. (٨٨)

لَمَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِكُمْ أَوْ كِشْوُنُهُمْ أَوْ تَخْرِيرِ رَقَبَهِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصَّةً يَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٨٩)

خدا شما را به خاطر سوگنهای لغو و بی هدفتان مجازات نمی کند، ولی به سبب [شکستن] سوگنهایی که به طور جدی و با قصد و اراده خورده اید، مؤاخذه می کند؛ پس کفاره [شکستن] این گونه سوگنهای، طعام دادن به ده نفر مسکین از غذاهای متوسطی است که به خانواده خود می خورانید، یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، یا آزاد کردن یک برده. و کسی که هیچ یک [از این کفارات سه گانه] را نیابد کفاره اش سه روز روزه است. این است کفاره سوگنهایتان زمانی که سوگند خوردید و آن را شکستید]. لازم است سوگنهای خود را حفظ کنید. این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند تا سپاس گزارید.

(٨٩)

ص: ١٢٢

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَرْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَبَيْوْهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٩٠)

ای اهل ایمان! جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که [برای پرستش] نصب شده و پاره چوب هایی که به آن تفأله زده می شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. (٩٠)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاؤُ وَالْبُغْضَاءِ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهُنْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (٩١)

مسلمان شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد، و از یاد خدا و نماز بازان دارد؛ آیا شما [از این امور با همه زیان ها و خطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟ (٩١)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا إِنَّمَا تَوَلَّتُمْ فَأَغْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٩٢)

و از خدا اطاعت کنید و از پیامبر فمان برید، و [از مخالفت با خدا و پیامبر] پرهیزید، پس اگر روی گردانید [سزاوار کیفر می شوید]، و بدانید که بر عهده پیامبر ما فقط رساندن آشکار [پیام وحی] است. (٩٢)

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيهَا طَعْمٌ وَإِذَا مَا أتَقْوَا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ أتَقْوَا وَآمَنُوا ثُمَّ أتَقْوَا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۹۳)

بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند نسبت به آنچه [پیش از حکم تحریم، از مسکرات و منافع قمار و سایر محرمات] خورده اند، گناهی نیست، هرگاه پرهیزند و ایمان [واقعی] آورند و [حالصانه] کارهای شایسته انجام دهن؛ سپس پرهیز کاری را تداوم بخشنده ایمان خود را ادامه دهن، و بر پرهیز کاری پافشاری ورزند و کار نیک بجا آورند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۹۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَئِلُونَكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ إِنَّ اللَّهَ أَيْدِيْكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخْافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹۴)

ای اهل ایمان! بی تردید خدا شما را به چیزی از شکار [حیوانات در حالی که محرم هستید] آزمایش می کند، چه شکاری که [به آسانی و بدون اسلحه] دست شما به آن برسد، و [چه شکاری که به سبب وحشی بودنش] نیزه های شما [آن را صید می کند؛] تا خدا کسی را که در نهان از او می ترسد، معلوم و مشخص نماید. و هر که پس از این [امتحان از حدود خدا] تجاوز کند [و در حال احرام به شکار برخیزد] برای او عذابی دردناک است. (۹۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَن قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ مُتَّلٍّ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ دَوْلَةُ عِدْلٍ مِنْكُمْ هِيدْيَا بالغ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَارَةً طَعَامٌ مَسَاكِينَ أَوْ عِدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيُنْدُوقَ وَبَالْأَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَتَقَمَّ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتقامٍ (۹۵)

ای اهل ایمان! در حالی که در احرام [حج یا عمره] هستید، شکار را نکشید. و هر کس از شما عمدآ آن را بکشد، کفاره ای همانند آن از جنس چهارپایان [اهلی] بر عهده اوست؛ که [همانند بودن آن را] دو عادل از خودتان گواهی دهن، و به عنوان قربانی به [حریم] کعبه رسد، یا به کفاره [آن شکار کشته شده معادل قیمت قربانی] به مستمندان طعام دهد، یا برابر تعداد مستمندی که طعام می دهد روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خدا از [گناه] کشتن شکارهایی که پیش از این حکم انجام گرفته، در گذشت. و هر که [پس از کفاره دادن] به شکار کردن بازگردد، خدا از او انتقام می گیرد؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۹۵)

ص: ۱۲۳

أَحِلَّ لَكُمْ صِيدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَارَةِ وَحُرْمَ عَلَيْكُمْ صِيدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْسَرُونَ (۹۶)

برای بهره مند شدن شما و کاروانیان، شکار کردن از دریا و خوراکی آن [در حال احرام] بر شما حلال شد. و شکار صحراء و بیابان تا زمانی که محرم هستید، بر شما حرام است. و از خدایی که به سوی او گردآوری می شوید، پروا کنید. (۹۶)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرُ الْحَرَامُ وَالْهَجَدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيهِ (۹۷)

خدا، [زیارت] کعبه، آن خانه با حرمت، و ماه های حرام، و قربانی های بی نشان، و قربانی های نشان دار را وسیله قوام و برپایی [زنگی، معیشت و سامان دنیا و آخرت] مردم قرار داد. این [شرایع و احکام] برای آن است که بدانید: یقیناً خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند؛ و قطعاً خدا به همه چیز داناست. (۹۷)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۸)

بدانید مسلمًا خدا [نسبت به نافرمانی بندگان] سخت کیفر، و [نسبت به طاعت آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۸)

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدِونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۹۹)

بر عهد پیامبر جز رساندن [بیام خدا] نیست. و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارد، می داند. (۹۹)

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَيْثُ وَالظَّئِيبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَهُ الْخَيْثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولَى الْأُلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰۰)

بگو: ناپاک و پاک [مانند کافر و مؤمن، معصیت و طاعت، حرام و حلال، و معیوب و سالم] یکسان نیستند؛ هر چند فراوانی ناپاک ها تو را به شگفت آورد. پس ای صاحبان خرد! از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (۱۰۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءِ إِنْ تُبْدِ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدِ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۰۱)

ای اهل ایمان! از احکام و معارفی [که شریعت اسلام از بیان آنها خودداری می کند و خدا هم به خاطر آسان گرفتن بر بندگان نهی و امری نسبت به آنها ندارد] مپرسید؛ که اگر برای شما آشکار شود، غمگینتان کند. و اگر هنگامی که قرآن نازل می شود از آنها بپرسید، برای شما روشن می شود. خدا از [اینکه شما را به] آن احکام و معارف [که باعث غم و اندوه شماست مُکْلَفٌ کند] گذشت کرد؛ و خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. (۱۰۱)

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (۱۰۲)

گروهی از پیشینیان شما از آن احکام و معارف پرسیدند، [چون برای آنان روشن شد، از اجرایش روی گردانند] سپس به آن کافر شدند. (۱۰۲)

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَهِ وَلَا سَائِبَهِ وَلَا وَصِيلَهِ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۳)

خدا هیچ حیوانی را به عنوان بحیره [ماده شتری که پنجمین حمل مادر خود باشد] و سائبه [شتری که ده ماده زاییده] و وصیله [گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر است] و حام [شتر نری که ده شتر از او پدید آمده]، مقدس و ممنوع از تصرف قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیده اند [این امور را] بر خدا دروغ می بنند و بیشترشان اندیشه نمی کنند. (۱۰۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَحِدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۰۴)

و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید، گویند: روش و آینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته باشند [باز هم این تقليد جاهلانه و ناروا را بر خود می پسندند؟!] (۱۰۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيَبْيَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

ای اهل ایمان! مراقب [ایمان و ارزش های معنوی] خود باشید؛ اگر شما هدایت یافتید، گمراهی کسی که گمراه شده به شما زیانی نمی رساند. باز گشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد. (۱۰۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ يَئِنْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمُؤْمُنُ حِينَ الْوَصِيَّهُ أُشَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصِيهِ بِأَبْتِكُمْ مُصِيهِ الْمُؤْمُنِ تَحْبِسُونَهُمْ إِمَّا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاهِ فَيَقُولُ مَنِ بِاللَّهِ إِنِّي ارْتَبَطْتُمْ لَأَنَّ نَشْرَتِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمْنَ الْأَثِيمِنَ (۱۰۶)

ای اهل ایمان! هنگامی که یکی از شما را [آثارِ] مرگ فرا می رسد، باید در حال وصیت، دو عادل از هم کیشان خود را بر وصیت شاهد بگیرید؛ یا اگر در سفر بودید و مرگ شما فرا رسید [و شاهدی از مؤمنان نیافتد] دو نفر از غیر هم کیشان خود را شاهد وصیت بگیرید. و اگر [شما وارثان در صداقت و راستی آن دو شاهد غیر مسلمان] شک کردید، هر دو را بعد از نماز حبس کنید، پس به خدا سوگند یاد می کنند که ما این شهادت را به هیچ قیمتی نمی فروشیم هر چند [مورد شهادت] خویشاوندان ما باشد، و شهادت الهی را [که در حقیقت شهادت بر وصیت است] پنهان نمی کنیم، که اگر پنهان کنیم از گناهکاران خواهیم بود. (۱۰۶)

فَإِنْ عِثْرَ عَلَى أَنَّهُمْ مَا اسْتَحْقَاقًا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومُونَ مَقَامَهُمْ إِنَّ الَّذِينَ اسْتَحْقَقُ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيَقُولُ مَنِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدْيَنَا إِنَّا إِذَا لَمْنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷)

پس اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو شاهد [با شهادت ناحق خود] مرتکب گناه شده اند، دو شاهد دیگر از کسانی که به میت نزدیک تر [واز کم و بیش وصیت آگاه تر] ند به جای آن دو شاهد [خائن] می ایستند، و به خدا سوگند می خورند که شهادتمان از شهادت آن دو نفر درست تر و به حق نزدیک تر است، و [در شهادتی که بر خلاف شهادت آنان می دهیم] بنای تجاوز از حق را نداریم، [که اگر داشته باشیم] قطعاً از ستمکاران خواهیم بود. (۱۰۷)

ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَهِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانُ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَآتُمُّهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۱۰۸)

این [حکم به ترتیبی که خدا برای شما مقرر کرده] برای اینکه شاهدان شهادت را به صورتی درست و صحیح ادا کنند یا بترسند، [از اینکه مشتشان باز شود و سوگندشان مورد توجه قرار نگیرد] و حق سوگندشان به دیگران برگردانده شود، به حقیقت نزدیک تر است. و از خدا پروا کنید و [فرمان هایش را] بشنوید؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. (۱۰۸)

ص: ۱۲۵

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أَجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ (۱۰۹)

[از] روزی [پروا کنید] که خدا پیامبران را جمع می کند، و [به آنان] می فرماید: [در برابر دعوتان به اجرای دستورهای خدا] چه پاسخی به شما داده شد؟ گویند: ما را [در برابر دانش تو] هیچ دانشی نیست؛ یقیناً تویی که به نهان ها بسیار دانایی. (۱۰۹)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَأْمُرُ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيَّكَ وَعَلَى وَالْتَّدِيكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدْسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلَمَا وَإِذْ عَلَمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْتُّورَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَحْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهْيَهُ الطَّيْرُ بِإِذْنِي فَتَسْفِحُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبَرِّئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَّتْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جَهَّتُهُمْ بِالْبَيْنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱۰)

[یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی بن مریم! نعمتم را بر خود و بر مادرت یاد کن، آن گاه که تو را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدم، که با مردم در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] سخن گفتی، و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم، و هنگامی که به اذن من از گل، مجسمه ای به شکل پرنده می ساختی، پس در آن می دمیدی و به فرمان من پرنده ای زنده می شد، و کور مادر زاد و شخص پیس را به اذن من شفا می دادی، و زمانی که مردگان را به اجازه من [زنده از گور] بیرون می آوردم، و آن گاه که [شر و آسیب] بنی اسرائیل را هنگامی که برای آنان دلایل روشن آوردی از تو بازداشتیم، پس کسانی که از آنان کافر شدند، گفتند: این [دلایل و معجزات] جز افسونی آشکار نیست. (۱۱۰)

وَإِذْ أُوحِيَتِ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ (۱۱۱)

و [یاد کنید] هنگامی که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده من ایمان آورید. گفتند: ایمان آوردیم و شاهد باش که ما [در برابر خدا، فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۱۱۱)

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۱۲)

[و یاد کنید] زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند برای ما سفره ای که غذا در آن باشد از آسمان نازل کند؟! گفت: اگر ایمان دارید، از خدا پروا کنید. (۱۱۲)

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ تَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳)

گفتند: می خواهیم از آن بخوریم و دل های ما آرامش یابد، و بدانیم که تو [در ادعای نبوت] به ما راست گفته ای، و ما بر آن از گواهان باشیم. (۱۱۳)

ص: ۱۲۶

قالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزَلْتَ عَلَيْنَا مَا إِنَّا دُعَاهُ مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لَأَوْلَانَا وَآخِرَنَا وَآيَةً مُنَكَّ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱۴)

عیسی بن مریم گفت: خدایا! ای پروردگار ما! برای ما از آسمان سفره ای پر از غذا نازل کن تا عیدی باشد برای اهل زمان ما و نسل آینده ما، و نشانه ای از سوی تو؛ و ما را روزی بخش که تو بهترین روزی دهنده‌گانی. (۱۱۴)

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنْتَلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكُفُرُ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أَعْذُبُهُ عَذَابًا لَا أَعْذُبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (۱۱۵)

خدا فرمود: من مسلمًا آن را بر شما نازل می‌کنم، پس اگر کسی از شما بعد از آن کافر شود [و به انکار نبوت عیسی و معجزه اش برخیزد] بی تردید او را عذابی خواهم کرد که هیچ یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکنم. (۱۱۵)

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّحَذُّنُونِي وَأَمَّى إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلُمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ (۱۱۶)

و [عرضه هول انگیز قیامت را یاد کنید] هنگامی که خدا به عیسی بن مریم می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را به عنوان دو معبد به جای خدا انتخاب کنید؟! می‌گوید: متنه و پاکی، مرا چنین قدرتی نمی‌باشد که آنچه را حق من نیست بگوییم، اگر آن را گفته باشم یقیناً تو آن را می‌دانی، تو از آنچه در جان و روح من است آگاهی، و من از آنچه در ذات توست نمی‌دانم؛ زیرا تو بر نهان ها بسیار دانایی. (۱۱۶)

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمْرَتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتِنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَئِءٍ شَهِيدٌ (۱۱۷)

من به آنان جز آنچه را که به من دستور دادی نگفتم، [گفتم]: خدایی را پرسید که پروردگار من و شمامت. و تا زمانی که در میان آنان بودم گواهشان بودم، و چون مرا [از میان آنان به سوی خود] برگرفتی، خود مراقب و نگاهبانشان بودی؛ و تو بر همه چیز گواهی. (۱۱۷)

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۱۸)

اگر آنان را [به سبب شرک ورزیدنشان] عذاب کنی، بندگان تواند، و اگر آنان را بیامرزی، یقیناً تویی که توانای شکست ناپذیر و حکیمی. (۱۱۸)

قالَ اللَّهُ هَيْذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۹)

خدا فرمود: این روزی است که راستان را راستی و صدقشان سود دهد. برای آنان بهشت هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، همیشه در آن جاودانه اند، خدا از آنان خشنود و آنان هم از خدا خشنودند؛ این است رستگاری بزرگ.

(۱۱۹)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۲۰)

مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست، فقط در سیطره خدادست، و او بر هر کاری تواناست. (۱۲۰)

ص: ۱۲۷

سورة الأنعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلْمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱)

همه ستایش ها ویژه خدادست که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را پدید آورد. [با این همه نشانه ها که گواهی بر یکتایی و قدرت اوست] باز کافران برای پروردگارشان [بیت ها و معبد های باطل را] شریک و همتا قرار می دهند.

(۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمَّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (۲)

اوست که شما را از گلی مخصوص آفرید، سپس برای عمر شما مدتی مقرر کرد، و اجل حتمی و ثابت نزد اوست، [شگفتا! که] باز شما [با این همه دلایل آشکار در یکتایی و رویت و خالقیت او] شک می کنید. (۲)

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (۳)

و او در آسمان ها و در زمین، خدادست که نهان و آشکار شما را می داند، و نیز به آنچه [از خیر و شر] به دست می آورید، آگاه است. (۳)

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَاتٍ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴)

و هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنان نیامد مگر آنکه از آن روی گردانیدند. (۴)

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَبَاءُهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۵)

آنان حق را هنگامی که به سویشان آمد تکذیب کردند، پس [ظهور و تحقق] خبرهای آنچه را همواره به آن استهزا می

کردند، به آنان خواهد رسید. (۵)

أَلَمْ يَرُوا كَمْ أَهْلَكَنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَوْنٍ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مَدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكَنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۶)

آیا ندانسته اند که پیش از ایشان چه بسیار از ملت ها و اقوام را هلاک کردیم؟ که به آنان در پنهانه زمین، نعمت ها و امکاناتی دادیم که به شما ندادیم، و بر آنان باران های پی در پی و پر ریزش فرستادیم و نهرهایی از زیر پای آنان جاری ساختیم [ولی ناسپاسی کردند]؛ پس آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم، و بعد از آنان اقوامی دیگر را پدید آوردیم. (۶)

وَلَوْ تَرَنَّا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمْسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

و اگر ما نوشته ای روی صحفه ای بر تو نازل کنیم که آنان آن را با دست خود لمس کنند، باز کفر پیشگان می گویند: این جز جادویی آشکار نیست!! (۷)

وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنَظَّرُونَ (۸)

و گفتند: چرا فرشته ای [که در معرض دید ما قرار گیرد] بر او نازل نشده است؟ اگر فرشته ای نازل کنیم، کار هلاکت [این بهانه جویان] تمام می شود و لحظه ای مهلت نیابند. (۸)

ص: ۱۲۸

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَّبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ (۹)

[این مغالطه گران لجوچ می گویند: چرا پیامبر از جنس فرشتگان نیست؟] اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، یقیناً وی را به شکل مردی در می آوردم، و قطعاً حقیقت را همانطور که آنان بر دیگران مُشتبه می کنند [به سزای لجاجشان] بر خود آنان مُشتبه می ساختیم، [تا بر فرض پیامبر قرار دادن فرشته، باز بگویند: چرا پیامبری از جنس بشر برای ما قرار داده است؟] (۹)

وَلَقَدِ اسْتَهْزَئَ بِرُسْلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰)

مسلمان پیامبران پیش از تو هم مسخره شدند؛ پس بر کسانی که پیامبران را مسخره می کردند، عذاب و کیفری که همواره به استهزا می گرفتند نازل شد و آنان را فرا گرفت. (۱۰)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۱۱)

بگو: در زمین بگردید، سپس با تأمل بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟ (۱۱)

قُلْ لَمَنْ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْعَلَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنفُسَهُمْ

بگو: مالکیت و فرمانروایی آنچه در آسمان ها و زمین است در سیطره کیست؟ بگو: در سیطره خداست که رحمت را بر خود لازم و مقرر کرده؛ یقیناً همه شما را در روز قیامت که تردیدی در آن نیست جمع خواهد کرد. فقط کسانی که سرمایه وجودشان را تباہ کرده اند، ایمان نمی آورند. (۱۲)

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي الَّلَّاْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳)

و همه موجوداتی که در [عرصه] شب و روز آرام دارند، در سیطره مالکیت خدا هستند؛ و او شنا و داناست. (۱۴)

قُلْ أَغَيْرُ اللَّهِ أَتَحْمَدُ وَلَيَا فَاطِرُ السَّمَاءِ أَوَاٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَشْلَمَ وَلَمَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْرِكِينَ (۱۴)

بگو: آیا جز خدا را که آفریننده آسمان ها و زمین است، سرپرست و یاور خود گیرم؟ و اوست که روزی می دهد و خود بی نیاز از روزی است. بگو: من مأمور نخستین کسی باشم که فرمان خدا را گردن نهاد، و فرمان یافته ام که هرگز از مشرکان مباش. (۱۴)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

بگو: مسلماً اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم (۱۵)

مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِنْدِ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفُوزُ الْمُبِينُ (۱۶)

هر کس در آن روز، عذاب از او برگردانده شود، قطعاً خدا به او رحم کرده، و آن است کامیابی آشکار. (۱۶)

وَإِنْ يَمْسِسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسِسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

و اگر خدا تو را آسیب و گزندی رساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست، و اگر تو را خیری رساند [حفظ و دوامش فقط به دست اوست]؛ پس او بر هر کاری تواناست. (۱۷)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَيْرُ (۱۸)

اوست که بر بندگانش چیره و غالب است، و او حکیم و آگاه است. (۱۸)

قُلْ أَئُ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ يَبْيَنِي وَيَبْيَنُكُمْ وَأُوْحَى إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهُدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلَّهِ أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بِرِيءٍ مِمَّا تُشْرِكُونَ (۱۹)

[به کافران و مشرکان که برای حق بودن نبوت گواه می طلبند] بگو: گواهی چه کسی از همه گواهان بزرگ تر است [تا او را بر حقایقت نبوت برای شما گواه آورم؟]؟ بگو: خدا میان من و شما گواه است [که گواهی اش بزرگ ترین ومطمئن ترین و صحیح ترین گواهی هاست]، و این قرآن [که گواهی خدا بر حقایقت نبوت من است] به من وحی شده تا به وسیله آن شما وهر کس را که این قرآن به او می رسد بیم دهم. آیا شما [با دلیل استوار و محکم] گواهی می دهید که با خدا معبدهای دیگری به عنوان شریک هست؟ بگو: [چون دلیلی وجود ندارد] من گواهی نمی دهم. بگو: فقط معبد یگانه و یکتا اوست، و من از معبدهای باطلی که شریک او قرار می دهید، بیزارم. (۱۹)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

کسانی که به آنان کتاب آسمانی دادیم، همان گونه که پسرانشان را می شناسند [بر اساس او صافی که در کتاب هایشان بیان شده] پیامبر را می شناسند؛ فقط کسانی که سرمایه وجودشان را تباہ کردند، ایمان نمی آورند. (۲۰)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱)

ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا آیات او را تکذیب کرده، کیست؟ یقیناً ستمکاران، رستگار نخواهند بود. (۲۱)

وَيَوْمَ تَحْسُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ تَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرْعُمُونَ (۲۲)

و [یاد کنید] روزی که همه آنان را [در عرصه قیامت] جمع می کنیم، سپس به کسانی که شرک ورزیده اند، می گوییم: شریکانتان که آنان را شریک خدا می پنداشتید، کجا یند [تا شما را از عذاب امروز نجات دهند؟] (۲۲)

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبُّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۲۳)

پس [آن روز] بهانه و عذرشان [برای رهایی از عذاب] فقط این است که نخواهند گفت: به خدا پروردگارمان سوگند، که ما مشرک نبودیم !! (۲۳)

انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)

با تأمل بنگر که چگونه بر خود دروغ می بندند؛ و آنچه را به دروغ شریک خدا می دانستند از دستشان رفت و گم شد. (۲۴)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْيَكَ وَجَعَلَنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكْنَهَهُ أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵)

گروهی از آنان به سخنات گوش می دهند، و ما [به کیفر لجاجت و کفرشان] بر دل هایشان پوشش هایی قرار دادیم که آن را نفهمند، و در گوش هایشان سنجینی نهادیم [تا نشنوند]. و اگر همه نشانه های حق را بیینند باز هم به آن ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به محضرت می آیند با تو مجادله وستیزه می کنند، کافران [از روی لجاجت و عناد] می گویند: این [قرآن] جز

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأُونَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفَسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

و آنان دیگران را [از توجه به قرآن] بازمی دارند و خود نیز از آن دور می شوند، اینان جز خود را به هلاکت نمی اندازند، و [این خطر را] در ک نمی کنند. (۲۶)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِّفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذَّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۷)

اگر هنگامی که آنان را بر آتش [دوخت] نگه داشته اند بینی [حالی ذلت بار و وضعی هول انگیز می بینی] می گویند: ای کاش به دنیا باز گردانده می شدیم، و در آنجا آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم، و از مؤمنان می شدیم. (۲۷)

ص: ۱۳۰

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفِونَ مِنْ قَبْلٍ وَلَوْ رُدُوا لَعَادُوا لِمَا نَهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۲۸)

[ولی آرزوی آنان از روی صدق و راستی نیست] بلکه آنچه [از حقائیق توحید و نبوت و معاد] پیش از این پنهان می داشتند برای آنان آشکار شده [که این گونه آرزو می کنند]، و اگر به دنیا باز گردانده شوند، یقیناً به کفر و شرکی که از آن نهی شده اند بازمی گردند؛ و مسلماً آنان دروغگویند. (۲۸)

وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَا تُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَيْعُوشِينَ (۲۹)

و [زمانی که در دنیا بودند] گفتند: جز این زندگی دنیای ما زندگی دیگری نیست و [پس از مرگ] برانگیخته نخواهیم شد. (۲۹)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِّفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۰)

و اگر بینی هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شوند [وضعی شگفت انگیز می بینی]، خدا می فرماید: آیا این [برانگیخته شدن و زنده گشتن پس از مرگ] حق نیست؟ می گویند: سوگند به پروردگارمان حق است. [خدا] می فرماید: پس به کیفر آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید. (۳۰)

قَدْ حَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءَ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا حَيَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَعْثَةٌ قَالُوا يَا حَسِرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۳۱)

کسانی که دیدار [پاداش و مقام قرب] خدا را تکذیب کردند، یقیناً دچار زیان شدند. تا هنگامی که قیامت به طور ناگهان و غافل گیرانه به آنان رسد، می گویند: ای بر ما دریغ و افسوس که نسبت به تکالیف و وظایف شرعی خود کوتاهی کردیم. و آنان بار سنگین گناهانشان را بر دوش می کشند؛ آگاه باشید! بد باری است که بر دوش خواهند کشید. (۳۱)

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعْبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

و زندگی دنیا [بدون ایمان و عمل صالح] بازی و سرگرمی است، و یقیناً سرای آخرت برای آنان که همواره پرهیزکاری می کنند، بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (۳۲)

قَدْ نَعْلَمْ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۳۳)

آنچه را کافران و مشرکان [بر ضد قرآن و تو] می گویند می دانیم که تو را غمگین می کند. پس آنان تو را تکذیب نمی کنند، بلکه ستمکاران آیات خدا را تکذیب می نمایند. (۳۳)

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرٌ وَلَا مُبْدِلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ بَيْنِ الْمُرْسَلِينَ (۳۴)

مسلمان پیش از تو رسولانی تکذیب شدند [و مورد آزار قرار گرفتند] و بر تکذیب و آزاری که دیدند، شکیبایی ورزیدند تا یاری ما به آنان رسید، [تو نیز شکیبایی کن تا یاری ما به تو برسد. این سنت خداست،] و سنت های خدا را تغییر دهنده ای نیست. و قطعاً بخشی از سرگذشت پیامبران [در آیاتی که پیش از این نازل شده] به تو رسیده است. (۳۴)

وَإِنَّ كَانَ كَبَرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضٌ هُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِي نَفَقاً فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيهِمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَىٰ الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر روی گرداندن آنان [از قرآن و نبوت] بر تو سنگین و دشوار است، اگر بتوانی نقی در زمین، یا نرdbانی برای راه یافتن در آسمان بجویی تا [از عمق زمین و پنهان آسمان] معجزه ای دیگر [غیر قرآن] برای آنان بیاوری [این کار را انجام ده ولی آنها ایمان نمی آورند]؛ و اگر خدا می خواست همه آنان را [به جبر و زور] به راه هدایت گرد می آورد؛ [ولی هدایت اجباری فاقد ارزش است] پس هرگز [نسبت به روحیات و اوصاف کافران لجوج که خواستار هدایت نیستند] از بی خبران مباشد. (۳۵)

ص: ۱۳۱

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمُؤْمِنَى يَئْتَعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳۶)

فقط کسانی [دعوت را] پاسخ می دهند که [سخنانت را با دقّت، تدبّر، اندیشه و تفکّر] می شونند، [بشرکان و کافران لجوج، مردگانند] و خدا مردگان را [در قیامت] برمی انگیزد، آنگه [برای حسابرسی] به سوی او بازگردانده می شوند. (۳۶)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۷)

و [مرده دلان] گفتند: چرا معجزه ای از سوی پروردگارش [همانند معجزات پیامبران گذشته] بر او نازل نمی شود؟ بگو: یقیناً خدا قادر دارد که معجزه ای [نظیر آنچه آنان درخواست دارند] نازل کند، ولی [این گونه درخواست های نابجا به سبب این

است که] بیشترشان [شرایط و موقعیت ها را] نمی دانند. (۳۷)

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٌ يَطِيرُ بِجَنَاحِيهِ إِلَّا أُمُّمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (۳۸)

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست، و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، مگر آنکه گروه هایی مانند شما یند؛ ما چیزی را در کتاب [تکوین از نظر ثبت جریانات هستی و برنامه های آفرینش] فروگذار نکرده ایم، سپس همگی به سوی پروردگارشان گردآوری می شوند. (۳۸)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمْ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَسِّئِ اللَّهَ يُضْلِلُهُ وَمَنْ يَسْأَلْ يَجْعَلُهُ عَلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (۳۹)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لال هایی فرو رفته در تاریکی های جهل و گمراهی اند؛ خدا هر که را بخواهد [به کیفر تکذیب آیاتش] گمراه می کند، و هر که را بخواهد [به پاداش تصدیق آیاتش] بر راه راست قرار می دهد. (۳۹)

قُلْ أَرَأَيْتُكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتُكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرُ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۰)

بگو: اگر راستگویید به من خبر دهید چنانچه عذاب خدا بر شما درآید یا قیامت به شما رسد، آیا کسی را جز خدا [برای یاری خویش] می خوانید؟ (۴۰)

بَلْ إِيَاهُ تَدْعُونَ فَيَكْسِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسُونَ مَا تُشْرِكُونَ (۴۱)

[قطعاً چنین نیست] بلکه فقط خدا را می خوانید، و او هم اگر بخواهد آسیب و گزندی که به سبب آن او را خوانده اید برطرف می کند، و [آن زمان است که] بت هایی که برای او شریک قرار می دهید، فراموش می کنید. (۴۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَيْ أُمُّمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبُلْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲)

و بی تردید ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم؛ پس آنان را [هنگامی که با پیامبران به مخالفت و دشمنی برخاستند] به تهیdestی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [در پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند. (۴۲)

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَانَ تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسْطٌ قُلُوبُهُمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۴۳)

پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید، فروتنی و زاری نکردند؟ بلکه دل هایشان سخت شد و شیطان، اعمال ناپسندی که همواره مرتکب می شدند در نظرشان آراست. (۴۳)

فَلَمَّا آتَسْوَا مَا ذُكْرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُنْبَلِسُونَ (۴۴)

پس چون حقایقی را که [برای عترت گرفتنشان] به آن یادآوری شده بودند، فراموش کردند، درهای همه نعمت ها را به روی آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شدند، مغوروانه خوشحال گشتند، به ناگاه آنان را [به عذاب] گرفتیم، پس یکباره

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۵)

در نتیجه ریشه کسانی که [به آیات ما و به مردم] ستم ورزیدند، بریده شد؛ و همه ستایش‌ها ویژه خدا مالک و مربی جهانیان است. (۴۵)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخْمَدَ اللَّهُ سَيِّمَكُمْ وَأَبْصِرَهُ ارْكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِي كُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نُصِيرُ فُلَانِيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (۴۶)

[به آنان که برای خدا به خیال باطلشان شریکانی قرار داده اند] بگو: به من خبر دهید اگر خدا گوش‌ها و چشم‌هایتان را بگیرد، و بر دل هایتان مهر [تیره بختی] نهد، کدام معبدی جز خدادست که آنها را به شما دهد؟! با تأمل بنگر چگونه آیات خود را به صورت‌های گوناگون [برای هدایت اینان] بیان می‌کنیم، سپس آنان روی می‌گردانند. (۴۶)

قُلْ أَرَأَيْتُكُمْ إِنْ أَتَأْكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهُ أَوْ جَهَنَّمَ هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (۴۷)

بگو: به من خبر دهید اگر عذاب خدا ناگهان [مانند صاعقه و صیحه آسمانی] یا آشکار [مانند بیماری‌های مهلک] به سوی شما آید، آیا جز گروه ستمکار هلاک می‌شوند؟ (۴۷)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُنْ يَحْرَنُونَ (۴۸)

و پیامبران را جز مژده دهنده و بیم رسان نمی‌فرستیم؛ پس کسانی که ایمان بیاورند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند نه بیمی بر آنان است و نه اندوه‌گین می‌شوند. (۴۸)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمْسُهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۴۹)

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند، به سزای نافرمانی‌هایشان عذاب به آنان خواهد رسید. (۴۹)

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَرَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنْ أَتَّبَعَ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسِيَّرُونِي الْمَأْعَمِيَّ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۵۰)

بگو: من به شما نمی‌گویم که خزینه‌ها و گنجینه‌های خدا نزد من است، و نیز غیب هم نمی‌دانم، و نمی‌گویم که فرشته‌ام؛ فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می‌کنم. بگو: آیا [اعراض کننده از وحی که] نایینا [ست] و [پیرو وحی که] بینا [ست] یکسانند؟! پس چرا نمی‌اندیشید؟! (۵۰)

وَأَنِدْرُ بِهِ الَّذِينَ يَخْافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۵۱)

و به وسیله این قرآن کسانی را که از محشور شدن به سوی پروردگارشان می ترسند، هشدار ده که آنان را [در آن روز هول انگیز] جز خدا سرپرست و شفیعی نخواهد بود؛ باشد که بپرهیزند. (۵۱)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاءِ وَالْعَشِيٍّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَنِيهِكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدُهُمْ فَتَكُونُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۵۲)

و آنان که بامدادان و شامگاهان پروردگارشان را می خوانند [و با این خواندن] خشنودی او را می خواهند، از خود مران. نه چیزی از حساب [عمل] آنان بر عهده توست، و نه چیزی از حساب [کار] تو بر عهده آنان است تا آنان را برانی و [به سبب راندنشان] از ستمکاران باشی. (۵۲)

ص: ۱۳۳

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِيَغْضِبِ لَيْقُولُوا أَهُؤُلَاءِ مَنَ الَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ يَئِنَّا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ (۵۳)

و ما این گونه توانگران را به مؤمنان تهیدستی که در کنار تو هستند آزمودیم، تا [توانگران با تعجب و استهزار] بگویند: آیا اینانند که خدا از میان ما بر آنان منت نهاده [و نعمت ایمان و عمل صالح داده و بر ما برتری بخشیده؟!] آیا خدا به سپاس گزاران داناتر نیست؟ (۵۳)

وَإِذَا حَمَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سِلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مِنْ عَمَّلٍ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵۴)

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان می آورند به نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود لازم و مقرر کرده؛ بنابراین هر کس از شما به نادانی کار زشتی مرتکب شود، سپس بعد از آن توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید [مشمول آمرزش و رحمت خدا شود]؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۴)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَيِّلُ الْمُجْرِمِينَ (۵۵)

و این گونه آیات را بیان می کنیم تا [حق روشن شود و] راه و رسم گناهکاران آشکار گردد. (۵۵)

قُلْ إِنِّي نَهِيٌّ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَبْعُ أَهْوَاءَ كُمْ قَدْ ضَلَّتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهَتَّدِينَ (۵۶)

بگو: من از پرستیدن کسانی که شما به جای خدا می پرستید نهی شده ام. بگو: من از هوای نفسانی شما پیروی نمی کنم، که در آن صورت گمراه شده ام و از راه یافتنگان نخواهم بود. (۵۶)

قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَبْتُمْ بِهِ مَا عِنِّدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِّي الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يُقْصُصُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (۵۷)

بگو: من بر دلیل روشی [مانند قرآن] از سوی پروردگارم هستم و حال آنکه شما آن را تکذیب کردید، عذابی که به آن شتاب دارید در اختیار من نیست. فرمان و حکم فقط به دست خداست، همواره حق را بیان می کنم و او بهترین داوران و جداکنندگان [حق از باطل] است. (۵۷)

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضَى الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ (۵۸)

بگو: اگر عذابی که به آن شتاب دارید در اختیار من بود، یقیناً کار میان من و شما به سرعت تمام شده بود؛ و خدا به ستمکاران داناتر است [که چه زمانی آنان را عذاب کند]. (۵۸)

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَشَيَّقُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (۵۹)

و کلیدهای غیب فقط نزد اوست، و کسی آنها را جز او نمی داند. و به آنچه در خشکی و دریاست، آگاه است، و هیچ برگی نمی افتد مگر آنکه آن را می داند، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی روشن [ثبت] است. (۵۹)

ص: ۱۳۴

وَهُوَ الَّذِي يَنَوَّفُكُمْ بِاللَّيلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلُ مُسَمَّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُبَثُّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۶۰)

او کسی است که شبانگاهان روح شما را به وقت خواب می گیرد، و آنچه را در روز [از نیکی و بدی] به دست می آورید می داند؛ سپس شما را در روز [با برگرداندن روح به جسمتان از خواب] بر می انگیزد تا اجل معین سر آید؛ آن گاه بازگشت شما به سوی اوست؛ سپس شما را به آنچه همواره انجام می دادید آگاه می کند. (۶۰)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرِسِّلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَهُ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ (۶۱)

و اوست که بر بندگانش چیره و غالب است، و همواره نگهبانانی [از فرشتگان] برای [حفظ] شما [از حوادث و بلاها] می فرستد تا هنگامی که یکی از شما را مرگ در رسید [در این وقت] فرستادگان ما جانش را می گیرند؛ و آنان [در مأموریت خود] کوتاهی نمی کنند. (۶۱)

ثُمَّ رُدُوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَشَرُّ الْحَاسِبِينَ (۶۲)

سپس [همه] به سوی خدا، سرپرست و مولایی به حفشان بازگردانده می شوند. آگاه باشد! [که در آن روز] فرمانروایی و حکومت مطلق فقط ویژه اوست؛ و او سریع ترین حساب گران است. (۶۲)

قُلْ مَنْ يَنْجِيْكُمْ مِّنْ ظُلْمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضْرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (٦٣)

بگو: چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا نجات می دهد؟ در حالی که او را [برای نجات خود] از روی فروتنی و زاری و مخفیانه به کمک می طلبید؛ [و می گویید] که اگر ما را از این [تنگناها و مهلهکه ها] نجات دهد، بی تردید از سپاس گزاران خواهیم بود. (٦٣)

قُلِ اللَّهُ يُنْجِيْكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبِ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ (٦٤)

بگو: خدا شما را از آن [سختی ها] و از هر اندوهی نجات می دهد، باز شما به او شرک می ورزید [و به ناسپاسی می گرایید]. (٦٤)

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَعْثِثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يُلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسَبَّ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (٦٥)

بگو: او توانست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما برانگیزد، یا شما را گروه گروه و حزب حزب به جان هم اندازد، [تا وضعیتان به اختلافات سنگین و کینه های سخت بیانجامد،] و مزه تلخ جنگ و خونریزی را به هر گروه شما به وسیله گروه دیگر بچشاند؛ با تأمل بنگر چگونه آیات خود را به صورت های گوناگون بیان می کنیم تا بفهمند. (٦٥)

وَكَذَبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحُقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (٦٦)

و قوم تو [قرآن] را در حالی که حق است تکذیب کردند؛ بگو: من بر [هدایت، پاداش و کیفر] شما کارساز و صاحب اختیار نیستم. (٦٦)

لَكُلِّ نَيَا مُشَتَّقَرْ وَسُوفَ تَعْلَمُونَ (٦٧)

برای هر خبری [از مژده ها و بیم ها] قرارگاهی است، و به زودی [ظهور و تحقق آنها را در قرارگاه هایشان] خواهید دانست. (٦٧)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَيْدِيْثٍ عَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيْنَكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَفْعَلْ بَعْدَ الذَّكْرِي مع القوم الظالمين (٦٨)

و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما [به قصد شبهه اندازی] به یاوه گویی و سخن بی منطق می پردازند از آنان روی گردان [و مجلسشان را ترک کن] تا در سخنی دیگر در آیند. و اگر شیطان تو را [نسبت به ترک مجلسشان] به فراموشی اندازد، پس از یاد آوردن [به سرعت بیرون برو و] با گروه ستمکاران منشین. (٦٨)

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۶۹)

و چیزی از حساب ستمکاران [مغالطه گر] بر عهده کسانی که [به ناچار سخنان آنان را می شنوند ولی از نشستن با آنان] می پرهیزند نیست؛ بلکه [بر عهده اهل تقواست که یاوه گویان را] پند دهنده، تا [از گفتار باطل و بی پایه خود] پرهیزند. (۶۹)

وَدَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِيَهُمْ لَعِبًا وَلَهُوا وَغَرَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكْرُهُ بِهِ أَنْ تُبَسَّلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَيْ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلُ كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أَبْسِلُوا إِيمَانَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)

و کسانی که دینشان را بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا آنان را فریفت، و اگذار؛ و [مردم را] با قرآن اندرز ده؛ که مبادا کسی [در روز قیامت] به [کیفر] آنچه [از گناهان] مرتكب شده [از رحمت و ثواب] محروم ماند [و به هلاکت سپرده شود]؛ و او را جز خدا سرپرست و یاور و شفیعی نباشد؛ و اگر [برای رهایی اش از عذاب] هر گونه عوض و فدیه ای بدهد از او پذیرفته نشود. آنانند که به سبب آنچه [از اعمال زشت] مرتكب شده اند [از رحمت و ثواب] محروم مانده [و به هلاکت سپرده شده] اند. و به خاطر آنکه همواره [به آیات الهی] کفر می ورزیدند برای آنان نوشابه ای از آب جوشان و عذابی در دنیاک است. (۷۰)

قُلْ أَتَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرُدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَيَّدَنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمِنْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۱)

بگو: آیا به جای خدا معبدی را پرسیم که نه سودی به ما رساند و نه زیانی؟ و پس از آنکه خدا ما را هدایت کرد [به سبب شرک و بت پرستی] به فرهنگ و فضای جاهلیت بازمان گرداند، مانند کسی که شیاطین عقلش را ربوده اند و در زمین سرگردان [و بی هدف و گمراه] است، در حالی که برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت دعوت می کنند که به جانب ما بیا [ولی او به سبب سرگردانی و حیرت زدگی نمی پذیرد]. بگو: یقیناً هدایت خدا همان هدایت [واقعی] است، و ما مأموریم که تسليم پروردگار جهانیان باشیم. (۷۱)

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۲)

و [نیز فرمان یافته ایم] به اینکه نماز را برابر دارید و از خدا پروا کنید، و اوست که به سویش گردآوری می شوید. (۷۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳)

و اوست که آسمان ها و زمین را به درستی و راستی آفرید؛ و روزی که [اراده اش به آفریدن چیزی تعلق گیرد] می گوید: باش، پس بی درنگ می باشد؛ گفتارش حق است؛ و روزی که در صور دمیده شود فرمانروایی و حاکمیت مطلق ویژه اوست، دانای نهان و آشکار است، و او حکیم و آگاه است. (۷۳)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمَ لِأَيْهِ آزَرَ أَتَتَّخُذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٧٤)

و [یاد کنید] هنگامی را که ابراهیم به پدرش آزر [شخصی که بنابر روایات اهل بیت، پدر خوانده یا عمویش بود] گفت: آیا بت هایی را به عنوان معبد خود انتخاب می کنی؟ قطعاً من تو را و قومت را در گمراهی آشکار می بینم. (٧٤)

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلْكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (٧٥)

و این گونه فرمانروایی و مالکیت و ربویت خود را بر آسمان ها و زمین به ابراهیم نشان می دهیم تا از یقین کندگان شود. (٧٥)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيلُ رَأَى كَوْكَباً قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْأَفْلَيْنَ (٧٦)

پس چون [تاریکی] شب او را پوشانید، ستاره ای دید [برای محکوم کردن ستاره پرستان با تظاهر به ستاره پرستی] گفت: این پروردگار من است؛ هنگامی که ستاره غروب کرد، گفت: من غروب کندگان را دوست ندارم. (٧٦)

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (٧٧)

هنگامی که ماه را در حال طلوع دید [برای محکوم کردن ماه پرستان با تظاهر به ماه پرستی]، گفت: این پروردگار من است؛ چون ماه غروب کرد، گفت: یقیناً اگر پروردگارم مرا هدایت نکند بدون شک از گروه گمراهان خواهم بود. (٧٧)

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمَ إِنِّي بَرِيءٌ مَّمَّا تُشْرِكُونَ (٧٨)

وقتی خورشید را در حال طلوع دید [برای محکوم کردن خورشید پرستان با تظاهر به خورشید پرستی] گفت: این پروردگار من است، این بزرگ تر است؛ و هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم من! بی تردید من [با همه وجود] از آنچه شریک خدا قرار می دهید، بیزارم. (٧٨)

إِنِّي وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٧٩)

من به دور از انحراف و با قلبی حق گرا همه وجود را به سوی کسی که آسمان ها و زمین را آفرید، متوجه کردم و از مشرکان نیستم. (٧٩)

وَحَيْاجُهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتَحِاجُونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَيَّدَنِي وَلَمَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ يَهِ إِلَّا أَنْ يَسَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسَعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (٨٠)

قومش با او به گفتگوی بی منطق و سیز برخاستند، گفت: آیا درباره خدا با من گفتگوی بی منطق و سیز می کنید و حال آنکه او مرا هدایت کرد؟ و من از آنچه که شما شریک او قرار می دهید نمی ترسم مگر آنکه پروردگارم چیزی را [درباره من] بخواهد، دانش پروردگارم همه چیز را فراگرفته است، آیا [برای فهم توحید] متذکر نمی شوید؟ (٨٠)

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَئُ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٨١)

چگونه از آنچه شما شریک او قرار داده اید بترسم؟ در حالی که خود شما از اینکه چیزی را شریک خدا گرفته اید که خدا هیچ دلیلی بر حقانیت آن بر شما نازل نکرده نمی ترسید، اگر حقایق را می دانید [بگویید] کدام یک از دو گروه [خدا پرستان و مشرکان] به اینمی [از عذاب خدا] سزاوار نزد؟ (٨١)

ص: ١٣٧

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُلْسِنُوا إِيمَانُهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (٨٢)

کسانی که ایمان آورند و ایمانشان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند، اینمی [از عذاب] برای آنان است، و آنان راه یافتگانند. (٨٢)

وَتُلْكَ حُجَّتَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعَ دَرَجَاتٍ مَّنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (٨٣)

و آن [دلایل استوار و محکم] حجت و برهان ما بود که به ابراهیم در برابر قومش عطا کردیم؛ هر که را بخواهیم [به] درجاتی بالا می بریم؛ زیرا پروردگارت حکیم و داناست. (٨٣)

وَوَهَبَنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلٍ وَمِنْ ذُرْرَتِهِ دَاؤُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذِيلَكَ نَبْرِزِي الْمُحْسِنِينَ (٨٤)

و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم بخشیدیم، [و] هر یک را هدایت کردیم، و [نیز] نوح را پیش از این هدایت نمودیم، و از فرزندان او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم]؛ و این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (٨٤)

وَزَكِيرْيَا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلُّ مِنَ الصَّالِحِينَ (٨٥)

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را [نیز که از نسل اویند، هدایت نمودیم] همه از شایستگان بودند. (٨٥)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (٨٦)

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را [هدایت کردیم]، و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (٨٦)

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (٨٧)

و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را [برتری عطا کردیم]، و آنان را برگزیدیم و به راهی راست هدایت نمودیم. (٨٧)

ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحِيطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۸۸)

این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد به آن هدایت می کند، و اگر [آنان با همه عظمت و مقامی که داشتند برای خدا] شریک قرار داده بودند، یقیناً آنچه عمل شایسته انجام می دادند، تباہ و بی اثر می شد. (۸۸)

أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرُوا بِهَا هُوَ لَاءٌ فَقَدْ وَكَلَّا بِهَا قَوْمًا لَّيُسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ (۸۹)

آنان کسانی هستند که به ایشان کتاب و منصب داوری و نبوت دادیم؛ پس اگر اینان [که به سبب مشرک بودنشان دشمنی و مخالفت می کنند] به این حقایق [که پایه های آیین الهی اند] کفر ورزند، یقیناً گروهی را [برای نگهبانی و مراعات امر نبوت و برنامه دین] می گماریم که نسبت به آنها کافر نیستند. (۸۹)

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ بِهُدَاهُمُ افْتَنَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۹۰)

آنان [که در آیات گذشته به عنوان پیامبران از ایشان یاد شد] کسانی هستند که خدا هدایتشان کرد، پس به هدایت آنان اقتدار کن، [و به قوم خود] بگو: در برابر رسالتم پاداشی از شما نمی خواهم، این [قرآن] جز تذکر و پندی برای جهانیان نیست. (۹۰)

ص: ۱۳۸

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبَدِّلُوهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آباؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خُوضِبِهِمْ يَلْعَبُونَ (۹۱)

[یهودیان بر ضد پیامبر اسلام به سفسطه گری پرداختند چون] آنان خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناختند، چرا که گفتند: خدا بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده. بگو: کتابی را که موسی آورده چه کسی نازل کرده؟ کتابی که برای مردم نور او روشنگر حقایق و [سرتاسر] هدایت است، شما آن را در طومارهای پراکنده قرار می دهید، بخشی از آن را [که دلخواه شماست برای مردم] آشکار می کنید و بسیاری از آن را [که گواه نبوت پیامبر اسلام است] پنهان می دارید و حال آنکه حقایقی که نه شما می دانستید و نه پدرانتان [به وسیله تورات] به شما آموخته شد. بگو: خدا، سپس آنان را رها کن تا در باطل گویی و خرافاتشان بازی کنند. (۹۱)

وَهِيَّا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلِتُسِدِّرَ أُمُّ الْقَرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹۲)

و این [قرآن] کتابی است پرفایده، که ما آن را نازل کردیم، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیش از خود است، و [نزلش] برای این است که مردم مکه و کسانی را که پیرامون آنند بیم دهی؛ و آنان که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند، و آنان همواره بر نمازشان محافظت می کنند. (۹۲)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأَنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ

فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَهُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَهُمْ كُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عِذَابَ الْهُوَنِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرِ الْحَقِّ
وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكِرُونَ (٩٣)

چه کسی ستمکارتر از کسی است که به خدا دروغ می بندد، یا می گوید: به من وحی شده؛ در حالی که چیزی به او وحی نشده است، و نیز کسی که بگوید: من به زودی مانند آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم؟! ای کاش ستمکاران را هنگامی که در سختی ها و شداید مرگ اند بینی در حالی که فرشتگان دست های خود را [به سوی آنان] گشوده [و فریاد می زند] جانتان را بیرون کنید، امروز [که روز وارد شدن به جهان دیگر است] به سبب سخنانی که به ناحق درباره خدا می گفتید واز پذیرفتن آیات او تکبر می کردید، به عذاب خوارکننده ای مجازات می شوید. (۹۳)

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا حَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَتَرْكْتُمْ مَا حَوَلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءُكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِي كُمْ
شُرَكَاءٌ لَقَدْ تَقَطَّعَ يَنِنُكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَرْغُبُونَ (۹۴)

و [لحظه ورود به جهان دیگر به آنان خطاب می شود]: همان گونه که شما را نخستین بار [در رحم مادر تنها و دست خالی از همه چیز] آفریدیم، اکنون هم تنها به نزد ما آمدید، و آنچه را در دنیا به شما داده بودیم پشت سر گذاشته و همه را از دست دادید، و شفیعانتان را که [در ربویت و عبادت ما] شریک می پنداشتید، همراه شما نمی بینیم، یقیناً پیوندهای شما [با همه چیز] بریده، و آنچه را شریکان خدا گمان می کردید از دستان رفته و گم شده است. (۹۴)

ص: ۱۳۹

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبَّ وَالنَّرَىٰ يُخْرِجُ الْحَىٰ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَىٰ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَانِيٌّ تُؤْفَكُونَ (۹۵)

بی تردید خدا شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده بیرون می آورد، و بیرون آورنده مرده از زنده است؛ این است خدا پس چگونه [از حق] منصرفتان می کنند؟ (۹۵)

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْغَزِيزِ الْعَلِيمِ (۹۶)

شکافنده صبح [از پرده تاریک شب است] و شب را برای آرامش قرار داد، و خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه و اندازه گیری زمان مقرر فرمود؛ این است اندازه گیری آن توانای شکست ناپذیر و دانا. (۹۶)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَلَنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷)

و اوست که ستارگان را برای شما قرار داد تا به وسیله آنها در تاریکی های خشکی و دریا راه یابید؛ مسلماً ما آیات خود را برای قومی که دانایند بیان کردیم. (۹۷)

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَهٖ فَمُسْتَقِرٌّ وَمُسْتَوْدِعٌ قَدْ فَصَلَنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (۹۸)

و اوست که شما را از یک تن آفرید، برخی [از شما] استقرار یافته [در زمین] و برخی به ودیعت نهاده [در اصلاح و رحم هایند]؛ ما آیات خود را برای قومی که می فهمند، بیان کردیم. (۹۸)

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ بَنَاتَ كُلُّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضْرًا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَائِيَّهُ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُسْتَبَّهَا وَغَيْرَ مُتَشَابِهِ انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۹۹)

و اوست که از آسمان آبی فرستاد، و به وسیله آن گیاهان گوناگون را [از زمین] رویاندیم، و از آن ساقه ها و شاخه های سبز درآوردیم، و از آن دانه های متراکم را خارج می کنیم، و از شکوفه درخت خرما خوش های سر فروهشته [به وجود می آوریم]، و باغ هایی از انگور و زیتون و انار شبیه به هم و بی شباهت به هم [بیرون می آوریم]؛ به میوه اش چون میوه دهد و به رسیدن و کامل شدن با تأمل بنگرید، مسلماً در این [امور] برای قومی که ایمان می آورند، نشانه هایی [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] ست. (۹۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلْقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَيْنَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ (۱۰۰)

[مشرکان] برای خدا شریکانی از جن قرار دادند، در حالی که همه آنها را خدا آفرید، و از روی جهل و بی دانشی برای خدا پسران و دخترانی انگاشتند؛ منزه و برتر است از آنچه آنان توصیف می کنند. (۱۰۰)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۰۱)

[او] پدید آورنده آسمان ها و زمین است، چگونه او را فرزندی باشد؟! در صورتی که برای او همسری نبوده، و همه چیز را او آفریده؛ و او به همه چیز داناست. (۱۰۱)

ص: ۱۴۰

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۰۲)

این است خدا پروردگار شما، جز او معبدی نیست، آفریننده همه چیز است؛ پس تنها او را پیرستید، و او کارساز هر چیز است. (۱۰۲)

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَيْرُ (۱۰۳)

چشم ها او را در نمی یابند، ولی او چشم ها را درمی یابد، و او لطیف و آگاه است. (۱۰۳)

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلِيَّهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِظٍ (۱۰۴)

بی تردید برای شما از سوی پروردگارتان دلایلی روشن آمده، پس هر که [به وسیله آن دلایل بینا شود و حقایق را با چشم

دل] ببیند به سود خود اوست و هر که [با پشت کردن به دلایل] کوردل شود [و از دیدن حقایق محروم گردد] به زیان خود اوست، [وظیفه من ابلاغ پیام خداست] و بر شما حافظ و نگهبان نیستم. (۱۰۴)

وَكَذِلِكَ نُصَرَّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِتَبْيَّنَ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۰۵)

این چنین، آیات [خود] را به صورت های گوناگون بیان می کنیم [تا هدف هایی تحقق یابد]، یکی اینکه منکران با متهم کردن تو که این آیات را از دیگران فرا گرفته ای، شفاقت خود را کامل کنند و دیگر اینکه آن را برای گروهی که دانایند، روشن سازیم. (۱۰۵)

اتَّبَعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۶)

از آنچه از سوی پروردگار特 به تو وحی شده پیروی کن، هیچ معبدی جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان. (۱۰۶)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۱۰۷)

اگر خدا می خواست آنان [به طور اجبار] شرک نمی آوردند، [ولی خواست خدا آزادی انسان در انتخاب است] و ما تو را بر آنان نگهبان و کارساز قرار ندادیم [تا آنان را به اجبار به پذیرش دین وادار کنی]. (۱۰۷)

وَلَمَّا تَسَبُّبُوا بِالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَسَبَّبُوا اللَّهَ عَيْدُوا بَعْيِرِ عِلْمٍ كَذِلِكَ زَيَّنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيَبْيَهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰۸)

و معبدانی را که کافران به جای خدا می پرستند، دشمن اند، که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشمن خواهند داد. این گونه برای هر امتی عملشان را آراستیم [تا به کیفر لجاجت و عنادشان گمان کنند که آنچه انجام می دهند نیکوست،] سپس باز گشت همه آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، پس آنان را به اعمالی که همواره انجام می دادند، آگاه می کند. (۱۰۸)

وَأَقْسُمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُ كُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۹)

با سخت ترین سوگند هایشان به خدا سوگند خوردن که اگر معجزه دلخواهشان برای آنان آید، قطعاً به آن ایمان می آورند، بگو: معجزات فقط در اختیار خداست، و شما [ای مردم مؤمن!] چه می دانید [که حقیقت چیست؟] حقیقت این است که اگر آن معجزه هم بیاید، ایمان نمی آورند. (۱۰۹)

وَنُقْلِبُ أَفْنَدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِأَوَّلَ مَرَّهٍ وَنَدَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱۰)

و دل ها و دیدگانشان را [که وسیله فهم و بصیرت است، به سزای لجاجت و عنادشان] وارونه و دگرگون کردیم، [به این سبب با آمدن معجزه دلخواهشان هم ایمان نمی آورند] همان گونه که نخستین بار به آیات قرآن ایمان نیاوردن، آنان را در

جزء ۸

ادامه سوره الانعام

وَلَوْ أَنَّا نَرَلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمُهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَسَرْنَا عَلَيْهِمُ كُلَّ شَيْءٍ قُبْلًا مَا كَانُوا لَيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (۱۱۱)

و مسلمًا اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می کردیم، و مردگان با آنان سخن می گفتند، و همه چیز را گروه گروه در برابر شان گرد می آوردیم، باز هم [از روی اراده و اختیار] ایمان نمی آوردند؛ مگر آنکه خدا [ایمان آوردنشان را به طور اجبار] بخواهد، ولی بیشترشان نادانی و جهالت می ورزند. (۱۱۱)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عِيْدُوا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوَحِّي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقُوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَدَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۱۲)

و این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل ولی به ظاهر آراسته و دلپسند به یکدیگر القاء می کنند، و اگر پروردگارت می خواست چنین نمی کردند، پس آنان و آنچه را به دروغ به هم می بافند و اگزار. (۱۱۲)

وَلَتَضْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلَيَرْضُوُهُ وَلَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُفْتَرُفُونَ (۱۱۳)

و [ما به عنوان آزمایش بندگان از القای گفتار باطل توسط شیاطین انس و جن به یکدیگر مانع نشدیم] تا دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند به آن القاتات متمایل شود، و آن را پیسند و [برای رسیدن به منتهای شقاوت که کیفر لجاجت و عناد آنان است] هر عمل رشتی را که بخواهند انجام دهند، نهایتاً انجام دهنند. (۱۱۳)

أَفَغَيَرَ اللَّهِ أَبْتَغَى حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْتَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِّنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونُنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴)

آیا جز خدا حاکم و داوری بطلبم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را که [همه معارف و احکام در آن] به تفصیل بیان شده به سوی شما نازل کرد؛ و اهل کتاب [به ویژه دانشمندان آنان] می دانند که این کتاب [قرآن] از سوی پروردگارت به درستی و راستی نازل شده؛ پس [در اینکه معجزه خواهی منکران و مخالفت های اهل کتاب از روی حقیقت جویی نیست] از تردید کنندگان مباش. (۱۱۴)

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵)

و سخن پروردگارت از روی راستی و عدل کامل شد، سخنان او را تغییر دهنده ای نیست؛ و او شنو و داناست. (۱۱۵)

وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَبَعُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَحْرُصُونَ (۱۱۶)

اگر از بیشتر مردم روی زمین پیروی کنی [و آرا و خواسته هایشان را گردن نهی] تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ آنان فقط از گمان و پندار [که پایه علمی و منطقی ندارد] پیروی می کنند، و تنها به حدس و تخمين تکیه می زنند. (۱۱۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضْلِلُ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۱۷)

یقیناً پروردگارت به کسی که از راه او گمراه می شود و نیز به راه یافتن داناتر است. (۱۱۷)

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

پس اگر به آیات خدا ایمان دارید، از آنچه [از گوشت حیوان حلال گوشتی] که [وقت ذبح شدن] نام خدا بر او برده شده بخورید [نه از ذبحه گمراهان]. (۱۱۸)

ص: ۱۴۲

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَلَ لَكُمْ مَا حَرَمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اصْطَرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا يَضْلُلُونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِعَيْرِ عِلْمٍ
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۱۱۹)

و شما را چه شده [که به دنبال یاوه گویی مشرکان] از آنچه [چون گوشت ذبحه ای] که نام خدا بر آن برده شده نمی خورید؟! در صورتی که آنچه را خدا بر شما حرام نموده برای شما بیان کرده است، مگر چیزی که [برای حفظ جانتان] به خوردن آن ناچار شوید؛ و قطعاً بسیاری [از بداندیشان]، دیگران را از روی جهل و نادانی با هواهای نفسانی خود گمراه می کنند؛ یقیناً پروردگارت به تجاوز کاران [از حدود حق] داناتر است. (۱۱۹)

وَذَرُوا ظَاهِرَ الِّئِيمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الِّئِيمَ سَيِّجَزُونَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (۱۲۰)

گناه آشکار و پنهان را رها کنید؛ قطعاً کسانی که مرتکب گناه می شوند به زودی در برابر آنچه همواره مرتکب می شدند، مجازات خواهند شد. (۱۲۰)

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُيْذِ كِرِاسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوْحُونَ إِلَى أَوْلَائِهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (۱۲۱)

از آنچه [هنگام ذبح شدن] نام خدا بر آن برده نشده نخورید؛ مسلمان خوردن آن فسق [و بیرون رفتن از عرصه طاعت خدا] است؛ قطعاً شیاطین [شباهات ناروایی را به ضد احکام خدا] به دوستانشان القاء می کنند تا با شما [درباره احکام خدا] مجادله و ستیزه کنند، و اگر از آنان پیروی کنید، یقیناً شما هم مشرکید. (۱۲۱)

أَوْمَنْ كَمَانْ مَيْتَيَا فَأَحْيِيْنَاهُ وَجَعَلْنَاهُ لَهُ نُورًا يَمْسِيْهِ بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلْمِ اتِّ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيْنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٢٢)

آیا کسی که [از نظر عقلی و روحی] مرد بود و ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم، و برای وی نوری قرار دادیم تا در پرتو آن در میان مردم [به درستی و سلامت] حرکت کند، مانند کسی است که در تاریکی ها [ی جهل و گمراهی] است و از آن بیرون شدنی نیست؟! این گونه برای کافران [به خاطر لجاجت و عنادشان] آنچه انجام می دادند، آراسته شد [تا گمان کنند اعمالی را که انجام می دهند نیکوست]. (۱۲۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَوْيَهِ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (١٢٣)

و این گونه [که در مکه می بینی] در هر آبادی و شهری رؤسا و سردمداران گنهکاری قرار دادیم تا در آن [برای گمراه کردن مردم] نیرنگ زنند، ولی جز به خودشان نیرنگ نمی زنند، و [این واقعیت را] درک نمی کنند. (۱۲۳)

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَهُ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُوتَّى مِثْلَ مَا أُوتَى رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتُهُ سَيِّصَهُ يُبُّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنَدَ اللَّهِ وَعَذَابُ شَدِيدٍ بِمَا كَانُوا يَنْكُرُونَ (١٢٤)

و چون آیه و معجزه ای [بخاطر هدایت یافتنشان] به سوی آنان آید، می گویند: هرگز ایمان نمی آوریم تا نظری آنچه به پیامبران خدا داده شده به ما هم داده شود. خدا داناتر است که مقام رسالت را در کجا قرار دهد؛ به زودی آنان را که گناه کرده اند به کیفر نیرنگی که [همواره برای گمراه کردن مردم] می زندند، در پیشگاه خدا ذلت و خواری و عذابی سخت خواهد رسید. (۱۲۴)

ص: ۱۴۳

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيْهُ يَسْرِعُ صَدْرَهُ لِلإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدُ أَنْ يُضْطَهِلَّهُ يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجُسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (١٢٥)

پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام می گشاید؛ و کسی را که [به خاطر لجاجت و عنادش] بخواهد گمراه نماید، سینه اش را چنان تنگ می کند که گویی به زحمت در آسمان بالا می رود؛ خدا این گونه پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند، قرار می دهد. (۱۲۵)

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَلَنَا الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (١٢٦)

و این [قرآن و اسلام] راه راست پروردگار توتست؛ ما آیات را برای گروهی که متذکر می شوند، بیان کردیم. (۱۲۶)

لَهُمْ ذَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٢٧)

برای آنان نزد پروردگارشان خانه سلامت و امن است؛ و به پاداش کارهای پستنده ای که همواره انجام می دادند یار و سرپرست آنان است. (۱۲۷)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرُتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أُولَئِكُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعْ بِعَضُّنَا بِعَضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثُوا كُمْ حَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۲۸)

و [یاد کنید] روزی که همه جن و انس را جمع می کنیم [و به طایفه جن می گوییم: ای گروه جن! شما [با وسوسه و اغواگری خود] در بسیاری از انسان ها میل و رغبت کردید [تا آنان را گمراه کنید] و دوستانشان از میان انسان ها می گویند: پروردگارا! هر یک از ما دو گروه [پیشوایان و پیروان] از دیگری بهره برداری کردیم [ما پیروان به بهره های نامشروع رسیدیم، و پیشوایان از منحرف کردن ما بهره ناروا بردنده] تا به آن مدت از عمری که برای ما مقصر کرده بودی، رسیدیم. [خداد] می گوید: آتش، جایگاه شماست، در آن جاودانه اید، مگر آنکه خدا نجات شما را بخواهد؛ یقیناً پروردگارت حکیم و داناست. (۱۲۸)

وَكَذَلِكَ تُولَى بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۲۹)

این گونه برخی ستمکاران را بربخی به کیفر گناهانی که همواره مرتکب می شدند، مسلط و چیره می کنیم. (۱۲۹)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَعَزَّزْنَاهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۱۳۰)

[در قیامت خطاب می رسد:] ای گروه جن و انس! آیا برای شما از جنس خودتان پیامبرانی نیامدند که همواره آیات مرا بر شما می خواندند و شما را از دیدار امروزتان هشدار می دادند؟ می گویند: ما به زیان خود گواهی می دهیم [که آمدند، ولی ما تکذیب شان کردیم] و [جلوه های پر زرق و برق] زندگی دنیا آنان را فریفت، و [اکنون در این عرصه هول انگیز] به زیان خود گواهی می دهند که [در دنیا] کافر بودند. (۱۳۰)

ذَلِكَ أَنَّ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرْبَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (۱۳۱)

این [فرستادن پیامبران] برای این است که پروردگارت مردم شهرها و آبادی ها را در حالی که اهلشان [پیش از آمدن پیامبران] بی خبر [از توحید و معاد و حقایق] باشند، از روی ستم هلاک نمی کند. (۱۳۱)

ص: ۱۴۴

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مَمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۳۲)

و [در قیامت] برای هر کدام [از دو گروه جن و انس] به سزای آنچه انجام می دادند، درجاتی [از ثواب و عذاب] است؛ و پروردگارت از آنچه انجام می دهند، بی خبر نیست. (۱۳۲)

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبُكُمْ وَيَسْتَخِلِفُ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٌ آخَرِينَ (۱۳۳)

و پروردگارت بی نیاز و صاحب رحمت است، اگر بخواهد همه شما را هلاک می نماید، و پس از شما هر نسلی که بخواهد جایگزین شما می کند، همان گونه که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورد. (۱۳۴)

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۱۳۴)

بی تردید آنچه [از ثواب و عقاب] به شما و عده می دهند، آمدنی است؛ و شما عاجز کننده خدا نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرتش بیرون روید]. (۱۳۴)

قُلْ يَا قَوْمٍ اَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانِتُكُمْ إِنَّى عَامِلٌ فَسُوفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الطَّالِمُونَ (۱۳۵)

بگو: ای قوم! تا جایی که در قدرت شماست [برای مبارزه با من و آینم] بگوشید، من هم [در انجام دادن وظایفم] می کوشم، سپس خواهید دانست که سرانجام خوش و نیکوی سرای آخرت برای کیست؟ قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند. (۱۳۵)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامَ نَصِيَّةً يَأْتِيَا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِسُرَّكَائِنَا فَمَا كَانَ لِسُرَّكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳۶)

و مشرکان از زراعت و چهارپایانی که خدا آفریده برای او سهمی قرار دادند، و به گمان بی اساس خود گفتند: این سهم خدا، و این سهم بتان ما؛ [و عقیده داشتند] آنچه برای بتانشان باشد به خدا نمی رسد و آنچه برای خدا باشد [در صورتی که سهم بتان کمبودی داشته باشد] به آنها می رسد؛ بد است آنچه داوری می کنند. (۱۳۶)

وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أُولَادِهِمْ شُرَكَائُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيُلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوا فَلَذِرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷)

مانند [این سهم بندی بی اساس که هوای نفسشان در نظرشان آراست] بتان، کشن فرزندانشان را در نظرشان آراستند تا سرگردان و هلاکشان سازند و دینشان را بر آنان مشتبه [و آمیخته به بدعت ها و خرافات] کنند؛ اگر خدا می خواست [اجباراً] آن کار را نمی کردند [ولی اجبار به عمل و ترک آن مشمول خواست خدا نیست]؛ پس آنان را با آنچه دروغ می سازند و اگزار. (۱۳۷)

ص: ۱۴۵

وَقَالُوا هَيْدَهُ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرْمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيِّجِرِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸)

و به گمان بی اساس خود گفتند: این چهار پایان و زراعتی که [سهم خدا و بتان است، خوردنش] ممنوع است، فقط کسی که

ما بخواهیم باید از آنها بخورد، و [اینها] چهارپایانی است که سوار شدن بر آنان حرام است، و [نیز آنان را] چهارپایانی [بود] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آنها نمی برند، در حالی که [این سنت ها و قوانین را به دروغ] به خدا نسبت می دادند؛ به زودی خدا آنان را در برابر آنچه دروغ می بستند، مجازات خواهد کرد. (۱۳۸)

وَقَالُوا مَا فِي بُطْوَنِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَّيْنَهُ فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءٌ سَيِّئُجُزِّيهِمْ وَصِيفُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيهِمْ (۱۳۹)

و گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان است [در صورتی که زنده بیرون آید] ویژه مردان ماست، و بر همسرانمان حرام است، و اگر مرد باشد همگی در آن شریکند؛ به زودی خدا آنان را بر این توصیف بی پایه و باطلشان جزا خواهد داد، زیرا خدا حکیم و داناست. (۱۴۰)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أُولَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ أَفْتَرَاهُ عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۴۰)

قطعاً کسانی که فرزندان خود را از روی سبک مغزی و جهالت کشته اند، و آنچه را خدا روزی آنان کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام شمرده اند، زیان کردن؛ به راستی که گمراه شدند و هدایت یافته نبودند. (۱۴۰)

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالرَّزْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالرَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٖ كُلُّوْ مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُشْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱۴۱)

و اوست که باغ هایی [که درختانش برافراشته] بر داربست و باغ هایی [که درختانش] بدون داربست [است]، و درخت خرما، و کشتزار با محصولات گوناگون، و زیتون، و انار شبیه به هم و بی شباهت به هم را پدید آورد. از میوه های آنها هنگامی که میوه داد بخورید، و حق [الهی] آن را روز درو کردنش [که به تهیدستان اختصاص داده شده] بپردازید، و از اسراف [در خوردن و خرج کردن] بپرهیزید، که قطعاً خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. (۱۴۱)

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَهُ وَفَرْشًا كُلُّوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَبَعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۴۲)

و از دام ها، حیوانات باربر و حیوانات کرک دار و پشم دهنده را [آفرید]؛ از آنچه خدا روزی شما کرده بخورید، و از گام های شیطان پیروی نکنید، که بی تردید او برای شما دشمنی آشکار است. (۱۴۲)

ص: ۱۴۶

ثَمَانِيَهَ أَرْوَاجٍ مِّنَ الضَّانِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلَذَّكَرِيْنِ حَرَمٌ أَمِ الْأُنْثَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيْنِ تَبَّوَنِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳)

[از حیوانات حلال گوشت و قابل استفاده شما] هشت نوع همراه با جفتش [را آفرید] از گوسفند یک نر و یک ماده، از بز یک نر و یک ماده، بگو: آیا خدا، نر گوسفند و بز، یا ماده گوسفند و بز را یا آنچه را که رحم آن دو ماده در برگرفته حرام

کرده؟ اگر راستگویید از روی علم و دانش به من خبر دهید. (۱۴۳)

وَمِنَ الْأَبْلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلَّذِكَرِيْنِ حَرَمَ أَمَّا اسْتَمْلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثَيْنِ أَمْ كُتُمْ شَهَدَاءِ إِذْ وَصَّا كُمُّ اللَّهِ بِهَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضْلِلَ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

و از شتر یک نر و یک ماده و از گاو یک نر و یک ماده [را آفرید] بگو: آیا خدا نرینه شتر و گاو یا ماده هر دو را یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته حرام کرده؟ یا زمانی که خدا شما را به این [حرام ساختگی] سفارش کرد، حاضر بودید، پس ستمکارتر از کسی که به خدا دروغ بندت تا مردم را از روی نادانی و جهالت گمراه کند، کیست؟! مسلمان خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۱۴۴)

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مِيَاهٍ أُوحِيَ إِلَى مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَهُ أَوْ دَمًا مَسْنَفُوهًا أَوْ لَحْمَ حِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴۵)

بگو: در احکامی که به من وحی شده [خواراک] حرامی را بر خورنده ای که میل دارد آن را بخورد نمی یابم، مگر آنکه مردار یا خون ریخته شده [از رگ های حیوان] یا گوشت خوک باشد که یقیناً همه نجس و پلیدند، یا حیوانی که از روی نافرمانی از دستور خدا [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده؛ پس کسی که [برای نجات جانش از خطر] به خوردن آنها ناچار شود در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند [گناهی بر او نیست؛] یقیناً پروردگارت بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴۵)

وَعَلَى الَّذِينَ هَيَادُوا حَرَمَنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْفَنَمِ حَرَمَنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلْتُ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَائِيَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظِيمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِغَيْرِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۱۴۶)

و هر حیوان ناخن دار، و پیه گاو و گوسفند را بر یهودیان حرام کردیم مگر چربی هایی که بر پشت یا روده های آنان است یا آنچه آمیخته و مخلوط با استخوان است؛ این [تحریم] را به سبب ستم کردنشان به آنان کیفر دادیم، و یقیناً ما راستگوییم. (۱۴۶)

ص: ۱۴۷

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعٍ وَلَا يُرِدُ بِأَسْهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴۷)

اگر تو را تکذیب کردند، بگو: پروردگارمان صاحب رحمتی گسترده است، ولی عذاب او هم از گروه مجرمان بازگردانده نخواهد شد. (۱۴۷)

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمَنَا مِنْ شَئِيْءٍ كَذَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بِأَسْنَانَ قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَبَعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (۱۴۸)

کسانی که برای خدا شریک و همتا قرار دادند به زودی خواهند گفت: اگر خدا می خواست نه ما شرک می ورزیدیم و نه پدرانمان، و نه چیزی [از حلال خدا را خودسرانه] حرام می کردیم [پس شرک و تحریم ما جبری بوده نه اختیاری] کسانی که پیش از اینان بودند [بر اساس همین عقیده باطل پیامبران را] تکذیب کردند تا عذاب و انتقام ما را چشیدند؛ بگو: آیا نزد شما دانشی [استوار و منطقی مُستدل بر عقایدتان] هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما فقط از پندارهای واهی و پوج پیروی می کنید و جز به حدس و گمان تکیه نمی زنید. (۱۴۸)

قُلْ فَإِلَهُ الْحَجَّةُ الْبَالِغَهُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَأُكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو: دلیل و برهان رسا [که قابل رد، ایراد، شک و تردید نیست] مخصوص خداست، و اگر خدا می خواست قطعاً همه شما را [به طور جبر] هدایت می کرد. (۱۴۹)

قُلْ هُلُمْ شُهَدَاءَ كُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَمَ هِيَذَا فَإِنْ شَهَدُوا فَلَمَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَمَا تَتَبَيَّنْ أَهْوَاءُ الَّذِينَ كَمَدَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱۵۰)

[به مدعیان تحریم های خودسرانه] بگو: گواهان خود را که گواهی می دهند بر اینکه خدا این امور را حرام کرده بیاورید. پس اگر گواهان هم گواهی مده؛ [زیرا گواهی دادنشان ناحق و نارواست] و از هوای نفسانی آنان که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، و برای پروردگارشان شریک و همتا قرار می دهنند، پیروی ممکن. (۱۵۰)

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أُولَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَزَّلْنَاكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَمْتَلِلُوا النَّفْسَ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاصَكُمْ بِهِ لَعْلَكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱)

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارشان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانتان را از [ترس] تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم، و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشویم، و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا بیندیشید. (۱۵۱)

ص: ۱۴۸

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتَيمِ إِلَّا بِالْيَتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَأْتِيْغَ أَشْدَهُ وَأُوفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللَّهِ أُوفُوا ذَلِكُمْ وَصَاصَكُمْ بِهِ لَعْلَكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

و به مال یتیم جز به روشنی که نیکوتر است، نزدیک نشویم تا به حدّ بلوغ [بدنی و عقلی] خود برسد، و پیمانه و ترازو را بر اساس عدالت و انصاف کامل و تمام بدهید؛ هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم؛ و هنگامی که سخن گویید، عدالت ورزید هر چند درباره خویشان باشد، و به پیمان خدا وفا کنید؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا پند گیرید.

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاعِدُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّمَّونَ (۱۵۳)

و مسلمًا این [برنامه های محکم و استوار و قوانین و مقررات حکیمانه] راه راست من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی ممکن است که شما را از راه او پراکنده می کند؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا پرهیز کار شوید. (۱۵۳)

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِعَلَّهُمْ يُؤْمِنُونَ (۱۵۴)

سپس به موسی کتاب دادیم برای اینکه [نعمت خود را] بر آنان که نیکی کردند کامل کنیم، و برای اینکه همه احکام و معارفی که مورد نیاز بني اسرائیل بود، تفصیل و توضیح دهیم و برای اینکه هدایت و رحمت [بر آنان] باشد تا به دیدار [پاداش و مقام قرب] پرورد گارشان ایمان آورند. (۱۵۴)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرَحَّمُونَ (۱۵۵)

و این [قرآن] کتابی پرفایده است که ما آن را نازل کردیم پس آن را پیروی کنید و [از مخالفت با آن] پرهیزید تا مشمول رحمت شوید. (۱۵۵)

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلَنَا وَإِنْ كُنَّا عَنِ الدِّرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ (۱۵۶)

[آری، قرآن را نازل کردیم] تا [شما مشرکان] نگویید: کتاب آسمانی فقط بر دو گروه پیش از ما [یهود و نصاری] نازل شد و [چون به لغت ما نبود] از [یاد گرفتن] قرائت آنان و آموزششان بی خبر ماندیم. (۱۵۶)

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْيَدِي مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بِيَوْمٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَبَّاجِرِ الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ (۱۵۷)

یا نگویید: اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، مسلمًا از آنان راه یافته تر بودیم، اینک برخانی آشکار و هدایت و رحمتی از سوی پرورد گارشان برای شما آمد، پس ستمکارتر از کسی که آیات خدا را تکذیب کند و از آن ها روی بگرداند کیست؟ به زودی کسانی [را] که از آیات ما روی می گردانند، به خاطر روی گرداندنشان به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد. (۱۵۷)

ص: ۱۴۹

هَيْلٌ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَّ مِنْ قَبْلٍ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا حَيْرًا قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (۱۵۸)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان [عذاب] به سویشان آیند، یا [قیامت] پرورد گارت [که روز جلوه کامل حق و ظهور و انکشاف تمام توحید است] بیاید، یا برخی از نشانه های پرورد گارت [مانند مرگ و آثار پس از آن] تحقق یابد؟ روزی که

برخی از نشانه های پروردگارت به ظهور آید، ایمان آوردن کسی که پیش از این ایمان نیاورده یا در حال ایمانش عمل شایسته ای انجام نداده سودی نخواهد داشت. بگو: [شما با این وضع ناروایی که دارید] منتظر [عذاب] باشید. ما هم منتظریم [که عذاب خدا به شما برسد]. (۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعاً لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبَّهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱۵۹)

مسلمان کسانی که دینشان را بخش کردند، و گروه گروه شدند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست، کار آنان فقط با خداست، سپس به اعمالی که همواره انجام می دادند، آگاهشان می کند. (۱۵۹)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُنْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۰)

هر کس کار نیک بیاورد، پاداشش ده برابر آن است، و آنان که کار بد بیاورند، جز به مانند آن مجازات نیابند و ایشان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۱۶۰)

قُلْ إِنَّمَا هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مَّلِهَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۶۱)

بگو: یقیناً پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرد، به دینی پایدار و استوار، دین ابراهیم یکتاپرست حق گرا، و او از مشرکان نبود. (۱۶۱)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَسُسْكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲)

بگو: مسلمان نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است. (۱۶۲)

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذِلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳)

او را شریکی نیست، و به این [یگانه پرستی] مأمورم، و نخستین کسی هستم که [در این آین] تسلیم [فرمان ها و احکام] اویم. (۱۶۳)

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَغْيَرُ رَبَّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكُسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَرِزُّ وَازِرَهُ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيَبَيِّنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَحْتَلِفُونَ (۱۶۴)

بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم در حالی که او پروردگار هر چیزی است؟! و هیچ کس جز به زیان خود [عمل زشت] مرتکب نمی شود، و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد؛ سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگار تان خواهد بود، پس شما را به [حقایقت] آنچه درباره آن [با مردم مؤمن] اختلاف می کردید، آگاه می کند. (۱۶۴)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَقَعَ بَعْضَ كُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لَّيْلُوكُمْ فِي مَا آتَكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَيِّرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۵)

اوست کسی که شما را در زمین، جانشینان [نسل های گذشته] قرار داد، و [پایه های مادی و معنوی] برخی از شما را بربخی دیگر به درجاتی بالا-برد تا شما را در آنچه به شما عطا کرده، بیازماید؛ قطعاً پروردگارت زود کیفر است، و یقیناً بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۶۵)

ص: ۱۵۰

سوره الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ المص (۱)

المص (۱)

كَتَابٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرْجٌ مَّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذُكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

این کتابی [با عظمت] است که به سوی تو نازل شده است؛ پس نباید در سینه ات از ناحیه [تبليغ] آن تنگی و فشار باشد، تا به وسیله آن مردم را بیم دهی، و برای مؤمنان [مايه] تذکر و پند باشد. (۲)

اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَنَذَّكُرُونَ (۳)

آنچه را از سوی پروردگارتان به جانب شما نازل شده پیروی کنید، و از معبدانی غیر او پیروی ننمایید، ولی بسیار اندک و کم، پند می گیرید. (۳)

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكَنَا هَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا يَبِأَتْ أَوْ هُنْ قَاثِلُونَ (۴)

چه بسیار شهرهایی که اهلش را [به سبب گناهانشان] هلاک کردیم و عذاب ما در حالی که شب یا نیم روز در استراحت و آرامش بودند، به آنان رسید!! (۴)

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا طَالِبِينَ (۵)

زمانی که عذاب ما به سویشان آمد، اعتراضان جز این نبود که گفتند: قطعاً ما مستمکار بوده ایم. (۵)

فَلَئِسَ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَئِسَ الَّذِينَ أُرْسِلُوا (۶)

[روز قیامت] از کسانی که پیامبران به سویشان فرستاده شده [درباره پذیرفتن و نپذیرفتن رسالت پیامبران]، و از شخص پیامبران [درباره تبلیغ دین] به طور یقین پرسش خواهیم کرد. (۶)

فَلَنَقْصَنَ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (۷)

بی تردید برای آنان [در آن روز، عقاید، اعمال و اخلاقشان را] از روی دانشی [دقیق و فراگیر] بیان خواهیم کرد؛ [زیرا] ما هیچ گاه از آنان غایب نبوده ایم. (۷)

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸)

میزان [سنجهش اعمال] در آن روز حق است؛ پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین و با ارزش باشد، رستگارند. (۸)

وَمَنْ حَفَظَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (۹)

و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک و بی ارزش باشد، به سبب اینکه همواره به آیات ما ستم می ورزیدند، به خود زیان زده [و سرمایه وجودشان را تباہ کرده] اند. (۹)

وَلَقَدْ مَكَّنَاهُنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۱۰)

و شما را در زمین جای دادیم، و در آن برای شما وسایل و ابزار زندگی قرار دادیم، ولی بسیار اندک و کم، سپاس می گزارید. (۱۰)

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِلَّادَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (۱۱)

و شما را آفریدیم، سپس شما را صورت گری کردیم، آن گاه به فرشتگان گفتیم: بر آدم سجده کنید؛ بی درنگ همه سجده کردند، جز ابليس که از سجده کنندگان نبود. (۱۱)

ص: ۱۵۱

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَا تَسْجُدَ إِذَا أَمْرُتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ طِينٍ (۱۲)

خدا فرمود: هنگامی که تو را امر کردم، چه چیز تو را مانع شد که سجده نکردم؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش پدید آورده ای و او را از گل آفریدی. (۱۲)

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَكَبَّرَ فِيهَا فَاصْرُخْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳)

خدا فرمود: از این جایگاه و منزلت [که عرصه فروتنی و فرمانبرداری است] فرود آی؛ زیرا تو را نرسد که در این جایگاه بلند، بزرگ منشی کنی پس بیرون شو که قطعاً از خوارشده‌گانی. (۱۳)

قَالَ أَنِيَرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبَعَّثُونَ (۱۴)

گفت: مرا تا روزی که [مردگان] برانگیخته شوند، مهلت ده. (۱۴)

قالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنَظَّرِينَ (١٥)

خدا فرمود: البته تو از مهلت یافتگانی. (١٥)

قَالَ فِيمَا أَعْوَيْتَنِي لَأَفْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (١٦)

گفت: به سبب اینکه مرا به بیراهه و گمراهی انداختی، یقیناً بر سر راه راست تو [که رهروانش را به سعادت ابدی می رساند] در کمین آنان خواهم نشست. (١٦)

ثُمَّ لَا تَتَّيَّنُهُمْ مِنْ يَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (١٧)

سپس از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپشان بر آنان می تازم و [تا جایی آنان را دچار وسوسه و اغواگری می کنم که] بیشترشان را سپاس گزار نخواهی یافت. (١٧)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُونًا مَذْحُورًا لَمَنْ تَبْعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ (١٨)

خدا فرمود: از این جایگاه و منزلت نکوهیده و مطروح بیرون شو که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند، بی تردید جهنم را از همه شما لبریز خواهم کرد. (١٨)

وَيَا آدُمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (١٩)

و [گفتیم]: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید، و از هر جا [و هر نوع میوه ای] که خواستید بخورید، و به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران [بر خود] خواهد شد. (١٩)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لَيْلَدِي لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَا كُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكِيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (٢٠)

پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه از شرمگاه بدنشان بر آنان پوشیده بود نمایان کند، [وسوسه اش این بود که به هر دو] گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر از این جهت که مبادا دو فرشته گردید، یا از جاودانان شوید. (٢٠)

وَقَاسَمُهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (٢١)

و برای هر دو سوگند سخت و استوار یاد کرد که یقیناً من برای شما از خیر خواهانم [و قصد فریب شما را ندارم]. (٢١)

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورِ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَثْ لَهُمَا سَوْآتِهِمَا وَطَفِقَا يَخْصِهِ فَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنِ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقْلَ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ (٢٢)

پس آن دو را با مکر و فریب از مقام و منزلتشان فرود آورد [و به خوردن درخت ممنوعه نزدیک کرد]، هنگامی که از آن درخت چشیدند، شرمگاه بدنشان بر دو نفرشان نمایان شد و هر دو دست به کار چسبانیدن برگ [درختان] بهشت به خود شدند؛ و پروردگارشان بر آن دو بانگ زد: آیا من شما را از آن درخت نهی نکردم، و به شما نگفتم: بی تردید شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟! (۲۲)

ص: ۱۵۲

قَالَ رَبُّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَعْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

گفتند: پروردگار! ما بر خود ستم ورزیدیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود. (۲۴)

قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوُّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقْرٌ وَمَتَاعٌ إِلَيْهِ حِلٌ (۲۴)

خدا فرمود: از این جایگاه و مقام فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگرید، و برای شما در زمین تا مدتی قرارگاه و مایه برخورداری است. (۲۴)

قَالَ فِيهَا تَحْيِونَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرُجُونَ (۲۵)

پروردگار فرمود: در آن زندگی می کنید، و در آن می میرید، و از آن بیرون می آید. (۲۵)

یا بَنَی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِيَابَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِيَابَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آياتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶)

ای فرزندان آدم! ما لباسی که شرمگاهتان را می پوشاند، و لباسی فاخر و گران که مایه زینت و جمال است، برای شما نازل کردیم؛ و لباس تقوا [که انسان را از آلودگی های ظاهر و باطن بازمی دارد] بهتر است، و این [لباس که با استفاده از آن انسان به سعادت ابدی می رسد] از نشانه های خداست، باشد که متذکر [این حقیقت] شوند. (۲۶)

یا بَنَی آدَمَ لَا يَغْتَثِنَنُكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزَعُ عَنْهُمَا لِيَابَاسَهُمَا لَيْرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أُولَيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۷)

ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریید چنان که پدر و مادرتان را [با فریکاریش] از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان بر می کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند، او و دار و دسته اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی بینید می بینند، ما شیاطین را سرپرست و یاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند. (۲۷)

وَإِذَا فَعَلُوا فَاجِحَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمْرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفُحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲۸)

چون کار رشتی مرتکب می شوند، می گویند: پدرانمان را بر آن [کار] یافتیم و خدا ما را به آن فرمان داده. بگو: یقیناً خدا به کار رشت فرمان نمی دهد، آیا چیزی را که نمی دانید [از روی جهل و نادانی] به خدا نسبت می دهید؟! (۲۸)

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لِهِ الدِّينَ كَمَا بَدَأْكُمْ تَعُودُونَ (۲۹)

بگو: پروردگارم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او منقطع شود]، او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] بازمی گردید. (۲۹)

فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الصَّلَالَهُ إِنَّهُمْ اتَّحَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلَيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (۳۰)

در حالی که گروهی را [به خاطر داشتن لیاقت] هدایت کرد، و گروهی [به سبب نداشتن شایستگی] گمراهی بر آنان ثابت و قطعی شد، چون اینان شیاطین را به جای خدا سرپرستان و دوستان خود گرفتند، و گمان می کنند که راه یافتگانند!! (۳۰)

ص: ۱۵۳

يَا بَنِي آدَمَ حُذُوا زِيَتْكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَأْسِرُبُوا وَلَا تُشْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

ای فرزندان آدم! [هنگام هر نماز و] در هر مسجدی، آرایش و زینت [مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان] همراه خود برگیرید، و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. (۳۱)

قُلْ مَنْ حَرَمَ زِينَهُ اللَّهُ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالظَّيْئَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هَيْ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَضِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳۲)

بگو: زینت های خدا و روزی های پاکیزه ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: این [زینتها و روزی های پاکیزه] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [البته اگر چه غیر مؤمنان هم با آنان در بهرهوری شریکند، ولی] در قیامت فقط ویژه مؤمنان است؛ ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می دانند [و اهل دانش و بصیرت اند] بیان می کنیم. (۳۲)

قُلْ إِنَّمَا حَرَمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمُ وَالْبُغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۳)

بگو: پروردگارم فقط کارهای زشت را چه آشکارش باشد و چه پنهانش، و گناه و ستم ناحق را، و اینکه چیزی را که خدا بر حقایقت آن دلیلی نازل نکرده شریک او قرار دهید، و اینکه اموری را از روی نادانی و جهالت به خدا نسبت دهید، حرام کرده است. (۳۳)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجْلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۳۴)

برای هر امتی زمانی [معین و اجلی محدود] است، هنگامی که اجشنان سرآید، نه ساعتی پس می مانند و نه ساعتی پیش می افتد. (۳۴)

يَا يَنِى آدَمٌ إِمَّا يَأْتِينَكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتٍ فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُنْ يَخْرُنُونَ (۳۵)

ای فرزندان آدم! چون پیامبرانی از جنس خودتان به سویتان آیند که آیاتم را بر شما بخوانند [به آنان ایمان آورید و آیاتم را عمل کنید؛ پس کسانی که [از مخالفت با آنان] پرهیزنند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۵)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبِرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُنْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۶)

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند، و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند اهل آتش و در آن جاودانه اند. (۳۶)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَاهُمْ نَصِيبُهُمْ مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلَّوْنَا عَنَّا وَشَهَدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۳۷)

پس ستمکارتراز کسانی که بر خدا دروغ می بندند، یا آیات او را تکذیب می کنند، کیست؟ آناند که سهمشان از آنچه که [از نعمت ها] مقرر و مقدّر شده به آنان می رسند. تا هنگامی که فرستادگان ما برای ستاندن جانشان به سویشان آیند، می گویند: بت ها و معبدوها یکی که به جای خدا می پرستیدید، کجایند؟ [تا شما را از سختی های مرگ و پس از آن نجات دهنند] می گویند: از دست ما رفته؛ و بر ضد خود گواهی دهند که کافر بوده اند. (۳۷)

ص: ۱۵۴

قَالَ اذْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلُّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنْتُ أَخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَ كُوَا فِيهَا جَمِيعًا قَالَ أَخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هُوَأَعْلَمُ أَضْلَلُونَا فَآتَهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنَ لَا تَعْلَمُونَ (۳۸)

خدا می فرماید: شما هم در میان گروه هایی از جن و انس که پیش از شما بودند در آتش درآید، هر گاه گروهی وارد شوند، هم مسلکان خود را لعنت کنند تا آنکه همه آنان با خفت و خواری در آتش جمع شوند، آن گاه پیروانشان درباره پیشوایانشان گویند: پروردگار!! اینان ما را به گمراهی کشیدند، پس عذابشان را از آتش، دو چندان گردان؛ خدا می فرماید: برای هر کدامیان دو چندان است، ولی نمی دانید. (۳۸)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأَخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۳۹)

و پیشوایانشان به پیروانشان گویند: شما را بر ماهیچ برتری و امتیازی نیست [که عذابتان کمتر باشد] پس به کیفر آن اعمال زشتی که مرتکب می شدید، عذاب را بچشید. (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْجَمْلُ فِي سَمْ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ
نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ (٤٠)

قطعًا کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان [برای نزول رحمت] بر آنان گشوده نخواهد شد، و در بهشت هم وارد نمی شوند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن درآید!! [پس هم چنانکه ورود شتر به سوراخ سوزن محال است، ورود آنان هم به بهشت محال است؛] این گونه گنهکاران را کیفر می دهیم. (٤٠)

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (٤١)

برای آنان بستری از دوزخ و بر فرازشان پوشش هایی از آتش است، و ما این گونه ستمکاران را پاداش می دهیم. (٤١)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٤٢)

و کسانی که ایمان آوردنده و [به اندازه طاقت خود] کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند، [چرا که] ما هیچ کس را جز به اندازه طاقتیش تکلیف نمی کنیم. (٤٢)

وَنَرَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٌ تَجْرِي مِنْ تَعْثِيمِ الْأَنْهَارِ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَيَّدَنَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ
جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُوذُوا أَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٤٣)

و آنچه از کینه و خشم در سینه های آنان است، بر می کنیم [تا در بهشت با خوشی و سلامت کامل کنار هم زندگی کنند؛] از زیر [کاخ ها و عمارت های] شان نهرها جاری است و می گویند: و همه ستایش ها ویژه خداست که ما را به این [نعمت ها] هدایت کرد، و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد هدایت نمی یافتیم، مسلماً پیامبران پروردگارمان حق را به سوی ما آوردنده، و ندایشان می دهند به پاداش اعمال شایسته ای که همواره انجام می دادید، این بهشت را به ارت بر دید. (٤٣)

ص: ١٥٥

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قُدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبُّنَا حَقًا فَهُلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذْنَ مُؤْذِنَ بَيْتِهِمْ أَنْ
لَغْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (٤٤)

و بهشتیان، دوزخیان را آواز می دهند که ما آنچه را که پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم، آیا شما هم آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود، حق یافید؟ گویند: آری؛ پس آواز دهنده ای در میان آنان آواز دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد. (٤٤)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْعُونَهَا عِوَاجًا وَهُمْ بِالْآخِرَهِ كَافِرُونَ (٤٥)

هم آنان که مردم را همواره از راه خدا بازمی دارند و می خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند، و ایشان به

روز قیامت کافرند. (۴۵)

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (۴۶)

و میان آن دو [گروه بهشتیان و دوزخیان] حائلی است، و بر اعراف، مردانی [با مقام و منزلت اند] که هر کدام از دو گروه را به نشانه هایشان می شناسند، و بهشتیان را که وارد بهشت نشده اند، ولی ورود به آن را امید دارند، آواز می دهنند که درود بر شما. (۴۶)

وَإِذَا صُرِفتْ أَبْصَارُهُمْ تَلَقَّاءً أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۷)

و چون بهشتیان، چشمانشان ناخواسته به سوی دوزخیان گردانده شود، گویند: پروردگار! ما را با گروه ستمکاران قرار مده. (۴۷)

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (۴۸)

و اهل اعراف مردانی را که از نشانه هایشان می شناسند، آواز می دهنند [و به عنوان سرزنش] می گویند: [امکانات مادیو] جمعیت [انسانی] شما و تکبری که می ورزیدید، عذابی را از شما دفع نکرد. (۴۸)

أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَفْسَمْتُمْ لَا يَتَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةِ اذْهَلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۴۹)

[سپس با توجه دادن دوزخیان به سوی اهل ایمان می گویند:] آیا اینان کسانی نبودند که در دنیا سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نمی رساند؟ [پس به مؤمنان می گویند:] بهشت در آید که نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید. (۴۹)

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن أَفِضُّوا عَلَيْنَا مِنَ الْكَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقْنَاكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و دوزخیان بهشتیان را آواز می دهنند که از آب [خوشگوار] یا از آنچه خدا روزی شما فرموده بر ما فرو ریزید. [بهشتیان] گویند: خدا آب و نعمت های بهشتی را بر کافران حرام کرده است. (۵۰)

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهُوا وَلَعِبَا وَغَرَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۵۱)

آنان که دینشان را سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت، پس ما امروز از یاد می بریمیشان، همان گونه که آنان دیدار امروزشان را از یاد برداشتند و همواره آیات ما را انکار می کردند. (۵۱)

ص: ۱۵۶

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَلَّنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

و برای آنان کتابی [عظیم و با ارزش] آورده‌یم که آن را از روی دانشی [گستردگی و دقیق] بیان کردیم، در حالی که برای گروهی که ایمان آوردن، سراسر هدایت و رحمت است. (۵۲)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمٌ يَأْتِي تَأْوِيلُ الَّذِينَ نَسُواهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيُشْفَعُونَا لَنَا أَوْ نُزُدٌ فَنَعْمَلُ غَيْرَ الدِّيْنِ كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۵۳)

آیا [منکران قرآن برای باور کردن آن] جز تحقیق وعده هایش را انتظار می بردند؟! روزی که حقایق بیان شده در آن [به صورتی ظاهر و آشکار] بیاید، کسانی که از پیش، آن را فراموش کرده بودند، می گویند: یقیناً فرستاد گان پروردگار مان حق را آوردن [ولی ما آن را نپذیرفتیم]، پس آیا [در چنین روزی] شفاعت کنندگانی برای ما هست که ما را شفاعت کنند یا [به دنیا] باز گردانده می شویم تا کاری غیر آنچه انجام می دادیم، انجام دهیم؟! به راستی آنان [سرمایه] وجودشان را تباہ کردن و آنچه را به دروغ [به عنوان شریک خدا به خدا] نسبت می دادند [از دستشان رفت و] گم شد. (۵۴)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَوَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْنِيَ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

به یقین پروردگار شما خدادست که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت [فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش] چیره و مسلط شد، شب را در حالی که همواره با شتاب روز را می جوید بر روز می پوشاند، و خورشید و ماه و ستار گان را که مُسَخَّر فرمان اویند [پدید آورد]؛ آگاه باشید که آفریدن و فرمان [نافذ نسبت به همه موجودات] مخصوص اوست؛ همیشه سودمند و با برکت است، پروردگار عالمیان. (۵۴)

اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْنَدِينَ (۵۵)

پروردگارتان را از روی فروتنی و زاری و مخفیانه بخوانید [و از آداب و شرایط دعا تجاوز نکنید]؛ یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد. (۵۵)

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

و در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید، و خدا را از روی بیم و امید بخوانید، که یقیناً رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. (۵۶)

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَفْلَثَ سَيْحَانًا ثِقَالًا مُّقْنَاهًا لِيَلْمِدِ مَيِّتًا فَأَنْزَلَنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الْثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۵۷)

و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مژده دهنده می فرستد تا هنگامی که ابرهای سنگین بار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده می رانیم، پس به وسیله آن باران نازل می کنیم و به وسیله باران از هر نوع میوه [از زمین] بیرون می آوریم [و] مردگان را نیز [در روز قیامت] این گونه [از لابلای گورها] بیرون می آوریم، [باد، ابر، باران، زمین، رویدن گیاهان

و انواع میوه ها را مثل زدیم] تا متذکر و یادآور [اراده و قدرت بی نهایت خدا] شوید. (۵۷)

ص: ۱۵۷

وَالْبَلْدُ الطَّيْبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ يَادِنْ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبْثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِّدًا كَذِلِكَ نُصَرِّفُ الْأُيَّاتِ لِقَوْمٍ يَسْكُرُونَ (۵۸)

و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می آید، و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی سود از آن بیرون نمی آید؛ این گونه نشانه ها را برای گروهی که سپاس گزارند [به صورت های گوناگون] بیان می کنیم. (۵۸)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِي اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۵۹)

به یقین، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس به آنان گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، که شما را جز او معبدی نیست، من قطعاً از عذاب روزی بزرگ بر شما می ترسم. (۵۹)

قَالَ الْمَلَائِكَةِ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۶۰)

اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار می بینیم! (۶۰)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالٌ وَلَكُنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۱)

گفت: ای قوم من! هیچ گمراهی و انحرافی در من نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیام. (۶۱)

أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصُحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۲)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم، و برای شما خیرخواهی می کنم و از سوی خدا حقایقی را می دانم که شما نمی دانید. (۶۲)

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرُ مَنْ رَبَّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مَنْكُمْ لَيْسَرُكُمْ وَلَتَسْتَقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۶۳)

آیا تعجب کردید که بر مردی از جنس خودتان معارفی از سوی پروردگار تان آمده تا شما را [از عذاب دنيا و آخرت] بیم دهد، و تا شما پرهیز کاري کنید و برای اينکه مورد رحمت قرار گيريد؟! (۶۳)

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعْهُ فِي الْفُلْكِ وَأَعْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (۶۴)

پس او را تکذیب کردند، ما هم او و کسانی که در کشتی همراهش بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم؛ زیرا آنان گروهی کوردل بودند. (۶۴)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمَ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۶۵)

و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدا را پرسنید که شما را جز او معبودی نیست، آیا [از رشتی ها] نمی پرهیزید؟ (۶۵)

قالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۶۶)

اشراف و سران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را در سبک مغزی و نادانی می بینیم و تو را از دروغگویان می پنداریم!! (۶۶)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنَّى رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۷)

گفت: ای قوم من! در من هیچ سبک مغزی و نادانی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیام. (۶۷)

ص: ۱۵۸

أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّيْ وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (۶۸)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی آمینم. (۶۸)

أَوْعِجِتُمْ أَنْ حَيَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مَنْكُمْ لَيْسَ ذِكْرُكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِهِ قَوْمٌ نُوحٌ وَزَادُكُمْ فِي الْحَلْقِ
بَسْطَهُ فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۶۹)

آیا تعجب کردید که بر مردی از جنس خودتان معارفی از سوی پروردگارتان آمده تا شما را [از عذاب دنيا و آخرت] بيم دهد؟! و به ياد آوريد که شما را جانشيناني پس از قوم نوح قرار داد، و شما را در آفرينش [جسم و جان] نيرومندی و قدرت افروز، پس نعمت های خدا را به ياد آوريد تا رستگار شويد. (۶۹)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتَتَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷۰)

گفتند: آیا به سوی ما آمده ای که ما فقط خدا را پرسیم، و آنچه را پدرانمان می پرسیمند و اگذاریم؟ اگر از راستگویانی آنچه را از عذاب و گزند به ما وعده می دهی برای ما بیاور. (۷۰)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتَجَادِلُونِي فِي أَسْيَمَاءِ سَيِّمَتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوْا
إِنِّي مَعْكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ (۷۱)

گفت: یقیناً از سوی پروردگارتان بر شما عذاب و خشمی مقرر شده، آیا درباره نام های [بی هویتی] که خود و پدرانتان بت ها را به آن نامیده اید، و خدا هیچ دلیل و برهانی بر [حقایقت] آنان نازل نکرده با من مجادله و سیزه می کنید؟ پس منتظر [عذاب خدا] باشید و من هم با شما از منتظرانم. (۷۱)

فَأَنْجِينَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةِ مَنَا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الدِّينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۷۲)

پس [هنگام نزول عذاب] او و کسانی را که همراهش بودند به رحمتی از سوی خود نجات دادیم و بنیاد آنان که آیات ما را تکذیب کردند و مؤمن نبودند، برکنديم. (۷۲)

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمَ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بِيَنَّهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَيْنِهِ نَافَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَهُ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَا خُذُّكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ (۷۳)

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدا را پرسید که شما را جز او معبدی نیست، برای شما دلیلی روشن از جانب پروردگار تان آمده است، این ماده شتر [از سوی] خدا برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت من] است، پس او را واگذارید تا در زمین خدا بخورد و آزار و گرندنی به او نرسانید که عذابی در دنیا ک شما را خواهد گرفت. (۷۳)

ص: ۱۵۹

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَخَذُونَ مِنْ سُبُّهُولَهَا قُصُورًا وَتَتْحِتُونَ الْجِبَالَ يُبَيَّنُوا فَأَذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۷۴)

و به یاد آورید که خدا شما را جانشینانی پس از قوم عاد قرار داد، و در زمین، جای [مناسبی] به شما بخشید که از مکان های هموارش برای خود قصرها بنا می کنید، و از کوه ها خانه هایی می تراشید، پس نعمت های خدا را یاد کنید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید. (۷۴)

قَالَ الْمَلَائِكَةُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُهُمْ وَنَأَنَّ صَالِحًا مُرْسَلًا مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِيَدِنَا أَرْسَلَ إِلَيْهِ مُؤْمِنُونَ (۷۵)

اشراف و سران قومش که تکبر و سرکشی می ورزیدند به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا شما یقین دارید که صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده؟ گفتند: به طور یقین ما به آینی که فرستاده شده مؤمنیم. (۷۵)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۷۶)

مستکبران گفتند: ما به آینی که شما به آن ایمان آوردید، کافریم! (۷۶)

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَنَّ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷۷)

پس آن ماده شتر را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچی نمودند و به صالح گفتند: اگر از پیامبران هستی عذابی که همواره به ما وعده می دهی، بیاور. (۷۷)

فَأَخَذَهُمُ الرَّجْفَهُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (٧٨)

پس زلزله ای سخت آنان را فرا گرفت، و در خانه هایشان [به رو درافتاده] جسمی بی جان شدند! (٧٨)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمٍ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَهُ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنَ لَا تُجِبُونَ النَّاصِحِينَ (٧٩)

پس صالح از آنان روی گرداند و گفت: ای قوم من! قطعاً من پیام پروردگارم را به شما رساندم، و برایتان خیرخواهی کردم، ولی شما خیرخواهان را دوست ندارید. (٧٩)

وَلُوَطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (٨٠)

ولوط را [به یاد آورید] هنگامی که به قومش گفت: آیا آن کار بسیار زشت و قبیح را که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است، مرتكب می شوید؟! (٨٠)

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسِرِّفُونَ (٨١)

شما [بدون توجه به حقوق همسران و غافل از اینکه نعمت غریزه جنسی برای بقای نسل است] از روی میل شدیدی که به آن [کار بسیار زشت] دارید به سوی مردان می آید، [نه فقط در این کار متجاوز از حدود انسانیت هستید] بلکه در امور دیگر هم گروهی زیاده طلب هستید. (٨١)

ص: ١٦٠

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَاتُكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (٨٢)

و پاسخ قومش جز این نبود که به یکدیگر گفتند: اینان را از شهرتان بیرون کنید؛ زیرا مردمانی اند که همواره خود را پاک نشان می دهند. (٨٢)

فَأَنْجِنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتُهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (٨٣)

پس او و اهلش را نجات دادیم مگر همسرش که از باقی ماندگان [در میان کافران] بود. (٨٣)

وَأَنْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُجْرِمِينَ (٨٤)

و بر آنان بارشی [بی نظری از سنگ های آتشین] باراندیم، پس با تأمل بنگر که سرانجام گنهکاران چگونه بود؟! (٨٤)

وَإِلَى مَيْدَنِ أَخَاهُمْ شُعَيْمَا قَالَ يَا قَوْمٍ اعْبَدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتُكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٨٥)

و به سوی مردم مدين، برادرشان شعيب را [فرستاديم،] گفت: اي قوم من! خدا را بپرستيد که شما را جز او معبدی نیست، يقيناً برهانی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آمد، پس پیمانه و ترازو را تمام و کامل بدهيد، و از اجناس و اموال و حقوق مردم مکاهيد، و در زمين پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنيد، اين [امور] برای شما بهتر است، اگر مؤمنيد. (۸۵)

وَلَا تَقْعِدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجاً وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلاً فَكَثُرْ كُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبُهُ الْمُفْسِدِينَ (۸۶)

و بر سر هر راهی منشينيد که کسانی را که به خدا ايمان آورده اند [به مصادره اموال، شکنجه و باج خواهی] بتراسانيد، و از راه خدا بازداريد، و بخواهيد آن را [با وسوسه و اغواگری] کچ نشان دهيد؛ و به ياد آورديد زمانی که جمعيت اندکي بوديد، ولي [پروردگارتان] شما را فزونی داد، و با تأمل بنگريid که سرانجام مفسدين و تبهکاران چگونه بود؟ (۸۶)

وَإِنْ كَانَ طَائِفَهُ مِنْكُمْ آمُنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَهُ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بِيَنَّا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۷)

و اگر گروهی از شما به آيني که من به آن فرستاده شده ام، ايمان آوردنده و گروهی ايمان نياوردنده، پس [شما مؤمنان] شکيبائي ورزيد تا خدا ميان ما داوری کند، که او بهترین داوران است. (۸۷)

ص: ۱۶۱

جزء ۹

ادامه سوره الأعراف

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْخِرَجَنَّكَ يَا شُعَيْبَ وَالَّذِينَ آمُنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَاتَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (۸۸)

اشراف و سران قومش که [از پذيرفن حق] تکبر ورزیدند، گفتند: اي شعيب! مسلماً تو و کسانی را که با تو ايمان آورده اند از شهرمان بیرون می کنيم یا اينکه بی چون و چرا به آين ما باز گردید. گفت: آيا هر چند که نفرت و کراحت [از آن آين] داشته باشيم؟! (۸۸)

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عِدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعِيدًا إِذْ تَجَاءَ اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعْوَدْ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسَعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا افْتَخَ بَيْنَنَا وَيَنْ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (۸۹)

اگر پس از آنکه خدا ما را از آن [آين شرك آلوود] نجات داده به آين شما باز گرديم [و بگويم: خدا داري شريک و همتاست] يقيناً بر خدا دروغ بسته ايم؛ بنابراين امكان ندارد به آين شما باز گرديم، مگر اينکه خدا که پروردگار ماست بخواهد [که او هم مشرك شدن و کافر شدن کسی را هرگز نمی خواهد] پروردگار ما از نظر دانش بر همه چيز احاطه دارد،

فقط بر خدا توکل کردیم. پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی. (۸۹)

وَقَالَ الْمُلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شَعِيْبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُوْنَ (۹۰)

و اشراف و سران کافر قومش [به مردم] گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید، مسلمًا شما هم از زیانکارانید. (۹۰)

فَأَخَذَتُهُمُ الرَّجْفَهُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِيْنَ (۹۱)

پس زلزله ای سخت آنان را فراگرفت و در خانه هایشان [به رو درافتاده] جسمی بی جان شدند! (۹۱)

الَّذِيْنَ كَذَّبُوا شُعِيْبًا كَانَ لَمْ يَعْنُوا فِيْهَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوا شُعِيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِيْنَ (۹۲)

کسانی که شعیب را تکذیب کردند [چنان نابود شدند که] گویی در آن شهر سکونت نداشتند، [آری،] آنان که شعیب را تکذیب کردند، همان زیانکاران بودند. (۹۲)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّيْ وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِيْنَ (۹۳)

پس شعیب از آنان روی گردانید و گفت: ای قوم من! یقیناً من پیام های پروردگارم را به شما رساندم، و برای شما خیرخواهی کردم، با این حال چگونه بر گروهی که کافرنده دریغ و تأسف خورم؟ (۹۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَهٖ مِنْ نَبِيًّا إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَرَّعُونَ (۹۴)

هیچ پیامبری را در شهری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به تهییدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [به پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند. (۹۴)

ثُمَّ بَدَّنَا مَكَانَ السَّيِّئَهِ الْحَسَنَهِ حَتَّى عَفَوَا وَقَالُوا قَدْ مَسَ آبَاءَنَا الضَّرَاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بِعَنْهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹۵)

سپس [هنگامی که این مصایب، مایه بیداری آنان نشد] به جای آن مصایب، رفاه و فراوانی نعمت قرار دادیم تا [ازنظر مال، ثروت، جمعیت و قدرت] فزوی یافتند، [بلکه بیدار شوند ولی رفاه و فراوانی نعمت در بیدار کردنشان مؤثر نیفتاد] و گفتند: به پدران ما هم به طور طبیعی تهییدستی و سختی و رنج و بیماری رسید [و ربطی به رویارویی ما با پیامبران و خشم خدا نداشت]؛ پس به ناگاه آنان را در حالی که درک نمی کردند [به عذابی سخت و نابود کننده] گرفتیم. (۹۵)

ص: ۱۶۲

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلِكِنَ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آورند و پرهیز کاری پیشه می کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند

[به عذابی سخت] گرفتیم. (۹۶)

أَفَمِنْ أَهْلُ الْقُرْيَ أَنْ يَأْتِيهِمْ بِأَسْنَا بَيَاتٍ وَهُمْ نَائِمُونَ (۹۷)

آیا اهل شهرها ایمنند از اینکه هنگام شب، عذاب ما در حالی که خوابند بر آنان درآید؟! (۹۷)

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرْيَ أَنْ يَأْتِيهِمْ بِأَسْنَا ضَحَّى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۹۸)

آیا اهل شهرها ایمنند از اینکه هنگام روز، عذاب ما در حالی که سرگرم [امور دنیایی] اند بر آنان درآید؟! (۹۸)

أَفَمُنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمُنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (۹۹)

آیا از عذاب و انتقام خدا ایمنند در حالی که جز گروه زیانکاران خود را از عذاب و انتقام خدا ایمن نمی دانند؟! (۹۹)

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنَّ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

آیا [سرگذشت عبرت آموز پیشینیان] برای کسانی که زمین را پس از صاحبانش به ارث می برنند، روشن نکرده که اگر ما بخواهیم آنان را به کیفر گناهانشان می رسانیم و بر دل هایشان مهر می زنیم، پس آنان [دعوت حق را] نشنوند؟ (۱۰۰)

تِلْمِكَ الْقُرْيَ نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَبْنَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتُهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لَيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا مِنْ قَبْلٍ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (۱۰۱)

این شهرهاست که بخشی از داستان هایش را برای تو بیان می کنیم، و یقیناً پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردنده، ولی آنان بر آن نبودند که به حقایقی که پیش از آمدن آن دلایل تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند؛ این گونه خدا بر دل های کافران [به سزای لجاجت و عنادشان] مهر می زند. (۱۰۱)

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (۱۰۲)

و برای بیشتر آنان هیچ گونه پای بندی و تعهدی [نسبت به وعده هایشان مبنی برایمان آوردن پس از دیدن معجزات و دلایل] نیافتیم، و در حقیقت بیشتر آنان را نافرمان [و پیمان شکن] یافتیم. (۱۰۲)

ثُمَّ بَعْثَنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُفْسِدِينَ (۱۰۳)

سپس بعد از پیامبران گذشته موسی را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف و سران قومش فرستادیم؛ ولی آنان به آن آیات ستم ورزیدند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدین و تبهکاران چگونه بود؟ (۱۰۳)

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۴)

وموسی گفت: ای فرعون! یقیناً من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۱۰۴)

ص: ۱۶۳

حَقِيقٌ عَلَى أَن لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَهُ مِن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَّنِي إِسْرَائِيلَ (۱۰۵)

سروار است که درباره خدا سخنی جز حق نگویم. بی تردید من دلیلی روشن [بر صدق رسالت] از سوی پروردگار تان برای شما آورده ام، [از حکومت ظالمانه ات دست بردار] و بنی اسرائیل را [برای کوچ کردن از این سرزمین] با من روانه کن. (۱۰۵)

قَالَ إِن كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأُتْ بِهَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۰۶)

[فرعون] گفت: اگر [در ادعای پیامبری] از راستگویانی چنانچه معجزه ای آورده ای آن را ارائه کن. (۱۰۶)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعبَانٌ مُّمِينٌ (۱۰۷)

پس موسی عصایش را انداخت، پس به ناگاه اژدهایی آشکار شد. (۱۰۷)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ يَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (۱۰۸)

و دستش را از گریبانش بیرون کشید که ناگاه دست برای بینندگان سپید و درخشان گشت. (۱۰۸)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيهِمْ (۱۰۹)

اشراف و سران قوم فرعون گفتند: قطعاً این جادوگری [زبردست و] داناست. (۱۰۹)

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۱۱۰)

می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ اینک [درباره او] چه رأی و نظری می دهید؟ (۱۱۰)

قَالُوا أَرْجِهُ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاسِرِينَ (۱۱۱)

گفتند: [مجازات] او و برادرش را به تأخیر انداز و نیروهای گردآورنده را به شهرها روانه کن. (۱۱۱)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيهِ (۱۱۲)

تا هر جادوگری دانا را به نزد تو آورند. (۱۱۲)

وَجَاهَ السَّحَرَهُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۱۱۳)

و جادوگران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: آیا اگر پیروز شویم، حتماً برای ما پاداش و مزد قابل توجهی خواهد بود؟ (۱۱۳)

قالَ نَعَمْ وَإِنْكُمْ لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ (۱۱۴)

گفت: آری، و یقیناً از مقربان خواهید بود. (۱۱۴)

قالُوا يَا مُوسَى إِنَّا أَنْتُمْ قَرِيبُونَ وَإِنَّا أَنْتُمْ نَحْنُ الْمُلْقِيْنَ (۱۱۵)

جادوگران گفتند: ای موسی! یا تو [چوب دست خود را] بینداز، یا اینکه ما می اندازیم. (۱۱۵)

قالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَأَسْتَرُهُمْ وَجَاءُوا بِسُحْرٍ عَظِيمٍ (۱۱۶)

[موسی] گفت: شما بیندازید. هنگامی که انداختند، چشم های مردم را جادو کردند و آنان را سخت ترساندند، و جادویی بزرگ و شگفت آور به میان آوردند. (۱۱۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَيْ مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷)

و به موسی وحی کردیم: عصایت را بینداز. ناگهان آنچه را جادوگران به دروغ باfte بودند، به سرعت بلعید! (۱۱۷)

فَوَقَعَ الْحُكْمُ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸)

پس حق ثابت شد و آنچه را همواره جادوگران [به عنوان سحر] انجام می دادند، باطل و پوچ گشت. (۱۱۸)

فَغَلَبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (۱۱۹)

پس [فرعونیان] در آنجا مغلوب شدند و با ذلت و خواری بازگشتند. (۱۱۹)

وَأَلْقِي السَّحَرُهُ سَاجِدِينَ (۱۲۰)

و جادوگران [با دیدن آن معجزه عظیم و باطل شدن سحر خویش] به سجده افتادند. (۱۲۰)

ص: ۱۶۴

قالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۱)

گفتند: [از روی حقیقت] به پروردگار جهانیان ایمان آوردهیم، (۱۲۱)

رَبُّ مُوسَى وَهَارُونَ (۱۲۲)

پروردگار موسی و هارون. (۱۲۲)

قالَ فِرْعَوْنُ آمَّتُم بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرٌ تُمُواهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسُوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۲۳)

فرعون گفت: آیا پیش از آنکه من به شما اجازه دهم به او ایمان آور دید؟! مسلمًا این توطه و نیرنگی است که [شما و موسی] در این شهر برپا کرده اید تا مردمش را از آن بیرون کنید، ولی به زودی خواهید دانست. (۱۲۴)

لَا ظَعَنَ أَيْدِيْكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَا صَلَبَنَكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۲۴)

قطعاً دست ها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست جدا می کنم، سپس همه شما را به دار خواهم آویخت. (۱۲۴)

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنَقَّلِبُونَ (۱۲۵)

گفتند: ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم [بنابراین ترسی از مجازات تو نداریم]. (۱۲۵)

وَمَا تَنِقْمُ مِنَا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا أَفْرَغْ عَلَيْنَا صَبَرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶)

و تو ما را جز به این سبب به کیفر نمی رسانی که ما به آیات پروردگارمان هنگامی که به سوی ما آمد، ایمان آور دیم. [آن گاه به دعا روی آوردن و گفتند: پروردگارا! صبر و شکیایی بر ما فرو ریز و ما را در حالی که تسليم [فرمان ها و احکام] باشیم، بمیران. (۱۲۶)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُقْسِمَ الدُّرُجَاتُ فِي الْأَرْضِ وَيَذْرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَيُنْقَتَلُ أَبْنَاءُهُمْ وَسَيُتَحْيَى نِسَاءُهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (۱۲۷)

اشراف و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در این سرزمین فساد و تباہی کنند و تو و معبد های را واگذار ندی؟ گفت: به زودی پسرانشان را به صورتی وسیع و گسترده به قتل می رسانیم و زنانشان را زنده می گذاریم و ما بر آنان چیره و مسلطیم. (۱۲۷)

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُو بِاللَّهِ وَاصْرِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱۲۸)

موسی به قومش گفت: از خدا یاری بخواهید، و شکیایی ورزید، یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می بخشد، و سرانجام نیک، برای پرهیز کاران است. (۱۲۸)

قَالُوا أُوذِنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عِدْوَكُمْ وَيَسِّرْ تَحْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرْ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۲۹)

گفتند: پیش از آنکه تو نزد ما بیایی شکنجه و آزار شدیم، و نیز پس از آنکه آمده ای [مورد شکنجه و آزاریم]. گفت: امید

است که پروردگارتان دشمنانتان را نابود کند، و شما را در این سرزمین، جانشین [آنان] گرداند، پس بنگرد که شما [پس از فرعونیان] چگونه عمل می کنید؟ (۱۲۹)

وَلَقَدْ أَخْذَنَا آلٌ فِرْعَوْنَ بِالسَّيْئَنَ وَنَفْصٍ مِّنَ النَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۳۰)

و فرعونیان را به قحطی و خشکسالی های متعدد و کمبود بسیار شدید بخشی از محصولات دچار نمودیم تا متذکر شوند. (۱۳۰)

ص: ۱۶۵

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسِينَةُ قَالُوا لَنَا هَيْنِهِ وَإِنْ تُصَبِّهُمْ سَيِّئَةً يَطْبَرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعْهُ أَلَا إِنَّمَا طَابِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳۱)

پس هنگامی که رفاه و نعمت به آنان روی می کرد، می گفتند: این به سبب [شاپستگی] خود ماست، و چون گزند و آسیبی به آنان می رسید، به موسی و همراهانش فال بد می زدند؛ آگاه باشد که [سررشته و] علت شومی و نحوست فرعونیان [که عکس العمل زشتی های خود آنان است] نزد خدادست، ولی بیشترشان نمی دانند. (۱۳۱)

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لَتُسْخِرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

فرعونیان گفتند: [ای موسی! از دعوت دست بردار که] هر چه را به عنوان معجزه برای ما بیاوری تا به وسیله آن ما را جادو کنی به تو ایمان نمی آوریم. (۱۳۲)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُملَ وَالضَّفَادَعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبِرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۱۳۳)

پس ما توفان و هجوم ملخ و شپش و قورباغه و آلوده شدن وسائل زندگی را به خون که عذاب های گوناگونی بود به سوی آنان فرستادیم، باز هم تکبر و سرکشی کردند و گروهی مجرم و گناهکار بودند. (۱۳۳)

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَتُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنْرِسْلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۳۴)

و هر گاه عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: ای موسی! پروردگارت را به پیمانی که با تو دارد [و آن مستجاب کردن دعای توست] برای ما بخوان که اگر این عذاب را از مابطرف کنی یقیناً به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را با تو روانه می کنیم. (۱۳۴)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجْلٍ هُمْ بِالْغُوْهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (۱۳۵)

پس هنگامی که عذاب را تا مدتی که [می باید همه] آنان به پایان مهلات آن می رسیدند از ایشان برطرف کردیم، به دور از

انتظار پیمانشان را می شکستند. (۱۳۵)

فَأَنَّتَقْمَنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۳۶)

نهایتاً به سبب اینکه آیات ما را تکذیب کردند، و از آنها غافل و بی خبر بودند، از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم. (۱۳۶)

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَصْعِفُونَ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى يَنِى إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (۱۳۷)

و به آن گروهی که همواره ناتوان و زبونشان شمرده بودند، نواحی شرقی و غربی آن سرزمین را که در آن [از جهت فراوانی نعمت، ارزانی و حاصل خیزی] برکت قرار داده بودیم، بخشدیدم؛ و عده نیکوتر و زیباتر پروردگارت بر بنی اسرائیل به [پاداش] صبری که [بر سختی ها و بلاها] کردند تحقق یافت، و آنچه را که همواره فرعون و فرعونیان [از کاخ و قصرهای مجلل] و سایه بان های خوش نشین می افراشتند، نابود کردیم. (۱۳۷)

ص: ۱۶۶

وَجَاؤْنَا يَبْيَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْيَانَامِ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۱۳۸)

و بنی اسرائیل را از دریا [یی که فرعونیان را در آن غرق کردیم] عبور دادیم؛ پس به گروهی گذر کردند که همواره بر پرستش بت های خود ملازمت داشتند، گفتند: ای موسی! همان گونه که برای آنان معبدانی است، تو هم برای ما معبدی قرار بده!! موسی گفت: قطعاً شما گروهی هستید که جهالت و نادانی می ورزید. (۱۳۸)

إِنَّ هُؤُلَاءِ مُتَّبِرُ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۹)

بی تردید آنچه اینان در آن قرار دارند [و آن عقاید شرک آلد و آین بت پرستی است] نابود شده و فاسد است، و آنچه همواره انجام می دهند، باطل و بیهوده است. (۱۳۹)

قَالَ أَغَيْرُ اللَّهِ أَبْغِيْكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَلَّكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۴۰)

[موسی با یک دنیا شگفتی و تعجب] گفت: آیا غیر خدا را [که هیچ گونه شایستگی پرستش ندارد] به عنوان معبد برایتان طلب کنم؟ در حالی که اوست که شما را بر جهانیان [روزگارتان] برتری داد. (۱۴۰)

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۱۴۱)

و [یاد کنید] هنگامی را که شما را از [چنگال ظالمانه] فرعونیان نجات دادیم، هم آنان که شما را به سخت ترین صورت

شکنجه می کردند، [و به شکلی گسترده] پسروانتان را می کشتند، و زنانتان را [برای به عزا نشستن در مرگ پسران و بیگاری] زنده می گذاشتند، و برای شما در این [امور] آزمایشی بزرگ از سوی پروردگاریان بود. (۱۴۱)

وَأَعْدُنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (۱۴۲)

و با موسی [برای عبادتی ویژه و دریافت تورات] سی شب وعده گذاشتیم و آن را با [افزومن] ده شب کامل کردیم، پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت، و موسی [هنگامی که به میعادگاه می رفت] به برادرش هارون گفت: در میان قوم جانشین من باش و به اصلاح برخیز و از راه و روش مفسدان پیروی مکن. (۱۴۲)

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَ مَكَانَهُ فَسُوفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۴۳)

زمانی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با وی سخن گفت، عرض کرد: پروردگار! جمال با کمال ذات بی نهایت را [به قلب من] بنمای تا تو را [به رؤیت ویژه باطنی] بنگرم. خدا فرمود: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به این کوه بنگر اگر [پس از جلوه من] بر جای خود ثابت و برقرار ماند، تو هم مرا خواهی دید. چون پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را متلاشی نمود و موسی بی هوش شد، پس هنگامی که به هوش آمد گفت: تو منزه‌ی [از اینکه مشاهده شوی،] به سویت بازگشتم، و من [در میان مردم این روزگار] نخستین باور کننده [این حقیقت که هرگز دیده نمی شوی] هستم. (۱۴۳)

ص: ۱۶۷

قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِّنَ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

[خدا] فرمود: ای موسی! من تو را به [ابلاغ] پیام هایم و به سخن گفتنم با تو بر همه مردم برگزیدم؛ پس آنچه را [از پیام هایم] به تو دادم، دریافت کن، [وبه کار بند] و از سپاس گزاران باش. (۱۴۴)

وَكَبَتَنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَهٖ وَتَفْصِيَّهٖ لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّهٖ وَأَمْرُ قَوْمَكَ يَاخْذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأْرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (۱۴۵)

و برای او در الواح [تورات] از هر چیزی [که در باب دین مورد نیاز مردم باشد] پندی و برای هر چیزی [که تأمین کننده هدایت انسان ها باشد] سخنی روشن نوشتیم؛ پس [به او گفتیم:] آن را با قدرت [ی تمام و عزمی استوار] دریافت کن، [وبه کار بند] و قوم خود را فرمان ده که آن را به نیکوترین صورت دریافت کنند [وبه کار بندند]. به زودی سرای فاسقان را [که در دنیا ویرانی کاخ ها و خانه های آنان، و در آخرت دوزخ است] به شما نشان می دهم. (۱۴۵)

سَاصِيرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَهٖ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيْرِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۴۶)

به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق گردنکشی و تکبیر می کنند از [فهم] آیاتم بازمی دارم که اگر هر آیه ای را بینند، به آن ایمان نمی آورند و چون راه هدایت را مشاهده کنند، آن را راه و رسم زندگی نگیرند و اگر راه گمراهی را بینند، آن را راه و روش خود گیرند؛ این [بازداشت از فهم آیاتم] به سبب آن است که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل و بی خبر بودند. (۱۴۶)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءُ الْآخِرَةِ حِبْطٌ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۷)

و آنان که آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، اعمالشان تباہ و بی اثر شد. آیا جز به آنچه همواره [بر طبق کفر و انحرافشان] انجام می دادند، کیفر داده می شوند؟! (۱۴۷)

وَاتَّخَذَ قَوْمٌ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلَيَّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُواْرُ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَيِّلًا اتَّخُذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ (۱۴۸)

و قوم موسی پس از [رفتن] او [به میعاد گاه پرورد گار]، از زیورهای خود مجسمه گوساله ای ساختند که صدای گاو داشت! آیا نمی دیدند که آن مجسمه با آنان سخن نمی گوید و آنان را به راهی هدایت نمی کند؟! [ولی با روشن بودن این حقیقت که مجسمه ای بیش نیست و هیچ کاری از دستش بر نمی آید] آن را [به عنوان معبدی برای پرستش] گرفتند و [در صورتی که در این انتخاب] از ستمکاران بودند. (۱۴۸)

وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأُوا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَعْفُرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۱۴۹)

و هنگامی که به شدت پشیمان شدند [و به باطل بودن گوساله پرستی آگاه گشتند] و دانستند که قطعاً گمراه شده اند، گفتند: اگر پرورد گارمان به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، یقیناً از زیانکاران خواهیم بود. (۱۴۹)

ص: ۱۶۸

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبًا أَسِفًا قَالَ بِسْمًا حَلْفَتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجِلُتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخْذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجْرُهُ إِلَيْهِ قَالَ أَبْنَ أَمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۵۰)

و هنگامی که موسی [پس از آگاهی از آن پیش آمد خطرناک] خشمگین و بسیار اندوهناک به سوی قومش بازگشت، گفت: پس از من بد جانشینانی برایم بودید، آیا [با پرستش گوساله] بر فرمان پرورد گارتان [که در تورات آمده] پیشی گرفتید [و صبر نکردید تا من بیایم و فرمان خدا را به شما ابلاغ کنم؟] و الواح را افکند و سر برادرش را گرفت [و با خشم] او را به سوی خود می کشید. [هارون] گفت: ای فرزند مادرم! این گروه مرا ناتوان وزبون شمردند، و نزدیک بود مرا به قتل برسانند، پس مرا با مؤاخذه کردنم دشمن شاد مکن، و [هم طراز] با گروه ستمکاران قرار مده. (۱۵۰)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنَّ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱۵۱)

[موسی] گفت: پرورد گارا! مرا و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت درآور، که تو مهربان ترین مهربانانی. (۱۵۱)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّنَاهُمْ غَصْبٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (١٥٢)

بی تردید کسانی که گواليه را [به پرستش] گرفتند، به زودی خشمی سخت از پروردگارشان، و خواری و ذلتی در زندگی دنیا به آنان خواهد رسید؛ و این گونه دروغ بافان را کیفر می دهیم. (۱۵۲)

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغُفُورٌ رَّحِيمٌ (١٥٣)

و آنان که مرتکب بدی ها شدند، سپس بعد از آن توبه کردند، وایمان آوردنده [امیدوار باشند که] یقیناً پروردگارت پس از آن [توبه وایمان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۵۳)

وَلَمَّا سَكَّتَ عَنْ مُوسَى الْعَصْبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (١٥٤)

وهنگامی که خشم موسی فرو نشست، الواح را بر گرفت، و در نوشته هایش برای کسانی که از [مخالفت با فرمان های] پروردگارشان می ترسند، هدایت و رحمت بود. (۱۵۴)

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَيْبَعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذْتُهُمُ الرَّجْفَهُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْنَاهُمْ مِّنْ قَبْلٍ وَإِيَّاهُ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَةٌ تُضْلِلُ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (١٥٥)

موسی از میان قومش هفتاد مرد را برای میعادگاه ما بر گزید؛ پس هنگامی که [به سبب درخواست نابجايشان] آن زلزله شدید نابود کننده، آنان را فرا گرفت، گفت: پروردگار! اگر می خواستی می توانستی همه آنان و مرا پیش از این هلاک کنی [ای کاش پیش از این هلاک می کردی تا بنی اسرائیل گمان نکنند که مرا در این حادثه توطئه و مکری بوده] آیا مرا به خاطر گناهی که سبک مغزانمان مرتکب شدند، هلاک می کنی؟ این [حادثه] چیزی جز آزمایش تو نیست، هر که را بخواهی [به آزمایشت] گمراه می کنی، و هر که را بخواهی هدایت می نمایی، تو سرپرست و یاور مایی، ما را بیامز و به ما رحم کن که تو بهترین آمرزنده گانی. (۱۵۵)

ص: ۱۶۹

وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هِيَذِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَهِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أَصِيبُ بِهِ مِنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعْتُ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (١٥٦)

و برای ما در این دنیا و آخرت، نیکی مقرر کن که ما به سوی تو بازگشته ایم. خدا فرمود: عذابیم را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، پس به زودی آن را برای کسانی که [از شرک، کفر، بت پرستی و ارتداد] می پرهیزند و زکات می پردازند و به آیاتم ایمان می آورند، مقرر و لازم می دارم. (۱۵۶)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ الْبَيْهِيَ الْأَمَّيَ الَّذِي يَحِلُّونَهُ مَكْتُوبًا عِنْهُمْ فِي التَّوْرَاهِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضْعُعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَأَتَبَعُوا النُّورَ

همان کسانی که از این رسول و پیامبر «ناخوانده درس» که او را نزد خود [با همه نشانه‌ها و اوصافش] در تورات وانجیل نگاشته می‌یابند، پیروی می‌کنند؛ پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد، و از اعمال زشت بازمی‌دارد، و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید، و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند، و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره‌ها [ی جهل، بی خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی‌دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را [در برابر دشمنان] حمایت کردند و یاریش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، فقط آنان رستگارانند. (۱۵۷)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمْتَطِّ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۸)

بگو: ای مردم! یقیناً من فرستاده خدا به سوی همه شما یم؛ خدایی که مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست، جز او معبدی نیست، زنده می‌کند و می‌میراند، پس به خدا و رسول او پیامبر ناخوانده درس که به خدا و تمام سخنان او ایمان دارد، ایمان بیاورید، و از او پیروی کنید تا هدایت یابید. (۱۵۸)

وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۵۹)

و از قوم موسی گروهی هستند که مردم را با [موازین و روش‌های] حق هدایت می‌کنند و به درستی و راستی داوری می‌نمایند. (۱۵۹)

ص: ۱۷۰

وَقَطَّنَاهُمْ أَشْتَهِي عَشْرَهُ أَسْبَاطًا أَمْمًا وَأُوْحِيَنَا إِلَى مُوسَى إِذَا اسْتَشْفَاهَ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بَعْصَاهُ الْحَجَرَ فَابْجَهَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَهُ عَيْنًا
قَدْ عَلِمْ كُلُّ أَنَّاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلَنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامُ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلَوَى كُلُّوا مِنْ طَيَّابَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۶۰)

و ما بنی اسرائیل را به دوازده قبیله که هر یک امتی بودند، تقسیم کردیم، و به موسی هنگامی که قومش از او درخواست آب کردند، وحی نمودیم که عصایت را بر این سنگ بزن؛ در نتیجه دوازده چشمه از آن جوشید؛ هر گروهی چشمی ویژه خود را شناخت؛ و ابر را بر سر آنان سایبان قرار دادیم، و برای آنان من و سلوی [یعنی ترنجین و مرغی مخصوص] نازل کردیم [و به آنان گفتیم]: از روزی‌های پاکیزه ای که به شما دادیم، بخورید. و [آنان با سرپیچی از فرمان‌های ما] بر ما ستم نکردند، ولی همواره بر خود ستم می‌ورزیدند. (۱۶۰)

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ أَسْكُنُوا هَذِهِ الْقُرْيَةَ وَكُلُّوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سِيَّجَدًا نَعْفِرْ لَكُمْ حَطِيَّاتُكُمْ سَيَّزِيدُ الْمُحْسِنِينَ
(۱۶۱)

و [یاد کنید] هنگامی را که به بنی اسرائیل گفته شد: در این شهر [بیت المقدس] سکونت گزینید، و از هر جا که خواستید

[از میوه و محصولاتش] بخورید، و بگویید: [خدایا! خواسته ما] ریزش گناهان است. و از دروازه [شهر یا درِ معبد] فروتنانه و سجده کنان درآید، تا گناهانتان را بیامرزم، قطعاً [پاداش] نیکوکاران را بیفزایم. (۱۶۱)

فَبَدَلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلَمُونَ (۱۶۲)

پس ستمکاران از آنان، سخنی را که [بیرون دروازه شهر] به آنان گفته شده بود [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر تبدیل کردند، [به جای درخواست ریزش گناهان درخواست امور مادی نمودند] نهایتاً به کیفر ستمی که همواره مرتكب می شدند، عذابی از آسمان بر آنان فرستادیم. (۱۶۲)

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْفَرِيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ إِذْ يَعْيِدُونَ فِي السَّبَتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَيَقِتُهُمْ شُرَرَّاعًا وَيَوْمَ لَا يَسْتَبُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ تَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۱۶۳)

از آنان سرگذشت شهری را که در ساحل دریا بود پرس، هنگامی که [اهلش] در [روز تعطیلی] شنبه [از حکم خدا] تجاوز می کردند؛ به این صورت که روز [تعطیلی] شنبه ماهی هایشان [به اراده خدا از اعماق آب به سوی ساحل می آمدند و] به روی آب آشکار می شدند و غیر شنبه ها نمی آمدند [و آنان بر خلاف حکم خدا در تعطیلی شنبه به صید می پرداختند؛] این گونه آنان را در برابر نافرمانی و فسقی که همواره داشتند، آزمایش می کردیم. (۱۶۳)

ص: ۱۷۱

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّهُ مِنْهُمْ لَمْ تَعْظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَالْوَا مَعِنْدِرَةٍ إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۶۴)

و گروهی از بنی اسرائیل [که در برابر بد کاری های دیگران ساکت بودند، به پند دهنده کان خیرخواه و دلسوز] گفتند: چرا گروهی را که خداهلاک کننده آنان یا عذاب کننده آنان به عذابی سخت است، پند می دهید؟ [پند دادن شما کاری ناجاست]. گفتند: برای اینکه در پیشگاه پروردگارمان [نسبت به رفع مسؤولیت خود] حجت و عذر داشته باشیم و شاید آنان از گناهانشان] پر هیزنند. (۱۶۴)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخْذَنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَيْسِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۱۶۵)

پس چون پندی را که به آنان داده شد، فراموش کردند [در لحظه نزول عذاب] پند دهنده کانی که مردم را از بدی ها بازمی داشتند، نجات دادیم و آنان را که ستم کردند به کیفر آنکه همواره نافرمانی می کردند، به عذابی سخت گرفتیم. (۱۶۵)

فَلَمَّا عَتَّوا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُنْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةَ حَاسِئِينَ (۱۶۶)

و هنگامی که از آنچه نهی شدند سرکشی کردند، به آنان گفتیم: به شکل بوزینگانی رانده شده درآید! (۱۶۶)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُوْمُهُمْ سُوءَ الْعَدَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۷)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد که بی تردید تا روز قیامت کسانی را بر ضد یهودیان [متجاوز و سرکش] برانگیزد و مسلط کند که همواره عذابی سخت به آنان بچشاند؛ مسلماً پروردگارت زود کیفر و یقیناً [نسبت به تائبان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۶۷)

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذِلِّكَ وَبَلَوْتَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۶۸)

و آنان را در زمین [به صورت] گروه گروه پراکنده کردیم، گروهی از آنان مردمی شایسته و گروهی از آنان غیر شایسته اند، و آنان را با خوشی ها و سختی ها آزمودیم، باشد که [غیر شایسته ها به صلاح، درستی، صواب و راستی] بازگردند. (۱۶۸)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَيْذَا الَّذِي وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مُّشْلُهٌ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخِذْ عَلَيْهِمْ مِّيقَاتُ الْكِتَابِ أَنَّ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالَّذِي الْآخِرُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶۹)

پس بعد از آنان جانشینانی [ناشایسته و گناهکار] که کتاب [تورات] را به ارث بردنده به جای ایشان قرار گرفتند، [آنان] متع پست و از دست رفتني این دنیا [ی زود گذر] را [از هر راه نامشروعی] به چنگ می زند و [به ناحق] می گویند: به زودی آمرزیده خواهیم شد. و [به سبب دنیا گرایی و غفلت از حقایق] اگر متع نامشروعی دیگر همانند متع اول به آنان برسد [باز هم] آن را به چنگ می زند؛ آیا از آنان در کتاب [تورات] در حالی که آنچه را در آن است مکرر خوانده و فهمیده اند، پیمان [محکم و استوار] گرفته نشده است که نسبت به خدا جز حق نگویند؟! [پس چرا آمرزشی که بدون توبه از حرام خواری و زشت کاری به آنان تعلق نمی گیرد به خدا نسبت می دهد؟] و سرای آخرت برای کسانی که [همواره از مال نامشروع و نسبت ناروا] می پرهیزند، بهتر است؛ آیا نمی اندیشید؟ (۱۶۹)

وَالَّذِينَ يُمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (۱۷۰)

و آنان که به کتاب [آسمانی] چنگ می زند [و عملاً به آیاتش پای بندند] و نماز را بر پا داشته اند [دارای پاداشند] یقیناً ما پاداش اصلاح گران را ضایع نمی کنیم. (۱۷۰)

ص: ۱۷۲

وَإِذْ نَتَقَنَا الْجَبَلَ فَوَقَهُمْ كَائِنَهُ ظُلْلَهُ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّهٖ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۱)

و [یاد کنید] هنگامی [را] که کوه [طور] را برکنديم، [و] چنان که گوibi سایبانی است بالاي سرشان قراردادیم و [به خاطر ضعف ایمان] پنداشتند که بر سرشان سقوط می کند. [به آنان گفتیم:] آنچه [از کتاب، شریعت و احکام] به شما داده ایم با قدرت [ی تمام و عزمی استوار] بگیرید، و آنچه [از معارف و حقایق] در آن است متذکر شوید [و فرا گیرید و همواره به خاطر داشته باشید] تا [با عمل به آن] پرهیز کار شوید. (۱۷۱)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَّا سُلْطُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۷۲)

و [به یاد آر] هنگامی را که پروردگارت از صلب بنی آدم نسلشان را پدید آورد، و آنان را [در ارتباط با پروردگاریش] بر خودشان گواه گرفت [و فرمود]: آیا من پروردگار شما نیستم؟ [انسان ها با توجه به وابستگی وجودشان و وجود همه موجودات به پروردگاری و ربویت حق] گفتند: آری، گواهی دادیم. [پس اقرار به پروردگاری خود را در این دنیا از شما گرفتیم] تا روز قیامت نگویید: ما از این [حقیقت آشکار و روشن] بی خبر بودیم. (۱۷۲)

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آباؤُنَا مِنْ قَبْلٍ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَهُلُكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطَلُونَ (۱۷۳)

یا نگویید: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، و ما فرزندانی پس از آنان بودیم [و راهی جز تقليد از آنان نداشتیم] آیا ما را به خاطر آنچه باطل گرایان انجام دادند، هلاک می کنی؟ (۱۷۳)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۷۴)

و این گونه آیات را [مستدل و منطقی] تفصیل و توضیح می دهیم [تا تدبیر کنند] و برای اینکه [از شرک به توحید] باز گردند. (۱۷۴)

وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ بَيْنَ الدِّيَنِ آئَيَتِنَا فَانسَلَحَ مِنْهَا فَأَتَبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۷۵)

و سرگذشت کسی که آیات خود را به او عطا کردیم و او عملًا از آنان جدا شد، برای آنان بخوان؛ پس شیطان او را دنبال کرد [تا به دامش انداخت] و در نتیجه از گمراهان شد. (۱۷۵)

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعَنَا بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَمَ إِلَى الْأَرْضِ وَأَتَبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَلُ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرْكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۱۷۶)

و اگر می خواستیم [درجات و مقاماتش را] به وسیله آن آیات بالا می بردیم، ولی او به امور ناجیز مادی و لذت های زود گذر دنیایی تمایل پیدا کرد و از هوای نفسش پیروی نمود؛ پس داستانش چون داستان سگ است [که] اگر به او هجوم بری، زبان از کام بیرون می آورد، و اگر به حال خودش واگذاری [باز هم] زبان از کام بیرون می آورد. این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ پس این داستان را [برای مردم] حکایت کن، شاید [نسبت به امور خویش] بیندیشند. (۱۷۶)

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفَسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (۱۷۷)

بد است داستان گروهی که آیات ما را تکذیب کردند و همواره به خود ستم روا می داشتند. (۱۷۷)

مَنْ يَهْدِ اللَّهَ فَهُوَ الْمُهْدَدِيُّ وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۷۸)

هر که را خدا هدایت کند، پس او راه یافته واقعی است، و کسانی را که [به سبب عناد و لجاجتشان] گمراه نماید، پس فقط اینان زیانکارانند. (۱۷۸)

وَلَقَدْ دَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبَصِّرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالَّذِينَ عَمِلُوا هُنَّ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُنُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹)

و مسلمًا بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه های حق را] نمی بینند، و گوش هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترنده؛ اینانند که بی خبر و غافل [از معارف و آیات خدای] اند. (۱۷۹)

وَلَلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيِّجَرُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۸۰)

و نیکوترين نام ها [به لحاظ معانی] ویژه خدادست، پس او را با آن نام ها بخوانید؛ و آنان که در نام های خدا به انحراف می گرایند [و او را با نام هایی که نشان دهنده کاستی و نقص است، می خوانند] رها کنید؛ آنان به زودی به همان اعمالی که همواره انجام می دادند، جزا داده می شوند. (۱۸۰)

وَمِنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۸۱)

و از میان کسانی که آفریده ایم [یعنی جنیان و آدمیان] گروهی [هستند که هم نوعان خود را] به حق هدایت می کنند و به درستی و راستی داوری می نمایند. (۱۸۱)

وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُ جُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲)

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی دانند [به ورطه سقوط و هلاکت می کشانیم تا عاقبت به عذاب دنیا و آخرت دچار شوند]. (۱۸۲)

وَأُمِلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۱۸۳)

و به آنان مهلت می دهیم؛ [زیرا از سیطره قدرت ما بیرون رفتند] یقیناً تدبیر و نقشه من استوار است. (۱۸۳)

أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّهِ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۱۸۴)

آیا اندیشه نکردنده که در همنشین آنان [یعنی پیامبر اسلام] هیچ نوع جنونی نیست؛ او فقط بیم دهنده ای آشکار [نسبت به سرانجام شوم بدکاران] است. (۱۸۴)

أَوْلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ أَوَاتِ وَالْمَأْرِضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يُكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حِدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۱۸۵)

آیا در [فرمانروایی و] مالکیت [و ربویت] بر آسمان‌ها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده و اینکه شاید پایان عمرشان نزدیک شده باشد با تأمل ننگرسیسته اند؟ [و اگر به قرآن مجید، این کتاب هدایتگر ایمان نیاورند] پس بعد از آن به کدام سخن ایمان می‌آورند؟! (۱۸۵)

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذْرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۸۶)

برای کسانی که خدا [به سبب لجاجت و عنادشان] گمراهشان کند، هدایت کننده‌ای نیست؛ و آنان را در سرکشی و تجاوزشان وا می‌گذارد تا در [گمراهی شان] سرگردان و حیران بمانند. (۱۸۶)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهِيَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلْتُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْثَةً
يَسْأَلُونَكَ كَانَكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلِكُنَّ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۷)

همواره درباره قیامت از تو می‌پرسند که وقوع آن چه وقت است؟ بگو: دانش آن فقط نزد پروردگار من است، غیر او آن را در وقت معینش آشکار نمی‌کند؛ [تحمل این حادثه عظیم و هولناک،] بر آسمان‌ها و زمین سنگین و دشوار است، جز به طور ناگهانی بر شما نمی‌آید. آن گونه از تو می‌پرسند که گویا تو از وقت وقوعش به شدت کنجکاوی کرده‌ای [و کاملاً از آن آگاهی]، بگو: دانش آن فقط نزد خدادست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند [که این دانش، مخصوص به خدا و فقط در اختیار اوست]. (۱۸۷)

ص: ۱۷۴

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْعَيْبَ لَا يَتَكَبَّرُ مِنَ الْحَيْرِ وَمَا مَسَنَى السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ
لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۸۸)

بگو: من قدرت [جلب] سودی و [دفع] زیانی را از خود ندارم جز آنچه خدا خواهد، و [غیب هم نمی‌دانم] اگر غیب می‌دانستم، یقیناً برای خود از هر خیری فراوان و بسیار فراهم می‌کردم و هیچ گزند و آسیبی به من نمی‌رسید؛ من فقط برای گروهی که ایمان می‌آورند، بیم دهنده و مژده رسانم. (۱۸۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجًا لِيُشْكِنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا حَفِيفًا فَمَرَرْتُ بِهِ فَلَمَّا أَثْلَتَ دَعْوَةَ اللَّهِ
رَبَّهُمَا لَيْنَ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۱۸۹)

او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد؛ پس هنگامی که مرد با زن آمیزش نمود، زن به حملی سبک حامله شد، پس با آن حمل سبک، زندگی را ادامه داد؛ پس چون سنگین بار شد، زن و شوهر پروردگارشان را خواندند که اگر به ما فرزندی تقدیرست و سالم عطا کنی، مسلماً از سپاس گزاران خواهیم بود. (۱۸۹)

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَاهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۹۰)

پس هنگامی که به آن زن و شوهر فرزندی تقدیرست و سالم داد [غیر از خدا را در اعطای این نعمت مؤثر دانستند، از این جهت] برای خدا در کنار نعمتی که به آنان عطا کرده بود، شریکان و همتایانی قرار دادند!! پس خدا برتر و والاتر از آن است که برایش شریکان و همتایان قرار دهند. (۱۹۰)

أَيْسِرِ كُونَ مَا لَا يَحْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۱۹۱)

آیا موجوداتی را شریک او قرار می دهند که قدرت ندارند کمترین چیزی را بیافرینند و خودشان آفریده می شوند؟! (۱۹۱)

وَلَا يَسْتَطِعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (۱۹۲)

و [این شریکانی که برای خدا قرار می دهند] نه می توانند پرسش کنند گان خود را یاری دهند، و نه قدرت دارند خودشان را یاری کنند. (۱۹۲)

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَبَعُو كُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدْعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (۱۹۳)

و اگر آن شریکان را به سوی هدایت بخوانید، از شما پیروی نمی کنند، برای شما یکسان است که آنان را بخوانید یا خاموش باشید [در هر صورت چیزی از آنان نصیب شما نمی شود]. (۱۹۳)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلَيَسْتَجِبُوكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۹۴)

یقیناً کسانی را که به جای خدا می پرستید بندگان و مملوکانی ناتوان چون شما هستند؛ پس اگر راستگویید [که می توانند در زندگی شما مؤثر باشند] آنان را [در گرفتاری ها و نیازمندی های خود] بخوانید پس [هنگامی که بخوانید [باید شما را اجابت کنند] ولی خود می دانید که در هیچ موردی جواب شما را نمی دهند]. (۱۹۴)

الَّهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبَصِّرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ اذْعُوا شُرَكَاءَ كُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونِ (۱۹۵)

آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه روند، یا دست هایی دارند که با آن بگیرند، یا چشم هایی دارند که با آن بینند، یا گوش هایی دارند که با آن بشنوند؟! بگو: شریکان خود را [به کمک خویش] بخوانید، سپس [بر ضد من هر توطه و نیرنگی [دارید] به کار گیرید و [برای نابودی من لحظه ای مرا [مهلت ندهید] تا برای شما ثابت شود که هیچ کاری در هیچ زمینه ای از غیر خدا بر نمی آید]. (۱۹۵)

ص: ۱۷۵

إِنَّ وَلِيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّ الصَّالِحِينَ (۱۹۶)

یقیناً سرپرست و یار من خدایی است که قرآن را نازل کرده و او همواره شایستگان را سرپرستی و یاری می کند. (۱۹۶)

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ (۱۹۷)

و کسانی را که به جای خدا می خوانید، نه می توانند شما را یاری دهند و نه خود را یاری رسانند. (۱۹۷)

وَإِنَّ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبَصِّرُونَ (۱۹۸)

و اگر آنان را به سوی هدایت دعوت کنید، نمی شنوند و آنان را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که نمی بینند. (۱۹۸)

خُذِ الْعَفْوَ وَأَمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۱۹۹)

عفو و گذشت را پیشه کن، و به کار پسندیده فرمان ده، و از نادانان روی بگردان. (۱۹۹)

وَإِمَّا يَتَرَاغَنَكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَرْغُ فَاسْتَعِدْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۰۰)

و اگر [وسوسه ای از سوی] شیطان، تو را [به خشم بر مردم و ترک مهربانی و ملاطفت] تحریک کند، به خدا پناه جوی؛ زیرا خدا شنوا و داناست. (۲۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقُوا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (۲۰۱)

مسلم‌آ کسانی که [نسبت به گناهان، معاصی و آلودگی های ظاهری و باطنی] تقوا ورزیده اند، هرگاه وسوسه هایی از سوی شیطان به آنان رسد [خدا و قیامت را] یاد کنند، پس بی درنگ بینا شوند [و از دام وسوسه هایش نجات یابند]. (۲۰۱)

وَإِخْرَانُهُمْ يَمْدُونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُبَصِّرُونَ (۲۰۲)

و برادران بی تقوايان [که شیاطین هستند] همواره آنان را به عمق گمراهی می کشانند؛ سپس [در به گمراهی کشیدنشان] کوتاهی نمی ورزند. (۲۰۲)

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَبْعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّيٍّ هَذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۰۳)

و هرگاه برای مخالفان [به سبب تأخیر وحی] آیه ای نیاوری [بر پایه گمان پوچ و باطلشان که قرآن را از پیش خود می آوری] می گویند: چرا آیه ای از نزد خود انتخاب نکردی [تا برای ما بیاوری]؟ بگو: من فقط آنچه از سوی پروردگارم به من وحی می شود، پیروی می کنم. این قرآن دلایلی روشن از سوی پروردگار شماست و برای گروهی که ایمان می آورند، سراسر هدایت و رحمت است. (۲۰۳)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرَحَّمُونَ (۲۰۴)

و هنگامی که قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید تا مشمول رحمت شوید. (۲۰۴)

وَإِذْ كُرِّبَكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ القُولِ بِالْغُدُوِ وَالآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (٢٠٥)

و پروردگارت را در دل خود بامدادان و شامگاهان از روی فروتنی و زاری و بیم و ترس به صدایی آرام و آهسته یاد کن و [نسبت به ذکر خدا] از بی خبران مباش. (٢٠٥)

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ (٢٠٦)

یقیناً مقرّبان و نزدیکان خدا هیچ گاه از عبادت و بندگی اش تکبیر نمی ورزند، وهمواره او را تسییح می گویند، و پیوسته برای او سجده می کنند. (٢٠٦)

ص: ١٧٦

سوره الأنفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنَكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُثُّمْ مُؤْمِنِينَ (١)

از تو درباره انفال] یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد [می پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیت حقیقی] انفال ویژه خدا و پیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبر اطاعت کنید. (١)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (٢)

مؤمنان، فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دل هایشان ترسان می شود، و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می افزاید، و بر پروردگارشان توکل می کنند. (٢)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (٣)

هم آنان که نماز را بربپا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، اتفاق می کنند. (٣)

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٤)

مؤمنان واقعی و حقیقی فقط آنانند، برای ایشان نزد پروردگارشان درجاتی بالا و آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است. (٤)

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (٥)

همان گونه که پروردگارت تو را به درستی و راستی از خانه ات [به سوی جنگ بدر] بیرون آورد و گروهی از مؤمنان [از رفتن به جنگ] ناخشنود بودند [همان گونه گروهی از آنان از کیفیت تقسیم غنایم جنگی ناخشنودند]. (٥)

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (٦)

پس از آنکه حق [بودن انگیزه های رفتنت به جنگ بدر] روشن شد با تو در این حق [روشن و آشکار] مجادله و ستیزه می کنند [تا رأی خود را در ترک جنگ به عنوان اینکه جنگی نابرابر است، تحمیل کنند؛ چنان از شرکت در جنگ ترسیده بودند] که گویا به سوی مرگ رانده می شوند و آن را با چشم خود می بینند!! (٦)

وَإِذْ يَعْدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (٧)

و [یاد کنید] هنگامی را که خدا پیروزی بر یکی ازدو گروه [سپاه دشمن یا کاروان تجاری قریش] را به شما و عده داد، و شما دوست داشتید بر کاروان تجاری قریش دست یابید، ولی خدا می خواست پیروزی در میدان جنگ را با فرمان نافذی [که دایر بر پیروزی مؤمنان و شکست دشمنان جاری ساخته بود] تحقق دهد و ریشه کافران را قطع کند. (٧)

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبَطِّلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (٨)

تا حق را ثابت [و پابرجا و استوار نماید] و باطل را نابود سازد، هر چند مجرمان خوش نداشته باشند. (٨)

ص: ١٧٧

إِذْ تَسْغِيْثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنَّى مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنَ الْمَلَائِكَهِ مُؤْدِفِينَ (٩)

[یاد کنید] هنگامی را که [در حال مشاهده دشمن تا دندان مسلح با دعا و زاری] از پروردگار تان یاری خواستید، و او در خواست شما را اجابت کرد که من مسلماً شما را با هزار فرشته که پی در پی نازل می شوند، یاری می دهم. (٩)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (١٠)

و خدا آن [وعده یاری] را فقط مژده و نویدی برای شما قرار داد و نیز برای آنکه دل هایتان به سبب آن آرامش یابد؛ و گرنه پیروزی فقط از سوی خداست؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (١٠)

إِذْ يَعْشِيْكُمُ التَّعْيَاسَ أَمَّهَ مِنْهُ وَيَنْزَلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَيَطَهِّرَ كُمْ بِهِ وَيُنْدِهِ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيُبِطِّلَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُبَيِّثَ بِهِ الْأَقْدَامَ (١١)

و [یاد کنید] هنگامی را که به سبب امنیت و آرامشی که از سوی خدا یافتید، خواب سبکی را به همه شما مسلط کرد و برایتان آبی از آسمان نازل کرد تا شما را به وسیله آن [از آلودگی ها] پاک کنند، و وسوسه شیطان را [که از بدترین کثافات است] از شما برطرف نماید، و دل هایتان را استحکام دهد، و گام هایتان را به آن استوار و پا بر جا کند. (١١)

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَهِ أَنَّى مَعَكُمْ فَتَبَوَّا الَّذِينَ آمَنُوا سَيِّلَقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوهُمْ فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوهُمْ

[یاد کن] هنگامی را که پروردگاری به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس مؤمنان را [برای نبرد با دشمن] ثابت قدم دارید، [و] به زودی در دل کافران ترس می‌اندازم، پس سرهایشان را در هم کوبید و همه انگشتانشان را قطع کنید. (۱۲)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۳)

این [کیفر سخت] به سبب این است که آنان با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت کردند، و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت ورزد، پس [بداند که] یقیناً خدا سخت کیفر است. (۱۴)

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهَا وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ (۱۵)

این [مجازات شما در دنیاست]، پس آن را بچشید، و [بدانید] برای کافران در قیامت، عذاب آتش است. (۱۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا رَجُلًا فَلَا تُؤْلُهُمُ الْأَدْبَارَ (۱۷)

ای اهل ایمان! هنگامی که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی می‌کنند روبرو می‌شوید، به آنان پشت نکنید [و نگریزید]. (۱۸)

وَمَنْ يُؤْلِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحِيزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۹)

و هر کس در آن موقعیت به آنان پشت کند [و بگریزد] سزاوار خشمی از سوی خدا شود و جایگاهش دوزخ است و دوزخ بازگشت گاه بدی است مگر [اینکه گریزش برای انتخاب محلی دیگر] جهت ادامه نبرد با دشمن، یا پیوستن به گروهی [تازه نفس از مجاهدان برای حمله به دشمن] باشد. (۱۹)

ص: ۱۷۸

فَلَمْ تَقْتُلُهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلَيْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۰)

[به کشتن دشمنان بر خود مبالغید] شما آنان را نکشید، بلکه خدا آنان را کشت. [ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد [تا آنان را هلاک کند] و مؤمنان را از سوی خود به آزمایشی نیکو بیازماید؛ زیرا خدا شناور داناست. (۲۱)

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوْهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (۲۲)

[سرنوشت مؤمنان و کافران از] این [قرار است که دیدید]، و قطعاً خدا سست کننده نیرنگ کافران است. (۲۳)

إِنْ تَسْتَفِتُهُوا فَقَدْ حَيَّهُمُ الْفَتْيُونَ وَإِنْ تَنْتَهِهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعْيَدُ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِتْنَكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرْتُ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ

[شما ای مشرکان! اگر پیروزی [آینِ حق] را می خواستید، اینکه پیروزی برای آینِ حق آمد [پس به آن ایمان آورید]، و اگر [از دشمنی و مخالفت با خدا و رسول] بازیستید، برای شما بهتر است، و اگر [به دشمنی و مخالفت] بازگردید، ما نیز [بر ضد شما] بازمی گردیم، و هرگز جمعیت شما هر چند زیاد باشد، چیزی [از عذاب خدا] را از شما دفع نمی کند، و یقیناً خدا با مؤمنان است. (۱۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلُّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ (۲۰)

ای اهل ایمان! از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و در حالی که [سخنان بر حق او را] می شنوید، از او روی نگردانید. (۲۰)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۲۱)

و مانند کسانی نباشد که [از روی ظاهر] گفتن: شنیدیم در حالی که [از روی حقیقت] نمی شنوند. (۲۱)

إِنَّ شَرَ الدَّوَابَّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۲۲)

قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران [از شنیدن حق] و للان [از گفتن حق] هستند که [کلام حق را] نمی اندیشنند! (۲۲)

وَلَوْ عِلْمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُغْرِضُونَ (۲۳)

اگر خدا [نسبت به پذیرفتن هدایت، شایستگی و] خیری در آنان می دید، یقیناً ایشان را شنا [ی حقایق و معارف] می کرد، و اگر [با لجبازی و عنادی که فعلًا دارند] آنان را شنا کند، باز اعراض کنان، روی [از حق] می گردانند. (۲۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِبُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمُرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

ای اهل ایمان! هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما [حیات معنوی و] زندگی [واقعی] می بخشد، دعوت می کند اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل و مانع می شود [تا حق را باطل و باطل را حق مپنداشد] و مسلماً همه شما به سوی او گردآوری خواهد شد. (۲۴)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۵)

و از عذابی [که نتیجه گناه، فساد، نزاع، اختلاف و ترک امر به معروف و نهی از منکر است] بپرهیزید، [عذابی] که فقط به ستمکاران از شما نمی رسد [بلکه وقتی نازل شود، همه را فرامی گیرد، ستمکاران را به خاطر ستم و اهل ایمان را به سبب اختلاف و نزاع و ترک امر به معروف و نهی از منکر] و بدانید که خدا سخت کیفر است. (۲۵)

وَإِذْ كُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعُفُونَ فِي الْأَرْضِ تَحْاْفُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصِيرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيَّابَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۶)

و یاد کنید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک بودید، و ناتوان و زبون شمرده می شدید، و همواره می ترسیدید که مردم [بشرک و کافر] شما را بربایند [تا شکجه و آزار دهن و نابود کنند] پس خدا شما را [در شهر مدینه] جای داد و با یاریش نیرومندان ساخت، و از [نعمت های] پاکیزه اش به شما روزی بخشید تا سپاس گزاری کنید. (۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۷)

ای اهل ایمان! [با فاش کردن اسرار و جاسوسی برای دشمن] به خدا و پیامبر خیانت نکنید، و به امانت های میان خود هم خیانت نورزید، در حالی که می دانید [خیانت، عملی بسیار زشت است]. (۲۷)

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۸)

و بدانید که اموال و فرزندانتان فقط وسیله آزمایش شماست، و خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست. (۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرَقَانًا وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

ای اهل ایمان! اگر [در همه امورتان] از خدا پروا کنید، برای شما [بینایی و بصیرتی ویژه] برای تشخیص حق از باطل قرار می دهد، و گناهانتان را محو می کند، و شما را می آمرزد؛ و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۹)

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثِبُّوْكَ أَوْ يَقْتُلُوْكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۳۰)

و [یاد کن] هنگامی را که کفرپیشگان درباره تو نیرنگ می زدند تا تو را به زندان دراندازند، یا به قتل برسانند یا [از وطن] بیرونست کنند، و [در آینده هم، همواره بر ضد تو] نیرنگ می زند و خدا هم جزای نیرنگشان را می دهد و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زندگان است. (۳۰)

وَإِذَا تُئْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۳۱)

و هنگامی که آیات ما را بر آنان می خوانند، می گویند: البته شنیدیم [ولی این آیات، مطلب فوق العاده ای نیست] ما هم اگر بخواهیم مانند آن را می گوییم، این آیات جز افسانه پیشینیان نیست!! (۳۱)

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۲)

و [یاد کن] هنگامی را که گفتند: خدایا! اگر این [قرآن] همان حق [نازل شده] از نزد توست، پس بر ما سنگ هایی از آسمان ببار یا عذابی دردناک بر ما بیاور!! (۳۲)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَعْذِبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (٣٣)

و خدا بر آن نیست که آنان را در حالی که تو در میان آنان به سر می بردی، عذاب کند و تایشان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده آنان خواهد بود. (۳۳)

ص: ۱۸۰

وَمَا لَهُمْ أَلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسِاجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أُولَئِكُهُمْ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٣٤)

و چیزی مانع آنان است که خدا عذابشان نکند، در حالی که [مردم مؤمن را] از ورود به مسجدالحرام [و عبادت در آن] با آنکه متولیان آن نیستند، بازمی دارند؛ متولیان [شاپرک واقعی] این [مکان مقدس] فقط پرهیز کاراند، ولی بیشتر مشرکان نمی دانند [که تولیت آنجا شایسته آنان نیست]. (۳۴)

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءَةً وَتَضْدِيقَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (٣٥)

و نماز و دعايشان در کنار خانه [خدا] چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود، پس به کیفر کفری که همواره می ورزیدیم، عذاب [دنیا و آخرت را] بچشید. (۳۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيُصْدِمُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسِيرُنَفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حِسْرَةٌ ثُمَّ يُعْلَمُوْنَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (٣٦)

مسلمانی که کافرند، اموالشان را هزینه می کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند، و به زودی همه اموالشان را [برای جلوگیری از گسترش اسلام] خرج می کنند؛ سپس [این عمل] برای آنان مایه حسرت و ندامت می شود [زیرا خواهند دید که ثروتشان را از دست داده اند و اسلام هم گسترش یافته] و آن گاه مغلوب می شوند، و آنان که کافرند به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (۳۶)

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيْ وَيَجْعَلَ الْخَيْثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيُرْكُمُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (٣٧)

تا خدا ناپاکان را از پاکان جدا کند، وناپاکان را روی یکدیگر گزارد، پس همه را متراکم واباشته سازد و یکجا در جهنم قرار دهد؛ [به راستی] آنانند که زیانکار واقعی اند. (۳۷)

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرُ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنُتُ الْأَوَّلِينَ (٣٨)

به کسانی که کافرند بگو: اگر از کفر خود بازایستند [و به اسلام روی آورند] گناهان [ای چون جنگ با پیامبر و بازداشتمن مردم از راه خدا، ومنع کردن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام] از آنان بخشیده خواهد شد، واگر [به گناهانشان] باز گرددند، بی تردید همان سنت خدا که در رابطه با [عذاب وهلاک] پیشینیان جاری شد [بر آنان نیز جاری می شود]. (۳۸)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ اتَّهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خونریزی و نامنی] بر جا نماند، و دین [در سراسر گیتی] ویژه خدا شود؛ پس اگر از فتنه بازیستند [با آنان نجنگید] زیرا خدا به آنچه انجام می دهنده، بیناست. (۳۹)

وَإِنْ تَوَلُّوا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَأُكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ (۴۰)

و اگر روی گردانند [باک نداشته باشد] بدانید که خدا سرپرست و یار شماست؛ نیکو سرپرست و نیکو یاوری است. (۴۰)

ص: ۱۸۱

جزء ۱۰

ادامه سوره الأنفال

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنَّزَنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و خویشان پیامبر، و خویشان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده اش روز جدا کننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه [مؤمن و کافر در جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید [پس آن را به عنوان حقی واجب به خدا و رسول و دیگر نامبردگان پردازید]؛ و خدا بر هر کاری توانست. (۴۱)

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعِدْوَهِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعِدْوَهِ الْقُضَوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْيَفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَاخْتَلَقْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضَةِ اللَّهِ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْنِهِ وَيَحْيِي مَنْ حَيَّ عَنْ بَيْنِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعُ عَلِيمٌ (۴۲)

و [یاد کنید] هنگامی را که شما [در جنگ بدر] بر دامنه ای نزدیک تر به سطح زمین بودید [که برای جنگ جایی نامناسب بود] و دشمن در دامنه ای بالاتر [و مناسب برای جنگ] قرار داشت، و کاروان [تجاری قریش] در مکانی پایین تر از شما بود [که توانست دور از دید شما بگریزد]؛ و اگر [برای رویارویی] با دشمن [زمانی معین و جایی مشخص] وعده می گذاشتید، نسبت به وعده گاه اختلاف می کردید [ظاهر امر نشان می داد که شکست حتمی با شما و پیروزی قطعی با دشمن است، ولی این پیروزی به صورتی غیر عادی نصیب شما شد] تا خدا پیروزی شما و شکست آنان را که [بر اساس اراده اش] انجام شدنی بود تحقیق دهد، تا هر که هلاک می شود از روی دلیلی روشن هلاک شود، و هر که زندگی می کند از روی برهانی آشکار زندگی کند؛ و یقیناً خدا شنو و داناست. (۴۲)

إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكُمْ كَثِيرًا لَفَسِلْتُمْ وَلَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴۳)

و [یاد کن] هنگامی را که خدا در رؤیاهای مکررت [نفرات] آنان را [که بر ضد تو و اهل ایمان تصمیم به جنگ داشتند] به تو اندک و ناچیز نشان داد [تا آن را برای یارانت بیان کنی]؛ و اگر آنان را بسیار و زیاد نشان می داد، شما [ای یاران پیامبر!] قطعاً سست می شدید و در کار جنگ نزاع و اختلاف می کردید، ولی خدا شما را [با آگاه شدن از رؤیای پیامبر، از سستی و اختلاف] رهایی بخشید؛ زیرا او به آنچه در سینه هاست، داناست. (۴۳)

وَإِذْ بُرِيْكُمُوهُمْ إِذِ الْتَّقْيِيمِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقْلِلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِي اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴۴)

و [یاد کنید] هنگامی را که در جنگ بدر باهم برخورد کردید، دشمن را در چشم شما اندک نشان داد، و شما را نیز در چشم آنان اندک نشان داد [اگر چه در گرم جنگ، شما را در نظر آنان بسیار و آنان را در نظر شما اندک نشان داد] تا خدا پیروزی شما و شکست آنان را که [بر اساس اراده اش] انجام شدنی بود، تحقق دهد؛ و همه کارها به سوی خدا بازگردانده می شود. (۴۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيْتُمْ فِتَّةً فَأَنْبِتُوْا وَإِذْ كُرِّوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۴۵)

ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (۴۵)

ص: ۱۸۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَّعُوا فَتَفْشِلُوا وَتَنْذَهَ بِرِحْكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)

و از خدا و پیامبر فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می شوید، و قدرت و شوکتان از میان می روید؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است. (۴۶)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ حَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۴۷)

و مانند کسانی مباشد که از خانه هایشان از روی مستنی و غرور، و برای خودنمایی بیرون آمدند و مردم را از راه خدا بازمی داشتند [ولی سرانجام دچار شکست ذلت باری شدند]؛ و خدا به آنچه انجام می دهنده، احاطه دارد. (۴۷)

وَإِذْ رَأَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبٌ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتَنَ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِئٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴۸)

و [یاد کنید] هنگامی را که شیطان اعمالشان را [که در راه دشمنی با پیامبر و لشکر کشی بر ضد اهل ایمان بود] در نظرشان آراست و گفت: امروز [به سبب جمعیت بسیار و آرایش جنگی شما] هیچ کس از مردمان [با ایمان] پیروز شونده بر شما نیست، و من پناه دهنده به شما میم، ولی زمانی که دو گروه [مؤمن و مشرک] با یکدیگر برخورد کردند، به عقب برگشت و پا به فرار گذاشت، و گفت: من از شما [یاران و پیروانم] بیزارم، من چیزی را [چون نزول فرشتگان] می بینم که شما نمی بینید،

البته من از خدا می ترسم و خدا سخت کیفر است. (۴۸)

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ غَرَّ هَوْلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۹)

و [یاد کنید] هنگامی را که منافقان و آنان که در دل هایشان بیماری [شک و تردید نسبت به حقایق] است، می گفتند: مؤمنان را دینشان [با این جمعیت اندک و اسلحه ناچیز برای شرکت در میدان نبرد] فریفت، و [آنان باور نمی کردند که] هر کس بر خدا توکل کند [بی تردید پیروز می شود]؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۴۹)

وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَسْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَأَذْبَارُهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۵۰)

واگر آن زمانی را که فرشتگان جان کافران را می ستانند، مشاهده کنی [می بینی] که بر چهره و پشتاشان ضربات سنگینی می کوبند و [به آنان نهیب می زنند که] عذاب سوزان را بچشید!! (۵۰)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ (۵۱)

این به سبب گناهانی است که مرتكب شده اند و گرنه خدا نسبت به بندگانش [حتی به کمترین چیزی از ستم] ستمکار نیست. (۵۱)

كَدَأْبُ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخْذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۵۲)

[عادت اینان] مانند عادت فرعونیان و پیشینیان آنان است که به آیات خدا کافر شدند، پس خدا آنان را به کیفر گناهانشان [به عذابی سخت] گرفت؛ زیرا خدا نیرومند و سخت کیفر است. (۵۲)

ص: ۱۸۳

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نَعْمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيهِمْ (۵۳)

این [کیفر سخت] به سبب این است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرده [به عذاب و نقمت] تغییر دهد تا زمانی که آنان آنچه را در خود [از عقاید حقّه، حالات پاک و اخلاق حسنی ای که] دارند [به کفر، شرک، عصیان و گناه تغییر دهند؛ و یقیناً خدا شنوا و داناست. (۵۳)]

كَدَأْبُ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَدَبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكَنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ (۵۴)

[عادت اینان] مانند عادت فرعونیان و پیشینیان آنان است که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند، در نتیجه ایشان را به کیفر گناهانشان هلاک نمودیم، و فرعونیان را غرق کردیم و همه آنان ستمکار بودند. (۵۴)

إِنَّ شَرَ الدَّوَابَّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۵)

یقیناً بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که کافرند و [به سبب لجبازی و عنادشان] ایمان نمی آورند. (۵۵)

الَّذِينَ عَااهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَقْضُوْنَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ (۵۶)

همان کسانی که با برخی از آنان [بارها] پیمان بستی، ولی هر بار پیمانشان را می شکنند و از خدا پروا نمی کنند. (۵۶)

فَإِمَّا تَشْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدُوهُمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۵۷)

پس اگر در میدان جنگ، بر آنان دست یافته [با وارد کردن مجازات و عقوبت سنگین بر ایشان] دیگر کسانی را که دنبال آناند [و قصد جنگ با تو را دارند] تار و مار کن تا متذکر [قدرت شما] شوند [و از خیال جنگ با تو بازایستند]. (۵۷)

وَإِمَّا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَهُ فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (۵۸)

واگر از خیانت و پیمان شکنی گروهی [که با آنان هم پیمانی] بیم داری، پس به آنان خبر ده که [پیمان] به صورتی مساوی [و طرفینی] گسته است؛ زیرا خدا خائنان را دوست ندارد. (۵۸)

وَلَا يَحْسِبَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبُّوا إِنَّهُمْ لَا يُعِجزُونَ (۵۹)

و آنان که کافرند گمان نکنند که با پیمان شکنی خود [بر قدرت حق] پیشی جسته اند، اینان نمی توانند [ما را] عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند]. (۵۹)

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَيْدُوَ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَيِّلِ اللَّهِ يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۶۰)

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسباب ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهد گرفت. (۶۰)

وَإِنْ جَنَحُوا لِلَّسْلَمِ فَاجْنِحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۱)

واگر دشمنان به صلح گرایند، تو هم به صلح گرای، و بر خدا توکل کن، که یقیناً او شنوا و داناست. (۶۱)

ص: ۱۸۴

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (۶۲)

واگر بخواهند [در زمینه صلح و آشتی] تو را بفریبند، یقیناً خدا تو را بس است؛ اوست کسی که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند ساخت. (۶۲)

وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۳)

و میان دل هایشان الفت و پیوند برقرار کرد که اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می کردی نمی توانستی میان دل هایشان الفت اندازی، ولی خدا میان آنان ایجاد الفت کرد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۳)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶۴)

ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند [از نظر حمایت و پشتیبانی] برای تو بس است. (۶۴)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مَّنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مَّنْكُمْ مَّا يَهُدِي إِلَّا لَأَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی فهمند. (۶۵)

الْأَمَانَ حَفَّ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مَّنْكُمْ مَّا يَهُدِي إِلَّا لَأَلْفًا مِنَ الَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر هزار نفر [صابر] باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می شوند؛ و خدا با صابران است. (۶۶)

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَشْرَى حَتَّىٰ يُشْخَنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۷)

هیچ پیامبری را نسزد و نشاید که [پیش از جنگ و پیروزی بر دشمن] اسیران جنگی بگیرد، تا زمانی که [دشمن را به طور کامل] در زمین از قدرت و توان بیندازد [و موقعیت دین و مؤمنان در جهان پابرجا و استوار گردد آن گاه اسیر بگیرد؛ شما ای یاران پیامبر!] متعاق ناچیز و ناپایدار دنیا را می خواهید، و خدا [برای شما] آخرت را می خواهد؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۷)

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَكُمْ فِيمَا أَخْذَتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۶۸)

اگر فرمان و حکم لازمی که از سوی خدا گذشته است، نبود [که پیش از اتمام حجت کسی را عذاب نکند] مسلمًا شما را به سبب اسیرانی که [بدون اجازه پیامبر و پیش از شروع جنگ] گرفتید، عذابی بزرگ می رسید. (۶۸)

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۹)

آنچه از غنیمت [در میدان جنگ] گرفته اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ فُلْ لَمَنْ فِي أَيْدِيْكُمْ مَنَ الْأَشِرَى إِنْ يَعْلَمُ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مَمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ
رَّحِيمٌ (۷۰)

ای پیامبر! به اسیرانی که در اختیار شمایند، بگو: اگر خدا خیری در دل های شما بداند، بهتر از مالی که [در برابر آزادی شما] از شما گرفته اند به شما می دهد، و گناهانتان را می آمرزد و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۷۰)

وَإِنْ يُرِيدُوا حِيَاتَكَ فَقَدْ حَانُوا اللَّهُ مِنْ قَبْلٍ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۷۱)

و اگر اسیران آزاد شده بخواهند [پس از آزاد شدنشان] به تو خیانت ورزند، [کار جدید و تازه ای نیست] آنان پیش از این هم به خدا خیانت ورزیدند، پس او تو را بر آنان مسلط ساخت؛ و خدا دانا و حکیم است. (۷۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أُولَئِءِ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَمَّا يَتَهَمُّ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَصْرَهُوْكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ يَنْكُمْ وَبَيْنَهُمْ مَيْتَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۷۲)

مسلمان کسانی که ایمان آوردن، و هجرت کردند، و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند، و کسانی که مهاجران را پناه و جا دادند و یاری کردند، اینانند که یار و دوست یکدیگرند. و کسانی که ایمان آوردن و هجرت نکردند شما را از دوستی آنان هیچ سودی نیست تازمانی که هجرت کنند؛ و اگر در امور دین از شما یاری طلبند، بر شماست که آنان را یاری دهید مگر آنکه یاری دادن شما به زیان گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان [ترک جنگ] برقرار است؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۷۲)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أُولَئِءِ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَهُ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (۷۳)

و آنان که کافرند، دوستان و یاران یکدیگرند [و] اگر شما فرمان پیوند [با اهل ایمان و قطع رابطه با کافران] را به اجرا نگذارید فتنه و فسادی بزرگ در زمین پیدا خواهد شد. (۷۳)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَهُ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۷۴)

و کسانی که ایمان آوردن و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنان که مهاجران را پناه دادند و یاری کردند، مؤمنان حقیقی فقط آنانند، برای آنان آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است. (۷۴)

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوَّلَىٰ بِعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

و آنان که بعد [از مؤمنان و نخستین مهاجران] ایمان آوردن و هجرت کردند و همراه شما با دشمنان جنگیدند، از شمایند؛ و خویشاوندان [بنابر آنچه نسبت به برنامه ارث] در کتاب خدا مقرر شده از دیگران سزاوارترند؛ یقیناً خدا به همه چیز داناست.

(۷۵)

ص: ۱۸۶

سوره التوبه

بَرَاءَةُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱)

این [اعلام] بیزاری و لغو پیمان از سوی خدا و پیامبرش به کسانی از مشرکان است که با آنان پیمان بسته اید. (۱)

فَسِيِّحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ (۲)

بنابراین، چهار ماه حرام را [در کمال آزادی و امنیت] در زمین گردش کنید و بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید] و خدا خوار کننده کافران است. (۲)

وَأَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحِجَّةِ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بِرِيَءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشَّرَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ أَلِيمٍ (۳)

و این اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر که: یقیناً خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند [و هیچ تعهدی نسبت به آنان ندارند]; پس [ای مشرکان!] اگر [از پیمان شکنی و خیانت] توبه کنید [و مسلمان شوید] برای شما بهتر است و اگر روی [از وفای به پیمان و اسلام] بگردانید، بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید]; و کسانی را که کفر ورزیدند، به عذابی دردناک مژده ده. (۳)

إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَتُمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُنَّاقِبِينَ (۴)

مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بستید، سپس چیزی [از شرایط پیمان را] نسبت به شما نکاستند و احدی [از دشمنان را] بر ضد شما یاری نکردند، پس به پیمانشان تا پایان مدتshan وفادار باشید؛ زیرا خدا پرهیز کاران را دوست دارد. (۴)

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجِدْتُمُوهُمْ وَخُنُودُهُمْ وَالْحُصُرُوْهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

پس هنگامی که ماه های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین

گاهی به کمین آنان بنشینید؛ ولی اگر توبه کردند و نماز را بر پا داشتند و زکات پرداختند، پس آزادشان گذارید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ إِسْتَجَارَ كَفَّاً جِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلَغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (۶)

واگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پس پناهش بده تا سخن خدا را بشنود، آن گاه او را به جایگاه امنش برسان؛ این به سبب آن است که آنان گروهی هستند که [حقایق را] نمی دانند [باشد که در پناه تو و شنیدن سخن حق مسلمان شوند]. (۶)

ص: ۱۸۷

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدُتُمْ عِنْدَ الْمُشْرِكِينَ جِدُّ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷)

چگونه مشرکان را نزد خدا و پیامبرش پیمانی [استوار] تواند بود [در صورتی که همواره پیمان شکنی می کنند] مگر کسانی که با آنان در کنار مسجد الحرام پیمان بسته اید، پس تا زمانی که [به پیمانشان] با شما پایداری کنند، شما هم به پیمانتان با آنان پایداری کنید؛ زیرا خدا پرهیز کاران را دوست دارد. (۷)

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيْكُمْ إِلَّا وَلَا ذَمَّةٌ يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثُرُهُمْ فَاسِقُونَ (۸)

چگونه [مشرکان بر پیمان خود پای بندند؟] و در صورتی که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوند] خویشاوندی را در حق شما رعایت می کنند، نه پیمانی را!! شما را با زبانشان خشنود می کنند، ولی دل هایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان فاسقند. (۸)

اَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹)

آیات خدا را در برابر بهایی اندک فروختند و مردم را از راه خدا بازداشتند؛ راستی چه بد است آنچه را همواره انجام می دادند. (۹)

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنِينَ إِلَّا وَلَا ذَمَّةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُغَتَدِلُونَ (۱۰)

در حق هیچ مؤمنی رعایت [پیوند] خویشاوندی و پیمانی را نمی کنند؛ و آنان همان تجاوز کارانند. (۱۰)

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاهَ فَإِنَّهُمْ كُمْ فِي الدِّينِ وَنَفَضَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۱)

پس اگر [از پیمان شکنی، قطع رحم، کفر و شرک] توبه کنند و نماز را بر پا دارند و زکات بپردازند، برادران دینی شمایند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که [واقعیات را] می دانند، به صورت های گوناگون بیان می کنیم. (۱۱)

وَإِنْ نَكُثُوا أَيْمَانُهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَهَوَّنَ (۱۲)

و اگر پیمان هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعن و عیب جویی گشودند، در این صورت با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را [نسبت به پیمان هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان شکنی] بازایستند. (۱۲)

أَلَّا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكُثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمْ يَأْخُرُونَ الرَّسُولَ وَهُمْ يَدْعُونَ كُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشُونَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشُوهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳)

چرا و برای چه نمی جنگید؟ آن هم با گروهی که پیمان های خود را شکستند، و عزمشان را بر بیرون کردن پیامبر از وطنش جزم کردند و هم آنان بودند که نخستین بار با شما جنگیدند، آیا از آنان می ترسید؟! در صورتی که اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید. (۱۳)

ص: ۱۸۸

قَاتِلُوْهُمْ يَعْذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيهِمْ وَيُخْرِهِمْ وَيَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَسْفِرُ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ (۱۴)

با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسواشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه های [پر سوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد. (۱۴)

وَيُذْهِبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۵)

و خشم دل هایشان را از میان ببرد؛ و خدا توبه هر کس را بخواهد می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۱۵)

أَمْ حَسِبُّهُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَحَدَّدُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَمَّا رَسُولُهُ وَلَمَّا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيَجَهُهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۶)

آیا گمان کرده اید که شما را به خود واگذارند [و به بوته آزمایش نیاز مایند] در حالی که هنوز کسانی از شما را که جهاد کردند و غیر خدا و پیامبرش و مؤمنان را حرم اسرار خود نگرفتند، از دیگران معلوم و مشخص نکرده است [یقیناً باید آزمایش شوید تا مؤمن از غیر مؤمن معلوم و مشخص شود]؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۶)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمِرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبْطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۱۷)

و مشرکان در حالی که بر ضد خود به کفر [و انکار حقایق] گواهی می دهند، صلاحیت آباد کردن مساجد خدا را ندارند؛ ایناند که اعمالشان تباء و بی اثر است و در آتش جاودانه اند. (۱۷)

إِنَّمَا يَعْمِرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْمَآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنْ

آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را برابر با داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نرسیده اند؛ پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند. (۱۸)

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِ وَعِمَارَةَ الْمَسْيِجِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوْنَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را مانند [عمل] کسی قرار داده اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! [این دو] نزد خدا برابر و یکسان نیستند و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۱۹)

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعَظُمُ دَرَجَهُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

آنان که ایمان آورند و هجرت کردن و با اموال و جان هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، متزلتشان در پیشگاه خدا بزرگ تر و برتر است، و فقط اینانند که کامیابند. (۲۰)

ص: ۱۸۹

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَهِ مِنْهُ وَرِضْوَانِ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقيِّمٌ (۲۱)

پروردگارشان آنان را نزد خود به رحمت و خشنودی و بهشت هایی که برای آنان در آنها نعمت های پایدار است، مژده می دهد. (۲۱)

حَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۲)

همواره در آنجا جاودانه اند؛ یقیناً نزد خدا پاداشی بزرگ است. (۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَ تَتَحِدُوا آبَاءُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ أُولَيَاءُ إِنِ اسْتَحْجُبُوا الْكُفْرَ عَلَى الإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۳)

ای اهل ایمان! اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنان را دوستان و سرپرستان خود مگیرید؛ و کسانی از شما که آنان را دوست و سرپرست خود گیرند، هم اینانند که ستمکارند. (۲۳)

قُلْ إِنَّ كَانَ آيُؤُكُمْ وَأَبَيُؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالُ أَقْرَفُتُمُوهَا وَتَجَارَهُ تَخْسُونَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۲۴)

بگو: اگر پدرانتان و فرزندانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانتان و اموالی که فراهم آورده اید و تجاری که از بی رونقی

و کسادی اش می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محظوظ نمی کند. (۲۴)

لَقَدْ نَصِيَّرُكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَهِ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتُكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاءَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ ثُمَّ وَلَيْتُمْ مُدْبِرِينَ (۲۵)

بی تردید خدا شما را در جبهه های زیاد و عرصه های بسیار یاری کرد و [به ویژه] روز [نبرد] حنین، آن زمان که فزونی افرادتان شما را مغور و شگفت زده کرد، ولی [فزونی عدد] چیزی از خطر را از شما برطرف نکرد، و زمین با همه وسعت و فراخی اش بر شما تنگ شد، سپس پشت به دشمن از عرصه نبرد گریختید. (۲۵)

ثُمَّ أَنَزَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَزَ لَجُنُودًا لَمْ تَرُوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَرَاءُ الْكَافِرِينَ (۲۶)

آن گاه خدا آرامش خود را [که حالت طمأنینه قلبی است] بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد، و لشکریانی که آنان را نمی دیدید [برای یاری مؤمنان] فرود آورد، و کسانی را که کفر می ورزیدند، به عذاب سختی مجازات کرد؛ و این است کیفر کفریشگان. (۲۶)

ص: ۱۹۰

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۷)

سپس خدا بعد از این [گناه بزرگ که فرار از جنگ است] توبه هر کس را که بخواهد می پذیرد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجْسُنَ فَلَا يَقْرُبُوا الْمَسِيقَةِ حَدَّ الْحَرَامِ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خَفْتُمْ عَيْلَهُ فَسُوفَ يُغْنِيَكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۸)

ای اهل ایمان! جز این نیست که مشرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسال به مسجدالحرام نزدیک شوند؛ و اگر [به سبب قطع رابطه با آنان و تعطیل شدن داد و ستد با ایشان] از بی نوایی و تنگدستی می ترسید، خدا اگر بخواهد شما را از فضل و احسانش بی نیاز می کند؛ یقیناً خدا دانا و حکیم است. (۲۸)

فَاتَّلُوا الَّذِينَ لَمَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزِيَّةَ عَنْ يَدِ وَهُنْ صَاغِرُونَ (۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند، و آنچه را خدا و پیامبرش حرام کرده اند، حرام نمی شمارند، و دین حق را نمی پذیرند، بجنگید تا با دست خود در حالی که [نسبت به احکام دولت اسلامی] متواضع و فروتن اند، جزیه بپردازند. (۲۹)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَّيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِ قَاتَلُهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۳۰)

و یهود گفتند: عزیر، پسر خداست. و نصاری گفتند: مسیح، پسر خداست. این گفتاری [بی دلیل و برهان] است که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این [به حقایق] کفر ورزیدند، شباهت دارد؛ خدا آنان را نابود کند، چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند. (۳۰)

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۱)

آنان دانشمندان و راهبانشان و مسیح پسر مریم را به جای خدا به خدایی گرفتند؛ در حالی که مأمور نبودند مگر اینکه معبد یگانه را که هیچ معبدی جز او نیست بپرستند؛ منزه و پاک است از آنچه شریک او قرار می دهدن. (۳۱)

ص: ۱۹۱

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتَمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهُ الْكَافِرُونَ (۳۲)

همواره می خواهند نور خدا را با سخنان باطل [و تبلیغات بی پایه] خود حاموش کنند؛ ولی خدا جز اینکه نور خود را کامل کند، نمی خواهد، هر چند کافران خوش نداشته باشند. (۳۲)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُلَّهُ وَلَوْ كَرِهُ الْمُشْرِكُونَ (۳۳)

اوست که پیامبر را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. (۳۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصْدِّدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُنُونَ الدَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرُوهُمْ بِعَذَابِ أَلِيمٍ (۳۴)

ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل [و به صورتی نامشروع] می خورند و همواره [مردم را] از راه خدا بازمی دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده ده. (۳۴)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكَوَّى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُلُّهُرُهُمْ هَذَا مَا كَرَّتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُنُونَ (۳۵)

روزی که آن اندوخته ها را در آتش دوزخ به شدت گرما دهنند و پیشانی و پهلو و پشتستان را به آن داغ کنند [و به آنان نهیب زنند] این است ثروتی که برای خود اندوختید، پس کیفر زراندوزی خود را بچشید. (۳۵)

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّهُ كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (٣٦)

یقیناً شماره ما ها در پیشگاه خدا از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده در کتاب [علم] خدا دوازده ماه است؛ از آنها چهار ماهش ماه حرام است؛ این است حساب استوار و پایدار؛ پس در این چهار ماه [با جنگ و فتنه و خونریزی] بر خود ستم روا مدارید و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می جنگند، بجنگید و بدانید خدا با پرهیز کاران است. (۳۶)

ص: ۱۹۲

إِنَّمَا النَّسَّىءُ زِيَادَةُ فِي الْكُفْرِ يُضْلِلُ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلِونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لَّيُؤَاطِلُوا عِدَّةً مَا حَرَمَ اللَّهُ فَيُحَلِّوْا مَا حَرَمَ اللَّهُ زِيَادَةً لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٣٧)

بی تردید به تأخیر انداختن [حرمت ماهی به ماه دیگر] افزایشی در کفر است؛ [و این بدعتی است که سردمداران کفر] کافران را به سبب آن [نسبت به ماه های حرام واقعی] گمراه می کنند، یک سال ماه حرام را حلال می شمارند و در دیگر سال آن را حرام می دانند تا با شماره ماه هایی که خدا حرام کرده هماهنگ و مطابق سازند ولی [در نهایت] آنچه را خدا حرام کرده از پیش خود حلال می کنند؛ زشتی کارهایشان در نظرشان آراسته شده و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. (۳۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقْلَمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَهُ يُتْمَ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَهِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَهِ إِلَّا قَلِيلٌ (٣٨)

ای اهل ایمان! شما را چه عذر و بهانه ای است هنگامی که به شما گویند: برای نبرد در راه خدا باشتاب [از شهر و دیارتان] بیرون روید؛ به سستی و کاهلی می گرایید [و به دنیا و شهوتش میل می کنید؟!] آیا به زندگی دنیا به جای آخرت دل خوش شده اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست. (۳۸)

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبِدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٩)

اگر باشتاب بیرون نروید، خدا شما را به عذابی دردنگی عذاب می کند و گروه دیگری را به جای شما می آورد؛ و شما [با نرفتن به میدان نبرد] هیچ زیانی به خدا نمی رسانید؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۳۹)

إِلَّا تَنْصِيْرُوهُ فَقَدْ نَصَيَّرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا شَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِيْتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرُوهَا وَجَعَلَ كَلِمَهَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَهُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٤٠)

اگر پیامبر را یاری ندهید، یقیناً خدا او را یاری می دهد؛ چنان که او را یاری داد هنگامی که کافران از مکه بیرون ش کردند در حالی که یکی از دو تن بود، آن زمان هر دو در غار [ثور نزدیک مکه] بودند، همان زمانی که به همراهش گفت: اندوه به خود راه مده خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را [که حالت طمأنینه قلبی است] بر پیامبر نازل کرد، و او را با لشکریانی که شما ندیدید، نیرومند ساخت، و شعار کافران را پست تر قرار داد، و شعار خدادست که شعار والاتر و برتر است؛ و خدا توانای

شکست ناپذیر و حکیم است. (۴۰)

ص: ۱۹۳

انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَبَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۱)

با شتاب با تجهیزات سبک و سنگین [و سواره، پیاده، پیروز و جوان به سوی میدان نبرد] بیرون روید، و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید که اگر دانا [ی به حقایق] باشد این برای شما بهتر است. (۴۱)

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَيَفِرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعْدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّفَقَةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوْ أَسْتَطَعْنَا لَخَرْجَنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۴۲)

اگر [برای مسلمانان سست اراده و منافقان مسلمان نما] غنیمتی [بی رنج و مشقت] در دسترس بود و [راه] سفر [به سوی میدان نبرد] کوتاه و آسان بود، مسلمان [به دنبال تو می آمدند، ولی پیمودن راه طولانی پر مشقت به نظرشان طاقت فرسا آمد، و به زودی به خدا سوگند می خورند که اگر توانایی داشتیم یقیناً با شما بیرون می آمدیم [آنان] خود را [به دروغ و تزویرشان] هلاک می کنند و خدا می داند که بی تردید آنان دروغگویند. (۴۲)

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لَمْ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (۴۳)

خدا تو را مورد بخشش و لطف قرار دهد، چرا پیش از آنکه [راستگویی] راستگویان بر تو روشن شود، و دروغگویان را بشناسی [از روی مهر و محبتی که به ایشان داری] به آنان اجازه [ترک جنگ] دادی؟ (۴۳)

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۴۴)

آنان که به خدا و روز قیامت ایمان دارند از تو برای بازایستادن از جهاد با اموال و جان هایشان اجازه نمی خواهند [بلکه در هر شرایطی مشتاقانه به سوی میدان نبرد بیرون می روند]؛ و خدا به پرواپیشگان داناست. (۴۴)

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابُتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (۴۵)

فقط کسانی از تو اجازه ترک جهاد می خواهند که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و دل هایشان [در انجام فرمان های حق] دچار تردید است و همواره در تردیدشان سرگردانند. (۴۵)

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَاَعْدُوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرَهَ اللَّهُ ابْغَاهُمْ فَتَبَطَّهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (۴۶)

و اگر برای بیرون رفتن [به سوی میدان نبرد] تصمیم جدی داشتند، مسلمان [برای آن ساز و برگ آماده می کردند، ولی خدا [به سبب سستی اراده و نفاشان] برانگیختن آنان را [به سوی میدان نبرد] خوش نداشت، پس آنان را از حرکت بازداشت، و [انگار به آنان] گفته شد: با نشستگان [در خانه ها که به علتی معذور از جنگند] بشنینید. (۴۶)

لَوْ خَرَجُوا فِيْكُم مَا زَادُوكُم إِلَّا خَبَالًا وَلَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ يَنْعُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيْكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيهِم بِالظَّالِمِينَ (٤٧)

اگر [هم] با شما بیرون می آمدند، جز شر و فساد به شما نمی افروزند و مسلمان خود را برای سخن چینی [و نمامی] در میان شما قرار می دادند تا [برای از هم گستن شیرازه سپاه اسلام] فتنه جویی کنند و در میان شما جاسوسانی برای آنان هستند [که به نفعشان خبر چینی می کنند؛ و خدا به ستمکاران داناست. (٤٧)

ص: ۱۹۴

لَقَدِ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلٍ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (٤٨)

قطعاً پیش از این هم فتنه جویی می کردند و امور را برابر تو وارونه و دگرگون می ساختند، تا آنکه [یاری] حق آمد و فرمان خدا [که تحقق پیروزی و موقیت شماست] آشکار شد، در حالی که آنان خوش نداشتند. (٤٨)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَنَّدَنْ لَى وَلَا تَفِتَنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَهُ بِالْكَافِرِينَ (٤٩)

و از منافقان کسانی هستند که می گویند: ما را اجازه ترک نبرد ده و به فتنه و گناه دچار مکن. آگاه باش که [آنان با این درخواست ناهنجارشان] به فتنه و گناه افتاده اند؛ و یقیناً دوزخ بر کفران احاطه دارد. (٤٩)

إِنْ تُصِبِّكَ حَسَنَهُ تَسُؤُهُمْ وَإِنْ تُصِبِّكَ مُصِيَّهُ يَقُولُوا قَدْ أَحَذَنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلٍ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ (٥٠)

اگر [در میدان نبرد] پیروزی و غنیمت به تو رسد، غمگینشان می کند، و اگر تو را آسیب و زیانی رسد، می گویند: ما پیش از این تصمیم خود را [بر شرکت نکردن در جنگ] گرفته بودیم [و احتیاط را از دست ندادیم] و در حالی که خوشحال و شادمانند [به خانه و زندگی و به سوی امور مادی] بازمی گردند. (٥٠)

قُلْ لَّنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلِيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (٥١)

بگو: هرگز به ما جز آنچه خدا لازم و مقرر کرده، نخواهد رسید، او سرپرست و یار ماست و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند. (٥١)

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْيَدَى الْحُسْنَيَّاتِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيَّبُكُمُ اللَّهُ بِعِيَّدَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُونَا إِنَّا مَعْكُمْ مُتَرَبَّصُونَ (٥٢)

بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظار می بردی؟ در صورتی که ما درباره شما انتظار می برمی که خدا از سوی خود یا به دست ما اعدایی به شما برساند؛ پس انتظار بردی که ما هم با شما منتظریم. (٥٢)

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقْبَلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُثُرٌ قَوْمًا فَاسِقِينَ (٥٣)

بگو: [ای منافقان!] چه از روی میل و رغبت یا بی میلی و اکراه انفاق کنید، هرگز از شما پذیرفته نشود؛ زیرا شما گروهی فاسق هستید. (۵۳)

وَمَا مَنَعْهُمْ أَنْ تُقْبِلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنِفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ (۵۴)

هیچ چیز آنان را از پذیرفته شدن انفاقشان بازنداشت، مگر آنکه آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز را جز با کسالت وسستی به جا نمی آورند، و جز با بی میلی و ناخشنودی انفاق نمی کنند. (۵۴)

ص: ۱۹۵

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَعْذِبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵)

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد؛ خدا می خواهد آنان را در این زندگی دنیا به وسیله آنها عذاب کند، و جانشان در حالی که کافرند بیرون رود. (۵۵)

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكُنْهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ (۵۶)

[با کمال بی شرمی] به خدا سوگند یاد می کنند که حتماً از زمره شمایند؛ در صورتی که از شما نیستند، بلکه گروهی اند که از شما [به سبب ایمان استوارتان] در اضطراب و ترس به سر می برند. (۵۶)

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مَدَحَّلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَعُونَ (۵۷)

اگر پناهگاهی یا غارهایی یا گریزگاهی می یافتد، شتابان به سوی آنها روی می آورند. (۵۷)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أَعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (۵۸)

برخی از آنان نسبت به [تقسیم] صدقات بر تو خرده می گیرند، پس اگر از صدقات به آنان داده شود خشنود می شوند، و اگر داده نشود، ناگاه خشمگین می شوند. (۵۸)

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسِبْنَا اللَّهُ سَيِّدُنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (۵۹)

واگر آنان به آنچه خدا و پیامبرش به ایشان عطا کرده اند، خشنود می شدند و می گفتند: خدا ما را بس است؛ خدا و پیامبرش به زودی از فضل و احسان خود به ما عطا می کنند [و] ما فقط به سوی خدا مایل و علاقمندیم [برای آنان بهتر بود]. (۵۹)

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَهُ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَهُ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶۰)

صدقات، فقط ویژه نیازمندان و تهییدستان [زمین گیر] و کارگزاران [جمع و پخش آن] و آنانکه باید [به خاطر تمایل به اسلام]

قلوبشان را به دست آورد، و برای [آزادی] بردگان و [پرداخت بدھی] بدھکاران و [هزینه کردن] در راه خدا [که شامل هر کار خیر و عام المنفعه می باشد] و در راه ماندگان است؛ [این احکام] فریضه ای از سوی خداست، و خدا دانا و حکیم است.

(۶۰)

وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذْنُ قُلْ أَذْنُ حَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ يُؤْمِنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۱)

و از منافقان کسانی هستند که همواره پیامبر را آزار می دهند، و می گویند: شخص زود باور و نسبت به سخن این و آن سراپا گوش است. بگو: او در جهت مصلحت شما سراپا گوش و زود باور خوبی است، به خدا ایمان دارد و فقط به مؤمنان اعتماد می ورزد، و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند، رحمت است، و برای آنانکه همواره پیامبر خدا را آزار می دهند، عذابی دردناک است. (۶۱)

ص: ۱۹۶

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضُوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۶۲)

آنان برای شما [از روی حیله و تزویر برای معذور نشان دادن خود نسبت به کارهای ناهنجارشان] به خدا سوگند می خورند تا شما را راضی و خشنود سازند، در صورتی که اگر مؤمن بودند، شایسته تر آن بود که خدا و رسولش را خشنود کنند. (۶۲)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخَرْزُ الْعَظِيمُ (۶۳)

آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و رسولش دشمنی و مخالفت کند، مسلماً آتش دوزخ برای اوست که در آن جاودانه است؟ این [همان] رسایی بزرگ است. (۶۳)

يَحْذِرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةُ تَبَّعِيهِمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ (۶۴)

منافقان از اینکه سوره ای بر ضدشان نازل شود که آنان را از اسراری که [در جهت دشمنی با خدا، پیامبر، مؤمنان و حکومت اسلامی] در دل هایشان وجود دارد، آگاه نماید اظهار ترس و نگرانی می کنند؛ بگو: مسخره کنید، خدا آنچه را از آن بینانک و نگرانید، آشکار خواهد کرد. (۶۴)

وَلَئِنْ سَأَلْتُهُمْ لِيَقُولُنَّ إِنَّمَا كَانَ نَحُوْضُ وَنَلْعَبُ فُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (۶۵)

و اگر [نسبت به اعمال ناهنجار و گفتار باطلشان] از آنان بازخواست کنی، قاطعانه می گویند: فقط شوخی و بازی کردیم! بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟! (۶۵)

لَا تَعْنِدُرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَهِ مَنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَهَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۶۶)

[بگو: نسبت به اعمال و گفتارتان] عذرخواهی نکنید که [عذرخواهی شما را پایه و اساسی نیست] یقیناً شما پس از ایمانتان کافر شدید؛ اگر از گروهی از شما [که تابع و دنباله رو بودید] در گذریم، گروه دیگر را [که سردمداران برنامه های منافقانه بودند] به سبب آنکه همواره [در جامعه اسلامی] دست به جرم و خطا می زدند، قطعاً عذاب می کنیم. (۶۶)

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيهِمْ نَسُوا اللَّهَ فَنِسَيْهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۶۷)

مردان و زنان منافق همانند و مشابه یکدیگرند، به کار بد فرمان می دهنند و از کار نیک باز می دارند و از انفاق در راه خدا امساك می ورزند، خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را [از لطف و رحمت خود] محروم کرد؛ یقیناً منافقانند که فاسق اند. (۶۷)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هَيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنْهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۶۸)

خدا آتش دوزخ را به مردان و زنان منافق و کافران و عده داده، در آن جاودانه اند، همان برای آنان بس است و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است. (۶۸)

ص: ۱۹۷

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حِيطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۹)

[همه شما منافقان و کافران در نفاق و کفر] مانند کسانی هستید که پیش از شما بودند؛ آنان از شما نیرومندتر و اموال و فرزندانشان بیشتر بود؛ آنان از سهمشان [که در دنیا از نعمت های خدا داشتند در امور باطل] بهره گرفتند؛ پس شما نیز از سهمتان همان گونه که آنان از سهمشان بهره گرفتند بهره گرفتید، و به صورتی که [آنان در شهواتشان] فرو رفتد فرو رفید؛ اینانند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباہ و بی اثر است و در حقیقت اینانند که زیانکارند. (۶۹)

أَلَمْ يَأْتِهِمْ بَأْلَلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٍ وَثُمُودٍ وَقَوْمٍ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْيَنِّيَّاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمُهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۷۰)

آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند به اینان نرسیده؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند [ولی نپذیرفتند]؛ خدا بر آن نبود که به آنان ستم ورزد، ولی آنان بودند که همواره بر خود ستم می کردند. (۷۰)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقْيِمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَةَ وَيُطْعِيْعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيِّرَ حُمُّهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۷۱)

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را بربا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ یقیناً خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۷۱)

وَعِيدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عِيدَنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ
ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۷۲)

خدا به مردان و زنان با ایمان بهشت هایی را وعده داده که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است؟ در آن جاودانه اند، و نیز سراهای پاکیزه ای را در بهشت های ابدی [وعده فرموده] و هم چنین خشنودی و رضایتی از سوی خدا [که از همه آن نعمت ها] بزرگتر است؛ این همان کامیابی بزرگ است. (۷۲)

ص: ۱۹۸

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدُ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا وَهُمْ بِهِمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۷۳)

ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت گیری کن [و درشت خو باش]؛ و جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد بازگشت گاهی است. (۷۳)

يَحْلِفُونَ بِهِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفُرِ وَكَفَرُوا بَعِيدٌ إِسْلَامُهُمْ وَهُمُوا بِمَا لَمْ يَتَأْلُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنَّ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ
فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُنْ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا نَصِيرٌ (۷۴)

همواره سوگند می‌خورند که [بر ضد پیامبر سخن ناروا و نادرست] نگفته اند، در صورتی که سخن کفرآمیز گفته اند و پس از اسلامشان کافر شده اند و به آنچه [از اهداف خائنانه ای که] دست نیافتند، اهتمام ورزیدند، و زبان به عیب جویی و انکار [نسبت به پیامبر] نگشودند مگر پس از آنکه خدا و پیامبرش آنان را از فضل و احسان خود توانگر ساختند؛ پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر است؛ و اگر روی [از خدا و پیامبر] برگردانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت به عذابی دردناک مجازات خواهد کرد و آنان را در زمین سرپرست و یاری [برای نجاتشان از چنگال عذاب] نخواهد بود. (۷۴)

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَدِّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

از منافقان کسانی هستند که با خدا پیمان بستند، چنانچه خدا از فضل و احسانش به ما عطا کند، یقیناً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. (۷۵)

فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوا وَهُمْ مُغْرِضُونَ (۷۶)

هنگامی که خدا از فضل و احسانش به آنان عطا کرد نسبت به [هزینه کردن] آن [در راه خدا] بخل ورزیدند و اعراض کنان [از پیمانشان] روی گردانند. (۷۶)

فَأَعْقَبُهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمٍ يُلْقَوْهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهُ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْنِيْبُونَ (۷۷)

پس برای آنکه به وعده های خود با خدا وفا نکردند، و همواره دروغ می گفتند، نفاقی [ثابت] در دل هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند، باقی گذاشت. (۷۷)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۷۸)

آیا ندانستند که خدا اسرار و پنهان سخن گفتن آنان را می داند و قطعاً خدا دانای به همه نهان هاست؟! (۷۸)

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَوَّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَحِدُّونَ إِلَّا جُهْدُهُمْ فَيَسْتَخِرُونَ مِنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۹)

آنان که در رابطه باصدقات از مؤمنانی که [افرون بر صدقه واجبان از روی رضا ورغبت] صدقه [مستحبی] می پردازند، عیب جویی می کنند، و کسانی را که جز به اندازه قدرتشان [ثروت و مالی] نمی یابند [تا صدقه دهنده] مسخره می کنند؛ خدا هم کیفر مسخره آنان را خواهدداد و برای آنان عذابی دردناک خواهدبود. (۷۹)

ص: ۱۹۹

إِنَّمَا تَعْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَمَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۸۰)

برای آنان [که عیب جویان مسخره کننده اند] چه آمرزش بخواهی چه نخواهی [یکسان است] اگر برای آنان هفتاد بار هم آمرزش بخواهی، خدا هر گز آنان را نخواهد آمرزید؛ زیرا آنان به خدا و پیامبر ش کفر ورزیدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. (۸۰)

فَرَحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعِدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (۸۱)

بر جای ماند گان [از جنگی تبوک] از خانه نشستن خود به سبب مخالفت با پیامبر خدا خوشحال شدند و خوش نداشتند که با اموال و جانها یشان در راه خدا جهاد کنند، و [به مؤمنان] گفتند: در این گرما [برای جهاد] بیرون نروید. بگو: آتش دوزخ در حرارت و گرمی، بسیار سخت تر است، اگر می فهمیدید. (۸۱)

فَلَيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلَيُبَكُّوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

پس به کیفر گناهانی که همواره مرتکب می شدند باید کمتر بخندند و بسیار بگریند. (۸۲)

إِنَّ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَهِ مِنْهُمْ فَإِسْتَأْذُنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُفَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًا إِنَّكُمْ رَضِيْتمُ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ

چنانچه خدا تو را [از سفر جنگ تبوک] به سوی گروهی از آنان [که بدون عذر از جنگ بازماندند] بازگردانید و آنان برای بیرون آمدن [به سوی جنگی دیگر] از تو اجازه خواستند، پس بگو: هرگز با من بیرون نخواهید آمد، و هرگز همراه من با هیچ دشمنی نخواهید جنگید؛ زیرا شما نخستین بار به نشستن در خانه [و ترك جنگ] خوشحال شدید، اکنون هم با مخالفین بنشینید. (۸۳)

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقْمِ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَا تُوْا وَهُمْ فَاسِقُونَ (۸۴)

و هرگز به جنازه هیچ کدام از آنان نماز مخوان و بر گورش [برای دعا و طلب آمرزش] نایست؛ زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند، از دنیا رفتند. (۸۴)

وَلَا تُعْجِبُكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۸۵)

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد [این ها برای آنان خوشبختی نیست] خدا فقط می خواهد آنان را در دنیا به اموال و فرزندانشان عذاب کند، و در حالی که کافرند جانشان درآید. (۸۵)

وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةُ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ (۸۶)

و چون سوره ای نازل شود که: [در آن سوره از آنان خواسته اند] به خدا ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید؛ ثروتمندان و قدرتمندان [منافق] از تو اجازه می خواهند [که در جهاد شرکت نکنند] و می گویند: بگذار که ما با خانه نشینان باشیم. (۸۶)

صف: ۲۰۰

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۸۷)

آنان راضی شده اند که با خانه نشینان باشند!! بر دل هایشان مهر تیره بختی زده شده پس [به همین سبب] آنان [منافع جهاد در راه خدا و بهره های آخرتی آن را] نمی فهمند. (۸۷)

لَكِنَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعْهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸۸)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جان هایشان جهاد کردند، اینانند که همه خیرات [دنیا و آخرت] برای آنان است و اینانند که رستگارند. (۸۸)

أَعَدَ اللَّهُ لَهُمْ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۸۹)

خدا برای آنان بهشت هایی را آماده کرده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند، این است

وَجَاهَ الْمُعَذْرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لَيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيِّصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹۰)

عذر آورند گان از بادیه نشینان نزد تو آمدند تا به آنان اجازه [ترک جنگ] داده شود، و کسانی که به خدا و رسولش دروغ گفتند [بدون آمدن نزد تو و بی هیچ عذری در خانه] نشستند، به زودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذابی دردنگ ک خواهد رسید. (۹۰)

لَيَسَ عَلَى الْضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَيِّلٍ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۱)

بر ناتوانان و بیماران و آنان که چیزی برای هزینه کردن [در راه جهاد] نمی یابند، گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند] در صورتی که [در پشت جبهه با اعمال و گفتارشان] برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند [و از این طریق به حمایت رزمندگان برخیزند]؛ آری، بر نیکوکاران [معنوی] هیچ مؤاخذه و سرزنشی نیست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۱)

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَنْتُوكَ لِتَحْمِلُهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحِمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَغْيِضُ مِنَ الدَّمْعِ حَرَّنَا أَلَا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ (۹۲)

و نیز بر کسانی که هنگامی که نزد تو آمدند تا آنان را [برای رفتن به سوی نبرد] سوار مرکبی کنی، گفتی: [به سبب نبود امکانات] بر مرکبی دسترسی ندارم تا شما را به جهاد برم، هیچ مؤاخذه و سرزنشی نیست؛ [از نزد تو] بازگشتن در حالی که به خاطر غصه و اندوه از دیدگانشان اشک می ریخت که چرا چیزی نمی یابند تا [در نبرد با دشمنان] هزینه کنند. (۹۲)

جزء ۱۱

ادامه سوره التوبه

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَعْتَيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْحَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۹۳)

راه مؤاخذه و سرزنش فقط بر ضد کسانی باز است که با آنکه توانگردند [باز هم برای ترک نبرد] از تو اجازه می خواهند؛ آنان راضی شدند که با خانه نشینان باشند، خدا بر دل هایشان مهر تیره بختی زد به همین سبب [حقایق را] نمی دانند. (۹۳)

ص: ۲۰۱

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ بَأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيِّرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرْدُونَ إِلَى عَالَمِ الْغُيَبِ وَالشَّهَادَهِ فَيَبْيَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۴)

هنگامی که به سوی آنان بازگردید، از شما [به سبب شرکت نکردن در جنگ] عذرخواهی می کنند، بگو: عذرخواهی نکنید، ما هرگز شما را باور نخواهیم کرد، خدا ما را از خیانت های شما آگاه کرد، و [دیگر بار هم] یقیناً خدا و پیامبرش کارهای شما

را می بینند [و برای آنان روشن است که باز هم خیانت می ورزید] آنگاه [پس از پایان مهلت مقرر] به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید و شما را به خیانت هایی که همواره مرتكب می شدید، آگاه خواهد کرد. (۹۴)

سَيِّلُفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجُسْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۵)

هنگامی که به سوی آنان بازگردید، برای شما [در جهت معذور بودن خود] زود سوگند می خورند تا از آنان صرف نظر کنید؛ پس از آنان روی برگردانید؛ زیرا پلیدند و جایگاهشان به کیفر خیانت هایی که همواره مرتكب می شدند، دوزخ است. (۹۵)

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۹۶)

برای شما [در جهت معذور بودن خود] سوگند می خورند تا از آنان راضی شوید، اگر شما هم از آنان راضی شوید، یقیناً خدا از گروه فاسقان راضی نخواهد شد. (۹۶)

الْأَعْرَابُ أَشَدُ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۹۷)

بادیه نشینان [جزیره العرب به سبب دوری از علم، دانش، فرهنگ و بینش] در کفر و نفاق [از دیگران] سخت تر و به جا هل بودن به احکام و حدود آنچه را خدا بر پیامبر نازل کرده سزاوار ترند، و خدا دانا و حکیم است. (۹۷)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَخَذُّ مَا يُنِفِقُ مَغْرِمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۹۸)

و گروهی از بادیه نشینان کسانی هستند که آنچه را انفاق می کنند غرامت و توان می شمارند، و پیش آمد های بدی را برای شما انتظار می برنند، پیش آمد های بد بر خودشان باد؛ و خدا شنوا و داناست. (۹۸)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَخَذُّ مَا يُنِفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيِّدُنَا حَلَّهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۹)

و گروهی از بادیه نشینان [جزیره العرب] کسانی هستند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را انفاق می کنند، مایه قرب به خدا و دعاهای پیامبر می دانند؛ آگاه باشید! انفاقشان و سیله تقریب برای آنان است، به زودی خدا آنان را در رحمتش در آورد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۹)

ص: ۲۰۲

وَالسَّابِقُونَ الْمَأْوَلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ يَأْتِسَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعْيَدَ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۰۰)

پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی و درستی از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود است و آنان

هم از خدا راضی هستند؛ برای ایشان بهشت هایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا برای ابد جاودانه اند؛ این است کامیابی بزرگ. (۱۰۰)

وَمِنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْمَأْعَرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَيْدَى نَهْرُهُمْ مَرْدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابِ عَظِيمٍ (۱۰۱)

و گروهی از بادیه نشینانی که پیرامونتان هستند منافق اند؛ و نیز گروهی از اهل مدینه بر نفاق خو گرفته اند، تو آنان را نمی شناسی ما آنان را می شناسیم، به زودی آنان را دوبار عذاب می کنیم [عذابی در دنیا و عذابی در برزخ] سپس به سوی عذابی بزرگ بازگردانده می شوند. (۱۰۱)

وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۰۲)

و دیگرانی هستند که به گناهانشان اعتراف کردند، [و] اعمال شایسته را با اعمال بد درآمیختند، امید است خدا توبه آنان را پذیرد زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۰۲)

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُرْكِيْهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكُنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)

از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می کنی، و آنان را رشد و تکامل می دهی؛ و [به] هنگام دریافت زکات [بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنان است؛ و خدا شنوا و داناست. (۱۰۳)

أَلْمَ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ (۱۰۴)

آیا ندانسته اند که فقط خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را دریافت می کند؟ و یقیناً خداست که بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۰۴)

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَرِّدُونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ فَيَبَيِّنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

و بگو: عمل کنید یقیناً خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را می بینند، و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را به آنچه همواره انجام می دادید، آگاه می کند. (۱۰۵)

وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِنَّمَا يُعَذِّبُهُمْ وَإِنَّمَا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰۶)

و گروهی دیگر کارشان موقوف به مشیت خداست، یا آنان را عذاب می کند یا توبه آنان را می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۱۰۶)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْيِحًا جَدًّا ضَرَّارًا وَكُفُرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لَمَنْ حَيَّ ارْبَابُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ مِنْ قَبْلِ وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرْدَنَا إِلَّا
الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (١٠٧)

و [از منافقان] کسانی هستند که بر پایه دور رویی و نفاق، مسجدی ساختند برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمین گاهی برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبر ش جنگیده بودند، سوگند سخت می خورند که ما با ساختن این مسجد جز خوبی [و خدمت] قصدی نداشتم، ولی خدا گواهی می دهد که بی تردید آنان دروغگویند. (۱۰۷)

لَمَّا تَقْسِمَ فِيهِ أَيْدِيَا لَمْسَيْ جِدُّ أَسَسَ عَلَى التَّقْسِيَّةِ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقْعُومَ فِيهِ رِحْمَالٌ يُحْبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ
(۱۰۸)

هر گز [برای عبادت و نماز] در آن مسجد نایست، قطعاً مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی، در آن مردانی هستند که خواهان پاکیزگی [و طهارت جسم و جان] هستند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد. (۱۰۸)

أَفَمَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانِ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارِ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰۹)

آیا کسی که بنیاد [امورش] را بر پایه تقوای الهی و رضای او نهاده بهتر است یا کسی که بنیاد [امورش] را بر لب پرتگاهی سست و فروریختنی نهاده؟! و آن بنا با بنا کننده اش در جهنم سقوط می کند؛ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.
(۱۰۹)

لَا يَرَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنُوا رِبِّهِ فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقْطَعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۱۰)

همواره آن ساختمانی که بنا نهاده اند در دل هایشان مایه شک و تردید است تا دل هایشان [به سبب مرگ] پاره شود، و خدا دانا و حکیم است. (۱۱۰)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْيَوْمِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِمَا نَهَمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِيدًا عَلَيْهِ حَقًا فِي التَّورَاءِ
وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشُرُوا بِيَعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۱)

یقیناً خدا از مؤمنان جان ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می کنند، پس [دشمن را] می کشنند و [خود در راه خدا] کشته می شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] و عده ای حق؛ و چه کسی به عهد و پیمانش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این داد و ستدی که انجام داده اید، خوشحال و شاد باشید؛ و این است کامیابی بزرگ. (۱۱۱)

الَّتَّا تَبِعُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۲)

[آن مؤمنان، همان] توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، فرمان دهنده گان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران حدود و مقررات خدایند؛ و مؤمنان را [به رحمت و رضوان خدا] مژده دهند. (۱۱۲)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَاللَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُسْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَى قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۱۳)

پیامبر و اهل ایمان را نسزد که برای مشرکان پس از آنکه روشن شد که آنان اهل دوزخند، درخواست آمرزش کنند، هر چند از خویشان باشند. (۱۱۳)

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَيِّهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدِهِ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوُّ اللَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (۱۱۴)

و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش جز به سبب وعده ای که به او داده بود، نبود [که اگر از بت پرستی خودداری کند، برای او آمرزش بخواهد] چون برای او روشن شد که وی دشمن خدادست از او بیزاری جست؛ یقیناً ابراهیم بسیار مهربان و بردار بود. (۱۱۴)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱۵)

و خدا بر آن نیست که قومی را پس از آنکه هدایت کرد، گمراه سازد، مگر آنکه اموری را که باید از آن پرهیزند برای آنان بیان کند [و آنان مخالفت ورزند]؛ مسلمان خدا به همه چیز داناست. (۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا نَصِيرٌ (۱۱۶)

یقیناً خدادست که مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره اوست؛ زنده می کند و می میراند؛ و شما را هیچ سرپرست و یاری جز خدا نیست. (۱۱۶)

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُشْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۱۷)

مسلمان خدا رحمت ویژه اش را بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار [جنگ توک] از او پیروی کردند، ارزانی داشت، پس از آنکه نزدیک بود دل های گروهی از آنان [به سبب سختی مسیر جنگ از حق] منحرف شود [و از ادامه مسیر بازایستند و به مدینه برگردند] سپس خدا توبه آنان را پذیرفت زیرا خدا نسبت به آنان بسیار رؤوف و مهربان است. (۱۱۷)

وَعَلَى الْتَّلَامِثِ الَّذِينَ خُلِقُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُوا أَنَّ لَّا مَلْجَأٌ مِّنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ تَمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ (۱۱۸)

و [نیز رحمتش] شامل حال آن سه نفری [بود] که [با بهانه تراشی واهی از شرکت در جنگ] بازمانده بودند [و همه مسلمانان به دستور پیامبر با آنان قطع رابطه کردند] تا جایی که زمین با همه وسعت و فراخی اش بر آنان تنگ شد و [از شدت غصه، اندوه و عذاب وجدان] دل هایشان هم در تنگی و مضیقه قرار گرفت، و دانستند که هیچ پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست؛ پس خدا به رحمتش بر آنان توجه کرد تا توبه کنند؛ زیرا خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و با صادقان باشید [صادقانی که کامل ترینشان پیامبران و اهل بیت رسول بزرگوار اسلام هستند]. (۱۱۹)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلُهُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغُبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَلَماً وَلَمَا نَصَبَ وَلَمَا مَخْمَصَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئَا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عِيدُوْ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيقُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۲۰)

شاپرک نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که پیرامون آنانند، از رسول خدا تخلف کنند؛ و آنان را نسزد که به سبب پرداختن به خویش از حفظ جان او [در شداید و سختی ها] دریغ ورزند؛ زیرا هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی رسد، و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد، قدم نمی گذارند، و از هیچ دشمنی انتقام نمی گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی رسند] مگر آنکه به پاداش هر یک از آنان عمل شاپرک نیست که ای در پرونده آنان ثبت می شود؛ چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند. (۱۲۰)

وَلَا يُفِقُّونَ نَفَقَهَ صَغِيرَهُ وَلَا كَبِيرَهُ وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيَا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيُجزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۱)

و هیچ مال کوچک و بزرگی را هزینه نمی کنند و هیچ سرزمینی را [برای نبرد با دشمن یا انجام کار خبری] نمی پیمایند مگر آنکه در پرونده اعمالشان ثبت می شود، تا خدا به آنان [نسبت به همه اعمالشان] با معیار گرفتن بهترین عملی که همواره انجام می دادند، پاداش دهد. (۱۲۱)

وَمَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لَيَنْفِرُوا كَفَافَهُ فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرَقَهِ مِنْهُمْ طَائِفَهُ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلَيُنَذِّرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْذَرُونَ (۱۲۲)

و مؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمیعتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهنند، باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] پرهیزنند. (۱۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذِينَ يُلُونَكُمْ مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيْكُمْ غِلَظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۲۳)

ای اهل ایمان! با کافرانی که هم جوار شما هستند، نبرد کنید؛ و آنان باید در شما سرسرخی و شدت یابند؛ و بدانید که خدا با پرهیز کاران است. (۱۲۳)

وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبِّشُونَ (۱۲۴)

و هنگامی که سوره ای نازل شود، برخی از منافقان به اهل ایمان گویند: این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزو؟ ولی کسانی که ایمان آورده اند این سوره بر ایمانشان افزود، و آنان [از نزول این سوره] شادمان می شوند. (۱۲۴)

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ فَزَادَتْهُمْ رِبْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (۱۲۵)

اما کسانی که در دل هایشان بیماری [نفاق] است، پس پلیدی بر پلیدیشان افزود و در حالی که کافر بودند از دنیا رفتند. (۱۲۵)

أَوَلَّا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّاتِينِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶)

آیا نمی بینند که در هر سال یک بار یا دو بار [به وسیله جهاد یا پیش آمد های دیگر] آزمایش می شوند، ولی نه توبه می کنند و نه پند می گیرند. (۱۲۶)

وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَأُكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (۱۲۷)

و هنگامی که سوره ای نازل شود برخی از منافقان به برخی دیگر، نگاه [مرموزانه] می کنند [و به سبب نگرانی از بر ملا شدن نفاقشان می گویند]: آیا کسی شما را می بیند؟ سپس [به صورت مخفیانه از محضر پیامبر خدا] بازمی گردند، خدا دل هایشان را [از حق] گردانیده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که [حقایق را] نمی فهمند. (۱۲۷)

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۲۸)

یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادن تان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است. (۱۲۸)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱۲۹)

پس اگر [منافقان] از حق روی گردانند، بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبدی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. (۱۲۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرِّئْلُكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۱)

الراين آيات [با عظمت] کتاب محکم و استوار است. (۱)

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنَّ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ (۲)

آیا برای مردم شگفت آور است که بر مردی از خودشان وحی فرستادیم که مردم را [از عاقبت کفر، ناسپاسی، گناه و تجاوز] بیم ده، و به کسانی که ایمان آورده اند مژده ده که آنان را نزد پروردگارشان سابقه ای نیک [و مقام، مرتبه ای بلند و پاداشی شایسته] است. کافران [لジョج و بی منطق] گفتند: همانا این مرد، جادوگری آشکار است!! (۲)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۳)

یقیناً پروردگارتان خدای یکتاست که آسمان ها و زمین را در شش روز پدید آورد، آن گاه بر تخت فرمانروایی و حکومت بر آفرینش چیره شد، همواره کار جهان را [با قوانینی استوار و منظم] تدبیر می کند. [کار] هیچ واسطه ای [در همه جهان هستی برای جابجایی عناصر و ترکیب اجزا و به جریان انداختن امور] جز پس از اذن او نیست. این است خدا، پروردگار شما، پس او را بپرستید؛ آیا متذکر [حقایق] نمی شوید؟ (۳)

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعِنْدَ اللَّهِ حَقًا إِنَّهُ يَعْلَمُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيُجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۴)

باز گشت همه شما فقط به سوی اوست. [خدا شما را وعده داد] وعده ای حق و ثابت؛ بی تردید اوست که جهان آفرینش را می آفریند، سپس آن را [به قیامت] بازمی گرداند تا کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به عدالت و انصاف پاداش دهد، و برای کسانی که کافر شدند به کیفر کفری که همواره می ورزیدند، شربتی از آب بسیار جوشان و عذابی دردناک است. (۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عِيَادَةَ السَّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُعَصِّلُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵)

اوست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داد، و برای ماه منازلی [چون هلال، تربع، بدر و محاق] مقدّر ساخت تا شمار سال و حساب [ماه، هفته، اوقات امور زندگی و تنظیم برنامه های معیشت] را بدانید. خدا آنها را جز به درستی و راستی نیافریده؛ او نشانه ها را برای گروهی که دانایند [بدون هر گونه ابهام] بیان می کند. (۵)

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ (٦)

به یقین در رفت و آمد شب و روز و آنچه را خدا در آسمان ها و زمین پدید آورد، برای گروهی که همواره تقوا پیشه اند، نشانه هایی [بر توحید، رویت و قدرت خدا] است. (۶)

ص: ۲۰۸

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (٧)

مسلمانی که دیدار [قيامت] ما [و محاسبه شدن اعمالشان] را امید ندارند و به زندگی دنیا خشنود شده اند و به آن آرام یافته اند و آنانکه از آیات ما بی خبرند. (۷)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٨)

آنانند که به کفر گناهانی که همواره مرتكب می شدند، جایگاهشان آتش است. (۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهُدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (٩)

بی تردید کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، پروردگارشان آنان را به سبب ایمانشان به بهشت های پر نعمت که نهرها از زیر [قصرهای] آنها جاری است، راهنمایی می کند. (۹)

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحْيِيْهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (١٠)

[آغاز] نیایششان در آنجا [این است که]: خدایا! از هر عیب و نقصی منزهی، و درود خدا در آنجا به آنان عطا کردن سلامتی کامل است، و پایان بخش نیایششان این است که همه ستایش ها ویژه خدا مالک و مربی جهانیان است. (۱۰)

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفَضَى إِلَيْهِمْ أَجْلَهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (١١)

و اگر خدا برای مردم در عذاب و مجازات همان گونه که آنان در طلب خیر و خوشی شتاب دارند، شتاب می ورزید، قطعاً مدت عمرشان [با نزول عذاب و مجازات] پایان می یافت؛ پس کسانی که دیدار [قيامت] ما [و محاسبه شدن اعمالشان] را امید ندارند، وا می گذاریم تا در طغیانشان سرگردان بمانند. (۱۱)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الصُّرُّ دَعَانَا لِجَنَبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذِلِكَ زُيْنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٢)

و چون انسان را گزند و آسیبی رسد، ما را [در همه حالات] به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده [به یاری] می خواند، پس زمانی که گزند و آسیبیش را برطرف کنیم، آن چنان به راه ناسپاسی و گناه می رود که گویی هرگز ما را برای برطرف کردن

گزند و آسیبی که به او رسیده [به یاری] خوانده است!! این گونه برای اسراف کاران اعمالی که همواره انجام می دادند، آراسته شده [تا جایی که زشتی اعمالشان را نمی فهمند]. (۱۲)

وَلَقْدْ أَهْلَكُنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۱۳)

یقیناً اقوام پیش از شما را هنگامی که ستم ورزیدند، هلاک کردیم، و پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردن، ولی آنان بر آن نبودند که ایمان بیاورند؛ این گونه گروه گناهکار را کیفر می دهیم. (۱۴)

ثُمَّ جَعْلَنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِتَنْتَرِ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۵)

سپس شما را بعد از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا [بر پایه سنت آزمایش] بنگریم، چگونه عمل می کنید؟ (۱۶)

ص: ۲۰۹

وَإِذَا تُئْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتْبِعْ بِقُرْآنِ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۷)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که دیدار [قیامت] ما [و محاسبه شدن اعمالشان] را امید ندارند، می گویند: قرآنی غیر این بیاور یا آن را [به آیاتی دیگر که خوش آیند طبع ما باشد] تغییر ده!! بگو: مرا نرسد که آن را از نزد خود تغییر دهم؛ جز آنچه را به من وحی می شود، پیروی نمی کنم؛ من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۱۸)

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَأْتُوهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَيْسَتْ فِيْكُمْ عُمْرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۹)

بگو: اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم، و او هم شما را به آن آگاه نمی کرد؛ همانا مدت ها پیش از نزول قرآن در میان شما بودم، [و ادعای پیامبری نداشتم، اکنون صدق پیامبری خود را با این قرآن اثبات می کنم] آیا نمی اندیشید؟ (۲۰)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (۲۱)

پس ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بندد یا آیاتش را تکذیب کند، کیست؟ یقیناً گنهکاران، رستگار خواهند شد. (۲۲)

وَيَعْيِّدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضْرُبُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هُؤُلَاءِ شُفَاعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُبَيِّنُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳)

و آنان به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه زیانی به آنان می رسانند و نه سودی به آنان می دهند؛ و می گویند: اینان شفیعان ما نزد خدایند. بگو: آیا خدا را به شفیعانی خبر می دهید که آنها را در آسمان ها و زمین [به عنوان شفیع] نمی شناسد؟ او از آنچه که شریک او قرار می دهنده، منزه و برتر است. (۲۴)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ فَاتَّخَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۹)

و مردم [بر محور یکتاپرستی] جز امت واحدی نبودند؛ پس [چیزی نگذشت که درباره دین] دچار اختلاف شدند؛ و اگر از سوی پروردگارت، فرمانی مقرر نشده بود [که عذاب اختلاف کنندگان تا قیامت به تأخیر افتد] یقیناً میان آنان در آنچه اختلاف می کنند، داوری می شد [و نتیجه داوری نابودی آنان و انقراض نسلشان بود]. (۱۹)

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظَرِينَ (۲۰)

و می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای [چون عصای موسی و ناقه صالح وغیر آن] بر او نازل نشده؟ بگو: [آمدن و نیامدن معجزه از امور غیبی است و] غیب ویژه خداست؛ پس [به خاطر لجاجت و مخالفت با حق] به انتظار [عذاب] باشد که من هم با شما از منتظرانم. (۲۰)

ص: ۲۱۰

وَإِذَا أَذْقَنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَّاءٍ مَسْتَهْمِمٍ إِذَا لَهُمْ مَكْرُرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرُرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱)

و چون مردم را پس از رنج و آسیبی که به آنان رسیده، رفاه و آسایشی بچشانیم [به جای سپاس و ستایش] ناگاه در آیات ما به نیرنگ و بداندیشی برخیزند [و برای نپذیرفتن آن به بهانه ها و توجیهات بی پایه متوجه شوند] بگو: خدا در کیفر و مجازات، سریع تر و کارآمدتر است. مسلمًا فرستادگان ما [که فرشتگان و نویسندهای اعمالند] آنچه نیرنگ و بداندیشی می کنید [در نامه عمل شما] ثبت می کنند. (۲۱)

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرِيَنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَهٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَيْسَ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنْكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲)

او کسی است که شما را در خشکی و دریا گردش می دهد، تا آن گاه که در کشتی ها باشد و کشتی ها مسافرانش را با بادی ملايم و آرام حرکت دهنده، و کشتی نشینان به آن باد ملايم و آرام شادمان شوند، ناگاه بادی تند و سخت بر آن کشتی وَزَدَ و از هر طرف موجی سهمگین بر آنان تازد، و یقین کنند که در محاصره [امواج خطرناک] افتاده اند [و راهی برای نجات ندارند]، [در آن هنگامه هلاکت بار] خدا را در حالی که ایمان و عبادت را از هر گونه شرکی برای او خالص می کنند، می خوانند که اگر ما را از این [عرصه هلاکت بار] نجات دهی، مسلمًا و قطعاً از سپاس گزاران خواهیم شد. (۲۲)

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِعَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنَبْيَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

پس هنگامی که آنان را نجات بخشد، ناگهان در زمین به ناحق تجاوز و سرکشی می کنند. ای مردم! تجاوز و سرکشی شما فقط به زیان خود شمامست؟ [چند روزی محدود از] کالای زندگی دنیا [بهره می برید]؛ آن گاه بازگشتن به سوی ماست؟ پس شما را به اعمالی که همواره انجام می دادید، آگاه می کنیم. (۲۳)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخْمَدْتِ الْأَرْضَ زُخْرُفَهَا وَأَزَّيْتَ وَظَنَّ أَهْلَهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَيْنَهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصَّةً يِدًا كَانَ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَمَذِلَكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (٢٤)

در حقیقت، داستان زندگی دنیا [در زود گذر بودن] مانند آبی است که از آسمان نازل کردیم، پس گیاهان و رویدنی های زمین از آنچه مردم و چهارپایان از آن می خورند، با آن آب در آمیخت [و رشد و نمو یافت] تا آن گاه که زمین [سرسبزی و نهایت زیبایی و] زیتش را [از آن همه رویدنی های رنگارنگ هم چون عروس] بر خود گرفت، و اهل آن گمان کردند که قدرت [هر نوع بهره برداری را] از آن [چهره زیبا و آراسته] دارند، [که ناگهان] فرمان ما در شبی یا روزی [به صورت سرمایی سخت یا صاعقه ای آتش زا یا توفانی بینان کن] به زمین رسید، پس همه گیاهان را به صورت گیاهان خشک درو شده درآوردیم که گویی دیروز [چنین زراعتی] وجود نداشت. این گونه نشانه ها [ی قدرت خود] را برای گروهی که می اندیشنند، بیان می کنیم. (۲۴)

وَاللَّهُ يَدْعُ إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهِدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (٢٥)

و خدا [مردم را] به سرای سلامت و امنیت [که بهشت عنبر سرشت است] دعوت می کند و هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می نماید. (۲۵)

ص: ۲۱۱

لَلَّذِينَ أَخْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَهُ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَطْرٌ وَلَا ذَلَّهُ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُنْ فِيهَا حَالِدُونَ (٢٦)

برای کسانی که نیکی کردند، [بهترین] پاداش و افزون [بر آن] است؛ و چهره آنان را سیاهی و خواری نمی پوشاند؛ آنان اهل بهشت اند [و] در آن جاودانه اند. (۲۶)

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَهٖ بِمِثْلِهِ وَتَرَهُقُهُمْ ذِلَّهُ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَانُهُمْ أَعْشَيَتُ وُجُوهُهُمْ قِطَعاً مِنَ اللَّيلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُنْ فِيهَا حَالِدُونَ (٢٧)

و کسانی که مرتکب بدی ها شدند، کیفر هر بدی مانند همان بدی است و خواری آنان را فرامی گیرد، برای آنان از [خشم و عذاب] خدا هیچ حافظ و نگه دارنده ای نخواهد بود؛ گویی چهره هایشان با پاره هایی از شب تاریک پوشیده شده؛ آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۲۷)

وَيَوْمَ نَحْشِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانُكُمْ أَتْسُمْ وَشَرَكَاؤُكُمْ فَرَيْلَنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (٢٨)

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را [در قیامت] جمع می کنیم، آن گاه به مشرکان می گوییم: شما و معبدانتان در جایگاه خود بایستید؛ پس میان آنان و معبدشان جدایی می اندازیم، و معبدانشان به آنان خطاب می کنند: شما در دنیا ما را نمی پرستیدید [بلکه شیطان و هوای نفس خود را می پرستیدید]. (۲۸)

فَكَفَىٰ بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنِ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (۲۹)

پس خدا میان ما و شما از جهت شهادت کافی است که ما یقیناً از پرستش شما نسبت به خود بی خبر بودیم. (۲۹)

هَنَالِكَ تَبَلُّو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفْتُ وَرُدُوا إِلَى اللّٰهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳۰)

آنجاست که هر کسی [به پاداش] هر عملی که از پیش فرستاده گرفتار آید، همه به سوی خدا سرپرست حقیقی خود باز گردانده می شوند، و آنچه را همواره به دروغ شریک خدا انگاشته بودند [گم شده] از دستشان می رود. (۳۰)

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْنَ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمَنْ يُمْدِدُ بِرَبِّ الْأَمْرِ فَسَيَقُولُونَ اللّٰهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۱)

بگو: کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا کیست که بر گوش ها و چشم ها مالکیت و حکومت دارد؟ و کیست که زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و کیست که همواره امور [جهان هستی] را تدبیر می کند؟ به زودی خواهند گفت: خدا! پس بگو: آیا [از پرستش غیر او] نمی پرهیزید؟! (۳۱)

فَذَلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَإِنَّى تُصْرُفُونَ (۳۲)

این است خدا، پروردگار حقیقی شما، بنابراین بعد از حق چیزی جز گمراهی و ضلالت وجود دارد؟ پس چگونه شما را از حق بازمی گردانند؟ (۳۲)

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

این گونه فرمان قاطعانه پروردگارت درباره فاسقان محقق و ثابت شد که اینان [به سبب گناه و لجاجت] ایمان نمی آورند. (۳۳)

ص: ۲۱۲

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدِأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللّٰهُ يَبْدِأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳۴)

بگو: آیا از معبدهای شما کسی هست که جهان آفرینش را ایجاد نماید و سپس آن را [پس ازفانی شدن، به قیامت باز گرداند؟ بگو: فقط خدادست که جهان آفرینش را می آفریند سپس آن را [پس از فنا] بازمی گرداند، پس چگونه [از حق منصرفان می کنند؟ (۳۴)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهَدَّى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۵)

بگو: آیا از معبدان شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟ بگو: فقط خداست که به سوی حق هدایت می کند؛ پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند، برای پیروی شدن شایسته تر است یا کسی که هدایت نمی یابد مگر آنکه هدایتش کند؟ شما را چه شده؟ چگونه [بدون بصیرت و دانش] داوری می کنید؟ (۳۵)

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و بیشتر آنان [در عقاید و آرایشان] جز از گمان و ظن پیروی نمی کنند، یقیناً گمان و ظن به هیچوجه انسان را از حق بی نیاز نمی کند، [و جای معرفت و دانش را نمی گیرد] مسلماً خدا به آنچه انجام می دهنده، داناست. (۳۶)

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي يَئِنَّ يَدَيهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۷)

و این قرآن را نسزد که دروغی ساختگی از سوی غیر خدا باشد، بلکه [با آیات محکم و استوارش] تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و شرح و توضیحی بر هر کتاب [آسمانی] است، در آن هیچ تردیدی نیست که از سوی پروردگار جهانیان است. (۳۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأَتُوا بِسُورَةٍ مُّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اشْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

ولی [این سبک مغزان بی منطق، در عین روشن بودن حقیقت] می گویند: [پیامبر] آن را به دروغ باfte است. بگو: پس اگر [در ادعای خود] راستگو هستید، سوره ای مانند آن بیاورید، و هر که را جز خدا می توانید [برای این کار] به یاری خود دعوت کنید. (۳۸)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الظَّالِمِينَ (۳۹)

آری، [عجلانه] حقیقتی را تکذیب کردند که به معارف و مفاهیمش احاطه نداشتند و هنوز تفسیر عینی و تحقیق و ظهور آیاتش [که در قیامت انجام می گیرد] برای آنان نیامده است، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز آیات الهی و پیامبران را] این گونه تکذیب کردند؛ پس با تأمل بنگر که سرانجام ستمکاران چگونه بود؟ (۳۹)

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰)

و گروهی از مردم به قرآن ایمان می آورند و گروهی ایمان نمی آورند؛ و پروردگارت به مفسدان، داناتر است. (۴۰)

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لَّيْ عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَتْمُ بَرِيُّونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بِرِّيَّةٌ مَمَّا تَعْمَلُونَ (۴۱)

و اگر تو را تکذیب کردند [تا آنجا که از ایمان آوردن شان نامید شدی] بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شماست، شما از آنچه من انجام می دهم، بیزارید، و من از آنچه شما انجام می دهید، بیزارم. (۴۱)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنَّتْ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۴۲)

و برخی از آنان به تو گوش می دهند [ولی گویا نمی شنوند] آیا تو می توانی کران را گرچه اندیشه نمی کنند، بشنوانی؟

(۴۲)

ص: ۲۱۳

وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعَمَّىٰ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبَصِّرُونَ (۴۳)

و گروهی از آنان تو را می نگردند [ولی گویا از درک معجزات، فهم آیات قرآن، سلامت اخلاق و کردارت با چشم دل ناتوانند]. آیا تو می توانی نایبینیان را گرچه از روی بصیرت و بینش نبینند، هدایت کنی؟ (۴۳)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلِكُنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۴)

یقیناً خدا هیچ ستمی به مردم روا نمی دارد، ولی مردم [با روی گردانی از حق] بر خود ستم می ورزند. (۴۴)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنَّ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا يِلْقَاءُ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۴۵)

و یاد کن روزی را که خدا آنان را [در قیامت] گرد می آورد، در حالی که گویا [در دنیا] جز ساعتی از روز درنگ نکرده اند، آنان میان خودشان یکدیگر را [به گونه ای که در دنیا می شناختند] می شناسند؛ یقیناً کسانی که دیدار [قیامت] خدا [و محاسبه شدن اعمالشان] را تکذیب کردند، سرمایه وجودشان را تباہ نمودند و از راه یافتنگان نبودند. (۴۵)

وَإِمَّا نُرِنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّنَكَ فَإِنَّا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَعْمَلُونَ (۴۶)

اگر پاره ای از عذاب هایی را که [به سبب کفرشان] به آنان وعده می دهیم، به تو نشان دهیم [می بینی که عذابی سخت و دردناک است] یا اگر [پیش از آنکه عذاب آنان را به تو نشان دهیم] تو را قبض روح کنیم [اندوه مخور که در قیامت، عذابشان را خواهی دید] پس بازگشتشان به سوی ماست؛ آن گاه خدا بر آنچه انجام می دهنده، گواه است. (۴۶)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴۷)

و برای هر امتی پیامبری است؛ پس هنگامی که پیامبرشان [در قیامت] به سویشان آید، در میانشان به عدالت و انصاف داوری شود و مورد ستم قرار نخواهد گرفت. (۴۷)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

و [به صورتی مسخره آمیز] می گویند: این وعده [آمدن قیامت و محاسبه اعمال] چه زمانی است، اگر راستگویید؟ (۴۸)

قُلْ لَا أَمِلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۴۹)

بگو: من برای خود قدرت دفع زیان و جلب سود ندارم، مگر آنچه را که خدا بخواهد؛ [وظیفه من فقط ابلاغ پیام خدادست]

برای هر امتی سرآمدی معین و اجلی محدود است، هنگامی که اجلسان سرآید، نه لحظه‌ای پس می‌مانند و نه پیش می‌افتد.

(۴۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابٌ بِيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعِجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (۵۰)

بگو: به من خبر دهید که اگر عذاب خدا شما را در شب یا در روز فرا رسید [چه قدرتی بر دفع آن دارید؟] گنهکاران چه چیزی از عذاب را به شتاب می‌خواهند؟ (۵۰)

أَتُّمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَتُمْ بِهِ آلَانَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعِجِلُونَ (۵۱)

سپس آیا هنگامی که عذاب فرا می‌رسد به درستی و حق بودنش ایمان می‌آورید؟ [در لحظه فرا رسیدن عذاب به شما گفته می‌شود:] حالا و ایمان؟! [این همان عذابی است] که همواره به رسیدن آن شتاب ورزیدید! (۵۱)

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجَزُّونَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۵۲)

آن گاه به کسانی که ستم کرده اند، گفته می‌شود: عذاب جاودانه را بچشید، آیا جز به کیفر آنچه همواره مرتکب می‌شدید، جزا داده می‌شوید؟ (۵۲)

وَيَسْتَبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِيْ وَرَبِّيْ إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ (۵۳)

و از تو خبر می‌گیرند: آیا [عذاب جاودانه ای که به آن تهدید می‌شویم] حق است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم یقیناً حق است، و شما عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید]. (۵۳)

ص: ۲۱۴

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَاقْتَدَثْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۵۴)

اگر [در قیامت] برای هر کسی که ستم کرده همه ثروتی که در زمین است فراهم باشد، یقیناً آن را برای باخرید خود [از عذاب جاودانه] می‌پردازد؛ و زمانی که عذاب را بینند [از شدت شرمساری] پشیمانی و اندوه خود را پنهان می‌کنند، و میان آنان به عدالت و انصاف داوری می‌شود و مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۵۴)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۵)

آگاه باشید! مسلمًا آنچه در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست. بدانید که بی تردید و عده خدا حق است، ولی بیشترشان [این حقایق را] نمی‌دانند. (۵۵)

هُوَ يُحِيِّ وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَمُونَ (۵۶)

او زنده می کند و می میراند و به سوی او بازگردانده می شوید. (۵۶)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتُكُم مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۵۷)

ای مردم! یقیناً از سوی پروردگار تان برای شما پند و موعظه ای آمده، و شفاست برای آنچه [از بیماری های اعتقادی و اخلاقی] در سینه هاست، و سراسر هدایت و رحمتی است برای مؤمنان. (۵۷)

قُلْ يَفْصِلِ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فَيُذَلِّكَ فَإِلَّيْفَرَحُوا هُوَ حَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (۵۸)

بگو: [این موعده، دارو، هدایت و رحمت] به فضل و رحمت خداست، پس باید مؤمنان به آن شاد شوند که آن از همه ثروتی که جمع می کنند، بهتر است. (۵۸)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَالًا قُلْ إِنَّ اللَّهَ أَذْنَ لَكُمْ أُمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ (۵۹)

بگو: به من خبر دهید که آنچه خدا از رزق و روزی برای شما نازل کرده و شما بخشی از آن را حرام و بخشی را حلال کردید. بگو: آیا خدا این حرام و حلال کردن را به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می بندید؟! (۵۹)

وَمَا طَلُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو الْفَضْلِ عَلَى النَّاسِ وَلِكُنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۶۰)

و کسانی که بر خدا دروغ می بندند، گمانشان به روز قیامت چیست؟ بی تردید خدا نسبت به همه مردم، صاحب فضل و احسان است، ولی بیشتر شان سپاس نمی گزارند. (۶۰)

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَنْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كَنَا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْرُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مُنْقَابٍ ذَرَرِهِ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (۶۱)

[ای پیامبر!] در هیچ شغل و کاری نمی باشی، و هیچ بخشی از قرآن را که از سوی خداست، تلاوت نمی کنی، و [شما ای مردم!] هیچ کاری انجام نمی دهید، مگر آنکه وقتی سرگرم به آن کار هستید، گواه و شاهد شماییم. و به اندازه وزن ذره ای در زمین و آسمان از پروردگارت پوشیده نیست و نه کوچک تر از آن ذره و نه بزرگ تر از آن نیست، مگر آنکه در کتابی روشن ثبت است. (۶۱)

ص: ۲۱۵

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْرَنُونَ (۶۲)

آگاه باشید! یقیناً دوستان خدا نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۶۲)

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳)

آنان که ایمان آورده اند و همواره پرهیزکاری دارند. (۶۳)

لَهُمْ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴)

آنان را در زندگی دنیا و آخرت مژده و بشارت است [در دنیا به وسیله وحی و در آخرت به خطاب خدا و گفتار فرشتگان] در کلمات خدا [که وعده ها و بشارت های اوست] هیچ دگرگونی نیست؛ این است کامیابی بزرگ. (۶۴)

وَلَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۵)

و گفتار [بی اساس و تبلیغات ناروای] مخالفان، تو را غمگین نکند؛ زیرا همه عزت و توانمندی برای خدادست؛ او شنوا و داناست. (۶۵)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنِ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الذِّينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۶۶)

آگاه باشید! یقیناً هر که در آسمان ها و هر که در زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست؛ و کسانی که به جای خدا معبدانی را می پرستند، از حق پیروی نمی کنند؛ آنان [در این پرستش] فقط از گمان و ظن پیروی می کنند و آنان فقط دروغ می بافند. (۶۶)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۷)

اوست کسی که شب [تاریک] را برای شما پدید آورد تا در آن بیارماید، و روز را نور افshan [قرار داد تا در آن به کار و کوشش پردازید]؛ یقیناً در این امور برای گروهی که حقایق را بشنوند، نشانه هایی [از توحید و قدرت و ربوبیت خدا] است. (۶۷)

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۸)

[مشرکان بر پایه گمان واهی خود] گفتند: خدا برای خود فرزندی گرفته است!! او منزه از هر عیب و نقصی است، او از هر چیزی بی نیاز است، آنچه در آسمان ها و زمین است، در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست؛ نزد شما بر این ادعا [ی پوچ] هیچ دلیل و برهانی نیست، آیا چیزی را از روی جهل و نادانی به خدا نسبت می دهید؟! (۶۸)

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۶۹)

بگو: کسانی که بر خدا دروغ می بندند، یقیناً رستگار نمی شوند. (۶۹)

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِنَّا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)

در دنیا [بهره آنان از دروغ بستن] بهره ای [اندک] است؛ آن گاه بازگشتشان به سوی ماست؛ سپس به آنان به کیفر آنکه کفر می ورزیدند، عذابی سخت می چشانیم. (۷۰)

ص: ۲۱۶

وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأً نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمَ إِنَّ كَمَانَ كَبُرٌ عَلَيْكُمْ مَّقَامٍ وَتَذَكِّرِي بِآيَاتِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجَمِعُوا أَمْرُكُمْ وَشَرَّكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَّةٌ ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ (۷۱)

و سرگذشت [پر فایده و عبرت آموز] نوح را برای آنان بگو، آن گاه که به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر اقامت طولانی من میان شما و پند و اندرزم به وسیله آیات خدا، بر شما گران و دشوار است [از هیچ کاری بر ضد من کوتاهی نکنید] من بر خدا توکل کردم، پس شما عزم و تصمیم خود و قدرت معبدانتان را [که گمان می کنید شما را یاری می دهند] روی هم بگذارید تا تلاشتان [بر ضد من] بر شما مبهم و پوشیده نباشد، آن گاه به زندگی من خاتمه دهید و مرا [چشم به هم زدنی] مهلت ندهید. (۷۱)

فَإِنْ تَوَلَّتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمْرَتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۷۲)

اگر [از پذیرش دعوتم] روی بگردانید [خود زیان کرده اید] من از شما [در برابر ابلاغ رسالت] پاداشی نمی خواهم؛ پاداش من فقط بر عهده خدادست و مأمورم که از تسلیم شدگان [در برابر فرمان های حق] باشم. (۷۲)

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعْهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُنَذَّرِينَ (۷۳)

پس او را تکذیب کردند؛ ما هم او و کسانی را که در کشتی همراه او بودند [از آن توفان مهلك] نجات دادیم، و آنان را جانشینان [غرق شدگان] نمودیم، و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم؛ پس [با تأمل] بنگر که سرانجام کسانی که بیم داده شدند، چگونه بود؟! (۷۳)

ثُمَّ بَعْثَنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسِّلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُهُمْ بِالْيَنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلٍ كَذَّلِكَ تَطْبِعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِلِينَ (۷۴)

سپس بعد از نوح، پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس برای آنان دلایل آشکار آوردنده، ولی قومشان بر آن نبودند که به آنچه پیش از آن تکذیب کرده بودند ایمان آورند؛ این گونه دل های متباوزان را مهر [بدبختی] می زیم. (۷۴)

ثُمَّ بَعْثَنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبِرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۷۵)

آن گاه پس از آنان موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف و سران قومش فرستادیم، پس آنان تکبر ورزیدند و آنان گروهی گنهکار بودند. (۷۵)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (۷۶)

پس هنگامی که حق از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: مسلمًا این جادویی است آشکار. (۷۶)

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (۷۷)

موسی گفت: آیا درباره حق هنگامی که به سویتان آمد، می گویید: آیا این جادوست؟ [نه، این جادو نیست، اگر جادو بود پیروزی نداشت] زیرا جادوگران پیروز نمی شوند. (۷۷)

قَالُوا أَجِئْنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (۷۸)

گفتند: آیا به سوی ما آمده ای تا ما را از آینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، برگردانی و [با نابود کردن ما] قدرت و حکومت در این سرزمین برای شما دو نفر باشد؟ و ما به شما دو نفر ایمان نمی آوریم! (۷۸)

ص: ۲۱۷

وَقَالَ فِرْعَوْنُ اتُّونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلَيْمٍ (۷۹)

و فرعون گفت: [برای درهم کوییدن این دو نفر] هر جادوگر دانا و زبردستی را نزد من آورید. (۷۹)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (۸۰)

چون جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت: آنچه را بر افکنند آن مصمم هستید، بیفکنید. (۸۰)

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْنِي بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (۸۱)

پس هنگامی که افکنند، موسی گفت: آنچه را در این صحنه آوردید، جادوست؛ مسلمًا خدا آن را به زودی باطل می کند، قطعاً خدا، کار مفسدان را [که برای تقویت طاغیان انجام می دهند] به سامان نمی آورد. (۸۱)

وَيَحْقُّ اللَّهُ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸۲)

و خدا حق را با دلایل و معجزاتش ثابت و پابرجا می کند، گرچه گنهکاران خوش نداشته باشند. (۸۲)

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرَّيْهُ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتَنُهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (۸۳)

پس [در ابتدای کار] کسی به موسی ایمان نیاورد، مگر فرزندانی [انگشت شمار] از قومش آن هم با ترسی [شدید] از فرعون و اشراف و سران قوم خودشان که مبادا فرعونیان آنان را شکنجه و عذاب دهند؛ و مسلمًا فرعون در سرزمین مصر برتری خواه، و [در گناه، معصیت و ستم] از اسراف کاران بود. (۸۳)

وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمٍ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ (۸۴)

و موسی گفت: ای قوم من! اگر به خدا ایمان آورده اید، پس بر او توکل کنید اگر از تسليم شدگان [در برابر فرمان های حق] هستید. (۸۴)

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۸۵)

پس گفتند: ما فقط بر خدا توکل کردیم. پروردگارا! ما را دستخوش شکنجه و عذاب ستمکاران قرار مده. (۸۵)

وَنَجْنَاحًا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶)

و ما را به رحمت از گروه کافران رهایی ده. (۸۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَيْ مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأ لِقَوْمٍ كُمَا بِمِصْرَ يُبُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که خانه هایی در سرزمین مصر برای قوم خود فراهم آورید، و خانه هایتان را رو بروی هم قرار دهید، و نماز را بربا دارید، و مؤمنان را [به رهایی از چنگال فرعونیان] مژده ده. (۸۷)

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَهُ وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِكَذِبِهِ لَمُوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْنَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرُوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸)

و موسی گفت: پروردگارا! فرعون و اشراف و سرانش را در زندگی دنیا زیور و زینت [بسیار] و اموال [فراوان] داده ای که [نهایتاً مردم را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سخت گردن که ایمان نیاورند تا آنکه عذاب دردناک را بینند. (۸۸)

ص: ۲۱۸

قَالَ قَدْ أَجِبْتَ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَنْ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸۹)

[خدا] فرمود: دعای شما دو نفر پذیرفته شد؛ بنابراین [در ابلاغ پیام خدا] پابرجا واستوار باشد و از روش کسانی که جا هل و نادانند، پیروی نکنید. (۸۹)

وَجَاؤْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَعْيَا وَعَيْدُوا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بُنُوِّ إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰)

وبنی اسرائیل را از دریا گذراندیم، پس فرعون و لشکریانش آنان را از روی ستم و تجاوز دنبال کردند تا هنگامی که بلای غرق شدن، او را فروگرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبدی جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان آوردنده، نیست و من از

تسلیم شدگان [در برابر فرمان های حق] هستم. (۹۰)

آلآن وَقْدَ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱)

[به او گفته شد:] اکنون [که به نابودی خود یقین داری و زمان بازگشت به خدا سپری شده ایمان می آوری؟!] در حالی که پیش از این عصيان می ورزیدی و از تبهکاران بودی؟ (۹۱)

فَالْيَوْمَ نُنْجِيَكَ بِيَدِنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آئِهٗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲)

پس امروز تو را با بدن بی جانت نجات می دهم [وبر بلندایی از ساحل دریا می گذارم] تا برای آیندگان نشانه ای [از قدرت ما و زبونی و خواری گردنکشان] باشی؛ و یقیناً بسیاری از مردم از نشانه های ما بی خبرند. (۹۲)

وَلَقَدْ بَوَأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوِّأً صِدْقِي وَرَزَفُاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۹۳)

به راستی ما بنی اسرائیل را در جایگاهی [خوش آب و هوا و منطقه ای سرشار از نعمت ها] جای دادیم و به آنان از انواع روزی های پاکیزه، روزی بخشیدیم [ولی آنان در نبوت موسی و در دین خدا روی به اختلاف آوردند]؛ و اختلاف نکردند مگر پس از آنکه دانش [به حقایق و معارف] برای آنان آمد؛ یقیناً پروردگارت روز قیامت میان آنان درباره آنچه در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۹۳)

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مَمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحُكُمُ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۹۴)

و [به فرض محال] اگر از آنچه بر تو نازل کردیم در شک و تردیدی، از آنان که پیش از تو کتاب [آسمانی] می خواندند بپرس [كتابی که نزول قرآن را از سوی خدا خبر داده] تا روشن شود که حق از سوی پروردگارت به سوی تو آمد؛ بنابراین از تردید کنندگان مباش. (۹۴)

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۹۵)

و هرگز از کسانی مباش که آیات ما را تکذیب کردند که از زیانکاران خواهی شد. (۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۶)

مسلمان کسانی که عذاب پروردگارت بر آنان محقق و ثابت شده، ایمان نمی آورند. (۹۶)

وَلَوْ جَاءَهُمْ كُلُّ آيَهٍ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷)

گرچه همه نشانه‌ها و معجزه‌ها برای آنان باید تا آن زمان که عذاب دردنگ را ببینند [که آن هنگام ایمان آوردنشان هیچ سودی نخواهد داشت]. [۹۷]

ص: ۲۱۹

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيهًآ مَنَّتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونَسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْنِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعَاهُمْ إِلَى حِينٍ [۹۸]

پس چرا هیچ شهری نبوده است که [اهلش] ایمان بیاورد تا ایمانشان به آنان سود دهد؟ مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردن، عذاب رسایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و آنان را تا پایان عمرشان [از الطاف و نعمت‌های خود] برخوردار نمودیم. [۹۸]

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ [۹۹]

اگر پروردگارت می‌خواست یقیناً همه کسانی که روی زمین اند [اجباراً] ایمان می‌آوردن؛ [ای پیامبر! در حالی که خدا از بندگانش ایمان اجباری نخواسته] پس آیا تو مردم را وادار می‌کنی تا به اجراء مؤمن شوند؟! [۹۹]

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ [۱۰۰]

هیچ کس را نسزد [و قدرت نباشد] که ایمان بیاورد مگر به اذن و توفیق خدا، و خدا پلیدی [ضلالت] را [پس از بیان حقایق] بر کسانی قرار می‌دهد که [در حقایق] نمی‌اندیشنند. [۱۰۰]

قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ [۱۰۱]

بگو: با تأمل بنگرید که در آسمان‌ها و زمین [از شگفتی‌های آفرینش و عجایب خلقت] چه چیزها هست؟ ولی نشانه‌ها و هشدارها به حال گروهی که ایمان نمی‌آورند، سودی نمی‌دهد. [۱۰۱]

فَهُلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الدِّينِ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ [۱۰۲]

پس آیا جز مانند روزهای [سخت و شکننده] کسانی را که پیش از آنان در گذشتند، انتظار می‌برند؟ بگو: پس منتظر بمانید که من [هم] با شما از منتظرانم. [۱۰۲]

ثُمَّ نُنْجِي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذِلِكَ حَقًا عَلَيْنَا نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ [۱۰۳]

آن گاه پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند [روز نزول عذاب] می‌رهانیم، همین گونه بر ما فرضه و لازم است که مؤمنان را نجات دهیم. [۱۰۳]

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِكُنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّا كُمْ وَأَمْرَتُ أَنْ أَكُونَ

بگو: ای مردم! اگر شما در [حقائیت] دین من تردید دارید [من در حقائیت دین و بطلان آین شما هیچ تردیدی ندارم] من آنهاي را که شما به جای خدا می پرستید، نمی پرستم، بلکه خدایی را می پرستم که جان همه شما را می ستاند، و من مأمورم که از مؤمنان باشم. (۱۰۴)

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَيْفَا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۵)

و [دستور یافته ام] که [حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجود] به سوی [این] دین درست واستوار روی آور، و از مشرکان مباش. (۱۰۵)

وَلَا تَذْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۶)

و به جای خدا چیزی را که سودی به تو نمی رساند و زیانی نمی زند، مپرست؛ که اگر بپرستی قطعاً از زیانکاران خواهی بود. (۱۰۶)

ص: ۲۲۰

وَإِنْ يَمْسِي شَكَّ اللَّهُ بِضَرِّ فَلَمَا كَاשِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْ كَبِيرٌ فَلَمَا رَادَ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۰۷)

و اگر خدا گرند و آسیبی به تو رساند، آن را جز او برطرف کننده ای نیست، و اگر برای تو خیری خواهد فضل و احسانش را دفع کننده ای نیست؛ خیرش را به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند و او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۰۷)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ حَمَاءَ كُمُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضْلُلُ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوْكِيلٍ (۱۰۸)

بگو: ای مردم! یقیناً حق از سوی پروردگار تان برای شما آمد؛ پس هر که هدایت یابد، فقط به سود خود هدایت می یابد و هر که گمراه گردد، فقط به زیان خود گمراه می شود، و من نگهبان شما نیستم. (۱۰۸)

وَاتَّئِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۱۰۹)

و از آنچه به سویت وحی می شود، پیروی کن و [در برابر پیش آمد ها و تکذیب منکران] شکیبا باش تا خدا [میان تو و مخالفات] داوری کند؛ و او بهترین داوران است. (۱۰۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرِّكَابُ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱)

الر [این] کتابی [با عظمت] است که آیاتش [به صورت حقیقتی واحد] استواری واستحکام یافته، سپس از سوی حکیمی آگاه در قالب سوره ها، آیه ها، حقایق اعتقادی، اخلاقی و عملی] تفصیل داده شده است. (۱)

أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهُ إِنَّنِي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (۲)

که جز خدا را نپرسنید، یقیناً من از سوی او برای شما بیم دهنده [از عذاب] و مژده دهنده [به بهشت و رضوان] هستم. (۲)

وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتَّعُكُمْ مَتَّاعًا حَسِينًا إِلَى أَجَلٍ مُسَيَّمٍ وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلُّوا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (۳)

و اینکه از پروردگار تان آمر زش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید تا آنکه شما را تا پایان زندگی از بهره نیک و خوشی برخوردار کند، و هر که را صفات پسندیده و اعمال شایسته او افزون تر است، پاداش زیادتری عطا کند، و اگر روی از حق برگردانید، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بینا کم. (۳)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَئِءٍ قَدِيرٌ (۴)

باز گشت شما فقط به سوی خدادست و او بر هر کاری تواناست. (۴)

أَلَا إِنَّهُمْ يَتْنَوْنَ صُدُورَهُمْ لَيُسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلَمُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۵)

آگاه باشید که مشرکان سر در گربیان فرو می برند تا [خود را] از شنیدن قرآن [به هنگام تلاوت شن] به وسیله پیامبر و مؤمنان پنهان بدارند؛ آگاه باشید! چون جامه هایشان را بر سر و روی خود می پوشانند [تا دیده نشوند، این پنهانکاری سودی به حال آنان ندارد] خدا آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می نمایند، می دانند؛ یقیناً او به آنچه در سینه هاست، داناست. (۵)

ص: ۲۲۱

جزء ۱۲

ادامه سوره هود

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۶)

و هیچ جنبده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او برخدادست، و [او] قرار گاه واقعی و جایگاه موقت آنان را می داند؛ همه در کتابی روشن ثبت است. (۶)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَلْوُكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَثْعُوثُونَ مِنْ

بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، در حالی که تخت فرمانروایی اش بر آب [که زیربنای حیات است] قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکو کارترید؟ و اگر بگویی: [ای مردم!] شما یقیناً پس از مرگ برانگیخته می شوید، بی تردید کافران می گویند: این سخنان جز جادویی آشکار نیست. (۷)

وَلَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمُ الْعِذَابَ إِلَى أُمَّهٖ مَعْدُودَهِ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْسِنُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصِيرُهُمْ فَعَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸)

و اگر عذاب را از آنان تا مدتی اندک به تأخیر اندازیم، مسلمًا [از روی استهزار] خواهد گفت: چه عاملی آن را [از آمدن] باز می دارد؟! آگاه باشید! روزی که عذاب به آنان رسد، از آنان بازگشتنی و بازداشتی نیست و عذابی را که همواره مسخره می کردند، آنان را فراخواهد گرفت. (۸)

وَلَئِنْ أَذْقَنَا الْإِنْسَانَ مِنَا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَّعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَئُوسُ كَفُورٌ (۹)

و اگر از سوی خود رحمتی [چون سلامتی، ثروت، اولاد و امنیت] به انسان بچشانیم، سپس آن را [به علتی حکیمانه] از او سلب کنیم [نسبت به آینده زندگی] بسیار نومید شونده و [نسبت به نعمت هایی که دارا بود] بسیار کفران کننده است. (۹)

وَلَئِنْ أَذْقَنَاهُ نَعْمَاءً بَعْدَ ضَرَاءً مَسْتَهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (۱۰)

و اگر پس از گزند و آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاهی به او بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: همه [گزندها و] آسیب ها از فضای زندگی ام رفت [و دیگر آسیبی نمی بینم و] مسلمًا در آن حال [که غافل از حوادث آینده است] بسیار شادمان و خودستا خواهد بود. (۱۰)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۱)

مگر کسانی که [در خوشی ها و آسیب ها] شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند، اینانند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۱۱)

فَلَعْلَكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعْهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَبِيلٌ (۱۲)

ممکن است به سبب آنکه [دشمنان] می گویند: چرا گنجی بر او نازل نشده، یا فرشته ای همراهنش نیامده؟ برخی از آنچه را به تو وحی می شود ترک کنی وسینه ات [از ابلاغ و اظهار آن] تنگ شود [به سبب موضع گیری های دشمنان از ابلاغ پیام حق خودداری مکن] تو فقط بیم دهنده ای و خدا بر هر چیز نگهبان است. (۱۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأُنْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مُّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۳)

بلکه [در برابر همه قرآن می ایستند و] می گویند: او این قرآن را از نزد خود ساخته [و به خدا نسبت می دهد] بگو: اگر راستگویید، شما هم ده سوره مانند آن بیاورید و هر کس را غیر خدا می توانید، به یاری خود دعوت کنید. (۱۳)

فَإِلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنَّ لَهُ إِلَّا هُوَ فَهُلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۴)

پس اگر آنان دعوت شما را اجابت نکردند [که هرگز اجابت نمی کنند] بدانید که آنچه نازل شده به دانش خداست و هیچ معبدی جز او نیست، پس آیا تسلیم [حق] می شوید؟ (۱۴)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِيَّنَهَا نُوفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبَخِّسُونَ (۱۵)

کسانی که زندگی دنیا و زیور و زیتش را بخواهند، ثمره تلاششان را به طور کامل در [همین] دنیا به آنان می دهیم و در اینجا چیزی از آنان کاسته نخواهد شد. (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيَسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِيطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۶)

اینان کسانی هستند که در آخرت، سهمی جز آتش برای آنان نیست و آنچه [در دنیا از کار خیر] کرده اند، در آخرت تباہ و بی اثر می شود، و آنچه همواره [رباکارانه] انجام می دادند، باطل است. (۱۶)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَنْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَيٌ إِمَامِيَا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرُ بِهِ مِنَ الْأَخْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَهٖ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۷)

آیا کسانی که از سوی پروردگارشان بر دلیلی روشن [از بصیرت و بینش] متکی هستند و شاهدی از سوی او [چون قرآن برای تأیید آن دلیل روشن] از پی درآید و پیش از قرآن [هم] کتاب موسی در حالی که [برای مؤمنان] پیشوای رحمت بود [بر حقایقت قرآن گواهی داده مانند کسانی می باشند که چنین نیستند] اینان [که متکی بر دلیل روشن اند] به قرآن ایمان می آورند، و هر کس از گروه ها [چه یهود، چه نصاری و چه مشرکان] به آن کفر ورزد، وعده گاهش آتش است؛ پس [ای انسان!] درباره قرآن در تردید مباش که آن از سوی پروردگارت حق است، ولی بیشتر مردم [به خاطر کبر باطنی، لجاجت و جهل] ایمان [به آن] نمی آورند. (۱۷)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ مُعْرِضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۸)

و ستمکارتر از کسانی که به خدا دروغ بندند چه کسی است؟ اینان [در قیامت] بر پروردگارشان عرضه خواهند شد، و گواهان

[اعمال] می گویند: اینان کسانی هستند که بر پروردگارشان دروغ بستند؛ آگاه باشد! لعنت خدا بر ستمکاران باد. (۱۸)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَغْوِنَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَهُ هُمْ كَافِرُونَ (۱۹)

آنان که مردم را از راه خدا باز می دارند و می خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند و به آخرت کافرند. (۱۹)

ص: ۲۲۳

أُولَئِكَ لَمْ يَكُنُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أُولَيَاءِ يُضَاعِفُ لَهُمُ الْعِذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُصِرُّونَ (۲۰)

اینان در زمین، عاجز کننده [خدا] نیستند تا [بتوانند از دسترس قدرت او بیرون روند]، و برای آنان سرپرستان و یاورانی جز خدا نیست، عذابشان [در روز قیامت] دو چندان خواهد شد؛ آنان [به سبب بسیاری گناه] تاب و توان شنیدن [حق را] نداشتند و [با چشم بصیرت، حقیقت را] نمی دیدند. (۲۰)

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۱)

اینان کسانی هستند که سرمایه وجودشان را تباہ کردند، و آنچه را همواره به دروغ [به عنوان شریکان خدا به خدا] نسبت می دادند [گم شده] از دستشان می رود. (۲۱)

لَا جَرْمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَهُ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (۲۲)

ثابت و یقینی است که اینانند که در آخرت از همه زیانکارترند. (۲۲)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۳)

قطعاً کسانی که ایمان آوردن و کارهای شایسته انجام دادند و به پروردگارشان آرامش و اطمینان یافتند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند. (۲۳)

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَمُ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَشْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۴)

وصف این دو گروه [مشرک و مؤمن] همانند نایينا و کرو بینا و شنواست؛ آیا [این دو گروه] در صفت و حال یکسانند؟ پس آیا متذکر نمی شوید؟ (۲۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنَّى لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲۵)

بی تردید نوح را به سوی قومش فرستادیم [که به آنان بگو:] من برای شما بیم دهنده ای آشکارم. (۲۵)

أَن لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ (٢٦)

که جز خدا را نپرستید؟ من بر شما از عذاب روزی دردناک بیمناکم. (۲۶)

فَقَسَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مُّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ أَتَبْعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوكَ بَادِي الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (٢٧)

شراف و سران کافر قومش گفتند: ما تو را جز بشری مانند خود نمی بینیم، و کسی را جز فرومایگان که نسنجیده و بدون اندیشه از تو پیروی کرده باشند مشاهده نمی کنیم، و برای شما هیچ برتری و فضیلتی بر خود نمی بینیم، بلکه شما را دروغگو می پنداشیم. (۲۷)

٢٨) (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا لِّئِنْ يَنْتَهِ إِنَّمَا يُنْهَى عَنِ الْحُكْمِ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَعْمَلُونَ)

نوح گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید: اگر من بر دلیل روش‌نی از سوی پروردگارم متکی باشم و مرا از نزد خود رحمتی عطا کرده باشد که بر شما مخفی مانده [باز هم نبُوت مرا تکذیب می کنید؟] آیا [در صورتی که اجباری در پذیرش دین نیست]
نمی توان شما را به پذیرش آن دلیل روش‌ن در حالی که آن را خوش ندارید، وادار کنیم؟ (۲۸)

۲۲۴:

وَيَا قَوْمَ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَيْسَ بِحَرَمٍ إِنَّ اللَّهَ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الدِّينِ أَمْنُوا إِنَّهُمْ مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَكِنَّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (٢٩)

و ای قوم من! من از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی نمی خواهم؛ پاداشم فقط بر عهده خداست، و من [برای به دست آوردن دل شما] طرد کننده کسانی که ایمان آورده اند [و شما آنان را فرومایه می دانید] نخواهم بود؛ زیرا اینان دیدار کنندگان [پاداش و مقام قرب] پروردگار خویش اند. ولی من شما را گروهی می بینم که جهالت می ورزید. (۲۹)

وَيَا قَوْمَ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدُتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٣٠)

وای قوم من! اگر آنان را از خود طرد کنم، چه کسی مرا در برابر [عذاب] خدا یاری می دهد؟ آیا متذکر نمی شوید؟ (۳۰)

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي خَرَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَرْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ
بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمْنَ الظَّالِمِينَ (٣١)

و من به شما نمی گوییم که گنجینه های [عنایات و الطاف] خدا نزد من است [تا به طور مستقل بتوانم حاجات شما را برآورم و هر تصرفی را که مایل باشم در آسمان ها و زمین بنمایم]، و ادعا نمی کنم که غیب هم می دانم، و نمی گوییم که من فرشته ام و درباره آنان که چشمانتان فرومایه و خوارشان می نگرد، نمی گوییم که خدا هرگز خیری به آنان نخواهد داد؛ خدا به آنچه در دل آنان است آگاه تر است؛ اگر چنین گوییم از ستمکاران خواهم بود. (۳۱)

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَاءَذْتَنَا فَأَكْثَرَتَ جِدَالَنَا فَأَتَنَا بِمَا تَعِدُّنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٣٢)

گفتند: ای نوح! با ما جدال و ستیزه کردی و بسیار هم جدال و ستیزه کردی، نهایتاً اگر از راستگویانی آنچه را [از عذاب] به ما و عده می دهی، برایمان بیاور. (۳۲)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيُكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُ بِمُعْجِزِينَ (٣٣)

گفت: جز این نیست که اگر خدا بخواهد آن را برای شما می آورد و شما عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید]. (۳۳)

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُعَوِّيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٣٤)

واگر بخواهم برای شما خیرخواهی کنم در صورتی که خدا بخواهد شما را [به کیفر گناهاتان] گمراه کند، خیرخواهی من سودی به شما نخواهد داد، او پروردگار شماست و به سویش بازگردانده می شوید. (۳۴)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بِرِّيٌّ مَمَّا تُجْرِمُونَ (٣٥)

آیا مشرکان می گویند: پیامبر، این قرآن را از نزد خود به دروغ ساخته [و به خدا نسبت داده؟] بگو: اگر آن را به دروغ ساخته باشم، گناهمن فقط بر عهده خود من است، و من از گناهانی که شما مرتكب می شوید، بیزارم. (۳۵)

وَأَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْيَسِّنْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٣٦)

و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده اند، هرگز کسی ایمان نخواهد آورد؛ بنابراین از کارهایی که همواره [بر ضد حق] انجام می دادند، اندوهگین مباش. (۳۶)

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرِقُونَ (٣٧)

و با نظارت ما و [بر اساس] وحی ما کشتی را بساز، و با من درباره کسانی که ستم کرده اند، سخن مگو که یقیناً آنان غرق شدنی هستند. (۳۷)

ص: ۲۲۵

وَيَصْنَعِ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَّا مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخِرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخِرُونَ (٣٨)

و [نوح] کشتی را می ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سران] قومش بر او عبور می کردند، او را به مسخره می گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می کنید، مسلماً ما هم شما را [به هنگام پدید آمدن توفان] همان گونه که ما را مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد. (۳۸)

فَسُوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيْهِ وَيَحْلِ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (٣٩)

سپس خواهید دانست که چه کسی را [در دنیا] عذابی خوارکننده و [در آخرت عذابی] پایدار خواهد رسید. (٣٩)

حَتَّىٰ إِذَا حَيَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّشُوْرُ قُلْنَا احْمَلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجِنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعْهُ إِلَّا قَلِيلٌ (٤٠)

[رویارویی نوح و قومش هم چنان ادامه داشت] تا هنگامی که فرمان ما فرا رسید و تنور فوران کرد، گفتیم: از هر [نوع حیوانی] یک زوج دوتایی [یک نر و یک ماده] و نیز خاندانات و آنان را که ایمان آورده اند، در کشتی سوار کن مگر کسی که پیش تر فرمان غرق شدن را بر ضد او لازم کرده ایم. و جز اندکی همراه او ایمان نیاوردند. (٤٠)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبَّيْ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (٤١)

و نوح گفت: در آن سوار شوید که حرکت کردنش و لنگر انداختنش فقط به نام خدادست، یقیناً پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است. (٤١)

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوْحُ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعْنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (٤٢)

آن کشتی آنان را در میان موج هایی کوه آسا حرکت می داد، و نوح فرزندش را که در کناری بود، بانگ زد که ای پسرم! همراه ما سوار شو و با کافران مباش. (٤٢)

قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرِقِينَ (٤٣)

گفت: به زودی به کوهی که مرا از [این] آب نگه دارد، پناه می برم. نوح گفت: امروز در برابر عذاب خدا هیچ نگه دارنده ای نیست مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند. و موج میان آن دو حایل شد و پسر از غرق شدگان گردید. (٤٣)

وَقَيْلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءَ أَقْلِعِي وَغِيْضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوْثَ عَلَى الْجُودِيِّ وَقَيْلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (٤٤)

و [پس از هلاک شدن کافران] گفته شد: ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان! [از ریختن باران] باز ایست، و آب کاستی گرفت و کار پایان یافت و کشتی بر [کوه] جودی قرار گرفت و گفته شد: دوری [از رحمت خدا] بر گروه ستمکاران باد. (٤٤)

وَنَادَى نُوْحُ رَبَّهِ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنَى مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنَّ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (٤٥)

و نوح [پیش از توفان] پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! به راستی که پسرم از خاندان من است و یقیناً و عده ات [به نجات خاندانم] حق است و تو بهترین داورانی. (٤٥)

قالَ يَا نُوحٌ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۴۶)

خدا فرمود: ای نوح! به یقین او از خاندان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من مخواه، همانا من تو را اندرز می دهم که مبادا از ناگاهان باشی. (۴۶)

قالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشَأَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِنَّا تَغْفِرُ لِي وَتَرْحَمُنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۴۷)

نوح گفت: پروردگار! من از اینکه چیزی را که به آن علم ندارم از تو بخواهم به تو پناه می برم و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود. (۴۷)

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مَنَا وَبَرَّ كَاتِ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَّمٍ مَمْنَ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنُمَتَّعُهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُمْ مَنَا عَذَابُ أَلِيمٌ (۴۸)

گفته شد: ای نوح! با سلام و برکاتی از سوی ما بر تو و امت هایی که با تواند [از کشتی] فرود آی و امت هایی [از نسل همراهان] به وجود می آیند] که به زودی آنان را [از نعمت های خود] برخوردار می کنیم، سپس آنان را از سوی ما [به سبب کفران نعمت] عذابی دردناک خواهد رسید. (۴۸)

تِلْكَ مِنْ أَبْنَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنَّتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَقِينَ (۴۹)

اینها از خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می کنیم، نه تو آنها را پیش از این می دانستی و نه قوم تو؛ پس [در ابلاغ پیام ما با بهره گرفتن از این خبرها] شکیایی ورز؛ یقیناً فرجام [نیک] برای پرهیز کاران است. (۴۹)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمَ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُقْتُرُونَ (۵۰)

و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را پیرستید که شما را جز او هیچ معبدی نیست، شما [که شریکانی برای خدا قرار داده اید] جز مردمی دروغ پرداز نیستید. (۵۰)

يَا قَوْمَ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرْنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۵۱)

ای قوم من! از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداشم فقط بر عهده کسی است که مرا آفریده؛ آیا نمی اندیشد؟ (۵۱)

وَيَا قَوْمَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُؤْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مُدْرَارًا وَيَزِدُّ كُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَنَوَّلُوا مُجْرِمِينَ (۵۲)

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، آن گاه به سوی او باز گردید، [تا] برای شما باران فراوان و پی در پی فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید، و مجرمانه روی [از حق] بر مگردانید. (۵۲)

قالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِيَقِينٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكٍ كَمَا لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۵۳)

گفتند: ای هود! دلیل روشنی [که پسند خاطر ما باشد] برای ما نیاوردی، و ما به گفته تو رها کننده معبدهای خود نیستیم، و ما به تو ایماننمی آوریم. (۵۳)

ص: ۲۲۷

إِنَّ نَفْوُلُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُوا أَنَّى بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (۵۴)

[ما درباره تو] جز این نمی گوییم که برخی از معبدهای ما به تو گزند و آسیب [روحی] رسانده اند [به همین سبب سخنان جنون آمیز و بی منطق می گویی]. هود گفت: من خدا را گواه می گیرم و شما هم گواه باشید که یقیناً من از آنچه شریک او قرار می دهید، بیزارم. (۵۴)

مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُتَظَرُونَ (۵۵)

[آری، از هر معبدی] به غیر او [بیزارم] پس همه شما بر ضد من نیرنگ بزنید، سپس مهلتم ندهید. (۵۵)

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّيْ وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَائِبٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّيْ عَلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (۵۶)

یقیناً من بر خدا که پروردگار من و پروردگار شماست توکل کردم؛ هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهارش را به دست [قدرت و فرمانروایی خود] گرفته است، مسلماً پروردگارم بر راهی راست است. (۵۶)

إِنَّ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّيْ قَوْمًا غَيْرَ كُمْ وَلَا تَصْرُونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّيْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۵۷)

پس اگر روی [از حق] بر گردانید [زیانش متوجه خود شماست] یقیناً آنچه را که من برای آن به سوی شما فرستاده شده ام به شما ابلاغ کردم، و پروردگارم گروهی غیر از شما را جایگزین [شما] خواهد کرد، و نمی توانید هیچ زیانی به او رسانید؛ زیرا پروردگارم بر همه چیز نگهبان است. (۵۷)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرْحَمَهِ مَنَا وَنَجَيْنَا هُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۵۸)

و هنگامی که فرمان ما [بر عذاب آنان] فرا رسید، هود و آنان را که با او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم و آنان را از عذابی سخت رهایی بخشیدیم. (۵۸)

وَتِلْكَ عَادُ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَارٍ عَنِيدٍ (۵۹)

و اینان قوم عاد بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند، و از پیامبران او نافرمانی نمودند، و فرمان هر سرکش ستیزه جویی را پیروی کردند. (۵۹)

وَأَتْبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لَعَادٍ قَوْمٌ هُودٌ (٦٠)

و در این دنیا و روز قیامت با لعنتی بدרכه شدند. آگاه باشید که [قوم] عاد به پروردگارشان کافر شدند، هان! دوری [از رحمت خدا] بر عاد، قوم هود باد. (٦٠)

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنْتُمْ تَعْمَلُونَ كُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ مُّحِيطٌ (٦١)

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را پرستید؛ شما را جز او هیچ معبدی نیست، و او شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست که در آن آبادانی کنید؛ بنابراین از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید؛ زیرا پروردگارم [به بندگانش] نزدیک و اجابت کننده‌دعای آنان است. (٦١)

قَالُوا يَا صَالِحٌ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَا نَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آباؤُنَا وَإِنَّا لِفِي شَكٍ مَمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ (٦٢)

گفتند: ای صالح! پیش از این در میان ما [به عنوان انسانی عاقل و خردمند] مورد امید بودی، آیا ما را از پرستیدن آنچه پدرانمان می پرستیدند، باز می داری؟ و ما بی تردید در [درستی و صحبت] تعالیمی که به آن دعوتمان می کنی در شکی شدید و سخت هستیم [چنان شکی که در خردمندی تو نیز دچار تردیدیم]. (٦٢)

ص: ٢٢٨

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَرْيَدُونَنِي غَيْرَ تَحْسِيرٍ (٦٣)

گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیلی روش از سوی پروردگارم متکی باشم و از سوی خود رحمتی به من عطا کرده باشد، چنانچه [در ابلاغ پیامش] از او نافرمانی کنم، چه کسی مرا [از عذابش] نجات می دهد؟ پس شما [در صورتی که خواسته های بی جایتان را پذیرم] چیزی جز خسارت بر من نمی افزایید. (٦٣)

وَيَا قَوْمَ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَهٗ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَ كُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (٦٤)

و ای قوم من! این ناقه خدادست که برای شما [در اثبات صدق نبوت من] نشانه ای [عظمیم] است، پس بگذاریدش در زمین خدا بچردد، و هیچ آسیب و گزندی به او نرسانید که عذابی زود هنگام شما را خواهد گرفت. (٦٤)

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ (٦٥)

پس آن را [از روی طغیان و سرکشی] پی کردند. پس صالح گفت: سه روز [فرصت دارید که] در خانه هایتان از زندگی برخوردار باشید. این وعده ای بی دروغ است. (٦٥)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّفَنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةِ مَنَا وَمِنْ خَزْرِي يَوْمَئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوْيُ الْعَزِيزُ (٦٦)

پس هنگامی که فرمان ما [بر عذاب آنان] فرا رسید، صالح و آنان را که همراه او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم، و از خواری و رسوایی آن روز [رهایی بخشیدیم]. مسلماً فقط پروردگارت نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۶۶)

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۶۷)

و کسانی را که ستم کردند، فریاد مرگبار فروگرفت، پس در خانه هایشان به رو درافتاده، جسمی بی جان شدند. (۶۷)

كَانَ لَمْ يَعْنُوا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لَثَمُودَ (۶۸)

گویی در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشید! قطعاً قوم ثمود به پروردگارشان کافر شدند. هان! دوری [از رحمت خدا] بر قوم شمود باد. (۶۸)

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ (۶۹)

و به راستی فرستاد گان ما ابراهیم را مژده آورده، سلام گفتند، او هم گفت: سلام [بر شما]. و درنگ نکرد تا گوساله ای بریان [برای آنان] آورد. (۶۹)

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيهِمْ لَا تَصِلُّ إِلَيْهِ نَكِرُهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْ قَوْمٍ لُوطٍ (۷۰)

و چون دید دست هایشان به سوی غذا دراز نمی شود، آنان را ناشناس یافت و از آنان احساس ترس و دلهره کرد، گفتند: مترس که ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. (۷۰)

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ بَشِيرَنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (۷۱)

پس همسرش در حالی که ایستاده بود [از شنیدن گفتگوی فرستگان با ابراهیم] خندید. پس او را به اسحاق و پس از اسحاق به یعقوب مژده دادیم. (۷۱)

ص: ۲۲۹

قَالَتْ يَا وَيْلَتِي أَلَّدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲)

[همسر ابراهیم] گفت: ای وای بر من! آیا فرزند آورم در حالی که من پیرزنم و این شوهر من است که در سن سالخوردگی است؟ یقیناً این چیزی بسیار شگفت است!! (۷۲)

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَّ كَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (۷۳)

گفتند: آیا از کار خدا شگفتی می کنی؟ [در حالی که] رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است. یقیناً او ستوده و بزرگوار

است. (۷۳)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَهُ الْبَشَرُ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمٍ لَوْطٍ (۷۴)

پس هنگامی که ترس و دلهره از ابراهیم برطرف شد و آن مژده به او رسید، با ما درباره قوم لوط [به قصد دفع عذاب از آنان] به گفتگو پرداخت. (۷۴)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهُ مُنِيبٌ (۷۵)

به راستی که ابراهیم بسیار بردبار و دلسوز و روی آورنده [به سوی خدا] بود. (۷۵)

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (۷۶)

ای ابراهیم! از این [گفتگو] در گذر؛ زیرا فرمان پروردگارت [بر عذاب قوم لوط] فرا رسیده و یقیناً آنان را عذابی بدون بازگشت خواهد آمد. (۷۶)

وَلَمَّا جَاءَهُ رُسُلُنَا لُوطًا سِيَّءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذِرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (۷۷)

و هنگامی که فرستاد گان ما نزد لوط آمدند، به سبب آمدنیان تنگدل و اندوهگین شد؛ [زیرا خود را برای دفع خطر از مهمانانش در برابر قوم تبهکارش توانمند نیافت،] و گفت: این روز سخت و دشواری است. (۷۷)

وَحَيَاءُهُ قَوْمُهُ يُهَرَّعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلِ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَأَتَقْوَا اللَّهَ وَلَا تُخْزُنُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ (۷۸)

و قومش شتابان به سویش آمدند [تا به خیال خود به مهمانانش دست درازی کنند، آن قومی] که پیش از آن کارهای زشت و ناپسند مرتكب می شدند، گفت: ای قوم من! اینان دختران من هستند، اینان [از نظر ازدواج] برای شما پاکیزه ترند، از خدا پروا کنید و مرا در میان مهمانانم رسو نکنید؛ آیا از میان شما مردی راه یافته نیست؟ (۷۸)

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٌّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۷۹)

گفتند: مسلمًا دانسته ای که ما را به دخترانت هیچ حاجت و نیازی نیست و خوب می دانی که ما چه می خواهیم!! (۷۹)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (۸۰)

گفت: ای کاش برای مبارزه با شما قدرت و نیروی داشتم یا به پناهگاهی استوار مؤی می گرفتم. (۸۰)

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِرْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيلِ وَلَا يُلْتَفِثْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (۸۱)

[میهمانان] گفتند: ای لوط! ما فرستاد گان پروردگار توایم، آنان هرگز به تو دسترسی پیدا نمی کنند، پس خانواده ات را در پاره ای از [همین] شب حرکت ده و نباید هیچ یک از شما به سوی شهر بازگردد، اما همسرت را با خود میرزیرا عذابی که به تبهکاران می رسد به او هم خواهد رسید. یقیناً وعده گاهشان [برای دچار شدن به عذاب] صبح [فردا] است، آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۱)

ص: ۲۳۰

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِيلٍ مَنْضُودٍ (۸۲)

پس هنگامی که عذاب ما فرا رسید، بالاترین آن [سرزمین آلوده] را فروترينش نموديم و بر آن سنگ هايی از نوع سنگ گل لایه لایه فرو ریختيم. (۸۲)

مُسَوَّمَهُ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِتَعْيِيدٍ (۸۳)

[سنگ هايی] که نزد پروردگارت نشانه دار بود و آن سنگ ها از ستمکاران دور نیست. (۸۳)

وَإِلَى مَيْدَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ وَلَا تَتَقْصُّوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (۸۴)

و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما را جز او هیچ معبدی نیست؛ و از پیمانه و ترازو مکاهید، همانا من شما را در توانگری و نعمت [ی که بی نیاز کننده از کم فروشی است] می بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر بینا کم. (۸۴)

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵)

و ای قوم من، پیمانه و ترازو را عادلانه [و منصفانه] کامل و تمام بدھید، و اجناس مردم را [هنگام خریدن] کم شمارتر و کم ارزش تر [از آنچه که هست] به حساب نیاورید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید. (۸۵)

بَقَيَّتُ اللَّهُ حَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِظٍ (۸۶)

آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی می گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم. (۸۶)

قَالُوا يَا شُعَيْبَ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتَرَكَ مَا يَعْبُدُ آباؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (۸۷)

گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ یا از اینکه در اموالمان به هر کیفیتی که می خواهیم تصرف کنیم دست برداریم؟ به راستی که تو [انسانی] بردار و راه یافته ای [پس چرا می خواهی در

برابر آزادی ما نسبت به بت پرستی و هزینه کردن اموالمان به هر کیفیتی که بخواهیم بایستی؟! [۸۷]

قالَ يَا قَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنٍ مِّنْ رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُحَالِفُكُمْ إِلَى مَا أَنْهَا كُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ
مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۸۸)

گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم متکی باشم و از جانب او رزق نیکویی به من داده باشد [آیا رواست که خلاف خواسته او عمل کنم؟] و من نمی خواهم آنچه که شما را از آن باز می دارم خود مرتكب شوم؛ تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح [شما را] نمی خواهم؛ و توفیقم فقط به [یاری] خداست؛ بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم. (۸۸)

ص: ۲۳۱

وَيَا قَوْمٍ لَا يَجِرِّمَنَّكُمْ شِقَاقِيْ أَنْ يُصِيِّبُكُمْ مُّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مُّنْكِمْ بِتَعْيِيدٍ (۸۹)

ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، شما را به جایی نرساند، که [عذابی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما هم برسد، و قوم لوط از شما [چه از جهت زمان و چه از جهت مکان] چندان دور نیست. (۸۹)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبَّيْ رَحِيمٌ وَدُودٌ (۹۰)

از پروردگار تان آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید؛ زیرا پروردگارم مهربان و بسیار دوستدار [توبه کنندگان] است. (۹۰)

قَالُوا يَا شُعْبِيْتُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مَّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَزَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجِمَنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۹۱)

گفتند: ای شعیب! بسیاری از مطالبی که می گویی نمی فهمیم، و به راستی تو را در [مقایسه با] خود، ناتوان و ضعیف می بینیم، و اگر عشیره ات نبودند، بی تردید سنگسارت می کردیم، و تو بر ما پیروز نیستی. (۹۱)

قَالَ يَا قَوْمٍ أَرْهَطِي أَعْزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبَّيْ بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۹۲)

گفت: ای قوم من! آیا عشیره کوچکم نزد شما از خدا عزیزتر است که او را پشت سر قرار داده و فراموشش کرده اید؟! یقیناً پروردگارم به همه اعمالی که انجام می دهید، احاطه دارد. (۹۲)

وَيَا قَوْمٍ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانِتِكُمْ إِنَّى عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقَبُوا إِنَّى مَعَكُمْ رَقِيبٌ (۹۳)

و ای قوم من! به اندازه ای که در قدرت و توان شماست، عمل کنید، من [هم] بی تردید [به وظیفه الهی خود] عمل می کنم؛ به زودی خواهید دانست، چه کسی را عذاب رسواینده خواهد آمد و دروغگو کیست؟! و منتظر بمانید که من هم با شما منتظرم. (۹۳)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مَّنَا وَأَخْذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۴)

و هنگامی که عذاب ما رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمتی از سوی خود نجات دادیم، و کسانی را که [به آیات ما] ستم کردند، فریاد مرگبار فرا گرفت، پس در خانه هایشان به رو در افتاده جسمی بی جان شدند. (۹۴)

كَانَ لَمْ يَغْنُوا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعْدَتْ ثَمُودُ (۹۵)

گویی در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشد! مَدِين [از رحمت خدا] دور باد، همان گونه که ثمود دور شد. (۹۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى إِلَيْآيَاتِنَا وَسُلْطَانِ مُّبِينٍ (۹۶)

همانا موسی را با نشانه های خود و برهانی روشن فرستادیم، (۹۶)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلِئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (۹۷)

به سوی فرعون و اشراف و سران [قوم] او، ولی [آنان برای حفظ مقام و مال خود] از فرمان فرعون پیروی کردند، در حالی که فرمان فرعون راهنمای به سوی سعادت و خوشبختی نبود. (۹۷)

ص: ۲۳۲

يَقْدُمُ قَوْمٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدُهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (۹۸)

[فرعون] روز قیامت پیشاپیش قومش می رود، پس آنان را به آتش درمی آورد، و بد نصیب و سهمی است [آتشی] که در آن وارد می شود. (۹۸)

وَأَتَبْعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةِ وَيَوْمِ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُوذُ (۹۹)

و در این دنیا و روز قیامت به لعنتی بدرقه شدند [و آن لعنت] بد عطیه ای است که به آنان می دهنند. (۹۹)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرْآنِ نَقْصُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ (۱۰۰)

این از گزارش های شهرها [و اهل آنها] است که آن را بر تو حکایت می کنیم، برخی از آن [شهر] ها هنوز برجایند، و برخی درو شده بر باد رفته اند! (۱۰۰)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُهُمْ غَيْرُ تَثْبِيْبٍ (۱۰۱)

و ما بر آنان ستم نکردیم، ولی آنان بر خویشتن ستم ورزیدند، پس هنگامی که عذاب پروردگارت فرا رسید، معبدانی که به

جای خدا می پرستیدند، چیزی [از عذاب را] از آنان دفع نکردند، و به آنان جز خسارت و هلاکت نیفروند. (۱۰۱)

وَكَذِلَكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخْذَ الْقُرْيَ وَهِيَ ظَالِمَهُ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (۱۰۲)

و چنین است مؤاخذه کردن پروردگارت، هنگامی که [مردم] آبادی ها را در آن حال که ستمکارند مؤاخذه می کند. بی تردید مؤاخذه او دردناک و سخت است. (۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَهِ لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَهِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ (۱۰۳)

یقیناً در آن مؤاخذه ها برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد، عبرت است، [و] آن روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند، و آن روزی است که [همه صحنه های آن] مورد مشاهده است. (۱۰۳)

وَمَا نُؤَنَّثُهُ إِلَّا لِأَجْلٍ مَعْدُودٍ (۱۰۴)

و ما آن روز را جز برای مدتی اندک به تأخیر نمی اندازیم. (۱۰۴)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمْ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيقٌ وَسَعِيدٌ (۱۰۵)

روزی که چون فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید؛ پس برخی تیره بخت و برخی نیک بخت اند. (۱۰۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (۱۰۶)

اما تیره بختان [که خود سبب تیره بختی خود بوده اند] در آتش اند، برای آنان در آنجا ناله های حسرت بار و عربده و فریاد است. (۱۰۶)

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ فَعَالٌ لَمَا يُرِيدُ (۱۰۷)

در آن تا آسمان ها و زمین پا بر جاست جاودانه اند، مگر آنچه را که مشیت پروردگارت اقتضا کرده است؛ بی تردید پروردگارت هر چه را اراده می کند، انجام می دهد. (۱۰۷)

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّهِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْدُوذٍ (۱۰۸)

اما نیک بختان [که به توفیق و رحمت خدا سعادت یافته اند] تا آسمان ها و زمین پا بر جاست، در بهشت جاودانه اند مگر آنچه را مشیت پروردگارت اقتضا کرده، [بهشت] عطایی قطع ناشدنی و بی پایان است. (۱۰۸)

پس در باطل بودن معبدانی که مشرکان می پرستند، شک نداشته باش؛ اینان نمی پرستند مگر به همان صورت که پدرانشان پیش از این می پرستیدند [و آن پرستشی از روی جهل و بی خردی بود]. و ما سهمشان را [از عذاب] به طور کامل و بی کم و کاست خواهیم داد. (۱۰۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاتْحُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ يَنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مَّنْهُ مُرِيبٌ (۱۱۰)

و به راستی به موسی کتاب دادیم، پس در آن اختلاف شد، و اگر از سوی پروردگارت [به سبب اتمام حجت] مهلتی برای انسان تا اجل معینش مقدر نشده بود، یقیناً میانشان [به عذاب] داوری شده بود [و هیچ کس از آنان پس از آن داوری زنده نمی ماند] و این یهودی ها [ی عصر تو] درباره تورات [که بخشی از آیاتش تحریف شده و پاره ای از مطالبش آمیخته با خرافات و قسمتی از نوشته هایش دور از فطرت و غیر قابل اجراست] در تردیدی آمیخته با بدگمانی اند. (۱۱۰)

وَإِنَّ كُلًا لَّمَّا لَيَوْفَيْنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱)

و یقیناً پروردگارت [پاداش] اعمال همه آنان را [در قیامت] کامل و تمام پرداخت خواهد کرد؛ زیرا او به آنچه انجام می دهنده، آگاه است. (۱۱۱)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)

پس همان گونه که فرمان یافته ای ایستادگی کن؛ و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده اند [ایستادگی کنند] و سرکشی مکنید که او به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۱۲)

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلَيَاءِ ثُمَّ لَا تُنَصِّرُونَ (۱۱۳)

و به کسانی که [به آیات خدا، پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه مکنید که آتش [دوخ] به شما خواهد رسید و در آن حال شما را جز خدا هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی شوید. (۱۱۳)

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِ النَّهَارِ وَزُلْفَعَا مِنَ اللَّيلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلَّذِينَ كَرِيمُونَ (۱۱۴)

و نماز را در دو طرف روز و ساعات نحسین شب بربرا دار، که یقیناً نیکی ها، بدی ها را از میان می برنند، این برای یاد کنندگان تذکر و یاد آوری است. (۱۱۴)

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۱۵)

و شکیایی کن که یقیناً خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند. (۱۱۵)

فَلَوْلَاهَا كَمَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسُسِ إِلَّا قَلِيلًا مَّمَنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶)

پس چرا در میان امت هایی که پیش از شما بودند، مصلحانی دلسوز نبودند که [مردم را] از فساد در زمین بازدارند؟ مگر اندکی که [به سبب بازداشت مردم از فساد] نجاتشان دادیم. و آنان که ستم کردند، دنباله رو [و دل بسته] چیزی از نعمت و ثروت شدند [که در آن به سرکشی و طغیان افتادند] و آنان گنهکار بودند. (۱۱۶)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيَهْلِكَ الْقَرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُضْلِحُونَ (۱۱۷)

و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرهایی را در حالی که مردمش درست کارند، ظالمانه هلاک کند. (۱۱۷)

ص: ۲۳۴

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَرَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (۱۱۸)

اگر پروردگارت می خواست یقیناً تمام مردم را [از روی اجبار، در مسیر هدایت] امت واحدی قرار می داد، [ولی نخواست به همین سبب] همواره [در امر دین] در اختلاف اند. (۱۱۸)

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذِلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۱۹)

مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم کرده و به همین سبب آنان را آفریده است. و فرمان حتمی پروردگارت تحقق یافت که همانا دوزخ را از همه جن و انس [که راه کفر و عناد را برگزیدند] پر خواهم کرد. (۱۱۹)

وَكُلًا نَقْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَبْيَاءِ الرُّسُلِ مَا نُشِّطْتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَهُ وَذِكْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ (۱۲۰)

و هر سرگذشتی از سرگذشت های [پندآموز] پیامبران را که برایت می خوانیم، حقیقتی است که دل تو را به آن پابرجا و استوار کنیم، و برای تو در این سرگذشت ها حق و برای بهره بردن مؤمنان پند و تذکری آمده است. (۱۲۰)

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانِتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ (۱۲۱)

و به کسانی که ایمان نمی آورند، بگو: به اندازه قدرتان عمل کنید، و ما هم [بی تردید به وظایف الهی خود] عمل می کنیم. (۱۲۱)

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (۱۲۲)

و [به خاطر اعمال ناهنجاران] به انتظار [عذاب] بمانید که ما هم [عذاب شما را] منتظریم. (۱۲۲)

وَلَلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۲۳)

نهان آسمان ها و زمین فقط در سیطره دانش خداست، همه کارها به او باز گردانده می شود؛ پس او را بندگی کن و بر او توکل داشته باش، و پروردگارت از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۱۲۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرِّئْلُكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۱)

الراين است آيات کتاب روشنگر. (۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

ما آن را قرآنی به زبان عربی نازل کردیم تا شما [درباره حقایق، مفاهیم، اشارات و لطایف] تعقل کنید. (۲)

نَحْنُ نَقْصُ عَلَيْكَ أَحْسَنَ التَّقَصُصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۳)

ما بهترین داستان را با وحی کردن این قرآن بر تو می خوانیم و تو یقیناً پیش از آن از بی خبران [نسبت به این بهترین داستان] بودی. (۳)

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَيْمَهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (۴)

[یاد کن] آن گاه که یوسف به پدرش گفت: پدرم! من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه برایم سجده کردند! (۴)

ص: ۲۳۵

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلنَّاسِ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۵)

[پدر] گفت: ای پسرک من! خواب خود را برای برادرانت مگو که نقشه ای خطرناک بر ضد تو به کار می بندند، بدون شک شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. (۵)

وَكَذَلِكَ يَجْتَيِكَ رَبُّكَ وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيَتَمُّمُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمِّا أَتَمَّهَا عَلَى أَبْوَيْكَ مِنْ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶)

و این چنین پروردگارت تو را برمی گزیند و از تفسیر خواب ها به تو می آموزد، و نعمتش را بر تو و بر آل یعقوب تمام می کند، چنانکه پیش از این بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ یقیناً پروردگارت دانا و حکیم است. (۶)

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتُ اللَّسَائِلِينَ (۷)

بی تردید [در داستان] یوسف و برادرانش نشانه هایی [از ربویت، رحمت و لطف خدا] برای مردم کنجکاو است. (۷)

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخْوَهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِيهَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَهُ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۸)

[یاد کن] هنگامی را که برادران گفتند: با اینکه ما گروهی نیرومندیم، یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما محظوظ ترند، و قطعاً

پدرمان در اشتباه روش و آشکاری است. (۸)

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ الْطَّرْحُوْهَ أَرْصَادِيَّهُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (۹)

[یکی گفت:] یوسف را بکشید و یا او را در سرزمین نامعلومی بیندازید، تا توجه و محبت پدرتان فقط معطوف به شما شود. و پس از این گناه [با بازگشت به خدا و عذرخواهی از پدر] مردمی شایسته خواهید شد. (۹)

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقُوْهُ فِي غَيَابِ الْجُبْ بَلْتَقْطُهِ بَعْضُ السَّيَّارَهِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۱۰)

یکی از آنان گفت: یوسف را نکشید، اگر می خواهید کاری بر ضد او انجام دهید، وی را در مخفی گاه آن چاه اندازید، که برخی رهگذران او را برگیرند [و با خود ببرند!!] (۱۰)

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (۱۱)

گفتند: ای پدر! تو را چه شده که ما را نسبت به یوسف امین نمی دانی با اینکه ما بدون تردید خیرخواه اوییم. (۱۱)

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدَّا يَرْتَعَ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۱۲)

فردا او را با ما روانه کن تا [در دشت و صحراء] بگردد و بازی کند، قطعاً ما حافظ و نگهبان او خواهیم بود. (۱۲)

قَالَ إِنِّي لَيَحْرُنُنِي أَنْ تَذَهَّبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذَّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ (۱۳)

گفت: بردن او مرا سخت اندوهگین می کند، و می ترسم شما از او غفلت کنید و گرگ، او را بخورد. (۱۳)

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذَّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَهُ إِنَّا إِذَا لَحَاسِرُونَ (۱۴)

گفتند: اگر با بودن ما که گروهی نیرومندیم، گرگ او را بخورد، یقیناً ما در این صورت زیانکار و بی مقداریم. (۱۴)

ص: ۲۳۶

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابِ الْجُبْ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتَسْبِّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۵)

پس هنگامی که وی را بردنده و تصمیم گرفتند که او را در مخفی گاه آن چاه قرارش دهند [تصمیم خود را به مرحله اجرا گذاشتند] و ما هم به او الهام کردیم که از این کار آگاهشان خواهی ساخت در حالی که آنان نمی فهمند [که تو همان یوسفی]. (۱۵)

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءَ يَنْكُونَ (۱۶)

و شبان گاه گریه کنان نزد پدر آمدند. (۱۶)

قالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرْكَنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذُّبْ وَمَا أَنَّتِ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (۱۷)

گفتند: ای پدر! ما یوسف را در کنار بار و کالای خود نهادیم و برای مسابقه رفتیم؛ پس گرگ، او را خورد و تو ما را تصدق نخواهی کرد اگرچه راست بگوییم! (۱۷)

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمِ كَذِبٍ قَالَ بْلَ سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبَرْ جَمِيلٌ وَاللهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۸)

و خونی دروغین بر پیراهنش آوردند [تا یعقوب مرگ یوسف را باور کند]. گفت: چنین نیست که می گویید، بلکه نفس شما کاری [زشت را] در نظرتان آراست [تا انجامش بر شما آسان شود] در این حال صبری نیکو [مناسب تر است]; و خداست که بر آنچه شما [از وضع یوسف] شرح می دهید از او یاری خواسته می شود. (۱۸)

وَجَاءَتْ سَيَارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللهُ عَلِيهِ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۹)

و کاروانی آمد، پس آب آورشان را فرستادند، او دلوش را به چاه انداخت، گفت: مژده! این پسری نورس است! و او را به عنوان کالا [ای تجارت] پنهان کردند؛ و خدا به آنچه می خواستند انجام دهنده، دانا بود. (۱۹)

وَشَرَوْهُ بِئْمَنِ بَحْسِ دَرَاهِمَ مَعْدُودَهِ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (۲۰)

و او را به بهایی ناچیز، درهمی چند فروختند و نسبت به او بی رغبت بودند. (۲۰)

وَقَالَ الَّذِي اسْتَرَاهُ مِنْ مَضِيرِ لِتَامِرَاتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَحَمَّلَهُ وَلَيْدًا وَكَذِلِكَ مَكَّنَاهُ لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنَعْلَمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلِكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۱)

آن مرد مصری که یوسف را خرید، به همسرش گفت: جایگاهش را گرامی دار، امید است [در امور زندگی] به ما سودی دهد، یا او را به فرزندی انتخاب کنیم. این گونه یوسف را در سرزمین مصر مکانت بخشیدیم [تا زمینه فرمانروایی و حکومتش فراهم شود] و به او از تعییر خواب ها بیاموزیم؛ و خدا بر کار خود چیره و غالب است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۲۱)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشْدَهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذِلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۲۲)

و هنگامی که یوسف به سن کمال رسید، حکمت و دانش به او عطا کردیم، و ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۲۲)

و آن [زنی] که یوسف در خانه اش بود، از یوسف با نرمی و مهربانی خواستار کام جویی شد، و [در فرصتی مناسب] همه درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توام] یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است، جایگاه را نیکو داشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی کنم] به یقین ستمکاران رستگار نمی شوند. (۲۳)

وَلَقْدْ هَمَتْ يِهِ وَهَمَ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفُحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخَلَّصِينَ (۲۴)

بانوی کاخ [چون خود را در برابر یوسفِ پاکدامن، شکست خورده دید با حالتی خشم آلود] به یوسف حمله کرد و یوسف هم اگر برهان پروردگارش را [که جلوه ربویت و نور عصمت و بصیرت است] ندیده بود [به قصد دفاع از شرف و پاکی اش] به او حمله می کرد [و در آن حال زد و خورد سختی پیش می آمد و با مجروح شدن بانوی کاخ، راه اتهام بر ضد یوسف باز می شد، ولی دیدن برهان پروردگارش او را از حمله بازداشت و راه هر گونه اتهام از سوی بانوی کاخ بر او بسته شد]. [ما] این گونه [یوسف را یاری دادیم] تا زد و خورد [ی] که سبب اتهام می شد [و [نیز] عمل خلاف عفت آن بانو را از او بگردانیم؛ زیرا او از بندگان خالص شده ما [از هر گونه آلودگی ظاهری و باطنی] بود. (۲۴)

وَاسْتَبِقا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصُهُ مِنْ دُبُّرٍ وَأَفْيَا سَيْئَدَهَا لَهْدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْيِيجَنَ أَوْ عَيْذَابُ أَلِيمٌ (۲۵)

و هر دو به سوی در کاخ پیشی گرفتند، و بانو پیراهن یوسف را از پشت پاره کرد و [در آن حال] در کنار [آستانه] در به شوهر وی برخوردند؛ بانو به شوهرش گفت: کسی که نسبت به خانواده ات قصد بدی داشته باشد، کیفرش جز زندان یا شکنجه دردناک [چه خواهد بود؟!] (۲۵)

قَالَ هَيَ رَأَوْدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهَدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبْلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۶)

یوسف گفت: او از من خواستار کام جویی شد. و گواهی از خاندان بانو چنین داوری کرد: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده، بانو راست می گوید و یوسف دروغگوست. (۲۶)

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُّرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۷)

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، بانو دروغ می گوید و یوسف راستگوست. (۲۷)

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُّرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِ كُنَّ إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ (۲۸)

پس همسر بانو چون دید پیراهن یوسف از پشت پاره شده، گفت: این [فتنه و فساد] از نیرنگ شما [زنان] است، بی تردید نیرنگ شما بزرگ است. (۲۸)

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنِبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (٢٩)

يوسف! اين داستان را نديده بگير. و تو [اي بانو!] از گناه استغفار کن؛ زира تو از خطاکاراني. (٢٩)

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأُ الْغَرِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٣٠)

و گروهي از زنان در شهر شایع کردند که همسر عزيز [مصر] در حالی که عشق آن نوجوان در درون قلبش نفوذ کرده از او در خواست کام جويي می کند؛ يقيناً ما او را در گمراهی آشکاري می بینيم. (٣٠)

ص: ٢٣٨

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسِلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْيَدَتْ لَهُنَّ مُتَكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْهُنَّ أَكْبَرَهُنَّ وَقَطَّعُنَّ أَيْدِيهِنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (٣١)

پس هنگامي که بانوي کاخ گفتار مکرآميز آنان را شنيد [براي آنكه به آنان ثابت کند که در اين رابطه، سخني نابجا دارند] به مهماني دعوتشان کرد، و برای آنان تکيه گاه آماده نمود و به هر يك از آنان [براي خوردن ميوه] کاردي داد و به يوسف گفت: به مجلس آنان در آي. هنگامي که او را ديدند به حقیقت در نظرشان بزرگ [و بسيار زيبا] يافتند و [از شدت شگفتی و حيرت به جاي ميوه] دست هايشان را بريند و گفتند: حاشا که اين بشر باشد! او جز فرشته اي بزرگوار نیست. (٣١)

قَالَتْ فَدَلِكْنَ الَّذِي لُمْتَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمْ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرْهُ لَيُسْجَنَ وَلَيُكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ (٣٢)

بانوي کاخ گفت: اين همان کسى است که مرا درباره عشق او سرزنش کردید. به راستی من از او خواستار کام جويي شدم، ولی او در برابر خواست من به شدت خودداری کرد، و اگر فرمانم را اجرا نکند يقيناً خوار و حقير به زندان خواهد رفت. (٣٢)

قَالَ رَبُّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِّنَ الْجَاهِلِينَ (٣٣)

يوسف گفت: پروردگار!! زندان نزد من محظوظ تر است از عملی که مرا به آن می خوانند، و اگر نيرنگشان را از من نگردانی به آنان رغبت می کنم و از نادانان می شوم. (٣٣)

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٣٤)

پس پروردگارش خواسته اش را اجابت کرد و نيرنگ زنان را از او بگردانيد؛ زира خدا شنوا و داناست. (٣٤)

ثُمَّ بَدَأَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْأَيَاتِ لَيُسْجُنَهُ حَتَّى حِينِ (٣٥)

آن گاه آنان پس از آنكه نشانه ها [اي پاکي و پاکدامنی يوسف] را دиде بودند، عزمشان بر اين جزم شد که تا مدتی او را به زندان اندازند. (٣٥)

وَدَخَلَ مَعْهُ السِّجْنَ فَتَيَانٌ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْفُ مِنْهُ بَتَّنَا
بِتَّأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۳۶)

و دو غلام [پادشاه مصر] با یوسف به زندان افتادند. یکی از آن دو نفر گفت: من پی در پی خواب می بینم که [برای] شراب، [انگور] می فشارم، و دیگری گفت: من خواب می بینم که بر سر خود نان حمل می کنم [و] پرندگان از آن می خورند، از تعییر آن ما را خبر ده؛ زیرا ما تو را از نیکوکاران می دانیم. (۳۶)

قَالَ لَمَّا يَأْتِيَكُمَا طَعِيمٌ تُرْزَقَانِيهِ إِلَّا تَبَأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلِمْنَا رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّهَ قَوْمًّا لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۷)

گفت: هیچ جیره غذایی برای شما نمی آید مگر آنکه من شما را پیش از آمدنش از تعییر آن خواب آگاه می کنم، این از حقایقی است که خدا به من آموخته است؛ زیرا من آین مردمی را که به خدا ایمان ندارند و به سرای آخرت کافرنده، رها کرده ام. (۳۷)

ص: ۲۳۹

وَاتَّبَعْتُ مِلَّهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مِمَّا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلِكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۳۸)

و [از ابتدا] از آین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده ام، برای ما شایسته نیست که چیزی را شریک خدا قرار دهیم. این از فضل خدا بر ما و بر مردم است، ولی بیشتر مردم ناسپاسند. (۳۸)

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرْبَابُ مُتَنَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۳۹)

ای دو یار زندان! آیا معبدان متعدد و متفرق بهتر است یا خدای یگانه مقتدر؟ (۳۹)

مَا تَعْبَدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَيَّتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآباؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمْرٌ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ
الَّدِينُ الْقَيْمُ وَلِكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۴۰)

شما به جای خدا جز [بت هایی] با نام هایی بی اثر و بی معنا که خود و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده اید نمی پرسیست، خدا [که صاحب اختیار همه هستی است] هیچ دلیلی بر [حقایق آنها برای پرسش] نازل نکرده است. حکم فقط ویژه خداست، او فرمان داده که جز او را نپرسیست. دین درست و راست و آین پابرجا و حق همین است، ولی بیشتر مردم [حقایق را] نمی دانند. (۴۰)

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَا الْآخَرُ فَيَصْلُبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْفُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْنِفِيَانِ (۴۱)

ای دو یار زندان! اما یکی از شما [از زندان رهایی می یابد و] سرور خود را شراب می نوشاند، اما دیگری به دار آویخته می شود و پرنده‌گان از سر او خواهد خورد. تعبیر خوابی که از من جویا شدید، تحقیقش قطعی و انجامش حتمی شده است. (۴۱)

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٌ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلِبَثَ فِي السَّجْنِ بِضَعْ سِنِينَ (۴۲)

و به یکی از آن دو نفر که دانست آزاد می شود، گفت: مرا نزد سرور خود یاد کن. ولی شیطان یاد کردن از یوسف را نزد سرورش از یاد او برداشت؛ در نتیجه چند سالی در زندان ماند. (۴۲)

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَيْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعَ سَبْعَ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُبَيْلَاتٍ خُضْرٌ وَأَخْرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايِّ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ (۴۳)

و پادشاه [مصر به بارگاه نشینانش] گفت: پی در پی در خواب می بینم که هفت گاو لاغر، هفت گاو فربه را می خورند، و نیز هفت خوش سبز و هفت خوش خشک را مشاهده می کنم؛ شما ای بزرگان! اگر تعبیر خواب می دانید درباره خوابم نظر دهید. (۴۳)

ص: ۲۴۰

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ (۴۴)

گفتند: [این] خواب هایی پریشان و آشفته است و ما به تعبیر خواب های پریشان و آشفته دانا نیستیم. (۴۴)

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّهٖ أَنَا أُبَيْثُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (۴۵)

از آن دو زندانی آنکه آزاد شده بود و پس از مدتی [یوسف را] به یاد آورد گفت: من یقیناً شما را از تعبیر آن آگاه می کنم، پس [مرا به زندان] بفرستید. (۴۵)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصَّدِيقُ أَفْتَنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعَ سَبْعَ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُبَيْلَاتٍ خُضْرٌ وَأَخْرَ يَابِسَاتٍ لَعَلَّى أَرْجُعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (۴۶)

[سپس به زندان نزد یوسف رفت و گفت:] تو ای یوسف! ای راستگوی [راست کردار!] درباره هفت گاو فربه که هفت [گاو لاغر آنان را می خورند، و هفت خوش سبز و [هفت خوش] خشک دیگر، نظرت را برای ما بیان کن. امید است نزد مردم برگردم، باشد که [از تعبیر این خواب عجیب] آگاه شوند. (۴۶)

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَدَرُوهُ فِي سُبَيْلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مُّمَّا تَأْكُلُونَ (۴۷)

گفت: هفت سال با تلاش پی گیر زراعت کنید، پس آنچه را درو کردید جز اندکی که خوراک شماست در خوش اش باقی گذارید. (۴۷)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَا كُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ (٤٨)

سپس بعد از آن [هفت سال فراوانی و گشايش] هفت سال سخت و دشوار [پيش] می آيد که آنچه را برای آن [سال ها] ذخیره کرده اید مگر اندکی که برای کاشتن نگهداری می کنید، می خورید. (٤٨)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ (٤٩)

آن گاه بعد از آن [دوره سخت و دشوار،] سالی می آید که مردم در آن باران [فراوان] یابند و در آن [سال از محصولات کشاورزی] عصاره میوه می گیرند. (٤٩)

وَقَالَ الْمُلِّكُ اتُّونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجُعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النُّشُوْهِ الَّتِي قَطَعْنَ أَوْيَدَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ (٥٠)

و پادشاه [مصر] گفت: یوسف را نزد من آورید. هنگامی که فرستاده [پادشاه] نزد یوسف آمد، یوسف گفت: نزد سرورت بازگرد و از او پرس حال و داستان زنانی که دست های خود را بریدند، چه بود؟ یقیناً پروردگارم به نیرنگ آنان داناست. (٥٠)

قَالَ مَا حَطَبُكَ إِذْ رَأَوْدُتَنَ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حِاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَاتَ امْرَأٌ اَعْزِيزُ الْمَانَ حَصْيَ حَصَ الْحَقُّ اَنَا رَأَوْدُتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (٥١)

[پادشاه به زنان] گفت: داستان شما هنگامی که یوسف را به کام جویی دعوت کردید چیست؟ [زنان] گفتند: پاک و متزه است خدا! ما هیچ بدی در او سراغ نداریم. همسر عزیز گفت: اکنون حق [پس از پنهان ماندنش] به خوبی آشکار شد، من [بودم که] از او درخواست کام جویی کردم، یقیناً یوسف از راستگویان است. (٥١)

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْتُهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (٥٢)

[من به پاکی او و گناه خود اعتراف کردم] و این اعتراف برای این است که یوسف بداند من در غیاب او به وی خیانت نورزیدم و اینکه خدا نیرنگ خیانت کاران را به نتیجه نمی رساند. (٥٢)

ص: ٢٤١

جزء ۱۳

ادامه سوره یوسف

وَمَا أَبْرُئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَكَمَارَهُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٥٣)

من خود را از گناه تبرئه نمی کنم؛ زیرا نفس طغیان گر، بسیار به بدی فرمان می دهد مگر زمانی که پروردگارم رحم کند؛

زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳)

وَقَالَ الْمُلِكُ اثْنَوْنَىٰ بِهِ أَسْتَحْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيُومَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (۵۴)

و پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا او را برای کارهای خود برگزینم. پس هنگامی که با یوسف سخن گفت به او اعلام کرد: تو امروز نزد ما دارای منزلت و مقامی و [در همه امور] امینی. (۵۴)

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ حَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِظُ عَلِيهِ (۵۵)

یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه‌های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم. (۵۵)

وَكَذَلِكَ مَكَنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

این گونه یوسف را در [آن] سرزمین مکانت و قدرت دادیم که هر جای آن بخواهد اقامت نماید. رحمت خود را به هر کس که بخواهیم می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کنیم. (۵۶)

وَلَأَجْرُ الْآخِرِهِ خَيْرُ الْلَّدِينَ آمُنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۵۷)

و یقیناً پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده اند و همواره پرهیزکاری می‌کردند، بهتر است. (۵۷)

وَجَاءَ إِخْوَهُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفُهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (۵۸)

و برادران یوسف [با روی آوردن خشکسالی به کنعان، جهت تهیه آذوقه به مصر] آمدند و بر او وارد شدند. پس او آنان را شناخت و آنان او را نشناختند. (۵۸)

وَلَمَّا جَهَرَهُمْ بِجَهَارِهِمْ قَالَ اثْنَوْنَىٰ بِإِخْ لَكُمْ مِنْ أَيْكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُتَرَلِينَ (۵۹)

و هنگامی که زاد و توشه آنان را در اختیارشان قرار داد، گفت: برادر پدری خود را نزد من آورید، آیا نمی‌بینید که من پیمانه را کامل و تمام می‌پردازم و بهتر از هر کس مهمانداری می‌کنم؟ (۵۹)

فَإِنَّ لَمْ تَأْتُنِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ (۶۰)

پس اگر او را نزد من نیاورید، هیچ پیمانه‌ای پیش من ندارید و نزدیک من نیایید. (۶۰)

قَالُوا سُنْرَاوِدْ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (۶۱)

گفتند: می‌کوشیم رضایت پدرش را به آوردن او جلب کنیم، و یقیناً این کار را انجام خواهیم داد. (۶۱)

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعُلُوا بِضَاعَتِهِمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (٦٢)

و [یوسف] به کار گزاران و گماشتگانش گفت: اموالشان را [که در برابر دریافت آذوقه پرداختند] در بارهایشان بگذارید، اميد است وقتی به خاندان خود برگشتند آن را بشناسند، باشد که دوباره برگردند. (٦٢)

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَيْمَهُمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنْعَ مِنَ الْكَيْلِ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتُلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (٦٣)

پس هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: ای پدر! پیمانه از ما منع شد، پس برادرمان را با ما روانه کن تا پیمانه بگیریم، یقیناً ما او را حفظ خواهیم کرد. (٦٣)

ص: ٢٤٢

قَالَ هَلْ آمُنْكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَالَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (٦٤)

گفت: آیا همان گونه که شما را پیش از این نسبت به برادرش امین پنداشتم، درباره او هم امین پندارم؟ [من به مراقبت و نگهبانی شما اميد ندارم] پس خدا بهترین نگهبان است و او مهربان ترین مهربانان است. (٦٤)

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتِهِمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبَغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرٌ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدُهُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ (٦٥)

و هنگامی که کالایشان را گشودند، دیدند اموالشان را به آنان بازگردانده اند، گفتند: ای پدر! [بهتر از این] چه می خواهیم؟ این اموال ماست که به ما بازگردانده و ما [دوباره با همین اموال] برای خانواده خود آذوقه می آوریم و برادرمان را حفظ می کنیم، و بار شتری اضافه می کنیم و آن [بار شتر از نظر عزیز که مردی کریم است] باری ناچیز است. (٦٥)

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتَنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (٦٦)

گفت: برادرتان را همراه شما [به مصر] نمی فرستم تا اینکه پیمان محکمی از خدا به من بسپارید که او را حتماً به من بازگردانید، مگر اینکه [به سبب بسته شدن همه راه ها به روی شما] نتوانید. پس هنگامی که پیمان استوارشان را به پدر سپردند، گفت: خدا بر آنچه می گوییم، وکیل است. (٦٦)

وَقَالَ يَا بَنَى لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابِ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُعْنِي عَنْكُمْ إِلَّا لَهُ عَلَيْهِ تَوْكِلْتُ وَعَلَيْهِ فَلِيَتَوَكَّلَ الْمُتَوَكِّلُونَ (٦٧)

و گفت: ای پسرانم! [در این سفر] از یک در وارد نشوید بلکه از درهای متعدد وارد شوید، و البته من [با این تدبیر] نمی توانم هیچ حادثه ای را که از سوی خدا برای شما رقم خورده از شما برطرف کنم، حکم فقط ویژه خداست، [تنها] بر او توکل کرده ام، و [همه] توکل کنندگان باید به خدا توکل کنند. (٦٧)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمْرَهُمْ أَبْوُهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لَمَّا عَلِمَنَا وَلِكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٦٨)

هنگامی که فرزندان یعقوب از آنجایی که پدرشان دستور داده بود، وارد شدند، تدبیر یعقوب نمی توانست هیچ حادثه ای را که از سوی خدا رقم خورده بود، از آنان برطرف کند جز خواسته ای که در دل یعقوب بود [که فرزندانش به سلامت و دور از چشم زخم وارد شوند] که خدا آن را به انجام رساند، یعقوب به سبب آنکه تعلیمیش داده بودیم از دانشی [ویژه] برخوردار بود ولی بیشتر مردم [که فقط چشمی ظاهربین دارند، این حقایق را] نمی دانند. (٦٨)

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٦٩)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، برادر [مادری] ش را کنار خود جای داد، گفت: بی تردید من برادر تو هستم، بنابراین بر آنچه آنان همواره انجام می دادند [و من برای تو فاش کردم] اندوهگین مباشد. (٦٩)

ص: ٢٤٣

فَلَمَّا جَهَّزُهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلٍ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَنَ مُؤَذِّنَ أَيْتُهَا الْعِيرِ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ (٧٠)

پس هنگامی که بارشان را آماده کرد، آبخوری [پادشاه] را در بار برادرش گذاشت. سپس ندا دهنده ای بانگ زد: ای کاروان! یقیناً شما دزد هستید! (٧٠)

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ (٧١)

کاروانیان روی به گماشتگان کردند و گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ (٧١)

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِكُنْ جَاءَ بِهِ حَمْلٌ بَعِيرٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ (٧٢)

گفتند: آبخوری شاه را گم کرده ایم و هر کس آن را بیاورد، یک بار شتر مژدهگانی اوست و من ضامن آن هستم. (٧٢)

قَالُوا تَالَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ (٧٣)

گفتند: به خدا سوگند شما به خوبی دانستید که ما نیامده ایم در این سرزمین فساد کنیم، و هیچ گاه دزد نبوده ایم. (٧٣)

قَالُوا فَمَا جَرَأْوْهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ (٧٤)

گماشتگان گفتند: اگر شما دروغگو باشید [و سارق در میان شما یافت شود] کیفرش چیست؟ (٧٤)

قَالُوا جَرَأْوْهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَرَأْوْهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (٧٥)

گفتند: کسی که آبخوری در بار و بنه اش پیدا شود، کیفرش خود اوست [که به غلامی گرفته شود]. ما ستمکاران را [در کنعان] به همین صورت کیفر می دهیم. (۷۵)

فَيَدأْ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كَذَلِكَ لَيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمِلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءِ
اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (۷۶)

پس [یوسف] پیش از [بررسی] بار برادرش، شروع به [بررسی] بارهای [دیگر] برادران کرد، آن گاه آبخوری پادشاه را از بار برادرش بیرون آورد. ما این گونه برای یوسف چاره اندیشی نمودیم؛ زیرا او نمی توانست بر پایه قوانین پادشاه [مصر] برادرش را بازداشت کند مگر اینکه خدا بخواهد [بازداشت برادرش از راهی دیگر عملی شود]. هر که را بخواهیم [به] درجاتی بالا می بریم و برتر از هر صاحب دانشی، دانشمندی است. (۷۶)

قَالُوا إِنْ يَسِرِقُ فَقَدْ سَرَقَ أَخُّهُمْ مِنْ قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُنْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (۷۷)

برادران گفتند: اگر این شخص دزدی می کند [خلاف انتظار نیست]؛ زیرا پیش تر برادر [ی] داشت که [او] هم دزدی کرد. یوسف [به مقتضای کرامت و جوانمردی] این تهمت را در دل خود پنهان داشت و نسبت به آن سخنی نگفت و این راز را فاش نساخت. در پاسخ آنان گفت: منزلت شما بدتر [و دامستان آلوده تر از این] است [که ظاهر تان نشان می دهد] و خدا به آنچه بیان می کنید، داناتر است. (۷۷)

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْغَرِيزُ إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۸)

گفتند: ای عزیز! او را پدری سالخورده و بزرگوار است، پس یکی از ما را به جای او بازداشت کن، بی تردید ما تو را از نیکوکاران می بینیم. (۷۸)

ص: ۲۴۴

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا لَظَالِمُونَ (۷۹)

گفت: پناه بر خدا از اینکه بازداشت کنیم مگر کسی را که متاع خود را نزد وی یافته ایم، که در این صورت ستمکار خواهیم بود. (۷۹)

فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيَا قَالَ كَيْرُوْهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخْمَدَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۰)

پس هنگامی که از عزیز مایوس شدند، در کناری [با یکدیگر] به گفتگوی پنهان پرداختند. بزرگشان گفت: آیا ندانستید که پدرتان از شما پیمان استوار خدایی گرفت و پیش تر هم درباره یوسف کوتاهی کردید، بنابراین من هرگز از این سرزمهین بیرون نمی آیم تا پدرم به من اجازه دهد، یا خدا درباره من حکم کند؛ و او بهترین حکم کنندگان است. (۸۰)

اَرْجِعُوْا إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهَدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ (٨١)

شما به سوی پدرتان باز گردید، پس به او بگویید: ای پدر! بدون شک پسرت دزدی کرد، و ما جز به آنچه دانستیم گواهی ندادیم و حافظ و نگهبان نهان هم [که در آن چه اتفاقی افتاده] نبودیم. (٨١)

وَاسْأَلِ الْقَرِيْبَةِ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (٨٢)

حقیقت را از شهری که در آن بودیم [و در و دیوارش گواه است] و از کاروانی که با آن آمدیم بپرس؛ و یقیناً ما راستگوییم. (٨٢)

قَالَ بْلَ سَوْلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبَرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (٨٣)

[برادران پس از بازگشت به کنعان، ماجرا را برای پدر بیان کردند، یعقوب] گفت: [نه چنین است که می گویید] بلکه نفوس شما کاری [زشت] را در نظرتان آراست [تا انجامش بر شما آسان شود] پس من بدون جزع و بیتابی شکیبایی می ورزم، امید است خدا همه آنان را پیش من آرد؛ زیرا او بی تردید، دانا و حکیم است. (٨٣)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَأَيْضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُرْزِ فَهُوَ كَظِيمٌ (٨٤)

و از آنان کناره گرفت و گفت: دریغا بر یوسف! و در حالی که از غصه لبریز بود دو چشمش از اندوه، سپید شد. (٨٤)

قَالُوا تَالَّهِ تَفْنَأْ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (٨٥)

گفتند: به خدا آن قدر از یوسف یاد می کنی تا سخت ناتوان شوی یا جانت را از دست بدھی. (٨٥)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَشَّيْ وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٨٦)

گفت: شکوه اندوه شدید و غم و غصه ام را فقط به خدا می برم و از خدا می دانم آنچه را که شما نمی دانید. (٨٦)

ص: ٢٤٥

يَا بَنَيَ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (٨٧)

ای پسرانم! بروید آن گاه از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی شوند. (٨٧)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الصُّرُ وَجَنَّا بِيَضَاعِهِ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَيَّدَقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَعْزِزُ الْمُتَصَدِّقِينَ (٨٨)

پس هنگامی که بر یوسف وارد شدند، گفتند: عزیز! از سختی [قحطی و خشکسالی] به ما و خانواده ما گزند و آسیب رسیده و [برای دریافت آذوقه] مال ناچیزی آورده ایم، پس پیمانه ما را کامل بده و بر ما صدقه بخش؛ زیرا خدا صدقه دهنده گان را پاداش می دهد. (۸۸)

قالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ يُوْسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ (۸۹)

گفت: آیا زمانی که نادان بودید، دانستید با یوسف و برادرش چه کردید؟ (۸۹)

قالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوْسُفُ قَالَ أَنَا يُوْسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۹۰)

گفتند: شگفتا! آیا تو خود یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است، همانا خدا بر ما منت نهاده است؛ بی تردید هر کس پرهیزکاری کند و شکیبایی ورزد، [پاداش شایسته می یابد]؛ زیرا خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند. (۹۰)

قالُوا تَالَّهِ لَقَدْ أَثْرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ (۹۱)

گفتند: به خدا سوگند یقیناً که خدا تو را بر ما برتری بخشید و به راستی که ما خطماکار بودیم. (۹۱)

قالَ لَا تَشْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۹۲)

گفت: امروز هیچ ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است. (۹۲)

اَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأُتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (۹۳)

این پیراهنم را ببرید، و روی صورت پدرم بیندازید، او بینا می شود و همه خاندانتان را نزد من آورید. (۹۳)

وَلَمَّا فَصَلَّتِ الْعِيْرُ قَالَ أَبُو هُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوْسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنَّدُونَ (۹۴)

و زمانی که کاروان [از مصر] رهسپار [کنعان] شد، پدرشان گفت: بی تردید، بوی یوسف را می یابم اگر مرا سبک عقل ندانید. (۹۴)

قالُوا تَالَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالٍ كَالْقَدِيمِ (۹۵)

گفتند: به خدا سوگند تو در همان خطما و گمراهی دیرینت هستی. (۹۵)

ص: ۲۴۶

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقْلُ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶)

پس هنگامی که مژده رسان آمد، پیراهن را بر صورت او افکند و او دوباره بینا شد، گفت: آیا به شما نگفتم که من از خدا حقایقی می دانم که شما نمی دانید؟ (۹۶)

قالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (۹۷)

گفتند: ای پدر! آمرزش گناهانمان را بخواه، بی تردید ما خطاكار بوده ايم. (۹۷)

قَالَ سُوفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۹۸)

گفت: برای شما از پروردگارم درخواست آمرزش خواهم کرد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۸)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آَوَى إِلَيْهِ أَبُوهُهُ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنَّ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ (۹۹)

پس زمانی که بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را کنار خود جای داد و گفت: همگی با خواست خدا [آسوده خاطر و] در کمال امنیت وارد مصر شوید. (۹۹)

وَرَفَعَ أَبُوهُهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السَّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَلْدِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنِ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۱۰۰)

و پدر و مادرش را بر تخت بالا-برد و همه برای او به سجدۀ افتادند و گفت: ای پدر! این تعبیر خواب پیشین من است که پروردگارم آن را تحقق داد، و یقیناً به من احسان کرد که از زندان رهاییم بخشید، و شما را پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فتنه انداخت، از آن بیابان نزد من آورد، پروردگارم برای هر چه بخواهد با لطف برخورد می کند؛ زیرا او دانا و حکیم است. (۱۰۰)

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرُ السَّمَاءَتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلَيْتَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقِيقَى بِالصَّالِحِينَ (۱۰۱)

پروردگارا! تو بخشنی از فرمانروایی را به من عطا کردي و برخی از تعبیر خواب ها را به من آموختی. ای پدید آورنده آسمان ها و زمین! تو در دنيا و آخرت سرپرست و یار منی در حالی که تسليم [فرمان های تو] باشم جانم را بگیر، و به شايستگان مُلْحَمَ کن. (۱۰۱)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرُهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (۱۰۲)

این از سرگذشت های پرفایده غیب است که به تو وحی می کنیم، و تو هنگامی که آنان در کارشان تصمیم گرفتند و [برای انجامش] نیرنگ می کردند، نزدشان نبودی. (۱۰۲)

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَضَتْ بِمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

بیشتر مردم هر چند رغبت شدید [به ایمان آوردنشان] داشته باشی، ایمان نمی آورند. (۱۰۳)

ص: ۲۴۷

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و در حالی که هیچ پاداشی [در برابر ابلاغ قرآن] از آنان نمی خواهد، این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. (۱۰۴)

وَكَائِنٌ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمْرُونَ عَلَيْهَا وَهُنْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵)

و [برای هدایت مردم] در آسمان ها و زمین چه بسیار نشانه هاست که [در غفلت و بی خبری] بر آنها می گذرند در حالی که از آنها روی می گردانند. (۱۰۵)

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُنْ مُشْرِكُونَ (۱۰۶)

و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند مگر آنکه [برای او] شریک قرار می دهند. (۱۰۶)

أَفَمِنْ أَنْ تَأْتِيهِمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَعْنَهُ وَهُنْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۰۷)

آیا ایمنند از اینکه فراغیگرنده ای از عذاب خدا بیایدشان، یا ناگاه قیامت در حالی که نمی فهمند بر آنان فرا رسد؟ (۱۰۷)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَذْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَهِ أَنَا وَمَنِ اتَّبعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۸)

بگو: این طریقه و راه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم، و خدا از هر عیب و نقصی متزه است و من از مشرکان نیستم. (۱۰۸)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ الْقُرْبَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَأْرُ الْآخِرِهِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰۹)

و پیش از تو [بخاطر هدایت مردم] جز مردانی از اهل آبادی ها را که به آنان وحی می نمودیم نفرستادیم. آیا [مخالفان حق] به گردش و سفر در زمین نرفتند تا با تأمل بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند [و از روی کبر و عناد به مخالفت با حق برخاستند] چگونه بود؟ و مسلمان سرای آخرت برای کسانی که پرهیز کاری کردند، بهتر است؛ آیا نمی اندیشید؟ (۱۰۹)

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيَأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا بَجَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنَجَّى مَنْ نَشَاءَ وَلَا يُرِيدُ بِأَسْنَانِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۱۰)

[پیامبران، مردم را به خدا خواندند و مردم هم حق را منکر شدند] تا زمانی که پیامبران [از ایمان آوردن اکثر مردم] مأیوس شدند و گمان کردند که به آنان [از سوی مردم در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده است. [ناگهان] یاری ما به پیامبران رسید؛ پس کسانی را که خواستیم رهایی یافتد و عذاب ما از گروه مجرمان برگردانده نمی شود. (۱۱۰)

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولَئِكَ الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرِى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۱۱)

به راستی در سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان است. [قرآن] سخنی نیست که به دروغ بافته شده باشد، بلکه تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیش از خود است و بیان گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان دارند، سراسر هدایت و رحمت است. (۱۱۱)

ص: ۲۴۸

سورة الرعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَرْتَلِكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱)

المر این آیات [با عظمت] کتاب [الله] است، و آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، سراسر حق و راستی است [چنان حقی که هیچ باطلی در آن راه ندارد] ولی بیشتر مردم [به سبب عناد و لجاجت] ایمان نمی آورند. (۱)

الَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجْلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَضِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءَ رَبِّكُمْ تُوقَنُونَ (۲)

خداست که آسمان‌ها را بدون پایه‌هایی که آنها را بینید، برافراشت، آن گاه بر تخت فرمانروایی [و حکومت بر آفرینش] چیره و مسلط شد، و خورشید و ماه را رام و مسخر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی رواند، کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می کند، نشانه‌ها [ی قدرت و حکمت] را [در پنهان آفرینش] به روشنی بیان می کند تا شما به دیدار [قیامت و محاسبه شدن اعمال به وسیله] پروردگارتن یقین کنید. (۲)

وَهُوَ الَّذِي مَدَ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَّةً وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الْثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رَوْجِينِ اثْنَيْنِ يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳)

و اوست که زمین را گسترانید، و در آن کوه‌هایی استوار و نهرهایی پدید آورد و در آن از همه محصولات و میوه‌ها جفت دوتایی [که نرو ماده است] قرار داد، شب را به روز می پوشاند، [تا ادامه حیات برای همه نباتات و موجودات زنده ممکن باشد؛ یقیناً در این امور برای مردمی که می اندیشند نشانه‌هایی [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] ست. (۳)

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَانٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٍ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرٌ صِنْوَانٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنَفَضْلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴)

در زمین قطعه‌هایی مختلف و گوناگون، و باغ‌هایی از انگور و کشتزار و درختان خرمایی است که بر یک ریشه و غیر یک ریشه [می رویند]. ما برخی از آنان را در میوه و محصول با آنکه از یک آب سیراب می شوند بر برخی دیگر برتری می دهیم.

بی تردید در این امور برای مردمی که تعقل می کنند، نشانه هایی [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] است. (۴)

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبْ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا تُرَابًا أَيْنَا لَفِي حَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَامُ فِي أَغْنِيَاهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۵)

اگر بخواهی تعجب کنی، پس تعجب از گفتار منکران لجوج است که [بدون توجه به قدرت خدا که آنان را از خاک پدید آورد، می گویند]: آیا ما هنگامی که [پس از مردن] خاک شدیم، به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟! اینانند که به پروردگارشان کافر شدند، و اینانند که در گردنشان بندها و زنجیرها [ی گمراهی در دنیا و عذاب در آخرت] است، و اینان هل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۵)

ص: ۲۴۹

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقُدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمُثْلَاثُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَعْفَرِهِ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ (۶)

و از تو [بر پایه تمسخر، استهزا، جهل و نادانی] پیش از [درخواست] خیر و خوشی تقاضای شتاب در [فروض آمدن] عذاب می کنند، [اینان گمان می کنند که عذاب ها و مجازات های الهی دروغ است] با اینکه پیش از آنان عذاب ها و عقوبات های عبرت آموز [بر کافران و منکران] گذشته است و قطعاً پروردگارت نسبت به مردم با ظلم و ستمی که می کنند صاحب آمرزش است، و مسلماً پروردگارت سخت کیفر است. (۶)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَهُ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادِ (۷)

و کافران می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده؟ تو فقط بیم دهنده ای [نه اعجاز کننده ای که هر زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی بخواهد، دست به اعجاز بزنی] و برای هر قومی هدایت کننده ای است. (۷)

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْتَ وَمَا تَغْيِضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَرْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدُهُ بِمِقْدَارٍ (۸)

خدا [حالات، صفات و زمان ولادت] جنین هایی را که هر انسان و حیوان ماده ای آبستن است، و آنچه را رحم ها [از زمان طبیعی حمل] می کاہند و آنچه را می افزایند، می داند؛ و هر چیزی نزد او اندازه معینی دارد. (۸)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (۹)

دانای نهان و آشکار و بزرگ و بلند مرتبه است. (۹)

سَوَاءٌ مَنْ كُنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (۱۰)

[برای او] یکسان است که کسی از شما گفتارش را پنهان کند یا آشکار سازد، و کسی مخفیانه در دل شب حرکت نماید یا در روز راه پیماید. (۱۰)

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ يَكِنْ يَدِيهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءً فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٰ (۱۱)

برای انسان از پیش رو و پشت سر، مأمورانی است که همواره او را به فرمان خدا [از آسیب‌ها و گزندها] حفظ می‌کنند. یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به سوی بلا، نکبت، شکست و شقاوت] تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتارشایسته و پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی‌ها و گناه تغییر دهند. و هنگامی که خدا نسبت به ملتی آسیب و گزند بخواهد [برای آن آسیب و گزند] هیچ راه باز گشته نیست؛ زیرا برای آنان جز خدا هیچ یاوری نخواهد بود. (۱۱)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبُرُوقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُشَيِّعُ السَّحَابَ الثَّلَالَ (۱۲)

اوست که برق [جهنده را از میان قطعه‌های ابر] که مایه ترس و امید است، به شما نشان می‌دهد، و ابرهای سنگین بار را پدید می‌آورد. (۱۲)

وَيُسَبِّحُ الرَّاعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرِسِّلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُنْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (۱۳)

و رعد، همراه با ستایش خدا تسیح می‌گوید و فرشتگان نیز از بیمش [تسبیح می‌گویند]، و صاعقه‌ها را می‌فرستد و به وسیله آن به هر کس بخواهد آسیب می‌رساند، در حالی که اینان [با مشاهده این همه آثار قدرت که صادر شده از خدای یکتاست، باز هم] درباره خدا مجادله و ستیز می‌کنند در صورتی که خدا [دارای قدرتی بی‌نهایت و] سخت کیفر است. (۱۳)

صف: ۲۵۰

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَحِيُونَ لَهُمْ بِشَئِءٍ إِلَّا كَبَاسِطٌ كَفَيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَلْعَنُ فَاهُ وَمَا هُوَ بِالْغِيَّ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۱۴)

دعوت حق [که اجابت‌ش مایه سعادت دنیا و آخرت است] فقط ویژه خدادست. و کسانی را که مشرکان به جای خدا می‌خوانند، چیزی [از درخواست‌ها و نیازهایشان را] برای آنان برآورده نمی‌کنند [درخواست این بی خردان از بتان بی جان و جاندار نیست] مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آبی [که با آن فاصله زیادی دارد] می‌گشاید تا آب به دهانش برسد و حال آنکه هر گز نخواهد رسید، و دعا و درخواست کافران [از غیر خدا] جز در گمراهی و تباہی [که به نتیجه و هدف نمی‌رسد] نیست. (۱۴)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَابِ (۱۵)

کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی میل و رغبت یا بی میلی و کراحت و نیز سایه هایشان بامداد و شام گاه برای

خدا سجده می کنند. (۱۵)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَحَدْتُمْ مِنْ دُونِهِ أُولَيَاءِ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسِّيَّتُوكُمُ الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلْمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۱۶)

[به مشرکان] بگو: پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ [خود بی درنگ] بگو: خدای یکتا است. بگو: آیا سرپرستان و معبدانی به جای او انتخاب کرده اید که اختیار هیچ سود و زیانی را برای خودشان ندارند [چه رسید برای شما؟] بگو: آیا نایینا و بینا یکسانند یا تاریکی و نور برابرند؟ یا آنان شریکانی برای خدا قرار دادند [به خیال آنکه] مانند آفرینش خدا چیزی آفریده اند، آن گاه آفریده خدا و آفریده شریکان بر آنان مشتبه شده؟ بگو: آفریننده همه چیز فقط خدادست و تنها او یکتای پیروز است. (۱۶)

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مِيَاءً فَسَيَّدَ الْأَنْوَافَ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَأْيَهَا وَمِمَّا يُوقِتُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَهِ أَوْ مَتَاعَ زَيْدٌ مُثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيُذْهَبُ بُحْفَاءَ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (۱۷)

خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر دره و رودی به اندازه گنجایش و وسعتش [سیلاجی] جاری شد، سپس سیلاپ، کفی پیف کرده را به روی خود حمل کرد، و نیز از فلزاتی که برای به دست آوردن زینت و زیور یا کالا- و متعای آتش بر آن می افروزند، کفی پیف کرده مانند سیلاپ بر می آید؛ این گونه خدا حق و باطل را [به امور محسوس] مثل می زند. اما آن کفی [روی سیل و روی فلز گداخته در حالی که کناری رفته] به حالتی متلاشی شده از میان می رود، و اما آنچه [چون آب و فلز خالص] به مردم سود می رساند، در زمین می ماند. خدا مثال‌ها را این گونه بیان می کند [تا مردم در همه امور حق را از باطل بشناسند]. (۱۷)

لِلَّذِينَ اسْتَحْجَبُوا لِرَبِّهِمُ الْحُشِينَ وَالَّذِينَ لَمْ يَسِّيَّتُوكُمُ الْأَعْمَى وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلُهُ مَعْهُ لَاقْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۸)

برای آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، بهترین سرانجام است؛ و آنان که دعوت او را پاسخ نگرفتند، اگر مالک دو برابر همه آنچه روی زمین است باشند، بی تردید آن را برای رهایی خود از عذاب خواهند داد؛ آنان را حساب سختی است، و جایگاهشان دوزخ است، و دوزخ بد بستری است. (۱۸)

ص: ۲۵۱

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۹)

آیا کسی که می داند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، مانند کسی است که [از نظر باطن] ناییناست؟ فقط خردمندان [بینادل] متذکر [حق] می شوند. (۱۹)

الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۲۰)

همان کسانی که به عهد خدا [که همانا قرآن است] وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند. (۲۰)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمْرَ اللَّهِ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۲۱)

و آنچه را خدا به پیوند آن فرمان داده پیوند، می دهند و از [عظمت و جلال] پروردگارشان همواره در هراسند و از حساب سخت و دشوار بیم دارند. (۲۱)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا إِنْتَعَاءً وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرَّاً وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَقْبَى الدَّارِ (۲۲)

و برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان [در برابر گناهان و انجام وظایف و حوادث] شکیایی ورزیدند، و نماز را برابر پا داشتند، و بخشی از آنچه را روزی آنان کردیم در نهان و آشکار انفاق نمودند، و همواره با نیکی [عبادت] زشتی و پلیدی [گناه] را دفع می کنند [و با خوبی های خود نسبت به مردم، بدی های آنان را نسبت به خود بطرف می نمایند]، اینانند که فرجام نیک آن سرای، ویژه آنان است. (۲۲)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَهُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (۲۳)

بهشت های جاویدی که آنان و پدران و همسران و فرزندان شایسته و درست کارشان در آن وارد می شوند، و فرشتگان از هر دری بر آنان درآیند. (۲۳)

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عَقْبَى الدَّارِ (۲۴)

[و به آنان گویند:] سلام بر شما به پاس استقامت و صبرتان [در برابر عبادت، معصیت و مصیبت] پس نیکوست فرجام این سرای. (۲۴)

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيشَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمْرَ اللَّهِ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۲۵)

و کسانی که عهد خدا را پس از استوار کردنش می شکنند، و پیوندهایی را که خدا به برقراری آن فرمان داده می گسلند، و در زمین فساد می کنند، لعنت و فرجام بد و دشوار آن سرای برای آنان است. (۲۵)

اللَّهُ يَسْطُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِّحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَهِ إِلَّا مَتَاعٌ (۲۶)

خدا روزی را برای هر کس که بخواهد، وسعت می دهد و برای هر کس که بخواهد، تنگ می گیرد. و [آنان که از حیات جاوید و پرنعمت آخرت بی خبرند] به زندگی زودگذر دنیا شادمان شدند، در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت جز

متعاعی اندک و ناچیز نیست. (۲۶)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ (۲۷)

کافران می گویند: چرا معجزه ای [غیر قرآن] از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟ بگو: مسلمًا خدا هر کس را بخواهد [پس از اتمام حجت] گمراه می کند و هر کس را که به سوی او بازگردد، هدایت می نماید. (۲۷)

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ (۲۸)

[بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردنده و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باشد! دل ها فقط به یاد خدا آرام می گیرد. (۲۸)

ص: ۲۵۲

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۲۹)

کسانی که ایمان آوردنده، و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان زندگی خوش و با سعادت و بازگشتی نیک است. (۲۹)

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَّمٌ لَّتَلُو عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبُّنَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَنَابٌ (۳۰)

آن گونه [که رسولان گذشته را ارسال کردیم] تو را در میان امتی که پیش از آن، امت هایی روزگار به پایان بردن، فرستادیم، تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی، در حالی که آنان [با روی گرداندن از وحی] به [خدای] رحمان کفر می ورزند. بگو: او پروردگار من است، معبدی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم و بازگشم فقط به سوی اوست. (۳۰)

وَلَوْ أَنْ قُرْآنًا سُيِّرْتُ بِهِ الْجِيَالُ أَوْ قُطْعَتْ بِهِ الْمَأْرُضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْكَوْتَى بَلْ لَهُ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَئِسَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهُدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِّيهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَهُ أَوْ تَحْلُّ قَرِيبًا مِّنْ ذَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۳۱)

واگر قرآنی بود که به وسیله آن کوه ها به حرکت می آمدند، یا زمین پاره می گشت، یا به وسیله آن با مردگان سخن گفته می شد [باز هم این کافران لحوج، ایمان نمی آورند، زیرا وقتی با مشاهده قرآن که بزرگ ترین معجزه است ایمان نیاورند با مشاهده هیچ معجزه ای ایمان نمی آورند! کار هدایت و ایمان اینان ارتباطی به معجزه ندارد] بلکه همه کارها فقط در اختیار خداست. پس آیا آنان که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست همه مردم را [از روی اجرار] هدایت می کرد؟! [ولی هدایت اجراری فاقد ارزش است] و همواره به کافران به کیفر آنچه که انجام دادند، حادثه ای کوبنده و بسیار سخت می رسد یا حادثه نزدیک خانه هایشان فرود می آید [که شهر و دیارشان و اطرافش را ناامن می کند] تا وعده [قطعی و نهایی] خدا [که شکست کامل کافران و عذاب آخر است] فرا رسد؛ بی تردید خدا خلف و عده نمی کند. (۳۱)

وَلَقَدِ اسْتَهْزَئَ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخْذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابٌ (٣٢)

[فقط تو را مسخره نمی کنند] قطعاً پیامبرانی که پیش از تو بودند، مسخره شدند. پس به کافران مهلت دادم، سپس آنان را [به کیفر سخت] گرفتم، پس [یافته که] مجازات و عذاب [من] چگونه بود؟ ... (٣٢)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَيِّمُوهُمْ أَمْ تُبَيِّنُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوْعَنِ السَّيِّلِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادِ (٣٣)

آیا کسی که بر همه نفوس [جهانیان] با آنچه به دست آورده اند، مسلط و حاکم و نگهبان است [و همه تحولات وجود آنان را تا رساندنشان به سر منزل مقصود در اختیار دارد، مانند کسی است که مطلقاً این صفات را ندارد؟] ولی آنان [از روی جهل و نادانی] برای خدا شریکانی قرار داده اند! بگو: [ویژگی های] آن شریکان را نام ببرید [تا روشن شود که آیا شایسته شریک قرار دادن برای خدا هستند؟!] آیا خدا را از چیزی در روی زمین که آنها را شریک خود نمی شناسد، خبر می دهید؟ یا سخنی ظاهر و پوچ و بی منطق است [که بر زبان خود می رانید؟!] بلکه برای کافران نیرنگ و دروغشان آراسته شده، و از راه خدا بازداشته شده اند [تا آنجا که موجودات بی ارزش و بی اثر را شریکان حق پنداشته اند]؛ و هر که را خدا [به سبب از دست دادن لیاقتش] گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود. (٣٣)

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ اللَّهِ مِنْ وَاقِ (٣٤)

برای آنان در زندگی دنیا عذابی است، و مسلمان عذاب آخرت سخت تر و پر مشقت تر است، و آنان را هیچ حافظ و نگه دارنده ای [از عذاب خدا] نیست. (٣٤)

ص: ٢٥٣

مَثُلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أَكُلُّهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عَقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوا وَعَقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ (٣٥)

صفت بهشتی که به پرهیز کاران و عده داده شده [چنین است که] از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، میوه ها و سایه اش همیشگی است. این عاقبت و فرجام کسانی است که [در همه امور زندگی] پرهیز کاری کردند و فرجام کافران آتش است. (٣٥)

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَخْرَابِ مَنْ يُنِكِّرُ بَعْصَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمُوتُ أَنْ أَعْبَدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَأْبِ (٣٦)

و کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کردیم از آنچه بر تو نازل شده است، خوشحالند. و برخی از گروه ها [ی اهل کتاب] بخشی از آن را منکرند، بگو: من فرمان یافته ام که خدای یکتا را بپرستم و شریکی برای او قرار ندهم، تنها به سوی او دعوت می کنم و بازگشتم فقط به سوی اوست. (٣٦)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلَهُ حُكْمًا عَرَيًّا وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا وَاقِ (۳۷)

و همان گونه [که پیش از این کتاب های آسمانی نازل کردیم] قرآن را فرمانی [گویا و] روشن نازل نمودیم، و اگر از هواها و تمایلات آنان پس از دانشی که [مانند قرآن] برایت آمده پیروی کنی، برای تو در برابر [عذاب] خدا هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود. (۳۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجْلٍ كِتَابٌ (۳۸)

و همانا پیش از تو پیامبرانی را فرستادیم، و برای آنان همسران و فرزندانی قرار دادیم. و هیچ پیامبری را نسزد که معجزه ای بیاورد مگر به فرمان خدا. برای هر زمانی برنامه مقدّر شده ای [ثبت] است. (۳۸)

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۳۹)

خدا هر چه را بخواهد محو می کند و هر چه را بخواهد ثابت و پابرجا می نماید، و "ام الکتاب" تزد اوست (۳۹)

وَإِنْ مَا نُرِينَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْنَكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ (۴۰)

و اگر پاره ای از عذاب ها را که به منکران و عده می دهیم [می بینی که بسیار سخت و دردناک است] یا اگر تو را [پیش از فرا رسیدن آن عذاب ها] قبض روح کنیم [در قیامت عذابشان را خواهی دید؛ در هر صورت] تنها وظیفه تو ابلاغ [وحی] است و حسابرسی بر عهده ماست. (۴۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتَى الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مَعَقِبٌ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴۱)

آیا نمی دانند که ما همواره به زمین می پردازیم و از اطراف [و جوانب] آن [که ملت ها، اقوام، تمدن ها و دانشمندانش هستند] می کاهیم؟ و خدا حکم می کند؛ و هیچ بازدارنده ای برای حکمکش نیست، و او در حسابرسی سریع است. (۴۱)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَلَهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عَفَنَى الدَّارِ (۴۲)

کسانی که پیش از این کافران لجوج و منکران عنود بودند [در برابر حکومت و حکم خدا] مکر و نیرنگ کردند [ولی به هدفشان نرسیدند] چرا که همه تدبیرها و نقشه ها در اختیار خدادست؛ زیرا او هر کاری را هر کس انجام می دهد، می داند [به همین سبب مکر و نیرنگ هر کس را با تدبیر و نقشه حکیمانه اش باطل و نابود می کند] و کافران و منکران به زودی خواهند دانست که فرجام [نیک و بد] سرای دیگر برای کیست؟ (۴۲)

ص: ۲۵۴

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳)

کافران می گویند: تو فرستاده [خدا] نیستی. بگو: کافی است که خدا [با آیات محکم و استوار قرآنش] و کسی [چون امیر المؤمنین علی بن ابی طالب] که دانش کتاب نزد اوست، میان من و شما [نسبت به پیامبری ام] گواه باشند. (۴۳)

سوره ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرِّئَاطُ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ (۱)

الر [این] کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را به اجازه پروردگارشان از تاریکی ها [ی جهل، گمراهی و طغیان] به سوی روشنایی [معرفت، عدالت و ایمان و در حقیقت] به سوی راه [خدای] توانای شکست ناپذیر و ستوده بیرون آوری. (۱)

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۲)

خدایی که آنچه در آسمان ها و زمین است، در سیطره مالکیت و فمانروایی اوست؛ و وای بر کافران از عذابی سخت. (۲)

الَّذِينَ يَسْتَحْجِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَغْوِنَهَا عِوْجَانًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۳)

همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهنند و [مردم را] از راه خدا باز می دارند و می خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند؛ اینان در گمراهی دوری هستند. (۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمَهِ لَهُمْ فَيَضْلُلُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [بتواند به وسیله آن زبان، پیام وحی را به روشنی] برای آنان بیان کند. پس خدا هر کس را بخواهد [به کیفر لجاجت و عنادش] گمراه می کند، و هر کس را بخواهد، هدایت می نماید، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرْهُمْ بِأَيَامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لُكْلُ صَبَارٍ شَكُورٍ (۵)

و همانا موسی را با نشانه های خود فرستادیم [و به او وحی کردیم] که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را [که روزهای رحمت، عذاب، پیروزی و شکست است] به آنان یادآوری کن، بی تردید در این روزهای خدا برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه هایی [از توحید، ربویت و قدرت خدا] است. (۵)

ص: ۲۵۵

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَأْكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُونَكُمْ سُوءَ الْعِيَذَابِ وَيُنَذَّبُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْجِبُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۶)

و [یاد کن] زمانی را که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید، آن گاه که شما را از [چنگال]

فرعونیان رهایی بخشید، [همانان] که پیوسته شما را شکنجه سخت می دادند، و پس از آن را سر می بریدند، و زنان را [برای بیگاری] زنده می گذاشتند، و در این [حوادث] آزمایش بزرگی از سوی پروردگاری کردند. (۶)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۷)

و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگاری کرد که اگر سپاس گزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی تردید عذاب سخت است. (۷)

وَقَالَ مُوسَى إِنَّ تَكُفُّرُوا أَتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِّيْ حَمِيدٌ (۸)

و موسی [به بنی اسرائیل] گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید [زیانی به خدا نمی رسد]; زیرا خدا بی نیاز و ستوده است. (۸)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ بَأْلَهِنَّ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٍ وَثَمُودٍ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُوا أَيْدِيهِمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مُّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ (۹)

آیا خبر [پندآموز] کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسیده؟ [خبر] قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که پس از ایشان بودند که جز خدا از آنان آگاه نیست، [همه آنان اقوامی بودند که] پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردن، ولی آنان دست هایشان را [به عنوان اعتراض، استهزا، تحکیر کردن و پاسخ ندادن به دعوت پیامبران] در دهان هایشان بردن و گفتند: مسلمانان را به آن رسالتی که شما به آن فرستاده شده اید، کافریم و نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنید، به شدت در شک و تردیدیم!! (۹)

قَالَ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيُغْفِرَ لَكُمْ مَنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤْخِرَ كُمْ إِلَى أَجْلٍ مُسَمٍّ قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّنْنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آباؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱۰)

پیامبرانشان گفتند: آیا در خدا که آفریننده آسمان ها و زمین است، شکی هست؟ او شما را دعوت [به ایمان] می کند تا همه گناهاتان را بیامزد، و شما را تا زمان معین [عمرتان] مهلت می دهد. پاسخ دادند: شما بشرهایی مانند ما هستید که می خواهید ما را از معبد هایی که پدرانمان می پرستیدند باز دارید؛ پس [شما] دلیل روشنی [بر اثبات رسالت خود که مورد پسند ما باشد] بیاورید. (۱۰)

ص: ۲۵۶

قَالَ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنَّنَا بَشَرٌ مِّنْكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمْنُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلِيَتَوَكَّلَ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

پیامبرانشان به آنان گفتند: یقینی است که ما بشری مانند شما هستیم، ولی خدا به هر کس از بندگانش که بخواهد [با عطا

کردن مقام نبوت] مُنْتَ می نهد و ما را نسزد که جز به اجازه خدا معجزه ای برای شما بیاوریم، و باید مؤمنان فقط بر خدا توکل کنند. (۱۱)

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبْلَنَا وَلَنَصِيرَنَّ عَلَى مَا آذَيْمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلَيَتَوَكَّلْ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲)

و ما را چه عذر و بهانه ای است که بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه های [خوشبختی و سعادت] مان هدایت کرد، و قطعاً بر آزاری که [در راه دعوت به توحید] از ناحیه شما به ما می رسد، شکیابی می ورزیم، پس باید توکل کنندگان فقط بر خدا توکل کنند. (۱۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرَسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنُّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنَهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳)

ولی کفرپیشگان به پیامبرانشان گفتند: مسلماً ما شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه هم کیش ما شوید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد: ما قطعاً ستمکاران را نابود می کنیم. (۱۳)

وَلَنُكَسِّنَكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ (۱۴)

و یقیناً شما را پس از آنان در آن سرزمین ساکن خواهیم کرد. این [لطف و رحمت] ویژه کسی است که از مقام من بترسد، و از تهدید [به عذاب] بیم داشته باشد. (۱۴)

وَاسْتَفْتُحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَارٍ عَنِيدٍ (۱۵)

و پیامبران [از خدا] درخواست گشایش و پیروزی کردند، و هر سرکش منحرفی [از رسیدن به هدفش] نومید شد. (۱۵)

مَنْ وَرَأَهُ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءِ صَدِيدٍ (۱۶)

[سرانجام] پیش روی او دوزخ است، و او را از آبی چرکین و متعفن می نوشانند!! (۱۶)

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسْيِغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِظٌ (۱۷)

آن را [به سختی و مشقت] جرعه جرعه می نوشد، [و به خواست خود حاضر به نوشیدن نیست، بلکه به زور و جبر در گلویش می ریزند،] و [او] نمی تواند آن را به [آسانی] فرو برد، و مرگ از هر طرف به او رو می کند، ولی مردنی نیست، و عذابی سخت و انبوه به دنبال اوست. (۱۷)

مَّلُّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرِمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَيِّنُ (۱۸)

وصف حال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند [این گونه است] اعمالشان مانند خاکستری است که در یک روز توفانی،

تند بادی بر آن بوزد [و آن را به صورتی که هرگز نتوان جمع کرد، پراکنده کند] آنان نمی توانند از اعمال خیری که انجام داده اند، چیزی [برای ارائه به بازار قیامت جهت کسب ثواب و پاداش] به دست آورند؛ این است آن گمراهی دور. (۱۸)

ص: ۲۵۷

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَاءُ يُدْبِغُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۹)

[ای انسان!] آیا [به طور قطع و یقین] ندانسته ای که خدا آسمان ها و زمین را بر پایه درستی و راستی و نظم و حساب آفرید؟ اگر بخواهد شما را از میان می برد، و خلقی جدید می آورد. (۱۹)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِغَيْرِ (۲۰)

و این [کار] بر خدا دشوار و گران نیست. (۲۰)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الْمُسْعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهُلْ أَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عِذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَنَاكُمْ سَوَاءٌ عَيْنَا أَجْزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ (۲۱)

و [در عرصه قیامت] همگی در پیشگاه خدا ظاهر می شوند؛ پس ناتوانان [ی] که بدون به کار گرفتن عقل، بلکه از روی تقلید کورکورانه پیرو مستکبران بودند] به مستکبران می گویند: ما [در دنیا بدون درخواست دلیل و برها] پیرو [مکتب] شما بودیم، آیا امروز چیزی از عذاب خدا را [به پاداش آنکه از شما پیروی کردیم] از ما برطرف می کنید؟ می گویند: اگر خدا ما را [در صورت داشتن لیاقت] هدایت کرده بود، همانا ما هم شما را هدایت می کردیم، [اکنون همه سرمایه های وجودی ما و تلاش و کوششمان بر باد رفته] چه بیتابی کنیم و چه شکیابی ورزیم، برای ما یکسان است، ما را هیچ راه گریزی نیست. (۲۱)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَيْدَكُمْ وَعَيْدَ الْحَقِّ وَوَعَيْدَتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَإِنَّهُ يَجْبَثُ لِي فَلَا تَلُومُنِي وَلَوْمُوا أَنفُسِكُمْ مَا أَنَا بِمُصْيِرِ رِحْكُمْ وَمَا أَنْتُ بِمُصْيِرِ رِحْكَي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشَرَّكُتُمُونِ مِنْ قَبْلِ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)

و شیطان [در قیامت] هنگامی که کار [محاسبه بندگان] پایان یافته [به پیروانش] می گوید: یقیناً خدا [نسبت به برپایی قیامت، حساب بندگان، پاداش و عذاب] به شما و عده حق داد، و من به شما و عده دادم [که آنچه خدا و عده داده، دروغ است، ولی می بینید که و عده خدا تحقق یافت] و [من] در و عده ام نسبت به شما وفا نکردم، مرا بر شما هیچ غلبه و تسلطی نبود، فقط شما را دعوت کردم [به دعوتی دروغ و بی پایه] و شما هم [بدون اندیشه و دقت دعوتم را] پذیرفتید، پس سرزنشم نکنید، بلکه خود را سرزنش کنید، نه من فریادرس شمایم، و نه شما فریادرس من، بی تردید من نسبت به شرک ورزی شما که در دنیا درباره من داشتید [که اطاعت از من را هم چون اطاعت خدا قرار دادید] بیزار و منکر؛ یقیناً برای ستمکاران عذابی دردناک است. (۲۲)

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (۲۳)

و کسانی را که ایمان آوردنده و کارهای شایسته انجام دادند، به بهشت هایی درآورند، که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا به اجازه پروردگارشان جاودانه اند، و در آنجا درود [خدا و فرشتگان] بر آنان، سلام است. (۲۳)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَسَجْرٍ طَيِّبَةً أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴)

آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک [که اعتقاد واقعی به توحید است] مانند درخت پاک است، ریشه اش استوار و پابرجا و شاخه اش در آسمان است. (۲۴)

ص: ۲۵۸

تُؤْتَى أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵)

میوه اش را به اجازه پروردگارش در هر زمانی می دهد. و خدا مثال ها را برای مردم می زند تا متذکر حقایق شوند. (۲۵)

وَمَثُلُ كَلِمَةٍ خَيِّبَهُ كَسَجْرٍ خَيِّبَهُ اجْتَثَتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶)

و مثال کلمه ناپاک [که عقاید باطل و بی پایه است] مانند درخت ناپاک است که از زمین ریشه کن شده و هیچ قرار و ثباتی ندارد. (۲۶)

يَبْتَئِلُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقُولِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضْلِلُ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۷)

خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد و ایمانشان در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم و پابرجا می دارد، و خدا ستمکاران [به آیاتش] را [به علت لجاجت و عنادشان] گمراه می کند، و خدا هر چه بخواهد [بر اساس حکمتش] انجام می دهد. (۲۷)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفَّرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (۲۸)

آیا کسانی را که [شکر] نعمت خدا را به کفران و ناسیاسی تبدیل کردند و قوم خود را به سرای نابودی و هلاکت درآورده، ندیدی؟ (۲۸)

جَهَنَّمَ يَصْلُوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ (۲۹)

[سرای نابودی و هلاکت، همان] دوزخی است که در آن وارد می شوند، و بد قرارگاهی است. (۲۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنَدَادًا لَّيُضْلِلُوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا إِنَّ مَصِيرَ كُمْ إِلَى النَّارِ (۳۰)

و برای خدا همتایانی قرار دادند تا مردم را از راه او گمراه کنند؛ بگو: [چند روزی از زندگی زودگذر دنیا] برخوردار شوید، ولی یقیناً بازگشت شما به سوی آتش است. (۳۰)

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنِفِّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبْيَغُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ (۳۱)

به بند گان مؤمن بگو: نماز را برابر دارند، و از آنچه روزی آنان کرده ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه پیوند دوستی و رفاقت. (۳۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَيَخْرُجُ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ
بِأَمْرِهِ وَسَخَرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (۳۲)

خداست که آسمان ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی نازل کرد، و برای شما به وسیله آن از محصولات و میوه های گوناگون روزی بیرون آورد، و کشته ها را مسخر شما قرار داد تا به فرمان او در دریا روان شوند، و نیز نهرها را مسخر شما کرد. (۳۲)

وَسَخَرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَاهِيَنَ وَسَخَرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۳۳)

و خورشید و ماه را که همواره با برنامه ای حساب شده در کارند، رام شما نمود و شب و روز را نیز مسخر شما ساخت. (۳۳)

ص: ۲۵۹

وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا بِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَارٌ (۳۴)

و از هر چیزی که [به سبب نیاز تان به آن] از او خواستید، به شما عطا کرد. و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، هر گز نمی توانید آنها را به شماره آورید. مسلماً انسان بسیار ستمکار و ناسپاس است. (۳۴)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّ الْجَعْلِ هَذَا الْبَلْدَ آمِنًا وَاجْبَنِي وَبَنِيَ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵)

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگار! این شهر [مکه] را منطقه ای امن قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بت ها دور بدار. (۳۵)

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَصْلَلَنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبَعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۶)

پروردگار! آن [بت] ها بسیاری از مردم را گمراه کردند، پس هر کسی از من [که یکتاپرست و حق گرایم] پیروی کند، یقیناً از من است، و هر کس از من نافرمانی کند [شايسه شدنیش برای آمرزش و رحمت بسته به عنایت توست] زیرا تو بسیار آمرزند و مهربانی. (۳۶)

رَبَّنَا إِنِّي أَسْأَكَنْتُ مِنْ ذُرَيْتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئَدَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَأَرْزُقْهُمْ
مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷)

پروردگار! من برخی از فرزندانم را در دره ای بی کشت و زرع نزد خانه محترمت سکونت دادم؛ پروردگار! برای اینکه نماز را بر پا دارند؛ پس دل های گروهی از مردم را به سوی آنان علاقمند و متمایل کن، و آنان را از انواع محصولات و میوه ها روزی بخش، باشد که سپاس گزاری کنند. (۳۷)

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُحْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۳۸)

پروردگار! یقیناً تو آنچه را ما پنهان می داریم و آنچه را آشکار می کنیم، می دانی و هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست. (۳۸)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبِيرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۹)

همه ستایش ها ویژه خدایی است که اسماعیل و اسحاق را در سن پیری به من بخشدید؛ یقیناً پروردگارم شنونده دعاست. (۳۹)

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (۴۰)

پروردگار! مرا بر پادارنده نماز قرار ده، و نیز از فرزندگان نماز قرار ده. و پروردگار! دعايم را پذير. (۴۰)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (۴۱)

پروردگار! روزی که حساب برپا می شود، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را بیامرز. (۴۱)

وَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤْخِرُهُمْ لِيَوْمٍ تَسْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (۴۲)

و خدا را از آنچه ستمکاران انجام می دهنده، بی خبر مپندار؛ مسلمًا [کیفر] آنان را برای روزی که چشم ها در آن خیره می شود، به تأخیر می اندازد. (۴۲)

ص: ۲۶۰

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْتَدُهُمْ هَوَاءُ (۴۳)

[ترسان به سوی دادگاه قیامت] شتابانند، سرهایشان را بالا گرفته [و دیدگانشان ذیلانه به برنامه های محشر دوخته شده] تا جایی که پلک هایشان به هم نمی خورده، و دل هایشان [از بیم عذاب فرو ریخته و از تدبیر و چاره جویی] تهی است. (۴۳)

وَأَنِذِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَيْدَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرُونَا إِلَى أَجْلٍ قَرِيبٍ نُحْبَرُ دَعْوَاتَكَ وَنَتَّبِعُ الرُّسُلَ أَوْلَمْ تَكُونُوا أَقْسِيْمُمْ مَنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ (۴۴)

و مردم را از روزی که عذاب به سویشان می آید، هشدار ده. پس کسانی که ستم ورزیده اند، می گویند: پروردگار! ما را تا [سرآمدی نزدیکی؟ و] مدتی کوتاه مهلت ده تا دعوت را اجابت کنیم، و از پیامبرانت پیروی نماییم. [ولی به آنان گویند:] شما

نبوذید که پیش از این سوگند یاد می کردید که هرگز برای شما زوال و فنایی نیست؟! (۴۴)

وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ (۴۵)

و در مساکن کسانی که به خود ستم کردند، ساکن شدید، در صورتی که برای شما روشن و آشکار است که ما با آنان [به سبب ستم هایشان] چه کردیم و برای شما مثال ها [ی پندآموزی از جامعه هایی که به وسیله عذاب نابود شدند] ذکر کردیم. (۴۵)

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرُهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَرُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (۴۶)

و آنان [نهایت] نیرنگشان را [بر ضد خدا و پیامبران] به کار گرفتند، و [کیفر عقوبت دنیایی و آخرتی] نیرنگشان نزد خداست و هر چند که از نیرنگشان کوه ها از جا کنده شود. (۴۶)

فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعَدِيهِ رُسُلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو اِنْتِقَامٍ (۴۷)

پس مپندار که خدا در وعده اش با پیامبرانش وفا نمی کند؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴۷)

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۴۸)

[در] روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان ها [به غیر این آسمان ها] تبدیل شود، و [همه] در پیشگاه خدای یگانه قهار حاضر شوند. (۴۸)

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۴۹)

و آن روز مجرمان را می بینی که در زنجیرها [به صورتی محکم و سخت] به هم بسته شده اند. (۴۹)

سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهُهُمُ النَّارُ (۵۰)

پیراهن هایشان از قطران [ماده ای متعفن، قابل اشتعال و بدبو] است، و آتش چهره هایشان را می پوشاند. (۵۰)

لِيَجْزِي اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵۱)

تا [به این کیفیت] خدا هر کس را [به سبب] آنچه انجام داده کیفر دهد؛ یقیناً خدا حسابرسی سریع است. (۵۱)

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلَيَنْدَرُوا بِهِ وَلَيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلَيَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۵۲)

این [قرآن یا آنچه در این سوره است] پیامی برای [همه] مردم است، برای آنکه به وسیله آن هشدار داده شوند، و [با تدبیر در آیاتش] بدانند که او معبودی یگانه و یکتاست، و تا خردمندان، متذکر [حقایق و معارف الهیه] شوند. (۵۲)

سورة الحجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرِّبِّ الْكَلِمُوتُ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ (۱)

الراين [آيات بلند مرتبه] آيات کتاب الهی و آیات قرآن روش نگر [با عظمت] است. (۱)

رُبَّمَا يَوْدُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۲)

کافران [هنگام رو برو شدن با عذاب] چه بسا آرزو می کنند که کاش تسلیم [فرمان های خدا] بودند. (۲)

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَلِيَهُمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۳)

بگذارشان تا بخورند و [با لذایذ مادی و زود گذر] کامرانی کنند، و آرزوها، سرگرم شان نماید؛ سپس [حقانیت اسلام و فرجام شوم خود را] خواهند فهمید. (۳)

وَمَا أَهْلَكَنَا مِنْ قَوْيَهِ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (۴)

و هیچ شهری را [به خاطر فساد فraigیرش] نابود نکردیم مگر اینکه برای آن سرنوشتی معین [وروزگار و دوره ای تغییر ناپذیر] بود. (۴)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (۵)

هیچ ملتی از اجل معین خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (۵)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الْذِكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶)

و گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده! قطعاً تو دیوانه ای! (۶)

لَوْ مَا تَأْتَيْنَا بِالْمَلَائِكَهِ إِنْ كُنَّتِ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷)

اگر [درباره پیامبری ات] راست می گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی آوری؟! (۷)

مَا نُنْزِلُ الْمَلَائِكَهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ (۸)

[اینان بدانند که] ما فرشتگان را جز به درستی و راستی نازل نمی کنیم، و در آن هنگام [که نازل شوند، این منکران لجوج از

دچار شدن به عذاب] مهلت نمی یابند. (۸)

إِنَّا نَحْنُ نَرَزُّنَا الْذُكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۹)

همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم. (۹)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيعِ الْأُولَئِينَ (۱۰)

و بی تردید ما پیش از تو هم پیامبرانی را در امت های پیشین فرستادیم. (۱۰)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۱)

و هیچ پیامبری به سوی آنان نمی آمد مگر آنکه او را مسخره می کردند. (۱۱)

كَذِلِكَ نَشْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۱۲)

ما این گونه [که قابل فهمیدن باشد] قرآن را وارد قلوب بدکاران می کنیم. (۱۲)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأُولَئِينَ (۱۳)

[با این همه] به آن ایمان نمی آورند، و البته روش پیشینیان هم [در مسخره کردن آیات خدا و استهزای پیامبران] به همین صورت بوده است. (۱۳)

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (۱۴)

و اگر [برای دریافت حقایق و معارف] دری از آسمان به روی آنان بگشاییم، که همواره از آن بالا روند. (۱۴)

لَقَالُوا إِنَّا سُكِّرْتُمْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ (۱۵)

باز خواهند گفت: یقیناً ما چشم بندی شده ایم، بلکه گروهی جادو شده هستیم. (۱۵)

ص: ۲۶۲

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيْنَاهَا لِلنَّاظِرِينَ (۱۶)

به راستی که ما در آسمان، برج هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان [به شکل صورت های فلکی] آراستیم. (۱۶)

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (۱۷)

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم. (۱۷)

إِلَّا مِنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتَبَعَهُ شَهَابٌ مُّبِينٌ (۱۸)

مگر آنکه دزدانه [خبرهای عالم بالا را] بشنود، که شهابی روشن او را دنبال می کند. (۱۸)

وَالْأَرْضَ مَدَدَنَاها وَأَقْيَنا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَبْتَثَنا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَئِءٍ مَّوْزُونٍ (۱۹)

و زمین را گستراندیم و در آن کوه های استوار افکنديم، واژ هر گیاه موزون و سنجیده ای در آن رویاندیم. (۱۹)

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَابِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (۲۰)

و در آن برای شما و کسانی که روزی دهنده آنان نیستید، انواع وسائل و ابزار معیشت قرار دادیم. (۲۰)

وَإِنْ مِنْ شَئِءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدْرٍ مَّعْلُومٍ (۲۱)

و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه هایش نزد ماست، و آن را جز به اندازه معین نازل نمی کنیم. (۲۱)

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَا كُمُوهٌ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (۲۲)

و بادها را باردار کننده فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و شما را با آن سیراب ساختیم و شما ذخیره کننده آن نیستید. (۲۲)

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِ وَنُمْيِتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (۲۳)

و یقیناً مایم که حیات می دهیم، و می میرانیم و ما وارث [جهان و جهانیان] هستیم. (۲۳)

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (۲۴)

و بی تردید [حالات، اعمال و شمار] پیشینیان شما و آیندگانتان را می دانیم. (۲۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْسِرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵)

و مسلماً پروردگار توست که محسورشان می کند؛ زیرا او حکیم و داناست. (۲۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَاءٍ مَّسْنُونٍ (۲۶)

و ما انسان را از گلی خشک که برگرفته از لجنی متغیر و تیره رنگ است، آفریدیم. (۲۶)

وَالْجَانَ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلٍ مِنْ نَارٍ السَّمُومِ (۲۷)

و جن را پیش از آن از آتشی سوزان و بی دود پدید آوردیم. (۲۷)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَاءٍ مَسْنُونٍ (۲۸)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گل خشک که برگرفته از لجنی متغیر و تیره رنگ است، می آفرینم. (۲۸)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹)

پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او بددم، برای او سجده کنان بیفتید. (۲۹)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَهُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰)

پس همه فرشتگان بدون استثناء سجده کردند. (۳۰)

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۱)

مگر ابليس که از اینکه با سجده کنان باشد، امتناع کرد. (۳۱)

ص: ۲۶۳

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۲)

[خدا] گفت: ای ابليس! تو را چه شده که با سجده کنان نیستی؟ (۳۲)

قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتُهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَاءٍ مَسْنُونٍ (۳۳)

گفت: من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک و برگرفته از لجنی متغیر و تیره رنگ آفریدی، سجده کنم!! (۳۳)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۳۴)

[خدا] گفت: از این [جایگاه والا که مقام مقربان است] بیرون رو که رانده شده ای، (۳۴)

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَهُ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۳۵)

و بی تردید تا روز قیامت لعنت بر تو خواهد بود. (۳۵)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبَعَّثُونَ (۳۶)

گفت: پروردگار! پس مرا تا روزی که [همگان] برانگیخته می شوند، مهلت ده. (۳۶)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۳۷)

[خدا] گفت: تو از مهلت یافتگانی، (۳۷)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَغْلُومِ (۳۸)

تا روز [آن] وقت معین. (۳۸)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا غُوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹)

گفت: پروردگار! به سبب اینکه مرا گمراه نمودی، من هم یقیناً [همه کارهای زشت را] در زمین برای آنان می آرایم [تا ارتکاب زشتی ها برای آنان آسان شود] و مسلماً همه را گمراه می کنم. (۳۹)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۴۰)

مگر [آن] بندگانت را که خالص شدگان [از هر نوع آسودگی ظاهری و باطنی] اند. (۴۰)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَىٰ مُسْتَقِيمٍ (۴۱)

خدا فرمود: این [پیراسته شدن از هر ناخالصی] راهی است مستقیم [که تحقیقش در وجود بندگان مخلصم] بر عهده من [است]. (۴۱)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (۴۲)

قطعاً تو را بر بندگانم تسلطی نیست، مگر بر گمراهانی که از تو پیروی می کنند. (۴۲)

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۳)

و مسلماً دوزخ، وعده گاه همگی آنان است. (۴۳)

لَهَا سَبْعَهُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ (۴۴)

برای آن هفت در است، برای هر دری گروهی از پیروان شیطان تقسیم شده اند. (۴۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۴۵)

به یقین، پرهیز کاران در بهشت ها و چشم سارها هستند. (۴۵)

اَذْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ (۴۶)

[به آنان گویند:] با سلامت و امنیت وارد آنجا شوید. (۴۶)

وَنَرَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٌ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ (۴۷)

و آنچه از دشمنی و کینه در سینه هایشان بوده بر کنده ایم که برادروار بر تخت هایی روبروی یکدیگرند. (۴۷)

لَا يَمْسُهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُحْرِجٍ (۴۸)

در آنجا خستگی و رنجی به آنان نمی رسد و هیچ گاه از آنجا اخراج نمی شوند. (۴۸)

تَبَّئِي عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغُفُورُ الرَّحِيمُ (۴۹)

به بندگانم خبر ده که یقیناً من [نسبت به مؤمنان] بسیار آمرزنده و مهربانم. (۴۹)

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (۵۰)

و اینکه عذابم [برای مجرمان] همان عذاب دردناک است. (۵۰)

وَتَبَّئِيْهِمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ (۵۱)

و نیز آنان را از مهمانان ابراهیم خبر ده. (۵۱)

ص: ۲۶۴

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ (۵۲)

هنگامی که بر او وارد شدند، پس سلام گفتند. [ابراهیم] گفت: ما از شما ترسانیم. (۵۲)

قَالُوا لَا تَوْجِلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۵۳)

گفتند: نرس که ما تو را به پسری دانا مژده می دهیم. (۵۳)

قَالَ أَبْشِرْتُمُونِي عَلَى أَنَّ مَسَنِي الْكِبْرُ فَمِمْ تُبَشِّرُونَ (۵۴)

گفت: آیا با آنکه پیری به من رسید، مژده ام می دهید؟ به چه مژده می دهید؟ (۵۴)

قَالُوا بَشَّرَنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ (٥٥)

گفتند: تو را به بشارتی درست و به حق [که واقع شدنی است] مژده دادیم؛ بنابراین از نامیدان مباش. (٥٥)

قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (٥٦)

گفت: چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نامید می شود؟! (٥٦)

قَالَ فَمَا خَطَبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (٥٧)

[سپس] گفت: ای فرستادگان! کار مهم شما چیست؟ (٥٧)

قَالُوا إِنَّا أُرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (٥٨)

گفتند: ما به سوی قومی گنهکار فرستاده شده ایم [تا نابودشان کنیم]. (٥٨)

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنْجُوْهُمْ أَجْمَعِينَ (٥٩)

مگر خاندان لوط را که قطعاً همه آنان را نجات می دهیم، (٥٩)

إِلَّا امْرَأَتُهُ قَدَرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (٦٠)

مگر همسرش را که [به سبب روی گردانی اش از حق] مقدّر کرده ایم از بازماندگان [در شهر و نابودشوندگان] باشد. (٦٠)

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (٦١)

پس هنگامی که فرستادگان خدا نزد خاندان لوط آمدند، (٦١)

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ (٦٢)

لوط گفت: بی تردید شما گروهی ناشناخته اید. (٦٢)

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (٦٣)

گفتند: [نه، ما آشنا هستیم] با چیزی نزد تو آمده ایم که قومت همواره در آن تردید داشتند. (٦٣)

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (٦٤)

و ما واقعیتی قطعی و مسلم را [که همان عذاب الهی است، جهت نابودی مردم] برای تو آورده ایم و یقیناً راستگوییم. (٦٤)

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ يَقْطُعُ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبَعَ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتُ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمِرُونَ (٦٥)

پس [چون] پاره ای از شب [گذشت] خاندان را کوچ ده و خودت دنبال آنان برو و هیچ یک از شما [به شهر] بازنگردد، و آنجا که مأمور هستید، بروید. (٦٥)

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَوْلَاءِ مَقْطُوعٌ مُضِبِّحٌ (٦٦)

ما [کیفیت] این حادثه [بزرگ] را به او وحی کردیم که هنگامی که مجرمان وارد صبح شوند، بنیادشان برکنده خواهد شد. (٦٦)

وَجَاهَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبِّشُونَ (٦٧)

و اهل شهر [با آگاه شدن از مهمانان لوط] شادی کنان [به خانه لوط] آمدند. (٦٧)

قَالَ إِنَّ هَوْلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَنْفَضِحُونِ (٦٨)

لوط گفت: اینان مهمانان منند، آبروی مرا نبرید. (٦٨)

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْرُونِ (٦٩)

از خدا پروا کنید و مرا [نzd مهمانانم] خوار و بی مقدار نسازید. (٦٩)

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَاكَ عَنِ الْعَالَمِينَ (٧٠)

گفتند: مگر ما تو را [از مهمان کردن] مردمان نهی نکردیم؟ (٧٠)

ص: ٢٦٥

قَالَ هَوْلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (٧١)

[لوط] گفت: اگر می خواهید [کار درست و معقولی] انجام دهید، اینان دختران منند [که برای ازدواج مناسبند]. (٧١)

لَعْمَرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (٧٢)

[ای پیامبر!] به جان تو سوگند، آنان در مستی خود فرو رفته و سرگردان بودند. (٧٢)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (٧٣)

پس به هنگام طلوع آفتاب، صدایی [مرگبار و وحشتناک و غرّشی سهمگین] آنان را فرا گرفت. (٧٣)

فَجَعَلْنَا عَالِيهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ (٧٤)

در نتیجه آن شهر را زیر و رو کردیم و بر آنان سنگ هایی از جنس سنگ گل باراندیم. (٧٤)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (٧٥)

قطعًا در این [سرگذشت آسفبار و حادثه عبرت آموز] نشانه هایی [از قدرت خدا و خواری و رسوایی مجرمان] برای هوشمندان [که جستجو گر عمل حوادث اند] وجود دارد. (٧٥)

وَإِنَّهَا لَسَبِيلٍ مُّقِيمٍ (٧٦)

و آن [آثار و بقایای شهر ویران شده قوم لوط] بر سر راهی است که پابرجاست. (٧٦)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (٧٧)

مسلمًا در این [شهر ویران شده] برای مؤمنان نشانه ای [پند آموز] است. (٧٧)

وَإِنَّ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَهِ لَظَالِمِينَ (٧٨)

و بی تردید اهل ایکه [قوم شعیب] ستمکار بودند. (٧٨)

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَيَامِمَ مُمِينٍ (٧٩)

در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم، و [آثار] دو شهر نابود شده [قوم لوط و شعیب] بر سر جاده ای آشکار قرار دارد. (٧٩)

وَلَقَدْ كَذَبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ (٨٠)

و به راستی اهل [دیار] حجر [که سرزمینی میان مدینه و شام است] پیامبران را تکذیب کردند. (٨٠)

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُغَرِّضِينَ (٨١)

و ما آیات و نشانه های خود را به آنان نشان دادیم، ولی از آنان روی گردان شدند. (٨١)

وَكَانُوا يَئْحُثُونَ مِنَ الْجِبَالِ يُبَوَّأَ آمِينَ (٨٢)

و همواره از کوه ها خانه ها می تراشیدند در حالی که [به خیال خود به سبب استحکام آن خانه ها] ایمن [از حوادث] بودند. (٨٢)

فَأَخَذَ تُهْمُ الصَّيْحَهُ مُصْبِحِينَ (٨٣)

پس هنگامی که به صبح در آمدند، صدایی [مرگبار و وحشتناک و غرّشی سهمگین] آنان را فرا گرفت. (۸۳)

فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۴)

و آنچه [از بناهای محکم و استواری که] فراهم می آوردند، عذاب خدا را از آنان دفع نکرد. (۸۴)

وَمَا حَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيهِ فَاصْفَحِ الصَّفَحَ الْجَمِيلَ (۸۵)

و آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو تاست، جز به حق نیافریدیم، و بی تردید قیامت آمدنی است؛ پس [در برابر ناهنجاری های مردم] گذشتی کریمانه داشته باش. (۸۵)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَاقُ الْعَلِيمُ (۸۶)

یقیناً پروردگارت همان آفریننده داناست. (۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبَعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (۸۷)

و به راستی که هفت آیه از مثانی [یعنی سوره حمد] و قرآن بزرگ را به تو عطا کردیم. (۸۷)

لَا تَمَدَّنْ عَيْنِيكَ إِلَى مَا مَتَعَنا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَعْزَزْنَ عَلَيْهِمْ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

بنابراین به امکانات مادی [و ثروت و اولادی] که برخی از گروه های آنان را از آن برخوردار کردیم، چشم مدوز، و بر آنان [به سبب اینکه پذیرای حق نیستند] اندوه مخور، و پر و بال [لطف و مهربانی] خود را برای مؤمنان فرو گیر. (۸۸)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (۸۹)

و [به اخلال گران در امر دین] بگو: بی تردید من بیم دهنده آشکارم. (۸۹)

كَمَا أَنَّزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (۹۰)

[عذابی به سوی شما می فرستیم] همان گونه که بر تفرقه افکنان [در دین] فرستادیم. (۹۰)

ص: ۲۶۶

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِصِيمَ (۹۱)

همانان که قرآن را بخش بخش کردند [بخشی را پذیرفتند و از پذیرفتن بخشی دیگر روی گردانند]. (۹۱)

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲)

به پروردگارت سوگند، قطعاً از همه آنان بازخواست می کنیم. (۹۲)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۳)

از اعمالی که همواره انجام می داده اند. (۹۳)

فَاصْدِعْ بِمَا تُؤْمِنُ وَأَغْرِضْ عَنِ الْمُسْرِكِينَ (۹۴)

پس آنچه را به آن مأموری اظهار کن و از مشرکان روی بگردان. (۹۴)

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵)

که ما [شّ] استهزا کنندگان را از تو بازداشتہ ایم. (۹۵)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسُوفَ يَعْلَمُونَ (۹۶)

همانان که با خدا معبد دیگری قرار می دهند، پس خواهند دانست [که مرتكب چه خطای بزرگی شده اند و مستحق چه عذابی هستند]. (۹۶)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۹۷)

ما می دانیم که تو از آنچه [مشرکان] می گویند، دلتگی می شوی. (۹۷)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِّنَ السَّاجِدِينَ (۹۸)

پس [برای دفع دلتگی] پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی و از سجدہ کنان باش. (۹۸)

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹)

و پروردگارت را تا هنگامی که تو را مرگ بیاید، بندگی کن. (۹۹)

سوره النحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱)

فرمان حتمی خدا [در مورد عذاب کافران و مشرکان] فرا رسیده است، پس خواستار شتاب در آن نباشد؛ او منزه و برتر است از آنچه شریک او قرار می دهدن. (۱)

يُنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۲)

فرشتگان را به فرمان خود همراه با روح به هر کس از بندگانش که بخواهد [برای برگزیدنش به پیامبری] نازل می کند [و به آنان فرمان می دهد] که مردم را هشدار دهید که معبدی جز من نیست؛ بنابراین از من پروا کنید. (۲)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳)

آسمان ها و زمین را به حق آفرید. از آنچه شریک او قرار می دهنده، برتر است. (۳)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۴)

انسان را از آبی اندک و بی ارزش آفرید، پس آن گاه [و به دور از انتظار] ستیزه جویی آشکار است. (۴)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءُ وَمَنَافِعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵)

و دام ها را که برای شما در آنها [وسیله] گرمی و سودهاست آفرید، و از [محصولات لبنی و گوشتی] شان می خورید. (۵)

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيْحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (۶)

و برای شما در آنها زیبایی [و شکوه] است، آن گاه که [آنها را] شبان گاه از چراگاه بر می گردانید و هنگامی که صبح گاهان به چراگاه می برد. (۶)

ص: ۲۶۷

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيِّهِ إِلَّا بِسِقْقَ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۷)

و بارهای سنگین شما را تا شهری که جز با دشواری و مشقت به آن نمی رسید، حمل می کنند؛ یقیناً پروردگار تان رؤوف و بسیار مهربان است. (۷)

وَالْخَيْلَ وَالْبَغَالَ وَالْحَمِيرَ لَتَرَ كَبُوهَا وَزِينَهَا وَيُخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸)

و اسب ها و استرها و الاغ ها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجمل و زینت باشد، و چیزهایی [در آینده جز این وسایل نقلیه حیوانی] به وجود می آورد که شما نمی دانید. (۸)

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَأُكُمْ أَجْمَعِينَ (۹)

و قرار دادن راه راست [برای هدایت بندگان به سوی سعادت ابدی] فقط بر عهده خداست، و برخی از این راه ها کج و منحرف است [که حرکت در آن شما را از سعادت ابدی محروم می کند]، و اگر خدا می خواست همه شما را [به طور اجبار] به راه راست هدایت می کرد. (۹)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّكُمْ مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (۱۰)

اوست که از آسمان، آبی برای شما نازل کرد که بخشی از آن نوشیدنی است و از بخشی از آن درخت و گیاه می روید که [دام هایتان] را در آن می چرانید. (۱۰)

يُنِيتُ لَكُمْ بِهِ الرَّزْعَ وَالرَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ النَّمَراتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَهُ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۱)

برای شما به وسیله آن آب، زراعت و زیتون و خرما و انگور و از همه محصولات می رویاند؛ یقیناً در این [واقعیات شگفت انگیز طبیعی] نشانه ای است [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] برای گروهی که می اندیشند. (۱۱)

وَسَخَرَ لَكُمُ اللَّيلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۲)

و شب و روز و خورشید و ماه را نیز رام و مسخر شما قرار داد، و ستارگان هم به فرمانش رام و مسخر شده اند؛ قطعاً در این [حقایق] نشانه هایی است [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] برای گروهی که تعقل می کنند. (۱۲)

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَهُ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۱۳)

و نیز آنچه را که در زمین به رنگ های گوناگون برای شما آفرید [رام و مسخر تان ساخت]؛ مسلمان در این [امور] نشانه ای است [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] برای گروهی که متذکر می شوند. (۱۳)

وَهُوَ الَّذِي سَخَرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْيِتَخْرُجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَكَ مَوَاطِرَ فِيهِ وَلِتَبَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشَكُّرُونَ (۱۴)

و اوست که دریا را رام و مسخر کرد تا از آن گوشت تازه بخورید، و زیستی را که می پوشید از آن بیرون آورید و در آن کشتی ها را می بینی که آب را می شکافند [تا شما را برای حمل کالا، تجارت و داد و ستد جابجا کنند] و برای اینکه از فضل و احسان خدا طلب کنید و [در نهایت] به سپاس گزاری خدا برخیزید. (۱۴)

ص: ۲۶۸

وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهَتَّدُونَ (۱۵)

و در زمین کوه هایی استوار افکند تا شما را [در حال گردش وضعی و انتقالی] نلرزاند، و نهرها و راه هایی را [پدید آورد] تا [برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود] راه یابید. (۱۵)

وَعَلَامَاتٍ وَبِالْجُمِ هُمْ يَهَتَّدُونَ (۱۶)

و [برای اینکه در عبور از کوه ها و بیابان ها و کویرها سرگردان و گم نشوید] نشانه ها [قرار داد]، و [مردم به هنگام شب در

دل بیابان ها و بر سطح دریاهای] به وسیله ستارگان راهیابی می کنند. (۱۶)

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَدَكَّرُونَ (۱۷)

بر این اساس آیا کسی که [همه چیز] می آفریند، مانند کسی است که [هیچ چیز] نمی آفریند؟ [پس گُرش در برابر بتان بر پایه چه دلیلی است؟] آیا پند نمی گیرید؟ (۱۷)

وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُتْحَصُّوْهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸)

و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، هر گز نمی توانید آنها را به شمار آورید؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۸)

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۱۹)

و خدا آنچه را پنهان می کنید و آنچه را آشکار می سازید، می داند. (۱۹)

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۲۰)

و معبدهایی را که به جای خدا می پرستند [نه اینکه] چیزی را نمی آفرینند، بلکه خودشان آفریده می شوند. (۲۰)

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبَثُّونَ (۲۱)

مُردگانند نه زندگان، و نمی دانند چه زمانی برانگیخته می شوند. (۲۱)

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُشْتَكِرُونَ (۲۲)

معبد شما معبدی یگانه است؛ پس کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دل هایشان [حق را] انکار می کند، و آنان مستکبرند. (۲۲)

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (۲۳)

ثبت و یقینی است که خدا آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می نمایند، می داند؛ قطعاً او مستکبران را دوست ندارد. (۲۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَمَّا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۴)

و هنگامی که به آنان گویند: پروردگارتان چه چیزهایی نازل کرده؟ می گویند: [چیزی نازل نکرده، آنچه به عنوان قرآن در دسترس مردم است، همان] افسانه های [دروغین] پیشینیان است!! (۲۴)

لِيَحْمِلُوا أَوْرَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْرَارِ الَّذِينَ يُضْلَلُونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۲۵)

سرانجام روز قیامت بار گناهانشان را به طور کامل و بخشی از بار گناهان کسانی که از روی بی دانشی گمراهشان می کنند، به دوش می کشند. آگاه باشد! بد باری است که به دوش می کشند. (۲۵)

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَنِيهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

همانا کسانی که پیش از اینان بودند [به همین صورت] نیرنگ زدند [تا حق را نابود کنند]، پس خدا بنیانشان را از پایه و اساس ویران کرد و سقف [خانه هایشان را] از بالای سرshan بر آنان فرو ریخت، و از جایی که پی نبردند، عذاب به سویشان آمد. (۲۶)

ص: ۲۶۹

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ سُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْنَى الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۲۷)

آن گاه روز قیامت رسوانیشان می کند و می گوید: [معبدانی که گمان می بردید] شریکان من [در ربویت هستند] که برای آنها [با پیامبران و اهل ایمان] دشمنی و سنجی می کردید، کجا یند؟ [آنان پاسخی ندارند، ولی] کسانی که به آنان دانش و بصیرت داده شده می گویند: امروز رسوانی و عذاب بر کافران است. (۲۷)

الَّذِينَ تَقْوَافُهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ فَالْقَوْالِلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلَيْمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

همانان که فرشتگان جانشان را در حالی که ستمکار بر خود بوده اند، می گیرند؛ پس [در آن موقعیت] از در تسليم در آیند [و گویند]: ما هیچ کار بدی انجام نمی دادیم. [به آنان گویند: یقیناً انجام می دادید] و مسلمان خدا به آنچه همواره انجام می دادید، داناست. (۲۸)

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِسْنَ مَنْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۲۹)

بنابراین از درهای دوزخ وارد شوید در حالی که در آن جاودانه اید؛ و بد جایی است جایگاه مستکبران. (۲۹)

وَقَلَلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (۳۰)

و هنگامی که به پرهیز کاران گویند: پروردگارتان چه چیزی نازل کرد؟ گویند: خیر را [که قرآن هدایت گر است و سراسر آیاتش وحی الهی است، نازل کرد]. برای کسانی که نیکی کردند [پاداش] نیکویی در این دنیاست، و همانا سرای آخرت بهتر است، و سرای پرهیز کاران چه نیکوست. (۳۰)

جَنَّاتُ عَدْنِ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذِلِكَ يَعْزِزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (۳۱)

[سرای پرهیز کاران] بهشت های جاویدانی [است] که وارد آنها می شوند، از زیر [درختان] آنها نهرها جاری است، در آنجا هر چه بخواهد برای آنان فراهم است؛ خدا پرهیز کاران را این گونه پاداش می دهد. (۳۱)

الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَهُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّهَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۲)

آنان در حالی که [از آلودگی های عملی و اخلاقی] پاک و پاکیزه اند، فرشتگان جانشان را می گیرند، به آنان می گویند: سلام بر شما، [اکنون] به پاداش آنچه همواره انجام می دادید، به بهشت درآید. (۳۲)

هَيْلٌ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَهُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَمَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمُهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۳۳)

آیا [کافران و مشرکان] جز اینکه فرشتگان [قبض کننده ارواح] به سویشان آیند، یا فرمان پروردگارت [در مورد عذابشان] در رسد، انتظار می برند؟ کسانی هم که پیش از آنان بودند [در برابر حق] چنین کردند، و خدا [در عذاب کردنشان] به آنان ستم نورزید، بلکه آنان همواره [با مرتكب شدن انواع گناهان] به خودشان ستم می کردند. (۳۳)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِزُونَ (۳۴)

پس [کیفر] بدی هایی که انجام دادند به آنان رسید، و عذابی که همواره مسخره می کردند، بر آنان نازل شد. (۳۴)

ص: ۲۷۰

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَئْءٍ نَّحْنُ وَلَا آباؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَئْءٍ كَمَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلاغُ الْمُبِينُ (۳۵)

و کسانی که [به خدا] شرک ورزیدند [از روی جهل، و بی خردی و بدون دلیل و برهان] گفتند: اگر خدا می خواست نه ما و نه پدرانمان هیچ چیزی را جز او نمی پرستیدیم، و هیچ چیزی را بدون [حکم و فرمان] او حرام نمی کردیم. کسانی هم پیش از اینان بودند [در برابر حق] چنین کردند، پس آیا بر عهده پیامبران جز رساندن آشکار [پیام وحی، وظیفه ای] هست؟ (۳۵)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّهٖ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَبَيْنَا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُكَذِّبِينَ (۳۶)

و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که [اعلام کند که] خدا را بپرستید و از [پرستش] طاغوت بپرهیزید. پس خدا گروهی از آنان را [که لیاقت نشان دادند] هدایت کرد و گروهی [دیگر را به سبب تکبر و عنادشان] گمراهی بر آنان مقرر شد. پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود. (۳۶)

إِنَّ تَحْرِصُ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضْلِلُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرٍ (۳۷)

هر چند بر هدایتشان حریص باشی [هدایت نمی یابند]; زیرا خدا کسانی را که [به سبب تکبر و عنادشان] گمراه می کند، هدایت نخواهد کرد، و برای آنان هیچ یاوری [که از گمراهی نجاتشان دهد] وجود ندارد. (۳۷)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمْوَتْ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۸)

با سخت ترین سوگندها یشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسانی را که می میرند، برنمی انگیزد!! آری، [با قدرت بی نهایتش برمی انگیزد] این وعده حقی بر عهده اوست، ولی بیشتر مردم نمی دانند [و به علت نادانی و جهله شان انکار می کنند]. (۳۸)

لِيَسِّئُنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلَيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (۳۹)

[یقیناً مردگان را زنده می کند] تا حقایقی را که در آن اختلاف می کنند، برای آنان روشن سازد. و تا کافران بدانند که همواره [در انکارشان نسبت به زنده شدن مردگان] دروغ می گفتند. (۳۹)

إِنَّمَا قَوْنَا لِشَئٍ إِذَا أَرَذَنَاهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۴۰)

[زنده کردن مردگان برای ما دشوار نیست] فرمان ما درباره چیزی چون [به وجود آمدنش را] اراده کنیم، فقط این است که به آن می گوییم: باش، پس [بی درنگ] موجود می شود. (۴۰)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَكَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَا جُرْأُ الْآخِرَةِ أَكْبِرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

و آنان که پس از ستم دیدنشان برای به دست آوردن خشنودی خدا هجرت کردند، یقیناً آنان را در این دنیا در جایگاه و مکانی نیکو جای دهیم، و قطعاً پاداش آخرت بهتر و برتر است، اگر می دانستند [که دارای چه کمیت و کیفیتی است]. (۴۱)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۴۲)

همانان که [در برابر مصایب، وحوادث و آزار دیدن از دیگران] صبر کردند و فقط بر پروردگارشان توکل می کنند. (۴۲)

ص: ۲۷۱

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳)

و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می کردیم، نفرستادیم. اگر [این حقیقت را] نمی دانید [که پیامبران از جنس بشر بودند] از اهل دانش و اطلاع پرسید [تا دیگر نگویید که چرا فرشته ای به رسالت نازل نشده است؟!] (۴۳)

بِالْيَتَاتِ وَالرُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيَّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزَّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴)

[همه پیامبران را] با دلایل روشن و کتاب های آسمانی [فرستادیم]، و قرآن را [هم] به سوی تو نازل کردیم به خاطر اینکه برای

مردم آنچه را که برای [هدایتشان] به سویشان نازل شده بیان کنی و برای اینکه [در پیامبری تو و آنچه را به حق نازل شده بیندیشند. (۴۴)

أَفَمِنَ الَّذِينَ مَكْرُوا السَّيِّئَاتِ أَن يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَسْعُرُونَ (۴۵)

پس آیا کسانی که [بر ضد قرآن و پیامبر] نیرنگ های زشت به کار گرفتند، ایمنند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند، عذاب به سویشان آید؟ (۴۵)

أَوْ يَأْخُذُهُمْ فِي تَقْلِيمٍ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۴۶)

یا [ایمنند از اینکه] آنان را [در حالی که برای داد و ستد، زراعت و تجارت] در رفت و آمدند، گرفتار [عذاب] سازد؟ اینان عاجز کننده [خدا] نیستند [تا بتوانند از دسترس قدرت او بیرون روند]. (۴۶)

أَوْ يَأْخُذُهُمْ عَلَى تَخْوُفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۴۷)

یا [ایمنند از اینکه] آنان را بر [پایه] ترس و بیم [و هشدارهای پی در پی به عذاب] بگیردشان؟ یقیناً پروردگار تان رؤوف و بسیار مهربان است. (۴۷)

أَوْلَمْ يَرَوَا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (۴۸)

آیا به سوی آنچه خدا آفریده ننگریستند که سایه های آنان در حالی که فروتنانه برای خدا سجده می کنند، از راست و چپ برمی گردد؟ (۴۸)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُنْ لَا يَسْتَكِبُرُونَ (۴۹)

و آنچه در آسمان ها و زمین از جنبندگان و فرشتگان وجود دارد، فقط برای خدا سجده می کنند و تکبر و سرکشی نمی ورزند. (۴۹)

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ (۵۰)

از پروردگارشان که بر فراز آنان است، می ترسند، و آنچه را به آن مأمور می شوند، انجام می دهند. (۵۰)

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَخَذُوا إِلَهَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّاهُ فَارْهَبُونِ (۵۱)

و [فرمان قاطعانه] خدا [ست که] فرمود: دو معبد انتخاب نکنید [که این انتخابی خلاف حقیقت است]؛ جز این نیست که او معبدی یگانه است؛ پس تنها از من بترسید. (۵۱)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِلَّهِ الدِّينُ وَاصِبًا أَفْغَيَرَ اللَّهِ تَتَقَوَّنَ (۵۲)

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و نیز دین ثابت و پایدار مخصوص اوست؛ آیا از غیر او پروا می‌کنید؟! (۵۲)

وَمَا بِكُمْ مِنْ نُعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَكْمُ الْفُرُّ فِإِلَيْهِ تَجَارُونَ (۵۳)

و آنچه از نعمت‌ها در دسترس شماست از خداست، آن گاه چون آسیبی [مانند سلب نعمت] به شما رسد، ناله و فریادتان را به التماس و زاری به درگاه او بلند می‌کنید. (۵۳)

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الْفُرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مُنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۵۴)

سپس هنگامی که آسیب را از شما برطرف کند [بر خلاف انتظار] گروهی از شما به پروردگارشان شرک می‌آورند!! (۵۴)

ص: ۲۷۲

لِيُكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمْتَعُوا فَسُوفَ تَعْلَمُونَ (۵۵)

تا به نعمت‌هایی که به آنان عطا کرده ایم، ناسپاسی و کفران ورزند. پس [چند روزی از کالای زودگذر دنیا] برخوردار شوید که سپس [فرجام زشت خود را] خواهد دانست. (۵۵)

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مَمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَالَّهِ لَتَسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ (۵۶)

و سهمی از آنچه را که به آنان روزی داده ایم، برای معبدانی قرار می‌دهند که جا هل به حقیقت آنهاشد [که به طور مستقل هیچ سود و زیانی برای کسی ندارند]؛ به خدا سوگند از آنچه همواره افترا می‌بستید [که خدا دارای شریکانی است] قطعاً باز خواست خواهد شد. (۵۶)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَسْتَهْوِنَ (۵۷)

و دختران را [به عنوان فرزند] برای خدا قرار می‌دهند، او منزه [از توالد و تناسل] است؛ ولی برای خودشان آنچه را که [از پسران] میل دارند [به عنوان فرزند قرار می‌دهند]. (۵۷)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْشَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًا وَهُوَ كَظِيمٌ (۵۸)

و چون یکی از آنان را به [ولادت] دختر مژده دهنده [از شدت خشم] چهره اش سیاه گردد، و درونش از غصه واندوه لبریز و آکنده شود!! (۵۸)

يَئَوَارِي مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيْمَسِكُهُ عَلَى هُونِ أَمْ يَدْسُهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۵۹)

به سبب مژده بدی که به او داده اند، از قوم و قبیله اش [در جایی که او را نیینند] پنهان می‌شود [و نسبت به این پیش آمد در

اندیشه ای سخت فرو می رود که [آیا آن دختر را با خواری نگه دارد یا به زور، زنده به گورش کند؟! آگاه باشید!] [نسبت به دختران] بد داوری می کنند. (۵۹)

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثُلُ السَّوْءِ وَلَلَّهُ الْمَثُلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۰)

برای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، صفات زشت [وسیرت بد] است، وصفات برتر و والا ویژه خداست، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۰)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ ذَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤْخِرُهُمْ إِلَى أَحَيْلٍ مُّسَيَّحٍ فَإِذَا حَيَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۶۱)

و اگر خدا مردم را به سبب ستمشان مؤاخذه کند، هیچ جنبنده ای را [که مستحقٌ مؤاخذه است] بر روی زمین باقی نمی گذاشت، ولی آنان را تا مدتی معین مهلت می دهد، پس هنگامی که اجلسان سرآید، نه ساعتی پس می مانند و نه ساعتی پیش می افتدن. (۶۱)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ الْسِّتْهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرْمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ (۶۲)

و آنچه را [چون دختر] حوش ندارند، برای خدا قرار می دهنند، و زبانهایشان دروغ پردازی می کند که [سرانجام] نیکوتر ویژه آنان است. ثابت ویقینی است که آتش برای آنان است و یقیناً پیشگامان [به سوی] آتش اند. (۶۲)

ثَالِلَهُ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمِّ مِنْ قَبْلِكَ فَرَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ فَهُوَ وَيُئْهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

به خدا سوگند پیامبرانی به سوی امت های پیش از تو فرستادیم، پس شیطان کارهای [زشت] شان را در نظرشان آراست [تا انجامش برای آنان آسان گردد]، او امروز ولی و سرپرست اینان است [که در عقاید و رفتار پیرو مشرکان پیش اند] و برای آنان [در قیامت] عذابی دردناک است. (۶۳)

وَمَا أَنْرَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيَّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۶۴)

ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه حقایقی را که در آن اختلاف کرده اند، برای آنان توضیح دهی [تا از آراء نظریات وسلیقه های باطلشان نسبت به حقایق دست بردارند] و برای مردمی که ایمان دارند [مایه] هدایت و رحمت باشد. (۶۴)

ص: ۲۷۳

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۵)

و خدا از آسمان آبی نازل کرد، و زمین را به وسیله آن پس از مردگی اش زنده ساخت، یقیناً در این [فعل و انفعالات] نشانه ای [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] ست برای قومی که شنواهی [حقایق] اند. (۶۵)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لِعِبْرَةٍ نُسْقِيْكُمْ مَمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمِ لَبَنًا خَالِصًا سَائِنًا لِلشَّارِبِينَ (٦٦)

و بی تردید برای شما در دام ها عبرتی است، [عبرت در اینکه] از درون شکم آنان از میان علف های هضم شده و خون، شیری خالص و گوارا به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گوار است. (٦٦)

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَخَذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (٦٧)

و از محصولات درختان خرما و انگور [گاهی بر خلاف خواسته خدا] نوشابه ای مست کننده و [زمانی دیگر] رزقی پاکیزه و نیکو می گیرید؛ در این [حقیقت] نشانه ای [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] ست برای گروهی که تعقل می کنند. (٦٧)

وَأَوْحِيَ رَبُّكَ إِلَى النَّجْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمَمَّا يَعْرِشُونَ (٦٨)

و پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از کوه ها و درختان و آنچه [از دار بست هایی] که [مردم] بر می افرازند، برای خود خانه هایی برگیر. (٦٨)

ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسِيلِكِي سِيْبَلَ رَبِّكِ ذُلَّلَا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونَهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَنَفَّكُرُونَ (٦٩)

آن گاه از همه محصولات و میوه ها بخور، پس در راه های پروردگارت که برای تو هموار شده [به سوی کندو] برو؛ از شکم آنها [شهدی] نوشیدنی با رنگ های گوناگون بیرون می آید که در آن درمانی برای مردم است. قطعاً در این [حقیقت] نشانه ای [بر قدرت، لطف و رحمت خدا] ست برای مردمی که می اندیشنند. (٦٩)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّا كُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرْدُ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكُمْ لَا يَعْلَمُمْ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (٧٠)

و خدا شما را آفرید، آن گاه شما را می میراند، برخی از شما به سوی پست ترین مرحله عمر [که سالخوردگی و فرتوتی است] برگردانده می شود، تا پس از دانش اندکی که داشت چیزی را نداند؛ یقیناً خدا دانا و تواناست. (٧٠)

وَاللَّهُ فَضَلَّ بَعْضَ كُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمِمَا الَّذِينَ فُضْلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَيِّئَةٌ أَفَيْنِعْمَهُ اللَّهُ يَعْلَمُ (٧١)

خدا برخی از شما را در رزق و روزی بر برخی فزونی یافته اند، حاضر نیستند از روزی خود [به صورتی قابل توجه و به اندازه لازم] به بردگان خود پردازند که در بهرهوری از رزق و روزی باهم برابر باشند؛ پس آیا [با این تبعیض ظالمانه ای که به بردگان و زیردستان خود روا می دارند] نعمت خدا را [که عطا ای اوست و خود اختیار و استقلالی در تأمینش ندارند] منکرند؟! (٧١)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَرْوَاحًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَيْنَ وَحْفَدَةٍ وَرَزْقَكُمْ مِنَ الطَّيَّابَاتِ أَفِبالْأَطْلَاطِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ

و خدا برای شما همسرانی از جنس خودتان قرار داد و از همسرانتان، فرزندان و نوادگانی پدید آورد، و از نعمت‌های پاکیزه و دلپذیر به شما روزی داد، [با این همه لطف و رحمت] آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت‌های خدا را ناسپاسی می‌کنند؟! (٧٢)

ص: ٢٧٤

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ (٧٣)

و به جای خدا معبدانی را می‌پرستند که از آسمان‌ها و زمین، مالک‌اند که رزقی برای آنان نیستند و هیچ قدرتی هم [برای مالک‌شدن روزی و رساندنش به آنان] ندارند. (٧٣)

فَلَا تَصْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٧٤)

بنابراین برای خدا اوصافی [همانند اوصاف موجودات] مثل نزنید، یقیناً خدا [کنه ذات و حقیقت صفات خود را] می‌داند و شما نمی‌دانید. (٧٤)

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوْكًا لَا يَقْبِلُ رَغْبَةً عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَ الرِّزْقِ فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرَّاً وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوْنَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٧٥)

خدا مثلی زده است: برده زر خریدی که بر هیچ کاری قدرت ندارد، و کسی که ما از سوی خود رزق نیکویی به او داده ایم، و او در پنهان و آشکار از آن انفاق می‌کند، آیا [این دو نفر] یکسانند؟ [این مثل، بیان کننده جایگاه و منزلت خدا و مجموعه هستی است؛ خدا مالک و فرمانروا و رازق همه مخلوقات و تدبیر کننده امور آنهاست، و همه مخلوقات مملوک و محکوم قدرت اویند؛ پس چرا شما بدون اندیشه و تفکر و بی دلیل و برهان بت‌های ناتوان و عاجز را که مملوکی بی اراده اند، شریک ربوبیت حق می‌دانید؟! آیا خدا و بت مساوی است؟!] همه ستایش‌ها ویژه خدادست [که یگانه و یکتاست و هیچ شریکی ندارد؛ ولی بیشتر آنان [این حقیقت را] نمی‌دانند. (٧٥)]

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كُلُّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوجِّهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (٧٦)

و خدا مثلی [دیگر] زده است: دو مرد را که یکی از آنان لال مادرزاد است [و] بر هیچ کاری قدرت ندارد و سربار سرپرست خویش است؛ او را هر کجا روانه می‌کند، منفعت و سودی نمی‌آورد، آیا چنین لال بی قدرت و بی سودی با کسی که [گویا و شنوا است و] به عدالت و انصاف فرمان می‌دهد و بر راهی راست قرار دارد، یکسان و مساوی است؟ [پس چرا معبدهای لال بی قدرت و بی سود را با خدای توانا و شنوا که ذاتش خیر بی نهایت است، برابر می‌دانید؟!] (٧٦)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلْمَحُ الْبَصَرِ أُوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۷۷)

غیب آسمان‌ها و زمین و پیره خداست، و کار برپا کردن قیامت برای او جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیک تراز آن نیست، یقیناً خدا بر هر کاری تووانست. (۷۷)

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْنَدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۸)

و خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد تا سپاس گزاری کنید. (۷۸)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّفِيرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوَّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۷۹)

آیا به پرنده‌گان که در فضای آسمان، رام و مسخر [فرمان او] هستند، ننگریستید که آنها را [از سقوط به زمین] جز خدا نگه نمی دارد؛ یقیناً در آن [وصفتی که پرنده‌گان دارند] نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است برای گروهی که ایمان دارند. (۷۹)

ص: ۲۷۵

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ يُبُوتِكُمْ سِكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ يُبُوَّتًا تَسْتَخْفُونَهَا يَوْمَ طَغْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (۸۰)

و خدا خانه‌هایتان را برای شما مایه آرامش و راحت قرار داد، و برای شما از پوست دام‌ها سر پناه [مانند قبه و خیمه] مقرر کرد، که آنها را روز کوچ کردن و هنگام اقامتنان [در جابجا کردن] سبک می‌یابید و [برای شما] از پشم‌ها و کرک‌ها و موهای آنها تا زمانی معین، وسایل زندگی و کالای تجارت پدید آورد. (۸۰)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيُّكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيُّكُمْ بَأْسَيُّكُمْ كَذِلِكَ يُئِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُشْلِمُونَ (۸۱)

و خدا برای شما از آنچه آفریده سایه‌هایی برایتان به وجود آورد، و تن پوش‌هایی برای شما قرار داد که شما را از گرما نگه می‌دارد و پیراهن‌هایی [مقاآم] که شما را از آسیب جنگ و نبردتان حفظ می‌کند؛ این گونه نعمت‌هایش را بر شما کامل می‌کند تا تسليم فرمان‌های او شوید. (۸۱)

فَإِنْ تَوَلُّوا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۸۲)

پس اگر [بعد از این همه لطف و رحمت] روی از حق گردانند [اندوهگین مشو]؛ زیرا فقط رساندن آشکار [پیام وحی] بر عهده توست. (۸۲)

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنِكِّرُونَهَا وَأَكْثُرُهُمُ الْكَافِرُونَ (۸۳)

آنان نعمت خدا را می شناسند، سپس [از روی کبر و لجاجت] آن را انکار می کنند و بیشترشان کافرنند. (۸۳)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۸۴)

و روزی را [یاد کن] که از هر امتی گواهی بر می انگیزیم، سپس به کافران نه اجازه [عذر خواهی] می دهنند، و نه از آنان می خواهند که [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند! (۸۴)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (۸۵)

و چون که ستمکاران عذاب را بینند [می یابند که هیچ راه گریزی از آن ندارند] پس [به کیفر ستمشان] نه عذاب از آنان سبک می شود، و نه مهلتshan دهنند. (۸۵)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَ هُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ (۸۶)

و زمانی که مشرکان [در عرصه قیامت] بت هایشان را که شریکان خدا قرار داده بودند بینند، می گویند: پروردگار! اینان شریکانی هستند که ما آنها را به جای تو می پرستیدیم [و اینان سبب گمراهی ما شدند]. ولی شریکان به آنان پاسخ می دهنند: یقیناً شما دروغگویید؛ زیرا سبب گمراهی شما هوای نفس، کبر و لجاجت شما بود. (۸۶)

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذِ السَّلَامَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۸۷)

و در آن روز همه مشرکان در پیشگاه خدا سر تسلیم فرود آورند و معبددهایی را که همواره به دروغ [به عنوان شریک خدا] بر خدا می بستند [گم شده] از دستشان می رود. (۸۷)

ص: ۲۷۶

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ (۸۸)

آنان که کافر شدند، و مردم را از راه خدا بازداشتند، به سبب فسادی که همواره مرتكب می شدند، عذابی بر عذابشان می افرایم. (۸۸)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (۸۹)

و [یاد کن] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان بر آنان بر می انگیزیم، و تو را [ای پیامبر اسلام!] بر اینان گواه می آوریم؛ و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مؤذه ای برای تسلیم شدگان [به فرمان های

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَا عَنِ الْفُحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۹۰)

به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ستم گری نهی می کند. شما را اندرز می دهد تا متذکر [این حقیقت] شوید [که فرمان های الهی، ضامن سعادت دنیا و آخرت شماست]. (۹۰)

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۹۱)

و به پیمان خدا چون پیمان بستید، وفا کنید و سوگند را پس از محکم کردنش [به وسیله عزم و قصد قطعی] در حالی که خدا را بر خود ضامن و کفیل قرار داده اید، نشکنید؛ یقیناً خدا آنچه را انجام می دهید، می داند. (۹۱)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ عَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّهٍ أَنْكَاثًا تَتَحَذَّلُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّهُ هِيَ أَزْبَى مِنْ أُمَّهٖ إِنَّمَا يَئْلُو كُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيَبِيَّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَحْتَلِفُونَ (۹۲)

و مانند آن [زنی] که پشم های تابیده خود را پس از استحکام و استواری وا می تابانید، نباشد که سوگندهايتان را میان خود به بهانه اينکه گروهی [چون مشرکان] از گروهی [چون مؤمنان] از نظر نفرات و امکانات افرون ترند، مایه خیانت و فساد قرار دهید [به این صورت که از روی تظاهر، مؤمنان را با سوگندهايتان دلخوش کنید که با آنان هستید، و در پشت پرده سوگندهايتان را بشکنید، و به خیال اينکه از ضربه های دشمن در امان بمانید، به دشمن بپیوندید] جز اين نیست که خدا شما را به وسیله آن [نفرات اندک وافروزی نفرات دشمن] آزمایش می کند، و روز قیامت آنچه را [از حق و باطل] همواره در آن اختلاف می کردید، برای شما روشن می سازد. (۹۲)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّهَ وَاحِدَهٗ وَلَكِنْ يُضْلُلُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۳)

اگر خدا می خواست شما را [بر محور هدایت] یک امت قرار می داد [اما هدایت اجباری فاقد ارزش است]، ولی هر کس را بخواهد [به کیفر لجاجت و تکبرش] گمراه می کند و هر کس را بخواهد هدایت می نماید؛ و مسلمان از آنچه همواره انجام می دادید، باز پرسی خواهید شد. (۹۳)

ص: ۲۷۷

وَلَا تَتَحَذَّلُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَرَلَ قَدْمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَدُوْفُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۹۴)

و سوگندهايتان را میان خود مایه خیانت و فساد قرار ندهید که در نتیجه، قدمی پس از استواریش بلغزد؛ و به سبب آنکه مردم را از راه خدا بازداشتید [در این دنیا] سختی و ناگواری بچشید، و برای شما [در آخرت] عذابی بزرگ باشد. (۹۴)

وَلَا تَشْرُوْوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹۵)

و پیمان خدا را به بهایی اندک نمروشید؛ زیرا آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است، اگر بدانید [که ارزش و فای به پیمان خدا قابل مقایسه با همه دنیا نیست]. (۹۵)

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنْجَزِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرُهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶)

آنچه [از ثروت و مال] نزد شماماست، فانی می شود و آنچه [از پاداش و ثواب] نزد خداست، باقی می ماند، و قطعاً آنان که [برای دینشان] شکیابی ورزیدند، پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، می دهیم. (۹۶)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنْجَزِيَّةُ حَيَاةٍ طَيِّبَةٍ وَلَنْجَزِيَّهُمْ أَجْرُهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۷)

از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه ای زنده می داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، می دهیم. (۹۷)

فَإِذَا قَرأتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِدْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۹۸)

پس هنگامی که قرآن می خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر. (۹۸)

إِنَّهُ لَيَسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۹)

یقیناً او بر کسانی که ایمان آورده اند و همواره بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی ندارد. (۹۹)

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ (۱۰۰)

تسلطش فقط بر کسانی است که او را سریرست و دوست خود گرفته اند و بر کسانی است که [به وسیله اغواگری او] برای خدا شریک قرار داده اند. (۱۰۰)

و إِذَا بَدَلْنَا آيَهَ مَكَانَ آيَهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزَّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٌ بِلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱)

و هنگامی که آیه ای را [که در بردارنده حکم جدیدی است] جایگزین آیه دیگر می کنیم، در حالی که خدا به آنچه نازل می کند داناتر است، مخالفان می گویند: تو فقط [بر خدا] دروغ می بندی!! [چنین نیست که می گویند] بلکه بیشترشان [اسرار تبدیل احکام را] نمی دانند. (۱۰۱)

قُلْ نَرَلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لَيَسْبَطَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (۱۰۲)

بگو: آن [آیات] را روح القدس از سوی پروردگارت به درستی و راستی نازل کرده تا کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت قدم بدارد و برای تسليم شدگان [به فرمان های حق] هدایت و مژده باشد. (۱۰۲)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعْلَمُ بَشَرُ لِسَانُ الدِّيْنِ يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمٌ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ (۱۰۳)

و ما می دانیم که آنان می گویند: یقیناً این آیات را بشری به او می آموزد!! [چنین نیست که می گویند، زیرا] زبان کسی که [آموختن قرآن را به پیامبر] به او نسبت می دهد، غیر عربی است و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است. (۱۰۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰۴)

قطعًا کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند، خدا هدایتشان نمی کند، و برای آنان عذابی دردناک است. (۱۰۴)

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۰۵)

فقط کسانی [به خدا و پیامبر] دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند، و ایناند که دروغگوی واقعی اند. (۱۰۵)

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنَّ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَيْدِرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۶)

هر کس پس از ایمان آوردنش به خدا کافر شود [به عذاب خدا گرفتار آید]; مگر کسی که به کفر مجبور شده [اما] دلش مطمئن به ایمان است، ولی آنان که سینه برای پذیرفتن کفر گشاده اند، خشمی سخت از سوی خدا بر آنان است و آنان را عذابی بزرگ خواهد بود. (۱۰۶)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْجُوا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۱۰۷)

این [خشم و عذاب بزرگ] به سبب آن است که زندگی دنیا [ی زودگذر] را بر آخرت ترجیح دادند، و مسلماً خدا مردم کفر پیشه را هدایت نمی کند. (۱۰۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَهُمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۰۸)

اینان کسانی هستند که خدا بر دل و گوش و چشمشان مهر [شقافت] زده، و اینان بی خبران واقعی اند. (۱۰۸)

لَا جَرْمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۰۹)

ثابت و یقینی است که آنان در آخرت زیانکارند. (۱۰۹)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فِتْنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۰)

آن گاه یقیناً پروردگارت نسبت به کسانی که پس از آزار دیدن [از مشرکان، سرزمین شرک را رها کرده] هجرت نمودند، سپس جهاد کردند، و [برای حفظ دینشان] شکیباًی ورزیدند، آری، پروردگارت [نسبت به آنان] پس از این [همه بلا] بسیار آمرزند و مهربان است. (۱۱۰)

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُؤْفَى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۱۱)

[یاد کن] روزی را که هر کس [به پیشگاه حق] می آید [برای مصنون ماندن از عذاب] از خود دفاع می کند و هر کس هر عملی انجام داده است [همه آن] به طور کامل به او داده می شود و مورد ستم قرار نخواهد گرفت. (۱۱۱)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَعَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرُتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَآذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْحَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْسَعُونَ (۱۱۲)

و خدا [برای پندآموزی به ناسپاسان] مثالی زده است: شهری را که امنیت و آسایش داشت و رزق و روزی [مردمش] به فراوانی از همه جا برایش می آمد، پس نعمت خدا را ناسپاسی کردند، در نتیجه خدا به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند، بلای گرسنگی و ترس فraigیر را به آنان چشانید. (۱۱۲)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۱۳)

و همانا پیامبری از خود آنان برای [هدایت] شان آمد، ولی او را تکذیب کردند، پس عذاب [خدا] آنان را در حالی که ستمکار بودند، فراگرفت. (۱۱۳)

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاسْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانًا تَعْبُدُونَ (۱۱۴)

از نعمت هایی که خدا روزی شما کرده است، حلال و پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را سپاس گزارید، اگر تنها خدا را می پرستید. (۱۱۴)

إِنَّمَا حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِتَرِ وَمَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمِنْ اضْطُرَّ غَيْرُ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۵)

خدا فقط مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا ذبح کرده اند، بر شما حرام کرده است؛ پس کسی که [برای نجات جانش از خطر، به خوردن آنها] ناچار شود در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند [گناهی بر او نیست] یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۱۵)

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لَتُفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱۱۶)

و به سبب دروغی که زبانتان گویای به آن است، نگویید: این حلال است و این حرام، تا به دروغ به خدا افترا بزنید [که این حلال و حرام حکم خدادست]؛ مسلماً کسانی که به خدا دروغ می بندند، رستگار نخواهند شد. (۱۱۶)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱۷)

[با این کارهای زشت] بهره و برخورداری اند کی [در زندگی دنیا دارند] و برای آنان [در قیامت] عذابی دردناک است. (۱۱۷)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَقْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلٍ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنَّ كَانُوا أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۸)

و آنچه را پیش از این برای تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم، ما به آنان ستم نورزیدیم، بلکه آنان خودشان به خود ستم می کردند. (۱۱۸)

ص: ۲۸۰

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَاهِهِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۹)

آن گاه پروردگارت به کسانی که از روی نادانی کار زشت مرتکب شدند، و بعد از آن توبه کردند و [مfasد خود را] اصلاح نمودند، [لطف و عنایت دارد] زیرا پروردگارت پس از آن [توبه و اصلاح] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۱۹)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَاتَلَ اللَّهَ حِينَفَا وَلَمْ يَكُنْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۰)

بدون تردید، ابراهیم [به تنها یی] یک امت بود، برای خدا از روی فروتنی فرمانبردار و [یکتاپرستی] حق گرا بود واز مشرکان نبود. (۱۲۰)

شَاكِرًا لِلنَّعِيمِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (۱۲۱)

سپاس گزار نعمت های او بود، خدا او را برگزید و به راهی راست راهنمایی اش کرد. (۱۲۱)

وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۲۲)

و به او در دنیا [زندگی نیکویی] دادیم، و بی تردید در آخرت از شایستگان است. (۱۲۲)

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حِينَفَا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۳)

آن گاه به تو وحی کردیم که از آین [یکتاپرستی] ابراهیم حق گرا پیروی کن که از مشرکان نبود. (۱۲۳)

إِنَّمَا جَعَلَ السَّبَطُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۲۴)

[تحریم ماهی گیری در] روز شنبه فقط برای کسانی که در آن [از نظر آزادی و منوعیت کار] اختلاف کردند، قرار داده شده است، و بی تردید پروردگارت در روز قیامت درباره آنچه در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۱۲۴)

اَذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَهِ وَالْمُوْعِظَهِ الْحَسِينَهِ وَحِيَادِلْهُمْ بِالْحَالَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۲۵)

[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترين شيوه به بحث [و مجادله] پرداز، يقيناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده اند و نيز به راه یافتگان داناتر است. (۱۲۵)

وَإِنْ عَاقِبُتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَوَقْبَتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ (۱۲۶)

و اگر [ستم گر را] مجازات کردید، پس فقط به مانند ستمنی که به شما شده مجازات کنید، و اگر شکیبایی ورزید [و از مجازات کردن بگذرید] این کار برای شکیبایان بهتر است. (۱۲۶)

وَاصْبِرْ وَمَا صَبِرْكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْرُنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مَّمَّا يَمْكُرُونَ (۱۲۷)

و شکیبایی کن، و شکیبایی تو جز به توفیق خدا نیست، و بر [گمراهی و ضلالت] آنان [و کارهایی که انجام می دهند] اندوهگین مباش، و از نیرنگی که همواره به کار می گیرند، دلتگ مشو. (۱۲۷)

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقُوا وَالَّذِينَ هُمْ مُّحْسِنُونَ (۱۲۸)

بی تردید خدا با کسانی که پرهیز کاری پیشه کردند و کسانی که [از هر جهت] نیکو کارند می باشد. (۱۲۸)

ص: ۲۸۱

جزء ۱۵

سوره الإسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيَلَّا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِتُرِيهِ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱)

منزه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده اش [محمد (صلی الله علیه وآلہ وسلم)] را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تا [بخشی] از نشانه های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ يقیناً او شناو و داناست. (۱)

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّيَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَا تَتَخَذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا (۲)

و ما به موسی کتاب دادیم و آن را برای بنی اسرائیل وسیله هدایت قرار دادیم [و در آن کتاب، آنان را به این حقیقت راهنمایی کردیم] که جز مرا [که خدای یگانه ام] وکیل و کار ساز نگیرید. (۲)

ذُرَيْهَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (۳)

[ای] نسل کسانی که با نوح [در کشتی] سوار کردیم! مسلمًا او بنده ای بسیار سپاس گزار بود [پس شما هم چون او با عمل به

فرمان های حق سپاس گزار باشد. [۳]

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتَقْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلَمَنَّ عُلُواً كَبِيرًا (۴)

ما در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد می کنید و [در برابر طاعت خدا] به سرکشی و طغیان او نسبت به مردم به برتری جویی و ستمی] بزرگ دچار می شوید. (۴)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعْثَنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بِأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا (۵)

پس هنگامی که [زمان ظهر] و عده [عذاب و انتقام ما به کیفر] نخستین فسادانگیزی و طغیان شما فرا رسد، بندگان سخت پیکار و نیرومند خود را بر ضد شما برانگیزیم، آنان [برای کشن، اسیر کردن و ربودن ثروت و اموالتان] لابه لای خانه ها را [به طور کامل و با دقت] جستجو می کنند؛ و یقیناً این و عده ای انجام شدنی است. (۵)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَهَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعْلَنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

سپس پیروزی بر آنان را به شما باز می گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندان تقویت می کنیم، و نرات [رمی] شما را بیشتر می گردانیم. (۶)

إِنْ أَحْسَنَتُمْ أَحْسَنَتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأَتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لَيْسُوءُوا وُجُوهُكُمْ وَلَيَدْخُلُوا الْمَسِيَّجَدَ كَمَا دَخَلُوا أَوَّلَ مَرَّةٍ
وَلَيُبَرُّو مَا عَلَوْا تَشِيرًا (۷)

اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید، و اگر بدی کنید به خود بدی کرده اید. پس هنگامی که [زمان ظهر] و عده دوم [برای عذاب و انتقام] فرا رسد، [پیکار گرانی بسیار سخت گیر بر ضد شما بر می انگیزیم] تا شما را [با دچار کردن به مصایب سنگین و گزند و آسیب فراوان] غصه دار و اندوهگین کنند و به مسجد [الاقصی] درآیند، آن گونه که بار اول درآمدند تا هر که و هر چه را دست یابند، به شدت در هم کوبند و نابود کنند. (۷)

ص: ۲۸۲

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعْلَنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (۸)

امید است که پروردگار تان [در صورتی که توبه کنید] به شما رحم کند و اگر به طغیان و فساد برگردید، ما هم [به کیفر شدید و عذاب سخت] بازگردیم، و دوزخ را برای کافران، زندانی تنگ قرار دادیم. (۸)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰهِي أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (۹)

بی تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، مژده می دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است. (۹)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (١٠)

و برای آنان که به قیامت ایمان نمی آورند، عذابی دردناک آماده کرده ایم. (۱۰)

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (۱۱)

و انسان به همان صورت که نیکی ها را می طلبد [بدون توجه به عواقب امور و به سبب جهل به مصالح و مفاسد خویش، گزند و آسیب و] بدی ها را می طلبد و انسان بسیار شتاب زده و عجول است. (۱۱)

وَجَعَلْنَا اللَّيلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لَتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِئَاتِ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَلَّنَاهُ تَفْصِيلًا (۱۲)

ما شب و روز را دو نشانه [قدرت و حکمت خود] قرار دادیم؛ پس شب را بی نور نمودیم و روز را روشن ساختیم، تا [در آن روزی و رزقی را از پروردگار تان بطلبید و برای اینکه شماره سال ها و حساب [اوقات و زمان ها] را بدانید، و هر چیزی را [که نسبت به دنیا و دینتان و تربیت و کمال تان نیازمند به آن هستید] به روشنی و به طور کامل بیان کردیم. (۱۲)

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَا طَائِرَهُ فِي عُنْقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا (۱۳)

و عمل هر انسانی را برای همیشه ملازم او نموده ایم، و روز قیامت نوشته ای را [که کتاب عمل اوست] برای او بیرون می آوریم که آن را پیش رویش گشوده می بیند. (۱۳)

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حِسِيبًا (۱۴)

[به او می گویند:] کتاب خود را بخوان، کافی است که امروز خودت بر خود حسابگر باشی. (۱۴)

مَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضْلُلُ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازْرَهُ وِزْرٌ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۵)

هر کس هدایت یافت، فقط به سود خودش هدایت می یابد و هر کس گمراه شد، فقط به زیان خودش گمراه می شود. و هیچ بردارنده بار گناهی بار گناهی دیگری را به دوش خود بر نمی دارد؛ و ما بدون اینکه پیامبری را [برای هدایت و اتمام حجت به سوی مردم] بفرستیم، عذاب کننده [آنان] نبودیم. (۱۵)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهَلِّكَ قَوْيَهُ أَمْرَنَا مُتْرِفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقُولُ فَدَمَرَنَاها تَدْمِيرًا (۱۶)

هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را نابود کنیم، مرفهین و خوش گذران هایش را [به وسیله وحی به طاعت، بندگی و دوری از گناه] فرمان می دهیم، چون [سریچی کنند و] در آن شهر به فسق و فجور روی آورند، عذاب بر آنان لازم و حتم می شود، پس آنان را به شدت درهم می کوییم [و بنیادشان را از ریشه بر کنیم]. (۱۶)

وَكُمْ أَهْلَكَنَا مِنْ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۱۷)

و بسیاری از ملت های پس از نوح را [بر پایه همین روش به سبب فسق و فجورشان] نابود کردیم، و [برای نابود کردن این گونه ملت ها] کافی است که پروردگارت به گناهان بندگانش آگاه و بینا باشد. (۱۷)

ص: ۲۸۳

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَهَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا (۱۸)

هر کس [همواره] دنیای زودگذر را بخواهد [چنین نیست که هر چه بخواهد باید بلکه] هر چه را ما برای هر که بخواهیم، به سرعت در همین دنیا به او عطا می کنیم، آن گاه دوزخ را در حالی که نکوهیده و رانده شده از رحمت خدا وارد آن می شود، برای او قرار می دهیم. (۱۸)

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِنَّكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (۱۹)

و کسانی که آخرت را در حالی که مؤمن هستند بخواهند و با تلاشی کامل [و حالصانه] برای [به دست آوردن] آن تلاش کنند، پس تلاششان به نیکی مقبول افتاد [و به آن پاداششان دهنند]. (۱۹)

كُلًا نِمْدُ هَوْلَاءِ وَهَوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۲۰)

هر یک از دو گروه دنیا طلب و آخرت خواه را [در این دنیا] از عطای پروردگارت یاری دهیم، و عطای پروردگارت [در این دنیا از کسی] ممنوع شدنی نیست. (۲۰)

انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلَّا خِرَهُ أَكْبِرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبِرُ تَفْضِيلًا (۲۱)

با تأمل بنگر چگونه برخی از آنان را بر برخی [در امور مادی و بهره های دنیا بی] فزونی بخشیدیم، و همانا آخرت از نظر درجات برتر، و از جهت فزونی بیشتر است. (۲۱)

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَعْذُولًا (۲۲)

با خدا معبدی دیگر قرار مده که [نzd شایستگان] نکوهیده و [در دنیا و آخرت] بی یار و یاور شوی. (۲۲)

وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَاهُ وَبِالْوَالِتَادِينِ إِحْسَانًا إِمَّا يَلْعَنَ عِنْدَكَ الْكِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقْلِ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قُولًا كَرِيمًا (۲۳)

و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جزو را نپرسنید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هر گاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اُف مگوی و بر آنان [بانگ مزن و] پرخاش مکن، و به آنان سخنی

نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو. (۲۳)

وَاحْفِظْ لَهُمَا جَنَاحَ الْذِلْلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبْ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْانِي صَغِيرًا (۲۴)

و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگار! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده. (۲۴)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ أَوَّلَاءِينَ غَفُورًا (۲۵)

پروردگارتان به نیت‌ها و حالاتی که [نسبت به پدر و مادرتان] در دل‌های شماست [از خود شما] آگاه‌تر است، اگر مردم شایسته‌ای باشید [ولی نیت شما درباره پدر و مادر ناپسند باشد، یا حقی از آنان ضایع کنید، اما پشیمان شوید و به خدا بازگردید، شایسته است؟؛ زیرا او نسبت به بازگشت کنندگان بسیار آمرزنده است. (۲۵)

وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَدِّرْ تَبَدِّرِيَا (۲۶)

و حق خوشاوندان و حق تهیدست و از راه مانده را پرداز، و هیچ گونه اسراف و ولخرجی مکن. (۲۶)

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (۲۷)

بی تردید اسراف کنندگان و ولخرجان، برادران شیاطین اند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است. (۲۷)

ص: ۲۸۴

وَإِمَّا تُعِرِضَنَ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَهِ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا (۲۸)

و اگر [به خاطر تهیدستی و فقر] باید از آنان [که به پرداخت حقشان سفارش شدی] روی بگردانی [و این روی گردانی] برای طلب رزقی است که از سوی پروردگارت رسیدن به آن را امید داری؛ پس با آنان [تا رسیدن رزق خدا] سخنی نرم و امیدوار کننده بگو. (۲۸)

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَعْلُولَهٗ إِلَى عُنْقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (۲۹)

و دست را بخیلانه بسته مدار [که از انفاق در راه خدا باز مانی] و به طور کامل هم [در انفاق] دست و دل باز مباش [که چیزی برای معاش خودت باقی نماند] که در نهایت [نzd شایستگان] نکوهیده [و در زندگی خود] درمانده گردی. (۲۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَئِسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ حَيْرًا بَصِيرًا (۳۰)

یقیناً پروردگارت رزق را برای هر که بخواهد وسعت می دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد؛ زیرا او به [مصلحت] بندگانش آگاه و بیناست. (۳۰)

وَلَا تَقْتُلُوا أُولَادَكُمْ خَشِيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرُزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَاتِلَهُمْ كَانَ خِطْبًا كَبِيرًا (۳۱)

فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می دهیم، یقیناً کشن آنان گناهی بزرگ است. (۳۱)

وَلَا تَقْرُبُوا الزَّنَاءِ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَيِّلًا (۳۲)

و نزدیک زنا نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بد است. (۳۲)

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلَنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُشَرِّفُ فِي الْقُتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (۳۳)

و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده [و به جانش حرمت نهاده] جز به حق نکشید، و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [جهت خونخواهی، دیه و عفو] قرار داده ایم، پس وارث مقتول باید در کشن زیاده روی کند؛ زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار گرفته است. (۳۳)

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْتَّيْمِ إِلَّا بِالْتَّى هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَلْعَبُ أَشْدَهُ وَأُوفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (۳۴)

و به مال یتیم تا زمانی که به سن بلوغ و رشدش برسد، جز به بهترین شیوه نزدیک نشوید؛ و به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا [روز قیامت] درباره پیمان بازخواست خواهد شد. (۳۴)

وَأُوفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۳۵)

و هنگامی که [جنسی را] پیمانه می کنید، پیمانه را کامل بدهید، و [اجناس قابل وزن را] با ترازوی درست و صحیح وزن کنید، این برای شما بهتر و فرجامش نیکوتر است. (۳۵)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳۶)

و از چیزی که به آن علم نداری [بلکه بر گرفته از شنیده ها، ساده نگری ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی اند] مورد بازخواست اند. (۳۶)

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَقْلُبْ الْجِبالَ طُولًا (۳۷)

و در زمین، با تکبر و سرمستی راه مرو که تو هرگز نمی توانی [با قدم هایت] زمین را بشکافی، و هرگز در بلندی قامت نمی توانی به کوه ها برسی. (۳۷)

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (۳۸)

همه این دستورات و فرمان هایی که [در آیات گذشته بیان شد، سرپیچی از آنها] گناهش نزد پروردگارت ناپسند است. (۳۸)

ذَلِكَ مِمَّا أُوحِيَ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ قَاتِلَقِي فِي جَهَنَّمَ مُلُومًا مَدْحُورًا (۳۹)

این [احکام و مطالب] از حکمت هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و با خدا معبدی دیگر قرار مده که نکوهیده و رانده [شده از رحمت] در دوزخ افکنده شوی. (۳۹)

أَفَاصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَيْنَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ إِنَّا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (۴۰)

[ای مشرکان!] آیا پروردگارتان [با ترجیح دادن شما بر خود] شما را به [دارا بودن] پسران، برگزیده و برای خود از فرشتگان، دخترانی برگرفته؟ یقیناً [از روی دروغ و اتهام] سخنی بزرگ [و ناروا] می‌گویید. (۴۰)

وَلَقَدْ صَرَفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكِّرُوا وَمَا يَرِيدُهُمْ إِلَّا نُورًا (۴۱)

به راستی در این قرآن [داستان ها، حکمت ها و موعظه های] گوناگون بیان کردیم تا متذکر و هوشیار شوند؛ ولی آنان را جز رمیدن نمی‌افزاید. (۴۱)

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ الَّهُ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَّا بَتَغْوُنَ إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَيِّلًا (۴۲)

بگو: اگر آن گونه که می‌گویند، با خدا خدایانی بود، در آن هنگام به سوی صاحب عرش راهی می‌جستند [تا قدرتش را تصاحب کنند]. (۴۲)

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴۳)

او از آنچه می‌گویند، منزه و بسیار برتر و والاتر است. (۴۳)

تُسَيِّحُ لَهُ السَّمَاءُوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَئْءٍ إِلَّا يُسَيِّحُ بِهِمْ بِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۴)

آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست، او را تسبیح می‌گویند، وهیچ چیزی نیست مگر اینکه همراه با ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید، یقیناً او بربار و بسیار آمرزنده است. (۴۴)

وَإِذَا قَرَأَتِ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا يَسِينَكَ وَبَيْنَ الدِّينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجَابًا مَسْتُورًا (۴۵)

و هنگامی که قرآن بخوانی، میان تو و آنان که به آخرت ایمان ندارند، پرده ای نامیری قرار می‌دهیم [که به سزای لجاجت و کفرشان از فهم آن محروم شوند]. (۴۵)

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكْنَهَهُ أَنْ يَفْقَهُهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرَتْ رَبُّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْا عَلَى أَذْبَارِهِمْ نُفُورًا (۴۶)

و بر دل هایشان پوشش هایی می گذاریم تا آن را نفهمند و در گوش هایشان سنگینی می نهیم [تا آن را از روی حقیقت نشنوند]؛ و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد کنی با حالت رمیدگی از تو روی می گردانند. (۴۶)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَعِمُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَعِمُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجَوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَبَعَّونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (۴۷)

هنگامی که [وقت قرآن خواندند] به تو گوش می دهند، ما به هدفی که برای آن گوش می دهند داناتریم، و نیز هنگامی که رازگویی می کنند [به کارشان آگاه تریم] آن زمان که [آن] ستم گران [به یکدیگر] می گویند: شما [اگر از او پیروی کنید] جز از مردمی جادو شده پیروی نمی کنید. (۴۷)

انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۴۸)

بنگر چگونه تو را به صفاتی [چون شاعر، کاهن، ساحر و مجنون] وصف می کنند در نتیجه گمراه شدند، بنابراین قدرت ندارند راهی [به سوی هدایت] یابند. (۴۸)

وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَاماً وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقاً جَدِيدًا (۴۹)

و گفتند؛ هنگامی که ما استخوان [هایی جدا از هم و ریز ریز] و پوسیده شدیم، آیا به طور قطع در آفرینشی جدید برانگیخته می شویم؟! (۴۹)

ص: ۲۸۶

قُلْ كُونُوا حِجَارَهُ أَوْ حَدِيدًا (۵۰)

بگو: [اینکه سهل و آسان است] شما سنگ شوید یا آهن، (۵۰)

أَوْ خَلْقاً مِمَّا يَكْبِرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَهِ فَسَيُنِيَضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا (۵۱)

یا آفریده ای از آنچه در ذهنتان [حیات یافتنش] سخت و دشوار می آید [بدون تردید با آفرینشی جدید برانگیخته می شوید] بی درنگ خواهند گفت: چه کسی ما را بر می گرداند؟ بگو: همان کسی که اولین بار شما را آفرید. پس سرهای خود را [به عنوان ریشخند و استهزا] به سوی تو می جنابند و می گویند: [این زنده شدن دوباره] چه زمانی خواهد بود؟ بگو: چه بسا نزدیک باشد. (۵۱)

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَشَّتَجِيْوَنَ بِحَمْدِهِ وَتَطْلُونَ إِنْ لَيْشْمٌ إِلَّا قَلِيلًا (۵۲)

روزی که شما را [از میان گورها برای ورود به عرصه قیامت] فرا می خواند، پس [فرا خواندنش را] در حالی که او را سپاس و ستایش می گویید، اجابت می کنید، و گمان می برید که [در دنیا یا در برزخ] جز اندکی درنگ نکرده اید. (۵۲)

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا إِنَّهُ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْرُغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلنَّاسِ عَدُوًّا مُّبِينًا (۵۳)

و به بند گانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند؛ زیرا شیطان میان آنان [به سبب سخنان رشت و بی منطق] دشمنی و نزاع می افکند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. (۵۳)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَاءُ يَرْحَمُكُمْ أَوْ إِنْ يَشَاءُ يُعذِّبُكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۵۴)

پروردگارتان به شما داناتر است، اگر بخواهد شما را مورد رحمت قرار می دهد و اگر بخواهد عذابتان می کند. و ما تو را بر آنان نگهبان و کارساز نفرستاده ایم. (۵۴)

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّنَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاؤُودَ رَبُورًا (۵۵)

و پروردگارت به هر که [و هر چه] در آسمان ها و زمین است، داناتر است. و به یقین برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم و به داود زبور عطا کردیم. (۵۵)

قُلِ اذْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الصُّرُّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (۵۶)

بگو: کسانی را که به جای خدا [معبدان خود] پنداشتید، [بخوانید تا بفهمید که] آنها نمی توانند آسیب و گزندی را از شما دفع کنند، و نه [آن را از شما به دیگری] انتقال دهنند. (۵۶)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَنْتَهُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةُ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَرَبِّجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (۵۷)

کسانی [از فرشتگان، پریان و ارواح را] که آنان [به عنوان معبد] می پرستند [خود آنان برای رفع نیازمندی هایشان] به سوی پروردگارشان وسیله می جویند، تا کدامشان نزدیک تر باشد، و به رحمت او امید دارند، و از عذابش می ترسند؛ زیرا عذاب پروردگارت شایسته پرهیز است. (۵۷)

وَإِنْ مِنْ قَوْمٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۵۸)

هیچ شهری [از شهرهای یاغیان و مفسدان] نیست مگر آنکه آن را پیش از قیامت [به عذاب] نابود می کنیم یا به عذابی سخت دچار می سازیم. انجام این کار در کتاب [لوح محفوظ] نگاشته شده است. (۵۸)

ص: ۲۸۷

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ وَآتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبَصِّرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَحْوِيلًا (۵۹)

و [ای پیامبر!] هیچ چیز، ما را از فرستادن معجزات [که همواره مشرکان و کافران خواهان آند] باز نداشت جز اینکه پیشینیان، آن معجزات را تکذیب کردند [و به این سبب نابود شدند؛ و اینان هم اگر به سویشان آید، تکذیب می کنند و نابود می شوند].

و به قوم ثمود [از لابلای سنگ های کوه] ناقه دادیم که معجزه ای روشن بود، ولی به آن ستم کردند [و او را از پا درآوردند و به عذاب مبتلا شدند] و ما معجزات را جز برای هشدار دادن به مردم نمی فرستیم. (۵۹)

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَى أَطْ بِهِنَاسِ وَمَيَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ وَنُخْوَفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (۶۰)

و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم: یقیناً پروردگارت [از هر جهت] به مردم احاطه کامل دارد و آن خوابی را که به تو نشان دادیم و نیز درخت لعنت شده در قرآن را [که مصدقاش درخت زقوم، بنی امیه، طاغیان و یاغیانند] جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم؛ و ما آنان را [از عاقبت شرک و کفر] هشدار می دهیم، ولی در آنان جز طغیانی بزرگ نمی افزاید!! (۶۰)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَهِ اسْجَدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (۶۱)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند مگر ابليس که گفت: آیا برای کسی که او را از گل آفریدی، سجده کنم؟! (۶۱)

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَحَرَّتَنِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ لَأَحْتَنِكَنَ ذُرِّيَّتُهُ إِلَّا قَلِيلًا (۶۲)

[سپس] گفت: مرا خبر ده این کسی که او را بر من برتری دادی [سبیش چه بود؟] اگر تا قیامت مهلتم بخشی، بی تردید فرزندانش را جز اندکی لجام می زنم [و به دنبال خود به عرصه هلاکت و نابودی می کشم]. (۶۲)

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءٌ مَوْفُورًا (۶۳)

خدافرمود: برو که از آنان هر کس تو را پیروی کند، قطعاً دوزخ کیفرتان خواهد بود، کیفری سخت و کامل. (۶۳)

وَاسْتَغْرِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأُولَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۶۴)

از آنان هر که را توانستی با آوازت [به سوی باطل] برانگیز، و [برای راندنشان به سوی طغیان و گناه] با سواره ها و پیاده هایت بر آنان بانگ زن، و با آنان [از راه سوق دادنشان به حرام] در اموال و [از طریق وسوسه کردنشان به زنا] در اولاد شریک شو، و به آنان وعده [دروغ] بدی [که از قیامت، حسابرسی، بهشت و دوزخ خبری نیست] و شیطان آنان را جز از روی باطل و دروغ وعده نمی دهد. (۶۴)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا (۶۵)

[ولی آگاه باش که] یقیناً تو را بر بندگانم هیچ تسلطی نیست، و کافی است که پروردگارت نگهبان و کارساز [آنان] باشد. (۶۵)

رَبُّكُمُ الَّذِي يُرْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَتَبَعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (٦٦)

پروردگار تان کسی است که کشتی ها در دریا برای شما روان می کند تا [با رفتن از اقلیمی به اقلیم دیگر] از رزقش بطلبید؛ زیرا او همواره به شما مهربان است. (٦٦)

ص: ٢٨٨

وَإِذَا مَسَكْمُ الْضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَى إِيَاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (٦٧)

و زمانی که در دریا سختی و آسیبی به شما رسید، هر که را جز او می خوانید ناپدید و گم می شود، و هنگامی که شما را [با سوق دادن] به سوی خشکی نجات دهد [از خدا] روی می گردانید. و انسان [با اینکه الطاف خدا را همواره در زندگی خود لمس می کند] بسیار ناسپاس است. (٦٧)

أَفَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا (٦٨)

آیا این من هستید از اینکه شما را در کنار خشکی [در زمین] فرو برد، یا بر شما توفانی از شن و سنگریزه فرستد، سپس برای خود حافظ و نگهبانی نیابید؟! (٦٨)

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَ كُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقُكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (٦٩)

یا این من هستید از اینکه بار دیگر شما را به دریا برگرداند، پس توفانی سخت که با خود ریگ و سنگ می آورد بر شما فرستد و به سبب اینکه ناسپاسی کردید غرقتان کند؟ آن گاه در برابر کار ما برای خود پی گیر و دفاع کننده ای نخواهید یافت. (٦٩)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيَّابَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمْنُ خَلْقَنَا تَفْضِيلًا (٧٠)

به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم. (٧٠)

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِيمَانِهِمْ فَمَنْ أُوتَى كِتَابَهُ بِإِيمَانِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (٧١)

[یاد کن] روزی را که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می خوانیم؛ پس کسانی که نامه اعمالشان را به دست راستشان دهنده، پس آنان نامه خود را [با شادی و خوشحالی] می خوانند و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (٧١)

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَيِّلًا (٧٢)

و کسی که در این دنیا کوردل باشد، در آخرت هم کوردل و گمراه تراست. (٧٢)

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتُفْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرُهُ وَإِذَا لَاتَّخُذُوكَ خَلِيلًا (٧٣)

و نزدیک بود که تو را از آنچه به تو وحی کردیم، بلغزانند تا غیر آن را از روی افترا به ما نسبت دهی و در این صورت، تو را دوست خود می گرفتند. (٧٣)

وَلَوْلَا أَنْ شَبَّثْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (٧٤)

و اگر تو را ثابت قدم نمی داشتیم، همانا نزدیک بود اندکی به سوی آنان متمایل شوی. (٧٤)

إِذَا لَأَذْقَنَاهُ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (٧٥)

در آن صورت دو برابر در دنیا و دو برابر در آخرت عذاب به تو می چشاندیم، آن گاه برای خود در برابر ما یاوری نمی یافته. (٧٥)

ص: ٢٨٩

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِرُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يُلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (٧٦)

و نزدیک بود [مشرکان] تو را از این سرزمین حرکت دهنده تا از آن بیرون نمودند، و در آن صورت پس از تو جز مدته اندک درنگ نمی کردند [و دچار عذاب خدا می شدند]. (٧٦)

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسْنَتَنَا تَحْوِيلًا (٧٧)

[مهلت نیافتن دشمنان جز مدته اندک] شیوه ای است که همواره درباره [امت های] پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم [جاری] بوده است، و برای شیوه ما هیچ دگرگونی و تغییری نخواهی یافت. (٧٧)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسِيقِ الظَّلَلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَسْهُودًا (٧٨)

نماز را از ابتدای تمایل خورشید به جانب مغرب [که شروع ظهر شرعی است] تا نهایت تاریکی شب بر پا دار، و [نیز] نماز صبح را [اقامه کن] که نماز صبح مورد مشاهده [فرشتگان شب و فرشتگان روز] است. (٧٨)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَاجِدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَعْثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (٧٩)

و پاسی از شب را برای عبادت و بندگی بیدار باش که این افزون [بر واجب،] ویژه توست، امید است پروردگارت تو را [به سبب این عبادت ویژه] به جایگاهی ستوده برانگیزد. (٧٩)

وَقُلْ رَبِّ أَذْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (٨٠)

و بگو: پروردگار! مرا [در هر کار و شغلی] به نیکی وارد کن و به نیکی بیرون آور و برایم از نزد خود نیرویی یاری دهنده قرار ده. (۸۰)

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۸۱)

و بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ بی تردید باطل نابود شدنی است. (۸۱)

وَنَتَرَلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (۸۲)

و ما از قرآن آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است، نازل می کنیم و ستمکاران را جز خسارت نمی افزاید. (۸۲)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَغْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا (۸۳)

و زمانی که به انسان نعمت می بخشیم [از ما] روی بگرداند و خود را مغرورانه از ما دور کند، و هنگامی که آسیبی به او برسد [به سبب بی ایمانی و غفلت از قدرت و رحمت ما] بسیار نومید و مایوس شود. (۸۳)

قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَيِّلًا (۸۴)

بگو: هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت های اکتسابی خود عمل می کند، پس پروردگارتان به کسی که راه یافته تر است، داناتر است. (۸۴)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ وَمَا أُوتِيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قِيلَّا (۸۵)

و از تو درباره روح می پرسند، بگو: روح از امر پروردگار من است، و از دانش و علم جز اندکی به شما نداده اند. (۸۵)

وَلَئِنْ شِئْنَا لَنْدَهِبَنَ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (۸۶)

و اگر بخواهیم قطعاً آنچه را به تو وحی کرده ایم [از یادها و نوشته ها] محو می کنیم، آن گاه در برابر ما [برای بازگرفتنش] کارسازی برای خود نخواهی یافت. (۸۶)

ص: ۲۹۰

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (۸۷)

[ولی محو نشدن قرآن از یادها و نوشته ها، نیست] مگر رحمتی از سوی پروردگارت، به یقین فضل او بر تو همواره بزرگ است. (۸۷)

قُلْ لَكُنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۸۸)

بگو: قطعاً اگر جن و انس گرد آیند که مانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند مانندش را بیاورند، و اگر چه پشتیبان یکدیگر باشند. (۸۸)

وَلَقَدْ صَرَفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹)

و همانا در این قرآن برای [هدایت] مردم از هر مثال و داستانی به صورت های گوناگون بیان کردیم، ولی بیشتر مردم جز انکار و کفران [آن نعمت عظیم را] نخواستند. (۸۹)

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجِرْ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَثْبُوْعًا (۹۰)

و گفتند: ما به تو ایمان نمی آوریم، مگر آنکه از این سرزمین [خشک و سوزان مکه] چشمۀ ای پر آب و جوشان روان سازی!! (۹۰)

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِيلٍ وَعِنْبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (۹۱)

یا برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد که از لابه لای آنها نهرها روان کنی. (۹۱)

أَوْ تُسَقِّطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا (۹۲)

یا آسمان را آن گونه که گمان کرده ای [قدرت داری] پاره پاره بر سر ما بیفکنی، یا خدا و فرشتگان را رو به روی ما آوری. (۹۲)

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرِيقَيْكَ حَتَّى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ قُلْ سُبْبَحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (۹۳)

یا خانه ای از طلا برای تو باشد، یا در آسمان بالا روی، و بالا رفنت را باور نمی کنیم تا آنکه نوشه ای بر ما نازل کنی که آن را بخوانیم!! بگو: پروردگارم منزه است [از اینکه خواسته های سبک مغزان یاوه گو را پاسخ دهد] آیا من جز بشری فرستاده هستم؟ [که مرا برای هدایت شما فرستاده اند، نه برای اینکه درخواست های بی مورد شما را پاسخ دهم]. (۹۳)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا (۹۴)

و چیزی مردم را زمانی که هدایت به سویشان آمد از ایمان آوردن باز نداشت، جز اینکه گفتند: آیا خدا بشری را به پیامبری برانگیخته است؟ (۹۴)

قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَهُ يَمْسُونَ مُطْمَئِنِينَ لَتَرَلَنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (۹۵)

بگو: اگر در زمین [به جای بشر] فرشتگانی بودند که با آرامی راه می رفتد، یقیناً فرشته ای را از آسمان برای آنان به پیامبری

نازول می کردیم [زیرا هدایتگر هر گروهی باید از جنس خودشان باشد.] (۹۵)

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ حَيْرًا بَصِيرًا (۹۶)

بگو: کافی است که خدا میان من و شما [در صدق نبوت] شاهد باشد؛ چون او به بندگانش آگاه و بیناست. (۹۶)

۲۹۱:

وَمَن يَهْدِ اللَّهَ فَهُوَ الْمُهَدَّدٌ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أُولَيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمَيَا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَثْ رِذْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷)

و هر که را خدا هدایت کند، پس او هدایت یافته است، و آنان را که خدا [به کیفر لج بازی و عنادشان] گمراه سازد، هرگز در برابر خدا برای آنان یاورانی نخواهی یافت، و آنان را روز قیامت در حالی که به رو در افتاده اند، کور و لال و کر محشور می کنیم، جایگاهشان دوزخ است، هرگاه [شعله] آتشش فرو نشیند، شعله ای دیگر بر آنان می افرایم. (۹۷)

ذَلِكَ جَرَأْوُهُمْ بِإِنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۹۸)

این کیفر آنان است، به سبب اینکه به آیات ما کافر شدند و گفتند: آیا ما وقتی استخوان [جدا از هم و ریز ریز] و پوسیده شدیم، با آفرینش جدید برانگیخته خواهیم شد؟ (۹۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجْلَامًا لَرَبِّبِ فِيهِ فَأَنَّى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (۹۹)

آیا ندانستند خدایی که آسمان ها و زمین را آفرید، می تواند مانند آنان را [پس از پوسیده شدن] بیافریند؟ برای آنان مدتی معین قرار داده که هیچ تردیدی در آن نیست، ولی [این] ستمکاران جز انکار [قیامت و تکذیب محشور شدن در آن] را نخواستند. (۹۹)

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَرَائِنَ رَحْمَهِ رَبِّي إِذَا لَأْمَسْكْتُمْ خَشِيهِ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (۱۰۰)

[به این کافران و مغوروان به امور مادی دلفریب] بگو: اگر شما مالک خزینه های رحمت پروردگارم [مانند باران، اموال، ارزاق و...] بودید، در آن صورت از ترس [تهی دستی و کم شدنش] از انفاق کردن آن بخل می ورزیدید؛ و انسان همواره بسیار بخیل و تنگ نظر است. (۱۰۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيْنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا (۱۰۱)

و به راستی به موسی آن گاه که نزد بنی اسرائیل آمد، نه معجزه روشن دادیم، بنابراین از [آگاهان] بنی اسرائیل پرس [که آن معجزه ها چه بود؟] پس فرعون [با دیدن معجزات] به او گفت: ای موسی! بی تردید من تو را جادو شده می پندارم!! (۱۰۱)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هُوَلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرٍ وَإِنَّى لَأَظْنَكَ يَا فِرْعَوْنُ مَتْبُورًا (۱۰۲)

موسی گفت: مسلمًا تو می دانی این معجزه ها را که بصیرت آور هستند، جز پروردگار آسمان ها و زمین نازل نکرده است، و ای فرعون! قطعاً من تو را هلاک شده می پندارم. (۱۰۲)

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِرَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْناهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا (۱۰۳)

پس [به دنبال این گفتگو] فرعون تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین برانگیزد و بیرون کند، ولی ما او و همه کسانی را که با او بودند، غرق کردیم. (۱۰۳)

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِيَنِي إِسْرَائِيلَ اشْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (۱۰۴)

و پس از فرعون به بنی اسرائیل گفتیم: در این سرزمین ساکن شوید، زمانی که وعده آخرت برسد، همه شما را با هم [به صحراى قیامت] می آوریم. (۱۰۴)

ص: ۲۹۲

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبِشِّرًا وَنَذِيرًا (۱۰۵)

و قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد، و تو را جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم. (۱۰۵)

وَقُرْآنًا فَرَقْنَا لِتَفَرَّأُهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا (۱۰۶)

و قرآن را [جدا جدا و] بخش بخش قرار دادیم تا آن را با درنگ و تأمل بر مردم بخوانی و آن را به تدریج [برپایه حوادث، پیش آمدها و نیازها] نازل کردیم. (۱۰۶)

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (۱۰۷)

بگو: به آن ایمان بیاورید یا نیاورید [برای آن یکسان است]، همانا کسانی که پیش از [نزول] آن معرفت و دانش یافته اند، زمانی که بر آنان می خوانند، سجده کنان به رو در می افتد. (۱۰۷)

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (۱۰۸)

و می گویند: منزه و پاک است پروردگار مان بی تردید و عده پروردگار مان [به پاداش مؤمنان و کیفر مجرمان] قطعاً انجام شدنی است. (۱۰۸)

وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (۱۰۹)

و گریه کنان به رو در می افتد و [شنیدن قرآن] بر فروتنی و خشوعشان می افزاید. (۱۰۹)

قُلِ اَدْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِثْ بِهَا وَابْتَغِ يَكْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۱۰)

بگو: خدا را بخوانید یا رحمن را بخوانید، هر کدام را بخوانید [ذات یکتای او را خوانده اید] نیکوترين نام ها [که اين دو نام هم از آنهاست] فقط ویژه اوست. و نماز خود را با صدای بلند و نيز با صدای آهسته مخوان و ميان اين دو [صدما] راهی ميانه بجوي. (۱۱۰)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَخَذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلُّ وَكَبُورٌ تَكْبِيرًا (۱۱۱)

و بگو: همه ستايش ها ویژه خدادست که نه فرزندی گرفته و نه در فرمانروايی شريکی دارد و نه او را به سبب ناتوانی و ذلت يار و ياوري است. و او را بسيار بزرگ شمار. (۱۱۱)

سوره الكهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَاجًا (۱)

همه ستايش ها ویژه خدادست که اين كتاب را بر بنده اش نازل کرد و برای آن هیچ گونه انحراف و کثری قرار نداد. (۱)

قَيْمًا لِيُنْذِرَ بِأَسَا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲)

[كتابي] است درست و استوار [و برپادارنده مصالح حيات انسان] تا از سوي خود [ستمکاران را] به عذابي سخت بيم دهد، و مؤمناني را که کارهای شايسته انجام می دهنده، مژده دهد که برای آنان پاداشی نیکوست. (۲)

مَا كَيْثِينَ فِيهِ أَبْدًا (۳)

كه در آن پاداش نیکو، جاودانه ماند گارند. (۳)

وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (۴)

و [نيز] کسانی را که گفتند: خدا [برای خود] فرزندی گرفته است، [به آتش دوزخ] بيم دهد. (۴)

ص: ۲۹۳

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبَرُثْ كَلِمَةَ تَحْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (۵)

نه آنان به اين [سخن خرافی و بي پایه] يقين و دانشی دارند و نه پدرانشان [بلکه گفتارشان از روی جهل و ناداني است] چه بزرگ سخني است که [از روی افترا] از دهانشان بیرون می آيد؛ آنان جز دروغ نمی گويند. (۵)

فَلَعْلَكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسْفًا (۶)

شاید تو می خواهی اگر [این معاندان لجوج] به این سخن [که قرآن کریم است] ایمان نیاورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی!! (۶)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِتَبْلُو هُمْ أَيْهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷)

مسلمًا ما آنچه را [از درخت، نبات، حیوان، دریا و دیگر آثار] روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم تا آنان را آزمایش کنیم که کدامشان از جهت عمل نیکوترند. (۷)

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُزُرًا (۸)

و بی تردید ما آنچه را روی زمین است، سرانجام، خاک بی گیاه خواهیم کرد. (۸)

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمَ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَّبًا (۹)

آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه های شگفت انگیز ما بودند؟ [چنین نیست؛ زیرا ما در پهن دشت هستی نشانه هایی شگفت انگیزتر از اصحاب کهف است.]. (۹)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيْئَةً لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۰)

[یاد کن] هنگامی را که [آن] جوانان در غار پناه گرفتند و گفتند: پروردگارا! رحمتی از نزد خود به ما عطا کن، و برای ما در کارمان زمینه هدایتی فراهم آور. (۱۰)

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (۱۱)

پس سالیانی چند در آن غار، خواب را بر گوش هایشان چیره ساختیم. (۱۱)

ثُمَّ بَعْثَنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (۱۲)

سپس آنان را [از خواب] برانگیختیم تا مشخص کنیم کدام یک از آن دو گروه، مدت درنگشان را [در غار] به شمار می آورند؟ (۱۲)

نَحْنُ نَقْصُ عَلَيْكَ بَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمُنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدَى (۱۳)

ما خبر [عبرت آموز] شان را به حق و درستی برای تو بیان می کنیم: آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردهند، و ما بر هدایتشان افروندیم. (۱۳)

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنَ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَّا لَقْدْ قُلْنَا إِذَا شَطَّا (۱۴)

و دل هایشان را [با یقین به حقایق،] محکم و استوار ساختیم؛ آن گاه [که در برابر شرک و بت پرستی] به پا خاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان ها و زمین است، هرگز جزو معبدی را نمی پرستیم که اگر بپرستیم سخنی گزار و دور از حق گفته ایم: [که با خدا معبدی دیگر وجود دارد]. (۱۴)

هُؤُلَاءِ قَوْمٌ نَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آئِهَهَ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنِ فَمِنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۱۵)

اینان قوم [نادان و بی منطق] ما هستند که به جای خدا معبدانی برگرفتند، چرا بر حسنایت معبدانشان دلیلی روشن نمی آورند؟ پس ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بنده [که خدا دارای شریک است] کیست؟ (۱۵)

ص: ۲۹۶

وَإِذَا اعْتَرَتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ فَأَوْلَوْا إِلَى الْكَهْفِ يَنْسُرُوكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا (۱۶)

و [پس از مشورت و گفتگو با یکدیگر چنین گفتند:] اکنون که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستند، کاره گرفته اید، پس به این غار پناه گیرید تا پروردگار تان از رحمتش بر شما بگستراند و در کارتان آسایش و آسانی فراهم آورد. (۱۶)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَوَّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرُضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَائِلِ وَهُمْ فِي فَجُوُهِ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْسِلًا (۱۷)

و خورشید را می بینی که وقتی طلوع می کند، از سمت راست غارشان متمایل می شود، وقتی غروب می کند، سمت چپشان را ترک می کند، و آنان در محل وسیعی از آن غارند [که نسیم مطبوعش آنان را فرا می گیرد؛ این از نشانه های [قدرت] خداست. خدا هر که را هدایت کند، راه یافته است و هر که را گمراه نماید، هرگز برای او یاور و دوست هدایت کننده ای نخواهی یافت. (۱۷)

وَتَحْمِسُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقْلَبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَائِلِ وَكُلُّهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطْلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمْلِمْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (۱۸)

و آنان را گمان می کنی که بیدارند، در حالی که خوابند، و آنان را به جانب راست و جانب چپ می گردانیم، و سگشان دو دستش را در آستانه غار گسترانیده است. اگر بر آنان آگاه می شدی از آنان روی بر تافه و می گریختی و همه وجودت از [دیدن] آنان پر از ترس می شد. (۱۸)

وَكَذِلِكَ بَعْثَاهُمْ لِتَسْيَاءُهُمْ قَالَ قَاتِلُ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعُثُوا أَحَدًا كُمْ بُورِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَيَنْظُرُهُ أَيْهَا أَرْكَيْ طَعَامًا فَلِيأُتُكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلَيَنْلَطِفْ وَلَا يُشْعِرُنَّ بِكُمْ أَحَدًا (۱۹)

و همان گونه [که با قدرت خود خوابشان کردیم، از خواب] بیدارشان نمودیم تا میان خود از یکدیگر [از حادثه اتفاق افتاده] بپرسند. گوینده ای از آنان گفت: چه مقدار [در خواب] مانده اید؟ [برخی] گفتند: یک روز یا پاره ای از روز را [در خواب] مانده ایم. [و برخی دیگر] گفتند: پروردگارتان به مقداری که [در خواب] مانده اید، داناتر است، پس یکی از خودتان را با این پولتان به شهر روانه کنید و او باید با تأمل بنگرد کدام یک [از مغازه داران شهر] غذایش پاکیزه تر است؟ پس غذایی از آن برایتان بیاورد، و او باید [در رفت، برگشت و داد و ستد] دقت و نرمی و لطف نشان دهد و احده را از حال شما آگاه نکند. (۱۹)

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُقْلِحُوا إِذَا أَبَدًا (۲۰)

زیرا اگر بر شما دست یابند، سنگسارتان می کنند یا شما را به آین خود برمی گردانند، و در آن صورت هرگز رستگار نخواهید شد. (۲۰)

ص: ۲۹۵

وَكَذَلِكَ أَعْثَرَنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَمَّا رَأَيْتَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَرُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيْتًا نَّرَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَتَتَخَذَنَ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (۲۱)

و این گونه [مردم آن شهر را به وسیله آن سکه قدیمی] از حال آنان آگاه کردیم تا بدانند که وعده خدا [در برانگیختن مردگان در روز قیامت] حق است و در برپا شدن قیامت هیچ تردیدی نیست. هنگامی که [کاشفان غار] میان خودشان در کار آنان نزاع و ستیز داشتند، پس [یک گروه] گفتند: ساختمانی به روی [جایگاه] آنان بنا کنید [تا از دیده ها پنهان بمانند] البته پروردگارشان به آنان داناتر است. ولی آنان که بر کارشان [نسبت به اصحاب کهف] پیروز شدند، گفتند: به یقین مسجدی بر روی [جایگاه] آنان بنا خواهیم کرد. (۲۱)

سَيْقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَّجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَهُ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَّبِّيْ أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (۲۲)

به زودی خواهند گفت: سه نفر بودند، چهارمین آنان سگشان بود. و می گویند: پنج نفر بودند، و ششمین آنان سگشان بود، در حالی که [این اظهار نظرهای بی دلیل] تیر به تاریکی انداختن است. و می گویند: هفت نفر بودند، هشتمین آنان سگشان بود. بگو: پروردگارم به شماره آنان آگاه تر است، جز اندکی کسی شماره آنان را نمی داند. پس درباره آنان بحث و مجادله ممکن مگر بحث و مجادله ای ظاهر، و در مورد آنان از هیچ کس نظر مخواه. (۲۲)

وَلَا تَقُولَنَ لِشَئِ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا (۲۳)

و هرگز درباره چیزی مگو که من فردا آن را انجام می دهم، (۲۳)

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَإِذْ كُرْرَبَكَ إِذَا نَسِيَتْ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِنَ رَبِّيْ لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۴)

مگر اینکه [بگویی: اگر] خدا بخواهد. و هرگاه [گفتن ان شاء الله را] از یاد بردی، پروردگات را یاد کن و بگو: امید است پروردگارم مرا به چیزی که از این به صواب و مصلحت نزدیک تر باشد، راهنمایی کند. (۲۴)

وَلِبِشُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَهِ سِنِينَ وَأَزْدَادُوا تِسْعًا (۲۵)

[اصحاب کهف] سیصد سال در غارشان ماندند و نه سال به آن افروندند. (۲۵)

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمْ بِمَا لَبِثُوا لَهُ عَيْنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا يُسْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (۲۶)

بگو: خدا به مدتی که ماندند داناتر است، [برای اینکه] غیب آسمان‌ها و زمین ویژه اوست، چه بینا و چه شناوست، برای اهل آسمان‌ها و زمین سرپرست و یاوری جز او نیست و احمدی را در فرمانروایی اش بر جهان هستی شریک نمی‌گیرد. (۲۶)

وَأَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبْدِلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُتْنَحِدًا (۲۷)

و آنچه از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است، بخوان. برای کلماتش تبدیل کننده‌ای نیست، و هرگز جز او ملجاً و پناهی نخواهی یافت. (۲۷)

ص: ۲۹۶

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاءِ وَالْعَشَّى يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعِدُ عَيْنَاتِكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعِنْ مَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا (۲۸)

با کسانی که صبح و شام، پروردگارشان را می‌خوانند در حالی که همواره خشنودی او را می‌طلبند، خود را پایدار و شکیبا دار، و در طلب زینت و زیور زندگی دنیا دیدگانت [از التفات] به آنان [به سوی ثروتمندان] برنگردد، و از کسی که دلش را [به سبب کفر و طغیانش] از یاد خود غافل کرده ایم و از هوای نفسش پیروی کرده و کارش اسراف و زیاده روی است، اطاعت ممکن. (۲۸)

وَقُلِ الْحُقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلِئِلُّهِ مِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلِيَكُفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحِيَا طَبِّيهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيْثُوا يُغَاثُوا بِهِ إِعْلَمُهُلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرَنَّفَةً (۲۹)

و بگو: [سخن] حق [که قرآن است] فقط از سوی پروردگار شماست؛ پس هر که خواست ایمان بیاورد، و هر که خواست کافر شود، به یقین ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سراپرده هایش بر آنان احاطه دارد، و اگر [از شدت تشنگی] استغاثه کنند با آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند [به استغاثه آنان] جواب گویند، بد آشامیدنی و بد جایگاهی است. (۲۹)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيِّعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً (۳۰)

مسلمان کسانی که ایمان آوردن و کارهای شایسته انجام دادند [پاداششان داده خواهد شد] زیرا ما پاداش کسانی را که کار نیکو کرده اند، تباہ نمی کنیم. (۳۰)

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَيْدِنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسْبَارِهِ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبُسُونَ ثِيَابًا خُصْرًا مِنْ سُينْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ
مُتَّكِثِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الشَّوَّابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۳۱)

برای آنان بهشت های جاودانی است که از زیر درختان [آن] نهرها جاری است، در حالی که در آنجا بر تخت ها تکیه دارند با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند، و جامه هایی سبز از دیبای نازک و سه تبر می پوشند، چه پاداش خوبی و چه آسایش گاه نیکویی. (۳۱)

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَّنَا هُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا يَئِنَّهُمَا زَرْعًا (۳۲)

و برای مشرکان [که از معبدان باطل دم می زند و دل به دنیا فانی بسته اند] مثالی بزن: دو مرد را که به یکی از آنان دو باغ انگور دادیم و اطراف آن دو باغ را با درختان خرما پوشاندیم و فاصله میان آن دو باغ را کشتراری قرار دادیم؛ (۳۲)

كَلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَّهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مَنْهُ شَيْئًا وَفَجَرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا (۳۳)

هر یک از این دو باغ میوه اش را می داد و چیزی از آن میوه نمی کاست، و میان آن دو باغ، نهری [پر آب] روان کردیم. (۳۳)

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ إِصَاحِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثُرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعُزُّ نَفَرًا (۳۴)

و برای او میوه [فراوان] بود، پس [معروفانه] به رفیقش در حالی که با او گفتگو می کرد، گفت: من مال و ثروتم از تو بیشتر است و از جهت نهرات نیرومندترم. (۳۴)

ص: ۲۹۷

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنَّ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (۳۵)

و در حالی که [به سبب غرور و عصیان] بر خویشن ستمکار بود، به باعثش وارد شد [و] گفت: گمان نمی برم که این باغ هرگز نابود شود؟ (۳۵)

وَمَا أَظُنُ السَّاعَةَ قَائِمَهُ وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَّا (۳۶)

و گمان نمی کنم که قیامت برپا شود، و اگر هم [بر فرض] به پروردگارم بازگردانده شوم، یقیناً در بازگشت، جایگاهی بهتر از این را خواهم یافت. (۳۶)

قالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكْفَرَتِ بِاللِّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (۳۷)

رفیقش در حالی که با او گفتگو می کرد به او گفت: آیا به آنکه تو را از خاک سپس از نطفه آفرید، آن گاه تو را به صورت مردی درست و نیکو درآورد، کافر شده ای؟ (۳۷)

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّيْ وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّيْ أَحَدًا (۳۸)

من [اقرار قلبی دارم که] اوست خدا، پروردگار من و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی گیرم؛ (۳۸)

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقْلَ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (۳۹)

و چرا وقتی به باغ خود، وارد شدی، نگفتی: آنچه خدا بخواهد [صورت می پذیرد] و هیچ نیرویی جز به وسیله خدا نیست؛ اگر مرا از جهت ثروت و فرزند کمتر از خودت می بینی. (۳۹)

فَعَسَى رَبِّيْ أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُؤْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ ضَعِيدًا زَلَّا (۴۰)

امید است پروردگارم بهتر از باغ تو را به من عطا کند و از آسمان آسمیی دقیق و حساب شده بر باغ تو فرستد تا به صورت زمینی صاف و بی گیاه و لغزنده شود؛ (۴۰)

أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِعَ لَهُ طَلَبًا (۴۱)

یا آب آن در زمین فرو رود که هرگز نتوانی آن را به دست آوری. (۴۱)

وَأَحِيطَ بِشَمْرِهِ فَأَصْبَحَ يُقْلِبُ كَفَيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَّهُ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّيْ أَحَدًا (۴۲)

[عاقبت آن مغورو شرک، به عذاب خدا دچار شد] و تمام میوه هایش از بین رفت، پس در حالی که همه داربست ها فرو ریخته [و تاک ها روی آن بود] و در [حضرت] هزینه های [فراوانی که] متحمل شده بود، دو دستش را زیر و رو می کرد، می گفت: ای کاش من احدي را با پروردگارم شریک نگرفته بودم. (۴۲)

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْهٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا (۴۳)

و برایش گروهی نبود که او را در برابر خدا یاری دهنده، و خودش هم قدرت نداشت که عذاب را از خود بطرف کند. (۴۳)

هُنَالِكَ الْوَلَائِيَّهُ لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ شَوَّابًا وَخَيْرٌ عَقْبَيَا (۴۴)

در آنجا [که گرفتاری از همه سو انسان را احاطه می کند] یاری دادن ویژه خدای به حق است. او از جهت پاداش بهتر و از نظر تأمین کردن عاقبت نیکوتر است. (۴۴)

وَاضْرِبْ لَهُم مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا إِنَّ زَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِّيًّا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَئْ مُقْتَدِرًا (۴۵)

و زندگی دنیا را برای آنان وصف کن که [در سرعت زوال و نپایداری] مانند آبی است که آن را از آسمان نازل کنیم، پس
گیاه زمین به وسیله آن [به طور انبوه و در هم پیچیده] بروید، [و طراوت و سرسبزی شگفت انگیزی پدید آورد] آن گاه [در
مدتی کوتاه] خشک و ریز ریز شود که بادها آن را به هر سو پراکنده کنند؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۴۵)

ص: ۲۹۸

الْكَمَلُ وَالْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا (۴۶)

مال و فرزندان، آرایش و زیور زندگی دنیا هستند، ولی اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ
امید داشتن به آنها نیکوتر است. (۴۶)

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (۴۷)

و [یاد کن] روزی را که کوه ها [از محل استقرارشان] برانیم و نابود کنیم، و زمین را هموار و آشکار بینی، و همه آنان را
[برای ورود به عرصه قیامت] محشور می کنیم، و هیچ یک از آنان را وانمی گذاریم. (۴۷)

وَعَرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفَا لَقْدِ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بِلْ زَعْمَتُمْ أَنَّنِي نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا (۴۸)

و صفت کشیده بر پروردگارت عرضه می شوند [به آنان گویند]: همانا [تنها] نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را
[تنها] آفریدیم [شما در توانمندی ما نسبت به زنده کردن مردگان تردید داشتید]، بلکه می پنداشتید برای حسابرسی اعمال شما
موعدی قرار نخواهیم داد. (۴۸)

وَوَضَعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيَلَّتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَيْغَرَهُ وَلَا كَبِيرَهُ إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا
مَا عَمِلُوا حَاصِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (۴۹)

کتاب [اعمال] هر کسی [در برابر دید گانش] نهاده می شود، پس مجرمان را می بینی که از آنچه در آن است هراسان و
بیمناکند و می گویند: ای وای بر ما، این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته است مگر آنکه آن
را به حساب آورده؟! و هر عملی را انجام داده اند، حاضر می یابند، و پروردگارت به هیچ کس ستم نخواهد کرد. (۴۹)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْتَيْجْدُوا لِلآدَمَ فَسَيَجْدُوا إِلَّا إِلْيِسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَسَحَّنُونَهُ وَذُرْرَتَهُ أُولَيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ
عَدُوُّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (۵۰)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابلیس که از گروه جن بود،

پس او از دایره فرمان پروردگارش بیرون رفت. [با این حال] آیا او و نسلش را به جای من سرپرست و یاور خود می گیرید، در حالی که آنها دشمن شمایند؟! [ابليس و نسلش] برای ستمکاران، بد جایگزینی [به جای خدا] هستند. (۵۰)

مَا أَشْهَدُ تُهْمَ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَخَذِّلُ الْمُضِلِّينَ عَضْدًا (۵۱)

من ابليس و نسلش را در آفرینش آسمان ها و [در پدید آوردن]، زمین و در آفرینش خودشان شاهد و گواه نگرفتم [تا یاریم دهنده؛ و من گمراه کنندگان را یار و مددکار خود نگرفته ام. (۵۱)

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا سُرَكَائِيَ الَّذِينَ رَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِبُو لَهُمْ وَجَعَلْنَا يَئِنْهُمْ مَوْبِقًا (۵۲)

و [یاد کن] روزی را که [خداد به مشرکان] می گوید: کسانی [چون فرشتگان، جن و بت ها را] که می پنداشتید شریکان من [در قدرت و ربویت] هستند، صدا بزنید [تا شما را از عذاب نجات دهنده] پس آنان را صدا می زنند، ولی پاسخشان را نمی دهنده و میان آنان و معبدوها یشان هلاکت گاهی قرار می دهیم [که هر نوع رابطه ای را بین آنان ناممکن خواهد ساخت.]. (۵۲)

وَرَأَى الْمُعْجَرِ مُونَ النَّارَ فَظَنُوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَحِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (۵۳)

مجرمان، آتش را می بینند و یقین می کنند که در آن خواهند افتاد و راه بازگشتی از آن نمی یابند. (۵۳)

ص: ۲۹۹

وَلَقَدْ صَرَفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ بَجَدَلًا (۵۴)

بی تردید در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم بیان کردیم [ولی مردم به انکار آنها برخاستند]؛ و انسان از هر چیزی [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه] برخورده [خصمانه تر و] ستیزه جو تر است. (۵۴)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيهِمْ سُنَّةُ الْأُولَيْنَ أَوْ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ قُبْلًا (۵۵)

و هنگامی که هدایت به سوی مردم آمد، چیزی مانع ایمان آوردن آنان و درخواست آمرزش از پروردگارشان نشد، مگر [کبر و دشمنی آنان با حق که در چنان فضایی آکنده از کبر و دشمنی گویی انتظار می بردند] که روش های [جاری ما در عذاب] پیشینیان [متکبر کفر پیشه] به سراغشان آید، یا عذاب رویارویی به آنان رسید [تا آن زمان ایمان بیاورند و درخواست آمرزش کنند.]. (۵۵)

وَمَا نُزِّلَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنِذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لَيْدُ حِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أَنْدِرُوا هُزُوا (۵۶)

و ما پیامبران را جز مژده رسان و بیم دهنده نمی فرستیم، و آنان که کافرنده به وسیله سخن باطل، ستیزه جویی و نزاع می کنند تا به وسیله آن حق را تباہ کنند! و آیات من و عذاب هایی که به آن بیمیان داده اند، به مسخره گرفتند. (۵۶)

وَمِنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمْتُ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّهُ أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذَا أَبَدَأُ (۵۷)

و کیست ستمکارتر از کسی که به وسیله آیات پروردگارش پند داده شود، ولی از آنها روی برگرداند و دست آورد پیشین خود را [که کفر، جدال و ستیز با حق است] فراموش کند؟ به راستی ما بر دل های آنان پوشش هایی قرار داده ایم تا قرآن را نفهمند، و در گوش هایشان سنگینی نهادیم [تا آن را نشنوند]؛ و اگر آنان را به راه هدایت فراخوانی، هرگز و هیچ گاه هدایت نیابند. (۵۷)

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلاً (۵۸)

و پروردگارت بسیار آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر می خواست آنان را به کیفر گناهانی که مرتکب شده اند، مؤاخذه کند، قطعاً در عذابشان شتاب می نمود [اما چنین نمی کند]، بلکه آنان را وعده گاهی است که هرگز در برابر آن کمترین پناهگاهی نخواهند یافت. (۵۸)

وَتُلْكَ الْقُرَى أَهْلَكَنَا هُنْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا (۵۹)

و آن شهرها [یی] که داستانشان را بر تو خواندیم هنگامی که اهل آنها [با کفر و تکذیب آیات خدا] به خود ستم ورزیدند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکتشان وقتی معلوم مقرر نمودیم. (۵۹)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرُحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (۶۰)

و [یاد کن] هنگامی را که موسی به جوان [خدمت گزار] خود گفت: همواره می روم تا به محل برخورد آن دو دریا برسم [چه اینکه زود برسم] یا روزگاری طولانی به سفرم ادامه دهم، [در هر حال می روم تا برای تحصیل دانش بیشتر، عبد صالح حق را بیابم]. (۶۰)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (۶۱)

پس هنگامی که به محل برخورد دو دریا رسیدند، ماهی خود را [که برای خوردن فراهم کرده بودند] از یاد برداشتند، [آن] ماهی راه خود را [به طور سرازیر] در دریا پیش گرفت. (۶۱)

صف: ۳۰۰

فَلَمَّا جَاءَوْزًا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (۶۲)

وقتی [از آنجا] گذشتند، موسی به خدمت گزارش گفت: غذای صبح گاهی ما را بیاور که از این سفرمان سختی و خستگی بسیار دیدیم. (۶۲)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَهِ فَإِنِّي نَسِيْتُ الْحُوتَ وَمَا أَنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرُهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَّا (٦٣)

خدمت گزارش گفت: آیا ندانستی چون کنار آن سنگ جای گرفتیم، من ماهی را از یاد بردم و آن با وضعی شگفت انگیز راه خود را در دریا گرفت و رفت، و جز شیطان از خاطرم نبرد که آن را به یاد داشته باشم. (٦٣)

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَفِعُ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (٦٤)

موسی گفت: این [جای فراموش کردن ماهی] همان است که ما در طلبش بودیم. پس با پی گرفتن جای پای خود [از راهی که آمده بودند] برگشتند. (٦٤)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَمَنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (٦٥)

پس بنده ای از بند گان ما را یافتند که او را از نزد خود رحمتی داده و از پیشگاه خود دانشی ویژه به او آموخته بودیم. (٦٥)

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَبْعُكَ عَلَى أَنْ تُعْلَمَ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (٦٦)

موسی به او گفت: آیا [اذن می دهی که] من تو را [به این هدف] پیروی کنم که از آنچه به تو آموخته اند، مایه رشدی به من بیاموزی؟ (٦٦)

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِي صَبَرًا (٦٧)

گفت: [ای موسی!] تو هر گز نمی توانی بر همراهی من شکیبایی ورزی. (٦٧)

وَكَيْفَ تَصْرِيرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِظِّ بِهِ خُبْرًا (٦٨)

و چگونه می توانی بر چیزی که به آن احاطه [علمی] نداری شکیبایی ورزی؟ (٦٨)

قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (٦٩)

گفت: اگر خدا بخواهد، مرا شکیبا خواهی یافت، و هیچ فرمانی را از تو مخالفت نخواهم کرد. (٦٩)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْنَتِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَئْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (٧٠)

گفت: [ای موسی!] اگر دنبال من آمدی، از هیچ چیز از من مپرس تا خودم درباره [حقیقت] آن با تو آغاز سخن کنم. (٧٠)

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَهِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا (٧١)

پس هر دو به راه افتادند تا وقتی که در کشتی سوار شدند، او شکافی در کشتی ایجاد کرد. موسی گفت: آیا آن را شکافتی تا

سرنشینانش را غرق کنی؟ به راستی که کاری بسیار زشت کردی! (۷۱)

قالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِيَ صَبَرًا (۷۲)

گفت: [ای موسی!] آیا نگفتم که تو هر گز نمی توانی بر همراهی من شکیایی ورزی؟ (۷۲)

قالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيْتُ وَلَا تُزِهِّقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۷۳)

گفت: مرا بر آنچه از یاد بردم، مؤاخذه مکن و در کارم به من سخت مگیر. (۷۳)

فَانْظَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّهٗ بِغَيْرِ نَفْسٍ لَفَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا (۷۴)

پس [هر دو] به راه افتادند تا [زمانی که] به نوجوانی برخوردن؛ پس [بنده ما] او را کشت. موسی گفت: آیا شخص بی گناهی را بدون آنکه کسی را کشته باشد، کشته؟ به راستی که کاری بسیار ناپسند مرتكب شدی! (۷۴)

ص: ۳۰۱

جزء ۱۶

ادامه سوره الکهف

قالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِيَ صَبَرًا (۷۵)

گفت: [ای موسی!] آیا نگفتم که تو هر گز نمی توانی بر همراهی من شکیایی کنی؟ (۷۵)

قالَ إِنِّي سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبِنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنَ الْدُّنْيَى عُذْرًا (۷۶)

گفت: بعد از این اگر چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من مصاحبت مکن [برای آنکه] از جانب من به عذر قابل قبولی رسیده ای [و برای جدا شدن از من دلیل قاطعی داری]. (۷۶)

فَانْظَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَا أَنْ يُضْعِفُوهُمَا فَوْحِيدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَا تَتَخَذْنَتْ عَلَيْهِ أَبْجَرًا (۷۷)

پس [هر دو] به راه افتادند تا هنگامی که به مردم شهری رسیدند، از مردمش خوراک خواستند و آنان از اینکه آن دو را مهمان کنند، خودداری کردند. پس در آن شهر، دیواری یافتند که می خواست فرو ریزد، پس او آن را [به گونه ای] استوار کرد [که فرو نریزد]. موسی گفت: اگر می خواستی برای تعمیر آن دیوار، مzdی می گرفتی [که برای خود خوراک فراهم آوریم]. (۷۷)

قالَ هَذَا فِرَاقٌ يَقِينٌ وَبَيْنَكَ سَأُثْبِتُكَ بِتَأْوِيلٍ مَا لَمْ تَسْتَطِعَ عَلَيْهِ صَبَرًا (۷۸)

گفت: [ای موسی!] اکنون زمان جدایی میان من و توست؛ به زودی تو را به تفسیر و علت آنچه نتوانستی بر آن شکیابی ورزی، آگاه می کنم. (۷۸)

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (۷۹)

اما آن کشتی، از بی نوایانی بود که [با آن] در دریا کار می کردند و در برابر شان پادشاهی بود که هر کشتی سالم و بی عیبی را غاصبانه تصرف می کرد، من خواستم معیوبش کنم [تا به دست آن ستم گر نیفتد]. (۷۹)

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرِهَقُهُمَا طُعْيَانًا وَكُفْرًا (۸۰)

و اما [آن] نوجوان [که او را کشتم]، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدم که آن دو را [در آینده] به طغیان و کفر بکشاند. (۸۰)

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا حَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (۸۱)

پس خواستیم پروردگارشان پاک تر و مهربان تراز او را به آنان عوض دهد. (۸۱)

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغَلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغا أَشُدَّهُمَا وَيَسِّرْ تَخْرِجَاهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلٌ مَا لَمْ تَشْطِعْ عَلَيْهِ صَبَرًا (۸۲)

و اما آن دیوار از دو نوجوان یتیم در این شهر بود، و زیرش گنجی متعلق به آن دو قرار داشت، و پردازش مردی شایسته بود، پس پروردگارت خواست که آن دو یتیم به حد رشد رسند و گنجشان را به سبب مهر [ی که] پروردگارت [به آن دو] داشت بیرون آورند؛ و من این را از پیش خود انجام ندادم. این است تفسیر و علت آنچه نتوانستی بر آن شکیابی ورزی. (۸۲)

وَيَسِّلُونَكَ عَنِ ذِي الْقَرْبَى قُلْ سَأَتُّلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (۸۳)

و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند؛ بگو: به زودی بخشی از سرگذشت او را [به وسیله آیاتی از قرآن] برای شما می خوانم. (۸۳)

ص: ۳۰۲

إِنَّا مَكَّنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (۸۴)

ما به او در زمین، قدرت و تمکن دادیم و از هر چیزی [که برای رسیدن به هدف هایش نیازمند به آن بود] وسیله ای به او عطا کردیم. (۸۴)

فَأَتْبَعْ سَبَبًا (۸۵)

پس [با توسل به وسیله،] راهی را [برای سفر به غرب] دنبال کرد. (۸۵)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِّيَّةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْئَينِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَحَمَّلَ فِيهِمْ
حُسْنًا (۸۶)

تا زمانی که به محل غروب خورشید رسید [منظره غروب] خورشید را چنین یافت که در چشمme ای گرم و لجن آلود غروب می کند، و نزد آن قومی را یافت [که فساد و ستم می کردند]. گفتیم: ای ذوالقرنین! یا [این قوم را به کیفر فساد و ستمشان عذاب می کنی و یا در میانشان شیوه ای نیک در پیش می گیری. (۸۶)

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيَعْذَبُهُ عَذَابًا نُّكَرًا (۸۷)

ذوالقرنین گفت: اما هر که [با کفر، فساد و گناه] ستم کرده، عذابش می کنیم، آن گاه به سوی پروردگارش باز گردانده می شود، پس او را عذابی سخت خواهد کرد. (۸۷)

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (۸۸)

و اما هر که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده است، پس بهترین پاداش برای اوست، و ما هم از سوی خود تکلیفی آسان به او خواهیم داد. (۸۸)

ثُمَّ أَتَبَعَ سَبِّيَا (۸۹)

پس [باز هم با توسل به وسیله] راهی را [برای سفر به شرق] دنبال کرد. (۸۹)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلَعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِرْرًا (۹۰)

تا زمانی که به محل طلوع خورشید رسید، آن را یافت که بر قومی طلوع می کند که در برابر آن پوششی [از مسکن و لباس] برای آنان قرار نداده ایم. (۹۰)

كَذِلِكَ وَقَدْ أَحْطَنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (۹۱)

[سرگذشت ذوالقرنین و ملت ها] این گونه [بود]، و یقیناً ما به آنچه [از وسائل و امکانات مادی و معنوی] نزد او بود، احاطه [علمی] داشتیم. (۹۱)

ثُمَّ أَتَبَعَ سَبِّيَا (۹۲)

سپس [با توسل به وسیله،] راهی را [برای سفر دیگر] دنبال کرد. (۹۲)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَدَيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳)

تا زمانی که میان دو کوه رسید، نزد آن دو کوه، قومی را یافت که هیچ سخنی را به آسانی نمی فهمیدند. (۹۳)

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهُلْ نَجْعَلُ لَكَ حَرْجًا عَلَى أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (۹۴)

[آنان با رمز، اشاره و با هر وسیله ای که ممکن بود] گفتند: ای ذوالقرنین! یأجوج و مأجوج [با کشتن و غارت و تخریب] در این سرزمین فساد می کنند؛ آیا می پذیری که ما مزدی برایت قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی بسازی؟ (۹۴)

قَالَ مَا مَكَنْتَ فِيهِ رَبِّي حَيْثُ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةِ أَجْعَلْتَنِكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (۹۵)

گفت: آنچه پروردگارم مرا در آن تمکن و قدرت داده [از مزد شما] بهتر است؛ پس شما مرا با نیرویی یاری دهید [تا] میان شما و آنان سدی سخت و استوار قرار دهم. (۹۵)

آَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَأَوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا (۹۶)

برای من قطعه های [بزرگ] آهن بیاورید [و در شکاف این دو کوه بربزند، پس آوردن و ریختند] تا زمانی که میان آن دو کوه را هم سطح و برابر کرد، گفت: [در کوره ها] بدمید تا وقتی که آن [قطعه های آهن] را چون آتش سرخ کرد. گفت: برایم مس گداخته شده بیاورید تا روی آن بربزم. (۹۶)

فَمَا اسْطَاعُوا أَن يَظْهِرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَفْيًا (۹۷)

[هنگامی که سد ساخته شد] یأجوج و مأجوج نتوانستند بر آن بالا روند، و نتوانستند در آن رخنه ای وارد کنند. (۹۷)

ص: ۳۰۳

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ ذَكَاءً وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (۹۸)

[ذوالقرنین پس از پایان یافتن کار سد] گفت: این رحمتی است از پروردگار من، ولی زمانی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را درهم کوبد [و به صورت خاکی مساوی با زمین قرار دهد]، و وعده پروردگارم حق است. (۹۸)

وَتَرَكَنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمْوِحُ فِي بَعْضٍ وَنُفَحَ فِي الصُّورِ فَجَمِعَنَاهُمْ جَمْعًا (۹۹)

و در آن روز که برخی با برخی دیگر درهم و مخلوط، موج می زند، رهایشان می کنیم و در صور دمیده شود، پس همه آنان را [در عرصه قیامت] گرد می آوریم. (۹۹)

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا (۱۰۰)

و دوزخ را در آن روز [به صورتی بسیار ترسناک] برای کافران آشکار می کنیم. (۱۰۰)

الَّذِينَ كَانُتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ الْذِكْرِ وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (۱۰۱)

همان کسانی که دیده [بصیرت] شان از یاد من در پرده [غفلت] بود، و نمی توانستند [سخن خدا را] بشنوند. (۱۰۱)

أَفَحِسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَخَذُوا عِبَادِي مِنْ ذُو نِعْلَى أَوْلَيَاءِ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ تُرْكَلًا (۱۰۲)

آیا کسانی که کافرند، پنداشته اند که بند گانم را، به جای من سرپرستان خود می گیرند [برای آنان در دنیا و آخرت کاری انجام می دهند؟! چنین نیست قطعاً] ما دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم. (۱۰۲)

قُلْ هَلْ نُبَيِّنُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳)

بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟ (۱۰۳)

الَّذِينَ صَلَّ سَعْيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴)

[آنان] کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و گم شده است] در حالی که خود می پندارند، خوب عمل می کنند. (۱۰۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحِبَطْتُ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُنْقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَزُنَانًا (۱۰۵)

آنان کسانی هستند که آیات پروردگارشان و دیدار [قيامت و محاسبه اعمال] را به وسیله او منکر شدند، در نتیجه اعمالشان تباہ و بی اثر شده است، پس روز قیامت میزانی برای [محاسبه اعمال] آنان برپا نمی کنیم. (۱۰۵)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوا (۱۰۶)

این است [وضع و حال زیانکاران] به سبب آنکه کفر ورزیدند و آیات من و پیامبرانم را به مسخره گرفتند. (۱۰۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانُتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ تُرْكَلًا (۱۰۷)

مسلمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بهشت های فردوس جای پذیرایی آنان است. (۱۰۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَنْفُونَ عَنْهَا حِوَّلًا (۱۰۸)

در آن جاودانه اند و از آن درخواست انتقال به جای دیگر نمی کنند. (۱۰۸)

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنَفَّدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۱۰۹)

بگو: اگر دریا برای [نوشتن] کلمات پروردگارم [که مخلوقات او هستند] مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان

یابد، یقیناً دریا پایان می یابد، و اگرچه مانند آن دریا را به کمک بیاوریم. (۱۰۹)

قلِ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ فِي عِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (۱۱۰)

بگو: جز این نیست که من هم بشری مانند شما میم که به من وحی می شود که معبد شما فقط خدای یکتاست؛ پس کسی که دیدار [پاداش و مقام قرب] پروردگارش را امید دارد، پس باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در پرسش پروردگارش شریک نکند. (۱۱۰)

ص: ۳۰۴

سوره مریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كهیعص (۱)

كهیعص (۱)

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَا (۲)

[آیاتی که بر تو خوانده می شود] یاد رحمت پروردگارت بر بنده اش زکریاست. (۲)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳)

هنگامی که پروردگارش را با دعایی پنهان خواند، (۳)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظُمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْئًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَّ رَبِّ شَيْئًا (۴)

گفت: پروردگار! به راستی استخوانم سست شده و [موی] سرم از پیری سپید گشته، و پروردگار! هیچ گاه درباره دعا به پیشگاهت [از اجابت] محروم و بی بهره نبودم. (۴)

وَإِنِّي حَفْتُ الْمَوَالَى مِنْ وَرَائِي وَكَاتَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (۵)

و همانا من پس از خود از خویشاوندانم بیمناکم، و همسرم [از شروع زندگی] نازابوده است، پس مرا از سوی خود فرزندی عطا کن. (۵)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبُّ رَضِيًّا (۶)

که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد، و او را پروردگار! [از هر جهت] مورد رضایت [خود] قرار ده. (۶)

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلٍ سَمِيًّا (۷)

ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می دهیم، [و] پیش از این همنامی برای او قرار نداده ایم. (۷)

قَالَ رَبِّ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبِيرِ عِيشًا (۸)

گفت: پروردگارا! چگونه برایم پسری خواهد بود در حالی که همسرم نازا بوده است و خود نیز از پیری به فرتوتی رسیده ام؟!
(۸)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْنَ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلٍ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (۹)

[فرشته وحی به او] گفت: چنین است [که گفتی، ولی] پروردگارت فرمود: این [کار] بر من آسان است، و همانا تو را پیش از این در حالی که چیزی نبودی آفریدم. (۹)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آتِتُكَ أَلَا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰)

گفت: پروردگارا! برای من نشانه ای قرار ده. گفت: نشانه تو این است که سه شبانه روز در حالی که سالم هستی، قدرت سخن گفتن با مردم نخواهی داشت. (۱۰)

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۱)

پس [به دنبال ناتوانی از سخن گفتن] از عبادتگاهش بر قومش درآمد و به آنان اشاره کرد که صبح و شام خدا را تسبیح گویید. (۱۱)

ص: ۳۰۵

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲)

ای یحیی! کتاب را به قوت و نیرومندی بگیر؛ و به او در حالی که کودک بود، حکمت دادیم. (۱۲)

وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاءً وَكَانَ تَقِيًّا (۱۳)

و از سوی خود مهرورزی [به همه مردم] و پاکی و شایستگی [به او عطا کردیم] و او همواره پرهیز کار بود. (۱۳)

وَبَرَّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَيَّارًا عَصِيًّا (۱۴)

و به پدر و مادرش نیکوکار بود و سرکش و نافرمان نبود. (۱۴)

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمٌ وُلِدَ وَيَوْمٌ يَمُوتُ وَيَوْمٌ يُبَعْثَرُ حَيَا (۱۵)

و بر او سلام باد روزی که زاده شد، و روزی که می میرد، و روزی که زنده برانگیخته می شود. (۱۵)

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذْ انْبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶)

و در این کتاب [سرگذشت] مریم را یاد کن هنگامی که از خانواده اش [در] مکان شرقی کناره گرفت. (۱۶)

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحًا فَنَمَثَلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷)

و جدا از آنان پوشش و پرده ای برای خود قرار داد. و ما روح خود را به سوی او فرستادیم، پس برای او [به صورت] بشری خوش اندام و معتمد نمودار شد. (۱۷)

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (۱۸)

مریم گفت: همانا من از تو به [خدای] رحمان پناه می برم، اگر پرهیز کار هستی [از من فاصله بگیر]. (۱۸)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹)

گفت: جز این نیست که من فرستاده پروردگار تو هستم برای آنکه پسری پاک و پاکیزه به تو بخشم. (۱۹)

قَالَ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسِسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰)

گفت: چگونه برای من پسری خواهد بود در حالی که نه هیچ بشری با من ازدواج کرده است و نه بدکار بوده ام. (۲۰)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىٰ هَيْنُ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مَنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا (۲۱)

گفت: چنین است [که گفتی، ولی] پروردگارت فرموده است: این کار بر من آسان است و [فرزندي بدون ازدواج به او بخشیدن] برای این [است] که او را نشانه ای [از قدرت خود] برای مردم و رحمتی از سوی خود قرار دهیم؛ و این کار شدنی است. (۲۱)

فَحَمَّلَهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲)

پس به عیسی حامله شد و به خاطر او در مکانی دور کناره گرفت. (۲۲)

فَأَجَاءَهَا الْمَحَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِهِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِثْ قَبْلَهَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا (۲۳)

آن گاه درد زاییدن، او را به ناچار به جانب درخت خرما کشانید؛ [در آن حال] گفت: ای کاش پیش از این میمردم و یکسره

از خاطره ها فراموش شده بودم. (۲۳)

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِّيًّا (۲۴)

پس کودک از زیر [پای] او نداش داد: غمگین مباش که پروردگارت از زیر [پای] تو نهر آبی پدید آورده است [تا بیاشامی و شستشو کنی]. (۲۴)

وَهُزْزِي إِلَيْكِ بِجُذْعِ النَّخْلِهِ تُسَاقِطُ عَيْنِكِ رُطْبًا حَيْثَا (۲۵)

و تنہ خرما را به سوی خود بجنبان تا برایت خرمای تازه و از بار چیده بریزد. (۲۵)

ص: ۳۰۶

فُكْلِي وَاسْرَبِي وَقَرِي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَدَرْتُ لِلَّرَحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا (۲۶)

پس [از آن خرما] بخور و [از آن نهر] بیاشام و خاطرت را شاد و خوش دار، و اگر از مردم کسی را دیدی [که درباره نوزادت پرسید] بگو: من برای [خدای] رحمان روزه [سکوت] نذر کرده ام، پس هرگز امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (۲۶)

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۲۷)

آن گاه نوزاد را در حالی که [در آغوشش] حمل می کرد، نزد قومش آورد. گفتند: ای مریم! به راستی که تو کاری شگفت [و بی سابقه و ناپسندی] مرتکب شده ای. (۲۷)

يَا أَخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأً سَوْءِ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَعِيًّا (۲۸)

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بد کاره بود [این طفل را از کجا آورده ای؟] (۲۸)

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَيْيًا (۲۹)

پس مریم به نوزاد اشاره کرد [که از او بپرسید]. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است، سخن بگوییم؟! (۲۹)

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَّيِّا (۳۰)

نوزاد [از میان گهواره] گفت: بی تردید من بنده خدایم، به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر قرار داده است. (۳۰)

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَتَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالَّذِكَاهِ مَا دُمْتُ حَيًّا (۳۱)

و هر جا که باشم بسیار بابرکت و سودمندم قرار داده، و مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. (۳۱)

وَبَرَا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَارًا شَقِيقًا (٣٢)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار [و خوش رفتار] گردانیده و گردنکش و تیره بختم قرار نداده است. (٣٢)

وَالسَّلَامُ عَلَى يَوْمِ الْمَوْتِ وَلِدُتْ وَيَوْمَ أُمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (٣٣)

و سلام بر من روزی که زاده شدم، و روزی که می میرم، و روزی که زنده برانگیخته می شوم. (٣٣)

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلُ الْحَقِّ الَّذِي إِنَّمَا يَمْتَرُونَ (٣٤)

این است عیسی بن مریم، همان قول حق که [يهود و نصاری] درباره او در تردیدند. (٣٤)

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَنَحَّدَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (٣٥)

خدا را نسزد که هیچ فرزندی [برای خود] برگیرد؛ او منزه است؛ چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش، پس بی درنگ موجود می شود. (٣٥)

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (٣٦)

[عیسی گفت:] بی تردید خدا [ی یکتا] پروردگار من و شماست؛ پس او را بپرستید [که] این راهی راست است. (٣٦)

فَاخْتَلَفَ الْأَخْزَابُ مِنْ بَنِيهِمْ فَوَلِيلُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (٣٧)

ولی گروه هایی از میان آنان [درباره عیسی] اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که [با افراط در شأن عیسی] کافر شدند از حضور در روزی بزرگ! (٣٧)

أَسْمَعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٣٨)

آنان روزی که به سوی ما می آیند [نسبت به حقایق] چه شنو و چه بینا می شوند، ولی امروز ستمکاران در گمراهی آشکارند. (٣٨)

ص: ٣٠٧

وَأَنِذْرُهُمْ يَوْمَ الْحِسْرَةِ إِذْ قُضَى الْأَمْرُ وَهُمْ فِي عَقْلِهِ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٣٩)

و آنان را از روز حسرت آن گاه که کار از کار بگذرد بترسان، در حالی که آنان در بی خبری [شدیدی] هستند و ایمان نمی آورند. (٣٩)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (٤٠)

یقیناً مایم که زمین و همه کسانی را که روی آن قرار دارند به میراث می بريم و [همه] به سوی ما بازگردانده می شوند. (۴۰)

وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّيْنِيَا (۴۱)

و در اين كتاب، [سرگذشت] ابراهيم را ياد کن، یقیناً او بسيار راستگو و پیامبر بود. (۴۱)

إِذْ قَالَ لِأَيَّهِ يَا أَبَتِ لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبَصِّرُ وَلَا يُعْنِي عَنْكَ شَيْئًا (۴۲)

آن گاه که به پدر [خوانده] اش گفت: پدرم! چرا چيزی را که نمی شنود و نمی بیند و نمی تواند هيچ آسيب و گزندی را از تو برطرف کند، می پرستی؟! (۴۲)

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (۴۳)

پدرم! همانا برای من [از طریق وحی] دانشی آمده که تو را نیامده؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راهی راست راهنمایی کنم. (۴۳)

يَا أَبَتِ لَا تَعْبِدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِرَحْمَنِ عَصِيًّا (۴۴)

پدرم! شیطان را مپرست؛ زیرا شیطان همواره نسبت به خدا نافرمان است. (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵)

پدرم! به یقین می ترسم که عذابی از سوی [خدای] رحمان به تو برسد، و در نتیجه همنشین شیطان شوی. (۴۵)

قَالَ أَرَاغِبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا (۴۶)

گفت: ای ابراهيم! آیا تو از معبدهای من روی گردانی؟ اگر [از بت ستیزی] باز نایستی، قطعاً تو را سنگسار می کنم، و [تا از من آسیبی به تو نرسیده] زمانی طولانی از من دور شو. (۴۶)

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (۴۷)

ابراهيم گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می خواهم؛ زیرا او همواره نسبت به من بسيار نیکوکار و مهربان است. (۴۷)

وَأَعْتَلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَلَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (۴۸)

و من از شما و معبدانی که به جای خدا می خوانید، کناره می گیرم و پروردگارم را می خوانم، امید است در خواندن پروردگارم [از اجابت او] محروم و بی بهره نباشم. (۴۸)

فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبَنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلَّا جَعَلْنَا نَيِّنًا (۴۹)

پس هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستیدند، کناره گرفت، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و هر یک را پیامبر قرار دادیم. (۴۹)

وَوَهَبَنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلَيْنَا (۵۰)

و به آنان از رحمت خود بخشیدیم، و برای آنان [در میان مردم] نامی نیک و ستایشی والامربه قرار دادیم. (۵۰)

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّيِّنًا (۵۱)

و در این کتاب، [سرگذشت] موسی را یاد کن، بی تردید او انسانی خالص شده و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۱)

ص: ۳۰۸

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَبَنَاهُ نَجِيًّا (۵۲)

و او را از جانب راست طور ندا کردیم، و او را در حالی که با وی راز گفتیم، مقرب خود قرار دادیم. (۵۲)

وَوَهَبَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَيِّنًا (۵۳)

و از رحمت خود برادرش هارون را که دارای مقام پیامبری بود، به او بخشیدیم. (۵۳)

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّيِّنًا (۵۴)

و در این کتاب، [سرگذشت] اسماعیل را یاد کن، که او وفا کننده به عهد و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۴)

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالَّذِكَاهِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵)

و همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد، و نزد پروردگارش پستدیده بود. (۵۵)

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِذْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّيِّنًا (۵۶)

و در این کتاب، [سرگذشت] ادريس را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود. (۵۶)

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلَيْنَا (۵۷)

و او را به جایگاه و مقام بلندی ارتقا دادیم. (۵۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنْ النَّبِيِّنَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِّيًّا (۵۸)

اینان کسانی از پیامبران بودند که خدا به آنان نعمت داد، از نسل آدم و از نسل کسانی که با نوح در کشتی سوار کردیم و از نسل ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که آنان را هدایت کردیم و برگزیدیم؛ هنگامی که آیات [خدای] رحمان بر آنان خوانده می شد، سجده کنان و گریان به رو می افتدند. (۵۸)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يُلْقَوْنَ عَيْنًا (۵۹)

سپس بعد از آنان نسلی جایگزین [آنان] شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند؛ پس [کیفر] گمراهی خود را [که عذابی دردنگی است] خواهند دید. (۵۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (۶۰)

مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند، پس آنان به بهشت درآیند و ذره ای مورد ستم قرار نمی گیرند. (۶۰)

جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (۶۱)

بهشت های جاویدی که [خدای] رحمان به بندگانش و عده داده در حالی که اکنون از نظرها پنهان است، یقیناً وعده خدا آمدنی است. (۶۱)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَهٗ وَعَشِيًّا (۶۲)

در آنجا کلام لغو و بیهوده ای نمی شنوند، بلکه آنچه می شنوند فقط سلام و درود است؛ و در آنجا صبح و شام، رزقشان برای آنان [آماده] است. (۶۲)

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (۶۳)

این است بهشتی که به هر کس از بندگان خود که پرهیز کار باشد، به میراث می دهیم. (۶۳)

وَمَا نَتَرَّزُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا يَكِنَ أَيْدِيَنَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۶۴)

و [ای رسول خدا! ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نمی شویم. [آگاهی به] آنچه مربوط به آینده ماست و آنچه مربوط به گذشته میان گذشته و آینده است، ویژه اوست؛ و پروردگارت هیچ گاه فراموشکار نیست. (۶۴)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵)

[اوست] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد؛ پس او را پرست و بر پرستیدنش شکیبا باش. آیا برای او همنامی می‌دانی [که او هم پروردگار آسمان‌ها و زمین باشد؟!] (۶۵)

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِنَّا إِذَا مِتْ لَسْوَفَ أُخْرَجٌ حَيًّا (۶۶)

و انسان می گوید: آیا زمانی که بمیرم به راستی زنده [از خاک] بیرونم می آورند؟ (۶۶)

أَوَلَّا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُنْ شَيْئًا (۶۷)

آیا انسان به یاد نمی‌آورد [و توجه ندارد] که ما او را پیش از این در حالی که چیزی نبود، آفریدیم. (۶۷)

فَوَرَبِّكَ لَنْحُسْرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنْخُضْرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمِ جِئِّشًا (۶۸)

پس به پروردگارت سوگند، آنان را [که بدون دلیل و از روی جهل و نادانی منکر زنده شدن مردگانند] با شیاطین محسور می‌کنیم، سپس آنان را در حالی که به زانو درآمده اند، گردآگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. (۶۸)

ثُمَّ لَنْتَرِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَهٍ أَيُّهُمْ أَشَدُ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتَّيَا (۶۹)

آن گاه از هر گروهی، آنان که بر خدای رحمان عاصی و سرکش تر بوده اند، بیرون می‌کشیم. (۶۹)

ثُمَّ لَنْحُنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلَّيَا (۷۰)

سپس ما به کسانی که برای سوختن در دوزخ سزاوارترند، داناتریم. (۷۰)

وَإِنْ مَنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتَّمًا مَقْضِيًّا (۷۱)

و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می‌شود، [ورود همگان به دوزخ] بر پروردگارت مسلم و حتمی است. (۷۱)

ثُمَّ نُسْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذِرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِئِّشًا (۷۲)

سپس آنان را که [از کفر، شرک، فساد و گناه] پرهیز کردند، نجات می‌دهیم، و ستمکاران را که به زانو درافتاده اند، در دوزخ رها می‌کنیم. (۷۲)

وَإِذَا تُنَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَئِ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (۷۳)

و هنگامی که آیات روشن ما را بر آنان می خوانند، کافران به آنان که ایمان آورده اند، می گویند: کدام یک از ما دو گروه، جایگاهش [از جهت مادی] بهتر و مجلس اُنسش [از لحاظ اجتماعی و سیاسی] نیکوتر است؟ (۷۳)

وَكُمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَوْنِ هُمْ أَخْسَنُ أَثَاثًا وَرِيْغًا (۷۴)

و چه بسیار اقوامی را پیش از آنان هلاک کردیم که لوازم زندگی بهتر [و منظر] و ظاهری [خوش نمایش] نیکوتر داشتند. (۷۴)

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الظَّالَمَالِ فَلَيَمِدُّ لَهُ الرَّحْمَنُ مِيدًا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَيْذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا (۷۵)

بگو: آنان که در گمراهی قرار دارند، باید [خدای] رحمان [بر پایه سنت جاری خود] به آنان مهلتی معین دهد، تا زمانی که آنچه را به آنان و عده داده اند بینند، یا عقوبت و شکنجه [در دنیا] را یا عذاب قیامت را؛ پس به زودی خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر و سپاهش ناتوان تر است؟! (۷۵)

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ حَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَحَيْرٌ مَرَدًّا (۷۶)

و آنان که هدایت یافته اند، خدا بر هدایتشان می افزاید، و اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ بازدهی نیکوتر است. (۷۶)

ص: ۳۱۰

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَ مَالًا وَوَلَدًا (۷۷)

آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کافر شد و گفت: [به خاطر انتخاب آین شرک و کفر] به من مال و اولاد بسیار خواهند داد؟ (۷۷)

أَطَلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۷۸)

آیا [او درباره رسیدن به مال و اولاد بسیار] بر غیب آگاهی یافته، یا پیمانی [بر این عطا فراوان] از سوی [خدای] رحمان دریافت نموده است؟ (۷۸)

كَلَّا سَنُكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (۷۹)

این چنین نیست [که او می گوید]، ما به زودی آنچه را می گوید [در پرونده عملش] خواهیم نوشت و عذابش را همواره ادامه خواهیم داد. (۷۹)

وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرِدًا (٨٠)

و آنچه را که [از مال و فرزند] می گوید، از او به میراث می بريم، و تنها نزد ما خواهد آمد. (٨٠)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيُكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (٨١)

و به جای خدا معبدانی گرفتند تا برای آنان مایه عزت و توانمندی باشد. (٨١)

كَلَّا سَيْكُفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَنِيهِمْ ضِلَّاً (٨٢)

چنین نیست، به زودی [آن معبدان] پرستش آنان را انکار می کنند و دشمنشان خواهند شد. (٨٢)

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوْزُّهُمْ أَزَّاً (٨٣)

آيا ندانسته ای که ما شیطان ها را بر کافران فرستادیم تا آنان را به شدت به سوی گناهان و شهوت برانگیزند. (٨٣)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعْدُ لَهُمْ عَدًّا (٨٤)

بنابراین بر [شکست و هلاکت] آنان شتاب مکن، ما [همه اعمال و رفتار حتی لحظات عمرشان را] به دقت شماره می کنیم [تا مهلتشان تمام شود و به کیفر آنچه همواره مرتكب می شدند، برسند]. (٨٤)

يَوْمَ تَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفُدًّا (٨٥)

[یاد کن] روزی را که پرهیز کاران را به ضیافت و میهمانی [خدای] رحمان گرد می آوریم. (٨٥)

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمْ وَرْدًا (٨٦)

و مجرمان را تشنه به سوی دوزخ می رانیم. (٨٦)

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (٨٧)

[شفیعان در آن روز] قدرت بر شفاعت ندارند مگر کسانی [مانند پیامبران، امامان، فرشتگان و اولیا] که از نزد [خدای] رحمان، پیمانی [بر اذن شفاعت] گرفته باشند. (٨٧)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (٨٨)

و [مشرکان] گفتند: [خدای] رحمان برای خود فرزندی گرفته است. (٨٨)

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذًا (٨٩)

به راستی که چیزی بسیار زشت و نسبتی بس ناروا [به میان] آورده اید. (۸۹)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطِرُنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُ الْأَرْضُ وَتَخْرُجُ الْجِبَالُ هَذَا (۹۰)

نژدیک است آسمان ها از این [ادعای بی اصل و سخن ناروا] پاره پاره شوند، و زمین بشکافد، و کوه ها به شدت در هم بشکند و فرو ریزند!! (۹۰)

أَنْ دَعْوَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (۹۱)

به خاطر آنکه برای [خدای] رحمان فرزندی ادعا کرده اند. (۹۱)

وَمَا يَبْغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَخَذَ وَلَدًا (۹۲)

و [خدای] رحمان را نسوزد که فرزندی اختیار کند. (۹۲)

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا (۹۳)

هیچ کس در آسمان ها و زمین نیست مگر اینکه [ذاتاً] بنده [و مملوک] به سوی [خدای] رحمان می آید. (۹۳)

لَقَدْ أَخْصَاهُمْ وَعَدَهُمْ عَدًّا (۹۴)

به یقین همه آنان را [با قدرت و دانشش کنترل و] احاطه نموده و درست و دقیق شماره کرده است. (۹۴)

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَوْدًا (۹۵)

و روز قیامت همه آنان تنها به پیشگاه او می آیند. (۹۵)

ص: ۳۱۱

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶)

قطعًا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان [در دل ها] محبتی قرار خواهد داد. (۹۶)

فَإِنَّمَا يَسِّرُهَا لِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا (۹۷)

جز این نیست که ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا به وسیله آن پرهیز کاران را مژده دهی و مردم ستیزه جو را بترسانی. (۹۷)

وَكُمْ أَهْلَكَنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَوْنِ هَلْ تُحِسْنُ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۹۸)

و چه بسیار ملت ها را پیش از آنان [به سبب طغیانشان] هلاک کردیم. آیا کسی از آنان را می یابی، یا هیچ زمزمه و صدایی آهسته از آنان می شنوی؟ (۹۸)

سوره ط

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه (۱)

طه (۱)

مَا أَنَّزَلْنَا عَلَيْكَ الْفُرْقَانَ لِتَشْقَى (۲)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقت و زحمت افتی؛ (۲)

إِلَّا تَدْكِرَهُ لَمَنْ يَحْشِى (۳)

[بلکه آن را نازل کردیم] تا برای کسی که [از خدا] می ترسد، زمینه توجه و یادآوری باشد. (۳)

تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (۴)

در حالی که به تدریج از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمان های بلند را آفریده است. (۴)

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (۵)

[خدای] رحمان بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط است. (۵)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ التَّرَى (۶)

آنچه در آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست. (۶)

وَإِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السَّرَّ وَأَخْفَى (۷)

و اگر سخن خود را با صدای بلند آشکار کنی [یا پنهان بداری، برای خدا یکسان است]؛ زیرا او پنهان و پنهان تر را می داند. (۷)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۸)

خدای یکتاست که جز او هیچ معبدی نیست، نیکوترین نام ها فقط ویژه اوست. (۸)

وَهُلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (۹)

و آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۹)

إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آتَشْتُ نَارًا لَعَلَى آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبِيسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى (۱۰)

هنگامی که آتشی دید، پس به خانواده اش گفت: درنگ کنید؛ بی تردید من آتشی دیدم [می روم] شاید شعله ای از آن را برایتان بیاورم یا نزد آتش [برای پیدا کردن راه] راهنمایی بیاهم. (۱۰)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى (۱۱)

پس چون به آن آتش رسید، ندا داده شد: ای موسی! (۱۱)

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاحْلِعْ نَعَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوَّى (۱۲)

به یقین این منم پروردگار تو، پس کفش خود را از پایت بیفکن؛ زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی. (۱۲)

ص: ۳۱۲

وَأَنَا أَحْرَثُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (۱۳)

و من تو را [به پیامبری] برگزیدم، پس به آنچه وحی می شود، گوش فرا دار. (۱۳)

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (۱۴)

همانا! من خدایم که جز من معبدی نیست، پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من بربا دار. (۱۴)

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيهِ أَكَادُ أُخْفِيَهَا لِتُجَزَّى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى (۱۵)

بی تردید قیامت که می خواهم زمان وقوعش را پنهان بدارم، آمدنی است، تا هر کس را برابر تلاش و کوششی که می کند، پاداش دهند. (۱۵)

فَلَا يَصِدَّنَكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَأَتَيْهَا هَوَاهُ فَتَزَدِي (۱۶)

پس مبادا آنکه از هوای نفسش پیروی کرده و [به این سبب] به قیامت ایمان ندارد، تو را [از توجه به آن] باز دارد که هلاک می شوی. (۱۶)

وَمَا تِلْكَ يَتَمِّنِكَ يَا مُوسَى (۱۷)

و ای موسی! این [قطعه چوب] در دست راست چیست؟ (۱۷)

قالَ هِيَ عَصَائِيْ أَتَوَّكُ عَيْنَاهَا وَأَهْسُنْ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلَيْ فِيهَا مَارِبُ أُخْرَى (۱۸)

گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می زنم، و با آن برگ درختان را برای گوسفندانم فرو می ریزم و مرا در آن نیازهای دیگری هم هست. (۱۸)

قالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى (۱۹)

خدا فرمود: ای موسی! آن را بیفکن. (۱۹)

فَالْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى (۲۰)

پس آن را افکند، ناگهان ماری عظیم شد که به سرعت می شتافت. (۲۰)

قالَ خُذْهَا وَلَا تَخْفْ سَنِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (۲۱)

خدا فرمود: آن را بگیر و مترس که بی درنگ آن را به کیفیت اولش باز می گردانیم. (۲۱)

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بِيَضَاءِ مِنْ غَيْرِ سُوءِ آيَهٗ أُخْرَى (۲۲)

و دستت را در گریانت کن تا بدون هیچ عیی [چون برص و پیسی] سفید و درخشان بیرون آید، [آن] معجزه ای دیگر است. (۲۲)

لِنِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى (۲۳)

تا برخی از بزرگ ترین معجزات خود را به تو نشان دهیم. (۲۳)

اَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۲۴)

به سوی فرعون برو؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است. (۲۴)

قالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵)

گفت: پروردگارا! سینه ام را [برای تحمل این وظیفه سنگین] گشاده گردان، (۲۵)

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶)

و کارم را برایم آسان ساز، (۲۶)

وَاحْلُلْ عُقْدَهُ مِنْ لَسَانِي (٢٧)

وَكِرْهِي را [که مانع روان سخن گفتن من است] از زبانم بگشای، (٢٧)

يَفْقَهُوا قَوْلِي (٢٨)

[تا] سخنم را بفهمند، (٢٨)

وَاجْعَلْ لَيْ وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي (٢٩)

و از خانواده ام دستیاری برایم قرار ده، (٢٩)

هَارُونَ أَخِي (٣٠)

هارون، برادرم را (٣٠)

اَشْدُدْ بِهِ اَزْرِي (٣١)

پشتمن را به او محکم کن، (٣١)

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي (٣٢)

واو را در کارم شریک گردان، (٣٢)

كَنِ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا (٣٣)

تا تو را [در میان مشرکان از داشتن شریک] بسیار و فراوان تنزیه کنیم، (٣٣)

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا (٣٤)

وبسیار به یادت باشیم، (٣٤)

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا (٣٥)

بی تردید تو به ما بینایی. (٣٥)

قالَ قَدْ أُوتِيتَ سُولَكَ يَا مُوسَى (٣٦)

خدافرمود: ای موسی! به یقین خواسته ات به تو عطا شد. (٣٦)

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى (٣٧)

و بی تردید یک بار دیگر هم به تو احسان کردیم. (۳۷)

ص: ۳۱۳

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مَا يُوحَى (٣٨)

آن زمان که به مادرت آنچه را که باید الهام می شد، الهام کردیم؛ (۳۸)

أَنِ اقْسِدِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْسِدِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلَيُقْبِلَهُ الْيُمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذُهُ عَدُوُّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّهُ مِنْيَ وَلَتُصْبِحَ عَلَى عَيْنِي
(۳۹)

که او را در صندوق بگذار، پس او را به دریا بینداز تا دریا او را به ساحل اندازد، تا دشمن من و دشمن او، وی را برگیرد. و محبوبیتی از سوی خود بر تو انداختیم تا [همگان به تو علاقه و محبت ورزند و آنچه را انجام دادم برای این بود که] با مراقبت کامل من پرورش یابی [و ساخته شوی]. (۳۹)

إِذْ تَمَشَّى أَخْتِكَ فَتَقُولُ هِيلْ أَدْلُكْمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَيْ أَمْكَ كَمْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَخَزَّنَ وَقَتْلَتْ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغُمَّ
وَفَتَّاكَ فَتُونَا فَلَبِثْتَ سِينَنَ إِيْ أَهْلِ مَدِينَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرِ يَا مُوسَى (٤٠)

آن گاه که خواهرت به سوی کاخ فرعون رفت، و گفت: آیا شما را به کسی که از این نوزاد سرپرستی کند، راهنمایی کنم؟ پس تو را به مادرت برگرداندیم تا خوشحال و شاد شود و غم و غصه نخورد، و کسی [از فرعونیان] را کشتی و ما تو را از اندوه [و نگرانی بر ارتکاب قتل آن مشرک] نجات دادیم، و چنان که باید امتحانت نمودیم، پس سالیانی در میان اهل مدین ماندی، سپس ای موسی! بر اساس تقدیر الهی [برای انتخاب شدن به مقام پیامبری اینجا] آمدی، (۴۰)

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَسْسِي (٤١)

و تو را برای [اجرای اهداف] خود ساختم [و انتخاب کردم]. (۴۱)

اَذْهَبْ اَنَّ وَأَحْوَكَ بِآيَاتِي وَلَا تَبَيَّنَا فِي ذِكْرِي (٤٢)

تو و برادرت با معجزات من [برای هدایت گمراهان] بروید، و درباره ذکر من [که ابلاغ وحی است] سستی نورزید. (۴۲)

اَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (٤٣)

هر دو به سوی فرعون بروید؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است. (۴۳)

فَقُولَا لَهُ قَوْلَا لَيْنَا لَعْلَهُ يَتَذَكَّرْ أَوْ يَحْسَى (٤٤)

پس با گفتاری نرم به او بگویید، امید است که هوشیار شود و [آین حق را بپذیرد] یا بترسد [و از سرکشی باز ایستد]. (۴۴)

قالَ رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى (۴۵)

گفتند: پروردگار! ما می ترسیم که [پیش از دعوت کردنش به حق] با سخت گیری و شکنجه بر [ضد] ما پیشی گیرد یا بر سرکشی خود بیفزاید. (۴۵)

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعْكُمَا أَشْمَعُ وَأَرِي (۴۶)

خدا فرمود: نترسید که من بی تردید با شما هستم [سخن او و شما را] می شنوم و [اعمالتان را] می بینم. (۴۶)

فَأُتَيْاهُ فَقَوْلًا إِنَّا رَسُولًا رَّبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى (۴۷)

بنابراین [بدون بیم و هراس] به سوی او بروید و بگویید: ما دو نفر فرستاده پروردگار تو هستیم، پس بنی اسرائیل را [از قید بندگی و بردگی خود آزاد کرده] با ما روانه کن و آنان را شکنجه مکن، به راستی ما از سوی پروردگارت معجزه ای آورده ایم؛ و درود بر کسی باد که از هدایت [حق] پیروی کند. (۴۷)

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلََّ (۴۸)

مسلمًاً و یقیناً به ما وحی شده است که عذاب بر کسی است که [آیات حق و پیامبران را] تکذیب کند و از آن رو برگرداند. (۴۸)

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى (۴۹)

فرعون گفت: ای موسی! پروردگار شما دو نفر کیست؟ (۴۹)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (۵۰)

گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آفرینش [ویژه] او را [آن گونه که سزاوارش بود] به وی عطا کرده، سپس هدایت نمود. (۵۰)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى (۵۱)

فرعون [به جای دنبال کردن بحث خداشناسی، مطلب را منحرف کرد و] گفت: پس حال امت های پیشین چگونه است؟ (۵۱)

ص: ۳۱۴

قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضْلُلُ رَبِّي وَلَا يَنْسَى (۵۲)

موسى گفت: علم و دانش به [حال] آنان در کتابی [مانند لوح محفوظ] نزد پروردگار من است، که پروردگارم [بر پایه آن در پاداش دادن و کیفر نمودن] نه اشتباه می کند و نه از یاد می برد. (۵۲)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُّلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى (۵۳)

همان کسی که زمین را برای شما بستری گستردۀ قرار داد، و برای شما در آن [به خاطر آسان شدن رفت و آمدتان] راه هایی پدید آورد، و از آسمان آبی نازل کرد، پس به وسیله آن انواعی از روییدنی های گوناگون بیرون آورديم. (۵۴)

كُلُوا وَارْعُوا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لُّؤْلِئِ الْهَمَى (۵۴)

[خود از اين نعمت هاي فراوان] بخوريد و دام هايتان را بچرانيد، يقيناً در اين امور نشانه هايی [بر توحيد، ربوبيت و قدرت خدا] برای صاحبان خرد است. (۵۴)

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (۵۵)

شما را از زمین آفريديم، و به آن باز می گردانيم، و بار ديگر از آن بیرون‌تان می آوريم. (۵۵)

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى (۵۶)

و بي تردید ما همه معجزات خود را [که در ارتباط با نبوت موسى و هدایت مردم بود] به فرعون نشان داديم، ولی آنها را تکذيب کرد و به پذيرفتنيش رضایت نداد. (۵۶)

قَالَ أَجِئْنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسُحْرٍ كَيْا مُوسَى (۵۷)

گفت: اي موسى! آيا به سوي ما آمده اي تا ما را به وسیله جادويت از سرزمينمان بیرون کني؟ (۵۷)

فَنَأْتِيَنَّكَ بِسُحْرٍ مُّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوَى (۵۸)

قطعاً ما جادويي مانند آن برایت می آوريم، پس ميان ما و خودت در جايی هموار و صاف که نه ما از آن تخلف کنيم و نه تو، وعده گاهی قرار ده. (۵۸)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزَّيْنَهِ وَأَنَّ يُخْسِرَ النَّاسُ ضُنْعَى (۵۹)

موسى گفت: وعده گاه شما روز جشن است [روزی که] همه مردم را پيش از ظهر گرد هم می آورند. (۵۹)

فَتَوَلَّ إِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى (۶۰)

پس فرعون [از مجلس مناظره با موسى] برگشت، پس نيرنگش را [که جادوگران و ابزار جادويشان بود] گرد آورد، سپس به

وعده گاه باز آمد. (۶۰)

قالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلٌ كُمْ لَا تَمْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيَسْخَنُكُمْ بَعْدَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى (۶۱)

موسی به فرعون و فرعونیان گفت: وای بر شما، بر خدا دروغ نبندید [که بت ها شریک او بیند و این معجزات افسون وجادو است] که با عذابی شدید ریشه کن و نابودتان می کند، و یقیناً کسی که دروغ بست، محروم و نومید شد. (۶۱)

فَتَنَازَعُوا أَمْرُهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسَرُوا النَّجْوَى (۶۲)

پس فرعونیان میان خود در کارشان [نسبت به موسی] نزاع و ستیز کردند و این رازگویی را از دیگران پنهان داشتند. (۶۲)

قَالُوا إِنْ هَذَا لَسَاحِرٌ إِنْ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَأْذَبَا إِطْرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى (۶۳)

گفتند: مسلماً این دو نفر جادوگرند، می خواهند شما را با جادویشان از سرزمیتان بیرون کنند و آین برتر شما را از بین ببرند. (۶۳)

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفَّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى (۶۴)

پس حیله و نیرنگتان را گرد آورید، آن گاه صف کشیده بیایید که قطعاً امروز کسی کامیاب است که برتری یابد. (۶۴)

ص: ۳۱۵

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا أَنْ تُلْقِي وَإِنَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى (۶۵)

[ساحران] گفتند: ای موسی! یا تو [عصایت را] می افکنی یا ما نخستین کسی باشیم که [ابزار و وسایل جادویش را] می افکند؟ (۶۵)

قالَ بْلَ أَلْقُوا فَإِذَا جِبَالُهُمْ وَعَصِيَّهُمْ يُحَيِّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (۶۶)

گفت: بلکه شما بیفکنید. پس [چون افکندند] ناگهان ریسمان ها و چوب دستی هایشان بر اثر جادویشان در خیال، چنان وانمود شد که با سرعت به راه افتادند. (۶۶)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى (۶۷)

پس موسی در دلش ترسی احساس کرد. (۶۷)

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى (۶۸)

گفتیم: مترس که بی تردید تو برتری. (۶۸)

وَأَقْلِقِي مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقُفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى (۶۹)

آنچه را در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته هایشان را ببلعد؛ یقیناً آنچه را ساخته اند [واعیت ندارد] فقط نیرنگ جادوگر است، و جادوگر هر جا درآید، پیروز نمی شود. (۶۹)

فَأَلْقِي السَّحَرَةُ سُجَّداً قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى (۷۰)

[چون عصایش را انداخت و ساخته های جادوگران را بلعید، جادوگران از عظمت کار دریافتند که امری است خدایی نه جادویی] پس سجده کنان به رو درافتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردهیم. (۷۰)

قَالَ آمَّنْتُمْ لَهُ قَيْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَيْرُكُمُ الَّذِي عَلِمْتُكُمُ السُّحْرَ فَلَا يُفْلِحُ أَئْدِيْكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا هِيَ لِبَنَّكُمْ فِي سُجْدَةٍ
النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُ عَذَابًا وَأَنْقَى (۷۱)

[فرعون] گفت: آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم، به او ایمان آوردهیم؟ یقیناً او بزرگ شماست که به شما جادو آموخته است، پس بی تردید دست ها و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع خواهم کرد، و شما را برتنه های درخت خرما خواهم آویخت تا کاملاً بدانید که کدام یک از ما [من یا خدای موسی] عذابش سخت تر و پایدارتر است؟! (۷۱)

قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرْنَا فَاقْضِيْ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِيْ هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (۷۲)

گفتند: ما هرگز تو را بر دلایل روشنی که به سوی ما آمده و بر آنکه ما را آفرید، ترجیح نمی دهیم؛ پس هر حکمی را که می توانی صادر کن، تو فقط در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی. (۷۲)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِغَفِيرَ لَنَا حَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْنَا عَلَيْهِ مِنَ السُّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَنْقَى (۷۳)

بی تردید ما به پروردگارمان ایمان آوردهیم تا خطاهایمان و آن جادویی که ما را به آن واداشتی بر ما بیامرزد؛ و خدا بهتر و پایدارتر است. (۷۳)

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۷۴)

مسلمان کسی که گنهکار به پیشگاه پروردگارش بیاید، دوزخ برای اوست که در آن نه می میرد و نه زندگی می کند. (۷۴)

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (۷۵)

و کسانی که مؤمن بیایند در حالی که کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان برترین درجات است. (۷۵)

جَنَّاتُ عَدْنِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا وَذِلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى (۷۶)

[وَآن] بِهِشْت های پایداری است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است که در آن جاودانه اند؛ و این است پاداش کسانی که خود را [با ایمان و عمل صالح از آلودگی ها] پاک کرده اند. (۷۶)

ص: ۳۱۶

وَلَقْدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبْسَأُ لَا تَخَافُ دَرَّكَ وَلَا تَخْشَى (۷۷)

و همانا به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه [از مصر] حرکت بده، و برای آنان راهی خشک در دریا قرار ده که [در آن موقعیت] نه از رسیدن فرعونیان بترسی و نه از غرق شدن بهراسی. (۷۷)

فَأَبْعَثْهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشَيْهِمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشَيْهِمْ (۷۸)

پس فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کرد، و [بخشی] از دریا آنان را فروگرفت، چه فروگرفتی! (۷۸)

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (۷۹)

و فرعون، قومش را گمراه کرد و راهنمایی ننمود. (۷۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِّنْ عَدُوٍّ كُمْ وَوَاعْدَنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلَوَى (۸۰)

ای بنی اسرائیل! به راستی شما را از دشمنتان نجات دادیم، و با شما در جانب راست طور و عده گذاشتیم و ترنجین و مرغ بریان را بر شما نازل کردیم، (۸۰)

كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغُوا فِيهِ فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبِيٌّ وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِيٌّ فَقَدْ هَوَى (۸۱)

[و گفتیم]: از خوردنی های پاکیزه [و مطبوع] که روزی شما نمودیم، بخورید و در [مورد] آن از حدود الهی تجاوز نکنید که خشم من بر شما فرود آید، و کسی که خشم من بر او فرود آید، یقیناً هلاک شده است. (۸۱)

وَإِنِّي لَغَافَارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (۸۲)

و مسلماً من آمرزنده کسی هستم که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته انجام داد، سپس در راه مستقیم پایداری و استقامت ورزید. (۸۲)

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى (۸۳)

ای موسی! چه چیز تو را شتابان کرد که قبل از قوم خود [در آمدن به کوه طور] پیشی گرفتی؟ (۸۳)

قَالَ هُنْ أُولَاءِ عَلَى أَثْرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَزْضَى (۸۴)

گفت: پروردگار! من به سوی تو شتافتم تا خشنود شوی. آنان گروهی هستند که اینک به دنبال من می‌آیند. (۸۴)

قالَ إِنَّا قَدْ فَتَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ (۸۵)

[خد] گفت: ای موسی! ما به راستی قوم تو را پس از آمدن تو امتحان کردیم و سامری آنان را گمراه کرد. (۸۵)

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَى قَوْمِهِ غَضْبًا أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمَ أَلْمَ يَعْدُكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحْلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ
مَّنْ رَبَّكُمْ فَأَخْلَقْتُمْ مَوْعِدِي (۸۶)

پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قومش بازگشت، گفت: ای قوم من! آیا پروردگارتان به شما [درباره نزول تورات]
وعده ای نیکونداد؟ آیا زمان آن وعده بر شما طولانی آمد یا خواستید که خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با
وعده من مخالفت کردید؟! (۸۶)

قَالُوا مَا أَحْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكُنَا حُمْلًا أَوْزَارًا مِّنْ زِيَّهِ الْقَوْمِ فَقَذَفُنَا هَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ (۸۷)

گفتند: ما با اراده خود با وعده تو مخالفت نکردیم، بلکه ما را وادار کردند که بارهایی سنگین از زیور و زینت این قوم را
حمل کنیم، پس آنان را [در آتش] انداختیم و به همین صورت سامری هم [آنچه از زیور و زینت داشت] در آتش انداخت.
(۸۷)

ص: ۳۱۷

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ حُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَتَسْبِي (۸۸)

پس برای آنان مجسمه گوساله ای که صدای گاو داشت بیرون آورد، آن گاه [او و پیروانش] گفتند: این معبد شما و معبد
موسی است که [موسی آن را] فراموش کرد [به این خاطر برای طلب معبد به طور رفت]. (۸۸)

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نُفْعًا (۸۹)

پس آیا در ک نمی‌کنند [و نمی‌فهمند] که [گوساله، هنگامی که آن را می‌خوانند] پاسخی به آنان نمی‌دهد و مالک و
صاحب اختیار هیچ سود و زیانی برای آنان نیست؟! (۸۹)

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فِتْنُمُ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي (۹۰)

و به راستی هارون پیش از این به آنان گفته بود: ای قوم من! شما به وسیله این گوساله مورد امتحان قرار گرفته اید، و بی
تر دید پروردگارتان [خدای] رحمان است، بنابراین از من [که پیامبر او هستم] پیروی کنید و فرمان را اطاعت نمایید. (۹۰)

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ (۹۱)

گفتند: ما همواره بر پرستیدن گوساله باقی می مانیم تا موسی به سوی ما باز گردد. (۹۱)

قالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ صَلَوًا (۹۲)

[هنگامی که موسی باز گشت، به هارون] گفت: ای هارون! وقتی دیدی آنان گمراه شدند چه چیز تو را مانع شد، (۹۲)

أَلَّا تَسْبَعَنَ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (۹۳)

از اینکه مرا [در ب Roxور د شدید با گمراهان] پیروی کنی؟ آیا از فرمان من سرپیچی کردی؟ (۹۳)

قالَ يَا ابْنَ أَمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي حَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَقْتَ بَيْنَ بَيْنَ إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقِبْ قَوْلِي (۹۴)

گفت: ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر و نه سرم را، من ترسیدم که بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه و جدایی انداختی و سفارش مرا [در حفظ وحدت بنی اسرائیل] رعایت نکردی. (۹۴)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِي (۹۵)

[موسی] گفت: ای سامری! سبب کار [بسیار خطرناک] تو چه بود؟ (۹۵)

قالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَيْتُصُرُوا بِهِ فَقَبضْتُ قَبْضَهِ مِنْ أَثْرِ الرَّسُولِ فَبَنَدْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَلْتُ لِي نَفْسِي (۹۶)

گفت: من به حقایق و اسراری آگاه شدم که آنان آگاه نشدند، پس اندکی از دانش و اسرار رسول را گرفتم و [بر اثر هوای پرستی] آن را دور انداختم [و به گوساله سازی پرداختم]؛ و این گونه نفس من [آن کار بسیار خطرناک را برای گمراه کردن بنی اسرائیل] در نظر آراست. (۹۶)

قالَ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلَّتْ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنْحَرَقَهُ ثُمَّ لَنَسِفَنَهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷)

[موسی] گفت: پس [از میان مردم] برو، یقیناً کیفر تو [به خاطر دور انداختن آثار رسالت و ساختن گوساله] در زندگی این است که [دچار بیماری مُسری ویژه ای شوی تا هر کس نزدیک آید بگویی:] به من دست نزنید؛ و تو را وعده گاهی [از عذاب بسیار سخت قیامت] است که هرگز نسبت به تو از آن تخلف نخواهد شد، و [اکنون] به معبدت که همواره ملازمش بودی نگاه کن که حتماً آن را در آتش بسوزانیم، سپس سوخته اش را در دریا می پاشیم. (۹۷)

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسَعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (۹۸)

معبد شما فقط خدای یکنای است که جز او معبدی نیست، دانش او همه چیز را فرا گرفته است. (۹۸)

كَذِلِكَ نُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا (٩٩)

این گونه بخشی از اخبار گذشته را برای تو بیان می کنیم و بی تردید ذکری [چون قرآن] از نزد خود به تو عطا کردیم. (۹۹)

مَنْ أَغْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (۱۰۰)

کسانی که از آن روی برگدانند، مسلماً روز قیامت وزر و و بال سنگینی بر دوش خواهند کشید. (۱۰۰)

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (۱۰۱)

در آن [وزر و وبال،] جاودانه اند و چه بد باری روز قیامت برای آنان خواهد بود. (۱۰۱)

يَوْمَ يُنَفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْفًا (۱۰۲)

[آن] روزی که در صور دمیده می شود و گنهکاران را در آن روز، کبودچشم و نایینا محشور می کنیم. (۱۰۲)

يَتَخَافَّتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَّيْشُمْ إِلَّا عَشْرًا (۱۰۳)

در میان خودشان پنهانی و بسیار آهسته می گویند: که [در برباز] جز ده روز درنگ نکرده اید. (۱۰۳)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثُلُهُمْ طَرِيقَهِ إِنْ لَّيْشُمْ إِلَّا يَوْمًا (۱۰۴)

ما به آنچه می گویند دانا تریم، آن گاه که مُنصف ترینشان می گوید: جز یک روز درنگ نکرده اید، (۱۰۴)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (۱۰۵)

و از تو درباره کوه ها می پرسند، بگو: پروردگارم آنان را ریشه کن می کند و از هم می پاشد. (۱۰۵)

فَيَذْرُهَا قَاعًا صَفَصَفًا (۱۰۶)

پس آنها را به صورت دشتی هموار و صاف و امی گزارد، (۱۰۶)

لَا تَرَى فِيهَا عَوْجًا وَلَا أَمْنًا (۱۰۷)

که در آن هیچ کثری و پستی و بلندی نمی بینی. (۱۰۷)

يَوْمَئِذٍ يَتَبَعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَحَشْعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلَّرَحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسَأ (۱۰۸)

در آن روز همه انسان ها دعوت کننده را که هیچ انحرافی ندارد [برای ورود به محشر] پیروی می کند و صدایها در برابر

[خدای] رحمان فرو می نشیند و جز صدایی آهسته [چیزی] نمی شنوی. (۱۰۸)

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قُولًا (۱۰۹)

در آن روز شفاعت کسی سودی ندهد مگر آنکه [خدای] رحمان به او اذن دهد و گفتارش را [در مورد شفاعت از دیگران] پیشند. (۱۰۹)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (۱۱۰)

[خدا] آنچه را [از احوال و اعمال بندگان] پیش روی آنهاست و آنچه را [از ثواب و کیفر] در آینده دارند، می داند و آنان از جهت دانش به او احاطه ندارند، (۱۱۰)

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَسِنِ الْقَيْمَ وَقَدْ حَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (۱۱۱)

و همه چهره ها در برابر [خدای] زنده قائم به ذات خاضع و فروتن می شوند، و کسی که بار ظلم و ستمی با خود برداشت، مسلماً محروم و نامید شود، (۱۱۱)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۱۱۲)

و هر که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ستمی [درباره حقش] بیم و هراس خواهد داشت و نه از کاستی و نقصانی [در اجر و مزدش]. (۱۱۲)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۳)

و این گونه آن را قرآنی به زبان عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و در آن هشدارها و تهدیدهای گوناگون آوردهیم، امید است [از عقاید و آرای بی پایه و گناه و طغیان] بپرهیزند، یا برای آنان بیداری و هشیاری پدید آورد. (۱۱۳)

ص: ۳۱۹

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (۱۱۴)

برتر و بلند مرتبه است خدا [ی یگانه] که فرمانروای هستی و حق محس است؛ و پیش از آنکه وحی کردن قرآن بر تو پایان گیرد در خواندنش شتاب مکن، و بگو: پروردگار! دانش مرا بیفزای. (۱۱۴)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنِسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (۱۱۵)

یقیناً پیش از این به آدم سفارش کردیم [که از میوه آن درخت نخورد] پس فراموش کرد و عزمی استوار برای او نیافریم. (۱۱۵)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى (۱۱۶)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. همه سجده کردند مگر ابليس که روی بر تافت. (۱۱۶)

فَقُلْنَا يَا آدُمٌ إِنَّ هَذَا عَدُوُّ لَكَ وَلَزُوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنِ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى (۱۱۷)

پس گفتیم: ای آدم! مسلمًا این [ابليس] دشمنی است برای تو و همسرت، پس شما را از بهشت بیرون نکند که در مشقت و رنج افتد. (۱۱۷)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوَعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى (۱۱۸)

قطعاً برای تو [در این مکان موقعیتی است که] است که نه گرسنه شوی و نه بر هنگردی. (۱۱۸)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى (۱۱۹)

و نه در آن تشنه شوی و نه دچار آفات زدگی گردی. (۱۱۹)

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدُمُ هَلْ أَدْلُكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخَلْدِ وَمُلْكِ لَأَيْلَى (۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم! آیا تو را به درخت جاودان و سلطنتی که کهنه نمی شود، راهنمایی کنم؟ (۱۲۰)

فَأَكَلَ مِنْهَا فَبَدَئَ لَهُمَا سُؤْأَتُهُمَا وَطَقِقَا يَخْصِفَانِ عَيْنَهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدُمَ رَبَّهُ فَغَوَى (۱۲۱)

پس هر دو [به سبب وسوسه شیطان] از میوه آن [درخت] خوردنند، در نتیجه شرمگاهشان بر آنان پدیدار شد و شروع به چسباندن برگ های درختان بهشت بر [شرمگاه] خود کردند. و آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و [از رسیدن به آنچه شیطان به او القا کرده بود] ناکام ماند. (۱۲۱)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى (۱۲۲)

آن گاه پروردگارش او را برگزید و توبه اش را پذیرفت و او را راهنمایی کرد. (۱۲۲)

قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِيَعْضِ عَدُوًّ فَإِمَّا يَأْتِينَكُمْ مُّنِيْ هُدَى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَى إِلَيْهِ يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (۱۲۳)

[خدای] گفت: هر دو با هم از بهشت [به سوی زمین] فرود آید که برخی از شما دشمن برخی دیگرند، پس اگر از سوی من هدایتی به شما رسید، هر کس از هدایتم پیروی کند، نه گمراه می شود و نه به مشقت و رنج می افتد. (۱۲۳)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنَكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (۱۲۴)

و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود، و روز قیامت او را نایينا محسور می کنیم. (۱۲۴)

قالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا (۱۲۵)

می گوید: پروردگار! برای چه مرا نایينا محسور کردی، در حالی که [در دنيا] بینا بودم؟ (۱۲۵)

ص: ۳۲۰

قالَ كَذَلِكَ أَتَشَكَّ آيَاتُنَا فَنَسِيَّهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسَى (۱۲۶)

[خدا] می گوید: همين گونه که آيات ما برای تو آمد و آنها را فراموش کردی اين چنين امروز فراموش می شوي. (۱۲۶)

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعْذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى (۱۲۷)

و کسی را که [از هدایت حق] تجاوز کرده و به آيات پروردگارش ايمان نياورده، اين گونه کيفر می دهیم، و بی تردید عذاب آخرت سخت تر و پايدارتر است. (۱۲۷)

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كُمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْسُوْنَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لُّاْوِلِي النُّّهَى (۱۲۸)

پس آيا [این حقیقت] سبب هدایتشان نشده است که چه بسيار امت ها را پيش از آنان هلاک کردیم که [اینان] در مساكن آنان رفت و آمد می کنند؟ مسلماً در اين [امور] نشانه هایی [عبرت آموز] برای صاحبان خرد است. (۱۲۸)

وَلَوْلَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَاماً وَأَجْلُ مُسَمَّى (۱۲۹)

و اگر سنت و روشي از پروردگارت [نسبت به تأخير افتادن عذاب از آنان] نگذشته بود و نيز مدته که [برای زندگی آنان] مشخص و معين شده است، قطعاً عذاب خدا بدون تأخير بر آنان لازم و حتم می شد. (۱۲۹)

فَاصْبِرْ عَلَى مِمَا يَقُولُونَ وَسَيَبْعَثُ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسِيَّغْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرَضَى (۱۳۰)

پس در برابر آنچه [مشرکان] می گويند، شکيبا باش، و پيش از طلوع خورشيد و پيش از غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستايش تسيح گوي، و [نيز] در بخشی از ساعات شب و اطراف روز تسيح گوي تا [به سنت ها و تدبیرهای او] خشنود شوي. (۱۳۰)

وَلَا تَمْدَنَ عَيْنِيكَ إِلَى مَا مَعَنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفِتَّهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۳۱)

ديد گانت را به آنچه برخى از اصناف آنان را بهره مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده ايم] شکوفه [بى ميوه و زیور و زينت]

دنیاست تا آنان را در آن بیازمایم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (۱۳۱)

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسَأْلُكَ رِزْقًا نَحْنُ تَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلنَّقْوَى (۱۳۲)

و خانواده ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیایی ورز؛ از تو رزقی نمی طلبیم، ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای پرهیز کاری است. (۱۳۲)

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوْلَمْ تَأْتِهِمْ بَيْنَهُ مَا فِي الصُّحْفِ الْأُولَى (۱۳۳)

و [مشرکان] گفتند: چرا [پیامبر] معجزه ای از سوی پروردگارش برای ما نمی آورد؟ آیا [این قرآن که] شاهد و دلیلی روشن بر [معارف] کتاب های پیشین [آسمانی است] برای آنان نیامده؟! (۱۳۳)

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذَلَّ وَنَخْرَى (۱۳۴)

و اگر آنان را پیش از نزول قرآن هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند: پروردگار! چرا رسولی به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، آیات تو را پیروی کنیم. (۱۳۴)

قُلْ كُلُّ مُتَرَبَّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصَّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى (۱۳۵)

بگو: هر یک [از ما و شما] منتظریم، پس منتظر باشید که به زودی خواهید دانست که رهروان راه راست و ره یافتگان چه کسانی هستند؟ (۱۳۵)

ص: ۳۲۱

جزء ۱۷

سوره الأنبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ افْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابَهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّغْرِضُونَ (۱)

مردم را [هنگام] حسابرسی [آنچه در مدت عمرشان انجام داده اند] نزدیک شده در حالی که آنان با [فرو افتادن] در غفلت [از دلایل اثبات کننده معاد] روی گردانند. (۱)

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُّحَدِّثٌ إِلَّا اسْتَمْعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۲)

هیچ یادآوری و پند تازه ای از سوی پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر آنکه آن را می شنوند و در حالی که سرگرم بازی هستند [آن را مسخره می کنند]. (۲)

لَا هِيَهُ قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هُلْ هَذَا إِلَّا بَشُّرٌ مُّنْكَمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبَصِّرُونَ (۳)

دل هایشان [به امور مادی، خوشگذرانی و معصیت] مشغول است؛ و آنان که ستم پیشه اند رازگویی خود را پنهان داشتند و گفتند: آیا این پیامبر جز این است که بشری مانند شمام است؟ آیا شما با چشم باز و شناخت و آگاهی به سوی سحر می روید؟! (۳)

قَالَ رَبِّيٌ يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۴)

[پیامبر به آنان] گفت: [رازگویی خود را پنهان نکنید، زیرا] پروردگارم هر سخنی را در آسمان و زمین می داند، و او شنوا و داناست. (۴)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَخْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلِيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُوَلُونَ (۵)

[مشرکان] گفتند: [نه، قرآن سحر نیست] بلکه خواب هایی آشفته و پریشان است، [نه] بلکه آن را به دروغ بربافته، [نه] بلکه او شاعر [خيال پردازی] است، [اگر فرستاده خداست] باید برای ما معجزه ای بیاورد مانند معجزه هایی که پیامبران گذشته را [با آنها] فرستادند. (۵)

مَا آمَنْتُ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَهِ أَهْلَكَنَا هَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (۶)

پیش از آنان [اهل] هیچ شهری که آن را نابود کردیم [با دیدن معجزه] ایمان نیاوردن؛ پس آیا اینان ایمان می آورند؟! (۶)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷)

و پیش از تو [برای هدایت مردم] نفرستادیم مگر مردانی را که به آنان وحی می نمودیم. اگر نمی دانید از دانایان [به کتاب های آسمانی و آگاهان به اخبار پیشینیان] بپرسید [که همه پیامبران از جنس خود بشر بودند، نه فرشته] (۷)

وَمَا جَعْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (۸)

و آنان را جسد هایی که غذا نخورند قرار ندادیم، و جاویدان هم نبودند [که از دنیا نروند]. (۸)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (۹)

سپس به وعده ای که به آنان داده بودیم [که شکست برای دشمنان لجوچ و پیروزی برای آنان است] وفا کردیم، و آنان و هر که را می خواستیم، نجات دادیم و متجاوزان [از حدود حق] را هلاک کردیم. (۹)

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰)

بی تردید کتابی به سوی شما نازل کردیم که ما یه [شرف، بزرگواری، رشد و سعادت] شما در آن است؛ آیا نمی اندیشید.

ص: ۳۲۲

وَكُمْ فَصَمْنَا مِنْ فَرِيهِ كَانَتْ ظَالِمَهُ وَأَنْشَأَنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۱۱)

و چه بسیار از شهرهایی که [اہلش] ستمکار بودند، درهم شکستیم، و پس از آنان قومی دیگرپدید آوردیم. (۱۱)

فَلَمَّا أَحَسُوا بِأَسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ (۱۲)

پس هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان از آن می گریختند. (۱۲)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِقْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنُكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسَأَلُونَ (۱۳)

[از روی استهزا و تحقیر به آنان گفتند:] فرار نکنید، و به سوی زندگی مرفهی که در آن نازپرورده [و مغورو] بودید و خانه هایتان بازگردید تا [بار دیگر به وسیله تهیدستان و مستمندان] از شما درخواست کمک شود [و شما آنان را با کبر و نخوت برانید]. (۱۳)

قَالُوا يَا وَيَّلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۱۴)

[با دیدن عذاب فریاد برداشتند و] گفتند: ای وای بر ما که ما قطعاً ستمکار بودیم! (۱۴)

فَمَا زَالَتْ تُلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (۱۵)

پس همواره سخنshan همین بود تا آنکه آنان را ریشه کن و خاموش ساختیم. (۱۵)

وَمَا حَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا يَئِنَّهُمَا لَاعِينَ (۱۶)

و ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو قرار دارد به بازی نیافریده ایم. (۱۶)

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ تَتَخَذَ لَهُوا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۷)

اگر می خواستیم بازیچه و سرگرمی انتخاب کنیم، چنان چه، [بر فرض محال] کننده [این کار] بودیم، آن را از نزد ذات خود [برابر با شأنمان] انتخاب می کردیم [نه از آسمان و زمین که مملوک ما هستند]. (۱۷)

بَلْ نَفْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ إِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)

نه، بلکه [شأن ما این است که] با حق بر باطل می کوییم تا آن را درهم شکند [و از هم بپاشد] پس ناگهان باطل نابود شود؛ و

وای بر شما از آنچه [درباره خدا و مخلوقات او به ناحق] توصیف می کنید. (۱۸)

وَلَهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (۱۹)

و هر که در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و کسانی که [از فرشتگان] در محضر اویند از بندگیش تکبر نمی ورزند و خسته و درمانده نمی شوند. (۱۹)

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتَرُونَ (۲۰)

شباه روز او را بی آنکه سست شوند، تسبیح می گویند. (۲۰)

أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُنْ يُنَشِّرُونَ (۲۱)

آیا معبدانی از زمین اختیار کرده اند که آنان مردگان را زنده می کنند؟! (۲۱)

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسْبَحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲)

اگر در آسمان و زمین معبدانی اختیار کرده اند که آنان مردگان را زنده می شد؛ پس متزه است خدای صاحب عرش از آنچه [او را به ناحق به آن] وصف می کنند. (۲۲)

لَا يُسَأَّلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُنْ يُسْأَلُونَ (۲۳)

خدا از آنچه انجام می دهد، بازخواست نمی شود و آنان [در برابر خدا] بازخواست خواهند شد. (۲۳)

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعَى وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلَى بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُغْرِضُونَ (۲۴)

[شگفتا!] آیا به جای خدا معبدانی اختیار کرده اند؟ بگو: [اگر انتخاب شما حق است] دلیل و برهانتان را [بر آن] بیاورید، این [قرآن] یادآور امت من [نسبت به توحید و نفی شرک] و یادآور امت های پیش از من [نسبت به معارف توحیدی دیگر کتاب های آسمانی] است؛ [حق نه این است که مشرکان می گویند] بلکه بیشترشان حق را نمی شناسند و به این سبب از آن روی گردانند. (۲۴)

ص: ۳۲۳

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (۲۵)

و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که معبدی جز من نیست، پس تنها مرا بپرستید. (۲۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادُ مُكْرَمُونَ (۲۶)

و [مشرکان] گفتند: [خدای] رحمان فرشتگان را فرزند خود گرفته است. منزه است او، [فرشتگان، فرزند خدا نیستند] بلکه بندگانی گرامی و ارجمندند. (۲۶)

لَا يَسْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (۲۷)

در گفتار بر او پیشی نمی گیرند، و آنان فقط به فرمان او عمل می کنند. (۲۷)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَحْشِيَّهِ مُشْفِقُونَ (۲۸)

خدا همه گذشته آنان و آینده شان را می داند، و جز برای کسی که خدا پسند شفاعت نمی کنند، و آنان از ترس [عظمت و جلال] او هراسان و بیمناکند. (۲۸)

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَعْبُرِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَبْزِي الظَّالِمِينَ (۲۹)

و هر کس از آنان بگوید: من هم معبدی، غیر از اویم، دوزخ را به آن گوینده کیفر می دهیم، و ستمکاران را این گونه مجازات می کنیم. (۲۹)

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقاً فَقَنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّىٰ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

آیا کافران ندانسته اند که آسمان ها و زمین به هم بسته و پیوسته بودند و ما آن دو را شکافته و از هم باز کردیم و هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم؟ پس آیا ایمان نمی آورند؟ (۳۰)

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنَّ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلاً لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳۱)

و در زمین کوه های استوار پدید آوردیم تا زمین آنان را نلرزاند، و در آن راه هایی فراخ و گشاده قرار دادیم تا [به سوی اهداف خود] راه یابند. (۳۱)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم در حالی که آنان [از تأمل و دقت در] نشانه های آن [که گواه توحید، ربوبیت و قدرت خداست] روی گردانند. (۳۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبُحُونَ (۳۳)

و اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر یک در مداری شناور است. (۳۳)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخَلْدَ أَفَإِنْ مُتَ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (۳۴)

و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم؛ پس آیا اگر تو بمیری آنان جاویدان خواهند ماند؟! (۳۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَاقَهُ الْمَوْتِ وَبَلُوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۳۵)

هر کسی چشنه مرگ است و ما شما را [چنانکه سزاوار است] به نوعی خیر و شر [که تهیستی، ثروت، سلامت، بیماری، امنیت و بلاست] آزمایش می کنیم، و به سوی ما بازگردانده می شوید. (۳۵)

ص: ۳۲۴

وَإِذَا رَأَكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَخَذُونَكَ إِلَّا هُزُوا أَهَدَا الَّذِي يَدْكُرُ آلِهَتُكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۶)

کافران چون تو را بینند جز به مسخره ات نمی گیرند [و می گویند: آیا این است آن کسی که معبدان شما را [به موجوداتی بی اثر و بی اختیار] یاد می کند؟ در حالی که خود به ذکر [خدای] رحمان [که توحید و قرآن است] کافرند [واز این کار، باکی ندارند].] (۳۶)

حُلِيقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأْرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ (۳۷)

انسان از شتاب و عجله آفریده شده است [که با نخوت و غرور، عذاب را به شتاب می خواهد]؛ به زودی عذاب هایم را به شما نشان خواهم داد، پس [آن را] به شتاب از من نخواهید. (۳۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

[به پیامبر و مؤمنان] می گویند: اگر راست می گویید، این وعده کی خواهد بود؟ (۳۸)

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يُكَفِّفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنَصَّرُونَ (۳۹)

اگر کافران به آن وقتی که نمی توانند آتش را از چهره ها و پشتیان باز دارند و یاری هم نمی شوند، آگاهی داشتند [عجلانه عذاب را نمی خواستند].] (۳۹)

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَهُمْ فَتَبَهَّهُمْ فَلَا يَسْتَطِيُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنَظَّرُونَ (۴۰)

بلکه ناگهان به آنان می رسد، پس چنان مبهوتان می کند که نه قدرت دارند آن را بازگرداند، و نه [برای به تأخیر افتادنش] مهلت می یابند. (۴۰)

وَلَقَدِ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۱)

و به راستی پیش از تو پیامبرانی مورد استهزا قرار گرفتند، پس عذابی را که همواره مسخره می کردند، استهزا کنندگان را فرا گرفت. (۴۱)

قُلْ مَنْ يَكْلُوْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنِ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ (٤٢)

بگو: چه کسی شما را در شب و روز از [عذاب خدای] رحمان محافظت می کند؟ بلکه [حقیقت این است که] آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند. (٤٣)

أَمْ لَهُمْ أَلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونَنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرًا أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مَنَّا يُضْحِبُونَ (٤٤)

آیا برای آنان به جای ما معبدانی هست که آنان را [از عذاب ما] باز دارند در حالی که [آن معبدان] نمی توانند خود را یاری دهنند و از سوی ما هم پناه داده نمی شوند؟ (٤٥)

بَلْ مَتَعَنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءُهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَاتَى الْأَرْضَ نَقْصُصَهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ (٤٦)

بلکه اینان و پدرانشان را [از انواع نعمت ها] بهره مند ساختیم تا جایی که عمرشان طولانی شد [و گمان کردند که نعمت ها و عمرشان پایان نمی پذیرد]. آیا ندانسته اند که ما همواره به زمین می پردازیم و از اطراف [و جوانب] آن [که ملت ها، اقوام، تمدن ها و دانشمندانش هستند] می کاهیم؟ پس آیا باز هم آنان پیروزند؟ (٤٧)

ص: ٣٢٥

قُلْ إِنَّمَا أَنْذِرْكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (٤٨)

بگو: من فقط شما را به وسیله وحی بیم می دهم، ولی کران، بانگ دعوت را هنگامی که بیمسان دهنند، نمی شنوند. (٤٩)

وَلَئِنْ مَسْتَهِمْ نَفْحَهُ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (٤٩)

واگر اندکی از عذاب پروردگارت به آنان برسد، خواهند گفت: ای وای بر ما که قطعاً ستمکار بودیم! (٥٠)

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَهِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّهٖ مِنْ خَرْذَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (٥١)

و ترازوهای عدالت را در روز قیامت می نهیم و به هیچ کس هیچ ستمی نمی شود؛ و اگر [عمل خوب یا بد] هم وزن دانه خردلی باشد آن را [برای وزن کردن] می آوریم، و کافی است که ما حسابگر باشیم. (٥٢)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذُكْرًا لِلْمُتَّقِينَ (٥٣)

یقیناً به موسی و هارون [کتابی که] جدا کننده [حق از باطل] و نور و مایه یادآوری برای پرهیز کاران [است] عطا کردیم. (٥٤)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعِهِ مُسْفِقُونَ (٥٥)

همانان که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و از قیامت هم بینا کند. (٥٦)

وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (۵۰)

و این [قرآنی] که آن را نازل کرده ایم، ذکر و پندی پر منفعت است؛ آیا باز هم شما منکر آن هستید؟ (۵۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدًا مِنْ قَبْلٍ وَكَانَ بِهِ عَالِمِينَ (۵۱)

و مسلمًا پیش از این به ابراهیم، رشد و هدایتی [که سزاوارش بود] عطا کردیم؛ و ما به او دانا بودیم. (۵۱)

إِذْ قَالَ لِأَيْيَهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (۵۲)

[یاد کن] زمانی را که به پدرش و قومش گفت: این مجسمه هایی که شما ملازم پرستش آنها شده اید، چیست؟ (۵۲)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (۵۳)

گفتند: پدرانمان را پرستش کنند گان آنها یافتیم [لذا به پیروی از پدرانمان آنها را می پرستیم!!] (۵۳)

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۵۴)

گفت: به یقین شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری هستید. (۵۴)

قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ الْلَّاعِبِينَ (۵۵)

گفتند: آیا حق را برای ما آورده ای یا شوخی می کنی؟! (۵۵)

قَالَ بَلَ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۵۶)

گفت: [شوخی نمی کنم] بلکه پروردگارتان همان پروردگار آسمان ها و زمین است، همان که آنها را آفرید و من بر این [حقیقت] از گواهی دهنده‌گانم. (۵۶)

وَتَالَّهِ لَا يَكِيدَنَ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُذْبِرِينَ (۵۷)

سوگند به خدا پس از آنکه [به بدخانه] پشت کردید و رفتید، درباره بت هایتان تدبیری خواهم کرد. (۵۷)

ص: ۳۲۶

فَاجْعَلْهُمْ بُجَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعْلَهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (۵۸)

پس [همه] بت ها را قطعه قطعه کرد و شکست مگر بت بزرگشان را که [برای درک ناتوانی بت ها] به آن مراجعه کنند. (۵۸)

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِإِلَهِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (٥٩)

[چون به بتخانه آمدند، با شگفتی] گفتند: چه کسی این کار را با معبدانمان انجام داده است؟ به یقین او از ستمکاران است.
(۵۹)

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَّى يَدْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (٦٠)

گفتند: از جوانی شنیدیم که از بتان ما [به عنوان عناصری بی اثر و بی اختیار] یاد می کرد که به او ابراهیم می گویند. (۶۰)

قَالُوا فَأَتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشَهُدُونَ (٦١)

گفتند: پس او را در برابر دید گان مردم بیاورید تا آنان [به این کار او] شهادت دهند. (۶۱)

قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِإِلَهِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (٦٢)

گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با معبدان ما چنین کرده ای؟ (۶۲)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ (٦٣)

گفت: بلکه [سامم ماندن بزرگشان نشان می دهد که] بزرگشان این کار را انجام داده است؛ پس اگر سخن می گویند، از خودشان پرسید. (۶۳)

فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ (٦٤)

پس آنان [با تفکر و تأمل] به خود آمدند و گفتند: شما خودتان [با پرسیدن این موجودات بی اثر و بی اختیار] ستمکارید [نه ابراهیم]. (۶۴)

ثُمَّ نُكَسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هُؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ (٦٥)

آن گاه سرافکنده و شرمدار شدند [ولی از روی ستیزه جویی به ابراهیم گفتند]: مسلماً تو می دانی که اینان سخن نمی گویند.
(۶۵)

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ (٦٦)

گفت: [با توجه به این حقیقت] آیا به جای خدا چیزهایی را می پرسید که هیچ سود و زیانی به شما نمی رسانند؟! (۶۶)

أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٦٧)

اُف بر شما و بر آنچه به جای خدا می پرستید؛ پس آیا نمی اندیشید؟ (۶۷)

قَالُوا حَرّقُوهُ وَانصُرُوا آلهَتُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعْلِيَنَ (۶۸)

گفتند: اگر می خواهید کاری انجام دهید [و مرد کار هستید] او را بسوزانید، و معبدانتان را یاری دهید. (۶۸)

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرَدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

[پس او را در آتش افکنند] گفتیم: ای آتش! برابر ابراهیم سرد و بی آسیب باش! (۶۹)

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۷۰)

و بر ضد او نیرنگی سنگین به کار گرفتند [که نابودش کنند] پس آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم. (۷۰)

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (۷۱)

و او و لوط را [از آن سرزمین پر از شرک و فساد] نجات داده و به سوی سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت نهاده ایم، بردم. (۷۱)

وَوَهَبَنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (۷۲)

و اسحاق و یعقوب را به عنوان عطایی افزون، به او بخشیدیم و همه را افرادی شایسته قراردادیم. (۷۲)

ص: ۳۲۷

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدِونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاءِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند. (۷۳)

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرِيْبِهِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْجَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سُوءِ فَاسِقِينَ (۷۴)

و به لوط، حکمت و دانش دادیم و او را از آن شهری که [اهلش] کارهای زشت مرتکب می شدند، نجات دادیم؛ بی تردید آنان قومی بد و نافرمان بودند. (۷۴)

وَأَذْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

و او را در رحمت خود درآوردهیم؛ چون او از شایستگان بود. (۷۵)

وَنُوحاً إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (٧٦)

و نوح را [یاد کن] هنگامی که پیش از این [پیامبران یاد شده] ندا کرد: [پروردگار! مرا از این قوم فاسد و تبهکار نجات بخش.] پس ندایش را اجابت کردیم، او و خانواده اش را از آن اندوه بزرگ نجات دادیم. (٧٦)

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سُوءً فَأَغْرِقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (٧٧)

و او را در برابر گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، یاری دادیم؛ قطعاً آنان گروه بدی بودند، پس همه آنان را غرق کردیم. (٧٧)

وَدَاؤُودَ وَسَلِيمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنْمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ (٧٨)

و داود و سلیمان را [یاد کن] زمانی که درباره آن کشتار که شبانه گوسفندان قوم در آن چریده بودند، داوری می کردند، و ما گواه داوری آنان بودیم. (٧٨)

فَفَهَمَنَاهَا سَلِيمَانَ وَكُلًا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخْرَنَا مَعَ دَاؤُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَّ وَالْطَّيْرُ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (٧٩)

پس [داوری] آن را به سلیمان فهماندیم، و هر یک را حکمت و دانش عطا کردیم، و کوه ها و پرندگان را رام و مسخر کردیم که همواره با داود تسیح می گفتند، و ما انجام دهنده [این کار] بودیم. (٧٩)

وَعَلَّمَنَا صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهُلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (٨٠)

و به سود شما صنعت ساختن پوشش های دفاعی را به او آموختیم تا شما را از [آسیب] جنگ تان محافظت نماید، پس آیا شما شکرگزار حق هستید؟ (٨٠)

وَسَلِيمَانَ الرَّيْحَ عَاصِفَةَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (٨١)

و برای سلیمان، تندباد را رام و مسخر کردیم که به فرمانش به سوی آن سرزمینی که در آن برکت نهادیم، حرکت می کرد و ما همواره به همه چیز داناییم. (٨١)

ص: ٣٢٨

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَعْوَصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذِلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (٨٢)

و از شیطان ها کسانی را رام و مسخر او کردیم که برایش غواصی و کارهایی غیر از آن انجام می دادند، و ما نگهبان آنان بودیم. (٨٢)

وَأَيُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَنَى الصُّرُ وَأَنَّتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (٨٣)

و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که مرا آسیب و سختی رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی. (۸۳)

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٌّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلُهُمْ مَعْهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ (۸۴)

پس ندایش را اجابت کردیم و آنچه از آسیب و سختی به او بود برطرف نمودیم، و خانواده اش را [که در حادثه ها از دستش رفته بودند] و مانندشان را همراه با آنان به او عطا کردیم که رحمتی از سوی ما و مایه پند و تذکری برای عبادت کنندگان بود. (۸۴)

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلُّ مِنَ الصَّابِرِينَ (۸۵)

و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند. (۸۵)

وَأَذْخَنْاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۸۶)

و آنان را در رحمت خود درآورده ایم، چون از شایستگان بودند. (۸۶)

وَذَا الْئُونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنَّ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنَّ لَأَ إِلَهٌ إِلَّا أَنَّتْ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷)

و صاحب ماهی [حضرت یونس] را [یاد کن] زمانی که خشمناک [از میان قومش] رفت و گمان کرد که ما [زنگی را] بر او تنگ نخواهیم گرفت، پس در تاریکی ها [ی شب، زیر آب، و دل ماهی] ندا داد که معبدی جز تو نیست تو از هر عیب و نقصی منزهی، همانا من از ستمکارانم. (۸۷)

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنِ الْعُنْمِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

پس ندایش را اجابت کردیم و از اندوه نجاتش دادیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم. (۸۸)

وَزَكَرِيَا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبَّ لَأَ تَدْرِنِي فَزَدًا وَأَنَّتْ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (۸۹)

و زکریا را [یاد کن] زمانی که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا! مرا تنها [و بی فرزند] مگذار؛ و تو بهترین وارثانی. (۸۹)

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَا رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا حَاشِعِينَ (۹۰)

پس [ندای] او را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و نازایی همسرش را برای وی اصلاح نمودیم، آنان همواره در کارهای خیر می شتافتند، و ما را از روی امید و بیم می خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند. (۹۰)

ص: ۳۲۹

وَالَّتِي أَحْصَنْتُ فَرَجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَهُ لِلْعَالَمِينَ (۹۱)

و آن [زن را یاد کن] که دامن خود را پاک نگه داشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم و او و پرسش را نشانه ای [بزرگ از قدرت خود] برای جهانیان قرار دادیم. (۹۱)

إِنَّ هَذِهِ أُمْتُكْمُ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۹۲)

و بی تردید این [اسلام] آینین [حقیقی] شمامت در حالی که آینین یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا پرسنید. (۹۲)

وَتَقْطَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنُهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ (۹۳)

ولی [آنان] آینشان را در میان خود قطعه قطعه کردند [و نسبت به دین گروه گروه شدند و به شدت با هم اختلاف پیدا کردند]؛ و همه آنان به سوی ما باز خواهند گشت [تا کیفر سخت این گروه گرایی را بینند]. (۹۳)

فَمَن يَعْمَلْ مِن الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفَّارَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (۹۴)

پس کسی که برخی از کارهای شایسته را انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، نسبت به تلاشش نخواهد شد، و ما یقیناً [تلاشش را] برای او می نویسیم. (۹۴)

وَحَرَامٌ عَلَىٰ فَرِيهٍ أَهْلَكَنَا هَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۹۵)

و بر [اهل] شهری که نابودشان کردیم، محال است که [در قیامت به سوی ما] باز نگرددن. (۹۵)

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (۹۶)

تا زمانی که [سد] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر زمین بلندی سرازیر می شونند. (۹۶)

وَاقْرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاصَهُ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَهٖ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (۹۷)

و آن وعده حق [که قیامت است] نزدیک شود، پس ناگهان چشم های کافران خیره شود [و گویند]: وای بر ما! که ما از این روز در بی خبری سنگینی قرار داشتیم، بلکه ما ستمکار بودیم. (۹۷)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبٌ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (۹۸)

[به آنان گویند]: به یقین شما و معبدانی که به جای خدا می پرسنیدیم، هیزم دوزخید؛ [بی تردید] شما در آن وارد خواهید شد. (۹۸)

لَوْ كَانَ هُؤُلَاءِ آلِهَهٌ مَا وَرَدُوهَا وَكُلُّ فِيهَا خَالِدُونَ (۹۹)

اگر اینان معبدان [برحق] بودند، وارد دوزخ نمی شدند در حالی که همگی [بتان و بت پرستان] در آن جاودانه اند. (۹۹)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

آنان در دوزخ، نعره های دردناکی دارند و در آنجا [سخنی امیدوار کننده] نمی شونند. (۱۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقُتْ لَهُمْ مَنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبَغَّدُونَ (۱۰۱)

بی تردید کسانی که پیش تر از سوی ما وعده نیک به آنان داده اند، از دوزخ دورشان نگه می دارند. (۱۰۱)

ص: ۳۳۰

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَى أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ (۱۰۲)

کمترین صدای آن را [هم] نمی شونند، و آنان در آنچه [از نعمت های الهی] دلشان بخواهد جاودانه اند. (۱۰۲)

لَا يَخْرُنُهُمُ الْفَرَغُ الْأَكْبَرُ وَتَلَاقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۱۰۳)

[در آن روز] آن بزرگ ترین ترس و واهمه آنان را اندوهگین نمی کند و فرشتگان [با درود و سلام] به استقبالشان آیند [و گویند:] این است روز شما که شما را به آن وعده می دادند. (۱۰۳)

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَّى السَّجْلَ لِلْكُثْبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ تُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴)

روزی که آسمان را در هم می پیچیم، مانند در هم پیچیدن طومار، همان گونه که نخستین بار آفریده ها را آفریدیم، دوباره آنان را باز می گردانیم. وعده ای است [که تحقق دادنش] بر عهده ما [ست]، به یقین آن را انجام می دهیم. (۱۰۴)

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُها عِبَادِي الصَّالِحُونَ (۱۰۵)

و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به میراث می برند. (۱۰۵)

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ (۱۰۶)

بی تردید در این [حقایق] برای [رسانیدن] مردم عبادت پیشه [به نهایت مقصود و اوج مطلوب] کفایت است. (۱۰۶)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷)

قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۸)

بگو: به من فقط وحی می شود که معبد شما خدای یکنانت؛ پس آیا تسلیم [فرمان ها و احکام او] می شوید؟ (۱۰۸)

فَإِن تَوَلُوا فَقُلْ آذْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ وَإِنْ أَذْرِي أَقْرِيبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ (۱۰۹)

پس اگر روی برگردانند بگو: من به شما به طور یکسان آگاهی و هشدار دادم، و نمی دانم آنچه شما را [از عذاب] به آن وعده داده اند، آیا نزدیک است یا دور؟ (۱۰۹)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (۱۱۰)

بی تردید او سخن آشکار را و آنچه را پنهان می دارید، می داند. (۱۱۰)

وَإِنْ أَذْرِي لَعْلَهُ فِتْنَةً لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۱۱۱)

و من نمی دانم شاید این [تأخیر عذاب] آزمایشی برای شما و بهره مندی اند کی [از نعمت ها] تا مدتی معین است. (۱۱۱)

قَالَ رَبُّ الْحُكْمِ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۱۲)

[پیامبر] گفت: پروردگار! [میان ما و مشرکان] به حق داوری کن و پروردگار ما مهربان است و [مؤمنان] بر خلاف واقعیتی که [شما مشرکان درباره پیروزی خود و شکست ما] وصف می کنید، از او یاری می خواهند. (۱۱۲)

ص: ۳۳۱

سوره الحج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، بی تردید زلزله قیامت، واقعه ای بزرگ است. (۱)

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذَهَلُ كُلُّ مُرْضِيَّةٍ عِمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتٍ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُم بِسُكَارَى وَلَكِنَ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۲)

روزی که آن را ببینید [مشاهده خواهید کرد که] هر مادر شیر دهنده ای از کودکی که شیرش می دهد، بی خبر می شود، و هر ماده بارداری بار خود را سقط می کند، و مردم را مست می بینی در حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خدا بسیار سخت است. (۲)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ (۳)

و برخی از مردم اند که [همواره] بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] درباره خدا [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه] برخورد خصمانه و گفتگوی ستیزآمیز می کنند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند. (۳)

كُتْبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّهُ فَأَنَّهُ يُضْلِلُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (٤)

بر آن شیطان، لازم و مقرر شده است که هر کس که او را به سرپرستی و دوستی خود گیرد، حتماً او گمراهاش می کند، و به آتش سوزنده راهنمایی اش می نماید. (۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُّخْلَقَةٍ وَغَيْرِ مُخْلَقَةٍ لَّتَّبَاعُوكُمْ وَنُقْرُرُ فِي الْأَرْضِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجْلٍ مُّسَيَّبٍ ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشُدَّ كُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّ فَوَمِنْكُمْ مَنْ يُرْدُ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكِيلًا يَعْلَمُ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرِى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَرَّتْ وَرَأَيْتَ وَأَبْتَثَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵)

ای مردم! اگر درباره برانگیخته شدن [پس از مرگ] در تردید هستید، پس [به این واقعیت توجه کنید که] ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، سپس از علقه، سپس از پاره گوشته با آفرینشی کامل یا غیر کامل آفریدیم تا برای شما روشن کنیم [که ما به برانگیختن مردگان تواناییم]؛ و آنچه را می خواهیم تا مدتی معین در رحم ها مستقر می کنیم؛ آن گاه شما را به صورت کودک [از رحم مادر] بیرون می آوریم تا آنکه به قدرت فکری و نیرومندی جسمی خود برسید. و برخی از شما [پیش از فرتوتی] قبض روح می شود، و برخی از شما را به پست ترین دوره عمر [که ایام پیری است] برمی گردانند تا در نتیجه از دانشی که داشتند چیزی ندانند. و [از نشانه های دیگر قدرت ما اینکه] زمین را [در زمستان] خشک و افسرده می بینی، پس چون آب [باران] را بر آن نازل می کنیم، می جنبد و برمی آید و از هر نوع گیاه تر و تازه و بهجت انگیزی می رویاند. (۵)

ص: ۳۳۲

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٦)

[همه] این [امور] برای این است که [بدانید] خدا همان حق است، و اینکه او مردگان را زنده می کند، و اینکه او بر هر کاری تواناست. (۶)

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيهِ لَا رَيْبٌ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبورِ (٧)

و اینکه قیامت آمدنی است، هیچ شکی در آن نیست، و اینکه خدا کسانی را که در گورهایند، برمی انگیزد. (۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ (۸)

و از مردمان کسی است که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی، و هیچ کتاب روشی درباره خدا مجادله و ستیزه می کند. (۸)

ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضْلِلَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْنٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (۹)

[آن هم] با حالتی متکبرانه و مغورانه که سرانجام مردم را از راه خدا گمراه کند؛ برای او در دنیا رسوایی است و روز قیامت عذاب سوزان به وی می‌چشانیم. (۹)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۰)

این [رسوایی و عذاب] به کیفر اعمالی است که از پیش فرستاده ای و به آن خاطر است که خدا نسبت به بندگان ستمکار نیست. (۱۰)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حِرْفٍ فَإِنْ أَصَيْهُ خَيْرٌ أَطْمَمَهُ اللَّهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِيرٌ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُمِينُ (۱۱)

و برخی از مردم اند که خدا را یک سویه [و بر پایه دست یابی به امور مادی] می پرستند، پس اگر خیری [چون ثروت، مقام و اولاد] به آنان برسد به آن آرامش یابند، و اگر بلایی [چون بیماری، تهیدستی و محرومیت از عناوین اجتماعی] به آنان برسد [از پرستش خدا] عقب گرد می کنند [و به بی دینی و ارتداد می گرایند]، دنیا و آخرت را از دست داده اند، و این است همان زیان آشکار. (۱۱)

يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّالُّ الْبُعِيدُ (۱۲)

چیزی را به جای خدا می پرستند که نه زیانی به آنان می رساند و نه سودی به آنان می دهد؛ این است همان گمراهی بسیار دور. (۱۲)

يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرُبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ (۱۳)

بلکه کسی را می پرستند که قطعاً زیانش از سودش نزدیک تر است، بد سرپرست و یاوری و بد معاشر و همدمنی است! (۱۳)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعُلُ مَا يُرِيدُ (۱۴)

یقیناً خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی در می آورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است؛ مسلمًا خدا هر چه را بخواهد انجام می دهد. (۱۴)

مَنْ كَانَ يَظْنُنَ أَنَّ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ فَلَيَمْدُدْ بِسَبَبِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيُقْطَعَ فَلَيُنْظَرُ هَلْ يُدْهِبَنَ كَيْدُهُ مَا يَغْيِظُ (۱۵)

کسی که همواره گمان می کند که خدا هر گر پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد داد [و اکنون یاری خدا را می بیند و به این خاطر نالمید و خشمگین است] باید طنابی از سقف [خانه اش] بیاویزد، سپس خود را حلق آویز کند، پس ببیند آیا حیله و نیرنگش آنچه را سبب خشم او شده است از بین می برد؟! (۱۵)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلَنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ (۱۶)

و این گونه، قرآن را [به صورت] آیاتی روشن نازل کردیم؛ و قطعاً خدا هر که را بخواهد، هدایت می کند. (۱۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَيَّادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصِيَّارِيَّ وَالْمُجْوَسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَنْعِصُّ لُّيَّنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ
شَئِءٍ شَهِيدٌ (۱۷)

همانا آنان که ایمان آوردنده و آنان که یهودی اند و صابئان و نصاری و مجوس و کسانی که شرک ورزیده اند، حتماً خدا روز قیامت میانشان داوری می کند [تا گرویدگان به حق از آلدگان به باطل جدا شوند و حق پیشگان به بهشت و باطل گرایان به دوزخ درآیند]؛ بی تردید خدا بر همه چیز گواه است. (۱۷)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْعِي جُدُّهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ
وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنَّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۱۸)

آیا ندانسته ای که هر که در آسمان ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند؟ و بر بسیاری [که از سجده امتناع دارند] عذاب، لازم و مقرر شده است. و کسی را که خدا خوار کند، گرامی دارنده ای برای او نیست؛ به یقین خدا هر چه را بخواهد انجام می دهد. (۱۸)

هَذَانِ خَصْمَانِ احْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعُتْ لَهُمْ ثِيَابُ مِنْ نَارٍ يُصْبَطُ مِنْ فُوقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (۱۹)

این دو [گروه حق پیشه و باطل گرا] دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان در جدال و ستیزند [گروه حق پیشه، پروردگار را به صفاتی وصف می کند که شایسته اوست و گروه باطل گرا او را به اموری می ستایند که سزاوار او نیست]، پس کسانی که کافر شدند برای آنان لباس هایی از آتش [به اندازه اندامشان] بریده شده و از بالای سرشان مایع جوشان [به روی آنان] ریخته می شود، (۱۹)

يُصَهِّرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰)

که آنچه در شکم های ایشان است و پوست بدنشان به وسیله آن گذاخته می شود، (۲۰)

وَلَهُمْ مَقَامُ مِنْ حَدِيدٍ (۲۱)

و برای آنان گرزهایی از آهن [مخصوص] است [که بر سرشان می کوبند]. [۲۱]

كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ عَمَّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

هر گاه بخواهند به سبب اندوه [فرابان و غصه گلوگیر] از دوزخ درآیند، به آن بازشان می گردانند؛ و [به آنان می گویند:] عذاب سوزان را بچشید. (۲۲)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسٌ هُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (٢٣)

بی تردید خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی درمی آورد که از زیر [درختان آن نهرها جاری است، در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آرایش می شوند، و لباسشان در آنجا حریر است. (۲۳)

ص: ۳۳۴

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ (٢٤)

و به سوی گفتار پاک و پاکیزه [مانند سلام، الحمد لله و سبحان الله] راهنماییشان کنند، و به راه پسندیده [که راه بهشت است] هدایتشان نمایند. (۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْيِجِدِ الْحَرامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدُ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُنِذِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (٢٥)

مسلمان کسانی که کافرند و از راه خدا و [ورود مؤمنان به] مسجدالحرام که آن را برای همه مردم چه مقیم و حاضر و چه مسافر، یکسان قرار داده ایم جلوگیری می کنند، [کیفری بسیار سخت خواهد داشت]، و هر که بخواهد در آنجا با انحراف از حق روی به ستم آورد [و دست به شرک و هر گناهی بیالاید] او را عذابی دردناک می چشانیم. (۲۵)

وَإِذْ بَوَأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنَّ لَآ تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهُرْ بَيْتَنِي لِلَّطَائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرَّكِعِ السُّجُودِ (٢٦)

و [یاد کن] هنگامی را که جای خانه [کعبه] را برای ابراهیم آماده کردیم [و از او پیمان گرفتیم] که هیچ چیز را شریک من قرار مده و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان [از پلیدی های ظاهری و باطنی] پاک و پاکیزه گردن. (۲۶)

وَأَذْنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجَّ يَأْتُونَكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِيَنَ مِنْ كُلِّ فَجَّ عَمِيقٍ (٢٧)

و در میان مردم برای حج بانگ زن تا پیاده و سوار بر هر شتر باریک، اندام [چابک و چالاک] که از هر راه دور می آیند، به سوی تو آیند. (۲۷)

لَيَسْهُدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَهِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (٢٨)

تا منافع خود را [از برکت این سفر معنوی] مشاهده کنند، و نام خدا را در روزهایی معین [که برای قربانی اعلام شده] بر دام های زبان بسته ای که به آنان عطا کرده ذکر کنند، [چون قربانی کردید] از آن بخورید و تهیdest را نیز اطعم کنید. (۲۸)

ثُمَّ لَيُقْضُوا تَمَثِّلُهُمْ وَلَيُوْفُوا نُذُورَهُمْ وَلَيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (٢٩)

سپس باید آلودگی های خود را [که در مدت مُحرم بودن و قربانی کردن و سر تراشیدن بر بدن هایشان قرار گرفته] بر طرف کنند و نذر هایشان را وفا نمایند و بر گرد خانه کهن طواف کنند. (۲۹)

ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُنْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَبِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأُوثَانِ وَاجْتَبِبُوا قَوْمَ الْزُّورِ (۳۰)

این است [آنچه به عنوان مناسک حج قرار داده ایم] و هر کس مقررات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. و چهار پایان مگر آنچه [در آیات دیگر، حُرمت‌ش] بر شما خوانده می‌شود، برای شما حلال شده است؛ بنابراین از پلیدی بت‌ها و از گفتار باطل [چون دروغ، افتراء، غیبت و شهادت ناحق] دوری گرینید. (۳۰)

ص: ۳۳۵

حُنَفَاءُ لِلَّهِ عَيْرُ مُسْرِكِينٍ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَانَمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَحْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (۳۱)

در حالی که برای خدا حق گرا باشد [و در مناسک حج] به او شرک نورزید. و هر کس به خدا شرک ورزد، گویا چنان است که از آسمان سقوط کرده و پرنده‌گان [شکاری] او را می‌ربایند، یا باد او را به جایی دور دست می‌اندازد. (۳۱)

ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (۳۲)

این است [برنامه‌های حج و حدود و مقررات خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ شمارد، بدون تردید این بزرگ شمردن ناشی از تقوای دل هاست. (۳۲)

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَى أَجْلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحْلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۳۳)

برای شما در دام‌های قربانی تا زمانی معین سودهایی است [مانند سواری گرفتن و تغذیه از شیر و گوشت آنها] سپس جایگاه [فروند آمدن‌شان برای قربانی] به سوی خانه کهن [یعنی خانه کعبه] است. (۳۳)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَهِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْتَيِّنَ (۳۴)

و برای هر امتی عبادتی ویژه قرار داده ایم [که مشتمل بر قربانی است] تا نام خدا را بر آنچه که از دام‌های زبان بسته روزی آنان نموده ایم [به هنگام قربانی] ذکر کنند. پس [بدانید که] معبد شما خدای یکتاست؛ بنابراین فقط تسلیم او شوید. و فرمانبرداران فروتن را [به لطف و رحمت خدا] مژده ده. (۳۴)

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۵)

همانان که وقتی خدا یاد شود، دل هایشان می‌هرسد، و بر آنچه [از بلا و حادثه] به آنان می‌رسد، شکیایند و برپا دارند گان نمازند و از آنچه روزی آنان نمودیم، انفاق می‌کنند. (۳۵)

وَالْبَيْدَنَ جَعَلْنَاهِ ا لَكُم مِّن شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ إِذَا وَجَبْتُ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْقَاتِعَ
وَالْمُعْتَرَ كَذَلِكَ سَخَرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم، برای شما در آنها سودی [مانند سواری گرفتن و تغذیه از شیر و گوشت آنها] است؛ در حالی که به نظم در خط مستقیم ایستاده اند، نام خدا را [هنگام نحر کردنشان] بر آنها ذکر کنید، و زمانی که [بی جان] به پهلو در افتاده اند، از آنها بخورید و به تهیستانی که اهل درخواست کردن نیستند و فقیرانی که اهل درخواست کردن هستند، بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام و مسخر کردیم تا سپاس گزاری کنید. (۳۶)

لَن يَئَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَئَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَأُكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (۳۷)

هر گز گوشت هایشان و خون هایشان به خدا نمی رسد، بلکه تقوای شما به او می رسد. این گونه آنها را برای شما رام و مسخر کرد تا خدا را به [شکرانه] اینکه هدایتتان کرد به بزرگی یاد کنید؛ و نیکوکاران را [به لطف و رحمت خدا] مژده ده. (۳۷)

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَانِ كَفُورٍ (۳۸)

مسلمًا خدا از مؤمنان دفاع می کند، قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد. (۳۸)

ص: ۳۳۶

أُذْنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلمًا خدا بر یاری دادن آنان تواناست. (۳۹)

الَّذِينَ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِيَغْسِلِهِمْ لَهُدِّمْتُ صَوَامِعُ وَبَيْعَ وَصَيْلَوَاتُ
وَمَسَاجِدُ يُدْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ (۴۰)

همانان که به ناحق از خانه هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می گفتند: پروردگار ما خدادست و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، همانا صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می شود به شدت ویران می شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می دهنده یاری می رساند؛ مسلمًا خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۴۰)

الَّذِينَ إِنْ مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای زشت بازمی دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خدادست. (۴۱)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَبْتَ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٌ وَثَمُودٌ (٤٢)

واگر تو را تکذیب می کنند [کار جدیدی نیست] پیش از اینان قوم نوح و عاد و ثمود هم [پیامبرانشان را] تکذیب کردند.
(٤٢)

وَقَوْمٌ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمٌ لُوطٍ (٤٣)

و [نیز] قوم ابراهیم و قوم لوط، (٤٣)

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذَّبَ مُوسَى فَأَمَّا يُتْلَكَافِرُونَ ثُمَّ أَخْذُتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ (٤٤)

و [هم چنین] اهل مدین؛ و موسی هم تکذیب شد. پس کافران را مهلت دادم، سپس آنان را [به عذابی سخت] گرفتم، پس [بنگر که] کیفر و انتقام من [نسبت به آنان] چگونه بود؟ (٤٤)

فَكَائِنٌ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكَنَا هَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٌ مُعَطَّلٌ وَقَصْرٌ مَشِيدٌ (٤٥)

و چه بسیار شهرها را در حالی که اهلش ستمکار بودند، هلاک کردیم، پس [به سبب نزول عذاب سقف های خانه هایشان خراب شده و دیوارهایشان بر] سقف ها فرو ریخته است و [چه بسیار] چاه های پر آب [که به سبب نابود شدن مالکانش] متروک افتاده و کاخ ها و قصرهای برافراشته [و محکمی که بی ساکن و بی صاحب مانده است]. (٤٥)

أَفَلَمْ يَسْتَبِرُوا فِي الْمَأْرِضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهُمَا لَا تَعْمَلُ الْأَبْصَارُ وَلَكِنَ تَعْمَلُ الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (٤٦)

آیا در زمین گردش نکرده اند تا برای آنان دل هایی [بیدار و بینا] پیدا شود که با آن بیندیشند یا گوش هایی که با آن [اندرزها را] بشنوند؟ حقیقت این است که دیده ها کور نیست بلکه دل هایی که در سینه هاست، کور است! (٤٦)

ص: ٣٣٧

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَالْفِ سَنِّ مَمَّا تَعْدُونَ (٤٧)

و آنان از تو [از روی مسخره و ریشخند] شتاب در عذاب را درخواست می کنند، در حالی که خدا هرگز از وعده اش تخلف نمی کند؛ و همانا یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال از سال هایی است که شما می شمارید [برای او زمان نزدیک، زمان دور، امروز، دیروز، گذشته و آینده مفهومی ندارد؛ بنابراین فاصله زمانی شما با عذاب الهی شما را دچار این پندار نکند که تهدید به عذاب، تهدیدی طولانی و دروغ است]. (٤٧)

وَكَائِنٌ مِّنْ قَرْيَةٍ أَمَّا يُتْلَكَافِرُونَ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخْذُتُهُمْ وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ (٤٨)

و چه بسا شهرها که به [اهل] آنها در حالی که ستمکار بودند، مهلت دادم، سپس آنان را [به عذابی سخت] گرفتم؛ و بازگشت همه به سوی اوست. (۴۸)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۴۹)

بگو: ای مردم! من برای شما فقط بیم دهنده ای آشکارم. (۴۹)

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۵۰)

پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و رزقی نیکو برای آنهاست. (۵۰)

وَالَّذِينَ سَعَوا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۵۱)

و کسانی که در [باطل کردن و بی اثر نمودن] آیات ما کوشیده اند، به گمان آنکه ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند] اهل آتش افروخته اند. (۵۱)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيًّا إِلَّا إِذَا تَمَّى الْقَوْلُ الشَّيْطَانُ فِي أُمَّتِيهِ فَيَسْخُنُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحَكِّمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه هرگاه آرزو می کرد [اهداف پاک و سعادت بخش خود را برای نجات مردم از کفر و شرک پیاده کند] شیطان [برای بازداشت مردم از پذیرش حق] در برابر آرزویش شبهه و وسوسه می انداخت، ولی خدا آنچه را شیطان [از وسوسه ها و شبهه ها می اندازد] می زداید و محو می کند، سپس آیاتش را محکم و استوار می سازد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۵۲)

لِيُجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ وَالْفَاسِيْهِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۳)

[آزاد گذاشتند شبهه اندازی شیطان] برای این [است] که خدا آنچه را شیطان می اندازد برای آنان که در دل هایشان بیماری است و برای سنگدلان و سیله آزمایش قرار دهد؛ و قطعاً ستمکاران در دشمنی و ستیزی بسیار دور [نسبت به حق و حقیقت] قرار دارند. (۵۳)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحُقُوقُ مِنْ رَبِّكَ فَهُوَمُنْوَا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ (۵۴)

و [نیز برای این است] تا کسانی که دانش و آگاهی [دینی] به آنان عطا شده بدانند که [محو شدن و نابودی القائنات شیطان و استوار شدن آیات] از سوی پروردگاری حق است، پس به آن ایمان آورند و دل هایشان برای آن رام و فروتن شود؛ و قطعاً خدا هدایت کننده اهل ایمان به سوی راهی راست است. (۵۴)

وَلَا يَرَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَهٍ مَنْهُ حَتَّى تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَعْتَهُ أَوْ يَأْتِيهِمْ عَذَابٌ يَوْمٌ عَقِيمٌ (۵۵)

و کافران همواره نسبت به آیات خدا در تردیدی سخت قرار دارند تا آنکه ناگهان قیامت بر آنان در رسد، یا عذاب روزی که روز دیگری به دنبال ندارد [بلکه ابدی است] به سراجشان آید. (۵۵)

ص: ۳۳۸

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ التَّعِيمِ (۵۶)

آن روز، حاکمیت و فرمانروایی ویژه خداست. میان آنان داوری می کند؛ پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت های پر نعمت اند. (۵۶)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۵۷)

و کسانی که کافر شده و آیات ما را تکذیب کرده اند، پس عذابی خوار کننده برای آنان است. (۵۷)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَيِّلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتُلُوا أَوْ مَاتُوا لَيْزَقُنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۵۸)

و کسانی که در راه خدا هجرت کرده سپس کشته شده یا مرده اند، به یقین خدا رزقی نیکو به آنان می دهد؛ و قطعاً خدا بهترین روزی دهنده گان است. (۵۸)

لَيَدِخِلَّهُمْ مُّدْخَلًا يَرْضُونَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (۵۹)

مسلمان آنان را به جایگاهی که آن را می پسندند وارد می کند؛ و بی تردید خدا دانا و بربار است. (۵۹)

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغَى عَلَيْهِ لَيَنْصُرَهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعْفُوٌ غَفُورٌ (۶۰)

[مطلوب درباره مؤمن و کافر] همان است [که گفتیم]، و هر کس به مانند آنچه به آن عقوبت شده [متجاوز را] عقوبت کند، آن گاه به وی ستم شود، یقیناً خدا او را یاری می دهد؛ زیرا خدا با گذشت و بسیار آمرزنده است. (۶۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۶۱)

این [یاری ستمدیده بر ضد ستمکار] به سبب این است که خدا [دارای قدرت بی نهایت است و گوشه ای از قدرتش اینکه همواره شب را در روز و روز را در شب درمی آورد؛ و به یقین خدا شنوای بیناست. (۶۱)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۶۲)

این [قدرت بی نهایت او نسبت به امور آفرینش و نسبت به وضع و حال مردم] برای این است که فقط خدا حق است، و اینکه آنچه را جز او می پرستید، باطل است، و اینکه فقط خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (۶۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاً فَتَضَبَّحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَيْرٌ (٦٣)

آیا ندانسته ای که خدا از آسمان آبی نازل می کند، در نتیجه زمین سرسیز و خرم می شود؛ به یقین خدا لطیف و آگاه است.
(۶۳)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (٦٤)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست؛ و یقیناً خداست که خود بی نیاز و
ستوده است. (۶۴)

ص: ٣٣٩

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَعْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقْعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (٦٥)

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را در زمین است و [نیز] کشتی ها را که به فرمان او در دریا روانند، برای شما رام و مسخر کرده است؟ و آسمان را نگه می دارد که بر زمین نیفتند مگر به اذن او؟ یقیناً خدا به همه مردم رؤوف و مهربان است. (۶۵)

وَهُوَ الَّذِي أَخْيَاكُمْ ثُمَّ يُمْتَكِّمُ ثُمَّ يُحْسِكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ (٦٦)

و اوست که به شما حیات داد، سپس شما را می میراند، آن گاه شما را زنده می کند؛ به یقین که انسان بسیار ناسپاس است.
(۶۶)

لَكُلٌّ أُمَّهٌ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُّسْتَقِيمٍ (٦٧)

برای هر امتی عبادتی ویژه قرار داده ایم که آن را انجام می دهند؛ پس نباید در این امر با تو سیز و نزاع کنند. و به سوی پروردگاری دعوت کن که بی تردید تو بر راهی راست قرار داری. (۶۷)

وَإِنْ بَجَادُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (٦٨)

و اگر با تو [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه برخورد خصمانه کنند و] مجادله سیزآمیز نمایند، بگو: خدا به آنچه انجام می دهید، داناتر است. (۶۸)

الَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْلِفُونَ (٦٩)

خدا روز قیامت درباره آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می کرد، داوری خواهد کرد [تا مؤمنان با ورود به بهشت و سیزه جویان با ورود به دوزخ از هم مشخص و جدا شوند]. (۶۹)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٧٠)

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را در آسمان و زمین است، می داند؟ مسلمًا [همه] این [اعمالی که انجام می دهد] در کتابی [چون لوح محفوظ، ثبت] است [و] بی تردید [ثبت در آن کتاب] بر خدا آسان است. (٧٠)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (٧١)

و [مشر کان] به جای خدا معبدانی را می پرستند که خدا هیچ دلیل و برهانی [نسبت] به [حق بودن] آنها نازل نکرده است؛ و معبدانی را می پرستند که به آن دانشی [برای استدلال بر ربوبیت آنها] ندارند و ستمکاران را [در قیامت] هیچ یاوری نیست. (٧١)

وَإِذَا تُثْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنَكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ كُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمُصِيرُ (٧٢)

و هنگامی که آیات روشن ما را بر آنان می خوانند در چهره های کسانی که کافرند [اثر] انکار [و خشم] را می شناسی، آن چنان که نزدیک است [از شدت خشم] به کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند، بتازند، بگو: آیا شما را به بدتر از این [خشم و ناگواری که از شنیدن قرآن به شما دست می دهد] خبر دهم [آن] آتش [دوزخ] است که خدا آن را به کافران وعده داده است، و بد بازگشت گاهی است. (٧٢)

ص: ٣٤٠

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَإِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلِبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنِدُوْهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ (٧٣)

ای مردم! [برای شما و معبدانتان] مثلی زده شده است؛ پس به آن گوش فرا دهید، یقیناً کسانی که به جای خدا می پرستید، هر گز نمی توانند مگسی بیافرینند اگر چه برای آفریدن آن گرد آیند و اگر مگس، چیزی را از آنان برباید، نمی توانند آن را از او بازگیرند، هم پرستش کنندگان و هم معبدان ناتوانند. (٧٣)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَوِيٌّ عَزِيزٌ (٧٤)

خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناختند، بی تردید خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (٧٤)

اللَّهُ يَضْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (٧٥)

خدا از میان فرشتگان و از میان مردم رسولانی [برای هدایت مردم] بر می گریند [تا فرشتگان وحی را دریافت کنند و به پیامبران برسانند و پیامبران هم وحی را پس از دریافت از فرشتگان به مردم ابلاغ کنند]؛ یقیناً خدا شنو و بیناست. (٧٥)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفُهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٧٦)

همه اعمال و احوال گذشته [رسولان چه فرشته و چه بشر] و [همه اعمال و احوال] آينده آنان را می داند؛ و همه کارها به خدا باز گردانده می شود. (٧٦)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكُعوا وَاسْجُدوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعُلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٧٧)

ای اهل ايمان! رکوع به جا آوريده و سجده نمایيد و پروردگارتان را عبادت کنيد و کار نیک انجام دهيد تا رستگار شويد. (٧٧)

وَجَاهُهُمُوا فِي اللَّهِ حَقًّا جِهَادِهِ هُوَ الْجَبَّابُ كُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَّلَهَ أَيِّكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لَيْكُونُ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَّةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَانَا كُمْ فَيُنَعَّمَ الْمُؤْلَى وَنَعْمَ الْتَّصِيرُ (٧٨)

و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزید و بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد. [در دیستان گشايش و آسانی قرار داد مانند گشايش و آسانی] آين پدرatan ابراهيم، او شما را پيش از اين «مسلمان» ناميده و در اين [قرآن هم به همين عنوان نامگذاري شده ايد] تا پيامبر گواه بر شما باشد و شما هم گواه بر مردم باشيد؛ پس نماز را برپا داريد و زکات را بپردازيد و به خدا تمسيك جوييد. او سرپرست و ياور شماست؛ چه خوب سرپرست و ياوری و چه نيكو ياري دهنده اي است. (٧٨)

ص: ٣٤١

جزء ۱۸

سوره المؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (١)

بي تردید مؤمنان رستگار شدند. (١)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (٢)

آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور قلب] اند. (٢)

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (٣)

و آنان که از [هر گفتار و کردار] بيهوده و بي فايده روی گرداشتند، (٣)

وَالَّذِينَ هُمْ لِلرَّكَاهِ فَاعْلُونَ (٤)

و آنان که پرداخت کننده زکات اند، (۴)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)

و آنان که نگه دارنده دامشان [از شهوت های حرام] اند، (۵)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكُوتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)

مگر در [کام جویی از] همسران یا کنیزانشان، که آنان [در این زمینه] مورد سرزنش نیستند. (۶)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)

پس کسانی [که در بهره گیری جنسی، راهی] غیر از این جویند، تجاوز کار [از حدود حق] هستند. (۷)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸)

و آنان که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند، (۸)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)

و آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی] نمازها یشان محافظت دارند. (۹)

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰)

اینانند که وارثان اند، (۱۰)

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)

وارثانی که [از روی شایستگی] بهشت فردوس را به میراث می بند [و] در آن جاودانه اند. (۱۱)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا إِلِّيْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ (۱۲)

و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده ای از گل آفریدیم، (۱۲)

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳)

سپس آن را نطفه ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم. (۱۳)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَهُ فَخَلَقْنَا الْعَلَقَهُ مُضْغَهُ فَخَلَقْنَا الْمُضْغَهَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

آن گاه آن نطفه را علقه گرداندیم، پس آن علقه را به صورت پاره گوشتی درآوردیم، پس آن پاره گوشت را استخوان های ساختیم و بر استخوان ها گوشت پوشاندیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و با برکت است خدا که نیکوترين آفرینندگان است. (۱۴)

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمْ يَتُوْنَ (۱۵)

سپس همه شما بعد از این می میرید. (۱۵)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ تُبَعَّثُونَ (۱۶)

آن گاه شما مسلمًا روز قیامت برانگیخته می شوید. (۱۶)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فُوقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷)

و بى تردید بالاي سرتان هفت آسمان [که هر يك بر فراز ديگري است] آفريديم، و ما از آفريده ها بى خبر نيسitem. (۱۷)

ص: ۳۴۲

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقِدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابِهِ لَقَادِرُونَ (۱۸)

واز آسمان، آبی به اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جای دادیم؛ و بى تردید به از بين بردن آن کاملاً توانمندیم. (۱۸)

فَأَشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّحِيلٍ وَأَعْبَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَرَاكِهُ كَثِيرٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹)

پس به وسیله آن برای شما باغ هایی از درختان خرما و انگور پدید آوردیم که برای شما در آنها میوه های فراوانی است [که از فروش آنها زندگی خود را اداره می کنید] و [نیز] از آنها می خورید. (۱۹)

وَشَجَرَهُ تَخْرُجٌ مِّنْ طُورِ سَيَّنَاءَ تَبَتُّ بِالْدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلَّا كِلِّيَنَ (۲۰)

و [به وسیله آن] درختی را که از طور سینا بیرون می آید [پدید آوردیم] که برای خورندگان، روغن و نان خورشی می رویاند. (۲۰)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَهُ نُسْقِيْكُمْ مَمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ كَثِيرٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱)

و به یقین برای شما در دام ها عبرتی است، از شیری که در شکم آنهاست به شما می نوشانیم، و در آنها برای شما سودهای

فراوانی است، و از [گوشت] آنها [نیز] می خورید. (۲۱)

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحَمِّلُونَ (۲۲)

و بر آنها و بر کشتی ها حمل می شوید؛ (۲۳)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِي إِنَّمَا تَعْبُدُونَ اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَقَوَّنَ (۲۴)

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبدی جز او برای شما نیست، پس آیا [از پرستش معبدان باطل] نمی پرهیزید؟ (۲۵)

فَقَالَ الْمَلَائِكَةُ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مُّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سِيمِعُنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلَيْنَ (۲۶)

پس سران و اشراف قومش که کافر بودند، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که می خواهد بر شما برتری جوید، و اگر خدا می خواست [پیامبری بفرستد] قطعاً فرشتگانی [را به پیامبری] می فرستاد، ما این [سخنانی] را [که نوح می گوید] میان پدران پیشین خود نشینیده ایم. (۲۷)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جَنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ (۲۸)

او نیست جز مردی که [نوعی] دیوانگی در اوست؛ بنابراین نسبت به او تا مدتی منتظر بمانید [که بمیرد یا از دیوانگی رهایی یابد]. (۲۹)

قَالَ رَبُّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (۳۰)

[نوح] گفت: پروردگار! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده. (۳۱)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْبِرْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْنِتِنَا وَوَحْيَنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التُّورُ فَاسْتَلْكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقُولُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَفُونَ (۳۲)

پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و پیام ما کشتی بساز و هنگامی که فرمان ما به هلاکت آنان بیاید و آن تنور [از آب] فوران کند از هر گونه ای [از حیوان] دو عدد [یکی نر و دیگری ماده] و نیز خانواده ات را وارد کشتی کن، جز افرادی از آنان که فرمان [عذاب] بر او گذشته [و درباره او قطعی شده] است، و درباره کسانی که [به سبب شرک و کفر] ستم ورزیده اند، با من سخن مگویی، زیرا [همه] آنان بدون تردید غرق شدنی اند. (۳۳)

فَإِذَا اشْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلُكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۸)

پس هنگامی که تو و آنان که با تو هستند، بر کشتی سوار شدید، به خاطر این نعمت بگو: همه ستایش‌ها ویژه خداست که ما را از این گروه ستم پیشه نجات داد. (۲۸)

وَقُلْ رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَّكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُتَرَّلِينَ (۲۹)

و بگو: پروردگار! مرا در جایگاهی پرخیر و برکت فرود آور، که تو بهترین فرودآورندگانی. (۲۹)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۳۰)

همانا در این [سرگذشت] نشانه‌هایی [از قدرت، رحمت و انتقام خدا] برای عترت گیرندگان است؛ و یقیناً ما آزمایش کننده بندگانیم. (۳۰)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنَانًا آخَرِينَ (۳۱)

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (۳۱)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مُنْهَمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲)

و پیامبری از خودشان در میان آنان فرستادیم که خدا را پرسید، شما را جز او معبدی نیست، آیا [از پرستش معبدان باطل] نمی‌پرهیزید؟ (۳۲)

وَقَالَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءَ الْمَآخِرِهِ وَأَتْرَفُنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هِيَ بِإِلَّا بَشَرٌ مُّثُلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَسْرِبُ مِمَّا تَسْرَبُونَ (۳۳)

و از سران و اشراف قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند، و آنان را در زندگی دنیا از وسائل و ابزار مادی فراوانی برخوردار کرده بودیم، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که از آنچه شما می‌خورید می‌خورد، و از آنچه شما می‌آشامید می‌آشامد. (۳۴)

وَلَئِنْ أَطْعَمْتَ بَشَرًا مُّثُلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَásِرُونَ (۳۴)

و بی تردید اگر بشری مانند خود را اطاعت کنید، یقیناً زیانکارید. (۳۴)

أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُّخْرَجُونَ (۳۵)

آیا به شما وعده می‌دهد هنگامی که از دنیا رفتید و خاک و استخوان شدید [زنده از گور] بیرون نتان می‌آورند؟ (۳۵)

[از عقل ما] دور است و بسیار دور است آنچه به شما وعده می دهنده، (۳۶)

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاةُ الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷)

جز این زندگی دنیای ما [زنده‌گی دیگری] وجود ندارد، همواره [گروهی] می میریم و [گروهی دیگر] به دنیا می آییم، و ما پس از مرگ برانگیخته نخواهیم شد. (۳۷)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (۳۸)

او نیست مگر مردی که بر خدا افترا بسته است؛ و ما باور کننده او نیستیم. (۳۸)

قَالَ رَبُّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (۳۹)

گفت: پروردگار! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده. (۳۹)

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصِبِّحُنَّ نَادِمِينَ (۴۰)

خدا فرمود: همانا پس از اندک زمانی پشیمان می شوند. (۴۰)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ عَثَاءً فَبَعْدًا لِلنَّاسِ الظَّالِمِينَ (۴۱)

پس فریاد مرگبار [عذاب] آنان را بر [پایه و عده به] حق [ما] فرو گرفت، و آنان را چون خاشاک روی سیل قرار دادیم؛ پس قوم ستمکار [از رحمت خدا] دور باد. (۴۱)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ (۴۲)

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (۴۲)

ص: ۳۴۴

مَا تَسْقِّفُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (۴۳)

هیچ امتی از اجل [معین] خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (۴۳)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَى كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتَبْعَنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (۴۴)

آن گاه پیامبران را پی در پی فرستادیم؛ هر زمان برای امتی پیامبرش می آمد او را تکذیب می کردند، و ما این [امت] ها را به

دنبال یکدیگر هلاک می کردیم و آنان را [به صورت] سرگذشت ها [برای عترت دیگران] قرار دادیم؛ پس ملتی که ایمان نمی آورند از رحمت خدا دور باد. (۴۴)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ إِلَيْآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۴۵)

سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم، (۴۵)

إِلَى فِرَعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبِرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِيًّا (۴۶)

به سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبر ورزیدند؛ و آنان قومی برتری جو بودند. (۴۶)

فَقَالُوا أَنَّوْمِنْ لِبِشَرِّينْ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (۴۷)

و گفتند: آیا به دو بشری که مانند خودمان هستند ایمان بیاوریم در حالی که قوم [و قبیله] آن دو بردگان ما هستند؟ (۴۷)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهَلَّكِينَ (۴۸)

در نتیجه هر دو را تکذیب کردند و از هلاک شدگان شدند. (۴۸)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۴۹)

همانا ما به موسی کتاب دادیم، تا آنان هدایت شوند. (۴۹)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأَمَّهَ آئَةَ وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَهُ ذَاتِ قَوْارِ وَمَعِينٍ (۵۰)

و پسر مریم و مادرش را نشانه [قدرت و رحمت خود] قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی بلند که [دارای] جایگاهی مستقر [و امن] و آبی روان بود، جای دادیم. (۵۰)

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيَّابَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنَّى بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۵۱)

ای پیامبران! از خوردنی های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می دهید، دانایم. (۵۱)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲)

و بی تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماست در حالی که آینی یگانه است، و من پروردگار شمایم؛ بنابراین از من پروا کنید. (۵۲)

فَتَقْطَعُوا أَمْرُهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳)

پس کار [آین] خود را میان خویش قطعه قطعه کردند [و گروه گروه شدند]، در حالی که هر گروهی به آن [آین] که نزد آنان است خوشحال و شادمانند [که آینشان بر حق است]. (۵۳)

فَذَرُهُمْ فِي عَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينَ (۵۴)

پس آنان را در غرقاب گمراهی و جهالشان تا هنگامی [که مرگشان فرا رسد] واگذار. (۵۴)

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَيَنْبَئُنَ (۵۵)

آیا گمان می کنند افزونی و گسترشی که به سبب مال و اولاد به آنان می دهیم، (۵۵)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلَ لَا يَشْعُرُونَ (۵۶)

در حقیقت می خواهیم در عطا کردن خیرات به آنان شتاب ورزیم؟ [چنین نیست] بلکه [آن] در ک نمی کنند [که ما می خواهیم با افزونی مال و اولاد، در تفرقه، طغیان، گمراهی و تیره بختی بیشتری فرو روند]. (۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَحْشِيهِ رَبِّهِمْ مُسْفِقُونَ (۵۷)

یقیناً آنان که از بیم پروردگارشان هراسان و نگرانند، (۵۷)

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۵۸)

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند. (۵۸)

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (۵۹)

و آنان که به پروردگارشان شرک نمی ورزند. (۵۹)

ص: ۳۴۵

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتُوا وَلُؤْبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (۶۰)

و آنان که آنچه را [از] زکات و دیگر اتفاقات در راه خدا] می پردازنند، و در حالی که دل هایشان از اینکه به سوی پروردگارشان [برای محاسبه دقیق] باز می گردند، ترسان است. (۶۰)

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۶۱)

این‌اند که در کارهای خیر می شتابند، و در [انجام دادن] آن [از] دیگران] پیشی می گیرند. (۶۱)

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدِينَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۲)

و هیچ کس را جز به اندازه گنجایش و توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی [چون لوح محفوظ] است که [درباره همه امور آفرینش و نسبت به اعمال بندگان] به درستی و راستی سخن می گوید، و آنان [در پاداش و کیفر] مورد ستم قرار نمی گیرند. (۶۲)

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَهٖ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (۶۳)

[چنین نیست که کافران تکلیف را بیش از اندازه گنجایش و توان خود حس کنند] بلکه دل هایشان از این [حقیقت] در بی خبری عمیقی است، و برای آنان غیر از این [بی خبری] اعمالی [زشت و ناپسند] است که همواره آنها را انجام می دهند، (۶۳)

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَأِرُونَ (۶۴)

تا زمانی که عیاشان و مرفهان آنان را به عذاب بگیریم، ناگهان فریاد و ناله سر دهند و [به آوای بلند] استغاثه کنند. (۶۴)

لَا تَجَأِرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مَنَا لَا تُنَصِّرُونَ (۶۵)

[به آنان گویند:] امروز فریاد و ناله سر ندهید؛ زیرا شما از سوی ما یاری نخواهید شد. (۶۵)

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُثْلَى عَلَيْكُمْ فَكُتُّمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنِكِصُونَ (۶۶)

همانا آیات من را بر شما می خوانند و شما به پشت سرتان به قهقرا بر می گشtid [تا آن را نشنوید!] (۶۶)

مُشَكِّرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجِرُونَ (۶۷)

در حالی که به آن تکبر می ورزیدید [و در بزم] شبانه [خود درباره آن] هذیان می گفتید [و سخنان نامعقول به زبان می آوردید]. (۶۷)

أَفَلَمْ يَدَبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (۶۸)

آیا در این سخن [که وحی خدادست] نیندیشیدند؟ یا مگر [برای اولین بار] کتابی برای آنان آمده است که برای پدران پیشین آنان نیامده بود؟ (۶۸)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ (۶۹)

یا مگر پیامبرشان را [از لحاظ حسب، نسب، درستی، امانت، اخلاق و کرامت] نشناخته اند که منکر او هستند؟ (۶۹)

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّهُ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۰)

یا می گویند: نوعی دیوانگی در اوست؟ [چنین نیست که این یاوه گویان به هم می باشد] بلکه او حق را برای آنان آورده است، و بیشترشان حق را خوش ندارند، (۷۰)

وَلَوْ أَتَيْتُ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُغْرِضُونَ (۷۱)

و اگر حق از هواهای نفس آنان پیروی می کرد، بی تردید آسمانها و زمین و هر که در آنهاست از هم می پاشید [و تباہ می شد؛ چنین نیست که حق از هواهای نفس آنان پیروی کند] بلکه کتاب [ی را که مایه شرف و سربلندی] آنان [است] به آنان داده ایم، ولی آنان از مایه شرف و سربلندی خود روی گردانند. (۷۱)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۷۲)

یا [مگر برای ادای وظیفه ات] مزدی از آنان می خواهی [که پذیرش دعوت برای آنان سنگین است؟] پس مزد پروردگارت بهتر است، و او بهترین روزی دهنده کان است، (۷۲)

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۷۳)

و مسلمًا تو آنان را به راهی راست دعوت می کنی، (۷۳)

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّرَاطِ لَنَا كَبُونَ (۷۴)

و بی تردید کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند از [این] راه منحرف اند. (۷۴)

ص: ۳۴۶

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٌّ لِلْجُوَافِي طُعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۵)

و اگر به آنان رحم کنیم و آسیب و گزندی را که دچار آن هستند [از آنان] برطرف سازیم، باز هم سرگردان و متحریر در سرکشی و طغیانشان لجاجت می ورزند. (۷۵)

وَلَقَدْ أَخْذَنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (۷۶)

همانا ما آنان را به بلاها و آسیب ها [ی دنیایی] گرفتیم، ولی نه برای پروردگارشان فروتنی کردند و نه به پیشگاهش زاری می کنند، (۷۶)

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۷)

تا هنگامی که دری از عذابی سخت به روی آنان بگشایم، ناگهان در آن حال از همه چیز مایوس و نومید می شوند؛ (۷۷)

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئَدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (٧٨)

و اوست که برای شما گوش و دیده و دل پدید آورد، ولی اندکی سپاس گزاری می کنید، (٧٨)

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٧٩)

و اوست که شما را در زمین آفرید و عاقبت به سوی او گردآوری می شوید، (٧٩)

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ الْحِلَافُ اللَّهُ وَاللَّهُرِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٨٠)

و اوست که حیات می دهد و می میراند و رفت و آمد شب و روز در سیطره خواست اوست، آیا نمی اندیشید؟ (٨٠)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (٨١)

[نه اینکه نمی اندیشند] بلکه مانند همان [سخنان یاوه و بی منطق] را گفتند که پیشینیان گفتند، (٨١)

قَالُوا إِذَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَبْغُوثُونَ (٨٢)

گفتند: [که] آیا زمانی که بمیریم و خاک و استخوان شویم حتماً برانگیخته می شویم؟ (٨٢)

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلِ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (٨٣)

همانا این [برانگیخته شدن] را پیش از این به ما و پدرانمان و عده دادند [ولی] این جز افسانه خرافی پیشینیان نیست؛ (٨٣)

قُلْ لَمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٨٤)

بگو: اگر معرفت و شناخت دارید، بگویید: زمین و هر که در آن است از کیست؟ (٨٤)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٨٥)

خواهند گفت: از خدادست. بگو: با این حال آیا متذکر نمی شوید؟ (٨٥)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْكَرْشِ الْعَظِيمِ (٨٦)

بگو: مالک آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟ (٨٦)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (٨٧)

خواهند گفت: [آنها هم] در سیطره مالکیت خدادست. بگو: آیا [از پرستش بتان] نمی پرهیزید؟ (٨٧)

قُلْ مَنْ يَبْدِئِهِ مَلَكُوتُ كُلٌّ شَيْءٍ وَهُوَ يُحِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۸)

بگو: اگر معرفت و شناخت دارید [بگویید]: کیست که [حاکمیت مطلق و] فرمانروایی همه چیز به دست اوست و او پناه دهد و برخلاف خواسته اش به کسی [از عذاب] پناه داده نمی شود. (۸۸)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَانَىٰ تُسْخَرُونَ (۸۹)

خواهند گفت: [این ویژگی ها] فقط برای خداد است. بگو: پس چگونه [بازیچه] نیرنگ و افسون می شوید [و از راه خدا منحرفたن می کنند!؟] (۸۹)

ص: ۳۴۷

بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۹۰)

چنین نیست [که آنان می گویند] بلکه ما حق را برای آنان آورده ایم، و بی تردید آنان دروغگویند. (۹۰)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعْهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصْفُونَ (۹۱)

خدا هیچ فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبدی با او نیست؛ [اگر جز خدا معبدی بود] در این صورت هر معبدی [برای آنکه به تنها ی و مستقل تدبیر امور کند] آفریده های خود را با خود می برد [و از مدار تصرف دیگر معبدان خارج می کرد] و بر یکدیگر برتری می جستند. متنه و پاک است خدا از آنچه [او را به آن] وصف می کنند. (۹۱)

عَالِمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشَرِّكُونَ (۹۲)

[همان] دانای نهان و آشکار؛ پس او از آنچه برایش شریک می گیرند، برتر است. (۹۲)

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِينَى مَا يُوَعَدُونَ (۹۳)

بگو: پروردگارا! اگر آن [عذابی] را که به آنان وعده می دهند، به من بنمایانی؛ (۹۳)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۹۴)

پس پروردگارا! مرا در میان گروه ستمکاران قرار مده [و با آنان قرین عذاب مکن]. (۹۴)

وَإِنَّا عَلَى أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (۹۵)

و به یقین ما تواناییم آن عذابی که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم. (۹۵)

اَدْفَعْ بِالْتَّى هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ تَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (٩٦)

بدی را با بهترین شیوه دفع کن؛ ما به آنچه که [مشرکان به ناحق ما را به آن] وصف می کنند، داناتریم. (٩٦)

وَقُلْ رَبِّ اَغُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (٩٧)

و بگو: پروردگار! از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می آورم، (٩٧)

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ (٩٨)

و پروردگار! به تو پناه می آورم از اینکه [شیطان ها] نزد من حاضر شوند. (٩٨)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (٩٩)

[دشمنان حق از دشمنی خود باز نمی ایستند] تا زمانی که یکی از آنان را مرگ در رسید، می گوید: پروردگار! مرا [برای جبران گناهان و تقصیرهایی که از من سرزده به دنیا] بازگردان؛ (٩٩)

لَعَلَّی أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرْكَتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَاتِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرَّخَ إِلَیٰ يَوْمٍ يُبَعَثُونَ (١٠٠)

امید است در [برابر] آنچه [از عمر، مال و ثروت در دنیا] واگذاشته ام کار شایسته ای انجام دهم. [به او می گویند:] این چنین نیست [که می گویی] بدون تردید این سخنی بی فایده است که او گوینده آن است، و پیش رویشان برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند. (١٠٠)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (١٠١)

پس هنگامی که در صور دمیده شود، در آن روز نه میانشان خویشاوندی و نسبی وجود خواهد داشت و نه از اوضاع و احوال یکدیگر می پرسند؛ (١٠١)

فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (١٠٢)

پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین [و باارزش] است، همانانند که رستگارند. (١٠٢)

وَمَنْ حَفَظَ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (١٠٣)

و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک [و بی ارزش] است، همانانند که سرمایه وجودشان را از دست داده و در دوزخ جاودانه اند. (١٠٣)

تَلْفُحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ (١٠٤)

آتش [همواره] صورت هایشان را می سوزاند، و آنان در آنجا [از شدت سوختگی] زشت رویانی بد منظرند! (۱۰۴)

ص: ۳۴۸

أَلْمَ تَكُنْ آيَاتِي تُلَى عَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۰۵)

[خداده آنان می گوید:] آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما [همواره] آنها را تکذیب می کردید؟ (۱۰۵)

قَالُوا رَبَّنَا غَبَّتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۱۰۶)

می گویند: پروردگارا! تبره بختی و شقاوت ما بر ما چیره شد، و ما گروهی گمراه بودیم. (۱۰۶)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِّمُونَ (۱۰۷)

پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آر، پس اگر [به بدی ها و گمراهی ها] بازگشیم، بی تردید ستمکار خواهیم بود. (۱۰۷)

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ (۱۰۸)

[خداده] می گوید: [ای سگان!] در دوزخ گم شوید و با من سخن مگویید! (۱۰۸)

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاعْغِزْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۰۹)

[به یاد دارید که] گروهی از بندهای من بودند که می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی. (۱۰۹)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مَنْهُمْ تَضْحَكُونَ (۱۱۰)

ولی شما آنان را به مسخره گرفتید، تا [دل مشغولی شما به مسخره آنان] یاد مرا از خاطرتان برد، و شما همواره به [ایمان، عمل و دعاها] آنان می خندييد!! (۱۱۰)

إِنِّي جَزِيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائزُونَ (۱۱۱)

من امروز آنان را در برابر صبری که [نسبت به مسخره و خنده شما] کردند پاداش دادم که همه آنان کامیابند. (۱۱۱)

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِّيَ (۱۱۲)

[خداده] می گوید: از جهت شمار سال ها چه مدت در زمین درنگ داشتید؟ (۱۱۲)

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِيَنَ (۱۱۳)

می گویند: روزی یا بخشی از روزی، ولی [ای پرسنده!] از شمارندگان [پیشگاه خود] بپرس. (۱۱۳)

قالَ إِنَّ لِيَشْمُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴)

[خدا] می گوید: اگر معرفت و شناخت می داشتید [می دانستید که] جز اندکی درنگ نکرده اید، (۱۱۴)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا حَلَقْنَا كُمْ عَبَّاً وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجِعُونَ (۱۱۵)

آیا پنداشته اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم، و اینکه به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ (۱۱۵)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهٌ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (۱۱۶)

پس برتر است خدا آن فمانروای حق [از آنکه کارش بیهوده و عبث باشد]، هیچ معبودی جز او نیست، [او] پروردگار عرش نیکو و بالرزش است. (۱۱۶)

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۱۱۷)

و هر کس با خدا معبود دیگری بپرستد [که] هیچ دلیلی بر حقایقت آن ندارد، حسابش فقط نزد پروردگار اوست؛ بدون تردید کافران، رستگار نمی شوند. (۱۱۷)

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنَّتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۱۸)

و بگو: پروردگار! [مرا] بیامرز و [بر من] رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی. (۱۱۸)

ص: ۳۴۹

سوره النور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاها وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

[این] سوره ای است که آن را [از افق دانش خود] فرود آورده ایم و [اجرای احکام و معارف آن را] لازم و واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن نازل کردیم، تا متذکر و هوشیار شویم. (۱)

الْزَانِيْهُ وَالْزَانِيْ فَاجْلِدُوْا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَهَ جَلْدٍ وَلَا تَأْخُذْ كُمْ بِهِمَا رَأْفَهٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْسْهُمْ عَذَابَهُمَا طَائِفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ (۲)

به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، باید شما را در [اجرای] دین خدا درباره آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرد، و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند. (۲)

الرَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَهُ أَوْ مُشْرِكَهُ وَالرَّانِيَهُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانِي أَوْ مُشْرِكَ وَحُرْمَهُ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۳)

مرد زناکار نباید جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج کند، وزن زناکار نباید جز با مرد زناکار یا مشرک ازدواج نماید، و این [ازدواج] بر مؤمنان حرام شده است. (۳)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَهُ شَهِدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدًا وَلَا تَقْبِلُوا لَهُمْ شَهَادَةَ أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴)

و کسانی که زنان عفیفه پاکدامن را به زنا متهم می کنند، سپس چهار شاهد نمی آورند، پس به آنان هشتاد تازیانه بزنید، و هر گز شهادتی را از آنان نپذیرید، و اینانند که در حقیقت فاسق اند. (۴)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و مفاسد خود را اصلاح نمایند که بدون تردید خدا [نسبت به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَهُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۶)

و کسانی که همسران خود را متهم به زنا می کنند و بر آنان شاهدانی جز خودشان نباشد، پس هر کدام از آن شوهران [برای اثبات اتهامش] باید چهار بار شهادت دهد که سو گند به خدا، او [درباره همسرش] در این زمینه قطعاً راست می گوید، (۶)

وَالْخَامِسَهُ أَنَّ لَغَنَتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۷)

و [شهادت] پنجم این است که [بگوید]: لعنت خدا بر او باد اگر [در این اتهام بستن] دروغگو باشد؛ (۷)

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۸)

و مجازات را از آن زنی که مورد اتهام قرار گرفته دفع می کند اینکه چهار بار شهادت دهد که سو گند به خدا، آن مرد دروغگوست، (۸)

وَالْخَامِسَهُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۹)

و [شهادت] پنجم این است که [بگوید]: خشم خدا بر او باد اگر [آن مرد در این اتهام بستن] راستگو باشد. (۹)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَابُ حَكِيمٌ (۱۰)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، و اینکه خدا بسیار توبه پذیر و حکیم است [به کیفرهای بسیار سختی دچار می شدید]. (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصِّيَّ بِهِ مَنْكُمْ لَا تَحْسِبُوهُ شَرًا لَّكُمْ إِلَّا امْرِئٌ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّ كِبَرُهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱)

به یقین کسانی که آن تهمت [بزرگ] را [درباره یکی از همسران پیامبر به میان] آوردند، گروهی [هم دست و هم فکر] از [میان] خود شما بودند، آن را برای خود شری مپندارید، بلکه آن برای شما خیر است، برای هر مردی از آنان کیفری به میزان گناهی است که مرتکب شده، و آن کس که بخش عده آن را بر عهده گرفته است، برایش عذابی بزرگ است. (۱۱)

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمَنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۱۲)

چرا هنگامی که آن [تهمت بزرگ] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن به خودشان گمان نیک نبردند [که این تهمت کار اهل ایمان نیست] و نگفتند: این تهمتی آشکار [از سوی منافقان] است؟! [که می خواهند در میان اهل ایمان فتنه و آشوب و بدینی ایجاد کنند] (۱۲)

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَهِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۳)

چرا بر آن تهمت، چهار شاهد نیاوردند؟ و چون شاهدان را نیاوردند، پس خود آنان نزد خدا محکوم به دروغگویی اند؛ (۱۳)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ لَمَسَكُمْ فِي مَا أَفْضَلْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴)

و اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و آخرت بر شما نبود، به یقین به خاطر آن تهمت بزرگی که در آن وارد شدید، عذابی بزرگ به شما می رسید. (۱۴)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْسِتَّكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسِبُونَهُ هَيْنَا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵)

چون [که آن تهمت بزرگ را] زبان به زبان از یکدیگر می گرفتید و با دهان هایتان چیزی می گفتید که هیچ معرفت و شناختی به آن نداشتید و آن را [عملی] ناچیز و سبک می پنداشتید و در حالی که نزد خدا بزرگ بود. (۱۵)

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمْ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶)

و چرا وقتی که آن را شنیدید نگفتد: ما را نسزد [و هیچ جایز نیست] که به این تهمت بزرگ زبان بگشاییم، شگفتا! این بهتانی بزرگ است. (۱۶)

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۷)

خدا شما را اندرز می دهد که اگر ایمان دارید، هرگز مانند آن را [در حق کسی] تکرار نکنید. (۱۷)

وَيَبْيَنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۸)

و خدا آیات [خود] را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (۱۸)

إِنَّ الَّذِينَ يُحْبِّونَ أَن تَشْيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱۹)

کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی در دنیا ک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می شناسد و شما نمی شناسید. (۱۹)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۲۰)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، و اینکه خدا رؤوف و مهربان است [به کیفرهای بسیار سختی دچار می شدید]. (۲۰)

ص: ۳۵۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَعَلَّكُمْ تَتَبَعُونَ حُطُوطَ الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ حُطُوطَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۱)

ای مؤمنان! از گام های شیطان پیروی نکنید؛ و هر که از گام های شیطان پیروی کند [هلاک می شود] زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می دهد؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، هرگز احدي از شما [از عقاید باطل و اعمال و اخلاقی ناپسند] پاک نمی شد، ولی خدا هر که را بخواهد پاک می کند؛ و خدا شنوا و داناست. (۲۱)

وَلَمَّا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَهُ أَن يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَيَعْفُوا وَلَيَصْفِحُوا أَلَا تَحْبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲)

و از میان شما کسانی که دارند گان ثروت و گشايش مالی هستند، نباید سوگند یاد کنند که از انفاق مال به خویشاوندان و تهی دستان و مهاجران در راه خدا دریغ ورزند، و باید [بدی آنان را که برای شما مؤمنان توانگر سبب خودداری از انفاق شده] عفو کنند و از مجازات در گذرند؛ آیا دوست نمی دارید خدا شما را بیامرزد؟ [اگر دوست دارید، پس شما هم دیگران را مورد عفو و گذشت قرار دهید]؛ و خدا بسیار آمرزنه و مهربان است. (۲۲)

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲۳)

بی تردید کسانی که زنان عفیفه پاکدامن با ایمان را [که از شدت ایمان از بی عفتی و گناه بی خبرند] متهم به زنا کنند، در دنیا و آخرت لعنت می شوند، و برای آنان عذابی بزرگ است. (۲۳)

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

[در] روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان بر ضد آنان به گناهانی که همواره انجام می دادند، شهادت دهنند. (۲۴)

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقُّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵)

در آن روز خدا کیفر به حق آنان را به طور کامل می دهد، و خواهند دانست که خدا همان حق آشکار است. (۲۵)

الْخَيْثَاتُ لِلْخَيْثَيْنَ وَالْخَيْثُونَ لِلْخَيْثَاتِ وَالْطَّيْثَاتُ لِلْطَّيْثَيْنَ وَالْطَّيْثُونَ لِلْطَّيْثَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

(۲۶)

زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلیدند، و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک اند، این پاکان از سخنان ناروایی که [تهمت زندگان] درباره آنان می گویند، میرا و پاک هستند، برای آنان آمرزش و رزق نیکویی است. (۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۲۷)

ای اهل ایمان! به خانه های غیر از خانه های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید، و بر اهل آنها سلام کنید، [رعایت] این [امور اخلاقی] برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید. (۲۷)

ص: ۳۵۲

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸)

نهایتاً اگر کسی را در آنها نیافتید، پس وارد آن نشوید تا به شما اجازه دهند، و اگر به شما گویند: برگردید، پس برگردید که این برای شما پاکیزه تر است، و خدا به آنچه انجام می دهید، دانست. (۲۸)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبَدِّلُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲۹)

و بر شما گناهی نیست که به خانه های غیر مسکونی که در آنها کالا و متعای و سودی دارید وارد شوید، و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارد، می داند. (۲۹)

قُل لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰)

به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهنده، آگاه است. (۳۰)

وَقُل لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبَدِّلْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَيُضْرِبَنَ بِخُمُرِهِنَ عَلَى جُبُوبِهِنَ وَلَا يُبَدِّلْنَ زِينَتَهُنَ إِلَّا لِبَعْوَلَتِهِنَ أَوْ آبَاءِهِنَ أَوْ أَبْنَائِهِنَ أَوْ أَبْنَاءِ بَعْوَلَتِهِنَ أَوْ إِخْوَانِهِنَ أَوْ يَئِنِي إِخْوَانِهِنَ أَوْ

نِسَةٌ أَئْهَنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلَى الْإِمْارَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الْطَّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبُنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُحْفِيْنَ مِنْ زِيَّتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُمْ مُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)

و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندن، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس های زیبا، گوشواره و گردنبند] مگر مقداری که [طبعتاً مانند انگشت و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردنبند و سینه] مفعنه های خود را به روی گربیان هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل اند و نیاز شهوانی حس نمی کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت هایشان پنهان می دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید. (۳۱)

ص: ۳۵۳

وَأَنِّكُحُوا الْأَيَامِيْ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءٍ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْمٌ (۳۲)

[مردان و زنان] بی همسرتان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست اند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۳۲)

وَلِيُّشِّتَعْفِفُ الَّذِينَ لَمَ يَجِدُوْنَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْتَهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَمْتَعُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَانُوْهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَمَا تُكْرِهُوْا فَتَتَّهِيَّا تِكْمُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبَتَّغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهُهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۳)

و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی یابند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگران سازد. و کسانی از بردگانتان که درخواست نوشتن قرارداد [برای فعالیت اقتصادی و پرداخت مبلغی به مالک خود برای آزاد شدن] دارند، اگر در آنان [برای عقد این قرارداد] شایستگی سراغ دارید با آنان قرارداد بیندید، و چیزی از مال خدا را که به شما عطا کرده است به آنان بدهید، و کنیزان خود را که می خواهند پاکدامن باشند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا و ادار مکنید، و هر که آنان را وادار [به زنا] کند، به یقین خدا پس از مجبور شدنشان [نسبت به آنان] بسیار آمرزند و مهربان است. (۳۳)

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَهُ لِلْمُتَّقِينَ (۳۴)

و بی تردید آیاتی روشن و سرگذشتی از آنان که پیش از شما در گذشتند و پندی برای پرهیز کاران به سوی شما نازل کردیم. (۳۴)

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثُلُّ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرْرِيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ
مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَهِ وَلَا غَرَبَيْهِ يَكَادُ زَيْنُهَا يُضَىءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٣٥)

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان
قندیل بلورینی است، که آن قندیل بلورین گویی ستاره تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه
شرقی است و نه غربی افروخته می شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن
نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثل ها
می زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست. (٣٥)

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ (٣٦)

[این نور] در خانه هایی است که خدا اذن داده [شأن و متزلت و قدر و عظمت آنها] رفعت یابند و نامش در آنها ذکر شود،
همواره در آن خانه ها صبح و شام او را تسبيح می گويند. (٣٦)

ص: ٣٥٤

رِجَالٌ لَا تُلْهِيْهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَبْيَعُ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيَّاتِ الزَّكَاهِ يَحَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (٣٧)

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد، [و] پیوسته از روزی که
دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود، می ترسند. (٣٧)

لِيَجْزِيْهِمُ اللَّهُ أَخْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٣٨)

[این گونه عمل می کنند] تا خدا آنان را بر [پایه] نیکوترین عملی که انجام داده اند پاداش دهد، و از فضلش برای آنان
بیفزاید، خدا به هر که بخواهد بی حساب روزی می دهد. (٣٨)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسِيرَابٍ بِقِيعَهِ يَحْسِبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَاهُ حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ
الْحِسَابِ (٣٩)

و کافران اعمالشان مانند سرابی در بیابانی مسطح و صاف است که تشنیه، آن را [از دور] آب می پسدارد، تا وقتی که به آن
رسد آن را چیزی نیابد، و خدا را نزد اعمالش می یابد که حسابش را کامل و تمام می دهد، و خدا حسابرسی سریع است.
(٣٩)

أَوْ كَظُلْمَاتٍ فِي بَحْرٍ لَجَّيْ يَعْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَيْحَابٌ ظُلْمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُدْ يَرَاهَا وَمَنْ
لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (٤٠)

یا [اعمالشان] مانند تاریکی هایی است در دریایی بسیار عمیق که همواره موجی آن را می پوشاند، و بالای آن موجی دیگر است، و بر فراز آن ابری است، تاریکی هایی است برخی بالای برخی دیگر؛ [متلاعی این امواج و تاریکی ها] هرگاه دستش را بیرون آورد، بعد است آن را ببیند. و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده است، برای او هیچ نوری نیست. (۴۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالظَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱)

آیا ندانسته ای که هر که در آسمان ها و زمین است و پرندگان بال گشوده، خدا را تسبیح می گویند؟ به یقین هریک نماز و تسبیح خود را می داند؛ و خدا به آنچه انجام می دهنده داناست. (۴۱)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۴۲)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خدادست، و بازگشت همه به سوی خدادست. (۴۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزِّجِي سَيَاحَابًا ثُمَّ يُوَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامِيًّا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلْمَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيَصِيبُ بِهِ مَنِ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنِ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَابَرِقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

آیا ندانسته ای که خدا ابری را [به آرامی] می راند، آن گاه میان [اجزای] آن پیوند برقرار می کند، سپس آن را انبوه و متراکم می سازد، پس می بینی که باران از لابلای آن بیرون می آید، و از آسمان از کوه هایی که در آن ابر یخ زده است، تگرگی فرو می ریزد، پس آسیب آن را به هر که بخواهد برطرف می کند، نزدیک است درخشندگی برقص دیده ها را کور کند. (۴۳)

ص: ۳۵۵

يُقْلِبُ اللَّهُ الْلَّيلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولَى الْأَبْصَارِ (۴۴)

خدا شب و روز را [دگرگون و] جابجا می کند؛ مسلمًا در این دگرگونی و جابجایی عبرتی برای صاحبان بصیرت است. (۴۴)

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَائِبٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنِ يَمْسِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنِ يَمْسِي عَلَى رِجْلَيْهِ وَمِنْهُمْ مَنِ يَمْسِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۵)

و خدا هر جنبده ای را از آبی [که به صورت نطفه بود] آفرید، پس گروهی از آنها بر شکمشان راه می روند، و برخی از آنها به روی دو پا حرکت می کنند، و بعضی از آنها به روی چهار پا راه می روند. خدا آنچه را بخواهد می آفریند؛ مسلمًا خدا بر هر کاری تواناست. (۴۵)

لَقَدْ أَنَّ لَنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنِ يَشَاءُ إِلَيْ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۶)

همانا آیاتی روش نازل کردیم؛ و خدا هر که را بخواهد به راهی راست راهنمایی می کند. (۴۶)

وَيَقُولُونَ آمَنَا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطْعَنَا ثُمَّ يَتَوَلَّ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (٤٧)

و می گویند: به خدا و این پیامبر ایمان آور دیم و اطاعت کردیم، سپس گروهی از آنان پس از این [اعتراف] روی می گردانند، و اینان مؤمن [واقعی] نیستند. (۴۷)

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُحْكَمْ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ (٤٨)

و زمانی که آنان را به سوی خدا و پیامبرش می خوانند تا [نسبت به اختلافاتی که دارند] میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی گردان می شوند. (۴۸)

وَإِنْ يَكُنْ لَّهُمُ الْحُقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (٤٩)

ولی اگر [بغهنند که] داوری حق به سود آنان می باشد، مطیعانه به سوی آن آیند. (۴۹)

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٥٠)

آیا در دل هایشان بیماری [نفاق] است یا [در دین خدا] شک کرده اند یا می ترسند که خدا و پیامبرش بر آنان ستم کند؟ [چنین نیست] بلکه اینان خود ستمکارند. (۵۰)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُحْكَمْ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٥١)

گفتار مؤمنان هنگامی که آنان را به سوی خدا و پیامبرش می خوانند تا میانشان داوری کند، فقط این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و اینانند که رستگارند. (۵۱)

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِرُونَ (٥٢)

و کسانی که از خدا و پیامبرش اطاعت کنند و از خدا بترسند و از او پروا نمایند، پس آنان همان کامیابانند. (۵۲)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمْرَتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (٥٣)

و با سخت ترین سوگند هایشان به خدا سوگند خوردنده که اگر به آنان [برای بیرون رفتن به سوی جهاد] فرمان دهی حتماً بیرون می روند، بگو: سوگند نخورید، [آنچه بر شما واجب است] اطاعت پسندیده است [نه سوگند]، به یقین خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۵۳)

ص: ۳۵۶

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۵۴)

بگو: خدا را [در همه امور] اطاعت کنید و این پیامبر را نیز اطاعت کنید؛ پس اگر روی بگردانید [زیانی متوجه پیامبر نمی شود، زیرا] بر او فقط آن [مسئولیتی] است که بر عهده اش نهاده شده و بر شما هم آن [مسئولیتی] است که بر عهده شما نهاده شده است. و اگر او را اطاعت کنید هدایت می یابید. و بر عهده این پیامبر جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست. (۵۴)

وَعِيدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيُسَيِّدَ تَحْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَهْلَكُوا الْأَرْضَ كَمَا اسْتَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَمْكَنَ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق اند. (۵۵)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۶)

و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید، و این پیامبر را اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۵۶)

لَا تَحْسِبُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلِبِئْسَ الْمَصِيرُ (۵۷)

گمان مکن کسانی که کافر شدند [برای آنان میسر است که] عاجز کننده [خدا] در زمین باشد [تا بتوانند از دسترس قدرت او بیرون روند]؛ و جایگاهشان آتش است، و بد جایگاهی است. (۵۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكُتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَنْلُغُوا الْحُلْمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاهِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصَعُّونَ ثَيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَهِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاهِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُ كُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸)

ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده اند [هنگام ورود به خلوت خانه شخصی شما] سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و هنگام [استراحت] نیم روز که جامه هایتان را کنار می نهیلند، و پس از نماز عشا؛ [این زمان ها] سه زمان خلوت شماست، بعد از این سه زمان بر شما و آنان گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند؛ زیرا آنان] همواره نزد شما در رفت و آمدند و با یکدیگر نشست و برخاست دارید. این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (۵۸)

ص: ۳۵۷

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلْمَ فَلَيُسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

و هنگامی که کودکان شما به مرز بلوغ رسیدند، باید [برای ورود به خلوت خانه شخصی شما] اجازه بگیرند، همان گونه که

کسانی که پیش از آنان [به مرز بلوغ رسیده بودند] اجازه می گرفتند. خدا این گونه آیاتش را برای شما بیان می کند؛ و خدا دانا و حکیم است. (۵۹)

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَئِسَ عَلَيْهِنَ جُنَاحٌ أَنْ يَضْعُفْنَ إِنَّمَا مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)

و بر زنان از کار افتاده ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ و خدا شنوای داناست. (۶۰)

لَيْسَ عَلَى الْمَأْعَمِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوِتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَمَهَاتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَخْوَاتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ خَالِاتِكُمْ أَوْ مَا يَأْكُلُونَ مَفَاتِحَهُ أَوْ صِدِيقَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بَيْوَاتًا فَسِلْمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحْيَهَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَهُ طَيِّبَهُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱)

بر نایینا و لنگ و بیمار و خود شما گناهی نیست که [بدون هیچ اجازه ای از خانه هایی که ذکر می شود، غذا] بخورید: از خانه های خودتان، یا خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمه هایتان، یا خانه های دایی هایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا خانه هایی که کلیدهایشان در اختیار شماست، یا خانه های دوستانتان؛ بر شما گناهی نیست که [با دیگر اعضای خانواده خود] دسته جمعی یا جدا جدا غذا بخورید. پس هرگاه به خانه هایی [که ذکر شد] وارد شدید، بر خودتان سلام کنید که درودی است از سوی خدا [دروزی] پربرکت و پاکیزه، خدا این گونه آیات را برای شما بیان می کند تا بیندیشید. (۶۱)

ص: ۳۵۸

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهُبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوْهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيُعْضِلَ شَأْنِهِمْ فَأَذِنْ لَمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۲)

مؤمنان فقط آنانند که به خدا و پیامبر ایمان آورده اند، و هنگامی که بر سر کار مهمی [که طبیعتاً مردم را گرد هم می آورد] با پیامبر باشند تا از او اجازه نگیرند [از نزد او] نمی روند. به راستی کسانی که [برای رفتن] از تو اجازه می گیرند، آنانند که به خدا و پیامبر ایمان دارند. پس هنگامی که برای برخی از کارهایشان از تو اجازه می خواهند، به هر کدام از آنان که خواستی اجازه بده و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۶۲)

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَمْ دُعَاءٌ بَعْضٌ كَمْ بَعْضاً قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ مِنْكُمْ لِوَادِأَ فَلَيْحِيْدَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبِهِمْ فِتْنَهُ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ (۶۳)

دعوت پیامبر را [به ایمان، عمل صالح و امور اجتماعی] در میان خود مانند دعوت بعضی از شما از بعضی دیگر قرار ندهید.

خدا کسانی از شما را که برای [بی اعتنایی به دعوت پیامبر] با پنهان شدن پشت سر دیگران آهسته از نزد او بیرون می روند می شناسد. پس باید کسانی که از فرمانش سرپیچی می کنند، بر حذر باشند از اینکه بلایی [در دنیا] یا عذابی در دنیاک [در آخرت] به ایشان رسد. (۶۳)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَالَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَبَيِّنُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۴)

آگاه باشید! که آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست. به یقین آنچه را که شما [از حالات، اعمال و خواسته ها] بر آن هستید می داند، و روزی را که [برای حسابرسی] به سوی او باز گردانده می شوند، پس آنان را به آنچه انجام داده اند، آگاه می کند و خدا به همه چیز داناست. (۶۴)

سوره الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيُكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱)

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرقان را [که قرآن جدا کننده حق از باطل است] به تدریج بر بنده اش نازل کرد، تا برای جهانیان بیم دهنده باشد. (۱)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (۲)

همان که فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست و فرزندی برای خود نگرفته است و در فرمانروایی شریکی ندارد و هر چیزی را آفریده و آن را به اندازه قرار داده، اندازه ای درست و دقیق. (۲)

ص: ۳۵۹

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ لَأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا (۳)

و [مشرکان] به جای او معبودانی اختیار کرده اند که چیزی را نمی آفرینند و خود آفریده می شوند، و برای خودشان مالک زیان و سودی نیستند، و قدرت و تسلطی بر مرگ و حیات و برانگیختن پس از مرگ ندارند، (۳)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعْانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (۴)

و کافران گفتند: این [قرآن] چیزی نیست جز دروغی که [پیامبر] آن را از پیش خود ساخته و دیگران او را بر ساختن آن یاری داده اند، بی تردید [با این نسبت ناروا] مرتکب ستیمی سنگین و دروغی بزرگ [و تهمتی زشت] شده اند. (۴)

وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَسَبُهَا فَهِيَ تُنَمَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۵)

و گفتند: افسانه های مکتوب پیشینیان است که نوشتن [از روی] آنها را از [نویسنده گان] درخواست کرده است و آن [نوشته] ها

هر صبح و شام بر او خوانده می شود [تا حفظ کند و بر ما بخواند و بگوید: این وحی آسمانی است!!] (۵)

قُلْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ الَّذِي يَعْلَمُ السَّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۶)

بگو: آن را کسی نازل کرده است که همه نهان ها را در آسمان ها و زمین می داند، همانا او همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۶)

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا (۷)

و گفتند: این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده که همراه او بیم دهنده باشد؟ (۷)

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (۸)

یا [چرا] گنجی به سوی او افکنده نمی شود؟ یا بااغی برای او نمی باشد که از [میوه های] آن بهره مند شود؟ و ستمکاران گفتند: [ای مردم!] شما جز مردی جادو شده را پیروی نمی کنید!! (۸)

انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَيِّلًا (۹)

بنگر که چگونه [و برپایه چه امور نامعقولی] اوصافی برای تو بیان کردند، پس [به سبب لجاجت، تکبر، دشمنی و تعصب] گمراه شدند و نمی توانند راهی [به سوی حق] بیابند. (۹)

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا (۱۰)

همیشه سودمند و بابرکت است آنکه اگر بخواهد بهتر از آن را [در دنیا] برای تو قرار می دهد، بوستان هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری باشد، و قصرهایی [استوار و مجلل] برای تو مقرر می نماید. (۱۰)

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعِهِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعِهِ سَعِيرًا (۱۱)

[همه این مطالب و خواسته های نامعقول بجهانه است] بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده اند [و به این سبب نبوت تو را باور نمی کنند] و ما برای آنان که قیامت را تکذیب کنند، آتشی سوزان آماده کرده ایم. (۱۱)

ص: ۳۶۰

إِذَا رَأَتُهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيِّظًا وَزَفِيرًا (۱۲)

که وقتی [آن آتش سوزان] آنان را از مکانی دور بینند، از آن [نعره] خشم و خروشی هولناک بشنوند، (۱۲)

وَإِذَا أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (۱۳)

و هنگامی که آنان را در حالی که با غل و زنجیر به هم بسته شده اند در مکانی تنگ از آن آتش سوزان بیفکتند، در آنجا فریاد مرگ خواهی سر دهند. (۱۳)

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا (۱۴)

[به آنان می گویند:] امروز یک بار درخواست مرگ نکنید، بلکه بسیار درخواست مرگ کنید. (۱۴)

قُلْ أَذْلِكَ خَيْرٌ أُمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (۱۵)

بگو: آیا این [آتش سوزان] بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیز کاران و عده داده اند که پاداش و بازگشت گاه آنان است؟ (۱۵)

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَغُدًا مَسْئُولًا (۱۶)

در آنجا هر چه بخواهند در حالی که جاودانه اند برای آنان فراهم است، این بر عهده پروردگارت و عده ای است درخواست شده [و مورد انتظار اهل ایمان از خدای بخشندۀ و کریم]. (۱۶)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيُقُولُ أَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أُمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (۱۷)

و [یاد کن] روزی را که آنان را با معبدانی که به جای خدا می پرستیدند، محشور می کنند، پس [به آن معبدان] می گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟ (۱۷)

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَتَبَغِي لَنَا أَنْ تَنْجِدَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أُولِيَاءِ وَلَكِنْ مَتَعَظَّهُمْ وَآبَاءُهُمْ حَتَّى نَسْوَا الْذُكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (۱۸)

پاسخ می دهند: شگفتا! سزاوار ما نبود که در برابر تو دوستان و پیروانی برای [پرستش] خود بگیریم، ولی تو اینان و پدرانشان را [از نعمت ها] برخوردار کردی [و آنان به جای شکر نعمت ها چنان در شهوات غرق شدند] تا آنکه یاد تو را فراموش کردند و گروهی هلاکت یافته شدند. (۱۸)

فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيْعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمْ مُنْكِمْ نُذِقُهُ عَذَابًا كَيْرًا (۱۹)

[خدا می گوید: این معبدان شما] گفته شما را که می گفتید [اینان به جای خدا معبدان ما هستند] تکذیب کردند، اکنون نه می توانید [عذاب را از خود] دفع کنید، و نه می توانید [برای خود یاور و] یاری بیابید. و هر که از شما [در این دنیا] ستم کند، در قیامت عذابی بزرگ به او می چشانیم. (۱۹)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيْأُكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَ كُمْ لِيُغْضِ فِتْنَهُ أَتَضِرُّونَ وَكَانَ رَبُّكَ

و ما پیش از تو هیچ یک از پیامبران را نفرستادیم مگر آنکه آنان هم غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند، و ما برخی از شما را [وسیله] آزمایش برخی دیگر قرار دادیم [توانگر را به تهییدست و تهییدست را به توانگر، بیمار را به تندرست و تندرست را به بیمار، پیامبر را به امت و امت را به پیامبر]. آیا [نسبت به اجرای احکام الهی و تکالیف و مسؤولیت ها] شکیباً می ورزید؟ و پروردگار همواره [به احوال و اعمال همه] بیناست. (٢٠)

ص: ٣٦١

جزء ١٩

ادامه سوره الفرقان

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءً نَّا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَهُ أَوْ نَرِى رَبَّنَا لَقِدْ اسْتَكْبِرُوا فِي أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُّوا كَبِيرًا (٢١)

و آنان که به دیدار [قيامت و محاسبه اعمال به وسیله] ما امید ندارند، گفتند: چرا بر ما فرشتگانی نازل نشد، یا [چرا] پروردگارمان را نمی بینیم؟ به راستی که خودشان را در درون خود بزرگ شمردند و دچار سرکشی بزرگی شدند. (٢١)

يَوْمَ يَرْوَنَ الْمَلَائِكَهُ لَا بُشْرَى يَوْمَئِنِ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (٢٢)

روزی که آنان فرشتگان را می بینند، آن روز برای مجرمان بشارتی نیست؛ و آنان [به فرشتگان] می گویند: [از شما درخواست داریم که ما را] امان دهید [و آسیب و گزند عذاب را از ما] مانع شوید. (٢٢)

وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّشُورًا (٢٣)

و ما به [بررسی و حسابرسی] هر عملی که [به عنوان عمل خیر] انجام داده اند، می پردازیم، پس همه آنها را غباری پراکنده می سازیم. (٢٣)

أَصْحَابُ الْجَنَّهِ يَوْمَئِنِ حَيْرٌ مُّسْتَقْرٌّ وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (٢٤)

اهل بهشت در آن روز، قرار گاهشان بهتر و استراحت گاهشان نیکوتر است. (٢٤)

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنَزَّلَ الْمَلَائِكَهُ تَنْزِيلًا (٢٥)

و [یاد کن] روزی را که آسمان به سبب ابری [که بر فراز آن است] می شکافد و فرشتگان به تدریج [به صورتی ویژه] فرستاده شوند. (٢٥)

الْمُلْكُ يَوْمَئِنِ الْحَقُّ لِرَحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (٢٦)

در آن روز فرمانروایی مطلق برای [خدای] رحمان ثابت است، و بر کافران روزی بسیار دشوار است، (۲۶)

وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدِيهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَيِّلًا (۲۷)

و روزی که ستمکار، دو دست خود را [از شدت اندوه و حسرت به دندان] می گزد [و] می گوید: ای کاش همراه این پیامبر راهی به سوی حق برمی گرفتم، (۲۷)

يَا وَيْتَنِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخَذْ فُلَانًا حَلِيلًا (۲۸)

ای وای، کاش من فلانی را [که سبب بدبخشی من شد] به دوستی نمی گرفتم، (۲۸)

لَقَدْ أَخَلَّنِي عَنِ الدُّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلإِنْسَانِ خَذُولًا (۲۹)

بی تردید مرا از قرآن پس از آنکه برایم آمد گمراه کرد. و شیطان همواره انسان را [پس از گمراه کردنش تنها و غریب در وادی هلاکت] وامی گذارد؛ (۲۹)

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰)

و پیامبر [درقيامت] می گويد: پروردگارا! همانا قوم من اين قرآن را متروک گذاشتند! (۳۰)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا (۳۱)

و ما اين گونه برای هر پیامبری دشمنانی از مجرمان قراردادیم، و کافی است که پروردگارت [برای تو] راهنمای یاری دهنده باشد. (۳۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمِلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِتُبَثَّتَ بِهِ فُؤَادُكَ وَرَتْلَنَاهُ تَزْوِيلًا (۳۲)

و کافران گفتند: چرا قرآن یک باره بر او نازل نشد؟ این گونه [قرآن را به تدریج نازل می کنیم] تا قلب تو را به آن استوار سازیم، و آن را بر تو با مهلت و آرامی خواندیم. (۳۲)

ص: ۳۶۲

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثِيلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳)

و [دشمنان] هیچ وصف و سخن باطلی بر ضد تو نمی آورند، مگر آنکه ما حق را و نیکوترين تفسیر را [برای در هم شکستن آن] برای تو می آوریم. (۳۳)

الَّذِينَ يُحَشِّرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرُّ مَكَانًا وَأَصَلُّ سَيِّلًا (۳۴)

همانان که [در قیامت] به رو در افتاده به سوی دوزخ محسور می شوند، آنان بدترین جایگاه را دارند، و گمراه ترین مردم اند.

(۳۴)

وَلَقْدَ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعْهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (۳۵)

و به راستی به موسی کتاب دادیم، و برادرش هارون را همراه او دستیار و کمک قرار دادیم. (۳۵)

فَقُلْنَا إِذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمِرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا (۳۶)

پس گفتیم: هر دو به سوی گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، بروید. [آن گروه در برابر حق لجاجت و تکبر ورزیدند] در نتیجه آنان را به شدت درهم کوییده و هلاک کردیم. (۳۶)

وَقَوْمَ نُوحَ لَمَّا كَذَّبُوا الرَّسُولَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۷)

و قوم نوح را هنگامی که پیامبران را تکذیب کردند، غرق کردیم، و آنان را برای مردم نشانه ای [عبرت آموز] قرار دادیم، و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده ایم. (۳۷)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسُولِ وَقُرُونًا يَئِنَّ ذَلِكَ كَثِيرًا (۳۸)

و قوم عاد و ثمود و اهل رس و اقوام بسیاری را [نیز که] در [فاصله] میان آن [قوم نوح و اهل رس بودند، هلاک کردیم]. (۳۸)

وَكُلًا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًا تَبَرَّنَا تَشْبِيرًا (۳۹)

و برای هر یک [به جهت هدایتشان] سرگذشت های عبرت آموز بیان کردیم، و [چون هدایت نیافتد] هر یک را به شدت در هم شکستیم و هلاک کردیم. (۳۹)

وَلَقْدَ أَتَوْا عَلَى الْقَرِيَّةِ الَّتِي أُمْطِرْتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بُلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (۴۰)

یقیناً مشرکان مکه بر شهری که [محل زندگی قوم لوط بود و] بر آن باران عذاب باریده شد، گذر کرده اند، پس آیا آنجا را ندیده اند؟ [چرا! دیده اند] ولی [عبرت نگرفته اند، چون] برانگیخته شدن [مردگان] را [برای رسیدن به پاداش اعمال] امید و انتظار ندارند. (۴۰)

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱)

و هنگامی که تو را می بینند جز به مسخره ات نمی گیرند [و می گویند: آیا این است آنکه خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟!] (۴۱)

إِن كَادَ لَيُضْلِلُنَا عَنْ آلِهَتَنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَيِّلًا (۴۲)

اگر ما بر پرستش بتهایمان ایستادگی نمی کردیم، نزدیک بود ما را از پرستش آنها منحرف کند. سپس وقتی که عذاب را می بینند خواهد دانست که چه کسی گمراه تر است. (۴۲)

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (۴۳)

آیا کسی که هوای [نفسش] را معبد خود گرفته دیدی؟ آیا تو می توانی کارساز و نگهبان او باشی [که او را به میل خود به راه راست هدایت کنی؟] (۴۳)

ص: ۳۶۳

أَمْ تَحْسِبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَاذَّابُونَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴)

آیا گمان می کنی بیشتر آنان [سخن حق را] می شنوند، یا [در حقایق] می اندیشنند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه آنان گمراه ترند! (۴۴)

أَلَمْ تَرِ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَ الظُّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ ذَلِيلًا (۴۵)

آیا به [قدرت و حکمت] پروردگارت ننگریستی که چگونه سایه را امتداد داد و گستراند؟ و اگر می خواست آن را ساکن و ثابت می کرد، آن گاه خورشید را برای [شناختن] آن سایه، راهنمای [ی انسان ها] قرار دادیم. (۴۵)

ثُمَّ فَضَّنَاهُ إِلَيْنَا فَبَضَّا يَسِيرًا (۴۶)

سپس آن را [با بلند شدن آفتاب] اندک اندک به سوی خود باز می گیریم. (۴۶)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (۴۷)

و اوست که شب را برای شما پوشش، و خواب را مایه استراحت و آرامش، و روز را [زمان] پراکنده شدن [جهت فعالیت و کوشش] قرار داد. (۴۷)

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا يَئِنَّ يَدِيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلَنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸)

و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مژده دهنده باران فرستاد، و از آسمان آبی پاک و پاک کننده نازل کردیم. (۴۸)

لَنْحِيَ بِهِ بَلْدَهَ مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (۴۹)

تا به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده کنیم و آن را به آفریده های خود از دام ها و مردمان بسیار بنوشانیم. (۴۹)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُمْ لِيَذَكُّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (٥٠)

ما باران را میان آنان [از منطقه ای به منطقه دیگر] گرداندیم تا متذکر [قدرت و رحمت من] شوند، ولی بیشتر مردم جز به ناسپاسی و کفران رضایت ندادند. (٥٠)

وَلَوْ شِئْنَا لَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا (٥١)

و اگر می خواستیم حتماً در هر شهری [پیامبری] بیم دهنده مبعوث می کردیم [ولی به سبب کمال و جامعیت، پیامبری را به تو ختم کردیم]. (٥١)

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (٥٢)

پس کفران را [که انتظار دارند از ابلاغ وحی باز ایستی،] فرمان مبر و به وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن. (٥٢)

وَهُوَ الَّذِي مَرَّجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبُ فُرَاتٍ وَهَذَا مِلْحُ أَجَاجٍ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا (٥٣)

و اوست که دو دریا را به هم آمیخت، این خوش طعم و گوارا، و این شور و تلخ است، و میان آن دو مانع و حائل و سدی نفوذناپذیر و استوار قرار داد [تا به هم مخلوط نشوند]. (٥٣)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (٥٤)

و اوست که از آب، بشری آفرید و او را دارای [دو نوع پیوند] نسبی و سبی کرد؛ و پروردگارت همواره تواناست. (٥٤)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا (٥٥)

و به جای خدا چیزهایی می پرستند که نه سودشان می دهد و نه زیانشان می رساند؛ و کافر همواره بر ضد پروردگارش پشتیبان و یار [شیطان] است. (٥٥)

ص: ٣٦٤

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (٥٦)

تو را جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم. (٥٦)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (٥٧)

بگو: من از شما [در برابر تبلیغ دین هیچ] پاداشی نمی خواهم، جز اینکه هر که بخواهد [می تواند از برکت هدایت من] راهی

به سوی پروردگارش بگیرد. (۵۷)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ حَيْرًا (۵۸)

و بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد توکل کن، او را همراه با ستایش تسبیح گوی، و کافی است که او به گناهان بندگانش آگاه باشد. (۵۸)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَأَسْأَلْ بِهِ حَيْرًا (۵۹)

همان که آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، آن گاه بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد، او رحمان است پس [ای انسان! درباره خدا و کیفیت آفرینش جهان هستی] از خیر آگاهی بپرس. (۵۹)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنْسِجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادُهُمْ نُفُورًا (۶۰)

و هنگامی که به آنان گویند: برای رحمان سجده کنید، می گویند: رحمان چیست؟ آیا برای چیزی که تو فرمان می دهی، سجده کنیم؟ و [دعوت تو] بر رمیدگی و نفرتشان می افزاید. (۶۰)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا (۶۱)

همیشه سودمند و با برکت است آنکه در آسمان برج هایی قرار داد، و در آن چراغی روشن و ماهی تابان پدید آورد. (۶۱)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَهُ لَمْنَ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرْ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا (۶۲)

و اوست که برای کسی که بخواهد متذکر [هوشیار حقایق] شود یا بخواهد سپاس گزاری کند، شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد. (۶۲)

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُؤُنَا وَإِذَا حَاطَبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳)

و بندگان رحمان کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت آمیز می گویند، (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبْتَئِنُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (۶۴)

و آنان که شب را برای پروردگارشان با سجده و قیام به صبح می رسانند، (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمِ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵)

و آنان که می گویند: پروردگار! عذاب [دوزخ] را از ما بگردان که مسلمًا عذاب آن پایدار و همیشگی است. (۶۵)

إِنَّهَا سَاعَةٌ مُسْتَقْرًأَ وَمُقَامًا (٦٦)

قطعاً دوزخ بد قرار گاه و بد اقامت گاهی است. (٦٦)

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُشْرُفُوا وَلَمْ يَعْتَرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ فَوَاءِمَا (٦٧)

و آنان که وقتی انفاق می کنند، نه از حد معمول [و متعارف] می گذرند و نه تنگ می گیرند، و [انفاقشان] همواره میان این دو در حد اعتدال است. (٦٧)

ص: ٣٦٥

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَرْتُنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يُلْقَ أَثَاماً (٦٨)

و آنان که معبد دیگری را با خدا نمی پرستند، و کسی را که خدا خونش را حرام کرده است، جز به حق نمی کشنند، و زنا نمی کنند؛ و کسی که این اعمال را مرتکب شود به کیفر سختی برسد. (٦٨)

يُضَاعِفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَاجِنًا (٦٩)

روز قیامت عذابش دو چندان شود، و در آن با خواری و سرشکستگی جاودانه ماند. (٦٩)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (٧٠)

مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهنند، که خدا بدی هایشان را به خوبی ها تبدیل می کند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (٧٠)

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (٧١)

و هر که توبه کند و کار شایسته انجام دهد قطعاً به صورتی پسندیده و نیکو به سوی خدا باز می گردد. (٧١)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُوا بِاللَّغْوِ مَرُوا كِرَاماً (٧٢)

و آنان که در مجلس غنا و دروغ پردازی و امور باطل حاضر نمی شوند، و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می گذرند، با بزرگواری و متنانت می گذرند، (٧٢)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُوا عَلَيْهَا صُمَّاً وَعُمَيْنَا (٧٣)

و آنان که وقتی به آیات پروردگارشان پندشان دهنند، در برابر آن با حالت کری و کوری نمی افتد، [بلکه با گوش شنو و چشم بصیرت به آن دل می دهند]. (٧٣)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْزَاقِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴)

و آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی بخش، و ما را پیشوای پرهیز کاران قرار ده. (۷۴)

أُولَئِكَ يُجْرِونَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقِّونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (۷۵)

ایناند که به خاطر صبری که [در برابر حوادث و اجرای تکالیف الهی] از خود نشان دادند با [برترین] مکان ها [ی بهشت] پاداشان می دهنند، و در آن با درود و سلامی [از سوی خدا و فرشتگان] رو برو می شوند. (۷۵)

حَالِدِينَ فِيهَا حَسْنَتٌ مُسْتَقْرًّا وَمُقَاماً (۷۶)

در آنجا جاودانه اند. نیکو قرارگاه و خوب اقامت گاهی است. (۷۶)

قُلْ مَا يَعْبُأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاوْكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسُوفَ يَكُونُ لِزَاماً (۷۷)

بگو: اگر دعايان نباشد پروردگارم به شما ارجى ننهد، پس شما که [قطاعانه آيات خدا و پیامبرش را] تکذیب کردید، [کيفر اين تکذیب برای همیشه] ملازم [شما] خواهد بود. (۷۷)

ص: ۳۶۶

سوره الشعرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (۱)

طسم (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این است آيات [با عظمت اين] کتاب روشنگر. (۲)

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۳)

شاید تو می خواهی برای اینکه آنان ایمان نمی آورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی! (۳)

إِنَّ نَشَا نُنْزِلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (۴)

اگر بخواهیم، معجزه ای بزرگ از آسمان بر آنان نازل می کنیم که فروتنانه و بی اختیار در برابر ش گردن نهند، (۴)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٌ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۵)

هیچ [مايه] تذکر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برای آنان نمی آید، مگر آنکه از آن روی گردان می شوند. (۵)

فَقَدْ كَذَّبُوا أَسْيَأْتِهِمْ أَبْنَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۶)

همانا [آيات و وعده های ما را] تکذیب کردند [تا جایی که آنها را به مسخره گرفتند] پس به زودی خبرهای [مهم] آنچه که آن را مسخره می کردند [از حقایقت آیات، وعده های ما و تحقق عذاب های دنیایی و آخرتی] به آنان می رسد. (۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتَنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۷)

آیا [با تأمل] به این زمین ننگریستند که در آن چه بسیار از هر نوع [گیاهان و درختان] نیکو رویاندیم؟ (۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۸)

یقیناً در این [رویاندن انواع نباتات] نشانه ای است [بر قدرت، ربویت خدا و اینکه مردگان را زنده می کند] ولی بیشترشان [به خاطر رسوخ کبر و لجاجت در باطنشان] ایمان آور نبوده و نیستند. (۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۹)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر مهربان است. (۹)

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ اْنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که خود را به قوم ستمکار برسان. (۱۰)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ (۱۱)

[به سوی] قوم فرعون [که به آنان بگویی]: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟! (۱۱)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَحَافُّ أَنْ يُكَذِّبُونِ (۱۲)

گفت: پروردگار! به راستی می ترسم مرا تکذیب کنند، (۱۲)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَفْسِلْ إِلَى هَارُونَ (۱۳)

و سینه ام [از این وظیفه سنگین] تنگی می کند، و زبانم روان و گویا نمی شود، پس به سوی هارون هم [پیام نبوت] بفرست [تا مرا در این وظیفه سنگین یاری دهد]. (۱۳)

وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَنْحَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (۱۴)

و آنان را بر من ادعای جرمی است که می ترسم [به سبب آن] مرا بکشند. (۱۴)

قَالَ كَلَّا فَإِذْهَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعْكُمْ مُسْتَعِدُونَ (۱۵)

[خداد] گفت: این چنین نیست [که فرعون بر تو پیروز شود] پس شما دو نفر معجزات ما را ببرید که یقیناً ما همراه شما شنونده [گفتار هر دو طرف] هستیم [پس شما دو نفر را بر پایه دلیل و برهان و معجزه بر آنان پیروز می کنیم]. (۱۵)

فَأَتَيْنَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

بنابراین خود را به فرعون برسانید و بگویید: یقیناً ما فرستاده پروردگار جهانیانیم. (۱۶)

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا يَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۷)

با این وصف، بنی اسرائیل را [آزاد کن و] با ما بفرست. (۱۷)

قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكَ فِينَا وَلِيَدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمْرِكَ سِنِينَ (۱۸)

[فرعون] گفت: آیا ما تو را در کودکی در میان خود نپروراندیم، و سالیانی چند از عمر خود در میان ما درنگ نکردی؟ (۱۸)

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۱۹)

و آن کارت را که کردی، کردی در حالی که از ناسپاسان [زحمات و نعمت های ما] بودی. (۱۹)

ص: ۳۶۷

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (۲۰)

گفت: آن را در آن زمان در حالی انجام دادم که بی خبر از این واقعه بودم [که با مشت من در دفاع از مظلوم، آن مرد قبطی کشته می شود]. (۲۰)

فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۲۱)

چون از شما ترسیدم از دستان گریختم، پس [با این گریز از عرصه زندگی ظالما نه شما این شایستگی را یافتم که] پروردگارم به من حکمت بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۱)

وَتَلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَىٰ أَنْ عَبَدَتَ يَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۲)

آیا اینکه بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ای نعمتی است که منتشر را بر من می نهی؟! (۲۲)

قالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳)

فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۳)

قالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا يَنْهَا إِنْ كُنْتُمْ مُّوقِنِينَ (۲۴)

گفت: اگر باور می کنید همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست. (۲۴)

قالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (۲۵)

[فرعون از روی مسخره] به افراد پیرامونش گفت: آیا نمی شنوید [که چه می گوید؟!] (۲۵)

قالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۲۶)

[موسی] گفت: [او] پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست. (۲۶)

قالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷)

[فرعون] گفت: این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده اند، حتماً مجنون است! (۲۷)

قالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا يَنْهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸)

[موسی] گفت: پروردگار مشرق و غرب و آنچه میان آنهاست، اگر می اندیشد. (۲۸)

قالَ لِئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (۲۹)

[فرعون] گفت: اگر معبدی جز من بگیری، قطعاً تو را از زندانیان [که زیر سخت ترین شکنجه اند] قرار خواهم داد. (۲۹)

قالَ أَوْلَوْ جِئْنِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ (۳۰)

[موسی] گفت: آیا اگر [بر صدق نبوت] معجزه آشکاری برایت آورده باشم [باز هم مرد زندان می افکنی؟] (۳۰)

قالَ فَأَتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۱)

گفت: اگر راستگویی آن را بیاور. (۳۱)

فَأَلْقَى عَصَاهٌ فَإِذَا هِيَ ثُعبانٌ مُّبِينٌ (۳۲)

پس عصایش را انداخت و ناگهان اژدهایی حقیقی نمایان شد، (۳۲)

وَنَزَعَ يَدُهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءٌ لِلنَّاظِرِينَ (۳۳)

و دستش را [از گریبانش] بیرون آورد و ناگهان برای بینندگان سپید و روشن بود. (۳۴)

قَالَ لِلْمَلِئَةِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۳۵)

[فرعون] به سران و اشراف پیرامونش گفت: یقیناً این جادوگری بسیار ماهر و داناست! (۳۶)

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسُحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۳۷)

می خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس شما چه نظر می دهید؟ (۳۸)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاسِرِينَ (۳۹)

گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر انداز و گروهی گردآورنده را به شهرها روانه کن، (۴۰)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَارٍ عَلِيمٍ (۴۱)

تا هر جادوگر کارдан بسیار دانایی را نزد تو آورند. (۴۲)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتٍ يَوْمٌ مَعْلُومٍ (۴۳)

پس همه جادوگران را در وعده گاه روزی معین گرد آورده‌اند، (۴۴)

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَئْتُمْ مُجْتَمِعَنَ (۴۵)

و به همه مردم گفتند: آیا شما هم اجتماع خواهید کرد؟ (۴۶)

ص: ۳۶۸

لَعَلَّنَا نَتَبَعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۴۷)

به امید آنکه اگر جادوگران پیروز شدند، از آنان پیروی کنیم. (۴۸)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئْنَ لَنَا لَأَجْمَرَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۴۹)

پس هنگامی که جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم، حتماً برای ما پاداشی شایسته خواهد بود؟ (۵۰)

قالَ نَعْمٌ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ (۴۲)

گفت: آری، و در آن صورت مسلمًا از مقربان [در گاه] خواهید شد. (۴۲)

قالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَتُمْ مُلْقُونَ (۴۳)

موسی به جادوگران گفت: بیفکنید آنچه را قصد دارید، بیفکنید. (۴۳)

فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعِصِيمَهُمْ وَقَالُوا بِعَزَّهِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالَمُونَ (۴۴)

پس ریسمان ها و عصاها یشان را افکندند، و گفتند: به عزت فرعون سوگند که به راستی ما به طور مسلم پیروزیم. (۴۴)

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵)

پس موسی عصایش را افکند، ناگاه آنچه را جادوگران با نیرنگ [و به صورت غیر واقعی] ساخته بودند، بلعید. (۴۵)

فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۴۶)

پس جادوگران [از هیبت و عظمت این معجزه که یافتند کاری خدایی است نه جادویی] به سجده افتادند. (۴۶)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷)

گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آورديم، (۴۷)

رَبُّ مُوسَى وَهَارُونَ (۴۸)

پروردگار موسی و هارون. (۴۸)

قالَ آمَّنْتُ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرٌ كُمُ الَّذِي عَلَمْكُمُ السُّحْرَ فَلَسِيرْ وَفَتَعْلَمُونَ لَمَّا قَطَعْنَ أَيْدِيْكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ
وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۴۹)

فرعون گفت: پيش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آورديد، حتماً او بزرگ شماست که جادوگری را به شما آموخته است، پس به زودی خواهید دانست که مسلمًا دست ها و پاهای شما را یکی از راست و یکی از چپ قطع خواهم کرد، و یقیناً همه شما را به دار خواهم آویخت. (۴۹)

قَالُوا لَا ضَيْرٌ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (۵۰)

گفتند: [در این شکنجه و عذاب] هیچ زیان و باکی [بر ما] نیست، یقیناً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم، (۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (٥١)

قطعاً ما اميدواريم که چون نخستين ايمان آورند گان [از اين قوم] بوديم، پروردگارمان خطاهای ما را بیامرزد. (۵۱)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ (٥٢)

و به موسى وحی کردیم که بند گان مرا شبانه کوچ بده که حتماً دشمنان از پی شما خواهند آمد. (۵۲)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (٥٣)

پس فرعون گروھی گردآورنده را [برای جمع کردن نیرو] به شهرها فرستاد (۵۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشَرِذَمَةٌ قَلِيلُونَ (٥٤)

[و گفت:] مسلمًا اینان [که بر ضد من برخاسته اند] گروھی اندکند، (۵۴)

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَعَانِظُونَ (٥٥)

و همانا ما را همواره [با اعمالشان] به خشم می آورند، (۵۵)

وَإِنَّا لَجَمِيعَ حَادِرُونَ (٥٦)

و ما گروھی هوشیار و آماده باش و مهیای دفاعیم. (۵۶)

فَأَخْرَجَنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعِيُونٍ (٥٧)

پس ما آنان را [به دنبال بنی اسرائیل] از باغ ها و چشمه سارها [که نعمت های ما در سرزمین مصر بود] بیرون کردیم. (۵۷)

وَكُوْزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (٥٨)

واز گنج ها و مکان های نیکو [و قصرهای باشکوه بیرون کردیم]. (۵۸)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (٥٩)

این گونه [نعمت های خود را از چنگ آنان بیرون آوردم] و آنها را به بنی اسرائیل به میراث دادیم. (۵۹)

فَأَتَبْعَثُوْهُمْ مُشْرِقِينَ (٦٠)

فرعونیان هنگام طلوع آفتاب آنان را دنبال کردند. (۶۰)

فَلَمَّا تَرَأَءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ (٦١)

چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، اصحاب موسی گفتند: حتماً ما به چنگ آنان خواهیم افتاد. (٦١)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعَيَ رَبِّي سَيِّدِنَا (٦٢)

موسی گفت: این چنین نیست، بی تردید پروردگارم با من است، و به زودی مرا هدایت خواهد کرد. (٦٢)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْ مُوسَى أَنِ اصْرِبْ بَعْصَاكَ الْبَحْرَ فَانْلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالَّطْوِدِ الْعَظِيمِ (٦٣)

پس به موسی وحی کردیم که عصایت را به این دریا بزن. [موسی عصایش را به دریا زد] پس [دریا] از هم شکافت و هر پاره اش چون کوهی بزرگ بود. (٦٣)

وَأَرْلَقْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ (٦٤)

و آن گروه دیگر را [هم در آنجا] به دریا نزدیک کردیم، (٦٤)

وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعْهُ أَجْمَعِينَ (٦٥)

و موسی و هر که با او بود، همه را نجات دادیم. (٦٥)

ثُمَّ أَغْرِقْنَا الْآخَرِينَ (٦٦)

آن گاه آن گروه دیگر را غرق کردیم. (٦٦)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (٦٧)

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم قبطی] بیشترشان مؤمن نبودند. (٦٧)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (٦٨)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (٦٨)

وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ بَنَاءً إِبْرَاهِيمَ (٦٩)

و سرگذشت مهم ابراهیم را بر آنان بخوان، (٦٩)

إِذْ قَالَ لِأَيْمِهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (٧٠)

هنگامی که به پدرش و قومش گفت: چه چیز را می پرستید؟ (٧٠)

فَالْوَا نَعْبُدُ أَصْنَاماً فَكَلَّ لَهَا عَاكِفِينَ (٧١)

گفتند: بت هایی را می پرستیم و همواره ملازم پرستش آنها هستیم. (٧١)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (٧٢)

گفت: آیا هنگامی که آنها را می خوانید، سخن شما را می شنوند؟ (٧٢)

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضْرُّونَ (٧٣)

یا به شما سود و زیانی می رسانند؟ (٧٣)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذِيلَكَ يَفْعَلُونَ (٧٤)

گفتند: نه، بلکه پدرانمان را یافتیم که به این صورت عبادت می کردند! (٧٤)

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (٧٥)

گفت: پس آیا می دانید که آنچه می پرستید، (٧٥)

أَنْتُمْ وَآباؤكُمُ الْأَقْدَمُونَ (٧٦)

هم شما و هم پدران پیشین شما (٧٦)

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ (٧٧)

هم آنان قطعاً دشمن منند [چون اگر آنها را بپرستم، مرا دچار عذاب جاودانه خواهند کرد]، جز پروردگار جهانیان [که پرستیدنش مایه سعادت همیشگی و جاودانی است]. (٧٧)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِنِ (٧٨)

همان کسی که مرا آفرید و هم او مرا هدایت می کند، (٧٨)

وَالَّذِي هُوَ يُطِعِّمُنِي وَيَسْقِينِ (٧٩)

و آنکه او طعام می دهد و سیرابم می کند (۷۹)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰)

و هنگامی که بیمار می شوم، او شفایم می دهد (۸۰)

وَالَّذِي يُمِتِّنِي ثُمَّ يُحْبِّينِ (۸۱)

و آنکه مرا می میراند سپس زنده ام می کند (۸۱)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (۸۲)

و آنکه امید دارم روز جزا خطایم را بر من بیامزد. (۸۲)

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۸۳)

پروردگارا! به من حکمت بخش، و مرا به شایستگان ملحق کن. (۸۳)

ص: ۳۷۰

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (۸۴)

و برای من در آیندگان نامی نیک و ستایشی والا مرتبه قرار ده، (۸۴)

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (۸۵)

و مرا از وارثان بهشت پرنعمت گردان، (۸۵)

وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (۸۶)

و پدرم را بیامز که او از گمراهان است، (۸۶)

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبَعَّثُونَ (۸۷)

و روزی که [مردگان] برانگیخته می شوند، رسوایم مکن؛ (۸۷)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بُنُونَ (۸۸)

روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی دهد، (۸۸)

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (٨٩)

مگر کسی که دلی سالم [از رذایل و خبایث] به پیشگاه خدا بیاورد، (۸۹)

وَأُزْلَفَتِ الْجَهَنَّمُ لِلْمُتَّقِينَ (٩٠)

و آن روز بهشت را برای پرهیز کاران نزدیک آورند، (۹۰)

وَبُرَزَّتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (٩١)

و آتش برافروخته را برای گمراهان آشکار کنند، (۹۱)

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (٩٢)

و به آنان گویند: آنچه را می پرستیدید، کجا یند؟ (۹۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَتَصْرُونَ (٩٣)

[معبدانی را] به جای خدا! آیا شما را [برای رهایی از آتش] یاری می دهند؟ یا از خود می توانند دفع عذاب کنند؟ (۹۳)

فَكُبِّكُبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (٩٤)

پس آن بت ها و گمراهان [که آنها را می پرستیدند] به رو در آتش افروخته افکنده می شوند، (۹۴)

وَجُنُودُ إِلَيْسَ أَجْمَعُونَ (٩٥)

با همه سپاهیان ابلیس، (۹۵)

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (٩٦)

در حالی که در آن [آتش افروخته] با هم ستیز و نزاع می کنند [و به بتان] می گویند: (۹۶)

تَالَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٩٧)

به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (۹۷)

إِذْ نُسَوِّيْكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٩٨)

که شما را با پروردگار جهانیان برابر و مساوی قرار می دادیم، (۹۸)

وَمَا أَضْلَلْنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (٩٩)

و ما را جز مجرمان [خائن] گمراه نکردند، (٩٩)

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ (١٠٠)

در نتیجه برای ما نه شفیعانی است، (١٠٠)

وَلَا صَدِيقٌ حَمِيمٌ (١٠١)

و نه یک دوست نزدیک و صمیمی، (١٠١)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّهَةً فَكُونَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (١٠٢)

پس ای کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود تا از مؤمنان می شدیم. (١٠٢)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (١٠٣)

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم ابراهیم] بیشترشان مؤمن نبودند، (١٠٣)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (١٠٤)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (١٠٤)

كَذَّبُتْ قَوْمُ نُوحَ الْمُرْسَلِينَ (١٠٥)

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند، (١٠٥)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخْوَهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (١٠٦)

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (١٠٦)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (١٠٧)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (١٠٧)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (١٠٨)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (١٠٨)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۹)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۰۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۱۰)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید. (۱۱۰)

قَالُوا أَتُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ (۱۱۱)

گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟! (۱۱۱)

ص: ۳۷۱

قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۲)

[نوح] گفت: مرا از آنچه آنان انجام می داده اند، چه اطلاعی است؟ (۱۱۲)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ (۱۱۳)

حسابشان اگر واقعاً درک می کنید، جز بر عهده پروردگارم نیست، (۱۱۳)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۴)

و من طرد کننده مؤمنان نخواهم بود، (۱۱۴)

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۱۱۵)

من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم. (۱۱۵)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (۱۱۶)

گفتند: ای نوح! اگر [از ابلاغ دین] باز نایستی، یقیناً از سنگسار شدگان خواهی بود! (۱۱۶)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ (۱۱۷)

گفت: پروردگار! همانا قوم من را تکذیب کردند، (۱۱۷)

فَأَفْتَحْ بَيْنِهِمْ فَتَحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعَيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

پس میان من و آنان چنانکه سزاوار است داوری کن و من و کسانی که از مؤمنان با من هستند از چنگ آنان نجات ده. (۱۱۸)

فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَسْحُونِ (۱۱۹)

پس او و کسانی را که با او در آن کشتی مملو [از سرنشینان، جنبندگان، متاع و ابزار] بود نجات دادیم، (۱۱۹)

ثُمَّ أَغْرِقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ (۱۲۰)

آن گاه بعد از آن، همه باقی ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۲۱)

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم نوح] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۲۱)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۲۲)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۲۲)

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

قوم عاد پیامبران را تکذیب کردند، (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخْوَهُمْ هُوُدُّ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغيان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۲۴)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۲۵)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۲۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۲۶)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۲۶)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۷)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۲۷)

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَهٌ تَعْبَثُونَ (۱۲۸)

آیا شما بر روی هر مکان بلندی به بیهوده کاری و بدون نیاز، برجی عظیم و برافراشته بنا می کنید؟ (۱۲۸)

وَتَسْخِذُونَ مَصَائِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹)

و قلعه ها و کاخ های استوار و مجلل برمی گیرید، که شاید جاودانه بمانید؟ (۱۲۹)

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَارِينَ (۱۳۰)

و چون کسی را با شدت و قهر می گیرید ظالمانه و زور مدارانه می گیرید [بدون اینکه در عاقبت کار بیندیشید]. (۱۳۰)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونَ (۱۳۱)

بنابراین از خدا پروا کنید واز من فرمان ببرید، (۱۳۱)

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ (۱۳۲)

واز کسی که شما را به وسیله آنچه خود می دانید یاری داده، پروا کنید، (۱۳۲)

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ (۱۳۳)

به وسیله چهارپایان و فرزندانی، به شما یاری داده است. (۱۳۳)

وَجَنَّاتٍ وَعَيْوَنٍ (۱۳۴)

و [به وسیله] بوستان ها و چشمه سارها، (۱۳۴)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳۵)

بی تردید من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۱۳۵)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوْعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ (۱۳۶)

گفتند: تو پند و اندرز دهی یا ندهی برای ما یکسان است!! (۱۳۶)

ص: ۳۷۲

إِنْ هَذَا إِلَّا حُلْقُ الْأَوَّلِينَ (۱۳۷)

این [پند و اندرزها و تقسیم امور به حلال و حرام] جز شیوه پیشینیان [که اهل واپس گرایی و خرافات بودند] نیست، (۱۳۷)

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۱۳۸)

و ما گرفتار عذابی [که تو ما را از آن بیم می دهی] نخواهیم شد. (۱۳۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكُنَا هُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَهُ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳۹)

پس او را تکذیب کردند، و در نتیجه هلاکشان کردیم. بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و [قوم هود] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۳۹)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۴۰)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۴۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (۱۴۱)

قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند، (۱۴۱)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخْوَهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۴۲)

هنگامی که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرك و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۴۲)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۴۳)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۴۳)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۴۴)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۴۴)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنَّ أَجْرَى إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۴۵)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۴۵)

أَتَتْرُكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِينَ (۱۴۶)

آیا شما را در آنچه در این دنیا [از نعمت و رفاه هست] ایمن و آسوده [از تغییر و زوال] رهایتان خواهند کرد؟! (۱۴۶)

فِي جَنَّاتٍ وَعَيْوَنٍ (۱۴۷)

در بوستان‌ها و چشم‌های سارها، (۱۴۷)

وَزُرْوعٍ وَنَحْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۱۴۸)

و کشتارها و درختان خرمایی که شکوفه‌هایشان انبوه و باطرافت و لطیف است؟ (۱۴۸)

وَتَنْجِتونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (۱۴۹)

و ماهرانه و هنرمندانه از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید؟ [به امید آنکه از هر آسیبی حتی مرگ در امان بمانید!!] (۱۴۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۵۰)

بنابراین از خدا پروا کنید و مرا فرمان ببرید، (۱۵۰)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (۱۵۱)

و از فرمان اسراف گران اطاعت نکنید، (۱۵۱)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۱۵۲)

همانان که در زمین فساد می‌کنند و به اصلاح گری نمی‌پردازند. (۱۵۲)

قَالُوا إِنَّمَا أَنَّتِ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۵۳)

گفتند: جز این نیست که تو از جادو شدگانی، (۱۵۳)

مَا أَنَّتِ إِلَّا بَشَرٌ مُثُلُّنَا فَأَتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۵۴)

تو جز بشری مانند ما نیستی، اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور. (۱۵۴)

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَغْلُومٍ (۱۵۵)

گفت: این ماده شتری است [که به اذن خدا به عنوان معجزه من از دل کوه بیرون آمد] سهمی از آب [این چشم‌های] برای او، و سهم روز معینی برای شماست، (۱۵۵)

وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذُكُمْ عَذَابٌ يَوْمٌ عَظِيمٍ (۱۵۶)

آسیبی به او نرسانید که عذاب روزی بزرگ شما را فرامی‌گیرد. (۱۵۶)

فَعَقِرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِيْمِيْنَ (۱۵۷)

پس ناقه را پی کردند و [از کار خود] پشیمان شدند، (۱۵۷)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِيْنَ (۱۵۸)

در نتیجه عذاب آنان را فرا گرفت. بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد و [قوم صالح] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۵۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۵۹)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهرباناست. (۱۵۹)

ص: ۳۷۳

كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطِ الْمُرْسَلِيْنَ (۱۶۰)

قوم لوط پیامبران را تکذیب کردند، (۱۶۰)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخْوَهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۶۱)

هنگامی که برا درشان لوط به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۶۱)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۶۲)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۶۲)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۶۳)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۶۳)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِيْنَ (۱۶۴)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۶۴)

أَتَأْتُوْنَ الدُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِيْنَ (۱۶۵)

آیا شما از میان جهانیان با مردان آمیزش می کنید؟!! (۱۶۵)

وَتَذَرُّونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (۱۶۶)

و آنچه را پروردگار تان برای شما از همسرانتان آفریده رها می کنید؟ [برای این کار زشت بی سابقه، دلیل و برهان استواری ندارید] بلکه شما گروهی تعjaوز کار [از حدود خدا و مرزهای انسانیت] هستید. (۱۶۶)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَتَّهِ يَا لُوطٌ لَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرِجِينَ (۱۶۷)

گفتند: ای لوط! اگر [از تبلیغ دین] باز نایستی، حتماً تبعید خواهی شد. (۱۶۷)

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْفَالِيَنَ (۱۶۸)

[لوط] گفت: بی تردید من از کار زشت شما به شدت متنفرم. (۱۶۸)

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (۱۶۹)

پروردگار! مرا و خانواده ام را [از آثار، وزر و وبال] آنچه انجام می دهند، نجات بده؛ (۱۶۹)

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۷۰)

پس ما او و خانواده اش همگی را نجات دادیم، (۱۷۰)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۱۷۱)

مگر پیرزنی در [میان] باقی ماندگان، (۱۷۱)

ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ (۱۷۲)

سپس دیگران را نابود کردیم، (۱۷۲)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا فَسَاءَ مَطْرُ الْمُنْذَرِينَ (۱۷۳)

و بارانی از سنگ گل بر سر آنان باراندیم؛ پس بد بود باران بیم داده شدگان. (۱۷۳)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷۴)

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و قوم لوط بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۷۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۷۵)

و يقيناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۷۵)

كَذَبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَهِ الْمُرْسَلِينَ (۱۷۶)

مردم آیکه پیامبران را تکذیب کردند، (۱۷۶)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقَعُونَ (۱۷۷)

هنگامی که شعیب به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۷۷)

إِنِّي لِكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۷۸)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۷۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۷۹)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۷۹)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۰)

من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۸۰)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (۱۸۱)

پیمانه را کامل بدھید و از کم فروشان نباشد، (۱۸۱)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲)

و [متاع و کالا را] با ترازوی درست وزن کنید، (۱۸۲)

وَلَا تَبَخَّسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۸۳)

و از قیمت اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید نکاهید، و در زمین تباہکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید، (۱۸۳)

ص: ۳۷۴

وَأَنَّقُوا الَّذِي خَلَقْتُمْ وَالْجِيلَةَ الْأَوَّلِينَ (۱۸۴)

و از آنکه شما و امت های پیشین را آفرید پروا کنید. (۱۸۴)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (١٨٥)

گفتند: جز این نیست که تو از جادو شدگانی، (۱۸۵)

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مُّثُنًا وَإِنْ تَنْظُكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (١٨٦)

و تو جز بشری مانند ما نیستی، و بی تردید ما تو را از دروغگویان می پنداریم، (۱۸۶)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (١٨٧)

پس اگر راست می گویی پاره هایی از آسمان را بر ما فرو ریز. (۱۸۷)

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (١٨٨)

[شعیب] گفت: پروردگارم به آنچه انجام می دهید، داناتر است. (۱۸۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلُمَةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (١٨٩)

پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه عذاب روز ساییان [یعنی روزی که ابری تیره و صاعقه زا سایه می اندازد] آنان را فرا گرفت، همانا آن عذاب روزی بزرگ بود، (۱۸۹)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (١٩٠)

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد؛ و قوم شعیب بیشتر شان مؤمن نبودند، (۱۹۰)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (١٩١)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهریان است. (۱۹۱)

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (١٩٢)

و بی تردید این قرآن، نازل شده پروردگار جهانیان است، (۱۹۲)

نَزَّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (١٩٣)

که روح الامین آن را نازل کرده است، (۱۹۳)

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ (١٩٤)

بر قلب تو، تا از بیم دهنگان باشی، (۱۹۴)

پلسانِ عربی میین (۱۹۵)

به زبان عربی روشن و گویا (۱۹۵)

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (۱۹۶)

و بی تردید [خبر] این [قرآن] در کتاب های پیشینیان است. (۱۹۶)

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَغَامِهُ عُلَمَاءُ تَبَّى إِسْرَائِيلَ (۱۹۷)

آیا آگاهی دانشمندان بنی اسرائیل به خبر قرآن [در کتاب های پیشینیان] برای مشرکان نشانه ای [بر حقانیت قرآن و صدق نبوت تو] نیست؟! (۱۹۷)

وَلَوْ تَرَنَّاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (۱۹۸)

و اگر آن را بر برخی از غیر عرب ها نازل کرده بودیم، (۱۹۸)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۹۹)

و او آن را بر عرب ها می خواند، باز هم به آن ایمان نمی آورند!! (۱۹۹)

كَذَلِكَ سَلَكُنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۲۰۰)

این گونه [که آن را به زبان عربی روشن و گویا نازل کردیم] در دل های مجرمان درآوردیم [که آن را بفهمند و به آن ایمان آورند،] (۲۰۰)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۲۰۱)

[ولی این بیمار دلان لجوچ] به آن ایمان نمی آورند تا آن عذاب دردناک را ببینند، (۲۰۱)

فَيَأْتِيهِمْ بَعْثَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۰۲)

که ناگهان در حالی که بی خبرند به سراغشان آید، (۲۰۲)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنَظَّرُونَ (۲۰۳)

پس [در آن موقعیت بسیار سخت] گویند: آیا ما مهلت می یابیم؟ (۲۰۳)

أَفَعِدْنَا إِنَّا يَسْتَعْجِلُونَ (٢٠٤)

آیا به آمدن عذاب ما شتاب می کنند؟ (٢٠٤)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (٢٠٥)

پس خبر ده اگر ما آنان را سالیانی بهره مندی و برخورداری دهیم، (٢٠٥)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ (٢٠٦)

سپس آن عذابی که به آن تهدید می شدند، به سراغشان آید. (٢٠٦)

ص: ٣٧٥

مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (٢٠٧)

آنچه را [چند سال] همواره از آن برخورداری می یافتد [عذاب را] از آنان دفعنخواهد کرد، (٢٠٧)

وَمَا أَهْلَكَنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (٢٠٨)

و [مردم] هیچ شهری را نابود نکردیم مگر آنکه بیم دهنگانی برای آنان بود، (٢٠٨)

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (٢٠٩)

برای اندرز دادن و اتمام حجت؛ و ما هرگز ستمکار نبوده ایم [که مردمی را بدون فرستادن پیامبر نابود کنیم]. (٢٠٩)

وَمَا شَرَّكَنَا بِالشَّيَاطِينِ (٢١٠)

قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند، (٢١٠)

وَمَا يَتَبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِعُونَ (٢١١)

و [نزول قرآن] سزاوار آنان نیست، و قدرت [وحی کردن چنین کتابی را] ندارند، (٢١١)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْرُوفُونَ (٢١٢)

بی تردید آنان از شنیدن [وحی الهی و اخبار ملکوتی] محروم و برکنارند. (٢١٢)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (٢١٣)

پس با خدا معبودی دیگر را مپرست، که از عذاب شدگان خواهی شد. (۲۱۳)

وَأَنِذْرْ عَشِيرَتَكَ الْأَفْرِينَ (۲۱۴)

و خویشان نزدیکت را [از عاقبت اعمال زشت] هشدار ده، (۲۱۴)

وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۱۵)

و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر، (۲۱۵)

فَإِنْ عَصُوكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۱۶)

پس اگر تو را نافرمانی کردند بگو: من از آنچه انجام می دهید، بیزارم؛ (۲۱۶)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْغَزِيزِ الرَّحِيمِ (۲۱۷)

و بر توانای شکست ناپذیر مهربان توکل کن، (۲۱۷)

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ (۲۱۸)

هم او که تو را هنگامی که [برای عبادت] می ایستی، می بیند، (۲۱۸)

وَتَقْلِبْكَ فِي السَّاجِدِينَ (۲۱۹)

و گردش و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [مشاهده می کند،] (۲۱۹)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۲۲۰)

یقیناً او شنوا و داناست. (۲۲۰)

هَلْ أُبْيُكُمْ عَلَى مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ (۲۲۱)

آیا شما را خبر دهم که شیطان ها بر چه کسانی نازل می شوند؟ (۲۲۱)

تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكِ أَثِيمٍ (۲۲۲)

بر هر دروغ پرداز گنه پیشه ای نازل می شوند، (۲۲۲)

يُلْقَوْنَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَادِبُونَ (۲۲۳)

که گوش [بر القائنات و اغواگری های شیطان] می سپرد، و بیشتر شیطان ها دروغگویند، (۲۲۳)

وَالشَّعْرَاءُ يَتَبَعِّهُمُ الْغَاوُونَ (۲۲۴)

و [پیامبر، شاعر و خیال پرداز نیست، چون] شاعران [خیال پرداز] را [که حقایق را هجو می کنند، و با مطالب بی اساس به واقعیات می تازند] گمراهان، پیروی می کنند. (۲۲۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (۲۲۵)

آیا ندانسته ای که آنان در هر وادی [باطلی خیال پردازانه] حیران و سرگردانند؟ (۲۲۵)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (۲۲۶)

و مطالبی می گویند که خود عمل نمی کنند، (۲۲۶)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنَقَّلِبٍ يَنْقَلِبُونَ (۲۲۷)

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و خدا را بسیار یاد کردند و پس از آنکه [با شعرهای باطل دشمنان، هجویات مشرکان و یاوه های کافران] مورد ستم قرار گرفتند [با شعرهای توحیدی و اصیل و استوار خود] به انتقام گرفتن [از دشمن و دفاع از خویش] برخاستند، و کسانی که ستم کرده اند، به زودی خواهند دانست که به چه بازگشت گاهی باز خواهند گشت؟! (۲۲۷)

ص: ۳۷۶

سوره النمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسِ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (۱)

طس این آیات [باعظمت] قرآن و کتابی روشنگر است، (۱)

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

[که سراسر] هدایت کننده [انسان ها] و برای مؤمنان مژده دهنده است. (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الرَّكَاهَ وَهُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ يُوقَنُونَ (۳)

همانان که نماز برپا می دارند و زکات می پردازند، و قاطعانه به آخرت یقین دارند؛ (۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ زَيَّنَا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۴)

به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال [زشتستان] را در نظرشان آراستیم، پس همواره در حیرت و سرگردانی اند، (۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَدَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (۵)

اینان کسانی هستند که عذاب سختی برای آنان است و بی تردید آنان در آخرت زیانکارترین [مردم] اند. (۵)

وَإِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلَيْمٍ (۶)

یقیناً تو قرآن را از نزد حکیمی دانا فرا می گیری. (۶)

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آتَيْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مَمْهَا بِخَبْرٍ أَوْ آتِيْكُمْ بِشَهَابٍ قَبْسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۷)

[یاد کن] هنگامی را که موسی به خانواده اش گفت: به راستی من آتشی را از دور دیدم، به زودی خبری از آن برای شما می آورم، یا از آن شعله ای برگرفته به شما می رسانم تا خود را گرم کنید، (۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورَكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸)

پس هنگامی که نزد آن آمد، ندا رسید که پربرکت باد آنکه در آتش است و آنکه پیرامون آن است، و منزه و پاک است خدا که پروردگار جهانیان است. (۸)

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

ای موسی! یقیناً منم خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم، (۹)

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَسُّ كَانَهَا جَانٌ وَلَيْ مُدْبِرًا وَلَمْ يَعْقُبْ يَا مُوسَى لَا تَخْفُ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَ الْمُرْسَلُونَ (۱۰)

و عصایت را بیفکن. پس وقتی آن را دید که تنده و شتابان حرکت می کند، گویا ماری باریک و تیزرو است، پشت کنان رو به فرار گذاشت و به پشت برنگشت. [ندا رسید:] ای موسی! نترس که پیامبران [به سبب دارا بودن مقام عصمت و پاکی از گناه،] نزد من نمی ترسند، (۱۰)

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنَّمَا غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱)

مگر کسی که ستم کند [که او باید بترسد]; ولی زمانی که پس از بدی نیکی را [که ایمان و کار شایسته است] جایگزین آن نماید [از عذاب من در امان است و نباید بترسد]; زیرا من بسیار آمرزنده و مهربانم، (۱۱)

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْكَ تَخْرُجْ يَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۱۲)

و دستت را در گریبانست کن تا بدون هیچ عیبی، سفید و درخشان بیرون آید، [با این دو معجزه که در ضمن] نه معجزه است به سوی فرعون و قومش [برو] که قطعاً آنان گروهی نافرمانند؛ (۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبَصِّرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳)

هنگامی که معجزات روشن ما به سویشان آمد، گفتند: این جادویی آشکار است. (۱۴)

ص: ۳۷۷

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبُهُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴)

و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه و برتری جویانه انکار کردند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود؟! (۱۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَلَّنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵)

و یقیناً ما به داود و سلیمان، دانش [ویژه] دادیم، و آن دو گفتند: همه ستایش‌ها ویژه خداست، همان که ما را بربسیاری از بندگان مؤمن خود برتری عطا کرده است، (۱۵)

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِيَنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶)

و سلیمان وارث داود شد و گفت: ای مردم! [معرفت و آگاهی به] زبان و منطق پرنده‌گان را به ما آموخته اند، و از هر چیزی [که به پیامبران و پادشاهان داده اند] به ما عطا کرده اند، یقیناً این امتیاز و برتری آشکاری است. (۱۶)

وَحُشِرَ لِسْلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ وَالْطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷)

و برای سلیمان، سپاهیانش از پریان و آدمیان و پرندگان گردآوری شدند، [و آنان را از حرکت باز می داشتند] تا گروه‌های دیگر به آنان ملحق شوند؛ (۱۷)

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالُوا نَمْلَهُ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ اذْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَخْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)

[پس حرکت کردند] تا به وادی مورچگان درآمدند. مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به خانه هایتان درآید تا سلیمان و سپاهیانش نا آگاهانه شما را پایمال نکنند. (۱۸)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أُوْزِغْنِي أَنْ أَشْكُرْ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالْتَّدَىٰ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَذْخِلْنِي
بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۱۹)

پس سلیمان از گفته اش با ترسم، حالت خنده به خود گرفت، و [به سبب نعمت فهم گفتار حیوانات] گفت: پروردگار!! به من

الهام کن تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم عطا کرده ای به جای آورم، و اینکه کار شایسته ای که آن را پیشنهادی انجام دهم، و مرا به رحمت در میان بندگان شایسته است درآور. (۱۹)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِي لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِيْنَ (۲۰)

و [سلیمان] جویای پرنده‌گان شد [و هدهد را در میان پرنده‌گان بارگاهش نیافت] پس گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی‌بینم [آیا هست و او را نمی‌بینم] یا از غاییان است؟ (۲۰)

لَا عَذَّبَنَّهُ عَذَّابًا سَدِيْدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَاْتَيْنَى بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۱)

قطعاً او را عذابی سخت خواهم کرد یا [برای عبرت دیگر پرنده‌گان] او را سر می‌برم، یا باید [برای غایب بودنش] دلیلی روش برایم بیاورد. (۲۱)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحْاطْتُ بِمَا لَمْ تُحِظْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَيِّئَاتِي يَقِينٍ (۲۲)

پس [هدهد] زمانی نه چندان دور درنگ کرد [و با شتاب بازگشت،] پس گفت: [ای سلیمان!] من به چیزی آگاهی یافته ام که تو به آن آگاهی نیافته ای، و [من] از [سرزمین] سبا خبری مهم و یقینی برایت آورده ام. (۲۲)

ص: ۳۷۸

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَهُ تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيْتُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳)

به راستی من زنی را یافتم که بر آنان حکومت می‌کند، و از هر چیزی [که از وسائل و لوازم حکومت و قدرت است] به او داده اند و تختی بزرگ دارد، (۲۳)

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَرَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)

او و قومش را یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌کنند و شیطان، اعمال [زشتستان] را برای آنان آراسته و در نتیجه آنان را از راه [حق] بازداشتی است به این سبب هدایت نمی‌یابند، (۲۴)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲۵)

[و شیطان آنان را این گونه فریب داده] تا برای خدا سجده نکنند، همان که نهان در آسمانها و زمین را بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید، می‌داند. (۲۵)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۲۶)

خدای یکتا که معبودی جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است. (۲۶)

قالَ سَنَظُرٌ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۷)

[سلیمان به هدهد] گفت: به زودی [درباره ادعایت] تأمل و بررسی می کنم که آیا راست گفته ای یا از دروغگویانی، (۲۷)

اَذَّهَبْ بِكَتَابِي هَذَا فَالْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرِجُّونَ (۲۸)

این نامه مرا بیرون به سوی آنان بیفکن، سپس به دور از دیدگان آنان خود را کناری بگیر و بنگر چه پاسخیمی دهند؟ (۲۸)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمُلَأُ إِنِّي أُلْقَى إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (۲۹)

[ملکه سبا پس از آگاهی از مضمون نامه] گفت: ای سران و اشراف! همانا نامه ای نیکو و با ارزشی به سوی من افکنده اند،

(۲۹)

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰)

یقیناً این نامه از سوی سلیمان است و سرآغازش به نام خدای رحمان و رحیم است، (۳۰)

أَلَّا تَعْلُوا عَلَىَّ وَأَتُؤْنِي مُسْلِمِينَ (۳۱)

و [مضمونش این است که] بر من برتری مجویید و همه با حالت تسلیم نزد من آید. (۳۱)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمُلَأُ أَفْهَنُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَهُ أَمْرًا حَتَّىٰ تَشَهَّدُونِ (۳۲)

گفت: ای سران و اشراف! در کارم به من نظر دهید تا شما نزد من حضور داشتید، من [بدون شما] فیصله دهنده کاری نبوده ام.

(۳۲)

قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرْ مَاذَا تَأْمِرِينَ (۳۳)

گفتند: ما دارای قدرت و مالک وسایل رزمی سختی هستیم، پس بنگر چه فرمان می دهی؟ (۳۳)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَحَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّهَا أَهْلِهَا أَذِلَّهُ وَكَذِلِكَ يَفْعَلُونَ (۳۴)

گفت: همانا پادشاهان هنگامی که [با ابزار، ادوات جنگی و سپاهی رزمی] وارد شهری می شوند، آن را تباہ می کنند و عزیزان اهلش را به ذلت و خواری می نشانند و [آنان] همواره چنین می کنند! (۳۴)

وَإِنِّي مُرْسِلُهٗ إِلَيْهِمْ بِهَدِيهٍ فَنَاظِرَهُ بِمَ يَرْجُعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)

من به سوی آنان هدیه ای [قابل توجه] می فرستم، پس با تأمل می نگرم که فرستادگان با چه پاسخی بر می گردند؟ (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَئْتِنِي بِمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مُّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهِدِّيَتِكُمْ تَفْرُحُونَ (۳۶)

هنگامی که [فرستاده ملکه سبا] نزد سلیمان آمد، [سلیمان] گفت: آیا مرا با مالی [اندک و ناچیز] یاری می دهید؟ آنچه خدا [از نبوت و حکومت و ثروت] به من عطا کرده، بهتر است از آنچه به شما داده [هدیه شما برای من شادی آور نیست]، این شما باید که با هدیه خود شادمانی می کنید، (۳۶)

ارجُع إِلَيْهِمْ فَلَنَا تَيَّبُّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنَخْرُجَّهُمْ مِّنْهَا أَذِلَّهُ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)

به سوی آنان باز گرد که ما حتماً با سپاهیانی به سوی آنان خواهیم آمد که قدرت رویارویی با آن را ندارند، و آنان را در حالی که [در آن منطقه] حقیر و بی ارزش شده اند، با خواری و ذلت از آنجا بیرون می کنیم. (۳۷)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَائِكَةِ يَا تَيَّبُّهُمْ بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸)

[سلیمان] گفت: ای سران و اشراف! کدام یک از شما تخت او را پیش از آنکه همگی به حالت تسليم نزد من آیند، برایم می آورد؟ (۳۸)

قَالَ عَفْرِيْتُ مَنِ الْجِنْ أَنَا آتِيَكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوْيٌ أَمِينٌ (۳۹)

یکی از جنیان کارдан و تیزهوش گفت: من آن را پیش از آنکه از مسند خود برخیزی نزد تو می آورم، و من بر این [کار] توانا و امینم، (۳۹)

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيَكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرَيَّتَهُ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَيْدَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لَيْلُونِي أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يُشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِّيٌّ كَرِيمٌ (۴۰)

کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک دیده ات به هم بخورد، نزد تو می آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پا برجا دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا بنده ای ناسپاسم؟ و هر کس که سپاس گزاری کند، به سود خود سپاس گزاری می کند و هر کس ناسپاسی ورزد، [زیانی به خدا نمی رساند]؛ زیرا پروردگارم بی نیاز و کریم است. (۴۰)

قَالَ نَكْرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَظَرٌ أَنْهَتِدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۴۱)

گفت: تختش را [با تغییر دادن در زینت و آرایش] برایش ناشناس کنید تا بینیم آیا [به شناخت آن] راه می یابد، یا از کسانی است که راه نمی یابند؟ (۴۱)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَثُ كَانَهُ هُوَ وَأُوتِيَنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۴۲)

پس زمانی که [ملکه سبا] آمد، گفتند: آیا تخت تو نیز این گونه است؟ گفت: گویا این همان است!! و ما را پیش از این [به حقّیقت و قدرت سلیمان] آگاه کردند و [همان زمان] تسلیم شدیم؛ (۴۲)

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴۳)

چیزی را که [ملکه سبا] به جای خدا می پرستید او را [از تسلیم شدن به حق] بازداشته بود؛ زیرا او از گروه کافران بود [و در میان آنان رشد کرده بود و به روش و رفتار آنان خو گرفته بود]. (۴۳)

قِيلَ لَهُمَا اذْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتُهُ حَسِبَتُهُ لُجَّةً وَكَشَفْتُ عَنْ سَاقِيهِا قَالَ إِنَّهُ صَيْرُحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرِ قَالْتُ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۴)

به او گفتند: به حیاط قصر درآی. هنگامی که آن را دید، پنداشت آبی فراوان [چون دریاچه] است، پس دامن جامه از دو ساق پایش بالا زد [که به خیال خود وارد آب شود]، سلیمان گفت: این محوطه ای است صاف و هموار از شیشه [نه از آب]. [ملکه سبا] گفت: پروردگار! قطعاً من به خود ستم کردم، اینک همراه سلیمان، تسلیم [فرمان‌ها و احکام] خدا، پروردگار جهانیان شدم. (۴۴)

ص: ۳۸۰

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثُمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ إِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (۴۵)

همانا به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را پرستید. پس ناگهان آنان دو گروه [مؤمن و کافر] شدند که با یکدیگر نزع و دشمنیمی کردند. (۴۵)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَعْفِرُونَ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُرَحَّمُونَ (۴۶)

گفت: ای قوم من! چرا بر عذاب و هلاکت، پیش از توبه و ایمان شتاب می کنید؟! چرا از خدا درخواست آمرزش نمی کنید تا مورد رحمت قرار گیرید؟! (۴۶)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بِلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷)

گفتند: ما به تو و همراهانت فال بد زده ایم [و شما را سبب بروز این همه مشکلات و بدبختی خود می دانیم]. گفت: سبب بروز مشکلات و بدبختی شما [طغيان و گناهان شماست که عکس العملش] نزد خدادست، [ربطی به ما ندارد] بلکه شما گروهی هستید که [به مشکلات و مصائب] امتحان می شوید [شاید به این سبب توبه کنید و مؤمن شوید]. (۴۷)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تَسْعَهُ رَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۴۸)

در آن شهر نه نفر از اشراف و سران بودند که در آن فساد می کردند و اصلاح گر نبودند، (۴۸)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَتَبِيَّنَهُ وَأَهْلُهُ ثُمَّ لَتَقُولَنَّ لِوَلِيهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (٤٩)

[آنان به یکدیگر] گفتند: هم قسم شوید که حتماً به صالح و خانواده اش شبیخون می زنیم [تا همه را نابود کنیم]، آن گاه به خونخواهش بگوییم: ما زمان هلاک شدن خانواده اش حضور نداشتیم و یقیناً راستگوییم. (۴۹)

وَمَكَرُوا مَكْرُوا وَمَكَرُنَا مَكْرُراً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (٥٠)

آنان نیرنگ مهمی به کار گرفتند و ما هم در حالی که بی خبر بودند [با کیفر بسیار سختی] نیرنگ آنان را از بین بردیم. (۵۰)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَرْنَا هُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (٥١)

پس با تأمل بنگر که سرانجام نیرنگشان چگونه بود؟ که ما آنان و قومشان را همگی درهم کوبیدیم و هلاک کردیم. (۵۱)

فَتِلْكَ بُيُونُهُمْ حَاوِيهِ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٥٢)

این خانه های آنان است که به سبب ستمشان [از سکنه] خالی مانده. بی تردید در این سرگذشت برای گروهی که معرفت و شناخت دارند، عبرتی بزرگ وجود دارد، (۵۲)

وَأَنْجِيَنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (٥٣)

و آنان را که ایمان آوردند و همواره پرهیز کاری می کردند، نجات دادیم. (۵۳)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (٥٤)

و لوط را [یاد کن] هنگامی که به قومش گفت: آیا این عمل بسیار زشت را در حالی که [وقت انجام دادنش با بی شرمی کامل به هم] نگاه می کنید، مرتكب می شوید؟! (۵۴)

أَتَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (٥٥)

آیا شما از روی میل و شهوت به جای زنان با مردان آمیزش می کنید؟ [شما برای این کار زشت دلیل و برهانی ندارید] بلکه شما گروهی ندادن هستید. (۵۵)

ص: ۳۸۱

جزء ۲۰

ادامه سوره النمل

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَاتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (٥٦)

پس جواب قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرستان بیرون کنید؛ زیرا آنان مردمانی اند که همواره خواهان پاکی اند. (۵۶)

فَأَنْجِيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ (۵۷)

پس او و خانواده اش را نجاتدادیم مگر همسرش را که مقدر کرده بودیم در باقی ماندگان [در شهر برای هلاکت بماند]. (۵۷)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (۵۸)

و بارانی از [سنگ گل] بر آنان باراندیم، پس بد بود باران بیم داده شدگان. (۵۸)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِ الدِّينِ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرًا أَمَّا يُشْرِكُونَ (۵۹)

بگو: همه ستایش‌ها ویژه خداست، و درود بر آن بندگانش که آنان را برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک او قرار می‌دهند؟ (۵۹)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاءِ أَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَيْدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا إِلَّا اللَّهُ مَعَ اللَّهِ بِلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (۶۰)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه آسمان‌ها و زمین را آفرید، و برای شما از آسمان آبی نازل کرد که به وسیله آن باغ‌هایی خرم و باطرافت رویاندیم، که رویاندن درختانش در قدرت شما نیست؛ آیا با خدا معبدی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربویت او باشد؟ نه، نیست]، بلکه آنان مردمی منحرف اند [که برای او شریک می‌گیرند]. (۶۰)

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبُحْرَيْنِ حَاجِزًا إِلَّا اللَّهُ بِلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه زمین را [برای موجوداتش] آرام و قرارگاه ساخت و در شکاف‌هایی نهرهایی پدید آورد، و برای آن کوه‌هایی استوار قرار داد [تا زیر پای اهلش نلرزد]، و میان دو دریا [ای شیرین و شور] مانع و حایلی قرار داد [که با هم مخلوط نشوند]؛ آیا با خدا معبدی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربویت او باشد؟! نه، نیست] بلکه بیشترشان اهل معرفت و دانش نیستند. (۶۱)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْسِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَّا اللَّهُ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه وقتی درمانده‌ای او را بخواند اجابت می‌کند و آسیب و گرفتاریش را دفع می‌نماید، و شما را جانشینان [دیگران در روی] زمین قرار می‌دهد؟ آیا با خدا معبدی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربویت او باشد؟!] اندکی متذکر و هوشیار می‌شوند. (۶۲)

أَمَّنْ يَهْدِيْكُمْ فِي ظُلْمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُؤْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا يَبْيَنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۳)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه شما را در تاریکی های خشکی و دریا [به وسیله ستارگان و دیگر نشانه ها] راهنمایی می کند؟! و کیست که پیشاپیش [باران] رحمتش بادها را مژده رسان می فرستد؟ آیا با خدا معبدی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربویت او باشد؟!] خدا برتر است از آنچه برای او شریک قرار می دهند. (۶۳)

ص: ۳۸۲

أَمَّنْ يَبَدِ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶۴)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه مخلوقات را می آفریند، آن گاه آنان را [پس از مرگشان] بازمی گرداند؟! و کیست آنکه از آسمان و زمین شما را روزی می دهد؟ آیا با خدا معبدی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربویت او باشد؟] بگو: اگر راستگویید دلیل خود را بیاورید. (۶۴)

قُلَ لَّا يَعْلَمُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبِ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُيَعْثُونَ (۶۵)

بگو: در آسمان ها و زمین هیچ کس جز خدا غیب نمی داند، و آنان آگاهی ندارند چه زمانی برانگیخته می شوند؟ (۶۵)

بَلِ اَذَارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُونَ (۶۶)

بلکه دانش و آگاهی آنان نسبت به آخرت [به خاطر هزینه کردن عمرشان در امور مادی] به پایان رسیده، بلکه درباره آخرت در تردیدند، بلکه اینان از [فهم] آن کوردل اند، (۶۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَا لَمُخْرَجُونَ (۶۷)

و کافران گفتند: آیا زمانی که ما و پدرانمان خاک شدیم به راستی ما را از آن [زنده] بیرون می آورند؟ (۶۷)

لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلٍ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۶۸)

همانا پیش از این [زنده بیرون آمدن از خاک را] به ما و پدرانمان و عده داده اند، ولی این مطلب جز افسانه خرافی پیشینیان نیست! (۶۸)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُجْرِمِينَ (۶۹)

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام گنهکاران چگونه بود؟ (۶۹)

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۷۰)

و بر آنان [که با حق دشمنی می کنند] اندوه محور و از نیرنگی که همواره به کار می گیرند، دلتگ مباش. (۷۰)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٧١)

و می گویند: اگر راستگویید این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟ (٧١)

فُلْ عَسَى أَن يَكُونَ رَدْفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (٧٢)

بگو: امید است بخشی از آن عذابی که رسیدنش را با شتاب می خواهید، دنبال شما باشد، (٧٢)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكُنَّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (٧٣)

و یقیناً پروردگارت بر مردم دارای فضلی بزرگ است، ولی بیشترشان سپاس نمی گزارند، (٧٣)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (٧٤)

و به راستی پروردگارت آنچه را سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می کند، می داند، (٧٤)

وَمَا مِنْ عَائِيهٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (٧٥)

هیچ پوشیده و پنهانی در آسمان و زمین وجود ندارد مگر آنکه در کتابی روشن [چون لوح محفوظ] است. (٧٥)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (٧٦)

بی تردید این قرآن بیشتر آنچه را بنی اسرائیل [از روی جهالت] در آن اختلاف دارند، برای آنان بیان می کند، (٧٦)

ص: ٣٨٣

وَإِنَّهُ لَهُدَى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (٧٧)

و یقیناً قرآن برای مؤمنان، سراسر هدایت و رحمت است. (٧٧)

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (٧٨)

قطعاً پروردگارت [روز قیامت] به حکم خود میان بنی اسرائیل [در آنچه از امور دینی و معنوی اختلاف دارند] داوری می کند؛
و او توانای شکست ناپذیر و داناست. (٧٨)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُسِينِ (٧٩)

پس بر خدا توکل کن؛ زیرا تو [متکی بر آین] حق آشکاری. (٧٩)

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَوْا مُدْبِرِينَ (٨٠)

بی تردید تو نمی توانی [دعوت را] به مردگان بشنوانی، و نیز نمی توانی آن را به کران که پشت کنان روی برمی گردانند بشنوانی، (۸۰)

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَّىٰ عَنْ ضَلَالِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (٨١)

و تو هدایت کننده کوردلاین از گمراهی شان نیستی، و نمی توانی [دعوت را] جز به آنان که به آیات ما ایمان می آورند و تسلیم [فرمان ها و احکام] خدا هستند، بشنوانی. (۸۱)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (٨٢)

و هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا] وعده عذاب ما بر آنان حتمی و لازم شود، جنبده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گویید [تا به آیات ما و آخرت و اصول آن یقین کنند؛ زیرا مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲)

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (٨٣)

و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می کنند، محشور می کنیم و آنان را [از حرکت] باز می دارند [تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند،] (۸۳)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِنِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّا ذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٨٤)

تا وقتی که [به محل حساب] آیند، [خدا] می گوید: آیا آیات مرا تکذیب کردید در حالی که هیچ احاطه علمی به آنها نداشتهید؟ یا شما [غیر از تکذیب آیات] چه کارها [ی دیگری] انجام می دادید؟ (۸۴)

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ (٨٥)

و به سبب ستمی که [به آیات ما] روا داشتند، عذاب ما بر آنان حتمی و لازم می شود، پس [برای معذور نشان دادن خود] سخن نمی گویند. (۸۵)

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيلَ لِيَشْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٨٦)

آیا ندانسته اند که ما شب را قرار داده ایم تا در آن بیارامند، و روز را روشن نموده ایم [تا در آن به تلاش اقتصادی برخیزند؟] به راستی در این امور برای مردمی که ایمان می آورند، نشانه هایی [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] است. (۸۶)

وَيَوْمَ يُنَفَّخُ فِي الصُّورِ فَفَزَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتْوَهُ دَاخِرِينَ (٨٧)

و [یاد کن] روزی را که در صور می دمند، پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است دچار هراس شود، مگر کسی که خدا بخواهد؛ و همه خوار و فروتن به پیشگاه او آیند، (۸۷)

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعُ اللَّهِ الَّذِي أَنْفَقَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (۸۸)

و کوه ها را می بینی [و] آنها را [در جای خود] بی حرکت می پنداری، در حالی که آنها مانند ابر گذر می کنند. آفرینش خداست که [آفرینش] هر چیزی را محکم و استوار کرده است؛ یقیناً او به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۸۸)

ص: ۳۸۴

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَرَّاعَ يَوْمَئِنِ آمِنُونَ (۸۹)

آنان که کارهای خیر و نیک [به آخرت] بیاورند، پاداشی بهتر از آن دارند، و آنان در آن روز از هول و هراسی بزرگ ایمن اند، (۸۹)

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبْثٌ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هُلْ تُجَرَّوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۰)

و آنان که کارهای بد و زشت بیاورند به رو در آتش افکنده می شوند؛ [و به آنان گویند:] آیا جز آنچه انجام دادید پاداشتان داده اند؟ (۹۰)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۱)

من فقط فرمان یافته ام که پروردگار این شهر را که آن را بسیار محترم شمرده و همه چیز در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، بپرسیم و فرمان یافته ام که از تسليم شدگان [فرمان ها و احکام او] باشم، (۹۱)

وَأَنْ أَتُلُّ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ (۹۲)

و اینکه قرآن را بخوانم؛ پس هر که راه یابد فقط به سود خود راه یافته است، و هر که گمراه شود [آثار شوم گمراهی فقط متوجه خود اوست] پس [به مردم] بگو: من فقط از بیم دهنده‌گانم، (۹۲)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيِّرِيْكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۳)

و بگو: همه ستایش ها ویژه خداست؛ به زودی نشانه های خود را [که شکست شما و گرفتاری های سخت دنیایی و مرگ و عذاب آخرت است] به شما [مشرکان و کافران] نشان خواهد داد، پس آنها را [به خوبی] خواهید شناخت. و پروردگارت از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۹۳)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این آیات [باعظمت] کتاب روشنگر است. (۲)

نَّالُو عَيْنِكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَى وَفَرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳)

بخشی از سرگذشت [مهم] موسی و فرعون را برای [عبرت گرفتن] مردمی که ایمان می آورند به حق و راستی بر تو می خوانیم. (۳)

إِنَّ فِرَعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبَّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۴)

همانا فرعون [در سرزمین مصر] برتری جویی و سرکشی کرد و مردمش را گروه گروه ساخت، در حالی که گروهی از آنان را ناتوان و زبون گرفت، پسراشان را سر می برد، و زنانشان را [برای بیگاری گرفتن] زنده می گذاشت؛ بی تردید او از مفسدان بود. (۴)

وَنَرِيدُ أَنْ نَمْنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

و ما می خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت های بالارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم. (۵)

ص: ۳۸۵

وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرَعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (۶)

و برای آنان در آن سرزمین، زمینه قدرت و حکومت آماده کنیم، و به فرعون و هامان و سپاهشان که از ایشان اند چیزی را که از آن هراسناک و در حذر بودند [و آن پیروزی بنی اسرائیل بر آنان بود] نشان دهیم. (۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَيْ أُمُّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتَ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَعْزَزْنِي إِنَّ رَادُوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷)

و به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بدی، پس هنگامی که [از سوی فرعونیان] بر او بترسی به دریايش انداز، و مترس و غمگین مباش که ما حتماً او را باز می گردانیم، و او را از پیامبران قرار می دهیم. (۷)

فَالْتَّقَطْهُ آلُ فِرَعَوْنَ لَيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرَعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ (۸)

[مادرش به الهام خدا او را به دریا انداخت] پس خاندان فرعون او را [از آب] گرفتند تا سرانجام، دشمنشان و مایه اندوهشان شود. مسلماً فرعون و هامان و سپاهیان آن دو خطاکار بودند؛ (۸)

وَقَالَتِ امْرَأٌ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنَ لَى وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أُو نَتَخَذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹)

و همسر فرعون گفت: [این نوزاد] برای من و تو مایه شادمانی و خوشحالی است، او را نکشید، امید است ما را سود دهد، یا وی را به فرزندی خود بگیریم. ولی آنان آگاه نبودند [که دشمنشان را به دست خود می پرورند]. (۹)

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمٍّ مُوَسَى فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتَبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰)

و قلب مادر موسی [از هر چیز جز یاد فرزندش] تهی شد [و در اضطراب و نگرانی فرو رفت]. اگر قلبش را [با لطف خود] محکم و استوار نکرده بودیم تا از باور کنندگان و عده ما باشد، به درستی که نزدیک بود آن [حادثه پنهانی] را فاش کند، (۱۰)

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصْيِهَ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۱)

و به خواهر موسی گفت: [او ضاع و احوال] او را پی گیری کن. پس او موسی را از دور [در آغوش فرعونیان] دید در حالی که خاندان فرعون [پی گیری او را] درک نمی کردند. (۱۱)

وَحَرَّقْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَالَتْ هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (۱۲)

و ما پیش از آن [خوردن شیر] همه زنان شیردهنده را بر او حرام کردیم [تا پستان هیچ زنی را نگیرد]، پس [خواهرش پیش آمد و] گفت: آیا می خواهید شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما به عهده گیرند و خیرخواه او باشند؟ (۱۲)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقْرَ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلَعِلَّمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

پس او را به مادرش برگردانیم تا خوشحال و شادمان شود و اندوه نخورد و بداند که حتماً و عده خدا حق است، ولی بیشتر مردم [که محروم از بصیرت اند این حقایق را] نمی دانند. (۱۳)

ص: ۳۸۶

وَلَمَّا بَلَغَ أَشْدَدَهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۴)

چون به توانایی [جسمی و عقلی] خود رسید و رشد و کمال یافت، به او حکمت و دانش دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۱۴)

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَلَانِ هَذَا مِنْ شِيَعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ اللَّذِي مِنْ شِيَعَتِهِ عَلَى

الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوْكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ (۱۵)

و [موسى] به شهر وارد شد در حالی که اهل آن [در خانه‌ها استراحت می‌کردند و از آنچه در شهر می‌گذشت] بی خبر بودند، پس دو مرد را در آنجا یافت که با هم [به قصد نابودی یکدیگر] زد و خورد می‌کردند، این یک از پیروانش، و آن دیگر از دشمنانش، آنکه از پیروانش بود از موسی بر ضد کسی که از دشمنانش بود درخواست یاری کرد، پس موسی مشتی به او زد و او را کشت، گفت: این [نزاع میان آن دو] از عمل شیطان است، قطعاً او گمراه کننده و دشمنی اش آشکار است.

(۱۵)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۶)

گفت: پروردگار! [از اینکه از جایگاهم درآمدم و وارد شهر شدم] به خود ستم کردم [مرا از شر دشمنانم حفظ کن] و آمرزشت را نصیب من فرما. پس خدا او را آمرزید؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۶)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ (۱۷)

گفت: پروردگار! به خاطر قدرت و نیرویی که به من عطا کردی، هر گز پشتیبان مجرمان نخواهم شد. (۱۷)

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ حَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنَصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ (۱۸)

پس [موسی آن شب را] در آن شهر با حالت بیم و نگرانی صبح کرد، در حالی که [آثار و عواقب حادثه اتفاق افتاده را] انتظار می‌کشد؛ پس ناگهان دید آنکه دیروز از او یاری خواسته بود، دوباره وی را به فریادرسی می‌خواند، [موسی به او] گفت: همانا تو گمراهی آشکار هستی، [و گمراهیت از اینکه بدون قدرت و نیرو با فرعونیان به زد و خورد می‌پردازی، پیداست].

(۱۸)

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوُّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتَلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ حَبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ (۱۹)

هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنان بود به سختی برخورد کند [و از آن بنی اسرائیلی مظلوم دفاع نماید، مرد استمدیده با ارزیابی اشتباهش در حق موسی به تصور آنکه موسی قصد وی را دارد] گفت: ای موسی! آیا می‌خواهی مرا بکشی چنان که دیروز یک نفر را کشته؟ تو می‌خواهی در این سرزمین فقط یاغی و سرکش باشی، ونمی خواهی از مصلحان به شمار آیی! (۱۹)

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيُقْتُلُوكَ فَأَخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (۲۰)

و مردی از دورترین [نقطه] شهر شتابان آمد [و] گفت: ای موسی! اشراف و سران [فرعونی] درباره تو مشورت می‌کنند که تو را بکشنند! بنابراین [از این شهر] بیرون برو که یقیناً من از خیرخواهان توام. (۲۰)

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبُّ نَجَنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (٢١)

پس موسی ترسان و نگران در حالی که [حوادث تلخی را] انتظار می کشید از شهر بیرون رفت، [در آن حال] گفت: پروردگار! مرا از این مردم ستمکار نجات بده. (٢١)

ص: ٣٨٧

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِنِي سَوَاءَ السَّيِّلِ (٢٢)

هنگامی که به سوی مدین روی آورد، گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست [که انسان را به نتیجه مطلوب می رساند] راهنمایی کند. (٢٢)

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْتَقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُوَّدَانِ قَالَ مَا حَطْبُكُمَا قَاتَلَا لَأَنَّهُنْ يُقْتَلُونَ حَتَّىٰ يُضْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُوَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (٢٣)

هنگامی که به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که دام هایشان را آب می دادند، و غیر آنان دو زن را دید که [دام هایشان را از رفتن به سوی آب] بازمی دارند؛ گفت: چه چیزی شما را بر بازداشت [گوسفدان] وامی دارد؟ گفتد: ما [این دام هایمان را] آب نمی دهیم تا [این] شبانان [دام هایشان را] بر گردانند و پدر ما پیری کهنسال است [به این علت از انجام این کار معدور است]. (٢٣)

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّ إِلَى الظَّلَّ فَقَالَ رَبِّي إِنِّي لِمَا أَنَّزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (٢٤)

پس [موسی] دام هایشان را [به جهت کمک کردن به آن دو] آب داد، سپس به سوی سایه برگشت و گفت: پروردگار! به آنچه از خیر بر من نازل می کنی، نیازمندم. (٢٤)

فَحَمَّأَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِيَ عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ أَبْغَرَ مَا سَيَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْفَصِّصَ صَرَّ قَالَ لَأَ تَحْفَنْ نَجْوَتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (٢٥)

پس یکی از آن دو [زن] در حالی که با حالت شرم و حیا گام بر می داشت، نزد او آمد [و] گفت: پدرم تو را می طلبد تا پاداش اینکه [دام های] ما را آب دادی به تو بدهد. چون نزد او آمد و داستانش را بیان کرد، گفت: دیگر نترس که از آن گروه ستمکار نجات یافته. (٢٥)

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرُهُ إِنَّ حَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرَتِ الْقَوْمُ الْأَمِينُ (٢٦)

یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد [و او دارای این صفات است]. (٢٦)

قالَ إِنِّي أَرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْيَدَى ابْنَتَيْ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَّاجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُشْقَى عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

گفت: می خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو درآورم به شرط آنکه هشت سال اجیر من باشی، و اگر ده سال را تمام کردی، اختیارش با خود توست [و ربطی به اصل قرار داد ندارد]، و من نمی خواهم بر تو سخت گیرم، و به خواست خدا مرا از شایستگان خواهی یافت. (۲۷)

قالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُذْوَانَ عَلَى وَاللَّهِ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۲۸)

[موسی] گفت: این قرارداد میان من و تو باشد، هر یک از این دو مدت را به پایان برم هیچ تعدی و ستمی بر من نیست، و خدا بر آنچه می گوییم، نگهبان و وکیل است. (۲۸)

ص: ۳۸۸

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنسَ مِنْ جَانِبِ الْطُورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آتَيْتُكُمْ مِنْهَا بِخَيْرٍ أَوْ حَمْدُهِ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۲۹)

چون موسی آن مدت را به پایان برد و با خانواده اش رهسپار [مصر] شد، از جانب طور آتشی دید، به خانواده اش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیدم، [می روم] شاید خبری از آن برای شما بیاورم یا پاره ای از آتش را می آورم تا گرم شوید. (۲۹)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِي مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبَقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۳۰)

چون نزد آن آمد، از جانب راست آن وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا رسید که ای موسی! یقیناً منم خدا پروردگار جهانیان، (۳۰)

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَرُ كَانَهَا بَحَانٌ وَلَى مُذْبِرًا وَلَمْ يُعْقِبْ يَا مُوسَى أَقْبِلَ وَلَا تَخْفُ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِ (۳۱)

و عصایت را یفکن. پس وقتی آن را دید که تنده و سریع حرکت می کند، گویا ماری باریک و تیزرو است، پشت کنان گریخت و به پشت سر برنگشت. [ندا آمد:] ای موسی! پیش آی و مترس، بی تردید تو [از آسیب و گزند آن] در امانی، (۳۱)

اسْلِكْ يَدَكَ فِي جَيْهِكَ تَخْرُجْ يَضَاءٌ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاصْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَنِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۳۲)

دستت را در گریانت ببر تا بدون هیچ عیبی سفید و درخشان بیرون آید، و برای [از بین رفتن] ترسی که دچارش شده ای دو دستت را بر سینه بگذار، پس این دو معجزه از ناحیه پروردگار توست به سوی فرعون و اشراف و سران او که همواره مردمی

قالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقُولُونَ (۳۳)

گفت: پروردگار! من یک نفر از آنان را کشته ام، می ترسم مرا بکشنند، (۳۴)

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَزْسِلُهُ مَعِي رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (۳۴)

و برادرم هارون زبانش از من گویاتر است، پس او را همراه من بفرست که یاور و دستیارم باشد تا [در همه امور] مرا تصدق کند؛ زیرا می ترسم [فرعون و فرعونیان] تکذیب کنند. (۳۴)

قالَ سَنَشِدُ عَضْدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ (۳۵)

[خدایا] گفت: به زودی قدرت و نیرویت را به وسیله برادرت افزون کنم، و برای هر دوی شما به خاطر معجزات ما [که در اختیارات نهاده ام] قدرتی قرار می دهم که آنان به شما دست نیابند، شما و آنان که از شما پیروی کنند، پیروزی دید. (۳۵)

ص: ۳۸۹

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُقْتَرٌ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَئِينَ (۳۶)

پس هنگامی که موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: این جز جادویی ساختگی و دروغین نیست، و ما این [ادعای نبوت و دعوت به توحید] را از پدران پیشین خود نشنیده ایم [که به ما گفته باشند کسی در میانشان به عنوان پیامبر و دعوت کننده به توحید آمده باشد!!] (۳۶)

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَهُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۳۷)

و موسی گفت: پروردگارم به کسی که از نزد او هدایت آورده و به کسی که سرانجام نیک برای اوست داناتر است؛ بی تردید ستمکاران پیروز نمی شوند. (۳۷)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَئِيَّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صِرْحًا لَعَلَى أَطْلَعِ إِلَى إِلَهٍ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۳۸)

و فرعون گفت: ای اشرف و سران [ملکت]! من برای شما هیچ معبدی جز خود نمی شناسم، پس ای هامان! برایم بر گل آتش بیفروز [تا آجر محکم و قوی به دست آید]، پس برایم بر جی بلند بساز شاید بر معبد موسی آگاهی و اطلاع یابم، و البته من او را از دروغگویان می پندارم. (۳۸)

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجْهُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرِجَّعُونَ (۳۹)

او و سپاهیانش به ناحق در زمین سرکشی و تکبر کردند، و پنداشتند که آنان را به سوی ما بازنمی گردانند، (۳۹)

فَأَخْذُنَاهُ وَجُنُودَهُ فَتَبْدِنَا هُمْ فِي الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الظَّالِمِينَ (۴۰)

پس او و سپاهیانش را گرفتیم و در دریا افکنديم؛ پس با تأمل بنگر که سرانجام ستمکاران چگونه بود؟ (۴۰)

وَجَعَنُنَاهُمْ أَئِمَّهَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنَصَّرُونَ (۴۱)

و آنان را [به کيف طغيانشان] پيشوایاني که دعوت به آتش می کنند قرار داديم، و روز قیامت ياري نمی شوند، (۴۱)

وَأَتَبْعَنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَغَنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَهُ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ (۴۲)

و آنان را در اين دنيا با لعنت بدرقه کرديم، و روز قیامت از زشت رويان [و مطرودان] از رحمت خدايند، (۴۲)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكَنَا الْفُرْوَنَ الْأُولَى بَصَائِرَ الْنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَهُ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۳)

و پس از آنکه اقوام پيشين را [چون قوم نوح و هود و صالح و لوط] هلاک کرديم، به موسى کتاب داديم که برای مردم وسیله بینایي و هدایت و رحمتی بود، تا متذکر و هوشيار شوند. (۴۳)

ص: ۳۹۰

وَمَا كُنَّتِ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنَّتِ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۴۴)

تو در جانب غربی [وادي طور] حضور نداشتی هنگامی که ما [با نازل کردن تورات] امر نبوت موسی را به انجام رسانديم، و از شاهدان [آن واقعه مهم هم] نبودی. (۴۴)

وَلَكِنَّا أَنْشَانَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنَّتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَنْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۴۵)

ولی ما ملت هايي را پديد آورديم، پس روزگار درازی بر آنان گذشت [تا جايی که سرگذشتستان فراموش شد، اکنون ما سرگذشتستان را به تو وحی می کنیم تا برای مردم بيان کنی]. و تو در میان مردم مدين ساکن نبودی تا نشانه هاي [قدرت و خشم] ما را [که به آنان رسيد] بر اينان [که در مکه، آلوده به طغيان و فسادند] بخوانی، ولی ما بوديم که تو را به پیامبری فرستاديم [و سرگذشت مردم مدين را به تو وحی کردیم تا بر آنان بخوانی]. (۴۵)

وَمَا كُنَّتِ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَهُ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۶)

و زمانی که ما موسی را ندا داديم، تو در ناحیه طور نبودی ولی به سبب رحمتی از پروردگارت [سرگذشت موسی را به تو وحی کردیم] تا به مردمی که پيش از تو [تا زمان عيسی] يیم دهنده اي برای آنان نیامده بود، يیم دهی تا متذکر و هوشيار شوند. (۴۶)

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيهِمْ فَيُقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبَعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و اگر نه آن بود که به سبب گناهانی که مرتکب شدند عذابی به آنان برسد، پس بگویند: پروردگار! چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا از آیات پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم [بی تردید در عذاب کردن و هلاکتشان شتاب می نمودیم]. (۴۷)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحُقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتَى مِثْلَ مَا أُوتَى مُوسَى أَوْلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتَى مُوسَى مِنْ قَبْلٍ قَالُوا سِهْرَانٌ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ وَنَ (۴۸)

پس هنگامی که حق [چون قرآن و پیامبر] از سوی ما برای آنان آمد [به جای آنکه پذیرند] گفتند: چرا مانند آنچه به موسی دادند به او نداده اند؟ آیا پیش از این به آنچه به موسی داده شد، کفر نورزیدند؟! گفتند: [این تورات و قرآن] دو جادویند که پشتیبان یکدیگرند!! و گفتند: ما منکر هر دو هستیم !! (۴۸)

قُلْ فَأُتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹)

بگو: [بنا بر ادعای شما چنانچه تورات و قرآن از جانب خدا نیست] اگر راست می گویید کتابی از نزد خدا بیاورید که هدایت کننده ترا از این دو باشد تا آن را پیروی کنم. (۴۹)

فَإِنْ لَمْ يَسْتِطِعُوا لِهِكَ فَاعْلَمُ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِعَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰)

پس اگر پاسخ تو را ندادند بدان که فقط از هواهای نفسانی خود پیروی می کنند و گمراه تراز کسی که بدون هدایتی از سوی خدا از هواهای نفسانی خود پیروی کند، کیست؟ مسلمًا خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. (۵۰)

ص: ۳۹۱

وَلَقَدْ وَصَلَنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۱)

ما این قرآن را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته [به صورت سوره ای پس از سوره ای و آیه ای بعد از آیه ای] آورдیم تا متذکر و هوشیار [حقایق] شوند. (۵۱)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

[و برخی از] کسانی که پیش از قرآن کتابشان دادیم، به قرآن ایمان می آورند، (۵۲)

وَإِذَا يُتَّلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحُقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳)

و هنگامی که بر آنان خوانند، می گویند: به آن ایمان آوردیم، یقیناً این قرآن از سوی پروردگار مان حق و درست است، البته

ما پیش از نزول آن [به سبب راهنمایی های تورات و انجیل] تسلیم بودیم. (۵۳)

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۵۴)

اینان به علت صبری که [بر ایمان و عمل به قرآن] کردند و بدی [مردم] را با نیکی و خوبی خود دفع می کنند و از آنچه به آنان روزی کرده ایم، انفاق می نمایند، دوبار پاداششان می دهنند. (۵۴)

وَإِذَا سَمِعُوا الْلَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵)

و هنگامی که سخن بیهوده ای بشنوند، از آن روی برمی گردانند و می گویند: اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما، سلام بر شما [سلام متار که]، ما خواستار [همنشینی و معاشرت با] نادانان نیستیم. (۵۵)

إِنَّكَ لَا تَهِدِي مَنْ أَخْبَيْتَ وَلِكُنَّ اللَّهُ يَهِدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهَتَّدِينَ (۵۶)

قطعاً تو نمی توانی هر که را خود دوست داری هدایت کنی، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت پذیران داناتر است، (۵۶)

وَقَالُوا إِنَّنَّنِي تَنَاهَى مَعِيَّكَ تُنَخَّطِفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّنَا وَلِكُنَّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷)

و [مشرکان برای معذور بودن خود در نپذیرفتن هدایت] گفتند: اگر ما همراه تو از هدایت [قرآن] پیروی کنیم [به وسیله مشرکان قлер عرب] از سرزمینمان [شهر مکه] ربوده خواهیم شد! آیا ما آنان را در حرم امنی جای ندادیم که همواره [در همه فصول سال] هر نوع میوه و محصولی که رزقی از سوی ماست به سوی آن گردآوری می شود؟ ولی بیشتر آنان معرفت و دانش [نسبت به واقعیات] ندارند. (۵۷)

وَكُنْ أَهْلَكُنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرْتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُشْكِنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَبِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثُونَ (۵۸)

چه بسیار [أهل] شهرهایی را که [به سبب فراوانی نعمت] در زندگی خود گرفتار سرمستی و طغیان شده بودند، هلاک کردیم، پس این ها خانه های ایشان است که پس از آنان [خراب و ویران شده و] جز اندکی مورد سکونت قرار نگرفته اند، و فقط ما وارث آنان هستیم! (۵۸)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَعْثَثَ فِي أُمَّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (۵۹)

و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرها را نابود کند، تا آنکه [پیش از نابودی] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند، و ما [در هیچ حالی از احوال] نابود کننده شهرها نبوده ایم مگر در حالی که اهلش ستمکار بوده اند. (۵۹)

وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٦٠)

آنچه به شما داده شده کالا و ابزار زندگی دنيا و زينت آن است، و آنچه نزد خداست بهتر و پايدارتر است؛ آيا نمي انديشيد؟
(٦٠)

أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعِدَّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَعْنَاهُ مَنَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُخْضَرِينَ (٦١)

پس آيا کسی که وعده نیک به او داده ايم و حتماً به آن خواهد رسید، مانند کسی است که او را [فقط] از کالا و ابزار زندگی دنيا برخوردارش کرده ايم، سپس او در روز قيامت از احضار شوندگان [برای عذاب] است؟!
(٦١)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرْعُمُونَ (٦٢)

و [ياد کن] روزی را که خدا آنان را ندا می دهد و می گويد: کجايند معبداني که می پنداشتید شريکان من [در ربویت] هستند؟
(٦٢)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هُوَ لَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيمَانًا يَعْبُدُونَ (٦٣)

کسانی که عذاب بر آنان حتمی و لازم شده [از سردمداران شرك و کفر که مردم را به اطاعت و بندگی خود واداشتند] می گويند: پروردگار!! اينانند [مطیعان ما] که گمراهشان کردیم، همان گونه که ما [به اختيار خود] گمراه شدیم آنان را نیز [به اختيار و انتخاب خودشان] گمراه کردیم، [از آنان] به سوی تو بیزاری می جوییم، ما را نمی پرستیدند، [بلکه هوای نفسشان را می پرستیدند،]
(٦٣)

وَقَلَ ادْعُوا شُرَكَائِكُمْ فَدَعْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِبُوا لَهُمْ وَرَأُوا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (٦٤)

و [به مطیعان] گفته شود: شريکان خود را [که می پرستیدید] بخوانيد. پس آنها را می خوانند ولی آنها پاسخشان را نمی دهنند، و عذاب را می بینند و آرزو می کنند که اى کاش هدایت می یافتند،
(٦٤)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (٦٥)

و روزی که خدا آنان را ندا می دهد و می گويد: چه پاسخی به پیامبران دادید؟
(٦٥)

فَعَمِيَّتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ (٦٦)

پس در آن روز [به خاطر ترس و هراس فراگير و به سبب محجوب بودن دل هايشان و قطع رابطه آنان با علل و اسباب، همه اخبار [واقعی] بر آنان پوشیده ماند [و راه نجات از همه طرف بر آنان مسدود است]، بنابراین از یکدیگر پرسش هم نمی کنند،
(٦٦)

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (۶۷)

و اما کسی که [از شرک و عصيان] توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده، اميد است که از رستگاران باشد، (۶۷)

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَه سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۸)

و پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و [آنچه را بخواهد] بر می گزیند، برای آنان [در برابر اراده او در قلمرو تکوین و تشریع] اختیاری نیست؛ منزه است خدا و برتر است از آنچه برای او شریک می گیرند، (۶۸)

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلَمُونَ (۶۹)

و پروردگارت آنچه را سینه هایشان پنهان می نماید و آنچه را آشکار می کند، می داند (۶۹)

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالآخِرَه وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۷۰)

و اوست خدا که معبدی جز او نیست، همه ستایش ها در دنیا و آخرت ویژه اوست، و فرمانروایی فقط برای اوست، و تنها به سوی او بازگردانده می شوید. (۷۰)

ص: ۳۹۳

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَه مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِضِياءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ (۷۱)

بگو: به من خبر دهید، اگر خدا شب را بر شما تا روز قیامت پاینده و جاوید کند، کدام معبدی است جز خدا که برای شما روشنایی بیاورد؟ پس آیا [دعوت او را] نمی شنوید؟ (۷۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَه مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبَصِّرُونَ (۷۲)

بگو: به من خبر دهید اگر خدا روز را بر شما تا روز قیامت پاینده و جاوید کند، کدام معبدی است جز خدا که شبی را برای شما بیاورد تا در آن بیارامید؟ پس آیا [آثار قدرت او را] نمی بینید؟ (۷۲)

وَمِنْ رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۳)

و از رحمت خود شب و روز را برای شما قرار داد، تا در شب بیارامید و [در روز] رزق و روزی بجویید، باشد که سپاس گزاری کنید. (۷۳)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرْعَمُونَ (۷۴)

و [یاد کن] روزی را که خدا آنان را ندا می کند و می گوید: کجايند معبدانی که می پنداشتید شريکان من [در ربویت]

وَنَزَّعْنَا مِنْ كُلٍّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۷۵)

واز هر امتی گواه مطلع و آگاهی [چون پیامبر یا امام معصوم یا شخصی عادل و صالح] بیرون می آوریم، و [در محضر او به امت] می گوییم: دلیل خود را [بر درستی آین شرک] بیاورید. پس برای آنان یقینی شود که بی تردید حق [یعنی توحید] ویژه خداست، و آنچه را به دروغ [به عنوان شریک خدا] می ساختند از دستشان می رود و گم می شود. (۷۵)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنْزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتُنْتَهِي إِلَيْهِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذَا قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَنْفَرْخْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (۷۶)

همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد، و از گنجینه های مال و ثروت آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومند گران و دشوار می آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: [متکبرانه و مغرورانه] شادی ممکن، قطعاً خدا شادمانان [متکبر و مغورو] را دوست ندارد. (۷۶)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارُ الْآخِرَةِ وَلَا تَنْسَ نَصِيحةَ يَكَدِّ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۷۷)

در آنچه خدا به تو عطا کرده است سرای آخرت را بجوى، و سهم خود را از دنيا فراموش ممکن، و نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است، و در زمین خواهان فساد مباش، بی تردید خدا مفسدان را دوست ندارد. (۷۷)

ص: ۳۹۴

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوْلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْبَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (۷۸)

گفت: جز این نیست که این [ثروت و مال ابوه] را بر پایه دانشی که نزد من است به من داده اند. آیا نمی دانست که خدا پیش از او اقوامی را هلاک کرده است که از او نیرومندتر و ثروت اندوزتر بودند؟ و مجرمان [که جرمان معلوم و مشهود است] از گناهانشان بازپرسی نمی شود. (۷۸)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِيَّتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلًا مَا أُوتِيَ فَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۷۹)

[قارون] در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنانکه خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون داده اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره بزرگی است. (۷۹)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلْكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (۸۰)

و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده بود، گفتند: واى بر شما پاداش خدا برای کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند بهتر است. و [این حقیقت الهیه را] جز شکیبایان در نمی یابند. (۸۰)

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ (۸۱)

پس او و خانه اش را در زمین فرو بردمیم، و هیچ گروهی غیر از خدا برای او نبود که وی را [برای رهایی از عذاب] یاری دهد، و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند. (۸۱)

وَأَصِيَّبَحَ الَّذِينَ تَمَنُوا مَكَانَهُ بِالْمَأْمُسِ يَقُولُونَ وَيُنَكَّأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْسِدُرُ لَوْلَا أَنَّ مَنْ أَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُنَكَّأَنَّهُ لَا يُنْلِحُ الْكَافِرُونَ (۸۲)

و با مدادان، آنانکه دیروز مقام و جایگاه او را آرزو داشتند [چنان حالی شدند که] می گفتند: وه! گویی خدا رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد و سمعت می دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد، اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود، ما را نیز در زمین فرو برده بود، وه، گویی کافران رستگار نمی شوند. (۸۲)

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ (۸۳)

آن سرای [پارازش] آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین هیچ برتری و تسلط و هیچ فسادی را نمی خواهند؛ و سرانجام [نیک] برای پرهیز کاران است. (۸۳)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ حَيْثُ مُنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۸۴)

هر کس کار نیکی [به پیشگاه خدا] بیاورد، پاداشی بهتر از آن برای اوست، و هر کس کار بدی بیاورد [پس بداند آنان که کارهای ناشایسته انجام داده اند] جزا داده نمی شوند مگر آنچه را همواره انجام می داده اند. (۸۴)

ص: ۳۹۵

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّيْ أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۸۵)

یقیناً کسی که [ابلاغ و عمل کردن به] قرآن را بر تو واجب کرده است، حتماً تو را به بازگشت گاه [رفیع و بلند مرتبه ات، شهر مکه] بازمی گرداند. بگو: پروردگارم به کسی که هدایت را آورده است و به کسی که در گمراهی آشکاری است، داناتر است. (۸۵)

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَهُ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَاهِيرًا لِلْكَافِرِينَ (۸۶)

و تو امید و انتظار نداشتی که این کتاب بر تو القا شود، لکن رحمتی از سوی پروردگارت بود [که بر تو القا شد]؛ پس هرگز پشتیبان کافران مباش، (۸۶)

وَلَا يَصُدُّنَكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٨٧)

و مبادا [کفر پیشگان لجوج] تو را از [ابلاغ] آیات خدا پس از آنکه به سوی تو نازل شد باز دارند، و به جانب پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش، (۸۷)

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَإِلَهٍ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهُهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٨٨)

و با خدا معبدی دیگر مخوان، جز او معبدی نیست، هر چیزی مگر ذات او هلاک شدنی است، فرمانروایی [بر همه جهان هستی] ویژه اوست، و فقط به سوی او بازگردانده می شوید. (۸۸)

سوره العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمِ (۱)

الْمِ (۱)

أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (۲)

آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ (۲)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۳)

در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده ایم [پس اینان هم بی تردید آزمایش می شوند]، و بی تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته اند می شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می شناسد. (۳)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۴)

آیا آنان که مرتکب زشتی ها می شوند، پنداشته اند که می توانند بر ما پیشی گیرند [تا از مجازات و عذاب زشت کاری هایشان بگریزند؟!] چه بد داوری می کنند. (۴)

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۵)

هر که امید دیدار [پاداش و مقام قرب] خدا را دارد [باید در عرصه طاعت و عبادت بکوشد]؛ زیرا زمان معین شده [از سوی] خدا [که روز قیامت است] حتماً آمدنی است؛ و او شنوا و داناست. (۵)

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَيْرِهِ عَنِ الْعَالَمِينَ (۶)

و کسی که [در راه خدا] بکوشد فقط به سود خودش می کوشد؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است. (۶)

ص: ۳۹۶

وَالَّذِينَ آمُنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنَكَفَرُنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۷)

و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، گناهانشان را قطعاً از آنان می پوشانیم و بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، پاداششان می دهیم. (۷)

وَوَصَّيْنَا إِلِّيْنَاسَنَ بِوَالِّدَيْهِ حُسْنَنَا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِيْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِهِمَا إِلَيْ مَرْجِعُكُمْ فَأَتَبْتَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی کردن سفارش کرده ایم؛ و اگر آن دو نفر تلاش کنند تا بر پایه جهالت و نادانی [وبدون معرفت و دانش که روشنگر حقایق است] چیزی را شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت ممکن. بازگشت شما فقط به سوی من است، پس شما را به آنچه همواره انجام می داده اید، آگاه می کنم. (۸)

وَالَّذِينَ آمُنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنْدِخْلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ (۹)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، حتماً در زمرة شایستگان درمی آوریم. (۹)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعِذَابِ اللَّهِ وَلَيْسَ حَاجَةَ نَصِيرٍ مِنْ رَبِّكَ لِيَقُولَنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَيَسَ اللَّهُ بِأَعْلَمِ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ (۱۰)

و از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا ایمان آورdim. پس هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار شوند، شکنجه و آزار مردم را مانند عذاب خدا [غیر قابل تحمل] شمارند [و از بیم ادامه یافتنش از ایمان دست بر می دارند]، و اگر از سوی پروردگارت یاری و نصرتی [چون پیروزی و غنیمت] بیاید، [به مؤمنان] قاطعانه می گویند: ما هم با شما بودیم. آیا [حال آنان از دید خدا پنهان است] و خدا به آنچه در سینه های جهانیان است [از همه] آگاه تر نیست؟ (۱۰)

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمُنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (۱۱)

و یقیناً خدا کسانی را که ایمان آورده اند، می شناسد و بی تردید منافقان را نیز می شناسد، (۱۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمُنُوا اتَّبَعُوا سَيِّلَنَا وَلَنُحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۲)

و کافران به مؤمنان گفتند: از راه ما پیروی کنید تا ما [اگر آخرتی و عذابی در کار باشد] گناهان شما را به عهده گیریم. و آنان [به اختیار خود] بر عهده گیرنده چیزی از گناهان اینان نیستند، آنان یقیناً [در پیشنهادی که به مؤمنان می دهند] دروغگویند، (۱۲)

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳)

و مسلمًا بارهای [گناهان] خود را با بارهای دیگری [از گناهان کسانی که گمراهشان کردند] همراه با بارهای خود حمل خواهند کرد، و روز قیامت از آنچه [به خدا و پیامبر و فرقان] افترا می بستند، حتماً بازپرسی خواهند شد، (۱۳)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۴)

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس نهصد و پنجاه سال در میانشان درنگ کرد [ولی بیشتر مردم به او ایمان نیاوردند]، سرانجام توفان آنان را در حالی که ستمکار بودند، فرا گرفت. (۱۴)

ص: ۳۹۷

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَضْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (۱۵)

پس او و اهل کشتی را نجات بخشیدیم و آن [حادثه] را عبرتی بسیار مهم برای جهانیان قرار دادیم. (۱۵)

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۶)

و ابراهیم را [نیز فرستادیم] آن گاه به قومش گفت: خدا را پرستید و از او پروا کنید، این برای شما بهتر است، اگر بدانید؛ (۱۶)

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أُوْثَانَا وَتَحْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاسْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۷)

جز این نیست که شما به جای خدا بت هایی را می پرستید و [در نامگذاری آنها به آلهه و شفیع و مؤثر] دروغی را می سازید، بی تردید کسانی را که به جای خدا می پرستید، رزقی را برای شما مالک نیستند [تا آن را به شما برسانند]، پس رزق را نزد خدا بجویید و او را بندگی کنید و او را شکر کنید که [فقط] به سوی او باز گردانده می شوید، (۱۷)

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَبَ أُمُّ مَنْ قَتَلْكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۸)

و اگر [مرا] تکذیب کنید [چیز جدیدی نیست]؛ زیرا امت هایی پیش از شما نیز [پیامبران را] تکذیب کردند، و بر عهده پیامبر جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست. (۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبَدِّئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۹)

آیا ندانسته اند که چگونه خدا مخلوقات را می آفریند سپس آنان را [پس از مرگشان] باز خواهد گرداند، یقیناً این [کار] بر خدا آسان است. (۱۹)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخْلُقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّسَاءَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که چگونه مخلوقات را آفرید، سپس خدا جهان آخرت را ایجاد می کند؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست، (۲۰)

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلِبُونَ (۲۱)

هر کس را بخواهد عذاب می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می دهد، و فقط به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۱)

وَمَا أَنْتُ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲۲)

و شما نه در زمین و نه در آسمان نمی توانید خدا را عاجز کنید [تا از دسترس قدرت او بیرون روید]، و شما را به جای خدا هیچ سرپرست و یاوری نیست، (۲۲)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَسُوسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۳)

وکسانی که به آیات خدا و دیدار [قيامت و محاسبه اعمال به وسیله] او کفر ورزیدند، آنان از رحمت من مأیوسند و برای آنان عذابی دردناک است. (۲۳)

ص: ۳۹۸

فَمَا كَانَ حَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۴)

پس جواب قوم ابراهیم جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانیدش. پس خدا او را از آن آتش رهایی بخشید، مسلماً در این [حادثه] برای مردمی که ایمان دارند، عبرت هاست، (۲۴)

وَقَالَ إِنَّمَا أَتَخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةً بَيْنَكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُفُرُ بَعْضُكُمْ بِعَظِيمٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُهُ كُمْ بِعَظِيمٍ وَمَا أَوْكُمُ النَّارَ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۵)

و [ابراهیم] گفت: جز این نیست که به جای خدا بتهایی را [برای خود به عنوان معبد] گرفته اید [که علت آن] دوستی میان خودتان در زندگی دنیاست، سپس روز قیامت برخی از شما برخی دیگر را انکار می کنند، و بعضی از شما بعضی دیگر را لعنت می نمایند، و جایگاه شما آتش است، و برای شما هیچ یاوری نخواهد بود. (۲۵)

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٍّ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۶)

پس لوط به ابراهیم ایمان آورد، و [ابراهیم] گفت: به درستی که من به سوی پروردگار مهاجرت می کنم، که فقط او توانای

شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۶)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ الْبَيْوَةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

و اسحاق و يعقوب را به او بخشیديم و پیامبری و کتاب را در نسلش قرار داديم و پاداشش را در دنيا به او داديم، و بی تردید او در آخرت از زمرة شایستگان است. (۲۷)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقُكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (۲۸)

و لوط را [نیز فرستادیم]، آن گاه به قومش گفت: شما کار بسیار زشتی مرتكب می شوید که پیش از شما هیچ یک از جهانیان آن را انجام نداده اند. (۲۸)

أَئَنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّيحَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّيْلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُنَا بِعِذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۹)

آیا شما با مردان آمیزش می کنید و راه [توالد و تناسل] را قطع می نمایید و در محفل عمومی خود [در انتظار یکدیگر] این کار بسیار زشت را مرتكب می شوید. پس جواب قوم او جز این نبود که گفتند: اگر تو از راستگویانی عذاب خدا را برای ما بیاور. (۲۹)

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (۳۰)

گفت: پروردگار! مرا بر این مردم فسادکار یاری ده. (۳۰)

ص: ۳۹۹

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهِلُّكُو أَهْلِ هَذِهِ الْقُرْبَى إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (۳۱)

و زمانی که فرستادگان ما با بشارت [ولادت اسحاق] نزد ابراهیم آمدند، گفتند: ما یقیناً اهل شهر را نابود می کنیم؛ زیرا اهل آن ستمکارند. (۳۱)

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَكُنْجِيَّنَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتُهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۲)

گفت: لوط در آنجاست. گفتند: ما به کسانی که در آنجا هستند، داناتریم، حتماً او و خانواده اش را نجات می دهیم، مگر همسرش را که از باقی ماندگان خواهد بود، (۳۲)

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذِرْعُهَا وَقَالُوا لَهَا تَخْفُ وَلَمَا تَهْرَبْ إِنَّا مُتَّجُوكَ وَأَهْلَكَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۳)

و چون فرستاد گان ما نزد لوط آمدند به سبب [حضور] آنان [به صورت جوانانی آراسته] بدهال و بی طاقت شد، و گفتند: مترس و غمگین مباش، قطعاً ما نجات دهنده تو و خانواده ات هستیم، مگر همسرت را که از باقی ماند گان خواهد بود، (۳۳)

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقُرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُّقُونَ (۳۴)

ما بر اهل این شهر به علت کار بسیار زشتی که مرتكب می شوند، عذاب سختی از آسمان نازل خواهیم کرد. (۳۴)

وَلَقَدْ تَرَكَنَا مِنْهَا آيَهٍ بَيْنَهُ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۵)

[پس با عذاب آسمانی، شهر و اهلش را در هم کوبیدیم] و از آن شهر نشانه ای روشن [از سنگ هایی که بر سر اهلش فرو باریدیم] برای مردمی که می اندیشند، بر جای گذاشتیم. (۳۵)

وَإِلَىٰ مَدِينَ أَخَاهُمْ شُعِيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمٍ اعْبُدُوا اللَّهَ وَأَرْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَمْهِيدُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۳۶)

و نیز به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم؛ پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید و روز قیامت را انتظار ببرید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید، (۳۶)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَهُ فَأَصْبَحُوهَا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۳۷)

پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه زلزله سختی آنان را فرا گرفت، پس در خانه هایشان به رو در افتاده جسمی بی جان شدند، (۳۷)

وَعَادًا وَثُمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (۳۸)

و [قوم] عاد و ثمود را [نیز نابود کردیم]، و از خانه های [خراب شده و خالی] آنان [سرنوشت شومشان] برای شما نمایان است، و شیطان عمل های [زشت] آنان را برایشان آراست، در نتیجه آنان را از راه [خدا] باز داشت در حالی که [برای تشخیص حق از باطل] بصیرت داشتند. (۳۸)

ص: ۴۰۰

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (۳۹)

و قارون و فرعون و هامان را [نیز نابود کردیم]. و همانا موسی برای آنان دلایل روشن آورد، پس آنان در زمین تکبر و سرکشی کردند، ولی پیشی گیرنده [بر اراده و قضا و قدر ما] نبودند [تا بتوانند از عذاب ما بگریزند]. (۳۹)

فَكُلَّا أَخْدُنَا بِذِنِبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِّةٌ بَا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخْذَتْهُ الصَّيْحَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَسِنَ فُنَانِ بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمُهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۰)

پس همه را به گناهانشان گرفتیم، بر بدخی از آنان توفانی سخت [که با خود ریگ و سنگ می آورد] فرستادیم، و بعضی را فریاد مرگبار گرفت، و بدخی را به زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ و خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بودند که به خودشان ستم کردند. (۴۰)

مَثُلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أُولَيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ يَيْتَأً وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبَيْوَتِ لَيْتُ الْعَنْكَبُوتُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفته اند، مانند داستان عنکبوت است که خانه ای [بی دیوار، بی سقف و بی حفاظ] برای خود بنا کرده باشد، و بی تردید سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بت ها را سرپرستان خود نمی گرفتند]. (۴۱)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ (۴۲)

یقیناً خدا می داند به جای او چه چیزهایی را می پرسند [چیزهایی که نه دارای ارزش و اعتبارند و نه قدرت تصرف در کاری را دارند!!] و فقط او توانای شکست ناپذیر و حکیم است، (۴۲)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ (۴۳)

و این مثل ها را برای مردم می زنیم، ولی جز اهل معرفت و دانش در آنها تعقل نمی کنند. (۴۳)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ (۴۴)

خدا آسمان ها و زمین را به حق آفرید؛ یقیناً در این [آفرینش] نشانه ای [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای مؤمنان است. (۴۴)

اَتُلْ مَا اُوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (۴۵)

آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را بربپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ تر است، و خدا آنچه را انجام می دهید، می داند. (۴۵)

ص: ۴۰۱

جزء ۲۱

ادامه سوره العنکبوت

وَلَمَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

و با اهل کتاب جز با نیکوترين شيوه مجادله و گفتگو مكниد، مگر با کسانی از آنان که [در مجادله با شما] ظالمانه به ميدان آيند، و بگويند: به آنچه به سوي ما و به سوي شما نازل شده است، ايمان داريم و معبد ما و معبد شما يکي است و ما تسليم [فرمان ها و احکام] او هستيم. (۴۶)

وَكَذِلَكَ أَنَّا لَنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ هُوَ لَاءٌ مِّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ (۴۷)

و همان گونه [که بر پیامبران پیشین کتاب نازل کردیم] این کتاب را بر تو نازل نمودیم، پس [برخی از] کسانی که کتابشان دادیم به آن ايمان می آورند، و از اینان [هم که مشرك اند] اندکی به آن ايمان می آورند، و آيات ما را جز کافران انکار نمی کنند، (۴۷)

وَمَا كُنْتَ تَنْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ يِيمِنِكَ إِذَا لَأَرَاتَابَ الْمُبْطَلُونَ (۴۸)

و پيش از اين [قرآن]، تو هیچ نوشته اي را نمي خواندي و آن را با دست خود نمي نوشتی و گرنه باطل گرايان ياوه گو [در وحی بودن و حقائیت آن] شک می کردن، (۴۸)

بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۴۹)

بلکه اين قرآن، آيات روشنی است در سينه کسانی که به آنان معرفت و دانش عطا شده است؛ و آيات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند. (۴۹)

وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰)

گفتند: چرا از سوي پروردگارش معجزاتی [مانند معجزات پیامبران پیشین] بر او نازل نمي شود. بگو: اين معجزات فقط در اختیار خداست و من فقط بيم دهنده اي آشکارم. (۵۰)

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنَّزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرْحَمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۱)

آيا [در قرآن عيب و نقصی می یابند؟ و] برای آنان کافي نبوده است که ما اين کتاب را که [همواره] بر آنان خوانده می شود بر تو نازل کردیم؟! همانا در اين کتاب رحمتی است [ویشه و مايه یادآوري] و پندی برای مردمی که ايمان می آورند. (۵۱)

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيِّنَاتٍ وَبَيِّنَاتٍ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۵۲)

بگو: کافي است که خدا [نسبت به حقائیت نبوّتم] ميان من و شما شاهد باشد، [او] آنچه را در آسمان ها و زمين است می داند، و آنان که به باطل [چون بت و طاغوت] گرويند و به خدا کفر ورزیده اند همان زيانکاران [واقعي] اند. (۵۲)

وَيَسْتَعِجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجْلٌ مُّسَمٌ لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَا تَنِهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۳)

آنان شتاب در آوردن عذاب را از تو می خواهند، اگر مدتی معین [برای آنان] مقرر نبود، قطعاً آن عذاب را [که خواهانش هستند] بر آنان می آمد و حتماً ناگاه در حالی که بی خبرند، به سراغشان خواهد آمد. (۵۳)

يَسْتَعِجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لِمُحِيطَةٍ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)

[آنان] شتاب در آوردن عذاب را از تو می خواهند، بدون تردید هم اکنون دوزخ بر کافران حاطه دارد. (۵۴)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵)

آنان را متوجه روزی کن که عذاب از بالای سرshan و از زیر پایشان آنان را فرو پوشاند و [خداده آنان] می گوید: آنچه را همواره انجام می دادید [اکنون به صورت سخت ترین عذاب] بچشید. (۵۵)

يَا عِبَادَى الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِى وَاسِعَهُ فَإِيَّاىَ فَاعْبُدُونِ (۵۶)

ای بندگان من که ایمان آورده اید! یقیناً زمین من وسیع و پهناور است؛ پس [با انتخاب سرزمینی مناسب و شایسته که ارزش ها در آن حفظ شود] فقط مرا بپرسید، (۵۶)

كُلُّ نَفْسٍ ذَاقَهُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۵۷)

هر جانداری چشنه مرگ خواهد بود، سپس به سوی ما بازگردانده می شوید، (۵۷)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَتُبْوَتْهُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَالَمِينَ (۵۸)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند حتماً آنان را در قصرهایی رفیع و با ارزش از بهشت که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، جای خواهیم داد، در آنجا جاودانه اند؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان. (۵۸)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۵۹)

همانان که [برای حفظ ایمان، اخلاق و عمل صالح] شکیایی ورزیدند و همواره بر پروردگارشان توکل می کنند. (۵۹)

وَكَائِينٌ مَّنْ دَابَّهٖ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّا كُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۰)

چه بسیارند جنبندگانی که قدرت ندارند [به دست آوردن] روزی خود را بر عهده بگیرند، خداست که به آنان و شما روزی می دهد، او شنوا و داناست. (۶۰)

وَلَئِنْ سَأَلْتُهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولُنَّ اللَّهُ فَآنَى يُؤْفَكُونَ (۶۱)

اگر از آنان [که شرک می ورزند] پرسی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام و مسخر کرده؟ بی تردید خواهد گفت: خدا. پس چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟! (۶۱)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۲)

خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست، (۶۲)

وَلَئِن سَأَلْتُهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۶۳)

و اگر از آنان پرسی: چه کسی از آسمان آبی نازل کرد و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده ساخت؟ بی تردید خواهد گفت: خدا. بگو: همه ستایش ها ویژه خداست [و مشرکان دور از حقیقت اند]، بلکه بیشترشان تعقل نمی کنند. (۶۳)

ص: ۴۰۳

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلِعْبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهُيَ الْحَيَاةُ الْمُأْنَظَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۶۴)

و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و بی تردید سرای آخرت، همان زندگی [واقعی و ابدی] است؛ اگر اینان معرفت و دانش داشتند [دنیا را به قیمت از دست دادن آخرت برنمی گزیدند]. (۶۴)

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (۶۵)

[مشرکان تا در امنیت و آسایشند، بر آینین شرک تعصب دارند،] پس زمانی که در کشتی سوار می شوند [و در وسط دریا امواج خطرناک آنان را محاصره می کند] خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می کنند، می خوانند، و چون به سوی خشکی نجاتشان می دهیم به ناگاه به آینین شرک روی می آورند، (۶۵)

لِيُكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلَيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۶۶)

سرانجام به آنچه [از نعمت] به آنان عطا کردیم، ناسپاسی ورزند، و [از زندگی شرک آسودشان] برخوردار شوند؛ سپس [نتیجه این ناسپاسی و زندگی شرک آسود را] خواهد دانست. (۶۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَهِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (۶۷)

آیا ندانسته اند که ما [شهرشان مکه را] حرم امنی قرار داده ایم [که در آن با آسایش و آرامش و محفوظ از قتل و غارت زندگی می کنند] در حالی که مردم از اطراف آنان [به وسیله دزدان و غارتگران عرب] ربوده می شوند؟ پس آیا [با دارا بودن این نعمت بالارزش الهی] به باطل می گروند و به نعمت خدا کفران می ورزند؟! (۶۷)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلِيَّسَ فِي جَهَنَّمَ مَثُوَى لِلْكَافِرِينَ (۶۸)

و کیست ستمکارتر از کسی که دروغی را بر خدا بیند [که خدا بتان را شریک خود گرفته؟] یا حق را زمانی که به سویش آمد تکذیب کند؟ آیا در دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟ (۶۸)

وَاللَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (۶۹)

و کسانی که برای [به دست آوردن خشنودی] ما [با جان و مال] کوشیدند، بی تردید آنان را به راه های خود [راه رشد، سعادت، کمال، کرامت، بهشت و مقام قرب] راهنمایی می کنیم؛ و یقیناً خدا با نیکوکاران است. (۶۹)

سوره الرؤوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَ (۱)

الْمَ (۱)

غُلَبْتِ الرُّؤُومُ (۲)

رومیان مغلوب شدند، (۲)

فِي أَذْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيْغَلِبُونَ (۳)

در نزدیک ترین سرزمین [خود به حجاز که نواحی شام است]، و آنان پس از مغلوب شدنشان به زودی پیروز خواهند شد، (۳)

فِي بِضْعِ سِينِ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلٍ وَمِنْ بَعْدٍ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴)

[البته] در ظرف چند سال. عاقبت و نتیجه کار پیش [از مغلوب شدن رومیان] و پس [از پیروزی رومیان] فقط در سیطره اراده و فرمان خدادست، و آن روز [که رومیان پیروز شوند] مؤمنان شادمان و خوشحال خواهند شد، (۴)

بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْغَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵)

به سبب نصرت و یاری خدا، [آری او] هر کس را بخواهد یاری می دهد، و تنها او توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۵)

ص: ۴۰۴

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶)

خدا این وعده را داده است؛ و خدا از وعده اش تخلف نمی کند، ولی بیشتر مردم معرفت و شناخت [نسبت به وفای قطعی خدا در مورد وعده اش] ندارند. (۶)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (۷)

[تنها] ظاهری [محسوس] از زندگی دنیا را می شناسند و آنان از آخرت [که سرای ابدی و دارای نعمت های جاودانی و حیات سرمدی است] بی خبرند. (۷)

أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاءُوَالْأَرْضَ وَمَا يَبْيَهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٌ مُسَمَّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلْقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (۸)

آیا در [خلوت] درون خود نیندیشیده اند؟ [که] خدا آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، جز به حق و راستی و برای مدتی معین نیافریده است؛ و همانا بسیاری از مردم به دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] پروردگارشان کافرنده. (۸)

أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ فُوَّهَ وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمُهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹)

آیا [به غفلت نانی می خورند و بی خبر به سر می برند و] در زمین گردش نکرده اند تا با تأمل بنگرند سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه بود؟ آنان قوی تر و نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را [برای هدف های گوناگون] زیر و رو کردند و آن را بیش از آنچه اینان آبادش کردند، آباد نمودند، و پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردنده [ولی به سبب تکذیب پیامبرانشان هلاک شدند]؛ پس خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بودند که به خودشان ستم می کردند. (۹)

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوَى أَنَّ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰)

آن گاه بدترین سرانجام، سرانجام کسانی بود که مرتکب زشتی شدند به سبب اینکه آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آنها را به مسخره می گرفتند. (۱۰)

اللَّهُ يَبْدِأُ الْخُلُقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۱)

خدا مخلوقات را می آفریند، سپس آنان را [بعد از مرگشان] باز می گرداند، آن گاه به سوی او باز گردانده می شوید، (۱۱)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبَلِّسُ الْمُجْرِمُونَ (۱۲)

و روزی که قیامت برپا شود گنهکاران [از شدت سختی و هولناکی آن اندوهگین گردند و به علت پذیرفته نشدن بهانه و عذرشان از رحمت خدا] مأیوس شوند، (۱۲)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ (۱۳)

و از معبدانشان [که آنها را کورکورانه می پرستیدند] برای آنان شفیعانی نخواهد بود، و آنان معبدانشان را [از روی واقعیت] انکار می کنند، (۱۳)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَنَفَرُونَ (۱۴)

و روزی که قیامت برپا شود آن روز [همه] از هم جدا می شوند، (۱۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (۱۵)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان را در بستانی [سرسبز و خرم] مسرور و شادمان می دارند.
(۱۵)

ص: ۴۰۵

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۱۶)

و اما کسانی که کفر ورزیده و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کرده اند، احضار شدگان در عذاب اند. (۱۶)

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ (۱۷)

پس خدا را هنگامی که وارد شب می شوید و هنگامی که به صبح در می آید، تسبیح گویید، (۱۷)

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَنِّيَا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (۱۸)

همه ستایش ها در آسمان ها و زمین ویژه اوست و شب و آن گاه که وارد ظهر می شوید [نیز خدا را تسبیح گویید.](۱۸)

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْكَيْتَ وَيُخْرِجُ الْمَيْتَ مِنَ الْحَيَّ وَيُخْبِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذِلِكَ تُخْرِجُونَ (۱۹)

زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را پس از مردگی اش زنده می کند؛ و این گونه [از گورها] بیرون آورده می شوید. (۱۹)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَتَسَرِّعُونَ (۲۰)

و از نشانه های [قدرت و ربویت] او این است که شما را از خاکی [بی جان] آفرید؛ پس اکنون بشری هستید که [روی زمین]
پراکنده و منتشرید، (۲۰)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَنْفَكِرُونَ (۲۱)

و از نشانه های [قدرت و ربویت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید
در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشنند، (۲۱)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلَافُ أَسْبَاتِكُمْ وَأُلَوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (۲۲)

واز نشانه های [قدرت و ربویت] او آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف و گوناگونی زبان ها و رنگ های شماست؛ بی تردید در این [واقعیات] نشانه هایی است برای دانایان، (۲۲)

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاوُكُمْ مَنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۲۳)

واز نشانه های [قدرت و ربویت] او خواب شما و جستجویتان برای تأمین معاش در شب و روز است، یقیناً در این [امور] نشانه هایی است برای مردمی که گوش شنوا دارند، (۲۳)

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ حَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُنْحِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۴)

واز نشانه های [قدرت و ربویت] اوست که برق را مایه ترس [از صاعقه] و امید [به باران] به شما می نمایاند، و از آسمان، آبی نازل می کند که زمین را پس از مردگی اش به وسیله آن زنده می کند؛ قطعاً در این [شگفتی های آفرینش] نشانه هایی است برای مردمی که تعقل می کنند. (۲۴)

ص: ۴۰۶

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ (۲۵)

واز نشانه های [قدرت و ربویت] او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپا یند، سپس زمانی که شما را با یک دعوت از زمین بخواند، ناگاه [از گورها] بیرون می آید، (۲۵)

وَلَهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ (۲۶)

و هر که در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و همه برای او فروتن و خاصع اند، (۲۶)

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمُثْلُ الْأَعْلَى فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

و اوست که مخلوقات را می آفریند سپس آنان را [پس از مرگشان] باز می گرداند؛ و این [کار] برای او آسان تر است. و برترین وصف ها در آسمان ها و زمین ویژه اوست؛ و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۷)

ضَرَبَ لَكُمْ مَّثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هِلْ لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكْتُ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ سُرَرَكَاءِ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَيِّئَةٌ تَحْاْفُونَهُمْ كَجِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذِلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۸)

خدا از [وضع و حال] خودتان برای شما مثلی زده است، آیا از بردگانتان در آنچه [از نعمت ها و ثروت ها] به شما روزی داده ایم، شریکانی دارید که شما در آن [نعمت ها و ثروت ها] با هم برابر و یکسان باشید، و همان گونه که از یکدیگر می ترسید

[که یکی از شما نعمت و ثروت مشترک را ویژه خود کند] از بردگانتان هم بترسید؟ [بی تردید در میان آزاد و برد و مولا و عبد و مالک و مملوک چنین شرکتی وجود ندارد، پس چگونه ممکن است مملوک خدا در خدایی، ربویت، خالقیت و مالکیت شریک او باشد؟!] این گونه آیات خود را برای مردمی که تعقل می کنند، بیان می کنیم. (۲۸)

بَلِ اتَّبَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَن يَهْدِي مِنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۹)

[اعتقاد و عمل مشرکان بر پایه تعقل نیست] بلکه آنان که [با شرکورزی] ستم کرده اند از روی جهل و نادانی از هواهای نفسانی خود پیروی نموده اند؛ پس کسانی را که خدا [به کیفر پیروی از هواها] گمراه کرده است، چه کسی هدایت می کند؟ و آنان هیچ یاری کننده ای [که از گمراهی و عذاب نجاتشان دهد] نخواهند داشت. (۲۹)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰)

پس [با توجه به بی پایه بودن شرک] حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پای بند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند. (۳۰)

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)

[پای بند به همان سرشت خدایی باشید] در حالی که روی آورندگان به سوی او هستید و از او پروا کنید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید. (۳۱)

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعاً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرَحُونَ (۳۲)

مشرکانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سرانجام] گروه گروه شدند، در حالی که هر گروهی به آنچه [از بخشی از دین] نزد آنان است [به تصور اینکه حق است] شادمانند! (۳۲)

ص: ۴۰۷

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُسْرِكُونَ (۳۳)

هنگامی که به مردم آسیب و گزندی برسد، پروردگارشان را در حالی که به سوی او روی آورده اند، می خوانند، سپس زمانی که رحمتی از سوی خود [چون نعمت، ثروت، اولاد و امنیت] به آنان بچشاند، ناگهان گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می ورزند. (۳۳)

لِيُكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۴)

بگذار تا به آنچه به آنان داده ایم، ناسپاسی کنند، بنابراین [از نعمت های اندک و زود گذر] برخوردار شوید که سپس خواهد دانست [سرنوشت و کیفر ناسپاسان چیست؟] (۳۴)

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (۳۵)

یا [مگر] دلیلی استوار بر آنان نازل کرده ایم که آن دلیل [بر حقائیق] معبدانی که به وسیله آن [به خدا] شرک می ورزند، سخن می گوید؟ (۳۵)

وَإِذَا أَذْقَنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةً بِمَا قَدَّمُتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ (۳۶)

و هرگاه به مردم رحمتی [چون نعمت، ثروت، اولاد و امنیت] بخشانیم به آن شادمان می شوند، و چون به سبب گناهانی که مرتکب شده اند آسیب و گزندی به آنان رسد، ناگهان نامید می شوند. (۳۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳۷)

آیا ندانسته اند که خدا رزق و روزی را برای هر که بخواهد فراخ و گشاده قرار می دهد و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد؟ یقیناً در این [برنامه] نشانه هایی است برای مردمی که ایمان دارند. (۳۷)

فَاتِ ذَالْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ حَيْثُ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳۸)

پس [با توجه به فراخ بخشی خدا در روزی و رزق] حق خویشاوند و مسکین و در راه مانده را بده. این اتفاق برای آنان که خشنودی خدا را می خواهند بهتر است؛ و اینان [که حقوق مالی را می پردازنند] همان رستگارانند. (۳۸)

وَمَا آتَيْتُمْ مِّنْ رِبَا لَيْرِبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّنْ زَكَاهٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (۳۹)

اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می دهید تا در میان اموال مردم فرونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه از زکات می دهید که [به سبب پرداختنش] خشنودی خدا را می خواهید [ما یه فرونی است]؛ پس این زکات دهنده گانند که مال و ثوابشان دو چندان می شود. (۳۹)

الَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ يُمْيِتُكُمْ ثُمَّ يُحِيِّكُمْ هَلْ مِنْ شَرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعُلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِّنْ شَئِءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۰)

خداست که شما را آفرید، آن گاه به شما روزی داد، سپس شما را می میراند، و پس از آن شما را زنده می کند؛ آیا از معبدان شما کسی هست که چیزی از این [کارها] را انجام دهد؟ او منزه و برتر است از اینکه به او شرک ورزند. (۴۰)

ظَاهِرُ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيَذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۱)

در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباہی نمودار شده است تا [خدا کیفر] برخی از آنچه را انجام داده اند به آنان بچشاند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند. (۴۱)

ص: ۴۰۸

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ (۴۲)

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام کسانی که پیش تر بودند [و مرتکب کار زشت شدند] چگونه بود؟ بیشتر آنان مشرک بودند. (۴۲)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ الْقَيْمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَدَّعُونَ (۴۳)

پس [با توجه به بی پایه بودن شرک] با همه وجودت به سوی این درست و استوار روی آور پیش از آنکه روزی فرا رسد که از سوی خدا هیچ بازگشته برای آن نیست، آن روز [همه مردم] دسته دسته و گروه گروه شوند. (۴۳)

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ (۴۴)

کسانی که کافر شوند کفرشان به زیان خود آنان است، و آنان که کار شایسته انجام دهنند، [بستر امن و آسایشی و اقامت گاه جاویدی] برای خود آماده می کنند، (۴۴)

لِيَعْزِزَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَأَيْحُبُ الْكَافِرِينَ (۴۵)

تا خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند از فضل خود پاداش دهد [و کافران را از رحمتش محروم کند]؛ زیرا خدا کافران را دوست ندارد. (۴۵)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرِسِّلَ الرِّبَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۴۶)

و از نشانه های [قدرت و ربویت] او این است که بادها را مژده دهنده می فرستد، و تا بخشی از [باران] رحمتش را به شما بچشاند، و تا کشته ها [به وسیله بادها] به فرمان او حرکت کنند، و نیز برای اینکه از رزق و روزی او بجویید، و باشد که شما سپاس گزاری کنید. (۴۶)

وَلَقْدَ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و به راستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان دلایل روشن آوردند، سپس ما از آنان که مرتکب گناه شدند، انتقام گرفتیم [و مؤمنان را یاری دادیم]؛ و یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست. (۴۷)

اللَّهُ الَّذِي يُرِسِّلُ الرِّبَاحَ فَتُشْرِئُ سَيِّحَابًا فَيَنْسُيْطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَسَّأُ وَيَجْعَلُهُ كَسِّيْفًا فَأَفْتَرِي الْوَذَقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبِّشُونَ (٤٨)

خداست که بادها را می فرستد تا ابری را بر می انگیزد، پس آن را در آسمان آن گونه که بخواهد می گستراند و به صورت بخش بخش و پاره های مختلف در می آورد، پس باران را می بینی که از لابه لای آن بیرون می آید و چون آن را به هر کس از بند گانش که بخواهد می رساند، آن گاه شادمان و خوشحال می شوند. (٤٨)

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ (٤٩)

و همانا پیش از آنکه باران بر آنان نازل شود، [آری] پیش از آن مأیوس و نامید بودند. (٤٩)

فَانظُرْ إِلَى آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُعْجِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُعْجِي الْمُؤْتَمِرِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٥٠)

پس با تأمل به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردگی اش زنده می کند، بی تردید این [خدای قدر تمدن] زنده کننده مردگان است و او بر هر کاری تواناست. (٥٠)

ص: ٤٠٩

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُضْفَرًا لَظَلَلُوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (٥١)

و اگر بادی [سوزان و زیانبار] بفرستیم، پس آن [کشت و زرع] را زرد شده بینند، پس از آن [به جای جبران گناهانی که سبب این آسیب شده] ناسپاس می شوند. (٥١)

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمُؤْتَمِرَ وَلَا تُسْمِعُ الصُّصَمَ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَوْا مُذْبِرِينَ (٥٢)

[اینان که کفر را بر ایمان ترجیح داده اند، مانند مردگان اند] پس تو نمی توانی [دعوت را] به مردگان بشنوانی و نمی توانی دعوت را به کران زمانی که پشت کنان روی می گردانند، بشنوانی. (٥٢)

وَمَا أَنَّتِ بِهَادِ الْعُمَى عَنْ ضَلَالِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (٥٣)

و تو هدایت کننده کوردلان از گمراهی شان نیستی، و جز به آنان که به آیات ما ایمان می آورند و تسليم [فرمان ها و احکام ما] هستند، نمی توانی [دعوت] را بشنوانی. (٥٣)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْهَهُ يُخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (٥٤)

خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی قدرت و نیرو داد، آن گاه بعد از نیرومندی و توانایی، ناتوانی و پیری قرار داد؛ هرچه بخواهد می آفریند و او دانا و تواناست. (٥٤)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَهُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبُثُوا غَيْرَ سَاعَهٖ كَذِلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (٥٥)

و روزی که قیامت برپا می شود، مجرمان سوگند می خورند که [فاصله مرگ تا قیامت را] جز ساعتی درنگ نکرده اند، این گونه [که در قیامت دروغ می گویند و منحرف از حقیقت هستند در دنیا نیز همواره از حق به باطل] منحرف می شدند. (۵۵)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَيْشْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثٍ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثٍ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶)

و کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده است می گویند: بی تردید شما [بر طبق قضا و قدر ثبت شده] در کتاب خدا [لوح محفوظ] تا روز قیامت درنگ کرده اید و این روز قیامت است، ولی شما [به اینکه قیامت حق است] معرفت و دانش نداشید. (۵۶)

فَيُؤْمِنُ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْبَطُونَ (۵۷)

پس در آن روز کسانی که [به آیات ما و پیامبران] ستم کرده اند، عذرخواهی شان به آنان سود نمی دهد، و نه از آنان می خواهند که [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند، (۵۷)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتُهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ أَنْتَمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸)

و به راستی در این قرآن برای مردم از هر گونه مثلی زدیم. و اگر برای آنان معجزه ای [که خود درخواست دارند] بیاوری آنان که کفر ورزیده اند، قطعاً خواهند گفت: شما جز باطل گرا نیستید [و این معجزه ای که آوردید، جز باطل نیست]. (۵۸)

كَذِلِكَ يَطْبِعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۵۹)

خدا این گونه بر دل های کسانی که معرفت و دانش ندارند مهر [تیره بختی] می نهد. (۵۹)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَنَكَ الَّذِينَ لَا يُوْقِنُونَ (۶۰)

پس [بر آزار و یاوه گویی این تیره بختان] شکیبایی کن که یقیناً وعده خدا [در مورد یاری و پیروزی تو] حق است، و مبادا آنان که یقین [به وعده های حق و برپا شدن قیامت] ندارند تو را به ناشکیبایی و سبک سری وادارند. (۶۰)

ص: ۴۱۰

سوره لقمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمِ (۱)

الْمِ (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲)

این آیات [با عظمت] کتاب محکم و استوار است، (۲)

هُدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳)

که سراسر هدایت و رحمتی است برای نیکوکاران. (۳)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ يُوقَنُونَ (۴)

همانان که نماز را بربا می دارند و زکات می دهند و به آخرت یقین دارند. (۴)

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدَىٰ مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

اینانند که از سوی پروردگارشان بر بلندای هدایتند، و اینانند که رستگارند، (۵)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْتَرِي لَهُو الْحَدِيثٌ لَيُضَلِّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَخَذَّهَا هُزُواً أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۶)

و برخی از مردم اند که افسانه های بیهوده و سخنان یاوه و سرگرم کننده را می خرند تا از روی نادانی و بی دانشی [مردم را] از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره بگیرند؛ اینانند که برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. (۶)

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَىٰ مُشَكِّرًا كَانَ لَمْ يَشْمَعْهَا كَانَ فِي أُذُنَيْهِ وَقُرَا فَبِشَرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷)

چون آیات ما بر او خوانده شود متکبرانه روی برمی گرداند، گویی آنها را نشنیده است، انگار در دو گوشش سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک مژده ده؛ (۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (۸)

و یقیناً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان بهشت های پر نعمت خواهد بود، (۸)

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

که در آنجا جاودانه اند؛ خدا و عده کرده است و عده ای به حق و درست، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۹)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَيْدٍ تَرْوِيَّهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَّهُ أَنَّ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ ذَائِبٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَبْتَثْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰)

آسمان ها را بدون ستون هایی که آنها را بیینند، آفریده و در زمین کوه هایی استوار افکنده است تا شما را نلرزاند و به اضطراب نیندازد، و در آن از هر جنبنده ای پراکنده کرده است، و از آسمان آبی نازل کردیم پس [به وسیله آن] از هر نوع گیاه نیکو و با ارزش در آن رویاندیم. (۱۰)

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۱)

این است آفرینش خدا. پس به من نشان دهید آنها که غیر اویند [و شما به عنوان معبد برگزیده اید] چه چیزی آفریده اند؟ [آنها چیزی نیافریده اند] بلکه ستمکاران در گمراهی آشکاری هستند. (۱۱)

ص: ۴۱۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا لِقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرْ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّيْ حَمِيدٌ (۱۲)

و به راستی ما به لقمان حکمت عطا کردیم که نسبت به خدا سپاس گزار و شاکر باش و هر که سپاس گزارد تنها به سود خود سپاس می گزارد، و هر که ناسپاسی کند [به خدا زیان نمی زند، زیرا] خدا بی نیاز و ستدده است. (۱۲)

وَإِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِإِيمَنِهِ وَهُوَ يَعْظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرِكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱۳)

و [یاد کن] هنگامی که لقمان به پرسش در حالی که او را موعظه می کرد، گفت: پسرکم! به خدا شرک نورز، بی تردید شرک ستمی بزرگ است. (۱۳)

وَوَصَّيْنَا إِلِّيْنَاسَنَ بِوَالِدِيهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهُنَّا عَلَىٰ وَهُنِّ وَفِصَالُهُ فِي عَامِيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِيٰ وَلِوَالِدِيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۱۴)

و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد [در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می داد] و باز گرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به سوی من است. (۱۴)

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِيٰ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَتَبْيِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۵)

و اگر آن دو نفر تلاش کنند تا بر پایه جهالت و نادانی [و بدون معرفت و دانش که روشنگر حقایق است] چیزی را شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن؛ ولی در دنیا با آن دو نفر به شیوه ای پسندیده معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که [با توبه و ایمان و اخلاق] به من بازگشته است؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است، پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه می کنم. (۱۵)

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ حَرَدٍ فَتَكُنْ فِي صَحْرَهٖ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ حَبِيرٌ (۱۶)

پسرکم! اگر عمل هموزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در دل زمین باشد، خدا آن را [در قیامت برای حسابرسی] می آورد؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است. (۱۶)

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷)

پسركم! نماز را بريپا دار و مردم را به کار پسندideh و ادار و از کار زشت بازدار و بر آنچه [از مشکلات و سختی ها] به تو می رسد شکيبايي کن، که اينها از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است. (۱۷)

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸)

متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخرفروش را دوست ندارد. (۱۸)

وَاقْصِدْ فِي مَسْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹)

و در راه رفتنت ميانه رو باش، و از صدایت بکاه که بی تردید ناپسندترین صداها صدای خران است. (۱۹)

ص: ۴۱۲

أَلَمْ تَرُوا أَنَّ اللَّهَ سَيَّخَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاءِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْيَعَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٌ مُّنِيرٌ (۲۰)

آيا ندانسته ايد که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، مسخر و رام شما کرده، و نعمت های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته، و برخی از مردم اند که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی و هیچ کتاب روشنی درباره خدا مجادله و سیزی می کنند. (۲۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّسَعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱)

و چون به آنان گويند: از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می گويند: [پیروی نمی کنیم] بلکه ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ايم، پیروی می کنیم. آيا [کورکورانه از گذشتگان پیروی می کنند] و هرچند که شیطان آنان را با این پیروی به عذاب فروزان دعوت کند؟! (۲۱)

وَمَنْ يُشْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُزُوهِ الْوُنْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَهُ الْأُمُورِ (۲۲)

و هرکس همه وجود خود را به سوی خدا کند در حالی که نیکوکار باشد بی تردید به محکم ترین دستگیره چنگ زده است؛ و سرانجام و عاقبت همه کارها فقط به سوی خدادست. (۲۲)

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يُخْرِنَكَ كُفْرُهُ إِنَّا مَرْجِعُهُمْ فَتَبَيَّنُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۳)

و هرکس کفر ورزد، کفرش تو را اندوهگین نسازد؛ بازگشت آنان فقط به سوی ماست، پس آنان را از آنچه انجام داده اند آگاه می کنیم؛ یقیناً خدا به نیات و اسرار سینه ها داناست. (۲۳)

نُمَتَّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُهُمْ إِلَى عَذَابٍ غَلِيظٍ (۲۴)

اند کی [از نعمت های مادی] برخوردارشان می کنیم، سپس آنان را [به وارد شدن] در عذابی سخت ناچار می کنیم، (۲۴)

وَلَئِنْ سَأَلْتُهُمْ مَنْ حَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قَلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۵)

و اگر از آنان پرسی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ قطعاً می گویند: خدا. بگو: همه ستایش ها ویژه خداست [آیا در ک می کند که همه امور به دست خداست؟ نه] بلکه بیشترشان معرفت و دانش ندارند؛ (۲۵)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۶)

آنچه در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست؛ یقیناً خدا همان بی نیاز و ستوده است. (۲۶)

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمْدُدُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷)

اگر [برای نوشتن و ثبت کردن کلمات خدا که در حقیقت مخلوقات او هستند] آنچه درخت در زمین است قلم باشد و دریا [مرکب] و هفت دریای دیگر آن را پس از پایان یافتنش مدد رسانند، کلمات خدا پایان نپذیرد؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۷)

مَا خَلَقْتُكُمْ وَلَا بَعْثَתُكُمْ إِلَّا كَفْسِ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۲۸)

آفریدن شما و برانگیختن [برای ما] جز مانند [آفریدن و برانگیختن] یک تن نیست؛ یقیناً خدا شنو و بیناست. (۲۸)

ص: ۴۱۳

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيلِ وَسِرَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرِ كُلُّ يَجْرِي إِلَى أَجْلٍ مُسَمَّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۹)

آیا ندانسته ای که خدا شب را در روز فرو می برد و روز را در شب فرو می برد، و خورشید و ماه را مسخر و رام کرده است که هر کدام تا مدتی معین روانند؛ و یقیناً خدا به آنچه انجام می دهد، آگاه است. (۲۹)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۳۰)

این [آفریده های شگفت و این تغییرات و تحولات] دلیل بر این است که خدا فقط حق است و آنچه به جای او می پرستند باطل است، و بی تردید خدا همان والا مرتبه و بزرگ است. (۳۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ يَنْعَمِتُ اللَّهُ لِيَرِيْكُمْ مَنْ آتَيْتُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لُكْلُ صَبَارٍ شَكُورٍ (۳۱)

آیا ندانسته ای که کشتی ها به سبب نعمت های خدا [چون باد، هوا و دیگر عوامل] در دریا روانند تا خدا برخی از نشانه های قدرت خود را به شما نشان دهد؛ بی تردید در این [واقعیت] برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه هایی [از توحید، قدرت و

وَإِذَا غَشِيَّهُمْ مَوْجٌ كَالظَّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّفْتَصِدٌ وَمَا يَجْحِدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (۳۲)

و چون آنان را [در دریا] موجی [به دنبال موجی] مانند ابرهای سایه انداز فرو پوشد، خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنند، می خوانند، و زمانی که آنان را به خشکی می رسانند برخی از آنان به راه میانه و مععدل [که راه توحید است] می روند [و برخی پیمان می شکنند] و آیات ما را جز هر پیمان شکن خائن و کفر پیشه ای انکار نمی کند. (۳۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاحْشُوا يَوْمًا لَا يَجِزِ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ حَاجَوا عَنِ الْحَقِّ فَلَا تَغْرِبُنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغْرِبُنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۳۳)

ای مردم! از پروردگار تان پروا کنید، و بترسید از روزی که هیچ پدری چیزی [از عذاب دوزخ را] از فرزندش دفع نمی کند، و نه هیچ فرزندی دفع کننده چیزی از [عذاب] پدر خویش است. بی تردید و عده خدا حق است، پس زندگی دنیا شما را نفرید، و مبادا شیطان شما را به [کرم و رحمت] خدا مغور کند. (۳۳)

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَيْرٌ (۳۴)

یقیناً خداست که دانش قیامت فقط نزد اوست، و [تنها او] باران را نازل می کند، و [او ضاع و احوال] آنچه را در رحم هاست می داند؛ و هیچ کس نمی داند فردا چه چیزی [از خیر و شر] به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؛ بی تردید خدا دانا و آگاه است. (۳۴)

ص: ۴۱۴

سوره السجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمِ (۱)

الْمِ (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَبِّ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

نازل کردن این کتاب که هیچ تردیدی در [وحي بودن] آن نیست، از سوی پروردگار جهانیان است. (۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

آیا [مشرکان لجوج] می گویند: [پیامبر] آن را از نزد خود ساخته و پرداخته [و به خدا نسبت داده است؟ چنین نیست] بلکه آن [کتابی] حق و درست است [که] از سوی پروردگار [نازل شده است]، تا به مردمی که پیش از تو هیچ بیم دهنده ای برای آنان نیامده است بیم دهی تا هدایت یابند. (۳)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴)

خداست که آسمان ها و زمین را و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، سپس بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد. برای شما جز او هیچ یاور و شفاعت کننده ای نیست، [با این حال] آیا متذکر و هوشیار نمی شوید؟ (۴)

يُدَبِّرُ الْأَمْرُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مَمَّا تَعُدُّونَ (۵)

[همه] امور را [همواره] از آسمان تا زمین تدبیر و تنظیم می کند، سپس در روزی که اندازه آن به شمارش شما هزار سال است به سوی او بالا می رود. (۵)

ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهُ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶)

این است [پروردگار] دانای نهان و آشکار که توانای شکست ناپذیر و مهربان است، (۶)

الَّذِي أَخْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَا خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷)

همان کسی که آنچه را آفرید نیکو ساخت، و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، (۷)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَهِ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸)

سپس نسل او را از چکیده ای از آب پست و بی مقدار قرار داد، (۸)

ثُمَّ سَوَاهَ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئَدَهُ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۹)

آن گاه او را [از جهت اندام] درست و نیکو نمود، و از روح خود در وی دمید و برای شما گوش و چشم و قلب آفرید در حالی که اندک سپاس گزاری می کنید. (۹)

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ يُلْقَاءُ رَبَّهُمْ كَافِرُونَ (۱۰)

و [منکران لجوج] گفتند: آیا زمانی که [پس از مردنمان بدن ما ریز ریز شد و پوسید و] در زمین گم شدیم، آیا به راستی ما در آفرینشی جدید خواهیم آمد؟ [نه اینکه این لجوجان متکبر فقط منکر قدرت حق باشند] بلکه آنان منکر دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] پروردگارشان هستند، (۱۰)

قُلْ يَتَوَفَّا كُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكَلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱)

بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است [روح] شما را می گیرد، سپس به سوی پروردگارشان باز گردانده می شوید.
(۱۱)

ص: ۴۱۵

وَلَوْ تَرَى إِذَا الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرُونَا وَسَمِعُونَا فَارْجِعُنَا تَعْمَلُ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۱۲)

و اگر بینی زمانی که [این] مجرمان [منکر قیامت] نزد پروردگارشان سرها یشان را به زیر افکنده اند [می بینی که می گویند: پروردگار!] [به آنچه ما را وعده داده بودی] بینا شدیم و [به دعوت حق] شنوا گشیم، پس ما را به دنیا برگردان تا کار شایسته انجام دهیم، بی تردید ما باور کننده [همه حقایق] هستیم. (۱۲)

وَلَوْ شِئْنَا لَا تَئِنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلِكُنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِهَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳)

و اگر می خواستیم، هدایت هر کسی را [از روی اجبار] به او عطا می کردیم، [اما همه را آزاد و مختار آفریدیم تا راه هدایت یا گمراهی را خود انتخاب کنند] ولی فرمان من بر عذاب لازم و حتم شده است که بی تردید دوزخ را از همه جنیان و آدمیان [که آیات من را تکذیب کردند] پر خواهم کرد. (۱۳)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِيْنَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

پس [به آنان گویند]: به کیفر آنکه دیدار امروزتان را فراموش کردید [عذاب دوزخ را] بچشید، که ما [هم] شما را واگذاشته ایم، و به کیفر آنچه همواره انجام می دادید، عذاب جاودانه را بچشید. (۱۴)

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكْرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّداً وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵)

فقط کسانی به آیات ما ایمان می آورند که وقتی به وسیله آن آیات به آنان تذکر داده شود، سجده کنان به رو در می افتند و همراه با سپاس، پروردگارشان را از هر عیب و نقصی تنزیه می کنند در حالی که [از سجده و سپاس و تنزیه] تکبر و سرکشی نمی ورزند؟ (۱۵)

تَسْجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمُضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمْعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۱۶)

[ملازم بستر استراحت و خواب نیستند، بلکه] پهلوهایشان از خوابگاه هایشان دور می شود در حالی که همواره پروردگارشان را به علت بیم [از عذاب] و امید [به رحمت و پاداش] می خوانند و از آنچه آنان را روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۱۶)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرْءَهُ أَعْيُنٌ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)

پس هیچ کس نمی داند چه چیزهایی که مایه شادمانی و خوشحالی آنان است به پاداش اعمالی که همواره انجام می داده اند، برای آنان پنهان داشته اند. (۱۷)

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوْنَ (۱۸)

با این حال آیا کسانی که مؤمن اند مانند کسانی هستند که فاسق اند؟ [نه هر گز این دو گروه] مساوی و یکسان نیستند. (۱۸)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ إِنَّمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پس برای آنان بهشت هایی که اقامت گاه دائمی است خواهد بود [که به آنان] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادند، پیشکش می شود. (۱۹)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۰)

اما کسانی که نافرمانی کرده اند اقامتگاهشان آتش است، هر گاه بخواهند از آن بیرون آیند در آن بازگردانده می شوند، و به آنان گویند: عذاب آتش را که همواره آن را تکذیب می کردید، بچشید. (۲۰)

ص: ۴۱۶

وَلَكُنْدِيَقَنُهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذَنِي دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۱)

و بی تردید آنان را غیر از عذاب بزرگ تر [در قیامت] از عذاب نزدیک تر [در دنیا] می چشانیم، باشد که [از فسق و فجور] برگردند. (۲۱)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (۲۲)

ستمکارتر از کسی که به وسیله آیات پروردگارش تذکر داده شود، سپس از آنها روی برگرداند، کیست؟ بی تردید ما از مجرمان انتقام می گیریم. (۲۲)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَهٖ مِنَ الْقَائِمِ وَجَعْلَنَا هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۳)

و به راستی ما به موسی کتاب دادیم، پس تو در دریافت کتاب [به وسیله موسی] هیچ تردیدی نداشته باش، و آن را برای بنی اسرائیل هدایت قرار دادیم، (۲۳)

وَجَعْلَنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدِونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

و برخی از آنان را چون [در برابر مشکلات، سختی ها و حادثه های تلخ و شیرین] صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند. (۲۴)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (٢٥)

یقیناً پروردگارت روز قیامت، خود میان آنان درباره آنچه همواره در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۲۵)

أَوْلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكَنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مَنْ الْقُرُونِ يَمْسُوْنَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (٢٦)

آیا مشرکان را [داستان] بسیاری از ملت هایی که ما پیش از آنان هلاک کردیم که [اینان] در مسکن هایشان قدم می زند
هدایت نکرد [و برای آنان روشن نساخت که سرانجام کفرپیشگان هلاکت است؟] همانا در این [سرگذشت ها] عبرت هاست،
آیا نمی شنوند؟! (۲۶)

أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسْوَقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبَصِّرُونَ (٢٧)

آیا ندانسته اند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه می رانیم و به وسیله آن زراعتی را بیرون می آوریم که دام هایشان و
خودشان از آن می خورند؟ پس آیا [آثار رحمت خدا را] نمی بینند؟! (۲۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٢٨)

و [مشرکان از روی مسخره به مؤمنان] می گویند: اگر راست می گوید این فتح و پیروزی [که به خود وعده می دهید و به آن
دخلخوش هستید] کی خواهد بود؟ (۲۸)

فُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُنْ يُنَظَّرُونَ (٢٩)

بگو: روز فتح و پیروزی [حتی مؤمنان] کسانی که کفر ورزیده اند، نه ایمان آوردنشان سودشان دهد و نه به آنان مهلت داده
می شود؛ (۲۹)

فَأَغْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ (٣٠)

بنابراین از آنان روی برگردان و منتظر [رسیدن پیروزی] باش که آنان هم [به گمان خود] منتظرند [که بر شما پیروز شوند].
(۳۰)

ص: ۴۱۷

سوره الأحزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (١)

ای پیامبر! بر تقوای الهی ثابت قدم و استوار باش، و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خدا همواره دانا و حکیم است. (۱)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا (۲)

و آنچه را که از سوی پروردگاری به تو وحی می شود پیروی کن؛ قطعاً خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۲)

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۳)

و بر خدا توکل کن؛ و کافی است که خدا نگهبان و کارساز [همه امور بندگان] باشد. (۳)

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَحْمَلِ مِنْ قَلْبِنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجُكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أَمَّهَا تَكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَ كُمْ أَبْتَأَءَ كُمْ ذَلِكُمْ
قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّيِّلَ (۴)

خدا برای هیچ مردی در درونش دو قلب قرار نداده، و همسرانتان را که همواره با آنان «ظهار» می کنید [یعنی بر پایه فرهنگ جاهی با خواندن صیغه ای خاص آنان را به منزله مادرانتان به شمار آورده بر خود حرام می نماید] مادران شما نگردانیده، و پسر خواندگانتان را پسران [واقعی] شما ننموده است. این سخن [باطل و بی پایه] شمامست که به زبان شما [جاری] است، و خدا همواره حق را می گوید، و همواره راه پسر [درست و راست] که شما را به سعادت می رساند] می نمایاند. (۴)

إِذْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنَّدَ اللَّهِ فَإِنَّ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيُّكُمْ وَلَيَسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ
مَا تَعْمَدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَّحِيمًا (۵)

پسر خواندگانتان را به نام پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی شناسید، پس برادران و دوستان دینی شمایند. و بر شما در آنچه [از انتساب هایی] که به خطاب انجام داده اید، گناهی نیست؛ ولی آنچه را که دل هایتان تعمد و قصد جدی داشته است [گناه است]؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَرْوَاجُهُ أَمَّهَا تُهْمُ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِيَغْضِبِ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا
أَنْ تَفْعُلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۶)

پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است، و همسرانش [حرمت ازدواج به منزله] مادران آناند، و بر طبق کتاب خدا دارندگان قربات نسبی [در میراث بردن] از یکدیگر از مؤمنان و مهاجران [که پیش از این بر پایه ایمان و هجرت میراث می برند] سزاوارترند، مگر اینکه بخواهید [در وصیت کردن به پرداخت ارث] درباره دوستانتان احسان کنید که این امری ثبت شده در کتاب [خدا] است. (۶)

ص: ۴۱۸

وَإِذْ أَحَدَنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِنَاقِهِمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَحَدَنَا مِنْهُمْ مُّيَثَّاقًا غَلِيلًا (۷)

و [یاد کن] زمانی را که از پیامبران [برای ابلاغ وحی] پیمان گرفتیم، و [نیز] از تو و از نوح و از ابراهیم و موسی و عیسی پسر

مریم، و از همه آنان پیمانی محکم و استوار گرفتیم، (۷)

لِيَشَأَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۸)

تا صادقان را از صدقشان بپرسد [و پاداش صدقشان را به آنان عطا کند] و برای کافران عذابی دردنگ کرده است. (۸)

يَا أَئُهُمَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُهُمْ وَإِنْعَمَةَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيَاحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرُوهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

(۹)

ای اهل ایمان! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، هنگامی که سپاهیانی [به قصد نابود کردن تنان] به سوی شما آمدند، پس بادی [کوبینده] و لشکریانی که آنها را نمی دیدید بر ضد آنان فرستادیم [تا آنان را در هم کوبیدند]؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۹)

إِذْ جَاءُوكُمْ مَنْ فَوْقُكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (۱۰)

زمانی که از بالا و از پایین [لشکر گاه] تان به سویتان آمدند، و آن گاه که دیده ها [از شدت ترس] خیره شد و جان ها به گلو رسید، و به خدا آن گمان ها [ای ناروا] را [که خود می دانید] می بردید. (۱۰)

هُنَالِكَ ابْلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَرُزْلِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)

آنجا بود که مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند و به تزلزل و اضطرابی سخت دچار شدند. (۱۱)

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲)

و آن گاه که منافقان و آنان که در دل هایشان بیماری [ضعف ایمان] بود، می گفتند: خدا و پیامبرش جز به فریب، ما را وعده [پیروزی] نداده اند! (۱۲)

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَأْهِلَ يُثْرِبَ لَهَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوهَا وَيَسِّنِتَاذِنَ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ مُّبَيِّنَاتِنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعُوْرَةٍ إِنَّ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (۱۳)

و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه! [میدان نبرد] جای درنگ و ماندن شما نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه [برگشتن] می خواستند، و می گفتند: خانه های ما بدون حفاظ است. در صورتی که بدون حفاظ نبود، و آنان جز فرار را قصد نداشتند! (۱۳)

وَلَوْ دُخِلْتُ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَا تَوْهَا وَمَا تَبَثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۱۴)

و اگر از پیرامون خانه هایشان بر آنان حمله می شد و از آنان بازگشت [به شرک و جنگ با مؤمنان] درخواست می شد، آن را

می پذیرفتند و برای آن جز مدت کوتاهی [به اندازه تجهیز خود بر ضد مؤمنان] درنگ نمی کردند!! (۱۴)

وَلَقْدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الْأَذْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْتُورًا (۱۵)

و همانا آنان از پیش با خدا پیمان بسته بودند که [به دشمن] پشت نکنند؛ و پیمان خدا همواره بازخواست شدنی است. (۱۵)

ص: ۴۱۹

قُلْ لَّنْ يَنْفَعُكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۶)

بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، گریز شما هرگز سودتان نمی دهد، و در این صورت [اگر هم سودتان دهد، از این زندگی زودگذر فانی] جز اندکی برخوردار نخواهد شد. (۱۶)

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۷)

بگو: اگر خدا برای شما آسیب و گزندی یا پیروزی و غنیمتی بخواهد، کیست که شما را در برابر [تقدیرات و قضای] خدا نگه دارد؟ در صورتی که غیر از خدا نه کارسازی برای خود می یابند، نه یاری دهنده ای. (۱۷)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلْمَ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبُلْسَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۸)

یقیناً خدا بازدارندگان را از میان شما [که مجاهدان را با وسوسه و اغواگری از شرکت در جهاد باز می دارند] و کسانی را که به برادرانشان [آن برادران دینی که ایمانشان سست است] می گویند: [برای عیش و نوش] به سوی ما بیایید [شما را به شرکت در جهاد چه کار؟] می شناسد؛ و جز اندکی به جهاد نمی آیند. (۱۸)

أَشِحَّهُ عَلَيْكُمْ فَإِذَا حَيَاءُ الْخَوْفُ رَأَيْتُهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدْوُرُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُعْشِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالْسِنِ حِدَادٍ أَشِحَّهُ عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَخْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۹)

در حالی که نسبت به شما [برای هزینه کردن هر نوع کمکی] بخیل اند؛ و چون [به سبب افروخته شدن آتش جنگ] ترس پیش آید آنان را می بینی به سوی تو می نگردند در حالی که چشمانشان [بی اختیار در حدقه] می گردد، مانند کسی که بیهوشی مرگ او را فرو می پوشد، پس هنگامی که ترس برطرف شود با زبان هایی تیز و تند به شما آزار می دهدند، در حالی که بر [سخن] خیر [او زبان خوش و نرم] بخیل اند؛ اینان ایمان نیاورده اند، به این خاطر خدا اعمالشان را تباہ و بی اثر کرده است؛ و این [کار] بر خدا آسان است. (۱۹)

يَحْسِبُونَ الْأَخْرَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَخْرَابُ يَوْدُوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيْكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (۲۰)

[این بزدلان منافق] می پندارند که گروه های دشمن نرفته اند و اگر بار دیگر گروه های دشمن بیایند، آنان دوست دارند که

کاش در میان اعراب بادیه نشین بودند، و [همانجا] از خبرهای شما می پرسیدند، و اگر در میان شما بودند جز اندکی جنگ نمی کردند. (۲۰)

لَقْدَ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُشْوَةٌ حَسَنَهُ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۲۱)

یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می کند. (۲۱)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَخْرَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادُهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (۲۲)

هنگامی که مؤمنان [در نبرد خندق] گروه های دشمن را دیدند، گفتند: این است آنچه خدا و پیامبرش به ما و عده داده اند [که ثواب و پاداش عظیم روز بازپسین بدون تحمل سختی ها و سرافراز بیرون آمدن از آزمایش ها، میسر نیست] و خدا و پیامبرش راست گفته اند، و [جنگ خندق] جز بر ایمان و تسليم آنان نیزود. (۲۲)

ص: ۴۲۰

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَنَظَّرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدِيلًا (۲۳)

از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند [و آن ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان بود] صادقانه وفا کردند، برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند [و به شرف شهادت نایل شدند] و برخی از آنان [شهادت را] انتظار می برنند و هیچ تغییر و تبدیلی [در پیمانشان] نداده اند، (۲۳)

لِيُجِزِّيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعِذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۴)

تا سرانجام خدا صادقان را به سبب صدقشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا [اگر توبه کنند] توبه آنان را بپذیرد؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۴)

وَرَدَ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵)

و خدا کافران [شرکت کننده در جنگ خندق] را در حالی که به پیروزی و غنیمت دست نیافتند با خشم و اندوهشان بر گرداند، و خدا [سختی و مشقت] جنگ را از مؤمنان برداشت؛ و خدا همواره نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۲۵)

وَأَنْزَلَ اللَّهُ الَّذِينَ ظَاهِرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَدَّفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۲۶)

و [خدا] کسانی را از اهل کتاب که گروه های دشمن را پشتیبانی کردند از قلعه های محکم و استوارشان پایین کشید و در دل هایشان ترس و بیم افکند، گروهی را می کشید و گروهی را اسیر می کردید، (۲۶)

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطْقُوا هَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۷)

و سرزمنیشان و دیار و اموالشان و سرزمنی که به آن قدم نگذاشته بودید به شما میراث داد؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۲۷)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ فُلْ لَأْزُواجِكَ إِنْ كُنْتَ تُرْذَنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِيَّتَهَا كَعَالِفَنَ أَمْتَعْكُنَ وَأُسْرَحْكُنَ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زیور و زینتش را می خواهید بیایید تا برخوردارтан نمایم و با روشهای پسندیده رهایتان کنم، (۲۸)

وَإِنْ كُنْتَ تُرْذَنَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالدَّارَ الْأَخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَ أَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

و اگر خدا و پیامبر او و سرای آخرت را می خواهید، پس خدا یقیناً برای نیکوکاران شما پاداشی بزرگ آماده کرده است. (۲۹)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَ يُضَاعِفْ لَهَا الْعَذَابُ ضَعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

ای همسران پیامبر! هر کس از شما کار بسیار زشت آشکاری مرتكب شود [قطعاً پیوند همسری با پیامبر به او مصویت نمی دهد، بلکه] عذاب برای او دو چندان خواهد شد، و این [کار] بر خدا آسان است. (۳۰)

ص: ۴۲۱

جزء ۲۲

ادامه سوره الأحزاب

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا ثُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش اطاعت خاصه عانه کند و کار شایسته انجام دهد، پاداشش را دو برابر به او می دهیم و برای او رزقی نیکو و با ارزش آماده کرده ایم. (۳۱)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِّي نَقِيَّتِنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيُطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۳۲)

ای همسران پیامبر! شما اگر پرهیز کاری پیشه کنید [از نظر متزلت و موقعیت] مانند هیچ یک از زنان نیستید، پس در گفتار خود، نرمی و طنازی [چنانکه عادت بیشتر زنان است] نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است طمع کند، و سخن پسندیده و شایسته گویید. (۳۲)

وَقَرْنَ فِي يُبُوتُكَنَ وَلَمَا تَبَرَّجَنَ تَبَرُّجَ الْحَيَاةِ الْأَوَّلِيِّ وَأَقْمَنَ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاهَ وَأَطْعَنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳)

و در خانه هایتان قرار و آرام گیرید، و [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاھلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند] ظاهر نشود، و نماز را بربا دارید و زکات بدھید، و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، جز این نیست که همواره خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محدث، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اند] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند. (۳۳)

وَإِذْ كُرِّنَ مَا يُتْلَى فِي يُبَوِّتُكُنَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا حَبِيرًا (۳۴)

[ای همسران پیامبر!] و آنچه را از آیات خدا و حکمت در خانه های شما می خوانند به یاد داشته باشید؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است. (۳۴)

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتَنَ وَالْقَانِتَنَ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاسِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظَاتِ وَالْحَافِظَاتِ وَالْمَذَكَّرَاتِ أَعَدَ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۳۵)

مسلمان خدا برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان حفظ کننده خود از پلیدی های جنسی، و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است. (۳۵)

ص: ۴۲۲

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرُهُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (۳۶)

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد هنگامی که خدا و پیامبر کاری را حکم کنند برای آنان در کار خودشان اختیار باشد؛ و هر کس خدا و پیامبر را نافرمانی کند یقیناً به صورتی آشکار گمراه شده است. (۳۶)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ رَوْحِيَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتَخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُعِيدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مُنْهَى وَطَرَا زَوْجَنَا كَهَا لِكَنْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنَاتِ حَرْجٌ فِي أَرْوَاجِ أَذْعِيَاهُمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرَا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَقْنُعُولًا (۳۷)

و [یاد کن] زمانی را که به آن شخص که خدا به او نعمت [اسلام] بخشیده بود، و تو هم [با آزاد کردنش از طوق بردگی] به او احسان کرده بودی، می گفتی: همسرت را برای خود نگه دار و از خدا پروا کن. و تو در باطن خود چیزی را [چون فرمان خدا به ازدواج با مطلقه او] پنهان می داشتی که خدا آشکار کننده آن بود [تا برای مردم در ازدواج مطلقه پسر خوانده هایشان ممنوعیت و مشکلی نباشد] و [برای بیان فرمان خدا نسبت به مشروعیت ازدواج مطلقه پسر خوانده] از مردم می ترسیدی و در

حالی که خدا سزاوارتر بود که از او بترسی، پس هنگامی که «زید» نیاز خود را از همسرش به پایان برد [و او را طلاق داد] وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مؤمنان نسبت به ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان بردۀ باشند سختی و حرجی نباشد؛ و همواره فرمان خدا شدنی است. (۳۷)

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةً إِلَّا أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا (۳۸)

بر پیامبر در آنچه خدا برای او مقرر و لازم کرده منعی نیست، خدا این روش را درباره کسانی [از پیامبران] که پیش از این گذشته اند مقرر داشته است و همواره فرمان خدا نافذ و اندازه گیری شده است. (۳۸)

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشُونَهُ وَلَا يَخْشُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳۹)

[آری این روش خدادست درباره] آنان که همواره پیامهای خدا را به مردم می رسانند و از [عظمت و مقام] او می ترسند و از هیچ کس جز او واهمه ندارند و برای حسابرسی [کار با ارزش اینان] خدا کافی است. (۳۹)

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنَ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّنَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰)

محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست. (۴۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۴۱)

ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید، (۴۱)

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۴۲)

و صبح و شام او را تسبيح گویید. (۴۲)

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجُكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (۴۳)

اوست که با فرشتگان خود بر شما درود می فرستد تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورده، و او به مؤمنان مهربان است. (۴۳)

ص: ۴۲۳

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (۴۴)

درود و تحيت [خدا] بر آنان، روزی که با [پاداش و مقام قرب] او دیدار می کنند، سلام است، و [خدا] برای آنان پاداشی نیکو و با ارزش آمده کرده است. (۴۴)

یا آئُهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۴۵)

ای پیامبر! به راستی ما تو را شاهد [بر امت] و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم. (۴۵)

وَدَاعِيًّا إِلَى اللَّهِ يَا ذِنْهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (۴۶)

و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی فروزان [برای هدایت جهانیان] قرار دادیم، (۴۶)

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (۴۷)

و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی خواهد بود، (۴۷)

وَلَا تُطِعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۴۸)

و از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن، و کافی است که خدا نگهبان و کارساز [انسان] باشد، (۴۸)

یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكْحَثْمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْنَاهُنَّ وَهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّهِ تَعْذِيدُهُنَّا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرِّ حُوْهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۴۹)

ای اهل ایمان! هنگامی که زنان مؤمن را به همسری خود درآوردید، آن گاه پیش از آنکه با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید، برای شما بر عهده آنان عده ای نیست که آن را بشمارید، پس آنان را [به پرداخت نصف مهریه] بهره مندان کنید و به صورت پسندیده ای رهایشان سازید. (۴۹)

یَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَقْنَاكَ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكْ يَمِينَكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَهُ مُؤْمِنَةٍ إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَكْحِهَا خَالِصَهُ لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَرْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرْجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر! برایت حلال کردیم آن همسرانت را که مهرشان را داده ای و کنیزانی که خدا غنیمت به تو داده است و دختر عموماً و دختر عمه ها و دختر دایی ها و دختر خاله هایت را که با تو مهاجرت نموده اند و زن مؤمنی که خود را به پیامبر [مجانی و بدون مهر] هبه کند، اگر پیامبر او را به همسری بخواهد؛ این حکم ویژه توست نه مؤمنان. یقیناً ما آنچه را در مورد همسران و کنیزانشان بر آنان لازم و مقرر داشته ایم، می دانیم؛ [این گشايش در ازدواج] برای آن است که بر تو سختی و حرجی نباشد؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۰)

تُرْجِي مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ وَمَن ابْتَغَيَتْ مِمَّنْ عَزَّلَتْ فَلَمَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَن تَقْرَأَ أَعْيُنَهُنَّ وَلَمَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (٥١)

نوبت هر یک از آنان را که بخواهی به تأخیر انداز و هر کدام را که میل داری نزد خود جای ده، و هر کدام از آنان را که از او کاره گرفته باشی [اگر] نزد خود بطلبی بر تو گناهی نیست. این [برنامه ریزی آزادانه،] به خوشحال نمودنشان و اینکه اندوهگین نشوند و همگی به آنچه به آنان داده ای خشنود شوند، نزدیک تراست؛ و خدا آنچه را در دل های شماست می داند؛ و خدا دانا و بربدار است. (٥١)

لَا يَحْلُ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَن تَبَدَّلَ بِهِنَ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَ إِلَّا مَا مَلَكْتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَئِ رَّقِيبًا (٥٢)

[غیر از زن هایی که گفته شد] از این پس زنان دیگر برای تو حلال نیست، و [نیز] جایز نیست که آنان را به همسرانی دیگر تبدیل کنی گرچه زیبایی آنان تو را خوش آید، مگر کنیزی که مالکش شوی؛ و خدا نگهبان و مراقب همه چیز است. (٥٢)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النِّسَاءِ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ عَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَّهُ وَلِكُنْ إِذَا دُعِيْتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ فَاتَّشِرُوا وَلَمَا مُسْتَأْنِسِيْنَ لِحَدِيدَتِ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النِّسَاءَ فَيُسْتَأْنِسِيْنَ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَأْنِسِيْنَ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَنَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذِنُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَن تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (٥٣)

ای مؤمنان! به خانه های پیامبر جز آنکه برای خوردن غذایی به شما اجازه دهنده وارد نشوید، چشم انتظار فرا رسیدن وقت خوردن آن هم نباشد [که پی در پی آوردنش را بخواهید و از این جهت اسائمه ادب کنید؛ ولی هنگامی که دعوت شدید وارد شوید، و چون غذا خوردید و بی آنکه [پس از صرف غذا] سرگرم سخن گردید، پراکنده شوید، این [کار که بنشینید و سرگرم سخن گردید] پیامبر را آزار می دهد و از شما حیا می کند [که بیرون نتان کند] ولی خدا از حق حیا نمی کند. و زمانی که از همسرانش متاعی خواستید از پشت پرده و حجابی از آنان بخواهید، که این برای قلب شما و قلب های آنان پاکیزه تر است. و شما را نسزد [و جایز نباشد] که پیامبر خدا را آزار دهید. و بر شما هرگز جایز نیست که پس از او با همسرانش ازدواج کنید؛ که این [کار] نزد خدا بزرگ است. (٥٣)

إِن تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَئِ عَلِيمًا (٥٤)

اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را پنهان نمایید [خدا می داند؛ یقیناً خدا به هر چیزی داناست. (٥٤)

ص: ٤٢٥

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَ فِي آَيَائِهِنَ وَلَمَا أَبْنَائِهِنَ وَلَا إِخْوَانِهِنَ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَ وَلَا نِسَائِهِنَ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَ وَاتَّقِنَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَئِ شَهِيدًا (٥٥)

همسران پیامبر را نزد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران خواهانشان و زنان هم کیشان و بردگانشان [در ترک پوشش و حجاب] گناهی نیست؛ و از خدا پروا کنید که خدا به هر چیزی گواه است. (۵۵)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُوْعَ عَلَيْهِ وَسَلَّمُوا تَسْلِيْمًا (۵۶)

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسليم او باشد. (۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ لَعَنْهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (۵۷)

قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می آزارند، خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می کند، و برای آنان عذابی حوار کننده آماده کرده است. (۵۷)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بِهَتَانًا وَإِنَّمَا مُبَيِّنًا (۵۸)

و کسانی که مردان و زنان مؤمن را [با متهم کردن] به اعمالی که انجام نداده اند، می آزارند، بی تردید بهتان و گناه بزرگی بر عهده گرفته اند. (۵۸)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَا زَوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُؤْذِنَنَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَالِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفَنَ فَلَا يُؤْذِنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۹)

ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرها یشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورها یشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهد گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنشده و مهربان است. (۵۹)

لَئِنْ لَمْ يَتَّهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِيْنَةِ لَنَعْرِيْنَكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)

اگر منافقان و آنان که در دل یا یشان بیماری [ضعف ایمان] است و آنانکه در مدینه شایعه های دروغ و دلهره آور پخش می کنند [از رفتار زشتستان] باز نایستند، تو را بر ضد آنان برمی انگیزیم [که یا تبعیدشان کنی یا با آنان بجنگی]، آن گاه در این شهر جز اندکی [که خالص و پاک هستند] در کنار تو نخواهند ماند. (۶۰)

مَلْعُونِينَ أَيْمَانًا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتُلُوا تَقْتِيلًا (۶۱)

[این چند گروه به علت اعمال ناهنجارشان] طردشده گان [از رحمت خدای] اند، هرجا که یافت شوند باید دستگیر شوند، و به سختی به قتل برسند. (۶۱)

سُّنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلٍ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبَدِّيلًا (۶۲)

خدا شیوه و روش خود را درباره کسانی [مانند این خائنان] که پیش تر در گذشتند، این گونه قرار داده است، و برای شیوه و روش خدا هرگز تغییر و دگرگونی نخواهی یافت. (۶۲)

ص: ۴۲۶

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۶۳)

مردم درباره [وقت] قیامت از تو می پرسند، بگو: دانش و آگاهی آن فقط نزد خدادست. و تو چه می دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد. (۶۳)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَ لَهُمْ سَعِيرًا (۶۴)

همانا خدا کافران را لعنت کرده، و آتشی افروخته برای آنان آماده کرده است. (۶۴)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۶۵)

همیشه در آن جاودانه اند، و سرپرست و یاوری [که آنان را نجات دهد] نیابند. (۶۵)

يَوْمَ تُنَقَّلُ بُوْجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطْعَنَا اللَّهُ وَأَطْعَنَا الرَّسُولَا (۶۶)

روزی که چهره هایشان را در آتش از سویی به سویی می گردانند، [و] می گویند: ای کاش ما [در دنیا] از خدا و پیامبر اطاعت کرده بودیم، (۶۶)

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضْلَلُونَا السَّيِّلَا (۶۷)

و می گویند: پروردگار! همانا ما از فرمانروایان و بزرگانمان اطاعت کردیم، در نتیجه گمراهمان کردند. (۶۷)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضَعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَيْرًا (۶۸)

پروردگار! آنان را از عذاب دو چندان ده، و کاملاً از رحمت دورشان ساز. (۶۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيَهَا (۶۹)

ای اهل ایمان! [درباره پیامبرتان] مانند کسانی نباشد که موسی را [با تهمت و دروغ بستن به او] آزار دادند و خدا او را از آنچه درباره او می گفتند، پاک و مبرأ ساخت، و او نزد خدا آبرومند بود. (۶۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (٧٠)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گویید. (٧٠)

يُصْلِحُ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (٧١)

تا [خدا] اعمالتان را برای شما اصلاح کند و گناهتان را بر شما بیامرزد. و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی تردید رستگاری بزرگی یافته است. (٧١)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلُنَّهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا إِلَّا إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (٧٢)

یقیناً ما امانت را [که تکالیف شرعیه سعادت بخش است] بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم و آنها از به عهده گرفتنش [به سبب اینکه استعدادش را نداشتند] امتناع ورزیدند و از آن ترسیدند، و انسان آن را پذیرفت بی تردید او [به علت ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار، و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است. (٧٢)

لَيَعْذِبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (٧٣)

تا نهايتأ خدا مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرك را [به سبب خیانت در امانت] عذاب کند و توبه مردان و زنان مؤمن را [به علت لغش در امانت] پذیرد؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (٧٣)

ص: ٤٢٧

سوره سباء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَيْرُ (١)

همه ستایش ها ویژه خدادست که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و همه ستایش ها در آخرت مخصوص اوست، و او حکیم و آگاه است. (١)

يَعْلَمُ مَا يَلْجُعُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْتَلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (٢)

[خدا] آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آن بالا می رود عالم و آگاه است؛ و او مهربان و بسیار آمرزنده است. (٢)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُبْلَ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِينَنَا كُمْ عِيَالِمِ الْغُيَبِ لَعَلَّا يَعْزُبُ عَنْهُ مِنْقَالُ ذَرَرِ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (٣)

و کافران گفتند: قیامت بر ما نخواهد آمد. بگو: آری، سوگند به پروردگارم که دنای غیب است، حتماً بر شما خواهد آمد؛ در

آسمان‌ها و زمین‌هم وزن ذره‌ای از او پوشیده نیست، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر از آن هست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. (۳)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

[آری، قیامت حتماً می‌آید] تا خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پاداش دهد، اینانند که برای آنان آمرزشی و رزق نیکو و ارزشمندی خواهد بود. (۴)

وَالَّذِينَ سَعَوا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رِّجْزِ أَلِيمٍ (۵)

و کسانی که در [انکار و تکذیب] آیات ما کوشیدند، به گمان اینکه [می‌توانند] ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند] برای آنان عذابی دردناک از سخت‌ترین عذاب هاست. (۵)

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَرِيزِ الْحَمِيدِ (۶)

و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده، می‌دانند که آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، و به راه خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده هدایت می‌کند. (۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُبَيِّنُكُمْ إِذَا مُزْفِتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷)

و کافران گفتند: [ای مردم!] آیا شما را به مردی دلالت کنیم که به شما خبر [عجبی] می‌دهد، هنگامی که [در خاک گور] به طور کامل متلاشی [و قطعه قطعه] شوید، در آفرینشی جدید و تازه خواهید آمد! (۷)

ص: ۴۲۸

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جَنَّهُ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸)

آیا [به نظر شما این خبر دهنده] بر خدا دروغ بسته، یا دچار نوعی جنون است؟! [نه، چنین نیست که می‌پندارند] بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در عذاب و گمراهی دوری هستند. (۸)

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَشَأْ نَخْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَهِي لُكْلُ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۹)

آیا به آنچه از آسمان و زمین پیش رو و پشت سر آنان است، ننگریستند [که همان خدایی که جهان هستی را آفرید بر زنده کردن مردگان تواناست؟] ما اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم یا پاره‌هایی از آسمان را بر سرشان می‌افکریم؛ بی‌تردید در این [آفرینش] برای هر بندۀ بازگشت کننده، نشانه‌ای [بر قدرت خدا] است. (۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَأْوَدَ مِنَا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوْبِي مَعَهُ وَالظَّيْرُ وَالنَّا لَهُ الْحَدِيدَ (۱۰)

همانا به داود از سوی خود فضلی بزرگ عطا کردیم، [و گفتیم:] ای کوه ها و ای پرندگان! [در تسبیح خدا] با او، هم صدا شوید. و آهن را برای او نرم کردیم. (۱۰)

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدْرٌ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱)

[و به او گفتیم] که زره های فراخ بساز، و حلقه ها [ی آن] را مناسب و هماهنگ اندازه گیری کن. و تو و خاندان و قومت کار شایسته انجام دهید؛ یقیناً من به آنچه انجام می دهید بینایم. (۱۱)

وَلَسْلَيْمَانَ الرَّيْحَ غُدُوْهَا شَهْرُ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسْلَنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَرْغُبُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذْقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲)

و باد را برای سلیمان [مسخر و رام کردیم]، که رفتن صبح گاهش [به اندازه] یک ماه و رفتن شام گاهش [به اندازه] یک ماه بود؛ و چشمها مس را برای او روان ساختیم، و گروهی از جن به اذن پروردگارش نزد او کار می کردند، و هر کدام از آنان از فرمان ما سرپیچی می کرد از عذاب سوزان به او می چشاندیم. (۱۲)

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَأْوَدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّكُورُ (۱۳)

[گروه جن] برای او هرچه می خواست، می ساختند از معبدها، و مجسمه ها، و ظروف بزرگی مانند حوض ها، و دیگر هایی ثابت. ای خاندان داود! به خاطر سپاس گزاری [به فرمان ها حق] عمل کنید؛ و از بندگانم انداز کی سپاس گزارند. (۱۳)

فَلَمَّا أَقْضَيَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَائِهُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتُهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۱۴)

پس هنگامی که مرگ را بر او مقرر کردیم، جنیان را از مرگش جز موریانه ای که عصایش را می خورد، آگاه نکرد؛ زمانی که به روی زمین در افتاد، جنیان [که ادعای علم غیب داشتند] فهمیدند که اگر غیب می دانستند در آن عذاب خوار گشته [که کارهای بسیار پرزحمت و طاقت فرسا بود] درنگ نمی کردند. (۱۴)

ص: ۴۲۹

لَقْدْ كَانَ لِسَبِّا فِي مَشْكُنِهِمْ آيُهُ جَنَّاتٍ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاسْكُرُوا لَهُ بَلْدَهُ طَيْبَهُ وَرَبُّ غُفُورٌ (۱۵)

یقیناً برای قوم سبا در جای اقامتشان نشانه ای [از قدرت و رحمت خدا] وجود داشت، دو باغ از طرف راست و چپ. [گفتیم:] از رزق و روزی پروردگاری بخورید، و برای او سپاس گزاری کنید، سرزمینی خوش و دلپذیر [دارید]، و پروردگاری بسیار آمرزنده (۱۵)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَلْنَا هُمْ بِجَتَّنِيهِمْ جَتَّنِينِ ذَوَاتِيْ أَكْلِ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَنِيْ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶)

ولی [آنان از سپاس گزاری در برابر نعمت، و از فرمان‌ها او و دعوت پیامبرشان] روی گردانند، در نتیجه سیل [ویران گر «عرم» را بر ضد آنان جاری کردیم [که دو باغ آباد راست و چپ منطقه را نابود کرد]، و ما آن دو باغ پر حاصلستان را به دو باغستانی تبدیل کردیم که دارای میوه‌هایی تلخ و درخت شوره گز و چیزی اندک از درخت سدر بودند!! (۱۶)

ذَلِكَ جَرِيَّنَا هُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهُلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ (۱۷)

این [سیل ویران گر] را در برابر کفرشان به آنان کیفر دادیم. آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم؟ (۱۷)

وَجَعَلْنَا يَنْهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرْيَ ظَاهِرَةً وَقَدْرَنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸)

و میان مردم سبا و شهرهایی که در آن‌ها برکت نهادیم، آبادی‌های به هم پیوسته و نمایان قرار دادیم، و سیر و سفر را در [میان] آنان متناسب و به اندازه مقرر داشتیم، [و گفتیم:] شب‌ها و روزها با امنیت در آنها مسافرت کنید. (۱۸)

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا هُمْ أَحَادِيثَ وَمَرْفَنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لُكُلٌ صَبَارٌ شَكُورٌ (۱۹)

پس [این مغروف شد گان به رفاه و خوشی و ناسپاسان در برابر نعمت] گفتن: پروردگار! میان سفرهای ما، دوری و فاصله انداز. [این را درخواست کردند تا تهیستان و پا بر هنگان نتوانند در کنار آنان سفر کنند]، و [این گونه آنان] بر خودشان ستم کردند، پس ما آنان را داستان‌هایی [برای عترت آیندگان] قرار دادیم و جمعشان را به شدت متلاشی و تار و مار کردیم، همانا در این [سرگذشت‌ها] برای هر صبر کننده سپاس گزاری عترت‌هاست (۱۹)

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِلِيَّسُ طَنَنُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

و همانا ابليس، پندارش را [که گفته بود: نسل آدم را گمراه می‌کنم] درباره آنان تحقق یافت که همه جز گروهی از مؤمنان از او پیروی کردند. (۲۰)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَهِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِظٌ (۲۱)

و ابليس را بر آنان [در اینکه فرمان بردارشان کند] هیچ تسلطی نبود [جز وسوسه کردن و باز بودن راه وسوسه بر او، هیچ سببی نداشت] مگر اینکه می‌خواستیم کسانی را که به آخرت ایمان دارند از آنان که درباره آن در تردیدند مشخص کنیم؛ و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است. (۲۱)

قُلِ اذْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَرٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شَرِيكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَاهِرٍ (۲۲)

بگو: کسانی را که به جای خدا [سزاوار پرستیدن] پنداشته اید، بخوانید [تا خواسته هایتان را اجابت کنند، ولی آنها هیچ

خواسته ای را از شما اجابت نمی کنند؛ زیرا] در آسمان ها و زمین، هموزن ذره ای را مالک نیستند و آنها را در آن دو هیچ سهم و شرکتی نیست، و از میان آنها هیچ پشتیبانی برای خدا وجود ندارد. (۲۲)

ص: ۴۳۰

وَلَا تَفْعَ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُرِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

شفاعت در پیشگاه خدا جز برای کسانی که به آنان اذن دهد سودی ندارد، [آن روز شفیعان و امیدواران به شفاعت مضطربانه به انتظار اذن خدا برای شفاعت هستند] تا زمانی که با صدور اذن شفاعت دل هایشان آرام گیرد [در این هنگام مجرمان به شفیعان] گویند: پروردگار تان چه گفت؟ می گویند: حق گفت و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۳)

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

[به مشرکان] بگو: چه کسی از آسمان ها و زمین به شما روزی می دهد؟ بگو: خدا. و بی تردید ما یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم. (۲۴)

قُلْ لَا تُشَائُلُونَ عَمَّا أَجْرَمْتَ وَلَا نُشَائُلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۵)

بگو: شما از گناه ما بازخواست نخواهید شد، و ما هم از آنچه شما انجام می دهید، بازخواست نخواهیم شد. (۲۵)

قُلْ يَجْمَعُ يَبْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ يَبْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

بگو: پروردگارمان میان ما و شما را [روز قیامت] جمع می کند، سپس میان ما و شما به حق داوری خواهد کرد، و او داور دانایی است. (۲۶)

قُلْ أَرْوَنَى الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

بگو: کسانی را که به عنوان شریکان به او ملحق کرده اید به من نشان دهید [تا بنگرم آیا صفاتی که واجب است در یک معبد باشد در آنها هست؟ یقیناً] این چنین [صفاتی در آنها] نیست، بلکه فقط خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۷)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَهَ لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

و ما تو را برای همه مردم جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم، ولی بیشتر مردم [به این واقعیت] معرفت و آگاهی ندارند. (۲۸)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۹)

و [از روی مسخره] می گویند: اگر راستگویید این وعده [قیامت و عذاب] کی خواهد بود؟ (۲۹)

قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۰)

بگو: وعده گاه شما روزی است که نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه بر آن پیشی می گیرید. (۳۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي يَبَيِّنُ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْفُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ
الْقُولَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَا مُؤْمِنِينَ (۳۱)

و کافران گفتند: ما به این قرآن و کتاب هایی که پیش از آن بوده است، هرگز ایمان نمی آوریم. و اگر ستمکاران را زمانی
که در پیشگاه پروردگارشان [برای محاکمه] بازداشت شده اند، بینی در حالی که هر کدام گناه و بدبختی خود را بر عهده
دیگری می اندازد [امر عجیبی می بینی] مستضعفان به مستکبران می گویند: اگر شما سر راه ما نبودید یقیناً ما مؤمن بودیم.
(۳۱)

ص: ۴۳۱

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنْحُنْ صَدُّنَاكُمْ عِنِ الْهُدَىٰ بَعْدٌ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُّجْرِمِينَ (۳۲)

مستکبران به مستضعفان می گویند: آیا ما شما را از هدایت الهی بعد از آنکه به شما رسید باز داشتیم؟ [نه، باور نداریم] بلکه
شما خودتان مجرم بودید. (۳۲)

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بِإِلَيْمٍ مَكْرُ اللَّئِلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسِرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا
الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هُلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۳)

مستضعفان به مستکبران می گویند: بلکه نیرنگ های [پی گیر شما در] شب و روز که به ما فرمان می دادید به خدا کافر شویم
و همتایانی او قرار دهیم [ما را گمراه کرد]. و هنگامی که عذاب را بیتند، اظهار پشیمانی کنند [شاید نجات یابند]. و ما
در گردن کافران غل و زنجیر می نهیم؛ آیا جز آنچه را انجام می دادند جزا داده می شوند. (۳۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ كَافِرُونَ (۳۴)

در هیچ شهری هیچ ییم دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوش گذرانان مغور و سرمست آنان گفتند: ما به آنچه شما را به آن
فرستاده اند، کافریم! (۳۴)

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۵)

و گفتند: اموال و فرزندان ما از شما بیشتر است و [این دلیل توجه ویژه خدا به ماست؛ بنابراین اگر عذابی هم باشد] ما را عذاب
نخواهند کرد. (۳۵)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَسْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلِكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

بگو: یقیناً پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می دهد یا تنگ می گیرد، ولی بیشتر مردم [نسبت به مصلحت خدا] معرفت و آگاهی ندارند. (۳۶)

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَمَا أَوْلَمَادُكُمْ بِمَا لَتَّى تُقْرِبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الْضُّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ (۳۷)

و اموال و فرزندانتان چیزهایی نیستند که شما را نزد ما مقرب کنند مگر آنان که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند [که به سبب ایمان و کار شایسته، مقرب ما هستند؛ پس اینانند که برای آنان در برابر آنچه انجام داده اند، پاداش مضاعف است، و آنان در غرفه ها [ی بهشتی از هر گزند و آسیبی] آسوده خاطرند. (۳۷)

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۸)

و کسانی که همواره در [انکار و ابطال] آیات ما می کوشند، به گمان اینکه می توانند ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند]، اینان احضار شدگان در عذاب خواهند بود. (۳۸)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُحْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۳۹)

بگو: یقیناً پروردگارم روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد، و هرچه را انفاق می کنید [چه کم و چه زیاد] خدا عوضی را جایگزین آن می کند؛ و او بهترین روزی دهنده‌گان است. (۳۹)

ص: ۴۳۲

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَائِكَهِ أَهُؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (۴۰)

و [یاد کن] روزی را که [خدا] همه آنان را محسور می کند، آن گاه به فرشتگان می گوید: آیا اینان شما را می پرستیدند؟ (۴۰)

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنَتَ وَلَيْنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱)

می گویند: تو متنهی [از اینکه در پرستیده شدن شریک و همتا داشته باشی]، تو سرپرست و یار مایی نه آنان، [آنان ما را نمی پرستیدند] بلکه جنیان را می پرستیدند [و] بیشترشان به آنها ایمان داشتند. (۴۱)

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِيَغْضِبَ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۴۲)

امروز برای یکدیگر مالک سود و زیانی نیستید، و به آنان که ستم کردند می گوییم: عذاب آتشی را که انکار می کردید، بچشید. (۴۲)

وَإِذَا تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَيْذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آباؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَيْذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرٌ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، می گویند: این نیست مگر مردی که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند، باز دارد. و می گویند: این قرآن جز دروغی ساختگی نیست. و کافران درباره حق، هنگامی که به سویشان آمد گفتند: این جز جادویی آشکار نیست!! (۴۳)

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ (۴۴)

و [این در حالی است که] هیچ کتابی به آنان نداده ایم که آن را بخوانند [تا به تکیه بر آن قرآن را دروغی ساختگی بدانند]، و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم تا [با اعتماد به گفتار او] نبوت تو را انکار کنند، (۴۴)

وَكَذَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشاً مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ (۴۵)

و کسانی که پیش از اینان بودند [آیات ما و پیامبران را] تکذیب کردند، و اینان به یک دهم قدرت و ثروتی که به آنان داده بودیم، نرسیده اند، پس پیامبرانم را تکذیب کردند [در نتیجه هلاکshan کردیم]؛ پس [بنگر] عذاب من چگونه بود؟ (۴۵)

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُّكُمْ بِرَاحِمَةِ اللَّهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَسْئُى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّهِ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ يَئِنَّ يَدِنْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۴۶)

بگو: من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می دهم [و آن] اینکه دو و یک برای خدا قیام کنید، سپس درباره رفیقتان [محمد] که عمری با پاکی، امانت، صدق و درستی در میان شما زندگی کرده است] بیندیشید که هیچ گونه جنونی ندارد، او برای شما از عذاب سختی که پیش روست، جز بیم دهنده ای نیست. (۴۶)

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷)

بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط بر عهده خداست، و او بر همه چیز گواه است. (۴۷)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَامُ الْعَيْوَبِ (۴۸)

بگو: همانا پروردگارم که دانای غیب است، حق را [بر قلوب پیامبرانش] القا می کند. (۴۸)

ص: ۴۲۳

قُلْ بَجَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۴۹)

بگو: حق آمد و باطل [که آن را به جای خدا می پرستید] نه می تواند چیزی را به وجود آورد، و نه می تواند [چیزی که از بین رفته] برگرداند. (۴۹)

قُلْ إِنْ ضَلَّتْ فَإِنَّمَا أَضَلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فَإِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (۵۰)

بگو: اگر من گمراه شده باشم، فقط به زیان خود گمراه شده ام، و اگر هدایت شده باشم به سبب آن است که پروردگارم به من وحی می کند؛ زیرا او شنوا و نزدیک است. (۵۰)

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱)

و اگر بینی [مشرکان] زمانی که [با ظهر قیامت] ترسان و وحشت زده می شوند [امر عجیبی می بینی] و [آن اینکه برای آنان] توانایی [گریز از عذاب] نیست، و از جایی نزدیک [که موقف قیامت است] بازداشت می شوند. (۵۱)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ الشَّاؤشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲)

و [در آن موقعیت بسیار سخت] می گویند: به حق ایمان آوردم. کجا و چگونه می توانند از فاصله بسیار دور [که فاصله قیامت تا دنیاست] به آن ایمان دسترسی پیدا کنند! [زیرا آخرت جای تکلیف نیست و دنیایی که جای تکلیف است برای همیشه از دستشان رفته است]. (۵۲)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳)

[اینان] پیش از این [که در دنیا می زیستند] به حق کافر شدند، و ناگاهانه و دور از معرفت و علم [درباره حق به عنوان اینکه شعر، جادو، افسانه خرافی و دور غ ساختگی است] سخن پراکنی می کردند. (۵۳)

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَسْتَهِونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ (۵۴)

و [در نتیجه] میان آنان و همه خواسته هایشان [به وسیله مرگ] جدایی انداخته شد، همان گونه که پیش از این با هم کیشانشان رفتار شد؛ زیرا آنان همواره [نسبت به حق] در تردیدی سخت بودند. (۵۴)

سوره فاطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَهِ رُسُلًا أُولَى أَجْنِحَهِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

همه ستایش ها ویژه خدادست که آفریننده آسمان ها و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بالهایی دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند رسولانی [برای انجام دادن فرمان های تکوینی و تشریعی اش] قرار داده است. هرچه بخواهد در آفرینش می افراشد؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۱)

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكٌ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلٌ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)

چون خدا رحمتی را برای مردم بگشاید، بازدارنده ای برای آن نیست، و چون بازدارد، بعد از او فرستنده ای برایش وجود ندارد، و او توانای شکست ناپذیر و حکیماست. (۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالقٌ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَإِنَّى تُؤْفَكُونَ (۳)

ای مردم! نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید. آیا جز خدا آفریننده ای هست که از آسمان و زمین شما را روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منصرفتان می کنند؟ (۳)

ص: ۴۳۴

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبْتُ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)

اگر تو را تکذیب می کنند [اندوهگین مباش] یقیناً پیش از تو هم پیامبرانی تکذیب شده اند. و همه امور به خدا بازگردانده می شود. (۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغْرِيَنُّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغْرِيَنُّكُمْ بِاللَّهِ الْعَزُورُ (۵)

ای مردم! بی تردید وعده خدا [درباره قیامت] حق است، پس این زندگی دنیا [ای زودگذر،] شما را نفرید و شیطان فریبنده، شما را [به کرم] خدا مغور نکند. (۵)

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيُكَوِّنُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)

بی تردید شیطان، دشمن شماست، پس او را دشمن خود بگیرید. [او] گروهش را فقط [به این سبب به فسق و فجور] دعوت می کند که اهل آتش سوزان گرددند. (۶)

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

کسانی که کفر ورزیدند، عذاب سختی برای آنان خواهد بود، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۷)

أَفَمَنْ زُيَّنَ لَهُ سُوءٌ عَمِيلٌ فَرَآهُ حَسِنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِيقُ مُلْ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذَهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسِنَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)

پس آیا کسی که کردار زشتیش برای او زینت داده شده و [به این سبب] آن را خوب دیده [مانند کسی است که در پرتو ایمان، خوبی بد را تشخیص داده است؟] همانا خدا هر که را بخواهد [به کیفر تکبرش در برابر حق] گمراه می کند و هر که را

بخواهد هدایت می نماید. پس مبادا جانت به سبب حسرت هایی که بر آنان می خوری از بین برود؛ بی تردید خدا به آنچه انجام می دهنده داناست. (۸)

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتَشَ�يرَ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلْدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذِلِكَ النُّشُورُ (۹)

خداست که بادها را فرستاد تا ابری را برانگیزند، پس ما آن را به سوی سرزمین مرده راندیم و زمین را پس از مردگی اش به وسیله آن زنده کردیم؛ زنده شدن مردگان هم این گونه است. (۹)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلَلِهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصِيرُ عَدُوكُلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عِذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (۱۰)

کسی که عزت می خواهد، پس [باید آن را از خدا بخواهد، زیرا] همه عزت ویژه خداست. حقایق پاک [چون عقاید و اندیشه های صحیح] به سوی او بالا می رود و عمل شایسته آن را بالا می برد. و کسانی که حیله های زشت به کار می گیرند، برای آنان عذابی سخت خواهد بود، و بی تردید حیله آنان نابود می شود. (۱۰)

وَاللَّهُ حَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَرْوَاحًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنَثَى وَلَمَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنَقْصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

و خدا شما را از خاک [مرده]، سپس از نطفه آفرید، آن گاه شما را زوج هایی [نرو ماده] قرار داد. هیچ ماده ای باردار نمی شود و بارش را نمی نهد مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی کند و از عمرش کاسته نمی شود مگر اینکه در کتابی [چون لوح محفوظ] ثبت است. بی تردید این [کارها] بر خدا آسان است. (۱۱)

ص: ۴۳۵

وَمَا يَسِّيْتُوْي الْبَحْرَانِ هَذَا عَدْبُ فُرَاتٍ سَائِعٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أَجَاجٌ وَمِنْ كُلٌّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَبْسُونُهَا وَتَرَى الْفَلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِتَبَتَّعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

دو دریا مساوی نیستند، این یکی شیرین و از بین برنده تشنگی و نوشیدنش گوارا و آن یکی سور و تلخ است؛ و از هر یک گوشته تازه می خورید و زینتی که آن را می پوشید، استخراج می کنید. و کشته ها را در آن می بینی که آب را می شکافند و می روند تا شما [با رسیدن به مقاصد و هدف هایتان] از فضل او بجویید و باشد که سپاس گزاری کنید. (۱۲)

يُولِّجُ الْلَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِّجُ النَّهَارَ فِي الْلَّيْلِ وَسَيَخْرُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسِيْحِي ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)

شب را در روز فرو می برد و روز را در شب فرو می برد، و خورشید و ماه را مسخر و رام کرده است که هر کدام تا سرآمدی معین روانند. این است خدا پروردگار شما، فرمانروایی، ویژه اوست و کسانی را که به جای او می پرسیدیم، مالک پوست

هسته خرمایی هم نیستند. (۱۳)

إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشَرِيكِكُمْ وَلَا يُبَشِّرُكُمْ مِثْلُ حَبِيرٍ (۱۴)

اگر آنها را بخوانید، خواندن تان را نمی شنوند و اگر [بر فرض محال] بشنوند، پاسخтан را نمی دهند، و روز قیامت شرک شما را انکار می کنند؛ و هیچ کس مانند [خدای] آگاه تو را [از حقایق] خبردار نمی کند. (۱۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵)

ای مردم! شمایید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی نیاز و ستوده است. (۱۵)

إِن يَشَاءُ يُذْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۶)

اگر بخواهید شما را از بین می برد و آفریده تازه ای می آورد. (۱۶)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۱۷)

و این کار بر خدا دشوار نیست، (۱۷)

وَلَمَا تَنْرُ وَأَرِزَهُ وِزْرَ أَخْرَى وَإِن تَدْعُ مُتَّفَلَهُ إِلَى حِيلَهَا لَا يُحَمِّلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى إِنَّمَا تُنَذِّرُ النَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَرَكَ كَيْفَيَةً فَإِنَّمَا يَتَرَكَ كَيْفَيَةً لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را برنمی دارد، و اگر سنگین باری دعوت کند که از بارش بردارند، چیزی از بار گناهش برداشته نمی شود، گرچه [دعوت شونده] از نزدیکان و خویشان باشد. تو فقط کسانی را بیم می دهی که در نهان از پروردگارشان می ترسند و نماز را بربپا می دارند؛ و هر کس [از آلودگی ها] پاک شود به سود خود پاک می شود، و بازگشت فقط به سوی خدادست. (۱۸)

ص: ۴۳۶

وَمَا يَشَوِّى الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ (۱۹)

نابینا و بینا [کافر و مؤمن،] یکسان نیستند، (۱۹)

وَلَا الظُّلْمَاتُ وَلَا النُّورُ (۲۰)

و نه تاریکی ها و نه روشنایی، (۲۰)

وَلَا الظُّلْلُ وَلَا الْحُرُورُ (۲۱)

و نه سایه و نه باد گرم سوزان، (۲۱)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مِّنْ فِي الْقُبُورِ (۲۲)

و زندگان و مردگان هم یکسان نیستند. بی تردید خدا [دعوت حق را] به هر کس بخواهد می شنواند؛ و تو نمی توانی [دعوت حق را] به کسانی که در قبرهایند بشنوانی. (۲۲)

إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳)

تو فقط بیم دهنده ای، (۲۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مَنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴)

یقیناً ما تو را در حالی که مژده دهنده و هشدار دهنده ای، به حق و راستی فرستادیم، و هیچ امتی نبوده مگر آنکه در میان آنان بیم دهنده ای گذاشته است. (۲۴)

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَبَ الدِّينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالْزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)

اگر تو را تکذیب می کنند [اندوهگین مباش] همانا کسانی هم که پیش از اینان بودند [پیامبران را] تکذیب می کردند، در حالی که پیامبرانشان معجزه های آشکار، و نوشته ها [ایی مشتمل بر پند و موعظه و مناجات] و کتاب روشن [که حاوی احکام و قوانین بود] برای آنان آوردند. (۲۵)

ثُمَّ أَخْذَتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ (۲۶)

سپس کافران را [به سبب کفرشان به عذابی سخت] گرفتیم؛ پس کیفر من چگونه بود؟! (۲۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مِاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جِيدٌ بِيَضْ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفُ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)

آیا ندانسته ای که خدا از آسمان آبی نازل کرده است، پس به وسیله آن میوه هایی که رنگ هایش گوناگون است، پدید آورده ایم، و در برخی از کوه ها راه هایی است به رنگ های مختلف: سپید و سرخ و سیاه پر رنگ، (۲۷)

وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَوَابِ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفُ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

و نیز از انسان ها و جندگان و چهارپایان [مانند میوه ها و راه های کوهستانی] رنگ های گوناگون وجود دارد. از بندگان خدا فقط دانشمندان از او می ترسند؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبْغَرَ (۲۹)

قطعاً کسانی [مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام)] که همواره کتاب خدا را می خوانند و نماز را بربا می دارند و از آنچه روزی آنان کرده ایم در نهان و آشکار انفاق می کنند، تجاری را امید دارند که هرگز کساد و نابود نمی شود. (۲۹)

لَيُوْفِيهِمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَّكُورٌ (۳۰)

[این همه را انجام می دهند] تا [خدا] پاداششان را کامل عطا کند و از فضلش بر آنان بیفزاید؛ یقیناً او بسیار آمرزنده و عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است. (۳۰)

ص: ۴۳۷

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحُقُّ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ يُعْبَدُ لَخَيْرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

و آنچه از کتاب به تو وحی کرده ایم، همان حق است، [و] تصدیق کننده [کتاب هایی که] پیش از آن بوده است؛ یقیناً خدا به بندگانش آگاه و بیناست. (۳۱)

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّفْتَحَةٌ دُّوَّبٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يَأْذِنِ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)

سپس این کتاب را به کسانی از بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم؛ پس برخی از آنان [در ترک عمل به کتاب] ستمکار بر خویش اند، و برخی از آنان میانه رو، و برخی از آنان به اذن خدا در کارهای خیر [بر دیگران] پیشی می گیرند، این است آن فضل بزرگ. (۳۲)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)

[پاداششان] بهشت های جاودانه ای [است] که در آنها در آیند، در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آرایش می شوند، و لباسشان در آنجا حریر است. (۳۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَّكُورٌ (۳۴)

و می گویند: همه ستایش ها ویژه خدادست که اندوه را از ما برطرف کرد؛ بی تردید پروردگارمان بسیار آمرزنده و عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است. (۳۴)

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمْسُنا فِيهَا نَاصِبٌ وَلَا يَمْسُنا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵)

همان که از فضلش ما را در این سرای جاودان جای داد، که در آن هیچ رنجی و هیچ سستی و افسردگی به ما نمی رسد. (۳۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارٌ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيُمُوتُوا وَلَا يُخْفَفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا كَذِلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ (۳۶)

و برای کافران آتش دوزخ است، نه فرمان مرگشان صادر می شود که بمیرند، و نه عذاب از آنان سبک می شود؛ این گونه هر کفران کتنده ای را کیفر می دهیم. (۳۶)

وَهُمْ يَصِيْطِ طَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلْ أَوْلَمْ نُعَمِّرْ كُمْ مَا يَتَيَّدَ كُرْ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرْ وَجَاءَ كُمْ الَّذِيْرُ فَذُوقُوا فَمَا لِظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (۳۷)

و آنان در آنجا شیون و فریاد می زنند: پروردگارا! ما را بیرون یاور تا کار شایسته انجام دهیم غیر آنچه انجام می دادیم. [می گوییم]: آیا شما را چندان عمر ندادیم که هر کس می خواست در آن مقدار عمر متذکر شود، متذکر می شد؛ و [آیا] بیم دهنده ای به سوی شما نیامد؟ پس بچشید که برای ستمکاران هیچ یاوری نیست. (۳۷)

إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ غَيْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸)

یقیناً خدا دانای غیب آسمان ها و زمین است و بی تردید به نیات و اسرار سینه ها آگاه است. (۳۸)

ص: ۴۳۸

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتَنَا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹)

او کسی است که شما را در زمین جانشینان [دیگران] قرار داد. پس کسی که کافر شود کفرش به زیان خود اوست، و کافران را کفرشان نزد پروردگارشان جز دشمنی و خشم نمی افزاید، و کافران را کفرشان جز خسارت اضافه نمی کند. (۳۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَ كُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرْوَنِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شَرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بِيَتٍ مُّنْهُ بِلْ إِنْ يَعْدُ الطَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰)

بگو: از [قدرت و تدبیر] معبوداتان که به جای خدا می پرستید، مرا خبر دهید، به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده اند یا اینکه شرکتی [با خدا] در آفرینش آسمان ها دارند، یا به آنان کتابی داده ایم که از آن [بر حقیقت اعتقاد و ادعای خود] دلیل و برهانی دارند؟ [چنین نیست] بلکه ستمکاران یکدیگر را جز از روی فریب و عده نمی دهند. (۴۰)

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَرْوَلَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيلًا غَفُورًا (۴۱)

یقیناً خدا آسمان ها و زمین را از اینکه از جای خود منحرف شوند [و فرو ریزند] نگه می دارد. و اگر منحرف شوند هیچ کس بعد از او نمی تواند نگاهشان دارد؛ مسلمًا خدا همواره بربار و بسیار آمرزند است. (۴۱)

وَأَقْسُمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيْكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِخْدَى الْأُمُمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲)

و [مشرکان] با سخت ترین سوگندها یشان به خدا سوگند خوردنده که اگر بیم دهنده ای به سوی آنان آید هدایت یافته ترین

ها خواهند بود، پس چون [پیامبری] بیم دهنده برای آنان آمد، آنان را [دعوت او] جز نفرت و دوری از هدایت نیغزود. (۴۲)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)
أَسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرُ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهُلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُيَّنَتِ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسِنَتِ اللَّهِ تَبَدِّي لَا وَلَنْ تَجِدَ لِسِنَتِ اللَّهِ تَحْوِي لَا (۴۳)

این نفرت به سبب گردن کشی و تکبر آنان در زمین و نیرنگ زشتستان بود؛ و نیرنگ زشت جز اهله نمی کند. پس آیا جز سنت [جاری شده در] پیشینیان را [که هلاکتشان به سبب تکبرشان بود] انتظار دارند؟ پس هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی، و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت. (۴۳)

أَوَلَمْ يَسْتَيْرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عِاقِبُهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعِجزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴)

آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرنده سرانجام کسانی که پیش از اینان زندگی می کردند و از اینان نیرومندتر بودند چگونه بود؟ و هیچ چیز در آسمان ها و زمین نیست که بتواند خدا را عاجز کند [تا از دسترس قدرت او بیرون رود]؛ زیرا او همواره دانا و تواناست. (۴۴)

ص: ۴۳۹

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهِيرَهَا مِنْ ذَابَّهِ وَلَكِنْ يُؤْخِرُهُمْ إِلَى أَجْلٍ مُسَمَّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)

اگر خدا مردم را به کیفر گناهانشان مجازات می کرد، هیچ جنبنده ای را بر پشت زمین وانمی گذاشت؛ ولی آنان را تا سرآمدی معین مهلت می دهد، پس هنگامی که اجلسان فرا رسید [آنان را در قیامت مجازات خواهد کرد]؛ بی تردید خدا [به احوال] بندگانش بیناست. (۴۵)

سوره یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يس (۱)

يس (۱)

وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ (۲)

سوگند به قرآن کریم، (۲)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)

که بی تردید تو از فرستادگانی، (۳)

علیٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴)

بر راهی راست [قرار داری]. (۴)

تَنْرِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵)

[قرآن] نازل شده توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۵)

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أُنذِرَ آباؤهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)

تا مردمی را بیم دهی که پدرانشان را بیم نداده اند و به این علت [[از حقایق]] بی خبرند. (۶)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)

یقیناً فرمان عذاب بر بیشترشان محقق و ثابت شده است، به این سبب ایمان نمی آورند. (۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْفَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (۸)

مسلمان ماغل هایی بر گردنشان نهاده ایم که تا چانه هایشان قرار دارد به طوری که سرهایشان بالا مانده است، (۸)

وَجَعَلْنَا مِنْ يَئِنِّي أَيْدِيهِمْ سَدًا وَمِنْ حَلْفِهِمْ سَدًا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبَصِّرُونَ (۹)

واز پیش رویشان حایلی و از پشت سرشان [نیز] حایلی قرار داده ایم، و به صورت فراگیر دیدگانشان را فرو پوشانده ایم، به این خاطر حقایق را نمی بینند، (۹)

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَنَذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰)

و برای آنان یکسان است چه بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نمی آورند، (۱۰)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَسِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (۱۱)

بیم دادنت فقط برای کسی ثمربخش است که از قرآن پیروی کند و در نهان از خدای رحمان بترسد، پس او را به آمرزش و پاداشی نیکو و بالرزش مژده ده. (۱۱)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲)

بی تردید ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را پیش فرستاده اند و [خوبی ها و بدی های] بر جا مانده از ایشان را ثبت می

کنیم و همه چیز را در کتابی روشن [که اصل همه کتاب هاست و آن لوح محفوظ است] برشمرده ایم. (۱۲)

ص: ۴۴۰

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

و برای آنان [که با تو برخورد خصمانه دارند] اهل آن شهر را مثل بزن، هنگامی که پیامبران به آنجا آمدند، (۱۴)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزَنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ (۱۴)

زمانی که دو پیامبر را به سوی آنان فرستادیم، پس آن دو را انکار کردند و با پیامبر سومی آنان را تقویت کردیم، پس [همگی] گفتند: ما را به سوی شما فرستاده اند. (۱۴)

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّنْنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵)

[اهل شهر] گفتند: شما جز بشرهایی مانند ما نیستید و [خدای] رحمان هیچ چیزی نازل نکرده است، شما فقط دروغ می گویید. (۱۵)

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (۱۶)

گفتند: پروردگارمان می داند که یقیناً ما به سوی شما فرستاده شده ایم، (۱۶)

وَمَا عَلِمْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷)

و بر عهده ما جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست. (۱۷)

قَالُوا إِنَّا تَطَهَّرُنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَتَهَّرُوا لَنَزُجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مَنَا عَذَابُ أَلِيمٍ (۱۸)

گفتند: همانا ما شما را به شومی و فال بد گرفته ایم، اگر [از دعوت خود] باز نایستید، قطعاً شما را سنگسار می کنیم، و از سوی ما شکنجه دردنگاهی به شما خواهد رسید. (۱۸)

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكْرُكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۱۹)

گفتند: شومی شما از خود شمامست [و این شومی نتیجه کفر و طغیان و گناه است، شگفتای! آیا اگر به شما تذکر دهنده [آن تذکر سعادت بخش را به شومی و فال بد می گیرید؟ نه، شومی از ما نیست] بلکه شما مردمی تجاوز کارید. (۱۹)

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰)

و از دورترین نقطه شهر مردی شتابان آمد، گفت: ای قوم من! از این فرستادگان [خدا] پیروی کنید، (۲۰)

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَشَاءُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ (۲۱)

از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی خواهند و آنان راه یافته اند، (۲۱)

وَمَا لَيْ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲)

و مرا چیست که [از روی یقین] کسی را نپرستم که مرا آفریده و به سوی او بازگردانده می شوید؟ (۲۲)

أَتَتَخَذُ مِنْ دُونِهِ آلَّهُ إِنْ بُرْدُنِ الرَّحْمَنِ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِ شَفَاعَتِهِمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونَ (۲۳)

آیا به جای او معبدانی را برگزینم که اگر [خدای] رحمان برای من آسیب و گزندی بخواهد نه شفاعتشان چیزی را از من دفع می کند و نه می توانند نجاتم دهند؟! (۲۳)

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٌ (۲۴)

اگر چنین کنم، بی تردید در گمراهی آشکار خواهم بود. (۲۴)

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَأَسْمَعُونِ (۲۵)

[ای رسولان!] بی تردید به پروردگار شما ایمان آورده ام؛ بنابراین از من بشنوید. (۲۵)

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶)

[سرانجام به دست آن مشرکان شهید شد، و به او] گفته شد: به بهشت درآی. گفت: ای کاش قوم من معرفت و آگاهی داشتند، (۲۶)

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرِمِينَ (۲۷)

به اینکه پروردگارم مرا آمرزید و از کرامت یافتگان قرارم داد. (۲۷)

ص: ۴۴۱

جزء ۲۳

ادامه سوره یس

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (۲۸)

و بعد از شهادت او هیچ سپاهی از آسمان بر [هلاکت] قومش نازل نکردیم، و بر آن نبوده ایم که نازل کنیم. (۲۸)

إِنَّ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ حَامِدُونَ (۲۹)

[کیفرشان] جز یک فریاد مرگبار نبود که ناگهان [پس از آن فریاد] همه بی حرکت و خاموش شدند! (۲۹)

يَا حَسْنَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِنُونَ (۳۰)

ای دریغ و افسوس بر این بند گان که هیچ پیامبری برای هدایتشان نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند! (۳۰)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (۳۱)

آیا [مشرکان مکه] ندانسته اند چه بسیار از اقوام پیش از آنان را [به سبب کفر و طغیانشان] هلاک کردیم که آنان هرگز نزد اینان برنمی گردند، [و در دنیا زندگی دوباره نمی یابند،] (۳۱)

وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدِينَا مُحْضَرُونَ (۳۲)

و همه آنان [بدون استثنا گردآوری خواهند شد و] در قیامت نزد ما احضار می شوند. (۳۲)

وَآيُهُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتُهُ أَخْيَنَاهَا وَأَحْرَجَنَا مِنْهَا حَبَّا فِيمْهُ يَأْكُلُونَ (۳۳)

و این زمین مرده برای آنان نشانه ای [آشکار بر اینکه ما مردگان را در قیامت زنده می کنیم] می باشد که آن را زنده کردیم و از آن دانه بیرون می آوریم که از آن می خورند، (۳۳)

وَجَعْلَنَا فِيهَا جَنَاتٍ مِّنْ تَحْيِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَرْنَا فِيهَا مِنَ الْعَيْنِينِ (۳۴)

و در آن بوستان هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم، و در آن از چشمeh های گوناگون روان ساختیم، (۳۴)

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلْتُهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۵)

تا از میوه آن و آنچه دست هایشان به عمل می آورد [مانند شیره، کشمش، شربت و...] بخورند، آیا سپاس گزاری نمی کنند؟ (۳۵)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْوَاحَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

منزه [از هر عیب و نقصی] است آنکه همه زوج ها را آفرید از آنچه زمین می رویاند و از وجود خودشان و از آنچه نمی دانند، (۳۶)

وَآيَهُ لَهُمُ اللَّيلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (٣٧)

و نشانه ای [از نشانه های قدرت و حکمت ما] برای آنها شب است که [پوشش] روز را از آن بر می کنیم، پس ناگاه آنان به تاریکی در آیند، (۳۷)

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقِرٍ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (٣٨)

و خورشید [نیز برای آنان نشانه ای از قدرت ماست] که همواره به سوی قرار گاهش حرکت می کند. این اندازه گیری توانای شکست ناپذیر و داناست، (۳۸)

وَالْقَمَرُ قَدَرَنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعَرْجُونِ الْقَدِيمِ (٣٩)

و برای ماه منزل هایی قرار دادیم تا اینکه به صورت شاخه کهنه هلالی شکل و زرد رنگ خرمابر گردد [و باز به تدریج بدر کامل شود،] (۳۹)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرُ وَلَا اللَّيلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (٤٠)

نه برای خورشید این توان هست که به ماه برسد، و نه شب از روز پیشی می گیرد، و هر کدام در مداری شناورند. (۴۰)

ص: ٤٤٢

وَآيَهُ لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَسْحُونِ (٤١)

و برای آنان نشانه ای دیگر [از قدرت و رحمت ما] این [است] که فرزندانشان را در کشتی هایی پر [از اجناس و وسائل] حمل کردیم، (۴۱)

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مُثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (٤٢)

و برای آنان چیزهایی مانند کشتی [چون اسب، قاطر و دیگر وسائل نقلیه] آفریدیم که بر آن سور می شوند، (۴۲)

وَإِنَّ نَسَاءً نُغَرِّقُهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنَقَّذُونَ (٤٣)

و اگر بخواهیم آنان را غرق می کنیم در این صورت هیچ فریادرسی برای آنان نخواهد بود، و نجات هم نیابند، (۴۳)

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَنَاعًا إِلَى حِينٍ (٤٤)

مگر [اینکه] رحمتی از سوی ما [نجاتشان دهد] و تا مدتی [از زندگی دنیا] بهره مندشان کنیم، (۴۴)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَقُوا مَا يَبْيَنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرَحَّمُونَ (٤٥)

و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه [عذاب های دنیا و آخرت] پیش رو و پشت سر شماست بپرهیزید تا مورد رحمت قرار گیرید [به این هشدار قطعی و یقینی توجه نمی کنند،] (۴۵)

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (٤٦)

و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر اینکه از آن روی می گردانند. (۴۶)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعْمُ مَنْ لَوْ يَسَأِ اللَّهُ أَطْعَمْهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٤٧)

و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه خدا روزی شما کرده، انفاق کنید، کافران به مؤمنان گویند: آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست آنان را اطعام می کرد؟ [پس گرسنگی را خدا بر آنان خواسته است] ولی شما [ای کفرپیشگان!] جز در گمراهی آشکاری نیستند. (۴۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٤٨)

و می گویند: اگر راستگویید، این وعده [قیامت و عذاب] کی خواهد بود؟ (۴۸)

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصُّمُونَ (٤٩)

اینان جز یک فریاد مرگبار [آسمانی] را انتظار نمی کشند که آنان را در حالی که سرگرم مجادله و ستیز [در امور دنیاگی] اند فراگیرد. (۴۹)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيهً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (٥٠)

[فریادی که وقتی بر سر آنان زده شود] نه می توانند وصیتی کنند و نه [اگر بیرون خانه باشند] می توانند به خانواده خود برگردند، (۵۰)

وَنُفَخَ فِي الصُّورِ إِذَا هُمْ مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (٥١)

و در صور دمیده شود، ناگاه همه آنان از قبرها به سوی پروردگارشان می شتابند. (۵۱)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَوْقِدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (٥٢)

می گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خواب گاهمان برانگیخت؟ این واقعیتی است که [خدای] رحمان وعده داده بود و پیامبران راست گفته بودند!! (۵۲)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدِيْنَا مُحْضَرُوْنَ (٥٣)

[آن صحنه عظيم] جز يك فرياد نيست، پس به ناگاه همه آنان [گرداوري شده و] نزد ما احضار می شوند. (٥٣)

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجَزِّرُنَّ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ (٥٤)

در اين روز به هيچ کس ذره اي ستم نمي شود، و جز آنچه را انجام می داديد پاداش داده نمي شويد. (٥٤)

ص: ٤٤٣

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَأَكْهُوْنَ (٥٥)

همانا بهشتيان در چين روزى در سرگرمى وصف ناپذيرى شيرين کام و خوش اند. (٥٥)

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكَبُّثُوْنَ (٥٦)

آنان و همسرانشان در زير سايه هايي [آرام بخش] بر تخت هايي [آراسته چون حجله عروس] تکيه می زند. (٥٦)

لَهُمْ فِيهَا فَأَكِهُهُ وَلَهُمْ مَا يَدْعُوْنَ (٥٧)

براي آنان در آنجا ميوه ها [ى عالي و مطبوع] و آنچه دلshan بخواهد فراهم است. (٥٧)

سَلَامٌ قَوْلًا مِّنْ رَّبِّ رَّحِيمٍ (٥٨)

با سلام [ى پارازش و سلامت بخش] که گفتاري از پروردگاري مهربان است. (٥٨)

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيْهَا الْمُجْرِمُوْنَ (٥٩)

و [ندا آيد]: اى گناهكاران! امروز [از صف نيكان] جدا شويد. (٥٩)

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا يَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُو الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (٦٠)

اي فرزندان آدم! آيا به شما سفارش نکردم که شيطان را مپرسيد که او بي تردید دشمن آشکاري برای شمامست؟ (٦٠)

وَأَنِ اعْبُدُوْنِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (٦١)

و اينکه مرا بپرسيد که اين راهی است مستقيم، (٦١)

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِلَّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوْا تَعْقِلُوْنَ (٦٢)

و همانا شیطان گروه بسیاری از شما را گمراه کرد، آیا تعقل نمی کردید [که پیروانش به چه سرنوشت شومی دچار شدند؟]

(۶۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۶۳)

این است دوزخی که به شما وعده می دادند. (۶۳)

اَصْلُوهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۶۴)

امروز به کیفر کفری که همواره می ورزیدید، در آن درآید. (۶۴)

الْيَوْمَ نَخْمِ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهُدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۶۵)

امروز بر دهان هایشان مهر خاموشی نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهاشان به اعمالی که همواره مرتكب می شدند، گواهی می دهند! (۶۵)

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمِسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبِقُوا الصَّرَاطَ فَأَنَّى يُنْصِرُونَ (۶۶)

و اگر بخواهیم [در همین دنیا] دید گانشان را محو می کنیم، پس به [سوی همان] راه [گمراهی] بر یکدیگر پیشی می گیرند؛
نهایتاً چگونه و کجا می توانند [صراط مستقیم را] بینند؟ (۶۶)

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (۶۷)

و [نیز] اگر بخواهیم آنان را در جای خودشان مسخ می کنیم، [و به صورت جمادی خشک درمی آوریم] که نه بتوانند بروند
و نه باز گرددند، (۶۷)

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (۶۸)

و به هر کس عمر طولانی دهیم، او را در عرصه آفرینش [به سوی حالت ضعف، سستی، نقصان و فراموشی] واژگونش می کنیم؛ پس آیا تعقل نمی کنند؟ (۶۸)

وَمَا عَلِمْنَاهُ الشَّغَرَ وَمَا يَتَبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (۶۹)

و به پیامبر، شعر نیاموختیم و [شعر گویی] شایسته او نیست. کتاب [او] جز مایه یادآوری و قرآنی روشنگر [حقایق] نیست، (۶۹)

لَيْنِدَرَ مَنْ كَانَ حَيَّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰)

تا کسانی را که [به عقل و هوش و استعداد] زنده اند هشدار دهد، و فرمان عذاب بر کافران محقق و ثابت شود. (۷۰)

أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلْتُ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (۷۱)

آیا ندیده اند که ما از آنچه به قدرت خود انجام داده ایم برای آنان چهارپایانی آفریده ایم که آنان مالکشان هستند. (۷۱)

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۷۲)

و چهارپایان را برای آنان رام کردیم که برخی از آنها مرکب سواری آنان هستند و از [گوشت] برخی از آنها می خورند، (۷۲)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ وَمَسَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

و برای آنان در آن چهارپایان سودهایی [چون پشم، کُرك و پوست] و نوشیدنی هایی [چون شیر و فرآورده های آن] هست؛ آیا سپاس گزاری نمی کنند؟ (۷۳)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنَصَّرُونَ (۷۴)

و به جای خدا معبدانی انتخاب کرده اند به امید اینکه [به وسیله آنها] یاری شوند، (۷۴)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنُدٌ مُّحْضَرُونَ (۷۵)

در حالی که [معبدان] قدرت یاری دادن به آنان را ندارند و آنان [که سبک مغزان روی بر تافته از حق اند] برای آن معبدان [از سوی شیطان] سپاهی احضار شده اند [تا عمر و مالشان را فدای این معبدان باطل کنند]. (۷۵)

فَلَا يَعْزُزُنَّكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمْ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِمُونَ (۷۶)

پس گفتارشان تو را اندوهگین نکند، بی تردید ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند، می دانیم. (۷۶)

أَوْلَمْ يَرَ إِلِّيْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ حَصِيمٌ مُّبِينٌ (۷۷)

آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه ای [پست و ناچیز] آفریده ایم و اینک ستیزه گری آشکار است؟ (۷۷)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

در حالی که آفرینش نخستین خود را از یاد برده برای ما مثلی زد [و] گفت: چه کسی این استخوان ها را در حالی که پوسیده اند، زنده می کند؟ (۷۸)

قُلْ يُحِيِّهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيهِمْ (٧٩)

بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد. زنده اش می کند، و او به هر چیزی داناست (٧٩)

الَّذِي بَجَعَ لَكُمْ مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا إِذَا أَتْمُمْ مُّهْنَهُ تُوقِدُونَ (٨٠)

همان کسی که برای شما از درخت سبز، «آتش زنه» آفرید، که اکنون شما از آن آتش می افروزید. (٨٠)

أَوَيَسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَاقُ الْعَلِيمُ (٨١)

آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد که [پس از مرگشان] همانند آنان را بیافریند؟ چرا قدرت دارد؟
زیرا اوست که آفریننده بسیار داناست. (٨١)

إِنَّمَا أَمْرَهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (٨٢)

شأن او اين است که چون پدید آمدن چيزی را اراده کند، فقط به آن می گويد: باش، پس بی درنگ موجود می شود. (٨٢)

فَسَبِّحْ حَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلْكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَمُونَ (٨٣)

بنابراین [از هر عیب و نقصی] منزه است خدایی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به دست اوست، و به سوی او بازگردانده می شوید. (٨٣)

ص: ٤٤٥

سوره الصافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَاتِ صَفَا (١)

سوگند به صفاتی [مانند فرشتگان، نمازگزاران و جهادگران] که صفاتی [منظم و استوار] بسته اند، (۱)

فَالَّذِي جَرَأَتِ زَجْرًا (٢)

و به بازدارندگان که [انسان را از گناهان] به شدت باز می دارند، (۲)

فَالَّذِي تَابَاتِ ذِكْرًا (٣)

و به تلاوت کنندگان وحی، (٣)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (٤)

که بی تردید معبود شما یگانه است، (۴)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (۵)

پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرق ها، (۵)

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶)

همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم، (۶)

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (۷)

و آن را از هر شیطان سرکشی حفظ کردیم، (۷)

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ وَيُقْذِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (۸)

آنان نمی توانند به سختان فرشتگان بسیار مکرم و شریف گوش فرا دهنند، و [هرگاه به گوش دادن برخیزند] از هر سو [شهاب]
به سویشان پرتاپ می شود، (۸)

دُّخُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹)

تا با خفت و خواری رانده شوند، ویرای آنان عذابی همیشگی است، (۹)

إِلَّا مَنْ خَطَّفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

مگر آنکه شیطانی خبری را [دزدانه و] با سرعت بربايد [و فرار کند] که در این صورت گلوه ای آتشین و شکافنده او را دنبال
می کند. (۱۰)

فَاسْتَقْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ (۱۱)

پس از منکران معاد بپرس: آیا آفرینش آنان سخت تر و دشوارتر است یا آنچه [مانند فرشتگان، آسمان ها، زمین، کوه ها و...]
آفریده ایم؟ [به یقین آفرینش آنان کاری ناچیز است چون] ما آنان را از گلی چسبنده آفریده ایم، (۱۱)

بَلْ عَجِبَتْ وَيَسْخَرُونَ (۱۲)

بلکه [تو از انکارشان] تعجب می کنی و آنان مسخره می کنند، (۱۲)

وَإِذَا ذُكِرُوا لَا يَذْكُرُونَ (۱۳)

و هنگامی که به آنان تذکر، می دهند متذکر نمی شوند؛ (۱۳)

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (۱۴)

و چون معجزه ای را می بینند به شدت مسخره می کنند [و دیگران را هم به مسخره وامی دارند،] (۱۴)

وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۵)

و می گویند: این جز جادویی آشکار نیست. (۱۵)

إِذَا مِنْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْغُوثُونَ (۱۶)

[می گویند:] آیا زمانی که ما مردم و خاک و استخوان شدیم، حتماً برانگیخته می شویم؟ (۱۶)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۱۷)

و آیا پدران پیشین ما [هم برانگیخته می شوند؟] (۱۷)

فُلْ نَعْمٌ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ (۱۸)

بگو: آری، [برانگیخته می شوید] در حالی که خوار و ناچیز هستید. (۱۸)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَهُ وَاحِدَهُ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ (۱۹)

جز این نیست که آن یک فریاد عظیم است که [وقتی واقع شود] ناگاه [همه زنده می شوند و حیرت زده منظره قیامت را] می نگرند، (۱۹)

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ (۲۰)

و می گویند: ای وای بر ما! این روز جزاست! (۲۰)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۱)

[آری] این همان روز جدایی [میان حق و باطل] است که همواره آن را انکار می کردید. (۲۱)

اَخْسِرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجُهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (۲۲)

[آن گاه ندا رسد:] ستمکاران و هم ردیفان آنان و معبدهایی را که همواره به جای خدا می پرستیدند، گرد آورید. (۲۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (۲۳)

پس همه را به سوی راه دوزخ راهنمایی کنید. (۲۳)

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (۲۴)

آنان را نگه دارید که حتماً مورد بازپرسی قرار می‌گیرند. (۲۴)

ص: ۴۴۶

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ (۲۵)

[به آنان گویند:] شما را چه شده که یکدیگر را [برای رهایی از عذاب] یاری نمی‌دهید؟ (۲۵)

بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (۲۶)

[نه اینکه نمی‌توانند یکدیگر را یاری دهند] بلکه آنان امروز فروتنانه تسلیم [قدرت حق] هستند، (۲۶)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۷)

به یکدیگر رو کرده از هم می‌پرسند: [این چه وضعی است؟] (۲۷)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَا عَنِ الْيِمِينِ (۲۸)

[پس پیروان گمراه به پیشوایان گمراه کننده] می‌گویند: همانا شما از راه خیرخواهی به سوی ما می‌آمدید، [ولی کارتان جز فریب و نیرنگ نبود!] (۲۸)

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲۹)

می‌گویند: [ما را تقصیری نیست] بلکه خود شما اهل ایمان نبودید، (۲۹)

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِيَنَ (۳۰)

و ما را بر شما هیچ تسلطی نبود، بلکه شما مردمی طغیان گر و سرکش بودید. (۳۰)

فَحَقٌ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَدَائِقُونَ (۳۱)

اکنون فرمان عذاب پروردگارمان بر ما محقق و ثابت شد که همه ما چشندگان عذاب خواهیم بود. (۳۱)

فَأَغْوِيْنَاكُمْ إِنَّا كَنَّا غَاوِيْنَ (٣٢)

[سبک مغزی و تعصّب شما زمینه گمراهی شما شد] پس ما شما را گمراه کردیم؛ زیرا خودمان گمراه بودیم، (٣٢)

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (٣٣)

پس بی تردید همه آنان در آن روز در عذاب شریک اند، (٣٣)

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (٣٤)

ما با مجرمان این گونه رفتار می کنیم؛ (٣٤)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (٣٥)

زیرا آنان چنین بودند که هر زمان به آنان می گفتند: معبدی جز خدا نیست، تکبر می کردند، (٣٥)

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتَنَا لِشَاعِرِ مَجْنُونٍ (٣٦)

و [همواره] می گفتند: آیا باید به خاطر شاعری دیوانه معبدان خود را رها کنیم؟! (٣٦)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (٣٧)

[چنین نیست که می پنداشید] بلکه او حق را آورده و پیامبران را تصدیق کرده است. (٣٧)

إِنَّكُمْ لَدَائِقُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (٣٨)

بی تردید شما [کوردلان] عذاب دردناک را خواهید چشید، (٣٨)

وَمَا تُبَجِّرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٣٩)

و جز آنچه که همواره انجام می دادید، پاداش داده نمی شوید، (٣٩)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (٤٠)

جز بندگان خالص شده خدا [که از هر کیفری در امانند،] (٤٠)

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ (٤١)

برای آنان رزق و روزی معین و ویژه ای است، (٤١)

فَوَاكِهُ وَهُمْ مُّكْرُمُونَ (٤٢)

میوه هایی [گوناگون] در حالی که مورد اکرام خواهند بود، (۴۲)

فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ (٤٣)

در بهشت های پر نعمت، (۴۳)

عَلَى سُرُرِ مُتَقَابِلَيْنَ (٤٤)

در حالی که بر تخت هایی روبه روی یکدیگر [تکیه زده اند،] (۴۴)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ (٤٥)

جامی از نوشیدنی زلال و پاک گردانشان می گردانند، (۴۵)

بِيَضَاءَ لَذَّهِ لِلشَّارِبِينَ (٤٦)

[نوشیدنی] سپید [و درخشندۀ] و لذت بخش برای نوشندگان، (۴۶)

لَا فِيهَا غُولٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُتَرَفُونَ (٤٧)

نه در آن مایه فساد [جسم و عقل] است، و نه از آن مست و بیهوش می شوند، (۴۷)

وَعِنَدْهُمْ قَاصِرَاتُ الظَّرْفِ عَيْنٌ (٤٨)

و در کنارشان زنانی هستند که فقط به شوهرانشان عشق می ورزند. (۴۸)

كَانَهُنَّ يَيْضُ مَكْنُونٌ (٤٩)

گویا آنان [از سپیدی] تخم شترمرغی هستند که [زیر پر و بال] پوشیده شده اند [و هر گز دست کسی به آنان نرسیده است]. (۴۹)

فَأَقْبَلَ بَعْصُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (٥٠)

پس برخی از آنان به برخی دیگر رو کرده از [حال] یکدیگر می پرسند. (۵۰)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (٥١)

گوینده‌ای از آنان می‌گوید: همانا من [در دنیا] هم نشینی داشتم. (۵۱)

ص: ۴۴۷

يَقُولُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُضَدِّقِينَ (۵۲)

[که همواره از روی تعجب به من] می‌گفت: آیا تو از باور دارندگان [رستاخیز و زنده شدن مردگان] هستی؟ (۵۲)

إِذَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَدِيُونَ (۵۳)

آیا زمانی که ما مردیم و خاک استخوان شدیم، حتماً [زنده می‌شویم و] پاداشمان می‌دهند؟ (۵۳)

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَلِّعُونَ (۵۴)

[سپس به دوستان بھشتی خود] می‌گوید: آیا شما با من به دوزخ سر می‌کشید [تا از هم نشینم خبری بگیرید که در کجا و در چه حالی است؟] (۵۴)

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۵۵)

پس خود او به دوزخ سر می‌کشد و هم نشینش را وسط دوزخ می‌بیند. (۵۵)

قَالَ تَالِلَهِ إِنِّي كِدَّتْ لَتَوْدِينِ (۵۶)

[به او] می‌گوید: به خدا سوگند نزدیک بود، مرا به هلاکت بیندازی. (۵۶)

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۵۷)

و اگر توفیق و رحمت پروردگارم نبود، حتماً از احضارشدگان [در دوزخ] بودم. (۵۷)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ (۵۸)

[آن گاه به دوستان بھشتی خود می‌گوید:] آیا ما [برای همیشه در بھشتیم و] هرگز نمی‌میریم؟ (۵۸)

إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۵۹)

[و] جز همان مرگ نخستین [که در دنیا سراغمان آمد مرگی دیگر به سراغمان نخواهد آمد] و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟ [شگفتا!] چه لطف خاصی از سوی خدا به ما شده است! (۵۹)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۰)

بی تردید این همان کامیابی بزرگ است. (۶۰)

لِمِثْلِ هَذَا فَلِيَعْمَلِ الْعَالَمُونَ (۶۱)

پس باید برای چنین پاداشی عمل کنندگان عمل کنند. (۶۱)

أَذْلَكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الرَّزْقُومِ (۶۲)

آیا این [بهشت جاودان پر نعمت] برای پذیرایی بهتر است یا درخت زقوم؟ (۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ (۶۳)

ما آن را برای ستمکاران مایه شکنجه و عذاب قرار داده ایم. (۶۳)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (۶۴)

آن درختی است که در قعر دوزخ می روید، (۶۴)

طَلْعُهَا كَانَهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (۶۵)

شکوفه هایش مانند سرهای شیاطین [بسیار بدنما و زشت] است. (۶۵)

فَإِنَّهُمْ لَا كُلُونَ مِنْهَا فَمَا لِئُوْنَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۶۶)

پس این منکران لجوج حتماً از آن می خورند و شکم ها را از آن پر می کنند. (۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشُوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ (۶۷)

آن گاه به ناچار روی آن [به عنوان نوشیدنی] مخلوطی از آب بسیار داغ و متغیر برای آنان خواهد بود! (۶۷)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لِإِلَيِ الْجَحِيمِ (۶۸)

سپس بازگشتنشان حتماً به سوی دوزخ است. (۶۸)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (۶۹)

[سزاوار بودنشان در قیامت به این همه عذاب به سبب این است که] آنان پدرانشان را گمراه یافتد، (۶۹)

فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهَرَّعُونَ (۷۰)

و [با اینکه می دانستند گمراهند بدون اندیشه و تأمل] عجولانه از پی آنان می رفتند! (۷۰)

وَلَقَدْ صَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ (۷۱)

و به راستی پیش از اینان بیشتر پیشینیان گمراه شدند، (۷۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنذِرِينَ (۷۲)

و بی تردید ما در میان آنان بیم دهنده‌گانی فرستادیم. (۷۲)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُنذِرِينَ (۷۳)

پس با تأمل بنگر سرانجام بیم داده شدگان چگونه بود؟ (۷۳)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۷۴)

[همه هلاک شدند] جز بندگان خالص شده خدا، (۷۴)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيْبُونَ (۷۵)

و نوح ما را ندا کرد [و ما نداش را اجابت کردیم] پس ما به راستی نیکو اجابت کننده ای هستیم، (۷۵)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ نجادت دادیم. (۷۶)

ص: ۴۴۸

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ مُمْ الْبَاقِينَ (۷۷)

و تنها ذریه او را [در زمین] باقی گذاشتیم، (۷۷)

وَتَرْكَنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۷۸)

و در میان آیندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم؛ (۷۸)

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹)

سلام بر نوح در میان جهانیان. (۷۹)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (٨٠)

بِهِ رَاسْتِي مَا نِيكُوكاران رَايْنَ گوْنَهِ پاداشِ مَى دَهِيم. (٨٠)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (٨١)

بِي تَرْدِيدِ او از بَندَگَانِ مؤمنِ ما بَود. (٨١)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (٨٢)

سَبِّسْ دِيگَران را غرق کردیم؛ (٨٢)

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَا يُبْرَاهِيمَ (٨٣)

و به راستی ابراهیم از پیروان نوح بود، (٨٣)

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (٨٤)

هنگامی که با دلی پاک به سوی پروردگارش آمد. (٨٤)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (٨٥)

[یاد کن] هنگامی را که به پدر و قومش گفت: چیست آنچه می پرستید؟ (٨٥)

أَئِفْكًا آلِهَهُ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (٨٦)

آیا به جای خدا معبدان دروغین را می خواهید. (٨٦)

فَمَا ظُنِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٨٧)

پس گمانتان به پروردگار جهانیان چیست؟ [که غیر او را می پرستید،] (٨٧)

فَنَظَرَ نَظَرَةً فِي النُّجُومِ (٨٨)

[چون از او دعوت کردند که شبانه به مراسم عیدشان برود] نگاهی به ستارگان انداخت، (٨٨)

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (٨٩)

و گفت: به راستی من بیمارم. (٨٩)

فَتَوَلُوا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (٩٠)

پس پشت کنان از او روی گردانند. (٩٠)

فَرَاغ إِلَى آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (٩١)

او هم مخفیانه به سوی بت هایشان رفت و [از روی ریشخند] گفت: آیا غذا نمی خورید؟ (٩١)

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ (٩٢)

شما را چه شده که سخن نمی گویید؟ (٩٢)

فَرَاغ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (٩٣)

پس [به آنها روی آورد و] با دست راست ضربه ای کاری بر آنها کوبید [و خردشان کرد]. (٩٣)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَنْرُوفُونَ (٩٤)

مردم با شتاب به سوی او آمدند. (٩٤)

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ (٩٥)

[به آنان] گفت: آیا آنچه را [با دست خود] می تراشید، می پرستید؟! (٩٥)

وَاللَّهِ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (٩٦)

در حالی که خدا شما را و آنچه را می سازید، آفریده است. (٩٦)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيَانًا فَلَقُوهُ فِي الْجَحِيمِ (٩٧)

گفتند: برای او بنایی بسازید [که گنجایش آتش فراوانی داشته باشد] پس او را در آتش شعلهور بیندازید. (٩٧)

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلَيْنَ (٩٨)

پس خواستند به او نیرنگی زنند، ولی ما آنان را پست و شکست خورده کردیم. (٩٨)

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّهِدِينِ (٩٩)

و [وقتی از این مهلکه جان سالم به در برد] گفت: به راستی من به سوی پروردگارم می روم، و [او] به زودی مرا راهنمایی

خواهد کرد. (۹۹)

رَبُّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰۰)

پروردگارا! مرا فرزندی که از صالحان باشد عطا کن. (۱۰۰)

فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (۱۰۱)

پس ما او را به پسری بردبار مژده دادیم. (۱۰۱)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَعَالَ يَا بُنْيَ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعُلْ مَا تُؤْمِرُ سَيَتَجَدَّنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲)

هنگامی که با او به [مقام] سعی رسید، گفت: پسر کم! همانا من در خواب می بینم که تو را ذبح می کنم، پس با تأمل بنگر رأی تو چیست؟ گفت: پدرم آنچه به آن مأمور شده ای انجام ده اگر خدا بخواهد مرا از شکیبات خواهی یافت. (۱۰۲)

ص: ۴۴۹

فَلَمَّا أَسْلَمَاهُ وَتَلَهُ لِلْجَبِينِ (۱۰۳)

پس هنگامی که آن دو تسلیم [خواسته خدا] شدند و ابراهیم، جیین او را به زمین نهاد [تا ذبحش کند] (۱۰۳)

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ (۱۰۴)

و او را ندا دادیم که ای ابراهیم! (۱۰۴)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵)

خوابت را تحقق دادی [و فرمان پروردگارت را اجرا کردی]، به راستی ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم [که نیت پاک و خالصشان را به جای عمل می پذیریم]. (۱۰۵)

إِنَّ هَذَا لَهُو الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۱۰۶)

به یقین این همان آزمایش روشن بود. (۱۰۶)

وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ (۱۰۷)

و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن] رهانیدیم، (۱۰۷)

وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (١٠٨)

و در میان آیندگان برای او [نام نیک] به جا گذاشتیم. (١٠٨)

سَلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (١٠٩)

سلام بر ابراهیم. (١٠٩)

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (١١٠)

[ما] نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (١١٠)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (١١١)

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود، (١١١)

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (١١٢)

و ما او را به اسحاق که پیامبری از شایستگان بود مژده دادیم، (١١٢)

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرَيْتَهُمَا مُّحْسِنٌ وَظَالِمٌ لُّنْفُسِهِ مُبِينٌ (١١٣)

و بر او و بر اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آن دو برخی نیکوکارند و برخی آشکارا ستمکار بر خویشند، (١١٣)

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (١١٤)

و به راستی ما به موسی و هارون نعمت دادیم، (١١٤)

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (١١٥)

و آن دو نفر و قومشان را از اندوه بزرگ نجات بخشیدیم، (١١٥)

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (١١٦)

و آنان را یاری دادیم در نتیجه پیروز شدند، (١١٦)

وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ (١١٧)

و هر دو را کتاب بسیار روشنگر عطا کردیم، (١١٧)

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (١١٨)

وَبِهِ رَاهٌ رَاستٌ هَدَى يَشَانْ نَمُودِيمْ، (١١٨)

وَتَرْكُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (١١٩)

وَدَرْ مِيَانْ آيِنْدَگَانْ بِرَاهِي هَرْ دُو نَفَرْ نَامْ نِيكْ بِهِ جَا گَذَا شَتِيمْ. (١١٩)

سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (١٢٠)

سَلَامٌ بِرِ مُوسَى وَهَارُونَ. (١٢٠)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (١٢١)

ما نِيكُوكَارَانْ رَا اينْ گُونَهِ پادَاشِ مِي دَهِيمْ. (١٢١)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (١٢٢)

بِي تَرْدِيدِ هَرْ دُو اَزْ بَنْدَگَانْ مَؤْمنَ ما بُودَنَدْ، (١٢٢)

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (١٢٣)

وَبِي تَرْدِيدِ الْيَاسِ اَزْ پِيَامِيرَانْ بُودْ. (١٢٣)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقَعُونَ (١٢٤)

[يادِ کن] هَنْگَامِي رَا کَهِ بِهِ قَوْمِشِ گَفت: آيا [از شرِک و طغِيان] نَمِي پَرْهِيزِيد؟ (١٢٤)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (١٢٥)

آيا بَتْ «بَعْل» رَا مِي پَرْسِتِيد وَبَهْرَيِن آفِريِندَگَانْ رَا رَهَا مِي کَنِيد؟! (١٢٥)

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (١٢٦)

خَدا رَا کَهِ پَرْورِدَگَارِ شَما وَپَرْورِدَگَارِ پَدْرَانِ پِيشِينِ شَماست. (١٢٦)

ص: ٤٥٠

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (١٢٧)

پس او را انکار کردند، یقیناً آنان از احضار شدگان [در عذاب] خواهند بود، (۱۲۷)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُحْلَصِينَ (۱۲۸)

جز بندگان خالص شده خدا [که از هر کیفری در امانند،] (۱۲۸)

وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۲۹)

و در میان آیندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم. (۱۲۹)

سَلَامٌ عَلَى إِلٰيَّ يَاسِينَ (۱۳۰)

سلام بر آل یاسین. (۱۳۰)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۳۱)

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۱۳۱)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود. (۱۳۲)

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۳)

و بی تردید لوط از پیامبران بود. (۱۳۳)

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۳۴)

[یاد کن] هنگامی را که او و همه اهلش را نجات دادیم، (۱۳۴)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۱۳۵)

مگر پیرزنی را که در میان باقی ماندگان [در شهر] بود. (۱۳۵)

ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ (۱۳۶)

سپس دیگران را هلاک کردیم، (۱۳۶)

وَإِنَّكُمْ لَتَمْرُونَ عَلَيْهِمْ مُّضِيَّحِينَ (۱۳۷)

و شما همواره صبحگاهان [در مسیر سفرهایتان از کنار ویرانه‌های شهر] آنان گذر می‌کنید، (۱۳۷)

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقُلُونَ (۱۳۸)

و نیز شبانگاهان، آیا تعقل نمی‌کنید؟ (۱۳۸)

وَإِنَّ يُونَسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹)

و یونس از پیامبران بود. (۱۳۹)

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفَلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۴۰)

[یاد کن] هنگامی را که به سوی آن کشته پر [از جمعیت و بار] گریخت، (۱۴۰)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْخَضِينَ (۱۴۱)

و با سرنشینان کشته قرعه انداخت [و قرعه به نامش افتاد] و از مغلوب شدگان شد [و او را به دریا انداختند]. (۱۴۱)

فَالْتَّقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲)

پس آن ماهی بزرگ او را بلعید، در حالی که سزاوار سرزنش بود. (۱۴۲)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (۱۴۳)

[و در شکم ماهی به تسبیح خدا مشغول شد که] اگر او از تسبیح کنندگان نبود، (۱۴۳)

لَلَّبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبَعْثُونَ (۱۴۴)

بی تردید تا روزی که مردم برانگیخته می‌شوند در شکم ماهی می‌ماند. (۱۴۴)

فَبَيْذَنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (۱۴۵)

پس او را در حالی که بیمار بود به زمینی خشک و بی گیاه افکندیم. (۱۴۵)

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْظِينِ (۱۴۶)

و بر او گیاهی از نوعی کدو رویاندیم، (۱۴۶)

وَأَرْسَلْنَا إِلَيْ مِائَهِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (۱۴۷)

و او را به سوی [قومی] یکصد هزار نفر [ی] یا بیشتر فرستادیم. (۱۴۷)

فَامْنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (۱۴۸)

پس ایمان آوردهند در نتیجه آنان را تا پایان عمرشان [از نعمت‌ها و موهاب خود] بهره مند کردیم. (۱۴۸)

فَاسْتَعْتَبْهُمْ أَلِرَّبُّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ (۱۴۹)

[مشرکان سبک مغز می گویند: فرشتگان، دختران خدایند] پس از آنان پرسش که آیا دختران برای پروردگار تو هستند و پسران برای ایشان؟! (۱۴۹)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَّا ثَوَّبْنَا وَهُمْ شَاهِدُونَ (۱۵۰)

یا اینکه ما فرشتگان را دختر آفریدیم و آنان شاهد بودند؟! (۱۵۰)

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ (۱۵۱)

آگاه باش! که آنان از بافت‌های دروغ خود می گویند (۱۵۱)

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۵۲)

که خدا فرزند آورده! و بی تردید آنان دروغ‌گویند. (۱۵۲)

أَصْطَطَفَ الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (۱۵۳)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟ (۱۵۳)

ص: ۴۵۱

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۱۵۴)

شما را چه شده، چگونه حکم می کنید؟ (۱۵۴)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۵۵)

پس آیا متذکر [حقایق] نمی شوید؟ (۱۵۵)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (۱۵۶)

یا شما [بر این ادعای خود] دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶)

فَأُنْوَّا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۵۷)

پس اگر راستگویید، کتابتان را [که این سخنان را با تکیه بر آن می گویید، به میان] آورید. (۱۵۷)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمْتِ الْجِنَّةَ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸)

میان خدا و جن، نسب و خویشی قرار دادند، در صورتی که جنیان به خوبی می دانند که [روز قیامت برای حساب و پاداش] احضار خواهد شد. (۱۵۸)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۵۹)

خدا از آنچه او را به آن توصیف می کنند، منزه است. (۱۵۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۰)

مگر بندگان خالص شده خدا [که او را به آنچه توصیف می کنند شایسته مقام قدس اوست]. (۱۶۰)

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ (۱۶۱)

و بی تردید شما و آنچه را می پرستید، (۱۶۱)

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنَيْنَ (۱۶۲)

نمی توانید [مردم را] بر ضد خدا گمراه کنید. (۱۶۲)

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ (۱۶۳)

مگر کسانی را که [به اختیار خود به خاطر پذیرفتن وسوسه و اغواگری شما] به دوزخ درآیند، (۱۶۳)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱۶۴)

و هیچ یک از ما فرشتگان نیست مگر اینکه برای او مقامی معین است. (۱۶۴)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ (۱۶۵)

و همانا ما [برای اجرای فرمان خدا] صف بستگانیم. (۱۶۵)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (۱۶۶)

وَمَا خُود تَسْبِيحٌ كَنْدَگَانِيْم. (۱۶۶)

وَإِنَّ كَانُوا لَيَقُولُونَ (۱۶۷)

وَمُشْرِكَان [پیش از بعثت پیامبر] قاطعانه می گفتند: (۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ (۱۶۸)

اگر نزد ما کتابی چون کتاب های آسمانی پیامبران پیشین بود، (۱۶۸)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۹)

بی تردید از بندگان خالص شده خدا می شدیم. (۱۶۹)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسُوفَ يَعْلَمُونَ (۱۷۰)

ولی [هنگامی که قرآن را برای هدایت آنان نازل کردیم] به آن کافر شدند و به زودی [و زر و وبال کفرشان را] خواهند دانست. (۱۷۰)

وَلَقَدْ سَبَقْتُ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱)

و وعده قطعی ما درباره بندگان به رسالت فرستاده شده، از پیش محقق و ثابت گشته است، (۱۷۱)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (۱۷۲)

که بی تردید آنان [در همه زمینه ها] یاری شدگانند، (۱۷۲)

وَإِنَّ جُنَاحَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (۱۷۳)

و مسلمًا سپاه ما پیروزند. (۱۷۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۱۷۴)

پس تا مدتی از آنان روی بگردان. (۱۷۴)

وَأَبْصِرُهُمْ فَسُوفَ يُبَصِّرُونَ (۱۷۵)

و آنان را بنگر که به زودی [و زر و وبال گناهانشان را] خواهند دید. (۱۷۵)

أَفَبِعْدَ أَيْنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۱۷۶)

آیا شتاب در آمدن عذاب ما را می خواهند؟! (۱۷۶)

فَإِذَا تَرَلَ بِسَاحِتِهِمْ فَسَاءَ صَبَّاحُ الْمُنْذَرِينَ (۱۷۷)

پس هنگامی که [عذاب ما] به آستانه خانه هایشان نازل شود، بیم شد گان روزگار بدی خواهند داشت، (۱۷۷)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۱۷۸)

و تا مدتی از آنان روی بگردان، (۱۷۸)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبَصِّرُونَ (۱۷۹)

و [آن را] بنگر که به زودی [و زر و وبال گناهانشان را] خواهند دید. (۱۷۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰)

پروردگارت که دارای عزت است از آنچه او را به آن توصیف می کنند، منزه است. (۱۸۰)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱)

و سلام بر پیامبران (۱۸۱)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)

و همه ستایش ها ویژه خدادست که پروردگار جهانیان است. (۱۸۲)

ص: ۴۵۲

سوره ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَوْلَقْرَآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱)

ص، سوگند به قرآن که مشتمل بر ذکر [حقایق، معارف، مطالب اخلاقی و اجتماعی و احکام حلال و حرام] است. (۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّهٖ وَشِقَاقٍ (۲)

[اینکه قرآن را نمی پذیرند، برای این نیست که زمینه ای برای پذیرش آن وجود ندارد] بلکه کافران [غرق] در تکبیر و سرکشی و عداوت] و دشمنی اند. (۲)

کَمْ أَهْلَكُنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَوْنِ فَنَادُوا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصِ (۳)

چه بسیار اقوامی که پیش از آنان هلاک کردیم که [وقت نزول عذاب] فریاد کمک خواهی سر دادند، در حالی که وقت گریز و یافتن پناه گاه نبود؛ (۴)

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مُّهْمٌ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَابٌ (۴)

و از اینکه بیم دهنده ای از جنس خودشان به سوی آنان آمده است تعجب کردند، و کافران گفته‌اند: این جادوگری بسیار دروغگوست. (۴)

أَجْعَلِ الْأَلِهَةِ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ (۵)

آیا [محمد] معبدان [گوناگون] را معبدی یگانه قرار داده است؟ به راستی [که منحصر کردن معبدان در یک معبد] چیزی بسیار شگفت است. (۵)

وَانْطَلَقَ الْمُلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتْكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (۶)

سران و اشرافشان روان شدند [و فریاد برداشتند] که بروید و بر پرستش و نگهداری معبدانタン ایستادگی کنید زیرا از این دعوت [به سوی خدای یگانه] ریاست و آفایی بر اراده شده است. (۶)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَهِ الْآخِرِهِ إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ (۷)

ما این [پرستش معبد یگانه] را در آخرین آین [که پدرانمان بر آن بودند] نشنیده ایم؛ این جز دروغی ساخته شده نیست. (۷)

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذُّكْرُ مِنْ يَبْيَنَنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ (۸)

آیا از میان ما [که دارای ثروت فراوان و مقام و قدرتیم] قرآن، فقط بر او [که فقیری یتیم بیش نیست] نازل شده است؟! [نه، قرآن دروغی ساخته شده نیست] بلکه اینان درباره قرآن من در شک هستند، بلکه هنوز عذاب را نچشیده اند [تا از بیماری شک درآیند و به حقایقت آن اقرار کنند و زبان از گستاخی و جسارت بینندند]. (۸)

أَمْ عِنْدُهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَهِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَابِ (۹)

مگر خزانه‌های رحمت پروردگار توانای شکست ناپذیر و بخشندۀ ات نزد آنان است [که منصب نبوّت را به هر کس که دلشان خواست ببخشند؟] (۹)

أَمْ لَهُمْ مُلْكَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلَيْرَتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ (١٠)

یا مگر مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، در اختیار آنان است؟ [اگر چنین است] پس [بیایند] از نردهان‌ها [ی رساننده به این مالکیت و فرمانروایی] بالا روند [و امور را به دست گیرند و مانع نزول وحی بر محمد شوند و خود به هر کس که بخواهد وحی کنند]. (۱۰)

جُنْدُ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ (۱۱)

اینان لشکری ناچیز و اندک [از احزاب کفر و شرک] اند که در آنجا [که میدان جنگ بدر است] شکست خوردنی هستند. (۱۱)

كَذَّبْ قَبَلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٌ وَفَرْعَوْنٌ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲)

پیش از اینان نیز قوم نوح و عاد و فرعون که از تمام ابزار حاکمیت برخوردار بودند [پیامبران را] انکار کردند؛ (۱۲)

وَثَمُودٌ وَقَوْمٌ لُوطٌ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَهِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (۱۳)

و نیز قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه همان احزاب کفر و شرک اند، (۱۳)

إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَهَقَّ عِقَابٌ (۱۴)

که هر یک از اینان پیامبران را انکار کردند، پس عقوبت [من بر آنان] محقق و ثابت شد، (۱۴)

وَمَا يَنْظُرُ هُؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَهٖ وَاحِدَهٖ مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ (۱۵)

و اینان [که تو را انکار می کنند] جز یک فریاد مرگبار را که هیچ تأخیری در آن نیست، انتظار نمی کشند، (۱۵)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَّلْ لَنَا قَطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶)

و [اینان از روی مسخره] گفتند: پروردگار! پیش از روز حساب، هر چه زودتر سهم ما را از عذاب به ما بده. (۱۶)

ص: ۴۵۳

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاؤُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱۷)

بر آنچه می گویند شکیبا باش، و بنده ما داود را که دارای نیرومندی [در دانش و حکومت] بود یاد کن. او بسیار رجوع کننده [به سوی خدا] بود. (۱۷)

إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَّ بِالْعَشِّيِّ وَالْإِشْرَاقِ (١٨)

همانا ما کوه ها را مسخر و رام کردیم که با او در شبان گاه و هنگام برآمدن آفتاب تسبیح می گفتند، (۱۸)

وَالظَّيْرَ مَحْشُورَةَ كُلُّ لَهُ أَوَابٌ (۱۹)

و پرندگان را [نیز] به طور دسته جمعی [مسخر و رام کردیم که با او تسبیح می گفتند]، و همه رجوع کننده به سوی خدا بودند، (۱۹)

وَشَدَّدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَهَ وَفَصَلَ الْخِطَابِ (۲۰)

و حکومتش را محکم و استوار ساختیم و به او حکمت و منصب داوری عطا کردیم، (۲۰)

وَهَلْ أَتَاكَ بَأْنَهُ الْخَصْمِ إِذْ تَسْوَرُوا الْمِحْرَابَ (۲۱)

و آیا خبر مهم آن دادخواهان هنگامی که از دیوار بلند نمازخانه او بالا رفتند به تو رسیده است؟ (۲۱)

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ ذَاوُودَ فَفَزَعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَمَّا تَحْفَ خَصِيمَانِ بَغَىٰ بَعْضُهُمْ نَعَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُمْ يَيْتَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهِدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ
الصِّرَاطِ (۲۲)

زمانی که [به طور ناگهانی] بر داود وارد شدند، و او از آنان هراسان شد، گفتند: نرس [ما] دو گروه دادخواه و شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است؛ بنابراین میان ما به حق داوری کن و [در داوریت] ستم روا مدار، و ما را به راه راست راهنمایی کن. (۲۲)

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعُ وَتِسْعُونَ نَعْجَهَ وَلَيَ نَعْجَهَ وَاحِدَهُ فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّزَنِي فِي الْخِطَابِ (۲۳)

این برادر من است، نود و نه میش دارد و من یک میش دارم، گفته است: این یکی را هم به من واگذار. و در گفتگو مرا مغلوب ساخت. (۲۳)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نَعْجَاهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَغْيِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَاطَّنَ ذَاوُودَ أَنَّمَا فَتَنَاهُ فَاسْتَعْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴)

گفت: یقیناً او با درخواست افزودن میش تو به میش های خود بر تو ستم روا داشته است، و قطعاً بسیاری از معاشران و شریکان به یکدیگر ستم می کنند، به جز کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و اینان اندک اند. و داود دانست که ما او را [در این حادثه] آزموده ایم، در نتیجه از پروردگارش درخواست آمرزش کرد و بی درنگ به حالت خضوع به رو در افتاد و به خدا باز گشت. (۲۴)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذِلْكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ (۲۵)

و ما او را در این [داوری] آمرزیدیم، بی تردید او نزد ما تقرب و منزلتی بلند و سرانجامی نیکو دارد. (۲۵)

يَا ذَاوُدْ إِنَّا بَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَشْعِيْ الْهَوَى فَيُضِلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶)

[و گفتیم:] ای داود! همانا تو را در زمین جانشین [و نماینده خود] قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می کند. بی تردید کسانی که از راه خدا منحرف می شوند، چون روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی سخت دارند. (۲۶)

ص: ۴۵۴

وَمَا تَحَلَّقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا يَئْنَهُمَا بِأَطْلَالِ ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷)

و ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست، بيهوده نیافریده ایم، این پندار کافران است، پس وای بر آنان که کافرند از آتش دوزخ. (۲۷)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَارِ (۲۸)

آیا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند مانند مفسدان در زمین قرار می دهیم یا پرهیز کاران را چون بد کاران؟! (۲۸)

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لَيْدَبِرُوا آيَاتِهِ وَلَيَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۹)

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده ایم تا آیاتش را تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند. (۲۹)

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰)

و سلیمان را به داود بخشیدیم، چه نیکو بنده ای بود به راستی او بسیار رجوع کننده [به خدا] بود. (۳۰)

إِذْ عَرِضَ عَلَيْهِ بِالْعِشَىِ الصَّافِنَاتُ الْحِيَادُ (۳۱)

[یاد کن] هنگامی را که در پایان روز اسب های چابک و تیزرو بر او عرضه کردند. (۳۱)

فَقَالَ إِنِّي أَحَبِبْتُ حُبَّ الْحَمِيرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَثْ بِالْحِجَابِ (۳۲)

پس گفت: من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم [که نماز مستحب پایان روز است] اختیار کردم [زیرا می خواهم از آنان در

جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می کرد] تا [خورشید] پشت پرده افق پنهان شد. (۳۲)

رُدُوهَا عَلَىٰ فَطَيْقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَغْنَاقِ (۳۳)

[اسب ها چنان توجه او را جلب کرده بودند که گفت: آنها را به من بازگردانید. پس [برای نوازش آنها] به دست کشیدن به ساق ها و گردن های آنها پرداخت؛ (۳۴)

وَلَقَدْ قَتَنَا سُلَيْمَانَ وَأَلْفَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (۳۵)

و به راستی سلیمان را [درباره فرزندش] آزمودیم، و [آزمون این بود که] بر تختش جسدی [بی جان از فرزندش] افکنديم [فرزندی که سلیمان به زنده بودن او بسیار اميد داشت]، آن گاه به درگاه خدا رجوع کرد [و همه امورش را به خدا واگذاشت]. (۳۶)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَتَبَعِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ (۳۷)

گفت: پروردگار! مرا بیامرز و حکومتی به من بیخش که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد؛ یقیناً تو بسیار بخشنده ای. (۳۸)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۹)

پس باد را برای او مسخر و رام کردیم که به فرمان او هر جا که می خواست نرم و آرام روان می شد. (۴۰)

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَاءٍ وَغَوَّاصٍ (۴۱)

و هر بنّا و غواصی از شیاطین را [مسخر و رام او نمودیم،] (۴۲)

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۴۳)

و دیگر شیاطین را که با غل و زنجیر به هم بسته بودند [در سلطه او درآوردیم تا نتوانند در حکومت او فتنه و آشوب برپا کنند]. (۴۴)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۵)

[و به او گفتیم:] این عطای بی حساب ماست، [به هر کس خواهی] بی حساب بیخش و [از هر کس خواهی] دریغ کن. (۴۶)

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ (۴۷)

بی تردید او نزد ما تقرب و متزلتی بلند و سرانجامی نیکو دارد. (۴۸)

وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِي الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (٤١)

و بنده ما ایوب را یاد کن، هنگامی که پروردگارش را ندا داد که شیطان [به سبب رنج و شکنجه ای که دچارش هستم] مرا سرزنش و شماتت می کند [تا از رحمت تو دلسدم کند]. (٤١)

إِذْ كُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُعْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (٤٢)

[به او گفتیم]: با پایت به زمین بکوب، این آبی است برای شسشتو، آبی سرد و آشامیدنی. (٤٢)

ص: ٤٥٥

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مَنَّا وَذِكْرِي لِأُولَى الْأَلْيَابِ (٤٣)

و خانواده اش را [که در حادثه ها از دستش رفته بودند] و مانندشان را همراه با آنان به او بخشیدیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای خردمندان باشد. (٤٣)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْتَثِ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (٤٤)

و [به او گفتیم: چون سو گند خورده ای که همسرت را برای اینکه تو را در امور معنوی ناراحت کرده بود، صد تازیانه بزنی] با دستت بسته ای تر که خشک برگیر و همسرت را با آن بزن، و سو گندت را مشکن. بی تردید ما او را شکیبا یافتیم. چه نیکو بنده ای! یقیناً بسیار رجوع کننده به سوی ما بود. (٤٤)

وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَئِدِي وَالْأَبْصَارِ (٤٥)

و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را یاد کن که دارای قدرت و بصیرت بودند. (٤٥)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصِهِ ذِكْرِي الدَّارِ (٤٦)

ما آنان را با [صفت بسیار پرارزش] یاد کردن سرای آخرت با اخلاصی ویژه خالص ساختیم. (٤٦)

وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُضْطَفَينَ الْأَخْيَارِ (٤٧)

به یقین آنان در پیشگاه ما از برگردگان و نیکان اند. (٤٧)

وَأَذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسْعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلُّ مِنَ الْأَخْيَارِ (٤٨)

و اسماعیل والیسع وذوالکفل را یاد کن و همه از نیکان اند. (٤٨)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُمْقِنَ لِحُسْنَ مَآبٍ (۴۹)

این [سرگذشت های سازنده] یادآوری و پند است؛ و بی تردید برای پرهیز کاران بازگشت گاه نیکویی خواهد بود. (۴۹)

جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُفَتَّحَةً لِهُمُ الْأَبْوَابُ (۵۰)

[آن بازگشت گاه] بهشت های جاویدانی است که درهایش را به روی آنان گشوده اند، (۵۰)

مُتَكَبِّئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَهٖ وَشَرَابٍ (۵۱)

در حالی که در آنجا بر تخت ها تکیه می زند و میوه های فراوان و نوشیدنی مورد دلخواهشان را در آنجا می طلبند، (۵۱)

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الظَّرْفِ أَتْرَابُ (۵۲)

و نزد آنان زنانی است که فقط به شوهرانشان عشق می ورزند، و با شوهرانشان هم سن و سال اند. (۵۲)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (۵۳)

[به آنان گویند:] این است آنچه شما را برای روز حساب وعده می دادند. (۵۳)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ (۵۴)

این بی تردید عطای ماست که برای آن پایانی نیست. (۵۴)

هَذَا وَإِنَّ لِلظَّاغِنِ لَشَرَّ مَآبٍ (۵۵)

این [همه برای پرهیز کاران است]، و مسلماً برای سرکشان، بدترین بازگشتگاه خواهد بود. (۵۵)

جَهَنَّمَ يَصْلُونَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (۵۶)

دوزخ که در آن وارد می شوند و چه بد آرامگاهی است! (۵۶)

هَذَا فَلِيدُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَاقٌ (۵۷)

این آب جوشان و مایع چرکین متعفن است که باید آن را بچشند، (۵۷)

وَآخَرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ (۵۸)

و [جز اینها] عذاب های دیگری مانند آن دارند. (۵۸)

هَذَا فَوْجٌ مُفْتَحٌمَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ (۵۹)

[چون پیشوایان کفر به دوزخ درآیند، و پیروانشان را نیز راهی دوزخ کنند ندا رسد:] این گروهی [از پیروان شما] هستند که با فشار و زور با شما وارد دوزخ می شوند. [پیشوایان کفر در پاسخ ندا دهنده گویند:] خوش آمد و گشایشی بر آنان [که پیروان ما بودند] مباد، بی تردید آنان به آتش خواهند سوخت. (۵۹)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فِيئِسَ الْقَرَارُ (۶۰)

[پیروان به پیشوایان] گویند: بلکه بر شما خوش آمد و گشایشی مباد، شما این عذاب را از پیش برای ما فراهم کردید، و چه بد قرار گاهی است. (۶۰)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فِرْدُهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (۶۱)

می گویند: پروردگار! هر کس این عذاب را از پیش برای ما فراهم آورده است، برای او در آتش عذابی دو چندان بیفزا. (۶۱)

ص: ۴۵۶

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعْدُهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ (۶۲)

و می گویند: ما را چه شده که [مردان مؤمن و شایسته] ای که از اشرارشان می شمردیم، نمی بینیم. (۶۲)

أَتَخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ (۶۳)

آیا ما آنان را به ناحق به مسخره گرفتیم [و اکنون در بهشت جای دارند] یا [در دوزخ اند و] دیدگان ما به آنان نمی افتد؟! (۶۳)

إِنَّ ذَلِكَ لَحُقْ تَخَاصُّ أَهْلِ النَّارِ (۶۴)

این گفتگو و مجادله اهل آتش حتمی و واقع شدنی است. (۶۴)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۶۵)

بگو: من فقط بیم دهنده ام، و هیچ معبدی جز خدای یگانه قهار نیست. (۶۵)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْغَيْرُ لِغَفَارٌ (۶۶)

پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۶۶)

قُلْ هُوَ بَأْ عَظِيمٌ (۶۷)

بگو: این [قرآن من] خبری بزرگ است، (۶۷)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸)

که شما از آن روی می گردانید. (۶۸)

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمُلْكِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِّمُونَ (۶۹)

من از ملأ اعلی هنگامی که [درباره آفرینش آدم] مجادله می کردند، هیچ خبری ندارم. (۶۹)

إِنْ يُوحَى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۷۰)

به من وحی نمی شود جز برای اینکه بیم دهنده ای آشکارم. (۷۰)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي حَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (۷۱)

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من بشری از گل خواهم آفرید. (۷۱)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۷۲)

پس زمانی که اندامش را درست و نیکو نمودم و از روح خود در او دمیدم، برای او سجده کنید. (۷۲)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَهُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۷۳)

پس فرشتگان همه با هم سجده کردند؛ (۷۳)

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۷۴)

مگر ابلیس که تکبر ورزید و از کافران شد. (۷۴)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ (۷۵)

[خدا] فرمود: ای ابلیس! تو را چه چیزی از سجده کردن بر آنچه که با دستان قدرت خود آفریدم، بازداشت؟ آیا تکبر کردی یا از بلند مرتبه گانی؟ (۷۵)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۷۶)

گفت: من از او بهرم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل ساختی. (۷۶)

قالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۷۷)

[خدا] گفت: از آن [جایگاه] بیرون رو که بی تردید تو رانده شده ای؛ (۷۷)

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۷۸)

و حتماً لعنت من تا روز قیامت بر تو باد. (۷۸)

قالَ رَبِّ فَانِظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُنْعَشُونَ (۷۹)

گفت: پروردگارا! مرا تا روزی که مردم برانگیخته می شوند، مهلت ده. (۷۹)

قالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنَظَّرِينَ (۸۰)

[خدا] گفت: تو از مهلت یافتگانی، (۸۰)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۸۱)

تا زمانی معین و معلوم. (۸۱)

قالَ فَبِعَزْرَتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

گفت: به عزت سوگند همه آنان را گمراه می کنم، (۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۸۳)

مگر بندگان خالص شده ات را. (۸۳)

ص: ۴۵۷

قالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ (۸۴)

[خدا] گفت: سوگند به حق و فقط حق را می گوییم (۸۴)

لَأَمَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبْعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۵)

که بی تردید دوزخ را از تو و آنان که از تو پیروی کنند، از همگی پر خواهم کرد (۸۵)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۸۶)

بگو: من برای ابلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمی خواهم و از کسانی که چیزی را از نزد خود می سازند [و ادعای باطل می کنند] نیستم. (۸۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۸۷)

آن [قرآن را که بر شما می خوانم] جز مایه تذکر و پندی برای جهانیان نیست. (۸۷)

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأً بَعْدَ حِينٍ (۸۸)

و بی تردید پس از مدتی خبر [صدق حقائیت و ظهور عینی آیات و وعده های] آن را خواهید دانست. (۸۸)

سوره الزمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَرَّكَتِ الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

[این] کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ (۲)

بی تردید ما این کتاب را به حق و درستی به سوی تو نازل کردیم، پس خدا را در حالی که اعتقاد و ایمان را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنی، بپرست. (۲)

أَلَمْ لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مِمَّا نَعْبُدُهُمْ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهِدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)

آگاه باشید! که دین خالص ویژه خدادست، و آنان که به جای خدا سرپرستان و معبدانی برگزیده اند [و می گویند]: ما آنان را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک کنند، نمی پرستیم. بی تردید خدا میان آنان [و مؤمنان] درباره آنچه که اختلاف می کنند [و آن آیین توحید و شرک است] داوری خواهد کرد؛ قطعاً خدا آن کس را که دروغگو و بسیار ناسپاس است، هدایت نمی کند. (۳)

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاَضْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۴)

اگر [بر فرض محال] خدا می خواست برای خود فرزندی بگیرد، همانا از میان آفریده هایش آنچه را خودش می خواست برمی گزید [نه اینکه شما برای او انتخاب کنید]؛ متنه است او [از آنکه برای او فرزندی باشد] اوست خدای یگانه و قهار. (۴)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى الْلَّيْلِ وَسَيَخْرُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَبْرِى لِأَجْلٍ مُّسَيْمَى أَلَا

آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. شب را به روز درمی پیچید، و روز را به شب درمی پیچید، و خورشید و ماه را [برای بندگانش] مسخر و رام کرد. هر کدام تا سرآمدی معین روانند. آگاه باشید! او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است.

(۵)

ص: ۴۵۸

خَلَقْتُكُمْ مِّنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةً أَرْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلْمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَإِنَّى تُضَرِّفُونَ (۶)

شما را از یک تن آفرید، سپس همسرش را از او پدید آورد، و از چهارپایان [شتر و گاو و گوسفند و بز] به اعتبار یک نرو یک ماده] هشت زوج آفرید، شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی دیگر در میان تاریکی‌های سه گانه [شکم و رحم و مشیمه] به وجود آورد. این است خدا پروردگار شما که فرمانروایی [مطلق بر همه هستی] ویژه اوست، معبدی جز او نیست، پس چگونه شما را از حق بازمی گردانند؟ (۶)

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرُ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَهُ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيَبْيَسُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

اگر کافر شوید [زیانی به خدا نمی‌رسانید؛ زیرا] خدا از شما بی نیاز است، و کفر را برای بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر سپاس گزاری کنید، آن را برای شما می‌پسندد. و هیچ سنگین باری، بار [گناه] دیگری را برنمی‌دارد. سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، و شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد؛ زیرا او به نیات و اسرار سینه‌ها داناست. (۷)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَلَهُ نِعْمَةٌ مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلٍ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنَّدَادًا لَيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَّتْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (۸)

و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حال بازگشت به سوی او [برای بطرف شدن آسیبیش] می‌خواند، سپس چون او را [برای رهایی از آن آسیب] نعمتی از جانب خود عطا کند، آن آسیب را که پیش تر برای بطرف شدنش دعا می‌کرد، فراموش می‌کند و دوباره برای خدا همتایانی قرار می‌دهد تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. بگو: اندک زمانی از کفر خود برخوردار باش، بی تردید تو از اهل آتشی. (۸)

أَمَنْ هُوَ قَانِتُ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذِرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۹)

[آیا چنین انسان کفران کننده ای بهتر است] یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی بهره از

معرفت و دانش اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می شوند. (۹)

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۱۰)

بگو: ای بندگان مؤمن! از پروردگار تان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترشده است [بر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید]. فقط شکیابیان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد. (۱۰)

ص: ۴۵۹

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۱۱)

بگو: من مأمورم که خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنم، پرسنم. (۱۱)

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (۱۲)

و مأمورم که [در این آیین از] نخستین تسلیم شدگان [به فرمان ها و احکام] او باشم. (۱۲)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳)

بگو: اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۱۳)

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِ (۱۴)

بگو: فقط خدا را در حالی که ایمان و عبادتم را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنم، می پرسنم. (۱۴)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵)

پس شما هم آنچه را می خواهید، به جای او پرسنید. بگو: بی تردید زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجودشان و کسانشان را به تباہی داده باشند؛ آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار است. (۱۵)

لَهُمْ مَنْ فَوْقَهُمْ ظُلْلُ مَنْ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلْلُ ذَلِكَ يُحَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادُهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

برای آنان از بالای سرshan و از زیر پایشان سایبان هایی از آتش است، این عذابی است که خدا بندگانش را به آن بیم می دهد. ای بندگان! از من پروا کنید (۱۶)

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷)

و کسانی که از پرستیدن طاغوت [یعنی بت ها، اربابان کفر و شیطان های سرکش] دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، بر آنان مژده باد؛ پس به بندگانم مژده ده. (۱۷)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ إِلْقَوْلَ فَيَتَبَعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۸)

آنان که سخن را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند.

(۱۸)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنَّ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ (۱۹)

آیا کسی که فرمان عذاب بر او محقق و ثابت شده [راه گریزی از آن دارد؟] آیا کسی را که در آتش است، تو نجات می دهی؟ (۱۹)

لَكِنَ الَّذِينَ اتَّقُوا رَبَّهُمْ غُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّيْتَيْهَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (۲۰)

ولی کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، برای آنان غرفه هایی است که از فراز آنها غرفه هایی دیگر بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است. خدا این وعده را داده است؛ خدا خلف وعده نمی کند. (۲۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَّكَهُ يَنَابِعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهْيِجُ فَتَرَاهُ مُصْبِرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولَى الْأَلْبَابِ (۲۱)

آیا ندانسته ای که خدا از آسمان آبی نازل کرد، پس آن را به صورت چشممه هایی در زمین درآورد، آن گاه به وسیله آن زراعتی را که رنگ هایش گوناگون است، بیرون می آورد، سپس [آن زراعت] خشک می شود، در نتیجه آن را به رنگ زرد بینی، پس آن را ریز ریز و در هم شکسته می کند؛ بی تردید در این [دگرگونی ها] برای خردمندان هشدار و عبرتی است.

(۲۱)

ص: ۴۶۰

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيِّهِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۲)

آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام گشاده است، و بهره مند از نوری از سوی پروردگار خویش است [مانند کسی است که سینه اش از پذیرفتن اسلام تنگ است؟] پس وای بر آنان که دل هایشان از یاد کردن خدا سخت است، اینان در گمراهی آشکار هستند. (۲۲)

الَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحِدِيدِ كَتَابًا مُّتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْسَهُرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشُونَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلَيْنُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُصْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳)

خدا نیکوترين سخن را نازل کرد، كتابی که [آياتش در نظم، زيبايی، فصاحت، بلاغت و عمق محتوا] شبيه يكديگر است، مشتمل بر داستان های پندآموز [و امر، نهي، وعده، حلال و حرام] است؛ از شنیدن آياتش پوست کسانی که از پورودگارشان می هراسند به هم جمع می شود، آن گاه پوستشان و دلشان به ياد خدا نرم می گردد و آرامش می یابد. اين هدایت خداست که هر که را بخواهد به آن راهنمایی می کند؛ و هر که را خدا [به کيفر کفر و عنادش] گماه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود. (۲۳)

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)

آيا کسی که روز قیامت [به خاطر بسته بودن دست هایش می کوشد که] با صورت خود گزند عذاب را دفع کند [مانند کسی است که ايمن از عذاب است؟] به ستمکاران گويند: آنچه را همواره مرتکب می شدید، بچشيد. (۲۴)

كَذَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حِيثُ لَآيَشْعُرُونَ (۲۵)

کسانی [هم] که پيش از آنان بودند [آيات خدا را] تکذيب کردند، پس از آنجا که گمان نمی کردند، عذاب به سويشان آمد. (۲۵)

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْعِزْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبُرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲۶)

پس خدا در زندگی دنيا خواری و رسوايی را به آنان چشانيد؛ و اگر معرفت و آگاهی داشتند [توجه می کردند که] عذاب آخرت بزرگ تر است. (۲۶)

وَلَقَدْ ضَرَبَنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۷)

و ما برای مردم در اين قرآن از هر گونه مثل و سرگذشت عبرت آموزی بيان کرده ايم، باشد که متذکر شوند. (۲۷)

فُزْ آنَا عَرَبِيًّا عَيْرَ ذِي عِوْجِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنی است گويا و روشن بدون هر گونه انحراف و کثری، برای اينکه [در سایه تعاليمش از شرك، عصيان و فساد] بپرهيزند. (۲۸)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَابِكُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لَرْجُلِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)

خدا [برای فهماندن حقیقت توحید و شرك] مثلی زده است: مردی را که ارباباني ناسازگار و بداخللاق در [مالکيت] او شريك اند، و مردی که فقط بerde يك مالک است، آيا اين دو بerde از جهت فرمان گرفتن و فرمان بردan با هم يكسانند؟ [موحدان که بنده خدai يكta هستند، دارai زندگi منظi و پak و آخرti آbadند، و مشرkan که فرمان بران اربابan گوناگونند، دارai زندگi پريشان و آخرti خراب اند]. همه ستايish ha ويزhe خداست. بلکه بيشترشان [به آثار و منافع بندگi خدا] معرفت و

آگاهی ندارند. (۲۹)

إِنَّكَ مَيْتٌ وَإِنَّهُمْ مَيْتُونَ (۳۰)

بی تردید تو می میری و قطعاً آنان هم می میرند. (۳۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَحْتَصُّمُونَ (۳۱)

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارستان [در امر دین] مجادله خواهید کرد [که ما موحدان در دنیا حقایقت توحید را ثابت کردیم و بطلان بت پرستی را روشن نمودیم، ولی کبر شما مانع از هدایت شما شد]. (۳۱)

ص: ۴۶۱

جزء ۲۴

ادامه سوره الزمر

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصَّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مُنْهَى لِلْكَافِرِينَ (۳۲)

پس چه کسی ستمکارتر است از آنکه بر خدا دروغ بندد و سخن راست و درست را چون به سوی او آمد، تکذیب کند؟ آیا دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟ (۳۲)

وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدْقِ وَصَدَقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳)

و آنکه سخن راست و درست آورده و کسانی که آن را باور کردند، اینانند که پرهیز کارانند. (۳۳)

لَهُمْ مَا يَسَأُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۳۴)

برای آنان نزد پروردگارشان آنچه بخواهند فراهم است؛ این است پاداش نیکوکاران؛ (۳۴)

لِيُكَفِّرُ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرُهُمْ بِأَخْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۵)

تا خدا [به رحمتش] زشت ترین اعمالی که انجام دادند از آنان محو کند، و آنان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می دادند پاداش دهد. (۳۵)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافِ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادِ (۳۶)

آیا خدا برای بندۀ اش [در همه امور] کافی نیست؟ و مشرکان [به پندار خود] تو را از کسانی که غیر خدا هستند، می ترسانند و هر که را خدا به کیفر [کفر و عناد] ش گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود؛ (۳۶)

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهَ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٌّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انتِقامٍ (۳۷)

و هر که را خدا هدایت کند، او را هیچ گمراه کننده ای نخواهد بود. آیا خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام نیست؟ (۳۷)

وَلَئِنْ سِأْلُهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِي اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَهِ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۳۸)

اگر از آنان بپرسی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید؟ بی تردید می گویند: خدا. بگو: پس مرا درباره معبدانی که به جای خدا می پرسید خبر دهید، که اگر خدا آسیبی را برای من بخواهد، آیا آنها می توانند آسیب او را از من برطرف کنند؟ یا اگر رحمتی را برای من بخواهد، آیا می توانند رحمتش را باز دارند؟ بگو: خدا مرا کافی است. توکل کنندگان فقط بر او توکل می کنند. (۳۸)

قُلْ يَا قَوْمَ اَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانِتُكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسُوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۹)

بگو: ای قوم من! شما بر همین حالت کفر و عنادی که هستید عمل کنید، من نیز [بر پایه ایمان و اخلاص] عمل می کنم، سپس خواهید دانست، (۳۹)

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحْلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۴۰)

که چه کسی را [در دنیا] عذابی خوار کننده بیاید، و [در آخرت هم] عذابی جاودانه بر او فرود آید. (۴۰)

ص: ۴۶۲

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنِ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۴۱)

ما این کتاب را برای [هدایت] مردم به حق و راستی بر تو نازل کرده ایم؛ پس هر که هدایت یافت، به سود خود هدایت یافته و هر که گمراه شد، فقط به زیان خود گمراه می شود؛ و تو بر آنان نگهبان و کارساز نیستی، (۴۱)

اللَّهُ يَتَوَفَّ الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيَمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمُوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُّسَيْمَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۴۲)

و خداست که روح [مردم] را هنگام مرگشان به طور کامل می گیرد، و روحی را که [صاحبش] نمده است نیز به هنگام خوابش [می گیرد]، پس روح کسی که مرگ را بر او حکم کرده نگه می دارد، [و به بدن باز نمی گرداند] و دیگر روح را تا سرآمدی معین باز می فرستد؛ مسلمًا در این [واقعیت] برای مردمی که می اندیشنند، نشانه هایی [بر قدرت خدا] است. (۴۲)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءً قُلْ أَوْلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (۴۳)

[نه اینکه بی خبران، درباره قدرت خدا نمی اندیشند] بلکه به جای خدا [از بتان] شفیعانی برای خود گرفته اند. بگو: آیا [از آنها شفاعت می خواهید] هر چند مالک چیزی [و اختیاردار شفاعتی] نباشد و علم و عقلی نداشته باشد [و پرستندگان خود را نشناسند؟] (۴۳)

قُل لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴)

بگو: شفاعت، یکسره ویژه خداست، فرمانروایی آسمان‌ها و زمین در سیطره اوست، سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید؛ (۴۴)

وإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اسْمَأَزْتُ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُنْ يَسْتَبِشُونَ (۴۵)

و هنگامی که خدا به یگانگی یاد می‌شود [و نامی از معبدانشان به میان نمی‌آید] دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، نفرت پیدا می‌کند و چون یادی از معبدان دیگر به میان می‌آید، ناگاه مسرور و شاد می‌شوند!! (۴۵)

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۴۶)

[وقتی از ایمان آوردن‌شان ناامید شدی] بگو: خدایا! ای آفریننده آسمان‌ها و زمین! [ای] دنای نهان و آشکار! تو خود در میان بندگانت بر سر آنچه [از عقاید و عبادات] اختلاف می‌کردند، داوری خواهی کرد؛ (۴۶)

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعْهُ لَاقْتَدُوا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُنُوا يَحْتَسِبُونَ (۴۷)

واگر برای کسانی که [به آیات خدا] ستم ورزیده اند، همه آنچه در زمین است و ماندش با آن باشد، بی تردید حاضرند آن را برای رهایی خود از عذاب سخت روز قیامت عوض دهنند، و از سوی خدا آنچه را که [از عذاب‌های گوناگون] نمی‌پنداشتند، آشکار می‌شود. (۴۷)

ص: ۴۶۳

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۸)

و زشتی‌های آنچه را که مرتکب شده اند برای آنان پدیدار می‌گردد، و آنچه [از عذاب‌هایی] که مسخره می‌کردند، آنان را احاطه خواهد کرد. (۴۸)

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مَنَا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَتُهُ عَلَى عِلْمٍ بِلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۹)

پس چون انسان را آسیبی رسد، ما را [برای برطرف کردنش] بخواند، سپس هنگامی که [برای برطرف شدن آسیب] از سوی خود نعمتی به او می‌دهیم، می‌گویید: فقط آن را بر پایه دانش و کاردانی خود یافته ام! [چنین نیست که می‌پندارد] بلکه آن

نعمت آزمایشی است [که آیا به خاطر آن سپاس گزاری می کند یا به طغیان بر می خیزد؟] ولی بیشتر آنان [به این واقعیت] معرفت و آگاهی ندارند. (۴۹)

قَدْ فَالَّهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۵۰)

همین [سخن بیهوده و باطل] را کسانی که پیش از آنان بودند، گفتند، ولی آنچه را [از مقام و ثروت همواره] به دست می آوردند، عذاب و هلاکت را از آنان برطرف نکرد. (۵۰)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هُؤُلَاءِ سَيِّصِبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۵۱)

پس عذاب های آنچه را مرتكب شدند به آنان رسید، و کسانی از این [مردم مکه] که [به آیات ما] ستم ورزیدند، به زودی عذاب های آنچه را که مرتكب شدند به آنان خواهد رسید؛ و آنان عاجز کننده ما نیستند [تا بتوانند از دسترس قدرت ما بیرون روند]. (۵۱)

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَسْطُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

آیا ندانسته اند که خدا رزق و روزی را برای هر که بخواهد وسعت می دهد یا تنگ می گیرد؟ بی تردید در این [اندازه گیری] برای مردمی که ایمان دارند، نشانه هایی [از حکمت و مصلحت خدا] است. (۵۲)

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳)

بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود زیاده روی کردید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همه گناهان را می آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است؛ (۵۳)

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلٍ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنَصَّرُونَ (۵۴)

و به سوی پروردگار تان باز گردید و تسليم [فرمان ها و احکام] او شوید، پیش از آنکه شما را عذاب آید آن گاه یاری نشوید. (۵۴)

وَاتَّبِعُوا أَحَسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَعْثَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)

و از نیکوترين چيزی که از طرف پروردگار تان به سوی شما نازل شده است پیروی کنید، پیش از آنکه ناگهان و در حالی که بی خبرید، عذاب به شما رسد؛ (۵۵)

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسَرَاتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ (۵۶)

تا مبادا آنکه کسی بگوید: دریغ و افسوس بر اهمال کاری و تقصیری که درباره خدا کردم، و بی تردید [نسبت به احکام الهی

و آیات ربانی] از مسخره کنندگان بودم. (۵۶)

ص: ۴۶۴

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷)

یا بگوید: اگر خدا هدایتم می کرد، بی تردید از پرهیز کاران بودم، (۵۷)

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَهَةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

یا چون عذاب را ببیند، بگوید: ای کاش مرا [به دنیا] بازگشتی بود تا از نیکوکاران می شدم. (۵۸)

بَلِّي فَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۵۹)

[ولی به او گویم]: آری، آیاتم به سوی تو آمد، پس تو آنها را انکار کردی و [در پذیرفتنش] تکبر ورزیدی، و [نسبت به آن] از کافران بودی، (۵۹)

وَيَوْمَ الْقِيَامَهِ تَرَى الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثُواً لِلْمُنَكَّبِينَ (۶۰)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می بینی که صورت هایشان سیاه است؛ آیا در دوزخ جایگاهی برای متکبران نیست؟ (۶۰)

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمْسُهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۱)

و خدا کسانی را که پرهیز کاری پیشه کردند، به سبب اعمالی که مایه رستگاری شان بود نجات می دهد، عذاب به آنان نمی رسد، و اندوه‌گین هم نمی شوند. (۶۱)

الَّهُ حَالِقُ كُلٌّ شَئِ وَهُوَ عَلَى كُلٍّ شَئِ وَكِيلٌ (۶۲)

خدا آفریننده هر چیزی است و او بر هر چیزی نگهبان و کارساز است. (۶۲)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۳)

کلیدهای آسمان ها و زمیندر مالکیت اوست، و کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، هم آنان زیانکارند. (۶۳)

قُلْ أَفَعَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيْهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)

بگو: ای نادانان! آیا به من فرمان می دهید که غیر خدا را بپرسم؟! (۶۴)

وَلَقَدْ أَوْحَى إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيْجُبَطَنَ عَمَلُكَ وَلَنَكُونَنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٦٥)

بی تردید به تو و به کسانی که پیش از تو بوده اند، وحی شده است که اگر مشرک شوی، همه اعمالت تباہ و بی اثر می شود و از زیانکاران خواهی بود. (٦٥)

بِلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (٦٦)

بلکه فقط خدا را بپرست و از سپاس گزاران باش. (٦٦)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقًّا قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (٦٧)

و خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناختند، در حالی که زمین در روز قیامت یکسره در قبضه قدرت اوست، و آسمان ها هم در هم پیچیده به دست اوست؛ منزه و برتر است از آنچه با او شریک می گیرند. (٦٧)

ص: ٤٦٥

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعَقَ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُنْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (٦٨)

و در صور دمیده می شود، پس هر که در آسمان ها و زمین است می میرد، مگر کسی را که خدا بخواهد، آن گاه بار دیگر در صور دمیده می شود، ناگاه همه آنان بر پای ایستاده [مات و مبهوت به هر سو] می نگرند [که سرانجام کارشان چه خواهد شد!] (٦٨)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضَعَ الْكِتَابُ وَحِيَاءٌ بِالنَّبِيِّنَ وَالشَّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُنْ لَا يُظْلَمُونَ (٦٩)

و زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و کتاب [اعمال] را می نهند، و پیامبران و گواهان را بیاورند و میانشان به حق و راستی داوری شود، و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند؛ (٦٩)

وَوُفِيتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (٧٠)

و به هر کسی آنچه را انجام داده است، به طور کامل داده شود و او به کارهایی که انجام می دهند، داناتر است. (٧٠)

وَسَيِّئَاتِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمِّرَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحْتُ أَبْوَابَهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مُنَكِّمٌ يَتَلَوَّنَ عَيْنَكُمْ آيَاتٍ رَبِّكُمْ وَيُنَذِّرُونَكُمْ لِقاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقْتُ كَلِمَهُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (٧١)

و کافران گروه گروه به دوزخ رانده می شوند، چون به دوزخ رسند درهایش گشوده شود و نگهبانانش به آنان گویند: آیا پیامبرانی از جنس خودتان به سویتان نیامندند که آیات پروردگارشان را بر شما بخوانند و شما را به دیدار این روزتان بیم دهند؟ گویند: آری، [آمدند] ولی فرمان عذاب بر کافران محقق و ثابت شده است. (٧١)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فِئَسٌ مُثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲)

[به آنان] گویند: از درهای دوزخ درآید در حالی که در آن جاودانه اید؛ پس جایگاه متکبران چه بد جایگاهی است؟ (۷۲)

وَسَيِّقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَّرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتَحْتُ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَرَّنْتُهُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبَّتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۷۳)

و کسانی که از پروردگارشان پروا کردند گروه گروه به بهشت رانده می شوند، چون به آن رسند در حالی که درهایش از پیش گشوده شده است، نگهبانانش به آنان گویند: سلام بر شما، پاکیزه و نیکو شدید، پس وارد آن شوید که [در آن] جاودانه اید. (۷۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشاءُ فَيُغَمَّ أَجْرُ الْعَالَمِينَ (۷۴)

می گویند: همه ستایش ها ویژه خداست که درباره ما به وعده اش وفا کرد، و زمین [بهشت] را به ما میراث داد که هر جای از بهشت را بخواهیم، جای خود قرار می دهیم. چه نیکوست پاداش عمل کنندگان. (۷۴)

ص: ۴۶۶

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُصْدَى بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۵)

و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش حلقه زده اند، پروردگارشان را همراه ستایش تسبیح می گویند، و در میان اهل محشر به حق داوری شود، و [پس از پایان کار قیامت] گویند: همه ستایش ها ویژه خداست که پروردگار جهانیان است. (۷۵)

سوره غافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۲)

این کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و داناست؛ (۲)

عَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّولِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

که آمرزنده گناه و پذیرنده توبه، سخت کیفر و صاحب نعمت فراوان است. هیچ معبدی جز او نیست. بازگشت فقط به سوی اوست. (۳)

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرِبُكَ تَقْبِلُهُمْ فِي الْبِلَادِ (٤)

تنها کافران در آیات خدا مجادله و ستیزه می کنند [اینان را هیچ شان و اعتباری نیست]؛ پس مبادا رفت و آمدشان در شهرها [به خاطر قدرت نمایی، تجارت و ثروتمند شدنشان] تو را بفریبد. (٤)

كَذَّبُتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَالْمَخْرَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمْتُ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُنَّهُ وَجَاءَهُمْ بِالْبَاطِلِ لَيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذُنَّهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابٌ (٥)

پیش از آنان قوم نوح و اقوامی که بعد از آنان بودند [پیامبرانشان را] تکذیب کردند، و هر امتی آهنگ پیامبر خود کردند تا او را دستگیر کنند [و از ابلاغ دین بازش دارند، یا از وطن بیرون ش نمایند، یا او را بکشند] و با توصل به باطل برای نابود کردن حق و از میان بردن آن مجادله و ستیزه کردند، پس من هم آنان را [به عذاب] گرفتم، پس [بنگر که] عذاب من چگونه بود. (٥)

وَكَذَّلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (٦)

این گونه فرمان پروردگارت بر کافران محقق و ثابت شد که آنان اهل آتش اند. (٦)

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعُرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسَعْتَ كُلَّ شَئِءٍ رَّحْمَهُ وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَأَتَبُّعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (٧)

فرشتگانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن هستند، همراه سپاس و ستایش، پروردگارشان را تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای اهل ایمان آمرزش می طلبند، [و می گویند:] پروردگار!! از روی رحمت و دانش همه چیز را فرا گرفته ای، پس آنان را که توبه کرده اند و راه تو را پیروی نموده اند بیامز، و آنان را از عذاب دوزخ نگه دار. (٧)

ص: ٤٦٧

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٨)

پروردگار!! و آنان را در بهشت های جاودانی که به آنان و به شایستگان از پدران و همسران و فرزندانشان وعده داده ای در آور؛ یقیناً تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی؛ (٨)

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٩)

و آنان را از عقوبت ها نگه دار، و هر که را در آن روز از عقوبت ها نگه داری بی تردید او را مورد رحمت قرار داده ای؛ و این همان کامیابی بزرگ است. (٩)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمْفُتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتُكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (١٠)

کافران را [پس از ورود به دوزخ] ندا می دهند: مسلمًا دشمنی و خشم خدا نسبت به شما از دشمنی و خشم خودتان درباره خودتان بیشتر است؛ زیرا دعوت به ایمان می شدید پس کفر می ورزیدید. (۱۰)

قَالُوا رَبَّنَا أَمْتَنَا أُثْنَيْنِ وَأَحَيَّنَا أُثْنَيْنِ فَاعْتَرَفُنا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ (۱۱)

می گویند: پروردگار! دوبار ما را میراندی و دوبار زنده کردی، اکنون به گناهانمان معترفیم، پس آیا راهی برای بیرون آمدن [از دوزخ] هست؟ (۱۱)

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشَرِّكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲)

این [سختی عذاب] به سبب این است که چون خدا به یگانگی [او بدون معبداتان] خوانده می شد [یگانگی اش] را انکار می کردید، و اگر برای او شریک و همتایی قرار داده می شد، باور می کردید؛ پس [اکنون] داوری، ویژه خدای والامربه و بزرگ است. (۱۲)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيَنْزِلُ لَكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ (۱۳)

اوست که نشانه های خود را به شما نشان می دهد، و از آسمان برای شما روزی نازل می کند؛ و فقط کسانی متذکر می شوند که به سوی خدا باز می گردند. (۱۳)

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۱۴)

پس خدا را در حالی که ایمان و عبادت را [از هر گونه شرکی] برای او خالص می کنید، بپرسید گرچه کافران [از روش شما] ناخشنود باشند. (۱۴)

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِئِنِذَرَ يَوْمَ التَّلاقِ (۱۵)

بالا برندۀ درجات و صاحب عرش است، روح را [که فرشته وحی است] به فرمانش به هر کس از بندگانش که بخواهد القا می کند تا مردم را از روز ملاقات [که روز رستاخیز است] بیم دهد. (۱۵)

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لَمِنِ الْمُلْكِ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْفَهَارِ (۱۶)

روزی که همه آنان آشکار می شوند، [و] چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند. [و ندا آید:] امروز فرمانروایی ویژه کیست؟ ویژه خدای یکتای قهار است. (۱۶)

امروز هر کس را در برابر آنچه انجام داده است، پاداش می دهند. امروز هیچ ستمی وجود ندارد؛ یقیناً خدا در حسابرسی سریع است. (۱۷)

وَأَنِذْرُهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِظَالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (۱۸)

و آنان را از روز نزدیک بیم ده، آن گاه که [از شدت ترس] جان ها به گلوگاه رسید، در حالی که همه وجودشان پر از غم و اندوه است. برای ستمکاران هیچ دوست مهربانی و شفیعی که شفاعتش پذیرفته شود، وجود ندارد! (۱۸)

يَعْلَمُ حَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۱۹)

[او] چشم هایی را که به خیانت [به نامحرمان] می نگرد و آنچه را سینه ها پنهان می دارند، می داند. (۱۹)

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۲۰)

و خدا به حق داوری می کند، و معبدانی را که [مشرکان] به جای او می پرستند [چون از هر جهت ناتواند] هیچ گونه داوری نمی کنند؛ یقیناً خدا شنوا و بیناست. (۲۰)

أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقِ (۲۱)

آیا در زمین گردش نکردن دتا با تأمل بنگرنده سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ آنان از ایشان نیرومندتر بودند، و در زمین آثاری پایدارتر [چون قلعه ها، خانه های استوار و کاخ های بسیار محکم] داشتند، پس خدا آنان را به کیفر گناهانشان [به عذاب] گرفت، و در برابر خدا مدافع و حمایت گری نداشتند. (۲۱)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا تَأْتِيَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲)

این [کیفر در دنک] برای این بود که پیامبرانشان همواره دلایل روشن برای آنان می آوردند و آنان [از روی تکبر و عناد] کفر می ورزیدند، پس خدا هم همه آنان را [به عذابی سخت] گرفت؛ زیرا او توانا و سخت کیفر است؛ (۲۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۳)

و به راستی موسی را با معجزات خود و برهانی آشکار فرستادیم، (۲۳)

إِلَى فِرَعَوْنَ وَهَامَانَ وَفَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَابٌ (۲۴)

به سوی فرعون و هامان و قارون، ولی [آنان] گفتند: جادو گری بسیار دروغگوست! (۲۴)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۲۵)

هنگامی که حق را از سوی ما برای آنان آورد، گفتند: پسран کسانی را که با موسی ایمان آورده اند، بکشید، و زنانشان را [برای بیگاری و خدمت] زنده بگذارید. ولی نیرنگ و نقشه کافران جز در بیراهه و گمراهی نیست. (۲۵)

ص: ۴۶۹

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (۲۶)

فرعون گفت: مرا بگذارید تا موسی را بکشم و او پروردگارش را [برای نجات خود] بخواند، چون من می ترسم دین شما را تغییر دهد، یا در این سرزمین فساد و تباہی به بار آورد! (۲۶)

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (۲۷)

و موسی گفت: من از هر متکبر سرکشی که به روز حساب ایمان ندارد به پروردگارش و پروردگار شما پناه می برم. (۲۷)

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَادِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبَهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِبِّكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعْدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ (۲۸)

و مرد مؤمنی از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان می داشت، گفت: آیا مردی را می کشید که می گوید: پروردگار من خداست؟ و بی تردید از سوی پروردگارتان برای شما دلایل روشنی آورده است، و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان خود اوست، و اگر راستگو باشد برخی از عذاب هایی که به شما وعده می دهد به شما خواهد رسید؛ زیرا خدا کسی را که اسراف کار و بسیار دروغگوست، هدایت نمی کند. (۲۸)

يَا قَوْمَ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْيَدِيْكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ (۲۹)

ای قوم من! امروز فرمانروایی و حکومت برای شماست که در این سرزمین پیروز هستید، ولی اگر عذاب خدا به سوی ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد داد؟ فرعون گفت: من جز آنچه را [صواب] می بینم [وبه آن یقین دارم و آن انکار موسی و کشتن او و تقویت حکومت من است] به شما ارائه نمی کنم، و شما را جز به راه راست هدایت نمی کنم. (۲۹)

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مُّثْلَ يَوْمِ الْآخِرَاتِ (۳۰)

و آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! بی تردید من بر شما از روزی مانند روز [عذاب] گروه ها [بی که پیامبران را تکذیب کردند] می ترسم (۳۰)

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمٍ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ (۳۱)

چون سرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آنان بودند؛ و خدا ستمی بر بندگان نمی خواهد [این بندگانند که

بر خود ستم روا می دارند.] (۳۱)

وَيَا قَوْمٍ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (۳۲)

و ای قوم من! بی تردید من از روزی که مردم یکدیگر را [برای نجات خود از عذاب] ندا می دهنده بر شما می ترسم؛ (۳۲)

يَوْمَ تُولُونَ مُذْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ خَاصِيمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

روزی که [به علت شدت عذاب] پشت کنان از این سو به آن سو فرار می کنید [ولی از هر سو که می روید، بر گردانده می شوید و] شما را [در برابر عذاب خدا] هیچ نگه دارنده ای نیست؛ و هر که را خدا [به سبب کبر و عنادش] گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود. (۳۳)

ص: ۴۷۰

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلٍ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مُّمَّا جَاءَكُمْ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضْلِلُ اللَّهُ مِنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ (۳۴)

بی تردید یوسف پیش از این دلایل روشنی برای شما آورد، ولی شما همواره نسبت به آنچه که آورده بود در تردید بودید، تا زمانی که از دنیا رفت، [پس از مرگ او] گفتید: خدا هر گز بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد، این گونه خدا هر اسراف کار تردید کننده ای را گمراه می کند. (۳۴)

الَّذِينَ يُحَاجِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبَرٌ مَقْتَنًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنَّدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَارٍ (۳۵)

کسانی که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند [این عمل زشتستان] نزد خدا و نزد اهل ایمان مایه دشمنی بزرگ است؛ این گونه خدا بر دل هر گردنکش زورگویی، مُهر [تیره بختی] می نهد (۳۵)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لَىٰ صَرْحًا لَعَلَّىٰ أَبْلَغُ الْأَسْبَابَ (۳۶)

و فرعون گفت: ای هامان! برای من بنایی بسیار بلند بساز شاید به وسایلی برسم، (۳۶)

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصِدَّدَ عَنِ السَّيِّلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابِ (۳۷)

وسایل [بالا- رفتن به] آسمان ها تا از خدای موسی آگاه شوم [که کیست و کجاست؟!] هر چند موسی را [در گفته هایش درباره خدا] دروغگو می پندارم. و این گونه برای فرعون زشتی کردارش آراسته شد و از راه خدا باز ماند، و نیرنگ و نقشه فرعون جز در زیانکاری و نابودی نبود. (۳۷)

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمَ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشادِ (٣٨)

و آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه راست هدایت کنم. (۳۸)

يَا قَوْمَ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْفَرَارِ (۳۹)

ای قوم من! این زندگی دنیا فقط کالایی بی ارزش و زودگذر است، و بی تردید آخرت سرای همیشگی و پایدار است. (۳۹)

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَاتٍ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۰)

هر که بدی کند جز به مانند آن کیفر نیابد، و از مردان یا زنان کسانی که کار شایسته انجام دهنده در حالی که مؤمن باشند، آنان در بهشت درآیند و در آن بی حساب روزی یابند. (۴۰)

ص: ۴۷۱

وَيَا قَوْمَ مَا لَيْ أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاهِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ (۴۱)

ای قوم من! چرا من شما را به سوی رهایی [از خسران دنیا و آخرت] می خوانم، و شما مرا به آتش می خوانید؟! (۴۱)

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأَشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْغَزِيزِ الْغَفَارِ (۴۲)

مرا می خوانید که به خدای یگانه کافر شوم و بر پایه جهالت و نادانی، و بدون دانش و معرفت که روشنگر حقایق است چیزی را شریک او فرار دهم! و من شما را به توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده می خوانم. (۴۲)

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۴۳)

ثابت و یقینی است اینکه آنچه مرا به سویش می خوانید برای او در دنیا و آخرت حق ادعا [ای الوهیت و ربوبیت] نیست، و اینکه بازگشت ما به سوی خداست، و اینکه اسراف کاران اهل آتش اند. (۴۳)

فَسَتَدْ كُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۴۴)

پس به زودی [درستی] آنچه را [که امروز درباره عذاب اسراف کاران] می گوییم [و شما باور نمی کنید] متوجه خواهید شد، و من کارم را به خدا وامی گذارم؛ زیرا خدا به بندگان بیناست. (۴۴)

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّنَاتٍ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (۴۵)

پس خدا او را از آسیب های آنچه بر ضد او نیرنگ می زدند، نگه داشت و عذاب سختی فرعونیان را احاطه کرد. (۴۵)

النَّارُ يُعَرِّضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعِشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَذْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (٤٦)

[عذابشان] آتش است که صبح و شام بر آن عرضه می شوند، و روزی که قیامت برپا شود [ندا رسید: فرعونیان را در سخت ترین عذاب در آورید. (٤٦)

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيُقُولُ الْفُسُوقَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهُنْ أَثْمُ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ (٤٧)

و [یاد کن] هنگامی را که در آتش با یکدیگر نزاع و کشمکش می کنند، پس ضعیفان به مستکبران می گویند: ما [در دنیا] پیرو شما بودیم، آیا می توانید بخشی از این آتش را از ما دفع کنید؟ (٤٧)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلُّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (٤٨)

مستکبران می گویند: هم اکنون همه ما در آتش هستیم، بی تردید خدا [به عدالت و انصاف] میان بندگان داوری کرده است. (٤٨)

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ اذْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفَّفُ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ (٤٩)

و آنان که در آتش اند، به نگهبانان دوزخ می گویند: از پروردگارتان بخواهید که یک روز بخشی از عذاب را از ما سبک کند. (٤٩)

ص: ٤٧٢

قَالُوا أَوْلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (٥٠)

[نگهبانان] می گویند: آیا پیامبرانتان دلایل روشن برای شما نیاوردنده؟ می گویند: چرا آوردنده. می گویند: پس [هر اندازه که می خواهید خدا را] بخوانید، ولی دعای کافران جز در بیراهه و گمراهی نیست. (٥٠)

إِنَّا لَنَصْرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُولُمُ الْأَشْهَادُ (٥١)

بی تردید ما پیامبران خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی دادن] به پا ایستند، یاری می کیم. (٥١)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّغْنَهُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (٥٢)

همان روزی که عذرخواهی ستمکاران سودشان ندهد و برای آنان لعنت خدا و سرای سخت و بدی است. (٥٢)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأُورَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ (٥٣)

محققاً ما به موسی هدایت عطا کردیم و کتاب [تورات] را به بنی اسرائیل به میراث دادیم؛ (۵۳)

هَدَىٰ وَذِكْرٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ (۵۴)

کتابی که [سراسر] برای خردمندان مایه هدایت و تذکر است. (۵۴)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِّ وَالْإِنْكَارِ (۵۵)

پس [چنان که موسی بر آزار بنی اسرائیل شکیبایی ورزید، تو هم بر آزار دشمنان] شکیبا باش، بی تردید وعده خدا حق است، و از میان رفتن [توطئه ها و موانعی که به وسیله دشمنان در راه پیشرفت دعوت به اسلام برای تو ایجاد شده]، از خدا بخواه، و پروردگارت را شب و صبح همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی. (۵۵)

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنِّي فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كَبِيرٌ مَا هُمْ بِالْغَيْرِ فَاسْتَعِدْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶)

بی تردید آنان که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند و در سینه هایشان جز کبر و بزرگ نمایی نیست به آن [بزرگی و عزت و سلطنتی که در آرزویش هستند] نمی رساند؛ پس به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوا و بیناست. (۵۶)

لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ حَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷)

همانا آفرینش آسمان ها و زمین از آفرینش انسان مهم تر است، ولی بیشتر مردم [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند. (۵۷)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ (۵۸)

و بینا و نایينا، یکسان نیستند و [نیز] آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند با [مردم] بد کار برابر نمی باشند. اندکی متذکر [این حقایق] می شوید. (۵۸)

ص: ۴۷۳

إِنَّ السَّاعَةَ لَا تَيْهُ لَا زَرِيبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹)

یقیناً قیامت آمدنی است، هیچ تردیدی در آن نیست، ولی بیشتر مردم [به سبب تکبر و غرور] ایمان نمی آورند. (۵۹)

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتِجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيِّدُ الْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاهِرِينَ (۶۰)

و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از عبادت من تکبر ورزند، به زودی خوار و رسول به دوزخ درآیند. (۶۰)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (٦١)

خداست که شب را برای شما پدید آورد تا در آن بیارامید، و روز را روشن و بینش بخش قرار داد [تا در آن به کارهای لازم بپردازید]؛ بی تردید خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است، ولی بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند. (٦١)

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالقُ كُلُّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (٦٢)

این است خدا پروردگار شما که آفریننده هر چیزی است، هیچ معبدی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منصرفان می کنند؟ (٦٢)

كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (٦٣)

این گونه [که شما منحرف می شوید] آنان که همواره آیات خدا را انکار می کردند، منحرف می شوند. (٦٣)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بَنَاءً وَصَوَرَكُمْ فَأَخْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (٦٤)

خداست که زمین را برای شما جایگاه امن و آسایش آفرید، و آسمان را بنایی [محکم و استوار] ساخت، و شما را صورتگری کرد و صورت هایتان را نیکو گردانید، و از چیزهای پاکیزه [ای که با طبیعت شما هماهنگ است] به شما روزی داد. این است خدا پروردگار شما، پربرکت است خدا پروردگار جهانیان. (٦٤)

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٦٥)

اوست زنده [بی زوال]، هیچ معبدی جز او نیست، پس او را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنید، بپرستید. همه ستایش ها ویژه خدا پروردگار جهانیان است. (٦٥)

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٦٦)

بگو: من نهی شده ام از اینکه معبدانی که شما به جای خدا می پرستید، بپرستم؛ زیرا از جانب پروردگارم برای من دلایل روش [بر حقایقت توحید] آمده است و مأمورم که فقط تسلیم [فرمان ها و احکام] پروردگار جهانیان باشم. (٦٦)

ص: ٤٧٤

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَادُكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلِ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٦٧)

اوست که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، آن گاه از علقه، سپس به صورت طفلی [از رحم مادران] بیرون می فرستد، تا

به کمال نیرومندی و قوت خود برسید، آن گاه پیر و سالخورده شوید، و برخی از شما پیش از رسیدن به این مراحل قبض روح می شوید، و [برخی زنده می مانید] تا به آن مدتی که معین و مقرر است برسید، و برای اینکه شما [درباره حق] تعقل کنید.

(۶۷)

هُوَ الَّذِي يُحِبِّي وَيُمِيِّزُ فَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۶۸)

اوست که زنده می کند و می میراند، و چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش. پس بی درنگ موجود می شود. (۶۸)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُضْرَفُونَ (۶۹)

آیا کسانی را که در آیات خدا مجادله و ستیزه می کنند، ننگریستی که چگونه [از حق به باطل] برگردانده می شوند؟ (۶۹)

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسُوفَ يَعْلَمُونَ (۷۰)

همانان که قرآن و دینی را که پیامبران خود را به آن فرستادیم، انکار کردند، پس به زودی [نتیجه انکار خود را] خواهد دانست؛ (۷۰)

إِذَا الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَالِ يُسْجَبُونَ (۷۱)

زمانی که غل ها و زنجیرها [ی آتشین] در گردن هایشان باشد در حالی که به وسیله آنها کشیده شوند، (۷۱)

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (۷۲)

در میان آب جوشان، سپس آنان را در آتش افروخته دوزخ می سوزانند. (۷۲)

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ (۷۳)

آن گاه به آنان گویند: معبدانی که [در الوهیت و ربوبیت] شریکان خدا می گرفتید کجا بایند؟ (۷۳)

مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ تَكُنْ نَّدْعُو مِنْ قَبْلٍ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضْلِلُ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (۷۴)

[همان معبدانی که] به جای خدا [می پرستیدید]، می گویند: از نظر ما گم و ناپدید شدند، بلکه ما پیش از این چیزی را نمی پرستیدیم. این گونه خدا کافران را گمراه می کند. (۷۴)

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (۷۵)

این [عذاب ها] برای آن است که به ناحق در زمین شادی و سرمستی می کردید و به سبب آن است که مغوروانه به پایکوبی و

خوشحالی می پرداختید. (۷۵)

اَذْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ حَالِدِينَ فِيهَا فِيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۶)

از درهای دوزخ وارد شوید که در آن جاو دانه اید؛ پس چه بد است اقامت گاه متکبران. (۷۶)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِينَكَ بَعْضَ الدِّيْنِ عَدُمُهُمْ أَوْ تَوْفِيْنَكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۷۷)

نهایتاً [بر آزار اینان] شکیبا باش، بی تردید وعده خدا حق است. پس اگر بخشی از عذاب هایی را که به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا تو را پیش از آن از دنیا ببریم [تفاوی ندارد، در هر صورت] به سوی ما بازگردانده می شوند [و کیفرشان را خواهند دید]. (۷۷)

۴۷۵ ص:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا يَأْذِنُ اللَّهُ فَإِذَا
جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطَلُونَ (۷۸)

قطعاً پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو حکایت کرده ایم، و سرگذشت برخی را بیان نکرده ایم. هیچ پیامبری را نسزد که جز به اذن خدا معجزه ای بیاورد؛ بنابراین هنگامی که فرمان خدا [به عذاب دشمنان لجوج] برسد، بر پایه حق و درستی داوری خواهد شد و آنجاست که اهل باطل زیان خواهند کرد. (۷۸)

الَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۹)

خداست که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا بر بعضی از آنها سوار شوید، و از [گوشت] بعضی از آنها بخورد؛ (۷۹)

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحَمَّلُونَ (۸۰)

و برای شما در آنها سودهایی است، [آری آنها را آفرید] تا با [سوار شدن بر آنها و حمل بار و بنه خود] به مقصدی که در دل های شماست برسید، و بر آنها و بر کشتی ها حمل می شوید. (۸۰)

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنِكِرُونَ (۸۱)

و همواره نشانه های [ربویت و قدرت] خود را به شما نشان می دهد، پس کدام یک از نشانه های خدا را انکار می کنید؟! (۸۱)

أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند [و سرکشی و تکبر می کردند] چگونه بود؟ همانان که نفراتشان از اینان بیشتر و از ایشان نیرومندتر بودند، و در زمین آثاری پایدارتر [چون قلعه ها و خانه های استوار و کاخ های بسیار محکم] داشتند، ولی نفرات و قدرت و آثاری که همواره به دست می آوردند [چیزی از عذاب خدا را] از آنان دفع نکرد. (۸۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُّهِمْ بِالْبَيْنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْنُونَ (۸۳)

هنگامی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، به اندک دانشی که نزد خود داشتند خوشحال بودند [و غیر آن را چیزی به حساب نمی آوردند] ولی عذابی که همواره آن را به مسخره می گرفتند، آنان را احاطه کرد. (۸۳)

فَلَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَانِهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرُوا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴)

پس هنگامی که عذاب سخت ما را دیدند، گفتند: بی تردید به خدا ایمان آوردمیم و به معبدانی که با او شریک قرار می دادیم، کافریم. (۸۴)

فَلَمْ يَكُنْ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَانِهِمْ سُنْتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (۸۵)

ولی زمانی که عذاب سخت ما را دیدند، ایمانشان سودی به آنان نداد. سنت خداست که از دیرباز نسبت به بندگانش جاری شده است [که ایمانشان را پس از دیدن عذاب نمی پذیرد] و آنجاست که کافران زیانکار شدند. (۸۵)

ص: ۴۷۶

سوره فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حِم (۱)

حِم (۱)

تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

این کتابی است نازل شده از سوی خدا که رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۲)

كِتَابٌ فُصِّلٌ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

کتابی است که آیاتش در نهایت روشنی بیان شده است، [به زبانی] فصیح و گویا برای مردمی که اهل معرفت و آگاهی اند؛ (۳)

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثُرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۴)

مژده دهنده و بیم دهنده است. ولی بیشتر آنان [از این دریای معارف] روی گرداندند و به گوش [جان] نمی شوند. (۴)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّهِ مَمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقُرُّ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ (۵)

و گفتند: دل های ما از [درک] حقایقی که ما را به آن می خوانی در پوشش های سختی است، و در گوش های ما سنگینی است، و میان ما و تو پرده ای وجود دارد، بنابراین تو کار خود را انجام بد و ما هم کار خود را انجام می دهیم. (۵)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ (۶)

بگو: من بشری مانند شما هستم، [نه از جنسی دیگر که سخنم را نفهمید] به من وحی می شود که معبد شما فقط معبد یکتاست، پس [با دوری از افراط و تفریط] به سوی او رو کنید، و از او آمرزش بخواهید، و وای بر مشرکان؛ (۶)

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاهُ وَهُمْ بِالْآخِرَهِ هُمُ الْكَافِرُونَ (۷)

همانان که زکات نمی دهن و آخرت را انکار می کنند. (۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸)

بی تردید کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان پاداشی همیشگی است. (۸)

قُلْ أَتَنْكُمْ لَتَكُفُّرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمِئِنْ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹)

بگو: آیا شما به کسی که زمین را در دو روز آفرید، کفر می ورزید، و برای او همتایانی قرار می دهید؟! [ساحت مقدسش از این پیرایه ها پاک است] آن [توانمندی که زمین را آفرید] پروردگار جهانیان است. (۹)

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقَهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَهِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ (۱۰)

و در روی زمین کوه های استواری پدید آورد، و در آن منافع فراوانی آفرید و رزق [روزی خوارانش] را در آن به مدت چهار دوره [بهار، تابستان، پاییز و زمستان] تقدیر کرد [آن هم] یکسان و به اندازه برای خواهند گان. (۱۰)

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعَيْنَ (۱۱)

آن گاه آهنگ آفرینش آسمان کرد، در حالی که به صورت دود بود، پس به آن و به زمین گفت: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمانبردار آمدیم. (۱۱)

ص: ۴۷۷

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاءَتِ فِي يَوْمَئِنْ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَ السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

پس آنها را در دو روز به صورت هفت آسمان به انجام رسانید [و محاکم و استوار ساخت]، و در هر آسمانی کار آن را وحی کرد، و آسمان دنیا را با چراغ هایی آرایش دادیم و [از استراق سمع شیطان ها] حفظ کردیم، این است اندازه گیری توانای شکست ناپذیر و دانا. (۱۲)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنَّدَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مُّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ (۱۳)

اگر روی گردانند، بگو: من شما را از صاعقه ای [مرگبار] چون صاعقه عاد و ثمود بیم می دهم. (۱۴)

إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهُ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۱۵)

هنگامی که پیامبران از پیش رو و پشت سرشان به سوی آنان آمدند [و گفتند]: که جز خدا را نپرستید. گفتند: اگر پروردگار ما می خواست [که ما مؤمن شویم و او را پرسیم] فرشتگانی نازل می کرد [تا دعوتش را به ما ابلاغ کنند]; بنابراین ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کافریم. (۱۶)

فَأَمَّا عِيَادٌ فَاسْتَكْبِرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشْدُدُ مِنَّا قُوَّةً أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۱۷)

اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر کردند و گفتند: نیرومندتر از ما کیست؟ آیا ندانستند خدایی که آنان را آفرید از آنان نیرومندتر است؟ و [به گمان اینکه نیرومندتر از آنان وجود ندارد] همواره آیات ما را انکار می کردند. (۱۸)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيَاحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لُّذْيَقَهُمْ عَذَابَ الْجِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنَصِّرُونَ (۱۹)

سرانجام تندبادی سخت و سرد در روزهایی شوم بر آنان فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب خواری و رسوایی را به آنان بچشانیم، و بی تردید عذاب آخرت رسوایی کتنده تر است و آنان [در آن روز] یاری نخواهند شد. (۲۰)

وَأَمَّا ثُمُودٌ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحْبُوا الْعُمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُوَنِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۲۱)

و اما ثمودیان، پس آنان را هدایت کردیم، ولی آنان کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به کیفر اعمالی که همواره مرتكب می شدند، بانگ عذاب خوار کتنده آنان را فراگرفت؛ (۲۲)

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۲۳)

و کسانی را که ایمان آورده و همواره پرهیز کاری می کردند، نجات دادیم. (۲۴)

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوْزَعُونَ (۲۵)

و [یاد کن] روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گرد آورده می شوند، پس آنان را از حرکت باز می دارند [تا گروه های

دیگر به آنان ملحق شوند.] (۱۹)

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهَدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۰)

وقتی به آتش می رستند، گوش و چشم و پوستشان به اعمالی که همواره انجام می دادند، گواهی می دهند. (۲۰)

ص: ۴۷۸

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۱)

و آنان به پوستشان می گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ می گویند: همان خدایی که هر موجودی را به سخن آورد، ما را گویا ساخت، او شما را نخستین بار آفرید و به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۱)

وَمَا كُنْتُمْ تَسْسِيرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنِّنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲)

و شما [هنگام ارتکاب گناه در دنیا] از اینکه مبادا گوش و چشم و پوستان بر ضد شما گواهی دهند، پنهان نمی شدید، بلکه گمان کردید که خدا بسیاری از آنچه را که [در خلوت] مرتکب می شدید، نمی داند!! (۲۲)

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنِّنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبِحْتُمْ مِّنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

و این گماندان بود که به پروردگار تان بر دید [و همان] شما را هلاک کرد، در نتیجه از زیانکاران شدید. (۲۳)

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَاللَّأْرُ مَثْوَى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْبِدُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَيَّنَ (۲۴)

پس اگر [بر همین حال] ایستادگی کنند، جایگاهشان دوزخ است، و اگر [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند، عذرشان مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. (۲۴)

وَقَيْضَنَا لَهُمْ قُرْنَاءَ فَرَيَّنَا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۲۵)

[به خاطر کفر و طغیانشان] برای آنان همنشینانی [مفشد و تبهکار] گماشتیم که لذایذ مادی و شهوانی حال و آینده را در نظرشان زیبا و دلربا جلوه دادند، و فرمان عذاب بر آنان در [زمره] گروه هایی از جن و انس که پیش از آنان گذشتند، محقق و ثابت شد، آنان بی تردید زیانکارند. (۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ (۲۶)

کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و [هنگام قرائش] سخنان لھو و بیهوده [و سر و صدای بی معنا] در آن افکنید [تا کسی نشنود!] شاید که پیروز شوید. (۲۶)

فَلَنْدِيْقَنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيْدًا وَلَنْجَزِيْنَهُمْ أَسْوَا الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۷)

به یقین کافران را عذابی سخت می چشانیم، و بی تردید آنان را بر پایه بدترین اعمالی که همواره مرتکب می شدند، کیفر می دهیم. (۲۷)

ذَلِكَ جَرَاءَ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۲۸)

این است کیفر دشمنان خدا که آتش است، برای آنان در آتش دوزخ سرایی جاودانه و همیشگی است، کیفری است [ویژه و سخت]، برای اینکه همواره آیات ما را انکار می کردند. (۲۸)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا رَبُّنَا أَرِنَا الَّذِيْنِ أَضَلَّا نَا مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَخْتَأْلَةً أَقْدَامِنَا لِيُكُوْنَنَا مِنَ الْأَسْفَلِيْنَ (۲۹)

و کافران می گویند: پروردگار! آنان که از گروه جن و انس ما را گمراه کردند، به ما نشان بده تا زیر پای خود گذاریم، برای اینکه از پست ترینان شوند. (۲۹)

ص: ۴۷۹

إِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَسْتَرَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَهُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰)

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند]: مترسید و اندوهگین نباشد و شما را به بهشتی که وعده می دادند، بشارت باد. (۳۰)

نَحْنُ أَوْلِيَاوُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَهِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَسْتَهِيْنَ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَعُونَ (۳۱)

ما در زندگی دنیا و آخرت، یاران و دوستان شما هستیم، آنچه دلتان بخواهد، در بهشت برای شما فراهم است، و در آن هر چه را بخواهید، برای شما موجود است. (۳۱)

نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (۳۲)

رزق آمده ای از سوی آمرزنده مهربان است. (۳۲)

وَمَنْ أَحْسَنْ قَوْلًا مَّمَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ (۳۳)

و خوش گفتارتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و کار شایسته انجام دهد و گوید: من از تسليیم شدگان [در برابر فرمانها و احکام خدا] هستم، کیست؟ (۳۳)

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَهُ وَلَا السَّيِّئَهُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاؤهُ كَانَهُ وَلَئِنْ حَمِيمٌ (۳۴)

نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است. (۳۴)

وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍ عَظِيمٍ (۳۵)

این بهترین شیوه را جز کسانی که [در زمینه خودسازی و ترکیه] پایداری کردند، نمی یابند، و جز کسانی که بهره بزرگی [از ایمان و تعوا] دارند به آن نمی رسند؛ (۳۵)

وَإِمَّا يَتَرَغَّبُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَرُغْ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۶)

و اگر سوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کند [که این بهترین شیوه دست برداری] به خدا پناه ببر؛ بی تردید او شنوا و داناست. (۳۶)

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانًا تَعْبُدُونَ (۳۷)

از نشانه های [ربوبیت و قدرت] او شب و روز و خورشید و ماه است؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه، برای خدایی که آنان را آفرید، سجده کنید، اگر می خواهید فقط او را پرسید؛ (۳۷)

فَإِنِ اسْتَكْبِرُوا فَاللَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ (۳۸)

و اگر [از پرسش خدای یکتا] تکبر ورزند، پس [باید بدانند چنین نیست که پرسش کننده ای برای او وجود ندارد،] کسانی که نزد پروردگار تواند [از فرشتگانی که شمار آنان را جز خدا نمی داند] شب و روز برای او تسبیح می گویند و [از تسبیح گویی] ملول و خسته نمی شوند. (۳۸)

ص: ۴۸۰

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ حَاسِنَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَرَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمُوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

و از [دیگر] نشانه های او این است که تو زمین را خشک و بی گیاه می بینی، پس هنگامی که باران بر آن نازل می کنیم، به شدت به جنبش درآید و برآید. بی تردید کسی که زمین مرده را زنده کرد، یقیناً مردگان را زنده می کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست. (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَمَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴۰)

مسلمان کسانی که معانی و مفاهیم آیات ما را از جایگاه واقعی اش تغییر می دهند [و به تفسیر و تأویلی نادرست متول می

شوند] بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی را که در آتش می افکنند، بهتر است یا کسی که روز قیامت در حال اینمی می آید؟ هر چه می خواهد انجام دهد، بی تردید او به آنچه انجام می دهد، بیناست. (۴۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْذِكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لِكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱)

کسانی که به این قرآن هنگامی که به سویشان آمد کافر شدند [به عذابی سخت دچار می شوند] بی تردید قرآن کتابی است شکست ناپذیر، (۴۱)

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲)

که هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی آید، نازل شده از سوی حکیم و ستوده است. (۴۲)

مَا يُقَالُ لَكَ إِنَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَعْنَى وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳)

جز آنچه به پیامبران پیش از تو گفته شده است، به تو گفته نمی شود؛ مسلمًا پروردگارت صاحب آمرزش ودارای عذابی دردنگر است؟ (۴۳)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَعَرِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْءَ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمَّى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)

و اگر آن را قرآنی غیر عربی قرار داده بودیم قطعاً می گفتند: چرا آیاتش در نهایت روشنی بیان نشده است، آیا [قرآنی] غیر عربی [و نامفهوم] برای [مردمی] عرب زبان [و فصیح؟!] بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده اند، سراسر هدایت و درمان است، و کسانی که ایمان نمی آورند در گوششان سنگینی است، و آن [با همه روشنی و آشکاری اش] بر آنان پوشیده و نامفهوم است؛ ایناند که [گویی] از جایی دور نداشتن می دهند. (۴۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لِقْضَى بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ (۴۵)

به یقین ما به موسی کتاب عطا کردیم پس در آن اختلاف شد [که از پیشگاه حق آمده یا ساختگی است]، و اگر از سوی پروردگارت فرمانی [بر مهلت یافتنشان] پیشی نگرفته بود، بی تردید میانشان [به نابودی و هلاکت] حکم شده بود؛ و اینان هم [چون قوم موسی] نسبت به قرآن در تردیدی سخت هستند. (۴۵)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَيْدِ (۴۶)

کسی که کار شایسته انجام دهد، به سود خود اوست، و کسی که مرتکب زشتی شود به زیان خود اوست، و پروردگارت ستمکار به بندگان نیست. (۴۶)

ادامه سوره فصلت

إِلَيْهِ يُرْدُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَحْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُثْنَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَئِنْ شُرَكَائِي قَالُوا
آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ (۴۷)

آگاهی و دانش به قیامت [و اینکه چه زمانی برپا می شود و چه خواهد شد] فقط ویژه اوست؛ و میوه ها از غلاف هایشان بیرون نمی آیند، و هیچ ماده ای حامله نمی شود و وضع حمل نمی کند مگر به دانش او. و روزی که [خداد] مشرکان را ندا می دهد: شریکانی که برای من می پنداشتید، کجا یند؟ می گویند: [پس از روشن شدن حقایق بر ما] قاطعانه به تو اعلام می کنیم که هیچ گواهی از میان ما [بر اینکه تو را شریکی هست] وجود ندارد؛ (۴۷)

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلٍ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (۴۸)

و آنچه را از پیش [به عنوان شریکان خدا] می پرستیدند از نظرشان گم و ناپدید می شود و یقین می کنند که آنان را هیچ راه گریزی [از عذاب] نیست. (۴۸)

لَا يَسِّأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْحَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤْسِنُ قَنُوطٌ (۴۹)

انسان از درخواست خوشی و رفاه خسته نمی شود، واگر آسیبی به او رسد به شدت مأیوس [و] نامید می شود؛ (۴۹)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مَنَا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَطْلَنُ السَّاعَةَ قَائِمَهُ وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لَيْ عِنْدَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنْتَبَئِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنْذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ عَلَيْهِ (۵۰)

و اگر او را از سوی خود پس از آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاه بچشانیم قاطعانه می گوید: این [خوشی و رفاه] ویژه من است [و به خاطر لیاقتم به من رسیده است] و گمان نمی کنم که قیامت برپا شود، و [به فرض برپا شدن] اگر به سوی پورودگارم باز گردانده شوم، برای من نزد او پاداشی نیکوتر خواهد بود! ما یقیناً کسانی را که کافر شدند به اعمالی که انجام داده اند، آگاه خواهیم کرد، و قطعاً از عذابی سخت به آنان می چشانیم. (۵۰)

وَإِذَا أَعْنَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَغْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَدُوْ دُعَاءٍ عَرِيضٍ (۵۱)

و هنگامی که به انسان نعمت عطا می کنیم [از طاعت و عبادت] روی بر می گرداند و [با کبر و نخوت] از ما دور می شود، و چون آسیبی به او رسد [برای برطرف شدنش] به دعای فراوان و طولانی روی می آورد؛ (۵۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنَّ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَصْلِ مِمْنُ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۲)

بگو: به من خبر دهید: اگر [قرآن] از سوی خدا باشد و سپس شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراه ترا از آن خواهد بود که

در مخالفتی دور [از منطق و صواب] قرار دارد؟ (۵۲)

سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۳)

به زودی نشانه های خود را در کرانه ها و اطراف جهان و در نفوس خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی تردید او حق است. آیا کافی نیست که پروردگاری با ظاهر کردن حقایق و دلایل [بر همه چیز گواه است] که تنها او آفریننده و بی نیاز است و غیر او مخلوق و از هر جهت نیازمند به اوست. (۵۴)

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ (۵۴)

آگاه باش! که آنان نسبت به دیدار [قيامت و محاسبه اعمال به وسیله] پروردگارشان در تردیدند. [و] آگاه باش! که یقیناً او به همه چیز [با قدرت و دانش بی نهايتش] احاطه دارد. (۵۴)

ص: ۴۸۲

سوره الشوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

عشق (۲)

عشق (۲)

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

این گونه خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم به سوی تو و کسانی [از پیامبران] که پیش از تو بودند، وحی می کند. (۳)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۴)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرُنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵)

نژدیک است آسمان ها از فرازشان [به سبب عظمت وحی] بشکافند و فرشتگان، پروردگارشان را همواره همراه با سپاس و ستایش تسبیح می گویند، و برای کسانی که در زمین هستند، درخواست آمرزش می کنند؛ آگاه باشید! بی تردید خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أُولِيَاءَ اللَّهِ حَفِيقُ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (٦)

و کسانی که غیر خدا را سرپرستان و یاران خود گرفته اند، خدا نگهبان و مراقب بر [اعمال و گفتار] آنان است و تو کارساز و وکیل بر آنان نیستی. (٦)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرِيًّا لُّسْتِدَرْ أُمَّ الْقُرْبَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبٌ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (٧)

و این گونه قرآنی [به زبان] عربی [فصیح و گویا] به تو وحی کردیم تا [مردم] ام القری [شهر مکه] و کسانی را که پیرامون آن هستند، بیم دهی، و آنان را از روز جمع شدن [یعنی روز قیامت] که تردیدی در آن نیست بترسانی، [روزی که] گروهی در بهشت اند و گروهی در آتش سوزان. (٧)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا نَصِيرٍ (٨)

اگر خدا می خواست آنان را [از روی جبر بر محور هدایت] امت واحدی قرار می داد، ولی [هدایت اجباری فاقد ارزش است] هر که را بخواهد [در صورتی که ستمکار به آیات خدا نباشد] در رحمت خود در آورد؛ و ستمکاران را هیچ دوست و یاوری [که از عذاب نجاتشان دهد] نیست. (٨)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أُولِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٩)

آیا به جای او سرپرستان و معبدانی برای خود گرفته اند؟ در حالی که سرپرست و معبد واقعی خدادست، و تنها اوست که مردگان را زنده می کند و فقط اوست که بر هر کاری تواناست؟ (٩)

وَمَا اخْتَلَقْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّى عَلَيْهِ تَوَكِّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (١٠)

و آنچه را [از امور دین، عقاید و احکام] در آن اختلاف دارید، داوری اش با خدادست. این است خدا پروردگار من، بر او توکل کردم و به او باز می گردم. (١٠)

ص: ٤٨٣

فَاطِرُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَمْرُؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (١١)

آفریننده آسمان ها و زمین است. از خودتان برایتان جفت هایی قرار داد، و از چهارپایان هم جفت هایی آفرید. شما را با این [تدبیر حکیمانه] زیاد می کند. هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوا و بیناست. (١١)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (١٢)

کلیدهای آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره مالکیت اوست. رزق و روزی را برای هر کس که بخواهد وسعت می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد. یقیناً او به همه چیز داناست. (۱۲)

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ
كَبَرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳)

از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشريع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم؛ و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن توصیه نمودیم [این است] که دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید. بر مشرکان دینی که آنان را به آن می‌خوانی گران است. خدا هر کس را بخواهد به سوی [این] دین جلب می‌کند، و هر کس را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند، (۱۴)

وَمَا تَنَفَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا حَيَاءُهُمُ الْعُلُمُ بَعْدَأَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةُ سَيِّقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجْلٍ مُسَيَّمٍ لَقُضَّى بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا
الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ (۱۵)

و [جامعه‌های دینی در طول تاریخ] فرقه فرقه و گروه گروه نشدند، مگر پس از آنکه [نسبت به حقایقت دین به وسیله کتاب های آسمانی] دانش و آگاهی به سویشان آمد، [این پراکندگی و تفرقه به سبب] حسد و دشمنی میان خودشان بود، و اگر از سوی پروردگارت فرمانی [بر مهلت یافتنشان] تا زمان معین پیشی نگرفته بود، بی تردید میانشان [به نابودی و هلاکت] حکم شده بود. و یقیناً کسانی که پس از آنان کتاب آسمانی [قرآن] را به میراث یافتد، نسبت به آن در تردیدی سخت هستند. (۱۶)

فَإِذَا لِكَ فَادْعُ وَاشْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَمَا تَتَّقِعْ أَهْوَاءُهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْيَدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ نَاهَا
أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمِعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۷)

پس آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن، و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده، ایمان آوردم، و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم؛ خدا پروردگار ما و شماست؛ اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماست؛ دیگر میان ما و شما [پس از روشن شدن حقایق] هیچ حجت و برهانی نیست؛ خدا ما و شما را [در عرصه قیامت] جمع می‌کند، و بازگشت [همه] به سوی اوست. (۱۸)

ص: ۴۸۴

وَالَّذِينَ يُحَاجِجُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَهُ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۹)

کسانی که درباره خدا پس از آنکه دعوتش [از سوی مردم منصف با تکیه بر عقل و فطرت] اجابت شده مجادله و ستیزه می‌کنند، دلیلشان [بر ضد حقایق] نزد پروردگارشان باطل است و از سوی خدا خشمی بر آنان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود. (۲۰)

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (۱۷)

خداست که به حق و راستی کتاب و میزان [سنخش حق از باطل] را نازل کرد. و تو چه می دانی، شاید قیامت نزدیک باشد.
(۱۷)

يَسِّرْ تَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۱۸)

کسانی که به آن ایمان ندارند [از روی ریشخند] به آمدنش شتاب دارند، و کسانی که ایمان دارند از آن بیناکند و می دانند بی تردید قیامت حق است. آگاه باشید! یقیناً کسانی که درباره قیامت همواره تردید می کنند، در گمراهی دور و درازی هستند. (۱۸)

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْغَيْزِيرُ (۱۹)

خدا نسبت به بندگانش بسیار مهربان و نیکوکار است، هر که را بخواهد روزی می بخشد و او نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۱۹)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْنَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَزْنِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْنَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (۲۰)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، بر زراعتش می افزاییم و کسی که زراعت دنیا را بخواهد، اندکی از آن را به او می دهیم، ولی او را در آخرت هیچ بهره و نصیبی نیست. (۲۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذِنْ بِهِ اللَّهُ وَأَوْلَى كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَقُضِيَ يَئِنَّهُمْ فِي الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)

آیا مشرکان و کافران معبدانی دارند که بی اذن خدا آینی را برای آنان پایه گذاری کرده اند؟ [در صورتی که پایه گذاری آین، حق ویژه خداست و کسی را نرسد که از نزد خود آینی بسازد] اگر فرمان قاطعانه خدا بر مهلت یافتنشان نبود، مسلماً میانشان [به نابودی و هلاکت] حکم می شد؛ و بی تردید برای ستمکاران عذابی دردناک خواهد بود. (۲۱)

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۲۲)

ستمکاران را [در قیامت] می بینی که از اعمالی که انجام داده اند، بسیار بیناکند و همان را که مرتكب شده اند، بر آنان فرود می آید و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغ های سرسیز بهشت اند، برای آنان هر چه را که بخواهند نزد پروردگارشان فراهم است؛ این همان فضل بزرگ است. (۲۲)

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَةُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً تُنْزَلْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

این است چیزی که خدا آن را به بندگانش که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، مژده می دهد. بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز موبد نزدیکان را [که بنابر روایات بسیار اهل بیت عليهم السلام هستند] را نمی خواهم. و هر کس کار نیکی کند، بر نیکی اش می افزاییم؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و عطاکنده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است. (۲۳)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءُ اللَّهُ يَخْتِمُ عَلَى قَلْبِكَ وَيُحَقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۴)

بلکه [منافقان سبک مغز] می گویند: [در نزول آیه مودت] بر خدا دروغ بسته است! پس اگر خدا بخواهد، بر دل تو مهر می نهاد [تا از دروغ بستن باز ایستی، ولی تو از دروغ بستن بر خدا منزه‌یی، این تهمت بزرگ است که این بیماردلاـن بر تو می بندند]. و خدا باطل را محو می کند و حق را با کلمات استوارش [و سخنان منطقی و مستدلش] پابرجا می سازد؛ یقیناً او به نیات و اسرار سینه‌ها داناست. (۲۴)

وَهُوَ الَّذِي يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۲۵)

و اوست که توبه را از بندگانش می پذیرد و از گناهان درمی گذرد و آنچه را انجام می دهید، می داند. (۲۵)

وَيَسْتَحِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۲۶)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، اجابت می کند و از فضل و احسانش بر آنان می افراید؛ و برای کفاران عذابی سخت خواهد بود. (۲۶)

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزَّلُ بِقَدِيرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (۲۷)

و اگر خدا روزی را بر بندگانش وسعت دهد، در زمین سرکشی و ستم کنند، ولی آنچه را بخواهد به اندازه نازل می کند؛ یقیناً او به بندگانش آگاه و بیناست. (۲۷)

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ (۲۸)

و اوست که باران را پس از اینکه [مردم از آمدنش] نومید شدند، نازل می کند و رحمتش را می گستراند، و او سرپرست و یار [واقعی] و سوده است. (۲۸)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَ فِيهِمَا مِنْ دَائِيَهُ وَهُوَ عَلَى جَمِيعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ (۲۹)

و از نشانه‌های [ربویت و قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین است و [نیز] آنچه از جنبنده میان آن دو پراکنده است، و او

هرگاه بخواهد بر جمیع کردنشان تواناست. (۲۹)

وَمَا أَصَابُكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَغْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۳۰)

و هر آسیبی به شما رسید به سبب اعمالی است که مرتكب شده اید، و از بسیاری [از همان اعمال هم] درمی گذرد. (۳۰)

وَمَا أَنْتُ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا نَصِيرٍ (۳۱)

و شما در زمین عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید] و جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. (۳۱)

ص: ۴۸۶

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۳۲)

از نشانه های او کشتی های کوه آسا در میان دریاست [که به کمک باد در حرکت اند]. (۳۲)

إِنْ يَشأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيُظْلِلُنَّ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لُّكْلُ صَبَارٍ شَكُورٍ (۳۳)

اگر بخواهد باد را فرومی نشاند، در نتیجه کشتی ها به روی آب ساکن و بی حرکت می مانند؛ یقیناً در این واقعیت برای هر شکیای سپاس گزاری نشانه هایی [بر قدرت و ربویت خدا] است. (۳۳)

أَوْ يُوبِقُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ (۳۴)

يا اگر بخواهد کشتی ها را [با سرنشینانش] به سبب گناهانی که مرتكب شده اند، نابود می کند و از بسیاری [از همان گناهان] می گذرد. (۳۴)

وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيصٍ (۳۵)

و تا کسانی که در آیات ما مجادله و ستیزه می کنند، بدانند که آنان را [از عرصه قدرت ما] هیچ گریز گاهی نیست. (۳۵)

فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۳۶)

پس آنچه [از کالا، وسائل و ابزار مادی] به شما داده اند، متاع [اندک و زود گذر] زندگی دنیاست، و آنچه [از بهره و پاداش] نزد خدادست، برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و پایدارتر است. (۳۶)

وَالَّذِينَ يَجْتَبِيُونَ كَبَائِرُ الِّإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۳۷)

و [همان] کسانی که از گناهان بزرگ و از کارهای زشت دوری می کنند و هنگامی که [به مردم] خشم می گیرند، راه چشم پوشی و گذشت را بر می گزینند؛ (۳۷)

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى يَئِنَّهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸)

و آنان که دعوت پرورد گارشان را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنجه روزی آنان کرده ایم، انفاق می کنند؛ (۳۸)

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبُغْضُى هُمْ يَتَصَرَّفُونَ (۳۹)

و آنان که هرگاه ستمی به آنان رسد [تسليم ستم و ستمکار نمی شوند، بلکه از دشمن به حکم حق و برابر با قوانین اسلام] انتقام می گیرند؛ (۳۹)

وَجَرَاءُ سَيِّئَاتِهِ سَيِّئَاتٌ مُّثُلُّهَا فَمَنْ عَفَّا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۴۰)

پاداش بدی [چون قتل و زخم زدن و اتلاف مال] مانند همان بدی است؛ ولی هر که بگذرد و [میان خود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید. پاداشش بر عهده خدادست؛ یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد. (۴۰)

وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ (۴۱)

و کسانی که پس از ستم دیدنشان [به حکم حق و برابر قوانین اسلام] در مقام انتقام برآیند، ایرادی بر آنان نیست [و در شرع مقدس مجوزی وجود ندارد که حق آنان را باطل کنند]. (۴۱)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَنْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)

ایراد و محکومیت فقط متوجه کسانی است که به مردم ستم روا می دارند و به ناحق در زمین سرکشی می کنند، اینانند که برای آنان عذابی در دنیاک خواهد بود، (۴۲)

وَلَمَنِ صَبَرَ وَعَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)

و کسی که [با قدرت داشتن بر انتقام به اختیار خود] شکیبایی ورزد و [از انتقام] گذشت کند، بی تردید این از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است، (۴۳)

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَالِّيٌّ مِّنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٌ مِّنْ سَبِيلٍ (۴۴)

و هر که را خدا [به کیفر کبر و عنادش] گمراه کند، او را پس از خدا هیچ سرپرست و یاوری نخواهد بود؛ و ستمکاران را [روز قیامت] می بینی چون عذاب را بیینند، می گویند: آیا راهی به سوی بازگشت [به دنیا] وجود دارد؟! (۴۴)

وَتَرَاهُمْ يُعَرِّضُونَ عَلَيْهَا حَاسِنَةَ عَيْنَ مِنَ الَّذِلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْحَاسِنَاتِ رِبِّنَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (۴۵)

و آنان را می بینی که بر آتش عرضه می شوند، [در حالی که از شدت رسایل سرافکنده اند] زیر چشمی به آن می نگرند. و اهل ایمان می گویند: یقیناً زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجود خود و کسانشان را تباہ کرده اند. آگاه باشید! مسلمًا ستمکاران در عذابی پایدار و جاودانه اند. (۴۵)

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أُولَئِكَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ (۴۶)

و در برابر خدا برای آنان سرپرستان و یاورانی که یاریشان دهد نخواهد بود؛ و هر که را خدا گمراه کند، او را هیچ راهی [به سوی نجات و سعادت] نیست. (۴۶)

اسْتَحْيِوْا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمًا مَرَدَّلَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مُلْبِغاً يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ (۴۷)

پیش از آنکه روزی فرا رسید که از سوی خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست، پروردگارتان را اجابت کنید، آن روز برای شما هیچ پناه گاهی و هیچ راه انکاری [نسبت به اعمالی که مرتکب شده اید] وجود ندارد؛ (۴۷)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذْقَنَا إِلَيْكَ الْإِنْسَانَ مِنَ رَحْمَهِ فَرَحَ بِهَا وَإِنْ تُصِّهْ بِهِمْ سَيِّئَةً بِمَا قَدَّمْتُمْ أَئِنَّدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ (۴۸)

پس اگر [از دعوت] روی برگردانند [اندوهگین مباش] ما تو را بر آنان نگهبان و مراقب نفرستاده ایم [تا آنان را به اجرار در دایره هدایت قرار دهی]، جز رساندن [پیام وحی] بر عهده تو نیست، و هنگامی که ما از سوی خود رحمتی [چون سلامت، امنیت و ثروت] به انسان بچشانیم، به آن سرمست و مغور می شود، و اگر به سبب گناهانی که مرتکب شده اند آسیبی به آنان رسید [رحمت حق را فراموش می کنند]، بی تردید انسان بسیار ناسپاس است. (۴۸)

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّا وَيَهُ لِمَنْ يَشَاءُ الدُّكُورَ (۴۹)

مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خدادست، هر چه را بخواهد می آفریند، به هر کس بخواهد دختر عطا می کند و به هر کس بخواهد پسر می بخشد؛ (۴۹)

أَوْ يُنَزِّهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰)

یا پسران و دختران را با هم به آنان می دهد و هر که را بخواهد نازا می کند؛ یقیناً او دانا و تواناست. (۵۰)

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُرْحِي يَادِنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ (۵۱)

هیچ بشری را نسزد که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب غیب یا رسولی [چون فرشته] می فرستد؛ پس فرشته به اذن او آنچه را بخواهد وحی می کند؛ یقیناً او بلند مرتبه و حکیم است. (۵۱)

ص: ۴۸۸

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۵۲)

و همان گونه [که بر پیامبران پیشین وحی کردیم] روحی را [چون قرآن] از امر خود به تو وحی کردیم. تو [پیش از این] نمی دانستی کتاب و ایمان چیست؟ ولی آن [کتاب] را نوری قرار دادیم که هر کس از بندگانمان را بخواهیم به وسیله آن هدایت می کنیم؛ بی تردید تو [مردم را] به راهی راست هدایت می نمایی. (۵۲)

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (۵۳)

راه آن خدایی که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست. آگاه باشد! که همه امور به سوی خدا بازمی گردد. (۵۳)

سوره الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سو گند به [این] کتاب روشنگر (۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

که ما آن را [به زبان] عربی [فصیح و گویا] قرار دادیم تا [در آن] تعقل کنند؛ (۳)

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَنِيَا لَعَلَّيٌّ حَكِيمٌ (۴)

و همانا که آن در ام کتاب [که لوح محفوظ است] نزد ما بلند مرتبه و حکیم است. (۴)

أَفَنْصَرِبُ عَنْكُمُ الْذُكْرِ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (۵)

آیا برای اینکه شما قومی اسراف کارید، قرآن را از شما دور کنیم و بازگردانیم؟! [نه این کار را نمی کنیم تا بندگانمان از

هدايت محروم نشوند.] (۵)

وَكُمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (۶)

و چه بسيار پيامبراني که در ميان پيشينيان [که مردمی اسراف کار بودند] فرستاديم [و به سبب اسرافشان از فرستادن پيامبر در يع نکرديم؛] (۶)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِزُونَ (۷)

ولی هیچ پيامبری به سوی آنان نیامد مگر اينکه او را همواره مسخره می کردند. (۷)

فَأَهْلَكَنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثُلُ الْأَوَّلِينَ (۸)

پس ما نيروندتر از اين اسراف کاران [زمان تو] را هلاک کردیم و سرگذشت پيشينيان [هلاک شده، در سوره های ديگر قرآن] گذشت. (۸)

وَلَئِنْ سَأَلْتُهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقُهُنَّ الْعَرِيزُ الْعَلِيُّمُ (۹)

و اگر از آنان پرسی آسمان ها و زمين را چه کسی آفريده است؟ قطعاً خواهند گفت: آنها را همان تواناي شکست ناپذير و دانا آفريد. (۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰)

همان که اين زمين را محل آرامش شما قرار داد و برای شما در آن، راه ها پدید آورد تا [به اهداف و مقاصدتان] راه يابيد. (۱۰)

ص: ۴۸۹

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتَانَ كَذِيلَكَ تُخْرِجُونَ (۱۱)

و آنکه از آسمان آبی به اندازه نازل کرد، پس به وسیله آن سرزمينی مرده را زنده کردیم، [و] همين گونه [درقيامت از گورها] بiron آورده می شويد؛ (۱۱)

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَرْوَاحَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)

و آنکه همه جفت ها را آفريد، و برای شما از کشتی ها و چهارپایان و آنچه که سوارش می شويد پدید آورد، (۱۲)

لِتَسْتَوْا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَدْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۱۳)

تا بر پشت آنها قرار گیرید، سپس هنگامی که بر آنها سوار می شوید نعمت پروردگار تان را به یاد آورید و بگویید: منزه [از هر عیب و نقصی] است کسی که این [وسایل سواری] را برای ما مسخر و رام کرد، در حالی که ما را قدرت مسخر کردن آنها نبود؛ (۱۳)

وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَبِّلُونَ (۱۴)

و یقیناً ما به سوی پروردگار مان باز می گردیم؛ (۱۴)

وَجَعْلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءاً إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (۱۵)

و [مشر کان سبک مغز] برای خدا از میان بندگانش قطعه ای و جزیی [به عنوان فرزند که از او جدا شده] قرار دادند؛ قطعاً انسان کفران کننده آشکاری است. (۱۵)

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَافًا كُمْ بِالْبَيْنِ (۱۶)

آیا از آنچه خدا می آفریند، دخترانی برای خود برگرفته و شما را به داشتن پسران برگزیده است؟ (۱۶)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًا وَهُوَ كَظِيمٌ (۱۷)

و [در صورتی که] چون یکی از آنان را به [ولادت] دختری که شبیه و هم جنس خدا قرار داده مژده دهنده در حالی که [دلش] پر از اندوه و خشم است، صورتش سیاه می شود! [چون علاوه بر اینکه دخترداری را دوست ندارد از آن ننگ دارد، اما همین دختر را به عنوان هم جنس و فرزند خدا قلمداد می کند!!] (۱۷)

أَوَمَنْ يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ عَيْرُ مُبِينٍ (۱۸)

آیا کسی را [شریک خدا قرار داده اند] که در زر و زیور پرورش یافته است و [هنگام] مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟ (۱۸)

وَجَعْلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا ثَأْشِهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكَتَّبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسَأَلُونَ (۱۹)

و فرشتگان را که بندگان [خدای] رحمان اند، به پندار خود جنس ماده قرارداده اند، آیا زمان آفرینش آنان حضور داشتند [که بر ماده بودنشان گواهی می دهند؟] به زودی گواهی آنان [در نامه اعمالشان] نوشته می شود و [درباره آن] مورد بازپرسی قرار خواهد گرفت. (۱۹)

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَحْرُصُونَ (۲۰)

و گفتند: اگر خدا می خواست ما آنان را نمی پرستیدیم. ادعایشان متکی بر هیچ [دلیل] و دانشی نیست [و مایه ای جز جهل و

نادانی ندارد، فقط حدس می زند و دروغ می بافند؛ (۲۰)

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمِسُكُونَ (۲۱)

یا مگر ما پیش از قرآن کتابی به آنان داده ایم که [برای اثبات ادعایشان] به آن تمسک می جویند؟ (۲۱)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آباءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ (۲۲)

[نه] بلکه [هیچ دلیلی بر حقایقت بت پرستی و شرک خود ندارند، بلکه دلگرمی آنان به آیینشان این است که] گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و مسلمًا ما هم با پیروی از آثارشان ره یافته ایم. (۲۲)

ص: ۴۹۰

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتَرْفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آباءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ (۲۳)

[پیروی کورکرانه و جاهلانه مخصوص اینان نیست] و به همین گونه پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستاندیم، مگر آنکه سران خوشگذران و مست و مغورش گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما هم حتماً به آثارشان اقتدا می کنیم. (۲۳)

قَالَ أَوْلَوْ جِئْشُكُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آباءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أَرْسَلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴)

[بیم دهنده] گفت: آیا هر چند من آیینی هدایت کننده تر از آیینی که پدرانتان را بر آن یافته اید، برایتان بیاورم؟ گفتند: ما به آیینی که به آن فرستاده شده اید، کافریم! (۲۴)

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُكَذِّبِينَ (۲۵)

در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم. پس با تأمل بنگر سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود. (۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمَ لِأَيْهِ وَقَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر و قومش گفت: من بی تردید از آنچه می پرستید، بیزارم. (۲۶)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِيْنِ (۲۷)

مگر کسی که مرا آفریده، که یقیناً او مرا هدایت می کند، (۲۷)

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَهَ فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۸)

و توحید و یکتاپرستی را در نسل های بعد از خود حقیقتی پایدار قرار داد، باشد که آنان [به سوی توحید] بازگردند؛ (۲۸)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ (۲۹)

[نه اینکه بازنگشتند و من هم از آنان انتقام نگرفتم] بلکه اینان [که در مکه آلوده به بت پرستی هستند] و پدرانشان را [از انواع نعمت ها] برخوردار کردم تا آنکه حق و فرستاده ای روشنگر [چون قرآن و محمد] به سویشان آمد؛ (۲۹)

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (۳۰)

و هنگامی که حق به سویشان آمد، گفتند: این جادوست و ما به آن کافریم، (۳۰)

وَقَالُوا لَوْلَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبَيْنِ عَظِيمٍ (۳۱)

و گفتند: این قرآن چرا بر مردمی بزرگ از میان یکی از این دو شهر [مکه و طایف] نازل نشد؟! (۳۱)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَّمَنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضِهِمْ دَرَجَاتٍ لَّيَتَّخَذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

آیا آنان هستند که رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما در زندگی دنیا معیشت آنان را میانشان تقسیم کرده ایم، و برخی را از جهت درجات [فکری و مادی] بر برخی برتری داده ایم تا برخی از آنان برخی دیگر را [در امر معیشت و سایر امور] به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه آنان جمع می کنند، بهتر است. (۳۲)

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ لَجَعَلْنَا لِمَن يَكُفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُبَيِّنَهُمْ سُقُفاً مِنْ فِضَّهِ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)

و اگر [بهره مندی کفار از انواع نعمت های مادی و تهییدستی مؤمنان، سبب] این نبود که همه مردم [به خاطر ضعف ایمان و ناآگاه بودن به حقایق] بر محور کفر امتی واحد شوند، ما برای خانه های کافران به [خدای] رحمان سقف هایی از نقره قرار می دادیم و نرdban هایی که با آن بر بالای خانه ها برآیند. (۳۳)

ص: ۴۹۱

وَلِيُبَيِّنَهُمْ أَبْوَابًا وَسُرُّرًا عَلَيْهَا يَتَكَبُّونَ (۳۴)

و برای خانه هایشان [نیز] درها و تخت هایی [از نقره می ساختیم] که بر آن تکیه زند، (۳۴)

وَزُخْرُفًا وَإِن كُلُّ ذِلِكَ لَمَّا مَتَّاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (۳۵)

و [برای خانه ها و زندگی آنان] زر و زیور [قرار می دادیم]، ولی همه این ها جز کالای اندک زندگی دنیا نیست، و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیز کاران است؛ (۳۵)

وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۳۶)

و هر کس خود را از یاد [خدای] رحمان به کوردلی و حجاب باطن بزند، شیطانی بر او می گماریم که آن شیطان ملازم و دمسازش باشد. (۳۶)

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (۳۷)

و بی تردید شیطان ها چنین کسانی را از راه خدا باز می دارند، در حالی که [با این گمراهی سخت] گمان می کنند راه یافتگان واقعی آنانند؛ (۳۷)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمُشْرِقَيْنِ فِيْقِسْ الْقَرِينُ (۳۸)

تا زمانی که [در قیامت] نزد ما آیند [به شیطانش] گوید: ای کاش میان من و تو فاصله و دوری مشرق و غرب بود، پس بد همنشینی بودی! (۳۸)

وَلَن يَنْفَعُكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۹)

و [به آنان گویند: امروز این گفتگو و آرزوی دوری از شیطان] هرگز به شما سودی نمی دهد؛ زیرا [در دنیا] ستم ورزیدید [و] اکنون همه با هم در عذاب مشترک خواهید بود؛ (۳۹)

أَفَكَانَتْ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٌ (۴۰)

پس آیا تو می توانی [دعوت را] به کران بشنوانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکارند هدایت کنی؟! (۴۰)

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُتَّقِمُونَ (۴۱)

پس اگر تو را از دنیا ببریم، یقیناً از اینان انتقام خواهیم گرفت، (۴۱)

أَوْ نُرِينَكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ (۴۲)

یا [اگر از دنیا نبریم] آنچه را از عذاب به آنان وعده کرده ایم به تو نشان خواهیم داد [در هر صورت ما آنان را عذاب می کنیم]، و بی تردید بر آنان چیره و مسلطیم؛ (۴۲)

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۳)

پس به آنچه بر تو وحی شده تمسک بجوى، یقیناً تو بر راهی راست قرار داري؛ (۴۳)

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُشَأْلُونَ (۴۴)

و مسلمًا [این] قرآن برای تو و قوم تو مایه تذکر [و شرف و عزت] است، و سپس [درباره آن] بازخواست خواهد شد. (۴۴)

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُّسْلَنَا أَجْعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَ يُغْبُدُونَ (۴۵)

و از پیامبرانی که پیش از تو فرستاده ایم پرس که آیا به جای [خدای] رحمان معبدانی که پرستش شوند، قرار داده ایم؟! (۴۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلِئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۶)

و به راستی ما موسی را با نشانه های خود به سوی فرعون و سران و اشراف قومش فرستادیم، پس گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم؛ (۴۶)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ (۴۷)

نهایتاً چون معجزه های ما را برای آنان آورد ناگاه آنان [از روی ریشخند] به آنان می خندیدند. (۴۷)

ص: ۴۹۲

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبُرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخْدُنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۸)

ما هیچ معجزه ای را به آنان نشان نمی دادیم مگر آنکه از مشابهش بزرگ تر بود، و آنان را به عذاب دنیابی گرفتار کردیم، باشد که باز گردند. (۴۸)

وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ اذْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهَمَّدُونَ (۴۹)

و [وقتی گرفتار شدند] گفتند: ای جادوگر! پروردگارت را بر پایه عهدی که با تو کرده [که اگر ایمان آوریم عذاب را از ما بردارد] برای ما بخوان، که بی تردید ما هدایت خواهیم یافت. (۴۹)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (۵۰)

هنگامی که عذاب را از آنان برطرف می کردیم، ناگاه پیمان می شکستند. (۵۰)

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهِذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبَصِّرُونَ (۵۱)

و فرعون در میان قومش ندا داد: گفت: ای قوم من! آیا حکومت و پادشاهی مصر ویژه من نیست و این نهرها از زیر [کاخ های] من به فرمان من روان نیستند؟ آیا [عظمت و حشمت من و فقر و تهیه‌ستی موسی را] نمی بینید؟! (۵۱)

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبَيِّنُ (۵۲)

مَّكْرُ نَهْ اِنْ اَسْتَ كَهْ مَنْ اَزْ اِنْ كَسْيَ كَهْ خَوَارْ وْ بَيْ مَقْدَارْ اَسْتَ وْ نَمْيَ تَوَانَدْ رَوْشَنْ وْ گُويَا سَخَنْ گُويَدْ، بَهْرَمْ؟ (٥٢)

فَلَوْلَا أُلْقَى عَلَيْهِ أَسْوَرَهُ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَهُ مُقْتَرِنِينَ (٥٣)

[اَكْرَ مُوسَى، عَزَّتْ، سَرِيلَنْدِي، كَرَامَتْ وَ شَخْصِيتْ دَاشَتْ] پَسْ چَرا دَسْتَبَنْدَهَيَ زَرِينْ وَ طَلَابَرْ اوْ آويَخَتْهَ نَشَدَهَ اَسْتَ؟ يَا چَرا فَرِشْتَگَانِي [بَرَايِ اِثَابَتْ نَبوَتْشْ] هَمَراهَ اوْ نِيَامَدَهَ اَندَ؟ (٥٣)

فَاسْتَخَفَ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (٥٤)

پَسْ اوْ قَوْمَشَ رَاهَ سَبَكَ مَغَزَ شَمَرَدْ [وَ آنَانَ رَاهَ باَ وَسُوسَهَ وَ اَغْوَأَگَرَى فَرِيفَتْ وَ خَوارَشَانَ كَرَدْ] درَ نَتِيجَهَ اَزَ اوَ اَطَاعَتْ كَرَدَنَدْ؛ زَيرَا آنَانَ مَرَدَمِيَ فَاسِقَ وَ نَافِرَمَانَ بُودَنَدْ. (٥٤)

فَلَمَّا آَسَقُونَا اِنْتَهَيْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَقْنَا هُمْ أَبْعَمِينَ (٥٥)

چَونَ ما رَاهَ بَهْ خَحَمْ آورَدَنَدْ اَزَ آنَانَ اِنْتَقَامَ گَرفَتِيمْ، پَسْ هَمَهَ رَاهَ غَرَقَ كَرَدِيمْ. (٥٥)

فَبَجَعْلَنَا هُمْ سَلَفاً وَمَثَلاً لِلَّآخِرِينَ (٥٦)

درَ نَتِيجَهَ آنَانَ رَاهَ پَيِشَگَامَانَ [دوَزِخِيانَ] وَ عَبْرَتِي بَرَايِ آيَنَدَگَانَ قَرَارَ دَادِيمْ. (٥٦)

وَلَمَّا ضُرِبَ اَبْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (٥٧)

وَ چَونَ فَرَزَنَدَ مَريَمَ [درَ آيَاتِ قَرَآنَ بَهْ نَداشَتْنَ پَدَرَ بَهْ عنَوانَ رَوْحَ خَداَ وَ كَلمَهَ اللهَ] مَثَلَ زَدَهَ شَدَ، نَاگَهَانَ قَومَ [مَشْرِكَ وَ بَتَ پَرسَتْ] توَ نَسْبَتْ بَهْ آَنَ بَهْ مَسْخَرَهَ وَ خَنَدَهَ فَرِيَادَ بَرَداشَتَنَدْ، (٥٧)

وَقَالُوا أَأَلَهُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَاصِمُونَ (٥٨)

وَ گَفِتنَدْ؛ آَيَا مَعْبُودَانَ ما بَهْرَنَدَ يا او. [ولَى] آنَانَ اَيَنَ مقَايِسهَ رَاهَ بَهْ عنَوانَ مَثَلَ بَرَايِ توَ نَزَدَنَدَ مَكْرَ اَزَ روَى جَدَالَ بَيْ منْطَقَ وَ سَيَزَهَ جَوِيَيَ [توَ مَعْبُودَ بَوْدَنَ عَيسَى رَاهَ نَيْذِيرَفَتَهَ ايَّ]، بلَكَهَ اَيَنَانَ گَروَهَيَ سَيَزَهَ جَوَ [وَ درَ جَدَالَ باَطَلَ بَسِيَارَ سَرَسَختَ] هَسْتَنَدْ. (٥٨)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرَائِيلَ (٥٩)

اوَ نَبُودَ جَزَ بَنَدهَ ايَّ كَهَ بَهْ اوَ نَعْمَتَ [نَبَوَتْ وَ مَعْجَزَاتَ رَاهَ] عَطَا كَرَدِيمْ وَ وَيَ رَاهَ بَرَايِ بَنِي اِسْرَائِيلَ نَشَانَهَ ايَّ بَزَرَگَ [اَزَ قَدَرَتْ خَوَدَ] قَرَارَ دَادِيمْ [تاَ بَهْ وَسِيلَهَ اوَ حَقَ بَرَايِ آنَانَ رَوْشَنَ شَوَدَ]. (٥٩)

وَلَوْ نَشَاءَ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَهَ فِي الْأَرْضِ يَحْلُفُونَ (٦٠)

[وَلَادَتْ، نَبَوَتْ وَ مَعْجَزَاتِ عَيسَى اَزَ قَدَرَتْ ما عَجِيبَ نَيَسَتْ] وَ ما اَكْرَ بَخَواهِيمَ بَرَخَيَ اَزَ شَماَ رَاهَ درَ زَمِينَ فَرِشْتَگَانِي قَرَارَ مَيِ

دهیم که جانشین [صاحب کمالاتی چون خود] باشند. (۶۰)

ص: ۴۹۳

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱)

و عیسی [با ولادتی که ویژه او بود، و با معجزاتی چون شفا دادن کور مادرزاد، علاج بیماری برص، زنده کردن مردگان و دمیدن روح در مجسمه گلی] سبب یقین به قیامت است، پس هرگز در وقوع آن تردید ممکن نیست، و از من پیروی نمایید که این است راه راست. (۶۱)

وَلَا يَصُدَّنُكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۶۲)

و شیطان شما را [از راه راست] باز ندارد، بی تردید او برای شما دشمنی آشکار است. (۶۲)

وَلَمَّا حَاجَ عِيسَى بِالْبَيْنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلَأَبْيَنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۶۳)

و هنگامی که عیسی دلایل روشن آورد، گفت: به راستی من برای شما حکمت آوردم، و تا برای شما [حکم] برخی [از عقاید و احکام] را که در آن اختلاف می کنید بیان کنم؛ بنابراین از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید. (۶۳)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۴)

بی تردید خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرسیتید که این است راه راست. (۶۴)

فَاخْتَلَفَ الْأَخْرَابُ مِنْ بَنِيهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ (۶۵)

از میان امت عیسی گروه هایی [درباره او و دینش] اختلاف کردند [و هر یک چون نسطوریه، ملکانیه، مرقوسیه و شمعونیه به عقیده ای خلاف حق پای بند شدند، و آینی غیر آین مسیح را به عنوان آین مسیح برگزیدند] پس وای بر کسانی که [به آیات خدا] ستم ورزیدند از عذاب روزی دردناک. (۶۵)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَى السَّاعَةِ أَنْ تَأْتِيهِمْ بَعْثَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۶۶)

آیا جز این انتظاری دارند که ناگاه قیامت در رسد در حالی که نمی فهمند؟ (۶۶)

الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَى الْمُتَّقِينَ (۶۷)

در آن روز دوستان دشمن یکدیگرند مگر پرهیز کاران. (۶۷)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۶۸)

[خدا آن روز به آنان گوید:] ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید؛ (۶۸)

الَّذِينَ آمُنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُشْلِمِينَ (۶۹)

همانان که به آیات ما ایمان آوردن و همواره تسلیم [فرمان‌ها و احکام] ما بودند. (۶۹)

اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبِرُونَ (۷۰)

[ندا آید:] شما و همسرانتان در نهایت خوشحالی و شادمانی به بهشت درآید؛ (۷۰)

يُطَافُ عَنَّهُم بِصَحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَسْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّلُ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (۷۱)

ظرف‌هایی از طلا-[که پر از طعام است] و جام‌هایی [زرین که پر از شراب طهور است] گرداند آنان می گردانند، و در آنجا آنچه دل‌ها می خواهد و چشم‌ها از آن لذت می برد، آمده است، و شما [ای پرهیز‌کاران!] در آن جاودانه اید. (۷۱)

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثُمُوا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷۲)

این بهشتی است که شما به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید، میراث یافتید. (۷۲)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۳)

شما را در آنجا میوه‌هایی فراوان است که از آنها می خورید. (۷۳)

ص: ۴۹۴

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمِ خَالِدُونَ (۷۴)

بی تردید گناهکاران در عذاب دوزخ جاودانه اند. (۷۴)

لَا يُفَرِّغُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبِلِسُونَ (۷۵)

[عذاب را] از آنان سبک نگردانند و آنان در آنجا [از نجات خود] نومیدند، (۷۵)

وَمَا ظَلَمَنَا هُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (۷۶)

و ما بر آنان ستم نکردیم، ولی آنان خود مستمکار بودند، (۷۶)

وَنَادَوَا يَا مَالِكَ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَّا كُثُونَ (۷۷)

و فریاد می زند: ای مالک [دوزخ! بگو]: پروردگارت ما را بمیراند [تا از این عذاب نجات یابیم]. [مالک] می گوید: یقیناً شما ماندنی هستید. (۷۷)

لَقْدِ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۸)

به راستی ما حق را برای شما آوردهیم، ولی بیشتر شما حق را خوش نداشتید، (۷۸)

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (۷۹)

بلکه آنان کار [توطئه و نیرنگ بر ضد حق] را محکم کردند، پس ما هم کار [عذاب] را بر آنان محکم می کنیم. (۷۹)

أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (۸۰)

آیا آنان گمان می کنند که ما رازشان و سخنان در گوشی آنان را نمی شنویم؟ چرا می شنویم و فرستادگان ما [که فرشتگان نویسنده اعمال اند] نزد آنان حاضرند [و اعمالشان و رازهایشان را] می نویسن. (۸۰)

قُلْ إِنَّ كَانَ لِلَّهِ حَمْنَ وَلَدٌ فَإِنَّا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (۸۱)

[به مشرکان سبک مغز] بگو: اگر برای [خدای] رحمان فرزندی بود، من [در این امت] نخستین پرستنده او بودم. (۸۱)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۸۲)

منزه است پروردگار آسمان ها و زمین، پروردگار عرش از آنچه [درباره او] توصیف می کنند. (۸۲)

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۸۳)

آنان را واگذار تا [در گفتار و کردار باطل] فرو روند و [با کالای بی ارزش دنیا] سرگرم بازی شوند تا آن روزشان را که وعده داده می شوند دیدار کنند. (۸۳)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴)

و اوست که در آسمان ها معبد [واقعی] است و در زمین هم معبد [واقعی] است و او حکیم و داناست. (۸۴)

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۵)

همیشه سودمند و با برکت است کسی که مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، فقط در سیطره اوست و آگاهی [به همه شؤون] قیامت نزد اوست و به او بازگردانده می شوید. (۸۵)

وَلَا يَمْلِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهَدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۸۶)

و کسانی را که به جای خدا می پرستند، اختیار شفاعت ندارند، اختیار شفاعت فقط با کسانی است که [از روی بصیرت] شهادت به حق داده اند و آنان [حقیقت حال کسانی را که می خواهند برای آنان شفاعت کنند] می دانند. (۸۶)

وَلَئِنْ سَأَلْتُهُمْ مَنْ خَلَقُهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۸۷)

و اگر از آنان پرسی: چه کسی آنان را آفریده است؟ یقیناً می گویند: خدا. پس چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟ (۸۷)

وَقَبِيلَهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و [چگونه از شکایت پیامبر بی خبرند که] می گوید: پورده گار! اینان گروهی هستند که ایمان نمی آورند؛ (۸۸)

فَاصْفَحْ عَهْمُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹)

بنابراین از آنان روی بگردان و سلام جدایی [را به آنان] بگو، پس [سرانجام شقاوت بار خود و نتیجه کفر و عنادشان را] خواهند دانست. (۸۹)

ص: ۴۹۵

سوره الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

وَالْكِتَابُ الْمُبِينِ (۲)

سو گند به [این] کتاب روشنگر؛ (۲)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلٍ مُّبَارَّكٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ (۳)

به راستی ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم؛ زیرا که همواره بیم دهنده بوده ایم؛ (۳)

فِيهَا يُنْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴)

در آن شب هر کار استواری [به اراده خدا] فیصله می یابد. (۴)

أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (٥)

[نرول قرآن] کاری است [که] از نزد ما [صورت پذیرفته است؛] زیرا ما همواره فرستنده [وحتی و پیامبران] بوده ایم. (۵)

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٦)

[همه این واقعیات] به سبب رحمتی از سوی پروردگار توست؛ بی تردید او شنوا و داناست. (۶)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (٧)

[همان] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر یقین دارید. (۷)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (٨)

هیچ معبدی جز او نیست، زنده می کند و می میراند، پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست. (۸)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (٩)

[نه اینکه یقین ندارند] بلکه آنان در شک اند [و با گفتار و کردارشان با حقایق] بازی می کنند. (۹)

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ (١٠)

پس به انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکار بیاورد، (۱۰)

يَعْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابُ أَلِيمٍ (١١)

که همه مردم را فرا می گیرد، این عذابی دردناک است. (۱۱)

رَبَّنَا اكْسِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲)

[همه می گویند:] پروردگار! این عذاب را از ما برطرف کن که ما ایمان می آوریم (۱۲)

أَنَّى لَهُمُ الْذِكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ (١٣)

[در آن موقعیت سخت] چگونه برای آنان جای پند گرفتن و هوشیاری است و حال آنکه [پیش از این عذاب] پیامبری روشنگر برای آنان آمد [و پند نگرفتند]. (۱۳)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ (١٤)

آن گاه از او روی گرداندند و گفتند: تعلیم یافته‌ای دیوانه است!! (۱۴)

إِنَّا كَاشِفُ الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (۱۵)

مدتی اند ک عذاب را بر طرف می کنیم، ولی باز شما [به همان عقاید بی پایه و اعمال زشت] برمی گردید! (۱۵)

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبُطْشَةَ الْكُبِيرَى إِنَّا مُتَقِمُونَ (۱۶)

[ما از آنان انتقام خواهیم گرفت آن] روزی که آنان را با قدرتی بسیار سخت بگیریم؛ زیرا که ما انتقام گیرنده ایم. (۱۶)

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (۱۷)

و همانا پیش از آنان قوم فرعون را آزمودیم، و پیامبری بزرگوار برای آنان آمد، (۱۷)

أَنْ أَدُّوا إِلَى عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۸)

که [به آنان گفت]: بندگان خدا را [که به آزار و شکنجه شما گرفتارند] به من واگذارید؛ زیرا من برای شما فرستاده ای امین. (۱۸)

ص: ۴۹۶

وَأَنَّ لَآ تَغْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيْكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱۹)

و در برابر خدا تکبر نکنید که من برای شما دلیلی روشن آورده ام. (۱۹)

وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَزْجُمُونِ (۲۰)

و من به پروردگار شما از اینکه مرا سنگسار کنید [یا برانید یا متهم کنید] پناه می برم؛ (۲۰)

وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُونِ (۲۱)

و اگر به من ایمان نمی آورید [از آزردن من و باز داشتن مردم از ایمان آوردن] کناره گیری کنید. (۲۱)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ (۲۲)

[فرعونیان دست از آزردنش برنداشتند و مردم را از ایمان آوردن مانع شدند] پس پروردگارش را خواند که اینان قومی گناهکارند. (۲۲)

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لِيَلَا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ (۲۳)

[گفتم:] بند گانم را شبانه حرکت ده؛ زیرا شما مورد تعقیب هستید، (۲۳)

وَأَنْزِكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنُدٌ مُّعْرَقُونَ (۲۴)

و دریا را با [همان] راه های گشاده [که برای عبور شما باز کردیم] پشت سر بگذار [تا فرعونیان هم در آن درآیند]؛ زیرا آنان سپاهی محکوم به غرق شدن هستند. (۲۴)

كَمْ تَرْكُوا مِنْ جَنَاتٍ وَعُيُونٍ (۲۵)

چه بسیار بوستان ها و چشممه سارانی که آنان [پس از خود] بر جای گذاشتند، (۲۵)

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶)

و کشتزار و جایگاه های نیکو و بالارزش، (۲۶)

وَنَعْمَمٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (۲۷)

و نعمت هایی که با آسایش و خوشی از آن برخوردار بودند. (۲۷)

كَذِلِكَ وَأَوْرُثُنَا هَا قَوْمًا آخَرِينَ (۲۸)

[آری، سرانجام کارشان] چنین بود و ما همه آنها را به قومی دیگر به میراث دادیم. (۲۸)

فَمَا بَكَثْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ (۲۹)

پس نه آسمان برآنان گریست و نه زمین و [هنگام نزول عذاب هم] مهلت نیافتند. (۲۹)

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۳۰)

همانا ما بنی اسرائیل را از آن عذاب خوارکننده نجات دادیم. (۳۰)

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

از فرعون که متکبری سرکش از زمره اسراف کاران بود، (۳۱)

وَلَقَدِ اخْتَرَنَا هُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۲)

و آنان را از روی آگاهی بر جهانیان [زمان خودشان] برگزیدیم؛ (۳۲)

وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ (۳۳)

و به آنان از آیات و معجزات آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود، عطا کردیم. (۳۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (۳۴)

اینان [که شرک و کفر سراپای وجودشان را فرا گرفته است] با اصرار [به اهل ایمان] می گویند: (۳۴)

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ (۳۵)

پایان زندگی جز همین مرگ نخستین نیست و ما [پس از این مرگ] برانگیخته نخواهیم شد. (۳۵)

فَأَتُوا بِآبائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۶)

اگر شما [در زمینه زنده شدن مردگان] راستگویید [با درخواست از خدا] پدران ما را [زنده کنید و نزد ما] بیاورید [تا ما به زنده شدن مردگان یقین پیدا کنیم!!] (۳۶)

أَهُمْ خَيْرٌ أُمَّ قَوْمٍ تَّبَعُ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۳۷)

آیا اینان [در قدرت و شوکت] برترند یا قوم تبع، و کسانی که پیش از آنان بودند؟ ما همه آنان را هلاک کردیم؛ زیرا مجرم بودند؟ (۳۷)

وَمَا تَحَكَّمْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَا عِيْنَ (۳۸)

و ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، به بازی نیافریده ایم؛ (۳۸)

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹)

ما آن دو را جز به درستی و راستی به وجود نیاورده ایم، ولی بیشترشان [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند. (۳۹)

ص: ۴۹۷

إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰)

بی تردید روز جدایی [حق از باطل، مؤمن از کافر و پاک از ناپاک] وعده گاه همه آنهاست؛ (۴۰)

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (۴۱)

همان روزی که هیچ دوستی چیزی از عذاب را از دوستش دفع نمی کند، و چون [آلوده به شرک و کفرند] یاری نمی شوند؛

إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَرِيزُ الرَّحِيمُ (٤٢)

مگر کسی که خدا او را مورد رحمت قرار داده است؛ زیرا او توانای شکست ناپذیر و مهربان است (٤٢)

إِنَّ شَجَرَةَ الرِّقْوَمِ (٤٣)

همانا درخت زقوم، (٤٣)

طَعَامُ الْأَثِيمِ (٤٤)

خوراک گنهکار است، (٤٤)

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبَطْوَنِ (٤٥)

مانند مس گداخته شده در شکم ها می جوشد، (٤٥)

كَغَلْيِ الْحَمِيمِ (٤٦)

چون جوشیدن آب جوشان (٤٦)

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ (٤٧)

[گفته می شود:] این گنهکار را بگیرید و او را به زور به وسط دوزخ بکشانید. (٤٧)

ثُمَّ صُبُوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (٤٨)

آن گاه از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزید؛ (٤٨)

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَرِيزُ الْكَرِيمُ (٤٩)

[و بگویید:] بیخش که تو همان ارجمند و بزرگواری!! (٤٩)

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَزِونَ (٥٠)

به یقین این همان چیزی است که همواره درباره آن تردید می کردید. (٥٠)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ أَمِينٍ (٥١)

مسلمًاً پرهیز کاران در جایگاه امنی خواهند بود. (۵۱)

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۲)

در میان بوستان‌ها و چشمه سارها؛ (۵۲)

يَلْبُسُونَ مِنْ سُنْدِسٍ وَإِسْبَرِقٍ مُتَّقَالِيَنَ (۵۳)

لباس‌هایی از حریر نازک و دیباخی ضخیم می‌پوشند در حالی که برابر هم می‌نشینند. (۵۳)

كَذِلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عَيْنٍ (۵۴)

[آری سرانجام کار پرهیز کاران] چنین است، و حور العین را به همسری آنان درآوریم، (۵۴)

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ (۵۵)

در آنجا هر گونه میوه‌ای را که بخواهند می‌طلبند و می‌خورند، در حالی که [از هر جهت] این و آسوده خاطرند؛ (۵۵)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمُؤْتَهَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۶)

در آنجا مرگ را نمی‌چشند، مرگ آنان همان مرگی بود که در دنیا چشیدند، و خدا آنان را از عذاب دوزخ مصون می‌دارد. (۵۶)

فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵۷)

[این] فضل و احسانی است از سوی پروردگار تو، [و] این همان کامیابی بزرگ است. (۵۷)

فَإِنَّمَا يَسِّرُنَا بِإِلَيْسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۸)

پس جز این نیست که ما [فهم] قرآن را با زبان تو [که زبانی فصیح و گویاست] آسان ساختیم تا آنان متذکر و هوشیار شوند. (۵۸)

فَأَرْتَقِبْ إِنْهُمْ مُرْتَقِبُونَ (۵۹)

[ولی اگر متذکر و هوشیار نشدند] پس به انتظار باش که مسلمًاً آنان هم منتظرند [که سرانجام کار چه خواهد شد؟ سرانجام نصرت و پیروزی خدا برای تو و عذاب دنیا و آخرت برای آنان است]. (۵۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

این کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲)

إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۳)

به یقین در آسمان ها و زمین برای مؤمنان نشانه هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] ست؛ (۳)

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبْيَثُ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقَفُونَ (۴)

و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان منتشر و پراکنده می کند، برای اهل یقین نشانه هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] ست؛ (۴)

وَالْخِتَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَطْبِيرِفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۵)

و در رفت و آمد شب و روز و آنچه را از رزق و روزی [چون باران و برف] از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده کرده است، و در گرداندن بادها [از سویی به سویی] برای مردمی که تعقل می کند، نشانه هایی است.

(۵)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶)

این ها آیات خدادست که به حق و راستی بر تو می خوانیم؛ پس [اگر به این آیات ایمان نیاوردنند] به کدام سخن بعد از [سخن] خدا و نشانه هایش ایمان می آورند؟ (۶)

وَيَلِّ لِكْلَ أَفَاكِ أَثِيمٍ (۷)

وای بر هر دروغگوی گنهکار، (۷)

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُشَلِّي عَلَيْهِ ثُمَّ يُصْرُ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا فَبِشَرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸)

که آیات خدا را در حالی که بر او می خوانند می شنود، آن گاه از روی سرکشی و تکبر چنان که گویی آن را نشننده است [بر کفر، عناد، دشمنی و مخالفتش] پافشاری می کند؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت ده. (۸)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا أَتَخَذَهَا هُزُواً أَوْ لَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹)

و هنگامی که به چیزی از آیات ما آگاه می شود، آن را به مسخره گیرد؛ اینانند که برای آنان عذاب خوارکننده ای خواهد بود. (۹)

مَنْ وَرَأَهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُعْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا أَتَحْذَدُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰)

پیش رویشان دوزخ است، و آنچه [از ثروت، مقام، یار و یاور] به دست آورده اند و آنچه را به جای خدا سرپرستان و معبدان خود گرفته اند، چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی کند، و برای آنان عذابی بزرگ است. (۱۰)

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رِّجْزٍ أَلِيمٌ (۱۱)

این [قرآن] سراسر هدایت است؛ و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، آنان را عذابی است از نوع عذابی بسیار سخت و دردنگی. (۱۱)

الَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

خداست که دریا را برای شما مسخر و رام کرد تا کشتی ها به فرمانش در آن روان شوند و تا شما [با سفرهای دریایی] از فضل و رزق و روزی اش بهره جویید و تا شما [بر نعمت هایش] سپاس گزاری کنید. (۱۲)

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَنْتَكِرُونَ (۱۳)

و همه آنچه را در آسمان هاست و آنچه را در زمین است از سوی خود برای شما مسخر و رام کرد؛ بی تردید در این امور برای مردمی که می اندیشنند، نشانه هایی [بر ربویت، حکمت و قدرت خدا] است. (۱۳)

ص: ۴۹۹

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَعْفُرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

به مؤمنان بگو: از کسانی که به روزهای خدا [چون روز آزمایش بندگان، روز پیروزی اهل ایمان، شکست دشمنان و روز قیامت] امید ندارند، گذشت کنند، تا [خدا] مردمی را [که تهیدست از عقاید پاک و کردار شایسته هستند، در روزی از روزهایش] به خاطر گناهانی که همواره مرتکب می شوند، کیفر دهد. (۱۴)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۵)

هر کس کار شایسته ای انجام دهد، به سود خود اوست و هر کس مرتکب بدی شود به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید. (۱۵)

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالْبُشْرَى وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۶)

و همانا ما به بنی اسرائیل کتاب و حکومت و نبوت عطا کردیم، و از پاکیزه ها به آنان روزی دادیم و آنان را بر جهانیان [روزگار خودشان] برتری بخشیدیم. (۱۶)

وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْدِهَا يَقْضِيَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷)

و دلایل روشنی [در امر نبوت و دین] در اختیار آنان قرار دادیم، پس آنان [در امر نبوت و دین] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه [به وسیله وحی] دانش و آگاهی برای آنان آمد، اختلافشان از روی حسادت و برتری جویی در میان خودشان بود؛ بدین تردید پروردگارت روز قیامت درباره آنچه همواره در آن اختلاف می کردند میانشان داوری خواهد کرد. (۱۷)

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)

سپس تو را [در امر نبوت و دین] بر آینی ویژه و کامل قرار دادیم؛ بنابراین از آن پیروی کن و از هوای نفسانی کسانی که [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند، پیروی مکن. (۱۸)

إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (۱۹)

آنان در برابر خدا نمی توانند چیزی [از گرفتاری ها و بلاها] را از تو دفع کنند؛ و همانا ستمکاران یار و یاور یکدیگرند و خدا یار و یاور پرهیز کاران است. (۱۹)

هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقَنُونَ (۲۰)

این [قرآن و آیین] وسائل بینایی و بصیرت برای مردم و سراسر هدایت و رحمت برای گروهی است که [حقایق را] باور دارند. (۲۰)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنَّ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۲۱)

آیا کسانی که مرتکب گناهان شدند، گمان دارند آنان را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، قرار می دهیم که زندگی و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند. (۲۱)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُنْجَزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُنْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲)

خدا آسمان ها و زمین را به حق آفرید، و تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است، پاداش یابد و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۲۲)

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّحَدَ إِلَهُهُ هَوَاهُ وَأَصَلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَحَتَّمَ عَلَى سِيمِعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصِيرَهِ غِشَاوَهَ فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

پس آیا کسی که معبدش را هوای نفسش قرار داده دیدی؟ و خدا او را از روی علم و آگاهی خود [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه کرد، و بر گوش و دلش مُهِر [تیره بختی] نهاد، و بر چشم [دلش] پرده ای قرار داده است، پس چه کسی است که بعد از خدا او را هدایت کند؟ آیا متذکر [حقایق] نمی شوید؟ (۲۳)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاةُ الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظْنُونَ (۲۴)

گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که [همواره گروهی از ما] می میریم و [گروهی] زندگی می کنیم، و ما را فقط روزگار هلاک می کند. آنان را نسبت به آنچه می گویند یقینی در کار نیست، آنان فقط حدس و گمان می زندند. (۲۴)

وَإِذَا تُتَلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَسْأَلُونَ مَا كَانَ حُجَّتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّهَا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

چون آیات روشن ما [درباره معاد و زنده شدن مردگان] بر آنان خوانده شود، برهان و دلیلی جز این ندارند که می گویند: اگر شما [در زمینه زنده شدن مردگان] راستگویید [با درخواست از خدا] پدران ما را [زنده کنید و] نزد ما بیاورید [تا به زنده شدن مردگان یقین پیدا کنیم]. (۲۵)

قُلِ اللَّهُ يُحِبُّكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمِعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۶)

بگو: خدا شما را [ابتدا از لابه لای عناصر مرده برای قرار گرفتن در دنیا] حیات می بخشد، سپس می میراند، آن گاه همه شما را به روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست گرد می آورد، ولی بیشتر مردم [به این حقایق] معرفت و آگاهی ندارند. (۲۶)

وَلَلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسِرُ الْمُبْطَلُونَ (۲۷)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خدادست، و روزی که قیامت برپا شود، آن روز است که اهل باطل زیان خواهند دید، (۲۷)

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِهَ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْرَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

و هر امتی را در آن روز به زانو درافتاده می بینی، [آن روز] هر امتی به سوی نامه اعمالش خوانده می شود [و به آنان می گویند]: امروز همان اعمالی که همواره انجام می دادید به شما پاداش می دهنند. (۲۸)

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطَقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كَمَا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)

این نوشتہ ماست که بر پایه حق و درستی بر ضد شما سخن می گوید؛ زیرا ما آنچه را همواره انجام می دادیم، می نوشتیم.

(۲۹)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيَنْدِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۳۰)

و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پس پروردگارشان آنان را در رحمت خود درآورده؛ این همان کامیابی آشکار است، (۳۰)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تُكْنِ آيَاتِي تُتَلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبِرُونَ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ (۳۱)

و اما کسانی که کفر ورزیدند [به آنان گفته می شود] مگر آیات من همواره بر شما خوانده نمی شد؟ ولی شما [نسبت به پذیرش آن] تکبر ورزیدید و قومی گنهکار بودید. (۳۱)

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبٌ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدَرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظُنَنَ إِلَّا ظَنَّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَهِيقِنِينَ (۳۲)

وچون می گفتند: یقیناً وعده خدا حق است و در وقوع قیامت هیچ شکی نیست، می گفتید: ما نمی دانیم قیامت چیست [و برپا شدنش را گمان نمی بیم] مگر گمانی ضعیف و غیر قابل اعتماد، و نمی توانیم به آن یقین پیدا کنیم! (۳۲)

ص: ۵۰۱

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِنُونَ (۳۳)

در آن روز همه اعمال بدی که مرتكب شده اند، برای آنان آشکار می شود و عذابی که همواره آن را مسخره می کردند، آنان را احاطه می کند. (۳۳)

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَسَاكُمْ كَمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَا أَوْكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۳۴)

و [به آنان] گویند: امروز شما را از یاد می بیم، همان گونه که شما [در دنیا] دیدار امروزان را از یاد بردهید، و جایگاهتان آتش است و شما را یار و یاوری نخواهد بود. (۳۴)

ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوا وَغَرَّتُكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرِجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵)

این [عذاب] برای این است که شما آیات خدا را به مسخره گرفته اید و زندگی دنیا، شما را فریفت؛ پس امروز نه آنان را از آتش بیرون آورند و نه از آنان می خواهند که [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند. (۳۵)

فِلَلَهِ الْحَمْدُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۳۶)

نهایتاً همه ستایشها مخصوص خدادست که پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین و پروردگار جهانیان است؛ (۳۶)

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)

و کبریایی و عظمت در آسمان ها و زمین ویژه اوست، و توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۳۷)

جزء ۴۶

سوره الأحقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

این کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر حکیم است. (۲)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٌ مُسَمَّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ (۳)

ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دوست، جز به حق و تا سرآمدی معین نیافریدیم، و کافران از آنچه بیامشان داده اند، روی گردانند. (۳)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شَرِيكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اثْنَوْنَى بِكِتابٍ مِنْ قَبْلِ هَذِهِنَا أَوْ أَثَارَهُ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴)

[به مشرکان] بگو: به من خبر دهید [و نشانم دهید] معبدانی که به جای خدا می پرستید چه چیزی از زمین را آفریده اند یا مگر آنان را در آفرینش آسمان ها مشارکتی است؟ اگر راستگو هستید کتابی پیش از این قرآن یا بازمانده ای از دانش استواری [که ادعای شما را تصدیق کند] برای من بیاورید؛ (۴)

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

و چه کسانی گمراه ترند از کسانی که به جای خدا معبدانی را می خوانند که تا روز قیامت پاسخشان را نمی دهند و آنان از خواندنشان بی خبرند؟ (۵)

ص: ۵۰۲

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (۶)

و هنگامی که مردم را [در قیامت] گرد آورند [معبدانشان] با آنان دشمن باشند و پرستش آنان را انکار کنند، (۶)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (٧)

و چون آیات روشن ما را بر آنان بخوانند، کافران درباره حقی که به سویشان آمده می گویند: این جادویی آشکار است. (۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَمَا تَمْلِكُونَ لَيْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيِّنَى وَبَيِّنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)

بلکه می گویند: این قرآن را از نزد خود ساخته و به خدا نسبت داده است. بگو: اگر آن را از نزد خود ساخته و به خدا نسبت داده باشم [و خدا بخواهد برای این کار مرا به عذابی سخت گرفتار کند] شما نمی توانید برای من چیزی از عذاب خدا را دفع کنید، خدا به باطلی که در آن فرو می روید [و آن طعنه زدن به قرآن و جادو خواندن آن است] داناتر است، و کافی است که خدا میان من و شما گواه باشد، او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۸)

قُلْ مَا كُنْتُ بِدُعَاعَ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا يُكْمِنْ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۹)

بگو: از میان فرستادگان خدا فرستاده ای نوظهور نیستم [که گفتار و کردارم مخالف گفتار و کردار آنان باشد، بلکه به من هم چون آنان وحی می شود] و نمی دام با من و شما [در دنیا و آخرت] چه خواهد شد، من فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می کنم، و من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم. (۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَآتَيْتُكُبْرُوتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

بگو: به من خبر دهید که اگر این قرآن از ناحیه خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید و شاهدی هم از بنی اسرائیل به نظر آن [که تورات واقعی و تصدیق کننده قرآن است] شهادت داده باشد [که همان طوری که تورات وحی خدادست، قرآن هم وحی خدادست و] پس [از شهادتش به قرآن] ایمان آورده باشد و شما از ایمان به آن تکبر ورزیده باشید [آیا گمراه نبوده اید؟] بی تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی کند. (۱۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكُ قَدِيمٌ (۱۱)

و کافران درباره مؤمنان گفتند: اگر [آیین محمد] بهتر [از آیین ما] بود [آنان در پذیرفتنش] بر ما نسبت به آن پیشی نمی گرفتند [بلکه خود ما زودتر از آنان به این کتاب ایمان می آوردیم]. و چون [خودشان به خاطر کبر و عنادشان] به وسیله آن هدایت نیافتند، به زودی خواهند گفت: این یک دروغ قدیمی است. (۱۱)

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُّوْسَىٰ إِمَاماً وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدَّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنَذِّرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشِّرَى لِلْمُحْسِنِينَ (۱۲)

[چگونه یک دروغ قدیمی است] در حالی که پیش از آن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود [و از نزول آن بر پیامبر اسلام خبر داده]، و این قرآن تصدیق کننده [آن] است در حالی که به زبان عربی [فصیح و گویا] ست تا ستمکاران را بیم دهد، و برای

نیکوکاران بشارتی باشد. (۱۲)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ (۱۳)

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۱۴)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ حَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

اینان اهل بهشت اند که به پاداش اعمال شایسته ای که همواره انجام می دادند، در آن جاودانه اند. (۱۶)

ص: ۵۰۳

وَوَصَّيْنَا إِلِّيْنَاهُ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضْعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشْدَدَهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبُّ أُوزِعْنِي أَنْ أَشْكُرُ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَعْمَتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِتَّدَىٰ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَوْضَاهُ وَأَصْبِلْحُ لِي فِي ذُرْرَتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱۷)

و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زاید. دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی ماه است، تازمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد، گوید: پروردگار! به من الهام کن تا نعمت را که بر من و پدر و مادرم عطا کرده ای سپاس گزارم، و کار شایسته ای که آن را می پسندی انجام دهم و ذریه و نسل مرا برای من صالح و شایسته گردان که من به سوی تو بازگشتم و به یقین از تسليم شدگان [به فرمان ها و احکام] توانم. (۱۸)

أُولَئِكَ الَّذِينَ تَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاؤُرُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصَّدِيقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۱۹)

اینانند کسانی که ما از آنان بهترین اعمالی که انجام داده اند می پذیریم، و از گناهانشان در زمرة اهل بهشت در می گذریم؛ [خدا و عده داد] و عده درست و راست که همواره به آن و عده داده می شدند؛ (۲۰)

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفَ لَكُمَا أَتَعْدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَتَّغْيِيَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنٌ إِنَّ وَعِدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۱)

و کسی که به پدر و مادرش گفت: اف بر شما! [من از شما متفرق و دلتنگم]، آیا به من و عده می دهید که [پس از مرگ] زنده خواهم شد، در حالی که پیش از من اقوام بسیاری در گذشتند، [و هیچ کدام از آنان زنده نشدند]. و آن دو همواره [برای بازگشت فرزندشان] از خدا یاری می خواهند [و به فرزندشان می گویند]: وای بر تو ایمان بیاور، بی تردید و عده خدا [درباره سعادت و رستگاری مؤمنان در قیامت و شقاوت و بدختی کافران] حق است. [ولی او در پاسخشان] می گوید: این [و عده ها] جز افسانه های گذشتگان نیست!! (۲۲)

أَوْلَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۱۸)

اینانند کسانی که [به خاطر انکار و عده های حق] فرمان عذاب درباره آنان در زمرة گروه هایی از جن و انس که پیش از آنان در گذشتند، محقق و ثابت شده است؛ زیرا آنان زیانکار بودند. (۱۸)

وَلِكُلٌّ دَرَجَاتٌ مَمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيهِمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۹)

برای هر کدام [از گروه مؤمنان و کافران] بر پایه اعمالی که انجام داده اند درجاتی است [که در آن قرار می گیرند]، و تا خدا اعمالشان را به طور کامل به آنان بدهد؛ و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۱۹)

وَيَوْمَ يُعَرَضُ النَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبُتْمُ طَيْبَاتِكُمْ فِي حَيَاةِ أَنْتُمُ السُّلْطَانُ وَإِنْتُمْ تُبَغَّرُونَ عَذَابَ الْهَيُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (۲۰)

و روزی که کافران را بر آتش عرضه کنند [به آنان گویند]: نعمت های پاکیزه خود را [که می توانست وسیله آبادی آخرتان باشد] در زندگی دنیا ایمان مصرف کردید و [همانجا] از آن برخوردار شدید؛ بنابراین امروز به سبب اینکه به ناحق در زمین تکبر می ورزیدید و در برابر اینکه همواره نافرمانی می کردید با عذاب خفت بار کیفر می یابید. (۲۰)

ص: ۵۰۴

وَأَذْكُرْهُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّدُرُ مِنْ يَمِنِ يَدِيهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱)

و [سر گذشت هود] برادر قوم عاد را یاد کن، هنگامی که قومش را در سرزمین احیاف بیم داد، و بی تردید بیم دهنگانی پیش از او و پس از او [در آن سرزمین] گذشته بودند که فقط خدا را پرسیتید؛ زیرا من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۲۱)

قَالُوا أَجِئْنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأَتَنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۲)

گفتند: آیا آمده ای تا ما را از [پرسش] معبودانمان بر گردانی، پس اگر راستگویی عذابی که ما را تهدید می کنی بیاور! (۲۲)

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلَّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۳)

گفت: آگاهی [به کیفیت عذاب و زمان آمدنش] فقط نزد خداست، و من آینی را که به آن فرستاده شده ام به شما ابلاغ می کنم، ولی من شما را گروهی می دانم که همواره نادانی می کنید. (۲۳)

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أُوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطَرُنَا بِلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۴)

پس هنگامی که عذاب را [در پهنه فضا] به صورت ابری گستردۀ دیدند که به سوی دره‌ها و آبگیرهایشان روی آوردۀ گفتند: این ابری باران زا برای ماست. [هود گفت: نه] بلکه این همان چیزی است که آن را به شتاب خواستید، بادی است که در آن عذابی دردنگ است؛ (۲۴)

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ تَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۲۵)

[چنان بادی است که] همه چیز را به فرمان پروردگارش در هم می‌کوبد و نابود می‌کند. پس آنان [به سبب آن عذاب] چنان شدند که جز خانه‌هایشان دیده نمی‌شد. این گونه مردم گناهکار را کیفر می‌دهیم. (۲۵)

وَلَقَدْ مَكَنَاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَنَاهُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَيْمَعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْتَدَهُمْ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئَدُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۲۶)

همانا ما به آنان در اموری قدرت و تمکن داده بودیم که شما را در آن امور چنان قدرت و نیرویی نداده ایم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار داده بودیم، ولی گوش و چشم و دلشان چیزی از عذاب را از آنان برطرف نکرد؛ زیرا همواره [با داشتن آن ابزار تشخیص] آیات ما را انکار می‌کردند، و سرانجام عذابی که همواره آن را مسخره می‌کردند، آنان را احاطه کرد. (۲۶)

وَلَقَدْ أَهْلَكَنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرْيَ وَصَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۷)

و به راستی ما [اهل] آبادی‌هایی را که پیرامون شما [أهل مکه] بودند [به کیفر طغیانشان] هلاک کردیم و آیات خود را به صورت‌های گوناگون [برای آنان] بیان داشتیم، باشد که برگردند. (۲۷)

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۸)

پس چرا معبدانی که به جای خدا انتخاب کردند به گمان اینکه آنان را به خدا نزدیک کند، آنان را [هنگام نزول عذاب] یاری نکردند بلکه [گم شده] از دستشان رفتند، و این بود [سرانجام و نتیجه] دروغشان و آنچه را همواره افترا می‌زدند. (۲۸)

ص: ۵۰۵

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرَا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ (۲۹)

و [یاد کن] هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه کردیم که قرآن را بشنوند، پس وقتی که نزد قرائت آن حاضر شدند، گفتند: [برای شنیدن قرآن] خاموش باشید. پس چون قرائت پایان یافت به سوی قومشان در حالی که گفتند: بیم دهنده بودند، بازگشتند. شنیدیم که (۲۹)

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقاً لِمَا يَئِنَّ يَدِيهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ (۳۰)

ای قوم ما! به راستی ما کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است، تصدیق کننده همه کتاب‌های پیش از خود است، به سوی حق و به سوی راه راست هدایت می‌کند. (۳۰)

یا قَوْمَنَا أَجِبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرُ لَكُمْ مَنْ ذُنُوبُكُمْ وَيُحِرِّكُمْ مَنْ عَذَابُ أَلِيمٍ (۳۱)

ای قوم ما! دعوت کننده [به سوی] خدا [پیامبر اسلام] را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا خدا برخی از گناهاتان را بیامرزد و از عذابی دردناک پناهتان دهد؛ (۳۱)

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أُولَيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۲)

و آنان که دعوت کننده خدا را اجابت نکند نمی‌توانند [خدا را] در زمین عاجز کنند [تا از دسترس قدرت او بیرون روند] و آنان را در برابر خدا یاورانی نیست [که عذاب را از آنان دفع کند]، اینان در گمراهی آشکاری هستند. (۳۲)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْنِي بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۳)

آیا ندانسته اند خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها درمانده و خسته نشد، قدرت دارد که مردگان را زنده کند؟ آری، او بر هر کاری تواناست؛ (۳۳)

وَيَوْمَ يُعَرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبُّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۴)

و روزی که کافران را بر آتش عرضه می‌کنند [از آنان می‌پرسند]: آیا این حق نیست؟ می‌گویند: آری! سوگند به پروردگارمان حق است، [پرسش کننده] می‌گوید: پس این عذاب را برای آنکه همواره کفر می‌ورزیدیم، بچشید. (۳۴)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعِجِلْ لَهُمْ كَانُهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبِثُوا إِلَّا سَاعَةً مَنْ نَهَارٍ بَلَاغْ فَهُلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقُومُ الْفَاسِقُونَ (۳۵)

پس صبر کن همان گونه که پیامبران اولو‌العزم صبر کردند، و برای آنان در [نزول عذاب] شتاب مکن، روزی که آنان آنچه را که وعده داده می‌شوند بیینند، گویی فقط ساعتی از یک روز [در دنیا] درنگ داشتند؛ [این قرآن] ابلاغی است برای همه؛ پس آیا جز مردم نافرمان هلاک می‌شوند؟ (۳۵)

ص: ۵۰۶

سوره محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)

آنان که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند خدا اعمالشان را باطل و تباها ساخت؛ (۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بِالْهُمْ (۲)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و به آنچه بر محمد نازل شده که از سوی پروردگارشان حق است گرویدند، خدا گناهانشان را از آنان محظوظ و حالشان را اصلاح نمود. (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳)

این به سبب آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حق که از سوی پروردگار آنان است، پیروی نمودند. این گونه خدا برای مردم اوصافشان را بیان می کند. (۳)

فَإِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرِبُ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَّ الْحَرْبُ أَوْ زَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأَنْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لَيْلَوْ بَعْضُكُمْ بِعَضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضْلَلَ أَعْمَالَهُمْ (۴)

پس هنگامی که [در میدان جنگ] با کافران رو برو شدید، گردن هایشان را به شدت بزنید تا آن گاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای درآورید، در این هنگام [از دشمن اسیر بگیرید و] آنان را محکم بیندید، [پس از اسیر گرفتن] یا بر آنان منت نهید [و آزادشان کنید]، یا از آنان [در برابر آزاد کردنشان] فدیه و عوض بگیرید تا آنجا که جنگ بارهای سنگینش را بر زمین نهاد. این است [فرمان خدا]؛ و اگر خدا می خواست [خود بدون فرمان جنگ] از آنان انتقام می گرفت [ولی به جنگ فرمان داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید، و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده اند، خدا هرگز اعمالشان را باطل و تباہ نمی کند. (۴)

سَيِّهِدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بِالْهُمْ (۵)

[خدا] آنان را به زودی [به سرمنزل خوشبختی و کرامت] هدایت می کند و حالشان را اصلاح می نماید؛ (۵)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ (۶)

و آنان را در بهشتی که در دنیا به آنان شناسانده در می آورد. (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَصْرُّو اللَّهُ يَنْصُرُكُمْ وَيُبَيِّثُ أَقْدَامَكُمْ (۷)

ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می کند و گام هایتان را محکم و استوار می سازد؛ (۷)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَّا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۸)

و بر کافران هلاکت و نابودی باد و [خدا] اعمالشان را باطل و تباہ ساخت. (۸)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۹)

این برای آن است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند، پس خدا هم اعمالشان را تباہ و بی اثر کرد. (۹)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الدِّينِ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (۱۰)

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرنند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ خدا آنان را درهم کوبید و نابود کرد و نیز برای این کافران همانند آنان [عذابی قطعی و ثابت] است. (۱۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الدِّينِ آمُنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)

این [پیروزی مؤمنان و نابودی کافران] به سبب این است که خدا سرپرست و یاور کسانی است که ایمان آورده اند، و کافران را سرپرست و یاری نیست. (۱۱)

ص: ۵۰۷

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَهْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثُوَّلٌ لَهُمْ (۱۲)

بی تردید خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در می آورده، و در حالی که کافران همواره سرگرم بهره گیری از [کالا] و لذت های زود گذر] دنیا بیند و می خورند، همان گونه که چهارپایان می خورند و جایگاهشان آتش است. (۱۲)

وَكَائِنٌ مِنْ قَرِيهٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرِيَّتَكَ الَّتِي أَخْرَجْتَكَ أَهْلَكْتَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳)

چه بسیار آبادی هایی که [اهلش] از [اهل] آبادی تو که تو را بیرون کرده اند نیرومندتر بودند، ما آنان را هلاک کردیم و یاوری [در برابر عذاب] برای آنان نبود. (۱۳)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ كَمْنَ زُبَّينَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۴)

آیا کسانی که بر دلیل روشنی از پروردگار خویش اند، مانند کسانی هستند که عمل زشتستان برای آنان آراسته شده و از هواهای نفسانی خود پیروی کرده اند؟ (۱۴)

مَثُلُ الْجَنَّهِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَقْوَنَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ عَيْرٍ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمَنْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَدِهِ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسْلٍ مُصَفَّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمْنُ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَعَ أَمْعَاءَهُمْ (۱۵)

صفت بهشتی که به پرهیز کاران و عده داده شده [چنین است]: در آن نهرهایی است از آبی که مزه و رنگش بر نگشته و نهرهایی از شیر که طعمش دگرگون نشده و نهرهایی از شراب که برای نوشندگان مایه لذت است و نهرهایی از عسل خالص است، و در آن از هر گونه میوه ای برای آنان فراهم است، و نیز آمرزشی از سوی پروردگارشان [ویژه آنان است]. آیا اینان]

مانند کسانی هستند که در آتش همیشگی و جاودانه اند، واژ آبی جوشان به آنان می نوشانند که روده هایشان را متلاشی می کند؟! (۱۵)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶)

گروهی از آنان [که منافق اند در ظاهر به گفتار] گوش می دهنند، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون روند به کسانی که آگاهی و معرفت به آنان داده شده [از روی مسخره] می گویند: هم اکنون چه گفت؟ [ما که گفته او را نفهمیدیم]. آنان کسانی هستند که خدا بر دل هایشان مهر [تیره بختی] نهاده واژ هوای نفسانی خود پیروی کرده اند، (۱۶)

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادُهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (۱۷)

و کسانی که هدایت یافته اند خدا بر هدایتشان افزوده و پرهیز کاری و تقوایشان را به آنان عطا کرده است؛ (۱۷)

فَهُلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيهِمْ بَعْثَةٌ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَإِنَّ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرًا هُمْ (۱۸)

پس آیا [منافقان و منکران] جز این را انتظار می برنند که ناگاه قیامت بر آنان فرا رسد؟ [در حالی که هم اکنون نشانه هایش آمده است]، پس هنگامی که قیامت بر آنان فرا رسد، متذکر شدن و هوشیاری شان از کجا و چگونه به آنان سود بخشد؟ (۱۸)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذِنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَبَّلَكُمْ وَمُمْثَأْكُمْ (۱۹)

پس بدان که هیچ معبدی جز خدا نیست [بنابراین بر معرفت و آگاهیت نسبت به حق استوار باش]؛ و از میان رفتن [توطئه ها و مواعیع که به وسیله دشمنان در راه پیشرفت دعوت به اسلام] برای تو و مردان و زنان با ایمان ایجاد شده از خدا بخواه، و برای زنان و مردان مؤمن طلب آمرزش کن و خدا محل رفت و بازگشت شما و قرارگاهتان را می داند. (۱۹)

ص: ۵۰۸

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا تُزَلَّتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُزِلَّتْ سُورَةٌ مُحْكَمٌهُ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرًا
الْمَغْسِيٍّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ (۲۰)

مؤمنان می گویند: چرا سوره ای [در رابطه با فرمان جهاد] نازل نمی شود؟ ولی هنگامی که سوره ای محکم و بی شبیه نازل می شود و در آن از جهاد سخن به میان آمده است، آنان را که در دل هایشان بیماری است، می بینی مانند کسی که در بیهوشی مرگ افتاده، به تو می نگرند و سزاوارشان هم [به سبب بیماردی] همین حالت است. (۲۰)

طَاعَهُ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَرَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (۲۱)

[ولی] فرمانبرداری [از خدا و پیامبر] و سخن پسندیده و نیک [نه اظهار کراحت و ناخشنودی از جهاد] برای آنان شایسته تر است. پس اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی و مسلم شود با خدا از سر صدق و راستی درآیند، بی تردید برای آنان بهتر است. (۲۱)

فَهُلْ عَسِيْتُمْ إِن تَوَلَّتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ (۲۲)

پس اگر [از خدا و پیامبر] روی گردان شوید آیا از شما جز این انتظار می رود که در زمین فساد کنید و [بر سر مال و منال دنیا] قطع رحم نمایید؟ (۲۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنْهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ (۲۳)

آنان [که روی گردانند] کسانی هستند که خدا لعنتشان کرده و گوش [دل] شان را کرو چشم [بصیرت] شان را کور کرده است. (۲۳)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفَفَالُهَا (۲۴)

آیا در قرآن نمی اندیشند [تتحققیق را بفهمند] یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟ (۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مَنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ (۲۵)

بی تردید کسانی که پس از روشن شدن هدایت برای آنان [به همان عقاید باطل و کردار ناپسندشان] برگشتند [و دست از قرآن و پیامبر برداشتند] شیطان زشتی هایشان را در نظرشان آراست و آنان را در آرزوهای دور و دراز انداخت. (۲۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنِطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶)

این به سبب آن است که آنان به کسانی [چون مشرکان و کافران] که نازل شدن وحی را خوش نداشتند، گفتند: [ما] در بعضی از امور [که بر ضد مؤمنان است] از شما اطاعت خواهیم کرد. در حالی که خدا اسرارشان را می داند. (۲۶)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتُهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (۲۷)

پس حال و وضعشان زمانی که فرشتگان جانشان را می گیرند در حالی که بر صورت و پشتیشان [تازیانه عذاب] می زند، چگونه خواهد بود؟! (۲۷)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ أَتَبْغُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۸)

این عذاب برای این است که آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کردند، و خشنودی او را خوش نداشتند در نتیجه اعمالشان را تباہ و بی اثر کرد. (۲۸)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنَّ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَانَهُمْ (۲۹)

بلکه کسانی که در دل هایشان بیماری است، گمان کردند که خدا کینه هایشان را آشکار نخواهد کرد. (۲۹)

ص: ۵۰۹

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَا كُهُمْ فَلَعْرَفْتُهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ (۳۰)

و اگر بخواهیم یقیناً آنان را به تو نشان می دهیم تا آنان را از روی نشانه هایشان بشناسی، و بی تردید آنان را از شیوه سخن گفتن خواهی شناخت؛ و خدا کارهای شما را می داند. (۳۰)

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ (۳۱)

به یقین ما شما را امتحان می کنیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص نماییم، و اخبار شما را نیز [که اعمال و اسرار شماست] می آزماییم [تا صدق و کذب شما را در همه امور معلوم بداریم]. (۳۱)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَصْرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِبِّطُ أَعْمَالَهُمْ (۳۲)

مسلمانآنان که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند و پس از آنکه هدایت برای آنان روشن شد با پیامبر به شدت دشمنی نمودند، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رسانند و خدا به زودی اعمالشان را تباہ و بی اثر می کند. (۳۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳)

ای اهل ایمان! خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و اعمالتان را [با تخلف از دستورها خدا و پیامبر، شرک، نفاق، منت گذاری و ریا] باطل مکنید. (۳۳)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴)

مسلمان کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند، سپس در حال کفر از دنیا رفتند، هرگز خدا آنان را نمی آمرزد. (۳۴)

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ (۳۵)

پس [با توجه به یاری و کارسازی خدا] سست نشوید و [کافران و مشرکان را] به آشتی و صلحی [که برای شما خفت بار است] دعوت نکنید، در حالی که شما برتر هستید و خدا با شماست و هرگز از [ثواب و پاداش] اعمالتان نمی کاهد. (۳۵)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَأَهْوَٰءٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَقَوَّلُو يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۶)

زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است، اگر ایمان بیاورید و پرهیزکاری کنید، خدا پاداش هایتان را می دهد و از شما نمی خواهد [که] اموالتان را [در راه خدا انفاق کنید؛] (۳۶)

إِن يَسْأَلُكُمُوهَا فَيَحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجُ أَضْغَانَكُمْ (۳۷)

اگر همه اموال شما را بخواهد و بر شما اصرار ورزد، بخل می شود که [کینه های درونی شما را بیرون بریزد و آن زمان است که گمراه می شوید]. (۳۷)

هَا أَنْتُمْ هَوَلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُتَفَقُّوْنَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبِيلُ قَوْمًا عَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)

آگاه باشید! شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، پس برخی از شما بخل می ورزند، و هر که بخل پیشه کند، فقط نسبت به [سعادت و خوشبختی] خود بخیل است، و خدا [از انفاق و صدقات شما] بی نیاز است، و شما باید که نیازمند هستید؛ و اگر [از فرمان های او] روی بگردانید به جای شما گروه دیگری را می آورد که مانند شما [روی گردان، سست عقیده و بخیل] نخواهند بود. (۳۸)

ص: ۵۱۰

سوره الفتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَنْحَانِ مِنْنَا (۱)

به راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم؛ (۱)

لِعَفْرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتَمَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صَرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲)

تا خدا [با این پیروزی آشکار] آنچه را [به وسیله دشمنان از توطئه ها و موافع و مشکلات در راه پیشرفت دعوت به اسلام] در گذشته پیش آمده و آینده پیش خواهد آمد از میان بردارد، و نعمتش را بر تو کامل کند، و به راهی راست راهنمایی ات نماید؛ (۲)

وَيَنْصَرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (۳)

و خدا تو را به نصرتی توانمندانه و شکست ناپذیر یاری دهد. (۳)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيًّا حَكِيمًا (۴)

اوست که آرامش را در دل های مؤمنان نازل کرد، تا ایمانشان بیفزاید. و سپاهیان آسمان و زمین فقط در سیطره

مالکیت و فرمانروایی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (۴)

لَيْلَيْدِخَلُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِتِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (۵)

تا مردان و زنان مؤمن را در بهشت هایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در حالی که در آن جاودانه اند، و گناهانشان را از آنان محو کند، و این [سرانجام نیک] نزد خدا کامیابی بزرگ است. (۵)

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقَينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُسْرِكَيْنَ وَالْمُسْرِكَاتِ الظَّانِيْنَ بِاللَّهِ ظَنَ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۶)

و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند عذاب کند؛ پیشامد بد زمانه فقط بر خودشان باد. خدا بر آنان خشم گرفته، و لعنتشان کرده است و دوزخ را برای آنان آماده نموده و بد بازگشت گاهی است. (۶)

وَلَلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۷)

سپاهیان آسمان ها و زمین فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۷)

إِنَّ أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۸)

ما تو را گواه [بر اعمال امت] و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم؛ (۸)

لَكُوْمُنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّرُوهُ وَتُوَقْرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَهُ وَأَصِيلًا (۹)

تا [همه شما مردم] به خدا و پیامبرش ایمان آورید و او را یاری دهید و بزرگش بشمارید و بامداد و شام گاه تسبیحش گویید. (۹)

ص: ۵۱۱

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۰)

به یقین کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند؛ قدرت خدا بالاتر از همه قدرتهاست. پس کسی که پیمان می شکند فقط به زیان خود می شکند، و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به زودی پاداشی بزرگ به او می دهد. (۱۰)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرُ لَنَا يَقُولُونَ بِالْسِّتِّهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكَ لَكُمْ مَّنْ
اللَّهُ شَيْءَ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا إِنْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا (۱۱)

کسانی از بادیه نشینان که از جنگ [با دشمن] تخلف کردند به زودی [از روی بهانه جویی] به تو می گویند: اموال و خانواده مان ما را به خود مشغول کردند [به این سبب نتوانستیم به جنگ آییم؛ پس برای ما آمرزش بخواه. با زبان هایشان چیزی می گویند که در دل هایشان نیست. بگو: اگر خدا زیانی یا سودی را برای شما بخواهد چه کسی می تواند در برابر خدا از شما دفاع کند؟ بلکه خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۱)

بَلْ ظَنَّتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ طَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (۱۲)

[تخلف شما از جنگ، ربطی به اموال و خانواده تان نداشت] بلکه پنداشتید پیامبر و مؤمنان هرگز به کسان خود باز نمی گردند، و این پندار باطل در دل هایتان آراسته شد، و گمان بد بردید [که خدا پیامبر و مؤمنان را یاری نخواهد کرد] و شما [به سبب این پندار باطل و گمان بد] قومی نابودشدنی هستید. (۱۲)

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (۱۳)

و هر کس به خدا و پیامبر ایمان نیاورد [زیانی به خدا و پیامبر نمی رساند]، ما برای کافران آتشی سوزان آمده کرده ایم. (۱۳)

وَلَلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَعْذِبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۴)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، هر کس را بخواهد می آمرزد و هر کس را بخواهد عذاب می کند؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴)

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمٍ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا تَسْتَعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُدْلِلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَشْبُعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ
فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵)

هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی روانه [میدان جنگی] می شوید، متخلفان [از جنگ حدیبیه] به زودی خواهند گفت: بگذارید ما هم به دنبال شما بیاییم. [این سبک مغزان سودجو] می خواهند وعده خدا را [که به مؤمنان وعده پیروزی و غنیمت داد و به منافقان وعده محرومیت از غنیمت و رحمت داده است] تغییر دهند. بگو: هرگز دنبال ما نخواهید آمد؛ این گونه خدا پیش از این [درباره شما] فرموده است. اما [این گروه بی شرم] به زودی خواهند گفت: شما نسبت به ما حسد می ورزید، [چنین نیست] بلکه آنان جز اندکی نمی فهمند. (۱۵)

كَمَا تَوَلَّتُمْ مِنْ قَبْلٍ يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶)

به متخلفانِ بادیه نشین بگو: به زودی به سوی گروهی سرسخت و نیرومند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید، یا آنکه اسلام آورند؛ پس اگر اطاعت کنید خدا پاداش نیکی به شما خواهد داد، و اگر روی برگردانید، همان گونه که پیش از این روی گرداندید، شما را به عذابی دردناک عذاب خواهد کرد. (۱۶)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَغْرِيْجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبُهُ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۷)

بر ناینا و لنگ و بیمار [اگر در جنگ شرکت نکنند] گناهی نیست. و کسی که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، او را در بهشت هایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، و هر کس روی برگرداند او را به عذابی دردناک عذاب می کند. (۱۷)

لَقْدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَنَحَّا قَرِيبًا (۱۸)

یقیناً خدا از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت [که در منطقه حدیبیه بود] با تو بیعت می کردند خشنود شد، و خدا آنچه را [از خلوص نیت و پاکی قصد] در دل هایشان بود می دانست، در نتیجه آرامش را بر آنان نازل کرد، و پیروزی نزدیکی را [که پیروزی در خیر بود] به آنان پاداش داد. (۱۸)

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةٌ يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۹)

[و پاداش دیگر] غنیمت های فراوانی است که آن را به دست می آورید؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۹)

وَعَيْدَكُمُ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةٌ تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هِيَنِهِ وَكَفَ أَيْدِي النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتُكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيْكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲۰)

خدا غنیمت های فراوانی را در آینده به شما و عده داده است که به دست می آورید، و این یک غنیمت را [که فتح خیر است] برای شما پیش انداخت، و دست های [تجاوز و ستم] مردم را از شما باز داشت تا این [پیروزی ها] برای مؤمنان نشانه ای [از حقیقت دین و یاری خدا] باشد و تا شما را به راهی راست هدایت کند. (۲۰)

وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَئِءٍ قَدِيرًا (۲۱)

و [غنیمت ها و پیروزی های] دیگر [ای هست] که شما تا کنون بر آنها دست نیافته اید، بی تردید خدا بر آنها احاطه دارد [و به آسانی می تواند در دسترس شما قرار دهد]؛ و خدا همواره بر هر کاری تواناست. (۲۱)

وَلَوْ قَاتَلُكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلَيْا وَلَا نَصِيرًا (۲۲)

اگر کافران با شما بجنگند حتماً پشت کنان می گریزند، آن گاه سرپرست و یاوری [که از آنان دفاع کند] نمی یابند. (۲۲)

سُّنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ حَلَتْ مِنْ قَبْلِ وَلَنْ تَجِدَ لِسْنَةَ اللَّهِ تَبَدِّي لَا (۲۳)

خداروشی ثابت و قطعی مقرر کرده است که از پیش [بر پیروزی مؤمنان و شکست کافران] جاری بوده است، و هرگز برای روش خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. (۲۳)

ص: ۵۱۳

وَهُوَ الَّذِي كَفَ أَيْدِيهِمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيْكُمْ عَنْهُمْ بِيْطِنْ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَ كُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۲۴)

اوست که پس از آنکه شما را [بی جنگ و خونریزی] بر دشمن پیروز و مسلط کرد، دست های آنان را از [جنگ با] شما و دست های شما را از [جنگ با] آنان در دل مکه [که منطقه حدبیه است] باز داشت؛ و خدا همواره به آنچه انجام می دهد بیناست. (۲۴)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْيِحِ جِدَ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَئْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطْشُوْهُمْ فَقَصِيْكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَغِيْرِ عِلْمٍ لَيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَرْزِيْلُوا لَعَذَبَتِنَا الَّذِينَ كَفَرُوا وَمِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵)

آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از [ورود به] مسجدالحرام باز داشتند و نیز نگذاشتند قربانی هایی که با خود آورده بودید به محل قربانی اش برسد، و اگر مردان و زنان مؤمن ناشناسی در میان مکه نبودند، تا جنگ شما سبب کشته شدن آن بی گناهان شود و در نتیجه امر ناملاطی و مکروهی [چون دیه] گریبان شما را بگیرد [شما را از جنگ باز نمی داشتیم، ولی بازداشتم] تا خدا هر که را [مانند مردان و زنان مومنی که برای شما ناشناخته بودند] بخواهد در رحمتش درآورد. [و] اگر مؤمنان از کافران جدا بودند یقیناً کافران [از اهل مکه] را به عذابی دردناک عذاب می کردیم (۲۵)

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيمَةَ حَمِيمَةَ الْحِيَاةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَيِّكِيَّتَهُ عَلَى رَسُوْلِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقُّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۲۶)

[یاد کن] هنگامی را که کافران [پس از قرارداد صلح حدبیه] دل هایشان را از تعصب و خشم شدید جاهلی آکنده کردند، پس خدا هم آرامشش را بر پیامبر و مؤمنان نازل کرد و روح تقوا را [که حقیقت و جان توحید است] ملازم آنان نمود، و آنان به [روح تقوا] سزاوارتر و شایسته آن بودند؛ و خدا همواره به هر چیز داناست. (۲۶)

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَ الْمَسْيِحِ جِدَ الْحَرَامِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسِيْكُمْ وَمُقْصِرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعِلْمٌ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَحًا قَرِيبًا (۲۷)

بی تردید خدا رؤیای پیامبرش را به حق و درستی تحقق داد [که در رؤیا وعده داده بود] شما قطعاً در حال امن و امنیت در حالی که سرهایتان را تراشیده و موی [یا ناخن] کوتاه کرده اید و بیمی ندارید، وارد مسجدالحرام خواهید شد. خدا آنچه را که شما نمی دانستید [که وعده ورود به مسجدالحرام در سال آینده است] دانست و پیش از آن پیروزی نزدیکی [که صلح حدیبیه بود برای شما] قرارداد. (۲۷)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّدِينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (۲۸)

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بـر همه ادیان پیروز کند، و کافی است که خدا [بر وقوع این حقیقت] گواه باشد. (۲۸)

ص: ۵۱۴

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَعًا سُجَّدًا يَتَغَуَّنُونَ فَضْلًا مَا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثْرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثُلُّهُمْ فِي التُّورَاهِ وَمَثُلُّهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزْعُ أَخْرَاجَ شَطَأَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الْزُّرَاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَعْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می طلبند؛ نشانه آنان در چهره شان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا سبیر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه هایش [محکم و استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و نیرومندی] مؤمنان، کافران را به خشم آورد. [و] خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ و عده داده است. (۲۹)

سوره الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقْدِمُوا بَيْنَ يَدِيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ (۱)

ای اهل ایمان! بر خدا و پیامبرش [در هیچ امری از امور دین و دنیا و آخرت] پیشی مگیرید و از خدا پروا کنید که خدا شنوا و داناست. (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرٍ بَعْضِهِ كُمْ لِيُعْضِ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲)

ای مؤمنان! صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید، و آن گونه که با یکدیگر بلند سخن می گویید با او بلند سخن نگویید، مبادا آنکه اعمالتان تباہ و بی اثر شود و شما تباہی آن را درک نکنید. (۲)

إِنَّ الَّذِينَ يُغْضِبُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۳)

بی تردید کسانی که صدایشان را نزد رسول خدا پایین می آورند، همانان هستند که خدا دل هایشان را برای پرهیز کاری امتحان کرده، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۳)

إِنَّ الَّذِينَ يُتَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُّرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)

یقیناً کسانی که تو را از پشت اطاق ها صدا می کنند، بیشترشان معرفت و آگاهی [به حرمت و عظمت تو] ندارند. (۴)

ص: ۵۱۵

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

و اگر آنان صبر می کردند تا به سویشان بیرون آیی، یقیناً برای آنان بهتر بود، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ بَجَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِتَيْمَةٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶)

ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی، گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشمیان شوید. (۶)

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيْكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَمَنْ يُطِيعُكُمْ فِيْ كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِيْ قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفَسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (۷)

و بداینید که پیامبر خدا در میان شماست [و بر شما واجب است در همه امور از او پیروی کنید]، اگر او در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، قطعاً دچار گرفتاری و زحمت می شوید، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل هایتان بیاراست، و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت، اینان [که دارای این ویژگی ها هستند] هدایت یافته اند. (۷)

فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةٌ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۸)

[این محبت و ناخوشایندی نسبت به حق و باطل] عطیه و نعمتی از سوی خداست؛ و خدا دانا و حکیم است. (۸)

وَإِنَ طَائِقَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ افْتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَعْثُ إِحْيَدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغِيْ حَتَّىٰ تَفِئِ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَأَءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُ الْمُقْسِطِينَ (۹)

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آنها صلح و آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، با آن گروهی که تجاوز می کند، بجنگید تا به حکم خدا باز گردد. پس اگر بازگشت، میانشان به عدالت و انصاف، صلح و آشتی برقرار کنید؛ و همواره دادگری را پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد. (۹)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرَحَّمُونَ (۱۰)

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نماید که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَا يَسْتَحْرُرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَن يُكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَمَا نِسَاءٌ مِّنْ نِسَاءٍ عَسَى أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَمَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنابِرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۱۱)

ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و بالقب های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند. (۱۱)

ص: ۵۱۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَبِيوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَعْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهُتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَابُ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان ها [در حق مردم] پرهیزید؛ زیرا برخی از گمان ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهانند] تفحص و پی جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنَثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاءُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَيْرٌ (۱۳)

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسیم. بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا پرهیز کارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است. (۱۳)

قَالَتِ الْأَغْرَابُ آمَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ فَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِثُكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴)

بادیه نشینان گفتند: ما [از عمق قلب] ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید: اسلام آورده ایم؛ زیرا هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است. و اگر خدا و پیامبر را اطاعت کنید، چیزی از اعمالتان را نمی کاهد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنه و مهربان است. (۱۴)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵)

مؤمنان فقط کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، آن گاه [در حقانیت آنچه به آن ایمان آورده اند] شک ننموده و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کرده اند؛ اینان [در گفتار و کردار] اهل صدق و راستی اند. (۱۵)

قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶)

بگو: آیا خدا را از دین خود [به خیال اینکه آگاه نیست] خبر می دهید [که از عمق قلب ایمان آورده اید؟!] در حالی که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند، و خدا به همه چیز داناست. (۱۶)

يَمُّنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَى إِسْلَامِكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُّنُ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَأْكُمْ لِلإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)

از اینکه اسلام آورده اند بر تو منت می گذارند؛ بگو: اگر [در ادعای مؤمن بودن] راستگویید، بر من از اسلام آوردن خود منت نگذارید، بلکه خداست که با هدایت شما به ایمان بر شما منت دارد. (۱۷)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

یقیناً خدا نهان آسمان ها و زمین را می داند و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۸)

ص: ۵۱۷

سوره ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَ وَالْقُرْآنُ الْمَجِيدُ (۱)

ق، سو گند به قرآن مجید [که محمد، فرستاده ماست و وقوع قیامت حق است]. (۱)

بَلْ عَجِّلُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنِذِّرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲)

[کفر پیشگان نه تنها ایمان نیاوردند] بلکه از اینکه بیم دهنده ای از خودشان به سوی آنان آمد تعجب کردند و در نتیجه کافران گفتند: این چیزی عجیب است. (۲)

إِذَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَبْعٌ بَعِيدٌ (۳)

آیا هنگامی که مردیم و خاک شدیم [زنده می شویم و به حیات دوباره باز می گردیم؟] این بازگشتی دور [از عقل] است. (۳)

قَدْ عِلِّمَنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنَّدَنَا كِتَابٌ حَفِظٌ (۴)

بی تردید ما آنچه را که زمین از اجسادشان می کاهد، می دانیم و نزد ما کتابی ضبط کننده [همه امور چون لوح محفوظ]

است. (۴)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ (۵)

[اینان نه اینکه زنده شدن پس از مرگ را باور نکردند] بلکه حق را هم هنگامی که به سویشان آمد، تکذیب کردند پس در حالتی آشفته و سردرگم اند. (۵)

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوَقَهُمْ كَيْفَ بَيَّنَاهَا وَزَيَّنَاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۶)

آیا با تأمل به آسمان بالای سرشان ننگریستند که چگونه آن را بنا کرده و بیاراستیم و آن را هیچ شکاف [و ناموزونی] نیست؟ (۶)

وَالْأَرْضَ مَدَّنَاهَا وَأَقْيَنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَثْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۷)

و زمین را گستردیم و کوه هایی استوار در آن افکندیم و در آن از هر نوع گیاه خوش منظر و دل انگیزی رویاندیم، (۷)

تَبَصِّرَهُ وَذِكْرِي لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۸)

تا برای هر بنده ای که [با اندیشیدن در نظام هستی] به سوی خدا باز می گردد، مایه بینایی و یادآوری باشد؛ (۸)

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَّ كَفَأْبَثْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (۹)

و از آسمان آبی بسیار پربرکت و سودمند نازل کردیم، پس به وسیله آن باغ ها و دانه های دروکردنی را رویاندیم. (۹)

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (۱۰)

و [نیز] درختان بلند قامت خرما را که خوشه های متراکم و روی هم چیده دارند [رویاندیم]. (۱۰)

رَزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحَيَّنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتَنًا كَذِلِكَ الْخُرُوجُ (۱۱)

برای آنکه رزق و روزی بندگان باشد، و نیز به وسیله آن آب سرزمین مرده را زنده کردیم؛ و بیرون آمدنشان [پس از مرگ] از خاک گور برای ورود به قیامت] این گونه است. (۱۱)

كَذَّبْتَ قَبَّلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَاصْحَابُ الرَّسْنِ وَثَمُودٌ (۱۲)

پیش از اینان [که تو را تکذیب می کنند] قوم نوح و اصحاب رس و [قوم] ثمود [پیامبرانشان] را تکذیب کردند. (۱۲)

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْرَانُ لُوطٍ (۱۳)

و نیز قوم عاد و فرعون و برادران لوط، (۱۳)

وَاصْحَابُ الْأَيْكَهِ وَقَوْمٌ تُّبَعُ كُلُّ كَذَبِ الرُّسُلَ فَحَقٌّ وَعِيدٌ (۱۴)

و اصحاب ایکه و قوم تُبع همگی پیامران را تکذیب کردند، پس تهدیدم [به نزول عذاب] بر آنان محقق و ثابت شد. (۱۴)

أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبِسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۵)

آیا ما از آفرینش نخستین عاجز و درمانده شدیم [تا از دوباره آفریدن عاجز و درمانده شویم؟ چنین نیست] بلکه آنان [با این همه دلایل روشن و استوار] باز در آفرینش جدید در تردیدند. (۱۵)

ص: ۵۱۸

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعْلَمُ مَا تُوْسِوْسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (۱۶)

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش [نسبت به معاد و دیگر حقایق] به او وسوسه می کند، می دانیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک تریم. (۱۶)

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدُ (۱۷)

[یاد کن] دو فرشته ای را که همواره از ناحیه خیر و از ناحیه شر، ملازم انسان هستند و همه اعمالش را دریافت کرده و ضبط می کنند. (۱۷)

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۱۸)

هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است؛ (۱۸)

وَجَاءَتْ سَكُرَهُ الْمُؤْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنَّتْ مِنْهُ تَحِيدُ (۱۹)

و سکرات و یهوشی مرگ، حق را [که همه واقعیات جهان پس از مرگ است] می آورد [و به محضر می گویند:] این همان چیزی است که از آن می گریختی؛ (۱۹)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (۲۰)

و در صور می دمند؛ آن است روز [تحقیق و ظهور] وعده های تهدیدآمیز و وحشتناک. (۲۰)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱)

هر کسی در آن روز می‌آید در حالی که سوق دهنده‌ای و شاهدی با اوست، [که سوق دهنده او را به محشر می‌راند و شاهد بر اعمالش گواهی می‌دهد]. (۲۱)

لَقْدْ كُنْتَ فِي غَفْلَهٖ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۲۲)

[به او می‌گویند]: تو از این روز بزرگ در بی خبری و غفلت بودی، پس ما پرده بی خبری را از دیده [بصیرت] ات کنار زدیم در نتیجه دیده ات امروز بسیار تیزیین است. (۲۲)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَيْنِيْ (۲۳)

و [فرشته] همراهش می‌گوید: این است نامه اعمالش که همراه من آماده است. (۲۳)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمْ كُلَّ كَفَارٍ عَنِيْ (۲۴)

[به دو فرشته نگهبان و حافظ اعمال فرمان می‌دهند] شما دو نفر هر کافر سرسخت و معاندی را در دوزخ اندازید. (۲۴)

مَنَاعَ لِلْخَيْرِ مُعْنَدٌ مُرِيبٌ (۲۵)

[همان که به شدت] مانع خیر و تجاوز کار [از حدود خدا] و تردید کننده در حقایق [و تردید انداز در دل های مردم بود]. (۲۵)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (۲۶)

که با خدا معبودی دیگر قرار داد، پس او را در عذاب سخت اندازید، (۲۶)

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۲۷)

همنشینش [از میان شیطان‌ها] می‌گوید: پروردگار! من او را به سرکشی و طغیان و آنداشتمن، او خودش [به میل خود] در گمراهی دور و درازی بود. (۲۷)

قَالَ لَا تَحْتَصِمُوا لَدَىٰ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ (۲۸)

[خدا] می‌گوید: در پیشگاه من با یکدیگر ستیزه مکنید، بی تردید من تهدید [به عذاب] را پیش از این [از طریق وحی و پیامبران] به شما اعلام کرده بودم. (۲۸)

مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَىٰ وَمَا أَنَا بِضَلَالٍ لِلْعَبِيدِ (۲۹)

نzd من فرمان [تهدیدآمیز به اینکه هر کس با حال کفر و شرک وارد آخرت شود حتماً دوزخی است] تغییر نمی‌یابد و من نسبت به بندگان ستمکار نیستم. (۲۹)

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (۳۰)

[یاد کن] روزی را که به دوزخ می گوییم: آیا پر شدی؟ می گوید: آیا زیادتر از این هم هست؟ (۳۰)

وَأُزْلَفَتِ الْجَهَنَّمُ لِلْمُتَّقِينَ عَيْرَ بَعِيدٍ (۳۱)

و بهشت را به پرهیز کاران نزدیک می کنند بی آنکه فاصله ای از آنان داشته باشد. (۳۱)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِظٌ (۳۲)

[به آنان می گویند:] این همان است که [در دنیا] وعده داده می شدید [این جایگاه رفیع] برای هر کسی است که [در دنیا به سوی خدا] باز می گشته [و] حافظ و نگهبان [عهد، پیمان الهی و حقوق خدا و مردم] بوده است. (۳۲)

مَنْ حَشِّيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقُلْبٍ مُّنِيبٍ (۳۳)

همان کسی که در نهان از [خدای] رحمان می ترسید و دلی رجوع کننده [به سوی خدا] آورده است؛ (۳۳)

اَذْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (۳۴)

به سلامت در آن وارد شوید، امروز روز جاودانگی است (۳۴)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَنَا مَزِيدٌ (۳۵)

در آنجا هرچه بخواهند برای آنان فراهم است، و نزد ما [نعمت های] بیشتری است. (۳۵)

ص: ۵۱۹

وَكُمْ أَهْلُكَنَا قَبَلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ (۳۶)

و چه بسیار اقوامی را که پیش از آنان هلاک کردیم که از آنان نیرومندتر بودند، و [با نیرویشان] به سرزمین ها رفتند [و آنها را فتح کردند]، آیا توانستند [از عذاب و هلاکت] گریز گاهی بیابند؟ (۳۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْفَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

بی تردید در سرگذشت پیشینیان مایه پند و عبرتی است برای کسی که نیروی تعقل دارد، یا با تأمل و دقت [به سرگذشت ها] گوش فرا می دهد در حالی که حاضر به شنیدن و فراگیری شنیده های خود باشد. (۳۷)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا يَنْهَمَا فِي سِتَّهِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ (۳۸)

همانا ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم، و هیچ رنج و درماندگی به ما نرسید. (۳۸)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (۳۹)

پس [بر آزار مشرکان] شکیبا باش، و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی، (۳۹)

وَمِنَ اللَّيلِ فَسَبِّحْهُ وَأَذْبَارَ السُّجُودِ (۴۰)

و در پاره‌ای از شب و نیز پس از سجده‌ها خدا را تسبیح گوی، (۴۰)

وَاسْتَمْعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱)

و گوش فرا ده روزی که ندا دهنده از جایی نزدیک ندا می‌دهد. (۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)

روزی که [همگان] صحیحه و فریاد را به حق و درستی می‌شنوند [و] آن روز، روز بیرون آمدن [از قبرها] است. (۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُخْبِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (۴۳)

بی تردید مایم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و بازگشت به سوی ماست. (۴۳)

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سَرَاعًا ذَلِكَ حَسْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۴۴)

روزی که زمین از [روی اجساد] آنان در حالی که [از قبرها بیرون آمده] شتابان [به سوی ندا کننده خود بروند] بشکافد؛ این گردآوردنشان از گورها [و حاضر کردنشان در قیامت] بر ما آسان است. (۴۴)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَنَاحٍ فَذَكُرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدٍ (۴۵)

ما به آنچه [دشمنان لجوج بر ضد حقایق] می‌گویند، داناتریم و تو را بر آنان تسلطی نیست [که به قبول حقایق و ادارشان کنی]؛ پس به وسیله قرآن کسانی را که از تهدید من می‌ترسند، بیم ده. (۴۵)

سوره الذاريات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوَا (۱)

سوگند به بادهای افshan کننده [که ابرهای باران زا و گرده‌های نرینه و مادینه گیاهان را می‌افشانند]. (۱)

فال حاملات و فرا (۲)

سو گند به ابرهایی که بار سنگین باران را با خود [به نواحی مختلف] حمل می کنند. (۲)

فال بجاريات يسرا (۳)

و سو گند به کشتی هایی که به آسانی روی آب دریاها روانند. (۳)

فال مقسمات أمرا (۴)

و سو گند به فرشتگانی که [به امر خدا] کارها را [برای تدبیر امور هستی میان خود] تقسیم می کنند، (۴)

إنما ت وعدون لصادق (۵)

که بی تردید آنچه را [از اوضاع و احوال روز جزا] به شما وعده می دهنند، راست و یقینی است. (۵)

و إن الدين لواقع (۶)

وقطعاً [روز] جزا واقع خواهد شد. (۶)

ص: ۵۲۰

والسماء ذات الجبik (۷)

و سو گند به آسمان که داری اعتدال و زیبایی و آراستگی است؛ (۷)

إنكم لفني قول مختلف (۸)

که شما [در رابطه با قرآن و حقایقی که قرآن با دلیل و برهان اثبات می کند] در گفتاری متناقض و گوناگون هستید. (۸)

يُؤْفَكُ عَنْهُ مِنْ أَفْكَ (۹)

از قرآن [به باطل] منحرف می شود کسی که [از خیر و سعادت] منحرف شده است. (۹)

قتل الخرّاصون (۱۰)

مرگ بر دروغ پردازان [که بدون دلیل و به ناحق درباره قرآن و حقایقش سخن پراکنی می کنند]. (۱۰)

الذين هم في عمره ساهون (۱۱)

همانان که در جهالتی عمیق و فراگیر در بی خبری و غفلتی سنگین فرو رفته اند! (۱۱)

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ (۱۲)

[همواره] می پرسند: روز جزا چه زمانی خواهد بود؟ (۱۲)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (۱۳)

همان روزی است که آنان را در آتش می سوزانند. (۱۴)

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۱۴)

[و به آنان گویند:] عذابتان را بچشید، این همان عذابی است که [از روی ریشخند] شتاب در آمدنش را می خواستید. (۱۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعَيْوَنٍ (۱۵)

بی تردید پرهیز کاران در بهشت ها و چشمہ سارهایند. (۱۵)

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (۱۶)

آنچه را پرورد گارشان به آنان عطا کرده دریافت می کنند؛ زیرا که آنان پیش از این همواره نیکو کار بودند. (۱۶)

كَانُوا قَبِيلًا مِنَ الظَّالِمِينَ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷)

آنان اندکی از شب را می خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می گذرانند]. (۱۷)

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْعَفُرُونَ (۱۸)

و سحر گاهان از خدا درخواست آمرزش می کردند. (۱۸)

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱۹)

و در اموالشان حقی برای سائل تهیdest و معروم از معیشت بود. (۱۹)

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ (۲۰)

در زمین برای اهل یقین نشانه هایی [بر توحید، ربویت و قدرت خدا] ست. (۲۰)

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبَصِّرُونَ (۲۱)

و [نیز] در وجود شما [نشانه هایی است] آیا نمی بینید؟ (۲۱)

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (۲۲)

و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است (۲۲)

فَوَرَبُّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنْكَمْ تَنْطِقُونَ (۲۳)

پس سو گند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه را که وعده داده می شوید، حق و یقینی است، همان گونه که شما [وقت سخن گفتن یقین دارید] سخن می گویید. (۲۳)

هُلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرِمِينَ (۲۴)

آیا خبر مهمانان ارجمند و بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۴)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (۲۵)

زمانی که بر او وارد شدند، پس سلام گفتند. گفت: سلام، [شما] مردمی ناشناسید! (۲۵)

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۲۶)

پس به سوی خانواده اش بازگشت و گواليه ای فربه [و بريان شده] آورد. (۲۶)

فَقَرَبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۲۷)

پس آن را نزدیکشان برد [ولی دید نمی خورند]: گفت: مگر نمی خورید؟ (۲۷)

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَتَحْفُ وَبَشِّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيهِ (۲۸)

و [در دلش] از آنان احساس ترسی کرد. گفتند: مترس. و او را به پسری دانا مژده دادند. (۲۸)

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَرِ فَصَكَّثْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹)

در این میان همسرش [که مژده را شنیده بود] با فریادی [از روی تعجب] در حالی که به چهره اش زد سر رسید و گفت: پیرزنی نازا [و فرزند؟!] (۲۹)

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۳۰)

گفتند: پروردگارت چنین گفته است؛ یقیناً او حکیم و داناست. (۳۰)

ادامه سوره الذاريات

قَالَ فَمَا حَطَبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۳۱)

[ابراهیم] گفت: ای فرستادگان! دنبال چه کار مهمی هستید؟ (۳۱)

قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۳۲)

گفتند: ما را به سوی مردمی گنهکار فرستاده اند؛ (۳۲)

لِنُرِسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِينٍ (۳۳)

تا [بارانی] از گل سنگ بر آنان بفرستیم؛ (۳۳)

مُسَوَّمَهُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (۳۴)

[سنگی که] نزد پروردگارت برای تجاوز کاران نشانه گذاری شده است؛ (۳۴)

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵)

پس هر که را از مؤمنان در آن شهر بود [پیش از آمدن عذاب] بیرون بردیم؛ (۳۵)

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا عَيْنَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُشْلِحِينَ (۳۶)

در آنجا حز یک خانه از مسلمانان [که اهلش مطیع خدا بودند، نیافتیم]. (۳۶)

وَتَرْكَنَا فِيهَا آيَهَ لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۳۷)

در آنجا [پس از زیر و رو شدن شهر و هلاکت مردم] نشانه و عبرتی [از قدرت، غضب خود و محکومیت مجرمان] برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جا گذاشتیم. (۳۷)

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

و [نیز] در [سرگذشت] موسی، چون او را با دلیلی روشن به سوی فرعون فرستادیم [عبرتی است]. (۳۸)

فَتَوَلَّى بِرْكِنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹)

پس فرعون با سپاهیانش روی [از حق] گرداندند و گفت: [این مرد] یا جادوگر است یا دیوانه! (۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَجْنُودَهُ فَتَبَذَّلَا هُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (۴۰)

در نتیجه او و سپاهیانش را گرفتیم و به دریا افکنیدیم، در حالی که [به سبب لجبازی و دشمنی] مستحق سرزنش بود. (۴۰)

وَفِي عَادٍ إِذْ أُرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحُ الْعَقِيمَ (۴۱)

و [نیز] در [سرگذشت قوم] عاد هنگامی که بر آنان باد هلاک کننده ای فرستادیم [عبرتی است]. (۴۱)

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتْهُ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالَّرَمِيمِ (۴۲)

[آن باد] هیچ چیزی را که بر آن می وزید، رها نمی کرد مگر آنکه آن را به صورت استخوان پوسیده ای می ساخت. (۴۲)

وَفِي ثَمُودٍ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَّعُوا حَتَّىٰ حِينَ (۴۳)

و [نیز] در قوم ثمود [عبرتی است] هنگامی که [پس از پی کردن ناقه] به آنان گفته شد: زمانی کوتاه [که بیش از سه روز نیست، از زندگی] برخوردار باشید [که عذاب خواهد رسید]. (۴۳)

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَنَهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (۴۴)

ولی [آنان در آن سه روز هم که مهلت داشتند باز] از فرمان پروردگارشان سرپیچی کردند، پس صاعقه مرگبار آنان را فراگرفت در حالی که آنان با ترس و حیرت به آن می نگریستند. (۴۴)

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ (۴۵)

پس [با آمدن عذاب و به سبب اینکه هیچ مهلتی نیافتند] نه قدرت برخاستن از جای خود را داشتند و نه دادخواهی کردند. (۴۵)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۴۶)

و قوم نوح را پیش از این [هلاک کردیم]; زیرا آنان همواره مردمی نافرمان بودند. (۴۶)

وَالسَّمَاءَ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷)

و آسمان را به قدرت و نیرو بنا کردیم و ما [همواره] وسعت دهنده ایم. (۴۷)

وَالْأَرْضَ فَرَسَنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸)

و زمین را گستردیم و چه نیکو گستراننده ای هستیم. (۴۸)

وَمِن كُلّ شَيْءٍ حَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۴۹)

واز هر چیزی جفت آفریدیم باشد که متذکر [این حقایق که نشانه هایی بر قدرت، حکمت و ربویت خداست] شوید. (۴۹)

فَقُرُوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰)

پس به سوی خدا بگریزید [که] بی تردید من از سوی او بیم دهنده ای روشنگرم. (۵۰)

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۱)

و با خدا معبودی دیگر قرار ندهید، یقیناً من از سوی او بیم دهنده ای آشکارم. (۵۱)

ص: ۵۲۲

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲)

همچنین هیچ پیامبری بر کسانی که پیش از اینان بودند نیامد مگر اینکه گفتند: جادوگر یا دیوانه است! (۵۲)

أَتَوَاصُوا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۳)

آیا [این اقوام] یکدیگر را به این گونه داوری [ناحق درباره پیامبران] سفارش کرده بودند؟! [نه] بلکه همه آنان گروهی یاغی و سرکش بودند [و این یاوه گویی ها، محصول سرکشی و یاغی گری آنان بود]. (۵۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنَتْ بِمَلُومٍ (۵۴)

بنابراین از این سبک مغازان باطل گو، روی برگردان [که تو اتمام حجت کردی] و شایسته سرزنش نیستی؛ (۵۴)

وَذَكِّرْ فِإِنَّ الدُّكْرَى تَنَفَّعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵)

و پند ده؛ زیرا پند به مؤمنان سود می دهد؛ (۵۵)

وَمَا حَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

و جن و انس را جز برای اینکه مرا پرسند نیافریدیم؛ (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِّنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ (۵۷)

از آنان هیچ رزقی نمی خواهم، و نمی خواهم که مرا طعام دهند. (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمُتَّيْنُ (۵۸)

بی تردید خدا خود روزی دهنده و صاحب قدرت استوار است. (۵۸)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنْبًا مُّثْلَ ذَنْبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يُسْتَعْجِلُونَ (۵۹)

پس برای کسانی [از قوم تو] که ستم ورزیدند، سهمی از عذاب است مانند سهم هم مسلکانشان [از امت های پیشین]، بنابراین شتاب در آمدن آن را نخواهند. (۵۹)

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۶۰)

پس وای بر کسانی که کافر شدند از آن روزشان که به آن وعده داده می شوند. (۶۰)

سوره الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالظُّورِ (۱)

سو گند به [کوه] طور، (۱)

وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ (۲)

و به کتابی که نوشته شده، (۲)

فِي رَقِّ مَنْشُورٍ (۳)

در صفحه ای باز و گسترد، (۳)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (۴)

و به آن خانه آباد، (۴)

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (۵)

و به آن سقف برافراشته، (۵)

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶)

و به آن دریای مملو و برا فروخته، (۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقْعٌ (۷)

که بی تردید عذاب پروردگارت واقع شدنی است؛ (۷)

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ (۸)

و آن را هیچ مانع و بازدارنده ای نیست. (۸)

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (۹)

[و آن در] روزی [است] که آسمان به حرکت و لرزه ای سخت در آید؛ (۹)

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيِّرًا (۱۰)

و کوه ها [چون گرد و غبار] سریع و تند، روان شوند. (۱۰)

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۱)

پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (۱۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۱۲)

همانان که با فرو رفتن [در گفتار و کردار باطل با حقایق] بازی می کنند. (۱۲)

يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَّا (۱۳)

روزی که آنان را با خشونت و زور به سوی آتش می رانند. (۱۳)

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۴)

[و به آنان می گویند:] این همان آتشی است که همواره آن را تکذیب می کردید. (۱۴)

ص: ۵۲۳

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبَصِّرُونَ (۱۵)

آیا این آتش هم جادوست [چنانکه در دنیا وحی را جادو می پنداشتید] یا شما [این واقعیت آشکار را] نمی بینید [چنانکه در

دنیا حقایق را نمی دیدید؟] (۱۵)

اَصْلُوهَا فَاصْبِرُوا اَوْ لَا تَصْبِرُوا سَواءٌ عَيْنُكُمْ إِنَّمَا تُجَزَّوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

در آن در آیید [و بسوزید]؛ پس صبر کنید یا نکنید برای شما یکسان است. فقط اعمالی را که همواره انجام می دادید، جزا داده می شوید. (۱۶)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (۱۷)

بی تردید پرهیز کاران در بهشت ها و نعمتی فراوان اند. (۱۷)

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۱۸)

به آنچه پروردگارشان به آنان عطا کرده و [برای آنکه] پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ مصون داشته، شادمان و مسرورند. (۱۸)

كُلُوا وَاشْرُبُوا هَيْنِئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۹)

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید [از این نعمت ها] بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد. (۱۹)

مُتَكَبِّرُونَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجَنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۲۰)

[این] در حالی [است] که بر تخت هایی ردیف و به هم پیوسته تکیه می زند و حورالعین را به همسری آنان در می آوریم. (۲۰)

وَالَّذِينَ آمْنُوا وَأَتَّبَعُهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ يٰيَمَانٍ الْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَنْتَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ اُمْرٍئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (۲۱)

و کسانی که ایمان آوردن و فرزندانشان [به نوعی] در ایمان از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را [در بهشت] به آنان ملحق می کنیم و هیچ از اعمالشان را نمی کاهیم؛ هر انسانی در گرو اعمال خویش است. (۲۱)

وَأَمْدَدَنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۲)

و [همواره] به آنان انواع میوه ها و گوشتها یی که دلخواه آنان است، می رسانیم. (۲۲)

يَسْتَأْزِعُونَ فِيهَا كَأسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (۲۳)

آنان در بهشت، جام های [پر از شراب طهور را] که نه در آن [پس از نوشیدنش، زمینه] بیهوده گویی و نه [خوردنش] گناه است، از دست یکدیگر می گیرند. (۲۳)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غَلْمَانٌ لَّهُمْ كَانَهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (۲۴)

و [همواره برای پذیرایی از آنان] نوجوانانی پیرامونشان می گردند که گویا مرواریدی نهفته در صدف هستند. (۲۴)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵)

و به یکدیگر روی می کنند [و احوالات گذشته] از هم می پرسند. (۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُسْفِقِينَ (۲۶)

می گویند: ما پیش تر [در دنیا] در میان کسان خود [از عذاب امروز] ترسان بودیم؛ (۲۶)

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

ولی خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب مرگبار حفظ کرد. (۲۷)

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلٍ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبُرُّ الرَّحِيمُ (۲۸)

از پیش او را [برای نجات از عذاب] می خواندیم؛ زیرا که او نیکوکار و مهربان است. (۲۸)

فَذَكُّرْ فَمَا أَنْتَ بِنْعَمٍ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (۲۹)

پس [مهرکان را] هشدار ده که تو به لطف و رحمت پروردگارت نه کاهنی نه دیوانه؛ (۲۹)

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنْوِنِ (۳۰)

بلکه این سبک مغزانند که می گویند: او شاعری است که برای او حوادث تلخ روزگار و آمدن مرگش را انتظار می بردیم! (۳۰)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمَتَبَّصِينَ (۳۱)

بگو: [هلاکت خود را] انتظار بردید که من هم با شما از منتظرانم. (۳۱)

ص: ۵۲۴

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲)

آیا عقل هایشان آنان را به این گفتارهای باطل و یاوه [بر ضد تو و قرآن] وا می دارد، یا [نه] آنان مردمی طغیان گر و سرکش اند؟ (۳۲)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (٣٣)

یا می گویند: قرآن را از پیش خود ساخته [و به خدا نسبت داده است؟ چنین نیست که می پندارند]، بلکه [قرآن وحی الهی است، ولی اینان] ایمان نمی آورند. (۳۳)

فَلِيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مَّثِيلٍ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (٣٤)

پس اگر [در ادعای خود] راستگویید، سخنی مانند آن بیاورید. (۳۴)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (٣٥)

آیا آنان از غیر [آن] چیزی [که دیگران را از آن آفریده اند،] آفریده شده اند. (۳۵)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُؤْقِنُونَ (٣٦)

یا آنان آسمان ها و زمین را آفریده اند؟ نه، بلکه یقین ندارند. (۳۶)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَرَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ (٣٧)

آیا خزانه های [علم و قدرت] پروردگارت نزد آنان است [که هر کس را اینان به پیامبری برگزینند، پیامبر است و چون تو را پیامبر نمی دانند، پس پیامبر نیستی؟] یا بر تدبیر امور هستی و بر خدا مسلط اند [که اگر بخواهند این مقام را از تو سلب کنند، بتوانند؟] (۳۷)

أَمْ لَهُمْ سُلْمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلَيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (٣٨)

یا برای آنان نردبانی است که [بر آن برشوند و] در آن خبرهای غیبی را بشنوند؟ پس باید شنونده اش دلیلی آشکار [بر ادعایش] بیاورد؟ (۳۸)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنْوَنَ (٣٩)

یا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران؟ (۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرِمٍ مُّتَّقْلُونَ (٤٠)

یا از آنان [در برابر ابلاغ رسالت] پاداشی می خواهی که از خسارت آن سنگین بارند؟ (۴۰)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (٤١)

یا علم غیب نزد آنان است که آنان [ادعای خود را از روی آن] می نویسند؟ (۴۱)

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمُكِيدُونَ (۴۲)

یا می خواهند [بر ضد تو] نیرنگ و فربی به کار گیرند؟ ولی کافران [بدانند که] خود اسیر و محکوم نیرنگ شده اند. (۴۲)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۳)

آیا آنان را معبدی جز خداست؟ خدا از آنچه شریک او قرار می دهنده، منزه است. (۴۳)

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ (۴۴)

واگر پاره سنگی در حال سقوط از آسمان بینند [فکر نمی کنند عذاب است، بلکه چنان بر انکار حق اصرار دارند که] می گویند: ابری متراکم است! (۴۴)

فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُضْعَقُونَ (۴۵)

[اکنون که با هیچ دلیلی هدایت نمی شوند] پس آنان را واگذار تا آن روزشان را که در آن هلاک می شوند، بینند. (۴۵)

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ (۴۶)

روزی که نیرنگشان چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی کند و یاری هم نخواهند شد. (۴۶)

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷)

برای ستمکاران جز این عذاب آخرتی عذابی دیگر [در دنیا] خواهد بود [و آن درهم کوبیده شدنشان در جنگ بدر است]، ولی بیشترشان معرفت و آگاهی [به وضع خود در آینده] ندارند. (۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸)

و در برابر حکم پروردگارت شکیایی کن که تو زیر نظر و مراقبت ما هستی، و هنگامی که [از خواب] بر می خیزی پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی. (۴۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِذْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

و [نیز] پاره ای از شب و هنگام ناپدید شدن ستارگان [به سبب روشنایی صبح] خدا را تسبیح گوی. (۴۹)

سوره النجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّجْمِ إِذَا هُوَيْ (۱)

سو گند به ستاره هنگامی که [برای غروب کردن در کرانه افق] افتاد؛ (۱)

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا عَوَى (۲)

که هر گز دوست شما از راه راست منحرف نشده، و [در ایمان و اعتقادش از راه راست] خطأ نرفته؛ (۲)

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى (۳)

و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید. (۳)

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْدَى يُوَحِّى (۴)

گفتار او چیزی جز وحی که به او نازل می شود، نیست. (۴)

عَلَمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى (۵)

[فرشته] بسیار نیرومند به او تعلیم داده است. (۵)

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى (۶)

[همان که] دارای درایت و توانمندی شگفتی است، پس [به آنچه که مأمور انجامش می باشد] مسلط و چیره است. (۶)

وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى (۷)

در حالی که در افق اعلا بود. (۷)

ثُمَّ دَنَّا فَتَدَلَّى (۸)

سپس نزدیک رفت و نزدیک تر شد (۸)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَذْنَى (۹)

پس [فاصله اش با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیک تر شد. (۹)

فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أُوحَى (۱۰)

آن گاه به بندۀ اش آنچه را باید وحی می کرد، وحی کرد. (۱۰)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى (۱۱)

آنچه را دل [پیامبر] دید [به پیامبر] دروغ نگفت [تا او را درباره حقیقت فرشته وحی به وهم و خیال اندازد، بلکه به حضور و شهودش یقین کامل داشت]. (۱۱)

أَفَتَمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى (۱۲)

آیا در آنچه [به حقیقت] می بینید با او به سختی مجادله و ستیزه می کنید؟ (۱۲)

وَلَقَدْ رَآهُ نَزَلَهُ أُخْرَى (۱۳)

و بی تردید یک بار دیگر هم او را دیده است (۱۳)

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُتَّهَى (۱۴)

نزد سدره المتنهى، (۱۴)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (۱۵)

در آنجا که جنت الماوی است. (۱۵)

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى (۱۶)

آن گاه که سدره را احاطه کرده بود آنچه [از فرشتگان، نور و زیبایی] احاطه کرده بود. (۱۶)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (۱۷)

دیده [پیامبر آنچه را دید] بر غیر حقیقت و به خطأ ندید و از مرز دیدن حقیقت هم درنگذشت. (۱۷)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (۱۸)

به راستی که بخشی از نشانه های بسیار بزرگ پروردگارش را دید. (۱۸)

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعَزَّى (۱۹)

پس به من از لات و عزّی [دو بت خویش] خبر دهید (۱۹)

وَمَنَّاهُ الْثَالِثَةُ الْأُخْرَى (۲۰)

و منات، سومین [بت] دیگر تان [که شما آنها را تمثال فرشتگانی به عنوان دختران خدا می پندارید،] (۲۰)

أَكُلُّكُمُ الدَّكَرُ وَلَهُ الْأَنْثَى (۲۱)

آیا [به پندار شما] ویژه شما پسر و ویژه او دختر است؟! (۲۱)

تِلْكَ إِذَا قِسْمَهُ ضِيزَى (۲۲)

در این صورت این تقسیمی ظالمانه است. (۲۲)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْيَحَاءُ سَمَيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآباؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَبَعُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ
الْهَدَى (۲۳)

این بتان [که شما آنها را به عنوان شریک خدا گرفته اید] چیزی جز نام ها [ی بی معنا و بی مفهوم] که شما و پدرانتان [بر اساس حدس و گمان] نامگذاری کرده اید نیستند، خدا بر [حقایقت] آنها هیچ دلیلی نازل نکرده است. اینان فقط از پندار و گمان [بی پایه] و هواهای نفسانی پیروی می کنند، در حالی که مسلمًا از سوی پروردگارشان برای آنان هدایت آمده است.
(۲۳)

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى (۲۴)

مگر برای انسان آنچه را [چون حاجت بخشی بتان و شفاعت آنان] آرزو می کند، فراهم است؟ (۲۴)

فِلَلَهِ الْآخِرَهُ وَالْأُولَى (۲۵)

آخرت و دنیا فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خدادست. (۲۵)

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى (۲۶)

و چه بسیار فرشتگانی که در آسمان ها هستند که شفاعتشان هیچ سودی نمی بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر که بخواهد و بپسندد، اجازه دهد. (۲۶)

ص: ۵۲۶

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَهَ تَسْمِيهَ الْأَنْثَى (۲۷)

مسلمًاً کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به نام زن نامگذاری می کنند؛ (۲۷)

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيئًا (۲۸)

و آنان را به این کار هیچ آگاهی و معرفت نیست. [آنان] فقط از گمان پیروی می کنند، و بی تردید گمان [انسان را] برای دریافت حق، هیچ سودی نمی دهد. (۲۸)

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۲۹)

بنابراین از کسانی که از یاد ما روی گردانده اند و جز زندگی دنیا را نخواسته اند، روی بگردان. (۲۹)

ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى (۳۰)

این [دنیا خواهی] آخرین مرز دانش و معرفت آنان است؛ یقیناً پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده، داناتر است، و او به کسی که هدایت یافته، آگاه تر است. (۳۰)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (۳۱)

و آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، تا کسانی را که مرتکب گناه شده اند، همان گناهانشان را به آنان کیفر دهد، و کسانی را که کار نیک کرده اند، همان کار نیکشان را به آنان پاداش دهد. (۳۱)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْبِإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَهِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأْتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّهُ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُرُكُوكُوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (۳۲)

کسانی که از گناهان بزرگ و زشت کاری ها جز لغزش های کوچک دوری می کنند [مورد آمرزش اند] یقیناً آمرزش پروردگارت گسترده و وسیع است. او به شما از هنگامی که شما را از زمین به وجود آورد و از هنگامی که در شکم مادرانتان جنین بودید، داناتر است؛ پس خودستایی نکنید. او به کسی که پرهیز کاری پیشه کرده است، آگاه تر است. (۳۲)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى (۳۳)

آیا کسی را که [از حق] روی گردانید، دیدی؟ (۳۳)

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى (۳۴)

و اندکی [از مال خود] بخشید و [از باقی مانده آن] امساك ورزید. (۳۴)

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى (۳۵)

آیا علم غیب نزد اوست و او می بیند [که بارگناهانش رادر قیامت دیگری بر می دارد؟] (۳۵)

أَمْ لَمْ يُبَيِّنَا لِمَا فِي صُحُفٍ مُوَسَى (۳۶)

یا او را به آنچه در صحیفه های موسی است خبر نداده اند؟ (۳۶)

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَتَ (۳۷)

و [یا به آنچه در صحیفه های] ابراهیم [است] همان که به طور کامل [به پیمانش با خدا] وفا کرد [آگاهش نکرده اند؟] (۳۷)

أَلَّا تَزِرُّ وَازْرَهُ وَزْرٌ أُخْرَى (۳۸)

که هیچ سنگین باری بارگناه دیگری را بر نمی دارد، (۳۸)

وَأَنَّ لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹)

و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره ای] نیست، (۳۹)

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۴۰)

و اینکه تلاش او به زودی دیده خواهد شد؛ (۴۰)

ثُمَّ يُجْزِأُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى (۴۱)

سپس به تلاشش پاداش کامل خواهند داد؛ (۴۱)

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى (۴۲)

و اینکه پایان [همه امور] به سوی پروردگارتوست؛ (۴۲)

وَأَنَّهُ هُوَ أَصْحَاكَ وَأَبْكَى (۴۳)

و این اوست که می خنداند و می گریانند؛ (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَخْيَا (۴۴)

و هم اوست که می میراند و زنده می کند. (۴۴)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الرِّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (٤٥)

واوست که دو زوج نر و ماده آفرید، (٤٥)

مِنْ نُطْفَهِ إِذَا تُمْنَى (٤٦)

از نطفه هنگامی که در رحم ریخته شود. (٤٦)

وَأَنَّ عَلَيْهِ السَّنَاهَ الْأُخْرَى (٤٧)

و پدید آوردن جهان دیگر بر عهده اوست، (٤٧)

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى (٤٨)

و اوست که شما را توانگر کرد و سرمایه قابل ذخیره بخشید، (٤٨)

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرِ (٤٩)

و او پروردگار [ستاره] شعری است، (٤٩)

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى (٥٠)

و اوست که قوم عاد نخستین را هلاک کرد، (٥٠)

وَثُمُودَ فَمَا أَبْقَى (٥١)

و [نیز] قوم ثمود را به طوری که [کسی از آنان را] باقی نگذاشت (٥١)

وَقَوْمَ نُوحَ مِنْ قَبْلِ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمُ وَأَطْغَى (٥٢)

وقوم نوح را پیش تر [هلاک کرد]؛ زیرا آنان ستمکارت و سرکش تر بودند (٥٢)

وَالْمُؤْتَفَكَهُ أَهْوَى (٥٣)

و شهرها [ای] قوم لوط را زیر و رو کرد و به زمین کویید. (٥٣)

فَعَشَّاهَا مَا غَشَّى (٥٤)

پس [عذاب خدا] آنان را احاطه کرد آن مقدار که احاطه کرد. (٥٤)

فِيَأْيٍ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى (۵۵)

پس [ای انسان!] در کدام یک از نعمت های پروردگارت تردید می کنی [که آیا از سوی خدا هست یا نیست؟!] (۵۵)

هَذَا نَدِيرٌ مِّنَ النُّورِ الْأُولَى (۵۶)

این پیامبر [نیز] بیم دهنده ای از [زمراه] بیم دهنگان پیشین است. (۵۶)

أَرِفَتِ الْآزِفَةَ (۵۷)

قيامت نزدیک شد. (۵۷)

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (۵۸)

کسی جز خدا بر طرف کننده [سختی ها و هول و هراسش] نیست. (۵۸)

أَفَمِنْ هَذَا الْحِدِيثِ تَعْجَبُونَ (۵۹)

آیا از این سخن تعجب می کنید؟ (۵۹)

وَتَضْحِكُونَ وَلَا تَبَكُونَ (۶۰)

و [با چنین وضعی که دارید هنوز] می خندید و نمی گریید؟! (۶۰)

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ (۶۱)

و همواره سرکشی می کنید و غافلانه به خوشی و خوشگذرانی مشغول هستید؟! (۶۱)

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (۶۲)

پس [با این وصف که قیامتی سنگین در پی دارید، بیایید] خدا را سجده کنید و بپرسید. (۶۲)

سوره القمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَ الْقَمَرُ (۱)

قیامت بسیار نزدیک شد، و ماه از هم شکافت. (۱)

وَإِنْ يَرُوا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌ (۲)

و اگر معجزه‌ای را ببینند، روی بگردانند و گویند: [این] جادویی همیشگی است! (۲)

وَكَذَّبُوا وَأَتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌ (۳)

و [قرآن، رسالت پیامبر و معجزه را] انکار کردند و هواهای نفسانی خود را پیروی نمودند، در حالی که هر کاری [چه خیر و چه شر، چه حق و چه باطل در قرارگاه ویژه خود] قرار می گیرد [و اینسان به زودی خواهند دانست که قرآن و پیامبر بر حق است یا معبدانشان؟] (۴)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِّنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُرْدَجٌ (۵)

بی تردید آنچه از خبرها [ی گذشتگان] که [در آن] مایه بازداشت [از کفر و شرک و گناهان] است برای آنان آمده است. (۶)

حِكْمَةٌ بِالْغَهْ فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ (۷)

[این خبرها] پندی رساست، ولی هشدارها [به این ستمکاران لجوچ] سودی نمی بخشد. (۸)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَئِ نُكُرٍ (۹)

بنابراین از آنان روی بگردان [و] روزی را [یاد کن] که آن دعوت کننده [یعنی اسرافیل] آنان را به امری بس دشوار و هولناک دعوت می کند. (۱۰)

ص: ۵۲۸

خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَانُهُمْ جَرَادٌ مُّنْتَشِرٌ (۱۱)

در حالی که دیدگانشان [[از شدت ترس] فرو افتاده، هم چون ملخ های پراکنده از گورها بیرون آیند. (۱۲)

مُهْطِئِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ (۱۳)

شتاًبان به سوی آن دعوت کننده می روند و کافران می گویند: امروز روز بسیار سختی است. (۱۴)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحَ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَأَزْدَجِرٌ (۱۵)

پیش از آنان قوم نوح [پیامبران] را تکذیب کردند، پس بنده ما [نوح] را هم تکذیب کردند و گفتند: دیوانه است، و جن زده ای است [که آثاری از گزند جن در او می باشد]. (۱۶)

فَدَعَ رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَاتَّصِرُ (۱۷)

پس پروردگارش را خواند که من مغلوب شده ام [و از ستم و زور گویی آنان دلتگم] بنابراین انتقام [مرا از اینان] بگیر. (۱۰)

فَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِّرٍ (۱۱)

پس [در پاسخ درخواستش] درهای آسمان را به آبی بسیار فراوان و ریزان گشودیم، (۱۱)

وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِّرَ (۱۲)

و زمین را به [جوشیدن] چشمeh هایی [پر آب] شکافتیم؛ پس آب آسمان و زمین برای کاری که مقدّر شده بود به هم پیوستند، (۱۲)

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسْرٍ (۱۳)

و او را بر کشته که دارای تخته ها و میخ ها بود سوار کردیم، (۱۳)

تَهْجِرِي بِأَعْيُنِنَا بَجَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِّرَ (۱۴)

که زیر نظر ما روان بود. [و این] پاداشی بود برای کسی که مورد تکذیب قرار گرفته بود. (۱۴)

وَلَقَدْ تَرْكُنَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ (۱۵)

و بی تردید آن سرگذشت را [برای آیندگان] مایه پند و عبرت باقی گذاشتم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۱۵)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُنْدِرِ (۱۶)

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۶)

وَلَقَدْ يَسَرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ (۱۷)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۱۷)

كَذَّبْتُ عَادًّ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُنْدِرِ (۱۸)

قوم عاد [پیامبران را] تکذیب کردند، پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيَحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَّحْسِ مُسْتَمِّرٍ (۱۹)

ما بر آنان در روزی شوم که شومی اش استمرار داشت، تندبادی سخت و بسیار سرد [به عنوان عذاب] فرستادیم، (۱۹)

تَنْرُعُ النَّاسَ كَانَهُمْ أَعْجَازٌ نَخْلٌ مُنْقَعِرٍ (۲۰)

که مردم را [از زمین] بر می کند [و بعد از آن عذاب،] گویی تنه های نخلی بودند که ریشه کن شده اند. (۲۰)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۲۱)

پس عذاب و هشدار هایم چگونه بود؟ (۲۱)

وَلَقَدْ يَسَرَنَا الْقُرْآنُ لِلَّذِكْرِ فَهَلْ مِنْ مُنَذِّرٍ (۲۲)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۲۲)

كَذَّبَتْ ثَمُودٌ بِالنُّذُرِ (۲۳)

قوم ثمود بیم دهنده گان را تکذیب کردند. (۲۳)

فَقَالُوا أَبْشِرُوا مَنًا وَاحِدًا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ (۲۴)

پس گفتند: آیا ما بشری از جنس خود را که [تک و] تنهاست [و جمعیت و نیرویی با خود ندارد] پیروی کنیم؟! در این صورت در گمراهی و دیوانگی خواهیم بود. (۲۴)

أَلْقَى اللَّذْكُرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنَنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵)

آیا از میان ما فقط بر او وحی نازل شده است؟! [نه، چنین نیست] بلکه او بسیار دروغگو و پرافاده و متکبر است [که می خواهد بر ما بزرگی کند]. (۲۵)

سَيَعْلَمُونَ غَدَّا مِنِ الْكَذَّابِ الْأَشِرِ (۲۶)

در فردای نزدیک خواهند دانست که بسیار دروغگو و پرافاده و متکبر کیست؟ (۲۶)

إِنَّا مُرْسِلُونَ النَّاقِهِ فِتْنَهُ لَهُمْ فَارَّقْبَهُمْ وَاصْطَبِرْ (۲۷)

[به صالح گفته: ما برای آزمایش آنان یقیناً آن ماده شتر [درخواست شده] را خواهیم فرستاد؛ پس در انتظار سرانجام آنان باش و شکیبا یی پیشه کن. (۲۷)

ص: ۵۲۹

وَبَيْنَهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَهُ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ (۲۸)

و آنان را خبر ده که آب آشامیدنی میان آنان و ماده شتر تقسیم شده است؛ هریک در زمان نوبت خود بر سر آب حاضر شوند. (۲۸)

فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

پس آنان یارشان را [که برای پی کردن ناقه آماده کرده بودند] فرا خواندند و [او] دست به کار شد و [ماده شتر را] پی کرد. (۲۹)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ (۳۰)

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۳۰)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهْشِيمُ الْمُخَتَّضِ (۳۱)

ما بر آنان یک فریاد مرگبار فرستادیم، پس همه آنان به صورت گیاه خشکی که در آغل چهارپایان جمع می کنند، درآمدند. (۳۱)

وَلَقَدْ يَسَرَنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِكْرِ فَهُلْ مِنْ مُذَكَّرٍ (۳۲)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۳۲)

كَذَبْ قَوْمٌ لُوطٌ بِالنُّذُرِ (۳۳)

قوم لوط بیم دهنگان را تکذیب کردند. (۳۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ (۳۴)

ما بر آنان توفانی سخت که با خود ریگ و سنگ می آورد فرستادیم [در نتیجه همه را هلاک کرد]، مگر خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم. (۳۴)

نُعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجَزِي مَنْ شَكَرَ (۳۵)

[این] نعمت و رحمتی از سوی ما بود، این گونه کسی را که سپاس گزار است، پاداش می دهیم. (۳۵)

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْ بِالنُّذُرِ (۳۶)

به راستی لوط آنان را به مؤاخذه سخت ما بیم داده بود، ولی [آنان با وی] در بیمها و هشدارها [یش] سرخشنانه مجادله و ستیزه کردند. (۳۶)

وَلَقَدْ رَأَوْدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيَنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرٍ (۳۷)

و از میهمانانش [که در حقیقت فرشتگان ما بودند] کام جویی خواستند، در نتیجه دیدگانشان را محو و نایینا کردیم؛ پس [گفتیم: طعم] عذاب و هشدارهایم را بچشید. (۳۷)

وَلَقَدْ صَبَّحُهُمْ بُكْرَةً عَذَابُ مُسْتَقِرٍ (۳۸)

به یقین در سپیده دم عذابی پیگیر و پایدار به آنان رسید. (۳۸)

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرٍ (۳۹)

پس [گفتیم: طعم] عذاب و هشدارهایم را بچشید. (۳۹)

وَلَقَدْ يَسَرَنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِكْرِ فَهُلْ مِنْ مُذَكَّرٍ (۴۰)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۴۰)

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱)

و همانا برای فرعونیان بیم دهنده‌گان آمدند. (۴۱)

كَذَبُوا بِآيَاتِنَا كُلُّهَا فَأَخْذُنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُفْتَدِرٍ (۴۲)

[آنان] همه معجزات و آیات ما را تکذیب کردند؛ در نتیجه آنان را [به عذابی سخت] گرفتیم، گرفتن توانایی شکست ناپذیر و نیرومند. (۴۲)

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (۴۳)

آیا کافران [شهر] شما از اقوامی که برشمردیم، بهتر و برترند [تا به سبب بهتری و برتری مصون از عذاب باشند؟] یا برای شما در کتاب‌های آسمانی امان نامه ای هست [که هر جرمی را مرتكب شوید عذابی نخواهد داشت!؟] (۴۳)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٍ (۴۴)

یا [آنکه] می گویند: ما گروهی متحد و پشتیبان یکدیگریم [که هر کس بخواهد آسیبی به ما رساند، با قدرت هرچه تمام تراز او انتقام می گیریم؟] (۴۴)

سَيْهَمُ الْجَمْعُ وَيُؤْلُونَ الدُّبُرَ (۴۵)

به زودی [این] گروه [متعدد در جنگی که خود بر ضد مؤمنان تدارک می بینند] شکست می خورند و پشت کنان می گریزند.
(۴۵)

بِلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ (۴۶)

بلکه وعده گاهشان قیامت است، و قیامت هولناک تر و تلخ تر است. (۴۶)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ (۴۷)

بی تردید گنهکاران در گمراهی و انحراف و در آتش افروخته اند. (۴۷)

يَوْمَ يُسَحِّبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸)

روزی که با صورت در آتش کشیده می شوند [و به آنان می گویند: سوزندگی و عذاب دردناک دوزخ را بچشید. (۴۸)]

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (۴۹)

ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم. (۴۹)

ص: ۵۳۰

وَمَا أَمْرَنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٌ بِالْبَصَرِ (۵۰)

و فرمان ما جز فرمان واحدی نیست که مانند یک چشم بر هم زدن است. (۵۰)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاكُمْ فَهُلْ مِنْ مُدَّكِّرٍ (۵۱)

بی تردید ما هم مسلکان شما را [که در گذشته به سر می برند، به خاطر طغیانشان] هلاک کردیم؛ پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۵۱)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعْلُوهُ فِي الرُّبُرِ (۵۲)

و هر عملی را که انجام دادند در نامه های اعمالشان ثبت است. (۵۲)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ (۵۳)

و هر کوچک و بزرگی [از اعمالشان در آن] نوشته شده است. (۵۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴)

یقیناً پرهیز کاران در بهشت ها و [کنار] نهرها هستند؛ (۵۴)

فِي مَقْعِدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵)

در جایگاهی حق و پسندیده نزد پادشاهی توانا. (۵۵)

سوره الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنُ (۱)

[خدای] رحمان (۱)

عَلَمَ الْقُرْآنَ (۲)

قرآن را تعلیم داد. (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

انسان را آفرید؛ (۳)

عَلَمَهُ الْبَيَانَ (۴)

به او بیان آموخت؛ (۴)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

حورشید و ماه با حسابی [منظوم و دقیق] روانند؛ (۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

و گیاه و درخت همواره [برای او] سجده می کنند؛ (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)

و آسمان را برافراشت و [برای سنجش هر امر معنوی و مادی] ترازو نهاد؛ (۷)

أَلَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸)

تا در [سنجیدن با] ترازو طغيان روا مداريد [و از مرز عدالت و انصاف مگذرید]. (۸)

وَأَقِيمُوا الْوَرْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)

و ترازو را به عدالت برپا دارید و از ترازو مکاهید؛ (٩)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلَّاتَامِ (١٠)

و زمین را برای [زندگی] مردم نهاد؛ (١٠)

فِيهَا فَاكِهَهُ وَالنَّخلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١)

در آن میوه ها و نخل ها با خوشه های غلاف دار است؛ (١١)

وَالْحُبْ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (١٢)

و دانه های با سبوس و کاه و گیاهان خوشبوست، (١٢)

فِيَأَيِّ الْأَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٣)

پس [ای انس و جن!] کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (١٣)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَارِ (١٤)

انسان را از گلی خشکیده مانند سفال آفرید. (١٤)

وَخَلَقَ الْجَانَ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (١٥)

و جن را از آمیزه ای [از شعله های مختلف] آتش به وجود آورد. (١٥)

فِيَأَيِّ الْأَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٦)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (١٦)

ص: ٥٣١

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (١٧)

پروردگار دو مشرق و پروردگار دو غرب است. (١٧)

فِيَأَيِّ الْأَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٨)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۱۸)

مَرْجَ الْبَحْرِينِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)

دو دریای [شیرین و شور] را روان ساخت در حالی که همواره باهم تلاقی و برخورد دارند؛ (۱۹)

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَعْيَانِ (۲۰)

[ولی] میان آن دو حایلی است که به هم تجاوز نمی کنند [درنتیجه باهم مخلوط نمی شوند!] (۲۰)

فَإِنَّ آلَاءَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۲۱)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا الْؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید. (۲۲)

فَإِنَّ آلَاءَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۲۳)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

و او را در دریا کشتی های بادبان برافراشته چون کوه هاست. (۲۴)

فَإِنَّ آلَاءَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۲۵)

كُلُّ مَنْ عَيْنَهَا فَانِ (۲۶)

همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می شوند. (۲۶)

وَيَنْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می ماند. (۲۷)

فَإِنَّ آلَاءَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۲۸)

يَسْأَلُهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأنٍ (۲۹)

هر که در آسمان ها و زمین است از او درخواست [حاجت] می کند، او هر روز در کاری است. (۲۹)

فِيَأَيِّ الَّاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۰)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۳۰)

سَفَرْغُ لَكُمْ أَيْهَا النَّقَالَانِ (۳۱)

ای انس و جن! به زودی به [حساب] شما می پردازیم. (۳۱)

فِيَأَيِّ الَّاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۲)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۳۲)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

ای گروه جن و انس! اگر می توانید از کرانه ها و نواحی آسمان ها و زمین بیرون روید، پس بیرون روید؛ نمی توانید بیرون روید مگر با نوعی توانایی و قدرت. (۳۳)

فِيَأَيِّ الَّاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۳۴)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا سُوَاظُ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵)

بر شما شعله هایی از آتش بی دود و دود آتش آلد فرستاده خواهد شد، در نتیجه نمی توانید یکدیگر را [برای دفع عذاب] یاری دهید! (۳۵)

فِيَأَيِّ الَّاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۳۶)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالَّدَهَانِ (۳۷)

و ناگهان آسمان بشکافد و چون چرمی سرخ رنگ و گلگون شود. (۳۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٨)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٣٨)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُشَأْلُ عَنْ ذَنِبِهِ إِنْسُ وَلَا جَانٌ (٣٩)

پس در آن روز [به علت سرعت فوق العاده حسابرسی و روشن بودن همه امور] هیچ انس و جنی را از گناهش نپرسند. (٣٩)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٠)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٤٠)

ص: ٥٣٢

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالْتَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (٤١)

گناهکاران به نشانه هایشان شناخته می شوند، پس آنان را به موهای پیش سرو به پاهایشان می گیرند [و به آتش می اندازند]. (٤١)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٢)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٤٢)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (٤٣)

این همان دوزخی است که گنهکاران آن را دروغ می پنداشتند. (٤٣)

يَطْوُفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنِ (٤٤)

آنان در میان آتش و آب جوشان رفت و آمد می کنند (٤٤)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٥)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٤٥)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتِانِ (٤٦)

و برای کسی که از مقام پروردگارش [که احاطه و تسلط او بر ظاهر و باطن هستی است] بترسد دو بهشت است. (٤٦)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٧)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٤٧)

ذَوَاتًا أَفْنَانِ (٤٨)

[دو بهشتی که] دارای درختان و شاخسارهای باطرافت و انبوه است. (٤٨)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٩)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٤٩)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (٥٠)

در آن دو بهشت دو چشمه ای است که همواره جاری است. (٥٠)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥١)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٥١)

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَهِ زَوْجَانِ (٥٢)

در آن دو بهشت از هر میوه ای دو نوع فراهم است. (٥٢)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٣)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٥٣)

مُتَكَبِّئِنَ عَلَى فُرْشٍ بَطَائِئُهَا مِنْ إِسْبَرِقٍ وَجَنَى الْجَثَثِينِ دَانِ (٥٤)

[بهشتیان] بر بستر هایی که آستر آنها از حریر درشت بافت است، تکیه می زند، و میوه های رسیده آن دو بهشت [به آسانی] در دسترس است. (٥٤)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (٥٥)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الظَّرْفِ لَمْ يَطْمِثُنَّ إِنْسُنَ قَبَاهُمْ وَلَا جَانُ (٥٦)

در آن بهشت ها زنانی هستند که فقط به همسرانشان عشق می ورزند، و پیش از آنان دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است. (۵۶)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۷)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۸)

گویی آن زنان بهشتی یاقوت و مرجان اند. (۵۸)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۹)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ (۶۰)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۱)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۱)

وَمِنْ دُونِهِمَا حَتَّانٌ (۶۲)

و جز آن دو بهشت، دو بهشت دیگر [هم] هست. (۶۲)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۳)

مُدْهَاهَتَانِ (۶۴)

آن [دو بهشت دیگر] در نهایت سرسبزی اند. (۶۴)

فِيَأَيْ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۵)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۵)

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَصَّاَخَتَانِ (٦٦)

در آن دو بهشت دو چشم همواره جوشان و در حال فوران است. (٦٦)

فِيَّاَلِ آَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٧)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (٦٧)

ص: ٥٣٣

فِيهِمَا فَاكِهَهُ وَنَخْلُ وَرَمَانُ (٦٨)

در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است. (٦٨)

فِيَّاَلِ آَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٩)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (٦٩)

فِيهِنَّ خَيْرَاتُ حِسَانٍ (٧٠)

در آنها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت اند. (٧٠)

فِيَّاَلِ آَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧١)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (٧١)

حُورُّ مَقْصُورَاتُ فِي الْخِيَامِ (٧٢)

حوریانی که در سراپرده ها مستورند. (٧٢)

فِيَّاَلِ آَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٣)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (٧٣)

لَمْ يَطْمَئِنُ إِنْسُ قَبَلَهُمْ وَلَا بَعْدُ (٧٤)

پیش از همسران بهشتی شان دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است. (٧٤)

فِيَّاَلِ آَلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٥)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۷۵)

مُتَكَبِّلٌ عَلَى رَفْفِ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٌ (۷۶)

بر بالش های سبز و فرش های زیبا تکیه می زند. (۷۶)

فِيَأَيِّ الَّاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۷)

پس کدامیک از نعمت های پروردگار تان را انکار می کنید؟ (۷۷)

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

همیشه سودمند و با برکت است نام پروردگار با شکوه و ارجمند. (۷۸)

سوره الواقعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱)

هنگامی که واقعه [بسیار عظیم قیامت] واقع شود، (۱)

لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَادِيْهُ (۲)

که در واقع شدنش دروغی [در کار] نیست، (۲)

خَافِضَهُ رَافِعَهُ (۳)

پست کننده [کافران] و رفعت دهنده [مؤمنان] است. (۳)

إِذَا رُجِّتِ الْأَرْضُ رَجَّا (۴)

هنگامی که زمین به شدت لرزانده شود، (۴)

وَبُسَّتِ الْجَبَالُ بَسَّا (۵)

و کوه ها درهم کوبیده و ریز ریز شوند. (۵)

فَكَانَتْ هَبَاءً مُّبِينًا (۶)

در نتیجه غباری پراکنده گردد، (۶)

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (٧)

وَشَمَا سَهْ كَرُوهْ شَوِيدْ: (٨)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (٩)

سعادتمدان، چه بلند مرتبه اند سعادتمدان! (١٠)

وَأَصْحَابُ الْمَشَائِمِ مَا أَصْحَابُ الْمَشَائِمِ (١١)

وَشَقَاوْتَمَدَان، چه دون پایه اند شقاوتمدان! (١٢)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (١٣)

وَپیشی گیرندگان [به اعمال نیک] که پیشی گیرندگان [به رحمت و آمرزش] اند، (١٤)

أُولَئِكَ الْمُقرَّبُونَ (١٥)

اینان مقربان اند، (١٦)

فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ (١٧)

در بهشت های پر نعمت اند. (١٨)

ثُلَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ (١٩)

گروهی بسیار از پیشینیان، (٢٠)

وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (٢١)

و اند کی از پسینیان، (٢٢)

عَلَى سُرُّ مَوْضُونَه (٢٣)

بر تخت هایی زربافت، (٢٤)

مُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ (٢٥)

در حالی که رو بروی یکدیگر بر آنها تکیه دارند. (٢٦)

يَطْوِفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۷)

نوجوانانی همیشه نو جوان همواره [برای خدمت] پیرامونشان می گردند، (۱۷)

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسِ مَنْ مَعَيْنِ (۱۸)

با قدرها و کوزهها و جامهایی از باده ناب و پاک، (۱۸)

لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزَفُونَ (۱۹)

که از نوشیدنش نه سردرد گیرند، و نه مست و بی خرد شوند، (۱۹)

وَفَاكِهَةٍ مَّمَّا يَتَحْيَرُونَ (۲۰)

و میوهها از هر نوعی که اختیار کنند، (۲۰)

وَلَحْمٍ طَفِيرٍ مَّمَّا يَسْتَهُونَ (۲۱)

و گوشت پرنده از هر گونه ای که بخواهند، (۲۱)

وَحُورٌ عِينٌ (۲۲)

و حوریانی چشم درشت، (۲۲)

كَامْثَالِ الْلُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (۲۳)

هم چون مروارید پنهان شده در صدف؛ (۲۳)

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

پاداشی است در برابر اعمالی که همواره انجام می دادند. (۲۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (۲۵)

در آنجا نه سخن بیهوده ای می شوند، نه کلام گناه آسودی، (۲۵)

إِلَّا قِيلَا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶)

مَگر سخنی که سلام است و سلام، (۲۶)

وَاصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷)

و سعادتمدان چه بلند مرتبه اند سعادتمدان! (۲۷)

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (۲۸)

در سایه درخت سدر بی خارند، (۲۸)

وَطَلْحٌ مَّنْضُودٍ (۲۹)

و درختان موزی که میوه هایش خوش خوشه روی هم چیده شده است، (۲۹)

وَظِلٌّ مَّمْدُودٍ (۳۰)

و سایه ای گسترده و پایدار، (۳۰)

وَمَاءٌ مَّسْكُوبٌ (۳۱)

و آبی ریزان، (۳۱)

وَفَاكِهَةٌ كَثِيرَهٌ (۳۲)

و میوه ای فراوان، (۳۲)

لَا مَقْطُوعَهٌ وَلَا مَمْنُوعَهٌ (۳۳)

که پایان نپذیرد و ممنوع نشود، (۳۳)

وَفُرْشٌ مَّرْفُوعَهٌ (۳۴)

و همسرانی بلند مرتبه، (۳۴)

إِنَّا أَنْشَأْنَا هُنَّ إِنْشَاءً (۳۵)

که ما آنان را با آفرینشی ویژه آفریدیم؛ (۳۵)

فَجَعَلْنَا هُنَّ أَبْكَارًا (۳۶)

پس آنان را همواره دوشیزه قرار داده ایم (۳۶)

عُرْبًا أَتْرَابًا (۳۷)

عشقو رز به شوهران، و هم سن و سال با همسران. (۳۷)

لأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸)

[همه این نعمت‌ها] برای سعادتمدان [است]. (۳۸)

ثُلَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۳۹)

گروهی بسیار از پیشینیان، (۳۹)

وَثُلَّهُ مِنَ الْآخِرِينَ (۴۰)

و گروهی بسیار از پسینیان، (۴۰)

وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ (۴۱)

و شقاوتمندان، چه دون پایه اند شقاوتمندان! (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (۴۲)

در میان بادی سوزان و آبی جوشان [قرار دارند،] (۴۲)

وَظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ (۴۳)

و سایه‌ای از دودهای بسیار غلیظ و سیاه، (۴۳)

لَا بَارِدٌ وَلَا كَرِيمٌ (۴۴)

نه خنک است و نه آرام بخش، (۴۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتَرَفِينَ (۴۵)

اینان پیش از این از نازپروردگان خود کامه و سرکش بودند، (۴۵)

وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ (۴۶)

و همواره بر گناهان بزرگ پافشاری داشتند، (۴۶)

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِنْتَ وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۴۷)

و پیوسته می گفتند: آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا به راستی برانگیخته می شویم؟! (۴۷)

أَوَآتَءُنَا الْأَوَّلُونَ (۴۸)

و آیا پدران گذشته ما نیز برانگیخته می شوند؟! (۴۸)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ (۴۹)

بگو: بی تردید همه پیشینیان و همه پسینیان، (۴۹)

لَمْ جُمْعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ (۵۰)

برای وعده گاه روزی معین گرد آورده خواهند شد. (۵۰)

ص: ۵۳۵

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيَّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (۵۱)

آن گاه شما ای گمراهان انکار کننده! (۵۱)

لَا كِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُومٍ (۵۲)

قطعاً از درختی که از زقوم است [و دارای مایعی جوشان و بسیار بدمزه و بدبوست] خواهید خورد؛ (۵۲)

فَمَا لِئُونَ مِنْهَا الْبُطْوَنَ (۵۳)

و شکم ها از آن پر خواهید کرد، (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴)

و روی آن از آب جوشان خواهید نوشید، (۵۴)

فَشَارِبُونَ شُربَ الْهِيمِ (۵۵)

مانند نوشیدن شترانی که به شدت تشنه اند؛ (۵۵)

هَذَا تُرْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (٥٦)

این است پذیرایی از آنان در روز جزا. (٥٦)

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (٥٧)

ما شما را آفریدیم، پس چرا [آفرینش دوباره خود را پس از مرگ] باور نمی کنید؟ (٥٧)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (٥٨)

آیا از [حالات و دگرگونی های] نطفه ای که در رحم می ریزید آگاه هستید؟ (٥٨)

أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (٥٩)

آیا شما آن را [تا انسانی معتدل و آراسته شود] می آفرینید یا ما آفریننده ایم؟ (٥٩)

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمُ الْمُؤْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقَيْنَ (٦٠)

ماییم که مرگ را میان شما مقدّر کردیم، و هیچ چیز ما را [در جاری کردن مرگ بر شما] مغلوب نمی کند. (٦٠)

عَلَى أَنْ تُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (٦١)

[آری، مرگ را مقدّر کردیم] تا امثال شما را جایگزین شما کنیم و شما را به صورتی که نمی دانید آفرینشی تازه و جدید بخشیم، (٦١)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّسَاءَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (٦٢)

و به راستی پیدایش نخستین را [که جهان فعلی است] شناختید، پس چرا متذکر [پدید شدن جهان دیگر] نمی شوید؟! (٦٢)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَعْرِثُونَ (٦٣)

مرا خبر دهید آنچه را می کارید، (٦٣)

أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْزَارِعُونَ (٦٤)

آیا شما آن را می رویانید، یا ما می رویانیم؟ (٦٤)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (٦٥)

به یقین اگر بخواهیم، آن را ریز کرده و خاشاک می کنیم که متأسف و شگفت زده می شوید، (۶۵)

إِنَّا لَمُعْرِمُونَ (۶۶)

[و می گویید:] مسلماً ما خسارت زده ایم، (۶۶)

بَلْ نَحْنُ مَمْرُومُونَ (۶۷)

بلکه ناکام و محرومیم (۶۷)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸)

به من خبر دهید آبی که می نوشید، (۶۸)

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُرْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزَلُونَ (۶۹)

آیا شما آن را از ابر باران زا فرود آورده اید یا ما فرود آوردنده ایم؟ (۶۹)

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰)

اگر بخواهیم آن را تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس گزاری نمی کنید؟ (۷۰)

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱)

به من خبر دهید آتشی که می افروزید، (۷۱)

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ (۷۲)

آیا شما درختش را به وجود آورده اید یا ما به وجود آوردنده ایم؟ (۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (۷۳)

ما آن را وسیله تذکر و مایه استفاده برای صحرانشینان و بیابانگردان قرار داده ایم. (۷۳)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۷۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵)

پس به جایگاه ستارگان سوگند می خورم، (۷۵)

وَإِنَّهُ لَقَسْمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۷۶)

و اگر بدانید بی تردید این سوگندی بس بزرگ است. (۷۶)

ص: ۵۳۶

إِنَّهُ لَقُوْ آنْ كَرِيمٌ (۷۷)

که یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و بالارزش؛ (۷۷)

فِي كِتَابِ مَكْنُونٍ (۷۸)

[که] در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی [به نام لوح محفوظ جای دارد]. (۷۸)

لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹)

جز پاک شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند. (۷۹)

تَنْرِيلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۸۰)

نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. (۸۰)

أَفِهَمَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُّدْهُنُونَ (۸۱)

آیا شما نسبت به این گفتار سهل انگاری می کنید [و آن را قابل اعتنا نمی دانید؟!] (۸۱)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲)

و فقط نصیب خود را این قرار می دهید که آن را انکار کنید؟! (۸۲)

فَلَوْلَا إِذَا بَاغَتِ الْحُلُقُومَ (۸۳)

پس چرا هنگامی که روح به گلوگاه می رسد، (۸۳)

وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظَرُونَ (۸۴)

و شما در آن وقت نظاره گر هستید [و هیچ کاری از شما ساخته نیست!] (۸۴)

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنَ لَا تُبَصِّرُونَ (٨٥)

وَمَا بِهِ از شما نزدیک تریم، ولی نمی بینید. (٨٥)

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ عَيْنَ مَدِينَ (٨٦)

[آری] پس چرا اگر شما پاداش داده نمی شوید [و به گمان خود قیامتی در کار نیست و شما را قدرتی بزرگ و فراتر است؟]
(٨٦)

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٨٧)

آن [روح به گلوگاه رسیده] را [به بدن محتضر] برنمی گردانید، اگر [در ادعای خود] راستگویید؟ (٨٧)

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ (٨٨)

پس اگر [جان به گلو رسیده] از مقربان باشد، (٨٨)

فَرَوْحٌ وَرِيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (٨٩)

[در] راحت و آسایش و بهشت پرنعمت [خواهد بود]. (٨٩)

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (٩٠)

و اگر از سعادتمندان باشد، (٩٠)

فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (٩١)

[به او گفته می شود:] از سوی سعادتمندان بر تو سلام باد. (٩١)

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (٩٢)

و اما اگر از انکار کنندگان [حقایق و] گمراه باشد، (٩٢)

فَتُرْلُ مِنْ حَمِيمٍ (٩٣)

پذیرایی از او با آب جوشان است، (٩٣)

وَتَصْلِيهُ جَحِيمٍ (٩٤)

و وارد شدن به دوزخ است. (۹۴)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵)

[آنچه درباره این سه طایفه بیان شد،] بی تردید این است همان حق یقینی. (۹۵)

فَسَبَّحَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبيح گوی. (۹۶)

سوره الحديـد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می‌ستایند، او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخْبِي وَيُمِيِّنُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲)

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، او بر هر کاری تواناست. (۲)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳)

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، او به همه چیز داناست. (۳)

ص: ۵۳۷

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعْلُومُ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)

اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد. آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بیرون می‌آید و آنچه از آسمان نازل می‌شود، و آنچه در آن بالا می‌رود می‌داند. و او با شماست هرجا که باشد، و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (۴)

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵)

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست، و همه امور به خدا باز گردانده می‌شود. (۵)

يُولِّجُ اللَّيلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)

شب را در روز در می آورد و روز را در شب در می آورد، او به نیات و اسرار سینه ها داناست. (۶)

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و از اموالی که خدا شما را در آن جانشین خود قرار داده، انفاق کنید؛ پس برای کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده اند، پاداش بزرگی خواهد بود. (۷)

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيَاثِقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸)

و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید؟ در حالی که پیامبر، شما را دعوت می کند تا به پروردگار تان ایمان آورید، و بی تردید خدا [از طریق عقل و فطرت بر ایمان آوردن تان] پیمان گرفته است، اگر باور دارید. (۸)

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُنَجِّرَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۹)

اوست که بر بنده اش آیات روشنی نازل می کند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد. و یقیناً خدا نسبت به شما رؤوف و مهربان است. (۹)

وَمَا لَكُمْ أَلَا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيراثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ حَسِيرٌ (۱۰)

و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید؟ در حالی که میراث آسمان ها و زمین مخصوص خداست [و کسی مالک حقیقی چیزی نیست]. کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند [با دیگران] یکسان نیستند، آنان از جهت درجه از کسانی که پس از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند، بلندپایه ترند. و خدا به هریک وعده نیکو داده است و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۰)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ فَرِضًا حَسَنًا فَيَضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱)

کیست که به خدا و امی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و بالارزش باشد؟ (۱۱)

ص: ۵۳۸

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَأُكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

[این پاداش نیکو و بالارزش در] روزی [است] که مردان و زنان با ایمان را می بینی که نورشان پیش رو و از جانب راستشان شتابان حرکت می کند، [به آنان می گویند:] امروز شما را مژده باد به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنها جاودانه اید، این است آن کامیابی بزرگ. (۱۲)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِبْسُ مِنْ نُورٍ كُمْ قِيلَ ارجِعُوا وَرَاءَ كُمْ فَالْتِمْسُوا نُورًا فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَّهُ
بَابُ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبِيلِهِ العَذَابُ (۱۳)

روزی که مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند، می گویند: ما را مهلت دهید تا [پرتویی] از نور شما بر گیریم. به آنان گویند: به پشت سرتان [دنیا] بر گردید و [از آنجا برای خود] نوری بجویید. سپس میان آنان دیواری زده می شود که دارای دری است، درونش [که مؤمنان در آن درآیند] رحمت است و بیرونش که پیش روی منافقان قرار دارد عذاب است.

(۱۳)

يُنَادِونَهُمْ أَلَّمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَتَّمْ أَنْفَسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَعَرَثْتُكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَزوُرُ (۱۴)

مؤمنان را ندا می دهند: آیا ما [در دنیا] با شما نبودیم؟ می گویند: چرا، ولی شما خود را [به سبب نفاق و دشمنی با خدا و رسول] در بلا و هلاکت افکنید و به انتظار [خاموش شدن چراغ اسلام و نابودی پیامبر] نشستید و [نسبت به حقایق] در تردید بودید و آرزوها [ی دور و دراز و بی پایه،] شما را فریفت، تا فرمان خدا [به نابودی شما] در رسید و [شیطان] فریبند، شما را فریب داد. (۱۴)

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا وَاَكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۵)

پس امروز از شما و از کافران فدیه و عوضی [در برابر نجات از عذاب] دریافت نخواهد شد، جایگاهتان آتش است، [و] همان سرپرست و یار شماست و بد بازگشت گاهی است. (۱۵)

أَلَّمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِتَذْكِرِ اللَّهِ وَمَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ
فَقَسَطْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶)

آیا برای اهل ایمان وقت آن نرسیده که دل هایشان برای یاد خدا و قرآنی که نازل شده نرم و فروتن شود؟ و مانند کسانی نباشدند که پیش از این کتاب آسمانی به آنان داده شده بود، آن گاه روزگار [سرگرمی در امور دنیا و مشغول بودن به آرزوهای دور و دراز] بر آنان طولانی گشت، در نتیجه دل هایشان سخت و غیر قابل انعطاف شد، و بسیاری از آنان نافرمان بودند. (۱۶)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ يَبْنَا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۷)

بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می کند. همانا ما نشانه ها [ی ربویت و قدرت خود] را برای شما بیان کردیم تا بیندیشید. (۱۷)

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَنَا يُضَاعِفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۸)

بی تردید مردان و زنان اتفاق کننده و آنان که به خدا وام نیکو داده اند، [وامشان در پیشگاه خدا] برای آنان دو چندان شود، و برای آنان پاداش بالرژشی است. (۱۸)

ص: ۵۳۹

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ (۱۹)

و کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند، آنانند که صدیقان و گواهان [اعمال] نزد پروردگارشان هستند، [و] برای آنان است پاداش [اعمال] شان و نور [ایمان] شان و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را انکار کردند، آنان اهل دوزخ اند. (۱۹)

أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَأَهْوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ يَنْكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأُمُوَالِ وَالْأُولَادِ كَمِثْلِ غَيْثٍ أَعْجَبُ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَاماً وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (۲۰)

بدانید که زندگی دنیا [یی] که دارنده اش از ایمان و عمل تهی است،] فقط بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشیتان به یکدیگر، و افرون خواهی در اموال و اولاد است، [چنین دنیایی] مانند بارانی است که محصول [سبز و خوش منظره اش] کشاورزان را به شگفتی آورد، سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی، سپس ریز و خاشاک شود!! [که برای دنیا پرستان بی ایمان] در آخرت عذاب سختی است و [برای مؤمنان که دنیای خود را در راه اطاعت حق و خدمت به خلق به کار گرفتند] از سوی خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست. (۲۰)

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)

سبقت جویید به آمرزشی از سوی پروردگارشان و بهشتی که پهنايش چون پهنای آسمان و زمین است، برای کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، آماده شده است؛ این فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۱)

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲)

هیچ گزند و آسیبی در زمین [چون زلزله، سیل، توفان و قحطی] و در وجود خودتان [چون بیماری، رنج، تعب و از دست رفتن مال و ثروت،] روی نمی دهد مگر پیش از آنکه آن را به وجود آوردمیم در کتابی [چون لوح محفوظ] ثبت است، بی تردید این [تقدیر حوادث و فرمان قطعی به پدید آمدنش] بر خدا آسان است. (۲۲)

لَكِنَّا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْتُكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُحْتَالٍ فَخُورٍ (۲۳)

تا [با یقین به اینکه هر گزند و آسیبی و هر عطا و منعی فقط به اراده خداست و شما را در آن اختیاری نیست] بر آنچه از دست

شما رفت، تأسف نخورید، و بر آنچه به شما عطا کرده است، شادمان و دلخوش نشوید، و خدا هیچ گردنکش خودستا را [که به نعمت‌ها مغورو شده است] دوست ندارد. (۲۳)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۴)

همانان که همواره بخل می‌ورزند و مردم را به بخل و امی دارند، و هر که [از انفاق] روی بگرداند [زيانی به خدا نمی‌رساند]؛ زیرا خدا بی نیاز و ستدده است. (۲۴)

ص: ۵۴۰

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرَسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۲۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذِرَّيْتَهُمَا التُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶)

به یقین ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو نفر، نبوت و کتاب قرار دادیم، پس برخی از آنان هدایت یافتند و بسیاری از آنان نافرمان بودند. (۲۶)

ثُمَّ قَفَيْنَا عَلَى آثارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَفَقَيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرِيمَ وَآتَيْنَاهُ الْإنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَهَ وَرَحْمَهُ وَرَهْبَانِيَّةَ ابْتَدَعُوهَا مَا كَبَيْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءِ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷)

سپس به دنبال آنان پیامبران خود را پی در پی آوردیم و پس از آنان عیسیٰ پسر مریم را [به رسالت] فرستادیم و به او انجیل عطا کردیم و در قلب کسانی که از او پیروی می‌کردند رأفت و رحمت قرار دادیم، و رهبانیتی که از نزد خود ساخته بودند ما بر آنان مقرر نکرده بودیم، ولی [خود آنان آن را] برای طلب خشنودی خدا [بر خود واجب کرده بودند]، اما آنگونه که باید حدود خودساخته را رعایت نکردند؛ پس پاداش کسانی از آنان را که ایمان آورده اند، عطا کردیم و بسیاری از آنان نافرمانند. (۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقُولُوا اللَّهُ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتُكُمْ كَفَلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلِ لَكُمْ نُورًا تَمْسُونَ بِهِ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۸)

ای مؤمنان! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان آورید تا دو سهم از رحمتش را به شما عطا کند، و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله آن [در میان مردم] راه سپارید و شما را بیامرزد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۸)

لَئِنْ لَا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

تا اهل کتاب بدانند [که اگر به پیامبر اسلام ایمان نیاورند] بر چیزی از فضل خدا دسترسی نخواهد داشت؛ بی تردید همه فضل به دست خدادست، آن را به هر کس بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۹)

ص: ۵۴۱

جزء ۲۸

سوره المجادله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمِعُ تَحَاوُرَ كُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱)

به راستی خدا گفتار [زنی] را که درباره همسرش با تو گفتگو داشت و به خدا شکایت می کرد، شنید و خدا گفتگوی شما را می شنود؛ زیرا خدا شنو و بیناست. (۱)

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نِسَاءُهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الْلَّائِي وَلَدَنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ عَفُورٌ (۲)

کسانی از شما که با زنان خود «ظهار» می کنند [یعنی بر پایه فرهنگ جاهلی می گویند؛ تو نسبت به من به منزله مادرم هستی، پس آمیزش با تو بر من حرام ابدی است] زنانشان مادرانشان نیستند، مادرانشان فقط زنانی هستند که آنان را زاده اند، و آنان بی تردید سخنی ناپسند و دروغ می گویند و مسلمًا خدا بسیار با گذشت و بسیار آمرزند است. (۲)

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَاءِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرٌ رَقَبِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَلِكُمْ تُوعَذُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ حَسِيرٌ (۳)

و کسانی که با زنانشان ظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند بر می گردند، باید پیش از آمیزش با هم بردۀ ای [در راه خدا] آزاد کنند. این [حکمی] است که به آن اندرز داده می شوید، و خدا بر آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۳)

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِّةً يَامُ شَهْرٍ إِنْ مُتَّبِعًا يَعْيَنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

کسی که توانایی [آزاد کردن بردۀ را] ندارد، باید پیش از آنکه با هم آمیزش کنند، دو ماه پی در پی روزه بگیرد، و هر که نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد؛ این حکم برای این است که به خدا و پیامبر ایمان آورید [و از فرهنگ جاهلی دوری گزینید]؛ و اینها حدود خدادست. و برای کافران عذابی دردنگ است. (۴)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِّتُوا كَمَا كُبِّتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵)

بی تردید کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت می ورزند، خوار و سرنگون می شوند، چنان که کسانی که پیش از آنان بودند، خوار و سرنگون شدند، و همانا ما آیات روشی نازل کردیم، و برای کافران عذابی خوارکننده است. (۵)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَبْيَثُهُم بِمَا عَمِلُوا أَخْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

در روزی که خدا همه آنان را بر می انگیزد، آن گاه به اعمالی که انجام داده اند، آگاهشان می کند، اعمالی که خدا حساب همه آنها را برشمرده است در حالی که [آنان] آن را فراموش کرده اند، و خدا بر هر چیز گواه است. (۶)

ص: ۵۴۲

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةِ إِلَّا هُوَ زَارٌ بَعْهُمْ وَلَا حَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسٌ بَعْهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعْهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُبَيِّثُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷)

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، می داند؟ هیچ گفتگوی محramانه ای میان سه نفر نیست مگر اینکه او چهارمی آنان است، و نه میان پنج نفر مگر اینکه او ششمی آنان است، و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنان است، سپس روز قیامت آنان را به اعمالی که انجام داده اند آگاه می کند؛ زیرا خدا به همه چیز داناست. (۷)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ نَهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نَهُوا عَنْهُ وَيَتَاجِرُونَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدُوانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحِيطُكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسِيبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلُونَهَا فِيْسَ الْمَصِيرُ (۸)

آیا کسانی را که از گفتگوی محramانه منع شده بودند، ندیدی؟ که باز به کاری که از آن منع شده بودند باز می گردند، و با یکدیگر از روی گناه و دشمنی و سریچی از پیامبر، محramانه گفتگو می کند، و هنگامی که نزد تو آیند به صورتی تو را درود می گویند که خدا به تو درود نگفته است، و در دل خود می گویند: چرا خدا ما را به سبب آنچه می گوییم عذاب نمی کند؟! دوزخ برای آنان کافی است، در آن وارد می شوند، و بد بازگشت گاهی است. (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجِرُوا بِالْإِثْمِ وَالْعُدُوانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجِرُوا بِالْبَرِّ وَالْتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹)

ای اهل ایمان! هنگامی که محramانه با یکدیگر گفتگو می کنید از روی گناه و دشمنی و سریچی از پیامبر با هم گفتگوی محramانه نکنید، و بر پایه [تشویق یکدیگر به] نیکی و تقوای گفتگوی محramانه کنید، و از خدایی که به سوی او محسور می شوید، پروا کنید. (۹)

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُخْرُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيُفَسِّرَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

جز این نیست که گفتگوی محramانه [بی منطق و رازگویی بی دلیل] از [ناحیه] شیطان است تا مؤمنان را اندوهگین کند، ولی

نمی تواند هیچ گزندی به آنان برساند مگر به فرمان خدا. و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند [که توکل کنند به خدا از گزند شیطان مصون است]. (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَحِيطِ سِعْيًا حُمُوا يَفْسِيْحُ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ حَسِيرٌ (۱۱)

ای مؤمنان! هنگامی که گویند: در مجالس [برای نشستن دیگر برادرانتان] جا باز کنید، پس جا باز کنید، تا خدا برای شما [در بهشت] جا باز کند. و چون گویند: برخیزید، بی درنگ برخیزید تا خدا مؤمنان از شما را به درجه ای و دانشمندانタン را به درجاتی [عظیم و بالرزش] بلند گرداند، و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۱)

ص: ۵۴۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنَّ لَمْ تَجِدُوا فِيْنَ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای مؤمنان! زمانی که می خواهید با پیامبر گفتگوی محترمانه کنید، پیش از گفتگوی محترمانه خود صدقه دهید، این برای شما بهتر و پاکیزه تر است، و اگر چیزی برای صدقه نیافتید [اجازه دارید محترمانه گفتگو کنید] زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲)

أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقْدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَيْدَقَاتٍ فَإِذَا لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ حَسِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳)

آیا ترسیدید از اینکه پیش از گفتگوی محترمانه خود صدقاتی بپردازید؟ پس چون نپرداختید و خدا هم توبه شما را پذیرفت، پس نماز را برپا دارید و زکات بدھید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، و خدا به اعمالی که انجام می دهید، آگاه است. (۱۳)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا عَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)

آیا به کسانی که قوم مورد خشم خدا را به دوستی گرفتند، ننگریستی؟ اینان نه از شماشند و نه از آنان، و به دروغ سوگند می خورند [که از شماشند] و خود آگاهند [که دروغ می گویند]. (۱۴)

أَعَدَ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

خدا برای آنان عذاب سختی آماده کرده است؛ زیرا آنچه را که همواره انجام می دادند، بسیار بد است. (۱۵)

أَتَخْذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَاحَهُ فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَأَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۶)

آنان سوگندها یشان را [برای تبرئه خود از خیانت به پیامبر و مؤمنان] سپر قرار داده اند، در نتیجه [مردم را] از راه خدا بازداشتند

پس برای آنان عذابی خوارکننده است. (۱۶)

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (۱۷)

هرگز اموال و اولادشان چیزی از عذاب خدا را از آنان دفع نمی کند، آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۱۷)

يَوْمَ يَقِعُ ثُمَّهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَخْسِبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸)

روزی که خدا همه آنان را برمی انگیزد، پس همان گونه که برای شما سوگند دروغ می خوردن، برای خدا هم سوگند دروغ می خورند، و گمان می کنند که با سوگند دروغ می توانند در عرصه محشر، سودی را برای خود جلب کنند و زیانی را از خویش بگردانند، آگاه باش که آنان همان دور غرگویانند! (۱۸)

إِنَّهُمْ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹)

شیطان بر آنان چیره و مسلط شده و یاد خدا را از خاطرشان برده است، آنان حزب شیطانند، آگاه باش که حزب شیطان یقیناً همان زیان کارانند! (۱۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (۲۰)

بی تردید کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت می کنند، در زمرة خوارترینان هستند. (۲۰)

كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَمَنَ أَنَا وَرَسُولِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱)

خدا لازم و مقترن کرده است که بی تردید من و پیامبرانم پیروزیم. همانا خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۲۱)

صف: ۵۴۴

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادِّونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءٌ هُمْ أَوْ أَبْنَاءٌ هُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْنِهِ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَعْجِيزِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا رَضَّةَ اللَّهِ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی یابی که با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت دارند، دوستی برقرار کنند، گرچه پدرانشان یا فرزاندانشان یا برادرانشان یا خویشانشان باشند. اینانند که خدا ایمان را در دل هایشان ثابت و پایدار کرده، و به روحی از جانب خود نیرومندانشان ساخته، و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درمی آورد، در آنجا جاودانه اند، خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند. اینان حزب خدا هستند، آگاه باش که بی تردید حزب خدا همان رستگارانند. (۲۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ أَعْزَى الرَّحِيمِ (۱)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدا را به پاک بودن از هر عیب و نقصی می ستایند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَّتُمْ أَنَّ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنْ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حِيثُ لَمْ يَحْسِبُوا وَقَدْ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَةُ يُخْرِبُونَ بَيْوَاهُمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَرُوا يَا أُولَئِكَ الْأَبْصَارِ (۲)

اوست که کافران از اهل کتاب را در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه هایشان بیرون راند. [شما اهل ایمان] رفتشان را گمان نمی بردید، و خودشان پنداشتند که حصارها و دژهای استوارشان در برابر خدا [از تبعید و در به دری آنان] جلوگیری خواهد کرد ولی [اراده کوبنده] خدا از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دل هایشان رعب و ترس افکند به گونه ای که خانه هایشان را به دست خود و به دست مؤمنان ویران کردند. پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت گیرید. (۲)

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ أَنَّارٍ (۳)

اگر خدا فرمان ترک وطن را بر آنان لازم و مقرر نکرده بود، فقط در همین دنیا عذابشان می کرد و برای آنان در آخرت عذاب آتش است. (۳)

ص: ۵۴۵

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴)

این [در به دری و تبعید] برای این است که آنان با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت کردند، و هر کس با خدا دشمنی و مخالفت کند [بداند که] خدا سخت کیفر است. (۴)

مَا قَطْعَتُمْ مِنْ لَيْلٍ أَوْ تَرْكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أَصْوَلِهَا فَإِذْنِ اللَّهِ وَلَيْخِرِي الْفَاسِقِينَ (۵)

آنچه از درخت خرما [که در مالکیت این دشمنان غدار بود] بریدید یا آنها را بر ریشه ها و تنہ هایش رها کردید، به فرمان خدا بود، تا نافرمانان را زبون و رسوایند. (۵)

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶)

اموال و زمین هایی را که خدا به عنوان غنیمت به پیامبرش بازگرداند، شما برای به دست آوردنش اسب و شتری نتازاندید [و

در نتیجه به زحمت نیفتادید]، ولی خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط و چیره می کند، و خدا بر هر کاری توانست. (۶)

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقَرْبَى فَلَلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِنَبِيِّ الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَمْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَعْيَاءِ
مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَاتَّهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

آنچه خدا از [اموال و زمین های] اهل آن آبادی ها به پیامبرش بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثرومندان شما دست به دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است. (۷)

لِلْفَقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَتَّغَرَّبُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ
(۸)

[بخشی از غایب] برای فقیران مهاجری است که از دیار و اموالشان بیرون رانده شده اند، در حالی که فضل و خشنودی خدا را می جویند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند، اینان همان راستگویانند. (۸)

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْبَوْنَ مِنْ هَاجِرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صَيْلُورِهِمْ حَاجَةً مَمَّا أُوتُوا وَيُؤْتَرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ
وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شَعَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

و [برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، [و] کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده اند دوست دارند، و در سینه های خود نیاز و چشم داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی یابند، و آنان را بر خود ترجیح می دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متع] باشد. و کسانی را که از بخل و حرثشان بازداشته اند، اینان همان رستگارانند. (۹)

ص: ۵۴۶

وَالَّذِينَ حَيَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَيَّبُقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَمَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلَّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفُ رَّحِيمٌ (۱۰)

و نیز کسانی که بعد از آنان [انصار و مهاجرین] آمدند در حالی که می گویند: پروردگار!! ما و برادرانمان را که به ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامز، و در دل هایمان نسبت به مؤمنان، خیانت و کینه قرار مده. پروردگار!! یقیناً تو رؤوف و مهربانی. (۱۰)

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ نَاقَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْنُمْ لَتُخْرَجُنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيْكُمْ أَحَيْدَا أَيْدَا
وَإِنْ قُوْتُلُنَّ لَنَنْصَرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱)

آیا کسانی را که نفاق ورزیدند، ندیدی؟ که به برادران کافرشان از اهل کتاب می گویند: اگر شما را [از خانه و دیارتان] بیرون کردند، ما هم قطعاً با شما بیرون می آییم، و هرگز فرمان کسی را بر ضد شما اطاعت نمی کنیم، و اگر با شما جنگیدند،

همانا شما را یاری می کنیم. و خدا گواهی می دهد که آنان دروغگویند. (۱۱)

لَئِنْ أَخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوْتُلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصْرُوهُمْ لَيُولَّنَ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنَصْرُونَ (۱۲)

اگر [کافران از اهل کتاب را] بیرون کنند با آنان بیرون نمی روند، و اگر با آنان بجنگند آنان را یاری نمی دهند، و اگر یاری دهند در گرم‌گرم جنگ پشت کنان می گریزند، سپس [کافران اهل کتاب] یاری نمی شوند. (۱۲)

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۳)

[آری منافقان، کافران از اهل کتاب را در گرم‌گرم جنگ به هنگام خطر رها می کنند و می گریزند؛ زیرا] ترس آنان از شما در دل هایشان بیش از ترس از خداست؛ چون آنان قومی هستند که [حقایق را به خاطر کوردلی] نمی فهمند. (۱۳)

لَمَا يَقَاتِلُوكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرْيَ مُحَصَّنِهِ أُوْ مِنْ وَرَاءِ حِمْدَرِ بَأْسِهِمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَخْسِيْهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (۱۴)

همه آنان [به صورت متحد و یک پارچه] با شما نمی جنگند مگر در آبادی هایی که دارای حصار و قلعه و دژ هستند، یا از پشت دیوارها، دلاوری آنان میان خودشان شدید است [ولی از رویارویی با شما می ترسند]، آنان را متحد و هم دست می پنداشی در حالی که دل هایشان پراکنده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که تعقل نمی کنند. (۱۴)

كَمَثِيلَ الدِّينِ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَّ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)

[داستان این یهودی های نابکار بنی نظیر] مانند کسانی است که اندکی پیش از اینان [در پیرامون مدينه] بودند که سرانجام و خیم کارشان را چشیدند، و برای آنان عذابی دردناک است. (۱۵)

كَمَثِيلَ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلنِّاسِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرُوا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بِرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

[داستان منافقان که کافران از اهل کتاب را با وعده های دروغ فریغند] چون داستان شیطان است که به انسان گفت: کافر شو. هنگامی که کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، من از خدا که پروردگار جهانیان است، می ترسم. (۱۶)

ص: ۵۴۷

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷)

سرانجامشان این شد که هر دو در آتش اند؛ و در آن جاودانه اند و این است کیفر ستمکاران. (۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتُنْتَرُ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ لِغَدِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید؛ و هر کسی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است، و از خدا

پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می دهد، آگاه است. (۱۸)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹)

و مانند کسانی مبایشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا هم آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ اینان همان فاسقانند. (۱۹)

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائزُونَ (۲۰)

دوز خیان و بهشتیان یکسان نیستند، بهشتیان همان رستگارانند. (۲۰)

لَوْ أَنَزَلْنَا هَذَا الْفُرْقَانَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتُهُ حَاسِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْبِهِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأُمَّاثَالُ نَصْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، قطعاً آن را از ترس خدا فروتن و از هم پاشیده می دیدی. و این مثل ها را برای مردم می زنیم تا بیندیشنند. (۲۱)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲)

اوست خدایی که جز او هیچ معبدی نیست، دانای نهان و آشکار است، او رحمان و رحیم است. (۲۲)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳)

اوست خدایی که جز او هیچ معبدی نیست، همان فرمانروای پاک، سالم از هر عیب و نقص، ایمنی بخش، چیره و مسلط، شکست ناپذیر، جبران کننده، شایسته بزرگی و عظمت است. خدا از آنچه شریک او قرار می دهنده، منزه است. (۲۳)

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

اوست خدا، آفریننده، نوساز، صورتگر، همه نام های نیکو ویژه اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است همواره برای او تسیح می گویند، او توکانی شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۴)

ص: ۵۴۸

سوره الممتحنه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَحَمَّلُوا عِدْوَى وَعِدْوَكُمْ أَوْلَيَاءُ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَهِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنْ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَإِنْتَعَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَهِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّيِّلِ (۱)

ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می کنید، در حالی که آنان

به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می کنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده اید [چرا] مخفیانه به آنان پیام می دهید که دوستان دارید؟ در حالی که من به آنچه پنهان می داشتید و آنچه آشکار کردید داناترم، و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلمًا از راه راست منحرف شده است. (۱)

إِن يُقْفُوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءٌ وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيهِمْ وَأَسْتَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُوا لَوْ تَكْفُرُونَ (۲)

اگر بر شما چیره شوند، دشمنان خواهند بود، و دست هایشان را [به اسارت، آزار و کشتن] و زبان هایشان را به [بدگویی، تحقیر و ناسزا] بر ضد شما می گشایند، و آرزو دارند که ای کاش شما هم کافر شوید. (۲)

لَن تَفَعَّكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳)

روز قیامت [که کیفر دوستی با دشمنان داده شود] خویشان و فرزندانتان سودی به حال شما ندارند، خدا میان شما و آنان جدایی می اندازد، و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۳)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بِرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بِيَتَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعِيَادَوَهُ وَالْبَغْضَاءُ أَبْيَدَا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ لِأَيِّهِ لَآشِتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْبَقَّا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴)

مسلمًا برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست، آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده است، تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید. [آری، ابراهیم و مؤمنان جز اعلام بیزاری سخنی با بت پرستان نداشتند] مگر سخن ابراهیم به پدرش که گفت: من برای تو [در صورتی که دست از دشمنی و کینه با حق برداری] آمرزش خواهم خواست و در برابر خدا به سود تو اختیار چیزی را ندارم. پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و به سوی تو بازگشیم، و بازگشت به سوی توست. (۴)

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵)

پروردگارا! ما را وسیله آزمایش [و هدف آزار، چیرگی و سلطه] برای کافران قرار مده، و پروردگارا! ما را بیامرز که همانا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی. (۵)

ص: ۵۴۹

لَقْدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لَمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فِيْنَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶)

بی تردید برای شما در [روش و شیوه] آنان سرمشقی نیکوست، برای کسی که به خدا و روز قیامت امید دارد. و هر کس [از اقتدای به آن روش و شیوه] روی برگرداند [زیانی به خدا نمی رساند؟؛ زیرا خدا همان بی نیاز و ستوده است. (۶)

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِّنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷)

امید است خدا میان شما و کسانی از کافران که با آنان دشمنی داشتید [به وسیله اسلام آوردنشان] دوستی قرار دهد، و خدا تواناست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۷)

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبْرُوْهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِ طِينَ (۸)

خدا شما را از نیکی کردن و عدالت نسبت به کسانی که در کار دین با شما جنگیدند و شما را از دیارتان بیرون نکردند باز نمی دارد؛ زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد. (۸)

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلُّهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

خدا فقط شما را از دوستی با کسانی نهی می کند که در کار دین با شما جنگیدند، و از دیارتان بیرون راندند، و در بیرون راندنتان به یکدیگر کمک کردند تا [به خاطر این سختگیری] با آنان دوستی کنید. و تنها کسانی که با آنان دوستی کنند، ستمکارانند. (۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا حَمَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تُرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَمَّا هُنَّ حَلَّ لَهُمْ وَلَمَّا هُنْ يَحْلُونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوْهُنَّ بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰)

ای مؤمنان! هنگامی که زنان بایمان [با جدا شدن از همسرانشان] هجرت کنان [از دیار کفر] به سوی شما می آیند، آنان را [از جهت ایمان] بیازمایید، البته خدا خود به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را بایمان تشخیص دادید، آنان را به سوی کافران [که همسرانشان هستند] باز مگردانید، نه این زنان بر کافران حلال اند، و نه آن کافران بر این زنان حلال اند، و مهریه ای که همسران کافر به زنان مؤمن خود داده اند به آنان پردازید، و بر شما گناهی نیست در صورتی که مهریه شان را به آنان بدھید، با آنان ازدواج کنید، و به عقد و پیوندهای زنان کافر [тан که به کفار پیوسته اند] پای بند نباشد [که آن عقد و پیوند باطل شده و وظیفه شما رها کردن آنان است] و آنچه را شما [برای همسران مرتد و فراری خود که به کافران پناهنه شده اند] هزینه کرده اید [از کافران] بخواهید، و آنان هم باید آنچه را هزینه کرده اند از شما درخواست کنند؛ این حکم خدادست که میان شما حکم می کند، و خدا دانا و حکیم است. (۱۰)

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَيَّاقَبْتُمْ فَمَا تُوا الَّذِينَ ذَهَبْتُمْ أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

اگر برخی از همسران شما با پیوستان به کفار از دست شما رفتند [و کافران مهریه مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمتی

یافتد، پس به کسانی که همسرانشان را [به خاطر پیوستن به کفار] از دست داده اند، معادل مهریه ای که داده اند از غایم بپردازید، و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید. (۱۱)

ص: ۵۵۰

یا أَيُّهَا الَّبِيْعِ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَا يُسْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَقْتُلْنَ أُولَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِنَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای پیامبر! هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آیند تا [بر پایه این شرایط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نگیرند، و درزدی نکنند، و مرتكب زنا نشوند، و فرزندان خود را نکشند، و طفل حرام زاده خود را به دروغ و افترا به شوهرانشان نبندند، و در هیچ کار پسندیده ای از تو سرپیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲)

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قُدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُوْرِ (۱۳)

ای مؤمنان! با قومی که خدا بر آنان خشم گرفته، دوستی نکنید. آنان به یقین از آخرت مایوسند، همان گونه که کافران مدفون در قبرها [که به سرانجام شوم خود رسیده اند، از نجات خویش] مایوسند. (۱۳)

سوره الصاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ تَقُولُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ (۲)

ای مؤمنان! چرا چیزی را می گویید که خود عمل نمی کنید؟ (۲)

كَبَرَ مَقْتَنَا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُوْنَ (۳)

نزد خدا به شدت موجب خشم است که چیزی را بگویید که خود عمل نمی کنید. (۳)

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيلِهِ صَفَّا كَانُوْمُ بُشِّيَانُ مَرْصُوصُ (۴)

خدا کسانی را دوست دارد که صفت زده در راه او جهاد می کنند [و از ثابت قدمی] گویی بنای پولادین و استوارند. (۴)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لَمْ تُؤْذُنَيْ وَقَدْ تَعَلَّمْوَنَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَمَّا يَهْدِي الْقَوْمَ

و [یاد کن] هنگامی را که موسی به قومش گفت: ای قوم من! چرا مرا می آزارید در حالی که می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟ پس هنگامی که [از حق] منحرف شدند، خدا هم دل هایشان را [از پذیرفتن هدایت] منحرف کرد، و خدا مردم فاسق را هدایت نمی کند. (۵)

ص: ۵۵۱

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاهِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَسْمُهُ أَحَمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶)

و [یاد کن] هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! به یقین من فرستاده خدا به سوی شما میم، تورات را که پیش از من بوده، تصدیق می کنم، و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش «احمد» است، مژده می دهم. پس هنگامی که [احمد] دلایل روشن برای آنان آورد، گفتند: این جادوی است آشکار!! (۶)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۷)

و ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ می بندد، در حالی که به اسلام دعوت می شود کیست؟ و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. (۷)

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)

می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند در حالی که خدا کامل کننده نور خود است، گرچه کافران خوش نداشته باشند. (۸)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹)

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند. (۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰)

ای اهل ایمان! آیا شما را به تجاری راهنمایی کنم که شما را از عذابی در دنایک نجات می دهد؟ (۱۰)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)

به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این [ایمان و جهاد] اگر [به منافع فراگیر و همیشگی آن] معرفت و آگاهی داشتید، برای شما [از هر چیزی] بهتر است؛ (۱۱)

يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

تا گناهتان را بیامرزد، و شما را در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و خانه های پاکیزه در بهشت های جاویدان، درآورد؛ این است کامیابی بزرگ. (۱۲)

وَأُخْرَى تُحْبُونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳)

و نعمت های دیگری که آن را دوست دارید [و به شما عطا می کند] یاری و پیروزی نزدیک از سوی خدادست. و مؤمنان را مژده ده. (۱۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَيْهِ ازَّالَّهِ كَمِّا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيْنَ مَنْ أَنْصَيْهِ ارِيَ إِلَيَّ اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيْوْنَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّنَتْ طَائِفَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَهُ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِيْنَ (۱۴)

ای اهل ایمان! یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی اند؟ حواریون گفتهند: ما یاران خداییم. پس طایفه ای از بنی اسرائیل ایمان آوردنده و گروهی کافر شدند؛ در نتیجه کسانی را که ایمان آوردنده، بر ضد دشمنانشان یاری دادیم تا پیروز شدند. (۱۴)

ص: ۵۵۲

سوره الجمعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند، خدایی که فرمانروای هستی و بی نهایت پاکیزه و توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْمَمِّيْنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَنْذُلُ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُرِكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲)

اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند. (۲)

وَآخَرِيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْكُحُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

و [نیز پیامبر را] بر مردمی دیگر [از عرب و غیر عرب] که هنوز به آنان نپیوسته اند [برانگیخت]. و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۳)

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴)

این [برانگیختن به پیامبری و مسؤولیت عظیم تعلیم و تربیت،] فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد عطا می کند، و خدا صاحب فضل بزرگ است. (۴)

مَثَلُ الدِّينِ حُمِّلُوا التَّوْرَاهُ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِسَرَّ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)

وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آن گاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب هایی را [که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد] حمل می کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند. و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. (۵)

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنَّ زَعْمَتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلَيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)

بگو: ای یهودیان! اگر گمان می کنید که فقط شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس آرزوی مرگ کنید اگر راستگویید [چون دوستان خدا برای رسیدن به لقاء او مشتاق مرگ هستند]. (۶)

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۷)

ولی آنان به سبب گناهانی که مرتکب شده اند هرگز آرزوی مرگ نمی کنند، و خدا به ستمکاران داناست. (۷)

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيْكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْعَيْنِ وَالشَّهَادِ فَيَبْيَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

بگو: بی تردید مرگی را که از آن می گریزید با شما دیدار خواهد کرد، سپس به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را به اعمالی که همواره انجام می دادید، آگاه خواهد کرد. (۸)

ص: ۵۵۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹)

ای مؤمنان! چون برای نماز روز جمعه ندا دهنند، به سوی ذکر خدا بستاید، و خرید و فروش را رها کنید. که این [اقامه نماز جمعه و ترک خرید و فروش] برای شما بهتر است اگر [به پاداشش] معرفت و آگاهی داشتید. (۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَأَنْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتُغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰)

و چون نماز پایان گیرد، در زمین پراکنده شوید و از فضل و رزق خدا جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (۱۰)

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهُوا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرْكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

و [برخی از مردم] چون تجارت یا مایه سرگرمی بینند [از صفت یک پارچه نماز] به سوی آن پراکنده شوند و تو را در حالی که [بر خطبه نماز] ایستاده ای، رها کنند. بگو: پاداش و ثوابی که نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است، و خدا بهترین روزی دهنده‌گان است. (۱۱)

سوره المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا حَيَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَاتُلُوا نَشَهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱)

چون منافقان نزد تو آیند، می گویند: گواهی می دهیم که تو بی تردید فرستاده خدایی. و خدا می داند که تو بی تردید فرستاده اویی، و خدا گواهی می دهد که یقیناً منافقان دروغگویند. (۱)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَاحَهُ فَصَدُّوا عَنْ سِبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

سوگندهایشان را [برای شناخته نشدن نفاقشان] سپر گرفته در نتیجه [مردم را] از راه خدا بازداشتند. چه بد است آنچه را اینان همواره انجام می دهند! (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳)

این [صفت زشت نفاق و بدی اعمال] به سبب آن است که آنان [نخست] ایمان آوردنند، سپس کافر شدند در نتیجه بر دل هایشان مهر [تیره بختی] زده شد، به این علت [حقایق را] نمی فهمند. (۳)

وَإِذَا رَأَيْتُهُمْ تُعْجِبُكَ أَبْسَاطُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَانُوهُمْ خُشُبٌ مُّسَيَّنَدُهُ يَخْسِيُونَ كُلَّ صَيْحَهٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاجْنِدُرُهُمْ قَاتَلُهُمُ اللَّهُ أَكَّيْ يُؤْفِكُونَ (۴)

چون آنان را بینی جسم و ظاهرشان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند [به علت شیرینی و جذابیت کلام] به سخنانشان گوش فرا می دهی [اما از پوچی باطن، سبک مغزی و دوروبی] گویی چوب های خشکی هستند که به دیواری تکیه دارند [و در حقیقت اجسامی بی روح اند که در هیچ برنامه ای اطمینانی به آنان نیست، از شدت بزدلی] هر فریادی را به زیان خود می پندارند. اینان دشمن واقعی اند؛ از آنان بپرهیز؛ خدا آنان را بکشد؛ چگونه [با دیدن این همه دلایل روشن، از حق به باطل] منحرف می شوند. (۴)

ص: ۵۵۴

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتُهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۵)

و چون به آنان گویند: بیایید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد [از روی کبر و غرور] سرهای خود را بر می گردانند، و آنان را می بینی که متکبرانه [از حق]، روی می گردانند. (۵)

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶)

برای آنان یکسان است چه برای آنان آمرزش بخواهی چه نخواهی، خدا هر گز آنان را نمی آمرزد. مسلماً خدا مردم فاسق را هدایت نمی کند. (۶)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْقِعُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلَلَّهِ خَرَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْهَمُونَ (۷)

فقط آنانند که می گویند: به کسانی که نزد پیامبر خدایند، اتفاق مکید تا [از پیرامون او] پراکنده شوند. در حالی که خزانه های آسمان ها و زمین در سیطره خدادست، ولی منافقان نمی فهمند. (۷)

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيَخْرُجَنَّ الْأَعْزُرُ مِنْهَا الْأَذَلُّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)

می گویند: اگر به مدینه باز گردیم، مسلماً آنکه عزیزتر است [یعنی عبدالله بن ابی سلوی، رئیس منافقان] آن را که خوارتر است [یعنی پیامبر که هنوز به پندار آنان تمکن لازم را به دست نیاورده] از آنجا بیرون می کند. در حالی که عزت و اقتدار برای خدا و پیامبر او و مؤمنان است، ولی منافقان [به این حقیقت] معرفت و آگاهی ندارند. (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعُلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای مؤمنان! مبادا اموال و فرزنداتان شما را از یاد خدا غافل کنند، و آنان که [به خاطر مال و فرزند از یاد خدا] غافل می شوند، زیانکارند. (۹)

وَأَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحِيدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخْرَتَنِي إِلَى أَحَدٍ قَرِيبٍ فَأَصَدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰)

و از آنچه روزی شما کرده ایم اتفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ در رسید و بگوید: چرا مرا تا مدتی نزدیک مهلت ندادی تا صدقه دهم و از شایستگان باشم؟! (۱۰)

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

و هر گز خدا کسی را چون اجلش فرا رسید، مهلت نمی دهد؛ و خدا به اعمالی که انجام می دهد، آگاه است. (۱۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می‌ستایند. فرمانروایی ویژه اوست، همه ستایش‌ها مخصوص اوست، و او بر هر کاری تواناست. (۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲)

اوست که شما را آفرید؛ گروهی از شما کافرند، و برخی مؤمن، و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (۲)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَرَ كُمْ فَأَحَسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، و شما را صورت گرد و صورت هایتان را نیکو آراست، و بازگشت به سوی اوست. (۳)

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلَمُونَ وَاللَّهُ عَلَيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴)

آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند، و [نیز] آنچه را پنهان می‌کنید و آنچه را آشکار می‌نمایید، می‌داند و خدا به نیات و اسرار سینه‌ها داناست. (۴)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ بِأُنَيْدِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَّهِ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵)

آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند، پس عقوبت کفرشان را چشیدند و برای آنان عذابی دردناک است، به شما نرسیده است؟ (۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَائِتِهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشِّرْ يَهُدُونَا فَكَفَرُوا وَتَوَلُوا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِّيٌّ حَمِيدٌ (۶)

آن [عقوبت و عذاب دردناک] به سبب آن است که پیامبرانشان همواره دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی گفتند: آیا بشر [ی مانند خودمان] ما را راهنمایی می‌کنند؟! پس کافر شدند و [از حق] روی گردانند و خدا [از ایمان و طاعت‌شان] اظهار بی نیازی کرد، و خدا بی نیاز و ستد و ستد است. (۶)

رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ لَنْ يُبَعِّثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتَبْئُثُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷)

کافران پنداشتند [که پس از مرگ] هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: آری سوگند به پروردگارم مسلمًا برانگیخته خواهد شد، سپس شما را به آنچه انجام داده اید، خبر خواهند داد، و این بر خدا آسان است. (۷)

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۸)

پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کردیم، ایمان آورید و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۸)

يَوْمَ يَجْمِعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفَّرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخَلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)

[ب] تردید برانگیخته می شوید در] روزی که شما را در روز اجتماع [که روز قیامت است] جمع می کند، آن روز، روز غبن و خسارت است؛ و هر کس به خدا ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، خدا گناهانش را از او محو می کند، و او را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درمی آورد، در آنها جاودانه و همیشگی اند. این است کامیابی بزرگ. (۹)

ص: ۵۵۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۰)

و آنان که کافر شدند و آیات ما را انکار کردند، اهل آتش اند و در آن جاودانه اند، و بد بازگشت گاهی است! (۱۰)

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ إِلَّا يَأْذِنُ اللَّهُ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱)

هیچ مصیبی جز به فرمان خدا نرسد. و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می کند؛ و خدا به همه چیز دانست. (۱۱)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۲)

و از خدا اطاعت کنید و از پیامبر فرمان بردید، و اگر روی برگردانید [بدانید که] بر عهده پیامبر فقط رساندن آشکار [پیام وحی] است. (۱۲)

الَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۳)

خداست که هیچ معبدی جز او نیست، پس مؤمنان فقط باید بر او توکل کنند. (۱۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَعْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴)

ای اهل ایمان! به راستی برخی از همسران و فرزندانتان [به علت بازداشت شما از اجرای فرمان های خدا و پیامبر] دشمن شما بیند؛ بنابراین از [عمل به خواسته های بی جای] آنان [که مخالف احکام خداست] بپرهیزید، و اگر [از آزار و رنجی که به شما می دهند] چشم پوشی کنید و سرزنش کردن آنان را ترک نمایید و از آنان بگذرید [خدا هم شما را مورد الطاف بی کرانش قرار می دهد]؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴)

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵)

اموال و فرزندانتان فقط وسیله آزمایش اند، و خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست. (۱۵)

فَأَنْقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفَقُوا خَيْرًا لَّا نَفْسٍ كُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)

بنابراین به اندازه استطاعتی که دارید از خدا پروا کنید و [دعوت حق را] بشنوید و اطاعت نمایید و اتفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که خود را از بخل و حرص بازدارند آنان رستگارند. (۱۶)

إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَنَا يُصَاعِفُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (۱۷)

اگر به خدا وام نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می کند و شما را می آمرزد و خدا عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک می باشد و بردبار است. (۱۷)

عَالِمُ الْعَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

دانای نهان و آشکار و توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۸)

ص: ۵۵۷

سوره الطلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِتَدٍ تَهِنَّ وَأَخْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَ وَتُلْكَ حِدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَيَّدْ حِدُودُ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعْلَ اللَّهُ يُحِدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

ای پیامبر! زمانی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنان را در زمان عده [آن زمانی که از عادت پاک شده و با همسر آمیزش نکرده باشند] طلاق دهید و حساب عده را نگه دارید، و از خدا پروردگارتان پروا کنید، و آنان را [در مدتی که عده خود را می گذرانند] از خانه هایشان بیرون مکنید، و آنان هم [در مدت عده] بیرون نزوند مگر اینکه مرتکب عمل زشت آشکاری شوند [که در آن صورت بیرون کردنشان از خانه بی مانع است]. این حدود خداست؛ و هر که از حدود تجاوز کند، یقیناً به خودش ستم ورزیده است. تو نمی دانی شاید خدا پس از این [در عده طلاق،] کاری پدید آورد [تا وسیله صلح و سازشی میان آنان شود]. (۱)

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَاهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهُدُوا دَوْيٌ عِدْلٌ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا (۲)

و چون به پایان زمان [عده] نزدیک شدند، آنان را [با رجوع به زوجیت] به صورتی شایسته [که رعایت همه حقوق همسرداری است] نگه دارید یا از آنان به طرزی شایسته [که پرداخت همه حقوق شرعیه اوست] جدا شوید، و [هنگام جدایی،] دو عادل از خودتان را گواه [طلاق] گیرید. [و شما ای گواهان!] گواهی را برای خدا اقامه کنید. به وسیله این [حقایق] به کسی که همواره به خدا و روز قیامت ایمان دارد، اندرز داده می شود و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و

وَيَرْزُقُهُ مِنْ حِيثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسِيبٌ إِنَّ اللَّهَ بِالْعَمَرِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (٣)

و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد، و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته اش را [به هر کس که بخواهد] می رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است. (۳)

وَاللَّهُمَّ يَسِّرْنَا مِنَ الْمَحِيطِ مِنْ نَسِيائِكُمْ إِنْ ارْتَبَقْنَا فَعِدَّهُنَّ ثَمَانَةً أَشْهُرٍ وَاللَّا إِلَهَ إِلَّا هُنَّ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضْعُفَنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقَ اللَّهَ يَجْعَلَ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (٤)

و از زنان شما آنانی که از عادت ماهیانه ناامیدند، اگر شک دارید [که به سبب رسیدن به سن یائسگی یا عاملی دیگر است] عده آنان [پس از طلاق] سه ماه است. و [هم چنین عده] زنانی که [با وجود سن معمولی] عادت نشده اند [سه ماه است] و [پایان] عده زنان باردار، روزی است که وضع حمل می کنند. و هر که از خدا پروا کند برای او در کارش آسانی قرار می دهد. (۴)

ذلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنَّ لَهُ إِلَيْكُمْ وَمَن يَتَّقَ اللهُ يُكَفِّرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعَظِّمُ لَهُ أَجْرًا (٥)

این حقایق بیان شده احکام خداست که آنها را به سوی شما نازل کرده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، گناهانش را از او
محو می کند و پاداش او را بزرگ می دارد. (۵)

٥٥٨:

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنُتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كَنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَانْفَقُوْا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضْعَنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أُجْوَرُهُنَّ وَأَتْمِرُوا يَنِيْكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسِرُتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَى (٦)

زنان طلاق داده را [تا پایان عده] به اندازه توانگری خود آنجا سکونت دهید که خود سکونت دارید و به آنان [در نفقه و مسکن] آسیب و زیان نرسانید تا زندگی را بر آنان سخت و دشوار کنید [و آنان مجبور به ترک خانه شوند]، و اگر باردار باشند، هزینه آنان را تا زمانی که وضع حمل کنند، بپردازید و اگر [پس از جدایی]، کودک شما را شیر دادند، اجرتشان را بدھید، و در میان خود [درباره فرزند] به نیکی و شایستگی مشورت کنید [تا به توافقی عادلانه برسید و در نتیجه به حق زن و شوهر و فرزند زیانی نرسد] و اگر [کارتان در این زمینه] با یکدیگر به سختی کشید [و نهایتاً به توافق نرسیدید]، زنی دیگر کودک را [با هزینه پدر] شیر دهد. (۶)

لِيَنْفِقُ ذُو سَعْيٍ مِّنْ سَعْيِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلِيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (٧)

بر توانگر است که از توانگری اش [همسر بچه دارش را در ایام عده] هزینه دهد، و هر که رزق و روزی اش تنگ باشد از همان که خدا به او عطا کرده هزینه دهد. خدا هیچ کس را جز به اندازه رزقی که به او عطا کرده است، تکلیف نمی کند. خدا

به زودی پس از سختی و تنگنا، فراخی و گشایش قرار می دهد. (۷)

وَكَائِنٌ مِّنْ قَرِيهٍ عَتْتُ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا (۸)

چه بسیار آبادی ها که [اهلش] از فرمان پرورد گارشان و فرستاد گانش روی برگرداندند، پس ما آنان را به حساب سختی محاسبه کردیم و به عذاب بسیار شدیدی عذاب نمودیم؛ (۸)

فَذَاقُتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَهُ أَمْرِهَا حُسْرًا (۹)

و آنان کیفر سنگین کفر و کبرشان را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود. (۹)

أَعَدَ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولَى الْأُلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰)

خدا برای آنان [در آخرت] عذابی سخت آمده کرده است، پس ای خردمندان مؤمن! از خدا پروا کنید. به راستی خدا به سوی شما وسیله تذکر نازل کرده است. (۱۰)

رَسُولُّمَا يَئْتُلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى الْفُورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَخْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱)

[و آن] پیامبری [است] که آیات روشن خدا را بر شما می خواند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورده. و هر کس به خدا ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، او را در بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درآورده، در حالی که در آنها جاودانه اند. همانا رزق و روزی را برای او نیکو قرار داده است. (۱۱)

الَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَيْبَعَ سَيْحَافَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْمَاءُ مِنْ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

خداست که هفت آسمان و نیز مثل آنها هفت زمین را آفرید. همواره فرمان او در میان آنها نازل می شود تا بدانید که خدا بر هر کاری توانست و اینکه یقیناً علم خدا به همه چیز احاطه دارد. (۱۲)

ص: ۵۵۹

سورة التحریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لَمْ تُحَرِّمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَغِي مَرْضَاتَ أَرْوَاحِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱)

ای پیامبر! چرا آنچه را که خدا بر تو حلال کرده برای به دست آوردن خشنودی همسرانت بر خود حرام می کنی؟ و خدا بسیار

آمرزند و مهربان است. (۱)

قدْ فَرِضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلَهُ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَأُكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲)

به یقین خدا راه گشودن [و شکستن] سوگندها یتان را [در مواردی] برای شما مقرر کرده است، [و آن اینکه سوگندها را با کفاره دادن بشکنید تا از محدودیت و تنگنا درآید] و خدا سرپرست و یار شماست، و او دانا و حکیم است. (۲)

وَإِذْ أَسَرَ النَّبِيَّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَيْدِيَّا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَطْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأْنِي الْعَلِيمُ الْخَيْرُ (۳)

و هنگامی که پیامبر، رازی را به یکی از همسرانش گفت و او آن راز را [نژد زن دیگر] فاش کرد، و خدا پیامبر را از افشاری آن آگاه نمود، پیامبر بخشی از آن [راز افشا شده] را به آن زن گوشزد کرد و از گفتن بخشی دیگر [برای آنکه فاش کننده بیشتر شرمنده نشود] خودداری نمود. آن زن گفت: چه کسی فاش کردن راز را [به وسیله من] به تو خبر داده است؟ پیامبر گفت: دانای آگاه، به من خبرداد. (۳)

إِن تَتَوَبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَّتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهِرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴)

اگر شما دو زن از کار خود به پیشگاه خدا توبه کنید [خدا توبه شما را می پذیرد]، چون دل شما دو نفر از حق و درستی منحرف شده است، و اگر بر ضد پیامبر به یکدیگر کمک دهید [راه به جایی نخواهید برد]؛ زیرا خدا و جبرئیل و صالح مؤمنان [که علی بن ابی طالب است] یار اویند، و فرشتگان نیز بعد از آنان پشتیبان او خواهند بود. (۴)

عَسَى رَبُّهُ إِن طَلَقُكُنَّ أَن يُنِيدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مُنْكَرًا مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَاتِنَاتٍ تَابِيَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَبَيَاتٍ وَأَنْكَارًا (۵)

اگر پیامبر، شما را طلاق دهد امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما که مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه کار، خداپرست، روزه دار، غیر باکره و باکره باشند، به او عوض دهد. (۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةُ غِلَاظٌ شَدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ (۶)

ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت گیر گمارده شده اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند، و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می دهند. (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوُنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)

[آن روز گویند:] ای کافران! امروز عذرخواهی ممکنید، فقط آنچه را همواره انجام می دادید، جزا داده می شوید. (۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُعِذِّلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمًا لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتَيْمَ لَنَا نُورَنَا وَأَغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸)

ای مؤمنان! به پیشگاه خدا توبه کنید، توبه ای خالص [که شما را از بازگشت به گناه بازدارد؛ امید است پروردگارستان گناهاتان را از شما محو کند و شما را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درآورده، در آن روزی که خدا پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده اند، خوار نمی کند، نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان شتابان حرکت می کند، می گویند: پروردگار!! نور ما را برای ما کامل کن و ما را بیامرز که تو بر هر کاری توانایی. (۸)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدُ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جنگ کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و بد بازگشت گاهی است. (۹)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتْ نُوحٍ وَامْرَأَتْ لُوطٍ كَانَتِهَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَيْهَ الْحَيْنِ فَخَاتَاهُمَا فَلَمْ يُعْلِمَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقَيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّالِّيْلِينَ (۱۰)

خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده که تحت سرپرستی و زوجیت دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، ولی [در امر دین و دین داری] به آن دو [بنده شایسته ما] خیانت ورزیدند، و آن دو [پیامبر] چیزی از عذاب خدا را از آن دو زن دفع نکردند و [هنگام مرگ] به آن دو گفته شد: با وارد شوندگان وارد آتش شوید. (۱۰)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتْ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لَيْ عِنْدَكَ يَيْتَأْ فِي الْجَنَّةِ وَتَجْنِي مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)

و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده است هنگامی که گفت: پروردگار!! برای من نزد خودت خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش و مرا از مردم ستمکار نجات ده. (۱۱)

وَمَرِيمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَخْصَنَتْ فَرِجَّهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَائِنَ مِنَ الْقَانِتِينَ (۱۲)

و [نیز] مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب های او را تصدیق کرد و از اطاعت کنندگان [فرمان های خدا] بود. (۱۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرمانروایی [همه هستی] به دست اوست و او بر هر کاری تواناست. (۱)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُلْيُوْكُمْ أَيُّكُمْ أَخْسَنُ عَمَّا وَهُوَ الْغَرِيزُ الْغَفُورُ (۲)

آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکو کارتیرید، و او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاؤْتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ (۳)

آنکه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش [خدای] رحمان، خلل و نابسامانی و ناهمگونی نمی بینی، پس بار دیگر بنگر آیا هیچ خلل و نابسامانی و ناهمگونی می بینی؟ (۳)

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقِلِبِ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)

سپس بار دیگر بنگر تا دیده ات در حالی که خسته و کم سو شده [و از یافتن خلل، نابسامانی و ناهمگونی فرو مانده] و درمانده گشته است، به سویت باز گردد. (۴)

وَلَقْدَ رَأَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هایی آراستیم و آنها را تیرهایی برای راندن شیطان ها قرار دادیم، و برای آنان [در آخرت] آتشی افروخته، آماده کرده ایم؛ (۵)

وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۶)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب دوزخ است و بد بازگشت گاهی است. (۶)

إِذَا أَلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷)

هنگامی که در آن افکنده شوند از آن در حالی که در جوش و فوران است، صدایی هولناک و دلخراش می شونند. (۷)

تَكَادُ تَهْمِيزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلُّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَرَنَتْهَا أَلْمٌ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)

نژدیک است که از شدت خشم متلاشی و پاره پاره شود. هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از آنان می پرسند: آیا شما را بیم دهنده ای نیامد؟ (۸)

قَالُوا بَلِي قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَبُنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۹)

می گویند: چرا، بیم دهنده آمد، ولی او را انکار کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز نازل نکرده است؛ شما بیم دهنده گان جز در گمراهی بزرگی نیستید؟ (۹)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰)

و می گویند: اگر ما [دعوت سعادت بخش آنان را] شنیده بودیم، یا [در حقایقی که برای ما آوردن] تعلق کرده بودیم، در میان [آتش] اهل آتش سوزان نبودیم. (۱۰)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنِهِمْ فَسُخِّنَ لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱)

پس به گناه خود اعتراف می کنند. و مرگ و دوری از رحمت بر اهل آتش سوزان باد. (۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَآخِرٌ كَبِيرٌ (۱۲)

بی تردید کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۱۲)

ص: ۵۶۲

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳)

و گفتارتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید، مسلماً او به نیات و اسرار سینه ها داناست. (۱۳)

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ الْلَّطِيفُ الْخَيْرُ (۱۴)

آیا کسی که [همه موجودات را] آفریده است، نمی داند؟ و حال آنکه او لطیف و آگاه است. (۱۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلِولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ التُّشُورُ (۱۵)

اوست که زمین را برای شما رام قرار داد، بنابراین بر اطراف و جوانب آن راه روید و از روزی خدا بخورید، و برانگیختن مردگان و رستاخیز به سوی اوست. (۱۵)

أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶)

آیا از کسی که [حاکمیت و فرمانروایی اش] در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده اید، از اینکه [با شکافتن زمین] شما را در آن فرو برد در حالی که زلزله و جنبش موج آسایش را ادامه دهد؟ (۱۶)

أَمْ أَمْتُم مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٌ (۱۷)

آیا از کسی که حاکمیت و فرمانروایی اش در آسمان قطعی است [چه رسید در زمین] خود را در امان دیده اید از اینکه توفانی سخت [که با خود ریگ و سنگ می آورد] بر شما فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است! (۱۷)

وَلَقَدْ كَذَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ (۱۸)

و مسلمًا کسانی که پیش از آنان بودند [آیات خدا و پیامبران را انکار کردند]، پس [بنگر] عذاب من چگونه بود! (۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضُنَّ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹)

آیا ندانسته اند که پرندگان بالای سرshan را در حالی که بال می گشایند و می بندند، فقط [خدای] رحمان در فضانگه می دارد؟ یقیناً او بر همه چیز بیناست. (۱۹)

أَمَنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدُكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِّي الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰)

آیا آن کیست [از] سپاهتان که شما را به هنگام نزول عذاب در برابر خدای رحمان یاری دهد؟ کافران جز دچار فریب [شیطان] نیستند. (۲۰)

أَمَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُنُوْنَ وَنُفُورٍ (۲۱)

یا کیست آنکه به شما روزی دهد، اگر خدا روزی اش را از شما باز دارد؟ [نه اینکه حقیقت را نمی دانند] بلکه در سرکشی و نفرت [از حق سرسختی و] پافشاری می کنند. (۲۱)

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۲)

آیا کسی که نگونسار و به صورت افتاده حرکت می کند، هدایت یافته تراست یا آنکه راست قامت بر راه راست می رود؟ (۲۲)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأُفْئَدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (۲۳)

بگو: اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و دیده و دل قرار داد، ولی اندکی سپاس می گزارید. (۲۳)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

بگو: اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید. (۲۴)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

و می گویند: اگر راستگویید این وعده وقوع [رستاخیز] کی خواهد بود؟ (۲۵)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲۶)

بگو: دانش و آگاهی [این حقیقت] فقط نزد خداست و من تنها بیم دهنده ای آشکارم. (۲۶)

ص: ۵۶۳

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةَ سِيَّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ (۲۷)

پس زمانی که آن [وعده داده شده] را از نزدیک بیینند، چهره کافران درهم و زشت گردد [و به آنان گویند:] این است همان چیزی که آن را [از روی مسخره] می خواستید. (۲۷)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعَيْ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۲۸)

بگو: به من خبر دهید اگر خدا من را و هر که را با من است هلاک کند، یا مورد رحمت قرار دهد، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟ (۲۸)

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنًا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَغْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۹)

بگو: اوست رحمان، به او ایمان آوردمیم، و بر او توکل کردیم، پس به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. (۲۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوِكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيْكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ (۳۰)

بگو: به من خبر دهید اگر آب مورد بهره برداری شما [چون آب رودها، چشمه ها، سدها و چاه ها] در زمین فرو رود [تا آنجا که از دسترس شما خارج گردد] پس کیست که برایتان آب روان و گوارا بیاورد؟! (۳۰)

سوره القلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَ وَالْقَلْمَنِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱)

ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسد، (۱)

مَا أَنَّ يَنْعَمِهِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)

که به سبب نعمت و رحمت پرورد گارت [که نبوت، دانش و بصیرت است] تو مجnoon نیستی؟ (۲)

وَإِنَّ لَكَ لَأَنْجَرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳)

و بی تردید برای تو پاداشی دائم و همیشگی است؛ (۳)

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ حُلْقٍ عَظِيمٍ (۴)

و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری. (۴)

فَسَبِّطُهُصِرُّ وَيُبَصِّرُونَ (۵)

پس به زودی می بینی و [منکران هم] می بینند، (۵)

بِأَيِّكُمُ الْمُفْتُونُ (۶)

که کدام یک از شما دچار جنون اند؛ (۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷)

بی تردید پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و او به راه یافتنگان داناتر است. (۷)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

از تکذیب کنندگان [قرآن و نبوت] فرمان مبر. (۸)

وَدُوا لَوْ تُنْدِهِنُ فَيَدْهِنُونَ (۹)

دوست دارند نرمی کنی تا نرمی کنند، (۹)

وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَافِ مَهِينٍ (۱۰)

و از هر سو گند خورده زبون و فرومايه فرمان مبر، (۱۰)

هَمَازٌ مَّشَاءٌ بَنِيمٌ (۱۱)

آنکه بسیار عیب جوست، و برای سخن چینی در رفت و آمد است، (۱۱)

مَنَاعٌ لِّلْخَيْرِ مُعَنِّدٌ أَثِيمٌ (۱۲)

به شدت بازدارنده [مردم] از کار خیر و متجاوز و گنهکار است. (۱۲)

عُتُلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ (۱۳)

گذشته از این ها کینه توز و بی اصل و نسب است، (۱۳)

آن کانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴)

[سرکشی و یاغی گری اش] برای آن [است] که دارای ثروت و فرزندان فراوان است. (۱۴)

إِذَا تُلَئِي عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

هنگامی که آیات ما را برو او می خوانند، گوید: افسانه های پیشینان است! (۱۵)

ص: ۵۶۴

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶)

به زودی بر بینی [پر باد و خرطوم مانند] ش داغ رسایی و خواری می نهیم. (۱۶)

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَفْسَمُوا لَيْصِرْمَنَّهَا مُضْبِحِينَ (۱۷)

بی تردید ما آنان را [که در مکه بودند] آزمودیم همان گونه که صاحبان آن باع را [در منطقه یمن] آزمودیم، هنگامی که سوگند خوردنند که صحگاهان حتماً میوه های باع را بچینند، (۱۷)

وَلَا يَسْتَثْنُونَ (۱۸)

و چیزی از آن را [برای تهیدستان و نیازمندان] استشنا نکردند. (۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

پس در حالی که صاحبان باع در خواب بودند، بلایی فراگیر از سوی پروردگارت آن باع را فرا گرفت. (۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

پس [آن باع] به صورت شبی تاریک درآمد [و جز خاکستر چیزی در آن دیده نمی شد!] (۲۰)

فَتَنَادَوْا مُضْبِحِينَ (۲۱)

وهنگام صبح یکدیگر را آوازدادند، (۲۱)

أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲)

که اگر قصد چیدن میوه دارید بامدادان به سوی کشتزار و باعثان حرکت کنید؛ (۲۲)

فَانْطَلِقُوا وَهُمْ يَتَخَافَّوْنَ (۲۳)

پس به راه افتادند در حالی که آهسته به هم می گفتند: (۲۴)

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مُّسْكِنٌ (۲۴)

امروز نباید نیازمندی در این باعث بر شما وارد شود (۲۴)

وَعَدَوْا عَلَى حَزِيرَةِ قَادِرِينَ (۲۵)

و بامدادان به قصد اینکه تهیدستان را محروم گذارند به سوی باعث روان شدند. (۲۵)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (۲۶)

پس چون [به باعث رسیدند و آن را نابود] دیدند، گفتند: یقیناً ما گمراه بوده ایم [که چنان تصمیم خلاف حقی درباره مستمندان و تهیدستان گرفتیم]. (۲۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷)

بلکه ما [از لطف خدا هم] محرومیم. (۲۷)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقْلِ لَكُمْ لَوْلَا تُسْبِحُونَ (۲۸)

عاقل ترینشان گفت: آیا به شما نگفتم که چرا خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] یاد نمی کنید [و چرا او را از انتقام گرفتن درمانده می دانید؟!] (۲۸)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا طَالِمِينَ (۲۹)

گفتند: پروردگار! تو را به پاکی می ستاییم، مسلماً ما ستمکار بوده ایم. (۲۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوَّهُونَ (۳۰)

پس به یکدیگر رو کرده به سرزنش و ملامت هم پرداختند. (۳۰)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِيَنَ (۳۱)

گفتند: وای بر ما که طغیان گر بوده ایم. (۳۱)

عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (٣٢)

امید است پروردگارمان بهتر از آن را به ما عوض دهد چون ما [از هر چیزی دل بریدیم و] به پروردگارمان راغب و علاقه مندیم. (٣٢)

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبُرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (٣٣)

چنین است عذاب [دنيا] و عذاب آخرت اگر معرفت و آگاهی داشتند، بزرگ تر است. (٣٣)

إِنَّ لِلْمُتَقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (٣٤)

بی تردید برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت های پرنعمت است. (٣٤)

أَفَنْجَعُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (٣٥)

آیا ما تسلیم شدگان [به فرمان ها و احکام خود] را چون مجرمان قرار می دهیم؟ (٣٥)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (٣٦)

شما را چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟! (٣٦)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرِسُونَ (٣٧)

آیا شما را کتابی [آسمانی از نزد خدا] سنت که در آن می خوانید (٣٧)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَحْيِرُونَ (٣٨)

که در آن جهان هر چه را شما بخواهید و انتخاب کنید برای شما خواهد بود؟! (٣٨)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْغَهْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ إِنَّ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ (٣٩)

یا شما را بر ما تا روز قیامت پیمان و سوگند استواری است که هر چه را به سود خود حکم کنید ویژه شماست؟! (٣٩)

سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمُ (٤٠)

از آنان بپرس کدامشان ضامن آن ادعاست [که مسلمان و مجرم یکسانند؟!] (٤٠)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلِيأُتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (٤١)

یا شریکانی [در ربویت خدا] دارند [که از آنان نزد خدا شفاعت کنند که در اجر و ثواب با مسلمانان یکسان شوند؟] پس اگر راستگویند، شریکانشان را [به میدان] آورند. (۴۱)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنِ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

[یاد کن] روزی را که کار بر آنان به شدت سخت و دشوار شود، [و آن روز که جای هیچ تکلیف و عبادتی نیست به عنوان سرزنش و ملامت] به سجده کردن دعوت شوند، ولی در خود قدرت و استطاعت [سجده کردن] نیابند! (۴۲)

ص: ۵۶۵

حَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذَلَّهُ وَقْدَ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (۴۳)

دیدگانشان از شرم و حیا، فرو افتاده، خواری و ذلت آنان را فرا گیرد و اینان [در دنیا] به سجده [بر خدا] دعوت می شدند در حالی که تندرست بودند [ولی از فرمان خدا متکبرانه روی می گردانند]. (۴۳)

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَسْتَدِرْجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴)

پس مرا با کسانی که این قرآن را انکار می کنند و اگذار، به زودی ما آنان را به تدریج از آن جا که نمی دانند [به سوی عذاب] می کشانیم؛ (۴۴)

وَأَمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتَبِّنٌ (۴۵)

و [البته] آنان را مهلت می دهیم [تا گناهشان را در حال بی خبری به نهایت برسانند]، بی تردید نقشه و تدبیر من استوار است. (۴۵)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرِمٍ مُّنْقَلُونَ (۴۶)

[اینکه دعوت را نمی پذیرند] مگر از آنان در برابر ابلاغ رسالت پاداشی می طلبی که از خسارت و زیانش سنگین بارند؟ (۴۶)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۷)

یا غیب نزد آنان است و آنان از روی آن] می نویستند [و خود با تکیه بر آن به ادعاهای خود یقین می کنند و به دیگران هم خبر می دهند؟ (۴۷)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

پس در برابر حکم و قضای پروردگارت [که هلاک کردن تدریجی این طاغیان است] شکیبا باش و مانند صاحب ماهی

[یونس] مباش [که شتاب در آمدن عذاب را برای قومش خواست و به این علت در شکم ماهی محبوس شد] و در آن حال با دلی مالامال از اندوه، خدا را ندا داد. (۴۸)

لَوْلَا أَن تَدَارَ كَهْ نِعْمَهُ مِنْ رَبِّهِ لَنِبْذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)

اگر رحمت و لطفی از سوی پروردگارش او را در نیافته بود، یقیناً نکوهش شده به صحرایی بی آب و گیاه افکنده می شد. (۴۹)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰)

پس پروردگارش او را برگزید و از شایستگان قرار داد (۵۰)

وَإِن يَكُادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَرْلُوْنَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الْذِكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمُبْنُونْ (۵۱)

و کافران چون قرآن را شنیدند، نزدیک بود تو را با چشمانشان بلغزانند [و از پای درآورند] و می گویند: بی تردید او دیوانه است! (۵۱)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۵۲)

در حالی که قرآن جز مایه تذکر و پند برای جهانیان نیست. (۵۲)

سوره الحاقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاقَةُ (۱)

آن روز ثابت و حق [که وقوعش حتمی و تردیدناپذیر است،] (۱)

مَا الْحَاقَهُ (۲)

آن روز ثابت و حق چیست؟ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَهُ (۳)

و تو چه می دانی که آن روز ثابت و حق چیست؟ (۳)

كَذَّبَثْ ثَمُودُ وَعَادُ بِالْقَارِعِهِ (۴)

[قوم] ثمود و عاد آن روز کوبنده را انکار کردند؛ (۴)

فَأَمَّا ثُمُودٌ فَأَهْلَكُوا بِالظَّاغِيَّةِ (۵)

اما قوم ثمود با عذابی سرکش هلاک شدند، (۵)

وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلَكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَّةٍ (۶)

و اما قوم عاد با تندبادی بسیار سرد و طغیان گر نابود شدند، (۶)

سَخَرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَّةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَانَهُمْ أَعْجَازُ نَحْلٍ خَاوِيَّةٍ (۷)

که خدا آن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنان مسلط کرد و [اگر آنجا بودی] می دیدی که آنان مانند تنہ های پوسیده و پوک درختان خرماء روی زمین افتاده [و هلاک شده اند]. (۷)

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَّةٍ (۸)

آیا از آنان هیچ باقی مانده ای می بینی؟ (۸)

ص: ۵۶۶

وَجَاهَةَ فِرْعَوْنَ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئِهِ (۹)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و مردم شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند، (۹)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَهُ رَّابِيَّهَ (۱۰)

و فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند و خدا هم آنان را به عذابی سخت گرفت. (۱۰)

إِنَّا لَكُمْ طَغَى الْمَاءُ حَمْلُنَا كُمْ فِي الْجَارِيَّهِ (۱۱)

هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را در کشتنی سوار کردیم، (۱۱)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذَكِّرَهُ وَتَعِيَّهَا أَذْنُنَ وَاعِيَّهُ (۱۲)

تا آن را برای شما مایه تذکر و بیداری قرار دهیم و گوش شنوا آن را [به عنوان مایه عبرت و تذکر] حفظ کند. (۱۲)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفَخَهُ وَاحِدَهُ (۱۳)

پس چون در صور یک بار دمیده شود، (۱۳)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فُدْكَتَا دَكَّهُ وَاحِدَهُ (۱۴)

و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها یک باره درهم کوبیده و ریز ریز گردند! (۱۴)

فَيُوْمِئِنْ وَقَعَتِ الْوَاقِعُهُ (۱۵)

پس آن روز است که آن واقعه بزرگ واقع می شود؛ (۱۵)

وَانْسَقَتِ السَّمَاءُ فَهَيَ يَوْمِئِنْ وَاهِيهُ (۱۶)

و آسمان بشکافد و در آن روز است که از هم گستته و متلاشی گردد؛ (۱۶)

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمِئِنْ ثَمَانِيهُ (۱۷)

و فرشتگان [برای اجرای دستورها حق] بر کناره ها و اطراف آسمان قرار می گیرند، و در آن روز هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز همه آنها حمل می کنند. (۱۷)

يَوْمِئِنْ تُعَرِّضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيهُ (۱۸)

آن روز [همه شما برای حسابرسی به پیشگاه خدا] عرضه می شوید در حالی که هیچ [عمل و نیت] پوشیده ای از شما پنهان نمی ماند. (۱۸)

فَآمَّا مِنْ أُوْتَى كِتَابَهُ يَبْيَمِينَ فَيَقُولُ هَاؤُمْ اقْرَءُوا كِتَابِيَهُ (۱۹)

اما کسی که پرونده اش را به دست راستش دهنده، می گوید: [ای مردم!] پرونده مرا بگیرید و بخوانید. (۱۹)

إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهُ (۲۰)

من یقین داشتم که حساب اعمالم را می بینم [به این سبب همه اعمالم را هماهنگ با احکام خدا انجام دادم و کردار بدم را اصلاح کردم]. (۲۰)

فَهُوَ فِي عِيشَهِ رَاضِيهِ (۲۱)

پس او در یک زندگی خوش و پسندیده ای است. (۲۱)

فِي جَهَنَّمِ عَالِيهِ (۲۲)

در بهشتی برین (۲۲)

که میوه هایش در دسترس است. (۲۳)

كُلُوا وَأَشْرُبُوا هَيْنِيَا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَّةِ (۲۴)

[به آنان گویند:] بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد به سبب اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید؛ (۲۴)

وَأَمَّا مَنْ أُوتَى كِتَابَهُ بِشَمَالِهِ فَيُقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيْهُ (۲۵)

و اما کسی که پرونده اعمالش را به دست چش دهنده، می گوید: ای کاش پرونده ام را دریافت نمی کردم، (۲۵)

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيْهُ (۲۶)

و نمی دانستم حساب من چیست؟ (۲۶)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَّةَ (۲۷)

ای کاش همان مرگ اول [که مرا از دنیا به آخرت انتقال داد] کارم را یکسره می کرد [و در نیستی ابد قرارم می داد،] (۲۷)

مَا أَغْنَى عَنِي مَالِيَّةً (۲۸)

ثروتم عذاب را از من دفع نکرد، (۲۸)

هَلَكَ عَنِي سُلْطَانِيَّةً (۲۹)

قدرت و توانم از دست رفت. (۲۹)

خُذُوهُ فَغُلُوهُ (۳۰)

[فرمان آید] او را بگیرید و در غل و زنجیرش کشید، (۳۰)

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُوهُ (۳۱)

آن گاه به دوزخش دراندازید، (۳۱)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَهِ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲)

سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد ذرع است به بند کشید، (۳۲)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (٣٣)

زیرا او به خدای بزرگ ایمان نمی آورده (۳۳)

وَلَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (٣٤)

و مردم را به اطعام نیازمندان تشویق نمی کرده. (۳۴)

ص: ۵۶۷

فَلَيَسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (٣٥)

پس امروز او را در اینجا دوست مهربان و حمایت گری نیست؛ (۳۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينِ (٣٦)

و نه غذایی مگر چرکاب و کثافت [ی از بدن اهل دوزخ!] (۳۶)

لَّا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (٣٧)

که آن را جز خطاکاران نمی خورند. (۳۷)

فَلَا أُفْسِمُ بِمَا تُبَصِّرُونَ (٣٨)

پس سوگند یاد می کنم به آنچه [از محسوسات] می بینید، (۳۸)

وَمَا لَأَتُبَصِّرُونَ (٣٩)

و آنچه [از غیر محسوسات] نمی بینید، (۳۹)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (٤٠)

بی تردید این قرآن، گفتار فرستاده ای بزرگوار است، (۴۰)

وَمَا هُوَ بِقَوْلٍ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (٤١)

و آن گفتار یک شاعر نیست، ولی جز اندکی ایمان نمی آورید، (۴۱)

وَلَا بِقَوْلٍ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَدَكَّرُونَ (٤٢)

و گفتار کاهن هم نیست، ولی جز اندکی متذکر نمی شوید. (۴۲)

تَنْزِيلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. (۴۳)

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)

و اگر [او] پاره ای از گفته ها را به دروغ بر ما می بست، (۴۴)

لَاَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيِمِينِ (۴۵)

ما او را به شدت می گرفتیم، (۴۵)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَرَتِينَ (۴۶)

سپس رگ قلبش را پاره می کردیم؛ (۴۶)

فَمَا مِنْكُمْ مَنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)

در آن صورت هیچ کدام از شما مانع از عذاب او نبود، (۴۷)

وَإِنَّهُ لَتَذَكَّرُهُ لِلْمُتَّقِينَ (۴۸)

بی تردید این قرآن، وسیله پند و تذکری برای پرهیز کاران است. (۴۸)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ (۴۹)

و ما به یقین می دانیم که از میان شما انکار کنندگانی هست. (۴۹)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَهُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و این انکار قطعاً مایه حسرت کافران است، (۵۰)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيِقِينِ (۵۱)

و بی تردید این قرآن، حقیقی یقینی است. (۵۱)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

پس به نام پروردگارت تسبیح گوی. (۵۲)

سوره المغارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)

درخواست کننده ای عذابی را که واقع شدنی است درخواست کرد، (۱)

لَكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)

[عذابی که] ویژه کافران است، [و] آن را بازدارنده ای نیست. (۲)

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَاجِ (۳)

[این عذاب] از سوی خدای صاحب درجات است. (۳)

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَهُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَهٍ (۴)

فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می روند. (۴)

فَاصْبِرْ صَبِرًا جَمِيلًا (۵)

پس صبر کن صبری نیکو [صبری که در کنارش جزع و ناخشنودی نباشد]. (۵)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶)

دشمنان و مخالفان، آن [عذاب] را دور می بینند (۶)

وَنَرَاهُ قَرِيبًا (۷)

و ما آن را نزدیک می بینیم. (۷)

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد (۸)

وَتَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ (۹)

و کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده شود (۹)

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰)

و هیچ خویشاوند و دوست صمیمی از [او ضاع و احوال] خویشاوند و دوست صمیمی اش نپرسد! (۱۰)

ص: ۵۶۸

يُبَصِّرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْلَا يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَيْنِهِ (۱۱)

آنان را نشانشان می دهند [ولی به خاطر دل مشغولی خود هرگز به آنان توجه نکنند!] گنهکار آرزو می کند که ای کاش می توانست فرزندانش را در برابر عذاب آن روز فدیه و عوض دهد! (۱۱)

وَصَاحِبِتِهِ وَأَخِيهِ (۱۲)

و نیز همسر و برادرش را (۱۲)

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳)

و قبیله و قومش را که [در دنیا] به او پناه می دادند، (۱۳)

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴)

و نیز همه کسانی را که در روی زمین اند تا [این فدیه و عوض] او را [از عذاب آن روز] نجات دهد! (۱۴)

كَلَّا إِنَّهَا لَطَّى (۱۵)

این چنین نیست [که برایش راه نجاتی باشد] همانا آتش زبانه می کشد، (۱۵)

نَزَاعَةً لِلشَّوَى (۱۶)

در حالی که دست و پا و پوست سر را برابر می کند!! (۱۶)

تَدْعُو مَنْ أَذْبَرَ وَتَوَلَّ (۱۷)

هر که را به حق پشت کرده واز دعوت حق روی گردانده، می طلب، (۱۷)

وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

و آن را که ثروت جمع کرده و به ذخیره سازی و انباشتن پرداخته، می خواند؛ (۱۸)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلْوَعًا (١٩)

همانا انسان حريص و بي تاب آفريده شده است؛ (١٩)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ بَزُوعًا (٢٠)

چون آسيبي به او رسد، بي تاب است، (٢٠)

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنْوِعًا (٢١)

وهنگامي که خير و خوشی [و مال و رفاهي] به او رسد، بسيار بخيل و بازدارنده است، (٢١)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ (٢٢)

مگر نماز گزاران، (٢٢)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (٢٣)

آنان که همواره بر نمازشان مداوم و پايدارند، (٢٣)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (٢٤)

و آنان که در اموالشان حق معلوم است (٢٤)

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (٢٥)

براي درخواست کننده [تهييدست] و محروم [از معيشت و ثروت،] (٢٥)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (٢٦)

و آنان که همواره روز پاداش را باور دارند، (٢٦)

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفَقُونَ (٢٧)

و آنان که از عذاب پروردگارشان بيمناکند، (٢٧)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (٢٨)

زيرا که از عذاب پروردگارشان ايمنی نیست، (٢٨)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹)

و آنان که دامن‌شان را [از آلدود شدن به شهوت حرام] حفظ می‌کنند، (۲۹)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أُوْ مَا مَلَكْتُ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰)

مگر در کام جویی از همسران و کنیز اشان که آنان در این زمینه مورد سرزنش نیستند. (۳۰)

فَمِنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)

پس کسانی که در بهره گیری جنسی راهی غیر از این جویند، تجاوز کار از حدود حق است، (۳۱)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲)

و آنان که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند، (۳۲)

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳)

و آنان که بر ادای گواهی‌های خود پای بند و متعهدند، (۳۳)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)

و آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی] نماز‌هایشان محافظت دارند. (۳۴)

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكَرْمُونَ (۳۵)

اینان در بهشت‌ها، مکرم و محترم است (۳۵)

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبْلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶)

کافران را چه شده که به تو چشم دوخته به سویت شتابانند؟ (۳۶)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عَزِيزٌ (۳۷)

از راست و چپ، گروه گروه، (۳۷)

أَيْطَمْعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخِلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

آیا هر یک از آنان طمع دارد که او را در بهشت پر نعمت درآورند؟! (۳۸)

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ (٣٩)

این چنین نیست، ما آنان را از آنچه خود می دانند [آبی گندیده و بی مقدار] آفریدیم. (۳۹)

ص: ۵۶۹

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَسَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (٤٠)

به پروردگار مشرق ها و مغرب ها سو گند که ما تواناییم، (۴۰)

عَلَى أَنْ تُبَدِّلَ حَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمُسْبِرِقَيْنَ (٤١)

بر اینکه به جای آنان بهتر از آنان را بیاوریم؛ و هیچ چیز ما را مغلوب نمی کند. (۴۱)

فَذَرُهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (٤٢)

پس آنان را واگذار تا [در گفتار باطل] فرو روند و مشغول بازی باشند، تا روزشان را که به آنان وعده داده اند دیدار کنند، (۴۲)

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانُوهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ (٤٣)

روزی که شتابان از خاک بیرون آیند، گویی به سوی نشانه های نصب شده می دوند، (۴۳)

خَاسِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَوَهَّقُهُمْ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (٤٤)

در حالی که دیدگانشان [از شدت ترس] فرو افتاده، خواری و ذلت آنان را می پوشاند. این همان روزی است که همواره وعده داده می شدند. (۴۴)

سوره نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيهِمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را پیش از آنکه عذابی در دنایک به آنان رسد، بیم ده. (۱)

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لِكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲)

گفت: ای قوم من! همانا من شما را بیم دهنده ای آشکارم، (۲)

أَنَّ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ (۳)

که خدا را بپرستید و از او پروا کنید و از من اطاعت نمایید، (۳)

يَغْفِر لَكُم مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤْخِرُكُمْ إِلَى أَجَلِ الَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤْخِرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

تا خدا گناهاتان را بیامزد و شما را تا زمانی معین مهلت دهد. اگر آگاهی داشته باشید [توجه خواهید کرد که] بی تردید هنگامی که اجل خدایی فرا رسد، تأخیر نخواهد داشت. (۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵)

گفت: پروردگار! همانا قوم خود را شب و روز [به آیین توحید] دعوت کردم، (۵)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (۶)

ولی دعوت من جز بر فرارشان نیفزود، (۶)

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ بَجَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)

و من هرگاه آنان را دعوت کردم تا آنان را بیامزی، انگشتان خود را در گوش هایشان کردند و جامه هایشان را به سر کشیدند و بر انکار خود پاشاری ورزیدند و به شدت تکبر کردند، (۷)

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸)

آن گاه آنان را آشکارا دعوت کردم، (۸)

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹)

سپس آشکار و پنهان آنان را خواندم. (۹)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَافِرًا (۱۰)

پس [به آنان] گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است. (۱۰)

ص: ۵۷۰

يُؤْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا (۱۱)

تا بر شما از آسمان باران پی در پی و با برکت فرستد، (۱۱)

وَيُمْدِدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)

و شما را با اموال و فرزندان یاری کند، و برایتان باغ‌ها و نهرها قرار دهد، (۱۲)

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

شما را چه شده که [ربویت خدا را نفی کرده و در نتیجه از بندگی اش دست برداشته و] به عظمت و بزرگی خدا امید ندارید؟ (۱۴)

وَقَدْ خَلَقْتُمْ أَطْوَارًا (۱۵)

در حالی که شما را مرحله به مرحله [خاک، نطفه، علقه، مضغه، گوشت، استخوان و...] آفریده است (۱۶)

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبَعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۷)

آیا ندانسته اید که خدا هفت آسمان را چگونه بر فراز یکدیگر آفرید؟ (۱۸)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۹)

و ماه را در میان آنها روشنی بخش، و خورشید را چراغ فروزان قرار داد، (۲۰)

وَاللَّهُ أَنْبَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ بَيْتاً (۲۱)

و خدا شما را از زمین [مانند] گیاهی رویانید، (۲۲)

ثُمَّ يُعِيدُ كُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۲۳)

سپس شما را در آن باز می گرداند و باز به صورتی ویژه بیرون می آورد، (۲۴)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۲۵)

و خدا زمین را برای شما فرشی گسترده قرار داد، (۲۶)

لَتَشْلُكُوا مِنْهَا سُبْلًا فِي جَاجًا (۲۷)

تا از راه‌ها و جاده‌های وسیع آن [هر جا که خواستید] بروید؟ (۲۸)

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۹)

نوح گفت: پروردگار! آنان از من نافرمانی کردند و از کسانی [چون سردمداران کفر و متولیان بتخانه] پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان جز خسارت و زیانی بر آنان نیفزود! (۳۰)

وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَارًا (۲۲)

و [این پیشوایان گمراهی، برای گمراه نگاه داشتن این مردم] نیرنگی بزرگ به کار گرفتند، (۲۲)

وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَدْرُنَّ وَدًا وَلَا سُواعًا وَلَا يَعْوَثْ وَيَعْوَقْ وَنَسْرًا (۲۳)

و گفتند: دست از معبداتان بر ندارید، و هرگز [بت های] وَد و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید؛ (۲۳)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

همانا بسیاری را گمراه کردند. و [پروردگار!] ستمکاران را جز گمراهی میفزا. (۲۴)

مَمَّا خَطِئَتِهِمْ أَعْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵)

[همه آنان] به سبب گناهانشان غرق شدند و بی درنگ در آورده شدند که [از آن] در برابر خدا برای خود یاورانی نیافتدند، (۲۵)

وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَأَتَدْرُ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذِيَارًا (۲۶)

و نوح گفت: پروردگار! هیچ یک از کافران را بروی زمین باقی مگذار (۲۶)

إِنَّكَ إِنْ تَدْرِهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَارًا (۲۷)

که اگر آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی بدکار و ناسپاس زاد و ولد نمی کنند. (۲۷)

رَبُّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتَيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

پروردگار! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه ام درآید و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و ستمکاران را جز هلاکت میفزای. (۲۸)

ص: ۵۷۱

سوره الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفْرُ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجِيبًا (۱)

بگو: به من وحی شده که گروهی از جن [به قرآن] گوش دادند و گفتند: همانا ما قرآن شگفت آوری شنیدیم، (۱)

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲)

که به سوی راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردم و هرگز احده را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد،

(۲)

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا أَتَّخَذَ صَاحِبَهُ وَلَا وَلَدًا (۳)

و [این حقایق را اعتراف و اقرار می کنیم:] اینکه برتر و بلند است عظمت پروردگارمان، و او هرگز برای خود همسری و فرزندی نگرفته است، (۳)

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهِنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴)

و اینکه سبک مغز و نادان ما همواره درباره خدا سخنی دور از حق می گفت [که او دارای همسر و فرزند است!] (۴)

وَأَنَّا ظَنَّنَا أَنَّ لَنْ تَقُولَ إِلِّي نُسْ وَالْجِنْ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵)

و اینکه گمان می کردیم، هرگز انس و حن بر خدا دروغ نمی بندند، (۵)

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعْوِذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِ فَزَادُوهُمْ رَهْقًا (۶)

و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردن، پس [مردان جن] بر طغيان و تباہی آنان افزوند، (۶)

وَأَنَّهُمْ طَلُّوا كَمَا ظَنَّنُتُمْ أَنَّ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷)

و مردانی از انس پنداشتند چنان که شما [جنیان] پنداشتید که خدا هرگز کسی را [به نبوت] برنمی انگیزد! (۷)

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْئِثَةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (۸)

و اینکه [برای کسب خبر] به آسمان نزدیک شدیم، پس آن را پر از نگهبانان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم، (۸)

وَأَنَّا كُنَّا نَعْدُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلِّسْمَعِ فَمَنْ يَسْتَمِعُ إِلَّا نَيِّجِدُ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۹)

و اینکه ما در آسمان برای شنیدن [خبرهای ملکوتی و سخنان فرشتگان] در نشست گاه هایی می نشستیم، ولی اکنون هر که بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد! (۹)

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰)

و اینکه ما نمی دانیم آیا درباره کسانی که در زمین هستند گزند و شری خواسته شده یا پروردگارشان برای آنان هدایت خواسته است؟ (۱۰)

وَأَنَا مِنَ الصَّالِحُونَ وَمِنَ الدُّونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَادًا (۱۱)

وainکه از ما برخی شایسته و برخی غیر شایسته اند، [و] ما بر مذاهب گوناگون و متفاوتی هستیم، (۱۱)

وَأَنَّا ظَنَّا أَنَّ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (۱۲)

وainکه ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم خدا را در زمین عاجز و درمانده کنیم و هرگز نمی توانیم [با گریختن و فرار] از

دسترس قدرت او بیرون رویم، (۱۲)

وَأَنَا لَكُمَا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهْقًا (۱۳)

وainکه چون هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ زیرا کسی که به پروردگارش ایمان آورد نه از کاسته شدن ثواب

می ترسد و نه ازainکه عذاب و سختی و مشقت و رنج او را احاطه کند، (۱۳)

ص: ۵۷۲

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَ الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَشْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحْرُرُوا رَشَدًا (۱۴)

وainکه گروهی از ما تسليم [فرمان ها و احکام] خدایند، و برخی منحرف اند، پس کسانی که تسليم شدند در صدد یافتن

حقیقت و راه مستقیم اند، (۱۴)

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵)

ولی منحرفان هیزم دوزخ اند، (۱۵)

وَأَنَّ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الظَّرِيقَه لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا (۱۶)

و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد، (۱۶)

لَنْفِتَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُغْرِضْ عَنِ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷)

تا آنان را در زمینه فراوانی نعمت بیازماییم و کسی که از یاد پروردگارش روی برگرداند، او را در عذابی بسیار سخت و روز افرون درخواهد آورد، (۱۷)

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸)

و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید، (۱۸)

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَنْدَ اللَّهِ يَدْعُونَ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹)

و اینکه هنگامی که بنده خدا [محمد] بر می خاست تا خدا را عبادت کند [از جنیان به اندازه ای به سویش هجوم می بردند که نزدیک بود جمعیت انبوه و متراکمی بر سر او بریزد، (۱۹)

قُلْ إِنَّمَا أَذْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰)

بگو: من فقط پروردگارم را می پرستم، و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم. (۲۰)

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۱)

بگو: من اختیار زیان و هدایتی را برای شما ندارم. (۲۱)

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۲)

بگو: [اگر از او نافرمانی کنم] هرگز کسی در برابر [عذاب] خدا مرا پناه نمی دهد، و هرگز پناهگاهی غیر او نمی یابم. (۲۲)

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا (۲۳)

[وظیفه من] فقط رساندن [برنامه های سعادت بخش] از سوی خدا و [رساندن] پیام های اوست. و آنان که از خدا و پیامبرش نافرمانی کنند، مسلماً آتش دوزخ برای آنان است و در آن جاودانه و همیشگی اند. (۲۳)

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوَعَّدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقْلَعَ عَدَدًا (۲۴)

[اینان همواره شما را ضعیف و ناتوان و بی یار می شمارند] تا زمانی که آنچه را [از عذاب] وعده داده می شوند بیینند، پس به زودی آگاه می شوند چه کسی یاورش ناتوان تر و نفراتش کمتر است؟ (۲۴)

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَفَرِيبْ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵)

بگو: نمی دانم آیا آنچه را وعده داده می شوید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی طولانی قرار خواهد داد؟ (۲۵)

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶)

[او] دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند؛ (۲۶)

إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷)

مگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از غیب] برگزیده است، پس نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحْاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَّا (۲۸)

تا مشخص کند که پیام های پروردگارشان را [به طور کامل به مردم] رسانده اند و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد، و همه چیز را از جهت عدد، شماره و احصا کرده است. (۲۸)

ص: ۵۷۳

سوره المزمول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُزَمِّلُ (۱)

ای جامه بر خود پیچیده! (۱)

قُمِ الْلَّيلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)

شب را جز اند کی [که ویژه استراحت است، برای عبادت] برخیز؛ (۲)

نُصفَهُ أَوِ انْفُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)

نصف [همه ساعات] شب [را به عبادت اختصاص ده] یا اند کی از نصف بکاه، (۳)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)

یا [مقداری] بر نصف بیفزا، و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان. (۴)

إِنَّا سَنُنْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)

به یقین ما به زودی گفتاری سنگین [چون آیات قرآن] به تو القا خواهیم کرد. (۵)

إِنَّ نَاسِئَهُ اللَّيلِ هِيَ أَشَدُ وَطْنًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)

بی تردید عبادت [ی] که در دل شب [انجام می گیرد] محکم تر و پایدارتر و گفتار در آن استوارتر و درست تر است. (۶)

إِنَّ لَكَ فِي الْهَارِ سَبِحًا طَوِيلًا (۷)

تو را در روز [برای مشاغل فراوان معنوی و هدایت مردم و حل مشکلات نیازمندان،] رفت و آمدی طولانی است [پس ساعات شب برای عبادت فرصتی بهتر است]. (۷)

وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَّلِّ إِلَيْهِ تَبَّيِّلًا (٨)

نام پروردگارت را [به زبان حال و قال] یاد کن [و از غیر او قطع امید نما] و فقط دل بر او بند. (٨)

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (٩)

[همان که] پروردگار مشرق و غرب [است]، هیچ معبدی جز او نیست، پس او را وکیل و کارساز خود انتخاب کن، (٩)

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (١٠)

و بر گفتار [و آزار] مشرکان شکیبا باش و از آنان به شیوه ای پسندیده دوری کن، (١٠)

وَدَرْنَى وَالْمُكَذِّبِينَ أُولَى النَّعْمَهِ وَمَهْلُكُهُمْ قَلِيلًا (١١)

و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و نازپرورده واگذار و آنان را اندکی مهلت ده، (١١)

إِنَّ لَدَنَا أَنْكَالًا وَجِحِيمًا (١٢)

که حتماً [برای آنان] نزد ما [به کیفر اعمالشان] زنجیرهایی گران و آتشی به شدت شعلهور است، (١٢)

وَطَعَامًا ذَا غُصَّهٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (١٣)

و غذایی گلوگیر و عذابی دردنگرد است، (١٣)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَهِيلًا (١٤)

در روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند، و کوه ها به صورت توده ای شن روان گردند! (١٤)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (١٥)

ما پیامبری که گواه بر [اعمال] شماست، به سویتان فرستادیم، همان گونه که به سوی فرعون، رسولی فرستادیم؛ (١٥)

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخْذَنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا (١٦)

پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد، پس او را به عذابی سخت گرفتیم. (١٦)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيشِيَا (١٧)

اگر امروز کفر بورزید، پس چگونه خود را [از عذاب] روزی که کودکان را پیر می کند، حفظ می نمایید؟! (١٧)

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸)

آسمان به سبب شدت و کوبندگی آن روز، درهم شکافته می شود و قطعاً وعده خدا شدنی است. (۱۸)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيْ رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹)

بی تردید این [قرآن] مایه تذکر و پند است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [باتکیه براین قرآن] برگزیند. (۱۹)

ص: ۵۷۴

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَذْنَى مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْيَافَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَهُ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عِلْمٌ أَنَّ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرُءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضٌ وَآخَرُونَ يَصْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَّغَوَّنَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرُءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَفْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسِنَا وَمَا تُقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۰)

پروردگارت آگاه است که تو و گروهی از کسانی که با تواند، نزدیک به دو سوم شب و گاهی نیمی از آن و زمانی یک سومش را [برای عبادت و خواندن قرآن] برمی خیزد، و خدا شب و روز را [دقیق و منظم] اندازه گیری می کند، و برای او مشخص است که شما هرگز نمی توانید [به علت کوتاهی و بلندی شب در طول سال، دو سوم و نصف و یک سوم را دقیقاً] اندازه گیری کنید، پس [اندازه گیری دقیق را] بر شما بخشید؛ بنابراین آنچه را از قرآن برای شما میسر است بخوانید. او می داند که به زودی برخی از شما بیمار می شوند، و گروهی برای به دست آوردن رزق و روزی خدا در زمین سفر می کنند، و بعضی در راه خدا می جنگند؛ پس آنچه را از آن میسر است بخوانید و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و وام نیکو به خدا بدھید؛ و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگ ترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۰)

سورة المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُدَثَّرُ (۱)

ای جامه برخود پوشیده! (۱)

قُمْ فَأَنِذْرْ (۲)

برخیز و بیم ده، (۲)

وَرَبَّكَ فَكَبِرْ (۳)

و پروردگارت را بزرگ دار، (۳)

و شیابک فطھر (۴)

و جامه ات را پاک کن، (۴)

والرجز فاھجڑ (۵)

و از پلیدی دور شو (۵)

ولَا تَمْنُنْ تَسْتَكِبِرْ (۶)

و [احسانت را بر دیگران] در حالی که [آن را] بزرگ و فراوان بینی، منت مگذار، (۶)

ولربک فاصبڑ (۷)

و [بر آزار دشمنان] برای پروردگارت شکیایی ورز. (۷)

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (۸)

پس زمانی که در صور دمیده شود، (۸)

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹)

آن روز، روز بسیار سختی است، (۹)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرٌ يَسِيرٌ (۱۰)

بر کافران آسان نیست، (۱۰)

ذَرْنِي وَمَنْ حَلَقْتُ وَحِيدًا (۱۱)

مرا با کسی که او را به تنها یی آفریدم و اگذار، (۱۱)

وَجَعْلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا (۱۲)

و برایش ثروت گسترده و فراوان قرار دادم، (۱۲)

وَبَنَنَ شُهُودًا (۱۳)

و فرزندانی که نزدش حاضرند (۱۳)

وَمَهَدْتُ لَهُ تَمَهِيدًا (۱۴)

و نعمت‌ها [ی مادی و وسایل زندگی] را به طور کامل برای او فراهم آوردم، (۱۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵)

باز هم طمع دارد که بیفزایم. (۱۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (۱۶)

این چنین نیست؛ زیرا او همواره به آیات ما دشمنی می‌ورزد، (۱۶)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا (۱۷)

به زودی او را به بالا رفتن از گردنۀ عذابی بسیار سخت مجبور می‌کنم. (۱۷)

ص: ۵۷۵

إِنَّهُ فَكَرَ وَقَدَرَ (۱۸)

او [برای باطل کردن دعوت قرآن] اندیشید و [آن را] سنجید؛ (۱۸)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَرَ (۱۹)

پس مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۱۹)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرَ (۲۰)

باز هم مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۲۰)

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱)

آن گاه نظر کرد، (۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲)

سپس چهره درهم کشید و قیافه نفرت آمیز به خود گرفت، (۲۲)

ثُمَّ أَذْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳)

آن گاه [از قرآن] روی گردانید و تکبر ورزید؛ (۲۳)

فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثِرُ (۲۴)

پس گفت: این قرآن جز جادویی که از جادوگران پیشین حکایت شده چیزی نیست، (۲۴)

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵)

این جز سخن بشر نمی باشد. (۲۵)

سَأَصْلِيهِ سَقَرَ (۲۶)

به زودی او را در سقر درآورم (۲۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ (۲۷)

و تو چه می دانی سقر چیست؟ (۲۷)

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (۲۸)

[آتشی است که] نه چیزی را باقی می گذارد و نه رها می کند؛ (۲۸)

لَوَاحِهُ لِلْبَشَرِ (۲۹)

پوست بدن را [همه جانبه] دگرگون می کند؛ (۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

بر آن نوزده نفر [موکل] گمارده اند (۳۰)

وَمَا بَعَدْنَا أَصْحَى مَحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَهُ وَمَا جَعَلْنَا عَدَّتَهُمْ إِلَّا فَتَنَّهُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيُسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَرْدَادُ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا
وَلَا يَرْتَابُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذِيلَكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ
يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٍ لِلْبَشَرِ (۳۱)

و ما موکلان آتش را جز فرشتگان قرار نداده ایم، و شماره آنان را جز آزمایشی برای کافران مقرر نکرده ایم تا اهل کتاب [به]
خاطر هماهنگی قرآن با کتابشان] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان [در حقایقت قرآن] تردید

نکنند، و تا بیماردلان و کافران بگویند: خدا از توصیف گماشتگان آتش به این [نوزده نفر] چه هدفی دارد؟ این گونه خدا هر که را بخواهد [پس از بیان حقیقت] گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می نماید، و سپاهیان پروردگارت را جز خود او کسی نمی داند، و این قرآن فقط مایه تذکر و پند برای بشر است. (۳۱)

كَلَا وَالْقَمَرِ (۳۲)

این چنین نیست [که کافران می پندارند که این حقایق افسانه است،] سو گند به ماه (۳۲)

وَاللَّيْلِ إِذْ أَذْبَرَ (۳۳)

[و] سو گند به شب هنگامی که پشت می کند (۳۳)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَشَفَرَ (۳۴)

و سو گند به صبح زمانی که از پرده سیاه شب درآید و رخ نماید (۳۴)

إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبُرِ (۳۵)

که بی تردید این [قرآن] از بزرگ ترین پدیده هاست؛ (۳۵)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (۳۶)

هشدار دهنده به بشر است، (۳۶)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷)

برای هر کس از شما که بخواهد [به وسیله ایمان، طاعت و انجام کار خیر] پیشی جوید یا [به سبب کفر، طغیان و گناه] پس ماند؛ (۳۷)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَه (۳۸)

هر کسی در گرو دست آورده های خویش است، (۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹)

مگر سعادتمندان (۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰)

که در بهشت ها از یکدیگر می پرسند (۴۰)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱)

از روز و حال گنهکاران، (۴۱)

ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ (۴۲)

[به آنان رو کرده] می گویند: چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟ (۴۲)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳)

می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِشْكِينَ (۴۴)

و به تهیدستان و نیازمندان طعام نمی دادیم (۴۴)

وَكُنَا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِصِينَ (۴۵)

و با فرورفتگان [در گفتار و کردار باطل] فرومی رفیم، (۴۵)

وَكُنَا نَكَذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ (۴۶)

و همواره روز جزا را انکار می کردیم (۴۶)

حَتَّىٰ أَتَانَا الْيِقِينُ (۴۷)

تا آنکه مرگ ما فرا رسید. (۴۷)

ص: ۵۷۶

فَمَا تَنَعَّمُهُمْ شَفَاعَهُ الشَّافِعِينَ (۴۸)

پس آنان را شفاعت شفیعان سودی نمی دهد؛ (۴۸)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرِهِ مُغْرِضِينَ (۴۹)

آنان را چه شده که از تذکر و هشدار روی گردانند؟ (۴۹)

كَانَهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَفِرَةٌ (٥٠)

گویی گورخرانی وحشی و رمیده اند (٥٠)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (٥١)

که از [چنگال] شیری گریخته اند؛ (٥١)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحْفًا مُّنَشَّرًا (٥٢)

بلکه هر کدام از آنان توقع دارد نامه هایی سرگشاده [از سوی خدا] دریافت دارد! (٥٢)

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (٥٣)

این چنین نیست [که علت فرارشان از دین برای دریافت نکردن نامه باشد] بلکه [فارارشان برای این است که] از آخرت نمی ترسند؛ (٥٣)

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرَهُ (٥٤)

این چنین نیست [که نامه سرگشاده ای از سوی ما به آنان رسید]، بلکه بی تردید این قرآن تذکر و هشداری است [که برای جهانیان کافی است]. (٥٤)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (٥٥)

پس هر که بخواهد از آن پند گیرد، (٥٥)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (٥٦)

و از آن پند نمی گیرند مگر آنکه خدا بخواهد، او سزاوار است که از وی پروا کنند، و سزاوار است که به آمرزشش امید بندند. (٥٦)

سوره القيامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (١)

به روز قیامت سوگند می خورم، (١)

وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ الَّوَامِهِ (٢)

و به نفس سرزنش گر قسم می خورم. (۲)

أَيْخُسْبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ تَجْمَعَ عِظَامُهُ (۳)

آيا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۴)

بَلِّي قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)

چرا در حالی که تواناییم که [خطوط] سر انگشتانش را درست و نیکو بازسازی کنیم، (۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيُفْجُرَ أَمَامَهُ (۵)

[نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (۵)

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ (۶)

[با حالتی آمیخته با تردید] می پرسد: روز قیامت چه وقت است؟ (۶)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)

پس هنگامی [است] که چشم [از سختی و هولناکی آن] خیره شود، (۷)

وَخَسَفَ الْقَمَرُ (۸)

و ماه تاریک و بی نور گردد، (۸)

وَجْمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹)

و خورشید و ماه به هم جمع شوند. (۹)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُ (۱۰)

آن روز انسان گوید: گریزگاه کجاست؟ (۱۰)

كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)

این چنین نیست، هرگز پناهگاهی وجود ندارد. (۱۱)

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقْرُ (۱۲)

آن روز قرار گاه [نهایی] فقط به سوی پروردگار توسّت. (۱۲)

يُبَشِّأُ إِلِّيْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَرَ (۱۳)

آن روز است که انسان را به اعمالی که از دیرباز یا پس از آن انجام داده، آگاه می کنند. (۱۴)

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴)

بلکه انسان خود به وضع خویش بیناست. (۱۴)

وَلَوْ أَلْقَى مَعَادِيرَهُ (۱۵)

و هر چند [برای توجیه گناهانش] بهانه ها بترشد (۱۵)

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجِلَ بِهِ (۱۶)

[پیش از پایان یافتن وحی به وسیله جبرئیل] زبانت را به حرکت در نیاور تا در خواندن آن شتاب ورزی. (۱۶)

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَةٌ وَقُرْآنٌ (۱۷)

بی تردید گردآوردن و [به هم پیوند دادن آیات که بر تو وحی می شود و چگونگی] قرائتش بر عهده ماست، (۱۷)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸)

پس هنگامی که آن را [به طور کامل] خواندیم، [به همان صورت] خواندنش را دنبال کن. (۱۸)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)

سپس توضیح و بیانش نیز بر عهده ماست. (۱۹)

ص: ۵۷۷

كَلَّا بَلْ تُحِجُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰)

[اینکه می پندارید قیامتی در کار نیست] این چنین نیست، بلکه شما عاشق ایندیای زودگذر هستید، (۲۰)

وَتَذَرُّونَ الْآخِرَةَ (۲۱)

و همواره آخرت را [برای این عشق بی پایه] رها می کنید. (۲۱)

وْجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ (۲۲)

در آن روز چهره هایی شاداب است؛ (۲۲)

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳)

[با دیده دل] به پروردگارش نظر می کند (۲۳)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴)

و چهره هایی عبوس و درهم کشیده است؛ (۲۴)

تُظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵)

چون یقین دارند که در معرض عذابی کمرشکن قرار خواهند گرفت. (۲۵)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِي (۲۶)

این چنین نیست [که می پندارد]، هنگامی که جان به گلوگاه رسد، (۲۶)

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

و [کسان بیمار] گویند: درمان کننده این بیمار کیست؟ (۲۷)

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)

و [بیمار] یقین می کند [که با رسیدن جان به گلوگاه] زمان جدایی [از دنیا، ثروت، زن و فرزند] فرا رسیده است! (۲۸)

وَالْتَّفَتَ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹)

و [از سختی جان کندن] ساق به ساق به هم پیچد؛ (۲۹)

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (۳۰)

آن روز، روز سوق و مسیر به سوی پروردگار توسط. (۳۰)

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى (۳۱)

[در آن حال فرشتگان می گویند: این به کام مرگ افتاده] نه [دعوت پیامبر را] باور کرد، و نه نماز خواند؛ (۳۱)

وَلِكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّ (۳۲)

بلکه [در میان اجتماعات] تکذیب کرد و روی گردنده؛ (۳۲)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّ (۳۳)

سپس متکبرانه و خرامان به سوی کسانش رفت. (۳۳)

أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (۳۴)

[و گویند: با این وضعی که داری، عذاب دوزخ] برای تو شایسته تراست، شایسته ترا! (۳۴)

ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (۳۵)

باز هم شایسته تراست شایسته ترا. (۳۵)

أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًّي (۳۶)

آیا انسان گمان می کند بیهوده و مهمل [و بدون تکلیف و مسؤولیت] رها می شود؟! (۳۶)

أَلَمْ يَكُنْ نُظْفَةً مِنْ مَنِّي يُمْنَى (۳۷)

آیا نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟ (۳۷)

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَى (۳۸)

سپس علقه شد و خدا او را آفرید و اندامش را درست و نیکو ساخت، (۳۸)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجِينِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (۳۹)

واز او دو زوج به وجود آورد یکی نر و دیگر ماده، (۳۹)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْبِي الْمَوْتَى (۴۰)

آیا چنین نیرومند آگاهی تو انا نیست که مردگان را زنده کند؟ (۴۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُورًا (۱)

آیا بر انسان زمانی از روزگار گذشت که چیزی در خور ذکر نبود؟ (۱)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ تَبَتَّلَتِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)

ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی [از مواد و عناصر] آفریدیم و او را از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی [از نطفه به علقه، از علقه به مضغه، از مضغه به استخوان تا طفلي كامل] درآوردیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم. (۲)

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَافُورًا (۳)

ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس. (۳)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَعْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش فروزان آماده کرده ایم. (۴)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَسْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

همانا نیکان همواره از جامی می نوشند که نوشیدنی اش آمیخته به کافور [آن ماده سرد، سپید و معطر] است. (۵)

صف: ۵۷۸

عَيْنَا يَسْرَبُ بِهَا عَبَادُ اللَّهِ يُفَجَّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

آن جام از چشمہ ای است که همواره بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که بخواهند جاری می نمایند. (۶)

يُوْفُونَ بِاللَّذِرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

[همانان که] همواره نذرشان را وفا می کنند، و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است، می ترسند، (۷)

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸)

و غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می کنند. (۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (۹)

[و می گویند:] ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعم می کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم. (۹)

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُو سَاقْمَطَرِيرًا (١٠)

ما از پروردگارمان در روزی که روز عبوس و بسیار هولناکی است می ترسیم. (۱۰)

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَاهُمْ نَصْرَةً وَسُرُورًا (۱۱)

پس خدا نگه دار آنان از آسیب و گزند آن روز است و شادابی و شادمانی به آنان عطا می کند. (۱۱)

وَجَرَأُهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (۱۲)

و آنان را برای اینکه [در برابر تکالیف دینی و حوادث روزگار] شکیایی ورزیدند، بهشتی [عنبرسرشت] و لباسی ابریشمین پاداش می دهد. (۱۲)

مُتَّكِئُنَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳)

در آنجا بر تخت ها تکیه می زنند، در حالی که آفتابی [که از گرمایش ناراحت شوند] و سرماهی [که از سختی اش به زحمت افتند] نمی بینند، (۱۳)

وَدَانِيَهُ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلُّكُ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۱۴)

و سایه های درختان به آنان نزدیک و میوه هایش به آسانی در دسترس است، (۱۴)

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَهِ مِنْ فِضَّهِ وَأَكْوَابٍ كَانْتْ قَوَارِيرًا (۱۵)

و ظرف هایی از نقره فام، و قدح هایی بلورین [که پر از غذا و نوشیدنی است] پیرامون آنان می گردانند؛ (۱۵)

قَوَارِيرٌ مِنْ فِضَّهِ قَدْرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶)

جام هایی از نقره که آنها را به اندازه مناسب اندازه گیری کرده اند، (۱۶)

وَيُسْقَفُونَ فِيهَا كَأسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجِيلًا (۱۷)

و در آنجا جامی که نوشیدنی اش آمیخته به زنجیل است، به آنان می نوشانند، (۱۷)

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسِيلًا (۱۸)

از چشمها ای در آنجا که «سلسیل» نامیده شود، (۱۸)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتُهُمْ حَسِبْتُهُمْ لُؤْلُؤًا مَسْتُورًا (۱۹)

و پیرامونشان نوجوانانی جاودانی [برای پذیرایی از آنان] می گردند، که چون آنان را بینی پنداری مرواریدی پراکنده اند، (۱۹)

وَإِذَا رَأَيْتَ شَمَّ رَأْيَتْ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (۲۰)

و چون آنجا را بینی، نعمتی فراوان و کشوری بزرگ بینی، (۲۰)

عَالَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

بر اندامشان جامه هایی از حریر نازک و سبز رنگ و دیباي ستر است و با دستبندهایی از نقره آراسته شده اند، و پروردگارشان باده طهور به آنان می نوشاند. (۲۱)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَرَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (۲۲)

[به آنان گوید:] یقیناً این [نعمت ها] پاداش شماست و تلاشتان مقبول افتاده است؛ (۲۲)

إِنَّا نَعْنُ نَرَلْنَا عَيْنِكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳)

به راستی ما قرآن را به تدریج بر تو نازل کردیم؛ (۲۳)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آتِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴)

پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبا باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن، (۲۴)

وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵)

و صبح و شام نام پروردگارت را یاد کن. (۲۵)

ص: ۵۷۹

وَمِنَ اللَّيلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْ لَيْلًا طَويِلًا (۲۶)

و پاره ای از شب را سر به سجده گذار، و او را در شب طولانی تسبیح گوی. (۲۶)

إِنَّ هُؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَدْرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (۲۷)

بی تردید اینان [که گنهکار و ناسپاس اند] دنیای زودگذر را دوست دارند [و فقط برای به دست آوردن آن می کوشند] و روز هولناک و سختی را که پیش رو دارند وامی گذارند. (۲۷)

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَّدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبَدِّيلًا (۲۸)

ما آنان را آفریدیم و مفاسیلشان را [با رشته های اعصاب و عضلات] محکم و استوار کردیم، و هر گاه بخواهیم [آن را نابود می کنیم و] امثال و نظایرشان را [که مطیع و فرمابنده اند] به جای آنان قرار می دهیم. (۲۸)

إِنَّ هَذِهِ تَدْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيْ رَبِّهِ سَبِيلًا (۲۹)

همانا این [آیات قرآن] تذکر و هشداری است؛ پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [با تکیه بر این آیات] برگزیند، (۲۹)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰)

و تا خدا نخواهد، نخواهد خواست؛ یقیناً خدا همواره دانا و حکیم است. (۳۰)

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)

هر کس را بخواهد در رحمتش درآورد و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده است. (۳۱)

سوره المرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱)

سوگند به آن فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند، (۱)

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲)

و سوگند به آن فرشتگانی که [برای آوردن وحی در سرعت حرکت] چون تندبادند. (۲)

وَالنَّاثِرَاتِ نَثَرًا (۳)

و سوگند به آن فرشتگانی که گشاینده صحیفه های وحی اند، (۳)

فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا (۴)

و سوگند به آن فرشتگانی که جدا کننده حق از باطل اند، (۴)

فَالْمُلْقَيَاتِ ذُكْرًا (۵)

و سوگند به آن فرشتگانی که القاکننده آیات آسمانی به پیامبران [اند،] (۵)

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (٦)

تا حجت [باشد برای اهل ایمان] و بیم و هشدار باشد [برای کافران] (٦)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوْاقِعٌ (٧)

[به همه این حقایق سوگند] که آنچه [به عنوان روز قیامت] وعده داده می شوید بی تردید واقع شدنی است. (٧)

فَإِذَا الْجُوْمُ طُمِسْتُ (٨)

در آن زمان که ستارگان محو و تاریک شوند، (٨)

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (٩)

و آن زمانی که آسمان بشکافد. (٩)

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِقَتْ (١٠)

و آن زمان که کوه ها از بیخ و بن کنده شوند. (١٠)

وَإِذَا الرُّسْلُ أُقْتَتْ (١١)

و آن زمان که وقت حضور پیامبران [برای گواهی بر امت ها] معین شود. (١١)

لَأَيْ يَوْمٍ أَجَلٌ (١٢)

این امور برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (١٢)

لِيَوْمِ الْفَضْلِ (١٣)

برای روز داوری (١٣)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَضْلِ (١٤)

و تو چه می دانی روز داوری چیست؟ (١٤)

وَيَلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمَكَذِّبِينَ (١٥)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان؛ (١٥)

أَلَمْ نُهَلِّكِ الْأُولَئِينَ (١٦)

آیا پیشینیان را [به سبب تکذیشان] هلاک نکردیم؟ (١٦)

ثُمَّ شُيَّعُهُمُ الْآخِرِينَ (١٧)

سپس به دنبال آنان دیگران را هم [به سبب تکذیشان] هلاک می کنیم. (١٧)

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (١٨)

با گنهکاران این گونه رفتار می کنیم. (١٨)

وَإِلَّا يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (١٩)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (١٩)

ص: ٥٨٠

أَلَمْ نَخْلُقُكُمْ مِّنْ مَاءٍ مَّهِينٍ (٢٠)

آیا شما را از آبی پست و بی مقدار نیافریدیم؟ (٢٠)

فَجَعَلْنَا فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (٢١)

پس آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم (٢١)

إِلَى قَدْرِ مَعْلُومٍ (٢٢)

تا زمانی معین؛ (٢٢)

فَقَدَرْنَا فِيْعَمِ الْقَادِرُونَ (٢٣)

پس توانا بودیم و چه نیکو توانا نییم. (٢٣)

وَإِلَّا يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٢٤)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (٢٤)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (٢٥)

آیا زمین را فراهم آورنده [انسان ها] قرار ندادیم؟ (۲۵)

أَحْيَاهُ وَأَمْوَاتًا (۲۶)

هم در حال حیاتشان و هم زمان مرگشان (۲۶)

وَجَعَنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (۲۷)

و کوه های استوار و بلند در آن قرار دادیم و شما را آبی گوارا نوشاندیم. (۲۷)

وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمَكَذِّبِينَ (۲۸)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۸)

انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُتُمْ بِهِ تَكَذِّبُونَ (۲۹)

[آن روز به آنان گویند:] به سوی آتشی که همواره آن را تکذیب می کردید، بروید؛ (۲۹)

انْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شَعَبٍ (۳۰)

و [نیز] به سوی سایه ای [از دود متراکم و آتش زا] که دارای سه شاخه است، بروید. (۳۰)

لَا ظَلِيلٌ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِ (۳۱)

[سایه ای که] نه مانع از حرارت است، و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند. (۳۱)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ رَكَالْقَصْرِ (۳۲)

آن آتش، شراره هایی چون ساختمان بلند پرتاب می کند. (۳۲)

كَانَهُ جَمَالٌ صُفْرٌ (۳۳)

گویی آن شراره ها هم چون شتران زرد رنگ هستند. (۳۳)

وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمَكَذِّبِينَ (۳۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۴)

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ (۳۵)

این روزی است که [انسان ها چون موقعیتی نمی بینند برای دفاع از خود] سخن نمی گویند، (۳۵)

وَلَا يُؤْذِنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۳۶)

و به آنان اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند. (۳۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۳۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۷)

هَذَا يَوْمُ الْفَضْلِ جَمِيعًا كُمْ وَالْأَوَّلَيْنَ (۳۸)

امروز همان روز داوری است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم. (۳۸)

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (۳۹)

پس اگر [برای فرار از عذاب] چاره و تدبیری دارید، آن را به کار گیرید. (۳۹)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي طَلَالٍ وَعَيْوَنٍ (۴۱)

به یقین پرهیزکاران در زیر سایه ها و کنار چشمه سارهایند، (۴۱)

وَفَوَّاكِهَ مِمَّا يَسْتَهُونَ (۴۲)

و نزد میوه هایی از آنچه همواره بخواهند. (۴۲)

كُلُوا وَاشْرُبُوا هَنِئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید، بخورید و بیاشامید گوارایتان باد. (۴۳)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴)

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۴۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۵)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۵)

كُلُوا وَتَمَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (۴۶)

[شما ای کافران و مشرکان! در این دنیا] بخورید و اندک زمانی برخوردار شوید که شما گنهکارید [و بی تردید به کفر اعمالتان گرفتار خواهید شد]. (۴۶)

وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۷)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (۴۸)

و هنگامی که به آنان گویند: [در برابر خدا] رکوع کنید، رکوع نمی کنند. (۴۸)

وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۹)

فَبَأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

[اگر به قرآن ایمان نیاورند] پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟ (۵۰)

ص: ۵۸۱

جزء ۳۰

سوره النبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند؟ (۱)

عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲)

از آن خبر بزرگ [قیامت کبری] (۲)

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

که همواره درباره آن با یکدیگر اختلاف دارند [که واقع می شود یا نه؟] (۳)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (٤)

نه چنین است [كه می پندارند] به زودی [به حتمی بودن وقوع آن] آگاه خواهند شد. (٤)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (٥)

باز هم نه چنین است [كه می پندارند] به زودی [به حتمی بودن وقوع آن] آگاه خواهند شد. (٥)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (٦)

آيا زمين را بستر آرامش قرار نداديم؟ (٦)

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (٧)

و کوه ها را ميخ هايي [براي استواري آن؟] (٧)

وَحَلَقْنَا كُمْ أَزْوَاجًا (٨)

و شما را جفت هايي [به صورت نر و ماده] آفريديم، (٨)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (٩)

و خوابتان را مایه استراحت و آرامش [و تمدد اعصاب] قرار داديم، (٩)

وَجَعَلْنَا اللَّيلَ لِيَاسًا (١٠)

و شب راپوششی (١٠)

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (١١)

و روز را وسیله معاش مقرر کردیم؛ (١١)

وَبَيْنَنَا فَوْقَكُمْ سَبِيعًا شِدَادًا (١٢)

و بر فراز تان هفت آسمان استوار بنا نهاديم، (١٢)

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجَا (١٣)

و چراغی روشن و حرارت زا پدید آوردیم، (١٣)

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصَرَاتِ مَاءً ثَجَاجًا (۱۴)

و از ابرهای متراکم و باران زا آبی ریزان نازل کردیم (۱۴)

لَنْخِرَجِ يَهِ حَبَّاً وَبَيَاتًا (۱۵)

تا به وسیله آن دانه و گیاه برویانیم، (۱۵)

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶)

و باغ هایی از درختان به هم پیچیده و انبوه بیرون آوریم. (۱۶)

إِنَّ يَوْمَ الْفَضْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷)

بی تردید روز داوری و عده گاه است. (۱۷)

يَوْمٌ يُنَفَّخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸)

روزی که در صور می دمند و شما گروه گروه به عرصه محشر می آید، (۱۸)

وَفُتَحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

و آسمان گشوده می شود، پس به صورت درهایی درمی آید. (۱۹)

وَسَيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰)

و کوه ها را [از جای خود] روان کنند و سرابی شوند! (۲۰)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)

بی تردید دوزخ کمین گاه است. (۲۱)

لَلَّاطَّاغِينَ مَآبًا (۲۲)

جایگاه بازگشت برای سرکشان و طاغیان است. (۲۲)

لَأَبْشِنَ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳)

روزگاری دراز در آن بمانند. (۲۳)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴)

در آنجا نه [آب] خنکی می چشند و نه آشامیدنی [باب طبع] (۲۴)

إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَافًا (۲۵)

مگر آب جوشان و چركاب و خونابه ای [از بدن دوزخیان] (۲۵)

جَزَاءٌ وَفَاقًا (۲۶)

پاداشی است مناسب [اعمالشان]. (۲۶)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷)

اینان بودند که به [روز] حساب امیدی نداشتند، (۲۷)

وَكَذَبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸)

و آیات ما را به شدت و با همه وجود انکار می کردند (۲۸)

وَكُلَّ شَيْءٍ أَخْصَيْنَا كِتَابًا (۲۹)

و [ما] همه چیز را [از خوبی و بدی آنان] برشمرده و در نامه اعمالشان ثبت کرده ایم. (۲۹)

فَذُوقُوا فَلَنْ تَزِيدَ كُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

[در قیامت به آنان می گوییم:] پس بچشید که هر گز جز عذاب بر شما نیفزاییم. (۳۰)

ص: ۵۸۲

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱)

بی تردید برای پرهیز کاران پیروزی و کامیابی است. (۳۱)

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲)

باغ هایی [سرسبز و خرم] و انواع انگورها (۳۲)

وَكَوَاعِبَ أَنْتَرَابًا (۳۳)

و دخترانی نو رسیده و هم سن (۳۳)

وَكَأْسًا دِهَافَا (۳۴)

و جام هایی لبریز [از باده طهور] (۳۴)

لَا يَسْمُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا (۳۵)

در آنجا نه سخن بیهوده ای می شوند و نه دروغ و تکذیبی. (۳۵)

جَزَاءٌ مِّنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا (۳۶)

[این] پاداشی کافی و به اندازه از سوی پروردگار توست. (۳۶)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷)

همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، آن مهربانی که هیچ کس را اختیار چون و چرای با او نیست. (۳۷)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّؤْحُ وَالْمَلَائِكَهُ صَفَّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

روزی که روح و فرشتگان در یک صفت می ایستند و سخن نمی گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و سخن حق و درست گوید. (۳۸)

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَآبًا (۳۹)

آن [روز] روز حق است، پس هر که بخواهد راه بازگشته به سوی پروردگارش برگزیند؛ (۳۹)

إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمُرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم، روزی که آدم آنچه را [از خیر و شر] پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید: ای کاش من خاک بودم [و موجودی مکلف آفریده نمی شدم تا چنین روز سختی را ببینم!] (۴۰)

سوره النازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّازِعَاتِ غَرْقاً (۱)

سوگند به فرشتگانی که [روح بدکاران را به شدت از بدن هایشان] بر می کنند، (۱)

وَالنَّاسِطَاتِ نَشَطًا (۲)

و سوگند به فرشتگانی که [روح نیکوکاران را به نرمی و ملایمت از بدن هایشان] بیرون می آورند؛ (۲)

وَالسَّابِحَاتِ سَبَّحَا (۳)

و سوگند به فرشتگانی که [برای اجرای فرمان های حق] به سرعت نازل می شوند، (۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبَّقَا (۴)

و سوگند به فرشتگانی که [در ایمان، عبادت، پرستش و اطاعت] بر یکدیگر [به صورتی ویژه] سبقت می گیرند، (۴)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرَا (۵)

و سوگند به فرشتگانی که [به اذن خدا امور آفرینش را] تدبیر می کنند؛ (۵)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)

[که همه برای رسیدن به پاداش و کیفر برانگیخته می شوند در] روزی که لرزاننده همه چیز را به شدت بلرزاند؛ (۶)

تَتَبَعُهَا الرَّادِفَةُ (۷)

در حالی که لرزاننده دیگری از پی آن در آید. (۷)

قُلُوبُ يَوْمَئِنْدِ وَاجْفَةُ (۸)

دل هایی در آن روز مضطرب و هراسان اند (۸)

أَبْصَارُهَا حَاسِعَةٌ (۹)

دیدگانشان [از ترس و هول قیامت] فرو افتاده است. (۹)

يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰)

می گویند: آیا ما [پس از مرگ] به همان حالت اول [که در دنیا بودیم] باز گردانده می شویم؟ (۱۰)

إِذَا كُنَّا عَظَامًا نَخْرَةً (۱۱)

[شگفتا!] آیا زمانی که ما استخوان های پوسیده و ریز ریز شدیم [بازمی گردیم؟!] (۱۱)

فَالْأُلُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ حَاسِرَةٌ (۱۲)

[و] گویند: [اگر قیامتی در کار باشد] بازگشت به حیات دوباره در آن زمان بازگشته زیانبار است. (۱۲)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)

جز این نیست آن بازگشت فقط با یک بانگ عظیم است [و بس] (۱۴)

فَإِذَا هُم بِالسَّاهِرِهِ (۱۵)

که ناگاه همه بر یک زمین صاف و هموار حاضر شوند. (۱۶)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۷)

آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۱۸)

ص: ۵۸۳

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمَقَدَّسِ طَوَى (۱۹)

هنگامی که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی نداد (۲۰)

اَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۲۱)

که به سوی فرعون برو؛ زیرا که طغیان کرده است. (۲۲)

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى (۲۳)

پس به او بگو: می خواهی [از آلدگی شرک و طغیان] پاک و پاکیزه شوی؟ (۲۴)

وَأَهْدِيَكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (۲۵)

من تو را به سوی پروردگارت راهنمایی می کنم تا از او بترسی [و از طغیان دست برداری]. (۲۶)

فَأَرَاهُ الْأَيَّهُ الْكُبُرَى (۲۷)

پس آن معجزه بزرگ تر را به او نشان داد. (۲۸)

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۹)

ولی [او آن را] تکذیب کرد و سرپیچی نمود. (۳۰)

ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى (۲۲)

سپس [به حق] پشت کرد [و برای نابودی موسی] به تلاش برخاست! (۲۲)

فَحَشَرَ فَنَادَى (۲۳)

پس [قومش را] گرد آورد، و ندا داد (۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (۲۴)

و گفت: من پروردگار بزرگ تر شما هستم. (۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرِهِ وَالْأُولَى (۲۵)

پس خدا هم [به کیفر این ادعای نابجا] او را به عذاب آخرت و دنیا دچار ساخت. (۲۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعْبَرَةٌ لِمَنْ يَخْشَى (۲۶)

بی تردید در این سرگذشت برای کسی که [[از عذاب خدا] بترسد عبرتی است. (۲۶)

أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا (۲۷)

آیا آفریدن شما [پس از مرگ] دشوارتر است یا آسمان که او آن را بنا کرد؟ (۲۷)

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا (۲۸)

سقفش را برافراشت، پس آن را درست و نیکو قرار داد، (۲۸)

وَأَغْطَشَ لَيَاهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹)

و شبش را تاریکو روزش را روشن ساخت، (۲۹)

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (۳۰)

و زمین را پس از آن گسترانید، (۳۰)

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (۳۱)

واز آن آبو چراگاهش را بیرون آورد، (۳۱)

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (٣٢)

وَكُوهُهَا مَحْكُمٌ وَاسْتَوْارٌ نَمُود (٣٢)

مَتَاعًا لَكُمْ وَلَا يَنْعَامُكُمْ (٣٣)

تَامَيْهَ بَهْرَهُورِي شَمَا وَدَامْ هَايَتَانْ باشَد. (٣٣)

فَإِذَا جَاءَتِ الظَّاهِمَةُ الْكُبْرَى (٣٤)

پس زمانی که آن حادثه بزرگتر [و غیر قابل دفع] در رسد، (٣٤)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (٣٥)

در آن روز انسان آنچه تلاش و کوشش کرده به یاد آورد (٣٥)

وَبَرِزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (٣٦)

و دوزخ را برای هر بیننده ای آشکار سازند، (٣٦)

فَأَمَّا مَنْ طَغَى (٣٧)

و اما کسی که طغيان و سركشی کرده (٣٧)

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (٣٨)

و زندگی دنيا را [بر زندگی ابد و جاوید آخرت] ترجیح داده، (٣٨)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمُأْوَى (٣٩)

پس بی تردید جایگاهش دوزخ است؛ (٣٩)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (٤٠)

و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگارش ترسیده و نفس را از هوا و هوس بازداشته است؛ (٤٠)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمُأْوَى (٤١)

پس بی تردید جایگاهش بهشت است. (٤١)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانُ مُرْسَاهَا (٤٢)

همواره از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟ (٤٢)

فِيمَ أَنَّ مِنْ ذِكْرَاهَا (٤٣)

تو از بسیار یاد کردنش [و سخن گفتن درباره آن] چه به دست می آوری؟ (٤٣)

إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَا هَا (٤٤)

نهایتش به سوی پروردگار توست [کیفیت برپا شدن و زمان وقوع و اوصافش را کسی جز خدا نمی داند]. (٤٤)

إِنَّمَا أَنَّ مُنْذِرًا مَنْ يَخْشَاهَا (٤٥)

وظیفه تو فقط بیم دادن کسانی است که همواره از آن می ترسند. (٤٥)

كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُسُوا إِلَّا عَشَيَّهُ أَوْ ضُحَاحَا هَا (٤٦)

گویی آنان روزی که قیامت را می بینند چنین می پندارند که در برزخ جز شامگاهی یا صبح گاه آن درنگ نکرده اند! (٤٦)

ص: ٥٨٤

سورة عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَبْسَ وَتَوَلَّ (١)

چهره در هم کشید و روی گردانید، (١)

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (٢)

از اینکه آن مرد نایينا نزد او آمد! (٢)

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَهُ يَرَكَ (٣)

تو چه می دانی شاید او [در پرتو تعالیم اسلام از آلودگی] پاک و پاکیزه شود (٣)

أَوْ يَذَّكَرُ فَتَسْفَعُهُ الذُّكْرُى (٤)

یا متذکر [حقایق] گردد و آن تذکر او را سود دهد؛ (٤)

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى (٥)

اما کسی که خود را ثروتمند نشان می دهد (۵)

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدِّي (٦)

تو به او روی می آوری [و نسبت به وی اهتمام می ورزی] (٦)

وَمَا عَلِيَّكَ أَلَا يَرَكَ (٧)

در حالی که اگر او نخواهد خود را [از آلدگی های باطنی و عملی] پاک کند تکلیفی بر عهده تو [نسبت به او] نیست؛ (٧)

وَأَمَّا مَنِ جَاءَكَ يَسْعَى (٨)

و اما آنکه شتابان نزد تو آمد (٨)

وَهُوَ يَحْشِي (٩)

در حالی که [از پروردگارش] می ترسد، (٩)

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (١٠)

تو [با روی گردانی] از او به دیگران می پردازی. (١٠)

كَلَّا إِنَّهَا تَذَكَّرٌ (١١)

این چنین [برخوردی شایسته] نیست، بی تردید این آیات قرآن مایه پند است. (١١)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (١٢)

پس هر که خواست از آن پند گیرد، (١٢)

فِي صُحْفٍ مُّكَرَّمٍ (١٣)

در صحیفه هایی است ارزشمند (١٣)

مَرْفُوعٍ مُّطَهَّرٍ (١٤)

بلند مرتبه و پاکیزه (١٤)

بِأَيْدِي سَفَرَهِ (۱۵)

در دست سفیرانی (۱۵)

سِكِّرَامِ بَرَرَهِ (۱۶)

بزرگوار و نیکوکار. (۱۶)

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)

مرگ بر انسان، چه کافر و ناسپاس است! (۱۷)

مِنْ أَىٰ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)

[خدا] او را از چه چیز آفریده؟ (۱۸)

مِنْ نُطْفَهٖ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ (۱۹)

از نطفه ای [ناچیز و بی مقدار] آفریده است، پس او را [در ذات، صفات و اندام] اندازه لازم عطا کرد. (۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسِيرَهُ (۲۰)

آن گاه راه [هدایت، سعادت، خیر و طاعت] را برایش آسان ساخت. (۲۰)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَاقْبَرَهُ (۲۱)

سپس او را میراند و در گور نهاد، (۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (۲۲)

و سپس چون بخواهد او را زنده می کند. (۲۲)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمْرَهُ (۲۳)

این چنین نیست [که وظیفه اش را انجام داده باشد] هنوز آنچه را به او دستور داده به جا نیاورده است. (۲۳)

فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)

پس انسان باید به خوراکش با تأمل بنگرد (۲۴)

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبَّاً (٢٥)

که ما [از آسمان] آب فراوانی فرو ریختیم. (۲۵)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقَّاً (٢٦)

سپس زمین را [به صورتی سودمند] از هم شکافتیم. (۲۶)

فَأَبْيَثْنَا فِيهَا حَبَّاً (٢٧)

پس در آن دانه های فراوانی رویاندیم، (۲۷)

وَعِنْبَنَا وَقَضْبَنَا (٢٨)

و انگور و سبزیجات (۲۸)

وَزَيْتُونًا وَنَحْلًا (٢٩)

و زیتون و درخت خرما.... (۲۹)

وَحَدَائِقَ غُلْبَنَا (٣٠)

و بوستان های پر از درخت تناور و بزرگ (۳۰)

وَفَاكِهَهُ وَأَبَانَا (٣١)

و میوه و چراغ کاه (۳۱)

مَئَانِي لَكُمْ وَلَا نَعَامِكُمْ (٣٢)

تا مایه برخورداری شما و دام هایتان باشد. (۳۲)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ (٣٣)

پس زمانی که آن بانگ هولناک و مهیب در رسد، (۳۳)

يَوْمَ يَفْرُرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (٣٤)

روزی که آدمی فرار می کند، از برادرش (۳۴)

وَأَمْهِ وَأَبِيهِ (٣٥)

و از مادر و پدرش ... (٣٥)

وَصَاحِبَتِهِ وَبَيْهِ (٣٦)

و از همسر و فرزندانش (٣٦)

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (٣٧)

در آن روز هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می کند [تا جایی که نمی گذارد به چیز دیگری بپردازد]. (٣٧)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (٣٨)

در آن روز چهره هایی درخشان و نورانی است (٣٨)

ضَاحِكَهُ مُسْتَبِشِرَةٌ (٣٩)

خندان و خوشحال ... (٣٩)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (٤٠)

و در آن روز چهره هایی است که بر آنان غبار نشسته (٤٠)

تَرْهُقُهَا قَتَرَةٌ (٤١)

[و] سیاهی و تاریکی آنان را فرا گرفته است؛ ... (٤١)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (٤٢)

آنان همان کافران بد کارند. (٤٢)

ص: ٥٨٥

سورة التكوير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا الشَّمْسُ كُوَرَتْ (١)

هنجامی که خورشید را به هم در پیچند (۱)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)

و هنگامی که ستارگان تیره و بی نور شوند (۲)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)

و هنگامی که کوه ها را به حرکت آرنده از جا بر کنند (۳)

وَإِذَا الْعَشَارُ عُطْلَتْ (۴)

و هنگامی که اموال نفیس و با ارزش رها و بی صاحب شود (۴)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُسِرَتْ (۵)

و هنگامی که همه حیوانات وحشی محشور شوند (۵)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجَرَتْ (۶)

و هنگامی که دریاهای مشتعل و برافروخته گردند (۶)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوْجَتْ (۷)

و هنگامی که هر کس [با همسان خود] قرین و جفت شوند [خوبان با خوبان و بدان با بدان] (۷)

وَإِذَا الْمَوْءُودَهُ سُيَلَتْ (۸)

و هنگامی که از [دختر] زنده به گور بپرسند (۸)

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)

به کدام گناه کشته شده؟ (۹)

وَإِذَا الصُّحْفُ نُشِرَتْ (۱۰)

و هنگامی که نامه های اعمال را بگشایند.... (۱۰)

وَإِذَا السَّمَاءُ كُسِطَتْ (۱۱)

و هنگامی که آسمان را به شدت برکنند و برچینند (۱۱)

وَإِذَا الْجِحِيمُ سُرَّعَتْ (۱۲)

و هنگامی که دوزخ افروخته شود.... (۱۲)

وَإِذَا الْجَنَّةُ أَزْلَفَتْ (۱۳)

و هنگامی که بهشت را نزدیک آرند (۱۳)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَخْضَرَتْ (۱۴)

[در چنین موقعیت و زمانی است که] هر کس هر عملی را [از خیر و شر] حاضر کرده است، بداند. (۱۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَسِّ (۱۵)

پس سوگند به ستارگانی که باز می گردند، (۱۵)

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶)

ستارگانی که به سرعت می روند و پنهان می شوند (۱۶)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَشَعَسَ (۱۷)

و سوگند به شب هنگامی که [روی می آورد، و زمانی که] می رود (۱۷)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَّسَ (۱۸)

و سوگند به صبح هنگامی که می دمد [و با گستردن نورش تاریکی را می زداید] (۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

که قرآن کلام فرستاده ای ارجمند و بزرگوار است. (۱۹)

ذِي قُوَّهِ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

نیرومندی که نزد صاحب عرش دارای مقام و منزلت است؛ (۲۰)

مُطَاعَ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

آنجا مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است.... (۲۱)

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲)

و رفیق و یار شما دیوانه نیست. (۲۲)

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ (۲۳)

بی تردید امین وحی را در افق روشن دیده است، (۲۳)

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَيْنِينِ (۲۴)

و او نسبت به [[ابلاغ و تعلیم] آنچه به او وحی می شود، بخیل نیست (۲۴)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (۲۵)

و قرآن، کلام شیطان رانده شده نیست؛ (۲۵)

فَأَيْنَ تَدْهِبُونَ (۲۶)

پس [با انکار قرآن و روی گرداندن از آن] کجا می روید؟ (۲۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۲۷)

قرآن فقط وسیله یادآوری و پند برای جهانیان است؛ (۲۷)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمْ (۲۸)

برای هر کس از شما که بخواهد [در همه شؤون زندگی مادی و معنوی] راه مستقیم بپیماید (۲۸)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

و شما [طی راه مستقیم را] نخواهید خواست مگر آنکه خدا پروردگار جهانیان بخواهد. (۲۹)

ص: ۵۸۶

سوره الإنقطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ (۱)

هنجامی که آسمان بشکافد (۱)

وإِذَا الْكَوَافِرُ اسْتَرَثُ (۲)

و هنگامی که ستارگان پراکنده شوند (۲)

وإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

و هنگامی که دریاها شکافته شوند [و به هم پیوندند] (۳)

وإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

و هنگامی که قبرها زیر و رو شوند، (۴)

عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ وَأَخَرَتْ (۵)

هر کسی آنچه را [از خیر و شر] پیش فرستاده و باز پس نهاده بداند. (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مغور کرده است؟ (۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

همان کسی که تو را آفرید و اندامت را درست و نیکو ساخت و متعادل و متناسب قرار داد، (۷)

فِي أَيِّ صُورَهِ مَا شَاءَ رَكَبَكَ (۸)

و تو را در هر نقش و صورتی که خواست ترکیب کرد. (۸)

كَلَّا بِلْ تُكَذِّبُونَ بِاللّٰهِينَ (۹)

این چنین نیست [که سبب ارتکاب گناهاتنان مغور بودنتان به بزرگواری پروردگار باشد]، بلکه روز جزا را تکذیب می کنید

[و با این تکذیب، راه گناه را به روی خود باز می نمایید،] (۹)

وإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (۱۰)

و بی تردید بر شما نگهبانانی گماشته اند (۱۰)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (١١)

بِزَرْگَوَارَانِي نُويِسندَه (١١)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (١٢)

كَه آنچه را [از خير و شر] انجام مى دهيد، مى دانند [و ضبط مى کنند]. (١٢)

إِنَّ الْأَئِمَّرَارَ لَفِي تَعِيمٍ (١٣)

به يقين نیکان در نعمت فراوانی قرار دارند (١٣)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (١٤)

و مسلمًا گناهکاران در دوزخ اند (١٤)

يَصْلُوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (١٥)

[كه] روز پاداش در آن درآيند، (١٥)

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (١٦)

و آنان از دوزخ غایب نمی شوند (١٦)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (١٧)

و تو چه مى داني روز جزا چيست؟ (١٧)

ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (١٨)

باز چه مى داني روز جزا چيست؟ (١٨)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ (١٩)

روزی که کسی از کسی چیزی از عذاب را دفع نمی کند، و در آن روز، فرمان و حکم ویژه خداست. (١٩)

سورة المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيَنِّي لِلْمُطَفَّفِينَ (١)

وای بر کم فروشان! (۱)

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

آنان که چون از مردم کالایی را با پیمانه و وزنی ستانند، تمام و کامل می ستانند، (۲)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

و چون برای آنان پیمانه و وزن کنند، کم می دهند. (۳)

أَلَا يَعْظِنُ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

آیا اینان یقین ندارند که حتماً بر انگیخته می شوند؟ (۴)

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵)

برای روزی بزرگ، (۵)

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)

روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پا می ایستند. (۶)

ص: ۵۸۷

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجْنٍ (۷)

این چنین نیست که می پنداشند [در آن روز] یقیناً پرونده بدکاران در سجین است. (۷)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجْنٌ (۸)

و تو چه می دانی که سجین چیست؟ (۸)

كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۹)

قضا و سرنوشتی حتمی [برای خائنان] است. (۹)

وَيَلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان. (۱۰)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (١١)

آنان که همواره روز جزا را تکذیب می کنند. (۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدِلٍ أَثِيمٍ (۱۲)

و آن را جز هر متباوز گناه پیشه تکذیب نکند، (۱۲)

إِذَا تُثَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

[که] هرگاه آیات ما را برابر او خوانند می گوید: افسانه های پیشینیان است. (۱۳)

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

این چنین نیست که می گویند، بلکه گناهانی که همواره مرتكب شده اند بر دل هایشان چرک و زنگار بسته است [که حقایق را افسانه می پندارند]. (۱۴)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنِ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمْحَجُوبُونَ (۱۵)

این چنین نیست که آنان می پندارند، بلکه اینان در آن روز از پروردگارشان محجوب اند. (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (۱۶)

سپس آنان بی تردید وارد دوزخ می شوند. (۱۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

[به آنان] گویند: این است آن دوزخی که همواره تکذیب شده است. (۱۷)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلْيَيْنَ (۱۸)

این چنین نیست [که این سبک مغزان درباره نیکان می پندارند] بلکه پرونده نیکان در علیین است (۱۸)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلْيَيْنَ (۱۹)

تو چه می دانی علیین چیست؟ (۱۹)

كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۲۰)

قضا و سرنوشتی حتمی [برای نیکان] است. (۲۰)

يَسْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)

مقربان آن را مشاهده می کنند. (۲۱)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

بی تردید نیکان در نعمتی فراوانند (۲۲)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳)

بر تخت ها [ای آراسته و پارازش تکیه زده و مناظر زیبای بهشت را با چشم سر و جمال محظوظ را با چشم دل] می نگرند.

(۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَصْرَةُ النَّعِيمِ (۲۴)

در چهره هایشان شادابی و طراوت نعمت را می یابی. (۲۴)

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْنُومٍ (۲۵)

آنان را از باده ناب و طهوری که سربسته و مُهر و موم شده است، می نوشانند. (۲۵)

خَتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلِيَتَافِسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

مُهر و مومنش مشک است، و رقابت کنندگان و مسابقه گران باید به سوی این نعمت ها بر یکدیگر پیشی گیرند، (۲۶)

وَمَرَاجِهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷)

و [این باده ناب مُهر و موم شده،] آمیخته ای از «تسنیم» است (۲۷)

عَيْنَا يَشْرُبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

[آن] چشمی ای که همواره مقربان از آن می نوشن. (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

بدکاران همواره [در دنیا از روی ریشخند و استهزا] به مؤمنان می خنديدند (۲۹)

وَإِذَا مَرُوا بِهِمْ يَتَغَامِزُونَ (٣٠)

و هنگامی که بر آنان می گذشتند آنان را با اشاره چشم وابرو به مسخره می گرفتند، (۳۰)

وَإِذَا انْقَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَبُوا فَكِهِنَ (۳۱)

و چون به خانواده خود بازمی گشتند [به سبب تمسخر مؤمنان] خوشحال و شادمان باز می گشتند، (۳۱)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُولُونَ (۳۲)

و هنگامی که مؤمنان را می دیدند، می گفتند: بی تردید اینان گمراه اند؛ (۳۲)

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳)

و حال آنکه کافران را بر مؤمنان نگهبان و مراقب نفرستاده بودند [که مراقب هدایت و گمراهی آنان باشد]. (۳۳)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحِكُونَ (۳۴)

پس امروز همواره مؤمنان به کافران می خندند. (۳۴)

ص: ۵۸۸

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵)

بر تخت ها [ی آراسته و پرارزش تکیه زده] می نگرند (۳۵)

هَلْ ثُوَبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

که آیا کافران را در برابر آنچه همواره انجام می دادند کیفر داده اند؟ (۳۶)

سوره الإنشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)

هنگامی که آسمان بشکافد (۱)

وَأَذِنْتُ لِرَبِّهَا وَحْقَّتْ (۲)

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعت از فرمان،] سزاوارتر گردد (۲)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَثٌ (۳)

و هنگامی که زمین گسترده شود (۳)

وَأَلْقْتُ مَا فِيهَا وَتَخْلُّتْ (۴)

و آنچه را در درون دارد بیرون افکند، و تهی گردد (۴)

وَأَذِنْتُ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ (۵)

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعت از فرمان،] سزاوارتر گردد، (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)

ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی، پس او را [در حالی که مقام فرمانروایی مطلق و حکومت بر همه چیز ویژه اوست و هیچ حکومتی در برابرش وجود ندارد،] دیدار می کنی، (۶)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ يَبْيَمِينِ (۷)

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهنده، (۷)

فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)

به زودی با حسابی آسان به حسابش رسیدگیشود، (۸)

وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)

و خوشحال و شادمان به سوی خانواده اش [در بهشت] باز گردد، (۹)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)

و اما کسی که نامه اعمالش را از پشت سرش دهنده، (۱۰)

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (۱۱)

به زودی با فریادی حسرت بار، هلاکت و نابودی خود را خواهد، (۱۱)

وَيَصْلَى سَعِيرًا (۱۲)

و در آتش افروخته در آید. (۱۲)

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَشْرُورًا (۱۳)

او همواره در میان خانواده اش [به ثروت و مال و مقام] خوشحال و شادمان بود. (۱۴)

إِنَّهُ ظَلَّ أَنَّ لَنْ يَحُوَّرَ (۱۵)

او می پنداشت که هر گز پس از مرگ [به حیات دوباره] باز نخواهد گشت. (۱۶)

بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۷)

آری، بی تردید پروردگارش نسبت به [همه امور] او بینا بود [از این جهت تمام اعمال و دست آوردهش را برای پاداش و کیفر ثبت کرد]. (۱۸)

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۹)

سوگند به سرخی کنار افق به هنگام غروب خورشید (۲۰)

وَاللَّٰلِيٰ وَمَا وَسَقَ (۲۱)

و سوگند به شب و آنچه را [از موجودات پراکنده شده در روز، در خانه ها و لانه ها] جمع می کند (۲۲)

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۲۳)

و سوگند به ماه هنگامی که بدر کامل می شود (۲۴)

لَتَرَكَنَ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ (۲۵)

که شما حالی را پس از حالی [که مراحل مختلف زندگی است و در سختی و زحمت مطابق یکدیگرند] طی می کنید [تا به دیدار پروردگار تان نایل آید]. (۲۶)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۷)

پس اینان را چه می شود که ایمان نمی آورند؟! (۲۸)

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۹)

و هر گاه قرآن را بر آنان خوانند، خاضع و تسليم نمی شوند؟! (۳۰)

بِلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (۲۲)

بلکه کافران همواره انکار هم می کنند! (۲۲)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوَعِّدُونَ (۲۳)

و خدا به آنچه [از انکار، کفر، نفاق، حسد و...] در دل خود جمع می کنند، داناتر است. (۲۳)

فَبَشِّرُهُمْ بِعِذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۴)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

مگر آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، که آنان را پاداشی جاودان و بی منت است. (۲۵)

ص: ۵۸۹

سوره البروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

سوگند به آسمان که دارای برج هاست (۱)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعِدِ (۲)

و سوگند به روزی که [برپا شدنش را برای داوری میان مردم] و عده داده اند (۲)

وَشَاهِيدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

و سوگند به شاهد [که پیامبر هر امت است] و مورد مشاهده [که اعمال هر امت است؟] (۳)

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ (۴)

مرده باد صاحبان آن خندق [که مؤمنان را در آن سوزانندند]. (۴)

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (۵)

آن آتشی که آتش گیرانه اش فراوان و بسیار بود، (۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (٦)

هنگامی که آنان پیرامونش [به تماشا] نشسته بودند (٦)

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (٧)

و آنچه را از شکنجه و آسیب درباره مؤمنان انجام می دادند تماشگر و ناظر بودند (٧)

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْغَرِيبِ الْحَمِيدِ (٨)

و از مؤمنان چیزی را منفور و ناپسند نمی داشتند مگر ایمانشان را به خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده؛ (٨)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَئِءٍ شَهِيدٌ (٩)

خدایی که مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره اوست و خدا بر همه چیز گواه است. (٩)

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ الْحَرِيقِ (١٠)

كسانی که مردان و زنان مؤمن را مورد شکنجه و آزار قرار دادند، سپس توبه نکردند، نهايتأً عذاب دوزخ و عذاب سوزان برای آنان است. (١٠)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (١١)

بی تردید کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، ویژه آنان است، این است کامیابی بزرگ. (١١)

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (١٢)

بی تردید به قهر گرفتن و مجازات پروردگارت بسیار سخت است. (١٢)

إِنَّهُ هُوَ يُنْدِئُ وَيُعِيدُ (١٣)

اوست که [مخلوقات را] می آفریند، و [پس از مرگ] باز می گرداند.... (١٣)

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (١٤)

و او بسیار آمرزنده و دوستدار [مؤمنان] است. (١٤)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (١٥)

صاحب عرش و ارجمند [و عالی صفات] است. (۱۵)

فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ (۱۶)

آنچه را بخواهد [بی آنکه بازدارنده ای در برابر ش باشد] انجام می دهد. (۱۶)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۷)

آیا خبر آن سپاهیان به تو رسیده است؟ (۱۷)

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۸)

[سپاهیان] فرعون و ثمود [که به سبب تکذیب شان به عذابی در دنک دچار شدند؛] (۱۸)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹)

[فقط آنان تکذیب گر نبودند] بلکه کافران [قوم تو] در تکذیبی سخت ترند.... (۱۹)

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُّحِيطٌ (۲۰)

و خدا از همه سو بر آنان احاطه دارد. (۲۰)

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّاجِدٌ (۲۱)

[چنین نیست که درباره قرآن می پنداشند] بلکه آن، قرآنی باعظمت و بلند مرتبه است (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲)

که در لوح محفوظ است [به همین خاطر از دستبرد هر تحریف گری مصون است]. (۲۲)

ص: ۵۹۰

سوره الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

سوگند به آسمان و به چیزی که در شب پدیدار می شود؛ (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

و تو چه می دانی چیزی که در شب پدیدار می شود، چیست؟ (۲)

النَّجْمُ الشَّاقِبُ (۳)

همان ستاره درخشنای است که پرده ظلمت را می شکافد. (۳)

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)

هیچ کس نیست مگر اینکه بر او نگهبانی است. (۴)

فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

پس انسان باید با تأمل بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟ (۵)

خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ (۶)

از آبی جهنده آفریده شده است؛ (۶)

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالثَّرَابِ (۷)

[آبی که] از صلب مرد و از میان استخوان های سینه زن بیرون می آید. (۷)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)

بی تردید خدا بر بازگرداندن انسان [پس از مرگش] تواناست، (۸)

يَوْمَ ثُبَّلَ السَّرَّائِرُ (۹)

روزی که رازها فاش می شود. (۹)

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰)

پس انسان را [در آن روز در برابر عذاب] نه نیرویی است و نه یاوری. (۱۰)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱)

سوگند به آسمان که دارای باران فراوان و پر ریزش است. (۱۱)

وَالأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲)

و سوگند به زمین که [برای جوشیدن چشمه ها و کشت و زرع و روییدن نباتات] دارای شکاف است. (۱۲)

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۱۳)

بی تردید که این قرآن، سخنی جدا کننده [میان حق و باطل] است (۱۴)

وَمَا هُوَ بِالْهَرْلِ (۱۵)

و آن هر گز شوخی نیست. (۱۶)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۷)

آنان همواره [برای خاموش کردن نور حق] حیله می کنند (۱۸)

وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۹)

و من [هم در برابر آنان] چاره و تدبیری [مناسب] می کنم. (۲۰)

فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلْهُمْ رُؤْيَدًا (۲۱)

پس کافران را مهلت ده و مدت اندکی آنان را در این حالی که هستند، واگذار. (۲۲)

سوره الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

نام پروردگار برتر و بلند مرتبه ات را [از هر چه رنگ شرک خفى و جلى دارد] متّه و پاک بدار. (۲)

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَى (۲)

آنکه آفرید، پس درست و نیکو گردانید. (۳)

وَالَّذِي قَدَرَ فَهَدَى (۳)

و آنکه اندازه قرار داد و هدایت کرد، (۴)

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمُرْعَى (۴)

و آنکه چراگاه را رویانید، (۴)

فَجَعَلَهُ غُنَاءً أَخْوَى (۵)

و آن را خاشاکی سیاه گردانید، (۵)

سُقْرِئُكَ فَلَا تَنَسَّى (۶)

به زودی قرآن را برابر تو می خوانیم، پس هرگز فراموش نخواهی کرد، (۶)

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى (۷)

جز آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و آنچه را پنهان است، می داند. (۷)

وَنِيَّسْرُكَ لِلْيَسَرِي (۸)

و تو را برای آسان ترین راه [که شریعت سمحه و سهله است] آماده می کنیم. (۸)

فَذَكِّرِ إِنْ نَفَعَتِ الدُّكْرِي (۹)

پس [مردم را] اندرز ده، اگر اندرز سودمند افتاد. (۹)

سَيِّدَ كُرُّ مَنْ يَخْشَى (۱۰)

کسی که از خدا می ترسد، به زودی متذکر می شود. (۱۰)

وَيَتَجَبَّهَا الْأَشْقَى (۱۱)

و کسی که از همه بدبخت تر است از آن کناره می گیرد. (۱۱)

الَّذِي يَصْلِي النَّارَ الْكُثُرِي (۱۲)

همان کسی که در آتش بزرگ تر در می آید. (۱۲)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳)

آن گاه در آنجا نه می میرد و نه به خوشی زندگی می کند. (۱۳)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴)

بی تردید کسی که خود را [از زشتی های باطن و ظاهر] پاک کرد، رستگار شد. (۱۴)

وَذَكْرُ اسْمِ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند. (۱۵)

ص: ۵۹۱

بَلْ تُؤْمِنُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶)

[ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی روید] بلکه زندگی دنیا را [بر آن] ترجیح می دهید. (۱۶)

وَالْأَخْرَهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است. (۱۷)

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحْفِ الْأُولَى (۱۸)

همانا این [حقایق] در کتاب های آسمانی پیشین هست. (۱۸)

صُحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

[در] کتاب های ابراهیم و موسی. (۱۹)

سورة الغاشية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)

آیا حبر حداثه هولناکی که [همه انسان ها را از هر سو] فرامی گیرد، به تو رسیده است؟ (۱)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَائِشَعَةٌ (۲)

در آن روز چهره هایی زبون و شرمدارند؛ (۲)

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (۳)

[آنان که همواره در دنیا] کوشیده اند و خسته شده اند [و سرانجام سودی نیافته اند] (۳)

تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً (۴)

در آتشی سوزان درآیند. (۴)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيهٍ (۵)

آنان را از چشمها بسیار داغ می نوشانند؛ (۵)

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶)

برای آنان طعامی جز خار خشک و زهرآگین وجود ندارد (۶)

لَا يُشْمِنُ وَلَا يُعْنِي مِنْ جُوعٍ (۷)

که نه فربه می کند و نه از گرسنگی بی نیاز می نماید. (۷)

وْجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (۸)

در آن روز چهره هایی شاداب و باطراوت اند (۸)

لَسْعِيَهَا رَاضِيَهٌ (۹)

از تلاش و کوشش خود حشنودند (۹)

فِي جَنَّهٍ عَالِيهٍ (۱۰)

در بهشتی برین اند (۱۰)

لَا تَشْمَعُ فِيهَا لَأَغِيَهٌ (۱۱)

در آنجا سخن لغو و بیهوده نشنوند (۱۱)

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَهٌ (۱۲)

در آن چشمها ای روان است (۱۲)

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَهٌ (۱۳)

[و] در آنجا تخت هایی بلند و با ارزش قرار دارد (۱۳)

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَهٌ (۱۴)

و [در کنار چشمها] قدح ها نهاده شده است (۱۴)

وَنَمَارُقُ مَضْفُوفَةٌ (۱۵)

و [دیگر از نعمت هایش] بالش هایی پهلوی هم چیده [برای تکیه زدن بهشتی ها] ست (۱۵)

وَرَأَيْتُ مَبْثُوتَهُ (۱۶)

و فرش هایی زربافت و گسترده [که روی آن می نشینند]. (۱۶)

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

آیا با تأمل به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۷)

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

و به آسمان که چگونه بر افراسته شده؟ (۱۸)

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

و به کوه ها که چگونه در جای خود نصب شده؟ (۱۹)

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

و به زمین که چگونه گسترده شده؟ (۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرْ (۲۱)

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده ای؟ (۲۱)

لَسْتَ عَلَيْهِم بِمُضَيِّطٍ (۲۲)

تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی،] (۲۲)

إِلَّا مَنْ تَوَلَّ وَكَفَرَ (۲۳)

ولی کسی که [به دنبال تذکر پی در پی] روی گردانید و کفر ورزید. (۲۳)

فَيَعْذِذُهُ اللَّهُ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ (۲۴)

پس خدا او را به عذاب بزرگ تر عذاب خواهد کرد. (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَّاهُمْ (۲۵)

قطعاً بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابُهُمْ (۲۶)

آن گاه بی تردید حسابشان بر عهده ماست. (۲۶)

ص: ۵۹۲

سوره الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ (۱)

سوگند به سپیده دم (۱)

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲)

و به شب های ده گانه (۲)

وَالشَّفْعُ وَالْوَتْرُ (۳)

و به زوج و فرد (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرٌ (۴)

و به شب هنگامی که می گذرد. (۴)

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسْمٌ لِذِي حِجْرٍ (۵)

آیا در آنچه گفته شد، سوگندی برای خردمند هست؟ (۵)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶)

آیا ندانسته ای که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۶)

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)

و [با آن شهر] ارم که دارای کاخ های باعظمت و ساختمان های بلند بود؟ (۷)

الَّتِي لَمْ يُخْلُقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (٨)

همان که مانندش در شهرها ساخته نشده بود؟ (٨)

وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (٩)

و با قوم ثمود آنان که در آن وادی [برای ساختن بناهای استوار و محکم] تخته سنگ ها را می بریدند؟ (٩)

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (١٠)

و با فرعون نیرومند که دارای میخ های شکنجه بود؟ (١٠)

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (١١)

همانان که در شهرها، طغیان و سرکشی کردند؟ (١١)

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (١٢)

و در آنها فساد و تباہ کاری فراوانی به بار آوردند؟ (١٢)

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (١٣)

پس پروردگارت تازیانه عذاب های گوناگون را بر آنان فرو ریخت. (١٣)

إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ (١٤)

بی تردید پروردگارت در کمین گاه است؛ (١٤)

فَأَمَّا إِنْسَانٌ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَمَّهُ فَيَقُولُ رَبِّيْ أَكْرَمَنِ (١٥)

اما انسان، هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی داردش و نعمتش بخشد، می گوید: پروردگارم [چون شایسته و سزاوار بودم] مرا گرامی داشت، (١٥)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّيْ أَهَانَنِ (١٦)

و اما چون او را بیازماید، پس روزی اش را برابر او تنگ گیرد، گوید: پروردگارم مرا خوار و زبون کرد. (١٦)

كَلَّا بَلَّا تُكْرِمُونَ الْيَتَيمَ (١٧)

این چنین نیست که می پندارید، بلکه [زبونی، خواری و دور شدن شما از رحمت خدا برای این است که] یتیم را گرامی نمی دارید (۱۷)

وَلَا تَحَاضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸)

و یکدیگر را بر طعام دادن به مستمند تشویق نمی کنید (۱۸)

وَاتَّأْكُلُونَ التِّرَاثَ أَكْلًا لَّمَّا (۱۹)

و میراث خود را [با میراث دیگران بی توجه به حلال و حرام بودنش] یک جا و کامل می خورید (۱۹)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمِّا (۲۰)

و ثروت را بسیار دوست دارید. (۲۰)

كَلَّا إِذَا دَكَّتِ الْأَرْضُ دَكَّا دَكَّا (۲۱)

این چنین نیست که می پندارید، هنگامی که زمین را به شدت درهم کوبند (۲۱)

وَجَاهَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفَّا صَفَّا (۲۲)

و [فرمان] پروردگارت برسد، و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند، (۲۲)

وَجِئِيَءَ يَوْمَئِنِ بِجَهَنَّمِ يَوْمَئِنِ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرُ (۲۳)

در آن روز دوزخ را بیاورند، در آن روز انسان متذکر شود و کجا این تذکر برای او سودمند افتاد؟! (۲۳)

ص: ۵۹۳

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاةٍ (۲۴)

می گوید: ای کاش برای این زندگی ام [عبادت خالصانه و کار نیک] پیش فرستاده بودم. (۲۴)

فَيُؤْمِنِنِ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)

پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند، (۲۵)

وَلَا يُوْثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

و هیچ کس چون به بند کشیدن او به بند نکشد. (۲۶)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ (۲۷)

ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! (۲۷)

اِرْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَه مَرْضِيَه (۲۸)

به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است، باز گرد. (۲۸)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

پس در میان بندگانم درآی (۲۹)

وَادْخُلِي جَهَنَّمَ (۳۰)

و در بهشتم وارد شو. (۳۰)

سوره البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)

قسم می خورم به این شهر، (۱)

وَأَنَّتِ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

در حالی که تو در آن جای داری (۲)

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (۳)

و سوگند به پدر و آنچه زاده است؛ (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا إِلْهَانَ فِي كَبِيدٍ (۴)

همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم. (۴)

أَيْخَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

آیا گمان می کند که هر گز کسی بر او دست نیابد؟! (۵)

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَبِّدًا (٦)

می گوید: ثروت فراوانی را [برای مبارزه با پیامبر و اسلام] تباہ کرده ام! (٦)

أَيَحْسَبُ أَنَّ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (٧)

آیا گمان می کند که هیچ کس او را ندیده است [که همه اعمال و کردارش را ثبت کند؟] (٧)

أَلَّمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (٨)

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟ (٨)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (٩)

و یک زبان و دو لب؟ (٩)

وَهَدَيْتَاهُ النَّجْدَيْنِ (١٠)

و او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم [تا راه خیر را بگزینند و راه شر را واگذارد؟] (١٠)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (١١)

پس شتابان و با شدت به آن گردن سخت وارد نشد؛ (١١)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (١٢)

و تو چه می دانی آن گردن سخت چیست؟ (١٢)

فَكُّ رَقَبِيِّ (١٣)

آزاد کردن برد، (١٣)

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (١٤)

یا طعام دادن در روز گرسنگی و قحطی، (١٤)

يَتِيمًا ذَاقْ مَقْرَبَةٍ (١٥)

به یتیمی خویشاوند، (١٥)

أُو مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶)

يا مستمندی خاک نشین؛ (۱۶)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّابِرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَهِ (۱۷)

علاوه بر [انجام] این [تکالیف]، از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی سفارش کرده اند؛ (۱۷)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَهِ (۱۸)

اینان سعادتمندان اند؛ (۱۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَسْأَمَهِ (۱۹)

و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان شقاوتمندان اند (۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْضَدَهُ (۲۰)

بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد [که هیچ راه گریزی از آن ندارند]. (۲۰)

ص: ۵۹۴

سورة الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱)

سو گند به خورشید و گسترش روشنی اش (۱)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (۲)

و به ماه هنگامی که از پی آن برآید (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (۳)

و به روز چون خورشید را به خوبی آشکار کند (۳)

وَاللَّيلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

و به شب هنگامی که خورشید را فرو پوشد (۴)

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (٥)

و بـه آسمان و آنکه آن را بـنا کـرد (٥)

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (٦)

و بـه زـمـين و آنکـه آـن رـا گـستـرانـد (٦)

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّا هـا (٧)

و بـه نفس و آنکـه آـن رـا درـست و نـيـکـو نـمـود، (٧)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهـا وَتَقْوـاهـا (٨)

پـس بـزـه کـارـى و پـرـهـيـزـکـارـى اـش رـا بـه او الـهـامـ کـرـد. (٨)

قـدـ أـفـلـحـ مـنـ زـكـاـهـا (٩)

بـی تـرـدـیدـ کـسـی کـه نـفـس رـا [از آـلـودـگـی پـاـکـ کـرـد و] رـشـدـ دـاد، رـسـتـگـارـ شـد. (٩)

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهـا (١٠)

و کـسـی کـه آـن رـا [بـه آـلـودـگـی هـا و اـمـور باـزـدارـنـدـه اـز رـشـدـ] بـیـالـود [از رـحـمـتـ حـقـ] نـوـمـیدـ شـد. (١٠)

كـذـبـ ثـمـودـ بـطـغـواـهـا (١١)

قـومـ ثـمـودـ بـه سـبـب سـرـکـشـی و طـغـيـانـشـ [پـيـامـبـرـشـان رـا] تـكـذـيبـ کـرـد، (١١)

إِذْ أَبْعَثْتَ أَشْقَاهـا (١٢)

زـمانـی کـه بـدـبـختـ تـرـيـنـشـانـ بـه پـا خـاستـ. (١٢)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهـا (١٣)

پـس فـرـسـتـادـه خـدا بـه آـنـانـ گـفتـ: نـاقـه خـدا و آـبـشـخـورـش رـا [وـاـگـذـارـيدـ] (١٣)

فـكـذـبـوـهـ فـعـقـرـوـهـا فـدـمـدـمـ عـلـيـهـمـ رـبـهـمـ بـذـنـبـهـمـ فـسـوـاهـا (١٤)

ولـی بـه تـكـذـيـبـ او بـرـخـاسـتـندـ و نـاقـه رـا پـیـ کـرـدـندـ، و در نـتـيـجهـ پـرـورـدـگـارـشـانـ بـه خـاطـرـ گـناـهـشـانـ عـذـابـ سـختـیـ بـرـ آـنـانـ فـروـ رـيـختـ

و همه قوم را با خاک یکسان و برابر ساخت؛ (۱۴)

وَلَا يَحَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و خدا از سرانجام آن کار [که نابودی ستمکاران است] پرواپی ندارد. (۱۵)

سوره اللیل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَاللّٰلِ إِذَا يَغْشَى (۱)

سوگند به شب هنگامی که فرو پوشد (۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّ (۲)

و به روز هنگامی که آشکار شود (۲)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالأنَّثَيْ (۳)

و به آنکه نر و ماده آفرید؛ (۳)

إِنَّ سَعِيْكُمْ لَشَّتَّى (۴)

همانا تلاشتان گوناگون و پراکنده است؛ (۴)

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَآتَى (۵)

اما کسی که [ثروثش را در راه خدا] انفاق کرد و پرهیز کاری پیشه ساخت (۵)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶)

و وعده نیکوتر را [که وعده خدا نسبت به پاداش انفاق و پرهیز کاری است] باور کرد؛ (۶)

فَسَتَيْسِرُهُ لِيُسَرَى (۷)

پس به زودی او را برای راه آسانی [که انجام همه اعمال نیک به توفیق خدادست] آماده می کنیم (۷)

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (۸)

و اما کسی که [از انفاق ثروت] بخل ورزید و خود را بی نیاز نشان داد (۸)

وَكَذَبَ بِالْحُسْنَى (٩)

و وعده نیکوتر را تکذیب کرد، (٩)

فَسَيِّئُسْرُهُ لِلْعَسْرَى (١٠)

پس او را برای راه سخت و دشواری [که سلب هرگونه توفیق از اوست] آماده می کنیم، (١٠)

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَا لَهُ إِذَا تَرَدَّى (١١)

و هنگامی که [به چاه هلاکت و گودال گور] سقوط کند ثروتش [چیزی از عذاب خدا] را از او دفع نمی کند. (١١)

إِنَّ عَلَيْنَا لِلْهُدَى (١٢)

بی تردید هدایت کردن بر عهده ماست. (١٢)

وَإِنَّ لَنَا لِلآخرةِ وَالْأُولَى (١٣)

و به یقین دنیا و آخرت در سیطره مالکیت ماست. (١٣)

فَأَنذِرْنُكُمْ نَارًا تَلَظِّى (١٤)

پس شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم. (١٤)

ص: ٥٩٥

لَا يَضْلَاهَا إِلَّا أَلْشَقَى (١٥)

[که] جز بدبرخت ترین مردم در آن در نیایند. (١٥)

الَّذِي كَذَبَ وَتَوَلَّ (١٦)

همان که [دین را] تکذیب کرد و از آن روی گردانید. (١٦)

وَسَيِّئُجَنَّبُهَا الْأَنْقَى (١٧)

و به زودی پرهیز کارترین [مردم] را از آن دور می دارند. (١٧)

الَّذِي يُؤْتَى مَالَهُ يَتَرَكَ (١٨)

همان که مال خود را انفاق می کند تا [مال] رشد و نمو کند. (۱۸)

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدُهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹)

و هیچ کس را نزد خدا حق نعمتی نیست تا این مالی که انفاق کرده به عنوان پاداش آن نعمت به حساب او گذارد. (۱۹)

إِلَّا ابْيَاعَةَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰)

بلکه [انفاق کننده با تقوای مال خود را در راه خدا انفاق می کند] تا خشنودی پروردگار والايش را به دست آورد. (۲۰)

وَلَسُوفَ يَرْضَى (۲۱)

و [بی تردید] به زودی [در قیامت با دریافت لطف، رحمت حق و پاداش بی پایان او] خشنود خواهد شد. (۲۱)

سوره الفصی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالضُّحَى (۱)

سوگند به ابتدای روز [وقتی که خورشید پرتو افشاری می کند] (۱)

وَاللَّيلِ إِذَا سَجَى (۲)

و سوگند به شب آن گاه که آرام گیرد، (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳)

که پروردگارت تو را رها نکرده و مورد خشم و کینه قرار نداده است. (۳)

وَلَلَّا حِرَةٌ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأَوَّلِي (۴)

و بی تردید آخرت برای تو از دنیا بهتر است، (۴)

وَلَسُوفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)

و به زودی پروردگارت بخششی به تو خواهد کرد تا خشنود شوی. (۵)

أَلَمْ يَجِدْ كَيْتَيْمًا فَآوَى (۶)

آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد؟ (۶)

وَوَجَدَكَ ضَالًا فَهَدَى (٧)

و تو را بدون شریعت نیافت، پس به شریعت هدایت کرد؟ (٧)

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (٨)

و تو را تهیدست نیافت، پس بی نیاز ساخت؟ (٨)

فَأَمَّا الْيَتَيمُ فَلَا تَنْهَهُ (٩)

و اما [به شکرانه این همه نعمت] یتیم را خوار و رانده مکن (٩)

وَأَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَهُ (١٠)

و تهیدست حاجت خواه را [به بانگ زدن] از خود مران (١٠)

وَأَمَّا بِنْعَمَةِ رَبِّكَ فَحَدَّثْ (١١)

و نعمت های پروردگارت را بازگو کن. (١١)

سوره الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَللَّمْ نَسْرَخُ لَكَ صَدْرَكَ (١)

آیا سینه ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ (١)

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ (٢)

و بار گرانت را فرو ننهادیم؟ (٢)

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (٣)

همان بار گرانی که پشتت را شکست. (٣)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (٤)

و آوازه ات را برایت بلند نکردیم؟ (٤)

فَإِنَّ مَعَ الْعُشْرِ يُسْرًا (٥)

پس بی تردید با دشواری آسانی است. (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

[آری] بی تردید با دشواری آسانی است. (۶)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصُبْ (۷)

پس هنگامی که [از کار بسیار مهم تبلیغ] فراغت می یابی، به عبادت و دعا بکوش (۷)

وَإِلَى رَبِّكَ فَارْجَبْ (۸)

و مشتاقانه به سوی پروردگارت رو آور. (۸)

ص: ۵۹۶

سوره التین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ (۱)

سو گند به انجیر و زیتون (۱)

و طُور سِينین (۲)

و سو گند به طور سینا (۲)

وَهَذَا الْبَلْدِ الْأَمِينِ (۳)

و سو گند به این [مکه] شهر امن (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا إِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

که ما انسان را در نیکوترين نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم. (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَشْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

آن گاه او را [به سبب گناهکاری] به [مرحله] پست ترین پستان باز گرداندیم. (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

مَّنْ كَفَرَ بِهِ مِنْ أَنَّا نَعْلَمُ مَا يَعْمَلُونَ (۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالَّذِينَ (۷)

[ای انسان!] پس چه چیزی تو را بعد [از این همه دلایل] به تکذیب دین و [روز قیامت]، وامی دارد؟ (۸)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِيمِينَ (۹)

آیا خدا بهترین داوران نیست؟ (۱۰)

سوره العلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ يَا شَمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

بخوان به نام پروردگار特 که [همه آفریده ها را] آفریده؛ (۱)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلْقٍ (۲)

[همان که] انسان را از علق به وجود آورد. (۲)

اَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

بخوان در حالی که پروردگارت کریم ترین [کریمان] است. (۳)

الَّذِي عَلِمَ بِالْقَلْمِ (۴)

همان که به وسیله قلم آموخت، (۴)

عَلِمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

[و] به انسان آنچه را نمی دانست تعلیم داد. (۵)

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى (۶)

این چنین نیست [که انسان سپاس گزار باشد] مسلماً انسان سرکشی می کند. (۶)

أَنْ رَّآهُ اسْتَغْنَى (۷)

برای اینکه خود را بی نیاز می پندارد. (۷)

إِنَّ إِلَيْ رَبِّكَ الرُّجْعَى (٨)

بی تردید باز گشت به سوی پروردگار توست. (٨)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَا (٩)

مرا خبر ده، آیا آن کسی که باز می دارد، (٩)

عَنِّدًا إِذَا صَلَّى (١٠)

بنده ای را هنگامی که نماز می خواند؟ (١٠)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (١١)

مرا خبر ده، اگر این بنده نمازگزار بر راه راست باشد (١١)

أَوْ أَمْرٌ بِالْتَّقْوَى (١٢)

یا [دیگران را] به پرهیزکاری وادرد؟ [آیا آن بازدارنده سزاوار کیفر سخت نیست؟] (١٢)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى (١٣)

مرا خبر ده، اگر این بازدارنده [دین را] تکذیب کند و [از فرمان حق] روی برگرداند [مستحق مجازات سخت نیست؟!] (١٣)

أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (١٤)

مگر ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش را] می بیند؟ (١٤)

كَلَّا لَيْلَنَ لَمْ يَتَهِ لَنْشَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (١٥)

این چنین نیست که می پندارد [که ما کارهایش را زیرنظر نداریم،] اگر [از کارهایش] باز نایستد، به شدت موی جلوی سرش را می گیریم [و به سوی دوزخ می کشانیم]. (١٥)

نَاصِيَةٌ كَادِبٌ حَاطِبٌ (١٦)

[آری] موی جلوی سر دروغگوی خطایشه را (١٦)

فَلَيَدْعُ نَادِيَهُ (١٧)

پس [اگر بخواهد] اهل مجلس و انجمنش را [برای یاری دادنش] فرا خواند، (۱۷)

سنَدْعُ الرَّبَانِيَّةَ (۱۸)

ما هم به زودی مأموران آتش دوزخ را فرامی خوایم. (۱۸)

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

این چنین نیست [که بتواند برای نجات خود کاری کند]، هرگز از او اطاعت مکن، و سجده کن و به خدا تقرب جوی. (۱۹)

ص: ۵۹۷

سوره القدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

تو چه می دانی شب قدر چیست؟ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

شب قدر، بهتر از هزار ماه است. (۳)

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)

فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر و تنظیم] هر کاری نازل می شوند. (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

این شب تا برآمدن سپیده دم [سراسر] سلام و رحمت است. (۵)

سوره البینه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُسْرِكِينَ مُنَفَّكِينَ حَتَّى تَأْتِيهِمُ الْبَيِّنَاتُ (۱)

کافران از اهل کتاب و مشرکان [از آیین خود] جدا نمی شدند تا آن دلیل روشن برای آنان بیاید. (۱)

رَسُولُ مِنَ الَّهِ يَتْلُو صُحْفًا مُطَهَّرًا (۲)

[آن دلیل روشن] فرستاده ای [چون پیامبر اسلام] از سوی خداست که صحیفه هایی پاک را می خواند. (۲)

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَهُ (۳)

در آنها نوشته هایی استوار و بالارزش است؛ (۳)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ الْبَيِّنَهُ (۴)

و اهل کتاب درباره دین، [گروه گروه و] پراکنده نشدند مگر پس از آنکه آن دلیل روشن برای آنان آمد [و به طور کامل نسبت به آنان اتمام حجت شد]. (۴)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءٌ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاهَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيمَه (۵)

در حالی که فرمان نیافته بودند جز آنکه خدا را بپرستند، و ایمان و عبادت را برای او از هر گونه شرکی خالص کنند، و حق گرا باشند، و نماز را بربا دارند، و زکات بپردازنند؛ و این است آینه استوار و ثابت. (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شُرُّ الْبَرِّيَه (۶)

به یقین کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ اند و در آن جاودانه اند؛ اینانند که بدترین مخلوقاتند. (۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّيَه (۷)

مسلمانی کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، اینانند که بهترین مخلوقاتند. (۷)

ص: ۵۹۸

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبُّهُ (۸)

پاداششان نزد پروردگارشان بهشت های پاینده ای است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنها جاودانه اند، خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند؛ این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد. (۸)

سوره الزلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

هنگامی که زمین را با [شدیدترین] لرزش بلرزاورد، (۱)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد، (۲)

وَقَالَ إِنْسَانٌ مَا لَهَا (۳)

و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (۳)

يَوْمَئِنْ تُحَدَّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

آن روز است که زمین اخبار خود را می گوید؛ (۴)

بِإِنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (۵)

زیرا که پروردگارت به او وحی کرده است. (۵)

يَوْمَئِنْ يَصْدُرُ النَّاسُ أَسْتَانًا لَّيَرُوا أَعْمَالَهُمْ (۶)

آن روز مردم [پس از پایان حساب] به صورت گروه های پراکنده [به سوی منزل های ابدی خود بهشت یا دوزخ] باز می گردند، تا اعمالشان را [به صورت تجسم یافته] به آنان نشان دهند. (۶)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ حَيْرًا يَرَهُ (۷)

پس هر کس هموزن ذره ای نیکی کند، آن نیکی را بینند. (۷)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

و هر کس هموزن ذره ای بدی کند، آن بدی را بینند. (۸)

سوره العادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَادِيَاتِ ضَبِّحًا (۱)

سو گند به اسبان دونده ای که همه مه کنان [به سوی جنگ] می تازند (۱)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲)

و سو گند به اسبانی که با کوییدن سمشان از سنگ ها جرقه می جهانند (۲)

و سوگند به سوارانی که هنگام صبح غافل گیرانه به دشمن هجوم می برند (٣)

فَأَتَرْزَنَ بِهِ نَقْعًا (٤)

و به وسیله آن هجوم، گرد و غبار فراوانی بر انگیزند (٤)

فَوَسْطُنْ بِهِ جَمْعًا (٥)

و ناگاه در آن وقت در میان گروهی دشمن در آیند؛ (٥)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكُنُودٌ (٦)

[که] قطعاً انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است، (٦)

وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (٧)

و بی تردید خود او بر این ناسپاسی گواه است، (٧)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (٨)

و همانا او نسبت به ثروت و مال سخت علاقه مند است [و به این سبب بخل می ورزد]. (٨)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (٩)

آیا نمی داند هنگامی که آنچه در گورهاست برانگیخته شود. (٩)

ص: ٥٩٩

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (١٠)

و آنچه در سینه هاست پدیدار گردد، (١٠)

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (١١)

بی تردید در آن روز پروردگارشان نسبت به آنان آگاه است [و بر پایه اعمال نیک و بدنان به آنان پاداش و کیفر دهد].

(١١)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْقَارِعَةِ (١)

آن کوبنده (۱)

ما القارعه (۲)

چیست آن کوبنده؟ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةِ (۳)

و تو چه می دانی آن کوبنده چیست؟ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمُبْثُوثِ (۴)

روزی که مردم [در سراسیمگی] چون پروانه های پراکنده اند (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

و کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده گردد! (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

اما هر کس اعمال وزن شده اش سنگین و بالارزش است؛ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةِ رَاضِيهٍ (۷)

پس او در یک زندگی خوش و پسندیده ای است، (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

و اما هر کس اعمال وزن شده اش سبک و بی ارزش است، (۸)

فَأَمَّهُ هَاوِيَهُ (۹)

پس جایگاه و پناهگاهش هاویه است، (۹)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهُ (۱۰)

و تو چه می دانی هاویه چیست؟ (۱۰)

نَارٌ حَامِيَّةٌ (۱۱)

آتشی بسیار داغ و سوزاناست. (۱۱)

سوره التکاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ (۱)

مبهات و افتخار بر یکدیگر [به ثروت و کثرت نفرات] شما را [از پرداختن به تکالیف دینی و یاد آخرت] بازداشت؛ (۱)

حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

تا جایی که گورها را دیدار کردید [و به تعداد مردگان هم به یکدیگر مبهات و افتخار نمودید!!] (۲)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

این چنین نیست [که شما می پندارید]، به زودی [به آثار شوم این اوضاع و احوالی که دارید] آگاه خواهید شد. (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

باز هم این چنین نیست، به زودی آگاه خواهید شد. (۴)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

[زندگی واقعی] این چنین نیست [که می پندارید]، اگر به علم اليقین [که علم استوار و غیر قابل تردید است به آخرت] آگاه بودید [از تکالیف دینی و توجه به آباد کردن آخرت باز نمی ماندید]. (۵)

لَتَرَوْنَ الْجَحِيمَ (۶)

بی تردید دوزخ را خواهید دید. (۶)

ثُمَّ لَتَرَوْنَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

سپس [با وارد شدن در آن،] قطعاً آن را به دیده یقین و باور خواهید دید. (۷)

ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

آن گاه شما در آن روز از نعمت ها بازپرسی خواهید شد. (۸)

ص: ۶۰۰

سوره العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ (۱)

سو گند به عصر [ظهور پیامبر اسلام] (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

[که] بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّابِرِ (۳)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیایی سفارش کرده
اند. (۳)

سوره الهمزة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيَلِّ لُكْلُ هُمَزَهُ لُمَزَهُ (۱)

وای بر هر عیب جوی بدگوی! (۱)

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

همان که ثروتی فراهم آورده و [پی در پی] آن را شمرد [و ذخیره کرد]. (۲)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

گمان می کند که ثروتش او را جاودانه خواهد کرد. (۳)

كَلَّا لَيَبَدِّلَنَّ فِي الْحُطَمَهِ (۴)

این چنین نیست، بی تردید او را در آن شکننده، اندازند؛ (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَهُ (۵)

و تو چه می دانی آن شکننده چیست؟ (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (۶)

آتش برافروخته خداست (۶)

الَّتِي تَطَلُّعُ عَلَى الْأَفْنِدِهِ (۷)

[آتشی] که بر دل ها برآید و چیره شود. (۷)

إِنَّهَا عَيْنِهِمْ مُؤْصَدَةٌ (۸)

آن آتش بر آنان سربسته است [که هیچ راه گریزی از آن ندارند؛] (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدِهِ (۹)

[آتشی] در ستون هایی بلند و کشیده. (۹)

سورة الفيل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)

آیا ندانسته ای که پروردگارت با فیل سواران چه کرد؟ (۱)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَصْلِيلٍ (۲)

آیا نیرنگشان را در تباہی قرار نداد [ونقشه آنان را نقش بر آب نساخت؟!] (۲)

وَأَرْسَلَ عَيْنِهِمْ طَيْرًا أَبَايِلَ (۳)

و بر ضد آنان گروه گروه پرندگانی فرستاد؛ (۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَهِ مِنْ سِجْلٍ (۴)

[که] بر آنان سنگ هایی از نوع سنگ گل می افکندند. (۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفِ مَأْكُولٍ (۵)

سرانجام همه آنان را چون کاه جویده شده قرار داد. (۵)

سورة قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِإِلَافِ قُرْيَاشٍ (١)

[خدا فیل سواران را هلاک کرد] تا قریش را [با یکدیگر و با مردم و با حرم امن] الفت دهد؛ (۱)

إِلَافِهِمْ رِحْلَةُ الشَّتَاءِ وَالصَّيفِ (٢)

[و نیز] به سفرهای [تجارتی] زمستانی و [سفرهای تجارتی] تابستانی پیوند و انس دهد [تا در آرامش و امنیت، امر معاشران را تأمین کنند]. (۲)

فَلَيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (٣)

پس باید پروردگار این خانه را بپرستند؛ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ (٤)

پروردگاری که آنان را از گرسنگی نجات داد، و از بیمی [که از دشمن داشتند] ایمنی شان بخشدید. (۴)

سورة الماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِينِ (١)

آیا کسی که همواره روز جزا انکار می کند، دیدی؟ (۱)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتَامَةَ (٢)

همان که یتیم را به خشونت و جفا از خود می راند، (۲)

وَلَا يَحُضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (٣)

و [کسی را] به طعام دادن به مستمند تشویق نمی کند. (۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّيَنَ (٤)

پس وای بر نماز گزاران (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل انگارند. (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)

همانان که همواره ریا می کنند (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

و از [دادن] وسایل و ابزار ضروری زندگی [و زکات، هدیه و صدقه به نیازمندان] دریغ می ورزند. (۷)

سوره الكوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱)

بی تردید ما به تو خیر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه ریشه می گیرد] عطا کردیم. (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ (۲)

پس [به شکرانه آن] برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن. (۲)

إِنَّ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

یقیناً دشمن [که به] تو [زنم زبان می زند] خود بدون تبار و نسل [و بریده از همه خیرات و برکات] است. (۳)

ص: ۶۰۲

سوره الكافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

بگو: ای کافران! (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

آنچه را شما می پرستید، من نمی پرستم، (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

و نه شما آنچه را من می پرستم، می پرستید، (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴)

ونه من آنچه را شما پرستیده اید، می پرستم، (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

ونه شما آنچه را که من می پرستم، می پرستید. (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِي دِينِ (۶)

دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم. (۶)

سورة النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرٌ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

هنگامی که یاری خدا و [آن] پیروزی فرا رسد، (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْرَاجًا (۲)

و مردم را بینی که گروه گروه در دین خدا درآیند، (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَابًا (۳)

پس پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسییح گوی، و از او آمرزش بخواه، که او همواره توبه پذیر است. (۳)

سورة المسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَبَثْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَ (۱)

نابود باد قدرت ابو لهب، و نابود باد خودش؛ (۱)

مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲)

ثروتش و آنچه از امکانات به دست آورد چیزی [از عذاب خدا را که در دنیا عذاب استیصال است] از او دفع نکرد. (۲)

سَيِّضَلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

بِهِ زُودِی در آتشی زبانه دار در آید؛ (۳)

وَامْرَأَتُهُ حَمَالَةُ الْحَطَبِ (۴)

و [نیز] همسرش که هیزم کش است [در آتش زبانه دار در آید]. (۴)

فِي حِيدَهَا حَبْلٌ مِّنْ مَسَدٍ (۵)

[همان که] بر گردنش طنابی تاییده از لیف خرماست. (۵)

ص: ۶۰۳

سورة الإخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

بگو: او خدای یکتاست؛ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

خدای بی نیاز [همه موجودات هستی که نیازمند و عین فقرند برای رفع نیازشان روی به او کنند و از حضرتش گدایی نمایند].

(۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ (۳)

نزاده، و زاییده نشده است، (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ (۴)

و هیچ کس [در ذات و صفات] همانند و همتا و شبيه او نمی باشد. (۴)

سورة الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم، (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

از زیان مخلوقاتی که [با انحرافشان از قوانین الهی به انسان] ضرر می رسانند، (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

و از زیان شب هنگامی که با تاریکی اش درآید [که در آن تاریکی انواع حیوانات موذی و انسان های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین اند] (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره ها [می دمند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می آورند] (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

و از زیان حسود، زمانی که حسد می ورزد. (۵)

سوره الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم (۱)

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

[به] پادشاه مردم (۲)

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

[به] معبد مردم (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

از زیان وسوسه گر کمین گرفته و پنهان، (۴)

الَّذِي يُوَسِّعُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

آنکه همواره در سینه های مردم وسوسه می کند (۵)

مِنَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ (۶)

درباره مرکز

بسمه تعالیٰ

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسريع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (كتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)

۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳. جایگزین کردن محتواهای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفا ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده‌ی نویسنده‌ی آن می‌باشد.

فعالیت‌های موسسه:

۱. چاپ و نشر کتاب، جزو و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه‌های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره‌های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه:

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان‌ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا‌های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می‌نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده‌ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



www

برای داشتن کتابخانه های شخصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹